



مدیریت شهری

نشریه علمی - پژوهشی مدیریت شهری و روستایی،

مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی

سال پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵

شماره استاندارد بین المللی: ۲۲۲۷-۱۶۰۷

سال پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵

۱. شناسایی عوامل کلیدی موفقیت (CSF) بکارگیری سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری (DSS) در حوزه مدیریت شهری (مطالعه موردی شهرداری ساوه)
۲. ارائه چهار چوب نظری مناسب ساختار فضایی بنادر و مناطق پسرکانه‌ای بر مبنای روش تحلیل-محتوا
۳. ارزیابی تأثیرپذیری حس تعلق شهروندی از حس مکان با تأکید بر مولفه معنایی آن؛ نمونه موردی: شهر جدید پردیس
۴. تدوین راهنمای طراحی شهری دوست‌دار کودک
۵. سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی شهری با رویکرد معنویت‌بخشی به فضا؛ نمونه موردی: مساجد شیستانی دوره قاجاریه بازار شهر تبریز
۶. بازاندیشی تناسب‌های هندسی خلقت در آثار هنر و معماری اسلامی
۷. مقایسه تطبیقی بازارهای ایرانی و بازارهای کشورهای اسلامی (نمونه موردی: بازار بزد در ایران و بازار استانبول در ترکیه)
۸. تبیین مولفه‌های معماری حاکم بر بناهای عبادی از منظر حکمی و پدیدارشناسی
۹. تدوین اصول رویکرد درون‌زا در آموزش معماری
۱۰. تدوین الگوی آموزش محیط زیست جهت تقویت حکمرانی پایدار منابع آب کشور
۱۱. طراحی و اعتبار‌سنجی ابزارهای جهت‌آرزیابی توسعه‌توانی در مدیریت سازمانی
۱۲. مفهوم پیوستگی در شکل‌گیری و توسعه کانسپت طراحی معماری؛ نمونه موردی: معماری سنتی ایران
۱۳. بررسی ساختار کالبدی بازار به عنوان عنصر حیاتی یافت شهری قدیم؛ مورد پژوهش: بازار کاشان
۱۴. بررسی جایگاه و نقش مشارکت کودکان در طراحی و برنامه‌ریزی شهرها با تأکید بر روان‌شناسی محیط کودکان
۱۵. تأثیرات متقابل رفتار سیاسی و اخلاق حرفه‌ای و تعهد سازمانی (مطالعه موردی شهرداری بوشهر)
۱۶. مشارکت شهروندان در حفظ محیط زیست شهری با ارائه راهکارهایی در برنامه‌ریزی شهری؛ نمونه موردی: لواسان
۱۷. فراتحلیل تبیین نظریه‌ها، الگوها، روشها و تکنیک‌های خلاقیت در معماری و طراحی شهرهای خلاق
۱۸. ارزیابی پردیس‌های درون شهری بر اساس نیازهای بانوان شهروند، نمونه موردی: مناطق شهرداری کرمان
۱۹. تأثیر عامل جغرافیای اقلیم‌گرایی شهری و طبیعی بر داستان کوتاه نویسندگان خوزستان (با تأکید بر داستان‌های بهرام حیدری)
۲۰. ارزیابی فرهنگ محیط زیست در توسعه پایدار صنعت هسته‌ای کشور
۲۱. بررسی تأثیر بیگمالیون در رفتار شهروندی و سلامت سازمانی در اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل
۲۲. تحلیل جایگاه محله‌گرایی در کنترل رفتارهای نابهنجار شهروندی با تأکید بر مفهوم هویت‌سازی محلات شهر
۲۳. پدیدارشناسی بوهانی پالاسما در تفاوت جایگاه ادراکات حسی معماری یافته‌های شهری و روستایی
۲۴. مبانی مسئولیت‌مدنی شهردارها در رابطه با کارکنان و مستخدمان
۲۵. بررسی تأثیرات گردشگری بر بایرداری اقتصادی و رشد اقتصادی شهرها، نمونه موردی: شهر مشهد
۲۶. طراحی فضای شهری خودمانی با تأکید بر خاطره‌انگیزی در گذر تاریخی گلچینان یزد
۲۷. ارزیابی میزان ارتباط سلف‌بخشی منظر باغ ایرانی با فضاهای باز شهری
۲۸. نمایش تبادلات معماری و شهرسازی ایران و غرب در سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ در دوره قاجار
۲۹. خوشه‌بندی و رتبه‌بندی پیمانکاران با استفاده از مدل‌های خوشه‌بندی و ویکور (مطالعه موردی: مسکن مهر شهر جدید هشتگرد)
۳۰. بررسی رابطه توانمندسازی روانشناختی کارکنان و بهبود سطح ارتقاء عملکرد آنها در شهرداری منطقه ۱۸

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد و مقاله‌های تحقیقی که به تأیید هیات تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم می‌پذیرد. مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.
- مقاله باید فقط بر یک روی صفحه کاغذ استاندارد (۳۰-۲۱ سانتیمتر) با دو فاصله ماشین تحریر و از هر طرف سه سانتیمتر حاشیه، در سه نسخه خوانا تهیه و ارسال شود.
- صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.
- متن مقاله باید به ترتیب شامل عنوان (بدون نام نویسنده)، سه تا پنج کلمه کلیدی در مورد زمینه تحقیق، خلاصه، مقدمه، روش بررسی، نتایج بحث و نتیجه‌گیری، تشکر، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع باشد.
- خلاصه انگلیسی باید بر روی یک صفحه جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده (ها)، کلمات کلیدی، متن، نشانی کامل (به صورت زیرنویس) باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه فارسی و یک خلاصه انگلیسی باشند.
- جدولها به تعداد محدود با شماره و عنوان ماشین شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن تمیز و بدون خط خوردگی، هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- شکل‌ها و نمودارها فقط در موارد بسیار ضروری و به تعداد محدود با کیفیت خوب، بر روی کاغذ براق کشیده و یا چاپ شده با شماره عنوان، توضیح و منبع در زیر آن هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها و شکل‌ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.
- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.
- منابع مورد استفاده باید بر روی صفحه (ها) جداگانه، با شماره ردیف، به ترتیب الفبایی حروف اول نام خانوادگی نویسنده (ها)، سال انتشار داخل دو نقطه، عنوان کامل مقاله، نام انحصاری مجله، شماره دوره و یا جلد، شماره صفحات (اول تا آخر مقاله) آورده شود و در متن مقاله فقط به نام نویسنده و سال انتشار (داخل پرانتز و شماره صفحه) اشاره شود.
- در صورت استفاده از منابع فارسی و خارجی، باید ابتدا کلیه منابع فارسی و سپس کلیه منابع خارجی به ترتیب یاد شده در بالا با شماره ردیف مسلسل آورده شود.
- در مورد کتاب، مشخصات کامل کتاب، ناشر و محل نشر ذکر شود.
- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگوی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می‌باشند.
- جهت تهیه مقالات به زبانهای خارجی، به راهنمای انگلیسی مندرج در صفحه داخل جلد طرف دیگر مجله مراجعه شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صاحب امتیاز: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مدیر مسئول: مهندس هوشنگ خندان دل

سر دبیر: محمدرضا بمانیان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban management

شماره ۴۴ پاییز ۱۳۹۵
No.44 Autumn 2016



مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، تلفن: ۰۲۰۸۳۹۰۲۰۸۳، دورنگار: ۸۸۹۷۷۹۱۲، کد پستی: ۱۳۱۶۶۳۳۶۶۱

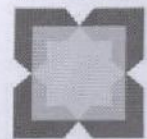
درگاه اینترنتی ارسال مقالات

<http://ijurm.imo.org.ir>

سامانه فروش الکترونیکی

<http://safta.imo.org.ir>

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
اشارات

Site: www.imo.org.ir

E-mail: JModiriyatshahri@gmail.com

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ایرج اعتصام، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر بهناز امین زاده، دانشیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

- دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر مصطفی بهزادفر، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

- دکتر محمدرضا پورجعفر، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر داراب دیبا، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)

- دکتر حمیدرضا صارمی، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر محمود طاووسی، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (بازنشسته)

- دکتر محمد مهدی عزیزی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر علی عسگری، استاد برنامه ریزی مخاطرات محیطی، دانشگاه یورک (تورنتو) کانادا

- دکتر علی غفاری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

- دکتر علی اکبر فرهنگی، استاد دانشگاه مدیریت، دانشگاه تهران

- دکتر محمود گلابچی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

- دکتر غلامرضا لطیفی، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

- دکتر مهدی مدیری، دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

- دکتر ناصر میرسپاسی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی

- دکتر محمد نقی زاده، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی

امور اجرایی: مهدی شهریاری، علی رضایی مقدم

کمیته اجرایی: ابودر دلفارادی، نیما متین فر، فثانه رحمانی

ویراستار انگلیسی: محمد زرقانی

ویراستار فارسی: امیر اشراقی

صفحه آرایی: حامد یعقوبی (پایش و پویش) payeshpouyesh@gmail.com

چاپ: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

درجه علمی - پژوهشی نشریه «مدیریت شهری» طی شماره ۳/۱۱/۳۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۷ دبیرخانه

«کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

این نشریه در پایگاه ها و درگاه های زیر نمایه می شود:

(www.ISC.gov.ir)

«پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)»

(www.SID.ir)

«پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)»

(www.Magiran.com)

«بانک اطلاعات نشریات کشور»

(www.IMO.org.ir)

«درگاه پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی»

(www.noormags.com)

«پایگاه مجلات تخصصی نور»

(www.doi.org)

«سیستم شناساگر دیجیتال نشریات علمی»

(www.rur.ir)

«پایگاه اطلاعات علمی شهری و روستایی»

(www.ensani.ir)

«پرتال جامع علوم انسانی»

مدیریت شهری

شماره ۴۴ پاییز ۹۵

No.44 Autumn 2016

۵-۶

فهرست مطالب

۱. شناسایی عوامل کلیدی موفقیت (CSF) بکارگیری سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری (DSS) در حوزه مدیریت شهری (مطالعه موردی شهرداری ساوه)
محمد رضا مردانی، مریم السادات التجا ■ ۷-۱۸
۲. ارائه چهارچوب نظری مناسب ساختار فضایی بنادر و مناطق پسرکرانه ای بر مبنای روش تحلیل-محتوا
مجتبی آراسته، هاشم داداش پور، علی اکبر تقوایی ■ ۱۹-۴۰
۳. ارزیابی تاثیرپذیری حس تعلق شهروندی از حس مکان با تاکید بر مولفه معنایی آن؛ نمونه موردی: شهر جدید پردیس
سولماز رضایی، مجتبی رفیعیان، عباس ارغان ■ ۴۱-۶۴
۴. تدوین راهنمای طراحی شهری دوست دار کودک
برتراندو بونفانتینی، امیر رستگار ■ ۶۵-۹۰
۵. سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی شهری با رویکرد معنویت بخشی به فضا؛ نمونه موردی: مساجد شبستانی دوره قاجاریه بازار شهر تبریز
بهرام احمدخانی ملکی، فرزین حق پرست ■ ۹۱-۱۰۶
۶. بازاندیشی تناسب هندسی خلقت در آثار هنر و معماری اسلامی
فاطمه اکبری ■ ۱۰۷-۱۲۴
۷. مقایسه تطبیقی بازارهای ایرانی و بازارهای کشورهای اسلامی (نمونه موردی: بازار یزد در ایران و بازار استانبول در ترکیه)
دریا نصرت پور، حسین سلطان زاده، سید هادی قدوسی فر ■ ۱۲۵-۱۳۸
۸. تبیین مولفه های معماری حاکم بر بناهای عبادی از منظر حکمی و پدیدارشناسی
فرزانه هدفی، رامین مغانی قهر، انلویی ■ ۱۳۹-۱۵۴
۹. تدوین اصول رویکرد درینزا در آموزش معماری
سیده روناک حسینی، سید غلامرضا اسلامی، حمید ماجدی ■ ۱۵۵-۱۷۶
۱۰. تدوین الگوی آموزش محیط زیست جهت تقویت حکمرانی پایدار منابع آب کشور
آلاله قائمی، مریم لاریجانی، سید محمد شبیری، محمدرضا سردمی ■ ۱۷۷-۱۹۴
۱۱. طراحی و اعتبار سنجی ابزاری جهت ارزیابی دوسو توانی در مدیریت سازمانی
کیومرث نیاز آذری، محمد صالحی، سهیلا خسروآبادی ■ ۱۹۵-۲۱۰
۱۲. مفهوم پیوستگی در شکل گیری و توسعه کانسپت طراحی معماری؛ نمونه موردی: معماری سنتی ایران
سعیده دهقانی نازوانی ■ ۲۱۱-۲۳۰
۱۳. بررسی ساختار کالبدی بازار به عنوان عنصر حیاتی بافت شهری قدیم؛ مورد پژوهی: بازار کاشان
سیده صدیقه دادور، فاطمه دانش، زهرا عباسی ■ ۲۳۱-۲۵۲
۱۴. بررسی جایگاه و نقش مشارکت کودکان در طراحی و برنامه ریزی شهرها با تاکید بر روان شناسی محیط کودکانه
نفیسه گلستانی، محسن کمالی، محبوبه روشن ■ ۲۵۳-۲۷۸

۱۵. تأثیرات متقابل رفتار سیاسی و اخلاق حرفه ای و تعهد سازمانی (مطالعه موردی شهرداری بوشهر)

ایوب شیخی، مهدی مصلحی، اعظم صالحی ■ ۲۷۹-۲۸۸ ■

۱۶. مشارکت شهروندان در حفظ محیط زیست شهری با ارائه راهکارهایی در برنامه ریزی شهری؛ نمونه موردی: لواسان

حسین صداقت نوری ■ ۲۸۹-۳۲۰ ■

۱۷. فراتحلیل تبیین نظریه ها، الگوها، روشها و تکنیک های خلاقیت در معماری و طراحی شهرهای خلاق

پریا شفیع پوریورد شاهی، حمید رضا طیبی مسرور، مریم محفوظیان، شهرام شریفی ■ ۳۲۱-۳۵۰ ■

۱۸. ارزیابی پردیس های درون شهری بر اساس نیازهای بانوان شهروند، نمونه موردی: مناطق شهرداری کرمان

الهام شیروانی فراهانی ■ ۳۵۱-۳۶۸ ■

۱۹. تاثیر عامل جغرافیای اقلیم گرای شهری و طبیعی بر داستان کوتاه نویسندگان خوزستان (با تاکید بر داستان های بهرام حیدری)

منوچهر تشکری، پروین گلی زاده، پروانه حلوسی ■ ۳۶۹-۳۸۴ ■

۲۰. ارزیابی فرهنگ محیط زیست در توسعه پایدار صنعت هسته ای کشور

پونه قائمی، سید محمد شبیری، مریم لاریجانی، بهروز رکرك ■ ۳۸۵-۳۹۴ ■

۲۱. بررسی تاثیر پیگمالیون در رفتار شهروندی و سلامت سازمانی در اداره کل فنی و حرفه ای استان اردبیل

داریوش محمدی ■ ۳۹۵-۴۰۶ ■

۲۲. تحلیل جایگاه محله گرایی در کنترل رفتارهای نابهنجار شهروندی با تاکید بر مفهوم هویت سازی محلات شهر

مهدی عامری ■ ۴۰۷-۴۳۸ ■

۲۳. پدیدارشناخت یوهانی پالاسما در تفاوت جایگاه ادراکات حسی معماری بافتهای شهری و روستایی

آیدین وس گاه ■ ۴۳۹-۴۵۸ ■

۲۴. مبانی مسئولیت مدنی شهرداریها در رابطه با کارکنان و مستخدمان

علی زارع، محمدرضا حسین پور، یحیی آقایی ■ ۴۵۹-۴۷۰ ■

۲۵. بررسی تأثیرات گردشگری بر پایداری اقتصادی و رشد اقتصادی شهرها، نمونه موردی: شهر مشهد

آرش ناظمی ■ ۴۷۱-۴۸۰ ■

۲۶. طراحی فضای شهری خودمانی با تاکید بر خاطره انگیزی در گذر تاریخی گلچینان یزد

فرزاد مومنی، ابودر فرجودی کوهنجان، مژگان حسینی، کورش سلیمی ■ ۴۸۱-۴۹۸ ■

۲۷. ارزیابی میزان ارتباط شفابخشی منظر باغ ایرانی با فضاهای باز شهری

رکسانا عبدالهی، بهناز امین زاده، آزاده شاهچراغی، ایرج اعتصام ■ ۴۹۹-۵۱۶ ■

۲۸. نمایش تبادلات معماری و شهرسازی ایران و غرب در سفرنامه های ایرانیان به فرنگ در دوره قاجار

ایمان تازیکه لمسکی، وحید قبادیان، حسین سلطان زاده، بهنام قلیچ خانی ■ ۵۱۷-۵۳۴ ■

۲۹. خوشه بندی و رتبه بندی پیمانکاران با استفاده از مدل های خوشه بندی و ویکور (مطالعه موردی: مسکن مهر شهر جدید هشتگرد)

مهدی نصراللهی، محمدمهدی مظفری ■ ۵۳۵-۵۴۶ ■

۳۰. بررسی رابطه توانمندسازی روانشناختی کارکنان و بهبود سطح ارتقاء عملکرد آنها در شهرداری منطقه ۱۸

محمدرضا ربیعی مندجین، سیده زهرا قدس آنچه کند ■ ۵۴۷-۵۵۹ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

شناسایی عوامل کلیدی موفقیت (CSF) بکارگیری سیستم های پشتیبان تصمیم گیری (DSS) در حوزه مدیریت شهری (مطالعه موردی شهرداری ساوه)

محمد رضا مردانی* - دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، استادیار دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران.

مریم السادات التجا- دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات، تهران، ایران.

Detecting key success Factor (CSF) employment of decision Making supportive systems (DSS) at urban management area (case study saveh mayoralty).

Abstract

decision mating supportive systems help to determiners by the way of direct mutual actin with information and analytic models solve semi-structured issue. Empirical concept in decision making supportive systems is that results should obtain quickly with exports and directly use by politicians or exports researchers. In the present research urban management structure and supportive systems usage of saveh municipality checked present study in terms of essence is in the category of development practical research and in terms of method is member of analytic descriptive research statistic and information of research have don free scaling by library, reading, administrators and saveh mayoralty exports have constituted statistical sociwty of research. Vote and their opinion collected by questionnaire. In the analysis of information spss software and statistical examination chi-square, Friedman and exploratory factor analysis and rotation matrix are used. The result of research show that the main key factor than can increase success; Decision making supportive systems. Include training of participatory urban; Managers, development knowledge division culture and appropriate pragmatics of decision making supportive systems.

Key word: Decision making supportive systems (DSS); key success factors (CSF); saveh municipality; urban management

چکیده

سیستم های پشتیبان تصمیم گیری به تصمیم گیرندگان کمک می کند که از طریق کنش متقابل مستقیم با اطلاعات و مدل های تحلیلی به حل مسائل نیمه ساختاری بپردازد. مفهوم مستتر در سیستم پشتیبان تصمیم گیری این است که نتایج باید بدون نیاز به مشورت با متخصصین سریعاً به دست آیند و مستقیماً توسط سیاست گذاران و نه پژوهشگران متخصص مورد استفاده قرار گیرند. در تحقیق حاضر ساختار مدیریت شهری و سیستم های پشتیبان مورد استفاده شهرداری ساوه مورد بررسی قرار گرفت، مطالعه حاضر از نظر نوع و ماهیت در قلمرو تحقیقات کاربردی توسعه ای و از نظر روش جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی می باشد، آمار و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه ای، پیمایش میدانی انجام پذیرفته است، مدیران و کارشناسان شهرداری ساوه جامعه آماری تحقیق را تشکیل داده اند، آراء و نظرات آنان از طریق پرسشنامه جمع آوری گردید. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری Friedman، chi-square و تحلیل عامل اکتشافی و ماتریس چرخش استفاده گردید، نتایج تحقیق نشان می دهد عوامل کلیدی مهمی که می تواند موفقیت سیستم های پشتیبان تصمیم گیری را افزایش دهد شامل تربیت مدیران شهری مشارکت پذیر، توسعه فرهنگ تسهیم دانش و کاربست مناسب سیستم های پشتیبان تصمیم گیری است.

واژگان کلیدی: سیستم پشتیبان تصمیم گیری (DSS)، عوامل کلیدی موفقیت (CSF)، شهرداری ساوه، مدیریت شهری

مقدمه

«مدیریت» یک فرآیند پیچیده است و روز به روز پیچیده تر می شود (موحدی و عباسی، ۱۳۷۷، ص ۲۶). مدیران امروزی برای تصمیم گیری با چالش های زیادی مواجه اند و اگر دیدگاه معروف «هربرت سایمون» را در مورد مترادف بودن «مدیریت» با تصمیم گیری بپذیریم، آنگاه با توجه به نظر برخی از صاحب نظران که معتقدند تصمیم خوب، تصمیمی است که ۸۰ تا ۹۰ درصد متکی بر اطلاعات و ۱۰ تا ۲۰ درصد وابسته به مهارت، توان و تجربه ی مدیر باشد، ارزش و اهمیت اطلاعات بیشتر مشخص می گردد (همان، ۱۳۷۷، ص ۲۶). اداره امور سازمان ها به شیوه های کارآمد و موثر دنیای امروز مستلزم جمع آوری و پردازش انبوهی از اطلاعات گوناگون و با تغییرات و رشد بسیار سریع است. کمیت و کیفیت اطلاعات مورد نیاز مدیران برای تصمیم گیری به عوامل متعددی بستگی دارد، ولی ویژگی های خود اطلاعات و نیز نحوه ی پردازش اطلاعات عواملی تعیین کننده و اساسی در این روند هستند. نه تنها اطلاعات باید ویژگی های همچون «دقت، صحت، بروز بودن» داشته باشند؛ بلکه باید به نحوی پردازش شده باشند که توان و کیفیت تصمیم گیری مدیر را ارتقاء دهند، نه آنکه وی را در حجم انبوه اطلاعات غرق کرده و به صورت عنصری سر درگم و ناتوان در تصمیم گیری درآورند و به اصلاح دچار پدیده آلودگی اطلاعات سازند (Davis&Olson, ۱۹۸۵, p ۲۵۲-۲۵۸).

در سیستم های دولتی و نیمه دولتی ایران از قبیل شهرداری ها، وجود برخی پیچیدگی ها، کمبودها و ضعف های برنامه ریزی و فقدان سابقه طولانی در بکارگیری سیستم های اطلاعات مدیریت باعث ایجاد احساس عدم کارایی سیستم های موجود در مدیران شهری شده است. این موضوع سبب گردیده تا تصمیمات اتخاذ شده توانایی رفع مسائل و مشکلات سازمان را نداشته باشند؛ بنابراین استفاده از سیستم های پشتیبان تصمیم گیری بیش از پیش

ضروری می نماید. پیچیدگی مسائل شهری از یک سو و رشد سریع شهرنشینی بدون برنامه ریزی های لازم از سوی دیگر، لزوم استفاده از یک تفکر سیستمی و جامع در زمینه مدیریت شهری را روز به روز آشکارتر و با اهمیت تر می سازد. از سوی دیگر مواجه شدن با حجم عظیمی از داده ها و اطلاعات مکانی و مطرح شدن زمان به عنوان مهمترین سرمایه در مدیریت های نوین شهری از عوامل استفاده از فناوری های نوین جهت دسترسی، جمع آوری، پردازش، مدل سازی و نهایی نمودن فرآیند تصمیم گیری در کوتاه ترین زمان و بالاترین دقت و کمترین هزینه می باشد، این امر مستلزم بکارگیری سیستم های پشتیبان در تصمیم گیری می باشد. سیستم پشتیبان تصمیم گیری؛ سیستم های کامپوتری بسیار منعطف و تعاملی است، که برای حمایت از کلیه مراحل فرآیند تصمیم گیری در شرایطی که مساله از نوع غیر ساخت یافته است (اکثراً نیمه ساخت یافته) مورد استفاده قرار می گیرند، سیستم پشتیبان تصمیم گیری با استفاده از رایانه جهت کمک به مدیران برای فرآیند تصمیم گیری در وظایف نیمه ساخت یافته، پشتیبانی و جایگزین قضاوت های مدیریتی به بهبود اثر بخش تصمیم گیری به جای کارایی آن کمک می نماید (Keen& Morton, ۱۹۷۸, p ۱-۸). این سیستم ها در مواردی گوناگون به کار می روند. تاکید این سیستم ها بر داده، مدل، دانش، متن و ارتباطات است. همچنین آن ها در حوزه عمل با هم فرق دارند. بعضی برای کاربران اولیه طراحی می شوند و در تجزیه و تحلیل خود اتکا هستند و بعضی دیگر برای کاربران زیادی در سازمان اختصاص می یابند (اسدلهی، پور اسد الله، ۱۳۸۷، ص ۷).

ساختار مدیریت شهری ساوه به عنوان شهرداری یکی از شهرهای میان اندام کشور چند سالی است که از سیستم پشتیبان تصمیم گیری در حوزه مدیریت شهری استفاده می نماید با این وجود این سیستم آنچنان که باید و شاید نتوانسته در امر مدیریت

یکپارچه شهری و کمک به فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیران کارآمد باشد. بنابراین با توجه به مشکلات موجود و به خاطر عدم بکارگیری درست سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری همچنین نبود منابع و مطالعات کافی در این زمینه مساله اصلی تحقیق شناسایی عوامل کلیدی موفقیت طراحی سیستم‌های پشتیبان و تصمیم‌گیری در فرآیند تصمیم‌گیری در حوزه مدیریت شهری شهرداری ساوه می‌باشد.

پیشینه تحقیق

تاریخچه تدوین سیستم‌های پشتیبانی در تصمیم‌گیری به دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی برای تولید سیستم‌های اطلاعاتی مدیریتی (MIS) باز می‌گردد (زهرايي، روبهانی، ۱۳۸۷، ص ۱). سیستم‌های پشتیبانی در تصمیم‌گیری مجموعه‌ای از تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری هستند که توسط مهندسين طراحی می‌شوند تا بتوانند به تصمیم‌گیری بهتر در مورد سیستم‌ها بپردازند. افرادی همچون «ماراکس»، «پاور» و «اسپرایگ» تعاریفی را برای سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری ارائه کرده‌اند. اگرچه برخی تفاوت‌های جزئی در تعاریف آنان وجود دارد، اما یک بررسی از این تعاریف نشان می‌دهد که بطور کلی آن‌ها تعریف «کین» و «مورتون» را حمایت می‌کنند، با این حال تعریف کین و اسکات مورتون به عنوان تعریف عملیاتی برای این تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت؛ آن‌ها توضیح سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری را به شرح زیر ارائه نمودند: سوال کلیدی برای کسی که در مورد سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری کار می‌کند، این است: «چه نوع تصمیم خاصی با چه فرآیند تصمیم‌گیری وجود دارد که برای پشتیبانی از آن باید تلاش کرد؟» تصمیم ممکن است تکراری و همیشگی و یا لحظه‌ای و یکباره باشد. تمرکز پشتیبان تصمیم‌گیری بر این فرض استوار است که مشکلی که مدیران با آن مواجه‌اند، بی‌اهمیت نیست و نمی‌تواند بصورت خودکار بروز

کند. در ادبیات مربوط به عوامل کلیدی موفقیت، تعاریف زیادی از آن ارائه شده است. یکی از مهمترین تعاریف مربوط به «روکارت» است. به عقیده وی عوامل کلیدی موفقیت عبارتند از: تعداد محدودی از حوزه‌های فعالیت که عملکرد رقابتی موفقیت‌آمیزی در پی خواهد داشت. در تعریف «برونو» و «لیدر» اظهار می‌دارند که عوامل کلیدی موفقیت عبارتند از: مشخصه‌های، شرایط با متغیرهایی که اگر درست مدیریت شوند می‌توانند اثر فراوانی بر موفقیت موضوع رقابتی سازمان داشته باشند. در عوض «پینتو» و «اسلوین» عوامل کلیدی موفقیت را عواملی می‌دانند که بطور فراوانی شانس اجرای پروژه‌ها را بهبود می‌بخشند. در حوزه مدیریت استراتژیک، تعریف عوامل کلیدی از جامعیت بیشتری برخوردار بوده و نشان‌دهنده یک پیوند ایده‌آل بین شرایط محیطی و مشخصه‌های کسب و کار است (Amberg, Fichle, Wiener, p ۲۰۰۵: ۷-۱).

«اسکیرم» و «آمیدن» در خصوص پیاده‌سازی مدیریت دانش هفت عامل کلیدی را شناسایی کردند این عوامل عبارتند از: الزام مستحکم به کسب و کار، معماری و چشم انداز، رهبری دانش، یادگیری مستمر، زیرساخت فناوری توسعه یافته و فرآیندهای دانش سازمانی، در تحقیقی که توسط «هونگ» و همکاران در خصوص عوامل کلیدی موفقیت در بکارگیری سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری در حوزه مدیریت دانش بکار برده شده است، عوامل کلیدی موفقیت عبارتند از: استراتژی الگوگیری و ساختار دانشی اثر بخش، فرهنگ تسهیم و خلق دانش، یادگیری مستمر، زیرساخت فناوری توسعه یافته و فرآیند دانش سازمانی در تحقیقی که توسط «هونگ» و همکاران» در خصوص عوامل کلیدی موفقیت در بکارگیری سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری در حوزه مدیریت دانش بکار برده شده است که عبارتند از:

- ۱- استراتژی الگوگیری و ساختار دانشی اثر بخشی، فرهنگ سازمانی، ۳- زیرساخت‌های سیستم اطلاعاتی، ۴- درگیری و آموزش افراد، ۵- رهبری و تعهد قوی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت ارشد، ۶- محیط یادگیری یادگیری و کنترل منابع، ۷- ارزیابی از آموزش فنی و حرفه‌ای و کار تیمی؛ علاوه بر تمامی تحقیقاتی که در بالا به آن اشاره گردیده در داخل کشور نیز تحقیقات مختلفی در زمینه سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری انجام گرفته است، که مهمترین آن‌ها که در ارتباط با حوزه تحقیق حاضر می‌باشد در قالب جدول شماره ۱ ارائه گردیده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع جزء تحقیقات کاربردی - بررسی اسناد و مدارک موجود و نیز تهیه و تدوین

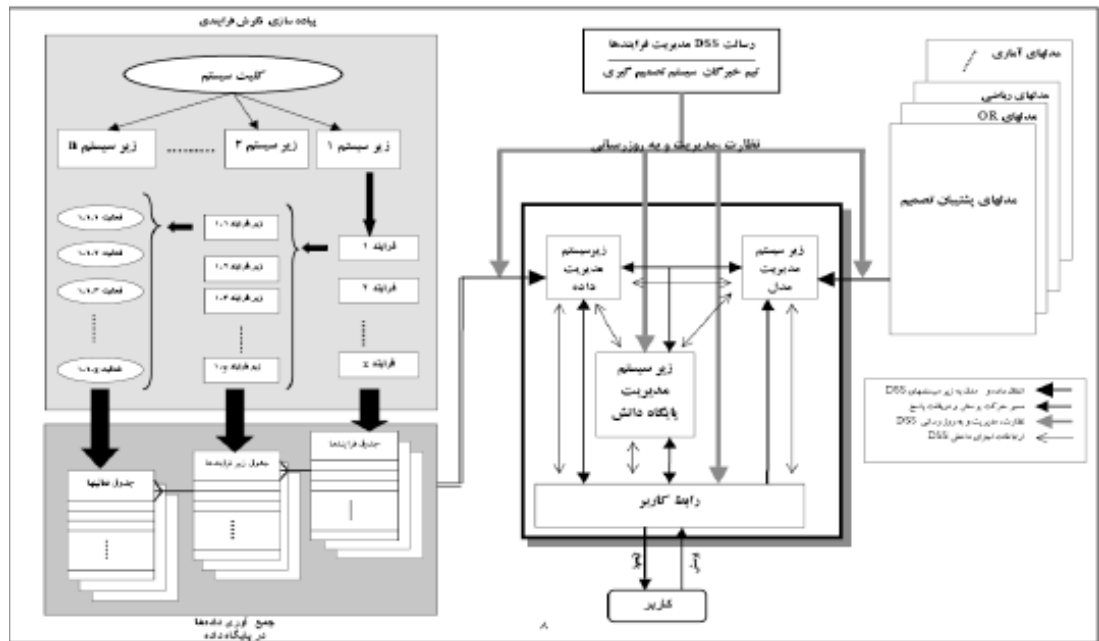
جدول ۱. پیشینه تحقیقات داخلی انجام شده در ارتباط با موضوع تحقیق، ماخذ: یافته‌های تحقیق.

نام نویسنده	عنوان تحقیق	نتایج و یافته‌ها
رنجبران (۱۳۹۲)	GIS ابزاری جهت پشتیبانی تصمیم‌گیری در برنامه ریزی شهری	در مقاله حاضر ساختار مورد نیاز جهت تشکیل این سیستم طی جدولی ارائه گردیده است این جدول از یک طرف مراحل مختلف برنامه ریزی شهری و از طرف دیگر لایه‌های مورد نیاز جهت تولید نسل‌های مختلف اطلاعات را بصورت ساختاری نشان می‌دهد.
زهرایی و روزبهانی (۱۳۸۷)	تدوین ساختار سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری مدیریت پایدار منابع آب در مناطق شهری	هدف تحقیق برقراری ارتباط بین ابزارهای تحلیل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با روش‌های پشتیبانی در تصمیم‌گیری می‌باشد. برقراری این ارتباط با بهره‌گیری از اعمال رویکرد DPSIR بر روی سیستم و ترکیب آن با روش تحلیل چند معیاره صورت گرفته است. ساختار پیشنهادی، قابلیت درگیر نمودن تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گزاران مختلف را در بخش شهری را دارا می‌باشد.
نظریان آزاد (۱۳۸۸)	نقش فناوری اطلاعات در توسعه مدیریت شهری	در این تحقیق ضمن تشریح مفاهیم فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت شهری، بیان می‌شود که کارکردهای فناوری چگونه می‌تواند مدیران شهری را در طراحی، برنامه ریزی و مدیریت کلانشهرها یاری نماید.
حسن بیگی (۱۳۸۹)	ارائه مدل عوامل کلیدی موفقیت مدیریت دانش به منظور خلاقیت و یادگیری سازمانی در شرکت فرودگاه‌های کشور	تنها دو عامل استراتژی‌ها، سیاست‌های دانش محور و مدیریت منابع انسانی باعث افزایش توان خلاقیت سازمانی و یادگیری سازمانی می‌شوند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۰



نمودار ۱. طرح مفهومی سیستم پشتیبان تصمیم گیری؛ ماخذ: نگارندگان.

تصمیم‌گیری از آزمون Fridman استفاده شده است.

با توجه به متغیرها، روش‌ها و الگوهای بکار رفته در تحقیق مدل مفهومی تحقیق بر اساس تصویر شماره ۲ ترسیم گردیده است، مراحل دستیابی به تصمیمات صحیح و درست در جدول فوق ارائه گردیده است.

یافته‌های تحقیق

- بررسی ویژگی‌ها و قابلیت سیستم‌های اطلاعاتی موجود در شهرداری ساوه

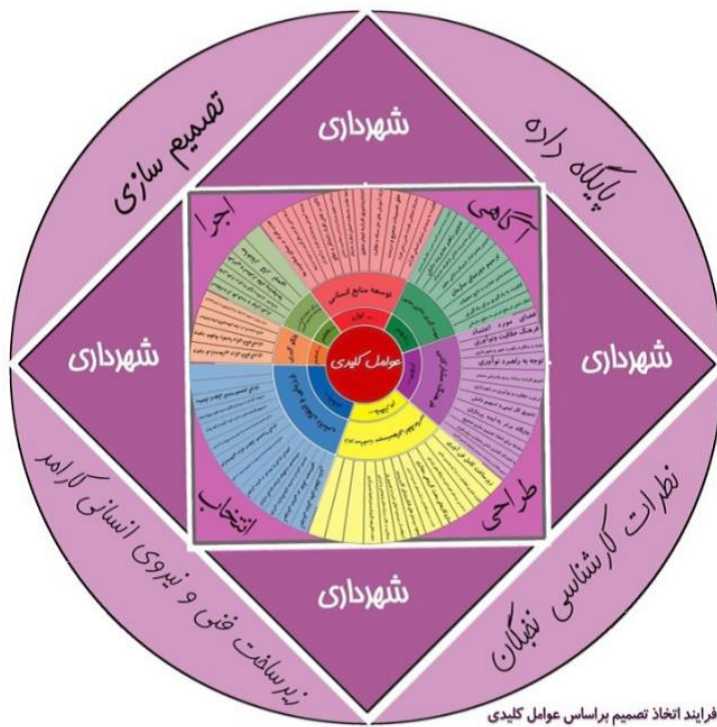
بررسی نتایج حاصل از مطالعه قابلیت‌های سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری در شهرداری ساوه در جدول شماره (۲) ارائه گردیده است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد قابلیت‌های سیستم‌های موجود در موضوعاتی مانند سرعت پردازش داده‌ها، سرعت انتقال اطلاعات، سرعت در تهیه گزارش عملکرد، ذخیره‌سازی دقیق اطلاعات، پردازش دقیق اطلاعات، قابلیت مدیریت اطلاعات، سرعت ذخیره‌سازی اطلاعات و امکان مدیریت فایل‌های ذخیره (بایگانی) شده در حد مناسبی قرار داشته و تمامی موضوعات فوق دارای میانگین بالاتر از ۴

پرسشنامه انجام پذیرفته است. پرسشنامه تحقیق در دو سطح مدیران و کارمندان تهیه و تدوین گردید.

مجموع تعداد مدیران، معاونین و افراد مرتبط با حوزه تصمیم‌گیری در شهرداری ساوه برابر ۱۷ نفر بود؛ از این تعداد امکان توزیع پرسشنامه میان ۱۳ نفر از آنان فراهم گردید. پرسشنامه‌ای نیز جهت بررسی نظرات کارشناسان در ارتباط با موضوع تحقیق تدوین گردید و میان ۵۹ نفر از کارشناسان مرتبط با حوزه فناوری

و نظام پشتیبان تصمیم‌گیری توزیع گردید. در راستای شناسایی عوامل کلیدی موفقیت نیز نظرات ۷۰ نفر از کارشناسان مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت. که تلفیقی از مدیران و کارشناسان شهرداری ساوه می‌باشند. جهت شناسایی مولفه‌های کلیدی موثر در موفقیت سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری در حوزه شهرداری ساوه تعداد ۶۲ شاخص در ۷ گروه شناسایی و از طریق افراد جامعه آماری مورد بررسی و سنجش قرار گرفت؛ نتایج آن از طریق آزمون تحلیل عاملی اکتشافی و ماتریس چرخش (KMO) در محیط نرم افزار SPSS محاسبه گردید؛ برای آزمون فرضیات از آزمون χ^2 و برای رتبه‌بندی عوامل تاثیرگذار در موفقیت سیستم‌های پشتیبان



نمودار ۲. مدل مفهومی تحقیق فرآیند اتخاذ تصمیم با توجه به عوامل کلیدی مورد بررسی در تحقیق

فرضیه اول:

۱. به نظر می‌رسد بین عوامل انسانی و موفقیت در به کارگیری سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون کای اسکوئر، با کای ۴۳,۴۴۰، سطح معناداری ۰/۰۰۰ و درجه آزادی ۱۰، سطح معناداری محاسبه شده در خصوص تأیید فرضیه‌ی مورد نظر معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه‌ی فوق با ضریب اطمینان ۱۰۰ درصد تأیید می‌شود. فرضیه فوق بیانگر تأثیرپذیری موفقیت سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری از عوامل کلیدی انسانی می‌باشد.

فرضیه دوم:

۲. به نظر می‌رسد بین عوامل سازمانی و بکارگیری سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج آزمون نشان می‌دهد فرضیه فوق با کای

بوده‌اند. شاخص‌ها و ویژگی‌های سیستم‌های موجود شهرداری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه مدیریتی مدیران به عنوان مصرف‌کنندگان نهایی کاربرد و کاربست سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری به حساب می‌آیند. بنابراین در این بخش از تحقیق نظرات مدیران شهرداری ساوه در ارتباط با شاخص‌ها و ویژگی‌های سیستم‌های موجود در شهرداری ساوه مورد بررسی قرار گرفت.

عوامل کلیدی موفقیت

در شناسایی عوامل کلیدی موفقیت سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری در شهرداری ساوه از مدل تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. بر اساس آزمون فوق مقدار آماره KMO حدود ۰,۸۴ محاسبه گردید، رقم فوق نشان دهنده کفایت نموده برداری است، معنادار بودن آزمون مرویت باتلوت نیز نشان داد که شرایط تحلیل عاملی برقرار است.

آزمون فرضیه‌ها

جدول ۲. سنجش میزان اثر بخشی و کارایی قابلیت های ارائه شده در سیستم های مبتنی بر فناوری اطلاعات در شهرداری ساوه؛ منبع: یافته های تحقیق.

متغیرهای مورد بررسی	فراوانی پاسخ ها					نما	میانگین
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
سرعت پردازش داده ها	۱۹	۲۵	۳	۱	۱	۴	۴/۰۹
سرعت انتقال اطلاعات	۱۳	۲۲	۳	۱	۱	۴	۴/۲۳
سرعت ارائه بازخورد به کاربران (جهت رفع نواقص احتمالی)	۶	۳۳	۸	۱	۱	۴	۳/۸۵
میزان تشریفات غیر ضروری کاری	۱	۲	۸	۲۲	۷	۲	۲/۱۹
سرعت تهیه گزارش عملکرد	۶	۲۶	۷	۱	۰	۳	۴/۹
ارائه بازخورد به کاربر در مورد کار انجام شده	۱۵	۲۱	۲	۱	۱	۴	۳/۹۲
ذخیره سازی دقیق اطلاعات	۱۵	۲۱	۲	۱	۱	۴	۴/۲۹
پردازش دقیق داده ها	۱۲	۲۴	۳	۱	۰	۴	۴/۲
ارائه به موقع اطلاعات مورد نیاز	۹	۲۵	۴	۱	۱	۴	۴/۰۸
سرعت استخراج اطلاعات مورد نیاز	۱۴	۲۱	۳	۱	۱	۴	۴/۲۲
ساده بودن روش بازیابی اطلاعات مورد نیاز	۷	۱۹	۱۰	۳	۱	۴	۳/۷۲
وجود طبقه بندی (کدگذاری های) لازم برای دسترسی به اطلاعات	۸	۲۰	۹	۲	۱	۴	۳/۷۶
زمان لازم برای پیدا کردن اطلاعات مورد نیاز در فایل های ذخیره	۱	۱	۳	۱۸	۱۸	۱	۱/۷۰
قابلیت مبادله اطلاعات	۱۴	۲۲	۲	۱	۱	۴	۴/۲
ظرفیت ذخیره سازی اطلاعات	۲۴	۱۴	۱	۱	۱	۵	۴/۴۹
سهولت ذخیره سازی اطلاعات	۱۵	۲۰	۲	۲	۱	۴	۴/۹
فضای مورد نیاز برای بایگانی اطلاعات	۱	۱	۱	۱۵	۲۲	۱	۱/۵۸
سرعت ذخیره سازی اطلاعات	۱۹	۱۷	۲	۲	۱	۵	۴/۳
امکان مدیریت فایل های ذخیره (بایگانی) شده	۱۴	۲۱	۳	۱	۱	۴	۴/۱۳

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۳

جدول ۳. شاخص ها و ویژگی های سیستم های موجود شهرداری در ارتباط با مساله یابی و حل مساله از دیدگاه مدیران؛ منبع: یافته های تحقیق.

متغیرهای مورد بررسی	طیف سنجش					میانگین	میانگین
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۱ دستیابی به موقع به اطلاعات در خصوص مسئله یابی	۰	۳	۹	۱	۰	۳.۱۵	۳
۲ دستیابی به موقع به اطلاعات در خصوص حل مسئله	۰	۰	۷	۵	۱	۲.۴۶	۳
۳ انتقال به موقع اطلاعات بین بخش های مرتبط در خصوص مسئله یابی	۴	۸	۱	۰	۰	۴.۲۳	۴
۴ انتقال به موقع اطلاعات بین بخش های مرتبط در خصوص حل مسئله	۰	۳	۱۰	۰	۰	۳.۲۳	۳
۵ قابلیت اطمینان بالا در خصوص اطلاعات مرتبط با مسئله یابی	۰	۰	۴	۵	۴	۲.۶۹	۳
۶ قابلیت اطمینان بالا در خصوص اطلاعات مرتبط با حل مسئله	۰	۰	۴	۵	۴	۲.۶۹	۳
۷ عدم وجود انحراف در انتقال اطلاعات مرتبط با مسئله یابی	۱	۳	۲	۳	۴	۲.۳۸	۳
۸ عدم وجود انحراف در انتقال اطلاعات مرتبط با حل مسئله	۱	۲	۳	۷	۲	۲.۷۵	۲
۹ حذف اطلاعات کاملاً غیر مرتبط با مسئله یابی	۴	۱	۳	۵	۰	۳.۳۱	۳
۱۰ حذف اطلاعات کاملاً غیر مرتبط با حل مسئله	۲	۵	۲	۳	۱	۲.۸۹	۳
۱۱ حذف اطلاعات مرتبط اما بدون کاربرد در مسئله یابی	۰	۴	۰	۵	۴	۲.۶۱	۲
۱۲ حذف اطلاعات مرتبط اما بدون کاربرد در رابطه با حل مسئله	۰	۰	۴	۶	۳	۲.۰۸	۲
۱۳ وجود اطلاعات دربرگیرنده تمامی جوانب مرتبط با مسئله یابی	۰	۴	۳	۶	۰	۲.۸۵	۳
۱۴ وجود اطلاعات دربرگیرنده تمامی جوانب مرتبط با حل مسئله	۰	۴	۴	۵	۰	۲.۹۲	۳
۱۵ امکان انجام بررسی های مجدد سیستم در رابطه با مسئله یابی	۱	۲	۶	۱	۳	۴.۱	۳
۱۶ امکان انجام بررسی های مجدد دستگاهی در رابطه با حل مسئله	۰	۰	۵	۸	۰	۳.۶۲	۴

جدول ۴. ماتریس عوامل بعد از چرخش؛ منبع: یافته‌های تحقیق

شاخص‌های عوامل							
عامل ۲	عامل دوم جهت‌گیری دانایی محور		عامل ۱	عامل اول توسعه منابع انسانی			
۰.۶۷۹	استقرار چرخه تصمیم‌گیری مبتنی بر نظام‌های پشتیبان		۰.۷۷۳	جذب افراد بر مبنای صلاحیت‌های دانشی			
۰.۶۲۵	حمایت از خط‌مشی‌ها و پیشنهادها ارائه‌شده		۰.۶۹۰	ارتقاء مبتنی بر شایستگی دانشی			
۰.۶۰۴	تدوین راهبر مدیریت دانش را رویکرد رقابت‌جویی		۰.۶۵۰	مشارکت افراد در آموزش ۱			
۰.۵۸۳	پذیرش مدیریت دانش از طرف مدیران		۰.۶۳۹	تأکید بر نقش افراد دانش‌گر			
۰.۵۸۲	تدوین چشم‌انداز با رویکرد دانایی محور		۰.۶۱۳	پرداخت مبتنی بر صلاحیت دانشی			
۰.۵۸۱	ترسیم دورنمای سازمان دانش‌محور		۰.۵۶۲	حفظ نظام‌اند افراد خلاق			
۰.۵۶۲	مستندسازی تجارب و نتایج پژوهش‌ها		۰.۵۴۹	ارزش‌گذاری به دانش‌آفرینی افراد در سازمان			
۰.۵۴۱	مشارکت در تسهیم دانش		۰.۵۳۴	برنامه توسعه منابع انسانی			
۰.۵۴۱	توجه به یادگیری و تسهیم دانش		۰.۴۷۹	ارائه آموزش‌های حل مسئله و خلاقیت			
۰.۵۳۳	اولویت به یادگیری برای یادگیری		۰.۴۴۷	پاداش مبتنی بر مدیریت دانش			
۰.۵۱۱	ارزیابی عملکرد با رویکرد ارتقای دانش		۰.۴۳۳	هدف‌گذاری با رویکرد خلق دانش			
۰.۴۶۷	هم‌ترازی راهبرد مدیریت دانش با راهبرد کسب‌وکار		۰.۴۶۹	اولویت به پرورش افراد خلاق و دانش‌گر			
۰.۴۱۸	فرایندهای انتقال دانش از سطح فردی به سطح سازمانی		۰.۴۴۹	سازوکار انعکاس نظرات علمی و فنی افراد			
			۰.۴۰۸	تخصیص منابع با رویکرد ارتقاء دانش			
عامل چهارم: زیرساخت‌های نظام‌های اطلاعاتی			عامل ۳	عامل سوم: فرهنگ مشارکتی			
۰.۷۵۸	وجود زیرساخت کامل فن‌آوری اطلاعات		۰.۶۴۸	فضای مورد اعتماد			
۰.۶۹۳	حمایت‌های داخلی برای تسهیم دانش		۰.۶۴۳	فرهنگ خلاقیت و نوآوری			
۰.۶۸۵	قابلیت فن‌آوری اطلاعات		۰.۶۳۶	به بحث و مناظره گذاشتن اهداف، چشم‌انداز و راهبردهای شهرداری			
۰.۶۷۰	دسترس‌ی مدیران به پایگاه‌های داده‌ای		۰.۵۹۲	پذیرش سیستم مدیریت دانش از سو شهردار و معاونین			
۰.۶۵۴	سازوکارهای بحث گروهی مجازی		۰.۵۶۲	توجه به راهبرد نوآوری			
۰.۶۲۵	تناسب سیستم اطلاعاتی با تسهیم دانش		۰.۵۵۶	تشویق افراد به برنامه‌ریزی و ارزیابی امور			
۰.۵۱۴	استفاده از سیستم‌های خبره و تصمیم‌یار		۰.۵۴۹	تشویق کار تیمی و تسهیم دانش			
۰.۴۲۶	همکاری میان واحدها در قالب پروژه‌های پژوهشی		۰.۵۰۹	اختصاص جایگاه برتر به ایده پردازان			
			۰.۴۷۱	به اشتراک‌گذاری دانش و تجارب میان افراد			
شاخص‌های عوامل							
عامل ۶	عامل ششم: الگوگیری و استفاده از تجربیات		عامل ۵	عامل پنجم: ارزیابی و انتقال دانش			
۰.۷۵۸	وجود فرایندهایی برای الگوگیری		۰.۶۳۰	آموزش روش‌های انتقال دانش به افراد			
۰.۶۷۲	مقایسه فرایندهای کاری با سایر شهرداری‌ها		۰.۶۱۹	طراحی سازوکارهای مناسب ارزیابی دانش			
۰.۵۳۹	وجود خطوط راهنما برای الگوگیری		۰.۵۹۹	روش‌های آموزشی مبتنی بر تفکر سیستمی			
۰.۴۹۰	وجود استانداردهای ارتقای دانش		۰.۵۸۹	احصای مقیاس‌های مناسب ارزیابی دانش			
۰.۴۵۰	تشویق افراد به الگوگیری از بهترین تجارب		۰.۵۷۲	روش‌های آموزشی مبتنی بر توسعه یادگیری گروهی			
	عامل هفتم: درگیر نمودن افراد در تصمیم‌گیری		۰.۵۵۲	تأکید بر ساختار شبکه‌ای برای ترویج دانش			
۰.۶۱۵	استفاده از ظرفیت و توان افراد		۰.۵۱۳	فرایندهایی برای تسهیل مبادلات دانش			
۰.۶۰۱	نهایت تلاش افراد برای به اوج رساندن سطح ارائه خدمات		۰.۴۹۸	تسهیل دسترسی به دانش			
۰.۴۵۴	طراحی و استقرار نظام پیشنهادها		۰.۴۷۱	شبکه‌های ارتباطی برای توزیع اطلاعات			
۰.۴۱۴	ساختار کار تیمی		۰.۴۴۱	توجه به سرمایه دانش در ارزیابی عملکرد			
			۰.۳۹۵	ساختار تسهیل‌کننده اکتشاف دانش			
بررسی شاخص‌های آماری عوامل بعد از چرخش							
ارزش واریانس	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم
درصد واریانس	۸.۲۲۱	۸.۱۷۵	۷.۹۳۳	۷.۱۲۵	۵.۶۴۹	۳.۱۶۱	۸.۲۲۱
درصد اشتراک	۱۱.۲۶	۱۱.۱۹	۱۰.۸۶	۹.۷۶۱	۷.۷۳۸	۴.۳۳۰	۱۱.۲۶
آلفای کرونباخ	۱۱.۲۶	۲۲.۴۵	۳۳.۳۲	۵۳.۶۸	۶۱.۴۲	۶۵.۷۵	۱۱.۲۶

جدول ۵. محاسبه ی آماره ی آزمون خی دو فرضیه ی اول؛ منبع: یافته های تحقیق.

عوامل انسانی و موفقیت در بکارگیری سیستم های پشتیبان تصمیم گیری	آزمون
۴۳,۴۴۰a	کای اسکوئر
۱۰	درجه آزادی
۰,۰۰۰	سطح معنی داری

جدول ۶. محاسبه ی آماره ی آزمون خی دو فرضیه دوم؛ منبع: یافته های تحقیق.

عوامل سازمانی و موفقیت در کاربرد سیستم های پشتیبان تصمیم گیری	آزمون
۵۶,۸۶۰a	کای اسکوئر
۲۲	درجه آزادی
۰,۰۰۱	سطح معنی داری

جدول ۷. میزان اهمیت هر یک از عوامل هفتگانه در موفقیت

سیستم مدیریت پشتیبان تصمیم گیری در شهرداری ساوه؛ منبع:

یافته های تحقیق.

رتبه میانگین	عامل
۴,۸۵	توسعه منابع انسانی
۴,۵۱	فرهنگ مشارکتی
۴,۱۷	درگیری افراد
۴,۰۹	جهت گیری دانایی محور
۳,۹۲	زیرساخت های سیستم های اطلاعاتی
۳,۶۲	ارزیابی و انتقال دانش
۲,۸۴	الگو گیری

۵۶,۸۶۰، درجه آزادی ۲۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ قابل قبول می باشد. بنابراین فرضیه ی فوق نیز همانند فرضیه اول مورد تأیید قرار می گیرد.

رتبه بندی عوامل موفقیت

برای رتبه بندی عوامل موفقیت سیستم پشتیبان تصمیم گیری در شهرداری ساوه از آزمون فریدمن استفاده گردید، مطابق تحلیل فریدمن رتبه عامل توسعه انسانی (۴,۸۵) بالاتر از همه بوده و ضروری است شهرداری ساوه با این عامل به عنوان یک عامل کلیدی توجه کند، هر چند عامل الگو گیری با میانگین ۲,۸۴ پایین ترین رتبه را به خود اختصاص داده است، اما باید توجه داشت که با گسترش رقابت جویی اهمیت این عامل ارتقاء خواهد یافت. در حد فاصل این دو عامل دیگر متغیرها قرار دارند که «فرهنگ مشارکتی» با رتبه ۴,۵۱ در جایگاه دوم قرار داد، مشارکت افراد، جهت گیری دانایی محور، زیرساخت های سیستم های اطلاعاتی و ارزیابی انتقال دانش با میانگین ۴,۱۷، ۴,۰۹، ۳,۹۲ و ۳,۶۲ در رتبه های بعدی قرار دارند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه گیری و پیشنهادات

امروزه یکی از برترین اهداف هر سازمانی ایجاد و پیاده سازی یک سیستم مناسب پشتیبان تصمیم گیری می باشد. شهرداری-ها به عنوان اصلی ترین ارگان دخیل در فرآیند مدیریت شهری باید در این امر پیشرو ظاهر شوند، و این امر مستلزم شناسایی عوامل کلیدی موفقیت و اقدام عملی بر مبنای این عوامل تاثیرگذار در مراحل مختلف طراحی، استقرار و بهره گیری از سیستم های پشتیبان تصمیم گیری و عوامل کلیدی موثر در آن است. بر این اساس در تحقیق حاضر با بررسی سیستم های پشتیبان موجود در حوزه مدیریت شهری شهرداری ساوه به شناسایی عوامل کلیدی که می توانند در موفقیت و کاربست بهینه تر این سیستم موثر باشند مورد بررسی قرار گرفت؛ نتایج تحقیق نشان می دهد که عوامل کلیدی موفقیت سیستم های پشتیبان تصمیم گیری عبارتند از: ۱) توسعه منابع انسانی؛ ۲) فرهنگ مشارکتی و مشارکت پذیری، ۳) درگیر نمودن افراد؛ ۴) جهت گیری دانایی محور از سوی مدیران؛ ۵) زیرساخت های مناسب سیستم های اطلاعاتی؛ ۶) ارزیابی و انتقال دانش؛ و ۷) الگو گیری می باشد.

نتایج تحقیق مدل مناسبی را در خصوص عوامل کلیدی موفقیت سیستم های پشتیبان تصمیم گیری در حوزه مدیریت شهری نشان می دهد؛ در تحقیقات صورت گرفته پیشین در هر کدام تنها بخشی از این موضوعات مورد بررسی قرار گرفته بود. به عنوان مثال، این تحقیق با یافته های پژوهش چریدیس و همکاران (۲۰۰۳) عواملی نظیر استراتژی، مدیریت منابع انسانی، سیستم های اطلاعاتی از عوامل کلیدی شناخته شده است که با یافته های این پژوهش سازگاری دارد، عوامل کلیدی شناسایی شده توسط هونگ (۲۰۰۵) در صنعت داروی سازی یعنی الگو گیری، فرهنگ سازمانی، زیرساخت سیستم های اطلاعاتی، درگیری و آموزش کارکنان نیز در این تحقیق مورد تاکید قرار گرفت. باید در نظر داشت دستیابی به اهداف علم و فناوری سندن

چشم انداز ۱۴۰۴ و طراحی چگونگی رشد و توسعه علمی در کشور که در پیش نویس نقشه جامع توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کل کشور و همچنین سیاست های کلی برنامه پنجم مورد تاکید قرار گرفته است، مستلزم استقرار سیستم های پشتیبان تصمیم گیری مناسب در حوزه مدیریتی و بخصوص در حوزه مدیریت شهری می باشد. بدون طراحی سیستم های کارآمد و اثر بخش اتخاذ تصمیمات صحیح و ارتقاء کیفیت زیست ساکنین و خدمات رسانی به آنان امکان پذیر نخواهد بود. در این راستا باید به تربیت مدیران شهری مشارکت پذیر، توسعه فرهنگ تسهیم دانش و کاربست مناسب سیستم های پشتیبان تصمیم گیری همت گماشت. **پیشنهادهای:** پیشنهادهای زیر برای طراحی و استقرار مناسب سیستم های پشتیبان تصمیم گیری ارائه گردیده است:

۱. استفاده از سیستم های خبره و تصمیم یار بخصوص در اتخاذ تصمیمات کلان و تاثیرگذار در حوزه شهری و فراشهر؛
۲. الگوگیری از شهرداری ها و سایر ادارات خدمات رسان در حوزه مدیریت شهری که در زمینه بهره گیری از سیستم های پشتیبان تصمیم گیری در اتخاذ تصمیمات خود دارای بهترین عملکرد هستند؛
۳. ارزیابی و انتقال دانش برون سازمانی به حوزه مدیریت شهری و بخصوص شهرداری ها؛
۴. درگیر نمودن افراد در فرآیندهای خلق، تسهیم، کاربرد و ارزیابی کارایی تصمیمات ارائه شده با توجه به داده های سیستم پشتیبان تصمیم گیری؛
۵. توسعه منابع انسانی دانش گر به عنوان عنصر کلیدی در سیستم های پشتیبان تصمیم گیری؛
۶. طراحی، پیاده سازی و ذخیره سازی اطلاعات مورد نیاز مدیران حوزه های مختلف شهری جهت اتخاذ تصمیمات صحیح و مناسب؛
۷. بوجود آوردن زمینه های مناسب جهت اتخاذ تصمیمات با تاکید بر محوریت جهت گیری دانایی محور؛

۸. همکاری میان واحدها در قالب پروژه های پژوهشی؛
۹. تدوین چشم اندازهای مناسب توسعه آتی سیستم های پشتیبان تصمیم گیری در حوزه مدیریت شهری با توجه به شدت تغییرات در محیط های شهری و حوزه های فعالیتی مدیریتی؛
۱۰. ارتقاء فرهنگ مشارکتی و تسهیم دانش در بین مدیران حوزه های مختلف شهری؛

۱۱. تدوین و اتخاذ تصمیماتی که زمینه های مناسب را جهت بروز رسانی مناسب اطلاعات و زیرساخت های سیستم های پشتیبان تصمیم گیری را فراهم نماید.

منابع و مآخذ

۱. اسد الهی، احمد، پور اسدالله، رضا (۱۳۸۷)، «DSS&CDSS»، پروژه تحقیقاتی، دانشگاه امیر کبیر، دانشکده مهندسی پزشکی.
۲. حسن بیگی، محسن (۱۳۸۹) «ارائه مدل عوامل کلیدی موفقیت دانش به منظور افزایش خلاقیت و یادگیری سازمانی در شرکت فرودگاه های کشور»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد تهران.
۳. دف، ریچارد ال (۱۳۷۴)، «تئوری سازمان و طراحی ساختار»، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران نشر بازرگانی.
۴. رنجبران، سید محمد (۱۳۹۲)، «GIS ابزاری جهت پشتیبانی تصمیم گیری در برنامه ریزی شهری»، تهران، فصلنامه شهرنگار، شماره ۴۲
۵. زهرایی، بنفشه، روزبهانی، عباس (۱۳۸۷)، «تدوین ساختار سیستم پشتیبان در تصمیم گیری مدیریت پایدار منابع آب در مناطق شهری»، چهارمین کنگره ملی عمران، دانشگاه تهران
۶. صرافی زاده، اصغر، علی پناهی، علی (۱۳۷۷)، «نگرشی جدید در سیستم های اطلاعاتی مدیریت»، تهران، نشر آذرخش
۷. صرافی زاده، اصغر، علی پناهی، علی (۱۳۸۲)، «سیستم اطلاعاتی مدیریت»، Wwww. barid-samaneh-novin.ir
۸. موحدی، مسعود، عاسبی (۱۳۷۷)، «بررسی تطبیقی

نقش مدیران عالی در پیاده سازی و به کارگیری سیستم های اطلاعاتی با تاکید بر DSS در سیستم های دولتی ایران و خارج از کشور»، دانش مدیریت، سال یازدهم، شماره ۴۳

۹. نظریان آزاد، سیروس (۱۳۸۸)، «نقش فناوری اطلاعات در توسعه مدیریت شهری»، سازمان شهرداری ها و دهیاری ها، دومین کنفرانس بین المللی شهرداری الکترونیکی.

10. Harris Robert B. (2005). "Packing Method for Resource Leveling"; Journal of Construction Engineering and Management; Vo1116; No. 2; pp. 331-350.

11. G.B. Davis, M.H. Olson (1985). Management Information System, Conceptual Formations, Structure and Development, Mc Graw Hill, 2nd. ed

12. Bruno, A. and Leidecker, J. (1984). "Identifying and Using Critical Success Factors". In: Long Range Planning, Vol. 17, No.1, pp. 23-32.

13. Hung, Y.C., Huang, S.M Lin, Q. Tsai, M.L (2005). Critical Factors in Adopting a Knowledge Management System for the Pharmaceutical Industry, Vol.105, No.2, pp. 164-168.

14. Skyrme, David J. and Amidon, Debra M. (1997). Creating the Knowledge-based Business, London: Business Intelligence.

15. 17

16. Pinto, J. and Slevin, D. (1987). "Critical Factors in Successful Project

17. mplementation". In IEEE - Transactions on Engineering Management, Vol.34, No.1, pp. 22-27.

18. Amberg, M., Fichle, F and Wiener, M. (2005). "Background of Critical Success Factor Research", Working paper, Vol. 10, No.5, pp. 1-7.

19. Silva, L.C., Costa, A. (2013). Decision model for allocating human resources in

20. information system projects. International Jour-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

ارائه چهارچوب نظری مناسب ساختار فضایی بنادر و مناطق پسکرانه‌ای بر مبنای روش تحلیل محتوا

مجتبی آراسته - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
هاشم داداش پور* - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
علی اکبر تقوایی - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

بنادر را می‌توان دروازه‌های اصلی ورود و خروج جریان‌های فضایی برشمرد. این کانون‌های فعالیتی، در صورتیکه بتوانند پیوند مناسبی با ساختار فضایی مناطق درون‌سرزمینی ایجاد کنند، نه تنها می‌توانند جریان‌های توزیع کالا را به خوبی هدایت کنند، بلکه نقش موثری در توسعه نواحی پسکرانه‌ای خواهند داشت. در این میان، تمرکز و تاکید بر مولفه‌های ساختار فضایی، می‌تواند موجب رونق تعامل بنادر با قطب‌ها و توسعه پسکرانه‌های درون‌سرزمینی شود. هدف از این پژوهش، شناسایی مولفه‌های ساختار فضایی و تدوین یک چارچوب نظری مناسب از دیدگاه‌های مطرح پیرامون ساختار فضایی بنادر - پسکرانه بر مبنای روش تحلیل محتوا است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از میان مجموعه نظریه‌های ساختار فضایی، شش مولفه قابل شناسایی است که عبارتند از: قلمرو، کانون، محور ارتباطی، سازمان‌یابی سطوح، تعامل و انتظام. با تلفیق هر کدام از این مولفه‌ها، ابعاد جدیدی از ساختار فضایی سرزمین روشن می‌شود که شامل تحرک فضایی، کاربری فضایی و فرم فضایی خواهد بود. تحرک فضایی بر مبنای پیوندها و روابط میان اجتماعات انسانی و کاربری فضایی بر مبنای فعالیت‌های انسانی و زمین شکل می‌گیرد. فرم فضایی نیز حاصل برهم‌کنش این دو بُعد در پهنه سرزمین است که در مقیاس‌های مختلف به صورت پنهان یا آشکار نمایان می‌شود. وجود مولفه انتظام آشکار و برنامه‌ریزی شده در ساختار فضایی یک منطقه، خود عاملی در تبیین بُعد جدیدی تحت عنوان پشتیبانی فضایی است. در حقیقت این بُعد مشخص‌کننده تفاوت در ساختار فضایی یک منطقه درون‌سرزمینی با ساختار فضایی بندر - پسکرانه است. وجود فضاهای پشتیبان در مناطق پسکرانه بندرگاهی، بر اساس تصمیم‌سازی برنامه‌ریزان فضایی و تصمیم‌گیری سیاست‌مداران، می‌تواند زمینه لازم را برای ورود فضاهای جغرافیایی کمتر توسعه یافته به چرخه انطباق ساختار فضایی مهیا کند. در این حالت چهارچوب نظری جدیدی تحت عنوان چرخه تعامل در ساختار فضایی بندر - پسکرانه و مبتنی بر چهار بُعد ذکر شده بوجود می‌آید که هدف آن تبیین مدل توسعه فضایی متوازن بندر و مناطق پسکرانه در مقیاس‌های مختلف است.

واژگان کلیدی: ساختار فضایی، بندر، پسکرانه، تحلیل محتوا.

Explaining the Conceptual Model of Interactions among Ports and Their Hinterlands: A Study by Content Analysis Method

Abstract

Ports are of major gates of spatial flows. These nodes not only guide the distribution of goods within the supply chain, but also play an important role for developing their hinterlands. Lack of attention to these spatial relationships, especially in countries with endogenous development factors, reduces the importance of local hinterlands. This would also shrink the relations among ports and hinterlands at the local and regional scales. In this regard, identifying and highlighting the components of spatial structure lead to strengthen the relations between ports and hinterlands. Up to now, many articles have been written on Ports and Hinterlands that can be generally classified them into five categories: The role of ports and hinterlands within the supply chain and transportation; function and efficiency of ports; port-city relationships; management, policy-making, and governance of port-regions; and the trajectory of spatial structure of ports, hinterlands, and forelands. This study aims at identifying and weighing the factors of spatial structures and proposing an appropriate theoretical framework on the spatial structure of port-hinterland based on content analysis. The findings suggest six components of spatial structure: territory; node; corridor; activity area; interaction; and discipline. Compilation of these components result new dimensions of spatial structure; such as spatial movement, spatial use and spatial form. Furthermore, during the development of port-hinterland relationships logistic spaces come into being, which enrich the flows of production, distribution, and consumption. Spatial movement depends on the relationship between nodes and communities. Also human activities on the land can form spatial use. Spatial form is based on interaction process between spatial movement and spatial use that can be appeared obviously or be hidden. In the regional structure, component of discipline with obvious outward can introduce a new dimension as logistic spaces. In fact, dimension of logistic space makes difference in spatial structure of port-hinterland compared to other spatial structures. Logistic spaces generally export spatial development flows to undeveloped geographical areas and adjust spatial structure of hinterlands. Overall, these dimensions generates a cycle entitled port-hinterland spatial structure, which can influence the entire spatial structure of a country.

Key words: Port, hinterland, spatial structure, content analysis.

امروزه بنادر، به عنوان کانون‌های فعال جمعیتی و کارکردی، نقش برجسته‌ای در زنجیره تولید، توزیع و مصرف کالا ایفا می‌کنند و همزمان جریان‌های انسانی، کالایی و سرمایه‌ای و پیوندهایی فضایی قابل توجهی را در درون و بیرون خود به گردش در می‌آورند. بنادر شامل طیف گسترده‌ای از اسکله‌های کوچک تا مراکز بسیار بزرگ بارگیری همراه با پایانه‌ها و خوشه‌های عظیم صنعتی و خدماتی هستند و به همین دلیل همواره نقش کلیدی در قوام بخشی به ساختار فضایی یک سرزمین دارند. بنادر، به عنوان این دروازه‌های عظیم واردات و صادرات کالا، در صورتیکه بتوانند نقش پیوندی مناسبی با مناطق پسرکرانه‌ای خود ایجاد کنند، می‌توانند جریان توزیع کالا را به طور بهینه در زنجیره تامین هدایت کرده و ارتباط خود با نواحی درون سرزمینی را بیش از پیش کنند. عدم توجه به این ارتباط فضایی، بخصوص در کشورهایی که نظام تولید آنها مبتنی بر عوامل برون‌زای توسعه است، می‌تواند نقش مناطق پسرکرانه را در ارتباط میان بندر و مراکز محلی کمرنگ کرده و در طول زمان، ارتباط موثر میان بنادر و مناطق پسرکرانه بخصوص در مقیاس محلی و منطقه‌ای را به میزان قابل توجهی کاهش دهد و ساختار فضایی آن را به سمت الگوی مرکز-پیرامون سوق دهد. آنچه که در این میان و پیش از هرگونه تحلیل و برنامه‌ریزی برای تقویت ساختار فضایی بنادر و پسرکرانه ضرورت دارد، ارائه یک چهارچوب نظری مناسب مبتنی بر مولفه‌های ساختار فضایی سرزمین است. تاکنون دیدگاه‌های مختلفی پیرامون ساختار فضایی در مقیاس ملی، منطقه‌ای و محلی توسط اندیشمندان علوم برنامه‌ریزی فضایی مطرح شده و هر نظریه پرداز با توجه به پایگاه فلسفی متبوع‌اش، به تبیین مولفه‌ها و ابعاد خاص ساختار فضایی از دیدگاه تخصصی خود پرداخته است. هدف از انجام این پژوهش، ارائه چهارچوب مناسب از دیدگاه‌های مطرح پیرامون ساختار فضایی بنادر و مناطق پسرکرانه

ای بر مبنای منطق قیاسی است. در همین راستا، روش تحقیق مقاله کمی و مبتنی بر تحلیل محتوا و شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها متن‌پایه است. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی طیف وسیع دیدگاه‌های مطرح پیرامون بنادر و ساختار فضایی آنها، چهارچوب‌سازی و تعریف مفاهیم مرتبط با ساختار فضایی بنادر و مناطق پسرکرانه بیش از پیش ضرورت دارد. بنابراین در این پژوهش ابتدا با بررسی سیر تحول مفاهیم و رویکردهای موجود پیرامون ساختار فضایی، مولفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار فضایی استخراج می‌شوند. در ادامه به وزن‌دهی این مولفه‌ها در مقاله‌های شاخصی که در محتوای خود ساختار فضایی بنادر و پسرکرانه را بررسی نموده‌اند، پرداخته و ابعاد برجسته مورد نیاز برای تبیین مدل مفهومی پژوهش شناسایی می‌شوند. در انتهای پژوهش نیز بر مبنای بحث‌ها و جمع‌بندی‌های صورت گرفته، یک چهارچوب نظری از ابعاد و مولفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار فضایی بنادر و پسرکرانه ارائه خواهد شد. این چهارچوب همچون نقشه راهی مناسب، برای فهم ساختار فضایی بنادر و مناطق پسرکرانه‌ای مورد توجه قرار خواهد گرفت تا بر مبنای آن بتوان به تحلیل منطقی و تبیین اصولی روابط بنادر و پسرکرانه در پژوهش‌های آتی پرداخته شود.

سیر تحول رویکردهای شاخص پیرامون ساختار فضایی

فضا، عینیتی حاصل از نقش‌پذیری و اثرگذاری افراد و گروه‌های انسانی در مکان یا به سخن دیگر، پیامد عملکردهای متعامل دو محیط طبیعی-اکولوژیک و اجتماعی-اقتصادی است. از اینرو، فضا را می‌توان نوعی تولید اجتماعی در مکان به شمار آورد. از آنجا که فضا متشکل از اجزایی مرتبط است، می‌توان آنرا یک نظام به شمار آورد و چون این نظام، واقعیتی فضایی است، می‌توان از نظام فضایی سخن گفت (سعیدی، ۱۳۸۹، ص ۸). اجزای تشکیل‌دهنده این نظام در بُعد ریاضی آن، شامل گره‌ها و یال‌هایی است

که پیوندهای میان گره‌ها را ایجاد نموده و ساختار آن نظام فضایی را شکل می‌دهد. در بُعد جغرافیایی، ساختار فضایی حاصل فرایندهای تاریخی، کالبدی و شرایط متحول اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و متشکل از عناصر و عواملی است که چگونگی استقرار و نحوه ارتباط میان آنها را با درجه معینی از انتظام و ظرفیت عملکردی بیان می‌کند (داداش پور و تدین، ۱۳۹۴، ص ۶۷). مروری بر متون نظری مرتبط نشان می‌دهد طی چند دهه گذشته در نگرش مربوط به سازمان فضایی سیستم‌های شهری تحولات قابل توجهی رخ داده (Dadashpoor et al, ۲۰۱۵) و رویکردهای مطرح در هر دوره، در دوره‌های بعدی با نقد و تکامل نگرشی مواجه شده‌اند. به طور کلی این سیر تحول پارادایمیک تا به امروز را می‌توان در قالب چهار دوره دسته‌بندی نمود:

دوره اول: پارادایم اثبات‌گرا؛ قبل از ۱۹۶۰ میلادی

تا پیش از دهه ۱۹۶۰ میلادی، اغلب نظریه‌های ساختار فضایی تابع مکتب اثبات‌گرایی و مبتنی بر راهبرد استدلالی استقرایی (تعمیم جزء به کل) و استفاده از روش‌های تحلیل کمی بوده است. در این مکتب، مقدمات استدلال از تجربه گرفته می‌شود و حقیقت تنها از ادراک عقلی حاصل نمی‌شود. پیروان این مکتب معتقدند اگر همه تفسیرهای جغرافیایی، در داخل نمادی از منطق ریاضی تحلیل شود موارد مبهم و غیردقیق کنار گذاشته می‌شود و زمینه لازم برای برنامه‌ریزی فضایی مناسب‌تر مهیا می‌شود. این نوع نگاه جزء‌گرایانه و اتمیسم به فضای جغرافیایی نیز تعمیم می‌یابد (داداش پور و آفاق پور، ۱۳۹۵). در حقیقت در پژوهش‌های برنامه‌ریزی فضایی وابسته به این پارادایم، سعی می‌شود که ابتدا اجزای تشکیل‌دهنده ساختار فضایی تجزیه و سپس در قالب مدل‌های ریاضی و هندسی تحلیل شود (Von Thunen, ۱۸۲۶; Weber, ۱۹۰۹; Christaller, ۱۹۳۳). مهمترین نظریه پرداز ساختار فضایی در دوره اول، کریستالر است (Christaller, ۱۹۳۳). نظریه مکان مرکزی کریستالر در ادامه توسط پژوهشگرانی

همچون لوش (Lösch, ۱۹۴۴)، پرو (Perroux, ۱۹۵۴)، هیرشمن (Hirschman, ۱۹۵۸) بسط داده شده و نظریه‌های جدیدی در قالب رویکرد سلسله مراتبی فضا (شامل نظریه‌های قطب‌رشد و رشد نامتوازن) مطرح شد. در حقیقت در این پارادایم، صفات و ویژگی‌های منتسب به شهرها (همچون اندازه جمعیت، رشد اقتصادی، میزان سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص) ملاک درجه‌بندی و مرتبه آنها در ساختار فضایی منطقه و سرزمین قرار می‌گرفت (داداش پور و دیگران، ۱۳۹۳). بنابراین روابط میان کانون‌ها به صورت عمودی و قدرت عملکردی آنها وابسته به بُعد مسافتی آنها از مرکز بود. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، نظریه‌های سلسله مراتبی فضا به طور عملی در بسیاری از کشورهای جهان بخصوص کشورهای در حال توسعه که از ناهمگونی فضایی بیشتری رنج می‌بردند اجرا شد؛ هرچند که دستاوردهای آن برخلاف تصور ایده پردازان این نظریه، نه تنها به توسعه عادلانه فضا منتهی نشد بلکه به قطبی‌گرایی و مرکزیت بیشتر قطب‌های توسعه و عقب‌ماندگی سایر مناطق منجر شد (قنبری و موسوی، ۱۳۹۰). بروز این مسئله موجب شد که دیدگاه سلسله مراتبی و ریاضی‌وار به فضا در علوم برنامه‌ریزی فضایی در بسیاری از محافل علمی مورد نقد جدی واقع گردد و در نتیجه دیدگاه‌های جدید جایگزین نظریه‌های قبلی شود. منتقدین معتقد بودند که نگاه جزء‌گرایانه به فضای جغرافیایی، می‌تواند نقش عوامل سازنده دیگر را در سازمان‌یابی فضا کمرنگ کند و در نتیجه ساختار فضایی را آنگونه که باید، نتوان به صورت مناسب وصف و تحلیل نمود.

دوره دوم: پارادایم نوابات‌گرا؛ دهه ۱۹۶۰-

۱۹۹۰ میلادی

پس از دهه ۱۹۶۰م، نقدهای متعددی از نظریه مکان مرکزی در پژوهش‌های حوزه سلسله مراتب شهری صورت گرفت (Berry, ۱۹۶۴; Jacobs, ۱۹۶۹; Vance, ۱۹۷۰). این نقدها اغلب بر این

نکته تاکید داشت روابط بین شهرها را نمی بایست تنها منحصر به روابط سلسله مراتبی، جزءنگر و وابسته به اندازه آنها فرض نمود؛ بلکه لازم است شهرها را در یک سیستم باز فرض نمود که ممکن است کلیه آنها به همدیگر وابسته بوده و رشد آنها متأثر از یکدیگر باشد (Pred, ۱۹۷۷). پارادایم حاکم بر این دوره را می توان پارادایم نوابات-گرایی تعریف نمود که در آن، نقد یا نفی نظریه های مکان مرکزی، قطب رشد و رشد نامتوازن فضا و ارائه نظریه های انتقادی جدید بر اساس رویکرد قیاسی و بهره گیری از روش های کمی، رویه اصلی برنامه ریزان فضایی بود. بسیاری از نظریه پردازان مطرح در این دوره، اغلب به دنبال شناسایی مولفه های تشکیل دهنده ساختار فضا، تشریح جایگاه آنها در نظام فضایی سرزمین و تبیین فرایند سازمانیابی فضا در سیستم های پیشنهادی بوده اند (Janelle, ۱۹۶۹; Hilhorst, ۱۹۶۷; Lynch, ۱۹۸۱; Haggett, ۱۹۶۵). نظریه مرکز-پیرامون فریدمن را می توان مهمترین نظریه ساختار فضایی در این دوره معرفی نمود (Friedmann, ۱۹۶۷). فریدمن معتقد بود هر نظام جغرافیایی شامل دو زیرنظام فضایی مرکز (به عنوان قلب پیشتاز یک سیستم) و پیرامون است که در حالت وابستگی نسبت به مرکز قرار دارد. روند تکاملی در رویکرد سیستماتیک به فضا با ارائه نظریه های شاخص همچون نظریه عملکردهای شهری در توسعه روستایی (Rondinelli, ۱۹۷۸) و نظریه مراکز رشد (Misra, ۱۹۷۲) توسط بسیاری از برنامه ریزان فضایی در دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی ادامه می یابد (همچنین ر.ک. Bourne & Simmons, ۱۹۷۸; Morrill, ۱۹۷۰; Conzen, ۱۹۷۵). به طور کلی انتقاد این افراد نسبت به رویکرد قبلی نه بر مبنای نفی رویکرد سلسله مراتبی بلکه تاکید بر شکل گیری و تکامل ساختار شبه سلسله مراتبی در درون یک سیستم باز است که در درون آن قدرت روابط میان شهرها نقشی تعیین کننده در شکل گیری ساختار فضایی منطقه مورد نظر را دارد.

به عبارت دیگر، در این دوره عملکرد همزمان پارادایم سلسله مراتبی و شبکه ای مدنظر اندیشمندان قرار گرفته و در عین حال بر نقش سیستماتیک شهرهای شاخص با نقش های برجسته مالی - بازرگانی و واجد مسیرهای کریدوری مجهز، به عنوان عامل محرک اقتصاد و تخصص منطقه ای، تاکید می شود. این تحول در نگرش به ساختار سلسله مراتبی فضا، سهم عمده ای در شکل دهی به رویکرد شبکه ای در دوره بعدی داشت.

دوره سوم: پارادایم رابطه ای؛ دهه ۱۹۹۰-۲۰۱۰ میلادی

از دهه ۱۹۹۰ میلادی با قوت گرفتن پارادایم کنش ارتباطی در عرصه برنامه ریزی (Habermas & Cooke, ۲۰۰۰)، نگاه به روابط موجود در سیستم های فضای جغرافیایی تغییر یافت. اگر تا پیش از این نگاه عمودی، نظم محور و سلسله مراتبی به کانون ها و روابط میان آنها وجود داشت، در پارادایم کنش ارتباطی این ساختار انعطاف ناپذیر شکسته شده و با تعمیم این رویکرد به عرصه برنامه ریزی، الگوی برنامه ریزی ارتباطی در مقیاس شهری (Healey, ۱۹۹۷) و برنامه ریزی شبکه ای در مقیاس جهانی، ملی و منطقه ای ظهور می یابد (Meijers, ۲۰۰۵; Castells, ۱۹۹۳; Batten, ۱۹۹۵; Taylor et al, ۲۰۱۰). این رهیافت بر درجه تعامل هریک از نقاط با دیگر نقاط در نظام جریان ها استوار است و با تأکید بر داده های رابطه ای، کم و کیف، شکل و محتوای آرایش جریان ها، سازمان یابی فضا را هدف قرار می دهد (داداش پور و دیگران، ۱۳۸۹). کاماگنی و سالون بر شکل گیری ساختار جدید مبتنی بر یک شبکه چندمرکزی و مجموعه ای از مراکز میانه در درون این شبکه اذعان دارند که اغلب آنها به صورت تعاملی با هم در ارتباطند. این دو محقق از این تحول جدید رخ داده در ساختار فضایی مناطق به عنوان ساختار شبکه ای یاد می کنند. آنها معتقدند این ساختار از دو مولفه بنیادی شامل زیرساخت ها (شبکه های

ریلی، بزرگراهی و کانال های آبی) و تعامل فضایی میان مکان های شهری، فعالیت های اقتصادی و مردم تشکیل شده است (Camagni & Salone, ۱۹۹۳). بر همین اساس گروهی از پژوهشگران عرصه برنامه ریزی فضایی تلاش نمودند سازمان یابی فضا را بر مبنای رهیافت تعاملی یا شبکه مینا ترسیم و مولفه های شکل دهنده به ساختار فضایی را تبیین کنند. گروهی از آنها روش های کمی را به منظور تحلیل و تبیین شبکه های ساختاری-اجتماعی فضا (Dablan, ۲۰۰۹; Preston, ۲۰۰۱; Givoni & Banister, ۲۰۰۶) و گروهی دیگر روش های کیفی را برگزیدند (Rodrigue, ۲۰۰۴; Roso et al, ۲۰۰۹; Røe, ۲۰۰۰; Lee et al, ۲۰۰۸). از دید آنها، سلسله مراتب در کارکردها برخلاف سلسله مراتب در شهرها، اغلب متقارن و دوسویه است. بنابراین روابط بین مراکز شهری و روستایی تنها عمودی نبوده، بلکه روابط افقی در قالب روابط مکملی، تعاون و همکاری نیز بروز می یابد. با این اوصاف می توان گفت الگوی شبکه ای نه تنها ناقض الگوی سیستمی فضا نیست بلکه مکمل آن به شمار می رود. در این الگو اندیشمندان برای کشف روابط شبکه ای در ساختار فضایی، تنها به روش های کمی اکتفا ننموده بلکه از روش های کیفی و راهبردهای استدلالی ذهنی گرا (همچون استفهامی) برای اثبات وجود این روابط استفاده می نمایند.

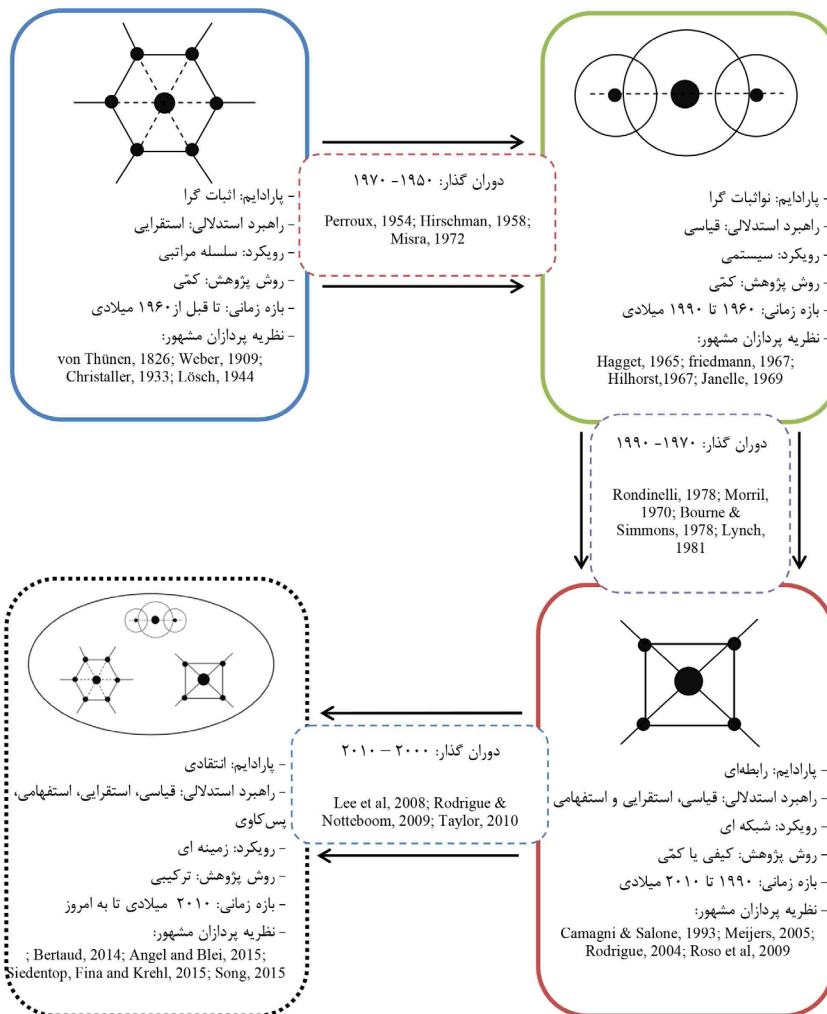
دوره چهارم: پارادایم انتقادی؛ از ۲۰۱۰ میلادی تا کنون

درحالیکه پژوهش پیرامون پارادایم ارتباطی و رویکرد شبکه ای در تحلیل ساختار فضایی همچنان در بسیاری از محافل علمی جریان دارد، از ابتدای قرن ۲۱ ام همزمان توجه به دیدگاههای فلسفی انتقادی مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان برنامه ریزی قرار دارد. در حقیقت ماهیت روش شناسی تفکر انتقادی به گونه ای است که به طور مداوم در حال اصلاح نواقص نظریه های قبلی و ارائه نظریه های جدید است. یکی از جدیدترین پارادایم های فلسفی که

در چند سال اخیر مورد توجه برنامه ریزان شهری و منطقه ای قرار گرفته، پارادایم فرااثبات گرا است که اولین بار توسط آلمندینگر (Allmendinger, ۲۰۰۲) مطرح شده است. او با مطالعه و نقد نظریه های برنامه ریزان شهری شاخصی مانند فالودی (Faludi, ۱۹۸۱) و یفتاشل (Yiftachel, ۱۹۸۹) پیرامون طبقه بندی و پایگاه فلسفی نظریات برنامه ریزی، به تبیین نظریه چارچوب ساز خود پرداخته است. آلمندینگر از پارادایم اثبات گرایی و نوابثات گرایی به عنوان دو نظریه چارچوب ساز رقیب نام می برد و اشاره می کند که کار نظریه چارچوب ساز، ایجاد پیوند میان فلسفه علم اجتماعی، نظریه اجتماعی و نظریه بیرونی برنامه ریزی است. این نظریه، با قرار گرفتن در شرایط زمانی و مکانی خاص خود، نظریه برنامه ریزی درون زا را شکل می دهد. هرچند این پارادایم تاکنون ثبات فلسفی لازم را در میان برنامه ریزان فضایی بدست نیاورده اما توانسته است بخشی از نظریه های ساختار فضایی را از اوایل دهه ۲۰۱۰ میلادی تا به امروز معطوف به خود کند (Bertaud, ۲۰۱۴; Angel and Blei, ۲۰۱۵; Song, Siedentop, Fina and Krehl, ۲۰۱۵). استدلال راهبردی مورد استفاده در این پارادایم، تلفیقی از استدلال های چهارگانه استقرایی، قیاسی، استفهامی و پس کاوی است. در حقیقت پژوهشگران ارائه کننده این پارادایم معتقدند برای رسیدن به پاسخ کاربردی برای تبیین ساختار فضایی هر منطقه، باید نظریه های گذشته را مورد پس کاوی قرار داده و با در نظر گرفتن نیروهای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، ساختار فضایی خاص آن منطقه را به صورت زمینه ای ارائه نمود (Goletz, Feige & Heinrichs, ۲۰۱۶; Hernandez & Titheridge, ۲۰۱۵; et al, ۲۰۱۶). در نتیجه بر مبنای این پارادایم، الگوی موجود و پیشنهادی ساختار فضایی هر منطقه بر اساس مولفه ها و ابعاد فضایی خاص آن منطقه یا سرزمین تعریف شده و نمی توان هیچگونه الگوی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

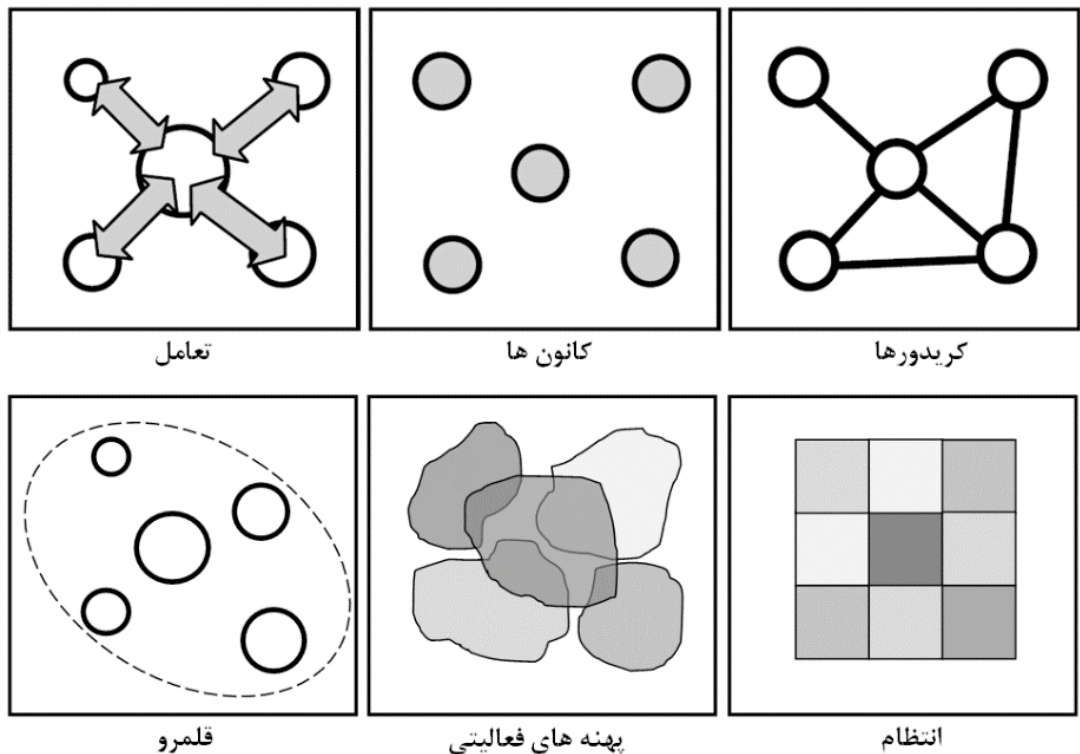


شکل ۱. سیر تحول پارادایمی مرتبط با ساختار فضایی؛ مأخذ: یافته های تحقیق.

را در شش مولفه اساسی دسته بندی نمود. لازم به ذکر است بنادر به عنوان کانون های مهم بازرگانی و مبادلات کالا و پسرکانه های بنادر که شامل کانون ها، پهنه های کاربری و کریدورهای ترانزیتی هستند، همواره بخشی اثرگذار در شکل دهی به ساختار فضایی یک سرزمین بوده و نقشی تعیین کننده در سازمان فضایی دارند. شش مولفه شکل دهنده به ساختار فضایی یک سرزمین عبارتند از: کانون ها؛ کریدورها؛ پهنه های فعالیت؛ تعامل؛ قلمرو؛ انتظام (شکل ۲). از میان این مولفه ها، سه مولفه کانون، کریدور و پهنه فعالیت در چارچوب عناصر کالبدی - عینی فضا می گنجد و در پلان دو بعدی فضای جغرافیایی، قابل مشاهده اند. در

برتری را پیش از انجام پژوهش های میدانی (شامل روش های ترکیبی) برای منطقه مورد نظر ارائه داد. همانطور که گفته شد این پارادایم امروزه در ذیل پارادایم شبکه ای فضا و تحلیل ساختار فضایی قرار دارد و هنوز نتوانسته جایگاه مستقلی برای خود باز کند (شکل ۱).

اندیشمندان برنامه ریزی فضایی، در مسیر تحول رویکردهای نظری و مدل های مفهومی پیرامون ساختار فضایی، همواره مولفه های شکل دهنده به ساختار فضایی را در تجزیه و تحلیل های خود تبیین می کنند. با مرور مجدد نظریه های ساختار فضایی سرزمین و وابسته به پارادایم های چهارگانه، می توان مولفه های شکل دهنده به ساختار فضایی



شکل ۲. مولفه های ساختار فضایی؛ ماخذ: نگارندگان.

جغرافیایی تلقی می شوند (Taffee et al, ۱۹۶۳; Klapka; Hilhorst, ۱۹۷۱; Friedmann, ۱۹۶۷; et al, ۲۰۱۰; Roudrigue; ۲۰۰۴; Haggett, ۱۹۶۵; Van Klink & Van Den Berg, ۱۹۹۸).

پهنه های فعالیتی از برخورد و کنش میان کانون ها و محورهای ارتباطی حاصل می شود. به عبارت دیگر کانون ها در زمان همگرایی نیازمند ارتباط با همدیگر می شوند و از فرصت بهره وری و صرفه جویی های ناشی از تولید و مقیاس حداکثر استفاده را می کنند. این موضوع به مرور موجب شکل گیری عرصه های تولید و خدمات شده و پهنه های فعالیتی با هدف ارزش افزوده گسترش می یابند. همین عامل موجب سازمان یافتن سطوح بزرگ تر شده و بسته به مقیاس کانون ها، مساحت این سطوح می تواند کم یا زیاد باشد (Hilhorst, ۱۹۶۵; Haggett, ۱۹۷۱; Roudrigue; ۲۰۰۴; Hayuth, ۱۹۸۱; Klapka; Notteboom & Roudrigue, ۲۰۰۵; et al, ۲۰۱۰).

حالی که سه مولفه باقیمانده شامل قلمرو، تعامل و انتظام، اغلب در چارچوب عناصر اقتصادی - اجتماعی فضا دسته بندی می شوند که کشف لایه های پنهان آنها براحتمی میسر نیست. کانون ها محل تولید، مصرف انرژی و مدیریت جریان های کالایی و انسانی هستند (Christaller, ۱۹۳۳; perroux, ۱۹۵۵; Taffee et al, ۱۹۶۳; Haggett, ۱۹۶۵; Klapka; Hilhorst, ۱۹۶۷; Friedmann, ۱۹۷۱; et al, ۲۰۱۰). در عین حال، برخی از کانون ها بخصوص بنادر همچون مفاصل ارتباطی، وظیفه تغییر در شیوه حمل و نقل محموله های منطقه ای، ملی و جهانی را برعهده دارند (Rodrigue, ۲۰۰۵; Notteboom & Rodrigue, ۲۰۰۴).

کریدورها در حقیقت عرصه توزیع جریان های کالایی - انسانی بوده و کمیت ارتباطات و کیفیت اتصالات میان کانون ها را تامین می کنند. این کریدورها بسترهای ضروری جهت انتقال جریان در فضا تلقی می گردند و به منزله استخوان بندی فضای

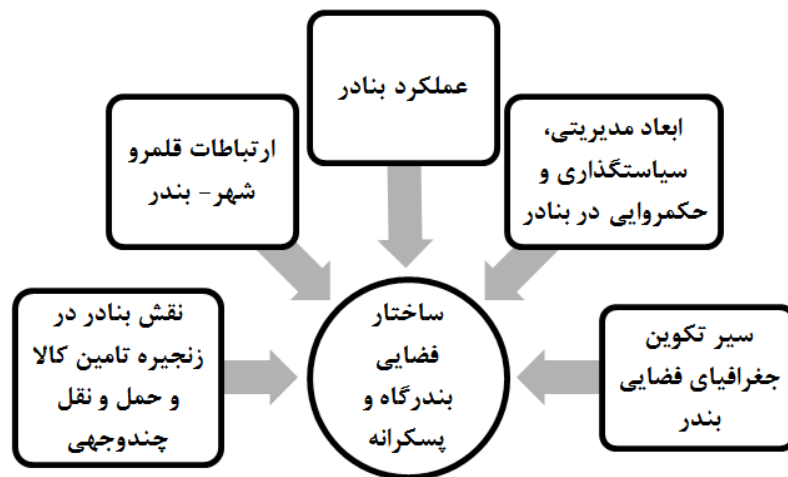
گرفتن از کریدورهای مجهز، قوام بخش پیوندهای فضایی میان دو یا چند کانون عملکردی - جمعیتی هستند. قلمرو به حوزه نفوذ سیستم فضایی مورد نظر اشاره دارد که کلیه روابط و تعاملات فضایی در درون این مرز اتفاق می افتد. این قلمرو در ساده ترین حالت مبتنی بر مرزهای برنامه ریزی شده توسط سیاست مداران و برنامه ریزان فضایی است اما در اغلب موارد، محدوده یک قلمرو فضایی را شرایط اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی حاکم بر آن سیستم تعیین می کند (Christaller, ۱۹۳۳; Hilhorst, ۱۹۷۱; Rodrigue & Notteboom, ۲۰۰۹; Klapka et al, ۲۰۱۰). تعامل بر کنش گری میان سطوح عملکردی، کانون ها و محورهای ارتباطی تاکید دارد. تعامل در حقیقت نتیجه برقراری پویایی و حرکت میان فعالیت های انسانی و جریان های کالایی است (Taffee et al, ۱۹۶۳; Lynch, ۱۹۸۱; Notteboom & Roudrigue, ۲۰۰۵; Roso et al, ۲۰۰۹; Meijers, ۲۰۰۵; Angel and Blei, ۲۰۱۵; Bertaud, ۲۰۱۴). آخرین مولفه ساختار فضایی که اغلب نقشی پنهان در شکل دهی به آن دارد، انتظام است. هر سیستمی نیازمند یک منطق یا انتظام معنادار (آشکار یا نهفته)، با هدف ایجاد انسجام لازم در ساختار خود می باشد؛ درغیراین صورت هر لحظه امکان از هم پاشیدگی این سیستم و ترکیب اجزای آن با سیستم جدید وجود خواهد داشت (Christaller, ۱۹۳۳; Taffee et al, ۱۹۶۳; Roso et al, ۱۹۶۵; Misra, ۱۹۷۲; Haggett, ۲۰۰۹; Feng et al, ۲۰۱۳). جدول ۱ به مصداق های عینی هریک از این مولفه ها در مقیاس های محلی، منطقه ای، ملی و فراملی پرداخته است.

روش و داده های پژوهش

همانگونه که در بخش مقدمه ذکر شد هدف از انجام این پژوهش، ارائه چهارچوب مناسب از

جدول ۱. مصداق عینی مولفه های ساختار فضایی در سه مقیاس محلی، منطقه ای، ملی و فراملی

مؤلفه ساختار فضایی	مقیاس محلی	مقیاس منطقه ای	مقیاس ملی و فراملی
کانون ها	اشغال و فعالیت های تجاری	نواحی کلانشهری	قطب های بزرگ جمعیتی و مراکز دروازه ای (بنادر و فرودگاه ها)
کریدورها	جاده ها و سیستم ترانزیت	خطوط ریلی، شبکه بزرگراه ها و کانال ها	مسیرهای هوایی و دریایی
تعامل ها	سفرهای آونگی و توزیع	سیستم شهری و پسرانه های آن	سرمایه گذاری، تجارت و تولید
قلمرو	محدوده های مشترک هویتی، مرزهای محلی	حوزه نفوذ منطقه ای، مرز شهرستان و استان	مرزهای سیاسی ملی، حوزه های مشترک اقتصادی - فرهنگی - زبانی
پهنه های فعالیت	کاربری زمین در مقیاس شهر و روستا	پهنه های فعالیت، جنس لکه ها و سطوح عملکردی	سطوح خدمات رسان و پهنه های فعالیت در مقیاس سرزمین
انتظام	چگونگی قطعه بندی پلاک ها و دسترسی های محلی	منطق حاکم بر روابط میان شهرها و روستاها	نوع چیدمان فضایی و روابط میان گره های مهم سرزمینی



شکل ۳. موضوعات پنج گانه مطرح شده در مقاله های معتبر پیرامون بندر و پسرکانه و همبستگی آنها با مقوله ساختار فضایی

دیدگاههای مطرح پیرامون ساختار فضایی بندر و مناطق پسرکانه ای است. با توجه به این هدف، لازم است فرآیند روش شناختی پژوهش به گونه ای ساختارمند تنظیم شود. بدین منظور، بنیان فلسفی روش این پژوهش بر اساس پارادایم واقع گرایی و زیربنیان فلسفی آن بر اساس پارادایم نوانبات گرایی تنظیم شده است. راهبرد استدلالی در پارادایم نوانبات گرایی، اغلب بر اساس منطق قیاسی استوار است. در منطق قیاسی، سایر نظریه های معتبر پیرامون موضوع پژوهش، مورد بررسی و آزمون قرار گرفته و در نهایت، با رد، تکمیل یا اقتباس از مفاهیم سایر نظریه ها، نظریه یا چارچوب جدیدی تبیین می شود. در این حالت چون مقرر شده که چارچوب جدیدی از ساختار فضایی بندر و پسرکانه و مولفه های سازنده آن ارائه شود، رویکرد پژوهش نیز به صورت اکتشافی خواهد بود. در عین حال، برای دستیابی منطقی به هدف پژوهش، روش پژوهش به صورت کمی و جنس داده های پژوهش، متن پایه در نظر گرفته شده است. شیوه نمونه گیری از داده ها بر مبنای روش نمونه گیری مورد مشهور و فرایند نمونه گیری از داده ها در سه گام صورت گرفته است. در گام اول تعداد ۷۶ مقاله معتبر با لحاظ نمودن همزمان شرایط زیر به صورت پیش فرض انتخاب

شده اند: (۱) مقالات منتشر شده در بازه زمانی ۲۵ سال اخیر (از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ م.). (۲) مقاله های نشریه های معتبر ISI با مضمون موضوعی بندر و پسرکانه و با ضریب تاثیر ۰/۵ به بالا. گام دوم نمونه گیری با تعریف محدودیت های جدید انجام شده است. در این گام از میان ۷۶ مقاله مرحله قبل، تعداد ۲۸ مقاله برگزیده شده که در عنوان یا چکیده آنها به طور صریح از عبارت ساختار فضایی یا مولفه ها و مفاهیم مرتبط با این عبارت استفاده شده است. در گام سوم، از میان ۲۸ مقاله منتخب، ۱۵ مقاله با تعریف دو قید جدید برگزیده شده اند: (۱) حداقل ۱۰ مورد ارجاع دهی به مقاله مذکور؛ (۲) قابلیت اعتماد و اعتبار یکی از نویسندگان مقاله به میزان حداقل عدد ۱۰. روش تجزیه و تحلیل داده ها بر مبنای تحلیل محتوای کمی و از طریق ابزار ضریب همبستگی اسپیرمن و تحلیل آنتروپی شانون خواهد بود. ابزار تحلیلی مورد استفاده نیز نرم افزار SPSS خواهد بود.

تحلیل داده های پژوهش

تاکنون طیف وسیعی از مقاله ها پیرامون شهرهای بندری و مناطق پسرکانه ای با طیف های موضوعی متفاوت مطرح شده است. با یک بررسی گذرا و در عین حال جامع از مجموعه مقاله های مطرح پیرامون

جدول ۲. تبیین رابطه همبستگی میان پنج دسته موضوعی پیرامون بنادر و موضوع ساختار فضایی

عنوان	عملکرد و کارایی بنادر	نقش بنادر و پسکرانه در زنجیره تامین کالا و حمل و نقل چندوجهی	ابعاد مدیریتی، سیاست- گذاری و حکمروایی در مناطق بندرگاهی	ارتباطات قلمرو بندر- شهر	سیر تکوین جغرافیای بندر، مناطق پسکرانه و پیشکرانه
Spearman Correlation	0.408	0.792	0.221	0.725	0.667
Approx. Sig.	0.140	0.231	0.210	0.030	0.341
N	28	28	28	28	28

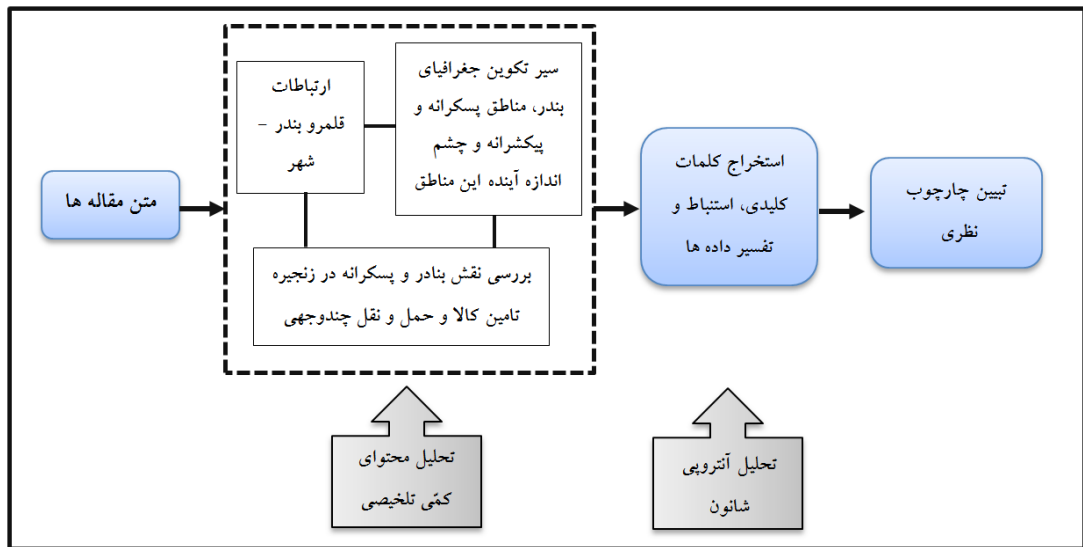
بنادر و پسکرانه (تعداد ۷۶ مقاله برگزیده مبتنی بر گام اول نمونه-گیری مورد مشهور) می توان آنها را در پنج طیف موضوعی طبقه بندی نمود (شکل ۳). پژوهشگران در هر یک از این دسته های موضوعی، بر مفاهیم و مولفه های مدنظر خود تاکید و یافته های قابل توجهی را در علوم بندرگاهی ثبت نموده اند، اما با توجه به هدف پژوهش، سوال این است که کدامیک از این دسته های موضوعی، همبستگی معنایی و قرابت مفهومی بیشتری با مقوله ساختار فضایی دارند. بنابراین در گام دوم نمونه گیری، تعداد ۲۸ مقاله برگزیده شد که در عنوان یا چکیده آنها بطور مستقیم به موضوع ساختار فضایی بنادر- پسکرانه پرداخته شده است تا در ادامه مشخص شود که این مقاله ها، در طول پژوهش خود بر کدام دسته از موضوعات اشاره شده تمرکز یافته اند. جدول ۲ نتیجه روابط همبستگی میان موضوع مقاله های بندرگاهی با موضوع ساختار فضایی بنادر را نشان می دهد. نتایج محاسبات نشان می دهد که میان دسته موضوعی بررسی نقش بنادر و پسکرانه در زنجیره تامین کالا و حمل و نقل چندوجهی و مقوله ساختار فضایی بیشترین میزان همبستگی وجود دارد.

معنای این همبستگی آن است که مقاله های که با هدف بررسی ساختار فضایی بنادر نگاشته شده اند، در بخش تحلیل و نتیجه گیری، به بررسی نقش بنادر در زنجیره تامین کالا و حمل و نقل چندوجهی پرداخته اند. در واقع این دسته از مقاله ها در مسیر تحلیل ساختار فضایی بنادر به بررسی حمل و نقل چندوجهی، بهره وری از شبکه های زنجیره ای تامین کالا و تعاملات جریانی میان بنادر و کانون های پیرامونی در مناطق پسکرانه پرداخته اند. دسته بعدی متعلق به موضوعاتی است که ارتباطات قلمرو بندر- شهر را مورد بررسی قرار داده اند. در این دسته از مقاله ها، ارتباطات کریدوری، سطوح عملکردی و فرم کالبدی شهرهای بندرگاهی در مقیاس محلی و منطقه ای مورد بررسی قرار گرفته و ساختار فضایی شهر - بندر تشریح شده است. دسته سوم موضوعات، موضوعاتی است که به بررسی سیر تکوین جغرافیای بندر، مناطق پسکرانه و پیشکرانه پرداخته اند. در این دسته از مقاله ها، نحوه تغییرات محورهای ارتباطی، تغییرات ایجاد شده در قلمروهای فضای تعاملی بنادر با مناطق پسکرانه، سیر تحول سطوح عملکردی و کاربری اراضی در بندرگاه و مناطق پیرامونی در طول زمان مورد بررسی قرار گرفته است. دو دسته موضوعی عملکرد بنادر و ابعاد مدیریتی، سیاست گذاری و حکمروایی در مناطق بندرگاهی، موضوعاتی هستند که کمترین همبستگی با مقوله ساختار فضایی بنادر را داشته اند.

در بخش دوم این پژوهش به وزن دهی به مولفه های ساختار فضایی بنادر- پسکرانه پرداخته می شود. در واقع در این بخش مشخص می شود که از مولفه های تشکیل دهنده ساختار فضایی در مقاله های شاخص پیرامون بنادر و پسکرانه به چه میزان و با چه ضریب اهمیتی، استفاده شده است. به منظور استخراج وزن مولفه های کلیدی ساختار فضایی از سه دسته مقاله های موضوعی برگزیده در بخش قبل، استفاده شده است. در ادامه با استفاده از فن تحلیل محتوا با رویکرد تلخیصی به استخراج کدهای اصلی پیرامون

بنادر و پسکرانه (تعداد ۷۶ مقاله برگزیده مبتنی بر گام اول نمونه-گیری مورد مشهور) می توان آنها را در پنج طیف موضوعی طبقه بندی نمود (شکل ۳). پژوهشگران در هر یک از این دسته های موضوعی، بر مفاهیم و مولفه های مدنظر خود تاکید و یافته های قابل توجهی را در علوم بندرگاهی ثبت نموده اند، اما با توجه به هدف پژوهش، سوال این است که کدامیک از این دسته های موضوعی، همبستگی معنایی و قرابت مفهومی بیشتری با مقوله ساختار فضایی دارند. بنابراین در گام دوم نمونه گیری، تعداد ۲۸ مقاله برگزیده شد که در عنوان یا چکیده آنها بطور مستقیم به موضوع ساختار فضایی بنادر- پسکرانه پرداخته شده است تا در ادامه مشخص شود که این مقاله ها، در طول پژوهش خود بر کدام دسته از موضوعات اشاره شده تمرکز یافته اند. جدول ۲ نتیجه روابط همبستگی میان موضوع مقاله های بندرگاهی با موضوع ساختار فضایی بنادر را نشان می دهد. نتایج محاسبات نشان می دهد که میان دسته موضوعی بررسی نقش بنادر و پسکرانه در زنجیره تامین کالا و حمل و نقل چندوجهی و مقوله ساختار فضایی بیشترین میزان همبستگی وجود دارد.

معنای این همبستگی آن است که مقاله های که با هدف بررسی ساختار فضایی بنادر نگاشته شده اند، در بخش تحلیل و نتیجه گیری، به بررسی نقش بنادر در زنجیره تامین کالا و حمل و نقل چندوجهی پرداخته اند. در واقع این دسته از مقاله ها در مسیر تحلیل ساختار فضایی بنادر به بررسی حمل و نقل چندوجهی، بهره وری از شبکه های زنجیره ای تامین



شکل ۴. ساختار تحلیلی پژوهش به منظور استخراج داده های کلیدی از مقاله های مطرح پیرامون بندر و پسرکانه

مؤلفه ساختار فضا	کانون	کریدور	تعامل	پهنه های فعالیتی	قلمرو	انتظام
شماره مقاله						
1	0.179	0.226	0.192	0.333	0.25	0.333
2	0.214	0.129	0.231	0.167	0	0
3	0.214	0.226	0.231	0.333	0.5	0.333
4	0.143	0.226	0.154	0.167	0.25	0.333
5	0.25	0.194	0.192	0	0	0

اساس با مرور متن مقاله های برگزیده، کلیه کدها شامل کلمات، عبارات کلیدی، مدل های تصویریو پاراگراف هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به شش مؤلفه ساختار فضا (شامل قلمرو؛ کانون؛ محور ارتباطی؛ سازمان یابی سطوح؛ تعامل؛ انتظام) اشاره دارند، استخراج می-شوند. این شش مؤلفه در واقع نقش رموز نهفته در متن مقاله ها را دارند که می توانند به پژوهشگر در محاسبه ضریب وزنی هر مؤلفه کمک کنند.

جدول ۳ به ۵ مقاله برگزیده از هر دسته موضوعی برگزیده اشاره دارد. جدول ۴ تعداد کدهای مربوط به هر مؤلفه را برای دسته موضوعی اول (نقش بندر و پسرکانه در زنجیره تامین کالا و حمل و نقل چندوجهی) نشان می دهد. برای تلخیص متن مقاله،

ساختارشناسی بندر و مناطق پسرکانه پرداخته شده است (شکل ۷). شیوه نمونه گیری نیز به صورت مورد مشهور و در گام سوم آن بوده است که بر اساس آن، از میان ۲۸ مقاله برگزیده، ۵ مقاله از هر دسته موضوعی به منظور ارزیابی وزن مؤلفه ها برگزیده شده است. در ادامه به منظور وزن دهی استاندارد به مؤلفه ها نیز از روش آنتروپی شانون استفاده شده است (رابطه ۱).

(۱)

$$E \approx S \{ P_1, P_2, \dots, P_n \} = -k \sum_{i=1}^m [P_i L_n P_i]$$

برداشت مؤلفه های ساختار فضایی از میان سه دسته موضوعی که همبستگی بیشتری با مفهوم ساختار فضایی دارند، انجام می شود (شکل ۴). بر این

جدول ۳. مقاله های شاخص مرتبط با هر دسته موضوعی همبسته

مقالات برگزیده به شیوه نمونه گیری مورد مشهور	دسته موضوعی
1) Rodrigue & Notteboom, 2012; 2) Rodrigue et al, 2010; 3) Van der horst & De langen, 2008; 4) Rodrigue & Notteboom, 2009; 5) Robinson, 2002	نقش بنادر و پسکرانه در زنجیره تامین کالا و حمل و نقل چندوجهی
1) Witte et al, 2014; 2) Wiegman and Louw, 2011; 3) Wilmsmeier et al, 2011; 4) Hoyle, 1989; 5) Norcliffe et al, 1996	ارتباطات قلمرو بندر - شهر
1) Theys et al, 2008; 2) Rodrigue & Notteboom, 2005; 3) Lee et al, 2008; 4) Ducruet & Lee, 2006; 5) Roso et al, 2009	سیر تکوین جغرافیای بندر، مناطق پسکرانه و پیشکرانه

جدول ۴. شناسایی تعداد کدهای مولفه های ساختار فضایی در دسته موضوعی اول

مؤلفه ساختار فضا	کانون	کریدور	تعامل	پهنه های فعالیت	قلمرو	انتظام
1	۵	۷	۵	۲	۱	۱
2	۶	۴	۶	۱	۰	۰
3	۶	۷	۶	۲	۲	۱
4	۴	۷	۴	۱	۱	۱
5	۷	۶	۵	۰	۰	۰
جمع فراوانی	۲۸	۳۱	۲۶	۶	۴	۳

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۰

ضرایب آنتروپی و ضرایب اهمیت هریک از مولفه ها بدست می آید (جدول ۶).

$$E_j = -K \sum_{i=1}^m [P_{ij} L_n P_{ij}] \quad (j=1, 2, \dots, n) \quad (3)$$

$$K = \frac{1}{L_n \ln 5} = \frac{1}{L_n \cdot 5} = 0.621 \quad (4)$$

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j} \quad (5)$$

این برداشت میدانی برای دو طیف دیگر از موضوعات نیز به همین روال مورد ارزیابی قرار می گیرد. جدول ۷ به مجموعه گردآوری شده این نتایج در هر سه دسته موضوعی اشاره دارد:

همانطور که نتایج جدول ۷ نشان می دهد در دسته موضوعی اول مولفه های تعامل، کریدور و کانون از بیشترین میزان اهمیت از نظر نویسندگان این مقاله ها برخوردار بوده اند. این موضوع نشان می دهد که هرگونه تعامل و ارتباط میان اجتماعات انسانی که در کانون ها و گره های شهری استقرار یافته اند، از طریق زیرساخت ها و محورهای ارتباطی امکان پذیر

از ارائه جدول خام دو دسته موضوعی دیگر پرهیز شده است. برای وزن دهی به داده ها نیز لازم است آنها را بهنجار کنیم (جدول ۵). در اینجا به منظور تلخیص مباحث در چگونگی محاسبات وزن دهی، تنها به نحوه وزن دهی دسته موضوعی اول اکتفا می شود. بهنجارسازی داده ها از رابطه ۲ بدست می آید:

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i=1, 2, \dots, m; j=1, 2, \dots, n)$$

در گام بعدی، بار اطلاعاتی مقوله ز ام باید مورد محاسبه قرار گیرد (رابطه ۳). در این فرمول K بر مبنای تعداد مقاله ها مورد بررسی (که در اینجا برابر ۵ است) محاسبه می شود (رابطه ۴). در ادامه ضریب اهمیت هر مولفه، بر اساس رابطه ۵ بدست می آید. با جایگذاری اعداد بدست آمده در فرمول های بالا،

جدول ۵: داده های بهنجار شده برای مولفه مربوطه در هر مقاله در دسته موضوعی اول

مؤلفه ساختار فضا شماره مقاله	کانون	کریدور	تعامل	پهنه‌های فعالیتی	قلمرو	انتظام
1	0.179	0.226	0.192	0.333	0.25	0.333
2	0.214	0.129	0.231	0.167	0	0
3	0.214	0.226	0.231	0.333	0.5	0.333
4	0.143	0.226	0.154	0.167	0.25	0.333
5	0.25	0.194	0.192	0	0	0

جدول ۶: میزان ضرایب آنتروپی و اهمیت هر یک از مولفه ها در دسته موضوعی اول

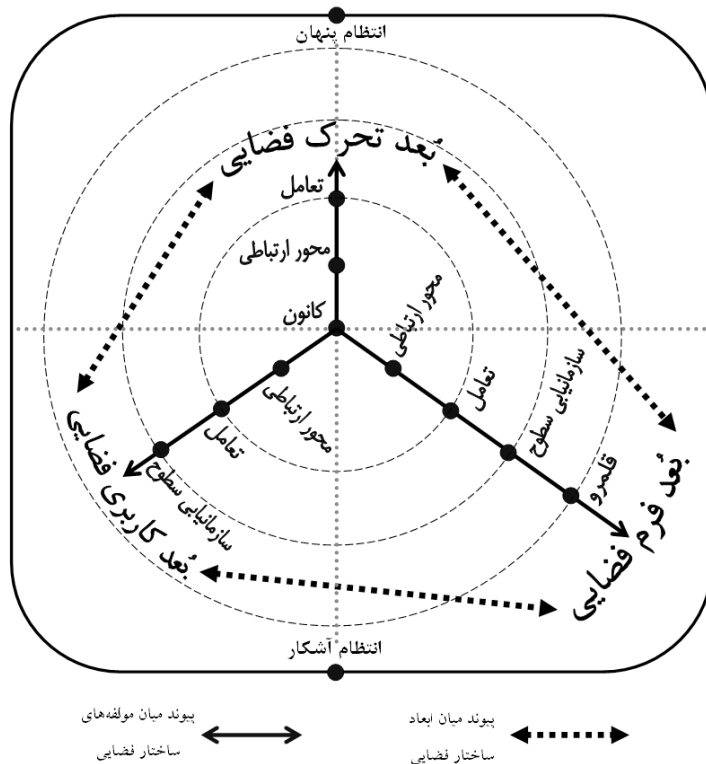
	کانون	کریدور	تعامل	پهنه‌های فعالیتی	قلمرو	انتظام
ضریب آنتروپی	0.989	0.988	0.933	0.826	0.646	0.682
ضریب اهمیت	0.193	0.193	0.194	0.161	0.126	0.133

جدول ۷: میزان ضرایب آنتروپی و اهمیت مولفه های ساختار فضایی در سه دسته موضوعی برگزیده

مؤلفه ساختار فضا دسته موضوعی مقاله‌ها	کانون	کریدور	تعامل	پهنه‌های فعالیتی	قلمرو	انتظام
بررسی نقش بنادر و پسرکانه در زنجیره تامین کالا و حمل و نقل چندوجهی (دسته موضوعی اول)	<u>0.193</u>	<u>0.193</u>	<u>0.194</u>	0.161	0.126	0.133
ارتباطات قلمرو بندر - شهر (دسته موضوعی دوم)	<u>0.170</u>	<u>0.142</u>	<u>0.167</u>	<u>0.171</u>	0.111	0.068
سیر تکوین جغرافیای بندر، مناطق پسرکانه و پیشکانه (دسته موضوعی سوم)	<u>0.172</u>	<u>0.173</u>	<u>0.166</u>	<u>0.172</u>	<u>0.166</u>	<u>0.151</u>

است. ترکیب این سه مولفه (کانون، کریدور و تعامل) می‌تواند بیانگر بُعد تحرک فضایی باشد. در حقیقت با حضور همزمان و موثر این سه مولفه، ابتدایی ترین حالت ساختار فضایی شکل می‌گیرد و این سه مولفه، ضروری ترین اجزای ساختار فضایی را شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، این سه مولفه در کنار هم، اساسی-ترین شرط برقراری جریان های اقتصادی و اجتماعی است و در ساختار فضایی یک منطقه می‌تواند آغاز پیوندهای فضایی قوی میان اجتماعات انسانی باشد. درعین حال

ضعف حضور یک مولفه می‌تواند به طور مستقیم بر کمیت و کیفیت پیوندهای فضایی تاثیرگذار باشد. به عنوان مثال ممکن است میان دو کانون جمعیتی، کریدورهای حمل و نقلی مجهز وجود داشته باشد اما تا زمانی که انگیزه تعامل میان این کانون های تولیدی، فعالیتی و خدماتی وجود نداشته باشد عملاً جریان های فضایی در سطح نازلی قرار خواهد داشت. قدرت نفوذ این بُعد را با شاخص هایی همچون جریان های کالایی و انسانی میان گره ها، تراکم کانون های جمعیتی، کمیت و



شکل ۵. مولفه‌ها و ابعاد تشکیل دهنده ساختار فضایی سرزمین

چهار مولفه کانون، کریدور، تعامل و پهنه فعالیتی است که در مجموع بُعد کاربری را شکل می‌دهد. بنابراین واضح است که این بُعد، مولفه‌ها و در نتیجه بُعد اولیه برای تشکیل ساختار فضایی (بُعد تحرک فضایی) را نیز در درون خود به همراه دارد. این بخش را با شاخص‌هایی همچون بررسی نوع فعالیت‌ها و کاربری‌های شهری - بندری، سرانه و شیوه تخصیص کاربری زمین، پراکنده‌رویی شهری در مناطق بندرگاهی و بنادر خشک، بررسی نسبت کاربری‌های مرتبط با امور بندرگاهی به سایر کاربری‌ها و چگونگی توزیع فضایی کاربری‌ها در محدوده شهری می‌توان مورد سنجش قرار داد. نهایتاً در دسته موضوعی سوم، مجموعه مولفه‌های کریدور، پهنه‌های فعالیتی، کانون، تعامل، قلمرو و انتظام به طور نسبی و با اختلاف جزئی، از میزان اهمیت یکسان برخوردار بوده‌اند. نباید از یاد برد که نقش مولفه انتظام در ایجاد نظم و ضابطه‌مندی ساختار فضایی یک سرزمین بسیار اهمیت دارد. در

کیفیت زیرساخت‌ها، نوع حمل و نقل مورد استفاده و شاخص‌های سه‌گانه مرکزیت تولید - توزیع - مصرف می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. در دسته موضوعی دوم، مولفه‌های پهنه‌های فعالیتی، کانون، تعامل و کریدور از بیشترین میزان تکرار برخوردار بوده‌اند. ارتباط جدایی‌ناپذیر اغلب کانون‌ها با یکدیگر از طریق کریدورهای مجهز، بدون شک بر روی شکل‌گیری پهنه‌های فعالیتی و نحوه استفاده از زمین و پتانسیل‌های محیط طبیعی اثرگذار خواهد بود و این تعامل منجر به شکل‌گیری پهنه‌های فعالیتی و لکه‌های کاربری در قلمرو مورد نظر خواهد شد. بنابراین ترکیب این چهار مولفه (کانون، پهنه‌های فعالیتی، کریدور و تعامل) می‌تواند بیانگر بُعد کاربری فضایی باشد. در تفسیر این بُعد باید گفت که شکل‌گیری آن در حقیقت در زمانی رخ می‌دهد که ساختار فضایی یک سرزمین به سمت تکامل و پیشرفت گرایش می‌یابد. به دیگر بیان، بُعد کاربری فضایی در حقیقت حاصل پیوند میان

واقع این مولفه انتظام است که منطق تعامل میان کانون‌ها را مشخص می‌کند. انتظام می‌تواند به صورت پنهانی (به عنوان مثال فرهنگ، زبان یا حوزه اقتصادی مشترک) یا آشکار (مبتنی بر روابط دستوری ناشی از نظام برنامه‌ریزی یا سیاسی) روابط میان سایر مولفه‌ها در یک ساختار فضایی را مشخص کند. تجلی کالبدی این شش مولفه (کانون، کریدور، پهنه‌های فعالیت، قلمرو، تعامل و انتظام) در کنار هم می‌تواند بیانگر بُعد فرم فضایی در مقیاس‌های مختلف باشد. در تفسیر این بُعد نیز می‌توان گفت که با همکاری و هم‌افزایی این شش مولفه، سطح کامل‌تری از ساختار فضایی یک سرزمین شکل می‌گیرد که در آن ابعاد تحرک فضایی و کاربری فضایی نیز مستتر است. بنابراین به هر نوع شکل ساختاری دو بُعدی که نمود عینی از مولفه‌های کانون، کریدور و پهنه فعالیت در فضای جغرافیایی دارند، نمی‌توان عبارت فرم فضایی نسبت داد و تنها زمانی می‌توان از این مفهوم استفاده نمود که مولفه‌های نامحسوس قلمرو، تعامل و انتظام حضوری قدرتمند در ساختار فضایی آن سرزمین داشته باشند. این بخش را با شاخص‌هایی همچون بررسی ارتباطات هم‌پیوندی میان کانون‌ها، نحوه اتصالات سطوح عملکردی، شکل شبکه ارتباطی میان گره‌ها، بررسی انواع شیوه‌های حمل و نقل کالا به مناطق پسرکانه بنادر، ارزیابی کمیت و کیفیت زیرساخت‌های جابجایی، نوع نظام برنامه‌ریزی فضایی و بررسی نقش ساختار قدرت (سیاسی و اقتصادی) در شکل‌دهی به ساختار فضایی می‌توان مورد سنجش قرار داد (شکل ۵).

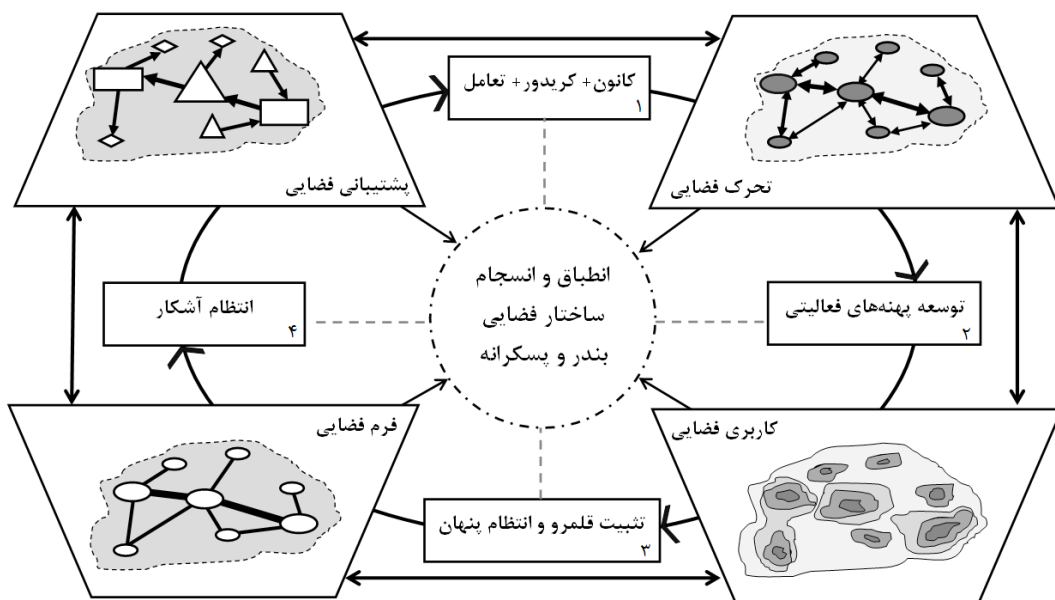
بحث: تعمیم نظام ساختار فضایی سرزمین به ساختار فضایی بنادر - پسرکانه

بر مبنای مولفه‌ها و ابعاد استخراجی از بخش قبل می‌توان یک چهارچوب نظری از ساختار فضایی بنادر-پسرکانه را تبیین نمود. چنانکه از این نمودار پیداست اولین بُعد اساسی برای شکل‌گیری هرگونه ساختار فضایی، داشتن سه مولفه کانون (شامل هرگونه مرکز

و قطب جمعیتی - فعالیت، کریدور (شامل هرگونه زیرساخت و کریدور ارتباطی) و تعامل (شامل هرگونه حرکت و انتشار جریان‌های کالایی و انسانی) است. در صورت نبود یا کمبود اساسی در هرکدام از این مولفه‌ها عملاً هیچ‌گونه ساختار فضایی منسجم در قلمرو بنادر و پسرکانه‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی شکل نمی‌گیرد. بنابراین همانند بخش قبلی، ترکیب این سه مولفه، بُعدی را تحت عنوان تحرک فضایی میان بنادر و پسرکانه شکل می‌دهد. در ادامه، رشد بنادر و کانون‌های پسرکانه‌ای، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و گسترش تعاملات به مرور منجر به شکل‌گیری سطوح و پهنه‌های عملکردی در فاصله میان کانون‌ها می‌شوند. این سطوح در حقیقت در فرایند انسجام ساختار فضایی در مقیاس مورد نظر، با هدف ارتقاء سطح کارایی تولید، توزیع و مصرف اغلب در راستای بنادر، کانون‌های پسرکانه‌ای و محورهای ارتباطی گسترش می‌یابند و همانند بخش قبلی، بُعدی را تحت عنوان کاربری فضایی شکل می‌دهند. این بُعد نیز دومین بُعد اساسی در شکل‌دهی و تقویت ساختار فضایی بنادر و پسرکانه است. در فرایند انسجام بخشی به ساختار فضایی بنادر-پسرکانه است، به مرور مولفه‌ای تحت عنوان قلمرو شکل می‌گیرد که حوزه نفوذ و مرز تعاملات میان کانون‌ها را مشخص می‌کند. این قلمرو می‌تواند تا مدت‌ها اساس پیوند میان کانون‌های فعالیت را شکل دهد مگر اینکه قطب واسطه‌ای جدیدی در قلمروهای پیرامونی شکل بگیرد و نظم ساختار فضایی سابق را به چالش بکشد. در این حالت ساختار فضایی فعلی می‌بایست خود را با شرایط جدید وفق دهد؛ در غیر اینصورت ممکن است قلمرو و مقیاس تعاملات بنادر، کانون‌های پسرکانه‌ای، پهنه‌های کاربری و کریدورهای ارتباطی تغییر نموده و به حوزه‌های پیشکانه‌ای یا پسرکانه-ای جدید گسترش یابد. همانطور که ذکر شد مجموعه این مولفه‌ها تحت لوای یک مولفه پنهان با عنوان انتظام قرار گرفته‌اند. انتظام فضا بسته به

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016



شکل ۶. چرخه تعامل و توسعه فضایی در ساختار فضایی بنادر - پسرکانه

یا چندگانه‌ای را با دیگر ابعاد ایجاد می‌کند. این پیوندها به مرور و در فرایند تکاملی خود، به صورت یک چرخه تعامل شکل خواهند گرفت؛ به طوریکه توسعه یا تغییر در یک بعد ساختار فضایی، می‌تواند از طریق پیوندهای فضایی ساده یا پیچیده، به سایر ابعاد و مولفه‌ها نفوذ پیدا کند و موجب انطباق ساختار فضایی با شرایط جدید شود.

پیوند میان مولفه‌ها و ابعاد ساختار فضایی بنادر و پسرکانه را می‌توان در چارچوبی هم‌ارز با مباحث پیشین و به منظور ارائه یک مدل مفهومی جدید ارائه نمود. با توجه به اینکه بستر زمین از دیرباز تاکنون، مهمترین منبع برای تولید و ایجاد ارزش افزوده بوده است، در طول تاریخ، هر نقطه از فضای جغرافیایی که زمینه بهتری را برای تولید (بخصوص در بخش کشاورزی، معدنی و صنعتی) مهیا می‌نمود، به عنوان کانون مناسب برای فعالیت و ارزش افزوده‌گزینش می‌شد. در این میان، بنادر دریایی و رودخانه‌ای به عنوان کانون‌هایی که نقطه اتصال میان منابع آبی و خشکی بودند و شرایط مناسبی را برای بهره‌وری از محیط جغرافیایی فراهم می‌نمودند، به عنوان یکی از مطلوب‌ترین نقاط

سطح عملیاتی نظام برنامه‌ریزی در منطقه مورد نظر می‌تواند کاملاً برنامه‌ریزی شده باشد؛ یا اینکه به تبعیت از ویژگی‌های اقتصاد آزاد و یا بدلیل سایر عوامل فرهنگی و سیاسی، از یک نظم پنهانی تبعیت کند. مشابه بخش قبلی، مجموعه این مولفه‌ها در کنار هم، بعد فرم فضایی که دو بعد تحرک و کاربری فضایی را درون خود به همراه دارد، شکل داده و فرایند انسجام ساختار فضایی به تکامل یافته‌ترین میزان خود می‌رسد. آنچه موجب تفاوت در ساختار فضایی یک منطقه درون سرزمینی با ساختار فضایی بندر - پسرکانه می‌شود، قدرت یافتن مولفه انتظام در ساختار فضایی بندر - پسرکانه است. به عبارت دیگر، هرچقدر انتظام پنهان به سمت انتظام آشکار و برنامه‌ریزی شده پیش رود، احتمال شکل‌گیری بُعد جدیدی در ساختار فضایی سرزمین تحت عنوان بُعد فضاها پستیپیان وجود دارد. این چهار بُعد، شاکله ساختار فضایی بنادر و مناطق پسرکانه را تشکیل می‌دهند و اینگونه تفاوت خود را با ساختار فضایی دیگر مناطق، روشن می‌سازند. هر کدام از این ابعاد با فراهم نمودن زمینه لازم به منظور شکل‌دهی به ساختار فضایی بنادر - پسرکانه، پیوندهای دو

برای سکونت و تولید مازاد از سوی جوامع انسانی برگزیده شدند. با تمرکز جوامع انسانی در بنادر و وقوع صرفه جوی های ناشی از تجمع، حجم تولید و خدمات افزایش یافته و انگیزه برای صادرات کالا و تعامل با سایر کانون ها از طریق کریدورهای مجهز افزایش می یابد (مرحله ۱). در این حالت شرایط برای شکل گیری پهنه های وسیع کاربری در پسرکانه پیوسته بنادر و در ادامه پسرکانه های محلی، منطقه ای، ملی و حتی فراملی مهیا می شود. لزوم عرضه تولید و توزیع مازاد یک کانون و تقاضای دیگر کانون ها، زمینه لازم برای تعامل در عرصه اقتصادی و اجتماعی را فراهم می نماید (مرحله ۲). در نتیجه در کنار بخش تولید، بخش توزیع و خدمات نیز فعال می شود. با گسترش پیوندهای فضایی میان بنادر و کانون های پسرکانه ای و ایجاد ارتباطات شبکه ای عمودی و افقی، شدت جریان های فضایی افزایش یافته و انواع جریان های انسانی، کالایی، اطلاعات و سرمایه در میان کانون ها و از طریق کریدورهای حمل و نقلی چندوجهی و زیرساخت های توسعه یافته، جابجا می شود و به مرور قلمروهای ارتباطات تثبیت می شود. با قرارگیری کانون ها، پهنه های کاربری و محورهای ارتباطی در کنار هم، به مرور شکل ظاهری ساختار فضا مشخص می شود. در این میان شدت تعامل های فضایی، قلمرو ارتباطات و انتظام حاکم بر فضای جغرافیایی، نوع فرم فضایی را تعیین می کند (مرحله ۳). طیف این انتظام از پنهان تا آشکار متغیر است. هرچقدر انتظام فضا به سمت الگوی آشکار میل کند، حاکی از دخالت عوامل تصمیم ساز و تصمیم گیر انسانی و نقش برنامه ریزان در توسعه فضایی است. با پایه ریزی یک فرم فضایی مناسب و توسعه زیرساخت های حمل و نقلی، به مرور فضاهای پشتیبان در پسرکانه ها شکل می گیرند که در حقیقت نقش اصلی آنها پشتیبانی فضایی (در زمینه فعالیت های خدماتی، توزیع و حتی تولید)، انسجام بخشی به ساختار فضایی و تقویت پیوندهای فضایی میان کانون ها و کریدورها است. این پشتیبانی

فضایی حتی در ادامه فرایند انسجام بخشی به ساختار فضایی یک سرزمین، بر اساس تصمیم سازی برنامه ریزان فضایی و تصمیم گیری سیاست مداران، می تواند زمینه لازم را برای ورود مناطق کم استعداد، عرصه های محروم و فضاهای جغرافیایی کمتر توسعه یافته به چرخه انطباق ساختار فضایی مهیا کند. در این حالت چارچوب مفهومی جدیدی تحت عنوان چرخه تعامل و توسعه فضایی بوجود می آید. در چرخه جدید، با ورود کانون های کمتر توسعه یافته و پهنه های فراموش شده، ساختار فضایی سابق خود را با کانون ها، پهنه های کاربری، کریدورها، تعامل ها، قلمرو و انتظام جدید انطباق می دهد و به سمت انسجام روزافزون در ساختار فضایی بنادر و پسرکانه متمایل می شود (شکل ۶). اینگونه است که توازن توسعه میان بنادر و کانون ها و مناطق پسرکانه ای در مقیاس های مختلف به مرور ایجاد خواهد شد.

انتیجه گیری و جمع بندی

ساختار فضایی در هر مقیاسی، از مجموعه ای از مولفه ها تشکیل شده که حضور قدرتمند آنها در کنار هم می تواند انسجام ساختار فضایی در آن سیستم را افزایش دهد. این مولفه ها بر مبنای مرور نظریه های سایر پژوهشگران، در شش مورد قابل شناسایی است که عبارتند از: کانون، کریدور، تعامل، پهنه های فعالیت، قلمرو و انتظام. پس از شناسایی مولفه ها، همبستگی هریک از دسته های موضوعی مقاله ها بنادر - پسرکانه با مفهوم ساختار فضایی مورد سنجش قرار گرفت. یافته های تحقیق نشان داد که در متن مقاله هایی که در سه دسته موضوعی طبقه بندی شده اند شامل بررسی نقش بنادر و مناطق پسرکانه در زنجیره تامین کالا و حمل و نقل چندوجهی، ارتباطات قلمرو بندر - شهر و سیر تکوین جغرافیای بندر، مناطق پسرکانه و پیشکانه، به مفاهیم و مولفه های ساختار فضایی بنادر - پسرکانه پرداخته شده است. در ادامه با شناسایی و وزن دهی به هریک از مولفه های ساختار فضایی در این سه دسته موضوعی، ابعاد تشکیل دهنده ساختار فضایی

شامل بُعد تحرک فضایی، بُعد کاربری فضایی و بُعد فرم فضایی) استخراج شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بُعد تحرک فضایی پیش نیاز استقرار ابتدایی-ترین نوع ساختار فضایی در یک سرزمین است. در حالیکه با وجود دو بُعد دیگر (کاربری و فرم فضایی) ساختار فضایی یک سرزمین به فرایند تکاملی خود نزدیک می‌شود. قرارگیری هریک از این ابعاد در کنار یکدیگر و در مقیاس‌های مختلف سرزمینی (محلی، منطقه‌ای و ملی) می‌تواند پیوندهای فضایی میان بنادر و سایر کانون‌ها و پهنه‌های فعالیتی-جمعیتی را تقویت نماید. در عین حال وجود ضعف اساسی در هریک از این ابعاد می‌تواند عملکرد بهینه ساختار فضایی سرزمین را تحت الشعاع خود قرار دهد. در این میان، بنادر به عنوان کانون‌های مهم ارتباطی با پیشکرانه‌های خارجی، قوام بخش ساختار و سازمان فضایی مناطق پیشکرانه خواهند بود و الگویی متفاوت از ساختار فضایی سایر مناطق را شکل خواهند داد. آنچه موجب تفاوت در ساختار فضایی یک منطقه درون سرزمینی با ساختار فضایی بندر - پیشکرانه می‌شود، قدرت یافتن مولفه انتظام در ساختار فضایی بندر - پیشکرانه است. مولفه انتظام (بخصوص در حالت آشکار و برنامه ریزی شده) بُعدی تحت عنوان فضاهای پشتیبان را ایجاد می‌کند. این چهار بُعد، شاکله ساختار فضایی بنادر و مناطق پیشکرانه را تشکیل می‌دهند و اینگونه تفاوت خود را با ساختار فضایی دیگر مناطق، روشن می‌سازند. نقش اصلی فضاهای پشتیبان، تامین خدمات مورد نیاز فرایند توزیع و حتی تولید کالا و تقویت پیوندهای فضایی میان کانون‌های دروازه‌ای و کریدورها است. این پشتیبانی فضایی حتی در ادامه فرایند انسجام بخشی به ساختار فضایی یک سرزمین، بر اساس تصمیم‌سازی برنامه ریزان فضایی و تصمیم‌گیری سیاست‌مداران، می‌تواند زمینه لازم را برای ورود مناطق کم‌استعداد، عرصه‌های محروم و فضاهای جغرافیایی کمتر توسعه یافته به چرخه انطباق ساختار فضایی مهیا کند. در این

حالت چارچوب مفهومی جدیدی تحت عنوان چرخه تعامل و توسعه فضایی بوجود می‌آید. در چرخه جدید، با ورود کانون‌های کمتر توسعه یافته و پهنه‌های فراموش شده، ساختار فضایی سابق خود را با کانون‌ها، پهنه‌های کاربری، کریدورها، تعامل‌ها، قلمرو و انتظام جدید انطباق می‌دهد و به سمت انسجام روزافزون در ساختار فضایی بنادر و پیشکرانه متمایل می‌شود

منابع و ماخذ

- ایمان، محمد تقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۵-۴۴.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۷). نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران: انتشارات سمت.
- داداش پور، هاشم؛ ممدوحی، امیررضا و آفاق پور، آتوسا (۱۳۹۳). سازمان فضایی در نظام شهری ایران با استفاده از تحلیل جریان هوایی افراد. مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۵۰.
- داداش پور، هاشم؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۸۹). تحلیلی بر سازمان یابی فضایی سیستم شهرهای نواحی ساحلی جنوب ایران. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۸، شماره ۱۴، صص ۹۷-۱۳۱.
- داداش پور، هاشم و آفاق پور، آتوسا (۱۳۹۵) عقلانیت معرفتی و نظری نوین حاکم بر سازمان فضایی سیستم‌های شهری، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۱-۲۸.
- داداش پور، هاشم و تدین، سپیده (۱۳۹۴) تحلیل نقش الگوهای سفر در ساختار فضایی منطقه کلانشهری تهران، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال پنجم، شماره هجدهم، صص ۶۵-۸۵.
- رفیعیان، مجتبی (۱۳۷۵). سازمان‌یابی فضا با تاکید بر سیستم‌های شهری: منطقه موردی اصفهان. رساله دکتری گروه جغرافیای شهری، دانشگاه تربیت مدرس.

- freight services. *Transport Policy*, 16(4), 163-172.
- Dadashpoor, H., Afaghpoor, A., & Allan, A. (2015). A methodology to assess the spatial configuration of urban systems in Iran from an interaction perspective. *GeoJournal*, 1-21.
- Ducruet, C., Lee, S.W., (2006). "Frontline soldiers of globalisation: port-city evolution and regional competition". *GeoJournal*, 67 (2), 107-122.
- Faludi, A. K. (1981). Three paradigms of planning theory. *Planologisch en Demografisch Instituut*.
- Feng, X., Zhang, Y., Li, Y., & Wang, W. (2013). A Location-Allocation Model for Seaport-Dry Port System Optimization. *Discrete Dynamics in Nature and Society*, 2013.
- Friedmann, J. (1967). A general theory of polarized development. Available from: <http://repositorio.cepal.org/handle/11362/34953>. Accessed August 20, 2016.
- Gebhardt, L., Krajzewicz, D., Oostendorp, R., Goletz, M., Greger, K., Klötzke, M., ... & Heinrichs, D. (2016). Intermodal Urban Mobility: Users, Uses, and Use Cases. *Transportation Research Procedia*, 14, 1183-1192.
- Givoni, M., & Banister, D. (2006). Airline and railway integration. *Transport policy*, 13(5), 386-397.
- Goletz, M., Feige, I., & Heinrichs, D. (2016). What Drives Mobility Trends: Results from Case Studies in Paris, Santiago de Chile, Singapore and Vienna. *Transportation Research Procedia*, 13, 49-60.
- Haggett P. (1965) *Locational Analysis in Human Geography*. Edward Arnold, London.
- Habermas, J., & Cooke, M. (2000). *On the pragmatics of communication*. MIT press.
- Healey, P. (1997). *Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies*. UBc Press.
- Hernandez, D. O., & Titheridge, H. (2015). *Mobil-*
- سعیدی، عباس (۱۳۸۹). محیط، فضا و توسعه: بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی-شهری. *مجله مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۳۱، صص ۱۲-۳.
- قنبری، ابوالفضل و موسوی، میرنجف (۱۳۹۰). قطب‌های رشد به مثابه رویکردی در عدم تعادل‌های ناحیه‌ای ایران. *نشریه فضای جغرافیایی*، دوره ۱۱، شماره ۳۴، صص ۵۰ - ۷۲.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضدروش (جلد دوم)*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- Batten, D. F. (1995). Network Cities: Creative Urban Agglomerations for the 21st Century. *Urban Studies*, 32(2), 313-327
- Berry, B. J. (1964). Cities as systems within systems of cities. *Papers in Regional Science*, 13(1), 147-163.
- Bourne, L. S. and Simmons, J. W. (1978) Introduction: the urban system as a unit of analysis, in: L. S. Bourne and J. W. Simmons (Eds) *Systems of Cities: Reading on Structure, Growth, and Policy*, pp. 1-18. New York: Oxford University Press.
- Camagni, R. P., & Salone, C. (1993). Network urban structures in northern Italy: elements for a theoretical framework. *Urban studies*, 30(6), 1053-1064.
- Castells, M. (1993). European cities, the informational society, and the global economy. *Tijdschrift voor economische en sociale geografie*, 84(4), 247-257.
- Christaller, W. (1933) *Die Zentralen Orte in Süddeutschland*, Jena, Germany: Fischer, 1933. English translation by C. Baskin, *The Central Places in Southern Germany*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, 1966.
- Conzen, M. P. (1975). Capital flows and the developing urban hierarchy: State bank capital in Wisconsin, 1854-1895. *Economic Geography*, 51(4), 321-338.
- Dablanc, L. (2009). Regional policy issues for rail

ties of the periphery: Informality, access and social exclusion in the urban fringe in Colombia. *Journal of Transport Geography*.

-Hillhorst, J. G. M. (1967). *Regional Development Theory. An Attempt to Synthesise*. Public Lecture, Etc. Hague, Paris.

-Hirschman, A. (1958), *the Strategy of Economic Development*, New-Haven: Yale University Press.

-Hoyle, B.S., (1989). "The port-city interface: trends, problems and examples". *Geoforum*, 20, 429-435.

-Jacobs, J. (1969). *The economy of cities*. New York: Vintage. Kooij, P.

-Janelle, D. G. (1969). Spatial reorganization: a model and concept. *Annals of the Association of American Geographers*, 59(2), 348-364.

-Klapka, P., Frantal, B., Marián Halas, M., Kunc J., (2010), *Spatial Organization: Development, Structure and Approximation of Geographical Systems*, Moravian Geographical Reports, Vol 18(3), 53-66.

-Lee, S. Song, D. Ducruet, C., (2008). "A tale of Asia's world port: The spatial evolution in global hub port cities", *Geoforum*, 39: 372-385.

-Lösch, A. (1944) *Die räumliche Ordnung der Wirtschaft*, Jena, Germany: Fischer, 1944 (2nd edn). English translation by W. H. Woglom and W. F. Stolper, *The Economics of Location*, New Haven: Yale University Press.

-Lynch, k. (1981). *A theory of good city form*. Cambridge, MA: MIT Press.

-Meijers, E., (2005). "Polycentric Urban Regions and the Quest for Synergy: Is a Network of Cities More than the Sum of the Parts?", *Urban Studies*, 42(4): 765-781.

-Misra, R. P. (1972). Growth poles and growth centres in the context of India's urban and regional development problems. *Growth Poles and Growth*

Centres in Regional Planning, 5.

-Morrill, R. L. (1970). *The spatial organization of society*. Duxbury Press.

-Norcliffe, G., Bassett, K., Hoare, T., (1996). "The emergence of postmodernism on the urban waterfront", *Journal of Transport Geography*, 4(2), 123-134.

-Notteboom, T., Rodrigue, J. (2005). "Port regionalization: towards a new phase in port development", *Maritime Policy and Management*, 32(3): 297-313.

-Perroux, F. (1954). *Le don: sa signification économique dans le capitalisme contemporain*. *Diogenes*, (6), 3.

-Pred, A. R. (1977). *City-systems in advanced economies*. London: Hutchinson.

-Preston, J. (2001). Integrating transport with socio-economic activity—a research agenda for the new millennium. *Journal of Transport Geography*, 9(1), 13-24.

-Rondinelli, D. (1978), *Urban Functions in Rural Development, an analysis of integrated spatial development*, U.S.A.D.

-Robinson, R., (2002). "Ports as elements in value-driven chain systems: the new paradigm". *Maritime Policy Manage.* 29 (3), 241-255.

-Rodrigue, J. P. (2004). "Freight, Gateways and Mega-Urban Regions: The Logistical Integration of the Bostwash Corridor", *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 95(2): 147-161.

-Rodrigue J.P., Comtois C. and Slack B., (2006). *The Geography of Transport Systems*, New York: Routledge.

-Rodrigue, J.P., Debie, J., Fremont, A., Gouvernal, E., (2010). "Functions and actors of inland ports: European and North American dynamics". *J. Transp. Geogr.* 18 (4), 519-529.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

- Rodrigue, J.P., Notteboom, T (2012). "Dry ports in European and North American intermodal rail systems: Two of a kind?", *Research in Transportation Business & Management*, 5, 4–15.
- Rodrigue, J.-P., Notteboom, T., (2009). "The terminalization of supply chains: reassessing port-hinterland logistical relationships". *Maritime Policy and Management*, 36 (2), 165–183.
- Roso, V., Woxenius, J., Lumsden, K., (2009). "The dry port concept: connecting container seaports with the hinterland". *Journal of Transport Geography*, 17 (5), 338–345.
- Røe, P. G. (2000). Qualitative research on intra-urban travel: an alternative approach. *Journal of Transport Geography*, 8(2), 99-106.
- Taaffe, E., Morrill, R., Gould, P., (1963). "Transport expansion in underdeveloped countries: a comparative analysis". *Geographical Review*, 53, 503–529.
- Taylor, P., Hoyler, M., & Verbruggen, R. (2010). External urban relational process: Introducing central flow theory to complement central place theory. *Urban Studies*, 47 (13), 2803–2818.
- Theys, C., Ryoo, D. K., & Notteboom, T. (2008). "Towards a generic framework for the development of logistics in seaports: lessons from the Busan case". *Journal of International Logistics and Trade*, 6(2), 1–22.
- Thünen, von J.H. (1826), *Der Isolierte Staat in Beziehung auf Landschaft und Nationalökonomie*. Trans. By C.M. Wartenberg (1966) *Von Thünen's Isolated State*. Oxford: Pergamon Press.
- Van der Horst, M.R., De Langen, P.W., (2008). "Coordination in hinterland transport chains: a major challenge for the seaport community". *Maritime Econ. Logist.* 10, (1–2), 108–129.
- Vance, J. E., Jr. (1970). *The Merchant's World*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Van Klink, H. A., & van Den Berg, G. C. (1998). Gateways and intermodalism. *Journal of transport geography*, 6(1), 1-9.
- Weber, A. (1909) *Über den Standort der Industrien*, Tübingen. Translated and edited by C. J. Friedrich as *Alfred Weber's Theory of the Location of Industries*: Chicago, 1928.
- Wiegmans, B.W., Louw, E., (2011). "Changing port-city relations at Amsterdam: a new phase at the interface?" *J. Transp. Geogr.* 19 (4), 575–583.
- Wilmsmeier, G., Monios, J., Lambert, B., (2011). "The directional development of intermodal freight corridors in relation to inland terminals". *J. Transp. Geogr.* 19(6), 1379–1386.
- Witte, P.A., Wiegmans, B.W., van Oort, F.G., & Spit, T.J.M. (2014). "Governing inland ports: A multi-dimensional approach to addressing inland port-city challenges in European transport corridors". *Journal of Transport Geography*, 36, 42–52.
- Yiftachel, O. (1989). Towards a new typology of urban planning theories. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 16(1), 23-39.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۴۰ ■

ارزیابی تاثیرپذیری حس تعلق شهروندی از حس مکان با تاکید بر مولفه معنایی آن؛ نمونه موردی: شهر جدید پردیس

سولماز رضایی - گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
 مجتبی رفیعیان* - دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
 عباس ارغان - گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

Assess the impact of a sense of citizenship of a sense of place by emphasizing its semantic components Case study: The new City Campus

Abstract:

Nowadays, more and more cities into the development process and the physical dimensions of the human desire and her features have faded. The result is fragmentation of man's relationship with his place in particular and the city in general. Thus, the lower part of the city considers its citizens. It does not feel belong; the consequences of which a range of problems such as loss of identity crisis takes responsibility; Aimed to assess the effectiveness of a sense of citizenship with an emphasis on meaning component which has been developed by adopting descriptive and ethnography. This index is based on library studies and documents. In Likert questionnaire was designed using SPSS software test and analysis of different AHP is hierarchical. The results show that social interaction can mean the places affected by the measures in place, individual characteristics, and mental structures; and culture and the formation of a sense of place including indicators, satisfaction and attachment.

Key words: location, location, meaning, sense of place, a place of belonging, social belonging.

چکیده

قلمرو فرآیند توسعه شهرها بیش از پیش به سوی ابعاد کالبدی تمایل یافته و در مقابل انسان و ویژگی های او رنگ باخته-اند. نتیجه این امر گسستگی رابطه انسان با مکان وی به صورت خاص و شهر به صورت عام است. بدین ترتیب شهروند خود را هرچه کمتر جزئی از شهر برشمرد و تعلق به آن احساس نمی کند، رخدادی که نتایج آن طیفی از مشکلاتی چون کاهش مسئولیت پذیری در قبال رخدادهای پیرامونی با تاکید بر زوال امنیت شهری تا بحران های اجتماعی از جمله بحران هویت را در بر می گیرد. مقاله حاضر با هدف ارزیابی تاثیرپذیری حس تعلق شهروندی مشتمل بر حس تعلق مکانی و حس تعلق اجتماعی از حس مکان با تاکید بر مولفه معنایی آن به عنوان یک پژوهش شهری- راهبردی با اتخاذ شیوه توصیفی و مردم نگاری تدوین شده است. شاخص های پژوهش بر مبنای مطالعات کتابخانه ای و اسنادی به کمک پرسشنامه طراحی شده در طیف لیکرت با بهره گیری از آزمون آماری تی در نرم افزار SPSS و روش تحلیل سلسله مراتبی AHP به صورت موردی در شهر جدید پردیس مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج نشان می دهد که معنای مکان متأثر از شاخص های تعاملات اجتماعی در مکان، ویژگی های فردی، ساختارهای ذهنی و فرهنگ بر شکل گیری حس مکان مشتمل بر شاخص های حضورپذیری، رضایتمندی و دلبستگی دخالت دارد. همچنین حس مکان خود بر ارتقای حس تعلق مکانی شهروندان متأثر از پیوندهای سکونتی، پیوندهای خانوادگی و پیوندهای فعالیتی و نیز حس تعلق اجتماعی ناشی از روابط فردی و گروهی، عضویت در گروه و فعالیت تاثیرگذار می باشد. بدین ترتیب طراحی و برنامه ریزی شهری با اتخاذ رویکردهای انسانی به شهر و تلاش در راستای بهبود روابط شهروندان با مکان به عنوان مظلومی که کالبد و فعالیت را در خود می پذیرد، می تواند بر قدرتمندسازی رابطه این همانی شهروند با مکان و در نهایت میزان تعلق و دلبستگی آنان به شهر اثرگذاری قابل توجهی داشته باشد.

واژگان کلیدی: مکان، معنای مکان، حس مکان، تعلق مکانی، تعلق اجتماعی.

۱- مقدمه

پژوهش حاضر عبارتند از:

- شناسایی مولفه های موثر بر معنای مکان
 - شناسایی مولفه های موثر بر حس مکان با تاکید بر معنای مکان
 - شناسایی مولفه های موثر بر ایجاد حس تعلق مکانی و حس تعلق اجتماعی با تاکید بر حس مکان
- انسان همواره خود را با مکانی که در آن زندگی می کند، تعریف کرده است. بدین ترتیب چگونگی رابطه میان او و مکان اش در شکل گیری ابعاد هویتی وی موثر است. چنان که به ساده ترین شکل، تنوعی از نام های خانوادگی در ایران چون یزدی، کرمانی یا خراسانی اساسا بر مبنای مکان تعریف می شوند. از دیدگاه روان شناسی محیطی، انسان ها به تجربه حسی و عاطفی با محیط خود نیازمند بوده و به واسطه این همانی با مکان و یا هم ذات پنداری با آن، خود را بخشی از آن می دانند. نتیجه آن است که احساس خاصی میان انسان و مکان اش یا به اصطلاح حس مکان برای وی ایجاد شده که در چگونگی برخورد آتی او با مکان تاثیرگذار است. این موضوع می تواند بر موضوعاتی چون مسئولیت پذیری شهروندان نسبت به محله و به صورت کلی شهر دخالت داشته و به دنبال آن نظارت بر رخدادهای شهری را تشدید نموده و در سطح بعد، بروز ناهنجاری های اجتماعی و ناامنی را محدود سازد. این موضوع بدین ترتیب قابل ارائه است که چگونه می توان در نتیجه معنابخشی به مکان های شهری بر ایجاد حس مکان متمرکز گردید و از این راستا به ایجاد حس تعلق شهروندی اعم از حس تعلق مکانی و حس تعلق اجتماعی نائل گشت. این پژوهش پس از مروری بر دیدگاه ها و مفاهیم نظری، به تدوین مدل تحلیلی پرداخته و سپس بر مبنای شاخص های انتخابی، صحت و دقت ارتباط میان متغیرها را مورد ارزیابی قرار می دهد. بر اساس نتایج و یافته های منتج از این فرآیند، فرضیه ها بررسی شده و در نهایت پیشنهاداتی برای تحقق اهداف مورد نظر ارائه خواهند شد.

مفهوم فضا و مکان از جمله مفاهیم پایه و کلیدی در برنامه ریزی شهری محسوب شده که مهمترین وجه تمایز آنها، انتزاعی بودن است. مفهوم مکان در تقابل با مفهوم فضای انتزاعی شکل گرفته و به بیان دیگر مکان، فضای دارای معناست. معنایی که در بستری از عناصر کالبدی، ارتباطات و نیز زمان شکل گرفته و بیانگر احساس و دل مشغولی انسان، اعم از فرد یا گروه، نسبت به محیط زندگی خود خواهد بود. از نتیجه این فرآیند تبدیل فضا به مکانی با ویژگی های حسی متمایز برای افراد، به «حس مکان» تعبیر می شود. حسی که در نتیجه ادراک فرد از محیط مشتمل بر ابعاد چهارگانه شناختی، تفسیری، ارزشی و احساسی بوده، شخص را در ارتباط بیرونی با محیط قرار داده و فهم و احساس وی را آگاهانه یا ناآگاهانه با زمینه معنایی مکان پیوند داده و یکپارچه می سازد. در چنین شرایطی است که حس انسان نسبت به یک مکان در وی ایجاد حس تعلق خاطر کرده و اتصال بین انسان و مکان وی شکل می گیرد. بدین ترتیب پرسش اصلی این پژوهش، آن است که آیا حس مکان ناشی از مولفه معنایی آن می تواند در ایجاد و تقویت حس تعلق شهروندی موثر باشد؟ در راستای پاسخگویی به پرسش یاد شده، فرضیه های زیر در نظر گرفته شده اند:

- **فرضیه یک:** مولفه معنایی مکان در خلق حس مکان موثر است.
 - **فرضیه دو:** حس مکان ناشی از مولفه معنایی آن در ایجاد و تقویت حس تعلق مکانی شهروندان موثر است.
 - **فرضیه سه:** حس مکان ناشی از مولفه معنایی آن در ایجاد و تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان موثر است.
- بنابراین با در نظر داشتن هدف کلی ارزیابی تاثیرپذیری حس تعلق شهروندی از حس مکان با تاکید بر مولفه معنایی، اهداف کاربردی یا فرعی

۲- پیشینه پژوهش

مطالعات رلف در کتاب مکان و بی مکانی (۱۹۷۶) را شاید بتوان مهمترین پژوهش در ارتباط با موضوع مکان دانست. این کتاب روایت از دست رفتن باز اندیشی در مفهوم مکان است و هرچند در وهله نخست به مرور متون مربوط به مکان می-پردازد، اما با به میان کشیدن مفهوم بی مکانی پیامدهای از دست رفتن معنی مکان را یادآور می شود. جغرافیای انسان-گرایانه ای که رلف در این کتاب ارائه می دهد، حوزه ای است که در آن مفهوم مکان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. نویسندگان بر این عقیده است که انسان نیاز عمیقی به ایجاد ارتباط ذهنی با مکان های معنادار داشته و اگر از این نیاز چشم پوشی کند، با آینده ای مواجه می شود که در آن مکان ها به هیچ انگاشته می شوند. اما در صورتی که به این نیاز پاسخ داده و به بهبود وضعیت بی مکانی بپردازد، آنگاه پتانسیل لازم را برای توسعه محیطی فراهم می آورد که در آن مکان ها برای انسان ها هستند، تجربیات مختلف او را منعکس کرده و ترقی می دهند.

نوربرگ شولتز (۱۳۹۱) در کتاب معماری- حضور، زبان و مکان احراز هویت انسانی را در برقراری پیوند سرشار از معنا با جهانی متشکل از چیزها می داند که به شکل مادی مکان بستگی دارد، چنان که جنبه های دوگانه سکونت را احراز هویت و تعیین موقعیت می داند. این جنبه های دوگانه معماری در ساختن مکان، بر عملکردهای معمارانه تجسم و پذیرش منطبق می شوند. بدین ترتیب که هر مکان در همان حال که جهت امکان دهی به عملکردهایی آنها را در خود پذیرا می شود، مفاهیمی را نیز تجسم می بخشد. او همچنان بیان می دارد که احراز هویت، گشودگی و باز بودن، شخصیت محیط را نیز شامل شده که در آن با عنوان روح مکان یاد می شود.

فلاحی در مقاله خود با عنوان مفهوم حس مکان

و عوامل شکل دهنده آن (۱۳۸۵)، حس مکان را به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود می داند که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می-دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می گردد. نویسندگان اذعان می دارد حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی های محیطی است. این مفهوم از یک سو ریشه در تجربه های ذهنی همچون خاطره، سنت، تاریخ، فرهنگ و اجتماع دارد و از سوی دیگر، متأثر از زمینه های عینی و بیرونی در محیط مانند طرح، منظره، بو و صداست که نشان می دهد حس مکان مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط بوده که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می آید.

مطالعه اسکائل و گیفورد (۲۰۱۰) با عنوان تعریف دلبستگی مکان- چارچوبی سه گانه، این مفهوم را دارای سه بعد شخص، فرآیند روانی و مکان می دانند. بعد فردی مکان، اشاره به برداشت شخص با توجه به معانی فردی یا گروهی از مکان داشته که خود متأثر از سوابق تاریخی یا معنوی و مذهبی خواهد بود. بعد فرآیند روانی با جنبه های عاطفی، شناختی و نیز الگوی رفتاری در ارتباط قرار می گیرد. این مولفه ها نیز خود از غرور، شادی، عشق، خاطرات، دانش فردی، معانی، چگونگی نگهداری مکان و نیز بازسازی آن تأثیر می پذیرند. بعد مکان از دید نویسندگان وابسته به ویژگی های فضایی محیط و نیز عناصر اجتماعی یا کالبدی آن است که ناشی از خصوصیات طبیعی یا انسان ساخت و نیز نمادهای اجتماعی می باشند.

پژوهش دیارتمان برنامه ریزی و مطالعات شهری دانشگاه ام.آی. تی با عنوان مکان ها در فرآیند ساخت- چگونه فرآیند مکان سازی، مکان ها و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

ارتباطات را شکل می دهد (۲۰۱۳)، عمل مکان سازی را مربوط به شکل گیری عامدانه محیط زیست برای تسهیل تعاملات اجتماعی، بالا بردن کیفیت فضای عمومی و بهبود کیفیت زندگی جامعه می داند. این پژوهش اشاره می کند که ایده ایجاد مکان های بزرگ مقیاس از نظر اجتماعی، همواره در طول تاریخ انعکاس دهنده نیازهای عمومی و فرهنگ یک جامعه بوده است. اما امروزه ارتباط میان مردم و مکان ها گسسته شده و تسلط اتومبیل، میزان بهره برداری پیاده ها از فضا را کاهش داده است. بنابراین مکان سازی می تواند با ایجاد تعاملات بین عناصر مختلف از جمله طراحی فضا، برنامه ریزی آگاهانه، نگهداری فضا، ایجاد رخدادهای و تسهیم فضا بین شهروندان اهداف یاد شده را محقق سازد.

۳- روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر بر مبنای هدف، ارزیابی فرآیندی جهت جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات برای تصمیم گیری است. دسته بندی نوع تحقیق بر اساس روش در دو سطح قابل تعیین است- نخست تحقیق توصیفی و سپس تحقیق همبستگی به عنوان زیرمجموعه ای از آن. استراتژی پژوهش نیز تحقیق میدانی، تحقیق موردی و مردم نگاری می باشد. صرف نظر از شیوه های اسنادی، کتابخانه ای، مشاهده و مصاحبه، از پرسشنامه نیز جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است. این پرسشنامه در طیف لیکرت تهیه شده و در جامعه آماری شهر جدید پردیس که مطابق سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ جمعیت ۳۷۲۵۷ نفر را در بر داشته، میان نمونه آماری ۳۸۰ نفر (بر مبنای رابطه کوکران) تکمیل شده است. این شهر جدید در ۱۷ کیلومتری شرق شهر تهران و در مسیر جاده هراز واقع شده که از شرق نیز به شهر بومهن محدود می گردد. محدوده راهبردی و بستر شهر جدید پردیس، به ویژه استقرار صنایع مستقر در آن و مطالعه توان های بالقوه اقتصادی، تفرجگاهی و خدماتی برای ناحیه شرق تهران از نظر

ایجاد و احداث یک شهر جدید ۲۰۰ هزار نفری با ۵۰ هزار شغل مناسب با اهداف شهر، به عمل آمده است. این شهر با قابلیت های گردشگری و سیاحتی و نیز نزدیکی به مناطق معتدل کوهستانی و آب و هوایی با چشمه سارهای جاری، در چهار فصل سال چشم انداز زیبایی را به وجود آورده است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۱۰-۱۰۹). مکان بانی شهر جدید پردیس در منطقه شهری تهران با توجه به شرایط طبیعی منطقه و اهداف دولت صورت گرفته و با توجه به موقعیت حساس شهر تهران به عنوان پایتخت و مرکز سیاسی و اداری کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در حال حاضر، این شهر دارای ۳۶۰۰ هکتار وسعت و نیز ۹ فاز شامل ۶ فاز مسکونی و ۳ فاز تحقیقاتی، صنعتی و توریستی می باشد.

۴- مبانی و چارچوب نظری

۴-۱- روابط متقابل معنای مکان و حس مکان

کلیه محیط های شهری دارای معنای، نماد و ارزش اند. مطالعه نشانه ها و معانی آنها به علم نشانه شناسی معروف است. اکو این گونه توضیح می دهد که علم نشانه شناسی کلیه پدیده های فرهنگی را به شکل سیستمی از علایم و نشانه ها مورد بررسی قرار می دهد (Eco, ۱۹۶۸: ۵۶-۷). جهان از لایه های مختلف نشانه ها و علایم تشکیل شده که از طریق جامعه، فرهنگ و ایدئولوژی مورد تفسیر و شناخت قرار می گیرد. طبق نظریات دوسوسور، فرآیند خلق معنی، معناگذاری نامیده می شود. معنا شونده چیزی است که مورد ارجاع قرار می گیرد. معنا مفهومی است که به آن موضوع ارجاع شده و نشانه ارتباط میان این دو را بنا می نهد. انواع گوناگونی از نشانه ها به ترتیب زیر شناخته شده است (Jane, ۲۰۰۰: ۱۱۱):

- **نشانه های تجربیدی:** دارای شباهت مستقیم با موضوع است؛ به عنوان نمونه یک نقاشی که بیانگر یک منظره واقعی است.
- **نشانه های موضوعی:** دارای ارتباط مادی با

موضوع است؛ به عنوان نمونه دود می تواند نشانگر آتش باشد.

• **نشانه های نمادی:** ارتباط این نوع نشانه با موضوع بیشتر اختیاری است و در سیستم های فرهنگی - اجتماعی ساخته می شود؛ به عنوان نمونه ستون های سبک کلاسیک نمایانگر شکوه و عظمت است.

همان طور که کلمات در زبان دارای معانی توافق شده ای هستند، مفاهیم نشانه های غیرکلامی نیز از سنت های اجتماعی و فرهنگی ریشه می گیرند. البته تفسیر نشانه های نوع دوم قابلیت انعطاف بیشتری دارند. با تغییر و تحول جامعه معناگذاری نیز متحول می گردد. معانی مترتب بر محیط ساخته شده با تغییر سیستم ارزشی اجتماعی اصلاح شده به صورتی که پاسخگوی الگوهای در حال تحول ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه بوده و با شیوه زندگی نوین هماهنگ باشند (Knox, 1984: 112). یکی از مباحث مهم در علم معناشناسی، موضوع سطوح مختلف معنی است. علامت یا نشانه لایه اول یا اولین ردیف به نام معنی یا اشاره اصلی خوانده می شود که مبین عملکرد اصلی یا به عبارت دیگر، عملکرد قابل حصول است (ECO, 1968). نشانه ردیف دوم یا عملکرد ثانویه به نام معنا یا اشاره ضمنی خوانده شده و دارای طبیعت نمادین و سمبولیک است. این سطوح مختلف معنی امکان تفاوت قائل شدن بین عملکرد یا نحوه استفاده مستقیم شیء و شناخت اجتماعی از آن شیء را ایجاد می کند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱).

از آنجا که معانی محیطی و مناظر همزمان تولید و تفسیر می شوند، این بحث پیش می آید که آیا معانی در شیء و عنصر محیطی وجود دارد یا در ذهن نظاره گران این عناصر آشکار بوده که در نتیجه آن بعضی از عناصر محیط در ذهن گروه زیادی از مردم دارای معانی ثابتی هستند. ناکس و پینچ بین این دو پیام تفاوت قائل شده اند - پیامی

که انتظار می رود، فرستاده شود و تلاشی است که از سوی معماران، برنامه ریزان و مسئولان ساخت محیط انجام می گیرد و پیامی که از سوی مردم و استفاده کنندگان از محیط دریافت می شود (Knox & Pinch, 2000: 273).

باید عنوان داشت دو گونه معنا، گونه اول مشتمل بر معنای موجود در ذهن انسان و متأثر از ارزش ها و عوامل فرهنگی - اجتماعی و گونه دوم مشتمل بر معنای موجود در مکان و مرتبط با ویژگی های محیطی و کالبدی مکان وجود دارد که گونه دوم آن نیز به شکلی تحت تاثیر ارزش ها قرار دارد؛ چرا که اگرچه مکان های طبیعی از ابتدا دارای معانی پنهان و نهفته ای در خود هستند، اما مکان های انسان ساخت تحت تاثیر ارزش های جامعه شکل می گیرند. بنابراین می توان معانی یاد شده را مطابق دسته بندی گیفورد در زمینه عوامل موثر بر ادراک در قالب سه عامل شخصی (انسان و معانی موجود در ذهن او)، کالبدی (مکان، ویژگی های محیطی و معانی موجود در مکان) و فرهنگی (عقاید و ارزش های اجتماعی - فرهنگی) معرفی نمود. در ادامه این فرآیند، معانی موجود در ذهن انسان و همچنین معانی موجود در مکان از طریق تجارب حسی دریافت شده و در مرحله بعد ادراک ناشی از آگاه شدن از طریق حواس را شکل می دهد. پس از شکل گیری آگاهی ناشی از تجارب حسی، در مرحله ای بالاتر این احساس با ادراک همراه شده و منجر به شناختی کامل تر و عمیق تر و در واقع ادراک معنادار می گردد. در اینجا مشخص می شود که بر مبنای عوامل سه گانه موثر بر ادراک انسان بر مبنای سه عامل شخصی، کالبدی و فرهنگی و از طریق آنها می توان به ادراک ابعاد گوناگون معانی مکان نائل آمد. این در حالی است که ادراک معانی یاد شده از عواملی چون ارزش ها و نگرش ها، فرهنگ، هویت فردی و جمعی، ارتباطات اجتماعی، ساختار کالبدی و ویژگی های فضایی - مکانی می باشند که این عوامل به نوعی مرتبط

با عوامل گوناگون تاثیرگذار بر ادراک نیز هستند. بنابراین در نهایت تمامی ابعاد معنای مکان از طریق حالات و قوه استنباطی مورد سنجش، ارزیابی و تفسیر قرار گرفته و پس از فهم و ادراک همه جانبه معنای مکان، منجر به شکل گیری حس مکان در انسان می گردند (کلالی و مدیری، ۱۳۹۱، ص ۴۷). حس مکان در اثر ارتباط متقابل انسان با عوامل ظاهر کالبدی، فعالیت ها و معنای شکل می گیرد. فان آیک این مفهوم را در عبارت معروف خویش به این صورت بیان کرده است- هر آنچه فضا و زمان بیان می دارد، مکان و مناسبت زمانی، معنایی فراتر از آن را به همراه دارد. زیرا فضا در تصور انسان تبدیل به مکان شده و زمان در تصور وی مناسبت را می آفریند. اثرات یک مناسبت زمانی بر مکان به بهترین شکل می تواند در یک استادیوم ورزشی مشاهده شود، یکی در زمانی که مملو از انسان ها و در حال برگزاری یک برنامه ورزشی است و دیگر، زمانی که همان استادیوم خالی از حضور تماشاگران است (Carmona, ۲۰۰۳: ۹۸). سالواسن حس مکان را ناشی از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و در هم تنیدگی فردی می داند که البته هر یک از آنها به تنهایی در خلق این احساس کافی نیستند. به زعم وی، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنان و وسایل رفاهی، طبیعت و فضاهای خصوصی و جمعی اجزایی از مکان هستند که بر شکل گیری حس مکان دخالت دارند (Salvesen, ۲۰۰۲). زمینه و بستر، وجود خدمات و تسهیلات، موقعیت قرارگیری مکان در بافت شهر و نحوه ارتباط با پیرامون از جمله موارد دیگری هستند که در مطالعات دیگر از آنها به عنوان مهمترین عوامل موثر بر حس مکان اشاره شده است (Bonaiuto et.al, ۲۰۰۲: ۱-۱۲; Lansing et.al, ۱۹۷۰).

آنچه از تعاریف حس مکان با تاکید بر عامل در هم تنیدگی فردی مطابق نظر سالواسن مشخص است، آن است که این احساس مبتنی بر ادراک انسان از مکانی که در آن حضور یافته است، در طول

زمان و با توجه به ویژگی های فردی وی، تعداد دفعات حضور، تداوم و کیفیت آن و نیز مشارکت و پیوند انسان با مکان شکل گرفته و بدین ترتیب از فردی به فرد دیگر تغییر می پذیرد. حس مکان به تبعیت از معنایی که مکان برای انسان می سازد، در نخستین سطح از ویژگی های کالبدی و حضور فیزیکی شخص در مکان متاثر می گردد. در سطوح بالاتر که فرآیند ادراک کامل تر می گردد، رابطه انسان با مکان نزدیک تر شده و ویژگی های نهان و ناپیدای مکان واجد اهمیت می گردند. بدین ترتیب است که معنای مکان برخاسته از ویژگی های بصری و آنی در وهله نخست و سپس ذهنیات، تجارب، خاطرات و ارزش ها در شکل گیری کیفیت احساسی حضور در مکان و به بیان دیگر، حس مکان نقش اساسی ایفا می نماید.

۴-۲- روابط متقابل میان حس مکان و حس تعلق مکانی

حس مکان عموماً با حس تعلق همراه بوده و با حس عاطفی دلبستگی به یک مکان عجین می شود. مکان می تواند حس ریشه دار بودن را تقویت کرده و حس هویت بخشی را ا محل خاصی عجین سازد. ریشه دار بودن غالباً با حس ناخودآگاه مکان همراه است. عارفی بیان می کند که چنین حسی طبیعی ترین، بنیادی ترین و خودجوش ترین اتصال بین انسان و مکان است (Arefi, ۱۹۹۹: ۱۸۴). برای رلف معنای مکان در داشتن نقطه ای امن که از آن بتوان به نظاره دنیا نشست و یا چنگ انداختن به موقعیتی در نظام جهان و دلبستگی و تعلق عمیق روحی و روانی به محلی خاص تبلور می یابد (Relph, ۱۹۷۶: ۳۸).

حس تعلق کالبدی به مکان برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان و بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی می باشد. ریچر و لاوارکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن با عنوان ریشه داری یاد کرده اند. بر این اساس فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل دهی

معنای تعلق به خاطر می سپارد. علاوه بر آنها تیلور به همراه گروهی دیگر، در بررسی خود از فضاهای عمومی در واحدهای همبستگی با اشاره به عناصر کالبدی از آن به عنوان تعامل کالبدی یاد کرده که معادل تعلق کالبدی به مکان می باشد. پیش از این نیز پروشانسکی بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل گیری مداوم هویت فردی انسان تاکید داشته است. وی با تمرکز بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط به عنوان بخشی از هویت مکانی آن را جزئی از هویت فردی و و نهایتاً هویت اجتماعی افراد در محیط های مختلف می داند (Riger & Lavrakas, ۱۹۸۱; Proshansky, ۱۹۸۳). به نقل از جوان فروزنده و مطلبی، (۱۳۹۰، ص ۳۲).

حس تعلق به طور کلی به معنای مهر و نشانی است که مردم بر مکان خاصی می زنند. این احساس نتیجه نهایی ادراکی است که از تحریکات محیطی از طریق حس های گوناگون به شکل مرتبط با هم و به صورت واحد حاصل گردیده و پیش-تر به شکل گیری حس مکان انجامیده است. ادراک محیط که گاه با شناخت آن اشتباه گرفته می شود، فراتر از صرفاً دیدن و حس کردن محیط است. این امر به فرآیند پیچیده فهم محرکات محیطی مرتبط می شود. ایتلسون چهار بعد گوناگون ادراک را که به صورت همزمان عمل می کنند، به ترتیب زیر بیان کرده است (Bell ۱۹۷۸, Ittelson, et all, ۱۹۹۰: ۲۹):

- بعد شناختی: شامل فکر کردن در مورد محرک محیطی، سازمان دادن و ذخیره اطلاعات است. در واقع این جنبه به معنادار شدن محیط برای انسان کمک می کند.
- بعد احساسی: شامل احساسات ماست که بر درک محیطی ما اثر گذارده و در مقابل آن درک از محیط نیز بر احساسات ما تاثیر دارد.
- بعد تفسیری: شامل معانی و مفاهیمی است که از محیط به دست می آید. در بعد تفسیری ما به

خاطرات و اندوخته های ذهنی خود برای مقایسه و تفسیر محرکات محیطی جدید تکیه می کنیم.

- بعد ارزش گذاری: شامل ارزش ها و ترجیحاتی است که خوب و بد را می سازد.

بدین ترتیب، محیط می تواند به عنوان یک ساختار ذهنی یا تصور محیطی که از طریق افراد گوناگون به اشکال مختلف خلق و ارزش گذاری شده، در نظر گرفته شود. تصویرهای ذهنی از محیط نتیجه فرآیندی است که طی آن تجربیات شخصی از محیط به همراه سیستم ارزشی هر شخص نقش عمده ای به عنوان فیلتر برای درک محرکات محیطی ایفا می-کند، فرآیندی که لینچ آن را دو سویه می داند. در این فرآیند، محیط تفاوت ها و ارتباطات عناصر را معرفی نموده و از میان آنها بیننده بخشی را انتخاب کرده، سازمان داده، معنادار ساخته و در ذهن خود متصور می سازد. به شکل مشابه مونتگمری میان هویت یک محل (آنچه که یک مکان به شکل واقع هست) و تصور محل (امتزاجی از این هویت با آنچه افراد گوناگون از آن ادراک کرده و با احساسات خود می آمیزند) تفاوت قائل است (Montgomery, ۱۹۹۴: ۱۰۰). پوکاک و هادیسون بیان می دارند که به صورت عمومی، تصور ذهنی از یک محیط شهری به شکل زیر است (Pocock & Hudson, ۱۹۷۸: ۳۳):

- جزء به جزء- تمام شهر را شامل نمی شود.
- ساده شده- بسیاری از اطلاعات حذف شده است.
- شخصی- هر فرد دارای تصویری مستقل و منحصر به فرد است.
- انحرافی- که بر اساس عقاید شخصی و نه لزوماً حقایق از نظر جهات، ابعاد و اندازه ها شکل گرفته است.
- بنابراین و به تعبیر رلف تصورات محیط، خلاصه و تجرید حقیقی محیط و بر اساس واقعیات نیست، بلکه تفاسیر اختیاری از آن است. آن گونه که هست یا آنچه باید باشد (Relph, ۱۹۷۶: ۱۰۶).
- جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰) در پژوهش خود،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

شکل‌گیری حس تعلق به مکان را ناشی از سه دسته عوامل ادراکی-شناختی، اجتماعی و محیطی-کالبدی می‌دانند. با تأکید بر دسته نخست، حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت ناخودآگاه یا خودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کند. این معنا عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار داشته و در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌سازد. شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشد. بدین منظور محیط‌های خوانا و متمایز از نظر کالبدی برای استفاده‌کنندگان واجد مطلوبیت دانسته شده و ادراک و شناخت بیشتری نسبت به آنها صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی همچون مشخص نمودن حرایم، حدود مالکیت و همسایگی‌ها از مهمترین عوامل ادراک صحیح و مطلوب انسانی از محیط بوده که فرد بر پایه شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه از محیط می‌پردازد.

وابستگی قابل توجه ادراک و به دنبال آن حسی که در حضور در فضا برای فرد ایجاد می‌شود، به عقاید، خاطرات، تجارب و تصورات ذهنی افراد بیانگر احساسات و دیدگاه‌ها بسیار متفاوت از محیط می‌باشد. به بیان دیگر، هر فرد احساس متمایز و متفاوتی به یک محیط پیدا کرده و فرآیند مکان شدن فضا برای وی متفاوت از دیگران است. بنابراین، برداشت و تصور هر استفاده‌کننده از فضا منحصر به فرد بوده و در نتیجه آن میزان پیوندهای عاطفی و روحی با آن مکان نیز متغیر است. این گونه پیوندهای عاطفی که به صورت کلی از آن با عنوان حس تعلق مکانی یاد می‌شود، بر پایه حس مکان مبتنی بر معنایی است که افراد در ذهن خود متصور می‌شوند.

۳-۴- روابط متقابل میان حس مکان و حس تعلق اجتماعی

به همان نسبت که عوامل ادراکی-شناختی

فردی در شکل‌گیری حس تعلق به عنوان گام اولیه مطرح است، نقش متغیرهای اجتماعی مانند فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که تا پیش از سال ۱۹۷۸ میلادی عمده تحقیقات صورت گرفته بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری این حس تأکید داشته و متغیرهای کالبدی کمتر مورد نظر بوده‌اند. پژوهشگرانی چون راپاپورت و پروشانسکی با مطالعات خود بر نقش عوامل کالبدی تأکید داشته اما اشاره کرده‌اند که آنچه محیط کالبدی را به عنوان بستر تعاملات اجتماعی مطرح می‌کند، در اصل نمادها و سمبل‌های محیطی مشترک اجتماعی از یک طرف و از طرف قابلیت محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است. در اصل تمام انسان‌ها دارای نیازهای اجتماعی بوده و در هر نیازهای مازلو، انسان در جستجوی تعلق به خویشاوندان و دوستان است. در این مرتبه از حس تعلق، محیط به عنوان بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مطرح شده که افراد، عناصر کالبدی را بر اساس ادراک و نظام ساختارشناسی خود کشف، تفسیر و تعبیر کرده و در اصطلاح، رمزگشایی می‌کنند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). نظریه‌های زیادی راجع به حس تعلق اجتماعی و ساز و کارهای تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آن وجود دارد که هر یک از آنها موضوع را از زاویه مشخصی مورد بررسی قرار داده و سعی کرده است با توجه به زمینه‌های اجتماعی، چگونگی تقویت یا فرسایش حس تعلق اجتماعی را در جامعه و بین افراد و به ویژه در اجتماع‌های محله‌ای مشخص نماید. این نظریه‌ها بر اساس عواملی که تأکید می‌کنند، در سطوح خرد، میانی، کلان و جامعه دسته‌بندی می‌شوند. در این ارتباط و با تأکید بر سطح میانی می‌توان به نظریه‌های بی‌سازمانی، پنجره شکسته و انزوای اجتماعی اشاره نمود. از دیدگاه نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، محرومیت محله ایجاد نظم و حفظ آن را دشوارتر می‌سازد.

نداشتن منابع و ناهمگونی نژادی و تغییرات جمعیت (بی‌ثباتی ساکنان) به کاهش پیوندهای اجتماعی و تضعیف کنترل اجتماعی و نیز توان اجتماعات برای قاعده‌مند کردن رفتار اعضای آن منجر می‌شود؛ در حالی که اجتماع‌های دارای شبکه‌های اجتماعی متراکم و قدرتمند، توانایی بیشتری برای ایجاد و تقویت هنجارهای و ارزش‌های مشترک دارند. به این ترتیب، بی‌سازمانی اجتماعی یا از دست دادن نظام هنجاری و قانون‌مندی باعث می‌شود بسیاری از افراد به وضعیت انحرافی کشیده شوند. چنین وضعیتی عموماً در شهر به چشم می‌خورد؛ یعنی مکانی که افراد با فرهنگ‌ها و زمینه‌های ارزشی متفاوت کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (Harding, 2007, 2009). از دیدگاه این نظریه، حس تعلق اجتماعی اساس کنترل اجتماعی است؛ زیرا نیروی جمعی بیرونی را برای تحمیل نظم به وجود می‌آورد (Rose & Clear, 1998).

در قیاس با نظریه بی‌سازمانی اجتماعی که بر ظرفیت اجتماع محلی برای کنترل اجتماعی تأکید می‌کند، نظریه انزوای اجتماعی ویلسون بر نتایج فرهنگی محرومیت محله متمرکز می‌شود. وی به این نکته اشاره می‌کند که تغییر اوضاع اقتصادی و اجتماعی در محیط، به ظهور ارزش‌های فرهنگی، هنجارها و رفتارهای خاصی منجر می‌شود که بدون در نظر گرفتن محیط، نمی‌توان متوجه آنها شد. بنابراین، وقتی هنجارها و رفتارهای ساکنان محله محرومی ارزیابی می‌شود، هنجارها و ارزش‌های خاص آنها را نباید ویژگی ذاتی افراد دانست؛ بلکه این هنجارهای را باید نوعی نشانه‌شناسی از نابرابری آنها تلقی نمود. در واقع، برای فهم دلایل جرم، بیکاری، افسردگی، ناهنجاری و مانند آن باید تغییرات اجتماعی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی رخ داده در محله‌های شهری مورد بررسی قرار بگیرد (Dulin, 2007).

در مدل ویلسون، اجتماع محله‌ای طی دو مرحله مواجهه با محرومیت دچار کمبود منابع و انزوا

می‌شود. در مرحله اول، خروج ساکنان طبقه متوسط از مناطق مرکزی شهر سبب کاهش کارایی نهادهای محلی از قبیل اماکن مذهبی، سازمان‌های داوطلبانه و خانواده می‌شود و کاهش ظرفیت ساکنان برای کنترل اجتماعی غیر رسمی را در پی خواهد داشت (Browning & Kathleen, 2003; Browning et al, 2006). در مرحله دوم که توان تنظیمی محله کاهش می‌یابد، افزایش فقر و حاضر نبودن طبقه متوسط و در نتیجه، نبود منابع و سرمشق‌های طبقه متوسط، تغییر و انتقال فرهنگی در رفتار ساکنان محله‌های محروم رخ می‌دهد؛ موضوعی که از دید جریان اصلی جامعه‌ناسازگاری و انحراف به شمار می‌آید. در نتیجه، ساکنان بیش از پیش با رفتارهای مشکل‌زا مواجه شده و این رفتارها تضعیف جامعه اجتماع را به دنبال دارد. ویلسون معتقد است الگوها، هنجارها و رفتارهای فردی را کسانی شکل می‌دهند که بیشترین و پایدارترین رابطه را با وی داشته‌اند، بنابراین تعاملات اجتماعی در محله‌های منزوی شده (انزوای اجتماعی) نیز موجب انزوای فرهنگی (شکل‌گیری خرده فرهنگ) شده و زمانی که این عامل با فرصت‌های کم و نادر آموزشی و بازار کار ترکیب می‌شود، باعث ایجاد فضای فرهنگی متفاوت با جریان اصلی جامعه می‌گردد (Harding, 2007, 2009).

علاوه بر این دو دیدگاه، نظریه پنجره شکسته نیز ادعا می‌کند تمرکز فقر در محله، نظم عمومی را از میان می‌برد. به عبارت دیگر، محله‌های محروم به علت فرصت‌های محدود، فقدان انسجام و پیوستگی اجتماعی، فقدان خدمات رسمی و وجود محیط هنجاری مشوق برای رفتارهای غیر عرفی (منحرف)، بی‌نظمی ایجاد کرده و آن را گسترش می‌دهد. در مکان‌های منزوی و فقیر معمولاً شغل‌های کمتری وجود داشته و ساکنان فرصت‌های کمتری برای کار دارند. افراد جوان معمولاً در این اوضاع احتمال دستیابی کمتری به موفقیت را از راه‌های معمولی و ابزارهای مشروع، کم

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

و محدود می‌دانند. در نتیجه، به خروج از مدرسه، رها کردن آن و درگیری با فعالیت‌های نامشروع روی می‌آورند. این روند باعث افزایش بی‌نظمی در محله می‌شود. همچنین محله‌های محروم از نظر پیوندهای اجتماعی غیر رسمی که موجب دلبستگی همسایه‌ها و کمک به یکدیگر در حفظ نظم می‌شود، پیوندهای اجتماعی غیر رسمی ضعیف‌تر و کمتری دارند (Mirowsky & Kathleen, ۲۰۰۳).

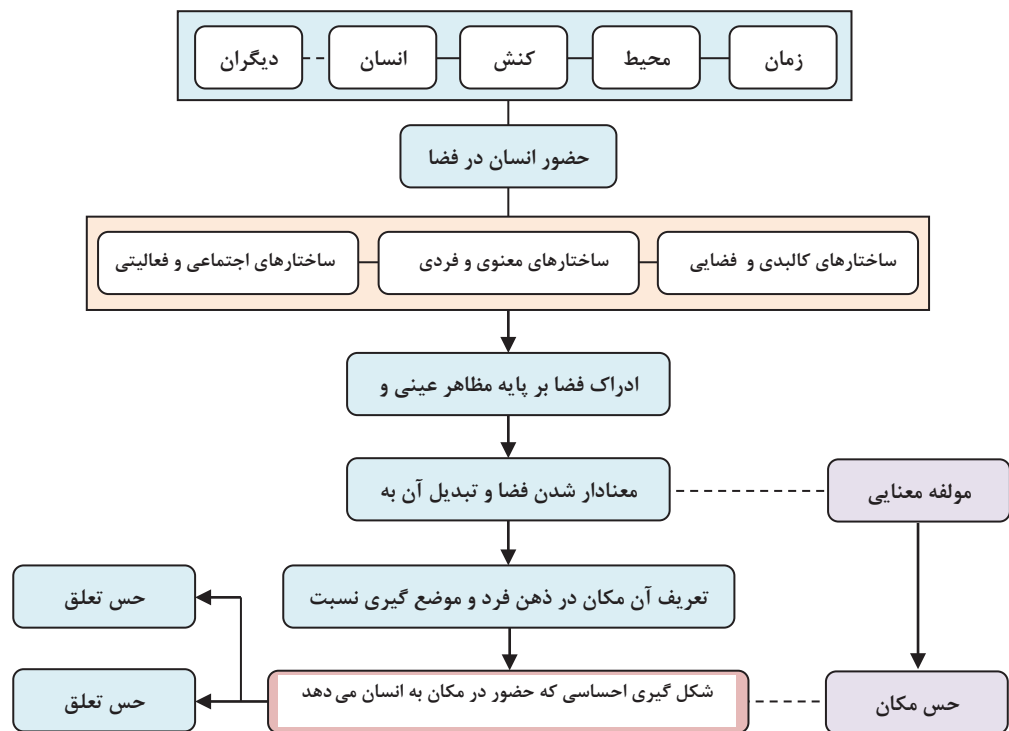
این وضعیت همراه با کمبود منابع محلی از قبیل مدارس، پارک‌ها و خدمات درمانی مناسب موجب شکل‌گیری این تصور می‌شود که این خدمات در قبضه جریان اصلی جامعه و افراد مرفه قرار داشته که موجب غضب اخلاقی در میان افراد محل شده و انحرافات زیادی را به دنبال می‌آورد (مبارکی و رجب‌صلاحی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۶). به این ترتیب است که نارضایتی عمومی در این محدوده‌ها شکستن هنجارها را افزایش می‌دهد.

بر این اساس، حس تعلق اجتماعی به کمک ساز و کارهای متنوع با تاکید بر حفظ نظم و کنترل اجتماعی محیط، بر کاهش انحرافات محلی تاثیرگذار بوده و از این جهت، تقویت و بهبود آن نه تنها در حیطه برنامه‌ریزی شهری بلکه در رشته‌های دیگری چون جامعه‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد. شکل‌گیری تعلق و دلبستگی به یک اجتماع که خود نیازمند بستری برای وجود است، را می‌توان سطح بالاتری از حس مکان دانست. تصور مکان نه تنها کالبدی، بلکه روانی و تعاملی بوده و حس مکان به عنوان یک تجربه از ترکیب یک مکان-رفتار و آنچه انسان به آن می‌دهد، به وجود می‌آید. به تعبیری دیگر، برخی از چیزهایی که انسان در مکان ایجاد می‌کند، بدون او و مستقل از وی به وجود نمی‌آیند. احساس ناشی از حضور در یک اجتماع نقش بسیار قدرتمندی در تداوم این رخداد دارد. زمانی که انسان خود را در هماهنگی و تطابق با افراد و گروه‌های اجتماعی فعال در یک مکان بداند، پیوندهای عاطفی میان این دو برقرار

می‌گردد. بدین ترتیب معنایی که مکان و حاضران در آن برای فرد پیدا می‌کند، محور فردیت وی شده و انسان خود را در تجارب جمعی و خاطرات گروهی که بدان متعلق و وابسته است، شریک می‌داند. در مراحل بعدی شور، عشق، حمایت، وفاداری و در نهایت از خود گذشتگی نسبت به افراد اجتماع شکل گرفته و شبکه‌ای قدرتمند میان فرد و اجتماع اش برقرار می‌شود.

۵- مدل تحلیلی پژوهش

بر اساس استنتاجات یاد شده و روابط میان آنها می‌توان اظهار داشت که حضور در یک فضا فارغ از آنکه این حضور به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه بوده و در نتیجه آن ادراک فضا در سطوح متفاوتی صورت پذیرد، به تعبیر رلف یک حس مشترک یا مفهوم مکان (cited in Carmona & Tiesdell, ۲۰۰۷):
۱۰۳) را مطرح می‌سازد. با این وجود، فرآیند تبدیل فضا به مکان و دلایل آن واجد پیچیدگی‌هایی است که همواره مورد بررسی و توجه بوده است. چرا که ادراک فضا خود به شیوه‌ای یکسان برای افراد و گروه‌های اجتماعی صورت نمی‌پذیرد و در نتیجه نمی‌توان الگوی واحدی را در این ارتباط معرفی نمود. با این حال اتفاق نظر قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که القای معنا یا معنادار شدن فضا برای انسان آن را به مکان تبدیل می‌سازد. ساز و کار معنادار شدن فضا خود به واسطه تضمین این مفهوم از ساختارهای اجتماعی پیچیده، تجارب فردی و تصاویر ذهنی در کنار مولفه‌های کالبدی مکان است. نکته قابل توجه در این میان آن است که آیا معنای برداشت شده توسط ناظر برخاسته از آن چیزی است که در مکان قرار دارد (سطح عینی) و یا آنچه که در ذهن ناظر به مکان نسبت داده می‌شود (سطح ذهنی). بنابراین ادراک معنای محیط وابستگی قابل ملاحظه‌ای به مشاهده‌گر داشته و بر این اساس، معنای مکان و در نتیجه آن احساسی که حضور در مکان برای فرد به وجود می‌آورد متفاوت خواهد بود. هر چند این احساس



نمودار ۱. مدل تحلیلی پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

با مکان فارغ از وجود سایرین در نظر گرفته می-شود. در چنین شرایطی ممکن است حضور در یک مکان خاطراتی را برای شخص زنده کند که برای ایجاد احساس در وی نیازی به وجود دیگر افراد یا روابط اجتماعی ندارد. در حالت دیگر، عناصر کالبدی و به بیانی، ظرف کالبدی مکان بستری برای تعاملات و فعالیت های اجتماعی بوده و حس مکان در کنار دیگر انسان ها شکل می گیرد. بدیهی است که چنین مرزبندی مشخصی در عمل ممکن است به دشواری ملاحظه گردد و بهتر خواهد بود که طیفی از حس مکان صرفاً کالبدی تا حس مکان صرفاً اجتماعی در نظر گرفته شود. حس مکان اعم از کالبدی و اجتماعی سطوح متفاوتی را از بی-تفاوتی تا وفاداری و ایشار را به خود می پذیرد که حس تعلق می تواند میانه ای را در این بین تعریف نماید. نتیجه آنکه به موازات طیف حس مکان با تاکید بر عناصر کالبدی و غیر کالبدی (اجتماعی) می توان طیفی از حس تعلق مکانی و حس تعلق اجتماعی

که در اصطلاح حس مکان نامیده می شود می تواند تشابهات و اشتراکاتی میان افراد و گروه های اجتماعی داشته باشد؛ چنان که حضور در یک مکان مقدس حس مکان مشابهی را برای افراد به وجود می آورد. از سوی دیگر اما حس مکان می تواند در راستای هدفی مشخص در سطح قابل توجهی برای ناظران از سوی طراحان و برنامه ریزان محیطی ایجاد گردد. بدین ترتیب حس مکان برخاسته از معنای مکان می تواند به مثابه یک برند برای مکان تعریف شده و بیانگر توقع های خاصی از کیفیت، استحکام و اعتبار باشد. این گونه برچسب ها در تمایز آن مکان از سایر مکان ها و در نتیجه هویت مکان موثر خواهند بود. حس مکان ناشی از ادراکی است که به واسطه وجود عناصر کالبدی و غیر کالبدی شکل می گیرد. بدین ترتیب در نخستین مرحله ویژگی های مکان اعم از مولفه های طبیعی و انسان ساخت می تواند در نتیجه معنابخشی به مکان، احساس خاصی را نسبت به آن برانگیزاند. در این حالت صرفاً پیوند انسان

را تعریف نمود. با در نظر داشتن آنکه حس مکان ارتباط نزدیکی با ماندگاری حضور انسان در مکان دارد، میزان تعلق مکانی یا اجتماعی وی نیز دفعات و مدت حضور را در مکان تعریف می نماید. به بیان دیگر، هر اندازه که فرد احساس تعلق بیشتری به ماهیت کالبدی مکان و یا اجتماع و فعالیت های موجود در ظرف کالبدی مکان داشته باشد، تمایل بیشتری به حضور و ماندگاری در مکان از خود نشان می دهد. این احساس تعلق به ویژه با تاکید بر بعد اجتماعی، در این همانی فرد با مکان بسیار موثر بوده تا جایی که فرد خود را با گروه حاضر در مکان تعریف می کند. نمونه روشن این ادعا، معرفی خود بر پایه محل زندگی یا کار است. در حقیقت فرد می کوشد خود را به واسطه مکانی که در آن زندگی یا کار می کند به دیگری شناسانده و از اعتبار آن مکان به نفع خود استفاده کند. در نمودار شماره ۱ مدل تحلیلی پژوهش آورده شده است.

۱-۵- شناسایی شاخص ها در ارتباط با فرضیات پژوهش

الف) شاخص های معنای مکان: بر مبنای مطالعات و بررسی های صورت گرفته، پدیده مکان برآیندی از مولفه های معنایی- ارزشی شامل ارزش های تاریخی، فرهنگی، ملی، معانی نمادین، خاطرات و تجارب به زعم نوربرگ شولتز (۱۹۷۴)، استدمن (۲۰۰۲)، لوگان و مولوچ (۱۹۸۷)، لاکرمن (۱۹۶۴)، عارفی (۱۹۹۹)، رلف (۱۹۷۶)، پرتوی (۱۳۹۲) و کانتر (۱۹۷۷)، مولفه کالبدی- فضایی مشتمل بر ساختار کالبدی، ویژگی های جغرافیایی، چشم انداز، منظر، مقیاس و قلمرو به زعم استدمن (۲۰۰۲)، مدنی پور (۱۳۹۲)، دومینی (۲۰۰۱)، افشار نادری (۱۳۷۸)، رلف (۱۹۷۶)، سیمون (۱۹۸۲)، پرتوی (۱۳۹۲)، کانتر (۱۹۷۷)، لاکرمن (۱۹۶۴) و کیسی (۱۹۹۳) و همچنین مولفه اجتماعی- فعالیتی در بردارنده فعالیت ها، رفتارهای انسانی، بر هم کنش های اجتماعی، نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، دل مشغولی های فردی و گروهی به محیط از

دید لوگان و مولوچ (۱۹۸۷)، مدنی پور (۱۳۹۲)، دومینی (۲۰۰۱)، رلف (۱۹۷۶)، سیمون (۱۹۸۲)، پرتوی (۱۳۹۲)، کانتر (۱۹۷۷) و سیمون و ساورس (۲۰۰۸) می باشد. در این میان مولفه معنا به جهت تاثیرپذیری بیشتر از جنبه های ذهنی و انسانی در مقایسه با دو مولفه دیگر کالبد و فعالیت (به طور کلی) با دشواری تعریف و سنجش می شود. معنای مکان از دید توان (۱۹۷۷)، لینچ (۱۹۸۴)، کانتر (۱۹۷۷)، اگنیو (۱۹۸۷)، راپاپورت (۱۹۹۰)، آلمن و لو (۱۹۹۲)، مانزو (۲۰۰۵) و وندرکلیس و کارستون (۲۰۰۹) در نتیجه ادراک مکان بر پایه ساختارهای ذهنی مشاهده گر، تعاملات اجتماعی، زمینه های اقتصادی- اجتماعی، احساسات فردی و فرهنگ (مجموعه ارزش ها، باورها، جهان بینی و نظام های نهادی مشترک) حاصل شده و به تعبیر گوستافسون (۲۰۰۱) خود بر حس تعلق اجتماعی و از دید اگنیو (۱۹۸۷) حس مکان تاثیر می گذارد. همچنین گیرین (۲۰۰۲) پیوندی دو سویه میان معنای مکان و هویت مکان را مطرح می سازد.

ب) شاخص های حس مکان: حس مکان مفهومی بسیار ذهنی و از فردی به فرد دیگر متغیر می باشد. به طور کلی سنجش و ارزیابی احساسات از هر نوع آن به جهت معنوی بودن در مقایسه با ابعاد عینی و کمی بسیار دشوار بوده و بهتر آن است که بر مبنای پیامدها و نتایج ایجاد یک حس، در خصوص آن قضاوت نمود. بدین جهت حس مکان در این پژوهش به کمک تاثیری که در کمیت و کیفیت حضور انسان در مکان دارد، مورد توجه و ارزیابی قرار می گیرد. کمیت و کیفیت حضور از سوی دیگر تعریف کننده سطوح حس مکان می باشد. بدین ترتیب می توان شاخص های حس مکان را شامل دو دسته شاخص های کمی رخداد حضور، مدت زمان حضور و تداوم حضور طی زمان های متوالی در یک مکان و نیز شاخص های کیفی مرتبط با رضایت از حضور در مکان و دلبستگی به آن دانست. ج) شاخص های حس تعلق مکانی: حس تعلق مکانی

عضویت در گروه، وابستگی به اجتماع، رابطه احساسی با فرد یا اجتماع حاضر در مکان، خاطرات و تجارب بر افزایش شادی و سلامتی روانی، اعتماد اجتماعی و افزایش مسئولیت پذیری و وفاداری نسبت به جامعه از نظر ناطق پور (۱۳۸۳)، هویت فردی و اجتماعی بر پایه آرای بانستر و لری (۱۹۹۵)، هاگرنی و همکاران (۱۹۹۲)، هانگ و همکاران (۲۰۰۵)، اورت (۲۰۰۵) و بستن (۲۰۱۰)، تعهد و تعلق به گروه از دید کوتایبا و تامی (۲۰۱۰) و اورت (۲۰۰۵)، کاهش انحرافات اجتماعی از دید بانستر و لری (۱۹۹۵)، کارپیانو و هیستد (۲۰۱۰)، هانگ و همکاران (۲۰۰۵) و بستن (۲۰۱۰)، سازگاری افراد با موقعیت‌های اجتماعی به زعم اورت (۲۰۰۵) و همکاری و مشارکت بر پایه مطالعات کوتایبا و تامی (۲۰۱۰) و ناطق پور (۱۳۸۳) تاثیرگذار است. بدین ترتیب شاخص‌های حس تعلق اجتماعی در این مطالعه مشتمل بر رابطه فردی (با مکان)، رابطه گروهی، عضویت در گروه و فعالیت (در مکان) است.

۶- یافته‌ها

۶-۱- آمار توصیفی

بیشترین فراوانی پاسخ دهندگان به پرسشنامه در ارتباط با سن، جنس و میزان تحصیلات به ترتیب در اختیار گروه سنی ۴۰-۳۱ (۶۹/۷ درصد)، مرد (۸۳/۴ درصد) و کاردانی (۵۰/۵ درصد) ۱ بوده است.

۶-۲- آمار استنباطی

برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، از روش‌ها و آزمون‌های آماری به ترتیب زیر بهره برده شده است:

الف) آزمون آلفای کرونباخ جهت ارزیابی پایایی پرسشنامه

با توجه به آنکه ضریب مذکور در رابطه با پرسشنامه پژوهش مشتمل بر ۲۸ گویه برابر ۰/۹۷۶ می‌باشد، پایایی آن با درجه اطمینان بالایی مورد تأیید است.

ب) آزمون کلموگروف-اسمیرنف جهت ارزیابی نرمال بودن داده‌ها (با استفاده از نرم افزار

از بر هم کنش همزمان شناخت محیط، شناخت محیط و احساس نسبت به محیط و به تعبیر بهتر، مکان ناشی می‌شود. با توجه به مولفه‌های تعریف کننده مکان، حس تعلق مکانی نیز سه بعد عملکردی، عاطفی و کالبدی را در بر می‌گیرد. ویلیامز و روگنباخ (۱۹۸۹)، شریر و همکاران (۱۹۸۱)، استوکولز و شوماخر (۱۹۸۱)، وارزکا و لایم (۲۰۰۱)، هانگ و همکاران (۲۰۰۵)، توان (۱۹۷۷)، برکر و کرستر (۲۰۰۱)، هامیت و همکاران (۲۰۰۴)، جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰)، وسکه و کوربین (۲۰۰۱) و هرمون (۲۰۰۶) بعد عملکردی حس تعلق مکانی را شامل راحتی، الگوهای رفتاری و فعالیت، مشارکت در فعالیت‌های خاص در مکان و تعاملات محیطی فعال می‌دانند. امنیت، تعاملات حسی با مکان، انگیزه‌های حضور، تجارب فردی، عقاید و قوانین نانوشته فرهنگی و نمادهای اجتماعی به زعم ویلیامز و روگنباخ (۱۹۸۹)، شریر و همکاران (۱۹۸۱)، استوکولز و شوماخر (۱۹۸۱)، وارزکا و لایم (۲۰۰۱)، هانگ و همکاران (۲۰۰۵)، استیل (۱۹۸۱)، آلمن و لو (۱۹۹۲)، پروشانسکی (۱۹۷۸)، راپاپورت (۱۳۹۱)، جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰)، وسکه و کوربین (۲۰۰۱) و هرمون (۲۰۰۶) بعد عاطفی حس تعلق مکانی را تعریف می‌کنند. در نهایت بعد کالبدی حس مکان شامل عناصر کالبدی، تاریخچه مکان، نمادهای کالبدی و پوشش گیاهی به تعبیر وارزکا و لایم (۲۰۰۱)، توان (۱۹۷۷)، وسکه و کوربین (۲۰۰۱) و رایان (۱۹۹۸) است. ضمن اشاره به وجود رابطه دو سویه میان حس تعلق مکانی و حس تعلق اجتماعی به مکان از نظر کارپیانسو و هیستد (۲۰۱۰)، در پژوهش حاضر حس تعلق مکانی در بردارنده شاخص‌های پیوندهای فردی، پیوندهای خانوادگی، ویژگی‌های سکونتی، فعالیت‌ها و هویتی می‌باشد.

د) شاخص‌های حس تعلق اجتماعی: حس تعلق اجتماعی نیز منبعت از ابعاد شناختی، اجتماعی و احساسی بوده و ضمن تاثیرپذیری از شاخص‌های

جدول ۱. آزمون کلموگروف-اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	آماره آزمون	پارامتر توزیع نرمال		حجم نمونه	شاخص
		انحراف معیار	میانگین		
۰.۵۰۶ ^۳	۰.۲۴۴	۰.۷۸۴۷۴	۳.۰۹۷۴	۳۸۰	تاثیرگذاری معنای مکان بر حس مکان
۰.۴۲۳۳ ^۳	۰.۳۰۰	۰.۶۹۴۲۷	۳.۱۲۸۹	۳۸۰	تاثیر گذاری حس مکان بر حس تعلق مکانی
۰.۳۰۰ ^۳	۰.۲۳۰	۰.۷۳۳۹۰	۳.۱۱۳۲	۳۸۰	تاثیر گذاری حس مکان بر حس تعلق اجتماعی

(SPSS)

تاثیرگذاری حس مکان بر حس تعلق مکانی تدوین شده است.

جدول شماره ۳ نیز بیانگر گویه‌های مرتبط با فرضیه سه و نتایج آزمون تی می‌باشد. بف طریق مشابه و با توجه به آنکه سطح معناداری به دست آمده برای همه عوامل کوچکتر از ۰,۰۵ بوده و همگی با میانگین جامعه اختلاف دارند و نیز اینکه اختلاف میانگین‌ها تقریباً برای همه گزینه‌ها بزرگتر از ۳ بوده است، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که تمامی عوامل شکل دهنده حس مکان بر خلق حس تعلق مکانی موثرند. به بیان دیگر، هر دو فرضیه پژوهش تایید می‌شوند.

(د) روش AHP جهت اولویت بندی شاخص‌ها (با استفاده از نرم افزار Expert Choice)

معنای مکان: در میان مجموعه شاخص‌های معنای مکان، تعاملات و روابط با وزن ۰,۳۶۳ بیشترین تاثیر را داشته و ساختارهای تجربی با وزن ۰,۲۱۷ در اولویت دوم قرار دارد. ویژگی‌های فردی نیز با وزن ۰,۲۰۰ در اولویت سوم می‌باشد. ساختارهای ذهنی با وزن ۰,۰۸۵ در اولویت چهارم و در نهایت فرهنگ با وزن ۰,۱۳۶ در اولویت آخر قرار می‌گیرد. با توجه به کمتر بودن نرخ ناسازگاری مقایسات زوجی برابر ۰,۰۴ از ۰,۱ سازگاری این مقایسات قابل قبول است.

حس مکان: در ارتباط با زیر شاخص‌های حس مکان، حضورپذیری با وزن نسبی ۰,۵۴۰ بین عناصر

نحوه داوری با توجه به جدول آزمون کلموگروف-اسمیرنوف بدین صورت است که اگر سطح معنی داری (sig) برای کلیه متغیرها بزرگتر از سطح آزمون (۰/۰۵) باشد، توزیع داده‌ها نرمال است. با توجه به نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف مطابق جدول شماره ۱ داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. این نتیجه مجوز انجام یکی از انواع آزمون‌های پارامتریک (در این پژوهش آزمون تی تک نمونه‌ای) را ارائه می‌دهد.

(ج) آزمون تی جهت شناسایی شاخص‌ها و زیرشاخص‌های تاثیرگذار (با استفاده از نرم افزار SPSS)

در ارتباط با فرضیه یک گویه‌هایی مطابق جدول شماره ۱ جهت بررسی تاثیرگذاری مولفه معنای مکان بر حس مکان مورد نظر بوده که بر مبنای نتایج حاصل از پرسشنامه و اجرای آزمون تی، یافته‌ها نیز در همین جدول آورده شده‌اند. بر اساس آزمون تی تک نمونه‌ای، سطح معناداری به دست آمده برای همه عوامل کوچکتر از ۰,۰۵ بوده و همگی با میانگین جامعه اختلاف دارند. همچنین اختلاف میانگین‌ها تقریباً برای همه گزینه‌ها بزرگتر از ۳ بوده و می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که تمامی عوامل شکل دهنده معنای مکان در خلق حس مکان موثرند.

به طریق مشابه جدول شماره ۳ در ارتباط با



جدول ۲. خروجی آزمون t-test برای تاثیرگذاری مولفه معنایی مکان در خلق حس مکان

آزمون تی تک نمونه‌ای					گویه‌ها	
فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین‌ها	سطح معنادار ی	درجه آزادی		آماره
کران بالا	کران پایین					
۳.۰۴	۲.۸۶	۲.۹۵۳	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۳.۹۳۶	خاطرات خوب از یک مکان، مشوق من به حضور در آن است.
۳.۰۹	۲.۹۱	۳.۰۰۳	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۴.۲۰۴	حضور افراد همسال من باعث می‌شود برای مراجعه به یک پارک یا فضای عمومی علاقه‌مند باشم.
۳.۱۴	۲.۹۶	۳.۰۵۰	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۷.۷۳۰	به نظر من حضور افراد با سنین مختلف از کودک تا سالمند در یک پارک جذاب است.
۳.۲۸	۳.۰۸	۳.۱۸۲	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۴.۶۸۰	سایه‌اندازی و آرامش موجود در یک پارک یا فضای عمومی مانند خیابان، آن مکان را در ذهن من خاص کرده و در صورت مراجعات مکرر به آن، خود را دلبسته آن می‌دانم.
۳.۱۶	۲.۹۸	۳.۰۷۴	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۶.۴۷۲	اگر هنگام پیاده‌روی روزانه در خیابان متوجه شوم نمایشگاه یا بازار روز کوچکی در آن برگزار شده، سرعت‌ام را کم کرده و از تماشای فعالیت مردم و سرزندگی ناشی از آن لذت می‌برم.
۳.۲۵	۳.۰۷	۳.۱۵۸	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۷.۱۴۹	ارتباط نزدیک‌تر با همسایگان در شهرهای جدید در مقایسه با شهرهای بزرگ، یک مزیت است.
۳.۱۸	۳.۰۰	۳.۰۷۸	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۶.۵۲۰	رفت و آمد افراد با فرهنگ پایین و متضاد با عرف جامعه در یک مکان گاه مانع از حضور من و افراد خانواده‌ام در همان مکان است.
۳.۱۶	۲.۹۹	۳.۰۷۹	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۱.۱۵۹	سرزندگی ناشی از حضور خانواده‌ها و کودکان‌شان یکی از دلایل مراجعه من به پارک‌های شهری است.
۳.۱۸	۳.۰۰	۳.۰۷۹	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۴.۲۵۲	به واسطه خاطرات و تجربه‌های خوبی که در طول مدت کار یا زندگی در یک مکان داشته‌ام، حضور در مکان‌هایی خاص در شهر را ترجیح می‌دهم.
۳.۱۲	۲.۹۴	۳.۰۳۲	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۵.۸۱۰	گاه حضور من در پارک‌ها یا مراکز خرید صرفاً جهت برقراری ارتباط و ملاقات با دوستان و همکاران‌ام است.
۳.۱۹	۳.۰۱	۳.۱۰۰	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۷.۰۱۳	به جهت آنکه بخشی از دوران نوجوانی/ جوانی خود را در یک شهر گذرانده‌ام، نسبت به آن خود را وابسته می‌دانم.
۳.۱۰	۲.۹۲	۳.۰۱۱	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۷.۳۳۲	چون بخشی از واحدهای ساختمانی توسط تعاونی‌ها به کارمندان واگذار شده، میان همسایگان نوعی تجانس و همسانی فرهنگی- اجتماعی وجود داشته که از نظر من واجد مطلوبیت است.
۳.۲۵	۳.۰۷	۳.۱۵۸	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۷.۱۴۹	به دلیل برخی محدودیت‌ها منحصر بودن ارائه کالا یا خدمت در یک شهر جدید می‌تواند در کسب درآمد موثر بوده و از این جهت ارائه کنندگان را به شهر وابسته سازد.
۳.۱۶	۲.۹۷	۳.۰۶۸	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۲.۵۸۲	امنیت و آرامش از دلایلی است که سبب علاقه‌مندی من به یک پارک یا فضای شهری می‌گردد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

جدول ۳. خروجی آزمون t-test برای تاثیرگذاری حس مکان بر خلق حس تعلق مکانی

آزمون تی تک نمونه‌ای					گویه‌ها	
فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین‌ها	سطح معنادار ی	درجه آزادی		آماره
کران بالا	کران پایین					
۳.۰۸	۲.۹۰	۲.۹۸۷	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۵.۱۲۵	سکونت خانواده من در یک شهر مرا به آن شهر وابسته می‌کند.
۳.۲۳	۳.۰۶	۳.۱۴۵	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۲.۴۹۰	روابط حسنه میان همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها از دلایلی است که افراد را نسبت به محل زندگی‌شان علاقه‌مند و وفادار سازد.
۳.۱۳	۲.۹۶	۳.۰۴۵	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۱.۶۲۷	آب و هوای مساعد به ویژه هوای پاک در یک شهر جدید از دلایلی است که افراد را به زندگی در آن تشویق می‌کند.
۳.۱۲	۲.۹۶	۳.۰۴۲	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۲.۸۲۳	بناهای نوساز و زیبا می‌تواند در ایجاد علاقه به یک مکان یا یک شهر موثر باشند.
۳.۱۷	۲.۹۹	۳.۰۸۲	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۵.۵۳۱	چندین سال زندگی / کار در یک شهر مرا به آن مقید می‌سازد.
۳.۱۷	۲.۹۹	۳.۰۷۶	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۶.۸۷۲	برگزاری مراسم ورزش صبحگاهی یا فعالیت‌های دسته-جمعی از دلایلی است که می‌تواند در جذب شهروندان به یک فضای عمومی مانند پارک مفید واقع شود.
۳.۰۹	۲.۹۳	۳.۰۰۸	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۱.۷۶۹	برخی مکان‌ها آن چنان مطلوب طراحی و ساخته شده‌اند که حتی تنها حضور پیدا کردن در آنها هم لذت‌بخش است.
۳.۱۶	۲.۹۸	۳.۰۶۶	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۷.۰۲۲	با وجود مشکلاتی که زندگی در یک شهر جدید (مانند پردیس) برای ساکنان ایجاد می‌کند، اما خودم را به شهر جدید محل زندگی‌ام وابسته دانسته و ترک آن برایم دشوار است.
۳.۲۱	۳.۰۴	۳.۱۲۱	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۲.۵۶۴	اگرچه عناصر هویتی شاخص در شهر جدید محل زندگی من در مقایسه با شهرهای بزرگ کم‌رنگ است، اما به لحاظ عاطفی خود را در پیوند با آن می‌دانم.
۳.۲۵	۳.۰۸	۳.۱۶۳	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۰.۷۴۹	فضاهای سبز و تجهیز شده در سطح شهر، از عواملی است که کیفیت زندگی در شهرهای جدید را بهبود می‌بخشد.
۳.۲۳	۳.۰۴	۳.۱۳۴	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۳.۰۲۶	رضایت‌مندی از امکانات و خدمات شهری در کنار ویژگی‌های مثبت فرهنگی-اجتماعی، شهروند را نسبت به محل زندگی‌اش وابسته و دلبسته می‌کند.
۳.۲۲	۳.۰۵	۳.۱۳۴	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۱.۵۷۵	ضعف در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی از مهمترین مواردی است که ممکن است مرا مجبور به ترک جدید محل زندگی‌ام کند.
۳.۲۴	۳.۰۷	۳.۱۵۸	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۳.۶۸۴	تامین نیازهای روزمره در محله و دسترسی پیاده به مراکز خرید محلی از اولویت‌های من جهت انتخاب مسکن در شهر است.
۳.۲۱	۳.۰۳	۳.۱۱۶	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۸.۹۳۹	اگرچه خانواده نزدیک من در شهر جدید محل زندگی‌ام ساکن نیستند، اما همسایه‌های خوب تا حدی این خلا عاطفی را جبران کرده و وابستگی به آنها ترک این شهر را برای من دشوار می‌سازد.

جدول ۳. خروجی آزمون t-test برای تاثیرگذاری حس مکان بر خلق حس تعلق اجتماعی

آزمون تی تک نمونه‌ای					گویه‌ها	
فاصله اطمینان ۰/۹۵	اختلاف میانگین‌ها	سطح معنادار ی	درجه آزادی	آماره		
کران بالا	کران پایین					
۳.۰۸	۲.۹۰	۲.۹۸۷	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۵.۱۲۵	سکونت خانواده من در یک شهر حتی یک شهر جدید، مرا به آن شهر وابسته می‌کند.
۳.۲۳	۳.۰۶	۳.۱۴۵	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۲.۴۹۰	روابط حسنه میان همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها از دلایلی است که می‌تواند افراد را نسبت به محل زندگی‌شان علاقه مند و وفادار سازد.
۳.۱۳	۲.۹۶	۳.۰۴۵	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۱.۶۲۷	آب و هوای مساعد به ویژه هوای پاک در یک شهر جدید از دلایلی است که افراد را به زندگی در آن تشویق می‌کند.
۳.۱۲	۲.۹۶	۳.۰۴۲	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۲.۸۲۳	بناهای نوساز و زیبا می‌تواند در ایجاد علاقه به یک مکان یا یک شهر موثر باشند.
۳.۱۷	۲.۹۹	۳.۰۸۲	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۵.۵۳۱	چندین سال زندگی / کار در یک شهر مرا به آن مقید و متعلق می‌سازد.
۳.۱۷	۲.۹۹	۳.۰۷۶	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۶.۸۷۲	برگزاری مراسم ورزش صبحگاهی یا فعالیت‌های دسته-جمعی از دلایلی است که می‌تواند در جذب شهروندان به یک فضای عمومی مانند پارک مفید واقع شود.
۳.۰۹	۲.۹۳	۳.۰۰۸	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۱.۷۶۹	برخی مکان‌ها آن چنان مطلوب طراحی و ساخته شده‌اند که حتی تنها حضور پیدا کردن در آنها هم لذت‌بخش است.
۳.۱۶	۲.۹۸	۳.۰۰۶	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۷.۰۲۲	با وجود مشکلاتی که زندگی در یک شهر جدید (مانند پردیس) برای ساکنان ایجاد می‌کند، اما خودم را به شهر جدید محل زندگی‌ام وابسته دانسته و ترک آن برایم دشوار است.
۳.۲۱	۳.۰۴	۳.۱۲۱	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۲.۵۶۴	اگرچه عناصر هویتی شاخص در شهر جدید محل زندگی من در مقایسه با شهرهای بزرگ کم‌رنگ است، اما به لحاظ عاطفی خود را در پیوند با آن می‌دانم.
۳.۲۵	۳.۰۸	۳.۱۶۳	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۰.۷۴۹	فضاهای سبز و تجهیز شده در سطح شهر، از عواملی است که کیفیت زندگی در شهرهای جدید را بهبود می‌بخشد.
۳.۲۳	۳.۰۴	۳.۱۳۴	۰.۰۰۰	۳۷۹	۶۳.۰۲۶	رضایت‌مندی از امکانات و خدمات شهری در کنار ویژگی‌های مثبت فرهنگی- اجتماعی، شهروند را نسبت به محل زندگی‌اش وابسته و دلبسته می‌کند.
۳.۲۲	۳.۰۵	۳.۱۳۴	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۱.۵۷۵	ضعف در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی از مهمترین مواردی است که ممکن است مرا مجبور به ترک جدید تامین نیازهای روزمره در محله و دسترسی پیاده به مراکز خرید محلی از اولویت‌های من جهت انتخاب مسکن در نقاط مختلف شهر است.
۳.۲۴	۳.۰۷	۳.۱۵۸	۰.۰۰۰	۳۷۹	۷۳.۶۸۴	اگرچه خانواده نزدیک من در شهر جدید محل زندگی‌ام ساکن نیستند، اما همسایه‌های خوب تا حدی این خلا عاطفی را برای من جبران کرده و وابستگی به آنها ترک این شهر را برای من دشوار می‌سازد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

بیشترین تاثیر را دارد و رضایتمندی با وزن نسبی ۰,۲۹۷ در اولویت دوم قرار داشته و دلبستگی با وزن نسبی برابر ۰,۱۶۳ در اولویت سوم قرار دارد. همچنین با توجه به کمتر بودن نرخ ناسازگاری مقایسات زوجی برابر ۰,۰۲۴ از ۰,۱ سازگاری این مقایسات قابل قبول می باشد.

حس تعلق مکانی: در ارتباط با حس تعلق مکانی، شاخص پیوندهای سکونتی با وزن ۰,۲۹۹ بیشترین تاثیر را داشته، پیوندهای خانوادگی با وزن ۰,۲۲۹ در اولویت دوم و پیوندهای فعالیتی نیز با وزن ۰,۲۰۰ در اولویت سوم می باشد. با توجه به کمتر بودن نرخ ناسازگاری مقایسات زوجی برابر ۰,۰۴ از ۰,۱ سازگاری این مقایسات قابل قبول است.

حس تعلق اجتماعی: فعالیت با وزن ۰,۳۴۳، رابطه فردی با وزن ۰,۲۷۴، رابطه گروهی با وزن ۰,۲۳۹ و در نهایت عضویت در گروه با وزن ۰,۱۴۵ اولویت های مربوط به شاخص های موثر بر حس تعلق اجتماعی دانسته شده اند. با توجه به کمتر بودن نرخ ناسازگاری مقایسات زوجی برابر ۰,۰۷ از ۰,۱ سازگاری این مقایسات قابل قبول می باشد. ۷- نتیجه گیری و جمع بندی

در این پژوهش و با مروری بر فرضیه های یاد شده، شاخص های فرضیه شماره یک مشتمل بر حضورپذیری، رضایت مندی و دلبستگی در ارتباط با متغیر وابسته حس مکان و نیز ساختارهای ذهنی، ساختارهای تجربی، ویژگی های فردی، فرهنگ و تعاملات و روابط در ارتباط با متغیر مستقل معنای مکان بوده اند. شاخص های فرضیه دو با تاکید بر متغیر وابسته حس تعلق مکانی شامل پیوندهای فردی، پیوندهای خانوادگی، عوامل سکونتی، فعالیتی و هویتی و در مقابل با تاکید بر متغیر مستقل حس مکان، شامل حضورپذیری، رضایت مندی و دلبستگی بوده است. شاخص های اخیر در ارتباط با فرضیه سه نیز مشابه و در مقابل در مورد متغیر وابسته حس تعلق اجتماعی شامل رابطه فردی، رابطه گروهی، عضویت در گروه و فعالیت در نظر گرفته

شده اند. با توجه به نرمال بودن داده ها، از آزمون تی تک نمونه ای به عنوان یک آزمون پارامتریک برای ارزیابی فرضیه ها استفاده شد. در این راستا برای تمامی گویه های مرتبط با هر فرضیه یا زیرفرضیه آزمون اعمال گردید و با توجه به کمتر بودن سطح معناداری هر گویه از ۰,۰۵ و بیشتر بودن اختلاف میانگین ها از ۳ در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه شماره یک مورد تایید قرار گرفت. به طریق مشابه دو فرضیه دیگر نیز تایید شدند.

در راستای تحقق اهداف پژوهش و تاکید بر تاثیرپذیری حس تعلق شهروندی مشتمل بر حس تعلق مکانی و حس تعلق اجتماعی از حس مکان با تاکید بر مولفه معنایی آن، راهبردها و سیاست های زیر پیشنهاد می شوند:

الف) راهبردها و سیاست های مرتبط با ارتقای معنای مکان

• تاکید بر نقش ساختارهای ذهنی افراد

- تقویت و ارزش دهی به باورها و رویکردهای فکری مطلوب و جاری جامعه
- استفاده از عناصر، تصاویر و نقاشی های دیواری منطبق بر جهان بینی عمومی جامعه

• توجه به تجربیات افراد از مکان

- توزیع متعادل کاربری ها جهت پراکنش مطلوب کاربران مکان
- کف سازی مناسب جهت افزایش ایمنی مکان
- فراهم آوردن امکان نظارت عمومی برای افزایش امنیت مکان
- برگزاری برنامه های گروهی متنوع

• تاکید بر تاثیرپذیری معنای مکان از ویژگی های فردی

- فراهم نمودن مطلوبیت های مکانی برای افراد با سطوح تحصیلی متفاوت
- فراهم آوردن امکاناتی برای حضور افراد با سنین گوناگون
- استفاده از کاربری های جذاب برای زنان
- تاکید بر نقش فرهنگ جاری در مکان

- حذف گوشه‌های کم تردد
- به حداقل رساندن کاربری‌های اجباری و افزایش کاربری‌های انتخابی
- پرهیز از سهل‌الوصول بودن مکان برای افراد نابه‌هنجار اجتماعی
- **تاکید بر رخداد تعاملات اجتماعی در مکان**
- استفاده از وسایل بازی کودکان
- استفاده از میلمان شهری مناسب که امکان مکث و برقراری کنش‌های اجتماعی را فراهم سازد.
- نورپردازی مناسب
- استفاده از وسایل ورزشی قابل استفاده برای زنان و مردان در سنین مختلف
- ب: **راهبردها و سیاست‌های مرتبط با ارتقای حس مکان**
- توجه به حضورپذیری مکان به عنوان بعد کمی موثر بر حس مکان
- پیش‌بینی فضاهایی برای قدم زدن، نشستن و ایستادن
- استفاده از کاربری‌های گذران اوقات فراغت
- فراهم سازی امکان حضور سالمندان
- توجه به رضایتمندی کاربران مکان
- نظارت غیرمستقیم بر فعالیت‌های موجود در مکان
- استفاده از درختان و پوشش گیاهی سایه‌انداز
- طراحی عناصر طبیعی هماهنگ با پس‌زمینه انسان ساخت یک مکان
- **توجه به دلبستگی‌های فردی و گروهی به مکان**
- فراهم کردن شرایطی که شکل‌گیری خاطرات مشترک جمعی در مکان را موجب گردد.
- شاخص نمودن عناصر هویت بخش مکان جهت یادآوری خاطرات جمعی و تصاویر ذهنی شهروندان.
- ج) **راهبردها و سیاست‌های مرتبط با ارتقای حس تعلق مکانی**
- **توجه به تاثیرپذیری حس تعلق مکانی از پیوندهای فردی**
- مشارکت با شهروندان در زمینه برنامه‌ریزی شهری
- فراهم ساختن رویدادها و فعالیت‌هایی که فرد را به مکان ارتباط دهد.
- فراهم آوردن امکان فعالیت فرد در مکان
- **توجه به تاثیرپذیری حس تعلق مکانی از پیوندهای خانوادگی**
- بروز و اعلام آنکه اقوام و گروه‌های مختلف در شهر یا مکان خاص مورد پذیرش و احترام هستند.
- فراهم آوردن امکان انجام مشارکت‌های خانوادگی در فضاهای عمومی شهری
- **تاکید بر اهمیت سکونت در مکان**
- افزایش کیفیت زندگی
- فراهم کردن شرایط زندگی بهتر در مکان
- **تاکید بر نقش هرگونه فعالیت در مکان**
- تقویت نقش مراکز آموزشی و عالی عمده
- حمایت از فعالیت‌های خصوصی و عمومی در شهر یا مکان
- **توجه به عناصر هویت بخش**
- برگزاری مراسم فرهنگی و اجتماعی در مجاورت عناصر هویت بخش
- ایجاد عناصر هویت بخش
- تقویت و شاخص نمودن عناصر هویت بخش موجود
- د) **راهبردها و سیاست‌های مرتبط با ارتقای حس تعلق اجتماعی**
- **تاکید بر روابط فردی در ایجاد حس تعلق اجتماعی**
- تشویق مسئولیت‌پذیری فردی نسبت به جامعه و مکان خاص
- فراهم کردن ساز و کارهای اجتماعی با تاکید بر تک‌تک افراد
- **تاکید بر روابط گروهی در ایجاد حس تعلق اجتماعی**
- اختصاص فضاها و ساختمان‌هایی برای نهادها و گروه‌های اجتماعی

○ اطلاع رسانی و فرهنگ سازی با هدف ارتقای مشارکت مدنی

• **تاکید بر عضویت افراد در نهادهای اجتماعی و محلی**

○ ارزش دهی به فعالیت های خاص گروه های مختلف قومی و اقلیت ها

○ فراهم سازی امکانات مادی و معنوی برای گروه ها و NGO ها

• **تاکید بر فعالیت های داوطلبانه و گروهی**

○ ترویج فرهنگ مشارکت و مزایای آن

○ برگزاری جلسات مشورتی با شهروندان و به تدریج واگذاری مدیریت این جلسات به افراد محلی

منابع و ماخذ

۱. افشار نادری، کامران (۱۳۷۸)، از کاربری تا مکان، معمار، شماره ۶.

۲. پرتوی، پروین (۱۳۹۳)، پدیدارشناسی مکان، تهران- موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن).

۳. جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم (۱۳۹۱)، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، نشریه هویت شهر، شماره هشتم، سال پنجم، بهار و تابستان، صص. ۳۷-۲۷.

۴. ربانی، رسول، کریمی زاده اردکانی، سمیه و نظری، جواد (۱۳۸۹)، بررسی عوامل موثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید (مطالعه موردی شهر پردیس تهران)، فصلنامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۳، صص. ۲۸-۱۰۱.

۵. فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص. ۶۶-۵۷.

۶. کارمونا، متیو، هیت، تیم، اک، تنر و تیسدل، استیون (۱۳۸۸)، مکان های عمومی، فضاهای شهری، ترجمه فریبا قرایی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی، تهران- انتشارات دانشگاه هنر.

۷. کلالی، پریسا و مدیری، آتوسا (۱۳۹۱)، تبیین مقش مولفه معنا در فرآیند شکل گیری حس مکان، نشریه

هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۲، صص. ۵۱-۴۳.

۸. مبارکی، محمد و صلاحی، سمیه (۱۳۹۱)، کیفیت

خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی،

سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص. ۳۱۵-۲۷۵.

۹. مدنی پور، علی (۱۳۹۲)، طراحی فضای

شهری، نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران- شرکت پردازش و

برنامه ریزی شهری.

۱۰. ناطق پور، محمدجواد (۱۳۸۳)، توسعه و تعلق

اجتماعی با تاکید بر نقش شوراهای اسلامی، آموزش علوم اجتماعی، دوره ۷ (۲).

۱۱. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۹۱)، معماری-

حضور، زبان و مکان، ترجمه علیرضا سید احمدیان، تهران- نیلوفر.

۱۲. Altman, I. & Low, S. (1992), Place Attachment, New York- Plenum.

13. Arefi, M. (1999), Non-Place and Placelessness as Narratives of Loss- Rethinking the Notion of Place, Journal of Urban Design, Vol. 4, No. 2.

14. Agnew, J. A. (1987), Place and Politics- The Geographical Mediation of State and Society. Boston- Allen & Unwin.

15. Baumiester, R.F & Leary, M. R. (1995), The need to belong- Desire for interpersonal attachments as a fundamental human motivation, Psychological Bulletin, Vol. 117, No. 3, pp 497-529.

16. Bell, P.A., Fisher, J.D., Baum, A., and Greene, T.C. (1990), Environmental Psychology (third edition), Holt, Rinehart & Winston, Inc., London.

17. Besten, Olga den (2010), Local belonging and 'geographies of emotions'- Immigrant children's experience of their neighbourhoods in Paris and Berlin, <http://chd.sagepub.com/content/17/2/181>.

18. Bonaiuto, M. Fornara, F. and Bonnes, M. (2002), Indexes of perceived residential environment qual-

- ity and neighborhood attachment in urban environments- a confirmation study on the city of Rome, *Landscape and Urban Planning*, 988, 1-12.
19. Bricker, K.S. and Kerstetter, D.L. (2001), 'Level of specialization and place attachment- An exploratory study of whitewater recreationists', *Leisure Sciences*, 22, pp. 233-257.
- Carmona, M. and Tiesdell, S. (2007), *Urban Design Reader- The Dimension of Urban Design*, Architecture press.
20. Browning, C. R. & Kathleen A. C. (2003), *Moving Beyond Poverty- Neighborhood Structure, Social Process, and Health*, *Journal of Health and Social Behavior*, vol. 44, no. 4 (December), pp- 552-571.
21. Browning, C. R. et al (2006), *Neighborhood Social Process, Physical Conditions, and Disaster-Related Mortality- The Case of the 1995 Chicago Heat Wave*, *American Sociological Review*, Vol. 71, (August), pp-661-78.
22. Canter, D. (1977), *The Psychology of Place*, the Architectural Press, London.
23. Carmona, M., Heath, T., Oc, T. and Tiesdell, S. (2003), *Public Places-Urban Spaces*, Architectural Press, Oxford.
24. Carmona, M. & Tiesdell, S. (2007), *Urban Design Reader*, Oxford ; Burlington, MA - Elsevier/Architectural Press.
25. Carpiano, R. W & Hystad, P. (2010), *'Sense of community belonging' in health surveys- What social capital is it measuring?*, *health&Place*, doi-10.1016/j. healthplace.
26. Casey, E.S. (1993), *Getting back into place*, Bloomington- Indian University Press.
27. Dominy, M. (2001), *Calling the station home- Place and identity in New Zealand's high country*, Rowman and Littlefield Publishers, Lanham.
28. Dulin, A. (2007), *An Evaluation of Neighborhood Context and Health Lifestyles- Implication for Obesity Outcomes among Children*, Ph.D. Dissertation, Department of Sociology, The University Of Alabama at Birmingham.
29. Eco, U. (1968), *Function and sign - semiotics in architecture, in the city and the sign - An Introduction to Urban Semiotics*, Gottdiener, M. and Lagopoulos, A. Columbia University press, N.Y.
30. Everett, B. (2009), *Belonging- Social exclusion, social inclusion, personal safety and the experience of mental illness*, Copyright Mood Disorders Society of Canada.
31. Gieryn, Thomas F. (2000), *A Space For Place in Sociology*, *Annu. Rev. Sociol.*, 96-26-463.
32. Gustafson, P. (2001), *Meanings of place- Everyday experience and theoretical conceptualizations*, *Journal of Environmental Psychology*, 16-5 ,21.
33. Hagerty, B. et al (1992), *Sense of Belonging- A Vital Mental Health Concept*; *Archives of Psychiatric Nursing*, Vol. VI, No. 3, pp. 172-177.
34. Hammit, W. E., Kyle, G. T., & Oh, C. O. (2009). *Comparison of place bonding models in recreation resource management*. *Journal of Leisure Research*, 41(1), 57e72.
35. Harding, D. J. (2007), *Cultural Context, Sexual Behavior, and Romantic Relationships in Disadvantaged Neighborhood*, *American Sociological Review*, vol. 72 (June), pp- 341-364.
36. Harding, D. J. (2009), *Violence, Older Peers, and the Socialization of Adolescent Boys in Disadvantaged Neighborhood*, *American Sociological Review*, vol. 74 (June), pp- 445-464.
37. Harmon, D. (2006), *'People, Places, and Parks- Proceedings of the 2005 George Wright Society', Conference on Parks, Protected Areas, and Cultural Sites*, Hancock, Michigan, USA.

38. Hung Ng, S. et al (2005), People living in ageing buildings- Their quality of life and sense of belonging, *Journal of Environmental Psychology*. No. 25 (2005) 347-360.
39. Knox, P.L. (1984), Styles, symbolism and setting- the built environment and the imperatives of urbanized capitalism, *Architecture et Comportment*, 2,107-22.
40. Knox, P.L. and Pinch, S. (2000), *Urban Social Geography- An Introduction*, Prentice Hall, Harlow.
41. Lane, R.J. (2000), *Jean Baudrillard*, Routledge, London.
42. Lansing, J. B., Marans, R.W. and Zehner, R. B. (1970), *Planned residential Environments*, Ann Arbor, University of Michigan, Survey Research Center.
43. Logan, J. & Molotch, H. (1987), *Urban Fortunes- The Political Economy of Place*, University of California Press- Berkeley.
44. Lukermann, F. (1964), Geography as a formal intellectual discipline and the way it contributes to human knowledge, *Canadian Geographer* 8, 4, pp. 167-172.
45. Manzo, Lynne C. (2005), For better or worse- Exploring multiple dimensions of place meaning, *Journal of Environmental Psychology* 25, p 86-67.
46. Mirowsky, J. & Catherine E. R. (2003), *Social Causes of Psychological Distress*, New York- Aldine de Gruyter, second edition.
47. Montgomery, J. (1994), The Evening Economy of Cities, *Town & Country Planning*, 63, 302-7.
48. Norberg-Schulz, C. (1974), *Meaning in Western Architecture*. New York- Rizzoli.
49. Pocock, D. and Hudson, R. (1978), *Images of the Urban Environment*, Macmillan, London.
50. Proshansky, H. M., Fabian, A. K. & Kamino, R. (1983), Place-identity- physical world socialization of the self, *Journal of Environmental Psychology*, vol 3, pp 57-83.
51. Proshansky, H.M. (1978), 'The City and Self-Identity', *Environment and Behavior*, 10-2, pp.147-169.
52. Rapoport, A. (1990), *The meaning of the built environment- a nonverbal communication approach*, the University of Arizona Press, Tucson.
53. Relph, E. (1976), *Place and Placelessness*, Pion, London.
54. Rose, D. A. & Clear, T. R. (1998), Incarceration, Social Capital, and Crime- Implications for Social Disorganization Theory, *Criminology*, Beverly Hills- Vol. 36, Iss. 3; PDF (Pg. 441-479), Full text (1-16).
55. Ryan, Robert, (1998), *Attachment to urban natural areas- Effects of environmental Experience*, Ph.D. dissertation, University of Michigan.
56. Salvesen, D. (2002), *The Making of Place; Research on Place & Space Website*, 20 Feb. 2003, 12 Mar. 2003, <http://www.matr.net/print-4108.html>.
57. Seamon, D. (1982), The Phenomenological Contribution to Environment Psychology, *Journal of Environment Psychology*, No. 2, pp. 119-140.
58. Seamon, D. & Sowers, J. (2008), *Place and Placelessness*, Edward Relph, Human Geography, London- Sage.
59. Scannell, L. & Gifford, R. (2010), Defining Place Attachment- A Tripartite Organizing Framework, *Journal of Environment and Psychology*, Vol. 30, 1-10.
60. Schreyer, R., Jacob, G., and White, R. (1981), 'Environmental meaning as a determinant of spatial behavior in recreation', In J. Frazier and B. Epstein (Eds.), *Proceedings of the Applied Geography Conferences*, Binghamton, Dept. of Geography, SUNY



- Binghamton, pp. 294-300.
61. Stedman. R. (2002), 'Toward a Social Psychology of Place- Predictive Behavior from Place-based Cognitions, Attitudes and Identity, Environmental Behavior, No. 34, 561-581.
62. Steele, F. (1981), The sense of place, Boston- CBI Publishing Company.
63. Stokols, D., and Shumaker, S.A. (1981), 'People in places- A transactional view of settings', In J. Harvey (Eds.), Cognition, Social behavior, and the environment, Hillsdale, Erlbaum, pp.441-488.
64. Tuan, Y.F. (1977), Space and place- The perspective of experience, University of Minnesota Press.
65. Van der Klis, M. & Karsten, L. (2009), 'Commuting partners, dual residences and the meaning of home. Journal of Environmental Psychology, Vol. 29, Issue 2, p.p. 235-45.
66. Vaske, J.J., and Kobrin, K.C. (2001), 'Place attachment and environmentally responsible behavior', The Journal of Environmental Education, 32-4, pp.16-21.
67. Warzecha, C. A., and Lime, D.W. (2001), 'Place attachment in Canyonlands National Park- Visitors' assessment of setting attributes on the Colorado and Green Rivers', Journal of Park and Recreation Administration, 19-1, pp. 59-78.
68. Williams, D.R., and Roggenbuck, J.W. (1989), 'Measuring place attachment-Some preliminary results', In L.H. McAvoy and D. Howard (Eds.), Leisure Research Symposium, National Recreation and Park Association, Arlington, 32.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۶۴ ■

تدوین راهنمای طراحی شهری دوست دار کودک

امیر رستگار* - کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، و مشاور طراحی در میلان، تهران، ایران.

برتراندو بونفانتینی^۱ - دانشیار گروه معماری دانشگاه پلی تکنیک میلان، میلان، ایتالیا.

Child-friendly urban design guideline

Abstract

Today, attention to socially vulnerable groups, especially children, in the process of designing and planning the city's most important issues and Maximum attention is focused on experts and administrators manage the city. On the other hand, modification of the urban environment for children through urban design solutions, demonstrates a sense of responsibility towards the children of the professional architectural and urban planning. And will be training and responsibility in children and adolescents. Suitable for children and adolescents because the environment did not encompass costs and only requires knowledge, respect and responsibility among authorities and professionals. Accordingly, in this paper, fundamental and problem-based approach, and using the method of "analytical" and "logical reasoning" and policy research to study the aspects of child-friendly cities studied. And urban design guideline is considered child-friendly cities. Finally, in brief, the principles and design criteria are referred to child-friendly cities.

Key words: children, urban design guidelines, child-friendly city.

چکیده

امروزه ضرورت توجه به اقشار آسیب پذیر اجتماعی خاصه کودکان در فرایند طراحی و برنامه ریزی شهر، از مهمترین مقولاتی است که توجه بیشینه صاحب نظران و مدیران مدیریتی شهر را به خود معطوف داشته است. از سویی دیگر، مناسب سازی محیط شهر برای کودکان از طریق راهکارهای طراحی شهری، نشانگر احساس مسئولیت جامعه حرفه ای معماری و شهرسازی نسبت به کودکان بوده و موجب آموزش و مسئولیت پذیری در کودک و نوجوان می شود؛ چراکه ایجاد محیط مناسب برای کودک و نوجوان هزینه چندانانی را دربر نمی گیرد و تنها نیاز به آگاهی، توجه و احساس مسئولیت در مسئولان و متخصصان دارد. بر این اساس، در این مقاله با رویکرد بنیادی و مساله محور، و با بهره گیری از روش «توصیفی- تحلیلی» و روش «استدلال منطقی» و همچنین سیاست پژوهی به بررسی ابعاد شهرهای دوستدار کودک پرداخته و تدوین راهنمای طراحی شهری شهرهای دوستدار کودک را مدنظر قرار داده است. در پایان نیز به اجمال، اصول و معیارهای طراحی شهرهای دوستدار کودک مورد اشاره قرار می گیرد.

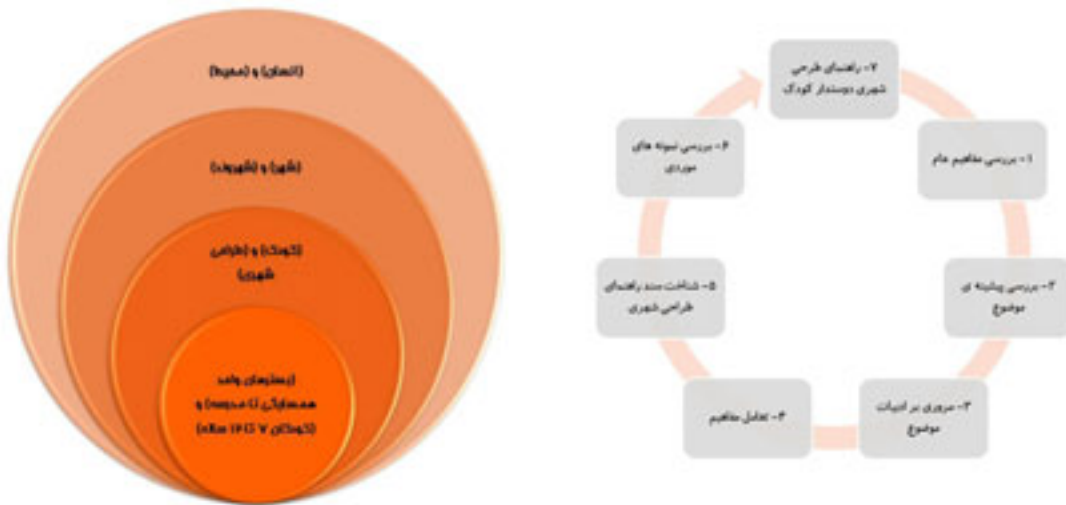
واژگان کلیدی: کودک، راهنمای طراحی شهری، شهر دوستدار کودک.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۷۱۱۷۰۱۴۲؛ رایانامه: amir.rastegar@polimi.it

۱. Bertrando Bonfantini- Associate of Politecnico di Milano, Milano, Italy

مفهوم ثابت که مفهومی متغیر است، و با توجه به تجربیات مردم هر جامعه و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن جامعه در ذهن مردم شکل می‌گیرد و تبلور پیدا می‌کند. به همین دلیل است که سن دوران کودکی، طول زمانی آن و توقعات و تصورات نسبت به آن در جوامع گوناگون متفاوت است (شاه آبادی فراهانی، ۱۳۸۲، ص ۴۸). همچنین جایگاه برنامه ریزی و کاربری زمین در نحوه و چگونگی استفاده از فضاهای شهری و میزان سازگاری آنها با مولفه‌ها و شاخصهای اجتماعی نیز از موضوعات مهمی است که لازم است تا در فرایند طراحی و برنامه ریزی شهری مورد توجه باشد؛ چنانچه «استفانو مورونی»^۱ در مقاله ای اشاره دارد که کدامین دسته از «مقررات کاربری زمین» بیشینه سازگاری را با پیچیدگی سیستمهای اجتماعی- فضایی و محدودیتهای ذاتی ناشی از آن دارد (Moroni, 2014, P. 248). از طرفی دیگر، «بریگمن» به عنوان یکی از روانشناسان تربیتی استدلال می کند که: «کودکان، تنها شهروندان آینده نیستند، آنان

امکان حضور در متن جامعه برای کودکان، امکان یادگیری، بکار بستن دانسته‌ها، و همزیستی با دیگران از مهمترین موضوعاتی است که امروزه در ساختار شهری و ارکان مرتبط با مدیریت شهرها اهمیت یافته است؛ لذا در این نوع حضور، کل محیط، نقش آموزگار را دارد و خود زندگی در محیط است که به کودک می‌آموزد، چگونه باید تحت تأثیر جهان بینی جامعه پیرامون رشد یابد و بیندیشد. در این نحوه تعامل، مواجهه مستقیم، شرط لازم برای درک درست است و حضور فعال کودک در متن جامعه و مواجهه با موضوعات متفاوت به اندازه نتیجه نهایی اهمیت دارد و نحوه کنکاش و روش تحلیل یک مسئله به اندازه خود پاسخ در رشد ذهنی کودک مؤثر است. از منظر علم «جامعه‌شناسی»، دوران کودکی یک «پدیده» نیست، بلکه یک «مفهوم» است؛ یعنی در واقع پیش از اینکه وجود خارجی داشته باشد، تصویری است که در ذهن مردم جوامع مختلف شکل می‌بندد. دوران کودکی نه یک



نمودار ۱. (سمت راست) مدل مفهومی تحقیق و فرایند تدوین راهنمای طراحی شهری شهر دوستدار کودک؛ ماخذ: نگارنده و نمودار ۲. (سمت چپ) گستره تحقیق و قلمروشناسی شهر دوستدار کودک؛ ماخذ: نگارنده.

1. The purpose of this article is to explore what kind of (land-use) regulation is more compatible with a radical acceptance of the idea of the complexity of socio-spatial systems and of the intrinsic limits of explanation and prediction.

۲. در واقع انسان حدود ۱۸ سال اول زندگی خود را در حال رشد و تکامل در ابعاد مختلف است و این زمان طولانی و با اهمیتی در زندگی انسان است. از آنجایی که سطح کودک از رشد شناختی موثرترین عامل در ادراک او از محیط و منظر است، توانایی های شناختی کودک به صورت جداگانه و با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار می گیرد (غفوری، ۱۳۸۷).

شهروندان فعال در حال حاضرند»^۲. رعایت توجه به نیازهای کودکان و سازگاری فضایی شهر با آنها از اهداف جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور ماست. از سویی دیگر، فضاهای شهری نقشی اساسی در رشد و تکامل شخصیتی و روان شناختی کودکان دارند؛ چنانچه «فضاهای شهری، در پذیرش نقش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، شیوه زندگی، تعامل عقاید و نهادینه کردن الگوهای رفتاری کودکان از طریق ارتباط موثر میان آموخته‌های پیشین با تجارب فعلی در آنها نقش بسزایی دارد و در نهایت منجر به احساس تعلق به محیط، بلوغ فردی و اجتماعی و شناخت از خود می‌گردد» (Egretta Sutton & Kemp, ۲۰۰۲: ۱۷۱). بر این اساس در این مقاله به موضوع تدوین راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک پرداخته می‌شود و در انتها نیز مواردی از راهنمای موردنظر به اجمال مورد اشاره

قرار می‌گیرد.

ادبیات نظری

از دیدگاه علوم رفتاری، آنچه معماران می‌آفرینند، یک پتانسیل محیطی (بالقوه) برای رفتار انسان است و آنچه یک فرد استفاده می‌کند، تأثیری است که او از محیط می‌پذیرد. از این دیدگاه، نقش «تئوری پوزیتیو» در طراحی حرفه‌ای این است که قابلیت طراحی را بالا می‌برد و وقتی محیط مصنوع در الگوی ویژه‌ای شکل می‌گیرد که منطبق بر رفتار و نگرش و جهان بینی انسان است، اعلام و اظهار رضایتمندی مردم را نسبت به محیط به همراه دارد (اکرمی، ۱۳۸۲، ص ۳۰؛ به نقل از لنگ، ۱۳۸۰). به همین دلیل ضرورت پرداختن به شهرهای دوستدار کودک و اصول طراحی حاکم بر آنها اهمیت می‌یابد. «با این دیدگاه باید آگاه بود که محیط مناسب، از دید کودکانی با زمینه‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی،

جدول ۱. حقوق کودک در کنوانسیونها و معاهدات بین المللی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

عنوان	موارد مطروح
اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹؛ مجمع عمومی سازمان ملل متحد	(اصل ۱) کلیه حقوق انسانی، (اصل ۲) حمایت ویژه در تمامی ابعاد، (اصل ۴) امنیت اجتماعی، التفات به معلولیت کودکان؛ (اصل ۶) محبت و تفاهم؛ (اصل ۷) آموزش رایگان و اجباری؛ (اصل ۸) حمایت و تسهیلات؛
پیمان جهانی حقوق کودک (سال ۱۹۸۹ میلادی)	ماده ۲: منع تبعیض؛ ماده ۳: منافع کودک؛ ماده ۴: تحقق حقوق کودکان؛ ماده ۵: سرپرستی والدین؛ ماده ۶: بقا و پیشرفت؛ ماده ۷: نام و ملیت؛ ماده ۸: هویت کودک؛ ماده ۹: جدایی از والدین؛ ماده ۱۰: پیوستن به خانواده؛ ماده ۱۱: منع انتقال غیرقانونی کودک؛ ماده ۱۲: آزادی عقیده کودک؛ ماده ۱۳: آزادی بیان کودک؛ ماده ۱۴: آزادی اندیشه و مذهب؛ ماده ۱۵: آزادی اجتماعی؛ ماده ۱۶: حفظ حریم کودک؛
کنوانسیون حقوق کودک؛ مصوب نوامبر ۱۹۸۹	تولد و هویت کودک، حق اسکان و زندگی، عدم تبعیض و نژاد پرستی؛ برخورداری از تسهیلات و خدمات؛ نگاه ویژه به کودکان معلول؛ برخورداری از استانداردهای زندگی،
مقاله نامه اختیاری میثاق حقوق کودک فوریه ۲۰۰۲ (۲۳ بهمن ۱۳۸۰)	بهبود وضعیت کودکان در پیشرفت و آموزش آنها؛ عدم تبعیض؛ محیطی سرشار از صلح و امنیت.



نمودار ۴. (سمت چپ) ایده های شکل دهنده به شهر دوستدار کودک؛ ماخذ: نگارندگان.

هرگونه خشونت و بی‌رحمی در حق آنان باز داشته شده‌اند. این درحالی است که پیش از اسلام، میان اعراب و دیگر قوم‌ها، کودکان در وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی نیز بهره‌مند نبودند. آنان با هر بهانه کوچکی از جمله رهایی از فقر و هزینه زندگی، آنها را از میان بر می‌داشتند. در این میان، شرایط دختران بسیار دردناک‌تر بود. بزرگان عرب و افراد سرشناس، داشتن دختر را برای خود ننگ و عار می‌دانستند. آنها را زنده به گور می‌کردند، چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده دهند، چهره‌اش سیاه می‌شود، در حالی که خشم و اندوه خود را فرو می‌خورد و از بدی آنچه بدو بشارت داده شده، از قبیل خود روی می‌پوشانند که آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می‌کنند (نحل، آیه ۵۸ و ۵۹). اسلام با آمدن خود، در قالب تعبیرهای زیبا در این باره، نه تنها مردم را از آن عادت‌های زشت باز داشت، ارزش کودکان را در جامعه افزایش داد و از آن پدران و مادران خواست که به بهانه‌های واهی فرزندان خود را نکشند و با آنها دل‌سوز باشند، آنجا که در قرآن آمده است: و از بیم تنگ‌دستی فرزندان خود را نکشید، ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است» (اسراء، آیه ۳۱).

کودک، روانشناسی و طراحی شهر

کودکان نیازمند محیط‌هایی هستند که آنان را



نمودار ۳. (سمت راست) هدف شهرهای دوستدار کودک؛ ماخذ: نگارنده

اقتصادی یا شهری با یکدیگر متفاوت خواهد بود. الگوهای ذهنی، متأثر از میزان الفت با محیط و پیش‌شرط‌های جسمی و روانی کودکان است، لذا کودکان با بعضی محیط‌ها بهتر و سریع‌تر الفت می‌یابند. انس گرفتن با یک محیط، صرفاً دلیل بر غنی و یا مناسب بودن آن محیط نیست، بلکه به معنای دارا بودن قابلیت‌های بالقوه و بالفعل مناسب برای خوگرفتن کودکان است» (بهروزفر، ۱۳۸۰، ص ۴۰).

حقوق کودک

واقعیت این است که مدت زیادی نیست که شهروندی کودکان در مقیاس جهانی جدی گرفته می‌شود. در پی نشست جهانی کودک در سال ۱۹۹۱، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ جلسه ویژه‌ای برپا داشت که طی آن به کشورهای مختلف جهان توصیه شد نسبت به تهیه و ارائه طرح‌های ملی با هدف بهبود وضعیت کودکان و نوجوانان توجه کنند. در ادامه به متن کنوانسیونها و معاهدات بین‌المللی در این رابطه پرداخته می‌شود:

اسلام و حقوق کودک

در آموزه‌های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و همگان از اعمال



نمودار ۵. ابعاد، مولفه ها و مفهوم شناخت شهرهای دوستدار کودک؛ ماخذ: نگارندگان.

آموزش و تاثیرات عوامل محیطی در انسان بوجود می آید. کودک، در حالی که رشد می کند، پرورش هم می یابد. پرورش، تغییر در جنبه های رفتاری انسان است؛ در صورتی که رشد، تغییرات کمی و کیفی در جسم و روح اوست» (احدی و بنی جمالی، ۱۳۸۲). خصوصیات و تغییراتی که در کودک بوجود می آید، محصول تعامل بین «رشد و یادگیری» است. «رشد» تغییراتی است که بر اثر تکامل نیروهای بالقوه ایجاد میشود و تجربه در آن نقشی ندارد؛ در حالی که یادگیری، تغییراتی است که بر اثر تجربه بوجود می آید. اهمیت محیط در رشد و تکامل انسان قبل از قرن هجدهم چندین مورد توجه قرار نگرفته است (مقدم، ۱۳۵۸؛ اتکینسون و دیگران، ۱۳۷۸). صاحب نظران امر تعلیم و تربیت، کودک را محصول تعامل: «طبیعت- تربیت»، «وراثت- محیط»

مخاطب قرار دهد، به چالش وادارد و آنان را جلب کند. به عنوان یک ضرورت، شهرها برای کودکان، باید آمادگی داشته باشند. شهرهای امروزی شاهد آن است که بسیاری از سازندگان شهرها اغلب بدون توجه به خصوصیت ساختمان های اطراف و سنت شهر اقدام به احداث ساختمان های مختلف می کنند. شهر از دیدگاه کودکان به صورت محیطی افسرده و ملال آور تبدیل شده است. ایجاد بزرگراه ها و شبکه های اصلی شهری، که بدون معنا و مفهوم باعث جدائی محله ها و مناطق مختلف شهرها از یکدیگر می شود، تحرک و پویایی کودکان را محدود می سازد (Jacobs, ۲۰۰۰, pp: ۱۰۶-۱۱۲)؛ باز طراحی و به کارگیری شاخص های شهر دوستدار کودک در رفع این محدودیت ها می تواند موثر باشد. «پرورش^۱ نیز تغییراتی است که بر اثر

۱. باید گفت که امروزه در رابطه با مقوله پرورش در محیط های آموزشی از روانشناسی مدرسه یاد می شود؛ چنانچه در روان شناسی مدرسه (School Psychology)؛ روان شناسان این رشته در قالب سیستم آموزشی فعالیت می کنند و به کودکان در زمینه های اجتماعی، عاطفی و درسی کمک می نمایند.

و «طبیعت- تجربه» دانسته‌اند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۹، ص ۳). با این تعریف، نقش فراگیر محیط‌هایی روشن می‌شود که کودکان در آن حضور می‌یابند. پژوهشگران عصر حاضر نیز در بیان ضرورت‌های اساسی رشد، بر نقش محیط زندگی کودک و امکانات محیط جهت تحرک آزاد و مستقل، گسترش مهارت‌های بدنی و ایجاد پیوندهای عاطفی و روحی با آن تأکید می‌کنند (بهروزفر، ۱۳۸۰، ص ۲۰ به نقل از لافون، ۱۳۶۹).

«اهداف اساسی رشد» عبارتند از: ۱. آگاهی از مراحل، نظریه‌ها و اصول رشد؛ ۲. پی بردن به چگونگی تفاوت‌های رشد کودکان؛ و توضیح و تغییر الگوهای رفتاری کودکان؛ ۳. ایجاد دیدگاه‌ها و اصول مشخص و موثر به منظور سازگار کردن کودکان و نوجوانان با محیط اجتماعی و اخلاقی جامعه خود (پارسا، ۱۳۷۲، ص ۳۲).

کودک، فضا و طراحی شهر

در دهه حاضر شاهد تغییر نگران‌کننده‌ای دیگر در عادات روزانه کودکان هستیم؛ کودکان کمتر در بازی و فعالیت‌های آزاد در فضاهای باز یا فضاهای عمومی شرکت می‌کنند و اکثر اوقات خود را در خانه، کلاس‌های فوق برنامه و تحت نظارت مستقیم والدین سپری می‌کنند. این تحولات باعث پدید آمدن رویکرد جدیدی تحت عنوان «دوران کودکی مدرن»

شده است (Jones: ۱۷, ۲۰۰۲). برای بسیاری از برنامه ریزان، معماران و مقامات دولتی، کودکان به ندرت به عنوان گروه دارای حقوق به حساب می‌آیند؛ بنابراین به «هنگام تضاد منافع در فضای عمومی، به ندرت اولویت به نیازها و تمایلات کودکان داده می‌شود. همین امر موجب جدایی و محرومیت کودکان از فضاهای عمومی شده است. یک مطالعه «بزرگ شدن شهرها» اثباتی بر این مدعاست، که نتایج آن نشان دهنده احساس بیگانگی کودکان با محیط‌های اطرافشان است» (Frank, ۲۰۰۶, p: ۱۳۵). کودکان معمولاً دوست دارند در مورد اینکه فضای زندگی آنان چگونه دیده می‌شود، بحث کنند. آنها اظهارات مهمی می‌نمایند و نظراتی درباره فضای باز مدرسه، رنگ اتاق و دیوارها و مبلمان مناسب خود را بیان می‌کنند و می‌خواهند در مورد آنها تصمیم‌گیری شود. بدینگونه کودکان فرضیه طراحان را مقطعی خواهند کرد. این فرضیه اساس طراحی خواهد بود که تصور کودکان، اشکال طراحی و شاخص مخصوص را برمی‌انگیزد (مطلق زاده، ۱۳۷۹، ص ۶۷).

مهمترین اقدامات در زمینه «شهر دوستدار کودک در ایران» را می‌توان در شهر بم دانست. عمده اهداف در نظر گرفته شده برای این طرح عبارت بود از:

۱. «تقویت مشارکت کودکان»: باید به بچه‌ها

جدول ۲. رفتار شناسی کودک در اهرم سنی مختلف؛ ماخذ: پیاز، ۱۳۷۶، صص ۳۴-۴۵.

سن کودک	خصوصیات اخلاقی
۲ ساله؛ ۵ ساله؛ ۱۰ ساله	آرام و ثابت- متعادل؛
۲/۵ ساله؛ ۵/۵ تا ۶ ساله؛ ۱۱ ساله	زود رنج و حساس؛
۳ ساله؛ ۶/۵ ساله؛ ۱۲ ساله	متعادل؛
۳/۵ ساله؛ ۷ ساله؛ ۱۲ ساله	درون گرا (متمرکز)؛
۴ ساله؛ ۸ ساله؛ ۱۴ ساله	ماجراجو و کنجکاو؛
۴/۵ ساله؛ ۹ ساله؛ ۱۵ ساله	گاهی درونگرا (متمرکز) گاهی برونگرا (پراکنده) عصبی و احساساتی؛
۵ ساله؛ ۱۰ ساله؛ ۱۶ ساله	آرام



نمودار ۶. تحلیل و جمع‌بندی ادبیات نظری مرتبط با شهرهای دوستدار کودک؛ ماخذ: نگارنده.

- فرصت داد تا درباره محیط دور و برشان تصمیمگیری کنند. این موضوع نباید بعد از اینکه تصمیم گرفته شد صورت بگیرد بلکه باید در حین تصمیم‌گیری بچه‌ها را دخالت داد.
۲. «بالا بردن آگاهی اجتماعی»: برای تقویت احترام به حقوق بچه‌ها باید جامعه را آگاه کرد. تمام سطوح مختلف اجتماع بایستی نسبت به این موضوع آگاهی یابد.
۳. «توجه به نیازهای بومی»: در این طرحها باید به نیازهای خاص بچه‌ها، خانواده‌ها و اجتماع توجه کرد.
۴. «توسعه استراتژیهای شهری برای بچه‌ها»: دولت و بخشهای قانونگذار باید به نیازهای شهری بچه‌ها مانند تأمین ایمنی، و دوری از خشونت توجه خاصی داشته باشد.
۵. «بودجه‌های سازمانی بچه‌ها»: دخیل کردن افراد و نهادهایی که می‌توانند در تأمین بودجه طرحها را یاری برسانند.
۶. «تقویت مشارکت»: بالابردن انگیزه‌های تمامی گروههای ذینفع در بالابردن و تقویت مشارکت همه.
۷. «ظرفیت‌سازی»: بالابردن امکانات و تواناییها و توسعه بالقوه ظرفیتها برای نسلهای آتی بالابردن دانش و آگاهی، کمک به معنادار نمودن روشهای مشارکت (کاملنیا و حقیر، ۱۳۸۸).
- شهر دوستدار کودک
امروزه در محیط‌های شهری ایجاد محیطی که



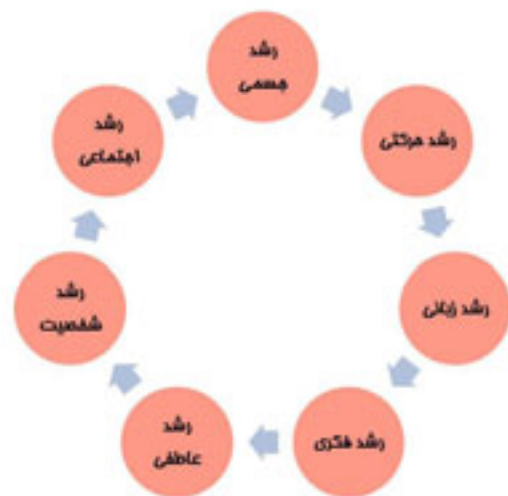
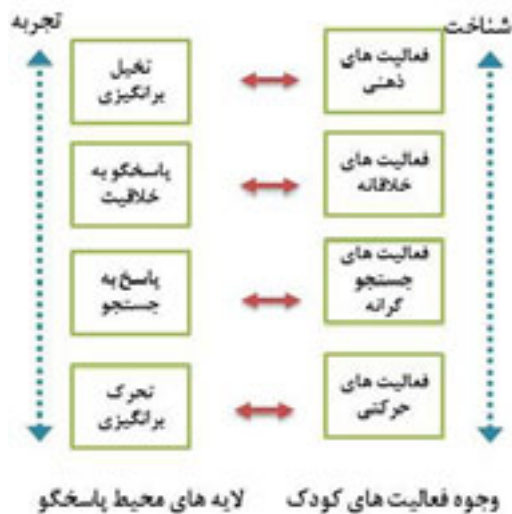
نمودار ۷. (سمت راست) مراحل رشد کودک؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق و نمودار ۸. (سمت چپ) کودک و هرم نیاز مازلو؛ ماخذ: نگارنده بر اساس مازلو، ۱۳۷۶.

کودکان مستلزم طراحی یک شهر است که بطور فیزیکی احتیاجات توسعه ای کودکان را رفع نماید و این مستلزم شناخت و باز طراحی شاخص های موثر بر شهر دوستدار کودک است. «شهر دوستدار کودک، سیستمی از مدیریت محلی خوب است که در آن نظام محلی متعهد به اجرای حقوق کودکان و نوجوانان باشد. در این شهرهای مدیران تضمین می نمایند که کودکان را در اولویت قرار داده و آنها را در فرآیند تصمیم سازی درگیر نمایند» (UNICEF, ۲۰۰۴, p:۱).

کودکانی که در شهر سنتی ایران می زیسته اند، آرایش و نظام فضا را به صورتی خاص ادراک می کردند. نقاط عطف و محورهای شاخص شهر و وابستگی آنها به جهان بینی روان در پس کالبد شهر، ساختار ذهن آنها را تشکیل می داد (منصوری، ۱۳۸۹، ص ۳۲). از جمله خصوصیات بارز معماری سنتی ایران که باعث تعامل بهینه کودک و معماری

مورد رضایت کودکان باشد و برای آنان دارای مطلوبیت باشد، مورد توجه برنامه ریزان شهری قرار گرفته و از این رو ضرورت دارد تا با بررسی ادبیات مربوطه، شاخص های مهم شهر دوستدار کودک مورد ارزیابی قرار گیرد تا ضمن مشخص شدن نحوه تاثیرات و وضعیت آنان، به بازطراحی شاخص های شهر دوستدار کودک پرداخته شود. با توجه به تفاوت های فرهنگی و محیطی شهرهای ایران با دیگر شهرهای جهان بایستی شاخص های دوستدار کودک باید برای مطالعه بومی سازی شود. «اعلامیه جهانی حقوق کودک در ماده یک کودک را کسی می داند که کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد» (پیام یونسکو، ۱۳۷۱، ص ۴۰).

«شهر دوستدار کودک» محیطی است که در آن کودکان خواسته های خود را بیان کرده و بر مسائل مربوط به خودشان بتوانند تاثیرگذار باشند (Smith, ۲۰۰۸). ایجاد یک محیط مساعد برای



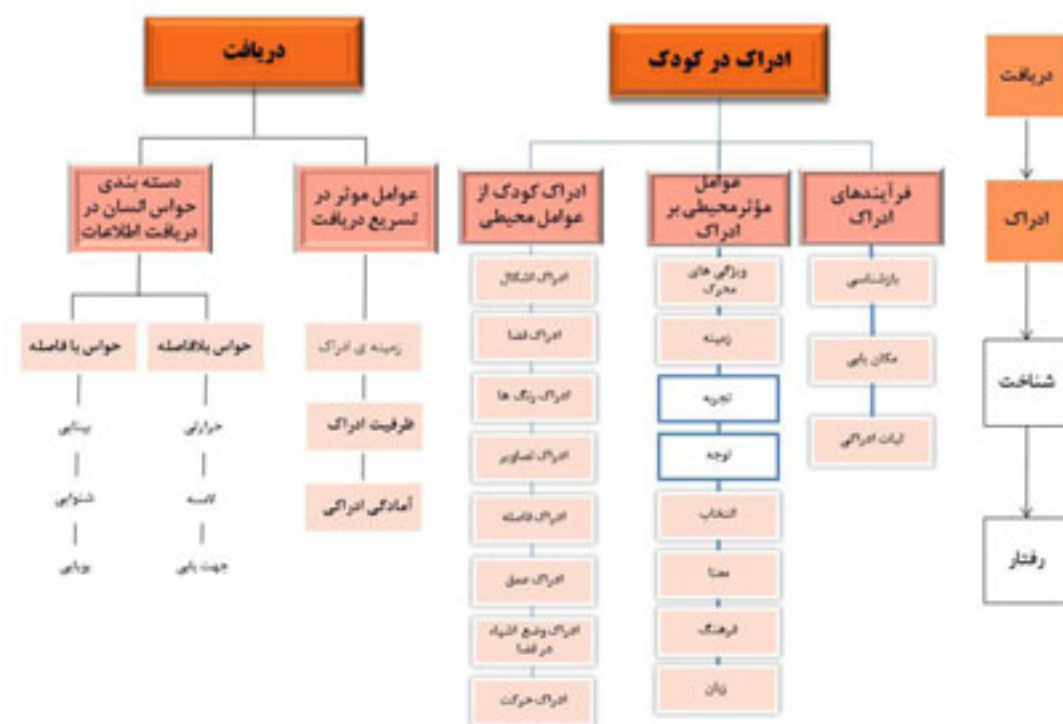
نمودار ۹. (سمت راست) انواع رشد کودک؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق و نمودار ۱۰. (سمت چپ) رابطه فعالیت کودک و لایه های محیط شهری پاسخگو؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.



نمودار ۱۳. رابطه ادراک و دریافت در کودک در فضاهای شهری؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

بخش هایی از این محله ها، کودکان مشارکت مستقیم داشته اند. این امر باعث انگیزش اتحاد محله ای و احساس مالکیت ساکنین به ویژه کودکان می شد. ۲. «ارتباط با طبیعت»: شهر سنتی ایران با جهان بینی روان در پس کالبد، طبیعت را یکی از منابع مهم شناخت تلقی نموده و سعی در احترام به طبیعت از طریق همزیستی شهر با طبیعت داشته است. ارتباط ادراکی به ویژه رابطه بصری و احساسی با طبیعت مانند امکان رویت و احساس عناصر، از

می شده، می توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱. «محله و هویت محله ای»: شهر سنتی ایران در عین القای نظم، دارای بافتی بی نظم بوده است. بی نظم از آن جهت که از نظم اقتدار گرا در کلیه فضاها برخوردار نبوده و به عناصر متنوع امکان ظهور می داده و منظم از این رو که ارتباط میان عناصر و نحوه استقرار آنها را تعریف می کرده است. بنابراین محله و کوچه ها همواره، مکانی ایمن جهت استفاده و بازی کودکان بوده است و در ساخت و نگهداری



نمودار ۱۴. (سمت راست) مراحل رشد کودک بر اساس نظریه اتکینسون؛ ماخذ: ترسیم نگارنده و نمودار ۱۵. (سمت چپ) مولفه های طراحی شهری؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

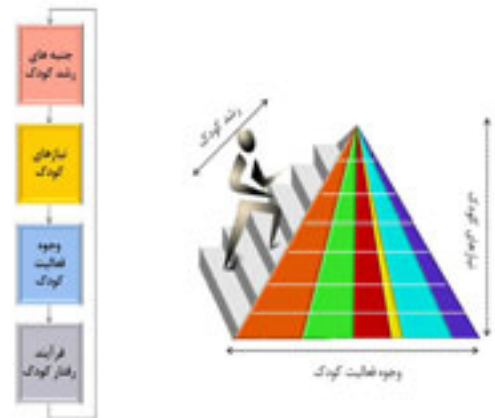
ترتیب تداوم و توالی موجود در معماری سنتی باعث سهولت انعکاس در ذهن کودک می‌گشت، چرا که کودکان، نه از استدلال ذهنی بلکه از تجارب عینی گذشته برای یافتن مسیر و تطابق خود با فضاها استفاده می‌کنند (Moore, ۱۹۹۰). کودک به مدد نشانه‌ها و همسانی‌های صوری رنگ‌ها یا مصالح و یا نوعی رابطه با توالی معین در سیمای محیط به تعبیر اطلاعات فائق می‌آمد و قادر می‌شد موقعیت خود را درک نماید، چرا که این خصوصیات ریشه در ناخودآگاهی ذهنی کودک یا طرحواره‌های ذهنی اولیه داشت (یونگ، ۱۳۷۶، ص ۷۵).

۵. «مفهوم مکان و ارتباط آن با رشد کودک»: مطالعات و تحقیقات متفاوت صورت پذیرفته در مورد بحث مکان از دیدگاه‌های متعدد، همگی در یک نکته اتفاق نظر دارند که تفسیر معنای مکان، شامل تعامل پیچیده بین پاسخ‌های ادراکی، شناختی و عاطفی به محیط می‌باشد و عوامل برخاسته از زمینه

جمله وسیله‌هایی برای ارتباط روانی انسان خصوصاً کودکان با طبیعت و یادآور وجود خداوند به عنوان منشأ هستی بود (غفاری، ۱۳۷۷).

۳. «حضور کودکان در متن اجتماع»: معماری سنتی ایران با وجود عدم تعریف فضای خاص ویژه برای کودکان؛ با عین ساختن آموزش، کار، زندگی اجتماعی و مسایل فراغتی محیط زندگی شهری را تلطیف می‌نمود. این آمیختگی موجب نشاط و سرزندگی محیط و افزایش تمایل حضور کودکان در آن می‌شد. از شواهد این سرزندگی حضور فعال کودکان در مراسم مذهبی و مساجد و تکایا بود.

۴. «تناسب با توانایی شناختی و ادراکی کودک»: معماری و شهر سنتی ایران به دلیل دارا بودن خصوصیاتی نظیر ریتم، تکرار سلسله مراتب، تداوم پیوستگی، تقارن، تعادل، مقیاس انسانی و کثرت در عین وحدت، طبق اصول گشتالت باعث سهولت در ادراک محیط می‌گردد. در مورد کودکان نیز این



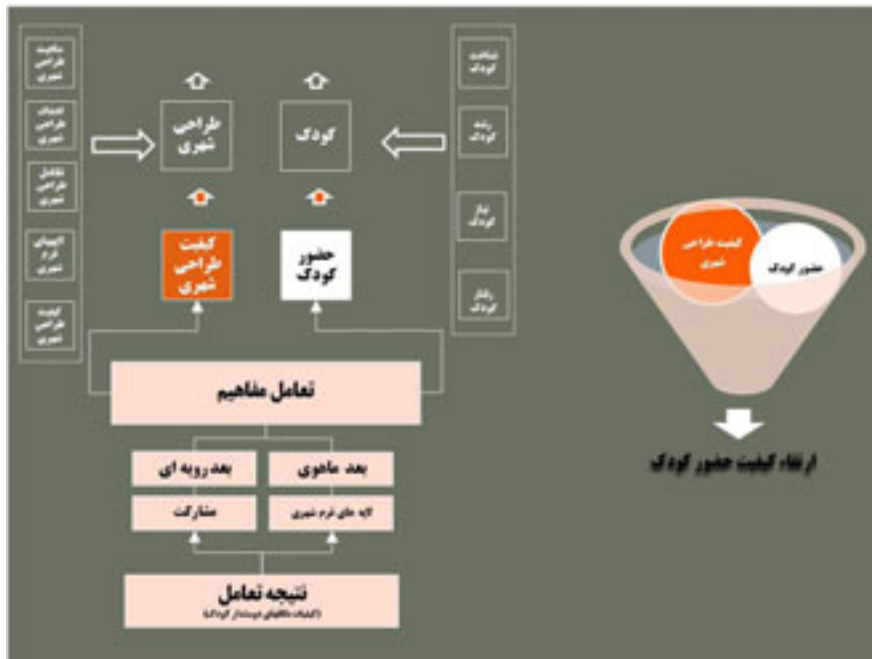
نمودار ۱۱. (سمت راست) مولفه های روانشناسی کودک در فضای معماری و شهر؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق و نمودار ۱۲. (سمت چپ) حضور کودک در فضاهای شهری و فرایند بستر سازی آن در شهرها؛ ماخذ: نگارنده.

جدول ۳. ویژگیهای فضا و معماری کودک بر اساس نیاز کودکان؛ ماخذ: پورجعفر و محمودی نژاد، ۱۳۸۹، ص ۷۹.

حوزه ها	ویژگیها
روانی	شبیه سازی، خلق و آفرینشگری، آرامش بخشی، ایمنی، لذت بخشی، بازی آفرینی، تشویق بخشی روحی، گسترش احساس اجتماعی کودک
فیزیکی	عطر و بوی فضایی مناسب، بافت و جنس لطیف و غیر مزاحم، حرارت و برودتی، دنجی و خلوت کودکانه، دسترسی آسان و سیرکولاسیون ساده و غیر مبهم.
فضایی	فعالیت و پویایی فضا، ساکت بودن فضا، ارتباط با طبیعت و فضای سبز، خودمانی بودن فضا، باز بودن فضا، روشنایی فضا، یادمانی و ادراکی بودن فضا.
رفتاری	تئاتر و نمایشهای کودکانه در فضاهای باز کودک با شرکت خود کودکان، استراحت کودک، امکان مطالعه فردی و گروهی، همکاری و مشارکت دهی کودک، کار گروهی و بازیهای تیمی، اختلاط جنسی و سنی کودکان، فعالیتهای بدنی همراه با بازیهای فکری، تمرین های نوشتاری و شنیداری کودکانه، بازی سازی با منظر و طراحی گیاهان و عناصر فیزیکی و بصری پارک.

در این خصوص نقش بارزی دارند، چراکه درک انسان از مکان هم وابسته به فیزیک یک فضا و هم تجربه وی از آن است. از آنجا که یکی از مؤلفه های سازنده مکان، زمان و تجربه انسانها در فضا است که دائماً در حال نو شدن است. مکان، ماهیتی سیال، جاری و غیر ثابت پیدا می کند که ترکیب فضا و ادراک انسان از فضا ماهیت مکان را می سازد (منصوری، ۱۳۸۹، ص ۳۱).

همان گونه که فرهنگ بر تک تک جنبه های زندگی افراد مؤثر است، به همان میزان نیز بر تمام جنبه های طراحی محیط مصنوع و فعالیتها نیز مؤثر است. میان محیط بالقوه؛ یعنی محیطی که در ذهن طراح وجود دارد و با آرمانهای او در آمیخته است و محیط بالفعل؛ یعنی محیطی که در عمل ساخته شده و مورد بهره برداری کودکان قرار می گیرد، تفاوت های زیادی وجود دارد. هر محیط بالقوه قابلیت تبدیل به محیط بالفعل را نخواهد داشت، مگر اینکه با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و محیطی آن منطقه



نمودار ۱۶. ابعاد و تعامل مولفه های کیفیت طراحی شهری و حضور کودک؛ ماخذ: نگارنده.

برنامه‌ریزی شود (رازجویان، ۱۳۷۶، ص ۳۹).

کودک، مشارکت و طراحی شهر

در اکثر جوامع عموماً قشر کودک به عنوان افراد متخصص هر فرهنگ و جامعه‌ای و منبعی قابل اعتماد برای حل مسایل محیطی، مورد کم‌توجهی و بی‌مهری قرار می‌گیرند. از آنجایی که درک کودکان از جهان کاملاً متفاوت با بزرگسالان است، لذا مشارکت آنها در طراحی، ارزیابی و تکمیل طرح‌ها بسیار پراهمیت است. استفاده از قابلیت‌های مفهومی و تکنیکی کودکان در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای مورد نیازشان، همچنین برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی، پدیده‌ای است که می‌توان آن را با موضوع برخورد دموکراتیک در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای حرکت به سمت برابری حقوق اجتماعی و فرهنگی در سلسله مراتب اجتماعی جوامع مدرن پیوند داد (Chawla & Heft, 2002: 206).

فهم نقطه‌نظر کودکان به عنوان ابزاری برای معنا دادن به «محیط دوستدار کودک» از مفاهیم پیچیده و بغرنج زمان حال است که با هدف

بهبود کیفی محیط مصنوع از طریق فهم ارزش‌ها و خواست‌های کودکان (و نه صرفاً دخالت ظاهری در آنها) نیازمند تحقیقاتی در مورد نحوه درک صحیح این تعامل و تسهیل مشارکت آنان است. نکته مهم، در نظر گرفتن تک‌تک کودکان به عنوان یک شخصیت منحصر به فرد و نه به عنوان یک بزرگسال رشد نیافته است (Lee, 2001: 23). تحقیقات صورت‌پذیرفته در خصوص مشارکت کودکان، فرایندی سه مرحله‌ای را پیشنهاد می‌نماید:

۱. «سطح ساختاری»: این سطح به حقوق و موقعیت کودکان در جامعه و حمایت‌های قانونی از آنها و نیز به وظیفه مسئولین در قبال کودکان به عنوان شهروندان جامعه می‌پردازد. مشاوره مسئولین و متولیان امر با کودکان خصیصه اصلی این سطح است.

۲. «سطح شخصی»: در این سطح هر کودک به عنوان یک شخص حقیقی با علایق و عقاید مشخص و ناظر زیرک محیط اطرافش مطرح است که اگر آزادی عمل داشته باشد، محقق نکته سنج و متفکری ماهر با فطرتی پاک است. بحث اصلی

جدول ۴. مولفه ها و بسترهای تعامل طراحی شهری و کودکان و ارتباط آنها؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

مؤلفه	بسترهای تعامل		تعمیرات عامل مشاهده															
	ابعاد کیفیت	ابعاد کمالات	بعد مأموری															
کیفیت طراحی شهری	مولفه های مکان پدیدار	کالبد	فعالیت	معنی		پایداری		مشارکت	بعد رویه ای									
				کالبد	معنی	پایداری	مشارکت		کالبد	فعالیت	معنی	پایداری	مشارکت					
مضمون	جنبه های رشد کودک	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
	نیازهای محیطی کودک	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
	فعالیت های کودک	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
	دریافت محیطی در کودک	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
	ادراک محیطی کودک	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
	شناخت محیطی کودک	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
	رفتار کودک	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
نتیجه تعامل	کیفیت های مکانهای دوستدار کودک																	



۱. اول «روش محتوایی» که در خصوص روابط و چگونگی تعامل و ارتباط ویژگی های محیط کالبدی با رفتار و ادراک و احساس در محیط می پردازد. از این روش جهت شناخت ماهیت شهر استفاده می شود. در تئوری های محتوایی عموماً توجه معطوف به محصول و نتیجه کار است که از آن تعبیر به جهت گیری محصول گرا می شود.

۲. دوم حوزه «روش های هنجاری» است؛ توصیه ای است که در خصوص ارزش ها و ویژگی های مطلوب و نامطلوب یا به عبارتی ایده آل ها و آرمان ها نظریه پردازی می کند. این حوزه، ارزش های لازم را جهت ارتقای کیفیت زیست در شهر به دست می دهد.

۳. سوم حوزه «روش ها و نظریات رویه ای» (فرآیندی) است که اساس مفهومی آن مطلوب ترین و بهترین راه رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب می باشد. در فرآیند طراحی از روش های رویه ای، جهت محقق شدن طرح بهره می برند (عباس

این سطح، زندگی زمان حال کودک است، نه زندگی آینده وی در دوران بزرگسالی است.
۳. «سطح شخصی - ارتباطی»: در این سطح، واقعیت های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی محیط های متفاوت زندگی کودکان مورد بحث است (Skivenes & Strandbu, ۲۰۰۶: ۱۳).

اسناد طراحی شهری

«سر استوارت لیپتون» در مقدمه کتاب متئو کارمونا با عنوان «ارزش طراحی شهری» در رابطه با مفهوم طراحی شهری در دوران جدید اشاره می کند که هدف طراحی شهری نوین تفکر درباره حصول ارزش اقتصادی - اجتماعی منبعت از طراحی مطلوب در میان طیف متنوعی از گونه های ساختمانی به ویژه ساختمانهای متعلق به بخش عمومی است (لیپتون، ۱۳۸۹؛ در مقدمه کتاب ارزش طراحی شهری). طراحی شهری به عنوان دانش و حرفه ای میان رشته ای با سه روش به عنوان نگرش های اساسی برای ورود به حوزه های نظری روبروست. این روش ها عبارتند از:



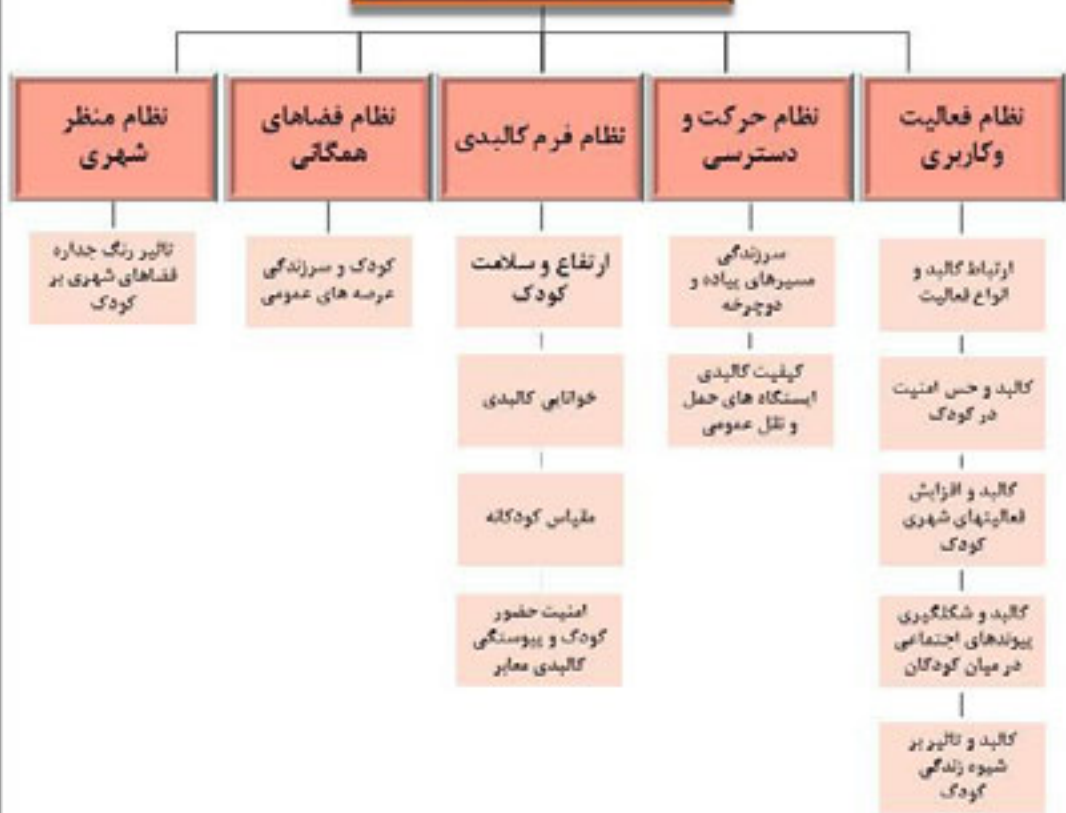
نمودار ۱۷. اسناد هدایت طراحی شهری و شهر دوستدار کودک؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

به صورت باز و صریح (غیرپنهانی) و ایجاد زمینه های مشارکت جمعی، کمک به اخذ تصمیم گیری های پیچیده، تصحیح تصمیمات، ارزیابی و انتخاب، بالا بردن کارایی در طراحی، انتظام بخشی به مراحل مختلف طراحی و غیره اشاره نمود» (بهزادفر، ۱۳۸۷، ص ۴).

ارزش طراحی شهری، برخی از مهمترین پرسشهای مطرح درباره مفهوم مکان در معماری و طراحی شهری در جوامع مدرن را مطرح می نماید. طراحی شهری مطلوب، از چه طریقی قادر به ایجاد ارزش اقتصادی و اجتماعی در جوامع است؟ چه طور می توان به ارزش های مطلوب اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و خاصه اقتصادی به شکلی دست یافت که کارفرمایان، سرمایه گذاران و سازندگان را مجاب نماید که طراحی مطلوب موجب ایجاد ارزش افزوده شده و محصول نهایی آنها را در بازار قابل رقابت تر می کند؟ (لیپتون، ۱۳۸۹، ص پیشگفتار). فعالیت طراحی شهری باید مجموعه ای از مطالبات

زادگان، ۱۳۸۶، ص ۳۸). برای کسانی که با این فرآیند آشنایی ندارند، طراحی تقریباً امری اسرارآمیز است که حاصل الهام هنرمندان است. رویکرد متضاد با نظر بالا طراحی را فعالیتی مسئله گشا می داند که به مسائل انتظام کالبدی برای پاسخ گویی به نیاز عملکردی توجه دارد (رابرتز، ۱۳۸۹، ص ۸۵). «فرآیند طراحی، بیشتر عقلانی و تجربی است تا آن که به صورت الهامی باشد. طراحی از طریق فرآیند استدلال قیاسی انجام می شود و نه استقرایی. در این فرآیند طراحی حاصل نهایی انباشت واقعیت ها نیست. برای تدوین یک راه حل طراحی شهری باید تجزیه و تحلیل و ساده کردن مشکلات مورد نظر را انجام داد. از جمله مهمترین دلایل استفاده از مفهوم فرآیند در طراحی شهری می توان به مواردی نظیر: کمک به تعریف بهتر، روشن تر و کامل تر مسائل، بهینه یابی و در نظر گرفتن راه حل های متعدد و متنوع، تسهیل فرآیند اجرا، تصمیم گیری و طراحی منطقی، تصمیم گیری

مولفه کالبد



نمودار ۱۸. مولفه کالبدی شهر و انطباق با کودکان؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

است که هریک از آنها در سطح و مقیاسی متفاوت عمل می کنند. این ابزار ذاتاً در حیطه خروجی های فرآیند محور طراحی شهری می گنجد، زیرا هدف آن ها اجرای پروژه های مشخص نیست، بلکه با وضع قوانین و ضوابط خاص در میان یا بلندمدت، اهداف ویژه ای را در محیط شهری تأمین می نمایند. «سند هدایت طراحی شهری» یک اصطلاح عام برای کلیه اسنادی است که سازندگان و طراحان (و سایر عوامل) به وسیله آنها توسعه و ساخت و ساز در زمینه طراحی و برنامه ریزی را هدایت می کنند. اسناد مزبور می توانند توسط ادارات محلی، صاحبان زمین، سازندگان و شرکای آنها، سازمان های تجاری و اجتماعی (که تمامی آنها می بایست در فرآیند مذکور مداخله کنند) یا توسط تعدادی از آنها به صورت گروهی

بخش عمومی و خصوصی که بعضاً تفاوت های بسیاری نیز باهم دارند را پاسخ دهد. اگر بخش خصوصی به طور عمده خواستار «زیست پذیری و ماندگاری اقتصادی» طرح هاست، در مقابل بخش عمومی خواستار عدالت و مساوات اجتماعی است، عدالتی که اهداف بخش عمومی را از طریق فرآیند توسعه برآورده سازد. لذا ۳ بعد ارزش، به همراه هدف عملیاتی مورد نظر سند معتبر By Design، مفهوم محدود «ارزش مبادله» را به تفکر بسط یافته تری تحت عنوان «ارزش پایدار» تبدیل می کنند (کارمونا، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

ابزار هدایت و کنترل و طراحی شهری

نیاز به کنترل و هدایت ساخت و سازها و توسعه مناطق شهری، منجر به تولید ابزار گوناگونی شده



نمودار ۱۹. مولفه فعالیت کودک و ارتباط آن با طراحی شهر؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

تهیه شوند (گلکار، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

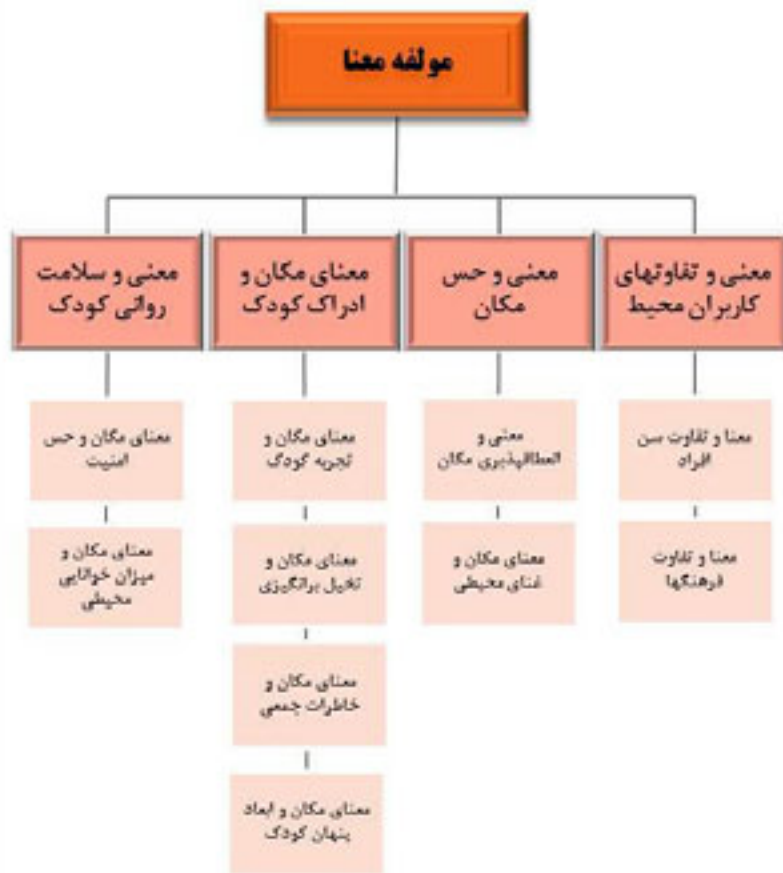
انواع ابزار کنترل و هدایت در طراحی شهری

طراح شهر و یا سازندگان، به منظور ارائه طرح و بسته به هدف موضوع به سلسله مراتبی از سطوح اسناد هدایت طراحی شهری نیازمندند. لذا به منظور تعریف بهتر و دقیق تر طرح پیشنهادی و انتظام بخشی به مراحل گوناگون طراحی، با در نظر گرفتن مقیاس و سطح طرح، سلسله مراتبی از گونه بندی اسناد کنترل و هدایت طراحی شهری از مقیاس کلان به خرد عبارتند از: چارچوبها، دستورالعملها، ضوابط یا کدهای طراحی و راهنماهای طراحی شهری.

چارچوب طراحی شهری

چارچوب طراحی شهری که معادلی برای Urban Design Frame work است، سندی است که در آن نحوه اجرای سیاستهای برنامه ریزی را در منطقه ای که نیازمند کنترل، هدایت و اجرای تغییرات است،

ارائه می نماید. این سند شامل تصاویری دو بعدی از الزامات زیرساختی در آینده است (Cowan, ۲۰۰۵, ۴۱۸). نکته حائز اهمیت در مورد این سند، دید به آینده در مقیاس بزرگتر آن نسبت به اسناد قبلی می باشد. در چارچوب طراحی شهری، منطقه تحت پوشش لزوماً در زمان حاضر توسعه نمی یابد؛ بلکه کافی است که قسمتی از آن مربوط به حال و آینده توسعه یابد. از دیدگاه پاکزاد (۱۳۸۵) نیز، چارچوب طراحی شهری به اجرای سیاستها پرداخته و عمدتاً بر روی آینده ی طرح متمرکز است. البته این مورد شامل شکل فیزیکی و تجسم سه بعدی آینده طرح نیز می شود. از نقطه نظر وی برای تحقق و تکمیل نظام کنترلی طراحی، چارچوبها نیازمند راهنماهای طراحی شهری هستند. به اعتقاد کارمونا (۲۰۰۶) نیز چارچوبها عمدتاً در توسعه های بزرگ مقیاس کاربرد دارند. محل قرارگیری چارچوب طراحی

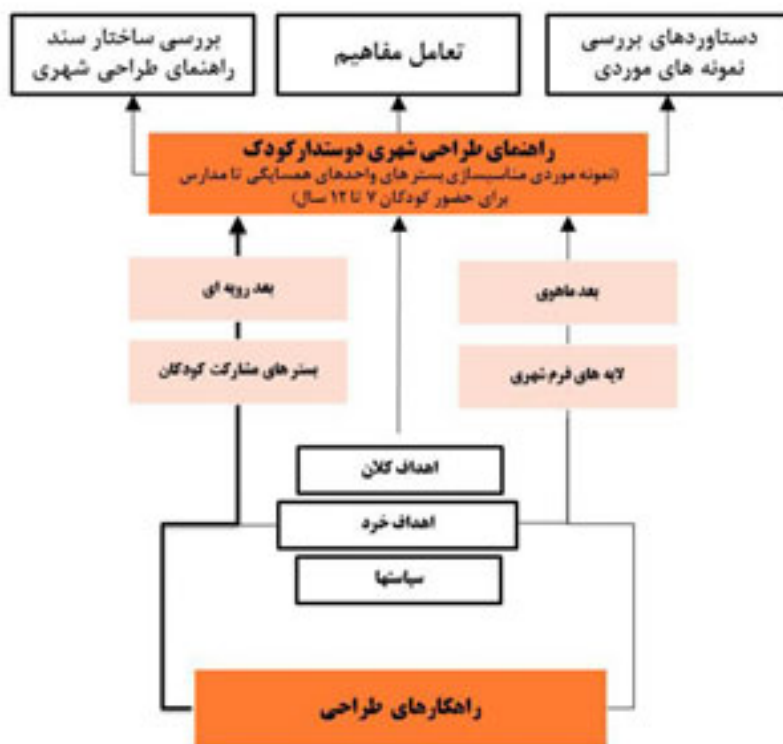


نمودار ۲۰. مؤلفه معنا و ارتباط آن با طراحی برای کودکان؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

مهم‌ترین خصایل اسناد است که در حوزه حرفه نیز به صورت جدی رعایت می‌گردد. راهنماهای طراحی ارتباطی میان سیاست‌های عمومی برنامه‌ریزی و اجرای ضوابط و مقررات فراهم می‌سازد. هدف اصلی از بکارگیری راهنماهای طراحی، انتقال حس کیفیت ترجیحی طراح برای یک مکان می‌باشد» (بهزادفر، ۱۳۸۷، ص ۹). این واژه معادلی برای عبارت urban design guideline است. امروزه راهنماهای طراحی شهری وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرند و در موضوعات مختلف و مقیاس‌های گوناگونی کاربرد دارند. همان‌طور که از نامشان پیداست، راهنماها در زمینه چگونگی اجرای توسعه در انطباق با سیاست‌های بالادست الگوها و راهکارهای مناسبی ارائه می‌نمایند (Cowan, ۲۰۰۵: ۱۰۵). از دیدگاه

شهری در مراتب بالای این سلسله مراتب قرار گرفته است. ذکاوت (۱۳۸۶) چارچوب طراحی شهری را روشی جهت دستیابی به شرایط کیفی مطلوب یک منطقه در حال تحول می‌داند. وی سیاست‌های طراحی در این راستا را به لحاظ نگاه کلان و یا خرد به سه گونه تقسیم می‌کند: سیاست‌های کلیدی تأثیرگذار بر نظم کلان منطقه؛ سیاست‌های طراحی که در عرصه‌های خرد و تفصیلی متناسب با خصایص مکانی و جغرافیایی قابل اتخاذ است.

راهنماهای طراحی شهری بالادست خویش تبعیت می‌کنند و سعی در تحقق سه بعدی و اجرایی کردن اهدافی دارند که در قالب این سیاست‌ها مطرح می‌شوند. «این یکی از



نمودار ۲۱. فرایند تدوین راهنمای طراحی شهری دوستانه کودک: ماخذ: نگارنده.

اساس سه گونه تعریف می‌شود:

۱. راهنماهای مربوط به حفاظت از ساختمان‌های با ارزش تاریخی و خود بافت تاریخی؛
۲. راهنماهای مربوط به محدوده‌هایی با موضوع نوسازی، توسعه میان افزا و توسعه مجدد؛
۳. راهنماهای مربوط به توسعه محدوده‌های جدید به ویژه طرح‌هایی با ابعاد مشخص (نراقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تدوین راهنمای طراحی شهری دوستانه کودک، از مهمترین مواردی است که لازم است در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری فعلی ایران موردنظر قرار گیرد که انبوه جمعیت کودکان و نوجوانان دلیلی بر این مدعاست. بهرحال، یک مکان دوستانه کودک محیطی است که کشف و تحقق یابی قابلیت مکان‌ها را برای انواع فعالیت و تعاملات اجتماعی کودک مقدور سازد، زمینه ساز ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری از محیط، شکل دادن به ویژگی‌های

شیروانی (۱۹۸۵) نیز بسط و توسعه سیاست‌های طراحی نیازمند تهیه راهنماهایی است تا از آن طریق به عناصر ظاهری نیز توجه شود. به عبارتی دیگر از دیدگاه وی یکی از ویژگی‌های راهنماهای طراحی شهری تأمین کیفیات ظاهری طرح است. راهنماهای طراحی در واقع مکمل چارچوب‌ها هستند. «آن‌ها ابزار هدایت در راستای چارچوب تعیین شده هستند و مواردی را که می‌بایست در طراحی و مطالعه مورد توجه قرار گیرند را مشخص می‌کنند، در حالی که خود به ارائه طرح نمی‌پردازند» (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳). امروزه راهنماهای طراحی شهری وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرند و در موضوعات مختلف مقیاس‌های گوناگونی کاربرد دارند. نوع دیگری از گونه‌شناسی راهنما که نوعی سلسله مراتب موضوع طرح را در خود دارد، براساس محدوده اجرایی راهنما ارائه شده‌است. منظور از محدوده اجرایی، ارزش و قدمت تاریخی محدوده‌ای از شهری است که سند راهنما برای آن در نظر گرفته شده‌است. بر این

جدول ۵. مولفه های کیفی و ابعاد ماهوی و رویه ای تدوین راهنمای طراحی شهری شهر دوستدار کودک؛
 ماخذ: نگارنده.

موانع کیفی	بعد ماهوی					بعد رویه ای			
	نظام کاربری	نظام دسترسی	نظام فرم کالبدی	نظام فضایی باز	نظام منظر شهری	مشارکت سطوح	نحوه مشارکت	مراحل مشارکت	فرهنگ سازی
نوع بازی و حرکت									
امکان بازی									
حده جدول بودن									
کیفیت برمه سنگلی									
اشکال کیفی									
امنیت و امنیت									
کیفیت قرارگاههای بازی									
انحطاف بازی									
حوالی									
شخصیت پستی									
حسن زبان									
فشار حس									
رنگ نقاشی									
آلودگی									
همسایه یا محیط									
انزک بازی									
یاکری محیط									
راهکارهای طراحی	راهکارهای طراحی					راهکارهای طراحی			

Child Friendly Urban Design Guideline

راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک

جدول ۶. ویژگی های روانشناختی فضاهای بازی کودکان؛ ماخذ: نگارندگان با تطبیق و هماهنگ سازی بر اساس «تئوری خلاقیت اف. نلر» (۱۳۶۹)

ردیف	ویژگی روانشناختی	تعریف، بیان و احراز حوزه شناختی
۱	نوجویی و نوکاوی	«هیجان ذهنی» و «شعور سیال» به مثابه ابزار آزاد اندیشه در بازیهای دوران کودکی.
۲	کاوشگری	حس «کنجکاوی» نسبت به محوطه های بازی با تنوع در حد معقول.
۳	خودرهنمونی و خودشکوفایی	یادگیری متکی بر آغازگری مبتنی بر یادگیری خلاق و ایجاد التفات کودکان به مساله کاوی موجود در بازیهای سایت.

فیزیکی مکان به واسطه تقویت مشارکت کودکان گردد، به کودک، امکان خلق و کنترل قلمروهایی دهد و اسرار و رازهای کودکان را در این مکانها در خود حفظ کند. مکان دوستدار کودک باعث ایجاد حس مفید و مؤثر بودن چه از بعد روانشناختی و چه از بعد رفتاری در کودکان می گردد. این چنین مکانهایی با برخورداری از برخی قابلیتها باعث می شوند که کودکان به راحتی قادر به کسب تجارب متنوع و معنا دار در فرایند بلوغ فردی و اجتماعی خود باشند. مکان دوستدار کودک زمینه ای فراهم می کند که کودکان در عین احساس امنیت، به چالش کشیده شوند، در عین محصور بودن در

فضایی خصوصی، در بطن جامعه و اجتماع نیز حضور داشته باشند و در عین برآورده شدن نیازهای فعلی، در راستای تأمین نیازهای آتی آنها نیز باشد. با توجه به آنچه آورده شد و بر طبق آنچه از پروژه های شهری بر می آید، اقدامات مشارکتی کودکان در سطح پروژه های شهری در حال گسترده-تر شدن است. آنچه در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد اتخاذ سیاست ها و برنامه ریزی های محلی انطباق پذیر و پاسخگو به نیاز کودکان و نوجوانان است. چنین امری تنها با یکپارچگی دولت های محلی و تقویت حضور و مشارکت شهروندان، بخصوص گروه های خاص سنی محقق می گردد. می توان اینگونه نتیجه گرفت که نظارت مستمر مسئولان و در نظر گیری جایگاهی برای حضور مثرثمر کودکان و گروه های سنی مختلف در فرآیند برنامه ریزی و طراحی شهرها و توجه به نیاز ایشان و البته تغییر این خواستها و نیازها در طول زمان از مهمترین عوامل تحقق پذیری مشارکت محسوب می شوند. از دیگر موارد قابل توجه در این خصوص می توان به آموزش کودکان در خصوص توجه به محیط پیرامون و ایجاد احساس مسئولیت در ایشان نسبت به فضاهای که مورد استفاده قرار می دهند، اشاره کرد.

در ادامه به راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک به اختصار اشاره می شود. اولین اصل در تدوین راهنما توجه به ابعاد مربوط به طراحی شهری است که عبارت اند از:

۱. نظام کاربری زمین؛

۲. نظام حرکت و دسترسی؛

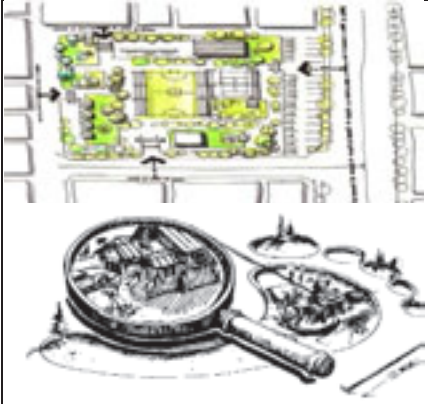
۳. نظام فرم کالبدی؛






۴. نظام منظر شهری؛

۵. نظام استخوانبندی فضاهای همگانی.

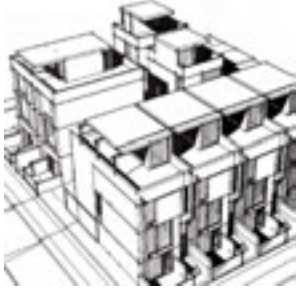
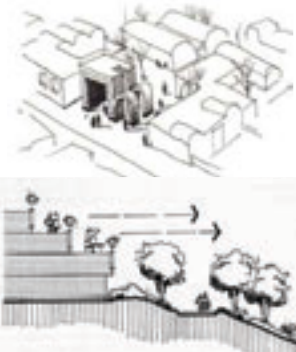
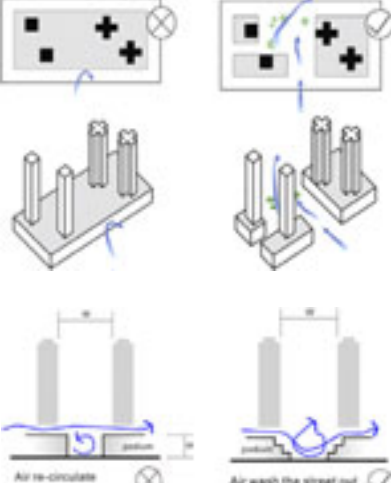
از بعد روان شناختی در طراحی شهری دوستدار کودک، «درک معنا» به واسطه شناخت غیرمستقیم یا حرکت در خارج از جریان وقایع ادراک - کنش صورت می گیرد؛ به عبارتی، وقتی یک فرد در ارتباط مستقیم با موضوعی قرار گیرد، آگاهی و شناخت کامل صورت نمی پذیرد. لذا کودکان نیز تنها به واسطه بازتاب محیط در تجاربشان، معنا و ارزش ارتباط با مکان را خواهند آموخت، زیرا آگاهی در حین تجربه مستقیم به کمترین حد خود می رسد تا حدی که مواجهه با جهان، تقریباً ناخودآگاه و عادی به نظر می رسد و مرز تجربه بین خود و جهان مورد اغفال واقع می شود. شناخت غیرمستقیم این امکان را برای کودکان فراهم می کند تا تجربه مکان را در ذهن خود منعکس سازند و ماهیت ارتباط خود با مکان

جدول ۷. نظام کاربری زمین و نظام حرکت و دسترسی در راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک؛ ماخذ: نگارندگان.

تصویر	راهنما	نظام شهری
	<p>(*) در نظرگیری کانونی بعنوان مرکز محله در هر محله، (*) مرکز محله باید در فاصله نزدیکی تا لبه محله، یا دورترین نقطه محله (مثلاً ۴۰۰ متر)، قرار گرفته باشد که امکان پیاده روی افراد را تا مرکز محله ممکن سازد.</p>	<p>نظام کانونی</p> <p>نظام کاربری زمین</p>

	<p>(*) مکانیابی مدارس ابتدایی، باید با توجه به مقیاس پیاده تعیین شود.</p>	<p>نظام آموزشی</p>
	<p>(*) محورهای خدماتی محله باید در ترکیب با مدارس و مراکز محلات مکانیابی شوند؛ به گونه‌ای که والدین در زمان انتظار، بهترین استفاده را از زمان خود ببرند.</p>	<p>مراکز خرید و تفریح</p>
	<p>(*) در گوشه‌ها باید بر عرض پیاده روها افزود تا زمینه شکل‌گیری فعالیتها، و بهره‌گیری از تسهیلات مختلف مانند نیمکت، سایه‌بان، و چراغ در آنها فراهم گردد. (*) در سطح پیاده‌رو در نظرگیری بخشی برای چیدن بساط مغازه‌ها در بیرون و امکان حضور دستفروشها در ساعات مشخصی از روز با امکان نظارت بر فعالیت آنها، توصیه می‌شود.</p>	<p>نظام حرکت و دسترسی</p>
	<p>(*) استفاده از عناصر فضایی واضح، برای کمک به حس جهت‌یابی، در کودکان، توصیه می‌شود. (*) برای سهولت توقف دوچرخه، ایستگاه‌هایی در بین مسیر، در نظر گرفته شود. (*) به منظور افزایش علاقه به دوچرخه سواری، معابر باید بگونه‌ای طراحی شوند که دارای شیب مناسبی برای دوچرخه سواری باشند.</p>	<p>شبکه دسترسی و حرکت دوچرخه</p>
	<p>(*) مسیرهای دسترسی به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی، ضمن کوتاه بودن از مدارس و واحدهای همسایگی، باید مسیریابی امن در ساعات مختلف برای استفاده کودکان باشند. (*) کیفیت تعبیه ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی بعنوان مکان‌هایی عمومی که امنیت آنها در تشویق کودکان به استفاده از حمل و نقل عمومی بسیار ضروری است، باید مدنظر قرار گیرد.</p>	<p>شبکه معابر</p>

جدول ۸. نظام فرم کالبدی و نظام استخوانبندی فضاهای همگانی در راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک؛
 ماخذ: نگارنده.

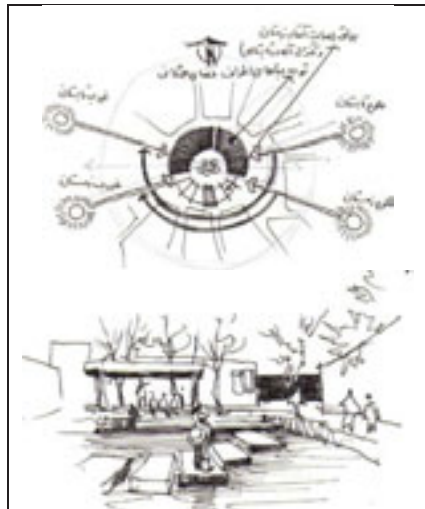
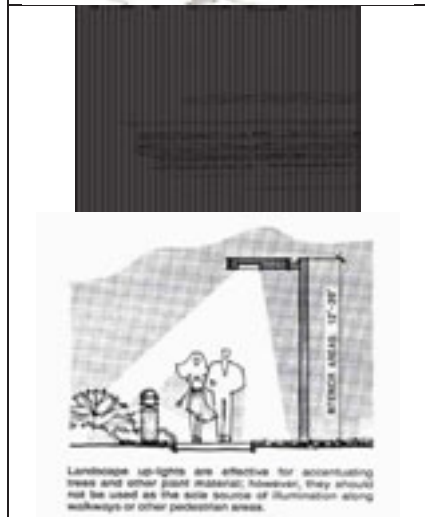
تصویر	راهنما	نظام
	<p>(*) در توده‌گذاری بناهای بلندمرتبه باید به منظور کاهش تاثیر حجم توده بنا بر روی ادراک بصری عابران پیاده بخصوص کودکان، باید در حجم آنها عقب‌نشینی صورت گیرد. (*) قرار گیری خانه های ردیفی در امتداد مسیر حرکت کودکان و ایجاد جلوخان برای هر خانه، بگونه‌ای که عمود بر مسیر سواره و راه دسترسی اصلی باشند، توصیه می‌شود.</p>	<p>نظام بلوک بندی و توده گذاری</p>
	<p>(*) در ورودی محلات، بایستی بکمک فرم متمایز، و انتخاب مصالح متفاوت، بر ساختار نشانه‌ای و متمایز آنها، در عین مطابقت با هویت محله، تأکید گردد. (*) استفاده مناسب از عوامل طبیعی موجود، بخصوص شیب زمین، در جهت شاخص نمودن هویت محلی توصیه می‌شود.</p>	<p>کیفیات معماری نظام فرم کالبدی</p>
	<p>(*) ارتفاع و توده ساختمانی بناهای بلند باید با ساخت و سازهای مجاور در تناسب بوده و تاثیر نامطلوب این بناها در سایه اندازی، اشرف و ایجاد تونل‌های باد به حداقل برسد. (*) استفاده از ردیف ستون‌ها در طراحی نما و جبهه خارجی ساختمان‌های مشرف بر مسیر پیاده، به عنوان وسیله‌ای برای حفاظت افراد در مقابل شرایط نامطلوب آب و هوایی و جوی توصیه می‌شود.</p>	<p>ملاحظات اقلیمی کالبدی</p>



فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۴۴ پاییز ۹۵
 No.44 Autumn 2016

را به واسطه تجربه، تعیین نمایند. موضوع مهم برای مفهوم سازی دوستی با مکان در دوران کودکی این است که کودکان با مکان‌هایی روابط عاطفی مطلوبی ایجاد می‌کنند که خواست‌ها و نیازهای آنها را در فرایند رشدشان برآورده کند. مکان دوستی، پیوندی تأثیرگذار میان مردم به ویژه کودکان و مکان‌هاست. مکان دوستی، بصورت‌های متفاوتی ابراز می‌شود که می‌تواند زیبایی شناختی، حسی یا عاطفی باشد و حس یک مکان، شامل واکنش عاطفی یا بیولوژیکی به محیط کالبدی و فرهنگی است. در این میان شایان ذکر است که مراحل زیر لازم بنظر می‌رسد:

۱. طراحی اماکن و فضاهایی مختص کودکان در شهر؛
۲. توجه به ویژگی‌های روان شناختی و فیزیولوژیکی کودکان در شهر؛
۳. فراهم سازی امکان حضور کودکان در شهر از

	<p>(*) مکان‌یابی و طراحی فضاهای عمومی باید به گونه‌ای باشد که از تابش آفتاب در روزهای سرد بیشترین استفاده را ببرد و استفاده از سایه در روزهای گرم را به حداکثر برساند. (*) در طراحی فضای بازی کودکان استفاده از عناصر طبیعت بخصوص آب، در ترکیب با انواع عناصر کالبدی، در جهت جذاب‌تر کردن فضاها توصیه می‌گردد.</p>
	<p>(*) نورپردازی در مقیاس عابران پیاده (حداکثر در ارتفاع ۳ متری از سطح زمین) برای افزایش امنیت و راحتی دسترسی کودکان توصیه می‌شود. (*) قابل رویت بودن در عرصه‌های عمومی برای کودکان، در جهت افزایش ایمنی و امنیت حضور و فعالیت آنان در این عرصه‌ها، در ساعات مختلف شبانه‌روز، باید لحاظ گردد.</p>

علیه کودکان، توجه به موضوعات زیست-محیطی و موارد مشابه است. از دیگر اهداف مهم در شهر دوستدار کودک می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. ایجاد علاقه در کودکان برای پیگیری حقوقشان، ۲. حمایت از خانواده، تشویق بزرگسالان در راستای حفظ و حمایت از حقوق کودکان، ۳. مشارکت دادن کودکان معلول، ۴. تمرین همکاری میان کودکان و بزرگسالان، ۵. فعالیت در راستای غلبه بر فقر و نابرابری، ۶. توسعه فضاهای تفریحی و موارد مشابه.»




منابع و مآخذ

احدی و بنی جمالی (۱۳۸۲) روند تحولی خلاقیت در کودکان، نشریه تازه های علوم شناختی، سال ۹، شماره ۴.
اف. نلر، جرج (۱۳۶۹) هنر و علم خلاقیت، ترجمه

طریق طراحی متناسب برای کودکان در حوزه ضوابط و استانداردهای طراحی؛

۴. توجه به نقش فضاهای طراحی شده یا برنامه ریزی و مدیریت شهر بر اساس نیازهای روانشناختی و زیست شناختی کودکان به عنوان اصلی ترین گروه های آسیب پذیر اجتماعی. در پایان باید گفت که در باز طراحی شاخصهای شهر دوستدار کودک انتخاب ابعاد باید به درستی صورت گیرد. اهداف پروژه های شهر دوستدار کودک به طور عمده برای ایجاد فرصت برای کودکان در راستای شکل دادن و یا تغییر محیط پیرامونشان می باشد. از این منظر شهرهای دوستدار کودک به دنبال اعطای حق شهروندی به بچه ها، توسعه آگاهی، بالابردن مشارکت جمعی، کم کردن میزان خشونت

جدول ۹. نظام منظر شهری و نظام استخوانبندی فضاهای همگانی در راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک؛ ماخذ: نگارندگان.

نظا م	راهنما	تصویر
نظام منظر شهری	در طراحی جداره فضاهای مشرف بر مسیر حرکت کودکان، بویژه ورودی منازل بهتر است موارد زیر در نظر گرفته شود: دارای سکو و پله باشند. نورپردازی شده باشند. دارای سایه بان باشند.	
	(* توجه به توالی بصری در طول مسیر حرکت کودک از مدرسه به خانه باید صورت گیرد. (* بهره گیری از نقشه تصویر ذهنی کودک، و تشخیص کانون های دید اصلی کودک و نصب تابلوها و علائم هشداردهنده در آن محلها توصیه می شود.	
	در طول مسیر حرکت کودک به ویژه در نقاطی که می بایست کودک به آن توجه نشان دهد از رنگهای شاد (قرمز، نارنجی، زرد و بنفش و ...) استفاده شود.	

سید علی اصغر مسدد، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.

اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۲) بررسی و مقایسه آموزش معماری منطبق با دیدگاه لنگ با حرفه آموزشی معماری سنتی در ایران، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، دانشگاه تهران.

بهروزفر، فریبرز و دیگران (۱۳۷۸) رابطه همسازی تراکم در مسکن و وضعیت تحصیلی کودکان دبستانی، نشریه شماره ک- ۲۹۷ مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.

بهروزفر، فریبرز (۱۳۸۰) مبانی طراحی فضاهای باز نواحی مسکونی در تناسب با شرایط جسمی و روانی کودکان، تهران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

بهزادفر، مصطفی و امیر شکیبامنش (زمستان ۱۳۸۷) جایگاه راهنمای طراحی در فرآیند طراحی شهری و نقش آنها در ارتقاء کیفیت فضای شهری، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۱.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.

پورجعفر، محمدرضا و هادی محمودی نژاد (۱۳۸۹) بررسی تحلیلی چگونگی برانگیزش آفرینشگری کودکان در طراحی فضاها و محوطه های شهری با تاکید بر رابطه «خلاقیت» و «طراحی کالبدی» فضاهای بازی کودکان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۶۳-۸۲.

پیاژه، ژان (۱۳۷۶) تربیت به کجا ره می سپارد، ترجمه دکتر منصور و دکتر دادستان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

پیام یونسکو (۱۳۷۱) خشونت، شماره ۲۷۳، تهران؛ سازمان ملی یونسکو در ایران.

جامعه مهندسان مشاور ایران، گروه شهرسازی (۱۳۸۶) استانداردهای برنامه ریزی و طراحی شهری، جلد اول، تهیه طرح و انواع طرح ها، چاپ اول، تهران دریکسل، دیوید (۱۳۸۶) ایجاد شهر های بهتر با کودکان و جوانان، ترجمه مهنوش توکلی، نشر دیبایه، تهران.

ذکاوت، کامران (پاییز ۱۳۸۶) اتخاذ تصمیمات راهبردی در چارچوب طراحی شهری عباس‌آباد تهران، فصلنامه آبادی شماره ۵۶

رازجویان، محمود (۱۳۷۶) نگاهی به ائتلاف معماری و علوم رفتاری در نیم قرن گذشته، مجله صفا، سال ششم، شماره ۲۳، تهران، انتشارات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

رستگار امیر (۱۳۸۷) راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک، نمونه موردی ارتقاء کیفیت بسترهای فضایی واحدهای همسایگی تا مدرسه برای کودکان ۷ تا ۱۲ سال، -۱۳۸۷، پایان نامه دانشگاه شهید بهشتی.

شاه آبادی فراهانی، حمیدرضا (۱۳۸۲) مقدمه‌ای بر ادبیات کودکان: بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی، تهران، انتشارات کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۹) ادبیات کودکان، انتشارات اطلاعات، تهران.

عبدالله‌زاده، اکبر و علی خیابانیان (خرداد ۱۳۸۶) لزوم فرایند در طراحی شهر، هفته نامه نقش نو غفاری، علی (۱۳۷۷) مبانی طراحی فضاهای متوالی در معماری شهری، نشریه علمی پژوهشی صفا، سال دوم شماره‌های ششم، هفتم و هشتم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

کامل نیا و حقیر (۱۳۸۸) الگوی طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک؛ باغ نظر، شماره ۱۲.

کامل نیا، حامد؛ حقیر، سعید (۱۳۸۸) الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک نمونه موردی شهر دوستدار کودک بم، باغ نظر، شماره دوازده، سال ششم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

کوان، رابرت (۱۳۸۶) اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار، انتشارات نقش پیراوش.

گلکار، کورش (۱۳۸۵) کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، تهران مرکز مطالعه و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

لافون، پی یرلویی رابرت (۱۳۶۹) آنچه باید درباره ریشه‌های روانی رفتار کودکان خود بدانید؛ ترجمه:

محمد حسین سروری، تهران، انتشارات همگام. مطلق زاده، رویا (۱۳۷۹) وسایل بازی کودکان، معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، سازمان زیبا سازی.

منصوری، سید امیر (۱۳۸۹) چستی منظر شهری (بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران)، ماهنامه منظر، شماره ۹

نراقی رضوانی، اشکان (۱۳۸۹) تهیه راهنمای طراحی شهری برای طراحی نمای ساختمان‌های نو در کنار جداره‌های با ارزش تاریخی، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران، تهران.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۶) انسان و سمبل‌هایش، ترجمه حسن اکبریان طبری، تهران، انتشارات یاسمن.

BONFANTINI, GIUSEPPE BERTRANDO (2015) Quale perequazione? ARCHIVIO DI STUDI URBANI E REGIONALI

Moroni, Stefano (2014) Complexity and the inherent limits of explanation and prediction: Urban codes for self-organizing cities, *Planning Theory* August 2015 vol. 14 no. 3 248-267

Chawla, L. (2002). *Growing up in an urbanising world*, London: Earthscan Publications Ltd.

Chawla, L.(2002). "Insight, creativity and thoughts on the environment": integrating children and youth into human settlement development. *Environment and Urbanization*, 14, 2, 11-21

Chawla,L. & Heft, H. (2002), Children's competence and the ecology of communities: functional approach to the evaluation of participation, *Journal of Environmental Psychology*,22,201-216

Egretta Sutton, Sh. & Kemp,P. (2002). Children as a partner in neighborhood place making, *Journal of Environmental Psychology*, 22,171-189.

Frank, Kathryn I. (2006). "The Potential of Youth Participation in Planning." *Journal of Planning Lit-*

erature, Vol. 20, No.4

Jacobs, J. (2000), The Uses of Side Walks Safety, In: The City Readers (R.T. Legates and F.Stout, Eds.), Routledge, London.

Jones, O'wain (2002); Naturally Not: Childhood, the urban and Romanticism; Journal of Human Ecology Review; Vol:9 No:2; 17-30

Lee, N. (2001), Childhood and Society: Growing up in an age of uncertainty, open university press, Buckingham

Moore, R. (1996) 'Compact Nature: The Role of Playing and Learning Gardens on Children's Lives', Journal of Therapeutic Horticulture, 8, pp72-82.

Moore, R. C. (1990), Childhood's domain: play and place in child development, CA: MIG communication, Berkely

Skivenes, Marit & Strandbu, Astrid (2006), A child perspective and children's participation, Journal of Children Youth and Environment; No:16 (2); 10-27; Retrieved 29 June, 2008 from <http://www.colorado.edu/journals/cye>

Smith, Michael. (2008) Child/Youth Friendly City; Available at: [www.miyo.casefoundation.org / node/7970/blog](http://www.miyo.casefoundation.org/node/7970/blog).

UNICEF RC. 2005b. Child Friendly Cities, A Progress Report on the CFC Initiative in Bam, IRAN. UNICEF Resource Centre. www.unicef.org/iran/IRN_resources_CFC_eng-PDF.pdf.

UNICEF. (2004). Building Child friendly Cities: a Frame Work for Action. Available at: [ttp://www.childfriendlycities.org/pdf/cfc_booklet_eng.pdf](http://www.childfriendlycities.org/pdf/cfc_booklet_eng.pdf).

Gindrouz et al, Urban Design Associates, (2003), "the urban design hand book", "techniques and working methods". New York

Cowan, R. (2005), the dictionary of Urbanism, street-wise press London

Rainer Mayerhofer, (2007), Methodology of Urban Design, aesopo5 vienna

Moughtin, cliff and others, (1999), urban design methods and techniques

Lorenzo Ray - Francis Mark. (2002) Seven Realms of Children Participation", University of California, Davis, U.S.A. Milano, Italy

Mayor of London-Children's and Young People Units- "Making London Better for All Children and Young People"- 2003 -available on: www.london.gov.uk

Gils, J. Van - European Networks, Children Friendly Cities Chairman ENCFC 30/10/2006



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی شهری با رویکرد معنویت بخشی به فضا؛ نمونه موردی: مساجد شبستانی دوره قاجار به بازار شهر تبریز

بهرام احمدخانی ملکی* - دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.
فرزین حق پرست - استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.

Qualitative Daylight Measurement in the Urban Religious spaces with the Emphasis on Enhancing Spirituality in Place; A case study: SHABESTANI Mosques of Qajar Era in Tabriz Bazar

Abstract

The effect of light in Islamic architecture is very important. Its importance and spread is undeniable. It is an important factor in making mosque space spirituality heightened. Light is one of the affecting parameters on the value of space as the most non-material sensible element of nature which is always present in Iranian Islamic architecture. It always creates a mystical atmosphere in the place, especially religious places. In the past Iranian architecture, the application of light always comes with special elegance which improves the quality of the atmosphere of the architecture. Today, the attitude of the quantification and semantic aspects being ignored in the design of spaces often has caused to design light to provide the light needed for the reduction of physical activity. The purpose of writing this article is the introduction of quality assessment methods based on the seven principles of the light from the verse of light of the holy QURAN. The present research methods for logical argument based on analytical descriptive and based on the field observations and library resources; The main findings of the research are as follows: a) introduction of qualitative principles of the light based on the verse of light, b) introduction of qualitative principles of the light in architectural body of religious spaces, c) introduction of objective and qualitative principles of light in religious spaces, d) introduction of the information extraction method for investigation and understanding of strength and weaknesses of the light in creation of spiritual spaces.

Keywords: Qualitative light, religious space, spiritual space, Tabriz mosque of QAJAR era.

چکیده

تأثیر نور در معماری اسلامی انکار ناشدنی است و از اهمیت و گستردگی معنایی زیادی برخوردار است و یکی از عوامل و مولفه های مهم در فضا سازی معنوی و روحانی مساجد می باشد. نور از عوامل موثر بر ارزش فضایی است که به عنوان غیرمادیترین عنصر محسوس طبیعت همواره در معماری ایرانی اسلامی وجود داشته و همواره حسی عرفانی به فضا به ویژه به فضاهای مذهبی میبخشد. در معماری گذشته ایران به کارگیری نور همراه با ظرافت های خاصی بود که ارتقای کیفی فضای معماری را سبب میشد. امروزه نگرش کمیتی و نادیده گرفته شدن جنبه های معنایی در طراحی اغلب فضاها موجب گشته تا طراحی نور به تأمین نور مورد نیاز برای فعالیت های فیزیکی تقلیل یابد. هدف از نگارش این مقاله، معرفی روش سنجش کیفی نور بر اساس اصول هفتگانه مستخرج از آیه نور میباشد. روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی بر مبنای استدلال منطقی بوده و بر اساس منابع کتابخانه ای و مشاهدات میدانی تهیه شده است. یافته های اصلی تحقیق عبارتند از: الف) معرفی اصول کیفی نور منطبق بر آیه نور؛ ب) معرفی نمودهای عینی اصول کیفی نور در کالبد معماری فضاهای عبادی؛ ج) معرفی معیارهای ارزیابی نمودهای عینی اصول کیفی نور در فضاهای عبادی؛ د) معرفی نحوه استخراج اطلاعات جهت بررسی و شناخت نقاط ضعف و قوت نور در آفرینش فضای معنوی.

واژگان کلیدی: نور کیفی، فضای عبادی، فضای معنوی، مساجد قاجار به تبریز.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۴۰۱۱۷۱۵، رایانامه: b.ahmadkhani@tabriziau.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری معماری اسلامی با عنوان «مقام نور؛ ارزیابی کمی و کیفی نور (روز) در مساجد تاریخی تبریز با رویکرد معنویت بخشی به فضا» می باشد که توسط نگارنده اول و با راهنمایی نگارنده دوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

ج) روش پژوهش
روش تحقیق، موردپژوهی با استفاده از راهکارهای ترکیبی است که برای انجام آن از تکنیک‌های تحلیلی توصیفی استفاده می‌شود. روش جمع‌آوری اطلاعات مراجعه به منابع مکتوب و کتابخانه‌ای، همزمان با مطالعه میدانی با مراجعه به نمونه‌های موردی است. فرآیند تحقیق حاضر به صورت نمودار (۱) می‌باشد.

۲. ادبیات موضوع

الف) جایگاه نور در فرهنگ و معماری ایرانی اسلامی
بنیاد هستی و بزرگترین حقیقت عالم را در نور میتوان یافت. حضور نور در آثار معماری، در طول دوره‌های مختلف تاریخی (پیش از اسلام و پس از ورود آن به ایران) چه از جنبه عملکردی نور که عاملی برای روشنایی و حیات‌بخشی در فعالیت‌های روزانه بوده است و چه از جهت اهمیت آن در مباحث اعتقادی ادیان، همواره مورد توجه و استفاده فراوان بوده است. قرن‌هاست که عارفان در ستایش نور در مقام جوهری معنوی سرودها خوانده و شعرها سروده‌اند. انگیزه روی کردن به سوی نور و فروغ در هنگام پرستش خداوند در آیین زردشتی به روشنی در این سخن آشورزدشت هویدا است: «چون خداوند یا نور کل به دیده ظاهری ما دیده نمی‌شود، پس باید با دیده ظاهریین رو به سوی انوار صوری یا ظاهری نموده و از این راه وجدان معنی بین را به سوی نور معنوی یعنی اهورامزدا راهنمایی کرد» (وشیدری، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

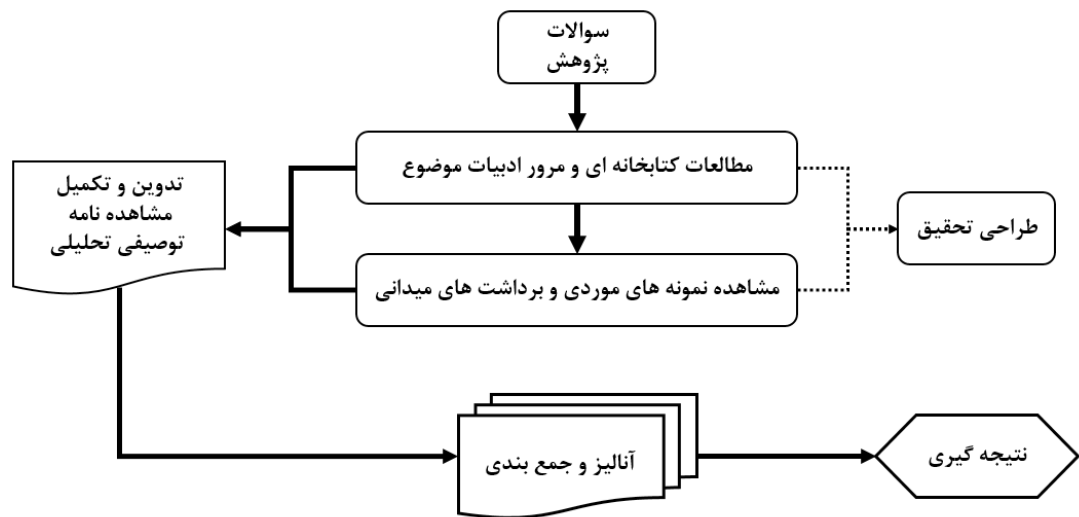
فرهنگ اسلام، مفهوم اصیلی از نور ارایه می‌دهد که با تاویل عالمانه و در سایه ژرف‌نگری قابلیت رمزگشایی دارد. واژه نور و متعلقات آن چهل‌ونه بار در قرآن ذکر شده است و در معانی مختلفی چون ایمان، یقین، پاکی، رحمت، هدایت‌گری، قداست، نور عقل که ظلمت جهل را ویران می‌کند و ... آمده است. در آیه ۳۵ سوره نور «اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ...» که کامل‌ترین آیه نوری قرآن محسوب

همیشه هنگامی که از بعد قدسی و کیفیت معنوی فضا سخن به میان می‌آید، شاید هیچ پدیده‌ای به نزدیکی از حیث خصوصیات چون نور و روشنی، با آن مشابهت نداشته باشد. «نور» از مهمترین عناصر تشکیل‌دهنده فضایی به شمار می‌آید که علاوه بر پویایی و روشنایی در فضای معماری می‌توان به احساسات معنوی و باطنی آن در «فضای عبادتگاه» اشاره نمود. یکی از عوامل عمده در افکار انسان شرقی رسیدن به کمال تقرب الهی و توسل به خداوند متعال است که نور یکی از ارزشمندترین موهبت‌های خدادادی و یکی از عوامل موثر بر ارزش فضایی این مکان مقدس است که در خور تحقیق است. در این تحقیق سعی شده است که ضمن استخراج اصول کیفی نور از آیه نور (آیه ۳۵ سوره مبارکه نور)، معیارهای ارزیابی نور در چگونگی آفرینش فضای معنوی را تدوین نمود. با تدوین این روش، طراحان می‌توانند در روند طراحی معماری فضاهای عبادی، نسبت به تنظیم و بهینه‌سازی نقش نور (روز) اقدام نمایند و فراتر از آن می‌توان نقاط ضعف، نقش کیفی نور در فضاهای عبادی معاصر (و حتی تاریخی) را شناسایی و نسبت به مرتفع ساختن آنها اقدام نمود. امید آن که اصول و معیارهای معرفی شده، چشم‌اندازی جامع از مفاهیم عالی حضور کیفی نور در جهت ایجاد فضاهایی منطبق با نیازهای معنوی، فرا راه انسان معاصر قرار دهد.

۱. فرآیند پژوهش

الف) هدف پژوهش: هدف تحقیق حاضر عبارت است از: معرفی روش سنجش و ارزیابی کیفی نور(روز) در فرآیند آفرینش فضای معنوی.

ب) سوالات پژوهش: الف) نور(روز) با چه اصولی می‌تواند نسبت به تغییر مشخصات کیفی فضا و تبدیل آن به مکان مقدس عمل نماید؟ ب) چگونه می‌توان نسبت به ارزیابی و سنجش کیفی نقش نور(روز) در معنویت بخشی به فضای عبادی عمل



نمودار ۱. فرایند پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

می‌شود؛ مراد از نور، نوری است که حقیقتاً اسم نور به آن اطلاق می‌شود (سهروردی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۵): نوری حقیقی و بسیط که اولاً به خودی خود روشن است. ثانیاً، روشنی‌بخش است و غیر خود را آشکار می‌کند یعنی «الظاهر بذاته و المظهر لغيره هو النور» (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲، صص ۱۱۴-۱۱۳). از این رو اطلاق نور به ذات مقدس خداوند، حقیقی است و به سایر انوار، نور مجازی اطلاق می‌شود؛ و بدین سان است که تجلی ذات مقدس خداوند، نور است؛ زیرا اگر تجلی، عَرَض باشد و بر نور اضافه شده باشد لازم می‌آید که نور فی نفسه قابل رویت نباشد و خود به وسیله چیز دیگر که فی نفسه قابل رویت است، دیده شود (لاهوری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰). اولین جایگاه تجلی هنر ایرانی و اسامی، در معماری مساجد است که فضا و مکانی برای ارتباط نورالانوار می‌باشد (بمانیان، عالی‌نسب، ۱۳۹۰، ص ۵۴۳). معماران در ساختن مساجد که نماد معماری مذهبی به شمار می‌رود علاوه بر استفاده مادی از نور، مفهوم نمادی اعتقادی آن را نیز لحاظ کرده‌اند (کشمیری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

ب) اصول کیفی نور مستخرج از آیه نور

آیه نور، آیه ۳۵ سوره نور است. ابتدای آیه، با جمله

«الله نور السموات والارض» آغاز شده است. سوره مبارکه نور را به دلیل وجود همین آیه، «سوره نور» نام نهاده‌اند. این آیه کریمه از نظر تفسیر، یکی از آیات مشکل قرآن مجید است. به ویژه قرآن کریم در پایان همین آیه جمله‌ای ذکر می‌کند که نشان می‌دهد این آیه بسیار قابل تدبر و تامل است. و هرکسی به اندازه ظرفیت خود چیزی از این آیه کریمه می‌فهمد. چون بعد از ذکر مثل در پایان می‌فرماید: «و یضرب الله الامثال للناس» خدا مثلها را برای مردم ذکر می‌کند. در بعضی آیات دیگر می‌فرماید: «خدا مثلها را برای مردم ذکر می‌کند ولی به عمق این مثلها نمی‌رسند مگر عالمان.» این نشان می‌دهد که مثلهای قرآن عمق‌هایی دارد که هرکس نمی‌تواند ادعا کند که به عمق آنها رسیده است.

مسئله اساسی در این مقاله چگونگی واکاوی آیه مبارکه نور و وصول به مفهوم حقیقی تمثیل‌های موجود در آن، از رهگذر تأویل فلسفی عرفانی ملاصدراست. صدرالمآلهین شیرازی در تبیین دقیق آیات و مفاهیم قرآنی و راهیابی به تأویل صحیح آیات مباحث مهمی را به شیوه فلسفی و اشراقی و عرفانی و فراتر از اندیشه مفسران قرآن و متکلمان و

حتی فیلسوفان و عارفان مطرح می‌کند. ملاصدرا در روش تفسیری خود بر این باور است که باید با حفظ ظاهر به معنای نهفته در پس واژگان قرآنی پی‌برد. بنابراین، بر مفسر است که از معنای ظاهری آغاز کند و پس از دریافت معنای ظاهری، با ترک حواس جسمانی و استمداد از حواس باطنی، روح انسانی به ملکوت عروج کند و از راه مکاشفه به معنای حقیقی زلال و بدون حجاب آیات قرآن نایل آید (صدرای شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۶۹-۶۸).

با توجه به نظر صدرا درباره تأویل، پرواضح است که وی باطن را متمم و مکمل ظاهر می‌شمارد، چراکه اگر ظاهر نبود، عبور به باطن و راه یافتن به حقایق بلند نهفته در پس واژگان قرآنی امکان‌پذیر نبود (همان، صص ۱۳۹-۱۳۶). به اذعان ملاصدرا، وی بر اساس روش تفسیری خویش ضمن قبول ظواهر آیه اسرار و رموز پنهان آن را جست‌وجوی می‌کند و به یاری مبانی فلسفی و مکاشفه و اشراق الهی حقایق آیه را آشکار می‌کند.

در آیه نور، به اعتقاد نگارندگان، قرآن کریم درصدد بیان مسئله‌ای کلی است و آن این که هر فیضی که از جانب خداوند نازل می‌شود، دارای نظامی است؛ نظامی مشخص که سیر نزولی رحمت الهی را تعیین بخشیده و بدان معنا می‌دهد؛ یعنی قرآن کریم درصدد بیان آن است که در هر سیر نزولی ناگزیر از نظامی هستیم و هر فیضی در قالب نظام متناسب با خود نازل می‌شود و سیر صعودی نیز با توجه توجه به سیر نزولی است که معنا می‌یابد. با توجه به آن که خداوند در آیه نور در مقام بیان اصلی کلی است، پس تأویل این آیه نیز باید به صورت کلی باشد و قابلیت پذیرش و انطباق بر فیوضات مختلف از نظام‌های متفاوت را داشته باشد. بر این اساس، نگارندگان اصولی را از متن آیه نور استخراج نموده است که آنها را اصول کیفی هفتگانه نور (روز) معرفی می‌نماید. با توجه به اینکه قرآن وابسته به مکان و زمان نیست لذا این اصول مستخرج نیز قابلیت تعمیم‌پذیری در هر زمان و مکانی را دارد.

نگارندگان آیه نور را به هفت قسمت، جزءبندی نموده و بر اساس مفاهیم مستتر در آنها و به شیوه تفسیر ملاصدرای، اصل صادر شده از آنها را بیان نموده است. این اصول کلی به قرار زیر می‌باشند:

۱. **اصل اول:** «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ اصل هستی بخشی نور: خدا روشنگر هستی است. چرا که خداوند با پرتو لطف خود جهان را از نیستی به هستی آورده است و آن را پدیدار کرده است. هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور اوست، قوام و بقای هستی از اوست. در سراسر حکمت ایرانی، رابطه رمزآمیز تعریف مبداء هستی بخش به واسطه نور به معنی هست شدن و موجود بودن به واسطه بود و وجودی است که با نور تعریف و شناخته شده است. حضور نور در اثر معماری وجود را تداعی می‌کند و وجود نور علت موجودیت را نشان می‌دهد. از این رو موجود که-در اینجا معماری است- هستی‌اش وابسته به نور است، نور را که علاوه بر پدیداری کالبد مسبب پدیداری اساس حقیقت آن می‌شود، حقیقتی که ورای کالبد وجود دارد. نور با حضور خود وجود را معنا می‌بخشد و از این رو کالبد معماری را با وجود حضور کیفی خود زنده می‌کند.

۲. **اصل دوم:** «مَثَلُ نُورِهِ كَمَشْكُوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»؛ اصل ذومراتبی نور: در این مثال، خداوند خود را به (مصباح) و جهان را به (مشکاة) تشبیه فرموده است و مرادش از (زجاجه) پرده‌ای است که خداوند خویشتن را در فراسوی آن از چشم خلائق پنهان کرده است. ولی این پرده نه تنها پنهان نمی‌دارد، بلکه بر شدت ظهور نیز می‌افزاید. نقش زجاجه در اینجا به عنوان تعدیل‌کننده و پخش‌کننده نور است. مصباح که در عرفان و حکمت نوری کورکننده است و دارای شدت بیشتری می‌باشد توسط زجاجه در فضا پخش شده و بدین وسیله تلطیف می‌گردد و انسان با آن انس بیشتری پیدا می‌کند. علامه طباطبایی نیز چنین می‌فرماید: «تشبیه زجاجه به کوكب دری، از جهت ازدیاد روشنایی نور مصباح

است و شفافیتی که بر اثر ترکیب با زجاجه پیدا نموده است، که در آن صورت شعله، آرامش بیشتری یافته و بر اثر امواج هوا و وزیدن باد، اضطراب پیدا نمی‌کند، با این وصف، زجاجه همچون کوب درّی می‌درخشد» (طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ۱۲۳).

۳. **اصل سوم:** «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ»؛ اصل عدالت (بی‌جهتی و همه‌جهتی): از آنجا که این جمله وصف برای شجره است و مقصود از آن درخت زیتون است منظور از «لا شرقیه ولا غربیه» این است که همواره در تمام جهات برخوردار از آفتاب است تا ثمره آن نیکو گردد. این امر موجب می‌گردد فضای عبادی از نور یکنواختی برخوردار بوده و هیچ قسمتی نسبت به قسمتی دیگر برتری نداشته باشد. اینگونه فضا به اصطلاح بهتر، فضای مالامال از نور است. معماری ما، در بالاترین و کلی‌ترین مرتبه طرح، حاوی بی‌جهتی است. این نکته را می‌توان در مبنای طرح حیاطی چهار ایوانی در مسجد یا مدرسه یا کاروانسرا و غیره آن دید. یا در قرارگیری فضاهای پراهمیت در میانه اضلاع حیاط یک خانه و یا فضای سرپوشیده یک تیمچه یا سرای بازار و نیز در طرح یک کوشک با گنبدی مرکزی و چهار ایوان رو به چهار جهت در اطراف آن، بوضوح مشاهده کرد. وجود نماهای مشابه چهار جهت داخل یک گنبدخانه، نشستن طاقنماها یا قوس‌های یکسان در چهار سوی یک تالار یا هشتی ورودی یک خانه و بسیاری دیگر نیز این بی‌جهتی کلی فضاها را چه در کل طرح و چه در اجزا آن متصور می‌کند.

۴. **اصل چهارم:** «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيَاءً وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»؛ اصل نفی ماده: این مثال به این اشاره دارد که آن چراغ (مصباح) از روغنی فروغ می‌گیرد که به آن روغن، آتش نرسیده است. به روشنی می‌توان مفهوم نفی مادیت را در این مثال دید. بر این اساس نور مصباح، نور درون نهفته است و وابسته به ماده (روغن) نیست. پس نور خدا از ذات اوست نه از عوامل بیرونی. ماده زدایی در معماری عملی

کیمیایی است. کیمیا از نظر متفکر ایرانی چون نصر «راهی برای هشیاری از فریب غفلتی است که آن را جهان می‌نامیم، و این هشیاری به میانجی‌گری مشاهده اصلی طبیعت و سهیم شدن در رویای نفس عالم از طریق ازاله سدهای محدود کننده روان فردی حاصل می‌شود» (نصر، ۱۳۸۹، ص ۲۶۵). و این عملی است که معمار ایرانی آن را به مدد اکسیر نور در فضا انجام داده است. در واقع در تبدیل، عملی که در فرایند کیمیاگری روی می‌دهد، آنگونه اکسیر در سیماهای آشکار و نهان فلز دخالت می‌کند و بر آنها اثر می‌گذارد تا آن را به نسبت کامل موجود در طلا برساند.

۵. **اصل پنجم:** «نُورٌ عَلَى نُورٍ»؛ اصل استمرار و تداوم: روشن‌گری خداوند همیشگی و دائمی است. افاضه فیض رحمانی به صفت جمالی و جلالی سبب تداوم و استمرار جهان هستی می‌شود؛ یعنی به مشیت الهی، موجودات به صفت جلالی نابود می‌شوند و به لطف خداوندی به صفت جمالی موجودیتی تازه می‌یابند. حضرت حق تنها وجود حقیقی است و پدیده‌ها همه ظهور و تجلی و پرتو اویند. آنها هیچ استقلالی از خود ندارند و عین تعلق به خداوندند. تجلی حضرت حق به دلیل توسع الهی تکرارپذیر نیست. از این رو تجلی او مدام است و با نفَس رحمانی‌اش (بسط وجود بر اعیان)، دم به دم آفرینش نو می‌شود. بر این بنیاد، خلق جدید (آفرینش مدام) همان تجلی مستقر و تکرارناپذیر حق است. با تجلی جمالی حق، پدیده‌ها بقا می‌یابند و با تجلی جلالی، فانی می‌شوند. این بقا و فنا و خلع و لبس دائمی است (خلق مدام).

۶. **اصل ششم:** «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»؛ اصل حرکت و جهت: سیر یا حرکت طبیعت نور طبیعی، علت وجود عینی نور است. از این رو به کارگیری اندیشیده ابزارهای بیانی معماری به منظور تاکید و نمایانی حرکت که شاخصه نور شناخته شده موجود در هستی است، از جمله خصوصیات است که برپایی آثار معماری قدیم ایران از آن متأثر است.

حرکت عاملی وابسته به زمان است و در معماری قدیم ایران با نور تعریف می‌شود. به سخن دیگر حرکت عامل تعیین‌کننده زمان قراردادی (طلوع و غروب خورشید و ...) می‌شود و تغییر ناشی از حرکت در سیر زمان، تلقی از «بودن، ماندگاری و زندگی و منبع باشیدن» است.

۷. اصل هفتم: «و يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ اصل آیتی: در معماری هر اثر برپا شده بیانگر است و در جوامع وابسته به سنت هر عمل معمار در برپایی مکان رخداد زندگی متعلق به آن، نشانه و ردپایی را از مبانی شکل دهنده به آن زندگی آشکار می‌کند. بیانگر از این رو که مضمون متن آن تبیین کیفیت زندگی انسان است و نشانه از آن رو که نشان از ملاحظیات حقیقت زندگی متصور برای آن دارد. این تبیین و نشانه داشتن به وجه چند سویه نور، مفهوم نشان داشتن از محتوایی را که اساس زندگی بر پایه آن شکل گرفته است روشن می‌سازد. به سخن دیگر نور از حیث مقام بیانگری معماری، نشان از اصل نور، نورالانوار دارد؛ ردپایی از حضور دارد که چه در عالم ماده و چه در عالم نفس تعریف شده است. نور در غالب نقشی که در معماری ایران قدیم دارا بوده است حضوری «غیرمستقیم» و «آیتی» دارد.

ج) نمودهای عینی اصول کیفی نور در فضاهای عبادی

مکان یک مفهوم عینی و ذهنی است که مفاهیم آن می‌تواند در کالبد بنای معماری جلوه‌گر شود. نور بیشترین تاثیر بصری در ایجاد گسیختگی فضای مقدس از فضای بیرون را دارا می‌باشد و به عنوان یک متغیر مستقل بر هر دو جنبه مفاهیم یک مکان مقدس تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر توجه به نور و فلسفه آن در مساجد می‌تواند کالبد عینی مساجد را به مفاهیم عمیق ذهنی و معنوی نزدیک کند و معماری مسجد را به سمت معماری یک مکان مقدس که نمایانگر وجود الهی است، سوق دهد. در هر بنایی که مفاهیم نقش قابل توجهی

دارند، معماری می‌تواند نمود بخش این معانی باشد. چنانچه این تجلی به نحو احسن انجام یابد؛ ابعاد بیشتری از وجود انسان درگیر شده و معماری به هدف خود نایل خواهد آمد. در بنایی چون مسجد که جنبه‌های معنایی نقش به مراتب موثرتری دارند؛ توجه به آنها، بناها را در ذهن مخاطب دلنشین تر جلوه داده و او ناخودآگاه در انتخاب فضای عبادت از بین چند گزینه، به نمونه‌ای روی خواهد آورد که بتواند این توجه را در آن جلوه‌گر ببیند. نور به عنوان صورتی از معنا و نمادی از وجود خداوند، جایگاه مهمی در تبلور این مفاهیم داراست و چگونگی ظهور آن به درک بهتر حضور یاری خواهد رساند. به منظور بررسی کیفیت نور روز در مساجد منتخب، اصول کیفی هفتگانه نور، منتج از آیه نور مورد تطبیق و مقایسه قرار خواهد گرفت. این اصول مهمترین مفاهیم مورد انتظار از نور می‌باشد که وظیفه معماری کمک به تجلی آنهاست. این اصول به عنوان متغیرهای کیفی تحقیق حاضر بوده که در صورت نمودبخشی معمارانه و عینی نمودن مفاهیم مذکور، قابل سنجش در حیطه متغیرهای کمی هم‌ارز خواهد بود. نگارندگان در این بخش نسبت به معادل سازی مفاهیم کیفی نور در معماری اقدام نموده و در آخر آنها را مورد سنجش و ارزیابی از طریق برداشت های میدانی قرار خواهد داد. استنتاج معادل معمارانه برای اصول کیفی هفتگانه نور به شرح ذیل می‌باشد:

اصل اول: اصل هستی‌بخشی؛ این اصل مبتنی بر اصل یگانگی و توحید خداوند بوده و منشاء پیدایش همه امور از سوی او می‌باشد. این اصل در معماری نقش جان بخشی به کالبد را برعهده دارد لذا شایسته است به صورت طبیعی و با رنگ خالص خود وارد فضای عبادی گردد. از طرفی دیگر با توجه به اینکه این نور زمینی نیست لذا لازم است بازشوها در ارتفاعی بالاتر از چشم انداز انسانی باشد. عرفا در مورد مقام ذات بر این باورند که مرحله کنه و حقیقت ذات خداوند از دسترس اندیشه بشر خارج

است؛ به همین جهت در عرفان از مرتبه ذات تعبیر به غیب الغیوب می‌شود؛ یعنی غایب و مخفی‌ای که از آن غایب‌تر نیست (یزدان پناه، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷) و این امر می‌طلبد که منبع نور از دید کاربر مخفی یا بالاتر از تراز ارتفافی چشم باشد و حضور آن در فضای عبادی به صورت غیرمستقیم باشد. اندیشمندان از اهل عرفان بر این باورند خداوند به لحاظ تجلیات نیز دارای مقامات متعدد است لذا می‌توان با نظام بندی مشخص نورگیرها چه در دیوارها و چه در سقف، یک کل واحد بوجود آورد. بنابراین می‌توان در نمود بخشی معمارانه به اصل هستی بخشی نور، (نحوه) حضور نور، رنگ نور، (نحوه) حضور بازشو، نظام توزیع بازشوها را معادل کمی مفهوم کیفی فوق دانست.

اصل دوم: اصل ذومراتبی نور؛ فلاسفه مسلمان غالباً برای تحلیل و توجیه کثرات عالم، از راه شدت و ضعف و تشکیک وارد شده‌اند. در حکمت اشراقی، ماهیت جوهری نور را حقیقتی تشکیکی شمرده‌اند که از شدیدترین نور یعنی نورالانوار آغاز می‌شود و تا ضعیف‌ترین نور امتداد دارد. حکمت متعالیه نیز حقیقت وجود را واقعیتی ذومراتب و تشکیکی می‌داند که از وجود بی‌نهایت شدید شروع می‌شود و تا ضعیف‌ترین وجود یعنی وجود هیولا و ماده نخستین امتداد می‌یابد (همان، ص ۳۰۸). بر این اساس تنظیم میزان نور در فضای عبادی یک ضرورت است به طوری که سلسله مراتب شدت نوری در فضا توسط کاربر قابل درک و دریافت باشد. این امر نمودی از هدایت به مراتب بالاتر را متجلی می‌سازد. محراب به عنوان مهمترین قسمت فضای عبادی، شایسته برخورداری از بالاترین میزان نور در لایه افقی و عمودی خود است. درخشندگی جبهه قبله در فضای عبادی ضمن تاکید عرفانی بر محراب و سوی کعبه، دعوت‌کنندگی در فضا را توسط نور افزایش می‌دهد. لازمه این امر قرار دادن نورگیرهای مناسب در ارتفاع بالاتر از دید انسانی و در جبهه قبله (محراب) می‌باشد. بدیهی است که

انتظام بازشوها در فضای عبادی می‌تواند در تحقق این امر موثر بیافتد. بنابراین نظام توزیع نور، (نحوه) حضور بازشو، نظام توزیع بازشوها نقش موثری را در این حوزه خواهد داشت.

اصل سوم: اصل عدالت؛ از دیدگاه قرآن کریم عدل در سراسر نظام آفرینش جاری است و نسبت به همه موجودات و همه هستی از آن جهت که فعل خداوند متعال هستند جریان دارد. به تعبیر قرآن کریم هم نظام طبیعت و هم نظام ملکوت، عادلانه می‌باشد. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (سوره مبارکه حدید، آیه ۲۵). بنابراین سبب پویایی عدل در سراسر هستی چه در نظام تکوینی و چه در نظام تشریح، خداوند متعال خواهد بود. از نظر نگارندگان مفهوم عدالت این است که در فضای عبادی، توزیع نور در طول سال متعادل بوده و هر قسمت از فضای عبادی متناسب با نوع عملکردی که می‌پذیرد؛ نور مورد نیاز خود را داشته باشد. طبیعتاً نظام قرارگیری بازشوهای دیواری و سقفی در نحوه توزیع نور در فضا و پذیرش عملکرد متناسب با نور دریافتی موثر خواهند بود. فضای عبادی با محوریت محراب، نقش اساسی در سنجش میزان توزیع نور در فضای عبادی را دارد. حضور تقارن در فضا و همچنین آرایش نورگیرهای سقفی در درک تعادل بصری محیط توسط کاربر از ملزومات تحقق این مهم در فضای عبادی می‌باشد. لذا برای نمود این اصل در کالبد فضای عبادی، نظام توزیع نور، نظام توزیع بازشوها نقش موثری را ایفای می‌نمایند.

اصل چهارم: اصل نفی ماده؛ از دیدگاه نگارندگان این اصل در فضای عبادی زمانی اتفاق می‌افتد که ارتباط عمیق‌تری بین عبد و معبود برقرار شود و حصارهای فیزیکی فضای عبادی از دیده‌گان کاربر برچیده شده و همه فضا برای او نور گردد. به عبارت دیگر عروج روحانی در فضا صورت پذیرد. مهمترین اصل در عینیت بخشی به مفهوم عروج، تعالی نگاه است، چراکه اوج در ادراک انسان در

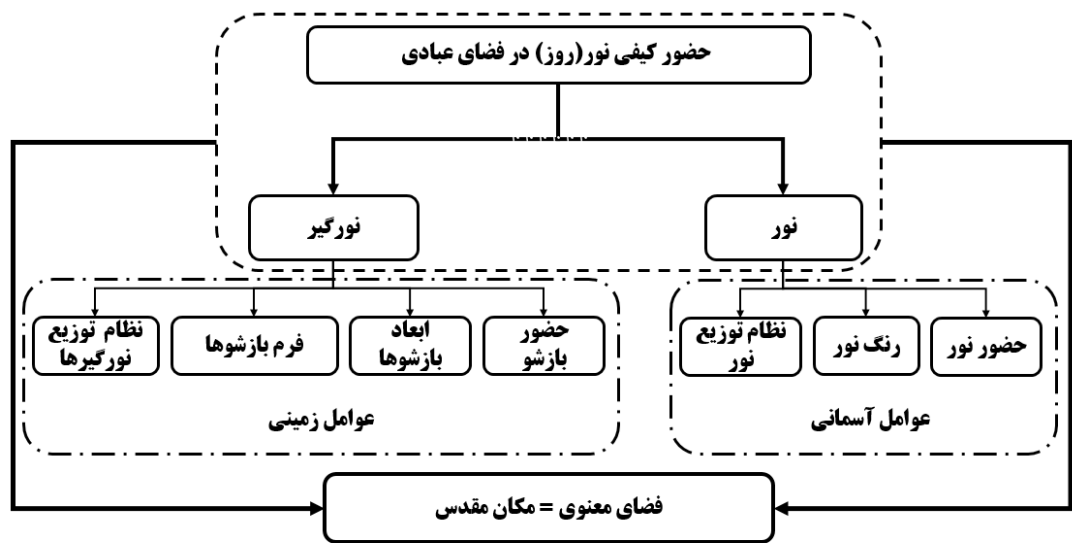
ارتفاعی بالاتر از مقیاس انسانی معنا می‌یابد و لذا دارا بودن ارتفاعی شاید آسمانی برای بازشو در تجلی مفهوم عروج در ذهن مخاطب امری لازم تلقی شود. ارتفاعی آسمانی برای بازشو، باعث قطع ارتباط بصری با جهان مادی می‌شود. چشم هنگام عبور از کف به سوی سقف، درجات مختلف تاریکی و روشنی را تجربه می‌کند.

در کنار این امر، ابعاد بازشوها نیز مهم جلوه می‌نماید. از آنجا که دستگاه ادراکی انسان «تعرف الاشیاء باضدادهم» می‌باشد، وجود سایه در کنار نور ضروری به نظر می‌رسد تا توجه انسان را به صورت ناخودآگاه به نور جلب نماید (سایه نمادی است از زندگی؛ سایه درخت یکی از نعمت‌های وعده داده شده در بهشت است) در نتیجه لازم است ابعاد بازشوها کوچک باشد؛ چونکه علاوه بر قطع ارتباط بصری با محیط بیرون باعث تضاد نوری بیشتری در فضا می‌گردد و کاربر حضور نور را بیشتر احساس نموده و ارتباط بهتری را با معبود خود برقرار می‌کند. چراکه ابعاد بزرگتر، تضادهای کمتری ایجاد نموده و نتیجه حاصل از وجود آنها عمدتاً روشنایی خواهد بود و نه انعکاس پرتوی از نور...؛ همچنین بازشوها با پذیرش فرم‌هایی که تداعی اوج و اتصال به آسمان را دارند، جلوه‌ای از حرکت از این دنیای مادی و اتصال به عالم بالا را نشان خواهند داد. لذا برای تحقق این اصل در فضای عبادی، (نحوه) حضور بازشو، ابعاد بازشوها، فرم بازشوها نقش موثری را ایفای خواهند نمود.

اصل پنجم: اصل استمرار و تداوم؛ دوام فیض که یکی از صفات خداوند است از لوازم قدرت نامحدود اوست؛ به این بیان که قدرت خداوند مبداء و منشاء ایجاد و علت ماسوای خداست. با توجه به مبانی حکمت متعالیه همه وجودات، عین ربط و وابستگی به خدا هستند و هیچ موجودی به نحو مستقل نمی‌تواند فیض وجود باشد بلکه هیچ موجودی غیر از خداوند و فیض او وجود ندارد. نتیجه آنکه فیض خداوند همیشگی، دائمی و نامحدود است. از آنجا که

آسمان معمولاً در سمت الرأس نسبت به افق روشن‌تر است، نورگیرهای سقفی نسبت به پنجره‌های عمودی نور بیشتر و دائمی‌تری را به داخل راه می‌دهند. از دیدگاه نگارندگان نیز، هرچه قدر بازشوهای فضا به منبع نور عینی (آسمان) نزدیک باشد از فیض دائم الهی بهره‌مند خواهد شد. نظام آرایش بازشوهای سقفی نیز در نمود این امر موثر می‌باشد. تکرار این بازشوها در نظامی هدفمند، حضور نور را در فضا از دید کاربر همیشگی و دائمی می‌نمایاند. بنابراین می‌توان در نمود بخشی معمارانه به اصل استمرار و تداوم، (نحوه) حضور بازشو، نظام توزیع نورگیرها را معادل کمی مفهوم کیفی فوق دانست.

اصل ششم: اصل حرکت و جهت؛ هدایت، فقط از آن خداست. فقط او است که امکان هدایت برای آدم‌ها را فراهم می‌کند. نشان دادن راه دستیابی به مقصد که به آن «ارائه الطریق» می‌گویند و رساندن راهیان به هدف که آن را «ایصال به مطلوب» می‌نامند. در اصطلاح نیز هدایت، برخورداری موجود از کمالی است که با نظم خاص و صحیحی به آن برسد؛ به دیگر سخن، برقراری ارتباط خاص میان موجود و آینده کمالی آن را «هدایت» می‌گویند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۳۱). در خصوص اهمیت حرکت و جهت در فضای عبادی باید گفت که؛ جهت‌یابی در مکان برای انسان حس امنیت را که در مقابل گم‌شدگی است، القاء می‌نماید. تقویت حس جهت‌یابی که یکی از عناصر باشیدن و سکنی‌گزینی و رسیدن به روح مکان از دیدگاه شولتز (۱۳۸۸) می‌باشد، با بکارگیری عنصر مقدس نور در فضای معنوی مساجد بوجود می‌آید. نور با تعیین جهت در فضا، هویت مکانی به آن اعطا نموده و حس تعلق مکانی (سکنی‌گزینی و احساس امنیت) را بیش از پیش در ذهن و روان مخاطب نمایان‌تر می‌کند. جهت و هدف در فضای عبادی؛ راستای قبله و محراب می‌باشد. این مهم توسط نظام توزیع نور، (نحوه) حضور بازشو، نظام توزیع نورگیرها در کالبد معماری فضای عبادی نمود پیدا می‌کند.



نمودار ۲. عوامل آسمانی (نور) و عوامل زمینی (نورگیر) در پیدایش فضای معنوی؛ ماخذ: نگارندگان.

نظام توزیع نور، ابعاد بازشوها، (نحوه) حضور بازشو، فرم بازشوها، نظام توزیع بازشوها می‌باشد. از این عوامل سه عامل آسمانی و چهار عامل زمینی می‌باشند و این امر با اصل هفتم که یک اصل کامل و متشکل از سه عامل آسمانی و چهار عامل زمینی می‌باشد مطابقت دارد (نمودار ۲).

۳. روش سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی

به منظور ارزیابی اصول هفتگانه کیفی نور در مساجد تاریخی تبریز، چک لیستی با معیارهای مشخص تنظیم و به صورت جدول زیر (جدول ۱) تهیه می‌گردد. نتایج چک لیست، بعد از استخراج وارد جدول زیر شده (جدول ۲) و در نهایت ارزیابی نهایی از میزان بهره‌گیری فضای عبادی از مفاهیم کیفی نور (روز) در پنج مرتبه (خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف، خیلی ضعیف) معلوم می‌گردد. از دیگر ویژگی‌های این جدول مشخص نمودن نقاط ضعف و قوت نمودهای عینی مفاهیم کیفی نور در فضای عبادی می‌باشد. لازم به ذکر است که کلیه اصول و مفاهیم بکار رفته در این تحقیق (فرضیه نگارندگان)، قبلاً طی تکمیل پرسشنامه توسط کاربران، بازدیدکنندگان، اهل خبره و غیره و بررسی مورد تایید قرار گرفته است.

اصل هفتم: اصل آیتی؛ نور در کالبد مادی و در هیات بخشی به معانی، که در قالب هنر معماری تجلی می‌یابد؛ صرفاً به عنوان عنصر فیزیکی و مادی مطرح نبوده و سمبل عقل الهی و وجود نام برده شده است. اساساً معانی و مفاهیم عالی قدسی از طریق نماد در قالب صور حسی در می‌آیند و نماینده معانی متعالی می‌گردند (وفایی و نزهت، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲). از همین روست که می‌توان نور مادی را به عنوان نمادی از معانی متعالی نور حق قلمداد نمود. لذا می‌توان گفت نور به عنوان بعد مشترک میان انسان و خدا، جایگاه مورد توجهی بین متفکران دینی و عارفان دارد و از آنجا که نور محسوس نیز متعالی‌ترین جسم مادی تلقی می‌شود؛ واسطه مناسبی بین عینیت و ذهنیت قلمداد می‌گردد. از نظر نگارندگان این اصل تمام کننده و تجمیع شش اصل قبلی می‌باشد. این اصل خود نمادی از عدد هفت می‌باشد. هفت عدد عالم و نشانه کمال است که از مجموع «سه» نماد آسمان و «چهار» نماد زمین به وجود می‌آید و نخستین عددی است که هم مادی و هم معنوی می‌باشد (نصیری دهقان، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

بر این اساس عوامل: (نحوه) حضور نور، رنگ نور،

چک لیست ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی

نام مسجد:			
عنوان اصل	نمودهای عینی	معیارهای ارزیابی	نتیجه ارزیابی
اصل هستی بخشی	(نحوه) حضور نور	نوع نور طبیعی بوده و به صورت غیر مستقیم وارد فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	رنگ نور	رنگ نور طبیعی(خالص) بوده و از شیشه‌های شفاف(بی رنگ) وارد فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	محل قرارگیری نور گیرهای سقفی و دیواری(جبهه قبله) بالاتر از تراز ارتفاعی چشم کاربر می باشد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	بازشوها چه در جبهه قبله و چه در سقف به نحوی انتظام یافته اند که در تلفیق با هم، یک کل را بیان می نمایند (اشاره به اصل وحدت دارند).	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل دوزماتی	نظام توزیع نور	میزان نور در فضای عبادی متناسب با حرکت کاربر به سمت محراب افزایش پیدا می کند.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	نورگیرهای جبهه قبله، ضمن درخشند نمودن این جبهه و تاکید بر محراب، موجب تسهیل در روند سلسله مراتب نوری در فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	آرایش بازشوها(سقفی یا دیواری) با نظامی هدفمند، موجب حضور نور با مراتب نوری مختلف در فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل عدالت	نظام توزیع نور	میزان توزیع نور(روز) در فضای عبادی در طول سال، متعادل و یکنواخت می باشد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	آرایش نورگیرهای سقفی و دیواری در نظامی هدفمند، موجب تسهیل حضور متعادل نور در فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
ماده ۱۰۰ اصل	(نحوه) حضور بازشو	ارتفاع بازشوهای فضای عبادی، بالاتر از تراز ارتفاعی چشم کاربر بوده و ارتباط مستقیم با آسمان به عنوان مظهر نور عینی برقرار	تحقق یافته یا تحقق نیافته

جدول ۱. چک لیست ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

جهت انجام تحقیق، نمونه های ارزشمند شبستانی

(دوره قاجاریه) از لحاظ نورگیری و در سه گونه کوچک، متوسط و بزرگ از لحاظ وسعت جهت انجام تحقیق حاضر انتخاب گردیدند.

۵. آنالیز و جمع بندی

به منظور تلخیص در حجم مقاله، مجموعه اطلاعات بدست آمده از برداشت های میدانی، در جدول زیر(جدول ۳) گردآوری گردید.

میانگین درصد استفاده از اصول کیفی هفتگانه نور(روز) در کل نمونه های موردی به صورت نمودار زیر (نمودار ۲) می باشد:

میانگین درصد استفاده از نمودهای عینی اصول

۴. معرفی نمونه های موردی

بازار تبریز یک الگوی زنده و پویا از یک دوره تاریخی و اسلامی است و مساجد نیز بخش اصلی این الگوی معماری هستند. مساجد موجود در بازار تاریخی تبریز هم از نظر تعداد و هم از نظر قدمت جزو مساجد منحصر به فرد جهان اسلام هستند. مساجد متعلق به دوره های مختلف تاریخی در کنار یکدیگر و زیر سقف یک مجموعه به نام بازار تبریز به این مکان ثبت جهانی شده اهمیت بیشتری داده اند. به دلیل فراوانی مساجد شبستانی در مجموعه بازار تبریز نسبت به گونه گنبدخانه ای،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

	می‌گردد.		
	ابعاد بازشوها	ابعاد بازشوهای سقفی و دیواری به گونه‌ای است که ضمن بوجود آوردن تضاد نوری، موجب پیدایش پرتوهای نوری (و همچنین لکه های متحرک نورانی) در فضا می‌گردد. پرتوهای نوری در احساس کشش به سمت بالا و اتصال با معبود در کاربر موثر می‌باشند.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	فرم بازشوها	فرم بازشوها به گونه ای است که به سمت آسمان اشاره داشته و نوعی عروج از سطح زمین به سطح بالا را تداعی می‌نماید.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل استمرار و تداوم	(نحوه) حضور بازشو	قرارگیری نورگیرها در بالاترین ارتفاع فضا ضمن نزدیکی به منبع فیض الهی(آسمان)، موجب استمرار و تداوم نوردهی به فضای عبادی می‌گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	قرارگیری بازشوها به صورت نظامی تسلسل گونه در فضای عبادی، موجب نورگیری دائمی از منبع فیض الهی(آسمان) می‌گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل حرکت و جهت	نظام توزیع نور	میزان نور در فضای عبادی به گونه‌ای است که راستا(قبله) و هدف مشخصی(محراب) را مورد تاکید قرار می‌دهد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	نورگیرهای جبهه جنوبی فضای عبادی ضمن درخشندگی نمودن این جبهه نسبت به سایر جبهه های، به راستای قبله و محراب تاکید دارد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل آئینی	نظام توزیع بازشوها	قرارگیری بازشوهای سقفی یا دیواری در نظامی هدفمند، به گونه‌ای است که به راستای قبله و محراب تاکید دارد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور نور	نور طبیعی نمادی از نور معنوی و نور حق تلقی می‌شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	رنگ نور	حضور نور با رنگ خالص خود در فضای عبادی نمادی از اصالت وجود الهی است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع نور	حضور نور با شدت نوری مختلف در فضای عبادی، مترادف با مراتب مختلف و تجلیات متعدد وجود الهی است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	قرارگیری نورگیرها در ارتفاعی بالاتر از سطح زمین و تراز چشم کاربر تعالی نگاه را به همراه داشته و نمادی از عروج و اتصال به منبع نور عینی در ذهن مخاطب تلقی می‌گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	ابعاد بازشوها	ابعاد کوچک نورگیرها در فضای عبادی نمایانگر حجاب نور است. حجاب نور الهی باعث درخشش حضور نور در فضای عبادی شده و تاکید بر نورالانوار است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	فرم بازشوها	فرم منحنی و قوس مانند بازشوها(علی الخصوص در دیوارها) نمادی از عروج و اتصال به منبع نور عینی در ذهن مخاطب تلقی می‌گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	نظام هدفمند نورگیرها در فضای عبادی حکایت از وجود نظم در عالم وجود و ناظم الهی است که هدف نهایی کمال انسان است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته

ادامه جدول ۱. چک لیست ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

کیفی نور در کل نمونه‌های موردی به صورت نمودار زیر (نمودار ۳) می‌باشد: اصول کیفی هفتگانه نور(روز) در مساجد منتخب، نقش پرننگی را در فرایند معنویت‌بخشی به فضای عبادی دارند. نقش کم رنگ سایر اصول را باید در نبود نموده‌های عینی آنها در کالبد فضاهای عبادی جستجو کرد. به طوری که نبود نظام هدفمند در اصل آئینی و اصل هستی‌بخشی، نسبت به سایر

نام مسجد:						
معادل عینی اصول هفتگانه کیفی نور (روز) در معماری						
متغیرهای وابسته به بازشو			متغیرهای وابسته به نور			
نظام توزیع بازشوها	فرم بازشوها	ابعاد بازشوها	(نحوه) حضور بازشو	نظام توزیع نور	رنگ نور	(نحوه) حضور نور
						اصل هستی بخشی
						اصل ذومراتب
						اصل عدالت
						اصل نفی ماده
						اصل استمرار و تداوم
						اصل حرکت و جهت
						اصل آیتی
توضیحات:						
میانگین درصد استفاده از اصول کیفی هفتگانه نور (روز):						
خیلی ضعیف ۰-۲۰٪	ضعیف ۲۰-۴۰٪	متوسط ۴۰-۶۰٪	خوب ۶۰-۸۰٪	خیلی خوب ۸۰-۱۰۰٪	ارزیابی میزان بهره گیری از مفاهیم کیفی نور(روز)	

جدول ۲. ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

تجلی گاه توحیدالهی داشته است. نور طبیعی فراتر از کمیت آن دارای ویژگی های کیفی منحصر به فردی است که از آن در معماری تاریخی ایران به شیوه ای هوشمندانه ای برای انتقال مفاهیم معنوی استفاده شده است. به سبب جایگاه ارزشمند نور در باور ایرانی اسلامی و رابطه مستقیم آن با قلمروی حکمت و فلسفه، ابنیه مذهبی زمینه مناسبی را برای بازخوانی فراهم می کند. حضور کیفی نور در معماری در راستای ایجاد فضای معنوی از خصوصیات است که در آثار تاریخی دیده می شود. آنچه که از نظر گذشت شامل معرفی اصول کیفی نور مستخرج از آیه نور، نموده های عینی این اصول در کالبد فضاهای عبادی و نحوه ارزیابی آنهاست. به مصداق سخن گالیله «بدون ابزار شناخت علمی

توزیع بازشوها، انتخاب ابعاد بزرگ برای بازشوها، حضور بازشوها در ارتفاعی پایین تر از تراز چشم مخاطب و قرار گیری در جبهه نامناسب باعث تضعیف اصل ذومراتبی نور و اصل حرکت و جهت در فضاهای عبادی منتخب شده اند. در مقابل، حضور نور به صورت طبیعی و با رنگ خالص و از جانب آسمان تا حدودی در نقش آفرینی فضای معنوی در مساجد منتخب موفق عمل نموده اند ولی نیازمند حضور سایر عوامل در این نقش آفرینی هستند تا زبان نور در فضای عبادی کامل تر گردد.

۶. نتیجه گیری و جمع بندی

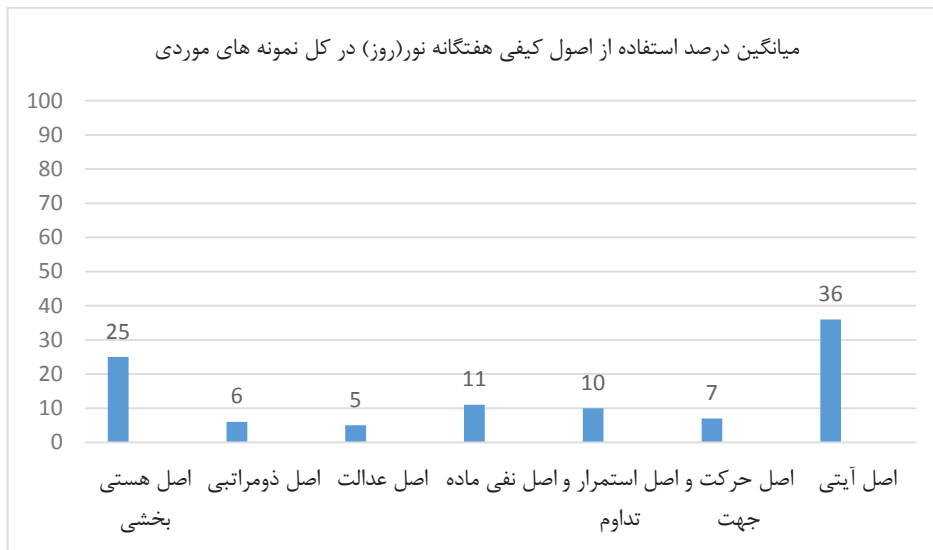
نور به عنوان پایه و اساس باور اعتقادی در فرهنگ مردمان ایران قدیم، حضور چشمگیری در معماری فضاهای عبادی (مساجد) به عنوان

وسعت گونه	نام مسجد	ارزیابی میزان حضور اصول کیفی هفتگانه نور(روز) در فضای عبادی											
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	فقدان لاجرم	اصل هستی بخشی	اصل ذومراتبی	اصل عدالت	اصل نفی ماده	اصل استمرار و تداوم	اصل حرکت و جهت	اصل آیتی
کوچک	سید علی آقا												متوسط
	خسروشاهی												ضعیف
	خلخال												ضعیف
متوسط (5000 > 10000)	دینوری												متوسط
	قرلی												متوسط
	شهید قاضی												خوب
بزرگ (> 10000 مترمربع)	امام جمعه												ضعیف
	۶۳ ستون												ضعیف
	شهیدی												متوسط

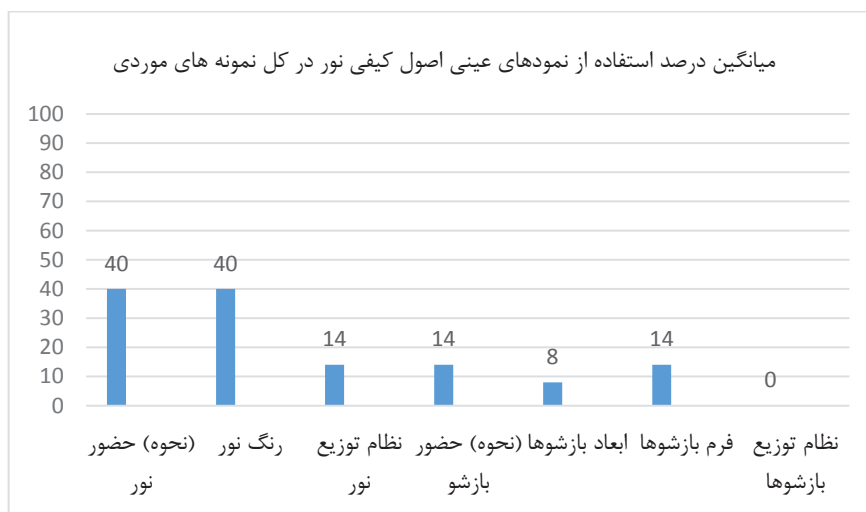
جدول ۳. ارزیابی کیفی نور در فرایند آفرینش فضای معنوی در مساجد منتخب بازار تبریز؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

نمی‌توان به علم دست یافت. برای شناخت علمی بجای گمانه‌زنی، باید هر چیز را اندازه گیری و سنجش کرد. آنچه را که نمی‌توان اندازه گرفت را نیز باید کوشش کرد که قابل اندازه‌گیری کرد.» یافته اصلی این تحقیق نیز این است که: «معنویت حاصل از نور(روز) در فضای عبادی قابل سنجش است.» ارزیابی‌های به عمل آمده از مساجد منتخب نشان داد که هر چه قدر تجلی اصول کیفی هفتگانه نور در فضای عبادی به نحو احسن انجام یابد، ابعاد بیشتری از وجود انسانی درگیر شده و معماری به هدف خود (که همان آفرینش مکان مقدس است)

نایل خواهد آمد. متأسفانه در معماری مساجد معاصر، نور به دلیل دوری گشتن از منابع آبشخور خود(دین، حکمت، عرفان) جایگاه معنوی خود را از دست داده است. مساجدی که در گذشته با اتکاء به مبانی ایمانی، حکمی و عرفانی بنا می‌شدند، به کالبدهایی صرفاً فیزیکی و بی‌هویت بدل شده‌اند. این امر در نتیجه گسیختگی معماری مساجد امروزی از اندیشه‌های معنوی گذشتگان و نیز استفاده بدون تأمل از عناصر بصری مساجد گذشته و بی‌توجهی به لایه‌های معنوی و معرفتی حاصل شده است. امید آن که اصول معرفی شده و روش ارزیابی و سنجش



نمودار ۲. میانگین درصد استفاده از اصول کیفی هفتگانه نور در کل نمونه های موردی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.



نمودار ۳. میانگین درصد استفاده از نمودهای عینی اصول کیفی نور در کل نمونه های موردی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

- کیفی نور(روز) در فضای عبادی، چشم اندازی جامع از مفاهیم عالی حضور کیفی نور در جهت ایجاد فضاهایی منطبق با نیازهای معنوی، فرا راه انسان معاصر قرار دهد.
- منابع و ماخذ**
۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
 ۲. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۹) نور، آتش، آتشکده در آیین زردشت، تهران، نشر مرکز.
 ۳. بمانیان، محمدرضا و عالی نسب، محمد علی(۱۳۹۰) بررسی نقش نور در تبیین توالی فضا در معماری اسلامی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف الله)، مجله معماری و شهرسازی اسلامی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجأ.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲) هدایت در قرآن، سهروردی، شهاب الدین(۱۳۷۵) مجموعه مصنفات، جلد دوم، تصحیح هانری کربن، سیدحسین نصر،

- نجفقلی حبیبی. چاپ دوم. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۳) حکمه الاشراق، به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۷. الشیرازی (صدر المتألهین)، صدرالدین (۱۳۸۶) تفسیر القرآن الکریم، تصحیح: محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۰) تفسیر المیزان، جلد پانزدهم، چاپ پنجم، قم، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۹. کشمیری، هادی و نوشادی، زهره و عباسی، منیژه (۱۳۹۲) بررسی فیزیک و مفاهیم معنوی نور در معماری سنتی ایران (با نگاهی به مساجد و خانه ها)، همایش معماری پایدار و توسعه شهری.
۱۰. لاهوری، اقبال (۱۳۸۰) سیر فلسفه در ایران، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران، نگاه.
۱۱. نصر، سید حسین (۱۳۸۹) هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت.
۱۲. نصیری دهقان، مهدی (۱۳۹۱) راز عدد هفت، تهران، انتشارات ابتکار دانش.
۱۳. نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۸) روح مکان، ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران، انتشارات رخداد نو.
۱۴. وفایی، عباسعلی و زهت، بهمن (۱۳۸۸) در پرتو انوار معنوی (تحلیلی از ساختار تجربه عرفانی عرفا در باب نماد نور)، مجله ادبیات عرفانی، شماره اول، تهران، دانشگاه الزهرا.
۱۵. یزدان پناه، یدالله (۱۳۸۸) مبانی و اصول عرفان نظری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۱۰۶ ■

بازاندیشی تناسبات هندسی خلقت در آثار هنر و معماری اسلامی

فاطمه اکبری* - استادیار، دانشکده فرش، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

عالم، کتاب مبسوطی است که صفحات آن مملو از کلمات نگارنده آن است و درست همانند آیات متن وحیانی قرآن، دارای سطوح چندگانه معنایی است. اساس این برداشت‌ها از قرآن به عمیق‌ترین شناخت از ذات صور طبیعی و کیفیت وحدت حاکم بر عالم می‌انجامد. امر وحدت و هماهنگی در سرتاسر عالم بیانگر حاکمیت وجه کیفی هندسه از طریق حضور قوانین تناسب، توازن، تعادل و ریتم در اجزاء و عناصر عالم است. با نگاهی به آثار هنر و معماری اسلامی ایران در طی ادوار مختلف، هنرمند مسلمان با استعانت از علم هندسه و ریاضیات، نظم و تناسبات هندسی تقرر یافته در طبیعت را که آینه دار کمال یافته‌ترین نظامهای زیبایی است، الگوی خود قرار داده و به خلق آثاری می‌پردازد که راز ابدیت و جاودانگی را در خود دارد. مسئله مهم در این نوشتار آن است که: اولاً- تناسبات هندسی خلقت از منظر اصل قرآنی توحید چگونه است؟ و ثانیاً- تناسبات هندسی خلقت چگونه در آثار هنر و معماری اسلامی تجلی می‌یابد؟ روش پژوهش توصیفی تحلیلی و تطبیقی با رویکرد به منابع قرآنی است. روش تجزیه و تحلیل با استعانت از شیوه استدلالی قیاسی به انجام رسیده است. هدف از این نوشتار ادراک حیات کیهانی افلاک و رهیافت به روش‌هایی است که در آثار هنر و معماری اسلامی تجلی یافته است. از جمله یافته‌های این پژوهش می‌توان به؛ هندسه نظام جهان هستی به وجود رابطه نظم و اندازه با عدالت خداوند بر عظمت و بی‌کرانگی عالم- سرّ تناسبات کیهانی دو عالم معقول و محسوس در نسبت با هماهنگی جنبه‌های کیفی و کمی پدیده‌های این دو جهان- دست‌یابی به وحدت و هماهنگی در آثار هنر و معماری اسلامی از طریق هماهنگی جنبه‌های کمی و کیفی هندسه اشاره نمود.

واژگان کلیدی: تناسبات هندسی، هنر، معماری اسلامی، توحید، خلقت.

Rethinking on the geometric proportions of the creation in the Islamic art and architecture works

Abstract

The world is a wide book which pages are full of its author's words and just like Quran inspirational text has multiple meaning levels. The basis of this perception from Quran leads to the deepest understanding of the nature of natural faces and the quality of unity dominated on the world. The main issue in this writing is that firstly how the geometric proportions of the creation is form monotheism Quran principle?; And secondly how the geometric proportions of the creation manifested in the Islamic art and architecture works. The methodology of the research is descriptive, analytic and comparative by trend on Quran resources. The method of data analysis is deductive reasoning. The purpose of this writing is to perceive the heavens cosmos life and approach to the by the of Sobhanallah, refers to God's perfect traits unexampled and rejection of creatures traits from God, operational monotheism by the slogan Alhamdolellah, refers to worshiping God and its importance and action monotheism by the slogan of Allah Akbar, refers to geometric proportions of the creation and unity and coordination in the existence system.

Keywords: geometric proportions, art, Islamic architecture, monotheism- creation.

۱- مقدمه

حکما نیز پرداخته شده است. دومین محور در این مقاله، «چگونگی تجلی تناسبات هندسی خلقت در آثار هنر و معماری اسلامی» است. لذا به مطالعه کیفیت صورت، وحدت حاکم بر آثار و اهمیت ریتم در جلوه های بصری آثار، که از ویژگی های آثار هنر و معماری اسلامی است و تحت تأثیر نگاه قرآنی تناسبات هندسی خلقت به ظهور رسیده است، پرداخته شده است.

۳- مبانی نظری

مبانی نظری این تحقیق در بردارنده مباحث مختلف تناسبات هندسی خلقت و انحاء تجلی آن در آثار هنر و معماری اسلامی است. جدول های ۱ الی ۴ به ترتیب به آراء نظریه پردازان معتقد به؛ وجهت کیفی هندسی، رابطه هندسه با نسبت و علم عدد، دلالت های معنایی رمز و دلالت های توحیدی آثار هنر و معماری اسلامی اختصاص یافته است.

۴- بحث و یافته ها

۴-۱- اصل قرآنی توحید

قرآن اساس و محور دین اسلام است و حوزه های مختلف فرهنگ اسلامی را در بر می گیرد. از ویژگی های شاخص فرهنگ اسلامی، اتکا به اصول وحی قرآنی و بنیان های توحید و یکتاپرستی است. «از مراتب چهارگانه توحید؛ توحید در عبادت یا توحید عبادی، توحید عملی است توحید در ذات یا توحید ذاتی- توحید در صفات یا توحید صفاتی و توحید در خالقیت یا توحید افعالی از اقسام توحید نظری هستند. توحید نظری به بنیان های اندیشه توحیدی نظر داشته و توحید عملی، آثار و نتایج عملی این اعتقاد در زندگی چنین انسانی است» (عباس زاده ۱۳۸۳، صص ۹۱-۱۰۰).

۴-۱-۱- توحید ذاتی و توحید صفاتی

توحید ذاتی با شعار لا اله الا الله نفی شریک و شبیه از ذات مقدس ربوبی است. توحید ذاتی یا توحید در ذات از مسلمات و قطعیات کتاب و سنت در باب توحید است و بیانگر آن است که اولاً- میان خدا و دیگر موجودات تمایز و تباین ذاتی وجود دارد

در بررسی هنرهای اسلامی در مکان ها و زمان های مختلف شاهد حضور سبکی منسجم و قدرتمند و یگانه، علی رغم وجود عناصر گوناگون شیوه های هنری در آثار و بناهای مختلف هستیم. حضور یگانگی و وحدت اشکال و احجام و نقوش و به طور کلی صورت در هنرهای اسلامی در ادوار و مکان های مختلف جهان اسلام بر گرفته از بینش توحیدی مستتر در ذات هنر اسلامی است. صورت در هنرهای اسلامی با ابتناء بر اشکال و قوانین هندسه، محمل حقایق تجرید یافته توحید است و تجرید توحید در نفی کامل غیر حق نهفته است. صورت در هنر اسلامی به ساحت معنا تعلق دارد و از شرایط و مقتضیات تاریخی رها شده است. هنر اسلامی تنها عناصری را حفظ می کند که جاودانه اند و معتبراند. چنین ویژگی در اثر هنری، انگیزه های فردی هنرمند را کمرنگ ساخته و زیبایی آن را تجلی حقیقت کلی و جهانی می گرداند.

مسئله این نوشتار بنا بر این پیش فرض که از ویژگی های شاخص فرهنگ اسلامی اتکاء به اصول وحی قرآنی و بنیان های توحید و یکتاپرستی است، دست یابی به چگونگی تجلی کیفیت تناسبات هندسی خلقت در صورت آثار هنر و معماری اسلامی بوده است. هدف پژوهش، دست یابی به خاستگاه توحیدی صورت های جاودانه هنر و معماری اسلامی در نسبت با تناسبات هندسی حیات کیهانی افلاک و رهیافت به روشی است که در آن به عالم نظم داده شده است.

۲- روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق توصیفی تحلیلی و تطبیقی با رویکرد به منابع قرآنی است. با توجه به اولین محور در مسئله تحقیق، بررسی «تناسبات هندسی خلقت از منظر اصل قرآنی توحید»، ابتدا به مطالعه اصل توحید و انحاء چهارگانه آن پرداخته و سپس ضمن بررسی تناسبات هندسی خلقت از منظر فرهنگ اسلامی به بررسی آراء فلاسفه و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۰۸

جدول ۱. نظریه پردازان معتقد به دلالت های رمزی هندسه؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مخبر اصلی	مخبر فرعی	ردیف	نظریه پرداز	تعریف
هندسه زبان توصیف عالم مابعدالطبیعی است.		۱	فیثاغوربان (۱۳۷۵)	اصول هندسه ازلی بوده و هدف نهایی آن آماده کردن ذهن برای ادراک حیات کیهانی افلاک است.
		۲	گاتری (۱۳۷۵)	دو جنبه کیفی و کمی ریاضیات و هندسه، این علم را مانند نردبانی میان عوالم محسوسات و معقولات قرار می دهد. هندسه و ریاضیات نماینده جهان معقول و نمونه اعلاایی است که خدا جهان جسمانی ای را که ما در آن زندگی می کنیم از روی آن ها آفریده است.
		۳	گنون (۱۳۸۴)	هندسه رمزی با نمایش واقعیات عالییه اساساً جنبه کیفی دارد.
		۴	ابن عربی (۱۳۸۰)	هندسه رمز وحدت هستی در سراسر کثرت مراتب وجود است. نظام هندسی آفرینش به تناظر مراتب سه گانه هستی هر موجود ممکن؛ اعیان ثابت در عالم معقول، صور مثالییه در عالم خیال مطلق و ماده کمیت پذیر در عالم ماده اشاره دارد.
		۵	ستاری (۱۳۷۲)	هماهنگی میان دو عالم مثال و محسوس رمز تناسب کیهانی میان این دو جهان است.
		۶	افلاطون (۱۳۶۷)	هندسه روشن ترین قالب زبانی برای توصیف قلمرو مابعدالطبیعی سطح مثال اعلی است.
		۷	افلاطون (۱۳۵۳)	پرداختن به هندسه شناسایی آن هستی ای است که هرگز دگرگون نمی شود.
جایگاه هندسه در کسب معارف باطنی		۱	افلاطون (۱۳۵۳)	هدف هندسه کسب معارف باطنی است.
		۲	اخوان الصفا (۱۹۵۷)	غایت علم هندسه آماده ساختن انسان برای معراج آسمانی از سوی عالم محسوسات به سوی عالم معقولات است.
		۳	اخوان الصفا (۱۹۵۷)	هندسه محسوس مدخلی بر صنعت و آفرینش علمی و هندسه معقول مقوم فکر و آفریننده علم و هر دو بانی برای درک گوهر حکمت و جوهر نفس است. خط، سطح و جسم مقادیر و اندازه های هندسه هستی است و طول، عرض و عمق ابعاد هندسه عقلی است.
		۴	بلخاری (۱۳۸۴)	مصادق عینی نظم در عینیت طبیعت و عالم هستی و هنر، هندسه کمی است و مصادق نظم در فلسفه و حکمت و قرآن، هندسه کیفی برابر با حق و مخالف با باطل است.
		۵	نصر (۱۳۷۰)	فرم های هندسی علاوه بر عملکرد ظاهری شان، وجه تمثیلی آن ها اصول توحید را متذکر می شود و هم چنان که هر کدام در مرتبه وجودی خاص خود جلوه می کنند، همان طور نیز با حالات درونی انسان مطابقت دارند.
اشکال و تناسبات هندسی در آثار هنر و معماری اسلامی از جنبه رمزی برخوردار است.		۱	رنه گنون (۱۳۸۴)	هندسه کیفی فارغ از جنبه کمیت، اساساً جنبه کیفی دارد و با دارا بودن معانی رمزی در پی بیان همسانی قوانین هندسی عالم و آثار معماری که از هندسه جدایی ناپذیراند، است.
		۲	نقره کار (۱۳۹۲) نقره کار (۱۳۹۴)	فرم چهار گوش حیاط های بناهای قدیمی سمبل تمامیت و ثبات است. گنبد که دارای فرمی نظیر طواف بر گرد خانه کعبه است مظهری است از گنبد آسمان و نشانه عالم نامحدود بی کران روح و این شکل مدور گویاترین تمثیل هندسی برای آن است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۰۹

جنبه های رمزی هندسه

محور اصلی	محور فرعی	ردیف	نظریه پرداز	تعریف
رابطه اشکال هندسی با اعداد	رابطه اشکال هندسی با اعداد	۱	فیثاغوریان (۱۳۷۵)	از ترکیب موند با نامحدود، اعداد و از اعداد، نقاط و از نقاط، خطوط و از خطوط، اشکال مسطح و از اشکال مسطح، اشکال سه بعدی و سرانجام از اشکال سه بعدی اجسام محسوس ساخته می شود.
		۲	ارسطو (۱۳۷۲)	ساختار اشیاء به اشکال هندسی شان وابسته است و آن اشکال نیز بر حسب اعداد توصیف می شوند.
		۳	شوان (۱۳۷۷)	اعداد فیثاغورثی با هندسه پیوند خورده است. مفهوم کلی و ماورای کمی اعداد در اشکال هندسی متجلی است.
رابطه اشکال هندسی با اجسام	رابطه اشکال هندسی با اجسام	۱	افلاطون (۱۳۶۷)	ساختمان هندسی اجسام به وسیله سطوح آن ها معین می شود و ساختمان سطوح آن ها به وسیله دو نوع مثلث قائم الزویه بوجود آمده است.
		۲	فیثاغوریان (۱۳۸۰)	نقاط، خطوط و سطوح واحدهای واقعی هستند که تمام اجسام را در طبیعت می سازند.
		۳	گون (۱۳۸۴)	نقاط موجود در فضای دستگاه مختصات شکل ها را می سازد.
رابطه هندسه با نسبت	رابطه هندسه با نسبت	۱	امام رضا (ع)	قدر به معنای هندسه است.
		۲	امام علی (ع) خطبه ۹۱	خداوند روزی همه را تضمین و اندازه اش را تعیین فرمود. آن چه را آفرید با اندازه گیری دقیقی استوار کرد.
		۳	ارسطو (۱۳۷۵)	منظور از عدد به عنوان اساس ذاتی هر چیز، اشاره به نسبت خاص عناصری است که در همه اجسام فیزیکی با یکدیگر ترکیب شده اند.
		۴	ابن عربی (۱۳۸۲)	بهره و نصیب برای هر موجود در نسبت با اسمی است که متولی او است. این نسبت همان قدر است.
		۵	ابن عربی (۱۳۸۰)	ظهور اشیا ظهور عین ثابت به معنای ظهور ذات و طبیعت آن شیء است. سر قدر آشکار ساختن عین ثابت است.
		۶	اخوان الصفا (۱۳۷۷)	جمله جسم عالم در تمام افلاک و کواکب و ارکان اربعه و ترکیب آن ها در درون یک دیگر بر بنای نسبت عددی یا هندسی یا موسیقی نهاده شده است.

جدول ۲. نظریه پردازان معتقد به رابطه هندسه با نسبت و علم عدد؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

جدول ۳. نظریه پردازان معتقد به دلالت های معنایی رمز؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

محور اصلی	محور فرعی	ردیف	نظریه پرداز
مدلول رمز (دلالت های معنایی)	رمز بیان حالات عاطفی و روانی	۱	اریک فروم (۱۳۶۲)
	رمز بیان تجربه های ماورای حیطه حواس	۱	تقی پورنامداریان (۱۳۶۴)
		۲	لوفر دلاشو (۱۹۷۳)
		۳	آندر لالاند (۱۹۷۳)
		۴	کارل گوستاو یونگ (۱۳۵۲)
		۵	بقلی شیرازی (۱۳۴۴)
	رمز بیان محسوس حقایق متعالی اعیان ثابت	۱	غلامرضا اعوانی (۱۳۸۵)
		۲	تیتوس بورکهارت (۱۳۶۹)
		۳	محمد مددپور (۱۳۷۱)
		۴	نادر اردلان (۱۳۸۰)
ابعاد جهانی رمز	۱	اریک فروم (۱۳۶۲)	
	۲	کارل گوستاو یونگ (۱۳۵۲)	
	۳	رنه گنون (۱۳۸۴)	
	۴	دیل (۱۹۷۳)	
تنوع پذیری معنای رمز	۱	شیپلی (۱۹۷۳)	
	۲	تقی پورنامداریان (۱۳۶۴)	
رمز بیان محسوس حقایق متعالی	۱	ژول لوبل (۱۹۷۳)	
	۲	لاندریت (۱۹۷۳)	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۱۱۱

جدول ۴. نظریه پردازان معتقد به دلالت های توحیدی آثار هنر و معماری اسلامی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

محور اصلی	محور فرعی	ردیف	نظریه پرداز	تعریف
دلالت های توحیدی آثار هنر و معماری اسلامی	دلالت های توحیدی الگوهای هندسی	۱	سیدحسین نصر (۱۳۷۰)	فرم های هندسی علاوه بر عملکرد ظاهری شان نقش مهم تری را بر عهده دارند. وجه تمثیلی آن ها اصول توحید را متذکر می شود و هم چنان که هر کدام در مرتبه وجودی خاص خود جلوه می کنند، همان طور نیز با حالات درونی انسان مطابقت دارند.
		۲	عبدالحمید نقره کار (۱۳۹۲)	فرم چهار گوش حیاط های بناهای قدیمی سمبل تمامیت و ثبات است. گنبد که دارای فرمی نظیر طواف بر گرد خانه کعبه است مظهری است از گنبد آسمان و نشانه عالم نامحدود بی کران روح و این شکل مدور گویاترین تمثیل هندسی برای آن است. فرم هشت گوش که میان قاعده مربع و گردی گنبد قرار دارد کنایه از عرش الهی است که طبق احادیث هشت فرشته آن را حمل می کنند.
		۳	عبدالحمید نقره کار (۱۳۹۴)	

و دوماً- هیچ گونه کثرت و تعدد در ذات الهی راه ندارد. توحید ذاتی در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است:

«قل هو الله احد... و لم یکن له کفواً احد» ۱ (اخلاص / ۴ و ۱) «... لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر» ۲ (شوری، ۱۱)؛ این آیه ها دلالت بر نفی شباهت و همانندی خداوند دارد. یکتایی خداوند به غنا و بی نیازی ذات خداوند اشاره دارد. هم چنان که در سوره فاطر آمده است: «همه چیز به او نیازمند است و از او مدد می گیرد و او از همه غنی است.» (فاطر، ۱۵)

توحید در صفات آن است که همچنان که باری تعالی در مقام ذات یگانه و بی همتاست، در صفات کمالیه خود نیز یگانه و یکتاست و همانند و نظیری برای صفاتش نیست. توحید صفاتی با شعار سبحان الله به نفی صفات مخلوقات از خدا اشاره دارد. امام علی (ع) در خطبه ۱ نهج البلاغه چنین می آورد: سرآغاز دین خداشناسی است و کمال شناخت خدا باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی او است و کمال توحید، اخلاص و کمال اخلاص، نفی صفات مخلوقات از خداست (دستی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۱-۱۱۲).

۴-۱-۲- توحید عبادی

از مصادیق توحید، عبودیت و بندگی به درگاه خداوند و تسلیم شدن در مقابل رضای اوست امری که مایه رستگاری و آرامش انسان است. عبادت به معنای خضوع و خشوع و افتادگی است. هیچ یک از بندگان و مخلوقات الهی را نسبت به دیگری اولویت و مالکیت نیست تا خضوع و خشوع در مقابل او لازم باشد. قرآن در این زمینه می فرماید: «ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خلق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل» ۳ (انعام، ۱۰۲)

۴-۱-۳- توحید افعالی

توحید افعالی با شعار الله اکبر به تناسب هندسی خلقت و وحدت و هماهنگی در نظام هستی اشاره دارد. توحید افعالی به آفریده شدن هر چیز بنا بر

مشیت و اراده خداوند، بیان رمزی تجلی ذات الهی و حضور همیشگی خداوند در پیکره آفرینش یافته عالم است اشاره دارد. «اینما تولّوا فثم وجه الله» ۴ (بقره، ۱۱۵)

امام علی (ع) در خطبه ۹۱ می فرماید: «ستایش خدایی را سزااست که روزی همه را تضمین و اندازه اش را تعیین فرمود.» (همان، ص ۱۱۱) و در خطبه ۱۶۳ می فرماید: «به هنگام آفرینش برای هر پدیده ای حد و مرزی قرار داد تا برای وجود بی نهایت او همانندی نباشد.» (همان، ص ۲۱۹) یا در خطبه ۱ چنین آمده است: «برای پدید آمدن موجودات وقت مناسبی قرار داد و موجودات گوناگون را هماهنگ کرد و در هر کدام گزینه خاص خودش را قرار داد و غرایب را همراه آنان گردانید.» (همان: ۲۱) و یا باز هم در خطبه ۹۱ داریم: «آن چه را آفرید با اندازه گیری دقیقی استوار کرد و با لطف و مهربانی نظمشان داد و به خوبی تدبیر کرد. هر پدیده را برای همان جهت که آفریده شد به حرکت درآورد، چنان که نه از حد و مرز خویش تجاوز نماید و نه در رسیدن به مراحل رشد خود کوتاهی کند و این حرکت حساب شده را بدون دشواری به سامان رساند، تا بر اساس اراده او زندگی کند. پس چگونه ممکن است سرپیچی کند.» (همان: ۱۱۳)

۴-۲- تناسب هندسی خلقت

از اقسام چهارگانه توحید، توحید افعالی به امر تناسب هندسی خلقت و وحدت و هماهنگی حیات مکنون در سراسر هستی در ذیل اسم اعظم الله اکبر اشاره دارد. آفرینش عالم بر مبنای هندسه ۵ و قوانین کیهانی انتظام و تناسب تحقق یافته است. هندسه نظام جهان هستی در چرخه تجلی آفرینش از طریق قوانین تشابه، تقارن، تناظر، تناسب، تعادل، هماهنگی و توازن به وجود نظم و اندازه در آفرینش جهان و وحدت تمامی اجزاء عالم اشاره دارد. نظم جاری در همه عالم بیانگر امر وحدت در همه قلمرو هستی و حضور همه جانبه و همیشگی حقانیت ذات باریتعالی در سراسر عالم است و مصداق آن، آیه

مشهور قرآن است که می فرماید: «اینما تولو فثم وجه الله» (بقره، ۱۱۵). از دیدگاه الهی هندسه انتظام و تناسب در کیهان جلوه رمزی «عدالت» خداوند بر عظمت و بیکرانگی عالم است. عدالت خداوند با نظم و اندازه و قدر، ارتباط و تناسب دارد. در قرآن مجید خداوند همه اشیاء را به اندازه و عدد و وزن ترتیب داده است: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» ۶ (طلاق، ۳). «قدر» در کلام الهی همان هندسه است و هندسه معرب اندازه. امام هشتم علیه السلام خطاب به یونس بن عبدالرحمن فرموده است، آیا می دانی قدر چیست! گفت نه، امام فرمود: «قدر به معنی هندسه است.» (حسنزاده املی ۱۳۶۳، ص ۵۹۴). هندسه خلقت در نسبت با صور مثالی، با ذات و ماهیت و «قدر» قرابت مییابد و در مفهوم جامع خویش حضوری کیفی در تمام مراتب هستی پیدا میکند. در آراء ابن عربی همه موجودات مظاهر «اسماء الهی» هستند و بهره و نصیب برای هر موجود در نسبت با اسمی است که متولی او است (ابن عربی ۱۳۸۲، باب ۷۳، ص ۲۰۸). این نسبت همان «قدر» است ابن عربی می نویسد «هر کس نسبت ها را دانست و شناخت، خدای را شناخته است و عالم را دانسته است.» (همان: ۲۹۴) «هر کس خدای را بداند، علم قدر را می داند و هر کس خدای را جاهل باشد، علم قدر را جاهل است» (همان: ۲۵۰). قدر خلق را جز خداوند مقدر نمی کند. خداوند می فرماید: «خلق کل شیء فقدره تقدیرا» ۸ (فرقان/ ۲) «و ما نزله الا بقدر معلوم» ۹ (هجر، ۲۱).

مراد از مقدار و اندازه، «صفات ذاتی» ۱۰ اشیاء است و هویت هر شیء به استحقاق ذاتی آن برمیگردد. خلق هر چیز بر اساس اقتضای ذات آن چیز است و علم به حدود امور ذاتی، شناخت «قدر» هر چیز است. در آراء ابن عربی نظام هندسی آفرینش در تناظر میان مراتب سه گانه هستی، عالم عقول، عالم خیال مطلق ۱۱ و عالم ماده متجلی است: «هر موجود ممکن دارای سه نوع هستی است: یک هستی در

عالم حس، هستی دیگری در عالم عقول و هستی دیگری در حضرت خیال... نظام هندسی آفرینش در عالم عقول به حدود ذوات عقلیه (اعیان ثابتة) ۱۲ و در مرتبه عالم خیال مطلق به ظهور صور مثالیه و در مرتبه عالم ماده، در ماده کمیت پذیر عینیت مییابد» (عفیفی ۱۳۸۰، ص ۳۲۸).

از این منظر، هندسه و ریاضیات، نماینده جهان معقول و نمونه اعلائی است که خدا جهان جسمانی ای را که ما در آن زندگی می کنیم از روی آنها آفرید. دو جنبه کمیت و کیفیت در ریاضیات و هندسه، این علوم را مانند نردبانی میان عوالم محسوسات و معقولات قرار داده است (گاتری، ۱۳۷۵، ص ۶). اصل هماهنگی میان دو عالم مثال و محسوس رمز تناسب کیهانی میان این دو جهان است و «بیانگر رابطه تکمیلی و متمیمی میان دو جهان زیرین و زیرین، جهان زیرین جلوه و سایه یا رمز جهان زیرین در مقام اصل ازلی و سرمدی جهان زیرین است. این اصل اقتضای آن را دارد تا ناسوت مکمل لاهوت و یکی معکوس دیگری گردد» (ستاری، ۱۳۷۲، ص ۱۶۵). از نظر اخوان الصفا، «هندسه» زبان عقل است و هدایتگر گذار از عالم محسوس به عالم معقول است. اخوان الصفا هندسه را به دو مقوله «هندسه محسوس» و «هندسه معقول» تقسیم کرده اند. هندسه محسوس را مدخلی بر صناعت و آفرینش علمی و هندسه معقول را مقوم فکر و آفریننده علم؛ و نیز هر دو را بانی ورود به درک گوهر حکمت و جوهر نفس دانسته اند (اخوان الصفا، ۱۹۵۷، صص ۷۹-۸۰). فیثاغوریان نخستین کسانی بودند که به هندسه پرداختند از نظر آنها اصول هندسه ازلی بوده و در معرض تغییر و زوال نیستند (گاتری، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳). افلاطون هندسه و عدد را به عنوان اساسی ترین و اصیل ترین و لذا مطلوب ترین زبان فلسفی به شمار می آورد. او هندسه را به عنوان روشن ترین قالب زبانی برای توصیف قلمرو مابعدالطبیعی «سطح مثال اعلی» معرفی می کند. (کاپلستون، ۱۳۶۸، ص ۱۵). از نظر ابن سینا، هندسه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

علاوه بر بخشی از ریاضیات که اشکال و کمّیتهای آنها را مطالعه می‌کند، معنایی رمزی دارد و به موضوعات ماوراء طبیعی و مفاهیم دیگر نیز اشاره دارد (نصر، ۱۳۷۷، صص ۳۱۲-۳۱۱). ابن سینا معتقد بود که «جسم» جوهری است تقسیم پذیر و دارای سه بُعد طول، عرض و عمق است. اخوان الصفا در رساله موسیقی اخوان به اهمیت علوم ریاضی مستقیماً اشاره کرده و چنین می‌نگارند: «جمله جسم عالم در تمام افلاک و کواکب و ارکان اربعه و ترکیب آنها در درون یکدیگر بر بنای نسبت عددی یا هندسی یا موسیقی ۱۴ نهاده شده است و تمام جسم عالم مانند جسم یک حیوان یا یک انسان یا یک مدینه است و مدبر و مّصور و مبدع آن واحد بی همتاست» (نصر، ۱۳۷۷، ص ۷۸). از نظر فیثاغورثیان هماهنگی اصلی الهی است و هماهنگی و هدایت جهان بر عهده «عدد» قرار دارد. حقیقت کیهانی به مثابه چیزی کامل، الهی و ثابت از اعدادی تشکیل یافته که بر طبق قاعدههای نسبت ریاضی به بهترین شیوه ترکیب یافتهاند (گاتری، ۱۳۷۵، ص ۲۷۹). ارسطو میگفت منظور فیثاغورثیان از این که «عدد» را اساس ذاتی هر چیز قرار میدادند باید به این معنا باشد که همه اجسام فیزیکی از عناصری تشکیل شده‌اند که با نسبت خاصی ترکیب یافته‌اند. از نظر فیثاغورثیان اعداد هر کدام دارای صفت اصلی مشخصی است و وسیله تجزیه و تحلیل به شمار می‌آید: «مثلاً عدد ۲ به عنوان جوهر اولیه و اثری محسوب میشود که از آن نیرو و ماهیت مشتق میشود» (گاتری، ۱۳۷۵، صص ۱۶ و ۱۷).

۳-۴- انتظام هندسی صورت در هنر و معماری اسلامی

پروفسور آرتور آپهام پوپ در خصوص اهمیت انتظام هندسی در صورت آثار هنرهای ایرانیان می‌نویسد: «تسلط ایرانی بر زیبایی نقش و طرح در انواع هنرها با مهارت فنی کامل و قوه ابداع فراوان در اجرای نقش، هم چون دقت وزن در شعر و موسیقی بوده است روح ایرانی سرسختی خاصی دارد و صورتهای

اصلی خود را هرگز از دست نمی‌دهد. صورت در هنر ایرانی در پیوستگی با آرمان‌های کمال مطلق، بیان انتظام هندسی در همه اجزاء و ارکان یک اثر هنری است» (پوپ، ۱۳۸۷، صص ۳-۵).

اگر هنر نوعی بیان تلقی شود صورتهایی را که بیان به خود می‌گیرد، فرهنگ‌های معین به وجود می‌آورند و به هر کدام از این صورتهای فردیت خاصی را می‌بخشند. در همین رابطه پوپ می‌نویسد:

«در تحلیل نهایی، هدف تمدنها آشکار ساختن همین صورتهای پنهان است. ریاضیات و هندسه امکان اتصال و پیوند عالم محسوس و معقول را از طریق ترکیب وسیعی از صورتهای امکان پذیر می‌سازند و هر دو را مبدل به صورتهای محض می‌کنند. منطق، آشکار شدن صورتهایی است که اندیشه انسان را هدایت می‌کند و ضامن اعتبار آن میشود. آن انواع گوناگون صورت در ریاضیات، منطق و علوم طبیعی که به بیان دقیق خود می‌رسند به اصطلاح فلسفی، حقیقت درونی جهان را تشکیل می‌دهند. این صورتهای انتزاعی نیستند عین واقعیت اند حقیقت را بر ما آشکار می‌سازند و راز تسلط را به ما می‌آموزند. این صورتهای ما می‌توان واقعیت جوهری نامید. رسیدن به این صورتهای بازاندیشی اندیشه‌های خداوند است» (پوپ، ۱۳۸۷، ص ۳۱).

۳-۴-۱- جایگاه هندسه کیفی در وحدت و هماهنگی آثار هنر و معماری اسلامی

انتظام هندسی حاکم بر آثار هنر و معماری اسلامی ضمن آنکه بیان رمزی معرفت و شناخت معنوی و باطنی انسان نسبت به هندسه جهان نظم یافته است، وحدتی را بر صورت هنر و معماری اسلامی ایجاد می‌کند که به اصل مهم توحید اشاره دارد. اصل توحید بیان تجلی ذات الهی و حضور همیشگی خداوند در پیکر آفرینش یافته عالم است. «أینما تُولُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» ۱۵ (بقره، ۱۱۵).

در آراء بورکهارت نیز آن چه که به هنر اسلامی جاودانگی و اعتبار می‌بخشد جنبه کیفی هندسه

است که در قوانین تناسب ظاهر می‌شود (بورکهارت، ۱۳۷۰، ص ۲۰). از نگاه صاحب‌نظران مهم‌ترین خصوصیات معماری ایران، هندسه انتظام فضایی خاصی است که موجبات ترکیب منسجم و یکسان‌سازی ماهیت طرح بنا و تزئینات همچون کاربرندی‌ها و گره‌سازی‌ها را در معماری اسلامی ایران فراهم می‌سازد. در این آثار هندسه کمی به اندازه‌ها و کمیت‌های عناصر و ارکان و هندسه کیفی از طریق قوانین تشابه، تقارن، تناسب، تناظر، توازن، تعادل و هماهنگی به وجود وحدت مستتر در نظام طراحی فضاها، اشکال، نقشمایه‌ها، نور، رنگ و ماده دلالت دارد. «هندسه کیفی حاکم بر نظام ترکیب بندی آثار معماری دوران مختلف ایران علیرغم آن که هر دوره از شیوه‌های خاصی در بکارگیری اصول هندسه کیفی استفاده می‌کند، اساساً عبارت است از: توازن در وزن‌ها و حجم‌ها و هماهنگی در ترکیب بندی و طراحی فضا» (پوپ، ۱۳۸۷، ص ۳۱۴۷). هندسه کیفی حاکم بر ترکیب بندی عناصر بصری آثار هنر و معماری موجب می‌شود تا ضمن ایجاد وحدت، هماهنگی، توازن، تعادل، تناسب و ریتم در میان عناصر بصری؛ نقطه، خط، سطح و حجم موجبات انسجام میان صورت و معنا و یا میان بوم و متن اثر هنری و نیز تناسب میان سطوح و احجام بنا با ویژگی‌های کارکردی و معنایی آن‌ها ایجاد گردد. «هندسه کیفی در معماری از طریق ایجاد انتظام فضایی عامل اتحاد و توافق کثرت اجزای مختلف بنا و ایجاد وحدت در مقام بنیادی‌ترین اصل هستی است و به صورت رعایت اندازه در طراحی بنا و فضاهای اصلی و تعیین تناسب‌ات ابعاد بنا از طریق کاربرد نسبت‌های طلایی در اجزاء و کل بنا جلوه‌گر می‌شود» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ص ۸۹). هندسه کیفی با ایجاد فضایی متعادل، هندسی و کامل، اجزاء و عناصر معماری اسلامی از حیاط گرفته تا اتاق‌ها، هشتی، ورودی و هر جزء از مجموعه را بر اساس نظم در کنار هم قرار می‌دهد. ایجاد نظم ضمن امکان هماهنگی بخش

های مختلف بنا، تناسب و پیوستگی مطلوبی را میان فضاها و شکلها ایجاد می‌کند.

۴-۳-۲- تجلی اصل توحیدی وحدت در کثرت در آثار هنر و معماری اسلامی

معماری نمایشگر بهره‌گیری کثرت وسایل در طرق گوناگون برای نیل به وحدت است. دیدگاه توحیدی در معماری نه فقط شامل کلیت معماری است بلکه عناصری نظیر فضا، شکل، نور، رنگ و ماده را نیز که در کنار هم فرم معماری را بوجود می‌آورند، در برمی‌گیرد. جلوه‌های بصری اصل وحدت در کثرت در کالبد و فضاها، اشکال، نقشمایه‌ها، نور، رنگ و ماده در پنج اصل قابل بررسی است:

- ۱- اصل محوربندی فضایی در معماری؛
- ۲- اصل مرکزگرایی در معماری سنتی اسلامی؛
- ۳- اصل تقارن در معماری مرکزگرا؛
- ۴- اصل استقلال فضاها در مرکزگرایی معماری؛ این اصل به حضور هندسه کیفی در نظام حاکمیت قدر در خلقت عالم و ترکیب فضاها، مستقل اشاره دارد.
- ۵- اصل سامان بندی و سیال بودن فضا در معماری؛ سیال بودن فضا به وجود ریتم یکی از ارکان توحید اشاره دارد.

۱- اصول محور بندی فضایی در معماری: «۱. سازواری و تناسب و همکاری و هماهنگی عوامل و پدید آوردن یک سامانه از عناصر کالبدی و فضایی، ۲. تأکید بر جفت‌سازی یا تقارن و محوربندی فضایی- کالبدی، ۳. جایگیری فضاهای اصلی روی محوره‌های اصلی، ۴. جایگیری فضاهای فرعی و ارتباطی روی محوره‌های فرعی، ۵. جایگیری فضاهای میانجی و میاندور در دو سوی محوره‌های اصلی».

۲- اصول مرکزگرایی در معماری سنتی اسلامی: «۱. تأکید بر کانون و مرکزیت فضایی- کالبدی با گرایش به الگوهای ساماندهی مرکزی، ۲. تأکید بر مرکزیت در آرایه‌سازی‌ها و نگاره‌های اسلیمی، این اصل به سازمان بندی مرکز گرایانه فضا در معماری و نظام طراحی آرایه‌های هندسی و نقشمایه‌های اسلیمی

و ختایی اشاره دارد (نقره کار ۱۳۹۴، صص ۳۳۶-۳۴۱). سازمان بندی مرکز گرایانه فضا موجب خلق سلسله مراتب حجم های هندسی انتظام یافته ای می گردد که به خلق فضای مثبت پیوسته و وحدت یافته می انجامد. هنرمند برای ایجاد وحدت در صورت هنر اسلامی از دایره و حرکت دایره ای به عنوان اساس الگوهای هندسی کمک می گیرد. دایره رمز آشکار از وحدتی است که تمام اشکال ممکن هستی را در بر می گیرد. هنرمند مسلمان برای بیان چگونگی کیفیت گسترش حقیقت الهی در تمام مخلوقات و بیان سیر از کثرات به سوی یک اصل مشترک و به عبارتی سیر از ظاهر به باطن اشیا و دیدار حقیقت، کلیت نقوش اثر هنری را با گردشی دایره وار در یک نقطه متمرکز می سازد (اکبری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱).

۳- اصل تقارن در معماری مرکزگرا

بسیاری از الگوهای معماری مانند چهار ایوانی، چهار صفه، هشتی و... بر مبنای تقارن ساخته شده اند. تقارن در سه حوزه سطح پلان، حجم و نما قابل بررسی است. تقارن سطحی می تواند یک محوری (دو طرفه) و یا دو محوری (چهار طرفه) و یا چهار محوری (هشت طرفه) باشد. مقصود از تقارن حجمی در معماری اسلامی، بیشتر تقارن فضایی داخلی است اما مسئله تقارن کالبدی در این معماری بیشتر از طریق نماسازی است.

۴- اصول استقلال فضاها در مرکزگرایی معماری:
«۱. مرزبندی فضاها با کالبدهای تعریف شده و روشن بودن مرز میان فضاها؛ ۲. بهره گیری از فضاها و فاصله انداز به نام «میاندر» میان فضاها و بدون قاب بندی های ویژه میان فضاها و کالبدها؛ ۴. داشتن ویژگی ها و تمایزات کمی و کیفی هر فضا برای متمایز شدن و تفرد در بین فضاها دیگر». در بیان استقلال فضاها در عین وحدت فضایی می توان به موارد ذیل اشاره نمود: «۱. مرزبندی فضاها با کالبدهای تعریف شده و روشن بودن مرز

میان فضاها؛ ۲. بهره گیری از فضاها و فاصله انداز به نام میاندر میان فضاها اصلی؛ ۳. پرهیز از یکپارچگی کامل و بدون قاب بندی های ویژه میان فضاها و کالبدها؛ ۴. داشتن ویژگی ها و تمایزات کمی و کیفی هر فضا برای متمایز شدن و استقلال در بین فضاها دیگر (حول مرکز درونی)؛ و ۵. وحدت فضاها حول محورهای طولی و عرضی و نقطه عطف مرکز بیرونی.»

۶-۵- اصل سامان بندی و سیال بودن فضا در معماری

تحرک و سیال بودن فضایی به معنی ابهام و آشکار نبودن مرزها و حدود فضایی نیست. عناصر فضایی معماری ایران مانند اتاق ها، حجره ها و حیاط همه مرزهای بسیار مشخصی دارند و میل به تعریف و تأکید بر حاشیه و مرز در همه هنرهای تصویری ایران از جمله قالی بافی و مینیاتور به چشم می خورد. در اثبات پیوستگی و اتصال فضایی کل ساختار شهر و همچنین درون هر مجموعه معماری از مفهوم «فضای منفصل» بهره گیری شده است. این انفصال ها در درون یک شبکه متصل و کامل سبب می شود که انسان را از زندگی عادی و روزمره جدا کند و وارد یک «فضای منفصل» با ویژگی های خاص خود کند. توجه به اتصال و انفصال فضایی و سیلان و تصلب آن، ظرافت های ویژه ای دارد که بی توجهی به آن، درک کامل این کیفیات را دشوار می سازد (نقره کار، ۱۳۹۴، صص ۳۳۶-۳۴۱).

۴-۳-۳- ریتم بیان رمزی امر حیات در آثار هنر و معماری اسلامی

حیات حاکم بر همه موجودات و پدیده های طبیعت در گرو وجود قانون کلی ریتم است. جلوه های ریتمیک منظم و هماهنگ طبیعت؛ تغییرات ایام و فصول و سال - مراحل تولد، رشد و مرگ همه موجودات- ضربان قلب و حرکت های منظم دستگاه های تنفس و گردش خون بیان رمزی امر حیات در عالم هستی است. در طول ادوار مختلف اسلامی آثار هنر و معماری از تداوم و پایداری



تصویر ۱. قالی با طرح لچک ترنج،
اصفهان، معاصر



تصویر ۲. کاشی کاری معرق زیر گنبد مسجد شیخ لطف اله، صفوی،
اصفهان



تصویر ۳. آرایه های هندسی روی آجر و کاشی



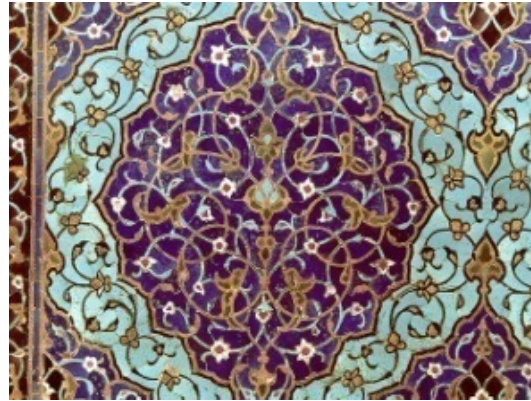
تصویر ۴. تذهیب با طرح ترنجی،
صفوی، قرن ۱۰ هـ.ق؛ ماخذ: نجفی،
۱۳۶۸، ص ۲۹۹

وسيله قوه شنوایی احساس می شود. «در آثار هنر و معماری دوره های مختلف ایران، از تکرار عناصر بصری؛ نقطه، خط، سطح و حجم برای نشان دادن حرکت و ریتم استفاده شده است. ریتم و حرکت دو عنصر لاینفک از یکدیگرند، حرکت ناشی از ریتم است و ریتم پدیده ای در بطن حرکت نهفته در عناصر تصویری؛ نقطه، خط، سطح، حجم در آثار

خاصی در خلق ریتم همچون دقت وزن در شعر و موسیقی از طریق بکارگیری اصول هندسه؛ توازن، تقارن، تناسب، تعادل در ترکیب بندی انحاء عناصر مختلف بصری و تجسمی برخوردار بوده است. سر این پایداری در بیان ارزش های جاودان امر حیات نهفته است. هنرمند با ایجاد ریتم در اثر هنری به اصل مهم «حیات» اشاره می کند. نمایش ریتم در آثار هنرهای تجسمی و معماری دارای کیفیت و جلوه های مختلف بوده و به صورت های دو بعدی در سطح و سه بعدی در حجم جلوه گر می شود. هم چنان که ریتم در موسیقی عبارت است از روند مکرر امواج صوتی که با فاصله ای معین ظاهر و به



تصویر ۶. مقرنس های ایوان غربی مسجد جامع اصفهان



تصویر ۵. آرایه های اسلیمی و ختایی روی کاشی



تصویر ۸. سردر ورودی مسجد امام خمینی اصفهان، صفوی



تصویر ۷. گنبد مسجد امام خمینی اصفهان، نیمه اول قرن ۱۱ هجری شمسی، صفوی

نقش ها در قالی و گلیم اشاره نمود. نقطه دارای انرژی متمرکز و ثابتی است (حلیمی ۱۳۸۱، ص ۳۹) و وقتی همچون تصاویر ۱ الی ۴ در مرکز محیط قرار می گیرد از تعادل و سکون برخوردار است؛ عناصر و محیط اطراف را حول خود سازمان می دهد و آن ها را تحت سلطه قرار می دهد.

۴-۳-۲- جایگاه عنصر بصری خط در ایجاد ریتم و حرکت

خط، دومین عنصر هندسی و مهم ترین نمود تصویری در نشان دادن جلوه های مختلف حرکت است. در هنرهای مختلف صنعتی و تزئینی جلوه های خط را در ترکیبات هندسی نقوش و سازمان دهی آرایه های اسلیمی و ختایی از طریق خطوط مدور و منظم شاهد

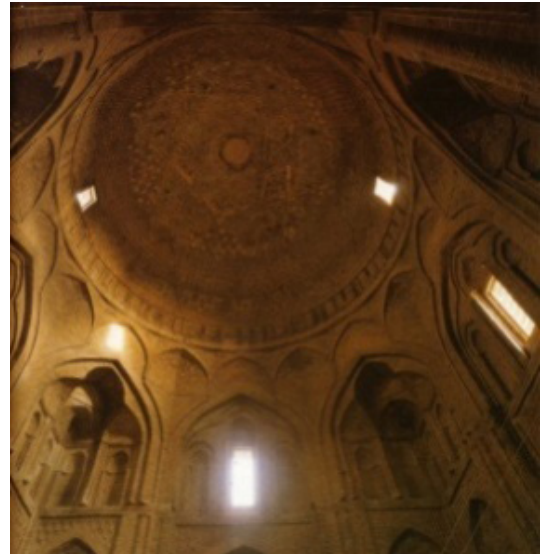
هنر و معماری است» (حلیمی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴). ریتم و حرکت در فضا سازی معماری اسلامی رمز تداوم حیات در عرصه هستی است و در سلسله طاق های رواق و شبستان تجلی می یابد.

۴-۳-۱- جایگاه عنصر بصری نقطه در ایجاد ریتم و حرکت

نقطه کوچکترین عنصر هندسی است و از تکرار آن حرکت و ریتم پدید می آید. از نمونه های جایگاه نقطه در ریتم و حرکت می توان به نمونه های فراوانی از سلسله نقاط برای نشان دادن خط و از آنجا حرکت و ریتم در آثار معماری و نیز هنرهای صنعتی؛ کاشیکاری، مشبک کاری و یا تکرار خرده



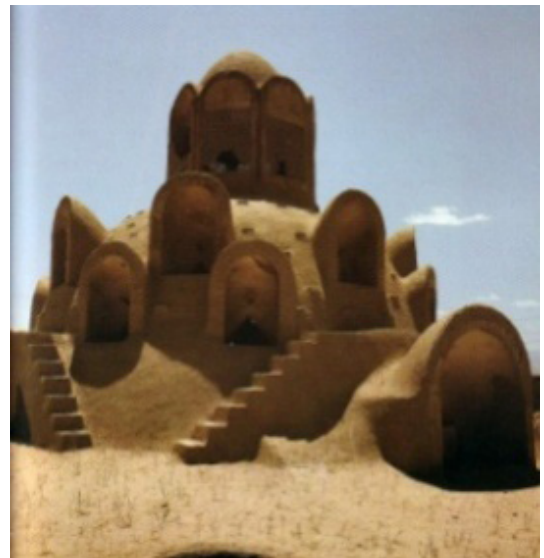
تصویر ۱۰. ایوان ورودی مسجد شیخ لطف اله



تصویر ۹. زیر گنبد خاکی مسجد جامع اصفهان، صفوی



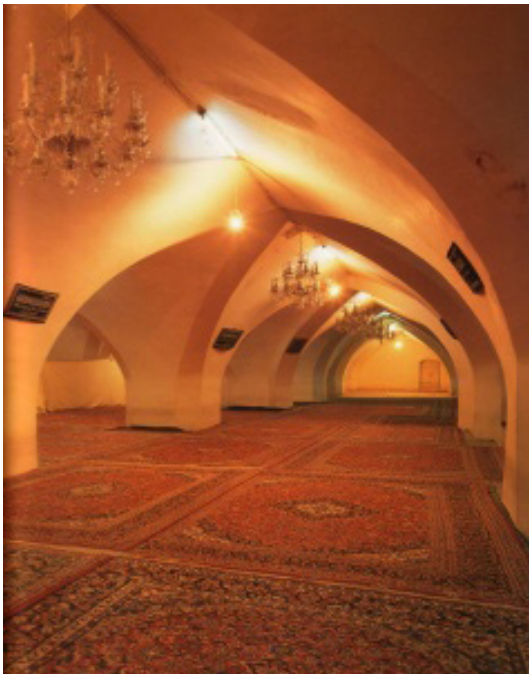
تصویر ۱۲. نگارگری و خطوط هندسی



تصویر ۱۱. خانه بروجردیها کاشان

می گردانند و با خود انسان را به فقر ذاتی خویش متذکر می سازند و از این راه معرفتی روحانی را برای وی به ارمغان می آورد. گره های در هم تنیده آرایه های هندسی حاصل اندیشه های توانمندی است که به نوآوری های ایرانیان تنوع، قدرت و ویژگی های برجسته ای را بخشیده است. گره های هندسی هم چهارچوب ترکیب بندی را تشکیل می دهند و هم حدود اشکال را معین می سازند. خط با حرکت و گردش خود در تزئینات هندسی - گیاهی و خط نوشته، فرم های اصلی معماری را مورد تأکید قرار می دهد. مسجد جامع اصفهان از شاهکارهای معماری به سبک ایرانی است. این مسجد دارای

هستیم. هنرمند مسلمان برای بیان رمزی امر حیات از دایره و حرکت دایره ای خط کمک می گیرد. ریتم حیات در دوایر متحدالمرکز و محور اقطار دایره ای آرایه های هندسی نهفته است. ادراک یگانگی و وحدت نظام عالم در یگانگی و تجزیه ناپذیری صورت و معنا و یا قالب و محتوا در آرایه های هندسی و اسلیمی جلوه گر می گردد. این آرایه ها با دارا بودن صورتی برخاسته از هندسه، جنبه تنزیهی اصل توحید را در زبانی تجریدی شکفته



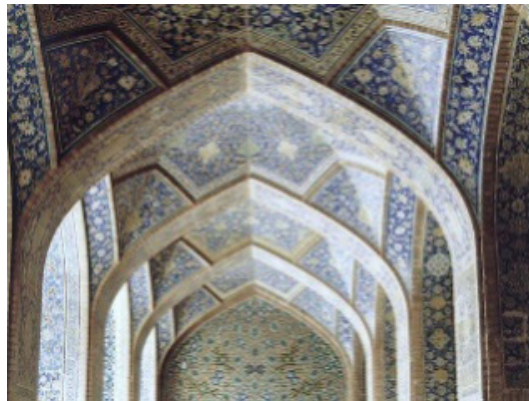
تصویر ۱۴. سلسله طاق های شبستان زمستانه مسجد جامع، صفوی، اصفهان

هستند و سطح منفی نمایشگر حد فاصل دو شکل و یا فضای خالی است.

سطح در بنای معماری به دو صورت مستوی و صاف در درودیوار یا پنجره و کف اتاق و یا منحنی و نیم کره ای به صورت سطح نیم کره ای سقف ها و گنبدها یا مناره ها و ستون ها مطابق تصاویر ۹ الی ۱۲ دیده می شود.

ایوان ورودی مسجد شیخ لطف اله اصفهان دارای تقسیمات سنجیده سطوح در طاق نماها و پنجره های مشبک با فرم های گیاهی و هندسی است. ارزش های تصویری ریتم سطوح با توجه به رویت حجم های مثبت و فضاهای خالی که در تصویری از بام خانه بروجدی ها در کاشان قابل تشخیص است، دیده می شود. تصویر ۱۲ نمونه ای از اثر نگارگری است که تقسیم بندی کادر و فضای تابلو بر اساس تقسیم بندی های منطقی و روابط هماهنگ سطوح به وجود آمده است.

۴-۳-۳-۴ جایگاه عنصر بصری حجم و فضا در ایجاد ریتم و حرکت



تصویر ۱۳. سلسله طاق های شبستان مسجد امام اصفهان، صفوی

نکته های هنری ارزشمند در ساختار و تزئینات است. طراحی و آرایش نیم قوس های مقرنس های ایوان غربی این مسجد به صورت ریتمیک دارای حرکتی از بیرون به درون و بالعکس است. علاوه بر آن مفهوم ریتم در قسمت های جزئی تزئینات در خط بنایی و ترکیبات هندسی آن نیز مشاهده می شود.

گنبد عظیم مسجد امام خمینی اصفهان مربوط به دوره صفوی در نیمه اول قرن یازدهم هجری شمسی است (تصویر ۷). تزئینات کاشیکاری این مسجد مطابق تصاویر ۲ و ۵ و ۷ و ۸ بسیار غنی و متنوع است. مهمترین قسمت آن ترکیب شمشه بسیار عظیم کاشیکاری معرق زیر گنبد اصلی آن است که شامل ترکیبی موزون از اسلیمی ها و ختایی هایی است که به صورت خارق العاده به نظم اجرا شده اند.

۴-۳-۳-۴ جایگاه عنصر بصری سطح در ایجاد ریتم و حرکت

سطح، سومین عنصر تصویری و تجسمی است که دارای دو واقعیت طولی و عرضی است سطوح اصلی هندسی؛ مثلث، مربع، دایره است و سایر اشکال هندسی به نحوی مشتق از همان سه شکل و یا ترکیبی از آن ها است. سطح مانند عناصر بصری؛ نقطه و خط فاقد عمق است و به صورت مثبت و منفی قابل ادراک است. سطح مثبت وابسته به احجام و اشیایی است که دارای واقعیت سه بعدی

عناصر تصویری حجم دارای سه بعد طول، عرض و عمق و سه عامل اولیه؛ نقطه و خط و سطح است. در آثار معماری فضا و حجم در نسبت با یکدیگر قرار دارند. حجم‌های توپر را حجم و فضای مثبت و حجم‌های خالی را حجم و فضاهای منفی گویند. فضا در معماری اسلامی از دو گونه کمی و کیفی برخوردار است. فضای کمی یا مثبت به تمام صورت‌های معماری: طاق، قوس و دیوار گفته می‌شود. و فضای کیفی یا منفی فضای خالی ای است که توسط صور واقع در آن جنبه کیفی پیدا می‌کند. از این دیدگاه این فضا است که به پیدایش صورت راهبر می‌شود و نه شکل. انسان از میان فضای مواج، گسترده، پیوسته و وحدت یافته عبور می‌کند و نه از میان توده‌های جامد. چنین فضایی مثبت و زنده وار از سلسله مراتبی از حجم‌های هندسی انتظام یافته تشکیل شده است و ضمن تداوم و پیوستگی از حیات برخوردار است. چنین معماری با نفس وابستگی خود به نوعی تداوم فضایی مثبت، هیچ تداوم گسل یا سدّی سر راه عبور انسان پدید نمی‌آورد. آدمی متداوماً در فضایی مواج و گسترده که پیوسته یکتاست پیش می‌رود (تصاویر ۱۳ و ۱۴).

از نگاه صاحب نظران وجود انتظام فضایی موجبات ترکیب منسجم و یکسان سازی ماهیت طرح بنا و تزیینات همچون کاربردی‌ها و گره‌سازی‌ها را در معماری اسلامی ایران فراهم می‌سازد. فضای مثبت در معماری اسلامی دارای تداومی است که سلسله طاق‌ها در رواق‌ها و شبستان‌ها را می‌سازد و خود تاکید بر نظام ریتم تداوم فضایی مثبت است. ریتم تداوم فضایی مثبت، سلسله مراتبی از نظام‌های حرکتی، ارتباطات و روابط فضایی را به وجود می‌آورد و رشد و تغییر در یک طرح فراآگاهانه نظم را ممکن می‌سازد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

مسئله مهم در این نوشتار، اولاً- تناسبات هندسی خلقت از منظر اصل قرآنی توحید و ثانیاً- تناسبات هندسی خلقت چگونه در آثار هنر و معماری

اسلامی تجلی یافته است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی و تطبیقی با رویکرد به منابع قرآنی بوده و روش تجزیه و تحلیل با استعانت از شیوه استدلالی قیاسی به انجام رسیده است. هدف از این نوشتار ادراک حیات کیهانی افلاک و رهیافت به روش‌هایی است که در آثار هنر و معماری اسلامی تجلی یافته است. از جمله یافته‌های این پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- از مراتب چهارگانه توحید، توحید افعالی با شعار الله اکبر به تناسبات هندسی خلقت و وحدت و هماهنگی در نظام هستی.

۲- هندسه نظام جهان هستی به وجود نظم و اندازه در آفرینش جهان و وحدت هستی در سراسر کثرت مراتب وجود و عدالت خداوند بر عظمت و بی‌کرائگی عالم است.

۳- عدالت خداوند با نظم و اندازه و قدر ارتباط و تناسب دارد. قدر به خلق هر چیز بر اساس استحقاق ذاتی آن شی اشاره دارد.

۴- سرّ تناسبات کیهانی دو عالم مثال و محسوس در هماهنگی جنبه‌های کمی و کیفی پدیده‌های این دو عالم است. عالم مثال نمونه‌ای است که خداوند جهان جسمانی را از روی آن‌ها آفریده است. ۵- هندسه کمی به اندازه‌ها و کمیت‌های عناصر و ارکان و هندسه کیفی به وجود وحدت مستتر در نظام طراحی فضاها، اشکال، نقشمایه‌ها، نور، رنگ و ماده دلالت دارد.

۶- هندسه حاکم بر صورت آثار هنر و معماری اسلامی وحدتی را بر صورت آثار ایجاد می‌کند که به اصل مهم توحید اشاره دارد.

۷- جلوه‌های بصری اصل وحدت در کثرت در کالبد و فضاهای معماری و آرایه‌های هندسی آن در پنج اصل: محور بندی فضایی- مرکزگرایی- تقارن- استقلال فضا و سامان بندی و سیال بودن فضا در معماری قرار یافته است.

۸- در آثار هنر و معماری دوره‌های مختلف ایران از تکرار عناصر بصری؛ نقطه- خط- سطح و حجم

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

برای نشان دادن حرکت و ریتم اشاره شده است. ریتم بیان ارزش های جاودان امر حیات است. امر حیات رمز حضور همیشگی خداوند است و از اصول مهم توحیدی است.

پی نوشت

۱- (ای پیامبر) بگو که او خدای یکتا و بی همتایی است... و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است.

۲- هیچ چیزی مثل و مانند خداوند نیست و او شنوا و بیناست.

۳- (آری) این است خداوند، پروردگار شما؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ آفریدگار همه چیز است؛ او را بپرستید و او نگهبان و مدبر همه موجودات است.

۴- به هر جای که روی کنید همانجا روی به خداست.

۵- هندسه [هَدَد / هَدِ سَ / سِ] (معرب، ا)، در عربی به فتح اول به معنی اندازه و شکل باشد (برهان). از

اصول علوم ریاضی است و علمی است که در آن از احوال مقادیرها و اندازه‌ها و از حیث تقدیر بحث شود. «هندسه» معرب «اندازه» می‌باشد که الف اول

به هاء و «ز» به «سین» تبدیل شده و الف دوم افتاده است و تبدیل به هندسه شده است و در

اصطلاح به علمی گفته می‌شود که دربارهٔ مقادیر از لحاظ اندازه‌گیری بحث و بررسی می‌کند و صاحب این علم مهندس نامیده می‌شود. (التهانوی، ۱۹۶۷

م، ۱۵۳۲). «دانستن اندازه‌ها است و چندی یک از دیگر و خاصیت صورتها و شکلها که اندر جسم موجود است» (بیرونی، ۱۳۱۶، ۳). «هندسه آن

رشته از ریاضیات است که مطالعه در فضا و اشکال و اجسام قابل تصور در فضا می‌نماید» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۰۸۳۷).

۶- خداوند هر چیز را اندازه‌های قرار داده است.

۷- مرتبه «احدیث» اولین تعین ذات باری تعالی در فرایند آفرینش هستی است. مرتبه احدیث مرتبه تجلی اسماء متکثره حق تعالی است و «عقل اول»

(نوس nus)، «حقیقت الحقایق»، «حقیقت محمدی»

نامیده میشود. مرتبه «واحدیت»، مرتبه ظهور «اعیان ثابتة»، صورت اسماء الهی است. (ابن عربی، ۱۳۸۲، معارف، باب ۷۳، ۲۰۹)

۸- همه چیز را آفرید و آن را به اندازه کرد- اندازه کردنی.

۹- و ما آن را جز به اندازه معین نازل نمیکنیم.

۱۰- ابن عربی در نسبت میان اعیان ثابتة با ماهیت و ذات اشیاء چنین مینویسد:

اعیان ثابتة ماهیت، ذات و طبیعت هر شیء را تشکیل میدهند و تحت قانون کلی «قانون مشیت»

قرار دارند. تمام رخدادهای هستی به مقتضای مشیت و قدر الهی تحقق مییابد. ظهور اشیاء ظهور «عین ثابت» به معنای ظهور ذات و طبیعت آن

شیء است. سرّ قدر یعنی آن چه که در مرتبه نبوت (عین ثابت، ماهیت و ذات) خود بوده‌ای در

مرحله وجودت آشکار می‌کنی و آنچه را که در وجود خودت آشکار می‌کنی چیزی جز آنچه که خداوند به تو اعطا کرده نیست. (عفیفی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴)

۱۱- عالم خیال مطلق، برزخی است و سیط بین جهان عقلی و عالم حسّی زیرا مرتبت وجودی آن برتر از عوالم حسّی و فروتر از جهان عقل است این

عالم از جهان حسّی مجردتر و از عالم عقلی داری تجرّد کمتری است جهانی که در آن جمیع صور و اشکال و مقادیر و اجسام و آنچه بدان متعلق است

موجود میباشد؛ نظیر حرکات، سکانات، اوضاع، هیأت و غیره و همه قائم به ذات هستند و معلقه یعنی غیر مقرر در مکانی یا متعلق در محلی (کربن، ۱۳۵۲،

؟)

۱۲- ابن عربی در فتوحات مکیه «اعیان ثابتة» را چنین شرح میدهد: اعیان ثابتة در کلمات عرفا به معنی حقایق ممکنات است، در علم حق تعالی.

یعنی صور ممکنات را در علم حق تعالی که حقایق موجودات است، اعیان ثابتة گویند. (ابن عربی، ۱۳۸۲، معارف، باب ۷۳، ص ۲۰۹)

۱۳- اخوان الصفا جماعتی بودند که در قرن چهارم هجری قمری و مقارن با قرن دهم میلادی در بصره

تشکل یافتند که شاخه ای از آنها در بغداد نیز به سر می بردند. (کاپلستون، ۱۳۶۸، ص ۴۵)

۱۴- اخوان مانند فیثاغوریان قدیم اهمیت خاصی برای موسیقی قائل بودند و معرفت به تناسب و هماهنگی را اساس علم موسیقی و تمام صنایع و فنون مهم می شماردند.

۱۵- به هر جا که رو کنید همان جا روی به خداست.

منابع و ماخذ

۱- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۸۵) ترجمه قرآن مجید. چاپ نهم. تهران: سروش

۲- اخوان الصفا. (۱۹۵۷م، ۱۳۷۶ هـ.ق). رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا، المجلد الاول، القسم الرياضی، بیروت، دار بیروت (للتبایع والنشر) دار صادر (للتبایع والنشر)،

۳- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰) حس وحدت. ترجمه حمید شاهرخ. تهران: سازمان زیباسازی شهرداری تهران.

۴- اعوانی، غلامرضا. (۱۳۸۵) حکمت و هنر معنوی. مجموعه مقالات. تهران: گروس

۵- افلاطون. (۱۳۶۷) دوره آثار افلاطون - رساله تیمائوس، ترجمه محمد حسن لطفی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: چاپخانه گلشن

۶- اکبری، فاطمه. (۱۳۸۹) تأویل رمزهای هندسی در هنر و فرهنگ اسلامی. رساله دکتری. به راهنمایی محمد تقی پورنامداریان و علی اصغر شیرازی. تهران: دانشگاه شاهد.

۷- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴) مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، دفتر دوم، کیمیای خیال، نشر سوره مهر، تهران

۸- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۰) ارزش های جاودان در هنر اسلامی. از کتاب جاودانگی و هنر به کوشش سید محمد آوینی. تهران: برگ.

۹- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۹) هنر مقدس. جلال ستاری. تهران: سروش.

۱۰- پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۷۸). سیری در هنر ایران.

جلد ۶. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۱- حلیمی، محمدحسین. (۱۳۸۱) اصول مبانی هنرهای تجسمی. زبان، بیان، تمرین، چاپ سوم، تهران: احیاء کتاب

۱۲- ستاری، جلال (۱۳۷۲) مدخلی بر رمزشناسی عرفانی، چاپ اول. تهران، نشر مرکز.

۱۳- دشتی، علی. (۱۳۸۷) ترجمه نهج البلاغه، قم: اندیشه ماندگار.

۱۴- عقیفی، ابوالعلا. (۱۳۸۰) شرحی بر فصوص الحکم. نصراله حکمت. تهران: الهام.

۱۵- فروم، اریک. (۱۳۶۲) زبان از یاد رفته، ابراهیم امانت، چاپ سوم، تهران: مروارید

۱۶- کاپلستون، فردریک. (۱۳۶۸) تاریخ فلسفه - فلسفه یونان و روم، سید جلال الدین مجتبی، جلد اول، تهران: سروش و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۷- گاتری، دبلیو. کی. سی. (۱۳۷۵) تاریخ فلسفه یونان - فیثاغوس و فیثاغوریان، ترجمه مهدی قوام صفری، تهران: فکر روز.

۱۸- گنون، رنه. (۱۳۸۴) سیطره کمت و علائم آخرالزمان. علی محمد کاردان. چاپ سوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۹- مددپور، محمد. (۱۳۷۱) حکمت معنوی و ساحت هنر، تهران: حوزه هنری.

۲۰- نصر، سیدحسین. (۱۳۷۷) نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

۲۱- نقره کار، عبدالحمید. (۱۳۹۴) برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: کتاب فکر نو.

۲۲- نقره کار، عبدالحمید. (۱۳۹۲) خانه کعبه، سلول بنیادی در طراحی نیایشگاه های مطلوب (اصول راهبردی و راهکارهای عملی در طراحی مساجد مطلوب). فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی. سال اول. شماره اول. (۲۵-۴۱).

۲۳- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۵۲) انسان و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

سمبول هایش، ابوطالب صارمی چاپ سوم، تهران:
امیر کبیر

24-Cirlot, J.E. 1973, A dictionary of symbols, translated from the spanish by Jack sage, foreword by Herbert Read, second edition, London.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۱۲۴ ■

مقایسه تطبیقی بازارهای ایرانی و بازارهای کشورهای اسلامی (نمونه موردی: بازار یزد در ایران و بازار استانبول در ترکیه)

دریا نصرت پور* - آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، تهران، ایران.
حسین سلطان زاده - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
سید هادی قدوسی فر - استادیار دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

Comparative Iranian markets and markets of Islamic Countries (Case Study: Yazd in Iran and Istanbul market in Turkey)

Abstract

The far distant past, as the most active market in Islamic countries is urban and architectural space. Global Islamic countries not only as a space for barter but also as a cultural space, social, religious and the others; The aim of this study was to compare the Iranian markets with other markets of Islamic countries. In order to compare the markets of Yazd and Istanbul; the research was descriptive - analytic case (Yazd in Iran and Istanbul market in Turkey), gathering data, library method has been done. In this study, the concepts of the market, its activities and its features in Islamic countries then introduced Yazd and Istanbul. And have been analyzed. In the end, these two markets in terms of spatial configuration, a variety of spaces, activities, etc. have been compared with each other. In the end, the results of comparative analysis are presented.

Keywords: Market, Global Islamic countries, Yazd, Istanbul market.

چکیده

از گذشته‌های دور تاکنون، در کشورهای اسلامی بازار به عنوان فعال‌ترین فضای شهری و معماری بوده است. بازارهای کشورهای اسلامی نه تنها به عنوان فضایی جهت داد و ستد کالاها بلکه به عنوان یک فضای فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و غیره بوده‌اند. هدف این تحقیق مقایسه بازارهای ایرانی با بازارهای دیگر کشورهای اسلامی است. بدین منظور بازارهای یزد و استانبول برای مقایسه انتخاب شده‌اند. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی از نوع موردی (بازار یزد در ایران و بازار استانبول در ترکیه) بوده و جمع‌آوری داده‌ها، با تکنیک کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش ابتدا به مفاهیم بازار، فعالیت‌های آن و ویژگی‌های آن در کشورهای اسلامی پرداخته و سپس بازار یزد و استانبول معرفی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و در انتها این دو بازار از لحاظ پیکربندی فضایی، انواع فضاها، فعالیت‌ها و ... با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در پایان نیز نتایج مقایسه تطبیقی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: بازار، بازارهای کشورهای اسلامی، بازار یزد، بازار استانبول.

۱. مقدمه

یکی از فضاهای عمومی در شهرهای تاریخی ایران و شهرهای مسلمانان که یکی از وجوه مطلوب تعاملات اجتماعی در آنها رخ می دهد، بازار است که مفصل ارتباطی بناهای عمومی با فضای شهری است. این عرصه در کنار فعالیتهای تجاری و زندگی روزمره مردم، نقش به سزایی در فعال بودن فضای شهری دارد. بازار که از مهمترین فضاهای اجتماعی و شهری هر جامعه است، شبکه‌ای درهم تنیده از روابط اجتماعی و اقتصادی را در جوار بناهای عمومی دیگر شکل می داد و نقش تعیین کننده‌ای به عنوان عامل شکل دهی استخوانبندی و ساختار کالبدی شهر اسلامی داشته است (کوشا، ۱۳۹۳). «بازار به مثابه عنصر و جزء اصلی شهرهای ایرانی و اسلامی، از یک سو یکی از شاخص‌های اعتبار شهر در دوران تاریخی بوده و از سوی دیگر یکی از مشخصه‌های شهر شرق اسلامی شمرده شده است. از این رو، در نظریه پردازی درباره شهرهای اسلامی این عنصر مورد توجه و تاکید خاص بوده است. بر اساس جمع بندی مدل های جغرافی دانان در مورد کارکردهای اصلی و ویژگی های اساسی شهر سنتی شرق اسلامی، بازار و سلسله مراتبی از بازار (همراه با مسجد آدینه) به مثابه قلب و هسته اقتصادی شهر و وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه وری در درون بازار از مشخصه های بارز و جدایی ناپذیر شهرهای اسلامی از جمله ایرانی بوده است» (ایراندوست، ۱۳۹۰، ص ۶).

بازارهای سنتی ایران با سابقه کهن خود در کنار جنبه اقتصادی از نقش فعال اجتماعی نیز برخوردار بوده اند و در بسیاری از شهرهای کشورمان می توانیم همجواری عناصر شاخص مذهبی و فرهنگی را با بافت بازار مشاهده کنیم. به این صورت که بازار به صورت همزمان یک محور مهم ارتباطی، اقتصادی و فرهنگی شهر بود و نقش و منزلت مهمی در حیات اجتماعی شهر داشت (سلطان زاده ۱۳۶۶، ص ۳۸۳). در این پژوهش به مقایسه بازارهای سرپوشیده

استانبول و بازار یزد پرداخته می شود. ابتدا مفاهیم بازار، فعالیت های آن و ویژگی های آن تبیین می گردد. در ادامه به ویژگی های بازار یزد پرداخته و این بازار معرفی می شود و سپس بازار استانبول مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و در انتها با یکدیگر مقایسه خواهند شد.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱ بازار

گفته اند که واژه «بازار» در زبان پهلوی به صورت «واکار» به کار می رفته و در پارسی باستان به صورت «آباکاری» (آبا= محل اجتماع، کاری= چرخیدن) به معنی محل اجتماع و خرید و فروش بوده است (سلطان زاده، ۱۳۶۵، ص ۲۵۱). این واژه از طریق پرتغالی ها به زبان فرانسه راه یافت (دهخدا، ۱۳۸۹). «بارتولد» اظهار داشته است که کلمه بازار در زبان فارسی از زبان های دیگر گرفته شده و به معنی «کار در نزدیکی در» بوده است. وی در این مورد توضیح بیشتری نداده است (بارتولد، ۱۳۷۵، ص ۴۴). «پیرنیا» بیان می کند که در زبان فارسی میانه (و در پهلوی) به آن واچار گفته می شده که تنها ویژه خرید و فروش کالا نبوده است. به طور کلی واچار به انجمن گاه گفته می شده است. مردم هر شهر سالی چند بار در آن جا گرد می آمدند و به مسائل اجتماعی خود رسیدگی می کردند. بسیاری از جنبش های اجتماعی از بازار برخاسته اند. برای بررسی شکل گیری شهرها نخستین مورد، بررسی و تحلیل بازار آن است (پیرنیا، ۱۳۸۴، ص ۹۸).

«آزیتا رجبی» بیان می کند که بازار در فارسی میانه «Wazar» با ترکیب هایی چون وازارگ (بازاری) «وازارگان» (بازرگان)، «وازارگانیه» (بازرگانی)، «وازارگان» (وازارید) و نیز وستگ-ی-وازار Wazar-i-Vastag راسته بازار) و در پارتی Wazar دیده شده است. این واژه احتمالاً از صورت مفروض ایرانی باستان "Vaha-Carona" گرفته شده است که ترکیبی از Wahag و Vaha و از ریشه هند و اروپایی (Was خریدن) است که بازمانده صورت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

Vasna هندی باستان، Onos یونانی، -uenum Venum و پسوند Zar در فارسی میانه و - زار در فارسی دری است که مجموعاً به معنی خواستگاه دادوستد است. آنچه مسلم است، این واژه ایرانی از راه بازرگانی، از یک سو، به عربی و ترکی عثمانی و زبان های اروپایی و از سوی دیگر به زبان سرزمین های هند و سیلان راه یافته است (رجبی، ۱۳۸۶، ص ۱۵). گفته اند که اشتهار جهانی بازارهای استانبول در اشاعه این واژه میان زبانهای اروپایی سهمی بسزا داشته است (مشکور، ۱۳۵۷). لغت بازار در تغییر شکل واکار و وزار ایجاد شد. در عربی بیزار و بیارزه و در پارسی باستان به صورت آباکاری (آبا به معنی محل اجتماع و «واکاری» به مفهوم چرخیدن) بوده است. همچنین در فرهنگ دهخدا به این نکته اشاره شده که بازار از دو رسته از دکانهای بسیار در برابر یکدیگر که غالباً سقفی آن دو رسته را به یکدیگر پیوند می دهد، تشکیل شده است (سامانی، ۱۳۸۹، ص ۸).

«در زبان فارسی، بازار به عنوان اسم مکان به معنی محل خرید و فروش کالا است و با وجود آن که این واژه امروزه بیشتر درباره ی بازارهای دائمی، اصلی و قدیمی شهرهای کهن و تاریخی به کار می رود، در گذشته گاه به صورت ساده و گاه با پیشوند یا پسوندهایی به معنی مکان خرید و فروش به طور مطلق بوده است» (سلطان زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۱). در فرهنگ عمید نیز بازار به صورت جای خرید و فروش کالا، محل اجتماع فروشندگان و خریداران، کوچه سرپوشیده که دارای چندین دکان یا فروشگاه باشد معنی شده است (نوبخت، ۱۳۸۸).

۱-۱-۲ بازار، فضایی با فعالیت های متنوع

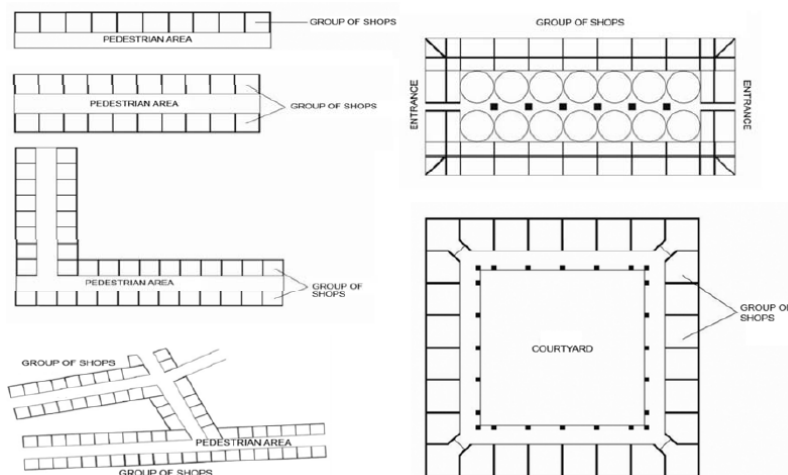
بازار مهمترین محور شاهراه ارتباطی در شهرهای قدیمی بود و بیشترین آمد و شد در آن صورت می گرفت. به عبارت دیگر بازار مهم ترین کانال ارتباطی شهر بود که نه تنها مردم، کالاها و سرمایه ها در آن جریان می یافتند، بلکه اطلاعات، اخبار و آگهی ها نیز از طریق آن به اطلاع شهروندان

می رسید. زیرا اطلاع رسانی توسط افراد و به صورت شفاهی انجام می شد و به همین دلیل بود که وقتی حکومت قصد اطلاع رسانی خبری به مردم را داشت، غالباً عده ای که آنها را عموماً «جارچی یا منادی» می خواندند، آن خبر را ابتدا در بازار اصلی شهر جار می زدند، یعنی با صدای بلند به اطلاع مردم می رساندند (سلطانزاده، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

هنگامی که شخص یا افرادی که مورد توجه و علاقه مردم بودند به شهری وارد می شدند، ورود آنان غالباً از سمت دروازه بازار بود که پس از عبور از بازار به عنوان مهم ترین راه ارتباطی شهر به مقصد خود می رفتند. در هنگام جشن های ملی و مذهبی، بازارها را چراغانی و برای جشن آماده می کردند؛ چنان که حداقل تا پیش از قرن پنجم هجری، مراسم، آئین ها و جشن های نوروزی و برخی از انواع بازی ها و سرگرمی ها در اصفهان برپا می شد و مردم در آن شرکت می کردند (سلطانزاده، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

بازارها غالباً در هنگام عزاداری یا در ایام سوگواری و به مناسبت های مذهبی یا در موارد خاص مانند فوت علمای دینی یا بزرگان شهر تعطیل می شد و در آن مراسم عزاداری برپا می گردید. مجالس عزاداری غالباً در سراها و تیمچه ها تشکیل می شد و اصناف مختلف برای بهتر برگزار کردن آن با یکدیگر رقابت می کردند. در بازار به عنوان یک فضای شهری و معماری مهم، فضاهایی برای عرضه انواع غذاهای ساده و نیز غذاهای عالی وجود داشت و برخی از مردم برای میهمانی دادن دوستان خود در بعضی مواقع از این فضاها استفاده می کردند و اصناف و پیشه وران مهم ترین تشکل اجتماعی، صنفی و سیاسی را در گذشته بحران های سیاسی و اجتماعی به صورت متشکل اقدام می کردند و یکی از روش های اعلام مخالفت بازاریان با کارها و اقدامات حکومت، تعطیل کردن بازار بود (همان، ص ۳۰). مسئله ی عمده و حیاتی دیگر در مراکز تجاری و بازارها، دارا بودن یک نیروی جاذبه و جلب مردم





پلان های ۱ و ۲. نمونه ای از راسته ها گونه شناسی های مختلف و چهارسوق متشکل از این ها در سمت چپ و یک نمونه از یک فضای محصور بدستان با دو ورودی با حیاط در سمت راست؛ ماخذ: اقتباس شده از (Küçükörmürçü, ۲۰۰۵)

بازار سرپوشیده ی ایرانی به عنوان بازتابی از شاخص های اجتماعی عمل می کند. این تمایز، تفاوت های رسمی را در طرح ها و استفاده های معنایی در این فضاها را نشان می دهد (EDGÜ & et al, ۲۰۱۲: ۳-۵).

بازارهای جهان اسلام در شرق، با میداین در شهرهای اروپایی قبل از صنعتی شدن و یا فوروم ها و آگوراها در شهرهای روم و یونان باستان از نظر شکل گیری مکانی برای فعالیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی مردم، قابل مقایسه هستند (Moosavi, ۲۰۰۵)؛ جایی که در آن، امکانات مشابهی در مراکز خرید معاصر نیز یافت می شود. تفاوت ها در ساختار بسته و سرپوشیده ی این بازارها و در سازمان هندسی در فرم ها و آگوراها دیده می شود. بازارها همیشه در اشکال خطی و بیشتر با توجه به شرایط آب و هوایی، فرهنگی و اقتصادی منطقه طراحی شده بودند، در حالی که در فرم آگوراها و فوروم ها، فرم بازارها به صورت متمرکز بودند.

در ساختار باز سنتی، کوچکترین واحدها، مغازه ها هستند که در آن هیچ کس (از جمله مشتری)،

به عنوان مصرف کننده از تمام نقاط مجاور به طرف خود است و به همین علت ترتیبات منظم معماری که مورد احتیاج تجار می باشد اهمیت به سزایی دارد، زیرا مسلماً ضروری است که تحرک بزرگی از طریق تبلیغ و علامات و نمایشگاه های متحرک در مرکز تجاری ایجاد شود. این تحرک در بعضی موارد می تواند به نتایج بسیار متنوعی از قبیل ایجاد یک محیط بازار مکاره، انعکاس های نور و بازی کودکان و سیاحت های تجاری منجر شود (نوبخت، ۱۳۸۸، ص ۳۷).

۲-۱-۲ بازار در کشورهای اسلامی

در نظام اجتماعی ترکیه، بازار سرپوشیده معمولاً به عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگتر شامل حمام ها، آشپزخانه های سوپ ساخته می شدند که همچنین یک منبع درآمد برای مساجد، موسسات مذهبی یا خیریه که «وکیف» نامیده می شدند، بودند. هرچند، در نظام ایران، بازارها تحت حمایت مقامات دولتی یا افراد ثروتمند صرفاً به منظور تجارت ساخته می شدند شامل امکانات عمومی دیگری نیز بودند. از سوی دیگر، برخلاف سازمان های ترکی، یک سنت تشریفات سیاسی و یا دینی قوی دارند؛

غیر مالک نمی تواند به آن وارد شود. در این مغازه ها، کالا در میزهای چوبی در خارج از مغازه ها به نمایش گذاشته می شد و تجارت در آن جا اتفاق می افتاد. این مغازه ها در امتداد یک خط به نام راسته ها قرار می گیرند که رساتر ها در تقاطع هایی به نام چهارسوق ها و یا میدان ها به عنوان مراکز این شبکه به هم متصل می شوند. راسته ها نه تنها خیابان های تجاری سرپوشیده و معابر هستند بلکه مسیرهای ارتباطی برای مردم و کالاها برای ورود و خروج می باشند. از سوی دیگر، اگرچه سراها در ابتدا برای اهداف سکونت در هر دو فرهنگ، مورد استفاده قرار داشتند؛ آن ها همچنین به عنوان یک شاخه خاص تجارت، عمده فروشی یا تولید با فرم های مربع- مستطیل محصور استفاده می شدند که حیاط یا ایوان داشتند. این ها معمولاً دو یا سه مجتمع تجاری حول حیاط سبز باز بودند که به عنوان عمده فروشی و ذخیره سازی کالاها به کار برده می شدند (Sultanzade, 1997).

در نظام ایران، اگرچه بازارها یا به صورت ارگانیک یا برنامه ریزی شده شکل یافته اند و معمولاً در مرکز شهرها واقع شده اند، طرح آن ها معمولاً به شکل خطی بوده و فضاهای عمومی و اجتماعی و فرهنگی از طریق این فرم خطی ایجاد می شدند (Kermani & Luiten, 2010). بازارهای ارگانیک توسعه یافته به نیازهای اقتصادی شهر در طی قرن ها تکیه می کردند، گاهی اوقات بازارها به سمت ساختمان های بزرگ عمومی شهر جهت گیری می کردند. اگر بازار در طول زمان گسترش یافته بود، به طور منظم، ساختار خطی اصلی و منظم به آرامی و ماهرانه خود را با خواسته های هر دوره تاریخی منطبق می کرد. آن بازارهایی که برنامه ریزی شده بودند، به طور عقلانی تنظیم شده و به شکل خیابان اصلی شهر در نظر گرفته می شدند. آن ها معمولاً در طول دوره رشد اقتصادی و رفاه ساخته می شدند. علاوه بر این، بازار همیشه به عنوان خیابان اصلی بافت شهری و اتصال دهنده ی

دو ورودی اصلی شهر تعریف می شدند (Moosavi, 2005).

از سوی دیگر، در نظام ترکیه، «بدستان» ، ساختمان اصلی سرپوشیده و محصور است که در آن گران قیمت ترین و باارزش ترین کالاها مبادله می شوند. این گونه بازارهای سرپوشیده را می توان در بورس، آدرنه و یا استانبول مشاهده کرد (Küçükkömürçü, 2005). از آن جا که، وضعیت مالکیت همان طور که قبلاً ذکر شد متعلق به «وکیفس» بود و تا زمانی که تقاضا وجود داشت و تا زمانی که وکیفس در پایتخت بود، ردیف های ممتد فروشگاه ساخته می شدند و بازار همچنان به گسترش افقی ادامه می داد. بنابراین، اگرچه در هر دو فرهنگ، هر دو نظام بازار به صورت ارگانیک و از قبل برنامه ریزی شده که توسعه یافته از نوارهای خطی هستند دیده می شود، در مقابل بازارهای ایرانی بیان شده و خوشه ای، بازارهای ترکی از طریق اتصال راسته ها به صورت بلوکهای ساختمانی مشبک ایجاد شده اند (EDGÜ & et al, 2012):

(۳-۵).

عناصر بازار به وجود آمده که هر یک مختص انجام کاری است که نیازی را برطرف می کند. پس بازار از مجموعه ای از مغازه ها تشکیل یافته که با معبر سر پوشیده و کاروانسراها، تیمچه ها، سراها و شترخانه ها تشکیل بافت خاصی را می دهد. علاوه بر این، در جوار این مجموعه اماکن عمومی مانند حمام، تکیه، مدرسه، مسجد، سقاخانه، زورخانه، قهوه خانه وجود داشته است که هر گاه میان عناصر و اجزای مجموعه ای رابطه ای نسبتاً ثابت و پابرجایی برقرار باشد بدین رابطه ساخت اطلاق می شود. از این رو ساخت دو وجه دارد: ۱- عناصر تشکیل دهنده ساخت ۲- روابط بین عناصر (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۵)؛ بدین ترتیب ساخت بازار نیز عبارت است از: اجزای تشکیل دهنده آن (عناصر کالبدی) و روابط بین این اجزاء با یکدیگر (سیمای کالبدی). بدین ترتیب این عناصر شامل عناصر اصلی یا اولیه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

سازنده بازار و عناصر ثانویه می شوند. عناصر اولیه اصلی، مستقیماً سازنده هویت تجاری بازارند مثل: کوچه، گذر، راسته (رسته)، اصناف، سرا و تیمچه، خان، کاروانسرا، قیصریه، چهارسوق، و میدان عناصر ثانویه مکمل نیازهای بازارند و در جوار آن قرار دارند، همچون مسجد یا مکانی متبرکه (امامزاده)، تکیه و حسینیه، مدرسه و حمام، زورخانه، سقاخانه، قهوه خانه و... (بیگری، ۱۳۵۵، ص ۹). این عناصر در بخش های مختلف زندگی و فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی جوابگوی نیازمندیهای مردم است. اجزا یا عناصر بازار را به طور کلی می توان به انواع زیر تقسیم بندی نمود:

۱. «عناصر اقتصادی»: عناصر تجاری شامل: دکان و حجره، تیمچه، تیم، خان، راسته، چهارسوق. عناصر تولیدی و تجاری شامل: کارگاه، قیصریه، دالان یابند. عناصر با نقش انباری: خانبار، خان انبار، کاروانسرا و سرا، باراندازها، بارگیر.

۲. «عناصر اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و خدماتی»: عناصر مذهبی- اجتماعی: مسجد، حسینیه، تکیه، امامزاده. عناصر فرهنگی- اجتماعی: مدارس و حوزه های علمیه. عناصر خدماتی- اجتماعی: حمام، زورخانه، سقاخانه، چایخانه و قهوه خانه، غذاخوری ها، سلمانی.

۳. «عناصر ارتباطی و حفاظتی»: میدان، گذر، در و دروازه. هرچند که عناصر فوق در ساخت کالبدی بازارها نقش بسزایی داشتند، اما این بدان معنا نیست که کلیه این عناصر در تمامی بازارها وجود داشته اند. به عبارت دیگر همیشه فضای مجاور بازار یا پشت بازارها جهت توسعه فیزیکی عناصر بازارها کاربرد داشته اند؛ بنابراین هرگز حالت ایستا نداشته اند و به اقتضای نیاز، بعضی از عناصر فعال تر می شدند.

شکل گیری عناصر بازار و روند توسعه آن بستگی به کارکرد اصلی شهر و میزان رشد اقتصادی و جمعیت آن داشت. در شهرهای متوسط و کوچکی که مبادلات خارجی آنها زیاد نبود، بخش قابل ملاحظه

ای از بازار صرف تامین نیازهای داخلی شهر می شد. در نتیجه، آن گروه از اندامها و عناصری که در خدمت تجارت خارجی شهر قرار داشتند، به همان نسبت از رشد کمتری برخوردار بودند. این بازارها به طور عمده جنبه خرده فروشی داشتند و درصد اندکی از فضاهای آن به تجارت خارجی اختصاص داشت. برای مثال در طول بازار نائین تنها دو کاروانسرا وجود داشته است؛ در حالی که در شهرهای بازرگانی- تولیدی و پررونق، بازارچه های محلی، اغلب نیازهای جاری و روزمره اهالی شهر را تامین میکردند و بخش مهمی از بازار اصلی شهر در خدمت بازرگانی خارجی قرار می گرفت (سامانی، ۱۳۸۹، ص ۲۶).

۳- روش شناسی تحقیق

هدف این پژوهش مقایسه بازارهای سرپوشیده استانبول و بازار یزد است. روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی می باشد که داده های مورد استفاده در بخش پژوهش این پروژه از روش کتابخانه ای به دست آمده است. اطلاعات کتابخانه ای مورد استفاده در این پروژه از روش های مختلف از جمله مراجعه به کتب، مجلات، پروژه های تحقیقی، نقشه ها و جستجوی اینترنتی حاصل شده است؛ در این قسمت هدف این بوده که از آخرین اطلاعات موجود در رابطه با موضوع مورد مطالعه استفاده شود. بدین ترتیب ابتدا به ویژگی های بازار یزد پرداخته و این بازار معرفی می شود و سپس بازار استانبول مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و در انتها با یکدیگر مقایسه خواهند شد.

۴- ارائه یافته ها و تجزیه و تحلیل آن ها

۴-۱ بازار یزد

مجموعه بازار سنتی شهر یزد که در جنوب و خارج از دروازه شهر قلعه ای قدیم و مرکز شهر سنتی یزد واقع است، امروزه فضای مابین خیابان امام خمینی در شرق، خیابان ملاسماعیل و محله لب خندق در غرب، دیوار تاریخی شهر و محله شاهزاده فاضل و محله دارالشفا در شمال و محله های گودال



پلان ۳. موقعیت بازار در شهر یزد؛ ماخذ: سرایی، ۱۳۸۹، ص ۲۹.

مصلی و هاشم خان در جنوب را پوشانده است. این مجموعه مانند اکثر بازارهای اسلامی در قلب شهر امروزی واقع شده است. موقعیت اولیه بازار یزد در مجاور دروازه شهر قلعه ای و در ارتباط با ورودی شهر بوده که با افزودن راسته ها و بازارهای بعدی به صورت مجموعه ای در خارج از شهر رشد کرده است. شکل و مورفولوژی بازار یزد از بافت نخستین شهر و مسیر ارتباطی آن، که به صورت محله ای در اطراف نخستین راسته بازار- خارج از دروازه شهر- رشد کرده بود، تبعیت کرده است. بدین ترتیب بازار، دارای راسته های کوتاهی است که در محله ها حل گردیده اند. بدین شکل بازار سنتی شهر یزد به صورت گسترده و نعلی شکل با راسته های کوتاه و به هم پیوسته است (سرایی، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

آنچه امروز به عنوان بازار سنتی شهر یزد معرفی می گردد، کالبدی است مجروح از زمان رضا خان، جراحی حاصل از تقلید نادرست از فرهنگ شهرسازی غرب، بی توجه به ساختار شهرسازی ایرانی- اسلامی که در دو خیابان کشی بر چارچوب منسجم بازار یزد وارد گشته است (آیتی، ۱۳۱۷، ص ۴۰۲). خیابان اول، شمالی - جنوبی به نام پهلوی

سابق (امام خمینی) در زمان رضاخان احداث گردید و در سال ۱۳۰۹ توسعه یافت. خیابان دوم در سال ۱۳۱۷ از میدان امیرچخماق تا میدان سیدمصطفی خمینی در جهتی شرقی- غربی احداث شد. بدین ترتیب این خیابان، ستون فقرات، راسته و چهارسوق اصلی مجموعه بازار را تخریب کرد (سرایی، ۱۳۸۹، ص ۲۹). فضاهای موجود در بازار یزد عبارتند از:

۱. فضاهای ارتباطی و خدماتی شامل گذرها، ورودی ها و میدان ها؛
 ۲. فضاهای اجتماعی و فرهنگی شامل مساجد، مدرسه علمیه، حسینیه ها؛ و
 ۳. فضاهای اقتصادی شامل فضاهای تجاری و انبارها.
- در بازار یزد، در حال حاضر از ۹۵۶ واحد تجاری، تنها ۲۷۳ واحد مربوط به نیمه شمالی است؛ در حالی که از ۹۵۶ واحد تجاری بازار، ۵۷۷ واحد در نیمه جنوبی و ۳۷۹ واحد مربوط به نیمه شمالی است. بدین ترتیب در بخش شمالی ۷۱ درصد مغازه ها و در بخش جنوبی ۶۱ درصد مغازه ها باز هستند (سرایی، ۱۳۸۹، ص ۳۲).

عمده ترین دلایل اختلاف توان تجاری دو بخش بازار عبارتند از:

جدول ۱. انواع فضاهای موجود در بازار یزد؛ ماخذ: سرایی، ۱۳۸۹، ص ۲۹

موقعیت	نوع واحد	راسته	سرا	تیمچه	مسجد	مدرسه علمیه	پاساژ	سایر کارکردها*
نیمه شمالی	۵	۸	۵	۲	۱	۳	۴	
نیمه جنوبی	۱۴	۷	۳	۶	۳	۱	۱	
مجموعه بازار	۱۹	۱۵	۸	۸	۴	۴	۵	

* سایر کارکردهای بازار شامل حسینیه، بانک، میدان و دفتر ثبت اسناد و املاک است.



پلان ۴. پراکندگی صنوف در بازار یزد؛ ماخذ: سرایی، ۱۳۸۹، ص ۳۴.

که صنایع دستی قالی بافی، تپاسازی و نساجی در گذشته و به دنبال آن صنایع دستی ماشینی هر سه نوع فعالیت یاد شده که کارکرد برجسته بازار یزد بر روی آنها استوار است، در شمار قدیمی ترین و اصیل ترین هنرهای صنعتی یزد قرار می گیرند (همو، همان، ص ۳۳).

همان طور که در نقشه قابل مشاهده است ساختار بازار به صورت مجموعه و خطی است و بدین گونه بازار به صورت مجموعه ای و خطی گسترش یافته است.

۲-۴ بازار استانبول

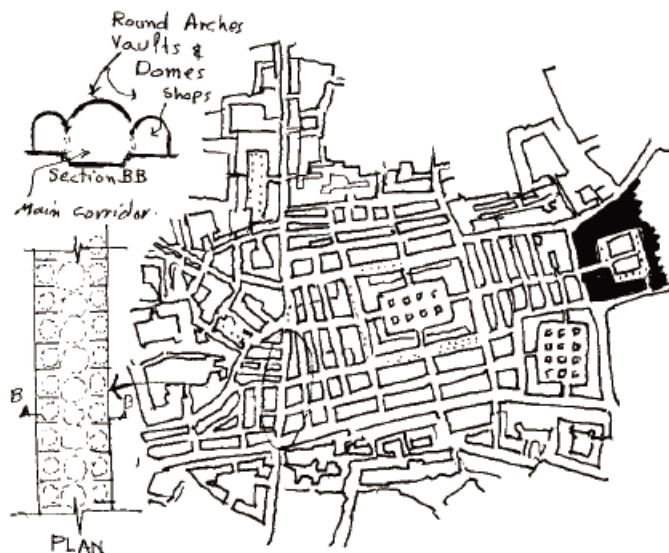
قدیمی ترین و بزرگترین بازار سرپوشیده در جهان که به عنوان «بازار بزرگ» شناخته می شود؛ در حدود ۴۰۰۰ مغازه و بیش از ۶۰ کوچه دارد که یک مارپیچ هزارتوی بزرگی را در مرکز شهر به وجود آورده است. دو ساختار اصلی که با یک سری گنبدها و بقایای دیوارهای قرن ۱۵ پوشیده شده اند، به یک منطقه خرید با دربرگیری خیابان

۱. تفاوت در نوع فعالیت: در بخش شمالی، واحدهای تجاری اصولاً نیازهای معیشتی مردم را ارائه می کنند، ولی در نیمه جنوبی بیشتر عمده فروشی ها، نمایندگی های کارخانه ها و غیره قرار دارند که کمتر مورد نیاز روزمره مردم هستند. ۲. تمرکز در فعالیت ها در بخش شمالی بازار بیش تر از بخش جنوبی آن است و در حقیقت صنف بندی که از خصایص بازارهای شرقی است، بیشتر در نیمه شمالی بازار دیده می شود.

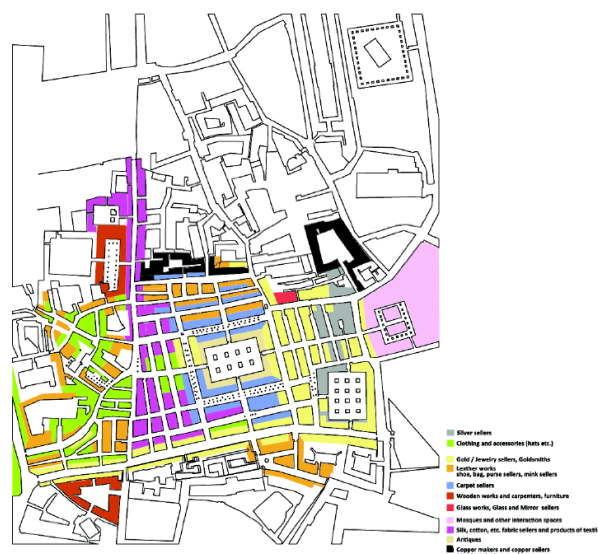
۳. در بخش شمالی، انواع جدید و مدرن ترین نوع هر کالا عرضه می شود.

۴. در بازارهای بخش شمالی به خاطر راسته های طولانی تر و منظم تر، سردرگمی کمتری برای مشتریان تازه وارد ایجاد می نمایند (سرایی، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

مسلط ترین کارکرد بازار سنتی یزد قالی فروشی، زرگری و طلا فروشی، بزازی و البسه فروشی است. مطالعات تاریخی از صنایع شهر یزد نشان می دهد



پلان ۵. پلان بازار بزرگ استانبول؛ ماخذ: Pourjafar & et al, ۲۰۱۲: ۴۵

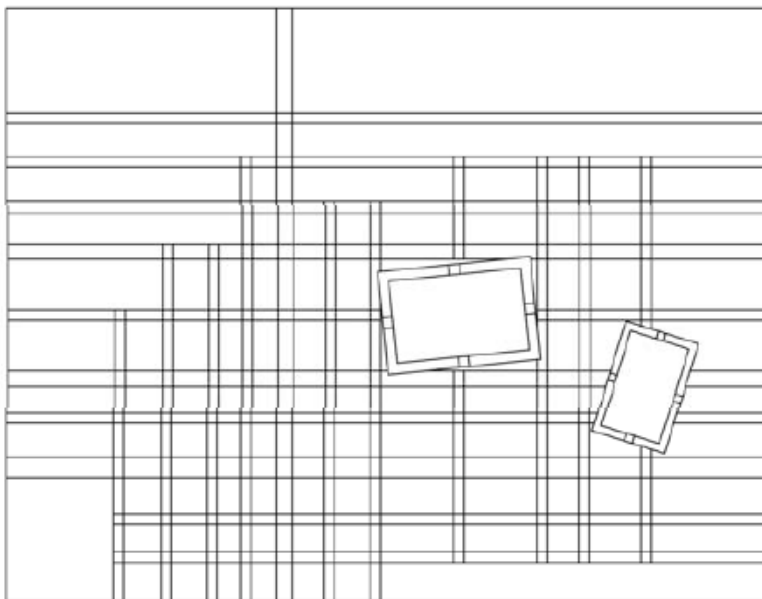


پلان ۶. عملکردهای بازار در بازار بزرگ استانبول؛ ماخذ: EDGÜ &

et al, ۲۰۱۲: ۱۲

های اطراف و گسترش آن در طول قرن های بعدی به بزرگترین بازار تبدیل شده است. این بازار در وهله اول مکانی توریستی برای خارجیان است. میلیون ها اشیا مختلف که به نظر می رسد برای بازدیدکنندگان به خصوص بازدیدکنندگان غربی جذاب هستند، توسط هزاران مغازه دار به فروش می رسند (Altintas).

بازار بزرگ، یک مرکز تجاری تاریخی با بیش از ۵۰۰ سال سابقه در شبه جزیره تاریخی استانبول ترکیه است (Yusufi Far & Mohammadi, ۲۰۱۰). بازار بزرگ، پس از فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ توسط سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۶۱ تاسیس شد. بازار بزرگ در انتهای جاده ابریشم بر روی یک سایتی که قبلا بازار بیزانس بود - احتمالاً در اطراف بدستان (داخلی) - بنا شد (Köröglü, et al, ۲۰۰۹). نخست، دو بدستان، هسته بازار را



پلان ۷. طرح پیکربندی فضایی بازار سرپوشیده استانبول؛ ماخذ: (EDGÜ & et al, ۲۰۱۲: ۱۳)

تشکیل می دادند:

۱. بدستان (داخلی)

۲. بدستان صندل

چهار طرف مجاور و محیط اطراف بازار، توسط Hans احاطه شده بودند که هر کدام یک واحد مجزا را در خود داشتند (Köroğlu et al, ۲۰۰۹). بازاری که توسط سلطان محمد تاسیس شده بود، توسط جانشین او سلیمان (خان سلطان سلیمان) بهبود یافت. ساختار پیچیده‌ی بازار بزرگ در طی قرن‌ها تکامل یافته است؛ آتش سوزی در سال ۱۶۳۱، ۱۷۰۱ و ۱۹۵۴ سبب ایجاد آسیب‌های جدی در بازار شد و در سال ۱۸۹۴ زلزله نیز نابودی بخش‌هایی از آن را در پی داشت. دوباره بازار بازسازی شد و طرح امروزی آن در سال ۱۷۰۱ با ۶۴ خیابان سرپوشیده، یازده دروازه و ۲۰۰۰۰۰ مترمربع ایجاد گردید (Erdenen, ۱۹۶۵; Geist, ۱۹۸۹). فضای خاص بازار استانبول می‌تواند به عنوان یک سیستم مبتنی بر شبکه بندی (مشبک) تعریف شود که در آن، خیابان‌ها هر یک بر دیگر متقاطع هستند. بازار

بزرگ، خیابان‌های طولی و عرضی متنوعی دارد. تنوع در این عناصر، به ویژه تغییرات عرضی خیابان، مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین تفاوت بازار بزرگ سرپوشیده استانبول با بازار ایرانی است. تجمع عناصر مختلف معماری در فرم‌های بدستان‌ها، hans، سراها، راسته‌ها، چهارسوق‌ها، çarşıs و ... است که عوامل کلیدی در کالبد بازار بزرگ هستند (EDGÜ & et al, ۲۰۱۲: ۸).

فضاهای معماری و شهری موجود در بازار استانبول عبارتند از:

۱. فضاهای ارتباطی و خدماتی شامل پلاس‌ها و ورودی‌ها
 ۲. فضاهای اجتماعی و فرهنگی شامل: مسجد، کافه، مکان آبخوری، کیوسک، میدان و ایوان.
 ۳. فضاهای اقتصادی به دو دسته تقسیم می‌شوند:
 ۱. فضاهای تجاری شامل: مغازه‌ها، تیم، تیمچه، خان، راسته، سرا و çarşıs.
 ۲. فضاهای تولید شامل: حیاط و هان‌ها.
- حضور گیلدها در بازار بر شکل راسته‌ها تاثیر

گذاشته است. خیابان ها، کوچه ها یا ردیف مغازه ها با توجه به حرفه و یا انواع کالاها مانند زرگران، جواهرات، سازندگان چاقو، تولیدکنندگان کلاه، تفنگ، فرش و تجار پارچه نام گذاری شده است (Köroğlu et al, 2009). در بازار بزرگ استانبول، فروشندگان طلا/ جواهر و اشیای قیمتی و زرگران در راسته های اصلی بر روی قسمت شمال شرقی بازار واقع می شوند. بین محور اصلی شمالی جنوبی، فروشندگان انواع پارچه قرار دارند؛ برخی از لباس فروشی ها هم در خیابان های باریک این منطقه دیده می شود. علاوه بر این فضاها، فروشندگان پارچه و آثار نساجی در سمت شمالی محور اصلی شمالی- جنوبی، در هر دو طرف خیابان دیده می شوند. پوشاک و لوازم جانبی به طور عمده در غرب بازار در طول خیابان های مشبک که برخی از آن ها شامل ساختمان هایی با حیاط هستند قرار دارند. چوب کاران و نجاران در مرزها و خارج از دیوارهای بازار هستند. آثار شیشه ای و به خصوص آثار آینه ای در سمت شمالی یک طرف خیابان قرار دارند. مس، فلز و آثار برپایه آهن و فروشندگان این کالاها در مرزهای شمالی و خارج از مرزهای بازار هستند که در hans قرار دارند و در ساختمان های حیاط مرکزی هستند (EDGÜ & et al, 2012: 12).

خیابان اصلی شمالی جنوبی بازار بزرگ به مسجد سلیمانیه متصل می شود که عمود بر محورهای بین Nuruosmaniye و بایزید است که می توان جهت شرقی غربی را دید. منطقه بین این خیابان های اصلی دارای یک ساختار با یک سیستم مشبک شامل بازارهای قدیمی است. بازار بزرگ سیستم دکارتی را نمایان می کند (EDGÜ & et al, 2012: 13).

۵ - نتیجه گیری و جمع بندی

در این پژوهش به مقیاسه بازار یزد و بازار استانبول پرداخته شد. هر دوی این بازارها جزو بازارهای کشورهای اسلامی به شمار می آیند و از این رو شباهت های بسیاری بین این دو چه از لحاظ

فرهنگی، مورفولوژی، و سبک زندگی به چشم می خورد. هر دو بازار علاوه بر کارکردهای تجاری و بازرگانی دارای کارکردهای شهری دیگری نیز می باشند و عملکردهای مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نیز در آن ها وجود دارند. این بازارها نه تنها محل داد و ستد کالاها بلکه به عنوان سرزنده ترین فضاهای عمومی شهری نیز هستند. در پیکربندی فضایی این دو بازار نیز شباهت هایی وجود دارد. تجمع عناصر مختلف معماری به فرم های راسته ها، سراها، چارسوق ها و ... در هر دو یافت می شود. هر دو بازار دارای بخش های تخصصی و در عین حال اختلاط کاربری ها در یک مجموعه هستند. این بخش ها شامل فروشندگان طلا، نقره، چرم، فرش، شیشه و ... است که با وجود انواع کالا مشتریان می توانستند بهترین انتخاب را با قیمت مناسب پیدا کنند. پیکربندی فضایی بازار یزد به صورت خوشه ای و مجموعه ای مرتبط به هم است. طرح مشبک بازار بزرگ استانبول، آزادی در گسترش و ارتباط بیشتر فعالیت ها را به دلیل وجود تخصص های وابسته در بازار دارد. هر دو بازار به گونه ای هستند که امکان گسترش برای هر دو چه از طریق ایجاد یک مجموعه و چه از طریق ایجاد یک شبکه در کل وجود داشته است.

منابع و ماخذ

۱. آیتی، غلامحسین (۱۳۱۷) تاریخ یزد (آتشکده یزدان)، گلبهار، یزد.
۲. ایراندوست، کیومرث و بهمنی اورمانی، آرمان (۱۳۹۱) تحولات بازارهای سنتی در شهرهای ایران، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره ۵.
۳. بارتولد، واسیلی و لادیمیر (۱۳۷۵) فرهنگ و تمدن مسلمانان؛ ترجمه علی اکبر دیانت، تبریز: ابن سینا.
۴. بیگلری، اسفندیار (۱۳۵۵) بازارهای ایران، هنر و مردم، ۱۳۵۵ ۱۶۲، فروردین ۱۳۵۵: ۶۱-۶۲.
۵. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۷) معماری ایرانی، تألیف غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات سروش دانش.

۶. پیرنیا، کریم و دیگران (۱۳۵۰) راه و رباط، تهران: انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
۷. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۰) درباره شهرسازی و معماری سنتی ایران، آبادی، ۱، ۱۳۷۰: ۴۵-۵۵.
۸. پیرنیا محمد کریم (۱۳۶۵) مجموعه سخنرانی ها در دفتر حفاظت آثار باستانی تهران، تهران: دفتر حفاظت آثار باستانی تهران.
۹. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۲) آشنایی با معماری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۱۰. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۴۸) بازار ایران، باستان شناسی و هنر ایران، ۳، ۱۳۴۸: ۵۵-۶۰.
۱۱. توسلی، غلام عباس (۱۳۶۹) نظریه های جامعه شناختی، تهران: سمت.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۹) لغت نامه فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. رجبی، آریتا (۱۳۸۵) ریخت شناسی بازار، تهران: نشر آگاه.
۱۴. مشکور، محمدجواد (۱۳۵۷) فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۵. سامانی، قدسیه (۱۳۸۹) بررسی معیارهای طراحی شهری بازارهای سنتی و به کارگیری آنها در طراحی فضاهای شهری معاصر (نمونه موردی محور فلکه اول تا دوم صادقیه).
۱۶. سرایی، محمدحسین (۱۳۸۹) تحولات بازارهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی بازار یزد)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره دوم، ۲۵ - ۳۷.
۱۷. سلطان زاده، حسین، (۱۳۸۶) از سرا تا پاساژ، معماری و فرهنگ، ۳۰، ۱۳۸۶: ۳-۲۶.
۱۸. سلطان زاده، حسین (۱۳۶۵) مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: نشر آبی.
۱۹. سلطان زاده، حسین (۱۳۷۲) برخی از خصوصیات شهرسازی و معماری بازارهای ایران، مجموعه مقالات سمینار بازار در فرهنگ و تمدن جهان اسلام، تبریز: انتشارات دانشگاه هنر تبریز.
۲۰. سلطان زاده، حسین (۱۳۸۶) بازارهای ایران، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۲۱. سلطان زاده، حسین، (۱۳۸۵) فضاهای شهری در بافت تاریخی ایران، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۲۲. سلطان زاده، حسین، (۱۳۶۲) روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران: انتشارات آگاه.
۲۳. سلطان زاده، حسین، (۱۳۷۶) تبریز: خستی استوار در معماری ایران، تهران، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۲۴. سلطان زاده، حسین، (۱۳۶۷) شهرهای ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، جلد ۱، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. سلطان زاده، حسین، (۱۳۶۷) شهرهای ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، جلد ۲، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. کوشا، پریسا، (۱۳۹۳) بررسی نقش بازارهای سنتی در سازمان فضایی و ساختار کالبدی شهر ایرانی - اسلامی نمونه موردی: بازار سرشور مشهد، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد مقدس.
۲۷. نوبخت، راحله، (۱۳۸۸) طراحی مجتمع تجاری با رویکردی به تئوری برخاسته از زمینه و تاکید بر بهره گیری از تکنولوژی های نوین.
28. ALTINTAS, Mehmet Mete; FAMOUS LAND-MARKS IN ISTANBUL, Turkish Student Association, CU - Boulder.
29. Erinicik, EDGÜ & et al (2012), TRADITIONAL SHOPPING: A Syntactic Comparison of Commercial Spaces in Iran and Turkey, Proceedings: Eighth International Space Syntax Symposium Santiago de Chile: PUC.
30. Küçükkömürcü, B., (2005), Geleneksel Türk Osmanlı Çarşı Yapıları ve Günümüzdeki Alışveriş Merkezleri Üzerine Bir İnceleme, A Research About Traditional Turkish Ottoman Bazaars And Today's

Shopping Centres (an Turkish), Mimar Sinan University of Fine Arts, Graduate School of Science and Technology, MSc. Thesis on Architectural Design Issues Program, Istanbul.

31. Köroğlu, B. A., Ecerel, T. Ö., Uğurlar, A., (2009), The Story of a Jewellery Cluster in Istanbul Metropolitan Area: Grand Bazaar (Kapalıçarşı), G.U. Journal of Science 22 (4): pp. 383-394.

32. Kermani, A. A., Luiten, E., (2010), Preservation and Transformation of Historic Urban.

33. Moosavi, M. S., (2005), Bazaar and its Role in the Development of Iranian Traditional Cities, in Conference Proceedings 2005 IRCICA International Conference of Islamic Archaeology, pp. 40-41.

34. Poorjafar, Mohammad Reza & et al (2012), ARCHI-CULTURAL PARALLEL OF PERSIAN AND TURKISH BAZAAR ALONG THE SILK ROAD CASE STUDIES: REY, TABRIZ AND ISTANBUL BAZAAR, 2nd International Conference, Mukogawa Women's Univ., Nishinomiya, Japan, July 14-16, 2012 Proceedings

35. Sultanzade, H., (1997), Tabriz A Solid Cornerstone of Iranian Architecture, Cultural Research Bureau, Tehran.

36. Yusufi Far, Sh., Mohammadi, M.H., 2010, Survey of the influence of religious beliefs on social life in Rey through Seljuk era, HISTORICAL ESSAYS, 105-125.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۱۳۷ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۱۳۸ ■

تبیین مولفه های معماری حاکم بر بناهای عبادی از منظر حکمی و پدیدارشناسی

فرزانه هدفی* - دکتری تخصصی معماری، هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد هریس، دانشگاه آزاد اسلامی، هریس، ایران.

رامین مغانی قهرمانلویی - کارشناسی ارشد معماری، گروه هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

از دیرباز مکان های عبادی، غایی ترین بستر تکامل و تعالی روحی آدمیان بوده و معماری روحانی و قدسی محیطی جهت عبادت جمعی مومنین خلق نموده است. در این بین و از میان ادیان الهی جنبه اجتماعی عبادت در اسلام پررنگ تر بوده و مکان خلق شده برای این عبادت جمعی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل پژوهشگران و صاحب نظران در بررسی و نگرش به معماری اسلامی بناهای عبادی، از روش های متعددی بهره گرفته اند؛ به نحوی که هر یک از نظریه پردازان در گذر زمان با نگرش های متفاوت پدیده معماری اسلامی را تفسیر کرده اند. نکته حائز اهمیت این است که پدیدارشناس در روند شناخت تنها به قدرت تعقل و تفکر بسنده نموده است و در مقابل، محقق و پژوهشگر معماری اسلامی علاوه بر قدرت تعقل و تفکر با بهره گیری از نگاه حکمت آمیز و احکام اسلامی به معماری بناهای عبادی معرفت پیدا می کند. هدف این مقاله بررسی حکمت و پدیدارشناسی به عنوان دو روش شناخت شناسی مطرح در میان شیوه های نگرش به معماری اسلامی، و بررسی و تجزیه و تحلیل این روش ها در بازشناخت بناهای عبادی مندرج در این مقاله است. روش تحقیق در این مقاله از نوع کیفی و به صورت توصیفی - تحلیلی بوده که در آن به تحلیل موردی بناهای عبادی ایرانی می پردازد و نتایج حاصل از این مقاله، قرائت از مولفه های قدسی در ساختار و فرم بناهای عبادی به عنوان انگاره های قدسی حاکم بر طراحی فضاهای عبادی می باشد. روش نتیجه گیری این مقاله بصورت استنتاجی است که به طریق استدلال، گواه و شاهد از بحث های قیاسی حاصل می آید. بدین ترتیب، یافته های تحلیلی این مقاله، به بازشناخت مولفه های ارتقا دهنده معماری مساجد ایران منجر گردیده که تاثیر و نحوه حضور این مولفه ها در معماری مساجد و کهن الگوها به صورت شماتیک ارایه و تحلیل شده است. فرآیند تحلیل در این مقاله منجر به جستجوی کیفیتی شده است که بیش از هر چیز بر ارتقاء مولفه های بنیادین در بخش های مختلف معماری مساجد تکیه دارد. **واژگان کلیدی:** فضاهای عبادی، حکمت، پدیدارشناسی، مولفه های معماری اسلامی.

Architectural component of the religious monuments of philosophical and phenomenological perspective

Abstract

Traditionally places of worship, the most ultimate bed and the spiritual evolution of mankind and the spiritual and sacred architecture believers has created a platform for collective worship. In between and among religions and social aspects highlighted that place of worship in Islam are created for the collective worship, is of utmost importance. That's why researchers and experts in Islamic architecture reviews and attitude to religious monuments, numerous methods have been used. So that each of theorists over time with different attitudes have interpreted the phenomenon of Islamic architecture; It is important to note that phenomenology in the process of cognitive reasoning and thinking power is sufficient. In contrast, the scholar of Islamic architecture in addition to enjoying the look of contemplation wisdom and knowledge of Islamic law to become liturgical architecture; this study philosophy and phenomenology, reviews and analysis in this way is recognition of religious monuments. The research method is qualitative and descriptive - analysis. In the case of religious buildings in Iran; and the results of this paper, readings from sacred component in the structure and form of worship as the notion of sacred buildings in the design of places of worship. Thus, the analytical findings of this paper is to identify factors that influence led promoting Iranian mosques architecture and how the presence of these components in the architecture of mosques and archetypes is schematically presented and analyzed; The process leading to the search for quality has been analyzed in this article; that more than anything in the promotion of the fundamental components in different parts of the mosque convenience.

Key words: places of worship, wisdom, phenomenology, elements of Islamic architecture.

مقدمه

بررسی و تحقیق پیرامون بناهای عبادی از مهمترین موضوعات مورد توجه معماران و شرق شناسان است. با بازنگری معماری بناهای عبادی در گذر زمان این نتیجه حاصل می شود که در طول تاریخ وجود نگرشی احترام آمیز و همراه با تقدس به بناهای عبادی در معماری اسلامی سبب شده، انسان همواره با مقدس و ملکوتی شمردن آن در حفظ و تکریم آن اهتمام ورزد. لیکن در عصر کنونی به دلیل گسترش نگرش بهره‌وری هرچه بیشتر معماری، تسلط عملکرد بر ماهیت بنا و اولویت دهی به رفع نیازهای کنونی معماری، محتوا و معنی در معماری بناها از جمله بناهای عبادی تغییر یافته و حتی منجر به افول معماری قدسی شده است. بنابراین بنظر می رسد بازخوانی ایدئولوژی و جهان بینی محتوایی انسان عصر کنونی نسبت به معماری بناهای عبادی کهن در احیا معانی بکار گرفته شده در آنها حائز اهمیت بوده و بازبینی گذشته از منظر رابطه معنا با معماری بناهای عبادی می تواند در بازتعریف ویژگی‌های فضاهای قدسی نقش موثری ایفا نماید. ساختار محتوایی این مقاله در چند بخش تدوین گردیده است.

مواد و روشها

بخش اول مقاله، به معرفی بناهای عبادی و روش های شناخت معماری اسلامی مانند حکمت و پدیدارشناسی با بررسی لغوی، معنایی و محتوایی و مقایسه آنها می پردازد. بخش دوم، به بررسی نمونه‌های موردی بناهای عبادی پرداخته و با بهره‌گیری از مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی، مولفه‌ها و انگاره‌های قدسی موثر در شکل‌گیری معماری بناهای عبادی را ارائه می نماید. بدیهی است به دلیل تعدد بناهای عبادی در سرزمین‌ها و زمان‌های مختلف، مطالعه تمامی آنان مقدور نبوده و در این مقاله به مطالعه معدود بناهای عبادی پرداخته شده که واجد آثار ارزشمند و تاثیرگذار در حوزه معماری می باشند. بخش سوم،

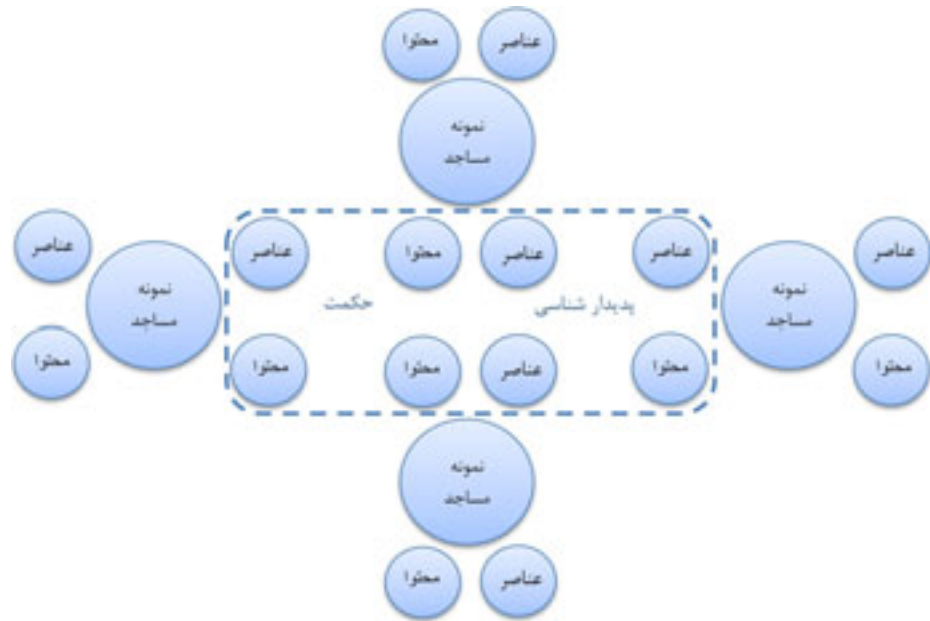
به بررسی برخی از نکات و مولفه های مشترک می پردازد که در معماری بناهای عبادی در ارتباط با مفهوم پدیدارشناسی و حکمت وجود دارد و از آن به عنوان انگاره های مشترک در معماری اکثر بناهای عبادی یاد شده است. بخش چهارم، نیز به نتیجه گیری و تبیین جدول مولفه های بنیادین اختصاص دارد. پرسش اصلی مقاله این است که مولفه های مشترک کالبدی-محتوایی بناهای عبادی از منظر حکمت و پدیدارشناسی چیست؟ روش تحقیقی مورد استفاده در این مقاله بر مبنای «روش تحلیلی» می باشد که با «رویکرد تفسیری-تحلیلی» به تحلیل نمونه‌های موردی با تاکید بر مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی پرداخته، از مقایسه آنها چارچوب نظری ترسیم گردیده و سپس به معرفی مولفه های قدسی در ساختار و فرم بناهای عبادی به عنوان انگاره های قدسی حاکم بر طراحی فضاهای عبادی پرداخته است. این چارچوب در (تصویر ۱) ارائه گردیده است.

مبانی نظری

فضاهای عبادی

مهمترین رکن در معماری اسلامی، کالبدی کردن باورهای معنوی و روحانی نهفته در روح و ذات اعتقادات دینی است. معماری اسلامی به دلیل استفاده از عناصر و مولفه‌ها، و بهره‌گیری از محیط پیرامون خود همواره تحت تاثیر ایدئولوژی های شکل دهنده آن قرار داشته است. گذر زمان بر معماری اسلامی، بیانگر آن است که طیف متنوعی از نگرش‌ها و معانی معماری اسلامی در معماری بناهای عبادی مختلف وجود داشته و سبب شده تا در معماری فضاهای قدسی رویکرد متنوعی در راستای تعامل معماری اسلامی با فضاهای عبادی شکل گیرد. فضاهای عبادی به خصوص مساجد در اسلام به عنوان اولین و با اهمیت ترین نهاد اجتماعی دارای وظایف و کارکردهای زیادی بوده، به گونه ای که افزون بر مهمترین کارکرد آن یعنی عبادت، فعالیتهایی همچون آموزشی، تجاری، نظامی



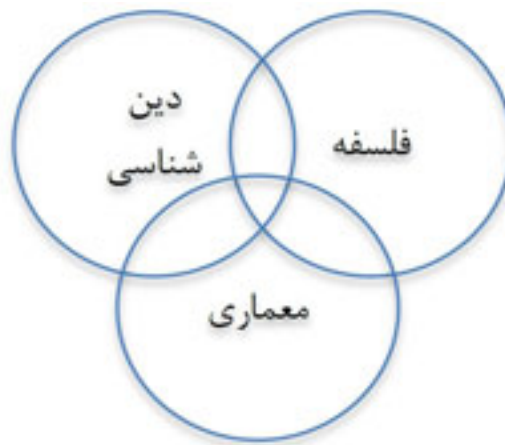


تصویر ۱. چارچوب شکلی - محتوایی مقاله؛ ماخذ: نگارندگان.

فعالیت اهمیت داشته اند. تلاقی دین و معماری اسلامی در معماری بناهای عبادی

بناهای عبادی در تاریخ معماری، همواره نقطه تلاقی و به اوج رسیدن هنر و معماری اسلامی بوده اند. به عبارت دیگر، معماری بناهای عبادی دارای تلاقی و اشتراکاتی است که در کالبد مساجد و در مجموعه ای از جلوه های هنری قابل مشاهده بوده و به عنوان هنر پرستشگاهی یا معماری قدسی یاد می شود. هدف غایی هنر مقدس، فراخوانی و یادآوری احساسات یا انتقال تاثرات نیست، بلکه هنر مقدس، رمز است و بدین علت جز مولفه های ساده و اولین و اصلی، از هر دستاوردی مستغنی است... هنر مقدس سرشت رمزی عالم است و بدین گونه روح انسان را از قید متعلق به واقعیات درشتناک و ناپایدار می رهند، کاربران این نگاه، معماری را در کالبد آن نمی بینند بلکه آن را نمودی از معانی پر رمز و راز می دانند. در اینجا شی یا اثر هنری ابزاری است برای رساندن پیام های معنوی و معنایی. محققین

و سیاسی نیز در آن جریان داشته است. مساجد به ویژه در سده های میانه، فعالیت های گسترده تری از فعالیت های غیرعبادی یافتند (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص ۴۲). مسجد نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مومنان برای برگزاری مراسم مورد استفاده بوده، بلکه کانون معارف و احکام اسلامی، مرکز جهاد تبلیغاتی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می رفته است (زرگر، ۱۳۸۶، ص ۱۴). این چنین نگرشی به مسجد بعنوان کانون عبادی از دید معماری اسلامی منجر به ایجاد مولفه های متنوعی در طراحی اثر شده و موجبات شکل گیری الگوهای متفاوتی از ارتباط معماری با این فضاها گردیده است. بنابراین معمار و طراح در سازمان دهی به معماری مسجد، الگوی متناسب با دیدگاه های مختلف را برگزیده که در این میان می توان به تناسب، عملکرد، ساختار، فرم، زیبایی، و سازه اشاره کرد که در یک روند تدریجی در معماری مساجد در طول تاریخ قابل مشاهده بوده و بنابراین فضاهای عبادی از منظر کالبد و معنا و



پس به هرطرف روکنید، به سوی خدا رو آورده اید (بقره - ۱۱۵) (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۰). در نتیجه باید به این نکته اشاره کرد که معماری فضاهای عبادی از یک ریشه اعتقادی واحد سرچشمه گرفته است که آن اعتقاد عبارت از باورهای آن هنرمندی بوده که به اسلام معتقد بوده و اسلام را دین خودش قرار داده، که بازده آن به صورت هنر تجلی یافته است (مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۲).

حکمت

لغت نامه دهخدا حکمت را «دانایی و معرفت» معنی کرده است. در کاربردهای لغوی واژه حکمت، استواری و منع از نقص و خلل و تباهی ماخوذ و مقصود است. حکمت بر اساس تقسیم آن بر پایه قوای نفس، دو شاخه نظری و عملی را شامل می-شود. حکما از دیرباز، بر همراه بودن تحصیل و تکمیل این دو شاخه برای تحقق تعریف و معنای حکمت تاکید داشته اند. «بوعلی سینا»، در تعریفی که از واژه حکمت ارائه می کند، معتقد است بخشی از حکمت مربوط به قلمروی خارج از قلمرو اراده و عمل انسان و نیز اختیار اوست. این فلسفه نظری عبارت است از نگاه به دنیا، دیدن آن حقایق، رسیدن به آن حقایق، این حکمت، حکمت نظری است. اما حکمت عملی به لحاظ داشتن بن مایه های کاربردی و عملی برای تکمیل و تعالی نفس، با تزکیه نفس ملازم است. غایت حکمت، کمال نفس و تزکیه آن بوده است در حقیقت، حکمت، عامل اصلی فهم صحیح مسائل فلسفی است.

نصر در تبیین مفهوم حکمت در فرهنگ اسلامی می نویسد، با این تعاریف که «ملاصدرا» در کتاب رسایل داده است، حکمت نوعی دانش ناب عقلانی است که داننده خود را در روند دانش اندوزی به گونه ای دگرگون می سازد که ظاهری بدل به آیین های می گردد که سلسله مراتب کیهانی در آن انعکاس می یابد (نصر، ۱۳۷۰، ص ۵۶). از نظر بورکهارت نیز حکمت معماری اسلامی منجر به نهادینه شدن سنتی شده که آثار معماری دوران

تصویر ۲. ارتباط سه دنیای مختلف علوم؛ ماخذ معماریان، ۱۳۹۰، ص ۴۲۷.

این حوزه از دنیای فلسفه و دین شناسی و تاریخ هنر بهره می گیرند.

«تیتوس بورکهارت»^۱ در خصوص این ارتباط میان کالبد و هنر اسلامی با کتاب الهی چنین اظهار نموده، مهمترین حلقه ای که هنر اسلامی را با قرآن کریم پیوند می دهد، نه در شکل قرآن کریم، بلکه در حقیقت آن نهفته است. هنر اسلامی ذاتاً طرحی است از جنبه ها یا ابعاد وحدت الهی (بورکهارت، ۱۳۷۴، ص ۵۸). وی در بیان دیگر به ارتباط نهفته در دین و معماری اسلامی اشاره می کند دین در هنر اسلامی موجود است و زمان و مکان آن را نفی نمی کند. اثر معماری مورد نظر در مدرسه و محل های متفاوت گویی نوری واحد از ورای آن متجلی می شود (صایغ، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹). در حقیقت هدف معماری اسلامی ایجاد فضایی است که بشر را در مسیر شناخت شان ازلی خویش یاری رساند و چیزی بین انسان و حضور عینی خداوند فاصله نیندازد. «سید حسین نصر» نیز معتقد است که هدف، معماری مسلمین فقط از آن جهت مطرح نیست که مسلمین موجد آن بودند، بلکه چون از معارف اسلامی نشأت گرفته است و انسان را به خلوت درونی الهام الهی رهنمون می گردد، مطرح بوده و بدین صورت توانسته فضایی ایجاد کند که یاد الهی را تجسم بخشد همان گونه که قرآن تصریح دارد

جدول ۱. مفاهیم حکمت براساس مطالعات پایان نامه؛ ماخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم حکمت براساس مطالعات و تعریف های فوق
تعریف	هدف نهایی شناخت محتوا و معنا
معرف وجود	انسان و ایمان به خدا عاملی مهم در روند شناخت
ارتباط با ابژه	ارتباط بین انسان و خدا عاملی تاثیرگذار و انکارناپذیر در روند شناخت
ارتباط با پدیده	ادراکات انسان ها و پیش داوری ها از عوامل مهم در حکمت
ارتباط با منطق و ذهن	قدرت تفکر و ذهن، از ارکان اصلی حکمت
نحوه شناخت و ارتباط	اندوخته های ذهنی، پیش داوری ها، تجارب و پیش فرض ها در کنار قدرت تعقل و ایمان انسان عامل اصلی شناخت

جدول ۲. مفاهیم پدیدارشناختی براساس مطالعات پایان نامه، ماخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم پدیدارشناختی براساس مطالعات و تعریف های فوق
تعریف	هدف نهایی شناخت واقعی (حقیقی) پدیده
معرف وجود	انسان عاملی مهم در روند شناخت
ارتباط با ابژه	ارتباط بین انسان و جهان عاملی تاثیر گذار و انکار ناپذیر در روند شناخت
ارتباط با پدیده	ادراکات انسان ها و پیشداوری ها از عوامل مهم در پدیدارشناختی
ارتباط با منطق و ذهن	قدرت تفکر و ذهن، از ارکان اصلی پدیدارشناختی
نحوه شناخت و ارتباط	اندوخته های ذهنی، پیش داوری ها، تجارب و پیش فرض ها در کنار قدرت تعقل انسان عامل اصلی شناخت



پیش فرض ها و تبیین های رایج فارغ شده و شیوه ای برای شهود معانی ذاتی ارائه دهد. او در این راستا کوشید تا با به تعلیق درآوردن رویکردهای شناخت رایج که به نظرش سرچشمه کژاندیشی است، به آگاهی ناب نائل آید. پدیدارشناسی، به عنوان یک حرکت فکری و فلسفی، نقطه عطف بسیاری از روش های نقد معماری معاصر است. اساس پدیدارشناسی، رویکردی ناب و تازه به پدیده ها و دست یافتن به خود چیزها بوده و به عنوان یک رویکرد فلسفی، درک خاصی از مکان و فضا را بیان می دارد (پرتوی، ۱۳۹۲، صص ۲۷-۶۲). این رویکرد به وسیله معماران نیز در مباحث گوناگون مانند، مکان، فضا و هویت مورد استفاده قرار گرفته است. از دیدگاه فیلسوفان

راه، به یادگاری های جاودانه و استوار تبدیل ساخته است (بورکهارت، ۱۳۷۰، ص ۲۷). در نتیجه با وجود برخی تفاوت ها در معماری بناهای عبادی مختلف با بررسی تطبیقی میان فضاهای عبادی می توان به روح مشترک موجود در عناصر و کالبد معماری بناهای عبادی دست یافت که در (جدول شماره ۱) به اختصار به تعریف، تفکیک و ارتباط مفاهیم حکمت پرداخته شده است.

پدیدارشناسی

نظریه و روش پدیدارشناسی، در پی بحران های فلسفی در غرب توسط «ادموند هوسرل» ۲ مطرح شد. هوسرل که بر آگاهی، کنش و الزام های فرهنگی تاکید داشت، در تلاش بود تا خود را از

پدیدارشناسی روشی است برای شرح موقعیت بی واسطه و مستقیم چیزها که با آن می توان به درکی فارغ از پیش فرض و بدون پیش داوری دست یافت، و از دام پیش انگاشته های علمی، مذهبی، متافیزیکی و روانشناختی گریخت (فلامکی، ۱۳۸۱، صص ۴۳-۴۴). در نتیجه از نگاه پدیدارشناسی، معماری اسلامی مبتنی بر حقایق عرفانی و الهی، فرازمان و فرامکان و یا ازلی و ابدی است، از این منظر اسلام دارای مولفه هایی است که فراتر از روح دوران و جدای از ارکان تاریخی موجب شکل گیری رویکرد خاص در معمار شده است، به طوری که این عناصر فکری را نباید وابسته و محدود به شرایط تاریخی، حکومت و یا انگیزه های حاکمان دانست. در (جدول ۲) اصول و اجزا مفاهیم پدیدارشناختی بررسی و تحلیل شده است. در واقع هدف از این جدول، آشنایی با مولفه های پدیدارشناختی به عنوان روشی برای بررسی و شناخت معماری بناهای عبادی است.

قیاس پدیدارشناسی و حکمت در روند شناخت

همانطور که پیشتر بیان گردید، حکمت واژه ای نسبتاً پر کاربرد، متداول و در عین حال مبهم است که با وجود مطالعات صورت گرفته پیرامون آن، هنوز معنای روشنی از آن محقق نگردیده است. به دلیل وجود این ابهام در معنا، بعضی مواقع حکمت، به رغم تمایز با پدیدارشناسی، معادل آن پنداشته می شود. به عبارتی پدیدارشناختی و حکمت مترادف و به یک معنا بکار می رود، اما با تأمل می توان میان آن دو تمایزهایی یافت. لفظ پدیدارشناختی، (شناخت پدیده) نوعی دانش خاص فلسفه گفته می شود، که بدون توجه خاص به هدایت و سعادت بشری و در صدد انکار خالق پدیده با قدرت عقل می باشد و حکمت در زبان عرب به معنای اتقان در عمل و باز داشتن از کجروی است، زیرا حکمت واقعی بازدارنده انسان از تاریکی جهل و کجروی و گمراهی است (محمد خواجهوی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶). بنظر می رسد می توان با تحلیل و بررسی معنای

حکمت به عنوان روند شناخت و بیان ارتباط آن با پدیدارشناسی به عنوان روند شناخت فلسفی، به تمایز حکمت و پدیدارشناسی دست یافت. بنابر مطالعات صورت گرفته حکمت، مفهومی گسترده تر و عمیق تر از پدیدارشناسی داشته و به لحاظ منشا و قطعیت نیز نسبت به پدیدارشناسی، بهتر است. می توان نتیجه گرفت پدیدارشناسی علیرغم شباهت، از جهات مختلفی با حکمت متفاوت است و به لحاظ مبدا و منبع پیدایش و مرجع شناخت هنر اسلامی، نمی تواند با حکمت هنر اسلامی هم عرضی کند. حکمت در روند شناخت در پی تکامل و رسیدن به حقیقت و ذات بوده در حالی که هدف پدیدارشناسی از شناخت پدیده یک نتیجه علمی و دست یافت نظری می باشد. در این راستا با تحلیل و جمع بندی مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی بر اساس مولفه های موثر در روند شناخت (جدول ۳) حاصل شده است.

با توجه به مطالب قبلی و (جدول ۳) می توان کاربرد پدیدارشناختی را همسو با حکمت در نظر گرفت. یعنی معرفت و شناخت بشری از پدیدارها دانست، اگرچه در مفاهیم پایه باهم برابر نیستند، ولی هر دو در پی شناخت صحیح و مطلوب از پدیده می باشند و تمایز این دو روش شناخت در عمق نگرش هاست، زیرا یکی شناخت عین موجودات آنگونه که در ذات خود هستند می خواهد، و آن را معرفت وجود حق تعالی می داند، و دیگری در صدد شناخت خود پدیده بدون دخل و تصرف و صرفاً به بهره گیری از قدرت عقل تکیه دارد. موضوع حکمت و پدیدار شناسی در معماری اسلامی از مباحثی است که اختلاف نظر زیادی میان اندیشمندان وجود دارد. برخی به وجود محتوای اسلامی در روند حکمت آمیز اعتقاد داشته و در مقابل، عده ای دیگر به عدم وجود محتوای اسلامی در روند پدیدارشناسی معتقدند. معماری اسلامی به عنوان مکتبی فکری و اعتقادی، حقایقی مفهومی را در حوزه معماری مطرح کرده است که به صورت عناصر و مولفه های

جدول ۳. تحلیل و مقایسه مفاهیم حکمت و پدیدارشناختی؛ ماخذ: نگارندگان.

مشخصه	حکمت	پدیدارشناختی
تعریف	خداوند بعنوان محور اصلی	انسان محور اصلی
معرف وجود	ایمان و عقل رکن اصلی در شناخت	عقل رکن اصلی در شناخت
ارتباط با ابژه	در صدد یافتن مسیر سعادت بشر	کشف حقیقت علمی
ارتباط با پدیده	پدیده به عنوان مخلوق الهی و صاحب ارزش	پدیده به عنوان یک عنصر عادی برای شناخت
ارتباط با منطوق و ذهن	علم الهی	دانش خاص فلسفه
نحوه شناخت و ارتباط	نهفته در ادیان و آفرینش	روش شناخت نوین سال های معاصر

نماد، کارکردهای فیزیکی و عملکردی و خصوصیات ظاهری و باطنی در اجزا تشکیل دهند بنا قابل مشاهده است. سیر تاریخی معماری مساجد نیز خود روشنگر وجود حکمت در معنای متعالی آن می باشد. معماری و تزئینات وابسته به آن در هنرهای اسلامی نیز حائز اهمیت می باشند به طوری که معماری فضاهای عبادی همواره در تمام طول تاریخ دارای حکمت بوده است. در یک جمع بندی کلی می توان مظاهر ظاهری و محتوایی حکمت در آثار معماری را در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- رفع نیاز بشر جهت ایجاد سرپناهی برای زندگی و مکانی جهت خلوت و عبادت و سایر نیازهای دیگر؛ و
- ۲- توجه به جامعیت بنا با توجه به نیازهای بشری؛ و
- ۳- توجه به عنصر مردم‌واری به معنای داشتن مقیاس انسانی در عناصر مختلف معماری؛ و
- ۴- توجه به عنصر خودبسندگی به معنای این که معمار و سازنده بنا سعی بر آن دارد که مصالح ساختمانی و مواد مورد نیاز خود را از نزدیکترین مکان‌ها و با کمترین قیمت تهیه کند؛ و
- ۵- پرهیز از بیهودگی به این معنا که معمار و سازنده بنا سعی می کند از به کار بردن مولفه های

ظاهری و محتوایی در بناهای عبادی انعکاس یافته است. این مولفه های بنیادی و ثابت را می توان طی فرایند شناخت حکمت آمیز و پدیدار شناسانه در کهن الگوها به صورت بصری مشاهده نمود که با توجه به هدف مقاله با تحلیل بناهای عبادی با مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی این عناصر و مولفه ها حاصل شده است. بر اساس مطالب گفته شده مولفه های نهفته در معماری مساجد را هم از دیدگاه دین و اصول الهی حاکم بر آن در شکلگیری ساختار مساجد بررسی می کند و همچنین این ساختار را بوسیله روش شناخت معاصر بشری که مبتنی بر قدرت عقل مطلق بوده و متفاوت از روش حکمت آمیز است مورد واکاوی قرار می دهد. و بر اساس این روش ها برخی اشتراکات و تمایزهای این دیدگاه ها در مولفه های معماری مساجد حاصل شده است.

نگاه حکمی به معماری بناهای عبادی

معماری اسلامی هنری حکمی است و حکمت تنها دانشی است که می تواند معماری اسلامی را درک کند. حکمت معماری اسلامی به خصوص معماری مساجد و کلیه ملزومات و کارکردهای آن را می توان در دو بعد شکلی و محتوایی بررسی کرد. حکمت شکلی و محتوایی معماری مساجد از لحاظ کاربرد

بی‌فایده خودداری کند. در واقع این اصل معماری قبل از اسلام وجود داشته و بعد از اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ و

۶- پیمون یا مدول که برای رعایت تناسبات در ایران و معماری کلاسیک یونان و روم به کار می‌رفته و وسیله تنظیم ابعاد و اندازه و هندسه راهنمای معماری در تأمین تناسبات و هماهنگی اصولی است؛ ۷- درونگرایی، به معنای قرار دادن اندام‌های معماری و ساخت دیوارهای خارجی است، که ارتباط مستقیم بنا را با فضای خارج در درون خود با عنصری به نام حیاط میسر می‌کند، فضای درون گرا، از هر سو به داخل توجه دارد (پیرنیا، ۱۳۸۶، صص ۲۶-۳۶).

معماری مساجد در طول تاریخ از مفاهیم نام برده حکمت برخوردار می‌باشند. گاهی این مفاهیم در معماری تحت تاثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش پر رنگ دارد. معماری مساجد بدنبال الهام از مفاهیم کلام الهی و روایی است، تا فضایی ایجاد کند که عالم ملکوت (عالم معنا) و عالم ناسوت (عالم صورت، ملک و طبیعت) را با یکدیگر تلفیق نمود و فضای معنوی واحدی را خلق کند. گنبد، مناره، محراب و طاق در فرم‌ها و کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌ها و گچبری‌ها و کاربندی‌ها و نقوش، اشکال و رنگ‌ها همگی نشانه‌های بارزی برای القای معانی پنهان هستند و مخاطب از طریق حضور در فضای معماری مساجد به درک شهودی آن معانی نایل می‌شود. در (جدول ۴) به توضیح مختصر از حکمت و مسجد و سیر حکمت در آثار معماری مکان‌های عبادی پرداخته می‌شود تا به ارتباط بین حکمت و معماری مساجد دست یافت.

نگاه پدیدارشناسی به معماری بناهای عبادی

از دیدگاه پدیدارشناسی به ماهیت معماری اسلامی، تمامی عوامل حتی موارد موثر و تاثیر گذار در پدیده، از جمله ریشه‌های تاریخی، عوامل، شرایط و بسترهای تحقق آن مورد تحلیل قرار نمی‌گیرد و به جای بررسی واقعیت عینی و خارجی آن، به

تحلیل و ارزیابی عناصر خود پدیده بسنده می‌شود. در شناخت پدیده، واکاوی و شناخت عناصر درونی و مکشوف پدیده، امری ضروری است و بررسی و شناخت هستی خارجی هنر اسلامی، از جمله بررسی عوامل تاریخی در تحقق آن، بیرون از قلمرو شناخت پدیدارشناسی قرار می‌گیرد، زیرا بررسی و شناخت از عینیت خارجی، نوعی توجه به هستی آن پدیده است و همان طور که اشاره شد در رویکرد پدیدارشناسی حذف هرگونه پیش فرض در پدیدارشناسی معماری، امری ضروری است.

«برای شناخت و تحلیل آثار معماری اسلامی از منظر پدیدارشناختی، می‌توان به سطوح عمیق تر و مفاهیم محوری موجود در آثار هنری که ماهیتش فراتر از اقلیم، محیط و زمان خاص است، دست یافت، عناصری که نسبت میان دین و هنر را در فرهنگ اسلامی بیان می‌دارد» (شیمل، ۱۳۷۶، صص ۳۶). با روش پدیدارشناسی، پژوهشگر آثار معماری اسلامی در پی آنست که آیا هنر اسلامی، بازنمایانه و طبیعت‌گرایانه است، یا هنری انتزاعی، تغییر شکل یافته، معنادار و نمادین که برگرفته از آرمان‌ها و ایدئال‌های تفکر اسلامی است و به طبیعت‌گرایی یا تقلید از واقعیت‌گرایی نداشتند است. در شیوه پدیدارشناسی روش شناختی، نقطه آغازین بررسی و تحلیل اثر هنری اسلامی، فراتاریخی و بدون توجه به مقوله زمان می‌باشد و پدیدارهای معماری اسلامی، مجرد از بستر فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، توصیف و بررسی گردیده و تفاوت در معماری اسلامی تمدن‌ها، در هسته درونی آنها جست‌وجو می‌شود، عواملی که به صورت شبکه‌ای و منسجم وجود دارد و پدیدارشناس به فهم درونی آنها دست می‌یابد. همچنین در میان مورخان هنر اسلامی، برخی نیز به عناصر فرازمان و فرامکان در هنر اسلامی اذعان دارند و بر این باورند که معماران مسلمان به اندیشه‌های جاویدان و مفاهیم ازلی که فراسوی زمان و برآمده از تفکر اسلامی است، توجه داشته‌اند، به عنوان مثال «آرتور پوپ»^۳ معتقد است، هنرمند

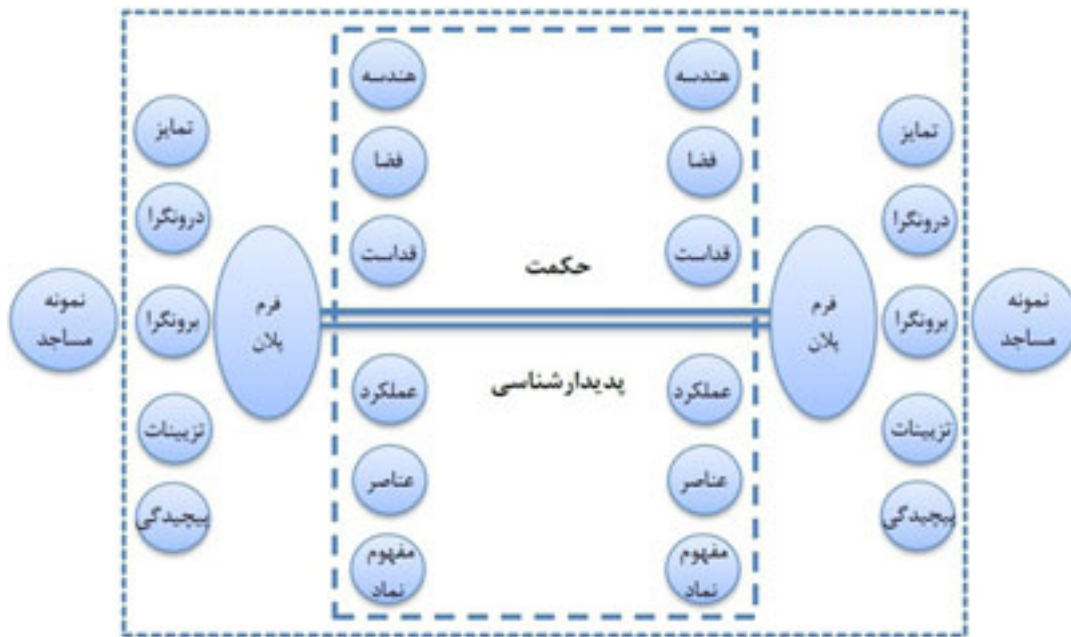
جدول ۴. حکمت در معماری فضاهای عبادی؛ ماخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم حکمت در شناخت بناهای عبادی
تعریف بناهای عبادی	شناخت روح و معنا حقیقی (خدا) در بناهای عبادی
معرف وجود بناهای عبادی	ایمان انسان عاملی مهم در روند شناخت بناهای عبادی
ارتباط ابژه در بناهای عبادی	درک ارتباط بین عناصر و فضاها در بناهای عبادی عاملی تاثیر گذار و انکار ناپذیر در روند شناخت
ارتباط با بناهای عبادی	اعتقادات مسلمانان و اصول شرعی و دینی از عوامل مهم در شناخت معماری فضاهای عبادی
ارتباط با ایمان و دین	ایمان و اعتقادات فقهی و شرعی، از ارکان اصلی شناخت در بناهای عبادی
نحوه شناخت بناهای عبادی	ایمان در کنار قدرت تعقل انسان عامل اصلی شناخت روح مشترک در بناهای عبادی می باشد

جدول ۵. مفاهیم پدیدارشناسی در معماری فضاهای عبادی؛ ماخذ: نگارندگان.

مشخصه	جدول مفاهیم پدیدارشناسی در شناخت بناهای عبادی
تعریف بناهای عبادی	شناخت خود بناهای عبادی
معرف وجود بناهای عبادی	انسان عاملی مهم در روند شناخت بناهای عبادی
ارتباط ابژه در بناهای عبادی	ارتباط بین عناصر ظاهری در بناهای عبادی عاملی تاثیر گذار و انکار ناپذیر در روند شناخت
ارتباط با بناهای عبادی	عناصر کالبدی و قابل لمس عوامل مهم در پدیدارشناختی معماری فضاهای عبادی
ارتباط با ایمان و دین	مفاهیم کلی اسلام، از ارکان شناخت در بناهای عبادی
نحوه شناخت بناهای عبادی	ایمان، اندوخته های ذهنی، پیش داوری ها، تعلیق، تجارب و پیش فرض ها در کنار قدرت تعقل انسان عامل اصلی شناخت روح مشترک در بناهای عبادی می باشد

مسلمان در خلق اثر هنری به دنبال شیوه ای رها از قید زمان و مکان و رها از زوال پذیری بود: «ذوق ایشان [مسلمانان] بیشتر در نمایش اشکال، طالب آن شیوه بود که از قید زمان و مکان آزاد باشد و طعم فنا ندهد، بلکه به سوی خلود و بقا میل کند» (پوپ، ۱۳۸۰، ص ۴). «جیمز دیکی» ۴ در تفسیر گنبد، باغ و نقوش تزئینی معتقد به وجود عناصر نمادین و تمثیلی در آنهاست و گنبد را نماد فلک، باغ را تمثیلی از فردوس و نقوش عربانه را تمثیلی از درختان بهشتی بیان نموده است (دیپکه، ۱۹۷۸، ص



تصویر ۲. مولفه های کالبدی - محتوایی معماری مساجد؛ ماخذ: نگارندگان.

توان به کشف روابط درونی، ذاتی و ارتباطات آنها و کشف ماهیت و ذات مشترک پدیدارهای معماری دست یافت.

با توجه به اهمیت مولفه های اشاره شده (تصویر ۲) در فضاهای عبادی و اهمیت حضور این مولفه در ساختار، پلان و فرم که القا کننده حس مکان، روح مکان و حس فضا و عامل اصلی شناخت در طراحی معماری بناهای عبادی می باشد، طبق (جدول ۶) این مولفه های شکلی و محتوایی با مفاهیم پدیدارشناسی و حکمی مورد تحلیل و قیاس قرار گرفته است.

در این راستا جهت تحلیل و بررسی دقیق تر مولفه های ذکر شده در (جدول ۶) چند نمونه فضای عبادی انتخاب شده است. شاخصه انتخاب این نمونه ها بدین نحو است که بناهای انتخابی همگی در منطقه قدیمی و با ارزش تاریخی قرار داشته و به دلیل وجود نکات ظریف معمارانه از شهرت و توجه عمومی بین مردم و متخصصان معماری برخوردار بوده اند. ضمناً بنای نمونه های منتخب، ویژگی های بارز معماری دوره تاریخی خود را منعکس

۳۴). این صاحب نظران، معماری اسلامی را متفاوت از قالب های مدرن، مبتنی بر فرهنگ سنتی شرق و متأثر از ماهیتی روحانی و فراتاریخی می دانند که متمایز از معماری پس از رنسانس است (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴).

جایگاه حکمت و پدیدارشناسی در مولفه های معماری فضاهای عبادی - نمونه های موردی

اگر معماری بناهای عبادی از دیدگاه حکمت و پدیدارشناسی تحلیل شود، آنچه قابل لمس و مشاهده هست، عناصر و مولفه های شاخص سازنده بنا است که برای رویکرد پدیدارشناسی پدیدار می گردد که این عناصر معرفت و حس مکان و فضا ما را به آن پدیده تشکیل می دهد و با شاخص کردن این مولفه های معماری، می توان به عینیت آن پدیده در میان بناهای عبادی دست یافت. با توجه به مفاهیم بیان شده حکمت و پدیدارشناسی، مولفه ها و عناصر شکلی و محتوایی مشترک معماری اسلامی، مهمترین رکن، تجزیه و تحلیل و بررسی محتوا و ساختار پدیدارهای معماری در بناهای عبادی مختلف با یکدیگر است و بدین روش می

جدول ۶. بررسی موردی مولفه های شکلی و محتوایی با رویکرد پدیدارشناسی و حکمت؛ ماخذ: نگارندگان.

مولفه های شکلی و محتوایی		رویکرد های شناخت
		حکمت
	پدیدارشناسی	
تزئینات	مورد توجه در ادیان	بیان زیبایی
هندسه	الهام گیری از فرم های مقدس	استفاده از اشکال پایه
پلان	بهره گیری از پلان ساده	القای حس مکان
عوامل طبیعی (آب، خاک، نور، فضای سبز و ...)	مورد تاکید اسلام	بهره گیری در معماری مساجد
عوامل مصنوعی (محراب، مناره، ایوان، صحن و ...)	برای تقویت حس مکان و فضای قدسی	عوامل موثر در روح مکان
زیبایی شناختی	نشأت گرفته از افکار مسلمانان (خدا)	استفاده از فرم ها و اشکال زیبا و متوازن
فضا- مکان	ایجاد مکان قدسی	مکانی با حس و حال خاص معنوی
عملکرد	ارتباط با خدا	اعمال خاص مسلمین
تمایز	نحوه نگرش ها و عوامل اقلیمی	عوامل اقلیمی و سایت طراحی



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۴۹

جدول ۷. انتخاب و بررسی نمونه فضاهای عبادی؛ ماخذ: نگارندگان.

بررسی نمونه فضاهای عبادی منتخب در مقاله		
مسجد کبود تبریز	مسجد آقا بزرگ کاشان	مسجد شیخ لطف ... اصفهان
مسجد شاه اصفهان	مسجد نصیر الملک شیراز	مسجد سپه سالار تهران
آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی		

نموده و تاثیر گذاری بسیار آنها در معماری اسلامی بناهای عبادی نسل های بعدی می باشد و در عین حال اطلاعات کافی و امکان مشاهده حضوری وجود داشته، بدین ترتیب از میان آثار معماری سبک های مختلف در ایران، تعداد هفت نمونه از مساجد مطابق (جدول ۷) انتخاب شده است.

با توجه به تحلیل مولفه های فوق با مفاهیم حکمت و پدیدارشناسی به تحلیل این الگوها در معماری مساجد نام برده پرداخته می شود. و بنابر اشتراکاتشان در طیفی از طبقه بندی ها قرار خواهند گرفت. و در مقوله تحلیلی جدول ۸ و دسته بندی

آن حاصل شده است. براساس تحلیل استنتاجی جدول فوق می توان به اشتراکات معماری مساجد دست یافت، برای نمونه استفاده از نور و رنگ در بسیاری از آثار معماری نه فقط اتفاقی نیست بلکه با نمادپردازی رنگ ها در معماری اسلامی مناسبت دارد. معماری اسلام از طریق نور، سایه و رنگ و موارد مشابه فضایی ایجاد نمود است که هم در صورت و هم در معنا اسلامی بوده است، فضایی که در آن اصول دینی و روحانی متجلی می شود و بر محیط زندگی روزمره انسان که تأثیری عمیق بر گرایش های فکری و روحی او

جدول ۸. بررسی موردی بناهای عبادی با مولفه های شکلی و محتوایی با مفاهیم حکمی و پدیدارشناسی؛ ماخذ نگارندگان.

نمونه مساجد	تاریخچه	تزیینات	هندسه	پلان	عوامل طبیعی	عوامل مصنوعی	زیباسازی	فضا	مشکره	نماد
مسجد گوید سمرقند	قرن نهم ده (ق) فرهنگ پهلوی	نوع و طراقت کاشی کاری	هندسه پیچیده سنتی	پیچیدگی در نقشه و پلان	حوض بزرگ	دو مناره باریک و بلند، ایوان مرافق، حیاط بزرگ با طاق شمالی و جنوبی	خلاقیت در تزیینات	توجه به ارتفاع و القای شکوه و عظمت در طرح	مسجد	برونگرا بدون مناره یا کاشیکاری های معرفی لاجوردی
مسجد نصر امتک شیراز	قرن سیزدهم ده (ق) قاجار	شیشه های رنگی، طاق های بلند، کاشیکاری و مقرنس کاری	سنتی	دو حیست شرفی - غربی	نور و آب	شیشه های رنگی، دو ایوان شمالی و جنوبی، روج مناره کوتاه	بصری	توجه به ارتفاع	مسجد	خلاقیت در بهره گیری از نور
مسجد آقا بزرگ کاشان	قرن چهارم ده (ق) قاجار	کاشیکاری، کاشی، رسمی بندی، بزی بندی، مقرنس کاری، گچ بری، نقاشی و کرافت چوبی	عدم تعین از نظم هندسی سنتی معماری مساجد	حیست عنوان فضای اشی	کودک باغچه	سردر، بادگیر، حوض، زوج مناره	نگار از سادگی به پیچیدگی	توجه به تزیینات و نوع فضایی و حجمی	مسجد و مدرسه	محل قرار گیری محراب و باز بودن مسجد از چهار طرف سردر
مسجد شیخ نصف آصفهان	قرن دهم ده (ق) صفویه	کاشیکاری معرق	هندسه قوی و ترکیب بندی محراب شکست نقارن	پیچیدگی و انجام در نقشه و پلان	نور	گنبد، حیوان، محراب	حجم بسیار عالی و حل مشکلات موجود در طراحی به بهترین نحو	اجداد فضایی برای ارتباط با انسان و آسان یا انسان‌القایی فضایی دنیوی	مسجد	تقریباً برونگرا و ترکیبی همگن از مناره و معماری
مسجد شاه اصفهان	قرن دهم ده (ق) صفویه	مقرنس، کاشیکاری هفت رنگ با خشت و استفاده از نقش چلیبا در ایوان مسجد	هندسه قوی و ترکیب بندی محراب شکست نقارن	چهار ایوان با گنبد خانه	حوض بزرگ و نور	گنبد، دو مهنایی، محن و عشتی، حیوان و دو مناره بهترین نحو	ترکیب بسیار عالی و حل مشکلات موجود در طراحی به بهترین نحو	انخاب و مکان بسی صحیح فضاها	مسجد	دو گنبد و حل کردن الحراف محور فیه با محور میدان
مسجد سپهسالار تهران	قرن سیزدهم ده (ق) قاجار	کاشیکاری، رسمی بندی، بزی بندی، مقرنس کاری، کاشی های اطمینانی، هفت رنگ و خشتی و معرق و گچ بری های اشی	هندسه پیچیده با ترکیب حجمی	معماری مساجد ایرانی و مساجد شهرهای استانبول	حوض بزرگ و نور	ترکیب ایوان جنوبی، گنبد خانه و سه گنبد جنوبی و دو گوشواره و توده های دست ساز اشی و مهنایی ها و بیاز خواب های وسیع	ترکیب مساجد ایرانی و عثمانی	ندای مساجد بزرگی	مسجد و مدرسه	گنبد خانه - چلیبایی
مجموعه شیخ محمی لندن آزمایشی	قرن هشتم ده (ق) گجری، کرافت چوبی و معرق	کاشیکاری، کرافت	ساده و با رعایت نسبیت و سلسله مراتب	سلسله مراتب	باغ مرکزی	ایوان محن، جنت سرد چینی خانه	مرامل هفت گانه عرفان	ترکیب فضای طبیعی و مصنوعی	خانقاه، مسجد و مدرسه	ترکیب عالی مجموعه مشکره‌ها



دارد، نقش مهمی دارد (نصر، ۱۳۷۰، ص ۱۸). این مورد در معماری قدسی اسلامی در زمینه هنرهای تجسمی در انواع مختلف و تزیینات بیش و پیش از هر چیز در قالب معماری مساجد نیز قابل مشاهده است، یکی فضایی می‌آفریند که کلام الهی در آن انعکاس می‌یابد و دیگری با خلق خطوط سطوح و حجم های ظریف و هنرمندانه در قسمت های مختلف مساجد از جمله ایوان، محراب، قوس ها و ... گویی صورت

تذلل یافته کلام الهی است. با بررسی مولفه فضا، اشتراکاتی حاصل می شود که بسته به سبک معماری زمان خود متنوع می باشد، هندسه و فضای درونی مساجد نه تنها عارضی و اتفاقی نیست بلکه عمداً به گونه ای طراحی شده که هرگونه تراکم و انجماد یا کششی را که مانع گسترش کلام در فضای نامحدود و همسان شود، خنثی نماید، فضایی سرشار از نظم و توازن که روح در آن، به جای تمرکز

و استقرار در قالب پیکره، یا شمایی خاص همه جای هست و حضور دارد. با این وجود، هر چند ذوق و قریحه معماران مختلف به ظهور سبک های معماری متنوعی منجر شده است، اما پیوندی عمیق که ریشه در فضای روحانی واحدی دارد، مساجدی متفاوت از نظر شکلی مانند مسجد کبود، مسجد جامع اصفهان و مسجد سپهسالار و ... را به هم می پیوندد.

نکته مهم در اینجا این است که اگرچه در همه مساجد سعی در ایجاد نمایشی از خلوص و ناب گرایی وجود دارد ولی عناصر سنتی نیز به عنوان وجه هویتی در همه حال به صورت محدود به فرم های خالص و مکعبی اضافه شده اند تا هویت مسجد را به عنوان مکانی خاص و معنوی به مخاطب القا کنند. البته در مقابل شاخص های زیادی نیز وجود دارند که نمی توان آنها را به عنوان مشترکات سبکی معماری در این آثار نامید. در حقیقت بجز مولفه های شکلی سایر مولفه ها در بین مساجد نیز وجود دارند که در بین نمونه های موردی مساجد تحلیل شده مشترک بوده اند. به عنوان مثال بر اساس رویکرد زیبایی شناختی می توان نتیجه مشترک خاصی از تحلیل مساجد گرفت. همچنین شاخص هایی وجود دارند که تقریباً در همه مساجد فارغ از سبک های معماری ثابت هستند. به عنوان مثال عموم مساجد نسبت به عوامل مصنوع مانند انواع مناره، ایوان، صحن، محراب و ... و عوامل طبیعی مانند آب و حوض، نور، سایه و ... مشترک هستند و در بیشتر مساجد عناصر ثابت و تاثیر گذار روند طراحی می باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

طی مباحث مطرح شده، می توان گفت که معماری مساجد نمی توانند تافته ای جد بافته از یکدیگر باشند و باید سایه ها و دریافت هایی از یکدیگر داشته باشند، یعنی سایه ساحت اول که ذات حضرت حق است، به روشنی در ساحت های انسانی و معنایی و مولفه های شکلی دیده می شود که توجه به ذات حق در معماری مساجد باعث بوجود آمدن مولفه

های همسو و یکسان شده است که این مولفه ها با توجه به دلایل مختلف مانند، ذوق، قریحه معمار و عوامل اقلیمی و قدرت های حاکم و ... تنوعی زیبا به معماری مساجد داده است. نمونه های معماری قدسی در محدوده فرهنگ ایرانی قبل از اسلام، با توجه به تعریفی که از معماری اسلامی و قدسی ارائه گردید همسو با معماری ایرانی و اسلامی می باشد. عبارتی حتی اگر برخی آثار دوره اسلامی از نقطه نظر تکنیک معماری از اثری با ویژگی دوره ایران قبل از اسلام تاثیر پذیرفته باشند، این آثار را نیز می توان معماری قدسی محسوب نمود. نیاکان ایرانی ما در حصار زمانه خود نبوده اند که به آفرینش سبکی محلی و مقطعی پرداخته و به آن اکتفا کنند، سبکی که به دلیل همین ویژگی دیری دوام نمی یافت و به زودی منسوخ می شد. آنان به خلق معماری بی زمان پرداختند که با ابدیت پیوند داشته است و به موجب همین پیوستگی، ارزش و اعتباری جاودانه یافت. عمق و غنای معماری ایران اسلامی به گونه ای است که تنها با بسنده کردن به صورت و کالبد ظاهری آن، نمی توان به بواطن آن راه پیدا کرد، تنها آنان که با تفکر و مراقبه انسی دارند، قادرند به مفهوم حقیقی دست یابند، حکمت و پدیدار شناسی از روش های شناختی هستند که محقق را در جهت رسیدن به حقیقت یاری می کند.

بر اساس دیدگاه پدیدار شناختی، یکی از مهم ترین ویژگی معماری، جنبه کالبدی بخشیدن به اعتقادات و باورهایی است که عامل مهم در روند شکل گیری آثار معماری می باشد. در نتیجه در معماری قدسی، که تحت تاثیر مستقیم باورهای دینی بوده اند، می توان از وجود نقاط مشترکی در میان معماری بناهای عبادی مختلف سخن گفت که عامل اصلی در روند شکل گیری این نوع معماری می باشد. با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله در ارتباط با مقوله حکمت و پدیدار شناختی و جایگاه آنها در ایدئولوژی و معماری اسلامی، ملاحظه شد که علی رغم وجود تفاوت ها در نگرش معماری



بناهای عبادی مختلف نسبت به این موضوع، خطوط مشترکی نیز در نگاه آنها نسبت به معماری اسلامی وجود دارد که در شکل گیری بناهای عبادی آنها نقش اساسی داشته اند. بنابراین همان گونه که می توان از وجود حکمت در معماری اسلامی به صورت خاص سخن به میان آورد، در حوزه معماری بناهای عبادی نیز نکات مشترکی وجود دارد که نشانگر وجود حکمت در اندیشه معماران و آثار آنها است. نکته حائز اهمیت در اندیشه معماران و آثار معماری اسلامی این است که اگرچه در همه مساجد سعی در ایجاد وحدت و قداست وجود دارد ولی مولفه های معماری به عنوان وجه هویتی در همه حال به صورت محدود وجود دارد که مسجد را به عنوان مکانی خاص و معنوی به مخاطب القا کنند. اما مولفه های معماری نهفته دیگری وجود دارد که نمی توان آنها را اشتراکات معماری محسوب کرد. در حقیقت بجز عناصر ظاهری و قابل رویت در معماری مساجد، سایر مولفه های نهفته و پنهان در بطن معماری مساجد وجود دارند که در بین نمونه های موردی تحلیل شده قابل درک و لمس می باشد، شاخص هایی که تقریباً در همه مساجد فارغ از سبک های معماری ثابتند ولی از نظر کالبدی حضور بصری ندارند. در حقیقت این مولفه ها عامل شناخت و درک مخاطب از معماری و فضای قدسی مساجد می باشد، که هدف این مقاله، گزینش مولفه هایی از معماری مساجد و دستیابی به ارتباطی موزون میان آنها بوده است، مولفه هایی که در بسیاری از مساجد ساخته شده معاصر که عمدتاً یک فرم فکرنشده در آن به کاررفته، دیده نمی شود. انتظار بر طراحی مساجد معاصر این است که در ابتدا سلسله مراتب طراحی براساس نظام معنایی در نقشه ها دیده شود و از دیگر سو استفاده از مولفه ها و رویکردی مناسب در خطوط طراحی (ارتفاعی و احجام به کاررفته، کاربرد فرم های پایه مربع و دایره و تلفیق مطلوب این دو و ...) می-تواند رویکردی مطلوب را به همراه داشته باشد. که در (جدول ۹)

بعضی از این مولفه در دو قسم فرم و پلان تفکیک و مورد تحلیل قرار گرفته و به صورت شماتیک و قابل درک و مشاهده ترسیم شده است.

منابع و ماخذ

- ۱- بورکھات، تیتوس (۱۳۷۴). هنر عربی یا اسلامی؟. فصلنامه هنر شماره. ۲۸.
- ۲- بورکھات، تیتوس (۱۳۷۰) ارزش های جاویدان در هنر اسلامی. ترجمه آوینی، محمد. تهران: برگ
- ۳- پرتوی، پروین (۱۳۹۲) پدیدار شناسی مکان. تهران: انتشارات متن.
- ۴- پوپ، آرتور (۱۳۸۰) شاهکارهای هنر ایران ترجمه پرویز نائل خانلری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۶) سبک شناسی معماری ایرانی. بازنویسی غلامحسین معماریان. تهران: انتشارات سروش دانش، چاپ چهارم.
- ۶- دکی، جیمز (۱۹۸۷) معماری اسلامی جهان. نگارش: میساییل، جرج، لندن.
- ۷- زرگر، اکبر و دیگران (۱۳۸۶) راهنمای معماری مسجد. تهران: نشر دید.
- ۸- شیمل، آنماری (۱۳۷۶) تبیین آیات خداوند: نگاهی پدیدارشناسانه به اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۹- صایغ، سمیر (۱۳۸۰) هنر دینی: گواه پیام، راز و رمز دینی. مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین المللی هنر دینی. تهران. تنظیم و ویرایش مهدی فیروزان. تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.
- ۱۰- فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۱) ریشه ها و گرایش های نظری معماری. تهران: نشر فضا، چاپ سوم.
- ۱۱- مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۶) روزنه ای به باغ بهشت، جلد ۲، موضوع: سمینارها و نقدها درباره هنر اسلامی، نقد و تنظیم: رجبعلی مظلومی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه هنرهای اسلامی، چاپ اول.
- ۱۲- نجیب اوغلو، گل رو (۱۳۷۹) هندسه و تزئین

جدول ۹. مولفه های مشترک بناهای عبادی؛ ماخذ: نگارندگان.

پدیدار شناسی معماری مساجد		
پلان	فرم	
		فدایت و خلوص در فرم های اصلی
		تعالی و عروج
		وحدت و یکپارچگی
		شاخص بودن
		هنده بکار رفته در مساجد
		مفهوم و نماد نهفته در معماری مساجد
		فناوری ساخت عناصر
		تنوع هنر به کار رفته در ظاهر و باطن
		پدیدار شناسی ارتباطات مفاهیم کلامی
		تنوع تزئینات
		پیچیدگی در کالبد بنا
		پدیدار شناسی عناصر تلق

Tehran: Matr.

26- Pirnia, Mohammad Karim. 1386. Style of Iranian architecture. Rewrite Gholam Hosein Memareian Tehran: surush Danesh.

27- Pope, Arthur, Iranian masterpieces of art. 1380. Translator Parviz Natel KHanlari. Tehran: Cultural and Scientific Publications.

28- Saiegh, Samir. 1380. Religious Art: Witness Inquiry, Religious Mysteries. Offered Articles At Religious Mysteries The first International Conference. Tehran.

29- Schimmel, Annemarie. 1376. Explaining the Signs of Allah: Phenomenological view to Islam. Translator Abdolrahim Ghovahi. Tehran: Islamic Culture Publications Office.

30- Zargar, Akbar And others, 1386. Mosque Architecture Guide, Tehran: Did.

در معماری اسلامی. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: نشر روزنه.

۱۳- نصر، سید حسین (۱۳۷۰) سنت اسلامی در معماری ایرانی در جاودانگی و هنر. ترجمه آوینی. تهران: انتشارات برگ.

۱۴- نصر، سید حسین (۱۳۷۵) صدرای شیراز در تاریخ و فلسفه اسلامی. به کوشش محمد شریف. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۵- هیلن براند، رابرت (۱۳۸۰) معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: نشر روزنه.

16- Burckhardt, Titus, 1374. Arabic art Or Islamic? Art Quarterly. 28.

17- Burckhardt, Titus, 1370. Immortal values in the Islamic art. Translator, Avini. Tehran: Barg.

18- Dickie, James. 1978. Architecture of the Islamic World. Edited by Michell, George; London, Thames & Hudson.

19- Falamaki, Mohamad Mansur. 1381. Roots and theoretical tendencies of architecture. Tehran: Faza.

20- Hillenbrand, Robert, 1380, Islamic Architecture. Translator Bagher Ayat Allah Zade Shirazi, Tehran: Rozaneh.

21- Mazlumi, Rajabali. 1366. An Opening to the Garden of Paradise, Volume 2, Subject: Seminars and critiques about Islamic art, Review and Adjustment: Mazlumi, Rajabali. Tehran: University Jihad.

22- Najib Oglu, Golru. 1379. Decoration And geometry Of Islamic architecture. Translator Mehrdad Gayumi Bidehendi. Tehran: Rozaneh.

23- Nasr, Seyyed Hossein. 1375. Islamic art and spirituality. Translator Rahim Ghasemian. Tehran: Office of Religious Studies Art.

24- Nasr, Seyyed Hossein. 1376. Sadra of Shiraz on Islamic History And philosophy. 1376. Tehran: Academic publishing.

25- Partovi, Parvin. 1392. Phenomenology places.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

تدوین اصول رویکرد درون‌زا در آموزش معماری

سیده روناک حسینی - دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

سید غلامرضا اسلامی* - دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

حمید ماجدی - دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Spatial analysis of Sprawl/Smart growth indicator in coastal cities (The case study: Babolsar)

Abstract

Nowadays, the physical impact of the environment on human behavioral pattern has been accepted. Given that one of the most influential factors in the quality of the physical environment, architecture, the importance of tutorial system architecture, defined as a system for raising the architects, will be determined. Overcoming the problems of the current system of architectural education in Iran has always been a concern of researchers and scholars. So far different strategies and educational approaches to solve problems of the educational system or parts of it have been proposed. In many cases these strategies defined in the translation of educational approaches abroad. That it does not comply with existing structures architectural education or in which part of the issues have been considered. In order to resolve the issues raised and given the multifaceted nature of endogenous development approach; In this paper the possibility of taking advantage of the potential of this development model, to promote and to address issues and problems facing the educational system have been investigated and using simulation and logical argument research method defines conceptual models of the topics discussed and Finally, principles and components of this architectural education approach adopted.

Keywords: Architecture Education, Academic educational system, Architectural education system. Endogenous n approaches, Principles

چکیده

امروزه تأثیرات محیط‌های کالبدی بر الگوی رفتاری انسان امری شناخته شده و مسلم می‌باشد. از آن جا که معماران به عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل در کیفیت محیط‌های کالبدی انسان ساخت شناخته می‌شوند، اهمیت نقش نظام آموزش معماری، به مثابه نظامی برای رشد و پرورش معماران محرز می‌گردد. غلبه بر مسائل موجود در نظام فعلی آموزش معماری در ایران همواره از دغدغه‌های محققان و اندیشمندان بوده است و تاکنون راهکارها و رویکردهای آموزشی متفاوتی برای رفع مسائل نظام آموزشی یا اجزائی از آن مطرح گردیده است؛ در بسیاری از موارد این راهکارها ترجمان رویکردهای آموزشی تعریف شده در خارج از کشور بوده که انطباق زیادی با ساختارهای موجود آموزش معماری نداشته یا به صورت بخشی به موضوعات و مسائل نگریسته است. لذا در جهت رفع موضوعات مطرح شده و نظر به ماهیت چند وجهی رویکرد توسعه درون‌زا و تأکید این رویکرد به توسعه در چهارچوب ساختارها و پتانسیل‌های موجود، در مقاله حاضر به بررسی امکان بهره‌گیری از پتانسیل‌های این الگوی توسعه در جهت اعتلا و رفع مسائل و مشکلات موجود نظام آموزشی پرداخته شده و با بهره‌گیری از روش‌های تحقیق مشابه سازی و استدلال منطقی به تعریف مدل‌های مفهومی از موضوعات مورد بحث و نهایتاً تدوین اصول و مؤلفه‌های این رویکرد آموزشی در آموزش معماری پرداخته شد.

واژگان کلیدی: آموزش معماری، نظام آموزش عالی، نظام آموزش معماری، آموزش با رویکرد درون‌زا.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۹۵۹۵۵۶، رایانامه: islami_r@yahoo.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری سیده روناک حسینی با عنوان «تدوین اصول و معیارهای آموزش با رویکرد درون‌زا در مدارس معماری ایران» است که به راهنمایی آقای دکتر سید غلامرضا اسلامی در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات در حال تدوین است.

مقدمه

تبيين ویژگی های ساختارهای درون زا، به معرفی مدل ساختاری نظام آموزش عالی و راهکارهای رفع مسائل در اجزائی از سیستم آموزش معماری پرداخت که در شرایط موجود می توان با اتخاذ سیاست هایی به رشد و تغییر در آن امیدوار بود. از مجموع راهکارهای ارائه شده برای حل مسائل سیستم و مبانی این رویکرد، تلاش می گردد تا به تعریف اصول آموزش معماری با رویکرد درونزا نائل آییم.

سئوالات، فرضیه و مدل مفهومی تحقیق تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سئوالات ذیل می باشد:

۱- آیا می توان الگویی برای ساماندهی وضعیت ساختار آموزش معماری در ایران پیشنهاد داد؟
۲- در صورت وجود چنین الگویی، اصول و مبانی کلی تعریف کننده آن کدامند؟

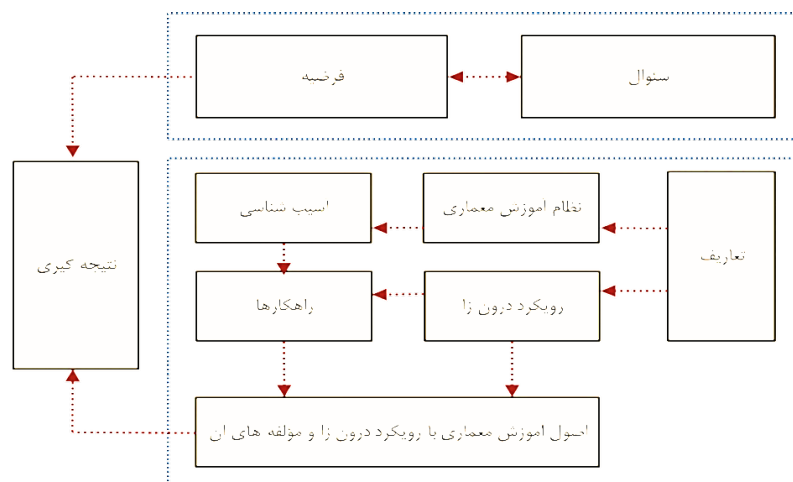
فرضیه این تحقیق برای پاسخگویی به سئوالات این است که با بهره گیری از مبانی و پتانسیل های ساختارهای درون زا از جمله تأکید بر برخاستن از شرایط موجود؛ توجه به پس خوراند سامانه ها؛ تمرکز بر الگوی توسعه افقی به جای توسعه عمودی؛ می توان به ارائه راهکارهایی در جهت ساماندهی نظام آموزش معماری پرداخت. از مجموع راهکارهای ارائه شده برای حل مسائل سیستم و مبانی این رویکرد،

در دنیای در حال توسعه و تحول امروز، نهادهای آموزش عالی، به مثابه مراکز تولید، انتقال و کاربردی نمودن علوم و تحقق آن تحت مبانی ایدئولوژیک و ارزشی و در بسترهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی همواره مورد توجه بوده اند. «سامانه آموزش معماری» نیز، به عنوان به عنوان زیرمجموعه نظام آموزش عالی و به لحاظ نقشی که در تجسد کالبدی و معنایی محیط های انسان ساخت دارد، از رسالت مشابهی برخوردار می باشد. بر این اساس به منظور افزایش کارایی و بازده ساختارهای کنونی آموزش معماری در ایران و هدایت آن ها به سمت الگوهای مطلوب، نیازمند برنامه ریزی و اتخاذ راهکارهای عملیاتی و منطبق با شرایط موجود می باشیم. در این راستا، شناسایی اجزاء و مدل ارتباطی آنها؛ ابعاد موضوع و مسائل مبتلابه هر کدام از اجزاء، به تنویر موضوع کمک خواهد نمود. از دیگر سو، از آن جا که در شرایط حاضر، توسعه درونزا به عنوان راهکار برون رفت از مسائل و مشکلات موجود در ایران مطرح می گردد؛ این مقاله بر آن است تا امکان بهره گیری از پتانسیل های موجود در الگوی توسعه درونزا را در جهت رفع مسائل موجود در ساختار فعلی آموزش معماری بررسی نماید. بر این اساس در مقاله حاضر تلاش می شود تا ضمن

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۵۶



تصویر ۱. ساختار کلی تحقیق؛ مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. معرفی مؤلفه های رویکردهای یاددهی و یادگیری؛ مأخذ: مهر محمدی و شعبانی ورکی، ۱۳۷۷

نحوه‌ی ارتباط مدرس و شاگرد	نقش یادگیرنده	نقش مدرس	مراحل یا توالی فعالیت مدرس و شاگرد	منبع شناخت	رویکرد های یاددهی - یادگیری
یک‌جانبه	دریافت‌کننده‌ی مهارت‌ها و اطلاعات (انفعالی)	تنظیم و توزیع دانش و کنترل یادگیری	۱. تبیین (ارائه محرک) ۲. اکتساب (پاسخ) ۳. انتقال	تجربه حسی	رفتارگرایی
دوجانبه	محوری (فعال)	ایجاد فضایی تسهیل‌کننده	۱. کاوشگری ۲. تبیین ۳. انتقال	عقل	شناخت‌گرایی
دوجانبه	محوری (فعال)	ایجاد فضایی تسهیل‌کننده	۱. کاوشگری ۲. روشنگری ۳. انتقال	شهود شخصی	انسان‌گرایی
مشارکتی	محوری (فعال)	تسهیل‌کننده و واسطه بین برنامه درسی و شاگرد	۱. مواجهه با سؤال و برهم خوردن تعادل شناختی ۲. فرضیه سازی ۳. آزمون فرضیه	معرفت ساختنی نه قابل کشف	ساخت‌گرایی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۵۷

درون‌زا در آموزش معماری و معرفی اصول آن سیر می‌کند، لذا معرفی سوابق رویکردهای آموزشی، مبانی و ویژگی‌های آن‌ها امری ضروری می‌نماید. سابقه تحقیقات روان‌شناسی درباره تدریس و یادگیری حدوداً به صد سال پیش بر می‌گردد. با وجود این باید خاطر نشان نمود که پرسش‌های مهم مربوط به فرآیند یاددهی- یادگیری را روانشناسان جدید کشف نکرده اند، بلکه این پرسش‌ها در تمام قرون مورد توجه عمیق فلاسفه بوده است (مهر محمدی و شعبانی ورکی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳). از مهم‌ترین رویکردهای یاددهی- یادگیری می‌توان به رویکردهای رفتارگرایی، شناخت‌گرایی، انسان‌گرایی و ساخت‌گرایی اشاره نمود که خلاصه برخی از مهمترین ویژگی‌های آن‌ها در قالب جدول شماره ۱ معرفی می‌شوند.

رویکرد نظری

در فرآیند بحث و بررسی در مورد «آموزش معماری»، صرف‌نظر از گستردگی موضوعات مرتبط با مفهوم «معماری»، نیازمند بررسی تعاریف ارائه

تلاش می‌گردد تا به تعریف اصول آموزش معماری با رویکرد درون‌زا نائل آییم. ساختار کلی این مقاله در قالب نمودار ذیل معرفی می‌شود.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع «کیفی» بوده و از طریق «روش پژوهش مشابه سازی» به ترسیم مدلی برای ساختار فعلی آموزشی معماری در ایران پرداخته و از میان روش‌های تحقیق معرفی شده از سوی دیوید وانگ و لیندا گروت؛ با بهره‌گیری از «روش استدلال منطقی» به بررسی مسائل موجود در ساختار جاری آموزش معماری؛ پیشنهاد راهکار برای حل آن مسائل و در نهایت معرفی «اصول آموزش معماری با رویکرد درون‌زا» پرداخته شود. ابزارهای پژوهش حاضر از نوع بررسی مدارک و اسناد، مصاحبه با افراد و متخصصان دارای دیدگاه‌های متفاوت، فیش‌برداری از منابع و استخراج مطالب لازم، ارائه جداول و مدل‌های مرتبط می‌باشد.

مروری بر پیشینه مبانی نظری موضوع

از آن‌جا که این تحقیق پیرامون تعریف رویکرد

شده برای «آموزش» و اهداف معرفی شده برای آن هستیم .

مفهوم آموزش و مراحل آن

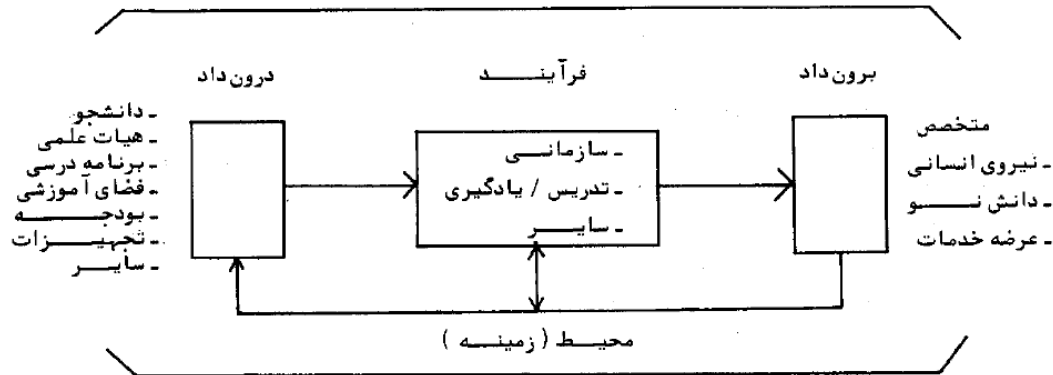
«آموزش» در لغت نامه دهخدا عبارتست از عمل آموختن و تعلیم دادن. «یونسکو»، هدف آموزش را توسعه مهارت‌ها، توانایی‌های انجام کار، درک دانش و اطلاعات مورد نیاز به وسیله نیروی انسانی به منظور ایجاد پیشرفت در تولید می‌داند. در فرهنگ حییم مقابل کلمه «instruct» معانی دستور دادن و تعلیم دادن چیز یاد دادن، آگاه کردن دیده می‌شود و نیز در مقابل کلمه «instruction» که در فارسی غالباً معادل کلمه آموزش در نظر گرفته می‌شود، معانی تعلیم، آموزش و دستور آورده شد است. به طور خلاصه می‌توان آموزش را فرایند انتقال معلومات، نگرش‌ها و مهارت‌ها از فرد یا گروهی به فرد یا گروه دیگر برای ایجاد تغییرات در ساختارهای شناختی، نگرشی و مهارتی دانست (دهخدا، ۱۳۴۷؛ صدری، ۱۳۸۳، ص ۱۴). سیف آموزش را هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح ریزی‌شده‌ای تعریف می‌کند که هدف آن آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۸۶، ص ۳۴). سعیدی زفرقندی آموزش را از دیدگاه جامعه‌شناسی، روش انتقال علم و انطباق آن در شرایط ویژه اجتماعی با نیازهای جامعه معرفی می‌کند. «هنری پیرن» اظهار می‌دارد: «آموزش عبارت است از تغییراتی که به منظور سازگار شدن با محیط و بر اثر تکرار در رفتار موجود زنده پدید می‌آید».

آنچه آموزش نوین را از تعلیم و تربیت سنتی مشخص و متمایز می‌کند، تغییر فکر تربیت‌آغازی به آموزش مداوم در طول زندگی است (سعیدی زفرقندی، ۱۳۹۰، ص ۳۱)؛ به زعم فتحی و اجاره‌گاه (۱۳۷۶) آموزش عبارت است از انتقال دانستنی‌ها، اطلاعات و مهارت‌ها به فرد به شرطی که در او ایجاد تغییر کند (سعیدی زفرقندی، ۱۳۹۰، ص ۳۱). آلن گانیه آموزش را روند حل مسئله می‌داند که هدف از آن تسهیل یادگیری فراگیرنده است. وی

مدرس را مسئول آموزش می‌داند که با اتخاذ تدابیر آموزشی و مدیریتی نقش خود را ایفا می‌کند. تدابیر آموزشی تصمیمات و اعمالی که مدرس به منظور تسهیل یادگیری شاگرد از مواد آموزش اتخاذ کند یا انجام می‌دهد.

مفهوم درون‌زایی و ویژگی‌های ساختارهای درون‌زا

لغت «درون‌زا» ریشه در علم گیاه‌شناسی دارد. درون‌زا (اندوژن) گیاهی است که با رشد بافت آوندی و سلولی در میان بافت‌های موجود به گونه‌ای نامنظم نمو می‌کند (وی، ۱۹۹۴). درون‌زا به معنای نشأت گرفتن از و یا رُستن درون و داخل چیزی می‌باشد. اسلامی ویژگی‌های سامانه‌های «درون‌زا» را، برخاستن از شرایط موجود؛ توجه به «پس‌خوراند»؛ سیستم بسته معرفی می‌نماید. تحقق هدف تعیین شده، از موضوعات مورد تأکید در جریان توسعه نظام آموزشی بر مبنای رویکرد درون‌زا می‌باشد و برنامه ریزی دقیق در چارچوب اهداف برنامه‌های کلی تعریف شده و با توجه به بازخورد‌های اخذ شده از سامانه آموزشی به صورت مداوم و پیوسته انجام شده و به روز رسانی می‌گردد. از مشخصه‌های این سامانه آموزشی بر اساس تعاریف ارائه شده، توجه به زمینه‌های احاطه‌کننده است در این رویکرد آموزشی، تعیین اهداف، برنامه ریزی، تعیین محتوا و سایر اقدامات می‌بایست بر مبنای مفاهیم حاکم بر فضای مکانی و زمانی موجود شامل ارزش‌ها، باورها، تجربیات و منطبق با زمینه‌های اقلیمی، کالبدی، اجتماعی، تاریخی، و اقتصادی می‌باشد. لذا تمامی مؤلفه‌های مورد بحث برای هر زمینه و شرایطی به صورت منحصر به فرد و با توجه به شرایط و مقتضیات خود صورت پذیرفته و نمی‌توان دستورالعملی از پیش تعیین شده برای زیرمجموعه‌های نظام آموزشی، البته در چارچوب اهداف تعریف شده تعریف نمود و در یک کلام می‌توان سامانه آموزشی درون‌زا را سامانه‌ای تعریف نمود که برخاسته از شرایط موجود



تصویر ۲. نمودار نظام آموزش عالی؛ مأخذ: بازرگان، ۱۳۷۶

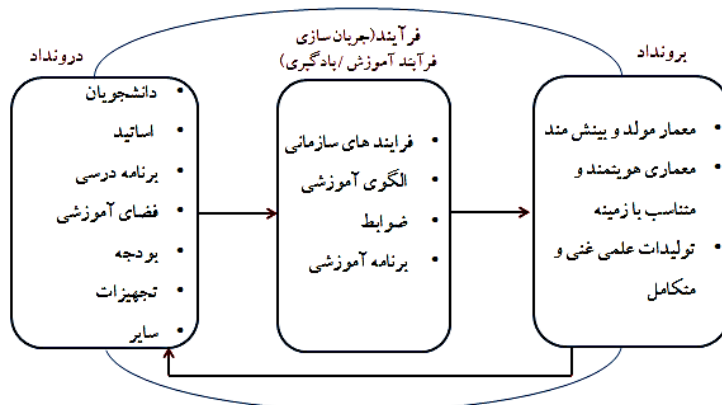
موجود آموزشی می نماید. برای تنویر و آشکارسازی موضوعات مرتبط با توسعه، برنامه ریزی توسعه، آموزش عالی و تعریف مفهوم نظام بر اساس تعریف بازرگان می تواند مؤثر مفید واقع شود. وی با بهره گیری از مفهوم نظام، آموزش عالی را بر چهار جز: زمینه (محیط)، درون داد، فرایند و برون داد، تعریف نموده که زمینه آموزش عالی همان محیط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که نظام آموزش عالی در آن مستقر می باشد. بر اساس این تعریف درون داد آموزش عالی شامل کادر علمی و پشتیبانی برنامه درسی، بودجه، فضای آموزشی، تجهیزات و امکانات و غیره است که باید در داخل نظام آموزش عالی نهاده شود تا هدفهای مورد نظر تحقق یابند (تصویر شماره ۲). فرآیند آموزش عالی با شیوه های سازماندهی و مدیریت منابع انسانی (شامل اعضای هیات علمی (و پشتیبانی)، روش های تدریس، چگونگی استفاده از منابع مالی و امکانات فیزیکی سروکار دارد. بدین ترتیب چندین فرآیند درباره نظام آموزش عالی مورد نظر قرار می گیرد: فرآیند سازمانی، فرآیند-تدریس یادگیری و فرآیند انجام سایر فعالیت ها. شناخت فرآیندهای آموزش عالی به ما کمک می کند که برای هر یک از آن ها مطلوبترین اقدامات را طراحی کرده و به اجرا درآوریم. برون داد آموزش عالی محصول آن است که عبارت است از تولید دانش نو، تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآزموده، عرضه، خدمات به

بوده و در راستای اهداف و رسالت های تعریف شده و با توجه به بازخوردهای دریافتی و با بهره گیری از تمامی ظرفیت ها و پتانسیل های موجود در راستای تحقق اهداف سعی در تکامل چرخه تولید (معرفت، علم و صنعت) دارد. برای تعریف دقیق تر مفهوم «درون»، در این نظام آموزشی بایستی گفت که این مفهوم مناسبت دقیق و مشخصی با آن تعاریفی که از «مرزهای داخلی»، «تولیدات داخلی» و مفاهیم مشابه نداشته و قصد این سامانه، مرزبندی در این حوزه ها نمی باشد، بلکه در این سامانه هدف رشد و توسعه کیفی و کمی شرایط و زیرمجموعه های موجود می باشد و مشخصاً می توان گفت که «در نظام آموزشی درون زا» قصد، درون زایی در سامانه آموزشی، زمینه های احاطه کننده و زیرمجموعه های سامانه آموزشی از جمله دانشجویان و اساتید دانشگاهی می باشد. در ادامه بحث از اصول و چارچوب های مورد نظر برای تحقق این اهداف سخن به میان خواهد آمد. نظر به تأکید الگوی آموزشی درون زا بر توجه به ساختارها و زمینه های موجود، بر اساس تعریف ارائه شده از این الگو، در ادامه به ارائه یکی از تعاریف ارائه شده از نظام آموزشی و اجزاء آن که قرابت زیادی با نظام آموزشی موجود دارد می پردازیم:

نظام آموزش عالی و اجزاء آن

ویژگی برخاستن سامانه های درون زا، از میان شرایط موجود ما را ملزم به شناخت ساختارهای

نظام آموزش معماری



تصویر ۳. نمودار نظام آموزش معماری؛ مأخذ: نگارنده بر اساس نمودار بازارگان،

۱۳۶۹.

جامعه. (بازرگان، ۱۳۷۶، صص ۴۳-۴۴). دانشجویان می پردازد (حجت، ۱۳۸۲). در الگوی آموزشی که هدف آن «پرورش معمار» است دیگر نمی توان به ارائه یک سویه اطلاعات و داده ها به دانشجویان امید داشت و در آن جریان آموزش بایستی به صورت دو سویه و رفت و برگشتی تعریف شود و به عبارتی می توان گفت که اتخاذ چنین رویه ای نسبت به آموزش مستلزم نوعی از جریان سازی فرآیند آموزش و یادگیری و کسب دیدگاهی جامع نسبت به تمامی ابعاد وجودی و حرفه ای در گذشته (باورها، زمینه ها و شرایطی که دانشجویان از گذشته با خود دارند)، و آینده (حیات فردی و اجتماعی پیش روی دانشجویان) و حال (برنامه ریزی فعلی سامانه آموزشی برای رشد دانشجویان) می باشد. نگاه به دانشجو به مثابه انسان در مسیر رشد و کمال، در این رویکرد آموزشی، منجر به اتخاذ جامعیت در نگاه خواهد گردید. لذا در رویکرد آموزش درونزا می باید که ابتدا ساحت های تأثیر گذار در پرورش معمار شناخته شود، سپس به اتخاذ رویکرد و تدوین برنامه در خصوص هر یک از ابعاد پرداخته شود. در مسیر اعتلای هر چه بیشتر نظام آموزش معماری علاوه بر پیش فرض های رویکرد آموزشی درون زا، شناخت مشکلات مبتلابه نظام آموزشی جاری و ارائه

از جنبه دیگری، برون داد آموزش عالی را می توان تحت سه عنوان زیر در نظر گرفت: برون داد علمی (تولید دانش)، برون داد اقتصادی (تربیت نیروی انسانی متخصص و عرضه خدمات مشورتی که تولید را یاری دهند) و برون داد فرهنگی- اجتماعی (پرورش ارزشهای موردنظر جامعه در افراد، تولید ارزش های اجتماعی و امثال آن).

اگر بخواهیم مدل ترسیم شده برای نظام آموزش عالی را برای رشته معماری تدقیق نماییم، برون داد هایی که می توان از سیستم توقع داشت، شامل معمار مولد و بینش مند؛ معماری هویتمند و تولیدات علمی غنی و متکامل خواهد بود که در صورت بررسی دقیق تر موضوع خواهیم دید که در واقع محصولات معماری و تولیدات علمی از جمله تولیدات معمار مولد و واجد بینش جامع تلقی می گردد. لذا بر این اساس هدف اصلی این رویکرد آموزشی «پرورش معمار» تعریف می گردد. در فرآیند «پرورش معمار» هدف را بر تولید «معمار» قرار داده و مستلزم پذیرش آن است که «معمار» است که «معماری» را خلق خواهد نمود و در آن بدون هدف گزاری بر ارائه شکل و تعریفی خاص از معماری، به کشف و پرورش ویژگی ها و استعداد های

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۶۰

راهکارهایی برای رفع یا کاستن از شدت عوارض ناشی از آن‌ها می‌تواند مؤثر واقع شود. به تعبیر دیگر ارائه هرگونه مدل آموزشی یا راهکار آموزشی در گام نخست مستلزم شناخت مسائل و مشکلات موجود در سامانه آموزشی خواهد بود که در این مقاله از بین این اجزاء به بررسی مشکلات و مسائل آن دسته از اجزایی از نظام آموزش معماری خواهیم پرداخت که می‌توان با تغییر نگاه و رویکرد و برنامه‌ریزی در آن تأثیرگذار بود (تصویر شماره ۳).

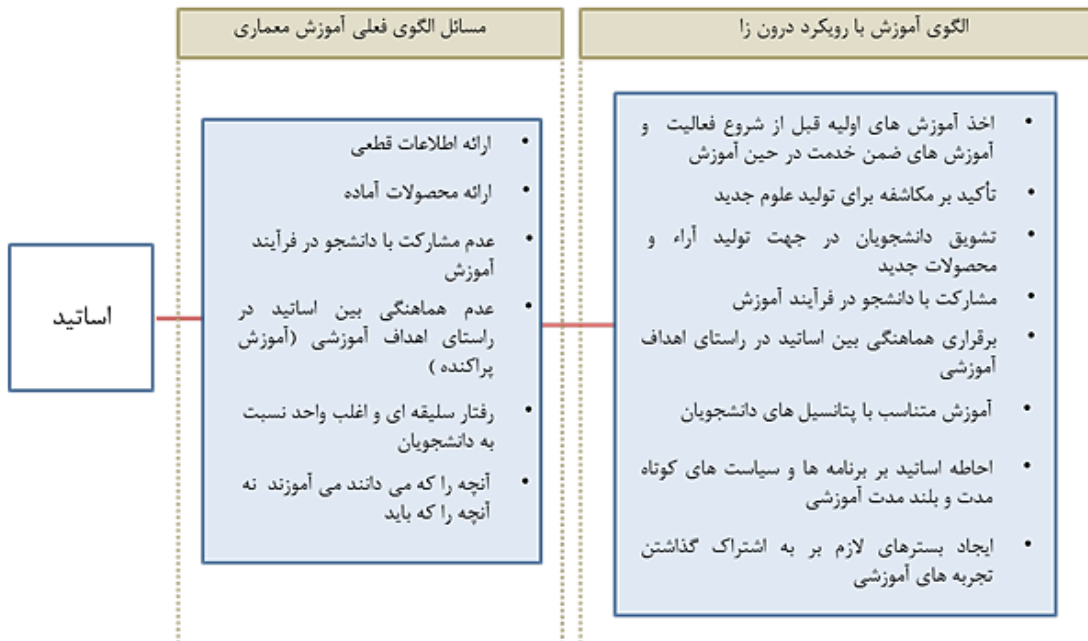
آسیب شناسی اجزاء نظام جاری آموزش معماری و راهکارهای سامانه آموزش معماری با رویکرد درون‌زا برای حل آن مسائل

از میان اجزاء معرفی شده در نظام جاری آموزش معماری در این مقاله سعی می‌شود به بررسی اجزایی پردازیم که در شرایط موجود می‌توان با اتخاذ سیاست‌هایی به رشد و تغییر در آن امیدوار بود. این اجزاء مشتمل بر اساتید، دانشجویان، محتوای آموزشی، محیط آموزشی و برنامه آموزشی می‌باشد که در ادامه آسیب شناسی به بررسی راهکارهای پیشنهاد شده برای رفع این موانع خواهیم پرداخت.

اساتید

تمایل به سمت تولید انبوه در جریان الگوی فعلی آموزش معماری و تأکید بر عقل‌گرایی و عدم توجه به سطوح مختلف معرفتی سبب گردیده که جریان آموزش به‌سوی ارائه اطلاعات قطعی و معلوماتی که درستی آن از قبل پذیرفته شده به دانشجویان سوق پیدا کند. به دیگر سخن در این الگوی آموزشی اساتید در پی ارائه پاسخ‌های درست به سؤال‌هایی می‌باشند که احتمالاً دانشجویان در جریان زندگی حرفه‌ای با آن مواجه خواهند شد. این موضوع موجبات تبدیل سامانه آموزشی را به سمت سامانه ای حافظه‌محور فراهم نموده است و مانع از مهیا شدن زمینه‌های بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های ذهنی دانشجویان خواهد گردید. اساتید در این الگوی آموزشی براساس سوابق و تجارب و ذهنیاتی

که از موضوعات درسی داشته و برمبنای سرفصل دروس مورد تصویب نسبت به تنظیم محتوای درسی و برنامه آموزشی برای تمامی دانشجویان به‌صورت واحد اقدام می‌نمایند که این مسأله باعث کاهش انگیزش در دانشجویان در فرایند یادگیری می‌شود. این موضوع با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دانشجویان در سبک‌های ذهنی و حتی ویژگی‌های های جسمی و فیزیولوژیک و همچنین اختلاف سطح فعلی ایشان در بهره‌مندی از علوم، فنون و هنرها نیازمند توجه ویژه می‌باشد. اگر به این موارد عدم توجه برخی از اساتید به اهداف و برنامه‌های آموزشی و سرفصل‌های تعریف شده برای دروس و عدم هماهنگی بین اساتید در نظام آموزشی را نیز بیفزاییم، می‌توان توقع داشت که این موضوعات منجر به ارائه آموزش‌های پراکنده و گاه غیر همسو به دانشجویان گردد که در این شرایط دانشجویان به‌درستی و به‌صورت کامل جایگاه موضوعات درسی و ارتباط میان آن‌ها را به‌درستی دریافته و به نوعی سردرگمی و بلاتکلیفی دچار شوند. در سامانه آموزش با رویکرد درون‌زا، اساتید قبل از تصدیق سمت آموزشگری می‌بایست از آموزش‌های اولیه، به منظور آشنایی با اهداف، برنامه‌ها و روش‌های آموزش معماری در حوزه‌ها و مراتب مختلف، ویژگی‌ها و تفاوت‌های دانشجویان و نحوه تعامل با ایشان در فرآیند آموزش بهره‌مند گردند. نظر به تعریف اهداف «تولید محصولات علمی و معماری غنی، هویت‌مند و متکامل» به‌عنوان اهداف ثانویه نظام آموزش معماری و اهمیت مکاشفه برای تولید آراء و محصولات جدید، لزوم تأکید بر سطح معرفت شهودی در کنار معرفت منطقی و حسی و الگوی تفکر جانبی در کنار تفکر عمودی محرز می‌گردد. تنظیم محتوای آموزشی، برنامه و روش آموزشی در این رویکرد از سوی اساتید با مشارکت دانشجویان و دیگر اساتید و براساس ویژگی‌ها و پتانسیل‌های دانشجویان صورت می‌پذیرد. همچنین در راستای تکامل و اعتلای سیستم آموزشی اساتید در ساختار



تصویر ۴. نمودار بررسی تطبیقی مسائل مرتبط با الگوی فعالیت اساتید در سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درون‌زا برای رفع آن‌ها؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

تا جایی که محصول‌نگری جایگزین فرایندمحوری و تأکید بر سرعت و حجم تولیدات تا حد زیادی جایگزین کیفیت محصولات گردید. این موضوعات به تدریج موجب ایجاد تلقی از محصولات معماری می‌توان به عنوان محصولات مستقل از زمینه و ارزش‌ها و باورهای فردی و اجتماعی شده است. این مسأله علی‌الخصوص در قشر دانشجویان، موجب نوعی بی‌توجهی به «مکاشفه و تحقیق برای شناخت زمینه‌های دربرگیرنده و باورها و ارزش‌های موجود» گردیده و به گونه‌ای نگرش سطحی نسبت به موضوعات مورد طرح در فرآیند تحصیل انجامیده تا جایی که در بسیاری از موارد، دانشجویان دیگر حتی تولید معماری واجد کیفیت مناسب در نقطه هدف قرار نداشته، بلکه هدف برای ایشان اخذ بازخورد مناسب از اساتید در فرایند سنجش محصولات ایشان تعریف می‌گردد. علاوه بر موارد فوق، عدم اشراف و بی‌اطلاعی دانشجویان معماری از برنامه‌ها و اهداف آموزشی، آینده شغل و لوازم و ابزار و لوازم تصدی جایگاه معمار در کنار بی‌توجهی سیستم آموزشی به ویژگی‌ها و خواست‌های

منتج از رویکرد درون‌زا در آموزش معماری می‌بایست نسبت به اشتراک‌گذاری تجربیات خود از طریق بسترهای فراهم شده اقدام نمایند.

دانشجویان

با جایگزین شدن الگوی سنتی آموزش معماری با الگوی آکادمیک به تدریج تعداد دانشجویان تحت نظر اساتید رو به افزایش گذاشت که به تبع آن از میزان توجه و تمرکز اساتید بر کیفیت آموزش دانشجویان کاسته شد. از طرفی تغییر شرایط جامعه، نیازها و الگوی زندگی ایشان، افزایش جمعیت و بعدها وقوع جنگ (و افزایش نیاز به تولید سریع مسکن به تبع آن) در کنار شرایط نظام آموزشی من جمله نظام آتلیه‌ای طراحی معماری؛ در مجموع موجب جدایی و انفکاک معماران و بهره‌برداران از یکدیگر و کاهش توجه به خواسته‌ها، ویژگی‌ها و نیازهای بهره‌برداران و شرایط زمینه‌های حدوث آثار معماری و تمرکز بر کمیات به جای کیفیات گردید. تأثیر این تغییر رویکرد در سیستم آموزش معماری نیز به صورت محسوس مشاهده می‌گردد



تصویر ۵. نمودار بررسی تطبیقی مسائل دانشجویان در سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درون‌زا برای رفع آنها؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

یک معمار را فراهم آورد. این در حالیست که بنای رویکرد آموزشی درون‌زا، بر توجه به رشد دانشجو در کنار تولید محصول علمی و معماری با کیفیت قرار گرفته است. برای پرورش دانشجویان ابتدا بایستی در ایشان انگیزه حرکت در جهت رشد و پویایی ایجاد گردد.

دانشجویان در این سیستم، با اهداف و برنامه آموزشی و آینده حرفه‌ای خود آشنا شده و ارتباط هر یک از مفاد درسی با اهداف موصوف و در جهت رفع نیازهای پیش رو در حرفه معماری را درمی‌یابند. در جریان آموزش با این رویکرد، تنظیم محتوا، روش و برنامه‌ریزی و حتی سنجش به تناسب استعدادها و ویژگی‌ها و نیازهای پیش رو برای هر دانشجو صورت پذیرفته و دانشجو به شناخت از خود، شرایط دربرگیرنده، رسالت خود و ابزارهای تحقق آن رسالت‌ها، اصول تعیین‌کننده و زمینه‌های دربرگیرنده دست یافته و در این فضا دارای آزادی عمل بوده تا با ابتنای بر این موارد با بهره‌گیری از توانایی‌های خود به آفرینشگری بپردازد. در نتیجه دانشجویان در این سیستم به‌عنوان عناصری مولد تلقی می‌گردند. الگوی آموزش درون‌زا در پی حفظ ارتباط خود با قشر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

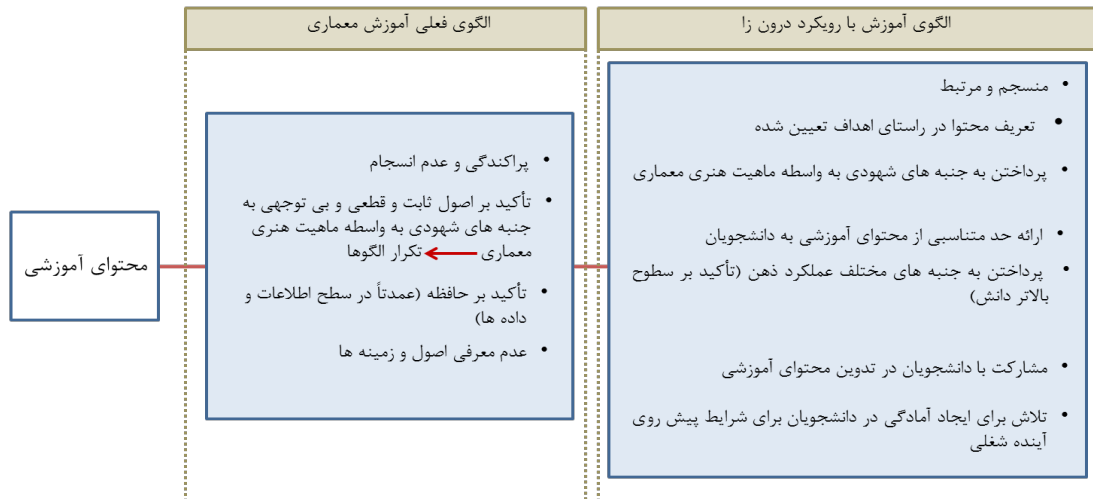
دانشجویان؛ می‌تواند موجب ایجاد نوعی سردرگمی و بی‌انگیزگی در مواجهه با سرفصل‌های مختلف آموزشی در دانشجویان گردد، چرا که دانشجو موفق به درک کامل ارتباط اجزاء با یکدیگر در راستای اهداف مورد نظر نمی‌گردند و ایجاد نوعی تلقی رفع موانع از فرایند تحصیل به جای تلاش در جهت کسب ابزارهای تولید براساس ابعاد و حوزه‌های فعالیت یک معمار، امری بسیار محتمل و منطقی می‌نماید. در این شرایط دانشجویان احتمالاً بیشتر تمرکز خود را به‌جای شناخت خود و ویژگی‌های زمینه‌های دربرگیرنده و شکوفایی توانایی خویش در راستای تولید محصولات علمی و معماری بر دفع موانع موجود و کسب نتیجه بالاتر در فرایند ارزیابی معطوف می‌نمایند. مسأله دیگر گسست ارتباط نظام آموزش با فارغ‌التحصیلان می‌باشد. دانشگاه در نظام فعلی آموزش معماری، رسالت خود را صرفاً محدود به دوران تحصیل دانشجویان می‌داند. این عدم پشتیبانی دانشگاه پس از فارغ‌التحصیلی، از طرفی موجب هدررفت نیروی انسانی متخصص و عدم ساماندهی و به‌کارگیری آنان در جهت کسب منافع و تأمین نیازهای جامعه شده و از سوی دیگر ممکن است موجبات عدم برخورداری از جایگاه شایسته

می‌باشد. این ارتباط می‌تواند از طرق مختلف از جمله برگزاری همایش‌ها، نشست‌های علمی و تخصصی باشد که از این طریق مسائل و مشکلات راهکارها، نیازها و رویکردهای جدید در زمینه‌های حرفه‌ای معرفی و به اشتراک گذاشته می‌شود که نتایج آن می‌تواند در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های آتی دانشگاه مؤثر باشد. پیشنهاد دیگر در این زمینه، تشکیل سندیکاهای حرفه‌ای معماری جهت برقراری تعاملات مؤثرتر دانشگاه و جامعه حرفه‌ای مرتبط با صنعت ساختمان می‌باشد. در ساختار فعلی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با مشکلاتی در کسب موقعیت مناسب در جامعه حرفه‌ای مواجه می‌باشند که از طریق این ساختار پیشنهادی دانشجویانی که از سیستم آموزشی فارغ‌التحصیل می‌گردند می‌توانند تحت نظارت معماران باسابقه مشغول به فعالیت گردند و به تدریج در محیط واقعی کار با ابعاد گوناگون حرفه معماری آشنا می‌شوند. سندیکاهای معماری می‌تواند با کارکردهای تخصصی مختلفی برای بررسی دقیق‌تر موضوعات بپردازند که در مجموع می‌توان از ظرفیت موجود در آن برای انتقال بازخوردهای زمینه‌ها و جامعه حرفه‌ای و استفاده از آن در جهت تکامل رو به جلوی سیستم آموزشی بهره برد.

محتوای آموزشی

در الگوی جاری آموزش معماری، در اغلب دانشکده‌های معماری، هدف بر این قرار گرفته که تمامی اندوخته‌های مورد نیاز یک معمار در کلیه حوزه‌ها را در قالب محتوای آموزشی به دانشجویان ارائه داده و دانشجویان پس از کسب اشراف و تبحر لازم نسبت به تمامی حوزه‌ها از آن رشته فارغ‌التحصیل گردند. این رویه ممکن است در برخی از رشته‌های تخصصی که حوزه محدودی را دربرمی‌گیرند مقدور باشد، اما تحقق این رویکرد نظر به ماهیت بینارشته‌ای و فرارشته‌ای و حوزه‌های بسیار وسیع مرتبط با این رشته امری بعید به نظر می‌رسد و موجب پراکندگی و عدم انسجام در ارائه مطالب

خواهد گردید. این موضوع در صورت عدم اتخاذ تدابیری برای رفع این موضوعات به نوعی از آموزش سطحی خواهد انجامید. از دیگر مسائل الگوی جاری آموزش معماری، تکرار الگوهای پیشین و غیر مولد بودن اساتید و دانشجویان در زمینه تولید علم و الگوهای معماری است که از جوانب مختلفی از جمله تأکید الگوی فعلی آموزش بر ارائه اطلاعات قطعی به دانشجویان و پذیرش آن از سوی دانشجویان ریشه می‌گیرد. تمرکز الگوی جاری آموزشی بر الگوهای تفکر عمودی بوده و فرصت کافی برای ظهور و بروز اندیشه‌های جانبی در اختیار دانشجویان گذاشته نمی‌شود. این در حالی است که ماهیت هنری و خلاقه رشته معماری در کنار جنبه‌های علمی و فنی این رشته، بهره‌گیری از جنبه‌های شهودی و حسی معرفت انسانی را توأمان با تفکر منطقی و الگوی تفکر جانبی را در کنار الگوی تفکر عمودی، ایجاب می‌نماید. بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته توسط نگارندگان این مقاله بر روی محتوای کنونی آموزش معماری بر اساس سرفصل‌های مصوب آموزشی (در مقطع کارشناسی رشته مهندسی معماری)؛ محتوای آموزشی این رشته بیشتر به حجم معلومات و دانسته‌های دانشجویان می‌افزاید و حافظه دانشجویان را بیشتر هدف قرار داده است و کمتر به دانشجویان فرصت شناسایی ارزش‌ها، باورها، اعتقادات، خاطرات و... دیگر مظاهر ایدئولوژیک و در یک کلام خویشتن‌شناسی را می‌دهد که البته دانش به مراتب پایدارتری از گونه نخست خواهد بود. همچنین اهمیت زمینه‌های احاطه‌کننده در فرآیند خلق اثر معماری، ایجاب می‌کند که سهم متناسبی از زمان و حجم مطالب آموزشی را به شناخت آن‌ها اختصاص داده تا علاوه بر پایدارسازی مطالب آموخته شده، دانشجویان را برای مواجهه با شرایط و موقعیت‌های آینده در کسوت یک معمار حرفه‌مند، آشنا نماییم. در سامانه آموزش معماری با رویکرد درون‌زا، تلاش بر آن است تا محتوای آموزشی دروس مختلف



تصویر ۶. نمودار بررسی تطبیقی مسائل موجود در محتوای آموزشی سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درون‌زا برای رفع آن‌ها؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

محیط آموزشی

در این مقاله مفهوم «محیط آموزشی» هم «محیط اجتماعی» درون نظام آموزشی و جامعه‌دربگیرنده آن و هم «محیط فیزیکی و کالبدی» را شامل می‌گردد.

محیط کالبدی

عدم تناسب موجود بین حجم فضاهای آموزشی و تعداد دانشجویان از تبعات افزایش حجم جذب دانشجویان در دانشکده‌های معماری بوده تا جایی که بسیاری از دانشگاه‌ها، پاسخگوی نیاز دانشجویان حتی از نظر حجم فضاهای مورد نیاز به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و بدیهی‌ترین امکاناتی که دانشگاه‌ها بایستی برای دانشجویان تأمین نماید نیز نمی‌باشند. این نیاز با توجه به ماهیت رشته معماری و جنبه‌های مختلف فعالیت این رشته محدود به کلاس‌های آموزشی نبوده و فضای کارگاه‌ها، آتلیه‌ها و... را نیز دربرمی‌گیرد. از طرف دیگر توجه به جنبه‌های مشارکتی در کنار جنبه‌های فردی فعالیت دانشجویان، پیش‌بینی فضاهایی جهت بسترسازی این نوع تعاملات را ضروری می‌نماید. فضاهایی که در آن امکان همکاری و فعالیت‌های مشترک، مباحثه و مناظره در ابعاد مختلف را بین دانشجویان با یکدیگر و نیز دانشجویان و کادر

ضمن حفظ انسجام و ارتباط با یکدیگر، در جهت اهداف تعیین شده تعریف شود. تنظیم محتوای مورد ارائه در این الگوی آموزشی، با هماهنگی و مشارکت دانشجویان صورت می‌پذیرد؛ چرا که به‌طور کلی، این الگوی آموزشی در تلاش است تا دانشجویان را برای مواجهه شرایط آینده حرفه‌ای مهیا نماید. دانشجویان بر اساس علایق، توانمندی‌ها، شرایط و به تناسب اهداف و آینده شغلی پیش‌رو در تنظیم محتوای درسی این رشته مشارکت می‌نمایند. لذا توجه به شرایط، ویژگی‌ها، پتانسیل‌ها، خواسته‌ها و تمایلات دانشجویان در تنظیم محتوای آموزشی از بایسته‌های این رویکرد آموزشی است. این رویکرد آموزشی به هیچ‌عنوان در پی ارائه همه مطالب موجود نبوده و مسأله‌محور بودن این رویکرد سبب شده تا تأکید عمده این رویکرد بر آموزش اصول و قواعد کلی در قالب زمینه‌ها می‌باشد. لذا در این رویکرد حد متناسبی از محتوای آموزشی که عمدتاً ناظر به اصول ثابت و سطوح بالاتر علم به دانشجویان ارائه می‌گردد. همچنین ماهیت هنری و خلاقه معماری سبب می‌گردد تا در این رویکرد آموزشی در کنار پرداختن به سطوح منطقی معرفت انسانی به معرفت حسی و شهودی دانشجویان معماری نیز تأکید گردد.



تصویر ۷. نمودار بررسی تطبیقی مسائل موجود در محیط‌های آموزشی سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درون‌زا برای رفع آن‌ها؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

آموزشی فراهم می‌آورد. این فضاها حتی می‌تواند به‌عنوان محور جهت‌دهنده به سایر فعالیت‌های آموزشی دانشگاه ایفای نقش نماید. حتی می‌توان مشارکت دانشجویان را در جریان بهسازی و توسعه فضاهای دانشگاهی به کار گرفت که هم موجب تقویت تجربه ساخت در دانشجویان گردد و هم سبب ایجاد نوعی حس تعلق و انگیزه در آن‌ها می‌شود که این فرصتی است که در حال حاضر در بسیاری از دانشگاه‌ها به دست فراموشی سپرده شده است. برنامه رویکرد درون‌زا برای بهسازی و ساماندهی محیط کالبدی آموزش معماری بر آن است که در کنار پیش‌بینی حجم متناسب کلاس‌ها با تعداد دانشجویان، الگوی طراحی آن نیز مطابق با عملکرد فضای آموزشی و نیاز دانشجویان باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده در صورتی که محیط آموزشی صرفاً به محیط‌های بسته آموزشی محدود نشده و به‌صورت ترکیبی از فضاهای باز، بسته و نیمه‌محصور (بینابین) پیش‌بینی گردد، راندمان تحصیلی دانشجویان به نحو قابل ملاحظه‌ای پیشرفت می‌نماید. این موضوع همچنین موجب

افزایش غنای تجربه فضایی دانشجویان می‌گردد و از آنجا که تأکید کافی بر تجربه‌های ساخت در کنار جنبه‌های تئوری و آلتیه‌ای معماری از بایسته‌های آموزش معماری باشد؛ لازم است در این الگوی آموزشی اقدام لازم جهت فراهم آمدن محیط‌های کارگاهی مناسب برای دانشجویان صورت پذیرد.

محیط اجتماعی

ماهیت حرفه معماری به گونه‌ای است که طی آن تعاملات اجتماعی بین معمار و سایر متخصصان مرتبط و نیز اقشار مختلف اجتماعی امری بایسته و حتمی است. بر این اساس اگر هدف دانشگاه زمینه‌سازی برای رشد دانشجوی معماری در تمامی زمینه‌ها باشد، اهمیت زمینه‌سازی برای تقویت تعاملات اجتماعی در دانشجویان آشکار می‌گردد. از این زاویه، اساساً دانشگاه می‌تواند به‌عنوان بستری جهت ایجاد تعاملات اجتماعی دانشجویان ایفای نقش کند. این تعاملات می‌تواند میان دانشجو با دیگر دانشجویان، کادر علمی دانشگاه، محیط حرفه‌ای (از طریق سندیکاها معماری) و حتی اقشار مختلف اجتماعی رخ دهد. لذا در این راستا

برنامه آموزشی دانشگاه باید به گونه‌ای تنظیم گردد که در آن زمینه بروز حد متناسبی از رفتارهای فردی و اجتماعی فراهم شود.

برنامه آموزشی

در بررسی برنامه آموزشی به صورت کلی می‌توان عوامل مورد بررسی را در دو دسته «ویژگی‌های کلی» و «مراحل» آن تقسیم‌بندی کرد.

ویژگی‌های کلی

برنامه آموزشی نظام فعلی آموزش معماری در حوزه ویژگی‌ها از مسائل و مشکلاتی برخوردار است که در ذیل به کلیاتی در این باره اشاره خواهد گردید: جریان یک‌سویه آموزش و بدون مشارکت با دانشجویان یکی از اساسی‌ترین مسائل این الگوی آموزشی می‌باشد. تلقی این رویکرد نسبت به دانشجو مشابه رویکرد هایی است که نگاه به دانشجو در آن‌ها به مثابه ظرف تهی از معلومات بوده لذا سعی بر ارائه مطالب و انباشته نمودن ذهن ایشان از معلومات بوده که به روشی همانند سامانه‌های مبتنی بر تولید انبوه، به صورت ارائه محصولات آماده به دانشجویان می‌باشد که به ناچار بر اساس چنین نگاهی به ویژگی‌ها و پتانسیل‌های دانشجویان، سطح بهره‌مندی ایشان از علوم، هنرها و مهارت‌های مورد نیاز و ویژگی‌های زمینه‌های احاطه کننده نمی‌توان توجه کافی داشت و آموزش به صورت یکسان و واحد به ایشان ارائه می‌گردد. همچنین سرعت و حجم آموزه‌ها درسی در این الگوی آموزشی باعث می‌شود که به کمیات اکتفا شده و کمتر به کیفیات پرداخته شود.

مراحل آموزشی

اگر بخواهیم مراحل برنامه آموزش جاری را دسته‌بندی کنیم می‌توانیم به مرحله «پذیرش»، «آموزش» و «سنجش» اشاره نماییم. از میان این سه مرحله، مرحله «پذیرش» در موضوع بررسی این مقاله قرار نمی‌گیرد. در الگوی فعلی آموزش معماری مراحل «آموزش» و «سنجش» به صورت متوالی برگزار می‌گردد که در ادامه به اختصار

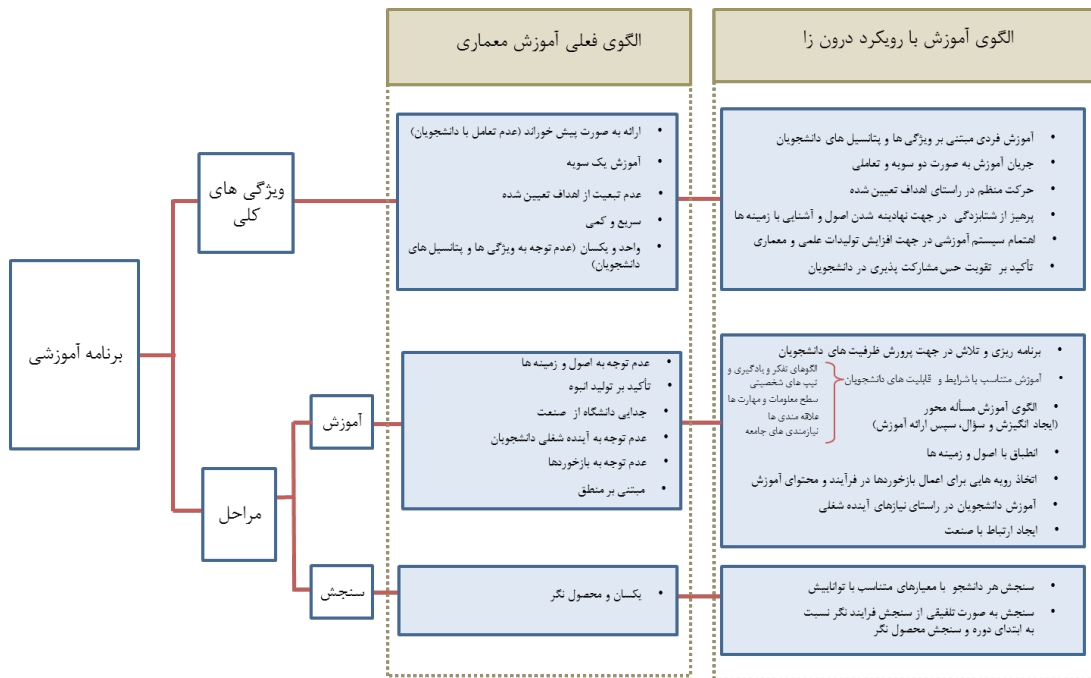
به بررسی مسائل و مشکلات این دو حوزه خواهیم پرداخت.

مرحله آموزش

مرحله آموزش همان‌گونه که قبلاً نیز بدان اشاره گردید متأثر از نظام تولید انبوه برگرفته از نهضت مدرن بوده و دانشجویان در این نظام با روشی یکسان و به شیوه‌ای سریع و کمی از آموزه‌های ارائه شده بهره‌مند می‌شوند. در این سیستم آموزشی به «اصول» و «ارزش‌ها» و «باورها» فردی و اجتماعی و «اصول حرفه‌ای» این رشته توجه کافی نشده و به «زمینه‌ها»ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی، اقلیمی و... که هر یک ساختاردهنده و انتظام‌بخش وجهی از محصولات معماری می‌باشند، به نحو درخور پرداخته نمی‌شود. از دیگر سوی، به نظر می‌رسد که سیستم جاری آموزش معماری از نظام جاری تولید و توسعه محصولات معماری در کشور غافل بوده و در ارتباط دانشگاه و صنعت نوعی گسست ایجاد شده است. در این شرایط صنعت کمتر در جهت دستاوردهای روز علمی سوق نموده و نظام آموزش نیز از اخذ برخوردهای لازم بازمی‌ماند. ابتناء این الگو بر سطح علوم منطقی از میان سطوح مختلف معرفتی از دیگر موضوعات موجود در این زمینه می‌باشد. این در حالیست که در الگوی آموزش معماری تعریف شده بر پایه رویکرد درون‌زا، در تلاش است تا با کسب شناخت نسبت به هر دانشجو، ظرفیت‌های آن‌ها را شناسایی کرده و برای پرورش آن ظرفیت‌ها برنامه‌ریزی نماید، در این راستا محتوا، برنامه و روش‌های آموزش به صورت فردی به تناسب الگوهای تفکر، یادگیری و تیپ شخصیتی هر دانشجو، سطح مهارت و معلومات ایشان و باورها و زمینه‌های دربرگیرنده، اهداف و زمینه‌های مورد علاقه ایشان و با توجه به نیازهای جامعه تنظیم می‌گردد. این الگوی آموزشی مسأله‌محور است، یعنی به جای سعی در ارائه «پاسخ» به پرسش‌های احتمالی دانشجویان؛ در پی ارائه «بینش» لازم برای تشخیص مسائل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016



تصویر ۸. نمودار بررسی تطبیقی مسائل موجود در برنامه آموزشی سامانه جاری آموزش معماری و پیشنهادات رویکرد درون‌زا برای رفع آن‌ها؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

و راه‌حل‌ها آن به دانشجویان می‌باشد، لذا جریان آموزش در این رویکرد به نهادینه شدن اصول حرفه‌ای و آشنایی با ارزش‌ها و باورهای فردی و اجتماعی و زمینه‌های دربرگیرنده تأکید دارد. توجه به شرایطی که دانشجویان برای فعالیت در آماده کردند و شناسایی نیازها و شرایط آن از یک طرف و نقش و حوزه فعالیت معماران از طرف دیگر و لزوم ارائه آموزش‌هایی برای مهیا نمودن دانشجویان برای مواجهه با آن شرایط را محرز می‌نمایند. از آنجا که لازمه تحقق اهداف مورد نظر در آموزش معماری با رویکرد درون‌زا داشتن انگیزه در دانشجو جهت طی این مسیر باشد، در این الگوی آموزشی سعی بر آن است که ابتدا انگیزش لازم در دانشجو برای کسب محتوای آموزشی ایجاد شود سپس مواد آموزشی در زمینه‌های تعیین شده به ایشان ارائه گردد. مهم‌ترین راهکار افزایش انگیزه در این رویکرد آموزشی ایجاد سؤال در ذهن ایشان از میان مسائل احاطه‌کننده است؛ چرا که با ایجاد سؤال، تلاش برای یافتن پاسخ برای آن به حکم فطرت و

غریزه انسانی آغاز خواهد گردید. نقش بازخوردهایی که از طریق جامعه حرفه‌مندان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و اقشار مختلف اجتماعی دریافت می‌گردد با توجه به تأثیری که در اعتلا و پیشرفت نظام آموزشی خواهند داشت، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

مرحله سنجش

مرحله «سنجش» از مراحل آموزشی فعلی نیز همانند مرحله آموزش، به نوعی یکسان‌نگری و عدم توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های دانشجویان مبتلا می‌باشد. از دیگر مسائل موجود در این زمینه می‌توان به «ارزیابی محصول‌نگر» در دانشکده‌های معماری اشاره نمود. در این رویکرد معیارهای ارزیابی برای سنجش محصولات تولید شده توسط دانشجویان تعیین می‌گردند و توجه چندانی به نحوه رشد دانشجویان در این فرآیند نمی‌شود. در الگوی آموزشی مبتنی بر رویکرد درون‌زا، سنجش به تناسب توانایی‌ها و ویژگی‌های هر دانشجو، به صورت فردی انجام می‌پذیرد و از آن جا که هدف این الگو

«پرورش معمار» تعریف شده، لذا سنجش میزان رشد دانشجو در خلال هر دوره نیز می‌بایست در کنار سنجش محصولات تولید شده دانشجویان مد نظر قرار گیرد.

اصول آموزش معماری با رویکرد درون‌زا جامعیت

نخستین و بنیادی‌ترین اصل از اصول رویکرد درون‌زا در آموزش معماری «اصل جامعیت» می‌باشد؛ چرا که در این رویکرد، تلقی از دانشجو به عنوان انسانی بوده که می‌بایست در جهت کمال انسانی، در مسیر حرفه معماری گام بردارد و به رشد و تعالی انسانی در مقام یک معمار نایل آید، در این راستا لازم است که زمینه‌سازی در جهت رشد وی در تمامی ابعاد وجودی انجام پذیرد و نظر به تعریف هدف «پرورش معمار» برای این الگو، لازم است تمامی دغدغه‌های موجود در زمینه اعتلای وجودی دانشجو به سمت تجلی آن در زندگی حرفه‌ای پیش روی دانشجوی معماری به عنوان «معمار» متمرکز گردد. بر اساس آنچه ذکر گردید می‌توان ادعا نمود که رشد دانشجوی معماری بدون شناخت و توجه و تأکید بر تمامی ابعاد و شرایط تأثیر گذار در این فرآیند محقق نمی‌گردد، لذا می‌بایست برای برنامه‌ریزی در این حوزه، در ابتدا نگاهی جامع‌نگر به مفاهیم و موضوعات در ارتباط با دانشجویان و همچنین ابزارهای مورد نیاز برای ایشان در این مسیر داشت. به تعبیر دیگر، هدف «پرورش معمار» ایجاب می‌کند که گستره آموزش محدود به محیط دانشگاهی نبوده و سعی بر آن است تا برنامه آموزشی نگاهی همه‌جانبه به تمامی وجوه زندگی شامل ابعاد فردی، اجتماعی، حرفه‌ای و آموزش دانشجوی معماری داشته باشد که می‌توان این جامعیت را با ابعاد مختلف فلسفه اسلامی (شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی) مقایسه نمود.

حوزه شمول آموزش با رویکرد درون‌زا

دیدیم که رویکرد آموزشی از نوعی جامعیت

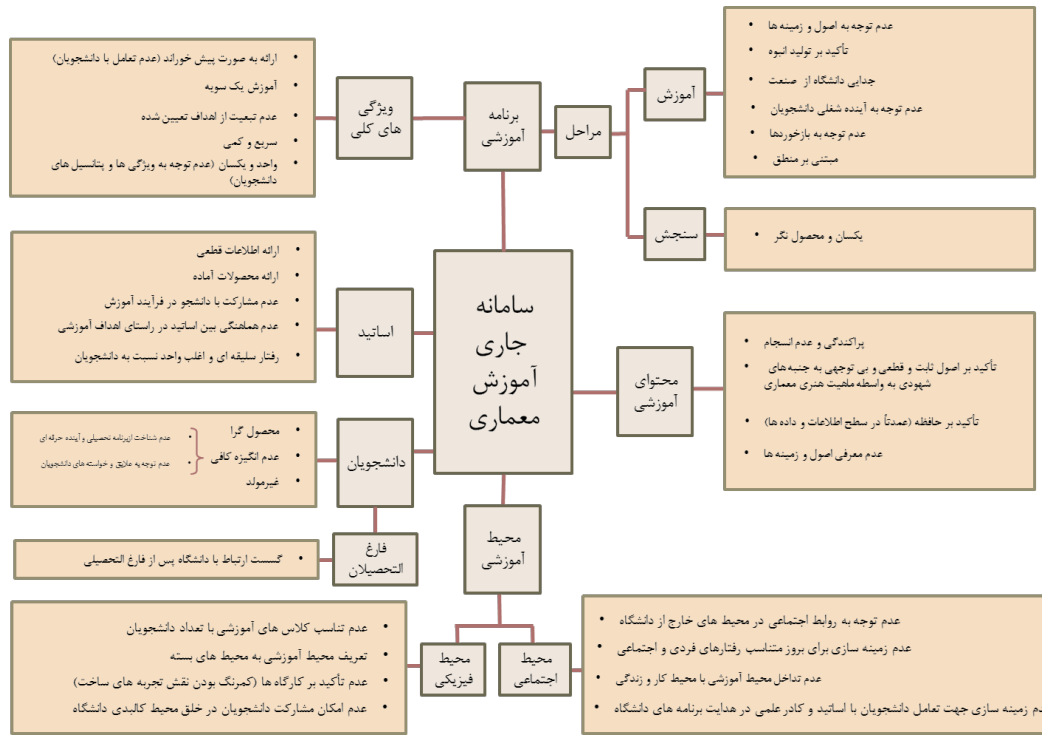
برخوردار است حال بینیم دامنه این جامعیت تا کجاست و چه حوزه‌هایی می‌بایست در این رویکرد آموزشی مد نظر قرار گیرد.

شناخت ابعاد مختلف مرتبط با معماری

در این رویکرد سعی بر آن است تا با داشتن نگاهی جامع به تمامی حوزه‌های مرتبط با معماری شامل علوم، فنون و هنرها به تنظیم برنامه و محتوای آموزش پرداخته شود و در جریان آموزش این نگاه جامع به دانشجو نیز منتقل گردد. در این راستا توجه به زمینه‌های دربرگیرنده نظام آموزشی و دانشجوی معماری و زمینه‌هایی که دانشجو برای فعالیت در آن تربیت می‌شود و مواجهه مداوم دانشجو با آن زمینه‌ها در راستای کسب تجربه برای آینده شغلی از بایسته‌های این رویکرد آموزشی است. نظر به جایگاه اصول و ارزش‌های فردی و اجتماعی و نقش و تأثیری که در تجلی هویت می‌گذارد، در این رویکرد آموزشی برنامه‌های آموزشی به گونه‌ای تنظیم می‌گردد که دانشجو ضمن آشنایی با این اصول و ارزش‌ها، اسلوب القای ارزش‌ها را در زمینه‌های دربرگیرنده را آموخته و تکرار این روند در جریان تمامی سطوح باعث می‌گردد که این الگو در دانشجو نهادینه گشته و از این طریق در صدد بازنمایی ژن‌های فرهنگی در جریان تولیدات معماری بر خواهیم آمد. از طرفی، نظر به ماهیت آموزش معماری که در آن جنبه‌های تئوری و عملی به صورت توأمان می‌باشد، لازم است که ضمن پرداختن به این دو جنبه در جریان آموزش به صورت متوازن، ارتباط مفهومی این دو ساحت نیز در جریان آموزش به صورت تجربی برای دانشجویان تبیین گردد. جعفرزاده ترتیب مراحل تجربه و آموزش در الگوهای گذشته و فعلی آموزش معماری را به شرح ذیل تعبیر می‌کند: «در گذشته ابتدا تجربه می‌کردند. این تجربه را بر اساس نبوغ و هوش خود تبدیل به اندوخته می‌شود بعد این اندوخته را تبدیل به آموخته می‌کردند. امروز روال آموزش عکس آن است یعنی اول می‌آموزیم بعد می

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016



تصویر ۹. نمودار بررسی پیشنهادات رویکرد آموزشی درون‌زا برای رفع مسائل و مشکلات نظام جاری آموزش معماری

حال آن‌که به گواهی بسیاری از منتقدین و نظریه پردازان، می‌توان از سطوح ادراکی حسی و شهودی، به عنوان سرچشمه خلق آثار هنری یاد کرد. نظر به ماهیت حصولی ادراک منطقی؛ آموزش آن از طریق ارائه محتوای آموزشی متناسب با حوزه تخصصی مربوطه ممکن می‌شود ولی در خصوص سطوح ادراکی حسی و شهودی اعتقاد بر این است که این سطوح از معرفت انسانی در وجود هر انسانی موجود بوده و در جریان آموزش معماری کفایت دانشجویان را از وجود این معارف در نهاد خویش آگاه نموده و ابزارهای کنترل این حوزه‌ها را به دست آنان داد.

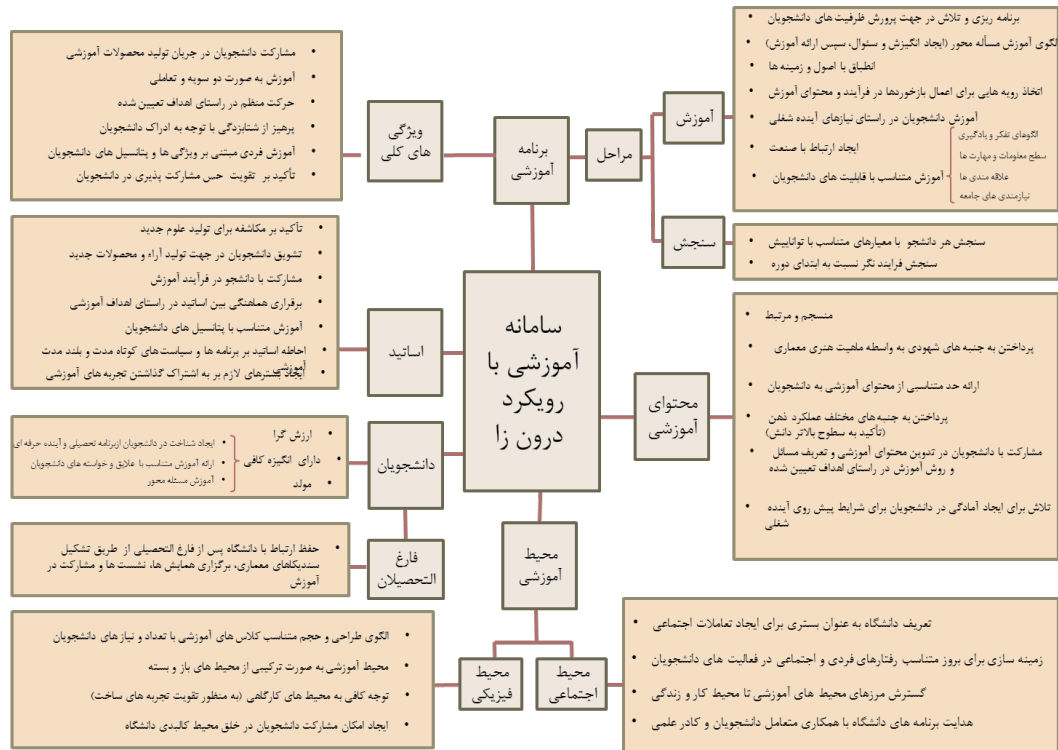
حوزه زمانی آموزش معماری با رویکرد درون‌زا

در این رویکرد آنچه که دانشجویان به عنوان ذخایر تجربی و ارزشی فردی و اجتماعی که از گذشته با خود دارند توجه شده و برای آنچه که در آینده با آن مواجه می‌گردند برنامه‌ریزی به عمل می‌آید که این برنامه‌ریزی بنابر مقتضیات زمان حال اتفاق می‌افتد. در نتیجه حوزه زمانی این رویکرد آموزشی از گذشته شروع شده و تا آینده ادامه دارد.

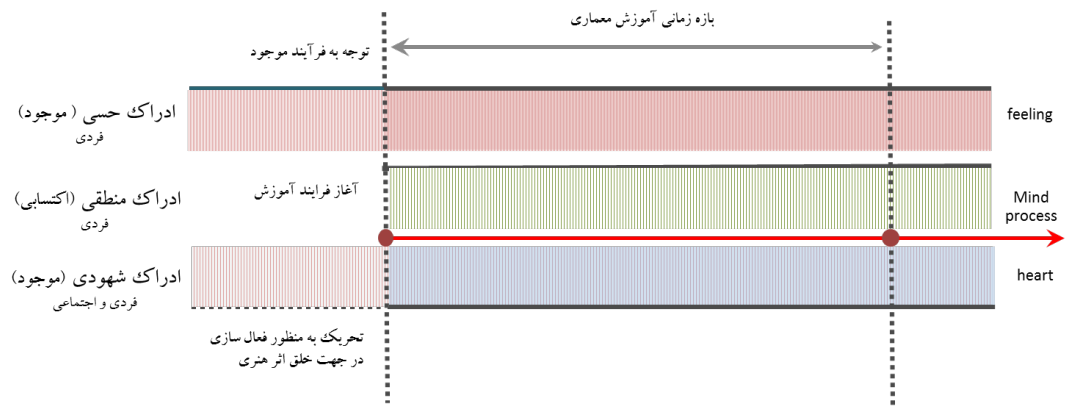
اندوزیم سپس تجربه می‌کنیم» (جعفرزاده، ۲۰۰۷). اما این جریان آموزش درون‌زا به صورت متناوب بوده که در آن مرتب در حال آزمودن هر یک از ساحت‌ها در حوزه ساحت دیگری می‌باشیم.

شناخت ساحت‌های مختلف معرفت انسان

آموزش با رویکرد درون‌زا برای ادراک افراد سه سطح قائل می‌شود: ادراک حسی، ادراک منطقی، ادراک شهودی؛ که ابزار کسب معرفت حسی، حواس ظاهری مبتنی بر غریزه انسانی، ابزار معرفت منطقی، عقل و ابزار ادراک شهودی، فطرت انسان می‌باشد. معرفت عقلی حصولی بوده و دو گونه دیگر از نوع حضوری می‌باشند. بعد از نهضت مدرن، به واسطه تأکید مدرنیته و پس از آن مدرنیسم بر عقل‌گرایی، لزوم توجه به سطوح ادراکی حسی و شهودی، به مثابه سایر منابع حصول معرفت انسانی، علی‌الخصوص در جوامع آکادمیک تقریباً به دست فراموشی سپرده شد. تأثیر این موضوع را می‌توان در الگوی آموزش حوزه‌ها و رشته‌های تحصیلی مرتبط با هنر نیز می‌توان به وضوح مشاهده نمود.



تصویر ۱۰. نمودار بررسی پیشنهادات رویکرد آموزش درون‌زا برای رفع مسائل و مشکلات نظام جاری آموزش معماری



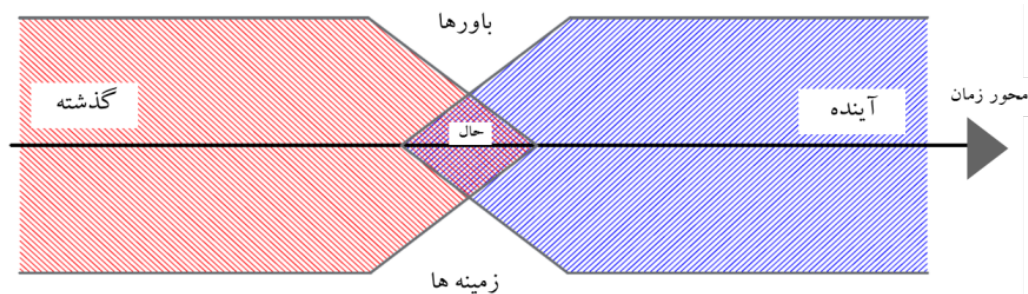
تصویر ۱۱. مدل ارتباطی سطوح مختلف ادراک انسان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

های مورد نیاز و پرورش خلاقیت است دست یابد. **بینش‌افزایی**

این الگوی آموزشی در پی ایجاد شناخت در دانشجویان از ابعاد مختلف وجودی خود، توانایی‌های خود، اصول و ارزش‌های فردی و اجتماعی و زمینه‌های در برگیرنده می باشد که این موضوع به نوبه خود منجر به ایجاد جامعیت در نگاه دانشجویان

ارتباط رویکرد درون‌زا به آموزش معماری با حوزه‌های علوم، فنون و هنرها

از آنجا که معماری در فصل مشترک علوم، فنون و هنرها قرار گرفته و دانشجوی معماری برای دست‌یابی به جایگاه واقعی یک معمار بایستی بر تمامی این حوزه‌ها تسلط یافته و به ابزارهای این حوزه‌ها که همانا بهره‌مندی از دانش کافی، کسب مهارت



تصویر ۱۲. حوزه شمول زمانی ارتباط الگوی آموزشی مبتنی بر هدف «پرورش معمار»؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

می‌گردد. البته این روند، روندی یکسویه و از پیش تعیین شده برای دانشجویان نبوده بلکه طی تعامل با دانشجویان فرآیند تنظیم می‌گردد. بر این اساس می‌توان گفت که آموزش معماری با رویکرد درون‌زا اساس فعالیت‌های خود را به جای ارائه آموزش یکسان و واحد، بر ارائه فرصت‌های برابر و یکسان جهت رشد و تعالی در قالب پتانسیل‌های خود و در چارچوب زمینه‌های احاطه‌کننده خود، قرار داده است.

آزادی عمل دانشجویان

از وجود آسیب‌هایی همچون عدم زاینده‌گی و تکرار الگوها در نظام جاری آموزش سخن به میان آمد، همچنین جایگاه اصول و ارزش‌های فردی، اجتماعی و حرفه‌ای و نحوه مواجهه دانشجویان با آن‌ها در آموزش معماری با رویکرد درون‌زا تشریح گردید. اگر به این موضوعات جنبه خلاقه رشته معماری و نقش آفرینشگری در تولید محصولات علمی و معماری را بیفزاییم، خواهیم دید که برای تأمین جنبه زاینده‌گی و مولد بودن این رویکرد آموزشی بایستی که اعطای آزادی عمل به دانشجویان در جایگاه اصول این رویکرد آموزشی قرار گیرد، البته این آزادی یک نوع آزادی بدون حد و مرز نبوده بلکه دانشجویان در چارچوب اصول و ارزش‌های تعیین‌کننده و زمینه‌های احاطه‌کننده از آزادی عمل برخوردارند. لذا بر این اساس دانشجویان ضمن انعکاس جنبه‌های هویت در آثار خود، به

خواهد گردید. همچنین بر اساس طبقه‌بندی‌های معرفی شده از سطوح مختلف علوم (شامل سطوح داده، اطلاعات، دانش و خرد) برنامه آموزشی در این الگوی آموزشی به هیچ وجه به دنبال انباشت ذهن دانشجویان با اطلاعات و داده‌های متکثر در سطوح نازل تر علوم نبوده بلکه در پی نهادینه کردن اصول متعالی تر در ذهن دانشجویان بوده و به تناسب موضوعات دانش در سطوح پایین تر نیز ارائه خواهد گردید. این موضوعات در مجموع سبب اجتناب از الگوی انباشت اطلاعات و حافظه محوری که سیستم جاری آموزش معماری بدان مبتلاست شده و موجبات تأمین اصل بینش‌افزایی در دانشجویان را فراهم می‌نماید.

ایجاد فرصت‌های برابر

با توجه به تفاوت‌های انسان‌ها با یکدیگر در ابعاد مختلف (از جمله تفاوت در ویژگی‌های فیزیولوژیک و جسمانی؛ سبک‌های ذهنی- از مهمترین جنبه‌های آن می‌توان به سبک‌های تفکر و یادگیری و سبک‌های شناختی اشاره نمود)؛ سطح مهارت، دانش و خلاقیت دانشجویان؛ زمینه‌های دربرگیرنده آن‌ها؛ شرایط گذشته و اهداف و برنامه‌های پیش روی دانشجویان و ... و ارتباط آن با فرآیند آموزش معماری؛ تأکید رویکرد درون‌زا در آموزش معماری بر شناخت این ابعاد در دانشجویان در ابتدای مراحل آموزشی بوده که بر اساس آن برنامه و محتوای آموزشی برای هر یک از دانشجویان تنظیم

جدول ۲. جدول معرفی اصول آموزش معماری با رویکرد درون‌زا و مؤلفه‌های آن؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

اصول	اهداف و ضرورت	مؤلفه‌ها
اصل جامعیت	تلقی از دانشجو به مثابه انسان در مسیر رشد و کمال در چهارچوب رشته معماری	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به ابعاد وجودی دانشجو - توجه به ابعاد مختلف حرفه معماری - دربرگرفتن محور زمان از گذشته تا آینده - دربرگرفتن متناسب حوزه‌های علوم، فنون و هنرها - توجه به سطوح مختلف ادراک انسان اعم از ادراک شهودی، منطقی و حسی
اصل بینش افزایی	تأکید بر آموزش روش مواجهه با مسائل به جای آموزش راه حل تمامی مسائل	<ul style="list-style-type: none"> - تمرکز بر سطوح عالی تر علوم (خرد و دانش) به جای سطوح پایین تر (اطلاعات و داده‌ها) - مسأله محوری این رویکرد آموزشی
اصل ایجاد فرصت‌های برابر	توجه به تفاوت‌های دانشجویان و اعطای فرصت برابر به متناسب با ویژگی‌ها و پتانسیل‌های دانشجویان به جای ارائه آموزش یکسان و واحد	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به «الگوی توسعه افقی» در مقابل «الگوی عمودی توسعه» - شناسایی پتانسیل‌ها و ویژگی‌های دانشجویان (تناسب الگوهای تفکر، یادگیری و تیپ شخصیتی هر دانشجو، سطح مهارت و معلومات ایشان و باورها و زمینه‌های دربرگیرنده، اهداف و زمینه‌های مورد علاقه ایشان) به منظور تعریف محتوا، برنامه و روش‌های آموزش برای هر دانشجو
اصل اعطای آزادی عمل به دانشجویان	زاینده‌نگی نظام آموزشی و اقتضای جنبه هنری و خلاقه رشته معماری	<ul style="list-style-type: none"> - آزادی در چهارچوب ارزش‌ها و باورها؛ اصول حرفه‌ای؛ برنامه‌ها و سیاست‌ها آموزشی و شرایط زمینه‌های دربرگیرنده - آزادی دانشجویان در جایگاه تعریف مسأله، تعریف راه حل، حل مسأله، انتخاب زمینه و مشارکت در تعریف گرایش تحصیلی
اصل پرهیز از بیهودگی	هدفمندی اقدامات در نظام آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> - تأکید بر آموزش «اصول» و «مبانی» - «سؤال محوری» به جای «پاسخ محوری» - حفظ ارتباط با فارغ‌التحصیلان (به منظور بهره‌گیری از پتانسیل‌ها فارغ‌التحصیلان و حمایت از آنان) - اخذ «بازخوردها» در جهت رشد و تعالی نظام آموزشی - توجه به نیازهای جامعه در انتخاب گرایش‌های تحصیلی

اصول آموزش معماری با رویکرد درون‌زا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۱۳

که علاوه بر اینکه سهم بسیاری از آن مورد فراموشی قرار می‌گیرد، حجم قابل توجهی از آن موارد نیز در جریان آینده حرفه‌ای دانشجویان کاربردی نداشته باشند. لذا از ارائه این موارد حاصلی ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین در تنظیم برنامه، روش و محتوای آموزشی بایستی به صورتی هدفمند اقدام گردد و به جای

نیازها و محدودیت‌های زمینه فعالیت خود آشنا بوده و به تولید محصولات و آثار جدید و متناسب با آن نیازها و شرایط می‌پردازند.

پرهیز از بیهودگی

در الگوی جاری آموزش معماری، شاهد هستیم که حجم انبوهی از آموزه‌ها به دانشجو ارائه می‌گردد

تمرکز صرف وقت و هزینه برای آموختن داده ها و اطلاعاتی که از کاربرد آن اطمینان نداشته، بخش عمده اهتمام نظام آموزشی بر آموزش اصول و سطوح عالی تر دانش گذاشته و در عوض تلاش برای آموزش تمامی اطلاعات، تأکید خود را بر آموزش طریقه کسب آن اطلاعات معطوف نماید. از سوی دیگر در جامعه حرفه ای شاهد موضوعاتی می باشیم که حاکی از اشباع بازار کار از معماران در بسیاری از مناطق می باشد، لذا، اساساً آموزش معماران با تخصص های موجود، از کارایی لازم برخوردار نبوده و فارغ التحصیلان در بستر جامعه برای یافتن فرصت های شغلی مناسب با چالش های زیادی مواجه می باشند. این رویکرد آموزشی با ایجاد تعاملات با جامعه حرفه ای و کسب شناخت از زمینه های دربرگیرنده؛ نسبت به شناخت زمینه های مورد نیاز جامعه، اقدام می نمایند، که بر اساس پتانسیل ها، شرایط و علایق دانشجویان، ایشان را در مسیر گرایش مشخصی هدایت می نمایند و پس از فارغ التحصیل شدن دانشجو همچنان این ارتباط در جهت اعتلای معماری کشور و ارتقاء سطح ارائه آموزش معماری حفظ می گردد.

نتیجه گیری و جمع بندی

از نقش نظام آموزش معماری در خلق فضاهای معماری به عنوان کالبد دربرگیرنده رفتار انسان ها، سخن به میان رفت. بر این اساس در مقاله حاضر سعی شده تا ضمن معرفی اجزاء نظام آموزش معماری و جایگاه آن اجزاء نسبت به یکدیگر، به شناسایی مسائل و مشکلات موجود در اجزاء نظام آموزشی معماری پرداخته شود. در ادامه رویکرد درون زا به عنوان راهکار مواجهه با مسائل و مشکلات مورد بحث معرفی گردید. از ویژگی های رویکرد درون زا (در مطابقت با شرایط موجود نظام فعلی آموزش معماری و تلاش در جهت رفع آن ها) می توان به تأکید این رویکرد به توسعه به جای پیشرفت، توسعه چندجانبه به رشد تک بعدی و تأکید بر توجه به ساختارهای موجود در فرآیند

رشد و توسعه اشاره نمود. از مجموع مبانی این رویکرد توسعه و راهکارهایی که این رویکرد آموزشی برای رفع مسائل موجود در اجزاء نظام آموزشی پیشنهاد می کند، اصول این رویکرد آموزشی تعریف گردید که مجموع اصول این رویکرد آموزشی در کنار مؤلفه های تشکیل دهنده آن در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

منابع و مأخذ

افندی، جعفر (۱۳۷۵) رساله معماریه، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران، تهران.
آئین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان (۱۳۷۵/۱۱/۱۷) هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، شماره: ۱۲۳۳۷۹/ت/۱۷۴۹۶ هـ تهران.
آنتونیادیس، آنتونی سی. (۱۳۸۲)، فرایند خلاقیت در معماری، ترجمه امید نیکفرجام، مجله زیبا شناخت، شماره ۹، تهران.
حجت، عیسی (۱۳۹۳)، سنت و بدعت در آموزش معماری، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۲)، تحلیلی بر تبدیل داده به اطلاعات و دانش، فصلنامه کتاب، دوره چهاردهم، ۷۱-۸۰، تهران.
وانگ، دیوید؛ گروت، لیندا (۱۳۸۶) روش های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
شورای عالی برنامه ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۷۷)، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مهندسی معماری، مصوب ۱۳۷۷/۸/۲۴، تهران.
قدوسی فر، سید هادی؛ اعتصام، ایرج؛ حبیب، فرح؛ پناهی برجای، هاجر (۱۳۹۱)، آموزش سنتی معماری در ایران و ارزیابی آن از دیدگاه یادگیری مبتنی بر مغز، مطالعات معماری ایران، شماره ۱، کاشان.
قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷)، معماری امروز ایران و مسئله هویت: مفهوم هویت و معماری امروز ایران،

آینه خیال، تهران.

مختاری، حیدر؛ یمین فیروز، موسی (۱۳۸۳)، از داده تا دانش و از مدیریت داده تا مدیریت دانش: مروری بر متون، مجله مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، شماره ۵۹، تهران.

منصوری، امیر (۱۳۸۲)، زیباشناخت، شماره ۹، معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

مهر محمدی، محمود؛ شعبانی ورکی، بختیار. (۱۳۷۷)، جایگاه رویکردهای یاددهی - یادگیری مکاتب رفتارگرایی، شناخت گرایی و انسانگرایی در نظام آموزشی، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۷، تهران.

یمین فیروز، موسی (۱۳۸۲)، دانش و مدیریت دانش در سازمان‌ها، فصلنامه کتاب، دوره چهاردهم، تهران.

Bellinger, Gene. "knowledgemanagementemergingperspectives". [on-line]. Available: <http://www.welchco.com/02/14/01/60/00/03/0701.htm>.

[25sep. 2004]

Gordon, john L. "what is knowledge?" Applied knowledge Research Institute, 2001. [on-line]. Available: <http://www.akri.org/museum/what.htm>.

We, Gladys, 1994, "What is Endogenous Theory?" <http://thumb.cprost.sfu.ca/we/misc/endogenous>, Gladys We (we@sfu.ca).

Epskamp, Kees, 1992, Learning by Performing Arts: From Indigenous to Endogenous Cultural Development, The Hague: Centre for the Study of Education in Development Countries.

Gill & Law, 1988, The Global Political Economy, Harvester, New York.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۱۷۶ ■

تدوین الگوی آموزش محیط زیست جهت تقویت حکمرانی پایدار منابع آب کشور

آلاله قائمی* - دانشجوی دکتری آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

مریم لاریجانی - استادیار، گروه علمی آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

سید محمد شبیری - دانشیار، گروه علمی آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

محمدرضا سرمدی - استاد گروه علمی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

چکیده

هدف از این تحقیق ارائه الگوی آموزشی جهت تقویت حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب می‌باشد. روش تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی و ابزار تحقیق پرسشنامه بوده است. در این تحقیق خلأهای اصلی در حکمرانی آب با توجه به تجربیات حاصل از روندهای گذشته و شرایط اقتصادی، اجتماعی در سطح ملی تکمیل و فهرست نهایی مؤلفه‌های حکمرانی پایدار منابع آب کشور مشخص گردید. معیارهای مناسب جهت حکمرانی پس از یک جمع‌بندی کلی و تطبیق و تلفیق و همسان‌سازی معیارها با استفاده از نظرات صاحب‌نظران، به روش دلفی انتخاب گردیدند. روایی شاخص‌ها با استفاده از نظرات اساتید و متخصصان مربوطه اعتبارسنجی و پایایی شاخص‌ها با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، ۰/۹۴ محاسبه گردید. با مراجعه به جامعه آماری متشکل از ۱۱۰ نفر از مدیران ارشد آب کشور، اساتید منابع آب و محیط‌زیست، مدیران ارشد کشاورزی، خبرنگاران جوامع بومی و فعالان سازمان‌های مردم‌نهاد جهت تکمیل پرسشنامه با روش تمام‌شماری، معیارها و شاخص‌ها در فضای فازی، رتبه‌بندی گردیدند. نتایج حاصل از اولویت‌بندی شاخص‌ها نشان می‌دهد، از بین شاخص‌های مورد ارزیابی، شاخص‌های آموزشی در کلیه معیارها، امتیاز بیشتری نسبت به سایر شاخص‌ها داشته‌است. با توجه به نتایج یافته‌ها، یکی از بهترین راه‌حل‌ها، ارائه الگوی آموزشی می‌باشد این آموزش نه تنها یک ضرورت سازمانی، بلکه به عنوان یک اصل مهم برای رفاه ملی مطرح می‌باشد. الگوی ارائه‌شده در قالب آموزش غیررسمی و ضمن خدمت شامل فرآیند برنامه‌ریزی، پایش و ارزیابی برای کلیه تصمیم‌گیران، مدیران و کارکنان برنامه‌ریزی منابع آب جهت حکمرانی پایدار منابع آب کشور برای سال مقصد ۱۴۱۵ پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی: حکمرانی پایدار، منابع آب، محیط زیست، الگوی آموزشی، غیررسمی

Developing a Model Environmental Education to Strengthen Governance Sustainable in Water Resources Management

Abstract

The aim of this study is to provide educational model to Strengthen sustainable governance in the management of water resources. The tool for evaluation was a questionnaire and the research methodology was of descriptive survey. In this study, the main gaps in water governance with respect to the experiences of past trends and socio-economic circumstances were completed at national level and the final list of the components of sustainable water resource governance were conducted. After the conclusion and implementation of appropriate governance standards and integration and convergence criteria using experts' opinions, the Delphi method was selected. The validity of the indicators was established by taking into account the views and comments of relevant scholars and experts, and the reliability of the indicators was calculated as 0.94 using the Cronbach's alpha formula. Following interviews with 110 senior water executives, professors of water resources, senior agriculture managers, experts of water in native communities and NGO activists, and by applying the method of complete enumeration, all criteria and indications were graded in the fuzzy decision making. The results of the study show that amongst which the indicator of training obtained the greatest scores. According to the findings, one of the best solutions is to provide educational model. The model has not only a necessity, but it is as a matter of principle for national prosperity. Pattern provided in the form of informal education is, including planning, monitoring and evaluation for all decision-makers and managers of water resources for sustainable governance to 1415.

Keywords: Sustainable Governance, Water Resources, Environment, Educational Model, Informal

مقدمه

تحولات گسترده و پرشتاب در تمامی بخش‌های زندگی انسان در طول قرن بیستم و خصوصاً چند دهه اخیر، به گونه‌ای الزام‌آور تغییرات و تحولات در مسائل مدیریتی را در ابعاد مختلف فراهم ساخته است. مدیریت منابع آب نیز در جریان تحول در شرایط و دامنه عمل خود با محدودیت‌های جدی روبرو بوده که قبل از آن به هیچ وجه در این ابعاد مطرح نبوده است. حرکت برای ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای آب در شرایط اقلیمی و جغرافیایی متفاوت و نیازهای در حال تحول مناطق مختلف کشور، صرفاً با اتکاء به احداث تأسیسات جدید و جنبه‌های سخت‌افزاری تکنولوژی نمی‌تواند مشکلات را تخفیف داده یا از عهده آن برآید. حتی در شرایط فعلی، مدیریت توأمان عرضه و تقاضا که در ظاهر متناسب با شرایط تاریخی کشور ما در مدیریت منابع آب می‌باشد، نیز پاسخگو نخواهد بود (گزارش سالیانه منابع و مصارف آب کشور، ۱۳۹۱). بررسی وضعیت منابع آب کشور نشان می‌دهد یکی از مشکلات اصلی و ریشه‌ای منابع آب در ایران که سبب ایجاد بحران‌های متعدد آبی در نقاط مختلف کشور گردیده، رویکرد نامناسب مدیران و سیاستگذاران در مقوله مدیریت و حکمرانی آب است. طی چند دهه گذشته در بیانیه‌های کنفرانس‌های جهانی، یکی از مباحث بسیار جدی توجه به نظریه مدیریت بهم پیوسته منابع آب بوده است. نظریه مدیریت بهم پیوسته منابع آب برای تحقق در عمل، نیازمند حکمرانی پایدار می‌باشد (Water, ۲۰۰۹-UN). حکمرانی، اعمال تعادل در توزیع قدرت و تنظیم فعالیت‌ها در سطوح مختلف می‌باشد و حکمرانی آب خود زیرمجموعه‌ای از نظام حکمرانی کل کشور است. مدیریت و حکمرانی لازم و ملزوم هم بوده، بدون حکمرانی مناسب در بخش آب، ابزارهای مدیریتی مؤثر نخواهد بود. برنامه‌ریزی راهبردی، تخصیص آب، تنظیم مقررات، توسعه و مدیریت منابع آبی از جمله موارد مطرح

در حوزه‌های مختلف حکمرانی آب هستند که تحول و بهبود آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. اما امروزه یکی از مباحث کلیدی در حوزه حکمرانی آب، سازماندهی، آموزش و ظرفیت‌سازی، تغییر نگرش‌ها و رویکردها در سطح بالای مدیریت جامعه، تغییر شیوه تصمیم‌گیری از پایین به بالا، یادگیری جمعی، نقش جوامع محلی و سطوح مختلف دیگر گرداران آب در سطح ملی و محلی می‌باشد (قائمی، ۱۳۹۵). بیان مسأله در این تحقیق به نقش آموزش در حکمرانی پایدار مدیریت منابع آب می‌پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ناآگاهی گسترده‌ای در مورد روابط میان اشکال گوناگون توسعه و پیامدهای آن‌ها بر منابع آبی به چشم می‌خورد. اگر چه امروزه بسیاری از مردم خود را طرفدار محیط زیست می‌دانند، اما علیرغم نگرش‌های مثبت خود، رفتارهای مثبت جهت حفظ محیط زیست را انجام نمی‌دهند. دلیل احتمالی این امر آن است که فرد در موقعیتی قرار می‌گیرد که میان منافع شخصی کوتاه مدت و منافع جمعی درازمدت تعارض پیش می‌آید (Nordland et al, ۲۰۰۲: ۳۶۳-۳۷۷). با توجه به نقش کلیدی آموزش در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، بایستی اذعان نمود که آموزش از طریق رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به پاسخگویی مناسب و مطلوب افراد کمک می‌کند. هر چه سطح دانش و اطلاعات فردی بالاتر باشد در چگونگی حل مسائل محیط زیستی به کار خواهد آمد و کمبود یا فقدان آن در حکم سدی اساسی برای بروز رفتارهای مثبت محیط زیستی است (Tilbury et al, ۲۰۰۵). مطالعات متعدد نشانگر ارتباط مثبت میان نگرش‌های محیط زیستی و رفتار حمایت از محیط است. احتمالاً مهم‌ترین تمایز در گستره مسائل محیطی در علوم گوناگون بر پایه دو تفکر «انسان-محوری» و «محیط زیست-محوری» انجام

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۷۸

می شود. در زمینه رابطه نگرش و رفتار، احساس مسؤولیت پذیری در برابر محیط زیست، موجب جلوگیری از آثار مخرب محیط زیستی می شود (قائمی و همکاران، ۱۳۹۳).

آگاهی محیط زیستی یک پیش شرط لازم است تا افراد در زمینه مسائل خاص به دلخواه عمل نمایند، لذا دانش نیز به منزله یک ضرورت برای انجام دادن موفقیت آمیز فعالیت ها قلمداد می شود و در سطوح بالاتر نیز مورد نیاز است. در نتیجه هر چه سطح دانش و اطلاعات بالاتر باشد در چگونگی حل مسائل محیط زیستی به کار خواهد آمد و کمبود یا فقدان آن در حکم سدی اساسی برای رفتارهای مثبت محیط زیستی است (Wallner, 2003). از طرفی طبق نظر فرانسون و گارلینگ در ایجاد عادات جدید، آگاهی نقش موثری در ایجاد رفتارهای جدید محیطی خواهد داشت (Fransson, N., & Garling, T, 1999). به طور کلی آموزش را می توان فرآیندی دانست که با اجرای آن افراد می توانند آگاهی ها و مهارت های لازم را با توجه به گرایش ها و علائق خود و نیازهای سازمان برای ایفای نقشی معین و موثر در جهت تحقق اهداف خاص فراگیرند. به کمک آموزش قدرت درک، تجزیه و تحلیل و شناخت افراد افزایش می یابد. بر این اساس، آموزش بر تغییر رفتارها و نشان دادن نحوه صحیح انجام کار و افزایش آگاهی فرد نسبت به کلیه فعالیت ها تکیه دارد. عمده ترین اهداف این تحقیق تعیین پارامترها و معیارهای مهم در حکمرانی پایدار با تأکید بر شاخص های آموزشی و تدوین الگوی آموزش محیط زیست جهت تقویت حکمرانی پایدار منابع آب می باشد.

پیشینه تحقیق

قائمی و همکارانش در مقاله خود تحت عنوان ارائه مدل مفهومی حکمرانی پایدار در مدیریت بهم پیوسته منابع آب با تأکید بر آموزش و ظرفیت سازی، مفهوم زیر را ارائه نموده اند (قائمی و همکاران، ۱۳۹۵): «حکمرانی پایدار فرآیند اعمال اقتدار اداری،

اقتصادی و سیاسی از طریق آموزش سیاست گذاران و کلیه ذی نفعان و نیز مشارکت مردم در تهیه برنامه ها و ملاحظات اخلاقی و تساوی افراد در طراحی، تنظیم و پیاده سازی سیاست های مربوط به منابع آب و مدیریت هماهنگ آب و خاک و سایر منابع برای رفاه اجتماعی و اقتصادی، بدون به خطر انداختن پایداری اکوسیستم های حیاتی می باشد». گزارشی در مورد کاستی های حکمرانی آب، توسط اندیشکده تدبیر آب ایران به منظور توسعه ظرفیت ها و ایجاد فضای تعامل و گفتگو میان ارکان مختلف جامعه، محیط کسب و کار و تشکیلات بخشی و فرابخشی مدیریت آب در کشور در مسیر بهبود حکمرانی آب تدوین گردید (اندیشکده تدبیر آب، ۱۳۹۳).

«فلدمن» در مقاله خود به مباحث حکمرانی و اجراء شیوه های مدیریتی جهت کاهش آلودگی و جبران کمبود آب در جکسون کریک یک منطقه روستایی در شمال ملبورن استرالیا می پردازد. با رویکرد حکمرانی تطبیقی که با مشارکت دولت و تشکل های اجتماعی صورت پذیرفت، سیاست های انعطاف پذیرتری اتخاذ شده است (Feldman et al, 2015).

در مقاله «کارمی» و همکارانش تحت عنوان «تبدیل دانش محیطی به رفتار محیط زیستی: نقش واسطه ای احساسات محیط زیستی»، آمده است که دانش محیط زیستی در صورتی می تواند منجر به تغییر رفتار محیط زیستی شود که احساسات محیط زیستی فرد تحریک گردد. با استفاده از روش مدل سازی معادلات ساختاری، اثرات سواد و دانش محیط زیستی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بر رفتار بررسی و نقش واسطه ای احساسات و نگرش محیط زیستی ارزیابی شده است. نتیجه اینکه دانش یک متغیر مهم برای ایجاد احساسات محیطی است (Carmi et al, 2015: 183-201). طبق تحقیقات «کولوپین و چاول» در مقاله «شکل گیری شناخت محیط زیست در برنامه های

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

آموزش غیررسمی محیط زیست» به بررسی تجارب خاطرات شرکت‌کنندگان برنامه طبیعت کلرادو، پس از گذشت ۵ الی ۴۰ سال (از دوران کودکی)، پرداخته است. در این تحقیق از طریق مصاحبه، بررسی‌های آرشیوی و مشاهده فعالیت‌های فعلی، شرکت‌کنندگان در مورد تجربیاتی صحبت نمودند که منجر گردید تا آن‌ها به واسطه برنامه آموزشی غیررسمی نسبت به انتخاب رشته دانشگاهی یا حرفه‌ای اقدام نمایند. نتایج در قالب تئوری عمل اجتماعی بررسی گردید که پیامدهای مهمی برای طراحی و ارزیابی برنامه‌های آموزش محیط زیست داشته است. نتایج نشان می‌دهد که تئوری عمل اجتماعی یک چارچوب مفید برای تفسیر توسعه هویت محیط زیستی، است (Colvin et al, ۲۰۱۵: ۲۴-۱).

«کوپینا»^{۱۳} در مقاله‌ای تحت عنوان «سنایوهای آینده و آموزش محیط زیست»، به بررسی تعدادی از سوالات در مورد سند چشم‌انداز آینده و پیامدهای آن برای آموزش محیط زیست پرداخته است. اگر در آینده حفظ محیط زیست یک هدف باشد، چه اقدامی برای حفظ جنبه‌های مثبت و حذف آثار منفی محیط زیست مورد نیاز خواهد بود؟ چگونه می‌توان این اقدامات را با اهداف آموزش محیط زیست مرتبط نمود (Kopnina, ۲۰۱۴: ۲۱۷-۲۳۱). «هورش و همکارانش»^{۱۴} در تحقیق خود به یک موضوع خاص از تحقیقات آموزش محیط زیست می‌پردازند که چگونه آموزش محیط زیست با منطق سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نئولیبرالیسم شکل گرفته است. آرمان نئولیبرال افزایش رشد اقتصادی و حل مشکلات محیط زیستی و اقتصادی با استفاده از روش‌های بازار است (Hurshet al, ۲۰۱۵: ۲۹۹-۳۱۸).

«کوپینا» در مقاله دیگری به طور خلاصه پیامدهای شناخت «عدالت محیط زیستی» در رابطه با آموزش محیط زیست و آموزش برای توسعه پایدار را مورد بحث قرار داده است. استدلال این

است که در حال حاضر مفهوم محیط زیست از طریق آموزش صورت می‌پذیرد و هدف آموزش جهت توسعه پایدار نیز نفی ذهنیت‌های غیرانسانی و عوارض اخلاقی عدالت محیط زیستی است. نهایتاً جهت تحقق اخلاق محیط زیستی و یکپارچه‌سازی عدالت محیط زیستی، استفاده توأمان آموزش محیط زیست و آموزش برای توسعه پایدار ضروری می‌باشد (Kopnina, ۲۰۱۴: ۲۹۰-۳۰۰)؟

سوالات تحقیق

با توجه به موارد مطروحه و نقش مهم آموزش در دستیابی به اهداف توسعه پایدار در زمینه منابع آب، در این تحقیق سعی گردید تا به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- ۱- آیا معیارهای آموزشی جهت ارزیابی حکمرانی پایدار در اعمال مدیریت منابع آب وجود دارد؟
- ۲- آیا می‌توان برنامه آموزشی مناسب جهت تقویت حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب با تأکید بر مشارکت مردمی تهیه نمود؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است، زیرا هدف پژوهشگر کشف تئوری جدید و دانش نو نیست. بلکه، کاربرد دانش، آزمون و بررسی نتایج حاصله در موقعیت جدید است. روش مورد نظر در این پژوهش از نوع زمینه‌یابی است، زیرا هدف توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است و با توجه به اینکه موضوع این پروژه در حوزه علوم رفتاری قرار دارد، این تحقیق از نوع توصیفی به شمار می‌آید. اهمیت این نوع پژوهش‌ها با چگونگی امور سر و کار دارد نه چرایی آن‌ها، گذشته از این، پژوهش زمینه‌ای، در برجسته ساختن مسایل اجتماعی و دامنه آن‌ها نقشی کلیدی دارد و می‌تواند برانگیزاننده اقدامات اجتماعی باشد. روش تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی بوده، ابزار سنجش در این تحقیق، پرسشنامه بوده است. در تحلیل شرایط حکمرانی آب هر کشور صرفاً بررسی روند تحول در نهاد مدیریت آب کفایت نمی‌کند و می‌باید برخی از نیروهای محرک داخلی و

خارجی نیز مد نظر قرار گیرد. در این تحقیق سعی گردید تا وضعیت کنونی مدیریت منابع آب کشور مشخص شده، سپس چگونگی رسیدن به جایگاه مطلوب تعیین گردد. بنابراین با مراجعه به منابع بین‌المللی و نیز اسناد بالادستی مصوب مدیریت آب کشور از جمله سیاست‌های کلان آب مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأیید مقام معظم رهبری، سیاست‌های هجده‌گانه آب کشور، سند چشم‌انداز بیست‌ساله در بخش آب و اسناد بخشی و فرابخشی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه برنامه چهارم و پنجم، قانون توزیع عادلانه آب و سایر قوانین موضوعه، شاخص‌های مؤثر پیشنهاد گردد. نهایتاً پس از یک جمع‌بندی کلی و تطبیق و تلفیق و همسان‌سازی معیارها با استفاده از نظرات صاحب‌نظران به شرح شکل ۱، معیارهای اصلی و شاخص‌های هر یک از معیارها انتخاب گردید.

مطابق شکل ۱، در این سیستم تلاش می‌شود فرآیند استفاده از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره براساس روش سیستماتیک و مشارکت افراد در تدوین سؤالات نهایی پرسشنامه استفاده شود. این روش به عنوان اصل پیش‌برنده تصمیم‌گیری، به مشارکت گروهی توجه دارد و دارای سه بخش اصلی بازخورد، مشارکت در انتخاب معیارها و شاخص‌ها و نهایتاً تدوین پرسشنامه نهایی بوده است. ۱۵ نفر منتخب برای روش دلفی، افراد متخصصی بوده‌اند که علاوه بر داشتن دانش و تجربه کافی، تمایل به مشارکت داشته‌اند لازم به ذکر است روایی شاخص‌ها با استفاده از نظرات اساتید و متخصصان مربوطه اعتبارسنجی گردید. نهایتاً در این تحقیق مجموعاً ۹ معیار و ۵۲ شاخص جهت حکمرانی پایدار در مدیریت بهم پیوسته منابع آب انتخاب گردیده که این شاخص‌ها نشانگر کلیه فعالیت‌ها، اقدامات و برنامه‌های مورد نظر برای تحقق معیارها می‌باشند. سپس معیارها و شاخص‌های مربوطه در قالب پرسشنامه تدوین و در جامعه آماری مورد نظر توزیع گردید.

شکل ۱. نمودار مراحل تبیین معیارها و شاخص‌ها از آنجایی که در مبحث حکمرانی آب، مدیران برنامه‌ریزی صنعت آب نقش به‌سزایی در این زمینه دارند، با توجه به وجود ۳۰ شرکت آب منطقه‌ای در سطح کشور و نیز دست‌اندرکاران مربوطه، ۴۰ نفر از مدیران عالی‌رتبه آب، ۲۰ نفر از مسئولان و مدیران وزارت جهاد کشاورزی، ۲۰ نفر از اساتید دانشگاهی در حوضه تخصصی مدیریت منابع آب و محیط زیست، ۱۵ نفر از سازمان‌ها و فعالان مردم نهاد و ۱۵ نفر نیز از خبرگان محلی و جوامع بومی انتخاب گردیدند.

بنابراین روش نمونه‌گیری در این تحقیق هدفمند بوده و با روش تمام‌شماری از جامعه آماری شامل ۱۱۰ نفر از مدیران ارشد آب کشور، مدیران ارشد کشاورزی، اساتید دانشگاه مرتبط با منابع آب و محیط زیست، متخصصین خبره آب در جوامع بومی و فعالان سازمان‌های مردم نهاد در تکمیل پرسشنامه استفاده گردید. پس از نظرسنجی از جامعه آماری منتخب به لحاظ فراوانی پاسخ‌های ارائه‌شده (خیلی زیاد، زیاد، نسبتاً زیاد، نسبتاً کم، خیلی کم) در خصوص شاخص‌های مورد نظر به تفکیک فراوانی مطلق و فراوانی نسبی (درصد)، پایایی شاخص‌ها با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ محاسبه گردید.

به طور کلی ویژگی شاخص‌های مختلف تصمیم‌گیری منابع آب را می‌توان چنین خلاصه کرد (Despic and Simonovic, ۲۰۰۰):

۱. شاخص‌ها و معیارها در اغلب مواقع با یکدیگر متضادند؛
۲. بیشتر شاخص‌ها غیرقابل اندازه‌گیری‌اند؛
۳. سازمان‌ها و افراد ذی‌نفع متعددی در مدیریت منابع آب وجود دارند؛
۴. هر معیار و شاخص‌های آن به طور تقریبی شامل اطلاعات فراوانی است که بیان‌گر سیستمی بسیار پیچیده است؛

جدول ۱. فراوانی و درصد ویژگی های فردی گروه نمونه

متغیر	متغیر فرعی	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۹۴	۸۵/۵
	زن	۱۶	۱۴/۵
سطح تحصیلات	لیسانس و پایین تر	۱۳	۱۱/۸
	فوق لیسانس	۶۱	۵۵/۵
	دکتری	۳۶	۳۲/۷
محل فعالیت	وزارت نیرو	۴۰	۳۶/۴
	جهاد کشاورزی	۲۰	۱۸/۲
	دانشگاه	۲۰	۱۸/۲
	سازمان های مردم نهاد	۱۵	۱۳/۶
	جوامع بومی	۱۵	۱۳/۶
سابقه کار (سال)	۱۱-۲۰	۳۲	۲۹/۱
	۲۱-۳۰	۷۴	۶۷/۳
	بیشتر از ۳۱	۴	۳/۶

این کار برای وزن ها و اطلاعات جدول تصمیم نیز اعمال می گردد. سپس ماتریس ورودی برای از بین بردن دیمانسیون شاخص ها، نرمالایز شده و ضرایب شاخص ها در بردار مربوطه اعمال می شود. سپس با یافتن جواب های ایده آل منفی و ایده آل مثبت، فاصله هر یک از گزینه ها در یک فضای n بُعدی (n تعداد شاخص ها است که در این تحقیق ۵۵ شاخص بوده است)، به دست می آید. امتیاز نهایی هر شاخص، نزدیکی نسبی آن به ایده آل مثبت خواهد بود. پایه تصمیم گیری، بر اساس تصمیم گیری فازی تاپسیس می باشد.

بحث و بیان یافته ها

توصیف ویژگی های فردی و جمعیت شناسی

اطلاعات گروه نمونه با توجه به شاخص های فراوانی و درصد فراوانی و در زمینه ویژگی های جنسیت، میزان تحصیلات، طبقه شغلی و سابقه کار در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. اطلاعات جدول شماره ۱ نشان می دهد که ۸۵/۵ درصد

۵. ارزیابی بعضی از شاخص های کیفی بسیار مشکل است و تنها می توان با استفاده از مقیاس های بیانی آن ها را ارزیابی نمود؛

با توجه به موارد ذکر شده، بدیهی است اولویت بندی تمامی معیارها و شاخص ها، بدون استفاده از مدل تصمیم گیری چندمنظوره چندمعیاری امکان پذیر نمی باشد (Mianabadi and Afshar, 2012). در این تحقیق نیز شاخص های اصلی حکمرانی پایدار در مدیریت بهم پیوسته منابع آب در فضای فازی و با به کارگیری نرم افزار مربوطه تحت عنوان نرم افزار تصمیم گیری فازی، رتبه بندی گردید. با استفاده از این نرم افزار ویژه تصمیم گیری چندمعیاره فازی، براساس کل پاسخ های دریافتی بدون لحاظ نمودن تفکیک های گروهی، رتبه بندی معیارها انجام گرفت (Memariani, 2005). در این روش قبل از هر محاسبه ای، ابتدا واژه های کیفی با معیارهای مناسبی به اعداد فازی تبدیل و اعداد فازی با استفاده از روش های فازی زدایی به اعداد حقیقی تبدیل شده،

جدول ۲. امتیاز نهایی معیارهای حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب

ردیف	رتبه	شرح معیار	امتیاز	وزن (درصد)	ضریب وزنی امتیاز
۱	۶	بهم پیوستگی آب و محیط زیست	۸۲/۷۹	۰/۱۱	۸/۴۹
۲	۷	اعمال نگرش سیستمی	۸۲/۷۳	۰/۱۱	۸/۹۳
۳	۱	مشارکت کلیه ذی‌نفعان یا مشارکت مردمی	۹۱/۹۵	۰/۱۲	۱۱/۰۳
۴	۵	توجه به ابعاد اجتماعی	۸۳/۴۵	۰/۱۱	۹/۰۸
۵	۳	تدوین ساختار مناسب با حکمرانی پایدار	۸۸/۵۳	۰/۱۲	۱۰/۲۲
۶	۸	تدوین قوانین مناسب با حکمرانی پایدار	۸۱/۱۴	۰/۱۱	۸/۵۹
۷	۴	تدوین سیاست‌های مناسب با حکمرانی پایدار	۸۶/۶۱	۰/۱۱	۹/۶۹
۸	۲	دسترسی به اطلاعات پایه برای سیاست‌گذاری‌ها	۸۹/۱۴	۰/۱۲	۱۰/۳۷
۹	۹	بهم پیوستگی مدیریت منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی	۸۰/۶۷	۰/۱۱	۸/۴۸

سال و ۳/۶ درصد دارای سابقه کار بیشتر از ۳۱ سال می‌باشند.

اولویت‌بندی معیارها و شاخص‌ها با استفاده

از نرم‌افزار تصمیم‌گیری فازی

اولویت‌بندی معیارهای حکمرانی در مدیریت

منابع آب

به منظور رتبه‌بندی معیارها، در مرحله اول مجموع امتیاز رتبه‌بندی را محاسبه و هر یک از امتیازات معیارها را بر مجموع امتیازات رتبه‌بندی تقسیم که حاصل به صورت درصدی محاسبه گردید. در مرحله بعد، با ضرب درصد محاسبه شده در امتیازات معیارها، نسبت به محاسبه ضریب وزنی امتیازها اقدام گردید، نتایج محاسبات در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

اولویت‌بندی شاخص‌های مشارکت مردمی

افراد پاسخ‌دهنده به سوالات مرد و ۱۴/۵ درصد بقیه زن می‌باشند. ۱۱/۸ درصد پاسخ‌دهندگان دارای مدرک لیسانس و پایین‌تر، ۵۵/۵ درصد آنان فوق لیسانس و ۳۲/۷ درصد دارای مدرک دکتری می‌باشند. حوزه فعالیت ۳۶/۴ درصد پاسخ‌دهندگان وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه، ۱۸/۲ درصد در وزارت جهاد کشاورزی، ۱۸/۲ درصد از آنان در دانشگاه، ۱۳/۶ درصد در سازمان‌های مردم‌نهاد و ۱۳/۶ درصد از جوامع بومی می‌باشد. ۲۹/۱ درصد پاسخ‌دهندگان دارای سابقه کاری ۱۱ الی ۲۱ سال بوده، ۶۷/۳ درصد دارای سابقه کار بین ۲۱ تا ۳۰

جدول ۳. امتیاز شاخص‌های معیار بهم پیوستگی آب و محیط زیست؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

رتبه	شرح معیار	امتیاز
۱	به هنگام سازی طرح جامع آب کشور	۸/۶۸
۲	اعمال مدیریت یکپارچه و توأم کمی و کیفی	۲۰/۹۶
۳	بررسی پیامدها و آثار زیست محیطی منابع آب	۲۰/۲۸
۴	استقرار ساختار و حوضه آبریز در مدیریت آب کشور	۱۷/۷۳
۵	حفاظت و بازیابی اکوسیستم‌های وابسته به آب	۱۶/۸۷

جدول ۴. امتیاز نهایی شاخص‌های معیار نگرش سیستمی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

رتبه	شرح شاخص	امتیاز
۱	تدوین نظام جامع بهره‌برداری از منابع آب کشور	۱۴/۵۱
۲	همزمانی و هماهنگی در اجرای طرح‌های ذخیره‌سازی و تأمین آب	۱۶/۲۷
۳	تکوین چرخه کامل استفاده از آب	۱۴/۰۹
۴	آموزش سیستماتیک سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان	۲۰/۸۷
۵	تدوین سند آمایش سرزمین	۱۷/۴۲

جدول ۵. امتیاز شاخص‌های معیار مشارکت کلیه ذی‌نفعان (مردمی)؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

رتبه	شرح شاخص	امتیاز
۱	تشکیل و تقویت تشکل‌های آب‌بران و بهره‌برداران منابع آب	۱۸/۱۳
۲	جلب مشارکت مردم در جهت حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع آب	۱۸/۷۵
۳	تلاش آگاهانه در راستای جلب نظر و همکاری ذی‌نفعان حوضه آبریز در طراحی، اجراء و بهره‌برداری طرح‌های بخش آب	۱۸/۲۴
۴	تقویت مشارکت مردمی از طریق حمایت‌های قانونی و تشویقی و تسهیل در انتقال امور تصدی‌گری به آنها	۱۷/۳۱
۵	تقویت مشارکت مردمی از طریق آموزش ذی‌نفعان، ذی‌مدخلان و ذی‌نفعان	۱۹/۵۸

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۸۴

منابع آب سطحی و زیرزمینی امتیاز این شاخص ۱۰/۲۱، در بخش تدوین قوانین مناسب نیز شاخص آموزشی دارای امتیاز ۲۰/۱۶، در معیار مربوط به تدوین سیاست‌های مناسب حکمرانی پایدار این شاخص با کسب ۱۰/۷۶ امتیاز و در بخش نگرش سیستمی این شاخص ۲۰/۸۷ امتیاز را کسب

نتایج حاصل از اولویت‌بندی شاخص‌ها در جداول ۱۱ الی ۱۱، نشان می‌دهد، از بین شاخص‌های مورد ارزیابی، شاخص‌های آموزشی در کلیه معیارها، امتیاز بیشتری نسبت به سایر شاخص‌ها داشته‌است. به عنوان نمونه در معیار مربوط به مشارکت مردمی امتیاز آموزشی ۱۹/۵۸، در معیار بهم پیوستگی

جدول ۶. امتیاز شاخص‌های معیار مربوط به ابعاد اجتماعی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	شرح معیار	امتیاز
۱	تقویت جایگاه مطالعات اجتماعی در طراحی، اجراء و بهره‌برداری از طرح‌های آبی	۱۴/۰۳
۲	افزایش سطح آگاهی‌های عموم در برنامه‌ریزی، اجراء و بهره‌برداری از طرح‌های توسعه منابع آب	۱۸/۱۶
۳	مشارکت ذی‌نفعان در کلیه امور برنامه‌ریزی‌های	۱۴/۶۴
۴	تقویت ارتباط و هماهنگی با مراکز و مؤسسات آموزش عمومی در راستای ترویج مصرف بهینه و حفاظت از منابع آب از طریق متون درسی	۱۲/۴۹
۵	تقویت ارتباط و هماهنگی با مراکز دانشگاهی جهت انجام تحقیقات و طرح‌های پژوهشی	۱۳/۶۰
۶	ایجاد نظامات حقوقی و ارتباط مردمی برای مشارکت	۱۱/۰۳

جدول ۷. امتیاز شاخص‌های معیار ایجاد ساختار مناسب با تقویت حکمرانی پایدار؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	شرح شاخص	امتیاز
۱	ایجاد ساختار سازمانی مدیریت حوضه آبریز	۲۹/۱۲
۲	تقویت ساختار در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی در چارچوب حوضه‌های آبریز به عنوان یک واحد پایه مدیریت آب	۲۵/۵۲
۳	پشتیبانی و ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان ذخایر فکری	۳۴/۲۲

جدول ۸. امتیاز شاخص‌های معیار تدوین قوانین مناسب حکمرانی پایدار؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	شرح معیار	امتیاز
۱	وضع قوانین جدید مبتنی بر مدیریت حوضه آبریز	۱۸/۴۰
۲	تدوین قوانین مربوط به حقوق آب	۱۶/۳۴
۳	تدوین قوانین مربوط به دامنه مشارکت بخش خصوصی در کلیه برنامه‌ریزی‌های منابع آب	۱۵/۸۳
۴	تدوین قوانین مربوط به آموزش و ظرفیت‌سازی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در حکمرانی آب	۲۰/۱۶
۵	تدوین قوانین مرتبط با حل و فصل تعارضات منابع آب و پاسخگویی	۱۱/۱۷

جدول ۹. امتیاز شاخص‌های معیار دسترسی به اطلاعات پایه برای سیاست‌گذاری‌ها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	شرح شاخص	امتیاز
۱	ایجاد مرکز ملی داده‌های آب	۱۸/۶۹
۲	احداث سامانه پایش و نظارت بر آلاینده‌های منابع آب	۱۶/۴۴
۳	ایجاد بانک اطلاعاتی حوضه‌های آبریز شامل اطلاعات مربوط به منابع و مصارف آب، کاربری اراضی و سطوح زیرکشت در قالب GIS	۲۰/۲۲
۴	تدوین نظام جامع اطلاعاتی منابع و مصارف و تخصیص منابع آب	۱۸/۰۲
۵	توسعه و تجهیز سامانه سنجش کمی منابع آب به منظور رفتارسنجی آن‌ها	۱۵/۹۳

جدول ۱۰. امتیاز شاخص‌های معیار تدوین سیاست‌های مناسب حکمرانی پایدار؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	شرح معیار	امتیاز
۱	تقویت مبانی تصمیم‌گیری و مدیریت بخش آب با استفاده از آموزش مناسب جهت مشارکت هر چه وسیع‌تر ذی‌نفعان	۱۰/۷۶
۲	تأمین آب مطمئن برای مردم	۸/۷۷
۳	استفاده از فن‌آوری‌های نوین جهت استفاده مجدد و بازیافت آب	۸/۰۴
۴	استفاده از دانش بومی	۱۰/۱۷
۵	اتخاذ سیاست‌های تمرکززدایی	۱۰/۴۰
۶	پایش کمی و کیفی منابع آب	۹/۵۷
۷	در نظر گرفتن حوضه آبریز به عنوان مهم‌ترین واحد برنامه‌ریزی	۹/۸۰
۸	دستیابی به دسترسی منصفانه به آب آشامیدنی سالم برای همه مردم	۹/۹۸
۹	گسترش همکاری‌های بین‌المللی و حمایت از ظرفیت‌سازی برای توسعه کشورها و برنامه‌ها در فعالیتهای مربوط به آب و فاضلاب	۸/۴۸

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۸۶

نموده‌است.

از طرفی طبق تحقیقات نوردلند و گراویل در سال ۲۰۰۲ نشان می‌دهد که ناآگاهی گسترده‌ای در مورد روابط میان اشکال گوناگون توسعه و پیامدهای آن‌ها بر محیط زیست به چشم می‌خورد. اگر چه امروزه بسیاری از مردم خود را طرفدار محیط زیست می‌دانند، اما علیرغم نگرش‌های مثبت خود، رفتارهای مثبت جهت حفظ محیط

به طور کلی مقایسه یافته‌های پژوهش با تحقیقات قبلی نشان داده‌است که رویکرد حکمرانی تطبیقی که با مشارکت بخش‌های دولتی، خصوصی و مشارکت‌های مردمی صورت می‌پذیرد، کاملاً منطبق با حکمرانی پایداری است که هم‌اکنون مطرح می‌باشد.

جدول ۱۱. امتیاز شاخص‌های معیار بهم‌پیوستگی منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	شرح معیار	امتیاز
۱	استقرار نظام تخصیص مبتنی بر حسابداری ملی منابع و مصارف آب و پایش آن	۶/۵۲
۲	تدوین و تصویب سند ملی تخصیص آب از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی	۵/۵۰
۳	تهیه و صدور اسناد آب بر مبنای امکانات فنی، پتانسیل آب، نوع و میزان بهره‌برداری	۶/۹۰
۴	بهبتر کردن کیفیت آب با کاهش آلاینده‌ها، از میان بردن دفن زباله و به حداقل رساندن رهاسازی ضایعات و مواد آلاینده	۹/۶۸
۵	توسعه و بهره‌برداری از منابع آب در چارچوب ظرفیت قابل تحمل محیط‌های آبی و یا تحویل حجمی آب	۸/۷۶
۶	بهره‌برداری تلفیقی از منابع آبی براساس ظرفیت‌های موجود و انواع مصارف در راستای احیاء آبخوان‌های	۸/۷۳
۷	تلاش جهت ارتقاء آگاهی‌های عمومی در خصوص حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب	۱۰/۵۷
۸	آموزش سیاست‌گذاران در خصوص استفاده از نتایج آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی در آبخوان‌های آمایش شده	۱۰/۲۱
۹	رویکرد نگرش حوضه آبریزی	۸/۱۴

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۸۷

چه سطح دانش و اطلاعات فردی بالاتر باشد در چگونگی حل مسائل محیط زیستی به کار خواهد آمد و کمبود یا فقدان آن در حکم سدی اساسی برای بروز رفتارهای مثبت محیط زیستی است. بنابراین یکی از اصول مهم جهت تحقق و دستیابی به حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب، آموزش می‌باشد. طبق تحقیقات کارمی و همکارانش در سال ۲۰۱۵، تبدیل دانش محیطی زمانی منجر به رفتار محیط زیستی می‌گردد تا احساسات محیط زیستی فرد تحریک گردد. نتیجه اینکه دانش یک متغیر مهم برای ایجاد احساسات محیطی است (Carmi et al, ۲۰۱۵: ۱۸۳-۲۰۱). نتایج حاصل از تحقیق در یک جمع‌بندی کلی، به شرح زیر قابل حصول می‌باشد:

زیست را انجام نمی‌دهند. دلیل احتمالی این امر آن است که فرد در موقعیتی قرار می‌گیرد که میان منافع شخصی کوتاه مدت و منافع جمعی درازمدت تعارض پیش می‌آید (Nordland et al, ۲۰۰۲: ۳۶۳-۳۷۷). بررسی وضعیت موجود منابع آب نشان می‌دهد روند فعلی توسعه، اثرات نامطلوبی بر منابع آب به عنوان یک عنصر اصلی و حیاتی محیط زیست داشته که منطبق با نظرات نوردلند و گراویل است. طبق نظرات تیلبری در سال ۲۰۰۵ آموزش از طریق رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به پاس‌خگویی مناسب و مطلوب افراد کمک می‌کند (Tilbury et al, ۲۰۰۵). هر

الف- نتایج حاصل از جدول شماره ۳ ال ۱۱، نشان می‌دهد که شاخص‌های آموزشی جهت ارزیابی حکمرانی پایدار در اعمال مدیریت بهم پیوسته منابع آب وجود داشته که به این ترتیب جواب سوال اول تحقیق، مثبت می‌باشد.

ب- با توجه به نتایج یافته‌ها نیازمند تدابیری جهت تقویت حکمرانی پایدار در مدیریت بهم پیوسته منابع آب می‌باشیم که یکی از بهترین راه‌حل‌ها، ارائه الگوی آموزش محیط زیست می‌باشد که در این بخش به تدوین الگوی آموزشی مناسب اشاره می‌گردد.

تدوین الگوی آموزشی جهت تقویت حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب

مؤلفه‌های حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب کشور شامل دولت، قوه قضاییه، قوه مجریه، ذی‌نفعان، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌باشد. موفقیت حکمرانی پایدار مدیریت منابع آب کشور در گرو تدوین و بکارگیری الگوهای آموزشی، به عنوان یکی از ابزارهای مدیریتی می‌باشد. برنامه آموزش محیط زیست باید در یک نظام آموزش غیررسمی و در قالب آموزش‌های ضمن خدمت صورت پذیرد (قائمی، ۱۳۹۵). در این مقاله با استناد به نتایج تحقیق، الگوی آموزشی مطابق شکل ۲، ارائه می‌گردد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به نقش کلیدی آب به عنوان یک عنصر مهم محیط زیستی و نیز نقش استراتژیک آب در فرآیند توسعه پایدار، این آموزش نه تنها یک ضرورت سازمانی نبوده بلکه به عنوان یک اصل مهم برای رفاه ملی مطرح می‌باشد.

الف- برنامه‌ریزی:

این بخش شامل فعالیت‌های زیر است:

۱- نیازسنجی: آموزش در هر سازمانی بر حسب داده‌های نیازسنجی صورت می‌گیرد. نیاز آموزشی عبارت است از تغییرات مطلوبی که در فرد یا افراد یک سازمان از نظر دانش، مهارت یا رفتار باید به

وجود آید تا افراد بتوانند وظایف و مسئولیت‌های مربوط به شغل خود را در حد مطلوب، قابل قبول و منطبق با استانداردهای کاری، انجام داده و در صورت امکان زمینه‌های رشد و تعالی کارکنان را در ابعاد مختلف به وجود آورد.

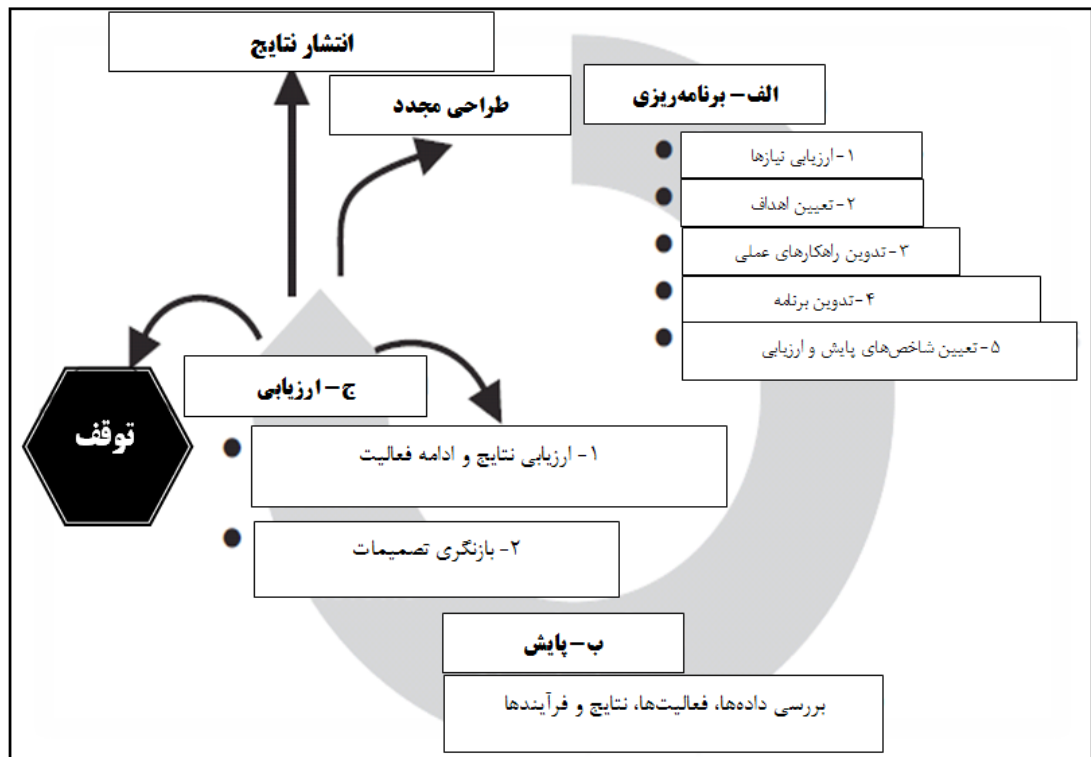
۲- تعیین اهداف: هدف‌ها عمدتاً از طریق نیازسنجی آموزشی به دست می‌آیند. معمولاً انتظار می‌رود که نتیجه و ماحصل فرایند نیازسنجی آموزشی، مجموعه‌ای از مهارت‌ها و دانش‌ها و نگرش‌های جدید باشد که کارکنان برای مسئولیت‌های حرفه‌ای خود به آن‌ها نیاز دارند. بنابراین می‌توان گفت که منظور اصلی از مطالعات نیازسنجی، دستیابی به هدف‌های دقیق و واقعی در فرآیند برنامه‌ریزی آموزش کارکنان جهت دستیابی با اهداف مدیریت بهم پیوسته منابع است. با توجه به هدف تحقیق و نتایج حاصله، در یک جمع‌بندی کلی این اهداف را می‌توان به صورت زیر نام برد:

به طور کلی اهداف آموزشی به دو دسته اصلی اهداف کلان و خرد تقسیم می‌گردند.

۱-۲- اهداف کلان: ایجاد تعادل اکولوژیکی و تأمین شرایط کمی و کیفی لازم در منابع آب؛

۲-۲- اهداف خرد: تغییر نگرش فردی در زمینه محدودیت منابع آب، استفاده از فن‌آوری‌های سازگار با محیط زیست جهت اجراء طرح‌های آبی، آینده‌نگری و تعهد در قبال نسل آینده جهت حفظ منابع آبی، ایجاد ساختار مناسب برای اعمال حکمرانی پایدار در مدیریت بهم پیوسته منابع آب، حفاظت کمی و کیفی از منابع ارزشمند آبی، افزایش آگاهی‌ها و تسهیل مشارکت مردم، حفاظت از بهداشت عمومی، توسعه منابع انسانی به عنوان مهم‌ترین پارامتر در حکمرانی پایدار مدیریت منابع آب، افزایش بهره‌وری آب، اصلاح الگوی مصرف، تضمین اجراء صحیح قوانین؛

۳- تدوین راهکارهای عملی: برای توسعه همه‌جانبه آموزشی، بایستی از راهکارهایی استفاده گردد تا منجر به تغییر نگرش و رفتار کلیه مدیران،



شکل ۲. فرآیند تدوین الگوی مطلوب آموزشی جهت حکمرانی پایدار منابع آب؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مسئولان، کارکنان و ذی‌نفعان در مدیریت منابع آب گردد. مهم‌ترین راهکار عملی در این بخش افزایش تحقیقات و مطالعات از طریق تقویت ارتباط و هماهنگی با مراکز دانشگاهی جهت انجام تحقیقات و طرح‌های پژوهشی و نیز تقویت ارتباط و هماهنگی با مراکز و مؤسسات آموزش عمومی در راستای ترویج مصرف بهینه و حفاظت از منابع آب از طریق متون درسی می‌باشد. امروزه بسیاری از کشورهای پیشرفته، درصد قابل توجهی از بودجه عمومی خود را صرف پژوهش و تحقیق می‌نمایند. بنابراین دستیابی به راه‌حل‌های مطلوب و مناسب برای رفع مشکلات موجود جز با کمک محققین و انجام و توسعه فعالیت‌های تحقیقاتی اعم از بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی، امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۴- تدوین برنامه: مهم‌ترین موضوع در تدوین برنامه شامل تهیه و تنظیم محتوای آموزشی، ساختار تشکیلاتی، اجراء دوره آموزشی و برنامه زمانی می‌باشد.

۴- ۱- تعیین محتوی: محتوای شامل اصول و مفاهیمی است که ورود کارکنان را به فعالیت‌های آموزشی و رسیدن آنان را به اهداف آموزشی میسر می‌سازد. در صورتی که هدف، از جامعیت و شفافیت لازم برخوردار باشد، مشخص کردن رئوس اساسی مطالب مورد بحث در دوره آموزشی، تا حد زیادی آسان می‌شود. علاوه بر مشخص کردن سرفصل‌های اصلی هر درس در یک دوره آموزشی، ضرورت دارد به منظور تصمیم‌گیری درباره محتوا و مواد آموزشی، از صاحب‌نظران و کارشناسان ذی‌صلاح نظرخواهی شود. ضمناً در تدوین منابع آموزشی، تناسب آن با ویژگی‌های آموزش‌گیرندگان نظیر اطلاعات قبلی، تجارب شغلی و مسائل و مشکلات آنان مورد توجه قرار گیرد. با توجه به نتایج تحقیق موارد زیر در تنظیم محتوای برنامه آموزشی پیشنهاد می‌گردد: توالی و به روز بودن مطالب، برقراری و ارتباط

می‌باشد.

مباحث و محتوای آموزشی با اهداف استراتژیک سازمان، بررسی اصول و قوانین موجود در زمینه آب و محیط زیست، مباحث مربوط به روش‌های بکارگیری رویکرد مدیریت تقاضا به جای مدیریت عرضه، نقش مدیریت حوضه آبخیز در زمینه حفظ اکوسیستم‌های آبی و خشکی منطقه، اثرات انتقال حوضه به حوضه آب، چگونگی اعمال مدیریت یکپارچه و توأم کمی و کیفی در مراحل تخصیص، مصرف، استفاده مجدد و حفاظت از آب در راستای حمایت از اکوسیستم، شیوه‌های جلب نظر و همکاری ذی‌نفعان حوضه آبریز در طراحی، اجراء و بهره‌برداری طرح‌ها و پروژه‌های بخش آب، استفاده از نتایج سند آمایش سرزمین در آبخوان‌های آمایش‌شده، روش‌های افزایش اساسی بهره‌وری آب در تمام بخش‌ها و تضمین کاهش بهره‌برداری، چگونگی تهیه و تأمین آب تازه بشکل پایدار بمنظور پاسخگویی به مشکل کمیابی آب و کاهش پایدار تعداد مردمی که از کمبود آب رنج می‌برند، بهتر کردن کیفیت آب با کاهش آلاینده‌ها، از میان بردن دفن زباله و به حداقل رساندن رهاسازی ضایعات و مواد شیمیایی در منابع آب، کاهش نسبت فاضلاب‌های تصفیه‌نشده، افزایش بازیافت جهت استفاده دوباره و ایمن، توسعه و بهره‌برداری از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی در چارچوب ظرفیت قابل تحمل محیط‌های آبی و یا تحویل حجمی آب، بهره‌برداری تلفیقی از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی براساس ظرفیت‌های موجود و انواع مصارف در راستای احیاء آبخوان‌های با بیلان منفی و اصلاح نسبت به مصارف آب‌های سطحی و زیرزمینی. لازم به ذکر است تأکید بر ملاحظات اخلاق محیط زیست که مشخص نمودن حقوق شهروندی و مسئولیت افراد در خصوص حفظ منابع ارزشمند آبی برای نسل حاضر و نسل آینده بایستی در نظر گرفته شود.

۲-۴- ایجاد ساختار تشکیلاتی: ساختار آموزشی عاملی است که شیوه تعیین هدف‌های بلندمدت و

سیاست‌های آموزشی را تعیین و بر اساس آن منابع مورد نیاز تخصیص خواهد یافت. با توجه به اهمیت استراتژیکی آب، ساختار آموزشی باید به گونه‌ای طراحی گردد که در مسیر تدوین و اجراء مؤثر برنامه‌های استراتژیک آموزشی سازمانی قرار گیرد. در شرایطی که به دنبال تغییر در فرآیندهای بهسازی نیروی انسانی و تطبیق برآیند آموزش با استراتژی‌های سازمانی در راستای حکمرانی پایدار منابع آب است، به نظر می‌رسد که تغییر در ساختارهای نظام آموزشی فعلی در سازمان‌ها که کاملاً سنتی و متمرکز است، اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. همان گونه که قبلاً عنوان گردید مؤلفه‌های حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب کشور شامل قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضاییه، ذی‌نفعان، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد بوده و ساختار آموزشی مناسب شامل فراهم نمودن امکانات و تسهیلات برای هر یک از دستگاه‌های فوق (به استثناء ذی‌نفعان و مشارکت مردمی) می‌باشد. برای این امر لازم است تا علاوه بر ساختار آموزشی موجود در بدنه دستگاه‌های اجرایی، ضمن تخصیص بودجه مناسب، از نیروهای متخصص و مجرب با هماهنگی و همکاری نهادهای آموزشی استفاده نمود. هدایت، تدوین و پالایش نیازهای استراتژیک آموزشی، فرهنگ‌سازی، جمع‌آوری، نهایی کردن روش انجام کار و به تصویب رساندن آن توسط سلسله مراتب، از وظایف از نیروهای متخصص و مجرب می‌باشد.

۳-۴- اجراء دوره آموزشی: روش‌های آموزش گروهی (کنفرانس، سمپوزیوم، سمینار، فورپوم، روش کارگاهی، قضایای اداری، روش تحریک مغزی، شبیه‌سازی، ایفای نقش، بازی‌های مدیریتی، روش کاریه، آموزش حساسیت) و روش‌های آموزش فردی (آموزش به طریق مکاتبه، روش کارآموزی، آموزش خصوصی، آموزش در مشاغل مختلف، تجربه‌های برنامه‌ریزی‌شده)، دو دسته عمده از روش‌های آموزش می‌باشند.

بطور کلی اجراء دوره آموزشی شامل مراتبی برای

دستیابی به اهداف آموزشی است که عمدتاً از الگوهای سنتی نظیر برگزاری کلاس‌های درس استفاده می‌گردید. برای اجرای یک برنامه آموزشی مؤثر، ترکیبی از روش‌های مختلف آموزشی و رسانه‌های متفاوت از قبیل آموزش کلاسی، آموزش مبتنی بر وب، لوح فشرده، نوار ویدئویی، شبیه‌سازی، کتاب، کنفرانس، مقاله، اسلاید، دستورالعمل، بروشور، یارگیری از طریق موبایل و غیره استفاده می‌شود. امروزه تعداد بسیار کمی از سازمان‌ها تنها آموزش‌های کلاسی را ارائه می‌کنند. در عوض تأکید عمده بر استفاده و فراهم آوردن فرصت‌های مختلف از جمله سنجش عمیق نیازها، راه‌حل‌های دیگری برای آموزش نظیر مربی‌گری، فرایندهای یادگیری گروهی، فرآیند تغییر مبتنی بر مشاوره و غیره هستند. آموزش‌ها نیز حول محوری که هماهنگ با استراتژی‌های سازمان‌ها است، ارائه می‌شوند. سازمان‌ها باید در خصوص آموزش و بهسازی خود بسیار استراتژیک فکر کنند و اطمینان حاصل کنند که هر دوره آموزشی از اهداف سازمانی آن‌ها حمایت بعمل می‌آورد. به طور کلی مربی‌گری افراد را برای کار و انجام وظایف محوله آماده می‌کند در حالیکه منتورینگ افراد را برای تغییرات آینده، ارتقاء و دستیابی به اهداف استراتژیک آماده می‌سازد. با توجه به اهمیت موضوع حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب پیشنهاد می‌گردد تا روش آموزشی براساس یادگیری تجربی، عملی و مشارکتی باشد. از طرفی یکی از بهترین شیوه‌های آموزشی می‌تواند استفاده از شبکه‌های اجتماعی در قالب انجمن‌ها، گروه‌های کاری، پژوهشی و نشست‌های تخصصی باشد. در این شرایط یادگیری افراد با استفاده از تجربیات سایر کارکنان و سازمان‌هایی است که دارای عملکرد بهتری می‌باشند. از طرفی عضویت در شبکه‌های اجتماعی مربوط به مدیریت منابع آب هم در محیط سازمان و هم در خارج از آن سبب می‌گردد تا اعضاء از آخرین یافته‌ها و ایده‌ها در رابطه با کار خود مطلع شوند. در چنین حالتی

تربیت و توانمندسازی از حالت دوره‌ها و اقدامات برنامه‌ریزی‌شده و رسمی، خارج شده و بیشتر جنبه غیررسمی، اجتماعی و مداوم پیدا می‌کند.

۴-۴- برنامه زمانی: مطابق شکل شماره ۳، سال مقصد جهت دستیابی به حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب کشور، سال ۱۴۱۵ می‌باشد. همان‌گونه که در شکل مشاهده می‌گردد نقطه شروع سال ۱۳۹۵ بوده که بایستی برنامه آموزش محیط زیست جهت تقویت حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب با در نظر گرفتن تمام اهداف، محتوا، ساختار تشکیلاتی، فراهم نمودن امکانات و تسهیلات و بودجه موردنیاز جهت اجراء دوره، تعیین پارامترهای مهم پایش و ارزشیابی تدوین و در سال ۱۳۹۷ برای کلیه مدیران، مسئولان و کارکنان اجراء گردد. سپس برنامه اجرایی با در نظر گرفتن دستیابی به اهداف آموزشی در سال افق برنامه (سال ۱۴۱۵)، از سال ۱۴۰۰ در قالب ۳ دوره پنج‌ساله متناسب با برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی/ فرهنگی (برنامه کوتاه‌مدت)، به طور مداوم بررسی، بازنگری و به‌روزرسانی گردد.

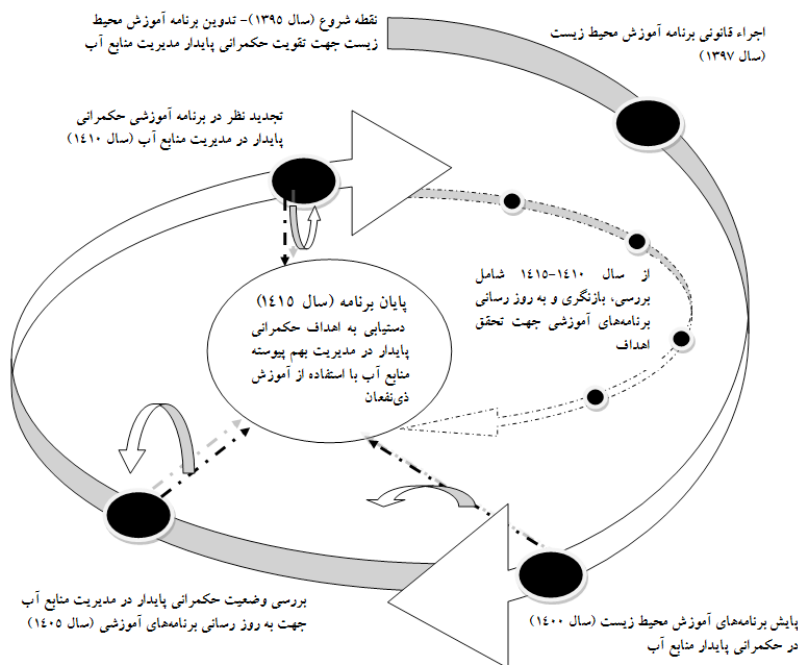
۵- تعیین شاخص‌های پایش و ارزیابی: مهم‌ترین شاخص‌ها در این خصوص تغییر نگرش برنامه‌ریزان و مدیران، افزایش سطح مشارکت کلیه ذی‌نفعان، استفاده از نتایج آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی منابع آب، بررسی وضعیت کیفی منابع آب، استفاده از فن‌آوری‌های نوین جهت استفاده مجدد و بازیافت آب، استفاده از دانش بومی، اتخاذ سیاست‌های تمرکززدایی و سایر شاخص‌های مربوط معیارهای ۹ گانه حکمرانی پایدار در مدیریت منابع آب می‌باشد.

ب- پایش

این بخش شامل بررسی داده‌ها، فعالیت‌ها، نتایج و فرایندها می‌باشد. هدف از پایش، تعیین تحقق اهداف بر اساس فعالیت‌های انجام شده می‌باشد. اطلاعات و نتایج حاصل از پایش باید بطور مستمر بررسی گردد تا عللی که موجب تقویت و یا تضعیف برنامه شده و نیز فرصت‌هایی که وجود

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016



شکل ۳. برنامه زمانی الگوی آموزشی جهت حکمرانی پایدار منابع آب؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

داشته و تهدیدهایی که در کمین برنامه بوده است، مشخص گردد.

ج- ارزیابی

این بخش شامل ارزیابی نتایج و ادامه فعالیت‌ها و یا بازنگری تصمیمات بوده که می‌تواند موفقیت دوره‌های آموزشی را تضمین نماید. ارزیابی به عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها جهت کارآیی و کارآمدی فرآیند آموزشی به شمار می‌رود. فعالیت ارزیابی مکمل فعالیت پایش بوده که طبق آن می‌توان به اشکالات و نواقص موجود در اهداف، محتوا، شیوه‌ها، وسایل آموزشی و اشکالات فعالیت‌های آموزشی دست یافت. نتایج حاصل از این بخش می‌تواند منجر به طراحی مجدد برنامه‌ریزی آموزشی، توقف فعالیت‌های آموزشی و انتشار نتایج برای پیشرفت هدف‌های آموزشی استفاده گردد.

ضرورت‌ها و دلایل بهبود حکمرانی علاوه بر تأمین شرایط عینی، به تأمین شرایط ذهنی از نظر تغییر نگرش‌ها و رویکردها در سطح بالای مدیریت جامعه و سطوح مختلف دیگر گرداران آب در سطح ملی و محلی، نیاز دارد. هر چند که در اغلب کشورها

شواهد مختلفی دال بر شروع این تغییر از دو دهه اخیر تاکنون است، اما در همه کشورها هنوز تافضا و مطالبه بهبود حکمرانی آب از طریق آموزش به صورت یک نیاز عمومی و عزم ملی بروز و ظهور پیدا نکرده است. یکی از اصول مهم حکمرانی مبتنی بر پایداری، اصل مشارکت همه افراد و گروه‌ها در تنظیم و اجراء تصمیمات مربوط به منابع محیطی می‌باشد که این امر منطبق با اهداف آموزش به ویژه آموزش محیط زیست می‌باشد. ضرورت‌ها و دلایل بهبود حکمرانی علاوه بر تأمین شرایط عینی به تأمین شرایط ذهنی از نظر تغییر نگرش‌ها و رویکردها در سطح بالای مدیریت جامعه و سطوح مختلف دیگر گرداران آب در سطح ملی و محلی، نیاز دارد. ضروری‌ترین اصل دستیابی به این امر، آموزش کلیه افراد در تمام سطوح می‌باشد. آموزش از طریق رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به پاسخگویی و ایجاد الگوهای رفتاری مناسب و مطلوب افراد کمک می‌کند. در

۳. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۳) آموزش ضمن خدمت اساسی ترین عامل بهسازی سازمان. تهران، انتشارات سمت.

۴. قائمی، آلاله، قائمی، پونه و شبیری، سید محمد (۱۳۹۳) بررسی سطح سواد محیط زیست کارکنان دولت جهت انتخاب مناسبترین شیوه آموزشی، فصلنامه علوم محیطی. ۱۲ (۲)، ۵۴-۴۳.

۵. قائمی، آلاله؛ لاریجانی، مریم؛ شبیری، سیدمحمد و سرمدی، محمدرضا (۱۳۹۵) ارائه مدل مفهومی حکمرانی پایدار در مدیریت بهم پیوسته منابع آب با تأکید بر آموزش و ظرفیت‌سازی. فصلنامه آب و فاضلاب. در دست چاپ.

۶. قائمی، آلاله (۱۳۹۵) تدوین الگوی آموزش محیط زیست جهت تقویت حکمرانی پایدار در مدیریت بهم پیوسته منابع آب با استفاده از تصمیم‌گیری فازی، رساله دکتری، دانشگاه پیام‌نور تهران.

۷. گزارش سالیانه مصارف آب کشور (۱۳۹۱)، معاونت امور آب، وزارت نیرو.

۸. معماریانی، عزیزالله (۱۳۸۷) راهنمای نرم‌افزار تصمیم‌گیری فازی، تهران، شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس.

۹. میان‌آبادی، حجت و افشار، عباس (۱۳۹۰) تصمیم‌گیری گروهی فازی ناهمگن در مدیریت یکپارچه منابع آب، نشریه مهندسی عمران شریف، ۲۷-۲ (۴)، ۱۳۱-۱۲۳.

10. Carmi, N., Arnon, S. and Orion, N. (2015). Transforming Environmental Knowledge Into Behavior: The Mediating Role of Environmental Emotions. The Journal of Environmental Education, 46 (3):183-201.

11. Colvin, W. and Chawla, L. (2015). Environmental identity formation in nonformal environmental education programs. The Journal of Environmental Education, 46 (3):1-24.

12. Despic, O. and Simonovic, S.P. (2000). Aggregation operators for soft decision making in water

خاتمه پیشنهاد می‌گردد تا موارد زیر در الگوی آموزشی، در دستورکار قرار گیرد:

۱. نسبت به آموزش مدیران و نیز درگیر نمودن آنان در تعیین دوره و طراحی محتوای دوره آموزشی به ویژه موضوع مباحث مربوط به حکمرانی پایدار آب و محیط زیست اقدام گردد.

۲. مطابقتی بین آموزش هر سازمان با سایر سازمان‌ها در زمینه آب و محیط زیست به عمل آید.

۳. ارتباطی بین آموزش‌های مربوط به مباحث آب و محیط زیست با برنامه استراتژیک هر سازمان برقرار نمود.

۴. تمام افراد ذی‌نفع در فرآیند آموزش مشارکت داشته و دیدگاه‌های آنان در فرآیند آموزشی لحاظ گردد.

۵. شرکت‌کنندگان باید فرصت‌های مساوی برای اظهارنظر داشته باشند.

۶. رویکرد روش‌های آموزشی انعطاف‌پذیر باشد.

۷. انگیزه شرکت و نیز عدم‌انگیزه و موانع‌های متعدد عدم شرکت کارکنان در دوره‌های آموزشی بررسی و جهت رفع آن اقدام گردد.

۸. با شناسایی و گزینش افراد تأثیرگذار و کلیدی در فرآیندهای آموزشی می‌توان از طریق مهارت‌های ارتباطی، از موقعیت و نفوذ این افراد در موفقیت برنامه‌های آموزشی استفاده نمود.

۹. بازخور اثربخشی فرآیند اجراء برنامه آموزش، به شرکت‌کنندگان اعلام گردد.

۱۰. نسبت به برقراری اعطاء جایزه سالیانه به مدیران مؤثر و نیز نشان آموزش به مدیران فعال اقدام نمود.

منابع و ماخذ

۱. ابطحی، سید حسین (۱۳۶۶) مفهوم، خواص و مشکلات آموزش کارکنان. فصلنامه مدیریت و توسعه. (۱) ۱، ۵۶-۵۱.

۲. اندیشکده تدبیر آب ایران (۱۳۹۳) ارزیابی مقدماتی حکمرانی آب کشور از نگاه اندیشکده تدبیر آب ایران.

- resources. *Fuzzy Sets and Systems*, 115: 11-33.
13. Feldman, D., Sengupta, L. S., Stuvick, L., Stein, E., Pettigrove, V. and Arora, M. (2015). Governance issues in developing and implementing offsets for water management benefits: Can preliminary evaluation guide implementation effectiveness?. *WIREs Water*, 2 (2).
14. Fransson, N. & Garling, T. (1999), Environmental Concern Conceptual definitions, Measurement Methods, and research Findings, *Journal of Environmental psychology*, 19, 369-382.
15. Ghaemi, A., Larijani, M. and Ghaemi, p. (2015). Policy Making and Planning the Environmental Education to Localization the Use of Renewable Energies in Iran. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*, 5 (9S): 484-491.
16. Hursh, D., Henderson, J. and Greenwood, D. (2015). Environmental education in a neoliberal climate. *The Journal of Environmental Education*, 21 (3): 299-318.
17. Kopnina, H. (2014). Debating ecological justice: implications for critical environmental education. *Chinese Journal of Population Resources and Environment*, 12 (4):290-300.
18. Kopnina, H. (2014). Future Scenarios and Environmental Education. *The Journal of Environmental Education*, 45 (4):217-231.
19. Nordland, A. and Garvill, J. (2002). Value Structures and behavior toward the environment, the case of Lake Burder. *Turkey Environment and behavior Journal*, 34: 363-377.
20. Tilbury, D. and Cooke, K. (2005). A National Review of Environmental Education and its Contribution to Sustainability in Australia, *Frameworks for Sustainability*, Canberra, Australian Government Department of the Environment and Heritage and the Australian Research Institute in Education for Sustainability (ARIES).
21. UN-Water (2009). *Water In A Changing World*. World Water Assessment Programme. The United Nations World Water Development. Report 3.
22. Wallner S, Hunziker M, Kienast F. (2003). Do natural Science experiments influence Public attitudes towards environmental problems, *Global environmental Change*; 13: 185-194.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۱۹۴ ■

طراحی و اعتبار سنجی ابزاری جهت ارزیابی دوسو توانی در مدیریت سازمانی

کیومرث نیاز آذری - استاد تمام و عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران.
محمد صالحی - دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران.
سهیلا خسروابادی* - دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش طراحی ابزاری جهت ارزیابی استراتژی دوسو توانی در سازمان می باشد. به منظور دستیابی به هدف پژوهش نمونه ای ۱۷۳ نفری از اعضا هیئت علمی (با مرتبه علمی استادیار به بالا) از دانشگاه های استان خراسان شمالی در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ با استفاده از فرمول کوکران با روش طبقه ای نسبی انتخاب گردیدند. در این مطالعه با توجه به هدف و ماهیت پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل عامل اکتشافی و تاییدی استفاده شده است. نتایج حاصل از مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته و به روش هدفمند از ۱۴ نفر از اساتید خبره دانشگاهی منجر به ساخت پرسشنامه اولیه محقق ساخته در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت با ۷۱ گویه گردید که با انجام تحلیل اکتشافی ۱۰ گویه به دلیل مقادیر اشتراک استخراجی کوچک تر از ۰,۵ حذف گردید. روایی محتوایی پرسشنامه توسط خبرگان دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی روایی سازه، از دو معیار روایی همگرا و واگرا استفاده شد. نتایج به دست آمده از بارهای عاملی گویه های هر عامل نشان داد، کلیه گویه ها دارای بار عاملی بیش از ۰,۴ و میانگین واریانس استخراج شده، بالای ۰,۵ بودند، لذا روایی همگرا این متغیرها تأیید شد. علاوه بر این، مقادیر جذر میانگین واریانس استخراج شده بیشترین مقدار را نشان می داد که بیانگر وجود روایی واگرا در بین متغیرهای پژوهش بود. پایایی و پایایی ترکیبی پرسشنامه برای همه متغیرها مقادیر بالای ۰,۷ را نشان داد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل عامل تاییدی نشان داد که عوامل و مولفه ها از برازندگی قابل قبولی برخوردار هستند و با سازه زیربنایی همسو هستند و در نهایت طراحی این پرسشنامه به عنوان ابزاری معتبر و روا می تواند گامی در جهت سهولت تحقیق در ارزیابی دوسو توانی سازمانی در سازمانهای ایرانی باشد.

واژگان کلیدی: دوسو توانی سازمانی، اکتشاف، بهره برداری، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی.

Design and validation tool to assess the two sides can in organizational management

Abstract

The aim of this study was developing a tool to assess an organization's strategy ambidexterity. To achieve this goal a sample of 173 students of the faculty (academic rank of associate professor with the above) from the University of North Khorasan province in the 94-95 school years were selected using stratified. In this study, the analysis of data from exploratory and confirmatory factor analysis was used. Validity of the questionnaire was confirmed by academic experts. To assess the validity, convergent and divergent validity of the two criteria were used. The results of factor loadings statements of each factor indicated, all items have cause more than 0.4 times the average variance extracted over 0.5, thus confirming convergent validity of the variables. In addition, the square root of the average variance extracted values showed the highest value indicating the validity of the variables. Combining the reliability and validity of the questionnaire for all variables showed high levels of 0.7. The results of confirmatory factor analysis showed that the factors and components of fitness are acceptable And are consistent with the underlying structures. And finally the design of the questionnaire as a valid and reliable instrument can step in to facilitate research in the evaluation of the organization in Iranian organizations is double.

Key words: double the organization, exploration, exploitation, exploratory factor analysis, confirmatory factor analysis.

عملکرد کوتاه مدت و آمادگی برای بقای بلندمدت، توجه تئوری های مدیریتی را به خود جلب کرده است. سازمانها طبق این دیدگاه باید به طور کارآمد در زمینه مهارتها و شایستگی های خود سرمایه گذاری کنند در عین حال انعطاف پذیری خود را برای انطباق موثر با تغییرات در محیط کسب و کار حفظ نمایند (O'Reilly & Tushman, 2008, Turner & etal, 2008 Raisch & Birkinshaw, 2013).

تاشمن و اوریلی (Tushman and O'Reilly, 1996) بر مبنای تحقیقات انجام شده توسط دانکن (1976) اولین کسانی بودند که نظریه دوسو توانی سازمانی را مطرح کردند. تعریف دوسو توانی آسان نیست و این به دلیل مفهوم آن است که در دامنه وسیعی از زمینه های علمی گوناگون به کار گرفته شده است. افزایش کاربرد این مفهوم در ادبیات دانشگاهی و نیز پروژه های اجرایی نشان دهنده اهمیت این موضوع است. سیمسک معتقد است که از دوسوتوانی در حوزه های متعددی از جمله مدیریت استراتژیک، مدیریت نوآوری، یادگیری سازمانی، و رفتار سازمانی و مدیریت استراتژیک می توان بهره برد (Simsek, 2009). کلمن و استوکمن استدلال می کنند که دوسو توانی به عنوان ظرفیت سازمان، جهت تعقیب همزمان اکتشاف و انتفاع با کمک انسجام بین تلاش های یادگیرنده و نتایج یادگیری تعریف می گردد (Kollmann, and Stockmann, 2010). اوریلی و تاشمن دوجانبه گرایی را به عنوان ظرفیت اجرای راهبردهایی که از ایجاد و نگهداری به طور موفق در طول زمان حمایت می کنند، تعریف می کنند (O'Reilly, Tushman, 2013). قابل قبول ترین تعریف در مورد دوسوتوانی توازن بین اکتشاف و استخراج است؛ یعنی سازمانهایی که می توانند قابلیت های موجود خود را استخراج و همزمان فرصت های جدید را کشف کنند. جیمز مارچ به این موضوع به عنوان کشف احتمالات جدید و استخراج مسائل قطعی قدیمی اشاره می کند

چشم انداز رقابتی سازمانها در بسیاری از موارد تغییر کرده است. تغییرات سریع فناوری، فشرده سازی چرخه زندگی محصولات و خدمات و نیز اوج گرفتن رقابت، سازمانها را به تمرکز بر کارایی همزمان بلند مدت و کوتاه مدت و کسب مزیت رقابتی مجبور ساخته است (March, 1991; He and Wong, 2004; Cao et al, 2009; Tushman and etal, 2011; Smith & Elger, 2013). کارایی کوتاه مدت در این محیط معطوف به رقابت در بازار موجود با بهبود محصول و افزایش کیفیت فرایند و عملکرد عملیاتی شده است، در حالی که اجرای طولانی مدت در ارتباط با بررسی های آینده از طریق نوآوری و اکتشاف است (Gupta et al, 2006; Jansen et al, 2011; Wei et al, 2009; Cao et al, 2012). استفاده از مفهوم دوسو توانی در عرصه های علمی در سال های اخیر به سرعت در حال افزایش یافتن است (Katila and Ahuja, 2002; Birkinshaw and Gibson, 2004; Simsek et al, 2009; Andriopoulos and Lewis, 2010). یکی از ایده های اساسی در علم سازمانی این است که سازمان باید بتواند از قابلیت های موجود خود استفاده کند و در آن واحد توانایی های جدید و اساسی در جهت دستیابی به مزیت رقابتی را کسب کند، علاوه بر اینکه وظایف گذشته خود را نیز به طور دقیق انجام دهد (O'Reilly and Tushman, 2011; Markides, 2013). بررسی سابقه سازمانهایی موفق و با قدمت بالا همچون؛ والمارت، تویوتا، داچ شل که بقای بلندمدت خود را از طریق نوآوری و تغییر تضمین کرده اند، در حالی که بر روندهای گذشته و شایستگی های محوری و اصلی سازمان نیز پشت نکرده اند و همواره آن را مدنظر داشته اند (Smith and Lewis, 2011; McCarthy and Gordon, 2011)، نشان می دهد که دوسوتوانی به عنوان یک ظرفیت مدیریتی منحصر بفرد برای حفظ تعادل بین بهینه سازی

(March, ۱۹۹۱). استخراج موضوعاتی مانند انتخاب، پالایش، تولید، دسته‌بندی و اجرا را دربرمی‌گیرد. این در حالی است که اکتشاف دانش‌آفرینی و تحلیل فرصت‌های آینده را همراه خود دارد (Raisch, Birkinshaw, Probst, Tushman, ۲۰۰۹). سازمان‌هایی که اکتشاف را ترجیح می‌دهند و استخراج را کنار می‌گذارند، دچار هزینه‌های آزمایش کردن می‌شوند، بدون اینکه مزایای چندان‌ی از آن به دست آورند. این شرکت‌ها سرشار از ایده‌های ارائه نشده و قابلیت‌های غیرمتمايز هستند. در مقابل، سازمان‌هایی که اکتشاف را کنار می‌گذارند و درگیر استخراج می‌شوند، احتمالاً در دام توازن ثابت می‌افتند، یعنی پیشرفتی نمی‌کنند و فقط بازدهی دارند. ایجاد یک توازن مناسب بین اکتشاف و استخراج فاکتور اصلی در شکوفایی سیستم هر شرکت است، یک سازمان برای تضمین موفقیت بلندمدت خود باید بتواند بر هر دو مسلط شود. تمرکز بیش از حد بر استخراج اغلب باعث می‌شود یک سازمان دید بلندمدت خود را از دست بدهد، درحالی‌که تاکید بیش از حد بر اکتشاف نسبت به استخراج به معنی ساخت کسب‌وکار آینده به قیمت از دست دادن آن در امروز است.

گیبسون و بیرکینشا، دوسوتوانی سازمانی را توانایی یک سازمان در اجرای همزمان استراتژی امروز می‌دانند ضمن این که فردا برخاسته از شرایطی است که کارکنان به کار می‌گیرند و توسعه می‌دهند (Gibson, Birkinshaw, ۲۰۰۴). آندریپولوز و لیواز نیز دوسوتوانی را به عنوان توانایی همزمان دنبال کردن تغییر و نوآوری تدریجی و رادیکال به طور همزمان معرفی می‌کنند که مدیریت هر دو بعد به طور همزمان نیازمند مدیریت تنش ناشی از تغییر و نوآوری در سازمان است. ایجاد تعادل بین اکتشاف و بهره‌برداری به شکل ایده‌آل منجر به برتری یافتن در هر دو آنها خواهد شد (Andriopoulos & Lewis, ۲۰۰۹). گوپتا و همکارانش، نیز نشان می‌دهد که تعاریف مورد استفاده برای بهره‌برداری

و اکتشاف در میان نویسندگان ناسازگار هستند به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران از بهره‌برداری به عنوان استفاده مجدد از دانش موجود با آموزش های مضاعف یاد می‌کنند، در حالی که نوآوری و یادگیری تازه، اکتشاف نامیده می‌شود (Gupta, Smith, Shalley, ۲۰۰۶). کلمن و همکارانش (۲۰۰۹) علاوه بر بحث در مورد دوسو توانی به ارتباط نقش آن در جلو‌گیری از بروز اینرسی در سازمانهای کارآفرین می‌پردازد. اوریلی و تاشمن، ادعا می‌کنند که: دوسو توانی به معنای تنوع و تصادف یا تحمل ناکارآمدی نیست بلکه یک رویکرد سنجیده و حساب شده در تنوع، حفظ و انتخاب است که با استفاده از تنظیم مجدد دارایی‌ها و قابلیت‌های موجود سازمان آنها را به سمت فرصت‌های جدید هدایت می‌کند (O'Reilly, Tushman, & ۲۰۱۳). وانگ و رافق، معتقدند که مطالعات نشان داده‌اند که اکتشاف و بهره‌برداری نیازمند تفاوت اساسی در ساختار، فرایند، استراتژی، توانمندی و فرهنگ سازمانی هستند که می‌تواند اثرات متفاوتی بر سازگاری سازمان و عملکرد آن داشته باشد (Wang, Rafiq, ۲۰۱۴). اکتشاف با ساختار ارگانیک، تغییر سازمانی و فناوری در حال ظهور همراه است. بهره‌برداری با ساختار مکانیک، کنترل، بروکراسی و بازار با ثبات و مطمئن و پایدار همراه است (Zabiegalski, ۲۰۱۵). این مسائل به بحث‌های قابل توجهی پیرامون دوسو توانی منجر گردید به گونه‌ای که اگر چه اتفاق نظر در نیاز برای ایجاد تعادل (اکتشاف و بهره‌برداری) وجود دارد، اما فعالیت‌های تراز محور و انطباق محور همواره در مراتبی از تعارض سازمانی درگیر هستند. در این میان ساندرز و همکارانش از عنوان «توانمندیهای ترکیبی» برای تبیین توان جستجوی کاربردهای جدید برای دانش موجود و تأکید بر اینکه سازمانها از طریق ساختارهای داوطلبانه یک محیط اجتماعی ایجاد می‌نمایند که این توانمندیها را تقویت می‌کند، استفاده نموده‌اند (Saunders,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

Lewis, Thornhill, ۲۰۰۷). بنابراین چه از تئوری های بیان شده دریافت می گردد تعریف ریشه ای که درباره دوسوتوانی می توان ارائه داد و در زمینه این پژوهش نیز از آن استفاده خواهد شد عبارتست از: « توانایی سازمان در بهبود دامنه دانش موجود (بهره برداری) و نیز خلق دانش جدید برای غلبه بر کاستی ها و نقائص دانش موجود یا فقدان تشخیص در اجرای کار (اکتشاف)» (March, ۱۹۹۱; Lee, Delone, and Espinosa, ۲۰۰۶; Moon & Huh, ۲۰۱۱; O'Reilly & Tushman, ۲۰۱۳; Zaidi, & Othman, ۲۰۱۴).

از سویی با توجه به جدید بودن مفهوم دوسو توانی در جامعه ایرانی، درک اهمیت و ضرورت شناخت استراتژی دوسو توانی سازمانی به تنهایی چاره سازمانهای امروز کشور نیست. باتوجه به مطالعات انجام شده در خصوص تاثیر مثبت دوسو توانی بر عملکرد سازمانهای امروزی (Adler and etal, ۲۰۰۹; Gibson, & Birkinshaw, ۲۰۰۴) و نیز با توجه به نتایج حاصل از مطالعات محقق مبنی بر عدم وجود ابزاری معتبر و روا جهت پرداختن به دوسو توانی و نقش آن در عملکرد سازمانهای کشور در این مقاله در پی آن هستیم تا به طراحی و تدوین ابزاری استاندارد جهت ارزیابی و سنجش دوسو توانی پردازیم تا این ابزار فرصتی در جهت پاسخ به چالشهایی باشد که سازمانهای کشور در محیط پیچیده شغلی خود با آن روبرو هستند؛ بنابراین، پژوهش حاضر برپایه هدف اصلی تهیه و استانداردسازی دوسو توانی سازمانی طراحی و اجرا شد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر نحوه گردآوری داده ها (طرح تحقیق) از نوع تحقیقات ترکیبی اکتشافی می باشد. شیوه گردآوری داده ها در این تحقیق از طریق مصاحبه، پرسشنامه و مطالعات کتابخانه ای می باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه اساتید تمام وقت با

مرتبه استادیار به بالای دانشگاههای استان خراسان شمالی در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ تشکیل داده اند که جمعیت آنها براساس آمار سازمان مدیریت و برنامه ریزی در سال ۱۳۹۴ معادل ۳۱۵ نفر می باشد. جامعه مورد بررسی در دو مرحله کمی و کیفی مشخص گردیده است. در بخش کیفی، نمونه گیری هدفمند و تا مرحله اشباع صورت گرفت به این صورت که فهرستی از خبرگان دانشگاهی تهیه و سپس با آنها تماس گرفته شد و مصاحبه به صورت باز و نیمه ساختار یافته انجام شد و در نهایت تعداد ۱۴ نفر از اساتید خبره در این تحقیق همکاری کردند و داده های تحقیق اشباع شد. مقدار نمونه در بخش کمی بر اساس فرمول کوکران در سطح خطای ۵٪ تقریباً ۱۷۳ نفر محاسبه شده است. روش نمونه گیری در بخش کمی از روش طبقه ای نسبی تصادفی استفاده شد که منظور از طبقات، گروه های علمی دانشگاه های (آزاد، دولتی، پیام نور و علوم پزشکی) است که به نسبت حجم جامعه نمونه ها در هر یک از طبقات مورد نظر به صورت تصادفی انتخاب شد.

یافته های پژوهش

جهت طراحی پرسشنامه دوسو توانی سازمانی لازم است تا مولفه های اصلی تاثیر گذار بر ابعاد اصلی دوسو توانی سازمانی شناسایی گردد. پیشینه تحقیقات و تعاریف نویسندگان مختلف همچون (اسمیت و تاشمن، ۲۰۰۵؛ اوریلی و تاشمن ۲۰۰۸؛ سیمسک ۲۰۰۹؛ رایش و بیرکینشا ۲۰۰۸؛ جانسن ۲۰۰۹؛ کلمن و همکارانش ۲۰۱۰؛ ترنر ۲۰۱۱؛ سوزوکی ۲۰۱۳؛ پاپا چرونی و همکارانش ۲۰۱۳) اکتشاف و بهره برداری را به عنوان دو بعد اصلی دوسو توانی سازمانی معرفی می کنند در این تحقیق نیز با توجه به تعریف مفهوم دوسو توانی در سازمان دو بعد اصلی اکتشاف و بهره برداری مبنای طراحی مولفه ها و شاخص های پرسشنامه دوسو توانی قرار می گیرد. به این منظور در بخش کیفی این تحقیق مفاهیم اولیه در مرحله کدگذاری

جدول ۱. تعیین حجم نمونه بر مبنای گروه‌های علمی دانشگاه‌های استان خراسان شمالی

گروه علمی						
هنر	کشاورزی	علوم پایه	پزشکی	فنی و مهندسی	علوم انسانی	
۵	۲۰	۴۵	۱۰۰	۳۵	۱۱۰	تعداد اساتید
۳	۱۱	۲۵	۵۶	۱۹	۶۱	تعداد نمونه

جدول ۲. آزمون کفایت نمونه برداری و کرویت بار تلت

بهره برداری	اکتشاف	
۰.۶۸۷	۰.۷۲۸	آزمون کفایت (KMO)
۳۳۷۸.۵۸۰	۴۰۲۵.۳۰۹	آزمون کرویت بار تلت
۴۶۵	۴۶۵	درجه آزادی
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	سطح معناداری

می‌شود. با انجام تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار بنیادین متغیرها و عامل‌های مربوط به آن‌ها و روایی پرسشنامه پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد. در انجام تحلیل عاملی، ابتدا باید از این مسأله اطمینان یافت که می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل به کار برد یا به عبارتی، آیا تعداد داده‌های مورد نظر (اندازه نمونه و رابطه بین متغیرها) برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ بدین منظور از شاخص KMO و آزمون بار تلت استفاده می‌شود که شاخص KMO به منظور کفایت نمونه‌گیری از طریق ارزیابی کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها بررسی می‌شود. هرچه میزان شاخص به یک نزدیک‌تر باشد داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب‌تر می‌باشند و معمولاً مقادیر کمتر از ۰.۶ برای تحلیل عاملی مناسب نمی‌باشد. در جدول ۳، نتایج حاصل از شاخص KMO و آزمون بار تلت روی شاخص‌های موجود و شناسایی شده را می‌توان مشاهده کرد.

باز استخراج گردید. سپس این مفاهیم در مرحله دوم کدگذاری ثانویه جهت انسجام بیشتر در قالب ۱۴ مفهوم انتزاعی کدگذاری شدند. مفاهیم ثانویه و محوری براساس ادبیات موجود، دانش و تجربیات اساتید خبره نام گذاری گردیده است و در نهایت پرسشنامه اولیه محقق ساخته در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت با ۷۱ گویه تنظیم گردید و عوامل موثر شناسایی شد و مبنای طراحی پرسشنامه نهایی قرار گرفت که تمامی مراحل مورد تایید اساتید و متخصصان قرار گرفته است. جدول زیر مفاهیم کدگذاری شده حاصل از تحلیل محتوای پاسخ‌های مصاحبه شونده‌گان رادر سه بخش اولیه و ثانویه و محوری نشان می‌دهد، به این ترتیب روایی محتوایی پرسشنامه توسط خبرگان دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. براساس نتایج حاصل از بخش کیفی پژوهش، ۱۴ مولفه و ۷۲ شاخص برای دو عامل اکتشاف و بهره برداری شناسایی شد که در ادامه به تحلیل عاملی اکتشافی این عوامل پرداخته

براساس نتایج به دست آمده، شاخص KMO برای عامل اکتشاف و بهره برداری به ترتیب مقادیر ۰,۷۲۸ و ۰,۶۸۷ را نشان می دهد که حاکی از کفایت داده های مربوط به عوامل مؤثر شناسایی شده برای تحلیل عاملی می باشد. همچنین آزمون کرویت بارتلت برابر با ۴۰۲۵,۳۰۹ و ۳۳۷۸,۵۸۰ در سطح معنی داری ۰,۰۰۰ است که نشان از همبستگی متغیرها و مناسب بودن برای تحلیل عاملی اکتشافی دارد. پس از اطمینان از توانایی انجام تحلیل اکتشافی فرایند تحلیل آغاز گردید. تحلیل عاملی اکتشافی با شیوه تحلیل مولفه های اصلی و چرخش واریماکس انجام شد. براساس نتایج حاصل از بخش کیفی، روی ۷۲ شاخص شناسایی شده تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد. برای این منظور با استفاده از چرخش واریماکس عواملی که بار عاملی آنها بالاتر از ۰,۵ بودند بر اساس ادبیات تحقیق و نظر اساتید در یک دسته قرار گرفتند و متغیرهایی که مقادیر اشتراک استخراجی آن ها کوچک تر از ۰,۵ هستند، حذف شدند. البته این کار به صورت مرحله ای انجام شد و از متغیرهایی با مقادیر اشتراک استخراجی پایین تر آغاز گردید. در ادامه، مراحل تحلیل عامل اکتشافی برای هر یک از سازه ها نشان داده می شود.

نتایج و بیان یافته ها

برای انجام این پژوهش که باهدف ساخت ابزار سنجش دوسو توانی سازمانی است، مطابق با دیگر الگوهای ساخت ابزار در علوم مدیریت عمل شده و مراحل شاخص سازی و انجام روایی محتوا، تحلیل عاملی اکتشافی برای تعیین ساختار اولیه، تعیین پایایی ابزار و تحلیل عاملی تاییدی برای بررسی ساختار عاملی انجام گرفته است.

هدف اصلی تحقیق: شناسایی عوامل و

شاخص های دوسو توانی سازمانی همانگونه که ذکر گردید بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه با خبرگان دانشگاهی تعداد ۷۱ شاخص به عنوان شاخص های اولیه دوسو توانی سازمانی شناسایی شد. به دنبال شناسایی عوامل پنهان

دوسو توانی سازمانی تحلیل عاملی اکتشافی انجام گردید. در بعد اکتشاف براساس نتایج حاصل از بخش کیفی، روی ۳۸ شاخص شناسایی شده بعد اکتشاف تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد که ۷ شاخص به دلیل مقادیر اشتراک استخراجی کوچک تر از ۰,۵، حذف گردیدند. همانگونه که در جدول ۴، قابل مشاهده است ۷ گویه به دلیل مقادیر اشتراکی نامناسب حذف گردید، و در نهایت ۳۱ شاخص جهت انجام تحلیل عاملی تاییدی باقی ماندند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نشان می دهد که از میان ۳۱ شاخص موجود، ۸ عامل اصلی قابل شناسایی است. این عوامل بانظر اساتید آگاه به موضوع تحقیق نامگذاری گردید و در نهایت ۸ عامل: مدیریت، فرهنگ، ساختار، استراتژی، توانمندی، چشم انداز، انعطاف پذیری و گرایش کارافرینانه شناسایی گردید.

نتایج حاصل از چرخش واریماکس ۸ عامل را شناسایی کرد. این ۸ عامل، ۷۲,۲۳۶ درصد از واریانس کل را تبیین می کنند که از این میزان سهم مدیریت کاوشگر ۲۳,۳۵ درصد، چشم انداز اکتشافی ۱۲,۴۰۷، فرهنگ کاوش ۱۰,۱۵۷، استراتژی اکتشاف ۷,۶۶۴، ساختار کاوشگر ۵,۷۶۵، گرایش کارافرینی ۵,۲۷۸، انعطاف پذیری ۴,۱۶۲ و در نهایت توانمندی ۳,۴۶۸ می باشد. نتایج حاصل در جدول زیر قابل رویت است.

به همان ترتیب که در بعد اکتشاف تحلیل عاملی انجام شد. در این بعد نیز براساس نتایج حاصل از تحلیل بخش کیفی، ۳۳ شاخص برای سنجش این عامل از متغیر دوسو توانی شناسایی شد پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی شاخص های بعد بهره برداری، ۲ شاخص به دلیل مقادیر پایین تر از ۰,۵ حذف شدند و نهایتاً تعداد ۳۱ شاخص برای سنجش عامل بهره برداری باقی ماند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی در بعد بهره برداری دوسو توانی نشان می دهد که از میان ۳۱ شاخص موجود، ۷ عامل اصلی قابل شناسایی است. این عوامل نیز

جدول ۳. نتایج حاصل از انجام تحلیل عاملی اکتشافی بعد اکتشاف

عوامل		شاخص					
مدیریت کاوشگر	چشم انداز	فرهنگ سازمانی	استراتژی ساختار	گرایش کارافزینی	انعطاف پذیری	توانمندی	
	۰.۷۷۸						مشارکت کارکنان در جهت گیریهای آینده
	۰.۷۸۷						ابلاغ مسیر آینده سازمان به طور مشخص
	۰.۷۳۶						آگاهی از برنامه بلندمدت
	۰.۸۳۰						تمرکز بر حل مساله
	۰.۷۷۸						تاکید بر کارافزینی و ایده های نو
	۰.۶۵۷						دست یابی به فنآوری و مهارتهای جدید.
	۰.۷۵۷						اکتساب مهارتهای مدیریتی و سازمانی کاملا جدید
	۰.۸۰۰						تقویت مهارت های نوآوری
	۰.۷۴۲						معرفی نسل جدیدی از محصولات و خدمات
	۰.۸۳۸						گسترش دامنه خدمات جدید
	۰.۷۲۸						یادگیری مهارتهای جدید
	۰.۶۸۹						جستجوی ایده های خارجی
	۰.۷۰۸						تاکید بر پاسخگویی
	۰.۸۳۲						وجود واحدهای جداگانه ای برای تحقیق دانش جدید
	۰.۸۶۱						ساختار منعطف منطبق با نیازهای دانشگاه
	۰.۵۷۷						واگذاری اختیار و تصمیم گیری به مدیران رده های پایین تر
	۰.۵۷۴						هم ترازوی و همکاری واحدهای سازمانی
	۰.۸۳۶						انطباق با محصولات و خدمات جدید

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۰۱

ادامه جدول ۳. نتایج حاصل از انجام تحلیل عاملی اکتشافی بعد اکتشاف

۰.۷۴۷	پذیرش تقاضاهای جدید جامعه
۰.۷۴۵	سازگاری با تقاضای آینده و محتمل
۰.۸۹۰	به چالش کشیدن وضع موجود و عملکرد منسوخ
۰.۵۳۲	تخصیص منابع مالی به نوآوری و کارافرینی
۰.۸۵۶	انعطاف پذیری در مقابل تغییرات سریع
۰.۸۹۸	دادن اختیار تصمیم به سطوح پایین تر سازمانی
۰.۸۰۹	شناسایی و معرفی کارآفرینان برتر منطقه
۰.۸۱۴	پیگیری و تشویق ایده های نوآورانه
۰.۸۱۱	تمرکز بر یادگیری مهارتها یا دانش جدید
۰.۷۲۶	اهمیت دادن به انطباق و سازگاری با تحولات و تغییرات
۰.۸۰۵	ارزشمندی تغییر و تحول در مهارت ها و دانش فردی
۰.۷۷۱	تلاش در کشف و تعقیب فرصتها
۰.۷۶۰	تمایل به خطر پذیری و تحمل ریسک

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۰۲

جدول ۴. نتایج حاصل از چرخش واریماکس

مدیریت کاوشگر	چشم انداز	فرهنگ سازمانی	استراتژی	ساختار	گرایش کارافرینی	انعطاف پذیری
۷.۲۴۰	۳.۸۴۶	۳.۱۴۹	۲.۳۷۶	۱.۷۸۷	۱.۶۳۶	۱.۲۹۰
کل						
۲۳.۳۳۵	۱۲.۴۰۷	۱۰.۱۵۷	۷.۶۶۴	۵.۷۶۵	۵.۲۷۸	۴.۱۶۲
درصد واریانس						
۲۳.۳۳۵	۳۵.۷۶۳	۴۵.۹۱۹	۵۳.۵۸۳	۵۹.۳۴۸	۶۴.۶۲۶	۶۸.۷۸۸
درصد تجمع تراکمی						

جدول ۵. ماتریس عوامل با چرخش

عوامل				شاخص‌ها
مدیریت	استراتژی	چشم انداز	انطباق فرهنگ سازمانی	
			توانمندی ساختار	تمرکز بر دستیابی به اهداف کوتاه مدت
		۰.۷۳۱		
		۰.۷۷۴		تمرکز بر انجام وظایف
		۰.۷۷۴		تاکید بر وظایف تعیین شده و روتین
		۰.۸۴۱		تمرکز بر کنترل و ارزیابی
		۰.۷۴۴		تاکید بر بهبود کیفیت و عملکرد
۰.۷۴۱				به روز رسانی مهارت‌ها و دانش جاری
۰.۷۶۹				پیشرفت مهارت‌ها و بهبود بهره وری
۰.۸۱۱				صلاحیت در جستجو حل مشکلات با راه حل تعریف شده
۰.۵۳۹				جذب استعداد‌های برتر مرتبط با سطوح علمی
		۰.۷۳۴		تنظیم روش‌ها، قوانین و سیاست‌ها ی موجود
		۰.۷۴۵		انطباق با تقاضاهای موجود در توسعه محصولات و خدمات موجود
		۰.۸۰۳		اصلاح مقررات بهره وری محصولات و خدمات موجود
		۰.۸۴۸		سازگاری خدمات با تقاضاهای موجود مشتریان
		۰.۸۴۳		هم تراز با توسعه فناوری‌های موجود
۰.۸۸۲				قوانین و مقررات رسمی و متمرکز
۰.۹۰۳				اختیار و تصمیم گیری در سطح عالی سازمان
۰.۵۵۲				وظایف مشخص و تعریف شده
		۰.۷۸۹		تمرکز بر دستیابی به اهداف کوتاه مدت
		۰.۷۸۵		تمرکز بر کنترل و ارزیابی
		۰.۷۲۷		تاکید بر وظایف تعیین شده و روتین
		۰.۷۸۸		تاکید بر بهبود کیفیت و عملکرد
		۰.۸۵۶		اندازه گیری دقیق عملکرد
		۰.۸۱۱		تصمیم گیری بر اساس حقایق و تجزیه و تحلیل آنها

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۰۳

جدول ۵. ماتریس عوامل با چرخش

ارزیابی محصولات ، خدمات ، فرایند ها	۰.۷۹۱
تخصیص منابع در استفاده از توانمندی موجود کارکنان	۰.۷۷۹
تعیین اهداف واقع بینانه	۰.۷۴۴
تخصیص بودجه در حمایت از کیفیت و بهبود محصولات و خدمات	۰.۸۰۰
تعهد و پاسخگویی در برابر ارائه خدمات و محصولات	۰.۸۴۱
اعتقاد کارکنان بهبود مستمر محصولات و خدمات	۰.۶۳۶
تعهد مدیریت به ارزیابی و کنترل مستمر ارزش یادگیری در تجربه و ارتقا روش کار	۰.۸۲۴
	۰.۷۵۳

جدول ۶. نتایج حاصل از چرخش واریماکس

مدیریت	استراتژی	چشم انداز	انطباق فرهنگی سازمانی	ساختار	توانمندی
مقادیر اولیه	۵۶۹۱	۳.۵۰۴	۳.۲۴۲	۳.۰۱۶	۲.۳۱۸
درصد واریانس	۱۸.۳۵۸	۱۱.۳۰۴	۱۰.۴۵۷	۹.۷۲۹	۷.۴۷۸
درصد تجمع تراکمی	۱۸.۳۵۸	۲۹.۶۶۲	۴۰.۱۱۹	۴۹.۸۴۷	۵۷.۳۲۶

مدیریت شهری

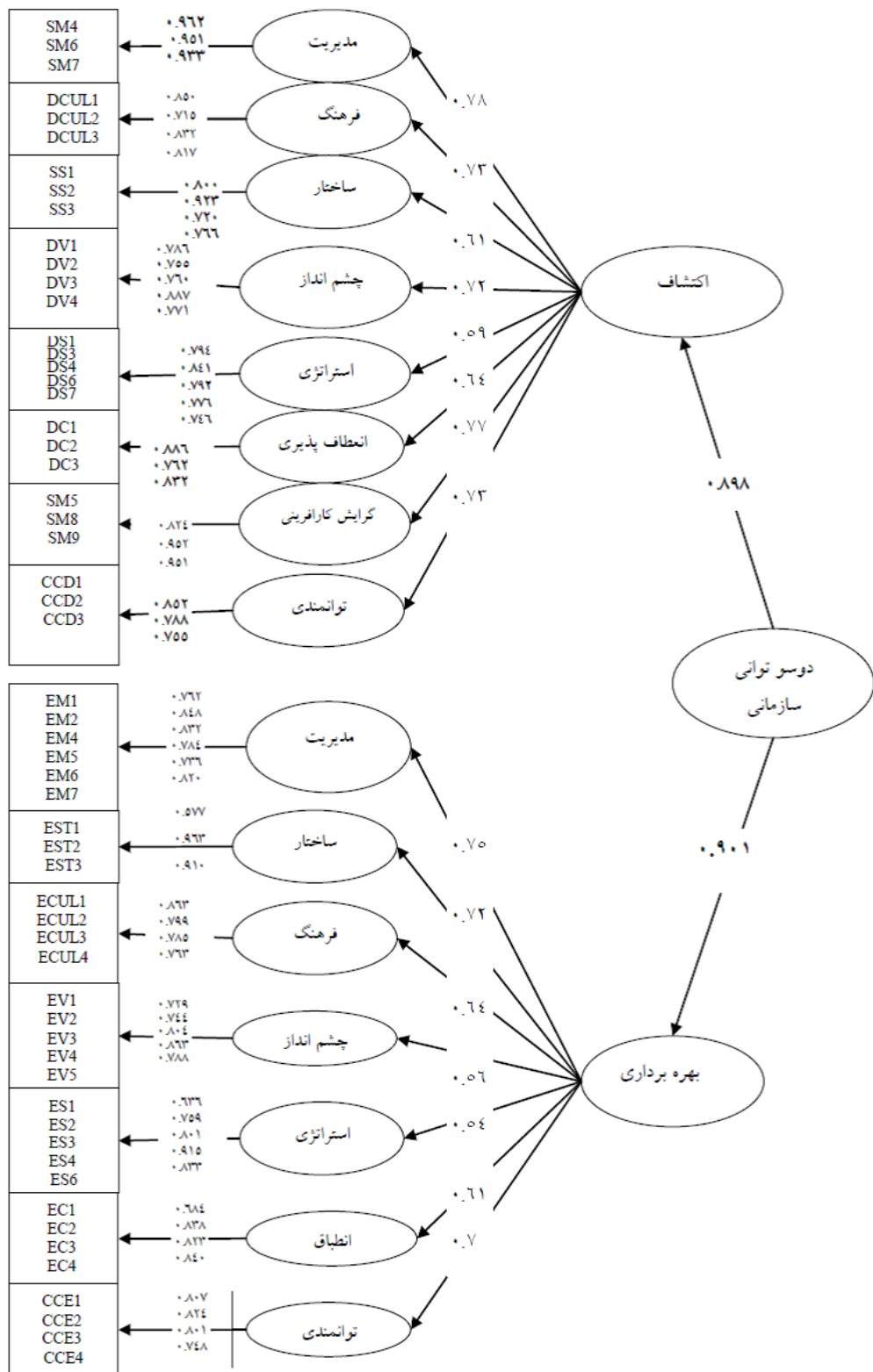
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۰۴

به منظور تأیید متجانس بودن گویه های پرسشنامه از نظر محتوا و ابعاد زیربنایی تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. در تحلیل عاملی تأییدی پیش فرض اساسی آن است که هر عاملی با زیرمجموعه خاصی از متغیرها ارتباط دارد. برای این کار از نرم افزار Smart PLS ۲ با استفاده از بخش تحلیل عاملی تأییدی به بررسی شاخص های کیفی مدل و با استفاده از تحلیل مسیر به آزمون فرضیه های پژوهش پرداخته می شود. شکل ۱، با استفاده از شیوه تحلیل مسیر به آزمون ارتباط بین متغیرهای پنهان و آشکار پژوهش پرداخته است؛ همانطور که از نمودار زیر استنباط می شود، مدل از نظر شاخص های برازش در وضعیت مناسبی می باشد. در این تحقیق برای ارزیابی مدل تحلیل عاملی از شاخص GOF که شاخصی برای بررسی برازش

بانظر اساتید آگاه به موضوع تحقیق نامگذاری گردید و در نهایت ۷ عامل: مدیریت، فرهنگ، ساختار، استراتژی، توانمندی، چشم انداز، انطباق شناسایی گردید. ۷ عامل حاصل از نتایج چرخش واریماکس در این بعد، ۶۷،۹ درصد از واریانس کل را تبیین می کنند که از این میزان سهم مدیریت ۱۸،۳۵۸ درصد، چشم انداز اکتشافی ۱۰،۴۵۷، فرهنگ سازمانی ۷،۴۷۸، استراتژی اکتشاف ۱۱،۳۰۴، ساختار ۶،۵۸۷، انطباق ۹،۷۲۹ و در نهایت توانمندی ۳،۹۸۷ می باشد. در جدول ۷، ماتریس شاخص های شناسایی شده بعد بهره برداری در نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی را می توان مشاهده کرد.

تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه دوسو توانی سازمانی



شکل ۱. تحلیل مسیر متغیرهای آشکار و پنهان

جدول ۱۳. مشخصه برازش متغیرهای دوسو توانی سازمانی

عوامل	اشتراکات	ضریب تعیین
اکتشاف	۰.۵۵۶	
بهره برداری	۰.۵۸۹	
دوسو توانی سازمانی	۰.۵۱۸	۰.۶۱
	۰.۵۴۶	۰.۶۱

$$\sqrt{\text{communalities} \times R^2} = \sqrt{0.546 * 0.61} = 0.577$$

روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط خبرگان این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر آن برای بررسی روایی سازه، از دو معیار روایی همگرا و واگرا استفاده شد، که مختص مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد PLS است. در قسمت روایی همگرا، معیار میانگین واریانس استخراج شده به کار برده شد. حداقل مقدار ملاک برای سطح قبولی میانگین واریانس استخراج شده، ۰/۵ می باشد. برای بررسی بار عاملی گویه‌ها، گویه‌های مربوط به هر متغیر مکنون که دارای بزرگترین بار عاملی با آن عامل هستند، گویای مناسب بودن شاخص‌های نهایی می باشد و حداقل بار عاملی گویه‌ها با عامل مربوطه ۰/۴ است که مقادیر کمتر از آن نامناسب بوده و گویه حذف می شود و تحلیل عاملی دوباره انجام می شود. نتایج به دست آمده بارهای عاملی گویه‌های هر عامل و شاخص t مربوط به آن نشان داد، کلیه گویه‌ها دارای بار عاملی بیش از ۰/۴ بودند. همچنین کلیه متغیرها دارای میانگین واریانس استخراج شده، بالای ۰/۵ بودند، لذا روایی همگرا این متغیرها تأیید شد. علاوه بر این، به مقایسه جذر میانگین واریانس استخراج شده هر سازه با مقادیر ضریب همبستگی بین سازه‌ها برای بررسی روایی واگرا پرداخته شد. مقادیر جذر میانگین واریانس استخراج شده در سطر و ستونی که قرار داشتند، بیشترین مقدار را نشان می داد که بیانگر وجود

مدل جهت پیش بینی متغیرهای درون زامی باشد استفاده گردیده است. برازش مناسب مدل زمانی محقق می شود که ضریب مسیر معنادار بوده، واریانس تبیین شده قابل قبول باشد و همسانی درونی بالای ۰/۰۵، برای هر یک از سازه‌ها برقرار باشد. مقادیر قابل قبول بارهای عاملی نیز نشان دهنده برازش مناسب مدل می باشند. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده اند. مقادیر محاسبه شده GOF بزرگتر از ۰/۳۶ بدست آمده، نشان از برازش مناسب مدل پژوهش دارد، همچنین کلیه ضرایب مسیرها معنادار بوده و واریانس تبیین شده قابل قبول و همسانی درونی بالای ۰/۰۵ می باشد. داده‌های این تحقیق با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و گویه‌های این مقیاس با سازه زیربنایی همسو هستند.

-روایی و پایایی ابزار

برای حصول اطمینان از روایی بخش کیفی پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقت بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، از نظرات اساتید آشنا با این حوزه و متخصصان سازمانی دانشگاهی که در این حوزه خبره و مطلع بودند استفاده شد. هم چنین به طور هم‌زمان از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. در بخش کمی

سازه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	۱	۲	۳	۴	۵	۶
دوستوانی	۳۶۱۰	۰.۳۵۵	۰.۸۳۰	۰.۸۸۶	۰.۶۷۸	۱.۰۰۰					
اکتشاف	۳.۴۵۶	۰.۴۱۶	۰.۸۸	۰.۸۸	۰.۵۵۸	۰.۵۷۶	۱.۰۰۰				
بهره برداری	۳.۴۵۸	۰.۴۰۴	۰.۸۴	۰.۸۶	۰.۵۴۲	۰.۶۳۲	۰.۶۱۷	۱.۰۰۰			

سوال) و فرهنگ بهره برداری (۴ سوال) شناسایی شد. این یافته‌ها با نتایج برخی از تحقیقات همچون وانگ و رفیک (۲۰۱۲)، ولزن (۲۰۱۳)، پاپ چرونی (۲۰۱۳)، دیوید راد مارک (۲۰۱۳)، زابیگالسکی (۲۰۱۵)، فیض احمد و اوتمن (۲۰۱۵)، هی و وانگ (۲۰۰۴) که به هر یک از ابعاد دوستوانی سازمان اشاره نموده‌اند، همخوانی و مطابقت دارد. در این راستا، توانمندی سازی مدیران و کارکنان و افزایش قابلیت‌های محیطی و ساختاری سازمان و گنجاندن مفاهیم مرتبط با فرهنگ، ساختار، استراتژی و مدیریت و ترغیب آنها به رفتارهای مسئولانه، می‌تواند در خصوص بهبود و ارتقاء مولفه‌های دوستوانی در سازمان‌ها راهگشا باشد، به گونه‌ای که بررسی مستمر میزان اکتشاف و بهره برداری از فرصت‌های موجود و آتی و تشویق مدیران در این حوزه و پیگیری جهت رفع عوامل بازدارنده نیاز به پرورش نظم و انضباط و کشش به جهت تشویق افراد برای در نظر گرفتن اهداف بلندپروازانه و اعتماد به جهت اطمینان از این نیز دارند که این امر در یک محیط مشارکتی اتفاق می‌افتد. تاکید بیش از حد بر نظم و انضباط منجر به ایجاد فرسودگی شغلی و سرخوردگی در میان کارکنان می‌گردد، اما پشتیبانی و اعتماد بالاتر از حد استاندارد نیز منجر به ایجاد جو باشگاه تفریحی می‌گردد که در آن کاری صورت نمی‌گیرد. نظم باعث می‌شود تا کارکنان به طور داوطلبانه وظایف و انتظارات فردی خود را در

روایی واگرا در بین متغیرهای پژوهش بود. همچنین در این تحقیق به منظور تعیین پایایی ابزار گردآوری داده‌ها از روش آلفای کرونباخ توسط نرم افزار Spss و پایایی ترکیبی که توسط نرم افزار Smart PLS محاسبه می‌شود، استفاده شد. مقادیر این ضرایب برای همه متغیرها بالای ۰/۷ بود که بیانگر پایایی مناسب پرسشنامه بود. مقادیر میانگین واریانس استخراج شده، ضریب پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ در جدول ۱۴ قابل مشاهده است.

نتیجه گیری و جمع‌بندی

هدف پژوهش حاضر ساخت و اعتبار سنجی مقیاس دوستوانی سازمانی بود. نتایج حاصل شناسایی پرسشنامه‌ای با ۲ عامل اکتشاف و بهره برداری، ۱۵ مولفه و ۶۲ شاخص دارد. این پرسشنامه شامل ۱۰۲ گویه از نوع بسته و از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد. اطلاعات مربوط به پرسشنامه سازه دوستوانی عبارتند از: بعد اکتشاف شامل مولفه‌های چشم‌انداز اکتشاف (۵ سوال)، قابلیت اکتشاف (۳ سوال)، استراتژی اکتشاف (۵ سوال)، ساختار اکتشاف (۴ سوال)، سازگاری (۳ سوال)، مدیریت اکتشاف (۳ سوال)، گرایش کارآفرینانه (۳ سوال) و فرهنگ اکتشاف (۵ سوال) است؛ همچنین بعد بهره برداری شامل چشم‌انداز بهره برداری (۵ سوال)، قابلیت بهره برداری (۴ سوال)، استراتژی بهره برداری (۵ سوال)، ساختار بهره برداری (۳ سوال)، انطباق (۴ سوال)، مدیریت بهره برداری (۶

منابع و مآخذ

- قبال سازمان به طور صریح و ضمنی انجام دهند. اوربلی و بیرکینشا (۲۰۰۸) بیان می کنند که دو ویژگی به نظم و انضباط سازمان کمک می کنند: اول این که، یک سازمان باید مجموعه روشنی از استانداردها که برای سازمان قابل قبول است را داشته باشد. استانداردهای روشن در عملکرد و رفتار مطمئن و متعهد موثر است. و دوم، یک سازمان باید در افزایش فرکانس و کیفیت بازخورد از سراسر سازمان تمرکز کند کیفیت بازخورد شفافیت، صداقت و خلوص در فرآیند سازمانی ایجاد می کند و باعث می شود کارکنان به طور داوطلبانه تلاش بیشتری در دستیابی به اهداف بلند پروازانه انجام دهند. اوربلی و تاشمن (۲۰۰۸) معتقدند که پشتکار و چشم انداز مشترک کارکنان در سراسر سازمان عامل موثری در مشارکت آنان در دستیابی به اهداف دوسو توانی دارد و این زمانی قابل پیگیری و دست یابی است که، هر فرد در سازمان در حیطه عملکردی خود ارزش را به مشتریان خود ارائه دهد، اما در عین حال مراقبت از تغییرات در محیط کار ی خود باشد. در واحدهای سازمانی که سازگار هستند، افراد دستورالعمل های روشن و انگیزه تنها برای آن دسته از فعالیت هایی که انطباق یا سازگاری را حمایت می کنند دریافت می نمایند. اما یک سازمان دوسوتوان پویایی و انعطاف پذیری لازم را در جهت تنظیم خود بین فعالیت های سازگاری و انطباق دارد و هر دو با ارزش و پاداش همراه است. بنابراین با توجه به نتایج یافته های حاصل، پیشنهاد می گردد که یک زمینه حمایتی در سازمان ایجاد گردد به گونه ای که الهام بخش اعضا سازمان در پیگیری استراتژی ها جهت رسیدن به اهداف باشد. این زمینه حمایتی منجر می شود تا افراد در هر دو اقدامات بهره بردار گرا (در راستای انطباق با فرصت های موجود) و اقدامات اکتشاف گرا (در راستای سازگاری با تغییرات آینده) درگیر شده، و این امر منتج به دوسوتوانی می گردد که متعاقباً افزایش عملکرد را در پی دارد.
- Andriopoulos, C., Lewis, M. (2010). Managing innovation paradoxes: Ambidexterity lessons from leading product design companies. *Long Range Planning* 43, 104–122.
- Birkinshaw, J., Gibson, C., 2004. Building ambidexterity into an organization. *Sloan Manag. Rev.* 45 (6) 47–55.
- Cao, Q., Gedajlovic, E., Zhang, H., (2009). Unpacking organizational ambidexterity: dimensions, contingencies, and synergistic effects. *Organ. Sci.* 20 (4) 781–796.
- Gupta, A.K., Smith, K.G., Shalley, C.E.) 2006(. The interplay between exploration and exploitation. *Acad. Manag. J.* 49, 693–708.
- Jansen, J.J.P., Simsek, Z., Cao, Q.) 2012(. Ambidexterity and performance in multiunit contexts: cross-level moderating effects of structural and resource attributes. *Strat. Manag. J.* 33, 1286–1303.
- Kollmann, T. and Stockmann, C., (2010), Antecedents of strategic ambidexterity: effects of entrepreneurial orientation on exploratory and exploitative innovations in adolescent organisations.
- Katila, R., Ahuja, G.)2002(. Something old, something new: a longitudinal study of search behavior and new product introduction. *Acad. Manag. J.* 45 (6) 1183–1194.
- Kollmann, T., Stockmann, C. (2009), "Continuous Innovation in Entrepreneurial Growth Companies:: Exploring the Ambidextrous Strategy", *Journal of Enterprising Culture*, vol. 17, no. 3, pp. 297-322.
- Li, Y., Wei, Z., Zhao, J., Zhang, C., Liu, Y.) 2013(. Ambidextrous organizational learning, environmental munificence and new product performance: moderating effect of managerial ties in China. *Int. J. Prod. Econ.* 146 (1) 95–105.

- Lin, H. E., & McDonough III, E. F. (2011). Investigating the role of leadership and organizational culture in fostering innovation ambidexterity. *IEEE Transactions on Engineering Management*, 58(3), 497-509.
- Lee, G., Delone, W. and Espinosa, J. A. (2006), "Ambidextrous Coping Strategies in Globally Distributed Software Development Projects", *Communications of the ACM*, vol. 49, no. 10, pp. 35-40.
- Markides, C., (2013). Business model innovation: what can the ambidexterity literature teach us? *Acad. Manag. Perspect.* 27 (4) 313–323.
- Moon, S., & Huh, M. (2011). Building organizational ambidexterity. *GSTF Business Review*, 1, 114-117.
- McCarthy, I.P., Gordon, B.R.,)2011(. Achieving contextual ambidexterity in R&D rganizations: a management control system approach. *R&D Manag.* 41 (3) 240–258.
- March, J.G.,) 1991(. Exploration and exploitation in organizational learning. *Organ. Sci.* 2 (1) 71–87.
- O'Reilly, C. A., & Tushman, M. L. (2013,). 'Organizational ambidexterity: Past, present and future', (Research Paper No. 2130). Stanford Research Paper Series.
- O'Reilly, C., Paper, D. & Marx, S.(2012). 'Demystifying Grounded Theory for Business Research'. *Organizational Research Methods*, 15, 247-262.
- O'Reilly III, C., Tushman, M., (2011). 'Organizational Ambidexterity in Action: How managers explore and exploit '. *California Management Review* 53.
- O'Reilly III, C., Harreld, B., Tushman, M. (2009). Organizational ambidexterity: IBM and emerging business opportunities. *California Management Review*, Volume: 51 Issue: 4 Pages: 75.
- O'Reilly III, C., Tushman, M. (2008). Ambidexterity as a dynamic capability: Resolving the innovator's dilemma. *Research in organizational behavior*, vol.28: An Annual series of Analytical essays and critical reviews. *Research in Organizational Behavior*, Volume: 28, Pages: 185-206.
- O'Reilly III, C., Tushman, M. (2004). The ambidextrous organization. *Harvard Business Review*. Volume: 82. Issue: 4. Pages: 74.
- Papachroni .A, Heracleous2 .L, & Paroutis.S ,(2014), ' Organizational Ambidexterity Through the Lens of Paradox Theory: Building a Novel Research Agenda'' *The Journal of Applied Behavioral Science* 1 –23.
- Raisch, S., Birkinshaw, J., Probst, G., & Tushman, M. L. (2009). Organizational ambidexterity: Balancing exploitation and exploration for sustained performance. *Organization Science*, 20, 685-695, 829-831.
- Raisch, S., & Birkinshaw, J. M. (2008). Organizational ambidexterity: Antecedents, outcomes, and moderators. *Journal of Management*, 34, 375-409.
- Suzuki, O. (2013). Prior learning characteristics as antecedents of organizational ambidexterity: Explaining transitions across alternative learning modes in organizations. Presented at the International Conference on Organizational Learning, Washington, DC. Retrieved from <http://www.olkc2013.com/sites/>
- Smith, W., Lewis, M. (2011). 'Toward a theory of paradox: A dynamic equilibrium model of organizing'. *Academy of Management Review*, vol. 36, No. 2, 381-403.
- Smith, C., & Elger, T. (2013), 'Critical Realism and Interviewing Subjects'. in P Edwards, J O-Mahoney & S Vincent (eds), *Critical Realism in Action: a Practical Guide*. Oxford University Press, Oxford.

- Simsek, Z. (2009), "Organizational Ambidexterity: Towards a Multilevel Understanding", *Journal of Management Studies*, vol. 46, no. 4, pp. 597-624.
- Simsek, Z., Heavey, C., Veiga, J. F. and Souder, D. (2009), "A Typology for Aligning Organizational Ambidexterity's Conceptualizations, Antecedents, and Outcomes", *Journal of Management Studies*, vol. 46, no. 5, pp. 864-894.
- Saunders, M., Lewis, P. and Thornhill, A. (2007), *Research Methods for Business Students*, Fourth Edition, FT Prentice Hall, Harlow.
- Turner, N., Swart, J., & Maylor, H. (2013). 'Mechanisms for managing ambidexterity: A review and research agenda'. *International Journal of Management Reviews*, 15, 317-332.
- Tushman, M. L., Smith, W. K., & Binns, A. (2011). The ambidextrous CEO. *Harvard Business Review*, 89(6), 74-80.
- Turner, Neil ,(2011)The Management of Ambidexterity – An Intellectual Capital Perspective , A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy. University of Bath. School of Management.
- Tushman, M. L., Smith, W. K., & Binns, A. (2011). The ambidextrous CEO. *Harvard Business Review*, 89(6), 74-80.
- Wang, C. L., & Rafiq, M. (2014). Ambidextrous organizational culture, contextual ambidexterity and new product innovation: A comparative study of UK and Chinese high-tech firms. *British Journal of Management*, 25(1), 58-76. doi: 10.1111/j.1467-8551.2012.00832.x
- Wei, Z., Yi, Y., & Yuan, C. (2011). Bottom up learning, organizational formalization, and ambidextrous innovation. *Journal of Organizational Change Management*, 24, 314-329.
- Zabiegalski,E.(2015) , ' Learning Ambidexterity in Organization' ,Dissertation Research, Published by ProQuest LLC.
- Zaidi, M.F.A., & Othman, S.N. (2014). Organisational ambidexterity and NPD performance: A conceptual framework. *International Review of Management and Business Research*, 3(3), 1334-1344.
- Zabiegalski,E.(2015) , ' Learning Ambidexterity in Organization' ,Dissertation Research, Published by ProQuest LLC.
- Zaidi, M.F.A., & Othman, S.N. (2014). Organisational ambidexterity and NPD performance: A conceptual framework. *International Review of Management and Business Research*, 3(3), 1334-1344.

مفهوم پیوستگی در شکل گیری و توسعه کانسپت طراحی معماری؛

نمونه موردی: معماری سنتی ایران

سعیده دهقانی ناژوانی* - مدرس آموزشکده فنی و حرفه ای دختران اصفهان، اصفهان، ایران.

The concept of continuity in the formation and development of architectural design concept Case study: Traditional Iranian Architecture

Abstract

Iranian architecture, like many other cultural manifestations in the history of its life has been rare continuity. Of course it is not the Iranian people from the beginning of urbanization always quite similar to the structures and foundations have been paid and no change in the plan. It means that the fan when the building after an initial period of its development process went and laid his own way. In this study, a research “argument – conclusion” is, the study of literature and examine the history of the concept of architecture in different periods and different climates tried to prove this hypothesis comes as Iran in different periods and architectural design concept in different climates has been a continuity and stability.

Key words: unity, development, design concept, traditional Iranian architecture.

چکیده

معماری ایران چون بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگی در طول تاریخ حیات خود از تداوم کم نظیری برخوردار بوده است؛ البته چنین نیست که قوم ایرانی از آغاز تمدن شهر نشینی خود همواره به ساختن بناهایی کاملاً مشابه هم و بی هیچ تغییری در زمینه طرح و بنیاد پرداخته باشد، بلکه منظور آنست که از هنگامی که فن ساختمانی پس از طی یک دوره ابتدائی مراحل تکامل خود را پیمود و شیوه خاص خود را پی ریزی کرد، دیگر آن خصوصیتی را که معماری سرزمین ایران بدانها باز شناخته می شود، در طی قرون متمادی هرگز از دست نهد. در این پژوهش که یک پژوهش «استدلالی - استنتاجی» می باشد، با مطالعه مبانی نظری و بررسی سیر تاریخی کانسپت های معماری در ادوار مختلف و اقلیم های مختلف سعی در اثبات این فرضیات صورت می گیرد که کانسپت های طراحی معماری ایران در ادوار مختلف و در اقلیم های مختلف دارای یک پیوستگی و ثبات بوده است.

واژگان کلیدی: پیوستگی، توسعه کانسپت طراحی، معماری سنتی ایران.

اگر تنها ساعتی فرصت برای نجات دنیا باشد، ۵۹ دقیقه آن را به «تعریف مساله» و یک دقیقه را به «حل آن» می پردازم (اینشتین، به نقل از پنیا و پارشال، ۱۳۸۴، ص ۱۶). اگر واقعا «مشکل» را بشناسیم «راه حل» در خود آن نهفته است، چراکه چیزی جدای از خود مساله نیست (کریشنا مورتی، ۱۳۸۲).

مقدمه

همکارانش» در کتاب «زمان الگوها» بیش از ۱۰۰۰ ایده مختلف درباره رفتار و واکنش انسانها نسبت به محیط های مختلف را در چهارچوب الگویی ذکر کرده اند. این ها (ایده های راییت و الکسندر) در مجموع در حکم چیزی مانند کتاب مقدس ایده ها برای طراحان ساختمان هستند. البته چه نظریات راییت و چه الگوهای الکسندر هیچ کدام حالت به هم پیوسته ای ندارند؛ مثلاً اگرچه همه ایده های راییت را به وضوح می توان در کارهای تکمیل شده او مشاهده کرد اما او آنها را به صورت جملات و کلمات مستقل از هم ارائه کرده و برقراری ارتباط مفهومی بین آنها بر عهده شخص طراح، سازنده است (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸). در این مقاله به مفهوم ایده و کانسپت در معماری و مراتب آن اشاره می شود.

برنامه ریزی معماری و مقوله طراحی

برنامه ریزی معماری، روندی است که به تبیین گزاره مساله معماری و نیازهایی منتهی می شود که با ارائه راه حل آن برآورده می شود. «گزاره مساله معماری» نیز به مفهوم حل مساله دلالت می کند. اگرچه حل یک مساله با روش های علمی انجام می گیرد، ولی در اصل یک عمل خلاقانه است. روشهای متعددی برای حل مساله وجود دارد، ولی روشهایی که بیشتر بر اهداف و مفاهیم (نتایج و ابزارها) تاکید دارند، برای حل مساله طراحی معماری مناسب تر بنظر می رسند (پنیا و پارشال، ۱۳۸۴، ص ۱۵). در هر حال، برنامه ریزی شامل پنج مرحله است که این مراحل عبارتند از:

۱. «تعیین اهداف».
۲. «جمع آوری و تحلیل واقعیتها».

چگونگی پیدایش یک کانسپت هنری از جمله سوالهای اساسی در هنر بطور عام و بالاخص در معماری می باشد. پیدایی یک اثر هنری مراجع متفاوتی دارد. مجموعه اطلاعات، نگرشها، مراجع ذهنی و یا بصری خواستگاه کانسپتهای هنری گوناگون بوده اند. پیش زمینه هایی که در طول فرآیندی تحلیلی و تکاملی سبب پیدایش یک اثر می شود اما هر یک از این شیوه ها عمری محدود و گاه کوتاه دارند. از سویی دیگر، «ایده ها تفکراتی معین و غیر آنالیزوارانه هستند که از مشاهدات مدارک و اندیشه برای ما حاصل می شوند. در معماری، ایده ها شامل مسائل مختلفی می شوند مانند چگونگی جهت گیری ساختمان ها، جانمایی یک آشپزخانه در یک واحد، روش های بهره گیری از جریان طبیعی هوا، ارزش انرژی و حفظ و صرفه جویی در آن، اهمیت مصالح، دوام، تعامل بین اجسام، مناسبترین راه های برقراری ترتیب فضایی و یا چیزهایی از این قبیل. بنابراین ساختمان طراحی آن، شامل بسیاری تصمیمات کوچک است و طبیعتاً کسب مهارت و ارتقاء آن در جهت تولید ایده ها و کانسپت هایی که توانایی پاسخگویی به این گستره وسیع از امور را داشته باشد از اهمیت بسزایی برخوردار است» (جبل عاملی، ۱۳۷۵، ص ۹۹). «فرانک لویدرایت» نمونه خوبی از معمارانی است که همواره ایده های زیادی برای اجرای کارها داشته اند. «جان استوارت» در کتابی تحت عنوان «خانه هاوسانیان» اثر راییت، ۳۵ ایده راییت در باب طراحی و ساخت منازل مسکونی کوچک را نقل کرده است. به همین ترتیب «کریستوفر الکسندر و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳. «کشف و بررسی مفاهیم».

۴. «تشخیص نیازها».

۵. «تعیین گزاره مساله» (پنیا و پارشال، ۱۳۸۴، ص ۱۲).

۳. «مراحل سنتی حل مساله»: «۱- تعریف مساله، ۲- تعیین اهداف، ۳- جمع آوری داده ها، ۴- تحلیل مساله، ۵- توجه به راهکارها و ۶- حل مساله».

در ادامه به تعریف برخی مفاهیم مرتبط با برنامه ریزی معماری و مقوله طراحی معماری و ایده پردازی و ... برای احراز حوزه تعاریف، اشاره می شود:

۱. «تحلیل سیستمها»: روندی شامل مطالعه یک فعالیت خاص با روش های ریاضی، جهت بررسی نتیجه بنیادی و یافتن راهکارهای دستیابی به کارآیی بیشتر.

۲. «روش علمی»: کاربرست اصول و روشها در جست و جوی منظم اطلاعات مستقل، قبالت دسترس و مرتبط با شرایط لازم؛ «۱- تشخیص و فرمول بندی، ۲- جمع آوری داده ها از طریق مشاهده و احتمالاً تجربه، ۳- تعیین فرضیه، ۴- آزمایش به منظور تطبیق فرضیه ارائه شده».

۴. «فرضیه»: طرح یک نظر، شرط یا اصل بدون اعتقاد خاصی به منظور رسیدن به نتیجه آن جهت بررسی سازگاری آن با واقعیتهای مشخص.

۵. «تحلیل»: تفکیک یا تقسیم یک کل به اجزاء و عناصر.

۶. «ترکیب»: کنارهم قرار دادن اجزاء یا عناصر برای رسیدن به یک کل منسجم.

۷. «تحقیق»: بررسی نقادانه و جامع یا انجام آزمایش هایی برای کشف حقایق جدید و تغییرات صحیح آن.

۸. «نظریه»: اصول و نتیجه کلی همراه با روابط بین آنها که دیدی منظم، واضح و کلی از یک موضوع یا مساله پیچیده، را نشان می دهد^۱.

۹. «اصل»: نتیجه گیری تجربی در مورد

۱. تئوری واژه مبهمی است که برای افراد مختلف معنای متفاوت دارد، چنانچه بزعم بسیاری نظامی از انگاره ها و طرحواره های ذهنی است که یک پدیده یا گروهی از پدیده ها را توصیف و تبیین می کند. این طرحواره ذهنی ممکن است اعتقادی شخصی باشد یا با استفاده از روشهای علمی آزموده شده باشد که تحت عنوان نظریه اثباتی نامیده می شود (لنگ، ۱۳۸۴، ص ۱۵). نظریه ها و قوانین و روشهای علمی فقط بخشی از پارادایمهای گسترده تر بشمار می روند و در پرتو آنها، قابل تفسیر و ارزیابی هستند. به بیان دیگر، یک پارادایم دو یا چند نظریه و نیز برداشت های گوناگون راجع به موضوع بررسی روشها و ابزارهای یک علم را در بر می گیرد (برای اطلاعات بیشتر ر. ک: عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، نشر نی، ۱۳۸۴). تئوری نظامی از فرضیهها، اصول پذیرفته شده و نظریه های هنجاری می باشد که در حوزه های مختلف دانش برای تجزیه و تحلیل، پیش بینی و توصیف ماهیت یا رفتار مجموعه مشخصی از پدیده ها تدوین می شود. همان گونه که از این تعریف بر می آید، نظریه علاوه بر توصیف پدیده ها به تحلیل آنها نیز می پردازد. هدف از تدوین نظریه، ایجاد ساختارهایی مفهومی برای نظم دادن به مشاهدات و تحلیل آنهاست تا بتوان از قابلیت این ساختارها برای تحلیل اتفاقات روزمره و پیش بینی اتفاقات آینده استفاده نمود. پایه معرفتی و مبانی نظری هر حرفه و دانشی نیازمند یک ساختار قوی و مستحکم است. بر این اساس، در تمامی دانش ها برای ایجاد این ساختار بنیادین، اهمیت زیادی به تدوین نظریه داده شده است. نظریات علمی توسط افراد مختلف ابداع می شوند و در یک فرایند تحقیقی مستمر بوسیله سایر دانشمندان مورد ارزیابی قرار می گیرند و پذیرفته یا رد می شوند. بدین ترتیب دانش علمی همیشه تازگی خود را حفظ می کند و همواره مطالب جدیدی را به بدنه خویش اضافه می نماید. بر خلاف این جریان، معماران حرفه ای اطلاعات زیادی را در ذهن خود محفوظ نگهداشته اند و جهان بینی معماران کمتر بیان شده است. در نتیجه دیدگاه های شخصی یک معمار در دسترس دیگران نیست و امکان آزمون و کاربرد آن وجود ندارد. در کتاب های فرهنگ واژگان بر مبنای تاریخ معماری، نظریه معماری به عنوان تلاشی برای شناخت قوانین شاخص و رایج معماری از جنبه های مختلف فرمی و مفهومی و کوشش برای تدوین این اصول در قالب الگوهای آرمانی تعریف می شود. آرمان شهرهایی که توسط معماران مختلف در سده های گذشته...

- کیفیت‌های کاهش ناپذیر سیستم؛ تجربدهای خاصی که پدیده‌های موضوع را خلاصه می‌کند. ۱۰. «تعمیم»: عبارت، قانون، اصل یا نظر کلی.
۱۱. «تعمیم دهی»: استنتاج یا دستیابی به اصل یا مفهوم کلی و جزئی.
۱۲. «استقراء»: استدلال از جزء به کل، از خاص به عام و از شخصی به جهانی.
۱۳. «استنباط»: رسیدن به نتیجه‌گیری از طریق استدلال؛ نتیجه‌گیری از اصول کلی.
۱۴. «تجزیه‌گرایی»: نظریه یا روشی که داده‌ها یا پدیده‌های پیچیده را به دانش واژه‌های ساده تبدیل می‌کند.
۱۵. «اکتشافی»: انجام شده برای راهنمایی، کشف یا آشکارسازی، ارزشمند برای انگیزش یا هدایت تحقیق تجربی ولی به صورت اثبات نشده یا غیر قابل اثبات.
۱۶. «مدل»: ۲ مدل نشان دهنده یک واقعیت یا یک وضعیت واقعی زندگی است. به نمایش ریاضی یک واژه در دورن ناحیه طرح ریزی گفته می‌شود. الگوهای مورد استفاده از طرح ریزی یا پیش‌بینی شده است یا توصیفی و یا هر دو. الگوهای ریاضی معمولاً در واکاوی جمعیت، مطالعات پایه اقتصادی، کاربری زمین و تسهیلات اجتماعی بکار گرفته می‌شود. بیانی از دنیای واقعی است که الزاماً از نظر
۱۷. «الگوریتم»: روشی قاعده مند برای حل مساله محمودی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۹-۲۳.
۱۸. «ساده‌گرایی»: سادگی بیش از حد، تمایل به مرکز یک بعد موضوع (یا مساله) و کنارنهی عوامل پیچیده.
۱۹. «روش شناسی»: روش‌های مورد استفاده برای حل مساله؛ شاخه‌ای از منطق که روش‌های منتهی به جست و جو در زمینه خاص را تجزیه و تحلیل می‌کند. روش‌های جستجو یا فنون به کار رفته در یک زمینه خاص.
۲۰. «روند کلی طراحی»: سه مرحله نخست در حرفه معماری: «۱- برنامه ریزی، ۲- طرح شماتیک، و ۳- شکل‌گیری طرح». در این تعریف، برنامه ریزی قسمتی از روند کلی طراحی بوده، ولی از طرح شماتیک جدا می‌باشد (پنیا و پارشال، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰-۱۰۳).
۲۱. «مدلسازی»: ۲. مطلق سازی یک واقعیت پیچیده است که به گونه‌ای ویژه به مساله مورد بررسی مربوط است (سیف‌الدینی، فرانک، ۱۳۸۴، ص ۳۰۰).

...طراحی شده‌اند، از جمله این تلاش‌ها به شمار می‌روند. نمونه شاخص نظریه معماری باستان که در حقیقت چندین دهه مورد استناد بود، اثر ویتروویوس با عنوان «ده رساله در باب معماری» است که در حدود سال‌های نخست میلادی تألیف شده است. در حقیقت کتاب‌های ویتروویوس شالوده تمامی تلاش‌هایی قرار گرفته است که قصد داشتند مبانی علمی معماری را تدوین و آن را نظام‌مند کنند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: بمانیان و محمودی نژاد، نظریه‌های توسعه کالبدی شهر، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریها، ۱۳۸۵.

۲. مدل نمادی از واقعیت است. مدل مهمترین ویژگیهای دنیای واقعی را به صورتی ساده و کلی بیان می‌دارد و برداشتی است از واقعیت که برای توضیح مفاهیم و تقلیل پیچیدگی جهان به نحوی که قابل درک بوده و ویژگیهای آن براحتی مشخص شود، به کار می‌رود (افراخته، مدل در جغرافیا کاربرد مدلها در قلمرو فعالیت‌های کشاورزی، ص ۱۲). مدل، ساده شده دنیای واقعی است. در عین حال تعریف دیگر مدل بر این نکته تأکید دارد که مدل، یک سری اجزاء و روابط بین اجزاء در دنیای واقعی را عنوان می‌کند. مدل ایده‌ال نیز مدلی است که بتواند تمامی اجزاء یک سیستم و تمامی روابط اجزاء را مشخص کند. در عمل چنین مدلی نمی‌توان داشت و اگر مدلی داشته باشیم که بتواند تا ۷۰ درصد روابط بین اجزاء را مشخص کند مدل خوبی خواهد بود ولی صد درصد امکان پذیر نیست و یا حداقل به سختی می‌توان به چنین مدلی دست یافت.

آفرینش فرم در معماری

آفرینش معماری همواره با دو مقوله اساسی سروکار داشته است: «فرم یا شکل و مفهوم یا معنا. این دو مقوله به ترتیب جنبه های صوری و معنایی معماری را تشکیل می دهند که از بحث انگیزترین مقولات در طول تاریخ معماری بخصوص معماری معاصر بوده اند» (اعتصام، ۱۳۷۴، ص ۹۹-۱۰۳). فرم یکی از مقوله های اساسی آفرینش معماری به شمار می آید. در واقع سنگین ترین وظیفه ای که برای معمار می توان قائل شد آفرینش فرم است؛ چراکه معمار بایستی در این مرحله با به کار گرفتن ماده، زیبایی بیافریند یعنی سخت ترین موجودیت را برای انتقال ظریف ترین معناها بکار گیرد. در معماری نیز توجه به موضوع ایده و کانسپت و مراتب آن در طراحی مورد توجه بود؛ چنانچه آنچه در «آموزش بوزار» اهمیت داشت، «تعلیم بصری» دانشجویان بود، چنانکه:

۱- به سبب تأکید و اهمیت «مقیاس» و «تناسبات» و «تعملیات مربوط به آنها» و برهمکنش آنها با مقوله کانسپتها و فرایند ایده پردازی، در دانشجویان نوعی بصیرت ایجاد می شد که آنها را قادر می ساخت تا معایب (یا محاسن) یک نقشه (پلان) یا یک کار را

عملاً قبل از تجزیه و تحلیل و قبل از اندازه گیری و محاسبه دریابند. همین نکته در مورد عملکردها و روابط آنها نیز تا اندازه بسیار صادق است و به معمار آزادی فراوان در طرح می دهد.

۲- دوم آنکه تأکید بر «اسکیس» و «طرح آزاد» (بدون خط کش و گونیا) به معمار امکان می دهد که ترکیب متغیرهای مختلف و متنوع را به آسانی تجسم و ترسیم کند. طراح اگر بخواهد بیش از اندازه به ساختن در مراحل طرح بیاورد تخیل و ابتکارش کند یا متوقف می شود. محتملاً بخشی از عدم تنوع کارهای میس علیرغم قدرت آنها باید مربوط به همین نکته باشد. معمار باید بتواند بر بالهای خیال تا آنجا که ممکن است تخیلش را به پرواز در آورد و قادر باشد به سهولت به یادداشت و ترسیم اندیشه هایش بپردازد. نکته دیگر اینکه به عنوان مثال، روش بوزار تأکید معماری را بر طرح معماری می گذاشت و دانشجوی بوزار به اصطلاح

در آلتیه زندگی می کرد. البته همه آنها که تحصیل معماری را آغاز می کنند، استعداد یکسانی در طراحی معماری ندارد. اینان جذب تخصصهای دیگر معماری مانند طرح نقشه های اجرایی، سرپرستی کارگاه، تدوین مشخصات ساختمانی و حتی در

۳. برنامه ریزان باید به دو پرسش مهم درباره فرایند مدل سازی پاسخ دهند. نخست آنها می خواهند کدام جنبه سیستم شهری را به صورت مدل در آورند و دوم چه نوع مدلی در اختیار دارند؟ پاسخ به سوال دوم (انتخاب نوع مدل) نیز به هدف برنامه ریزی وابسته است. مدل های چه ساده و چه پیچیده را می توان به شیوه های مختلف طبقه بندی کرد. آنها ممکن است که خصلتی معین و قطعی یا احتمالی (حتی در برگیرنده عنصر تصادف) داشته باشند، و یا ممکن است که خصلتی ایستا یا پویا داشته باشند. بسیاری از مدل های توسعه شهری ایستا هستند یعنی سیستم را تنها برای یک زمان معین در آینده که در آن سیستم به نحوی به تعادل می رسد، تصویر می کنند (برای اطلاعات بیشتر ر. ک. پیتز، هال، تجارب رویکرد سیستمی در برنامه ریزی شهری، ترجمه محمد تقی زاده مطلق، نشریه جستارهای شهرسازی، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۶). به نتایج و فواید مدل سازی نیز می توان چنین اشاره داشت:

۱. دید روشن و شفاف نسبت به سیستم می دهد. باعث می شود که پیچیدگی ها و زوایای تاریک سیستم از بین برود.

۲. معماری و چارچوب سیستم مشخص می شود.

۳. ریسک را می توان مدیریت کرد.

۴. مستند سازی و رسیدن به قابلیت استفاده مجدد را نیز از مهمترین فواید مدل می دانند.

۵. مدل سازی شما را وادار می کند که مستند سازی کنید و تمامی این نتایج برای رسیدن به استفاده مجدد است، یعنی

از دوباره کاری در پروژه ها جلوگیری می کند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

سالهای اخیر برنامه ریزی معماری می شوند ولی چون با کیفیات طراحی به هنگام تحصیل به خوبی آشنا شده اند نسبت به آنها همدلی و هماهنگی دارند. کار کلیه شاگردان از سال نخست تا سال آخر در یک آتلیه و حضور در کرکسیون استاد برای همه شاگردان نیز می توانست ذهن شاگرد را در مسائل معماری تیز کند. مطالبی که بیان شد، مزایای بوزار بود که بالقوه وجود داشت. متأسفانه هنگامی که روشهای بوزار در مدارس معماری کنار گذاشته شد، خوب و بد با هم به دور ریخته شد، اما روشهای بوزار معیابی نیز داشت که اهم آنها تأکید بر ایجاد تصویری زیبا بود، بی آنکه فضای معماری آن عمیقاً بررسی شده باشد. به عبارت دیگر، آنکه در گرافیک ماهر بود، در بوزار معمولاً از موفقیت بیشتری برخوردار بود و شاگردان بیشتر به این جهت گرایش می یافتند.

در مقوله مراتب شناخت و خلاقیت در معماری، «نقره کار» ضمن اشاره به بی پایانی ایده پردازی و مقوله خلاقیت می آورد:

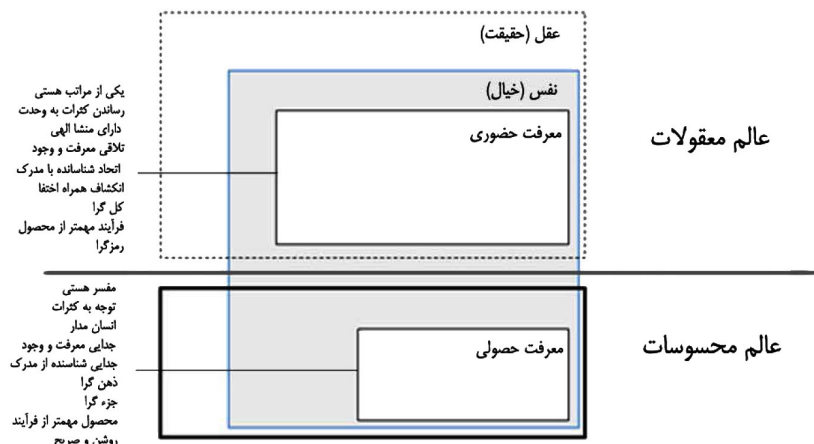
«شناخت و خلاقیت دو حالت دارای مراتب هستند که هیچ گاه پایان نمی یابند، در حالی که بسیاری از مکاتب آن را در ظاهری ترین لایه محدود کرده اند، آنچه غالب مکاتب و نظریه پردازان هنر و معماری مطرح می کنند، یک سلسله مراتب طولی و تاریخی

است. به راستی آیا بشر امروز بیشتر از دیروز می شناسد؟ آیا انسانهای بزرگ بیشتر از کودکان می شناسند؟ به نظر می رسد این هم یکی از گمانهای انسان مدرن است؛ او غافل است که در بسیاری از ساحت ها، شناخت او بسیار کمتر از پیشینیان است، بشر امروز راهی به علم حضوری ندارد، چراکه اصلاً در حضور نیست و به همین دلیل کودکان نسبت به بزرگترها شناخت عمیق تری دارند. علت این امر آزاد گذاشتن هوسها و امیال است و هیچ شکی نیست که این عامل سبب انسداد ادراکات درونی می شود، به این ترتیب هیچ حکم مطلقاً در مورد شناخت تاریخی نمی توان داد و تنها می توان گفت ابزار شناخت بشر در طول تاریخ تا حدودی کامل تر شده است» (نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

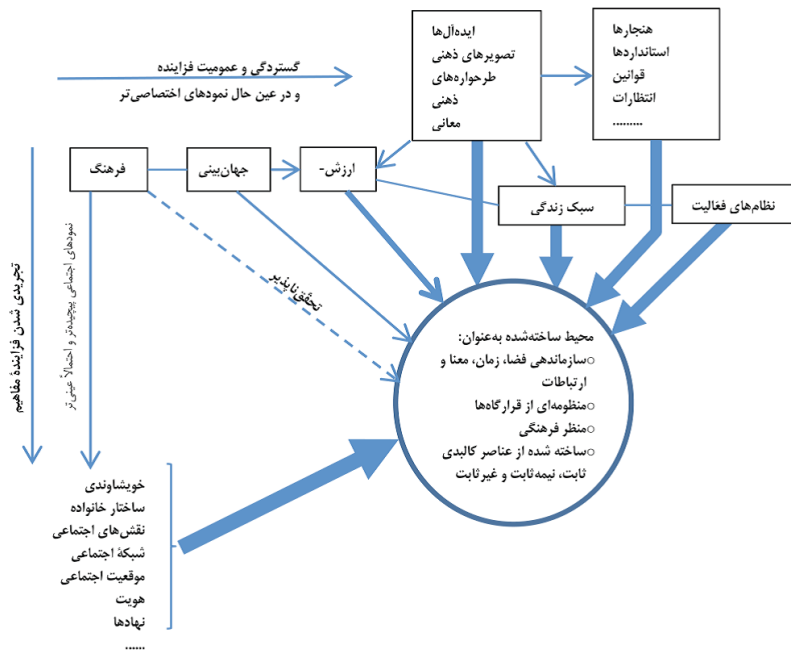
در عین حال باید اشاره کرد که فرهنگ عامه و مولفه های فرهنگی- اجتماعی جایگاه عمده در پیدایش مفهوم و ایده های اولیه در طراحی دارد که این موضوع در نمودار زیر نشان داده شده است.

نقش فرم در آفرینش معماری

برای معماران که از دیدگاه آفرینشی در فضای معماری به فرم می نگرند، آفرینش فرم و آموزش این نوع آفرینش از اهمیتی بسیار برخوردار است؛ زیرا معمار در آفرینش فضا آنچه را می خواهد



نمودار ۱. رابطه شناخت حضوری و حصولی و عالم خیال؛ ماخذ: اشرافی و نقی زاده، ۱۳۹۴، ص ۳۹.



نمودار ۲. جایگاه فرهنگ با معانی، ایده، طرحواره‌های ذهنی و کنسپت‌های اولیه؛ ماخذ:

ناری قمی و عباس زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۸.

بیا هنری رخ می دهد. واسیلی کاندینسکی می گوید که در دوران کودکی می توانست با ذهن خود ببیند. او تنها در صورتی می توانست امتحانات دروس ایستایی را پشت سر بگذارد که با موفقیت تمام صفحه امتحان را در ذهن خود تصور و ثبت کند. کاندینسکی این تدابیر را برای طبیعت نیز به کار می برد. او عاشق طبیعت و در آن سرگردان بود، آن را با ذهن خود می دید و به حافظه می سپرد: «سالها بعد موفق شدم مناظر طبیعی را با ذهن خود در آتلیه، بسیار بهتر از خیره شدن به آن در اطراف شهر، به تصویر کشم» (آنتونیادس، ۱۳۸۱، ص ۴۰۵-۴۰۶).

فرایند تفکر و افرینش معماری

فکر کردن و «فرایند تفکر» از مهمترین موضوعات در «تولید ایده» و یا «ایده پردازی» منتهی به «طرح کنسپت» است. لذا ویژگی‌های «استراتژی‌های فکر کردن» در طراحی را می توان در چهار گروه دسته بندی و معرفی کرد:

۱. «تفکر واگرا در مقابل تفکر همگرا»: تفکر

بگوید با استفاده از فرم ابراز می کند، همچنان که موسیقی سازان، نقاشان، شاعران و فیلمسازان نیز هریک به زبان و بیان خاص خود آنچه را در دل دارند از طریق صوتها، کلامها و رنگها به مخاطبان خودشان انتقال می دهند. فرم چه در موسیقی، چه در معماری و چه در شعر، بعدها ذهنی را می نمایاند و تنها راه ممکن برای انتقال مفهومی خاص از سوی آفریننده اثر به استفاده کننده و مخاطب است. شایان ذکر است که بنقل از «آنتونیادس» در کتاب ارزنده «بوطیقای معماری»، «قابلیت ذهن و پرورش قوه خلاقه ذهنی»، نیازمند آموزش و از مهمترین موارد مطروحه در فرآیند آموزش قلمداد می شود:

«بسیاری از هنرمندان نیروی ذهن را تصدیق کرده اند. در حقیقت، بیشتر آثار هنری که در آتلیه به انجام می رسد، غیر از احساس آنی از موضوع که ممکن است باعث برانگیختن اثر هنری شود، حاصل آموزش دادن چشم به دیدن، و توانایی ذهن برای اندوختن و حمل تصاویر برای لحظه ای است که

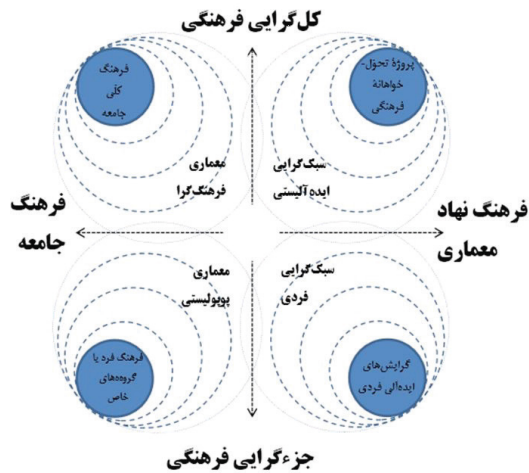
شده و پاسخی متناسب که انعکاس دهنده نیازها باشد، ایجاد می گردد.

۳. «تفکر غیر وابسته به زمینه در مقابل تفکر وابسته به زمینه»: در تفکر غیر وابسته به زمینه، طراح با استفاده از رویکردی غیر وابسته به شرایط موجود به بستر، فعالیت ذهنی خود را متوجه ظرفیت عظیم تری از اطلاعات نموده و به نحوی با استفاده از روحیه گشتالت، به دنبال درک جهان فیزیکی اطراف خود می گردد و به جزییاتی همچون مکان توجه نمی نماید. در مقابل این تفکر، تفکر وابسته به زمینه وجود دارد که توجه و تاکید آن بر شرایط مکان و بستر معرفی می گردد. در مقابل تفکر وابسته به زمینه، طراح با طی یک فرآیند منطقی به دنبال ایجاد پاسخی مناسب برای زمینه ای خاص که مساله در آن قرار دارد، یه فعالیت طراحی می پردازد.

۴. «تفکر یکجا در مقابل تفکر مرحله ای»: در تفکر یکجا، فعالیت ذهنی طراح به مطالب و مسائل بصورت یکجا و همزمان مشغول می گردد و تصمیم گیری او اغلب در ابعاد کلان انجام می گیرد. در مقابل آن، در تفکر مرحله ای، مراحل فکر کردن باعث می شود تا طراح بر اساس نوبت و برنامه زمانی و تکمیل فعالیتها، به تصمیم گیری نهایی دست پیدا نماید (محمودی، ۱۳۸۳، ص ۳۱-۳۲).

تشخیص فرم و آفرینش معماری

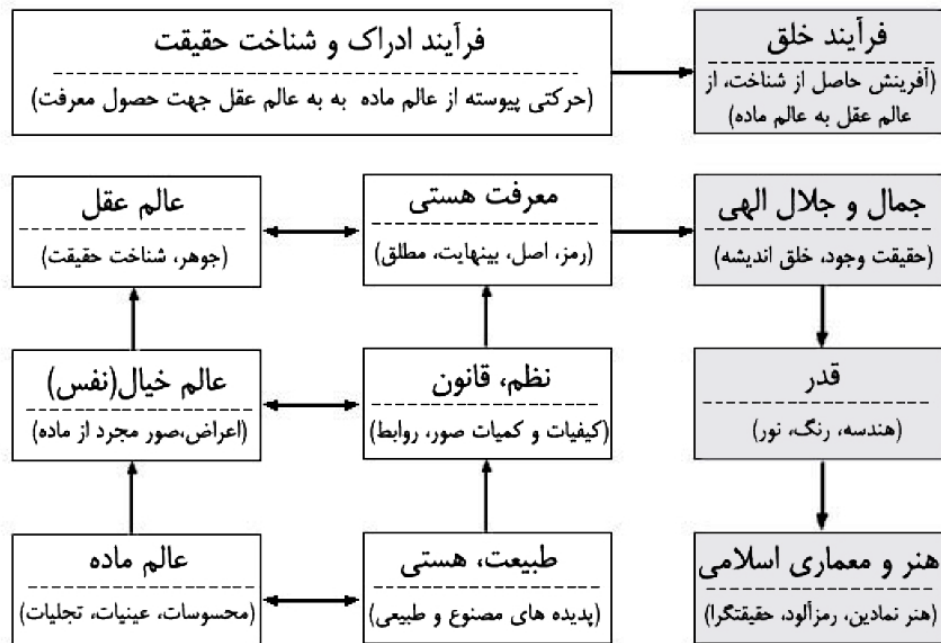
خصوصیت عملکردی فضا، به دنبال صفت های فرمال فضا می آیند و وقتی ما اتاق را ساختیم خود به خود عملکرد را تعیین کرده ایم. بنابراین در معماری یعنی در ساختن فضاها، ما به منظور دستیابی به فانکشن باید از فرم شروع کنیم. «میس و ندر دروه» در خطابه افتتاحیه «انستیتوی آرمور» که بعدها به «انستیتو ایلینویز» تغییر نام داد، در رابطه با مقوله فرم معماری و خلاقیت در تطابق با مفاهیم ایده و کانسپت، اشاره دارد: «راه درازی که از مصالح تا کار خلاقه و با عبور از فنکسیون طی می شود، فقط یک هدف دارد: نظم بخشیدن به ابهام



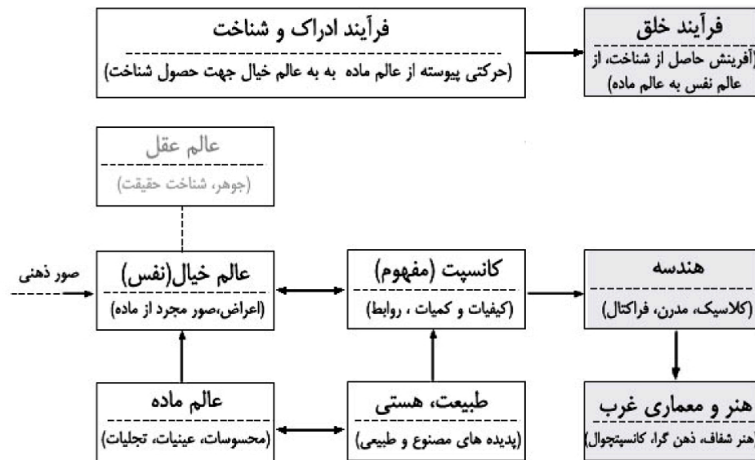
نمودار ۳. جایگاه فرهنگ در معماری و رویه تولیدی آن؛
ماخذ: ناری قمی و عباس زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۹.

واگرا در واقع نوعی کثرت گرایی را ایجاد می کند. این نوع تفکر با تعدد گزینه ها و ایده ها همراه است و آن را می توان بعنوان «تفکر افقی» معرفی نمود که در آن ایده های گوناگون در کنار یکدیگر دارای اولییتی نمی باشند و در مسیر تحلیل، تعدادی از راهکارها حذف و یا با یکدیگر ادغام می گردند. در مقابل یان تفکر، تفکر همگرا مطرح است که بر اساس مراحل منطقی پیش می رود و در واقع دارای ساختار و فرآیندی است که به صورت روش های سیستماتیک تدوین می گردد. در تفکر واگرا یا عمودی، سلسله مراتب تصمیم ها و ایده ها بر اساس فرآیند سعی و خطا به پاسخ نهایی نزدیک می شود.

۲. «تفکر آنی در مقابل تفکر واکنشی»: تفکر آنی بر احساس درونی و حکمت تکیه دارد. در این نوع تفکر، به جزییات کمتر توجه و تصمیمات معمولاً کلی و در مقیاس کلان اتخاذ می گردند. در مقابل آن، تفکر واکنشی مطرح است که تصمیمات بر اساس رویکردهای علمی و آزمایشی و با استفاده از اطلاعات جمع اوری شده و تجزیه و تحلیل آنها اتخاذ می گردد. در این رویکرد، با توجه به شرایط و ویژگی های مطرح، به یک یک مطالب اندیشیده



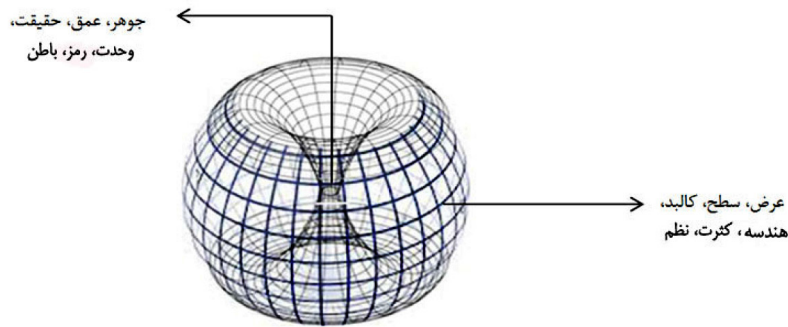
نمودار ۴. مراحل خلق و ادراک در آفرینش معماری اسلامی؛ ماخذ: اشرفی و نقی زاده، ۱۳۹۴، ص ۴۱.



نمودار ۵. مراحل خلق و ادراک در آفرینش معماری غرب؛ ماخذ: اشرفی و نقی زاده، ۱۳۹۴، ص ۴۳.

نامید زمان ما. ما باید نظامی داشته باشیم که به هر چیز جای خود و رفتار مناسب آن را بر طبق طبیعت بدهد. ما باید به روشی آن قدر کامل عمل کنیم که دنیای خلّاقیت ما از درون شکفته شود. ما نمی خواهیم و نمی توانیم بیشتر از این انجام دهیم. هیچ چیز نمی تواند هدف و مفهوم کار ما را بهتر از گفته عمیق «سنت اگوستین» بیان کند: «زیبایی شکوه حقیقت است.» (بنه ولو، ۱۳۷۷، ص ۳۰۹).

«هنر» با یک «الهام» آغاز می شود. آنگاه این الهام در یک فرآیند به نام «خلّاقیت» (آفرینش) شکل زیبا پیدا می کند و اثر هنری پدیدار می شود و این پدیداری، بی گمان هدف و آرمانی را دنبال می کند. در حقیقت، هنر یک چیز بیش نیست و این چهار گام در یک ارتباط سامانمند با هم از پی هم رخ می دهند و به هم وابسته هستند؛ به گونه ای که هر یک از این گامها سه گام دیگر را تعریف می



نمودار ۶. دور ادراک آثار حقیقت‌گرا با تجلی حقیقت به صورت هندسه در عرضیات و به وحدت رسیدن کثرات با درک حقیقت در باطن؛ ماخذ: اشرافی، ۱۳۹۴، ص ۴۲.

تشکیل می‌دهند. وقتی فضا توسط عناصر تشکیل دهنده فرم شروع به حبس شدن، محصور شدن، شکل گرفتن و سازماندهی شدن می‌کند، معماری بوجود می‌آید. «گروپویوس» در بیان رابطه فرم و مقوله ایده پردازی [التزام توجه همزمان به مهارت موضوع (تفکر معمار و اجرا) و ابعاد روانشناختی (انگیزه درونی و تکامل عمومی مردمی)]، با اشاره به مفاهیم هنر و زیبایی اشاره می‌کند که: «در طی زندگی طولانی‌ام رفته رفته دریافتم که خلاقیت و عشق به زیبایی نه تنها انسان را از طریق دریافت بخش مهمی از خوشبختی بارور می‌کند؛ بلکه شناختهای اخلاقی را نیز در او رشد می‌دهد. دورانی که جای کافی به این احساس نمی‌دهد، از نظر بصری توسعه نیافته می‌ماند، تصویر آن مبهم است و تظاهرات هنری منفرد آن واکنش بسیار ضعیفی برمی‌انگیزد که به هیچ رو تکامل عمومی را متاثر نمی‌کند» (بنه ولو، ۱۳۷۷، ص ۳۹۱).

تعریف کانسپت

«کانسپت» با «ایده» تفاوت بسیار دارد. کانسپت را می‌توان هدف طراحی یک پروژه نامید و ایده آندسته از تمایلات ذهن است که با توجه به شرایط حاکم بر پروژه و موقعیت جغرافیایی پروژه و شرایط اقلیم و فرهنگ و آداب و سنن ما را به سمت طراحی متناسب و کارآمد سوق می‌دهد (معرفت، ۱۳۷۵، ص ۱۱۱). در این رابطه باید گفت که تاثیر

کنند. در نتیجه این گامها تنها برای روشن ساختن چیستی هنر و فرآیند آفرینش آن و زمینه‌سازی برای مقایسه رویکردهای گوناگون درباره هنر است. «هادی ندیمی» در مقاله «امید رهایی نیست، وقتی همه دیواریم» می‌نویسد:

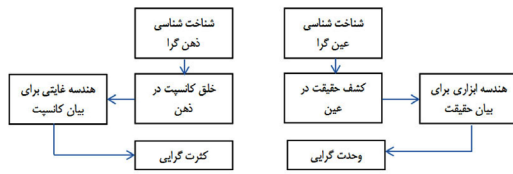
«اندیشه رساننده مفاهیم است، معماری رساننده معانی. در زبان می‌شود فریاد زد من این نیستم، ولی در هنر آنچه هستی، نشان داده می‌شوی؛ پس هیچ اتفاق یا عملی و هیچ گفتاری از انسان صادر نمی‌شود، مگر اینکه پشتوانه‌ای اندیشه‌ای داشته باشد» (ندیمی، ۱۳۸۵، ص ۳).

«لطیف ابوالقاسمی» نیز در مراتب هنر و اندیشه می‌آورد:

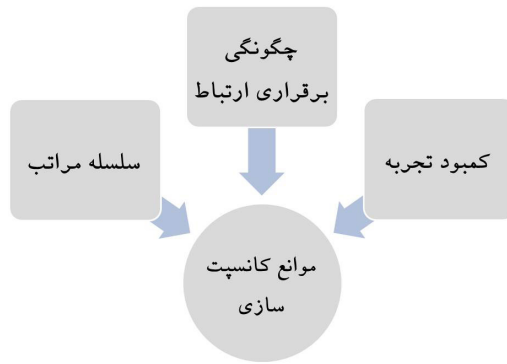
«معماری، اول در اندیشه معمار نقش می‌بندد (حقیقت)، سپس بیان می‌شود (واسطه) و در نهایت بر ساحت زمین یا اثیر فضا شکل می‌گیرد (مجاز). معماری ایرانی را در ابداع، طرح و اجرای بنا، حس یزدانی را برای حس زیبایی و نیکی مقدم بوده و محیطی روحانی برای نزدیکی به حق تعالی فراهم ساخته است. این خصیصه به سبب رقابت اعتقادی در معماری دوران اسلامی بیشتر مُستفاد و قابل درک و تشخیص است» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳، ص ۳۷۹).

فرم و فضای معماری

عناصر فرم و فضا همراه یکدیگر، واقعیت معماری را



نمودار ۸. مقایسه حقیقت ایده در معماری اسلامی و معماری غربی؛ ماخذ: اشرافی و نقی زاده، ۱۳۹۴، ص ۴۵.



نمودار ۹. موانع کانسپت سازی در معماری و طراحی شهری؛ ماخذ ترسیم: نگارنده.

از مصالح و حل فنکسیون تا کار خلاقه، هدایت می کنیم» (بنه ولو، ۱۳۷۷، ص ۳۰۹).

عوامل موثر بر کانسپت در طراحی

هدف، تحلیل سایت و مکان‌یابی ساختمان، عوامل فرهنگی اجتماعی، عوامل جغرافیایی، شرایط آب و هوایی، برنامه فیزیکی طرح، خواسته کارفرما، مقیاس و تناسب، بررسی مصالح و تکنولوژی ساخت بنا، ابعاد انسانی و فضاهای معماری (حرایم) و الزامات تأسیساتی از عوامل موثر بر کانسپت در طراحی هستند. در عین حال، باید اشاره داشت که از نظر بسیاری از صاحب نظران مشکل اساسی عدم تعریف پذیری مفاهیم پایه معماری و منجمله کانسپت در معماری امروز در مقوله آموزش است، چنان که «حسین شیخ زین الدین» در مقاله «گفت و گوی در باره زبان و تکنیک» می نویسد:

«...باید جایی این چرخه اهریمنی شکسته شود. این نقطه نظر من در آموزش است. در این زمینه لازم



نمودار ۷. سلسله مراتب روش شناسی طراحی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس محمودی، ۱۳۸۳

آموزش بر تعریف پذیری کانسپت و روند آن اهمیتی مضاعف دارد؛ چنانچه «میس و ندرروه» [در انطباق با نگاه ندیمی]، در سال ۱۹۳۸ و پس از دعوت برای مدیریت بخش معماری انستیتو آرمور که بعدها به انستیتو تکنولوژی ایلینویز تغییر نام یافت، در خطابه افتتاحیه در رابطه با آموزش معماری و دریافتهای دانشجویان از موضوع طراحی گفت: «هر آموزشی باید با جنبه های عملی زندگی آغاز شود. ولی آموزش واقعی باید فراتر رفته و به شخصیت شکل بخشد. اولین هدف، دریافتهای دانشجو برای شناخته ها و قابلیت های زندگی عملی است. هدف دوم، پرورش شخصیت او و دادن امکان استفاده از این شناختهها و قابلیتها است. آموزش واقعی تنها شامل اهداف عملی نیست، بلکه ارزشها را نیز در بر می گیرد. ما از طریق اهداف عملی به اسکلت خاص زمان خود پیوسته ایم، در حالی که، این ارزشها به ارزشهای معنوی انسان مربوط است. اهداف کاربردی فقط به پیشرفت مادی وابسته اند در حالی که ارزشهایی که ما از آن دفاع می کنیم، سطح فرهنگی ما را متجلی می کنند. اهداف عملی و ارزشها در عین ارتباط نزدیک، متفاوتند... آموزش باید ما را از یک وضعیت غیرمسئولانه به قضاوت روشن و مسئولانه و از موفقیت «اتفاقی» و «دلخواه» به صراحت راسیونل و نظم روشنفکرانه هدایت کند. در نتیجه ما دانشجویان را در مسیر منظم، با شروع

نیست بدیهیات را بارها و بارها امتحان کنیم. باید ببینیم در همه دنیا چه کرده اند، ما هم همانطور عمل کنیم. جامعه ای در آن بدیهیات هم نیازمند اثبات باشد، پیش نمی رود. سرافکندگی ایجاد می کند. برای کشور توسعه نیافته خطرناک است که این پارادایم های بدیهی را که لااقل در حال حاضر کارکردشان اثبات شده سات زیر سوال ببرد و خیال کند کشف خیلی بزرگی کرده است. شاید راه خروج از چرخه همین باشد که بداهت این پارادایم ها به طور موقت اما قاطع و قطعی پذیرفته شود. به خاطر شک فلسفی که نمی توان به همه سازوکارها و از جمله در مورد آموزش و نظام های فنی حمله کرد. نه از هیچ کس می آموزیم و نه با کسی مشورت می کنیم. فقط به اتکاء دانش قاصر خودمان نظامی را باز تولید می کنیم که محصول بدی دارد و عبرت هم نمی گیریم.» (شیخ زین الدین، ۱۳۸۱، ص ۳۱).

انواع و اطوار کانسپت

همیشه کانسپت ها توسط معماران پدید نمی آیند. شاید بهترین نمونه این موضوع پاسخ «لوکوربوزیه» به کانسپت موردنظر کارفرما در «ساختمان کارگاه های چوب» در «مرکز هنرهای بصری» در «دانشگاه هاروارد» باشد. این مرکز یک بخش دانشجویی است که نه تنها برای دانشجویان رشته های هنری بلکه برای سایرین هم قابل استفاده است. کانسپت مورد نظر مسئولان دانشگاه این چنین بود که اگر دانشجویان بیشتری از فعالیت های مرکز با خبر باشند و بتوانند جریان کار و زندگی درون آن را مشاهده کنند آنگاه شرکت و حضور آنها در کارگاه ها متحمل تر خواهد بود و لوکوربوزیه کانسپت را به اجرا در آورد، به این صورت او از درون مسیر عبور پیاده موجود در سایت رمپی طراحی کرد که مانند تونلی از درون ساختمان عبور می کرد و امکان مشاهده بسیاری از استودیوها و کارگاه ها را فراهم می آورد (مختاری طالقانی، ۱۳۹۰، ص ۸۹). در واقع معماری و آموزش آن باید تفکرساز و تفکرآفرین باشد؛ چنان که «داراب دیبا» در رابطه بین «نظر،

جهان بینی و ایده (تفکر)» می آورد: «...در شکل گیری معماری ایران، نظر، جهان بینی و تفکر ارتباط بسیار نزدیک با فضا داشته است. این امر ممکن است در مرحله اول جست و جوگر حل مسائل جوی و اقلیمی بوده باشد ولی در مراحل تکمیلی، ذهنیتی مشهود است که در آن کلیه تحولات عقلانی و تخیلات معنوی نفوذ کرده اند» (دیبا، ۱۳۷۸، ص ۹۷).

به عنوان مثال، شاگردان در آغاز ورود به باوهاوس می بایستی در دوره های فورکوس (پیش درس) شرکت می کردند، که مراد از آن آماده شدن شاگردان برای کار اصلی در این مدرسه بود و برنامه ریزی آنرا «یوهانس اتین» نقاش سویسی به نوعی اختراع کرده بود و ظاهراً گروپیوس در چگونگی و تدریس این واحد دخالتی نداشت. اتین خود مقصود از «فورکوس» را چنین توضیح می دهد:

«مراد از این درس آزاد کردن نیروی خلاقه و ایده پردازی کارآموز است و این که بتواند مواد و مصالح طبیعت را درک کند و نیز آشناساختن کارآموز با اصولی است که در بین تمام فعالیت های خلاقه در هنرهای بصری وجود دارد، هر کارآموز جدیدی که وارد باوهاوس می گردد آکنده از انبوهی از اطلاعات است که در طی سالها جمع شده است و وی را از پیشرفت باز می دارد، قبل از آنکه تصویری از خود داشته باشد و دانشی تازه و با بصیرت آورد باید انبوه اطلاعات گذشته را به دور بریزد.»

لذا هر کارآموز پس از گذراندن «فورکوس» و «کارآموزی» در یکی از کارگاه های هفتگانه باوهاوس و طی کردن پاره ای از دروس نظری مانند حسابداری، عقد قرارداد و تخمین مخارج ساختمان می توانست در امتحانی شرکت کند که در صورت موفقیت به او گواهی سرپرست کارگاه داده می شد. در باوهاوس مدارک، معادل کارآموز بودند و نه دانشجوی، که نشانگر هدف باوهاوس در تربیت متخصص در بعد عملیاتی و نه تئوریک آن بود. کارگاه های باوهاوس به دو قسم بودند: یک قسم

برقراری ارتباط است. نکته جالب در این رابطه این است که سخت‌ترین کار این نیست که چگونه کانسپت خود را به دیگران معرفی کنیم بلکه سخت‌ترین کار این است که چگونه باید کانسپت را برای خود تشریح کنیم. به همین خاطر طراحان می‌آموزند تا قبل از تشریح ایده‌های خود برای دیگران نوعی دیالوگ به عنوان مطرحه در ذهن خود برقرار سازند، مشکل دیگر برقراری ارتباط گرافیکی است. متأسفانه بسیاری از دانشجویان در ترسیم و طراحی ایده مورد نظر خود اکراه دارند. در معماری هر آنچه که قرار است ساخته شود می‌بایست ابتدا ترسیم گردد. پروسه ترسیم و طراحی باید در مراحل ابتدایی کار آغاز شود تا طرح پیشنهادی و کانسپت آن بتوانند دائماً نقد و اصلاح شوند. «لویی کان با نوشته‌ای این نکته را یادآور می‌شود که مشکل برقراری ارتباط بین یک ساختمان منسجم در ذهن و طراحی‌های اولیه، بین دانشجویان عمومیت دارد. برای بیان ایده در معماری و موسیقی می‌بایست از ابزارها و امکانات قابل سنجش بهره گرفت. اولین خطی که بر روی کاغذ کشیده می‌شود خود میزانی است از آنچه نمی‌توان به طور کامل آن را بیان کرد» (هوانسیان، ۱۳۲۵، ص ۳۲).

تصورات، ذهن و معماری

لوکوربوزیه در مورد آفرینشگری و ارتباط آن با «تصورات در معماری» چنین گفته است: «در کار معماری واقعه‌ای غیرقابل انکاری رخ می‌دهد که طلوع آن در لحظه خلاقیت است. آن گاه که ذهن در کار تامین استحکام و راحتی در ساختمان از طریق تصورات است، از طریق اغراض متعالی تر از امور ساده‌ای چون صرف مفید بودن، اعتلا می‌یابد؛ اغراضی که ملهم از نیروهای شاعرانه‌ای می‌باشند که مبتهج کننده و سرور آفرین‌اند» (اکرمی، ۱۳۸۲، ص ۳۸).

تصورات در مقایسه با ایده‌ها از اساس و تکامل و اغلب اهمیت کمتری برخوردارند. ممکن است تصور

که مسائل مربوط به کار در آنها تدریس می‌شد و نوع دیگر مسائل فرم که در واقع آموزش اخیر مربوط به مسائل هنری بود.

کانسپت‌ها و طراحی معماری

از آنجا که یگانگی بین «عمل» و «تفکر» معمار، یک امر اساسی به شمار می‌رود، مهم این خواهد بود که در شروع آموزش و کار، شکل دادن به یک «تفکر معمارانه» مدنظر قرار گیرد. اولین پیامد وقوف به این آگاهی اشراف و تسلطی است که شخص بر انتخابهای خود پیدا می‌کند و این دقیقاً همان چیزی است که به کار انجام می‌بخشد. به این صورت تحصیل نظری در مدرسه معماری عبارت از شکل دادن به یک «نقطه نظر» کلی و از آن پس کار طراحی و تجربه‌ها و پژوهش‌های مربوط به آن، توأم و به تبع این «نقطه نظر» سامان خواهد گرفت. معماری حرفه‌ای جامع است، از دیرباز کسی معمار شناخته می‌شد که اگر هم در دانشها و هنرهای دیگر دستی به عمل ندارد، حداقل به رمز و رموز آنها آشناست و در شعر، نقاشی، و مجسمه‌سازی و سره را از ناسره تشخیص دهد (نسرین، ۱۳۷۶، ص ۶۳). لذا باید گفت که شکل‌گیری کانسپت پدیده‌ای خود به خودی نیست بلکه نیازمند تلاشی متمرکز برای گردآوری و ترکیب مسائل مختلف است. گردآوری این مسائل کاری هوشمندانه است، به عقیده بسیاری از طراحان، معماران، منتقدان نویسندگان، هنرمندان، شکل‌دهی کانسپت متشکل از ۱۰ درصد الهام و استعداد و ۹۰ درصد پشتکار و سخت‌کوشی است. شکل‌دهی کانسپت برای کاری بسیار ناآشناست. همچنین دانشجویان برای اندازه‌گیری و درک سایر مباحث طراحی در این مورد، با سختی مواجه‌اند. در زمینه تقویت مهارت کانسپت‌سازی سه مانع اصلی وجود دارد:

۱. چگونگی برقراری ارتباط.

۲. کمبود تجربه.

۳. برقراری سلسله مراتب.

اولین مشکلی که یک دانشجو با آن مواجه می‌شود

شود که تصورات نمی توانند نقشی در شکل دادن کانسپت‌ها داشته باشند، این نتیجه‌گیری درستی نیست. در «علم سینکتیک» یا همان تجربه و تحلیل مسائل علمی اصلی، اساسی به نام «تولید اتفاقی ایده‌ها» وجود دارد که بر این اساس هنگام تحلیل مسائل که از راه‌های موجود قابل حل نیستند، هر ایده یا تصور تازه می‌تواند سبب گشایش شود. بخش کوچکتری از افراد، این توانایی را دارند تا با استفاده از سینکتیک و یا سایر روشهای تولید اندیشه، به ارائه ایده‌های متنوع برای مسائل بپردازند. ایده‌هایی که اگر چه ظاهراً بی‌معنی و بی‌ارتباط و گاهی موهومی به نظر آیند ولی در واقع مرحله‌آغازین اهمیت روند تحلیل مسائل را می‌سازند. در معماری هم گاهی عناصر یک کانسپت ایده‌آل را به هیچ‌عنوان نمی‌توان در یکجا جمع کرد، در این صورت شاید استفاده از تصورات برای رسیدن به کانسپت به عنوان تکنیکی اساسی برای شکل دادن کانسپت و البته در نتیجه عدم تجربه کافی در طراحی و کانسپت‌سازی ضروری باشد.

رابطه کانسپت و ایده در معماری

کانسپت‌ها از این نظر که تفکرآتی حاصل از ادراک ما هستند تشابه زیادی با ایده‌ها دارند، با این تفاوت که کانسپت‌ها دارای یک ویژگی خاص خود هستند و آن این است که این تفکرات، معطوف به راه‌های گردآوری چند عنصر و ویژگی، در یک کل هستند. در معماری کانسپت تعیین‌کننده چگونگی تأثیرگذاری جنبه‌های مختلف نیازمندی‌های بنا بر طراحی و ساخت آن از طریق اجتماع در یک اندیشه خاص است و کانسپت در معماری موضوعی هدفمند است. نتیجه تلاش متمرکز و خلاقانه در یکپارچه کردن عناصری به ظاهر نامتشابه. «اروسارین» و «ادوارد لرتبسی بارنز» دو معمار آمریکایی هستند که همواره با کانسپت‌ها در ارتباط بوده‌اند. سارنین چنین پیشنهاد می‌کند: «هویت یا بیان، تنها زمانی قابل انتقال می‌شود که کل بنا به صورت یک تعبیه جامع در آید. مانند هر اثر هنری

یک کانسپت ساده و قوی باید بر کل کار غالب باشد و تمام اجزاء می‌بایست به شکل فعال، بخشی از این حالت کلی باشند. این مساله در مورد اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین عناصر مانند پلان یا سیستم‌سازه تا متاخرترین آنها، مانند رنگ دیوارهای داخلی یا دستگیره‌های در صادق است. به عقیده من این هدف یعنی بوجود آوردن این تعبیر جامع، والاترین و مشکل‌ترین اهداف است و البته باید بیش از هر چیز ما را به خود مشغول دارد.»

سناریوهای کانسپچوال (مفهومی)

با توجه به اینکه هر نوع بنایی می‌تواند صدها نیاز خاص خود را داشته باشد که این نیازها تازه غیر از نیازها و اهدافی است که شخص معمار بر آن می‌افزاید. دستیابی به کانسپتی واحد که همه این عناصر را به هم همبسته سازد امری بلند همتا و البته بلند پروازانه است. معماران در مقالات و نوشته‌های مربوط به کانسپت‌های طراحی خود، مسأله گره زدن فاکتورها و تفکرات مهم و تأثیر گذار، در طراح را در نوعی سناریوی کوتاه مطرح می‌کنند. وقتی هدف از ایجاد یک کانسپت در پروژه، ترکیب اعضا مختلف در یک کل واحد باشد، یک معمار می‌تواند در نهایت، پروژه خود را ترکیبی از چندین کانسپت ایجاد کند این نوع بینش در طراحی را افزایش می‌نامند. دیدگاه افزایشی عبارت است از پرداختن به هر بخش به صورت مجزا با توجه به نیاز آن و تلاشی برای یافتن یک کانسپت کلی. بخش دیگر دیدگاه، متوجه معمار و توجه او به گستردگی محتوای کانسپت است. کانسپچوال مضمون کانسپت را وسعت بیشتری می‌دهد و موارد بیشتری را در آن می‌گنجانند و در نهایت تصاویر بیشتری از پروژه پیش چشم می‌نهد. سناریوی کانسپچوال می‌تواند مشخص کند که چگونه تمام ایده‌های با اهمیتی که ممکن است به طور جداگانه بیان شوند، می‌توانند به شکل مفصل تری به رشته تحریر در آیند. فرانک لوید رایت می‌گوید: «چرا نمی‌توان معبدی ساخت حساس تر از احساس و نه فقط برای

خود بلکه برای انسان، متناسب با کاربری های او، به عنوان جایی برای آشنایی و یک ملاقات خانه و جایی برای اوقات خویش، فضایی زیبا و متناسب این منظور آفرید و با همین حس آنرا آراست. ساختمان طبیعی برای انسان طبیعی». چنین فضایی در ذهن شروع به شکل گیری می کند و در آن هنگام باید به این ایده های معمارانه گام نهد و مهم ترین موضوع این است که فضایی چنین باشکوه را در ذهن حفظ کنیم و بگذاریم تا خود فضا کل عمارت را شکل دهد. «کویین روش» می گوید: «ما سعی داریم نوعی حس ارتباط بیافرینیم. در موسسه ای که مسأله هدف مشترک، اهمیت بسزایی دارد. عده ای از مردم ساعتها کار خود را وقف هدف می کنند، بگذارید بگوییم آنها مشغول فراهم کردن شرایطی بهتر برای دنیایی که در آن زندگی می کنند هستند. در موسسه فورد آنها خود بخشی از یک دستگاه هستند دستگاهی معقول که در صورت هدایت صحیح می تواند باعث پیشرفت ترقی بسیاری از مناطق شود. پس باید فرض کنیم با مردمی متعهد سر و کار داریم که مسیر خود را رها کرده اند تا به این سازمان بیوندند و این فقط یک مشعل دیگر برای آنها نیست.» انواع پنجگانه کانسپت عبارتند از:

- ۱- کانسپت های قیاسی (نگاه به دیگر چیزها)؛
- ۲- استعاری (نگاه به انتزاعات)؛
- ۳- جوهری (نگاه به ماورای نیازهای برنامه)؛
- ۴- برنامه ای (نگاه به نیازها و اهداف خواسته شده)؛
- ۵- ایده آل گرا (نگاه به ارزش های مطلق).

تداوم و پیوستگی در معماری

معماری ایران چون بسیاری دیگر از مظاهر فرهنگی ما در طول تاریخ حیات خود از تداوم کم نظیری برخوردار بوده است. البته چنین نیست که قوم ایرانی از آغاز تمدن شهر نشینی خود همواره به ساختن بناهایی کاملاً مشابه هم و بی هیچ تغییری در زمینه طرح و بنیاد پرداخته باشد، بلکه منظور آنست که از هنگامیکه فن ساختمانی پس از طی

یکدوره ابتدائی مراحل تکامل خود را پیمود و شیوه خاص خود را پی ریزی کرد دیگر آن خصوصیات را که معماری سرزمین ما بدانها باز شناخته میشود در طی قرون متمادی هرگز از دست ننهاده (مختاری طالقانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲).

هنر هر قوم بازگو کننده نحوه اندیشه و جهان بینی و معتقدات و سنت های آن قوم است. هر چه بنیادهای فرهنگی ملتی استوارتر و ریشه دارتر باشد تجلیات هنری آن ملت هم در طی تاریخ تکامل آن یکنواختتر و از نوسانات و تحولات و گسستگی ها بیشتر برکنار می باشد. هنر معماری بی شک یکی از بارزترین مظاهر تمدن هر قوم و ملت است و بهترین بازگو کننده نحوه برخورد آن ملت با مسائل مربوط به حیات و بینش وی از جهان خلقت است. همینکه از حدود یک چهار دیواری که سقفی را تحمل می کند و تنها برای پناه دادن انسان از گرما و سرما و باد و باران و برف است فراتر رفتیم و وارد مرحله ای گشتیم که در ساختمانها جز هدفهای ساده اولیه به مسائل دیگری چون تقسیم فضاها بر بنیاد نیازمندیهای گوناگون فردی و اجتماعی و خلق اشکالیکه با ذوق زیبا جوئی ما سروکار دارد پرداختیم و در یک ساختمان بدنبال تحقق هدفهایی بالاتر از مصون بودن از سرما و گرما و دیگر عوامل طبیعت رفتیم آنگاه به دنیای هنر قدم گذاشته ایم و در این گفتار ما از آغاز چنین دورانی در معماری ایران سخن خواهیم داشت. به این ترتیب نه از شهریکه بوسیله ایرانیان در هزاره دوم پیش از میلاد بر روی بناهای کهن تر در سیلک ساخته شد گفتگو خواهیم کرد نه از ساختمانها و مساکنی که پیش از این تاریخ در مراکزی چون شوش و کیان و حصار و صدها حوزه باستانی دیگر ایران بنیاد گشته است بحث خواهیم نمود. زیرا با آنکه آثار معماری این مناطق از نظر شناخت و مطالعه باستانشناسی ایران و نمایش قدمت فوق العاده تمدن در کشور ما حائز کمال اهمیت است ولی از آنجا که در این روزگاران معماری ایرانی هنوز مراحل تکامل خود را نپیموده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

بود و شکل های خاص خود را ابداع نکرده بود نمیتوان بدرستی پیوندهای آنها با دورانهای شکوفان فرهنگ و تمدن ایرانی که در طی آن شاهکارهای اصیل بوجود آمده است باز یافت. از سوی دیگر آثار ساختمانی دورانهای بسیار کهن ایران بعلت فرسایش آنچنان باقی نمانده است که بتوان بخوبی شیوه های ساختمانی آنها را تمیز داد و درباره آن اظهار نظر نمود و اگر بخواهیم در این گفتار وارد مسائلی که خاص باستانشناسان است شویم از هدف اصلی دور خواهیم ماند.

کهن ترین نمونه قابل ذکر از میان بناهای باستانی که در کشور ما شناخته شده است، معبد عیلامی چغازنبیل واقع در خوزستان است. این پرستشگاه باشکوه که در سیزده قرن پیش از میلاد بنیاد گشته است نمونه بسیار باشکوهی از یک معماری تکامل یافته بشمار می رود. ساختمان این معبد که دارای شکلی چهارگوشه است دارای پنج طبقه است که هر یک از آنها نسبت به بخش زیرین خود کوچکتر ساخته شده است و در نتیجه به ساختمان شکل هرمی داده است. بر روی آخرین طبقه ساختمان مرکز اصلی معبد بنیاد گردیده و دیگر طبقات تأسیسات وابسته بدانرا تشکیل میداده است. مصالح اصلی ساختمانی معبد عبارتست از آجرهای پخته بسیار مرغوب که با ملاط محکمی بهم پیوسته شده اند و در درون دیوارها و مواردیکه منظور پر کردن صفا های بنا بوده است از خشت استفاده شده است. آنچه در این بنای باشکوه از نظر بحث ما قابل اهمیت است وجود طاقهای متعدد ضربی با طرح نیمدایره است که آنچنان با مهارت ساخته شده که پس از گذشت بیش از سه هزار سال هنوز بوضع شگفت انگیزی سالم مانده است. این طاقها که بر روی دالانهای طویل و بر فراز پلکانهای داخلی معبد بنیادگشته حکایت از پیشرفت فوق العاده فن ساختمان در دورانهائی چنین کهن در کشور ما مینماید. بر رویهم معماری این معبد عظیم که در شمار بزرگترین زیگوراتهای جهان محسوب میگردد

بهترین نمونه هنر معماری بر بنای طاق قوسی را در دنیای باستان نشان می دهد. همانطوریکه میدانیم آنچه از نظر فنی اساس ساختمانهای سنتی بشمار می آید و شیوه آنها مشخص میسازد موضوع برپا کردن طاق بر روی دیوارها یا عوامل دیگر تحمل کننده بار آنست که در این میان دیوار و جرز و ستون و غیره اگر فقط برای تحمل وزن سقف ساختمان بوجود نیامده باشد لااقل یکی از مهمترین هدف در بکار بردن آنها همان تأمین پایه های طاق میباشد. از دیرباز انسان برای ایجاد سقف به دو طریقه مبادرت کرده است: طاق قوسی که در آن نیازی به بکار بردن چوب نیست و طاق مسطح که در آن از چوب و یا سنگهای تراشیده طویل به شکل الوار استفاده میشود که در این زمینه طاقهایی که خاص ممالک و سرزمینهای پر باران است و دارای دو شیب شیروانی شکل میباشد در زمره طاقهای مسطح محسوب میگردد و در اصول ساختمانی با طاق صاف تفاوت زیاد ندارد.

هر یک از این دو طریقه یعنی طاق ضربی و پوشش چوبی در هر منطقه به اقتضای وضع اقلیمی خاص آن ناحیه بوضعی بسیار طبیعی رواج یافته است. بدین معنی که در نواحی نسبتاً سبز و خرم که درختان جنگلی بحد کافی چوب لازم را برای پوشش سقف ساختمانها تأمین میکند معماری باطاق مسطح اشاعه یافته و گاهی در دیوارهای این بناها هم از چوب استفاده شده است و یا بطور کلی مجموعه ساختمان با تیر و الوار بنیاد گردیده است. در مقابل در مناطقی که باران به اندازه کافی نمی بارد و رویهمرفته در نواحی خشکتر و کم درختتر که چوب به آسانی بدست نمی آید وضع اقلیمی مردمان را به ابداع طاقهایی که با مصالحی چون خشت و آجر و غیره ساخته می شود سوق داده است و آنان را متوجه ساختن طاقهای ضربی نموده است. در سرزمین پهناور ایران که مناطق مختلفش دارای تنوع فوق العاده است و دارای سرسبزترین مناطق جهان و در عین حال دارای صحراهای

خشک می باشد، بنابراین مقتضیات اقلیمی از کهن ترین روزگاران هر دو نوع معماری به موازات هم رواج داشته است (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۴).

در آغاز در نواحی شمال و شمال غربی کشور ساختن بامهای مسطح و در نواحی مرکزی و جنوب غربی طاقهای ضربی متداول گشته است و بعدها بعلت تأسیس شاهنشاهی های هخامنشی و اشکانی و ساسانی و ایجاد ارتباط مداوم میان تمام مناطق کشور و از همه مهمتر بوجود آمدن یک نیروی عظیم ملی که قادر بوده است هرگونه مصالح ساختمانی لازم را از دورترین نقاط جهان برای مرکز شاهنشاهی تأمین نماید دو شیوه بالا بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های اقلیمی در هر نقطه کشور که لازم بوده است بکار رفته است. بهمین ترتیب است که می بینیم در روزگار شاهنشاهی هخامنشیان بر طبق اسناد کتبی و تیرها و الوارهای عظیم طاق کاخهای تخت جمشید را از کوهستان های پر درخت لبنان به مرکز فرهنگی و سیاسی شاهنشاهی ایران حمل نموده اند و در نتیجه موفق شده اند در منطقه ای که در آن روزگار دارای معماری با طاق هلالی بوده است بناهایی به شیوه متداول در شمال و شمال غربی کشور برپا نمایند.

«دیولافوا» در کتاب مشهور خود (هنر باستان ایران) طریقه تکامل معماری با طاق مسطح و پیدایش ستون را در چنین بناها با بیانی روشن شرح داده است. بعقیده وی از قدیم الایام در مناطقی که چوب فراوان بوده است سقف ساختمانها را با تیرهای تهیه شده از تنه درختان می پوشانده اند و در دیوارها هم خصوصاً در گوشه های آن از همین تیرک ها بکار میبرده اند. روی چنین سقفی را با ترکه های نازکتر و حتی شاخ و برگ درختان می پوشانده اند و سپس با قشر ضخیمی از گل آنرا اندود میکرده اند. هنگامیکه خانه ها وسعت یافت و به ایجاد تالارهای بزرگ نیازمندی پیدا شد متوجه شدند که طاق چوبی ساختمانها در زیر سنگینی بار مصالح بام خمیدگی پیدا می کند و

وسط تیرهای سقف بسمت پائین قوس برمی دارد. برای جبران این نقیصه در صدد بر آمدند در فاصله بین دیوارها زیر تیرهای سقف ابتدا تیرهای حمالی در جهت عمود بر چوبهای سقف بکار برند و برای نگاهداری این تیرهای حمالی تیرک های چوبی برپا نمایند تا بدین ترتیب از خمیدگی طاق در بخش های میانی آن جلوگیری شود و این اولین گام در راه یافتن ستون و بکار بردن آن تالارهای بزرگ بود. «میتوان بدون تردید زیاد استدلال این هنرشناس را پذیرفت و بجای آنکه بدنبال مدارک باستانی برای اثبات نظریات گوناگونی که درباره اولین سرزمینهایی که در بکار بردن این عامل در معماری پیشقدم بوده اند برویم میتوانیم بطور کلی ستون را یک عامل طبیعی در معماری تمام مناطقی که برای برپا کردن ساختمانهای خود چوب کافی در اختیار داشته اند بدانیم» (درویش، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹).

بکار بردن ستون در معماری ایرانی سابقه ای بس کهن دارد و پاره ای از باستانشناسان با توسل به پایه های چندی که در موسیان پیدا شده است، عقیده دارند که این عامل از شش هزار سال پیش در ایران شناخته بوده است ولی مهمترین بنائی که تاکنون در ایران شناخته شده است و در آن تالارهای بزرگ ستوندار ایجاد نموده اند، دژ حسنلو واقع در جنوب دریاچه رضائیه است که در زمرة مهمترین آثار ساختمانی ایران باستان بشمار میرود. این بنای عظیم در سده نهم پیش از میلاد برپا گردیده و از نظر اصول معماری و بکار رفتن مصالح ساختمانی متنوع و منطقی در عداد پیشرفته ترین معماری های آنروزگار محسوب میگردد. پس از دژ حسنلو برای مطالعه ساختمانهای ستوندار در ایران باید سراغ دخمه های کنده شده در کوه که تعدادی از آنها به دوران مادها تعلق دارد برویم. مهمترین این آثار در آذربایجان و فارس قرار دارد و نمای خارجی و طرح داخلی آنها سند معتبری برای شناخت معماری ایرانی در آنروزگار است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

آنچه از نظر تاریخ معماری ایران در این دخمه‌ها اهمیت دارد آنست که این آثار با آنکه در سنگ کوه تراشیده شده است بارزترین مدرک برای شناخت معماری چوبی آن زمان تا روزگار ما بجای نمانده است ولی تمام ریزه کاریهای ساختمانهایی که در آنها الوارهای تراشیده در چوب و قفل و بست آنها بیکدیگر استفاده میشده بدقت در این دخمه‌ها بوسیله تراش در سنگ نمایش داده شده است. از آن مهمتر موضوع سر ستونهایی است که بویژه بر نمای خارجی دخمه داود دختر واقع در ممسنی بر روی ستونهای تراشیده در صخره با روشنی تمام نمودار گردیده است. پروفیسور هرتسفلد باتوجه به سر ستونهایی که بر نمای دخمه بالا و همچنین بر روی مقبره مادی قیز قاپان نموده شده است نتیجه گیری مینماید که در این قسمت شیوه معماری ایونی که یکی از سه مکتب مهم معماری یونانی است از معماری ایرانی الهام گرفته است. این مطلب یکی از مهمترین نکات مورد بحث در معماری ایرانی است و باید مورد توجه آنانکه بدون ژرف نگری نمایشهای گوناگون همین نوع سر ستون را در دوره های مختلف تاریخ هنر ایران یکنوع میراث یونانی میدانند قرار گیرد. به موازات معماری بر بنیاد طاقهای صاف که در آغاز فقط با چوب ساخته میشد و در دوره های بعد در مورد ستونها و درگاهها بخشهای سنگی جای چوب را گرفت ساختن طاقهای ضربی نیز در معماری ایرانی ادامه پیدا کرد و بنابر مقتضیات اقلیمی و سیاسی هر چند مدت یکبار یکی از دو شیوه بالا رسمیت می یافت بی آنکه شیوه دیگر بکلی رها شود. اگر از نظر شکل ظاهری دو شیوه بالا با هم شباهت زیادند در مقابل آنچه آنها را بیکدیگر پیوستگی میدهد حجم ها و فضاهای ویژه معماری ایرانی است که خواه در معماری با طاق مسطح جلوه کند و یا در ساختمانهای گنبد دار و بناهای دارنده طاق ضربی متجلی گردد در هر حال فکر خلاقه واحدی در آنها مشاهده می شود.

از میان این عوامل که بدون وقفه در تمام دوره های معماری ایرانی متداول بوده است باید بویژه از ایوان و رواق و حیاط مرکزی و تقسیمات سه بخشی و طاق نما و طاقچه نام برد. همگی این شکل ها بی کم و کاست در اکثر بناهای رسمی ایران بکار رفته است خواه پوشش ساختمان با طاق مسطح باشد، خواه با عوامل قوسی. بطور کلی محیطی که معمار ایرانی برای زندگی خلق نموده در تمام دورانهای تاریخ معماری ایران کمتر دچار دگرگونی شده است هر چند نتیجه گیری از این عوامل در ساختمانها باتوجه به مصالح ساختمانی بکار رفته و مقتضیات اقلیمی در موارد گوناگون متفاوت باشد.

نتیجه گیری و جمع بندی

با توجه به مبانی نظری معماری ایران می توان کانسپت ها و طراحی هایی را در معماری ایرانی در ادوار مختلف و در اقلیم های مختلف مشاهده نمود، این است که برخی از کانسپتها چندان دچار دگرگونی و دستخوش تغییرات نشده اند؛ به گونه ای که می توان به موادی همچون ایوانها، رواق، حیاط مرکزی، ستونها و بامها، ساختمانی نیز همین تداوم در معماری ایرانی مشهود است. میدانیم که کاخهای شوش و تخت جمشید به کاشیهای الوان مزین بوده است. در دوران اشکانیان و ساسانیان گچ بری و گاه نقاشی دیواری جای کاشیهای رنگارنگ را گرفت. در اعصار اسلامی تمامی این سنت ها به موازات هم در معماری ایران ادامه می یابد. در قرون اولیه هجری فن گچ بری به همان شیوه ای که در ایران عصر ساسانی رواج داشت در بیشتر بناهای رسمی بکار میرفت و سپس بر آن تزئینات دیگر افزوده شد و اندکی بعد آرایش بناها بوسیله کاشیها و معرق های رنگارنگ سنت معماری عصر هخامنشیان را تجدید نمود بطوریکه از حدود هفتصد سال پیش به این طرف کمتر بنای مهمی را در ایران میتوان یافت که با کاشی مزین نشده باشد. اینچنین سنت های معماری ایرانی پس از گذشت هزاران سال اصالت خود را حفظ نمود. درباره اصالت

مسجد چهار ایوانی که در سطور پیشین چندبار بدان اشاره نموده ایم بحث کوتاهی بعمل آید و به پاره ای ایرادات که در این زمینه شده است پاسخ گفته شود. موضوع آنست که بعلت استفاده از مدارس چهار ایوانی که در هر یک از ایوانهای آن یکی از فرقه های چهارگانه مذهب تسنن تدریس می شده است؛ برای عده ای این توهّم را پیش آورده است که مسجد چهار ایوانی ایرانی طرح خود را از چنین مدرسی که در عراق و مصر و دیگر کشورهای اسلامی بنیاد شده اقتباس نموده است. در اینباره به-موجب تحقیقاتی که آندره گدار بعمل آورده است. اولین مدرسه چهار ایوانی شناخته شده همانست که نظام الملک وزیر ایرانی آلب ارسلان و ملکشاه در خرگرد خراسان در حدود سالهای ۴۸۰ هجری بنا نمود. در این مدرسه بر هر یک از محورها اصلی حیاط دو ایوان روبروی هم قرار دارد و فضاهای بین ایوانها بوسیله اطاقهای دیگر اشغال شده است. هنگامیکه در کشورهای دیگر موضوع احتیاج به مدرسی که دارای چهار دستگاہ عمارت باشد مطرح گردید این طرح ایرانی مورد پسند قرار گرفت و از این تقلید بعمل آمد. مدارس چهار دستگاہ شناخته شده چون مستضریه بغداد و یا صالحیه قاهره که معمولاً در این باره بدانها استناد می شود در سالهایی بسیار پس از مدرسه خرگرد یعنی قریب دو قرن دیرتر بنا شده و مدارسی چون ناصریه در حدود دو قرن و نیم پس از مدرسه خرگرد ساخته شده است.

همچنین باید گفت که برای بهره گیری از تفکر خلاقانه، علاوه بر قدرت خلاقیت فرد، آموزش خلاقانه و تشویق افراد به انجام تمرین هایی که استعدادهای آنها را بارور می سازد، نیز ضروری می باشد. از آنجا که فرآیند طراحی از مراحل و عناصر متعددی شکل می گیرد، روش طراحی از مراحل و عناصر متعددی شکل می گیرد، روش طی کردن این فرآیند نیز باید پویا و تعاملی باشد تا به کلیه مراحل و عناصر طراحی بصورت همزمان پرداخته

شود. در پایان فرآیند حاصل از این تحقیق به این نتیجه دست یافته است که ایده، تفکر اولیه و غالب طرح بوده و استراتژی برخورد با آن است در حالیکه کانسپت به معنادار کردن ایده و تحقق پذیری آن می پردازد و به نوعی تاکتیک محسوب می شود. ایده پس از عبور از متن، بینامتنیت، زیباشناسی، نشانه شناسی، زبانشناسی، فلسفه و روانشناسی به کانسپت های متعدد می رسد. سپس در فرایندی پیچیده، مسیر خود را از اشراق آغاز کرده و در سلسله مراتبی خاص آن را به حکمت، علم و دانش، تقلیل داده و به فرم تبدیل می کند.

منابع و ماخذ

ابوالقاسمی، لطیف (۱۳۸۳) هنجار شکل یابی معماری اسلامی ایران، در معماری ایران، دوره اسلامی، گردآورنده محمد یوسف کیانی، سمت. ازغندی، سید علیرضا (۱۳۸۲) تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران: ۱۳۵۷-۱۳۲۰. تهران: سمت. اشرفی و نقی زاده، محمد (۱۳۹۴) مقایسه تطبیقی فرایند شناخت و آفرینش با تبیین جایگاه حقیقت و ایده، هویت شهر، شماره ۲۳. اعتصام، ایرج (۱۳۷۴) مجموعه مقالات کنگره تاریخی معماری و شهرسازی، جلد سوم، ناشر سازمان میراث فرهنگی. اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۲) تعریف معماری، گام اول آموزش، هنرهای زیبا، شماره ۱۶. اکرمی، میرعلی (۱۳۷۷) اصالت ساختار در معماری، مجله معماری و شهرسازی شماره ۴۲. انتونیادس، آنتونی. سی (۱۳۸۱) بوطیقای معماری، ترجمه احمد رضا آی، جلد اول؛ انتشارات سروش. آنتونیادس، آنتونی سی (۱۳۸۱) بوطیقای معماری، ترجمه احمد رضا آی، جلد دوم؛ انتشارات سروش. بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸) معماری معاصر ایران، نشر هنر معماری قرن، تهران. بسکی، سهیلا (۱۳۷۹) «دیدار با کامران دیبا»، معمار ۱۰، پاییز ۱۳۷۹. بمانیان، محمد و هادی محمودی نژاد (۱۳۸۷)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

پدیدارشناسی مکان: به جانب ارتقاء فضا به مکان شهری، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.

بنه ولو، لئوناردو (۱۳۸۰) تاریخ معماری مدرن، ترجمه دکتر سیروس باور، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.

پنیا، ویلیام. ام و استیون پارشال (۱۳۸۴) مبانی برنامه ریزی معماری: تبیین روش مساله کاوی، ترجمه محمود احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک. جبل عاملی، عبد الله (۱۳۷۵) خانه‌های اصفهان در دوران معاصر، نخستین کنگره معماری و شهرسازی ایران، بم، تهران، میراث فرهنگی، ج ۴.

درویش، محمود (۱۳۸۳) مجله معماری و فرهنگ، شماره ۱۸ و ۱۹، سال ششم، تهران.

دیبا، داراب (۱۳۷۳) مسابقه معماری فرهنگستان ها، آبادی، سال چهارم، شماره ۱۳.

دیبا، داراب (۱۳۷۸) الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، معماری و فرهنگ، سال اول، شماره اول.

دیبا، داراب (۱۳۷۸) حصول زبانی برای معماری امروز ایران، معماری و شهرسازی، شماره ۵۰ و ۵۱. دیبا، داراب و مجتبی انصاری (۱۳۷۴) چگونگی شکل گیری ارتباط انسان با محیط مصنوع، اولین مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

لنگ، جان (۱۳۷۵) آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه عینی فر علیرضا، انتشارات دانشگاه تهران.

محمدی پارسا، رامین (۱۳۸۳) گفت‌وگو با دکتر هوشنگ سیحون، مجله معماری و فرهنگ، شماره ۱۸ و ۱۹ سال ششم، تابستان و پاییز.

محمودی، امیر سعید (۱۳۷۸) آموزش روند طراحی معماری، هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵.

محمودی، امیر سعید (۱۳۸۱) چالش های آموزش طراحی معماری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲.

مختاری طالقانی، اسکندر (۱۳۹۰) میراث معماری مدرن در ایران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

مختاری طالقانی، اسکندر (۱۳۹۰) میراث معماری مدرن در ایران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

معرفت، مینا (۱۳۷۵) پیشکسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند در تهران پایتخت دوپست ساله (تهران: شهرداری تهران، سازمان مشاور فنی و شهری).

ناری قمی، مسعود و عباس زاده (۱۳۹۳) الگویی برای تنظیم رفتار در فضای معماری، شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۱۸.

نذیمی، هادی (۱۳۸۰) بهاء حقیقت: مدخلی بر زیبایی شناسی در معماری اسلامی، صفه، سال یازدهم، شماره ۲۴.

نذیمی، هادی (۱۳۸۵) امید رهایی نیست، وقتی همه دیواریم، هفته نامه نقش نو، شماره ۱۸ و ۱۹. نذیمی، هادی (۱۳۸۶) کلک دوست: ده مقاله در هنر و معماری، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری تهران.

نقره کار (۱۳۸۵) جزوه درس حکمت معماری اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت. هوانسیان، وارطان (۱۳۲۵) «آرشیست‌های ما را بشناسید»، آرشیستک، شماره ۱۳۲۵.

Le Corbusier, Towards a New Architecture, trans.FE.Etchells (New York: Dover Publication, 1931/1986), 227.

بررسی ساختار کالبدی بازار به عنوان عنصر حیاتی بافت شهری قدیم؛ مورد پژوهی: بازار کاشان

سیده صدیقه دادور* - کارشناس ارشد معماری، گروه معماری، واحد نطنز، دانشگاه آزاد اسلامی، نطنز، ایران.
فاطمه دانش - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد نطنز، دانشگاه آزاد اسلامی، نطنز، ایران.
زهرا عباسی - دکتری معماری، استادیار، گروه معماری، واحد نطنز، دانشگاه آزاد اسلامی، نطنز، ایران.

چکیده

فضاهای تجاری همواره از اجزای جدا نشدنی کالبد شهرها بوده و هستند؛ و بازار نمونه‌ای بارز این مراکز در معماری سنتی ایران به شمار می‌رود. بازارهای سنتی ایران با سابقه کهن خود در کنار جنبه اقتصادی از نقش فعال اجتماعی نیز برخوردار بوده‌اند و در بسیاری از شهرهای کشورمان می‌توانیم همجواری عناصر شاخص مذهبی و فرهنگی را با بافت بازار مشاهده کنیم. هر ساختمانی بازتاب ذهنی ساکنان آن است و این ذهنیت به طور جدایی‌ناپذیری از آن ساختمان باقی است و تعیین‌کننده نهادی که در آن ساختمان پدید می‌آید. ساختمان و کالبد بازار علاوه بر تاثیر پذیر از رویدادهای تاریخی، با توجه به شرایط جغرافیایی - فرهنگی شهر ساخته می‌شود؛ و سه عامل فرهنگ، عوامل ساختاری و عوامل کارکردی را می‌توان جزء عناصر تاثیرگذار در شکل‌گیری کالبد دانست. مقاله پیش رو سعی بر این دارد ابتدا به بررسی مفهوم بازار و ویژگی‌های کالبدی آن بپردازد؛ سپس بازار کاشان را از لحاظ ساختار کالبدی مورد بررسی قرار دهد. روش پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی و تلفیقی از شیوه‌های کمی و کیفی است و شیوه بررسی پژوهش به صورت پیمایشی، مصاحبه، عکسبرداری و تحلیل یافته‌ها می‌باشد.

واژگان کلیدی: کالبد بازار، بازار کاشان، عنصر حیاتی بافت شهر.

Examine the physical structure of the market as a vital element of the old urban fabric; Case Study: Kashan market

Abstract

Urban commercial spaces have always been and remain an integral component; and market centers example of this is the traditional Iranian architecture. Traditional markets with its ancient history, along with economic aspects also have had an active social role. In many cities of our country can juxtaposition of religious and cultural elements with tissue observe the market? Each building reflects the mind and the mind of its inhabitants is inextricably remains of the building. And Determines the institution where the building emerge. In addition to historical events affected the building of bazaar, according to the geographical conditions - cultural city; and three cultural factors are structural and functional factors are considered influential elements in the formation of the body. The present article tries to explore the concept of the market and its physical features, and then examine the physical structure of the market in terms of Kashan. The research method is descriptive and analytical compilation of qualitative and quantitative methods and practices survey reviews, interviews, and analysis are shooting.

Key words: body market, Kashan, a critical factor in the urban fabric.

۱. مقدمه

اگر چه بازار ابتدا به منظور رفع نیازهای اقتصادی مردم ایجاد شد ولی طولی نکشید که روابط اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای درون ساختار آن به وجود آمد. با ورود تکنولوژی و صنعت، مفهوم بازار دچار تغییراتی گشت ولی با این حال همچنان با اصول مشخصی که از جامعه سنتی باز مانده است به حیات خود ادامه داد. فضاهای داد و ستد و تجارت همواره رکنی اساسی در ساختار کالبدی شهرها بوده و بازارهای سنتی همواره از نمود فرهنگی شهرها و قوم‌های مختلف مطرح بوده‌اند. در گشته‌ای نه چندان دور، بازار عنصر شهری با مکانی مشخص بوده و حیات شهر و بازار به هم گره خورده و شهر به واسطه بازارهایشان جایگاه منطقه‌ای خود را پیدا کرده‌اند (سودخواه و همکاران، ۱۳۹۳). بازار به دور مسجد و مدرسه می‌چرخد و آن را در برمی‌گیرد؛ و طبق سنت باقی مانده از شهر دوره ساسانی، بازار شهر را در می‌نوردد و از میدان اصلی شهر (مقر حکومتی) به سوی دیوار و بارو کشیده می‌شود. به همین اعتبار می‌توان از بازار به عنوان ستون فقرات شهر دوره اسلامی نام برد (Habibi, 2005: 48). شهر اسلامی بازارهای متعددی داشته است که هر یک برای فروش کالایی خاص یا چند کالای تخصصی در کنار هم قرار می‌گرفتند (Morris, 2002: 40). موقعیت و جایگاه شهری بازار و فضاها و مراکز مهم شهر در امتداد آن و همچنین نقش و منزلت بازاریان در زندگی شهری باعث می‌شد که بازار صرفاً در حد یک فضای اقتصادی باقی نماند بلکه تبدیل به فضایی برای بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی شود (Daneshpour and Rousta, 2013: 17)؛ بازار به صورت همزمان یک محور مهم ارتباطی، اقتصادی و فرهنگی شهر بود و نقش و منزلت مهمی در حیات اجتماعی شهر داشت (سلطان زاده، ۱۳۶۶، ص ۳۸۳). در دهه‌های اخیر و با تحولات عمیق کالبدی و اجتماعی شهرهای کشور، بازار به عنوان کانون اقتصادی و اجتماعی شهر سنتی

ایران دچار دگرگونی و تغییرات قابل توجهی شده است. در بیش تر موارد، بازار از کانون بر جنب و جوش با مرکزیت قوی، به عنصری نسبتاً حاشیه‌ای بویژه در ارتباط با عملکرد شهری بدل شده و بخش عمده آن با افت ارزش و پویایی اقتصادی و اجتماعی و کالبدی روبه‌رو بوده است. این مساله باعث شده که بخش چشمگیری از بازار، بویژه عناصر جانبی و جدا از راسته‌های اصلی آن دچار رکود و تخریب شوند (ایراندوست و بهمنی اورامانی، ۱۳۹۰).

۲. کلیات و روش شناسی پژوهش ۲-۱ سابقه پژوهش

بازار به مثابه عنصر و جزء اصلی شهرهای ایرانی و اسلامی، از یک سو یکی از شاخص‌های اعتبار شهر در دوران تاریخی بوده و از سوی دیگر یکی از مشخصه‌های شهر شرق اسلامی شمرده شده است. از این رو، در نظریه پردازی درباره شهرهای اسلامی این عنصر مورد توجه و تاکید خاص بوده است. بر اساس جمع بندی مدل‌های جغرافی دانان در مورد کارکردهای اصلی و ویژگی‌های اساسی شهر سنتی شرق اسلامی، بازار و سلسله مراتبی از بازار (همراه با مسجد آینه) به مثابه قلب و هسته اقتصادی شهر وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه‌وری در درون بازار از مشخصه‌های بارز و جدایی ناپذیر شهرهای اسلامی از جمله ایرانی بوده است (اهلرز، ۱۳۷۳، ص ۳۰).

برای نمونه، اهمیت بازار به مثابه عنصر کالبدی، اقتصادی و حتی اجتماعی اصلی در شهر سنتی ایران به حدی است که شهر شناسانی چون اویگن ویرث از بازار به عنوان مرکز اصلی اقتصادی شهر شرقی و بخش ویژه فعالیت‌های کسب و کار سنتی که اغلب در مرکز شهر قرار دارد یاد کرده‌اند (رجبی، ۱۳۸۶، ص ۳۰). ارزش و اعتبار بازار در شهرهای اسلامی در دیدگاه ویرث به اندازه‌ای است که بازار را تنها وجه مشخصه اصلی و بهترین معیار اصالت شهرهای شرق اسلامی در برابر شهرهای دیگر حوزه‌های فرهنگی جهان می‌داند (اهلرز، ۱۳۷۳،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

جدول ۱. بررسی مفاهیم واژه های مرتبط با بازار در متون ادبی زبان فارسی؛ ماخذ: عباسی و همکاران، ۱۳۹۳

مفهوم	ویژگی های مورد توجه	نمونه واژه
کالبدی	اندازه و مقیاس	بازراچه، بازارگاه، بازارگه، تیمچه، راسته، رسته، سوق، میدان، قیصریه، کوی سوداگران، مغازه، دکان، دکه، حجره
کاربری	محل خرید و فروش کالا؛ اشاره به محصول عرضه شده در بازار	معامله، خرید و فروش، کوی سوداگران، مغازه، دکان، دکه، بازار مسگرها، بازار اسب، بازار مرغ، بازار صحاف ها
معنوی	نیرنگ، فریب، پیشامد، ماجرا، بهانه، بیهودگی، مجازا ارزش و اعتبار، شلوغی و ازدحام، بی نظمی، بی حسابی و بی ترتیبی، رونق داشتن، لاف زدن، رفتار؛	بازار آراستن، بازار امکان و بازار جهان، بازار برچیدن، بازاربه شدن، تیره شدن، بازار تیز و گرم، میانجی دیدن بازار کسی را، تیز بازار، بازار ساختن، بازار شام، شاداب بازار، بازار کاسد، بازار کسی برافروختن، بر سر بازار بودن، روز بازار کسی بودن، خر بازار، دزدبازار، شلوغ بازار، مست بازار، بازار ناروا شدن، بازار گرم داشتن؛
کیفی	جنبه هایی مانند کیفیت محیط و جنس کالاهای عرضه شده؛	قیصریه، تیمچه، سرا، دکان؛
موقعیت مکانی و زمانی	با توجه به زمان و موقعیت مکانی بازار، نام بازار از آنها گرفته شده است.	بازار مکاره، جمعه بازار، شنبه بازار، دوشنبه بازار، بازار بزرگ، بازارچه بلند، بازار تهران؛



۲-۲ روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی، تحلیلی - تاریخی است و با استفاده از شیوه های گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی، مشاهده و بررسی کالبدی وضع موجود بازار کاشان صورت گرفته است. برای این منظور، عمده ترین اسناد و اطلاعات مکتوب از جمله پژوهش های پیشین و مقاله های چاپ شده و مجله ها و کتب تاریخی، سفرنامه ها و نقشه ها و با استفاده از عکاسی از بازار کاشان بررسی شده است.

۳. مرور یافته ها و مبانی نظری

۳-۱ بازار

بازار در فارسی میانه، بازار و با ترکیب هایی چون بازارگ (بازاری)، بازارگان (بازرگان) و واژارد استفاده شده است، و منظور از بازار محله مرکزی و اصلی معاملات و پیشه وری شهر در دوره اسلامی و پیش از فوج گرایش های غربی است که در هسته مرکزی

ص ۳۰). «اهلرز» نیز از میان معیارهای مطرح شده برای شناخت شهر اسلامی، تنها مورد بازار را استثنا می داند که از نظر شکل، تکوین و کارکرد یکتاست (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹، ص ۳). در پژوهش های شهری معاصر، بازار از دیدگاه های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است: حوزه شهرسازی و معماری، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی و پژوهش هایی از جمله این موارد است که در آنها اهمیت و ارزش بازار در شهرهای ایران، دوران های گوناگون تاریخی و تا شهرنشینی کنونی تاکید شده است (پیرنیا، ۱۳۷۲؛ سلطانزاده، ۱۳۸۰؛ پوراحمد، ۱۳۷۶). از جنبه کارکردی نیز همواره بازار به عنوان یکی از عناصر عمده مورد توجه شهرشناسان غربی بوده است. از این جنبه، بر کارکرد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی شهر تاکید شده است (Bonine, ۱۹۹۰; Werner, ۲۰۰۰).

شهر و درون مجموعه ای از ساختمان های ثابت و همگن، با شکل معماری ویژه ای جای دارد (بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۲، صص ۳۰۶-۳۰۷). بازار بخشی از منطقه مرکزی شهر است که از خیابان ها و شبکه راه های متعددی تشکیل می شود. از طرفی به کمک راه هایی با بخش های دیگر شهر و از طرف دیگر به حومه آن ارتباط دارد. بازار بخشی از شهر است که نقش مرکزی را ایفا می کند و ارکان بسته ای است که با هم گره خورده است. دو طرف معبر بازار دارای دکان های به هم پیوسته است (شفقی، ۱۳۸۰، ص ۷۵). بازار عموماً متشکل از دو راسته دکان در مقابل یکدیگر است که غالباً سقف آنها را به هم پیوند داده و دارای بافت ویژه ای است. بناهایی از قبیل کاروانسرا، تیمچه، دربند، چهارسوق، مسجد، مدرسه، آب انبار و مانند آنها از متعلقات آن به شمار می آید (خان محمدی، ۱۳۸۶، ص ۵). واقعیت این است که بازارهای سنتی جزئی از معدود گونه های معماری و شهرسازی سنتی هستند که علی رغم تمام تغییرات به واسطه انعطاف پذیری به مثال خود، همچنان عملکرد اصلی خود را حفظ نموده و به حیات خود ادامه می دهند. انعطاف در عملکرد راه حتی در اجزاء بازار نیز می توان دید. کلیت کالبدی و معماری حجره ها یکسان می باشد ولی به تناسب کاربری که برای آن مورد استفاده قرار می گیرند، تغییراتی در آن ها ایجاد می شود، به طور مثال با همین کلیت یکسان تفاوت هایی میان کاربری هایی مانند قصابی، نانویی، طلا فروشی وجود دارد. امروزه کاربری های خدماتی مانند بانک نیز داخل بازار به چشم می خورد و همین چند عملکردی بودن و اختلاط کاربری ها در بازار از ویژگی هایی بوده که باعث شده بازار حیات خود را با گذر زمان حفظ کند (محمد مرادی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲).

سابقه بازار به مفهوم کنونی آن، به دوره ساسانی باز می گردد که به عنوان ستون فقرات شهر از دل شار میانی (شارستان) تا شار بیرونی (ربض) گسترش

یافت و در مسیر خود با شکل دهی به محله های شهری به صورت قلب شهر عمل می کرد (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۳۴). در دوره اسلامی اندک اندک، نمادهای کالبدی دین به عنوان عناصر جدایی ناپذیری از بازار ظاهر شدند و عناصری چون مسجد، مدرسه، حسینیه و تکیه جای خود را در بازار باز کردند. در حقیقت، در دوران اسلامی عملکردهای جدیدی در بازار شکل گرفت و به تدریج شامل حیات جمعی کل شهر گشت و ساختار و کالبد آن به اندامی مرکب با در نظر گرفتن کلیه عملکردهای زندگی عمومی شهر بدل شد (خان محمدی، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

با اهمیت یافتن بیشتر عنصر مذهب در اجتماع و حکومت در دوره صفویه، و نیز گسترش ارتباطات تجاری در این دوره، بازار به عنوان تعیین کننده ترین و شاخص ترین عنصر شهری در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور نمایان شد. نقش مذهبی بازار و پیوند آن با معنویت و باورهای مذهبی در ظهور و محوریت عناصری چون مسجد روشن است و نقش اجتماعی و دامنه نفوذ آن در حیات اجتماعی شهر با جلب فعالیت های اجتماعی و شکل گیری تشکل های صنفی تقویت شده است. کارکرد سیاسی و نقش بازار در حرکت های سیاسی جامعه ایرانی جایگاه و سابقه ای تاریخی دارد (رجبی، ۱۳۸۶، ص ۷۲). بازار با توجه به سابقه و اهمیت آن، دارای اجزا و عناصر گوناگونی بوده است که در مجموع یک کل واحد را تشکیل داده است. میدان به مثابه اصلی ترین و عنصر مرکزی و راسته به صورت خطی و عنوان مهمترین بخش و عنصر اقتصادی بازار ایفای نقش کرده اند. راسته اصلی عموماً در امتداد معبر اصلی شهر و راسته های فرعی عمود بر آن به صنف خاصی اختصاص داشته اند. قیصریه، راسته کوچکی است که محل خرید و فروش کالاهای خاص، مانند منسوجات ابریشمی گران قیمت بود. کاروانسراها و سراها، فضاهایی دارای یک حیاط مرکزی بودند که دور تا دور آن ساختمان هایی قرار داشت که طبقه

جدول ۲. تقسیم بندی عناصر کالبدی بازار بر اساس عملکرد آنها؛ ماخذ: رجبی، ۱۳۸۶

کارکردهای بازار	اقتصادی			مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و خدماتی		ارتباطی
	نقش تجاری	نقش تولیدی و تجاری	نقش انباری	نقش مذهبی	نقش اجتماعی و خدماتی	
عناصر کالبدی بازار	- دکان و حجره	- کارگاه	- خانیار	- مسجد یا	- حمام	- میدان
	- تیمچه	- قیصریه	- کاروانسرا	- مسجد جامع	- زوارخانه	- گذر اصلی و فرعی
	- تیم	- دالان	- یا سرا	- حسینیه	- سقاخانه	
	- خان		- باراندازها	- تکیه	- چایخانه	- در و دروازه
	- راسته		- یا بارگیر	- مدارس و حوزة های	- و قهوه خانه	
	- چهار			- علمیه	- غذاخوری	
	- سوق			- امام زاده	- سلمانی	

منظومه ای تقسیم بندی کرد (بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۲).

در دوره قاجار با ورود ایران به فرآیند ادغام در سرمایه داری جهانی و ورود کالاهای خارجی به کشور و ایجاد تعدادی کارخانه در بیرون از بازار، نقش بازار به عنوان محور اصلی اقتصاد شهر به تدریج تضعیف شد (سلطان زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۷). اما تحول کالبدی اصلی و نزول جایگاه بازار در شهر در دوره پهلوی آغاز شد که با گسترش اقتصاد سرمایه داری مبتنی بر ارتباطات جدید و تحول در ساختار سنتی شهرها و خیابان کشی های جدید، بازار عمدتاً دچار گسیختگی کالبدی و کارکردی شد. در چند دهه گذشته، بازارهای سنتی علاوه بر جنبه های کالبدی و کارکردی، از جنبه های اجتماعی نیز دچار دگرگونی شدند: به نحوی که ساختار جمعیتی آن نیز تغییر کرده است و با تراکم بالا و سالخوردگی جمعیت و مهاجرت جمعیت به محله های جدید مواجه هستیم (کاستللو، ۱۳۶۸، ص ۱۶۸).

۲-۳ کالبد بازار

هر ساختمانی بازتاب ذهنی ساکنان آن است و این ذهنیت به طور جدایی ناپذیری از آن ساختمان باقی است و تعیین کننده نهادی که در آن ساختمان

زیرین آنها محل عرضه کالا و طبقه بالا محل امور دفتری تجارت خانه بود. تیمچه به کاروانسراها یا سراهای کوچک و سرپوشیده می گویند که محل عرضه کالاهایی مانند فرش، چینی و بلور بوده است. محل تقاطع گذرهای اصلی بازار با یکدیگر را چهارسوق یا چهارسو می نامند که تاق و نبد بزرگ تر است و معمولاً کانون و مرکز اصلی بازار بوده و بالاترین ارزش اقتصادی را داشته است. ساده ترین و کوچک ترین، اما مهمترین عنصر تجاری بازار حجره یا دکان است که در دو سوی راسته بازار به وجود می آید (ایراندوست و بهمنی اورامانی، ۱۳۹۰). تکیه ها، مدارس مذهبی، مساجد، حسینیه ها و غیره از دیگر عناصر پیوند خورده با بازار هستند (سلطان زاده، ۱۳۸۰ و بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۲). بازار که از مهمترین فضاهای اجتماعی و شهری هر جامعه است، شبکه ای درهم تنیده از روابط اجتماعی و اقتصادی را در جوار بناهای عمومی دیگر شکل می داد و نقش تعیین کننده ای به عنوان عامل شکل دهی استخوانبندی و ساختار کالبدی شهر ایرانی اسلامی داشته است. (کوشا، ۱۳۹۳). از نظر ساختار و شکل، بازارها را می توان به گونه های تک محوری (خطی یا طولی)، چند محوی، صلیبی (متقاطع) و



پدید می آید. ساختمان و کالبد بازار علاوه بر تاثیر پذیر از رویدادهای تاریخی، با توجه به شرایط جغرافیایی- فرهنگی شهر ساخته می شود، مسئله فرهنگ عامل دیگر می باشد که بواسطه حضور شهروندان در بازار موجودیت پیدا می کند، به این معنا که شهروندان و کیفیت تعامل اجتماعی آنها با یکدیگر حامل مولفه های فرهنگی است و مردم توسط فرهنگ یعنی مجموعه ارزشها و باورها و جهان بینی، نظام های نهادی مشترک به محیط خود می دادند (ترابی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). همچنین عوامل ساختاری: کلیه عواملی که منشعب از نیروهای داخلی موثر در ساخت و ساز هستند را می توان جز عناصر ساختاری تاثیر گذار در شکل گیری کالبد دانست. نوع و ویژگی های خاص مصالح مصرفی، تکنولوژی های رایج، تجهیزات و امکانات موجود و همچنین استادکاران و متخصصین که در مراحل انجام کار دخالت دارند از جمله این عوامل هستند؛ و عوامل کارکردی: مورفولوژی بازارهای سنتی تا حد زیادی وابسته به خصیصه های کارکردی آنست، بازارها بسته به حوزه نفوذ و وسعت عملکرد خود متفاوت اند و این امر تاثیر مستقیم بر شکل کالبدی آنها دارد، مثلاً بازارهای محله ای که تنها به محله خود، خدمات ارائه می دهند به لحاظ با بازارهای بزرگ متفاوت اند (جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۴).

۳-۳ عناصر کالبدی بازار

۱-۳-۳ سقف: مسقف بودن بازار امری است مهم در تسهیل امور این مکان است. تماشا و خرید کالا در گرمای شیراز و سرمای تبریز برای هیچ خریدار مشتاقی دلپذیر نمی باشد. پوشش بازار علاوه بر محافظت فیزیکی مردم در مقابل عوامل جوی، فضایی محصور در مقیاس انسانی و مطبوع جهت تبادل کالا و قرار گرفتن در متن فعالیت های گوناگون بازار را فراهم می آورد. پوشش بازار در ساده ترین شکل با چوب و حصیر و به شکل مسطح می باشد و در دهانه های بزرگ مصالحی

چون آجر، گچ، سنگ و آهک پوشش های گنبد شکل را تشکیل می دهند. لازم به ذکر است که پوشش گنبدی و استفاده از قوس و فرم های منحنی در سقف استعارات و مفاهیم متعدد دیگری نیز در ادبیات کهن ما دارد که مجال پرداختن با آنها در این بخش نمی باشد.

۲-۳-۳ جداره و کف: در راسته های اصلی بازار، معمولاً از بهترین مصالح بومی در سنگفرش و آجرکاری و تزئینات طاق و دیوار و همچنین درها و پنجره های چوبی در حجره ها استفاده می شود.

۳-۴ ویژگیهای فضای کالبدی بازار

۱-۴-۳ فضاهای پر و خالی: از ویژگی های مهم معماری بازارهای ایران تناسب شگفت انگیز فضاهای پر و خالی و فضاهای باز و بسته در کل پیکره بازار می باشد. بزرگترین فضای خالی درون بازار سراها، تیمچه ها و تکیه ها هستند که در امتداد حجم باریک گذرهای بازار، یکباره گشودگی مطلوبی را در فضا پدید می آورند و مردمی که برای خرید و گذران اوقات فراغت از فضاهای متنوع بازار عبور می کنند به راحتی از فضایی به فضای دیگر وارد نمی شوند.

۲-۴-۳ فضای پیاده بازار: ویژگی دیگر بازار شهرهای ایران پیاده راه های سرپوشیده است که مغازه ها در دو سوی آن، کالاهای خود را عرضه می کنند. مسیرهای پیاده بازارگاهی از میان صحن مساجد و فضای خالی داخل تکیه ها عبور می کند و به این ترتیب عابر پیاده، قیل و قال تجاری را با حال و هوای مذهبی همزمان تجربه می کند. علاوه بر این ارتباط چهره به چهره در این فضای پیاده، روابط اجتماعی بین مردم را گرم تر می کند (سعیدنیا، ۱۳۸۸، ص ۸).

۳-۴-۳ تزئینات بازار: در معماری ایران، زیبایی چیزی نیست جزء توازن و تعادل اجزا متناسب بنا و بکارگرفتن تزئیناتی که از بنا مایه می گیرد و به شکلی منطقی عرضه می شود. به عبارت دیگر به بنایی که با تزئین تحمیلی آمیخته باشد زیبا



نمودار ۱. ویژگی های کالبدی بازار ایران؛ ماخذ: عباسی و همکاران، ۱۳۹۴

فضایی می دهند. این تغییر می تواند وجود یک کاروانسرا، مسجد، آب انبار و یا هر عنصر دیگری باشد (پوراحمد، ۱۳۷۴، ص ۳۰).
۳-۵-۲ نور: سرپوشیده بودن بازار، نورگیری فضاهای مختلف آن را دارای کیفیت ویژه ای نموده است؛ بطوریکه که دکان ها و حجره ها هیچ منبع نور مستقیمی ندارند و در تاریکی اند؛ اما گذرها و راسته های بازار با نورگیری از سقف در حالت نیمه تاریکند. در این بین، تسلسل هرم های نور تابشی سقف، میل به حرکت را تشویق می کند، هنگام حرکت در فضای تاریک روشن، شخص به ناگاه با فضاهای نیمه روشن مواجه می شود که خود دلالتی بر رویدادی دیگر و وجود فضاهایی روشن در وای آنهاست. این فضاهای نیمه روشن که فضاهای واسط به بناهای پیرامونی هستند، با دعوتاز شخص حس نزدیک شدن به آن فضاها را تقویت می کنند. فضاهای روشن، حیاط عناصر پیرامونی و یا معابر مسکونی هستند که بواسطه آنها خروج از بافت بازار ممکن می شود. به این ترتیب است که شدت نور و

نمی گویند، بلکه بنایی در خور تحسین است که ارتفاعش خوشایند دید باشد و خطوط اصلیش تزئینی مناسب داشته باشد، از جمله این تزئینات می توان به کاربندی، یزدی بندی و مقرنس کاری اشاره کرد (جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۵، صص ۴۳-۴۴). در بازارهایی نیز به جزء گره های اصلی که بسته به اهمیت بازار گاهاً تزئینات قابل توجهی از مقرنس و... در آنها دیده می شود، طاق های گنبدی شکل با شبکه های نورگیر و طرح های هندسی ساده که اکثراً بدون تزئینات خیره کننده آجری یا کاشیکاری یا معرق هستند، زیبایی بازار را چندین برابر می کنند (جباری، ۱۳۷۹، ص ۳۳).

۳-۵ هندسه، نور و صدا در بازار

۳-۵-۱ هندسه: راسته بازار دارای نظمی مشخص در سطح، ارتفاع و الگوی منظمی در ساختار و شکل ظاهری می باشد، هندسه آن بیش از هر چیز از تداوم و ریتم بهره می گیرد؛ به این ترتیب که دکان ها با ریتمی مشخص و ثابت در پی هم قرار می گیرند و در تداوم این ریتم، تغییری در کالبد



شکل ۱. موقعیت قرار گیری بازار کاشان نسبت به شهر کاشان

کرده اند، به عنوان جاذب طنین اصوات به شکلی موثر در بنا عمل می کنند (جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۵، ص ۴۶).

۴. بازار کاشان

شهر کاشان مرکز شهرستان کاشان از شهرستان های استان اصفهان که در جلگه ای نسبتاً پهناور قرار گرفته و دارای آب و هوای معتدل و خشک است (سعیدیان، ۱۳۷۹، ص ۶۷۹). این شهر در مرکز ایران در ۲۲۰ کیلومتری جنوب پایتخت و ۲۰۰ کیلومتری مرکز استان اصفهان واقع است. بازار کاشان در مرکز این شهر واقع شده است و دیگر فضاهای شهری در دو طرف آن قرار گرفته اند. این بازار در دوره صفویه رونق فراوانی داشته است که البته در دوره قاجار میزان قابل ملاحظه ای از آن رونق کاسته شده. افزوده های جدیدتر بازار شامل تیمچه امین الدوله، مدرسه امام خمینی و یک مسجد است. بازار کاشان با وجود رونق و زیبایی بسیار در دوران سلجوقی و صفوی، به سبب زلزله شدید در سال ۱۱۹۲ قمری ویران شد و در پی وقوع این حادثه علاوه بر تخریب ابنیه تاریخی شهر، بافت بازار نیز از بین رفت. بازار فعلی کاشان روی بقایای بازار قدیم که در اثر آن زلزله فروریخته بود، بازسازی شد. فضاهای معماری امروز بازار کاشان

نحوه تابش آن چگونگی و نوع فضا را در بازار تعیین می بخشد و قرارگیری انواع فضاها را در کنار هم انتظام می دهد (بهزادفر، ۱۳۸۸، ص ۱۷). مجموعه حرکت طاق و طاق نماها در ترکیب با ریتم عبور نور طبیعی از سقف و جدار بالایی پوشش ها، سبب القای حرکتی موزون در بازار می شود. در فضاهایی هم که نور موضعی به کار گرفته شده، چون نور فضا یکدست در اغلب اوقات مسیر نور دیده می شود. این مسیر در ساعات مختلف روز جابجایی می شود و گاه بر زمین و گاه بر دیوارها می تابد. به این ترتیب در چنین فضایی نور حضور ملموسی دارد و فقط به عنوان وسیله ای که فضا را روشن می کند به کار گرفته نشده است (جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۵، صص ۴۴-۴۵).

۳-۵-۳ صدا: راه حل های آگوستیکی جهت تنظیم صدا و جلوگیری از طنین های نامناسب در معماری فضاهای بازار به صورت مختلف ارائه شده است. ایجاد انواع سقف های کاذب (به صورت خوانچه پوش، کاربندی، یزدی بندی، مقرنس سازی و... علاوه بر علمکردهای خاص خود در ایجاد نوعی آگوستیک نقش عمده ای دارند. این پوشش های سقف چه در صورتی که به عنوان سقف کاذب اند و چه به خاطر شکست های متنوع حجمی که در پوشش ایجاد



شکل ۲. نقشه کاربری های وضع موجود بازار کاشان؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

در واقع از بازسازی های دوران قاجاریه و بخصوص دوره حکمرانی فتحعلی شاه باقی مانده است. این مجموعه شامل بازارها، تیمچه ها، سراها، مساجد و زیارتگاه ها می باشد و به خاطر آراستگی و ارزش معماری بناهای متعلق به کل مجموعه، اهمیت و ارزش بازار را دو چندان نموده و موجب شگفتی و تعجب گردشگران داخلی و خارجی شده است (شاطری، ۱۳۸۵). مولف کتاب (زینت المجالس) می گوید: مثل راسته بازار کاشان در تمام جهان نیست و طول آن بازار تقریباً دو هزار قدم می باشد (شاطری، ۱۳۸۵). مجموعه تاریخی بازار کاشان از نظر مکانی با امتداد شرقی غربی از دروازه قدیمی شهر (دروازه دولت) آغاز شده و تا گذر یا نخل ادامه می یابد. در گذر از این مسیر، راسته بازار مسگرها، میانچال، بالا بازار، درب زنجیر، زرگرا و گذر نو قرار دارند.

درباره ی پیشینه و قدمت این بازار سخن فراوان است. بر اساس شواهد و قرائن، قدمت این بازار به دوران سلجوقی می رسد و با توجه به قدیمی ترین کتیبه موجود در مجموعه ی بازار یعنی بیتی که بر درب چوبی بزرگ سرای زغالی ها واقع در بازار مسگرها کنده کاری شده، قدمت این بازار به قرن ۹ هجری می رسد؛ اما محراب ارزشمند کاشی مسجد میرعماد واقع در میانه ی بازار که در سال ۶۲۳ هجری قمری توسط حسن بن عرب

شاه ساخته شده، حقیقتی دیگر را برای ما آشکار می سازد آن اینکه قدمت این بازار به قرن هفتم می رسد. این محراب گران سنگ اکنون در بخش اسلامی موزه ی برلین نگهداری می شود (خانمی آرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱). در کالبد بازار، فضاهای متنوع و گوناگونی حضور دارند از جمله مساجد، تکایا، کاخ ها، کاروانسراها، مراکز دینی، مدارس، کتابخانه ها، سقاخانه ها، قلاع و استحکامات دفاعی. علاوه بر این، فضاهای دیگری چون قهوه خانه، حمام و در برخی بازارها بیمارستان در بازار استقرار یافته اند. عنصر بازار تنها وجه مشخصه یا خصیصه اصلی و بهترین معیار اصالت شهرهای شرق اسلام است (کوشا، ۱۳۹۳).

۴-۱ عناصر کالبدی بازار کاشان

بازار از لحاظ ساختار و شکل، تک محوری (خطی یا طولی)؛ به این صورت که از سه بخش خطی که با شکست به هم وصل شده اند؛ می باشد. بازار به لحاظ کاربری تمامی کاربری های اقتصادی مورد نیاز عموم مردم حضور دارند. از جمله کاربری های مهم مورد توجه در بازار می توان به «کاروانسراها»، کاروانسرای نو، بخشی، میر پنج، قمی ها، ذغالی ها، بالا بازار، حاج محمد صادق، زرکش و سرای گبرها؛ «تیمچه ها»؛ تیمچه امین الدوله، بخشی، گمرک، بروجردی ها و تیمچه حاج سید آقا؛ «آب انبارها»؛ بالا بازار، مان چال و آب انبار گذرنو؛ «حمام ها»؛



شکل ۳. نقشه بازارچه های بازار کاشان؛ منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

بازارچه ارسلی دوزها: در دوره زندیه ساخته شده است و به بازارچه قیصریه متصل است. سرای بخشی در جنب این بازارچه قرار دارد. چهار سوق میانچال: از دو طرف به مسجد میانچال و تیمچه امین الدوله واقع شده و از جمله بناهای دوره قاجاریه است. بازارچه خیاط ها: در ضلع شمالی تیمچه امین الدوله واقع شده و از جمله بناهای دوره قاجاریه است.

بازارچه بزازها: در انتهای بازار درب زنجیر قرار گرفته و در فضای مربع شکلی ساخته شده که از اضلاع آن چهار بازارچه جدا شده است. این بازارچه از آثار دوره زندیه است.

بازارچه درب زنجیر: اصل بنا متعلق به دوره ایلخانی است و در دوره زندیه مرمت شده است.

بازارچه زرگرها: از آثار دوره زندیه است. مسجد سلطانی در این بازارچه قرار دارد.

بازارچه گذرنو: حدفاصل خیابان های باباافضل و بازارچه زرگرها واقع شده است. بنای حمام، مسجد و آب انبار گذرنو و مقبره شاه یلان در این بازارچه قرار دارند.

سقف: پوشش سقف بازار از نوع پوشش گنبدی و با استفاده از قوس و فرم های منحنی وار می باشد؛ و با مصالحی همچون آجر، گچ و سنگ آهک ساخته

حمام خان، گذرنو و حمام میر عماد؛ مساجد: میر عماد، سلطانی، میان چال، بالا بازار، کفشدوزها، تبریزی ها و مسجد گذرنو؛ «زیارت»: درب زنجیر و شاه یلان؛ «بازارچه ها»: مسگرها، قیصریه، رنگرها، ربانی، میانچال، ارسلی دوزها، خیاط ها، بزازها، محقق، درب زنجیر، زرگرها، سلطانی و بازارچه گذرنو، اشاره کرد.

هر صنف و دسته ای، بازار خاصی را برای عرضه کالاهای مشابه خود برگزیده اند و برای خود راسته بازاری را به وجود آورده اند که به مهمترین این راسته ها یا بازارچه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

بازارچه مسگرها: بنیان اولیه آن از دوره زندیه بوده و کاروانسراهای گبرها و میرپنج در همین راسته قرار دارند.

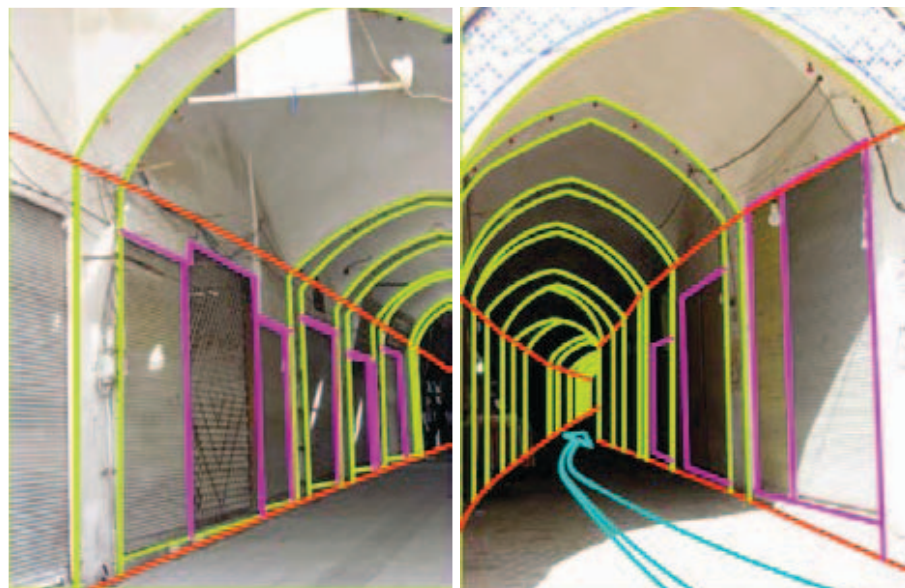
بازارچه قیصریه: قدمت این بازارچه به دوره زندیه می رسد. بنای مسجد و آب انبار بالا بازار، حمام خان، سرای حاج محمد صادق، کاروانسرای نو و فیض در این بازارچه قرار دارند.

بازارچه رنگرها: از آثار دوره صفویه است و آب انبار صباغ در آن واقع است.

بازارچه ملک: به دوره زندیه و قاجاریه تعلق دارد و مسجد تبریزی ها در انتهای این بازارچه جای گرفته است.



شکل ۴. نقشه فضاهای پر و خالی بازار کاشان؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵



شکل ۵. مسیر پیاده، جابجایی افقی و حرکت چشم در بازار؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

ها و عناصر ساخته شده دیگر بانضمام راسته بازار

می باشد.

فضای پیاده بازار: مسیر پیاده بازار در دو سوی دکان ها برای حرکت عموم مردم قرار دارد. حرکت فیزیکی در بازار کاشان با جابجایی افقی و عمودی و حرکت چشم در بازار صورت می گیرد.

حرکت معنایی از طریق احساس حرکت به واسطه نوع طراحی و استفاده مناسب از اصولی مانند هندسه، سلسله مراتب، ریتم، شفافیت، محور و اختلاف سطح در بازار وجود دارد.

شده است.

جداره و کف: کف راسته اصلی بازار با سنگ فرش پوشش داده شده است. جنس مصالح دیوارها از آجر، گچ و سنگ آهک می باشد؛ و معمولا جنس درهای مغازه ها از درهای آلومینوم جمع شونده می باشد.

۲-۴ ویژگی های فضای کالبدی بازار

فضاهای پر و خالی: در بازار کاشان فضاهای خالی به سراها، تیمچه ها، تکیه ها و همچنین روزنه های سقفی تعلق دارد. فضاهای پر هم شامل تمام دکان



شکل ۶. نقشه دسترسی های داخلی بازار؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵



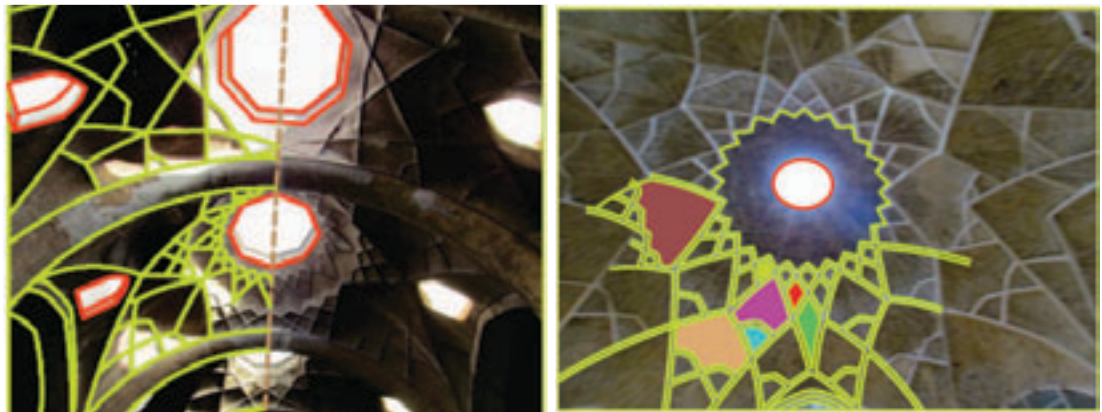
شکل ۷. حرکت طبق اصول هندسه، سلسله مراتب، ریتم، شفافیت، محور و اختلاف سطح در بازار؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

های نورگیری متنوع، جالب و طرح های هندسی ساده زیبایی بازار را دو چندان کرده اند. این شبکه های نورگیری یا همان روزنه ها بدون تزئینات خیره کننده آجری یا کاشیکاری یا معرق هستند.

۳-۴ هندسه، نور و صدا در بازار کاشان

هندسه: راسته بازار دارای نظم مشخصی در سطح، ارتفاع و الگوی منظمی در ساختار و شکل ظاهری می باشد. هندسه آن بیش از هر چیز از تداوم و ریتم خاصی بهره می گیرد به این صورت که ریتم مغازه ها دارای چندین نوع می باشد.

دسترسی های بازار: ورود از سمت دروازه دولت که به راسته مسگرها منتهی می شود. ورود از میدان میر عماد (میدان سنگ) که منتهی می شود به مسجد میر عماد. ورود از خیابان بابا افضل. از مسجد میرعماد (میدان سنگ) تا مجموعه میانچال را راسته بازار بزرگ یا بالا بازار می نامند که یکی از پر جنب و جوش ترین راسته های بازار کاشان است. کارکرد این راسته، صباغی یا رنگرزی بوده و آن را منسوب به حاج حسین صباغ می دانند که بانی آب انباری به همین نام در بازار است. تزئینات بازار: طاق های گنبدی شکل بازار با شبکه



شکل ۸. بهره گیری از هندسه در ساختار پوششی بازار (تیمچه امین الدوله)؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

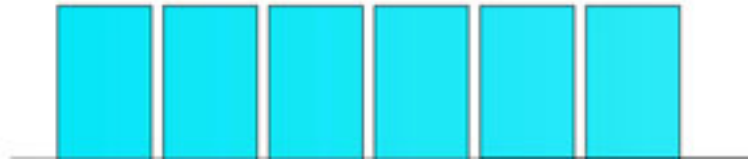


شکل ۹. هندسه کلی بازار کاشان و ساخت بر اساس نظم مقدس؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

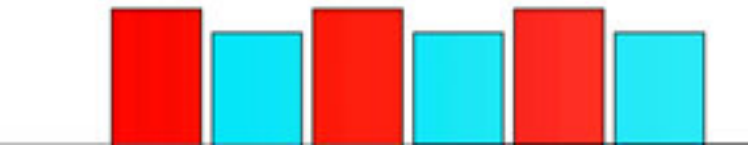
در بازار کاشان برای مصونیت از رطوبت، مغازه ها را در حدود یک متر فراتر از سطح زمین ساخته اند. مغازه ها اغلب دارای پستو بوده و تناسبات ارتفاعی این مغازه ها متفاوت می باشد؛ در ردیفی ارتفاع مغازه ها هم اندازه می باشند؛ در یک ردیف به این صورت است که یکی در میان ارتفاع مغازه ها یک اندازه هستند؛ در ردیفی دیگر ارتفاع ها به این صورت است که دو به یک هستند؛ در قسمتی دیگر تناسب ارتفاع مغازه ها به صورت دو تا دو تا رعایت شده است؛ در قسمتهایی دیگر از بازار ارتفاع ها به صورت نامنظم هستند یعنی رابطه ی مشخصی ندارند. نور: سرپوشیده بودن بازار، نورگیری فضاهای مختلف آن را دارای کیفیت ویژه ای نموده است؛ بطوریکه که دکان ها و حجره ها هیچ منبع نور



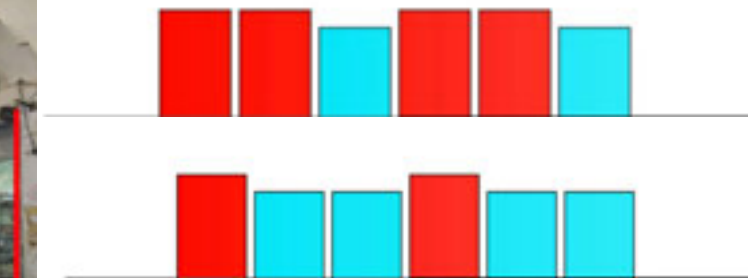
شکل ۱۰. چیدمان مختلف مغازه ها از لحاظ ارتفاع (هم اندازه)؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵



شکل ۱۱. چیدمان مختلف مغازه ها از لحاظ ارتفاع (یکی در میان)؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵



شکل ۱۲. چیدمان مختلف مغازه ها از لحاظ ارتفاع (دو به یک)؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵



برده شده در کف، تزئینات و مصالح سقف، دیوارها و فضا سازی) مورد بررسی قرار دهیم.

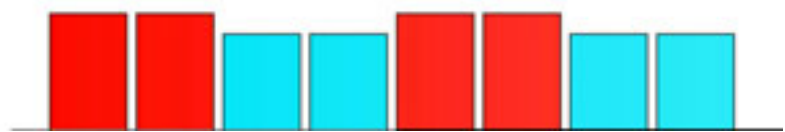
۵. نتیجه گیری و جمع بندی

بازار کاشان به لحاظ فعال بودن تمام کاربری های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان مهم ترین عنصر حیاتی بافت شهری کاشان برای عموم از ارزش والایی برخوردار است. طبق بررسی های صورت گرفته بازار کاشان دارای ویژگی های مثبتی همچون: نظم فضایی به صورت پیوستگی در رنگ

مستقیمی ندارند و در تاریکی اند؛ اما گذرها و راسته های بازار با نورگیری از سقف در حالت نیمه تاریکند. نورگیری های بازار کاشان دارای چندین هندسه مخلف می باشد.

۴-۴ بررسی کالبدی کاروانسراهای بازار کاشان

و اما در ادامه مقاله سعی شده است که چند مورد از کاروانسراها، سراها، تیمچه ها و حمام را از لحاظ ساختاری کالبدی (معرفی بنا، هندسه و مصالح به کار



شکل ۱۳. چیدمان مختلف مغازه ها از لحاظ ارتفاع (دو تا دو تا)؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

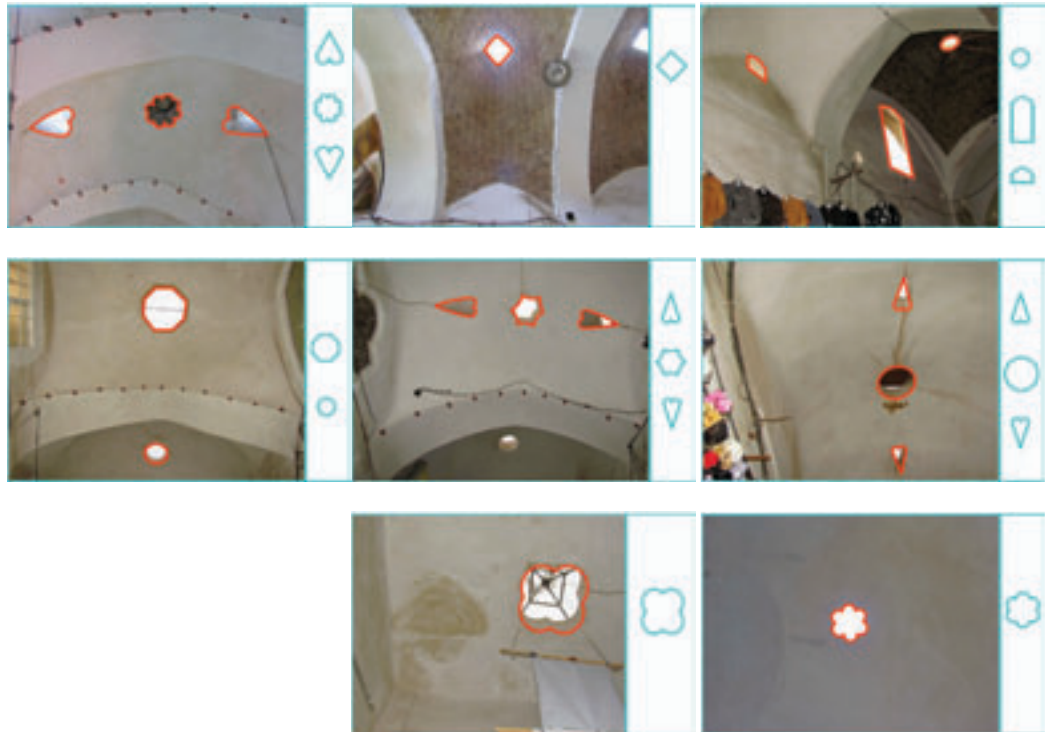


شکل ۱۴. چیدمان مختلف مغازه ها از لحاظ ارتفاع (ریتم نامنظم)؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۴۵



شکل ۱۵. نورگیری و تهویه در ساختار پوششی راسته بازار کاشان؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

جدول ۴. بررسی کالبد تیمچه و کاروانسرای حاج حسین بخشی؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

معرفی	کف		سقف	دیوار	فضاسازی
	مصالح	هندسه			
از جبهه شمال چسبیده به مسجد بالابازار	کف از آجر خطایی ایوانهای دور	تیمچه دوطبقه سقف بسیار بلند کاروانسرا با اتاقها در دو طبقه	تزیینات سقف با آجر + کاشیکاری + گچکاری + روکش آهک سفید	- کاروانسرا: کل بدنه آجری و روکش کاهگل و تزیینات کاشی رنگی در برخی جاها	- چند باغچه نامنظم در حیاط کاروانسرا که بعدا اضافه شده است - حوض کوچک سنگی و مستطیل وسط تیمچه
جبهه غرب چسبیده به بازارچه ارسی دوزها	آجر خطایی پله های آجری	برخی جاها دارای زیرزمین به عنوان انبار کالا	- مقرنس های کم عمق دو نورگیرهای مرکزی و ضلعی و یک نورگیر ۱۲ ضلعی بین آن دو و نورگیرهای جانبی کوچکتر در بدنه ها	تیمچه: اسکلت آجری و روکش آهک سفید + کاشیکاری رنگی - جنس درب ها و پنجره ها از چوب و شیشه رنگی و بعضی جاها به صورت سه دری	
جبهه جنوب: تیمچه امین الدوله و منتهی به بازارچه خیاطها			سقف حجره های کاروانسرا اسکلت آجری و روکش گچ و آهک سفید		



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

جدول ۵. بررسی کالبد سرای ملک؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

معرفی	کف		سقف	دیوار	فضاسازی
	مصالح	هندسه			
- از جبهه شرق چسبیده به سرای زرکش ها - از جبهه غرب روبروی مسجد میانچال است. - ساخت مربوط به دوره قاجاریه است. - در بازارچه ملک واقع شده است.	- فرش کف از آجر خطایی ولی بعضی قسمت ها امروزه از جنس موزائیک است. - پله های موجود از آجر خطایی	- دو طبقه است. یک طبقه مفید (حجره ها) و یک طبقه زیرزمین برای انبار کالاها	تزیینات سقف ایوانها با آجر + گچکاری و روکش آهک سفید	- کلیت بنا با آجر ساخته شده است. - استفاده از ملات گل و کاهگل - جنس درب ها و پنجره ها از آهن و شیشه است	
					

جدول ۶. بررسی کالبد مسجد میر عماد؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

فضاسازی	دیوار	سقف	کف		معرفی
			هندسه	مصالح	
- بدون فضای سبز - آب نما: حوض ۴ ضلعی با مصالح سنگ و کاشی	- کلیت بنا با آجر در برخی قسمت ها آهک سفید نقاشی شده و کاشیکاری رنگی - ایوانهای داخلی با روکش آهک سفید و ازاره سنگی و آجری - ایوانهای خاری آهک سفید داخل طاق نماها و کاشیکاری معقلی در بالا طاقها	- تزئینات ایوان نفیس آن، مقرنس های کم عمق و کتیبه ها، با کاشیکاری و روکش آهک نقاشی شده + گچکاری - ایوانهای خارجی با تزئینات آهکی نقاشی شده و گاهی کاشی های رنگی معقلی (کاشی همراه آجر)	هندسه	مصالح	- بنای اولیه مسجد میر عماد مربوط است به قرون ششم و هفتم قمری - دارای سردری زیبا و منحصر به فرد می باشد که تزئینات معماری آن در نوع خود بی نظیر است - از جبهه غرب منتهی به بازارچه مسگرها و میدان میر عماد - در جبهه شمال کاروانسرای نو - در جبهه جنوب کاروانسرای ذغالپها
			- هندسه چهار گوش مربع شکل - ورودی غیر مستقیم به داخل از دو سمت راست و چپ متقارن - شامل شبستان و ایوان ها و اتاقها و بخش ورودی - یک طبقه با سقف نیمه باز و بلند ایوانها	کف از آجر و امروزه از موزاییک فرش شده است پله های منتهی به مسجد از تکه سنگهای بزرگ تیشه خورده - حوض وسط از سنگ به شکل مربع - پله های منتهی به بام آجر با روکش آهک سفید - نشیمن گاه ورودی از سنگ تیشه خورده	
					



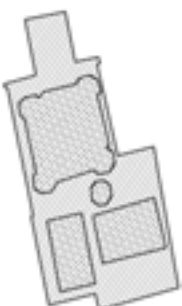
جدول ۷. بررسی کالبد مسجد سلطانی؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

فضاسازی	دیوار	سقف	کف		معرفی
			هندسه	مصالح	
حیاط بزرگ این مسجد با حوضی وسیع از جنس سنگ حیاطی باصفا و مشجر و باغچه های منظم هندسی	- کلیت بنا با آجر در برخی قسمت ها گچکاری رنگی و کاشیکاری رنگی و استفاده از ملات گل و کاه گل - دارای ازاره های کاشیکاری شده و دیوارها عموماً آجری - جنس درب ها و پنجره ها از چوب	- تزئینات سقف ایوانها با آجر + کاشیکاری + گچکاری مقرنس های کم عمق با روکش گچ - کتیبه های کاشیکاری در جاهای مختلف و بالای درها و دور ایوانها	هندسه	مصالح	معروف به مسجد امام بعنوان یکی از شاهکارهای معماری دوره قاجار مسجد زیبا و مشجری که با غرفه های متعدد یکی از مراکز علمی و دینی شهرستان کاشان محسوب می شود مسجد شش هزار و ۵۰۰ متری - از جبهه شمال منتهی به بازارچه سلطانی - جبهه غرب چسبیده به بازارچه زرگرها - در جبهه جنوبی بازارچه گذر نو قرار دارد
			وجود ۵۲ حجره درس، دو مدرس، یک شبستان و یک کتابخانه دو طبقه با سقف بسیار بلند برخی جاها دارای زیرزمین به عنوان انبار کالا	فرش کف از سنگ های قلوه و تخت و تیشه شده - پله های موجود از سنگ تیشه شده	
					


جدول ۸. بررسی کالبد سرای گمرک؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

معرفی	کف		سقف	دیوار	فضاسازی
	مصالح	هندسه			
از جبهه شمال منتهی به میدان میرعماد جبهه شرق چسبیده به بازار قیصریه و کاروانسرای نو	کف از آجر خطایی حوض وسط ازسنگ و دور آن آجری پله های منتهی به بام آجری سکوها و ایوانها آجری	هندسه سه طبقه با ایوان همکف و طبقه بالایی برخی جاها دارای زیرزمین به عنوان انبار کالا	- تزئینات سقف ایوانها با آجر +گچکاری -اتاق ها با آجر و روکش گچ کاری - نورگیر سقفی بالای ورودی اصلی یه شکل اصلی با سقف بسیار بلند	کلیت بنا با آجر در برخی قسمت ها مثل ورودی اصلی گچکاری رنگی و تزئینات کاشیکاری رنگی معلقی - جنس درب ها و ینجره ها از چوب	فضای سبز اندک - آب نما: حوض ۸ آن سکوی آجری
					


جدول ۹. بررسی کالبد حمام خان؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

معرفی	کف		سقف	دیوار	فضاسازی
	مصالح	هندسه			
از جبهه شمال روبروی سرای چهار گوش - جبهه غرب روبروی تیمچه بروردی ها - از جبهه جنوب چسبیده به مسجد بالا بازار - ساخت بنا مربوط به دوره ی زندیه است. - در راسته بازار قیصریه واقع شده است.	کف از موزائیک پله ها از آجر و سنگ تیشه شده	هندسه یک طبقه با ارتفاع بلند	- تزئینات سقف با آجر +گچکاری+ روکش آهک سفید - مقرنس های کم عمق تزئینات سقف با استفاده کردن از آجر دارای چهار تا نورگیری با پلان دایره ای شکل	کلیت بنا با آجر ساخته شده در بعضی از قسمت ها از گچ به عنوان روکش بنا استفاده شده است. استفاده از ملات گل و کاهگل جنس در ورودی از چوب می باشد جنس درهای خزینه از آهن می باشد استفاده از روکش آهک در خزینه استفاده از کاشی سفیدرنگ در دیوارهای خزینه	دارای چهار تا حوض مستطیل شکل سنگی یک حوض هشت ضلعی سنگی در مرکز قرار دارد.
					

جدول ۱۰. بررسی کالبد سرای قمی ها؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

فضاسازی	دیوار	سقف	کف		معرفی
			هندسه	مصالح	
دارای یک باغچه مستطیل شکل است	- کلیت بنا با آجر ساخته شده در بعضی از قسمت ها از گچ به عنوان روکش بنا استفاده شده است. - استفاده از ملات گل و کاهگل - جنس در ورودی از چوب می باشد	تزیینات سقف با آجر + گچکاری + روکش آهک سفید دارای چهار تا نورگیری با پلان دایره ای شکل		کف از آجر خطایی در بعضی از قسمت ها امروزه از موزائیک استفاده شده است. پله هایی از جنس آجر	جبهه غرب چسبیده به سرای بالا بازار - از جبهه شرق روبروی کاروانسرای نو - ساخت بنا مربوط به دوره ی زندیه است. - در راسته بازار قیصریه واقع شده است.

جدول ۱۱. بررسی کالبد سرای بالا بازار؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

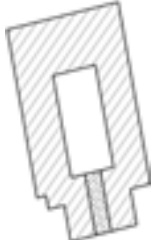
فضاسازی	دیوار	سقف	کف		معرفی
			هندسه	مصالح	
- دارای یک باغچه کوچک مربع شکل	کلیت بنا با آجر ساخته شده است استفاده از روکش آهک سفید و ملات کاهگل جنس درب ها و پنجره ها از آهن و شیشه است	استفاده از روکش آهک سفید		کف از آجر خطایی بعضی از قسمت ها امروزه از موزائیک استفاده شده پله ها از جنس آجر می باشد	- از جبهه شرق چسبیده به سرای قمی ها - در راسته بازار قیصریه قرار دارد. - ساخت بنا مربوط به دوره ی زندیه است

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۴۹

جدول ۱۲. بررسی کالبد سرای زرکش ها؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

فضاسازی	دیوار	سقف	کف		معرفی	
			هندسه	مصالح		
چند باغچه نامنظم در حیاط وجود دارد	کلیت بنا با آجر ساخته شده است. در برخی قسمت ها کاشیکاری رنگی و استفاده از ملات گل و کاه گل - استفاده از روکش آهک سفید - دارای ازاره های کاشیکاری شده و دیوارها عموماً آجری - جنس درب ها و پنجره ها از آهن و شیشه است	- تزیینات سقف ایوانها با آجر + کاشیکاری + گچکاری - کتیبه های کاشیکاری در جاهای مختلف و بالای درها و دور ایوانها		هندسه - سه طبقه است. دارای دو طبقه مفید (حجرهها) و یک طبقه زیرزمین برای عنوان انبار کالا	مصالح فرش کف از آجر خطایی ولی امروزه از جنس موزائیک است پله های موجود از آجر خطایی	- از جبهه شمال چسبیده به تیمه روبرودی ها - از جبهه غرب چسبیده به کاروانسرای ملک - از جبهه جنوب روبروی تیمچه بخشی - از جبهه شرق روبروی مسجد بالا بازار است. - ساخت بنا مربوط به دوره زندیه و قاجاریه است. - در بازارچه ملک واقع شده است.

جدول ۱۳. بررسی کالبد کاروانسرای نو؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

فضاسازی	دیوار	سقف	کف		معرفی
			هندسه	مصالح	
باغچه ها با هندسه منظم وساخته شده با آجر - آب نما: حوض ۱۰ ضلعی با سنگ 	کلیت بنا با آجر در برخی قسمت ها کاشیکاری رنگی ونقوش ساخته شده با آجر+ برخی جاها روکش ملات گل و کاه گل و شبکه های آجری+ آهک سفید - جنس درب ها و ینجره ها از چوب	تزئینات سقف ورودی رسمی بندی با روکش آهک سفید - نورگیر ۸ ضلعی مرکزی در قسمت ورودی سفید	هندسه ۱۰ ضلعی منتظم سه طبقه دارای ایوانهای اطراف طبقه همکف و اول	مصالح - کف از آجر خطایی - حوض وسط از سنگ چندتکه - پله های منتهی به بام با روکش آهک سفید	دارای هندسه ۱۰ ضلعی که یکی از ابداعات در طرح کاروانسراست که به طور معمول چهارگوشه ساخته میشوند. - در جبهه شمالی مسجد میرعماد جبهه غرب چسبیده به بازارچه قیصریه و سرای گمرک - جبهه جنوب کوچه ضرابخانه

جدول ۱۴. بررسی کالبد تیمچه امین الدوله؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

فضاسازی	دیوار	سقف	کف		معرفی
			هندسه	مصالح	
-بدون فضای سبز -آب نما: حوض ۸ ضلعی با کاشی و سنگ گل	کلیت بنا با آجر در برخی قسمت ها گچکاری رنگی و کاشیکاری رنگی و استفاده از ملات گل و کاه گل	-تزئینات سقف با آجر+ کاشیکاری+ گچکاری+ نقاشی دیواری	هندسه -دو طبقه با سقف بسیار بلند -برخی جاها دارای زیرزمین به عنوان انبار کالا	مصالح -کف از آجر خطایی -حوض وسط از سنگ چند تکه و کاشی آبی رنگ -پله های منتهی به بام با روکش آهک سفید	-از جبهه غرب چسبیده به بازارچه خیاطها -جبهه شمالی چسبیده به کاروانسرای بخشی -جبهه جنوب چسبیده به بازارچه بزازها

محصور کننده، نبود فواصل بین بدنه ساختمان ها، هماهنگی الگوی نماها؛ تعریف نشانه ها: توالی وجود نشانه ها، شکل گیری تصویر ذهنی مشخص و افزایش خوانایی؛ مقیاس انسانی: عرض مناسب فضا و عدم بروز احساس تنگی فضا؛ طراحی اقلیمی: درونگرایی، استفاده از تاق و گنبد، ارتفاع زیاد سقف، استفاده از مصالح عایق حرارتی، الگوی حیاط

و اشکال هندسی، ریتم، تعادل و تقارن های غالب در بخش های مختلف بازار (حجره ها، راسته ها، حمام، مسجد، فضای داخلی کاروانسراها و...)؛ تنوع فضایی که شامل: تباین فضایی، تعریف سلسله مراتب فضایی، تزئینات بی نظیر و هماهنگ و تنوع مصالح؛ محصور کردن فضا: محصوریت متغییر فضاها با توجه به عملکرد آنها، پیوستگی بدنه

جدول ۱۵. جمع بندی کلی هندسه پلان های کاربری های بازار کاشان؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

تیب	شکل هندسی کلی	بناهای دارای این هندسه پلان	درصد از کل بناهای بازار
۱	مربع مستطیل	مسجد سلطانی ؛ کاروانسرای ذغالیها ؛ حمام میرعماد ؛ مسجد میرعماد ؛ سرای گمرک ؛ سرای قمی ها ؛ سرای چهارگوش ؛ سرای نراقیها ؛ تیمچه بروجردیها ؛ مسجد سلطانی ؛ مسجد کفشدوزها؛ مسجد گذرنو	۵۰٪
۲	مستطیل	سرای گبرها ؛ کاروانسرای میر پنج ؛ سرای بالابازار ؛ سرای زرکشها ؛ سرای آب انبار ؛ سرای ملک ؛ مسجد میانچال ؛ مسجد بالابازار ؛ زیارت درب زنجیر ؛ مسجد نیریزها؛ مسجد میانچال	۳۵٪
۳	چند ضلعی منتظم	کاروانسرای نو ؛ تیمچه امین الدوله ؛ حمام خان؛ حمام گذر نو.	۵٪
۴	چند بخشی	حمام خان ؛ تیمچه صباغ ؛ تیمچه حاج سیدآقا؛ تیمچه بخشی؛ حمام گذر نو.	۱۰٪

- مرکزی و استفاده از رواق و حوض؛ ابعاد معنایی: پیشینه تاریخی، تطبیق عینیت فضا با اندوخنه های ذهنی انسان ایرانی، احساس این همانی، احساس تعلق، غنای حسی و خاطرات جمعی؛ ابعاد اجتماعی: گوناگونی در کاربرد های جاذب جمعیت، هماهنگی با الگوهای رفتاری فردی و گروهی انسان، قابلیت حضور تمامی گروه های اجتماعی در فضا، وجود فضاهای برای نشستن در میادین، امکان بروز تعاملات اجتماعی، فعال بودن بازار در ساعات زیادی از شب و روز و بروز فعالیت های اجتماعی؛ می باشد.
- منابع**
۱. اهلرز، اکارت (۱۳۷۳) شهر شرق اسلامی، مدل و واقعیت، ترجمه و تحریر محمد حسن ضیا توانا و مصطفی مومنی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲.
 ۲. ایراندوست، کیومرث و آرمان بهمنی اورمانی (۱۳۹۰) تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران: مطالعه موردی بازار شهر کرمان، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره پنجم.
 ۳. ایراندوست، کیومرث (۱۳۷۳) بازار کرمانشاه در گذشته و حال، مجله تاوینه، شماره ۲۴ و ۲۵.
 ۴. بنیاد دایره المعارف اسلامی (۱۳۷۲) دانشنامه جهان اسلام، حرف ب جزء سوم، تهران.
 ۵. بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۳) نقش و کارکرد اجتماعی بازارهای سنتی شهرهای ایران، آبادی، شماره ۶۴.
 ۶. پوراحمد، احمد و سیروس موسوی (۱۳۸۹) ماهیت اجتماعی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره دوم.
 ۷. پوراحمد، احمد (۱۳۷۴) جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان، کرمان: مرکز کرمان شناسی
 ۸. پوراحمد، احمد (۱۳۷۶) جغرافیا و کارکردهای

- بازار کرمان، انتشارات مرکز کرمان شناسی.
۹. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۲) معماری اسلامی ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۱۰. ترابی، مرضیه (۱۳۸۴) مفهوم شهر، اندیشه ایرانشهر، شماره ۶.
۱۱. جباری، مینا (۱۳۷۹) همیشه بازار، آگاه، تهران.
۱۲. حبیبی، محسن (۱۳۷۵) از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تاثر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم.
۱۳. خان محمدی، اکبر (۱۳۸۶) بازار در ادب فارسی، نشریه هفت شهر، شماره ۲۰.
۱۴. خانی آرانی، فاطمه (۱۳۹۰) کاشان مهد تمدن و هنر، همگام با هستی، چاپ اول.
۱۵. دانشپور، عبدالهادی و الهام شیری (۱۳۹۴) عناصر کالبدی. کارکردی شکل دهنده به هویت بافت های تاریخی شهر ایرانی اسلامی، فصلنامه نقش جهان، شماره ۱ و ۵.
۱۶. رجبی، آزیتا (۱۳۸۶) ریخت شناسی بازار، نشر آگاه، تهران.
۱۷. سعیدنیا، احمد (۱۳۸۸) تعاریف و مفاهیم بازارهای شهری در ایران، آبادی، شماره ۶۴.
۱۸. سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۹) شناخت شهرهای ایران، انتشارات علم و زندگی، چاپ اول.
۱۹. سلطان زاده، حسن (۱۳۶۷) مقدمه ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران، امیرکبیر، چاپ دوم، تهران.
۲۰. سلطان زاده، حسین (۱۳۶۲) روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، نشر آگاه.
۲۱. سلطان زاده، حسین (۱۳۸۰) بازارهای ایرانی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۲۲. شاطری، اصغر (۱۳۸۵) بازار تاریخی کاشان، فصلنامه فرهنگ و مردم، شماره ۱۹ و ۲۰، سال پنجم.
۲۳. شفقی، سیروس (۱۳۷۸) نقش بازار در ساختار شهر اسلامی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۵ و ۵۶.
۲۴. عباسی، زهرا و فرح حبیب و سید مصطفی مختاباد امرئی (۱۳۹۴) تدوین اصول و معیارهای ادراک فضایی در معماری بازارهای سنتی، مدیریت شهری، شماره ۳۹.
۲۵. کاستللو، ویتستت فراتسیس (۱۳۶۸) شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، نشر نی، تهران.
۲۶. کوشا، پریسا (۱۳۹۳) بررسی نقش بازارهای سنتی در سازمان فضایی و ساختار کالبدی شهر ایرانی-اسلامی: نمونه موردی بازار سرشور مشهد، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تاکید بر مولفه های شهر اسلامی.
۲۷. گزارش مستندسازی بازارهای ایران (۱۳۸۵) جهاد دانشگاهی تهران.
۲۸. محمد مرادی، اصغر و فرشته بهمنی اسکویی (۱۳۸۹) بازار سنتی؛ تبلور آرمان های شهرسازی معاصر، فصلنامه طراح، شماره ۲.
29. Bonine, Michael: 1990, The sacred Direction and city structure T A Preliminary Analysis of the Islamic cities of MOROCCO, IN Muqarnas VII: An Annual on Islamic Art and Architecture, Oleg Grabar (ed), E.J.Bnl, Leiden
30. Daneshpour, Abdolhadi and Rousta, Maryam (2013) "Conceptual Framework of Sustainable Community in Islamic Worldview and Urbanism Tradition of Muslims," Journal of Iranian-Islamic Urban Studies, (24-15) 1.
31. Morris, James (2002) Urban Form History up to Industrial Revolution: Islamic, Middle East and Spain Emperor Cities, Second Volume, Translated By Rezazadeh, Razieh, Jahad Daneshgahi University of Science and Technology Press, first edition, Tehran.
32. Soltanzadeh, Hossein (1983) Urban Formation Process and Religious Centers of Iran, Agah publication, Tehran.

بررسی جایگاه و نقش مشارکت کودکان در طراحی و برنامه ریزی شهرها با تاکید بر روانشناسی محیط کودکان

نفیسه گلستانی* - پژوهشگر دوره دکتری معماری، گروه هنر و معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
محسن کمالی - کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، پردیس علوم تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
محبوبه روشن - باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

ایجاد یک فضای شهری برای رفاه کودکان مستلزم توجه به تنوع موضوعات برنامه ریزی و طراحی شهر است. یک فضای هدایت شده نشان می دهد که چگونه با بازطراحی شاخصها و بکارگیری صحیح آنها می توان فضاهای شهری دوستدار کودک ایجاد نمود. فضاهای هدایت شده می توانند در مسیری طراحی شوند که موانع دسترسی مستقل کودکان را کاهش دهند و این در راستای برنامه ریزی برای ایجاد شهردوستدار کودک است. در این میان توجه به مشارکت کودکان در فرایند طراحی و برنامه ریزی شهرها از مهمترین موضوعات در زمینه شهرهای دوستدار کودک است که موضوع مقاله حاضر را تشکیل داده است. در ضمن بررسی ابعاد روان شناختی محیط کودکان در قالب نگاهی به روانشناسی محیطی نیز مورد نظر بوده است. روش تحقیق مقاله «توصیفی- تحلیلی» و روش «فراتحلیل» است که از پیمایش محیطی و مشارکتی کودکان برای ارائه الگوی مشارکت و بسترسازی برای آن استفاده کرده است. بدین منظور با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی، ارائه تعاریفی در باب مشخصات شهرهای دوستدار کودک و مشارکت کودکان در امور شهری، با توجه به روند مشارکت کودکان در پروژه های شهری، راهکارهایی جهت ارتقاء مشارکت کودکان و نوجوانان در شکل گیری فضاهای شهری ارائه شده است.

واژگان کلیدی: شهر دوستدار کودک، مشارکت، الگوهای مشارکتی، برنامه ریزی شهری

A Study of the Involvement of Children in design and urban planning; whit emphasis on children's psychology

Abstract

Create an urban space for children's welfare requires attention to a variety of planning and design of the city. A guide shows how to redesign the parameters and correct use of child friendly spaces can be created. Guided spaces can be designed in a way that children reduce barriers to independent access. And this is in line with a plan to make the city ideal for children. The participation of children in the planning and urban planning is the most important topics in the field of child-friendly cities. The subject of the present article is formed. Research methodology is descriptive - analytical and meta-analysis method that uses environmental scanning and participation of children and paving the way for its participation model has to offer. For this purpose, using the analytical method - descriptions, definitions of the characteristics child friendly cities and the participation of children in urban affairs with regard to the involvement of children in urban projects, strategies to promote the participation of children and adolescents in the formation of urban spaces provided.

Keywords: child friendly city partnership, the coopera-

مقدمه

ایجاد محیطی مناسب برای کودکان هزینه چندانی را دربرنمی‌گیرد و تنها نیاز به آگاهی، توجه و احساس مسئولیت در مسئولان و متخصصان دارد. علاوه بر این باید گفت که؛ مشارکت حق بنیادی شهروندی است و موجب رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان می‌گردد. استفاده از سیاست‌های دوستدار کودکان و جوانان ابزار مؤثری برای تحقق نیازهای متغیر اجتماعات شهری است. آن دسته از دولت‌های محلی که از سیاست‌های دوستدار کودکان و جوانان استفاده و در خصوص آن‌ها تحقیق می‌نمایند و در واقع بر روی سلامت و پایداری بلندمدت شهرهای خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند زمانی که نهادها و دولت‌های محلی از مشارکت فعال و کامل جوانان در توسعه شهرها حمایت می‌کنند، عملاً ارتقای کل جامعه را تضمین می‌نمایند. واقعیت این است که مدت زیادی نیست که شهروندی کودکان در مقیاس جهانی جدی گرفته می‌شود. در پی نشست جهانی کودک در سال ۱۹۹۱، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ جلسه ویژه‌ای برپا داشت که طی آن به کشورهای مختلف جهان توصیه شد نسبت به تهیه و ارائه طرح‌های ملی با هدف بهبود وضعیت کودکان

«مکان‌دوستی» مفهومی است که در آن دو مفهوم «کودک» و «مکان» از دو جنبه «کاربردی» و «پدیدارشناسی» قابل تأمل است. از لحاظ کاربردی، «محیط دوستدار کودک» به کودک امکان می‌دهد تا «پتانسیل‌ها و قابلیت‌های مکان» را محقق سازد و از جنبه پدیدارشناسی این تعاملات به واسطه کاربرد روزانه به کودک امکان می‌دهد تا «احساسات و عواطفش را در مورد مکان بسط داده» و نقش جدید برای مکان و خود، به واسطه کاربرد مکرر و تحقق قابلیت‌های مکان تصور نماید^۱. دین مبین اسلام نیز به کودکان و حقوق آنان توجهی ویژه داشته است^۲. از سویی دیگر، در شهرهای امروز مسئولان و شهرسازان ایجاد تسهیلات و مناسب‌سازی محیط را برای این گروه از شهروندان نادیده گرفته‌اند، کودکان از نظر «جسمی»- به خاطر کوچک بودن در مقایسه با یک فرد بزرگسال- و هم از نظر «روحي»- به خاطر عدم آگاهی و شناخت نسبت به خطرات موجود در محیط- آسیب پذیرتر هستند. مناسب‌سازی محیط برای کودکان، نشانگر احساس مسئولیت جامعه نسبت به آنهاست و موجب آموزش و مسئولیت‌پذیری در کودک و نوجوان می‌شود.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۵۴

۱. هرچند مکان‌های دوستدار کودک یک ضرورت مطلق برای رشد کودکانمان نیستند، ولی به عنوان یک مزیت اصلی منجر به سلامتی فیزیکی و روانی آنها می‌شود. شاید به این دلیل است که یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار را نیز کسب تجارب زندگی توسط خود کودکان از طریق مشارکت فعالشان در محیط می‌دانند که این مشارکت با علم به حساسیت منحصر به فرد محیطی کودکان بر مبنای درک و ارزیابی کودکان در محیط پیرامون- اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و روان‌شناختی- است. از جمله حقوق کودکان، حفظ بهترین منافع آنها در تمامی جوانب حیات است و مکان دوستدار کودک این حق را در آنها ارتقاء می‌بخشد.

۲. اسلام، بیش از مکتب‌های دیگر، برای کودکان- این گروه آسیب‌پذیر جامعه- حقوق قائل شده است، زیرا با رعایت این حقوق، آینده کشور با وجود انسان‌های شایسته، تضمین خواهد شد. در کنوانسیون حقوق کودک، بیشترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک بر دوش والدین نهاده شده است، چنان‌که در ماده ۱۸ کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند: «بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی‌ترین مسئله آنان، (حفظ) منافع عالیه کودک است. در آموزه‌های آسمانی اسلام نیز بیشترین مسئولیت در قبال کودک، بر دوش والدین است که به آن «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَی الْوَالِدِ» می‌گویند؛ زیرا کودک، برکت خانه و نعمت و حسنه‌ای است که خداوند به پدر و مادر ارزانی کرده است. از این‌رو، قدر و جایگاه آن را باید بدانیم و به وظایف خود در برخورد با این نعمت الهی عمل کنیم در غیر این صورت، عاقبت فرزندان خواهیم بود.

توجه کنند. از طرف دیگر علی‌رغم تفاوت‌های اقتصادی موجود، با بهره‌گیری از ویژگی مذکور - اخلاق مشارکتی - طراحی و برنامه‌ریزی شهری می‌بایست در کنار کارکردهای سایر نهادهای مدنی همچون خانواده، مدرسه، مراکز فرهنگی و امنیتی، بهداشتی، اقتصادی همگام شده و فضاهای محله، ناحیه، منطقه و مکان‌های عمومی شهری را برای حضور و تحرک کودکان شهر، ایمنی بخشد.^۳ در واقع طراحان شهری با حضور و مشارکت شهروندان از جمله کودکان و نوجوانان، موظف به ایجاد فضا و مکان و محیطی شایسته همانند شهر دوستدار کودک یا شهر کودک پسند هستند تا آسیب‌های فرهنگی کاهش یابد. در این مقاله به مفهوم «شهرهای دوستدار کودک» و ایجاد فرایندهای مشارکت کودکان در فرایند برنامه‌ریزی شهری و طراحی آن پرداخته می‌شود.

شهر دوستدار کودک

هدف از رهیافت «شهر دوستدار کودک» و یا طراحی شهر برای کودک، ضمانت حقوق کودکان در زمینه‌های مختلف شهری می‌باشد. امروزه بیش از یک سوم جمعیت جهان زیر هجده سال سن دارند و این گروه بخش مهمی از جمعیت شهری را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که این گروه اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های شهری از سوی تصمیم‌گیران و مدیران شهری نادیده گرفته می‌شوند. امروزه در محیط‌های شهری ایجاد محیطی که مورد رضایت کودکان باشد و برای آنان دارای مطلوبیت باشد، مورد توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته و از این رو ضرورت دارد تا با بررسی ادبیات مربوطه، شاخص‌های مهم شهر دوستدار کودک مورد ارزیابی قرار

گیرد تا ضمن مشخص‌شدن نحوه تأثیرات و وضعیت آنان، به بازطراحی شاخص‌های شهر دوستدار کودک پرداخته شود. با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و محیطی شهرهای ایران با دیگر شهرهای جهان بایستی شاخص‌های دوستدار کودک باید برای مطالعه بومی سازی شود.

اعلامیه جهانی حقوق کودک در ماده یک کودک را کسی می‌داند که کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد (پیام یونسکو، ۱۳۷۱، ص ۴۰). شهر دوستدار کودک محیطی است که در آن کودکان خواسته‌های خود را بیان کرده و بر مسائل مربوط به خودشان بتوانند تأثیرگذار باشند (Smith, ۲۰۰۸). ایجاد یک محیط مساعد برای کودکان مستلزم طراحی یک شهر است که بطور فیزیکی احتیاجات توسعه‌ای کودکان را رفع نماید و این مستلزم شناخت و باز طراحی شاخص‌های موثر بر شهر دوستدار کودک است؛ شهر دوستدار کودک، سیستمی از مدیریت محلی خوب است که در آن نظام محلی متعهد به اجرای حقوق کودکان و نوجوانان باشد. در این شهرهای مدیران تضمین می‌نمایند که کودکان را در اولویت قرار داده و آنها را در فرآیند تصمیم‌سازی درگیر نمایند. سیاست‌ها، فرآیندها و سایر روندهای برنامه‌ریزی شهری یک رویکرد عمومی محسوب می‌شود. در این رویکرد، طیف گسترده‌ای از احتیاجات شهروندی مدنظر قرار می‌گیرد. بسیاری از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی مثل کودکان، جوانان یا افراد سالخورده احتیاجات خاصی دارند که باید در خط مشی برنامه‌ریزی بطور مناسب لحاظ گردد؛ در حالی که شهر دوستدار کودک، بخشی از ادبیات شهرسازی در سالهای اخیر را

۳. از بعد فرهنگی، خلق معنای دوستی کودک با مکان صرفاً در مشابهت‌های ادراکی، فیزیکی یا اجتماعی مکان‌ها نیست، بلکه در حالت ایده‌آل مبتنی بر تجربه کودک و تصورات و طرحواره‌های مشترک کودک از لحاظ فرهنگی با مکان است. اینکه کودکان با برخی محیط‌ها قرین و عجین هستند، اشاره به برخی قابلیت‌های ذاتی محیط‌ها دارند که به ارضای برخی نیازها و خواسته‌های کلیدی کودکان نیز منجر می‌شود. معنای هویت نیز زایدی هزاران واکنش شخصی در مقابل هزاران نوع از جنبه‌های نفوذی محیط است. هنگامی که خواسته‌ها و تمایلات و محرک‌های یک کودک با قوای محیطی‌اش ارتباط پیدا می‌کند، هویت وی به منصفه ظهور می‌رسد. لذا معنای هویت را نیز می‌توان سائبه‌ای از عرصه‌های پرورشی دانست.

جدول ۱. گروه سنی کودکان، فعالیتها و بازی های مطلوب- که در شهر دوستدار کودک- باید لحاظ شود؛ ماخذ: نگارندگان.

گروه سنی	فعالیت های مربوط به صدا	فعالیت های بدنی	فعالیت های هنری	بازی های داخل یا خارج از خانه و بازدید
۳-۵ سالگی			تهیه آلبوم و جمع آوری تمبر، سکه و استفاده از آلات موسیقی	جمع آوری گونه های برگ و ایجاد دفتر گل برای کودک که بتواند کارهای بزرگسالان را تقلید کند
۵-۷ سالگی	آوازخوانی، قصه خوانی، سرود خوانی	بازی های پر جنب و جوش مثل گرگم به هوا در گروه های کوچک	نقاشی روی مدل و اجرای نمایشنامه های ساده	نگهداری از گل و گیاهان و حیوانات اهلی، عروسک بازی و بردن کودکان به سینما و موزه
۷-۹ سالگی		بازی های پر جنب و جوش در گروههای بزرگتر	نقاشی با موضوعات آزاد و تجسمی، آموزش خط، کاردستی با کاغذ و قیچی یا نجاری با ابزار ساده و اجرای نمایشنامه	بازدید و گردش علمی و تفریحی در طبیعت و بازدید از آسمان نما. موزه و سینما، نگهداری گل و حیوانات اهلی
۹-۱۱ سالگی		بازی های پر جنب و جوش، مثل فوتبال و وسطی	کارهای دستی ظریف تر از نقاشی انتزاعی، اجرای نمایشنامه	بازدید از سینما و تئاتر و گردش علمی و مطالعه روی گیاهان و حشرات

مشارکت کودک و برنامه ریزی شهری

طراحان شهری و برنامه ریزان علاوه بر توجه به مواردی مثل ارزش کاربری زمین باید به ارزشهای احساسی، عاطفی و روانی افراد بویژه گروه های خاص مانند کودکان نیز توجه کنند. پژوهشها نشان می دهد که جوانان و کودکان در قرن گذشته به طور چشمگیری از لذتها و بهره مندی از محله های خود محروم بوده اند. تحقیقات «گستر» در سال ۱۹۹۹ مشخص کرد که در مورد استفاده کودکان از فضاهای شهری روی بزرگسالانی که در فاصله سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۷۶ که در یکی از محله های شهر نیویورک رشد کرده بودند، افزایش

به خود اختصاص داده است. پرداختن به اصول و معیارهای شهر دوستدار کودک نیازمند پژوهش و بومی سازی شاخص های آن می باشد. این در حالی است که امروزه کودکان به عنوان یک گروه اجتماعی آسیب پذیر در برنامه ریزی و سیاست گذاری برای شهرها مورد توجه قرار نمی گیرند و یا حتی می توان گفت به دست فراموشی سپرده می شوند. در جدول شماره ۱ گروه های سنی و فعالیت های مربوط به هر گروه سنی که بایستی در طراحی و طرح ریزی بازی های کودکانه موردتوجه قرار گیرد، مورد اشاره قرار گرفته است:

جدول ۲. ابعاد مرتبط با شهر دوستدار کودک و محققین؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

محققین	ابعاد مرتبط با شهر دوستدار کودک
(2006 Freeman), (2000 O'Brien et al, (2000 Malone, (2007), (2006) Tranter	استقلال و تحرک
(2004) Davis and Jones, (2007 Leonard; 2000 Harden), (2006 Valentine & Roe, (2006 Jenkins)	ایمنی و امنیت
(1997, Sandford Group), (1997 Valentine; 1996 Moore), (2002, Hart; 2008, Gill; 2001, Tranter and pawson; 1991, Gaster	دسترسی
(2001, Heywood), (2002, Chawla), (1996, UNCHS	تعاملات اجتماعی

در شهر بم دانست. پس از زلزله سال ۱۳۸۲ در بم، سازمان یونیسف با همکاری دیگر نهادها، پروژه شهر دوستدار کودک را با هدف مشارکت جمعی بچه ها تعریف و آن را هدف گذاری نمودند. عمده اهداف در این رابطه «تقویت مشارکت کودکان» بود: باید به بچه ها فرصت داد تا درباره محیط اطراف تصمیم گیری کنند. این موضوع نباید بعد از اینکه تصمیم گرفته شد صورت بگیرد، بلکه باید در حین تصمیم گیری بچه ها را دخالت داد. عوامل تاثیرگذار بر آن عبارت بودند از:

۱. «بالا بردن آگاهی اجتماعی»: برای تقویت احترام به حقوق بچه ها باید جامعه را آگاه کرد. تمام سطوح مختلف اجتماع بایستی نسبت به این موضوع آگاهی یابد.
۲. «توجه به نیازهای بومی»: در این طرحها باید به نیازهای خاص بچه ها، خانواده ها و اجتماع توجه کرد.
۳. «توسعه استراتژیهای شهری برای بچه ها»: دولت و بخشهای قانونگذار باید به نیازهای شهری بچه ها مانند تأمین ایمنی، و دوری از خشونت توجه خاصی داشته باشد.
۴. «بودجه های سازمانی بچه ها»: دخیل کردن افراد و نهادهایی که می توانند در تأمین بودجه طرحها را یاری برسانند.
۵. «تقویت مشارکت»: بالا بردن انگیزه های تمامی

موانع تحمیلی از طرف والدین، کاهش در کمیت و کیفیت اماکن مورد استفاده کودکان و افزایش در تعداد محدودیت های محیطی را نشان می داد. برای بسیاری از برنامه ریزان، معماران و مقامات دولتی، کودکان به ندرت به عنوان گروه دارای حقوق به حساب می آیند بنابراین به هنگام تضاد منافع در فضای عمومی، به ندرت اولویت به نیازها و تمایلات کودکان داده می شود. همین امر موجب جدایی و محرومیت کودکان از فضاهای عمومی شده است. یک مطالعه بزرگ شدن شهرها اثباتی بر این مدعاست، که نتایج آن نشان دهنده احساس بیگانگی کودکان با محیطهای اطرافشان است (Frank, ۲۰۰۶, p: ۱۳۵).

ایجاد یک فضای شهری برای رفاه کودکان مستلزم توجه به تنوع موضوعات برنامه ریزی و طراحی شهر است. یک فضای هدایت شده نشان می دهد، چگونه با بازطراحی شاخص ها و به کارگیری صحیح آنها می توان فضاهای شهری دوستدار کودک ایجاد نمود. فضاهای هدایت شده می توانند در مسیری طراحی شوند که موانع دسترسی مستقل کودکان کاهش دهند و این در راستای برنامه ریزی برای ایجاد شهر دوستدار کودک است، می تواند شهر را به شهری تبدیل کند که برای سایر گروه های اجتماعی نیز مناسبتر باشد. مهمترین اقدامات در زمینه شهر دوستدار کودک در ایران را می توان

گروه‌های ذینفع در بالابردن و تقویت مشارکت همه .

۶. «ظرفیت سازی»: بالابردن امکانات و توانایی‌ها و توسعه بالقوه ظرفیتها برای نسل‌های آتی بالا بردن دانش و آگاهی، کمک به معنادار نمودن روش‌های مشارکت (کاملنیا و حقیر، ۱۳۸۸).

دو دلیل عمده برای مطرح کردن موضوع شهر دوستدار کودک عبارتند از:

۱. اول اینکه کودکان نیازهای خاص و متفاوتی دارند و در عین حال از گروه‌های سنی دیگر نیز حساس‌تر هستند و

۲. دلیل دوم، نیازهای مشترکی است که کودکان جامعه دارند.

«برایان» معتقد است، برای ایجاد شهرهای دوستدار کودکان باید گام‌های لازم برای افزایش کیفیت زندگی کودکان و کاهش اختلافات بین کودکان و بزرگسالان در استفاده از شهر برداشته شود. اساساً هدف شهر دوستدار کودک برآوردن حقوق تمام کودکان شهر است تا بتوانند در تصمیمات شهرشان تاثیر گذار باشند، نظرات خود را در مورد شهر مطلوبشان بیان کنند، به راحتی بتوانند در مسیرهای پیاده-روی شهری قدم بزنند، با همسالان خود با آسودگی بازی کنند، در مسائل اجتماعی و فرهنگی مشارکت نمایند، با سایر شهروندان از لحاظ دسترسی به خدمات از برابری برخوردار باشند (Reggie, ۲۰۰۲, p:۴۸).

سیاست‌های کلی در برنامه ریزی شهر برای کودک عبارت است از:

۱. «ایجاد مکان‌هایی برای فعالیت آزاد کودکان»: یکی از راهکارهای موفق در بحث تعامل کودکان با فضاهای باز شهر، ایجاد مکان‌هایی جذاب برای کودکان است.

۲. «طبیعت و ارزش آن در بازی کودکان»: از آنجایی که کودکان دنیای اطراف خود را نوعی زمین بازی تصور می‌کنند؛ طبیعت، بستر مناسبی است که می‌تواند آنها را ساعت‌ها به خود مشغول

سازد. دلیل این امر، سه کیفیت محیط طبیعی شامل: تنوع تمام‌ناپذیر، انسان ساخت نبودن آنها و حس جاودانگی و پایان‌ناپذیری است (۲۳:۲۰۰۴ Fjortoft). از این‌رو، روانشناسان محیط واژه «بیوفیلیا» را برای این حس طبیعت دوستی به کار می‌برند. بدین معنا که انسان به طور وراثتی و از لحاظ بیولوژیکی وابسته به طبیعت است و توجه و یا عدم توجه به این حس طبیعی احساسات مثبت و منفی را در انسان‌ها ایجاد می‌کند (۲۳: Ibid). ۳. «ایجاد تعادل میان نظم و بی‌نظمی»: به عقیده «آلبرت انیشتین» جامعه بشری همواره به وسیله دو چیز در حال تهدید است: یکی نظم و دیگری بی‌نظمی (۱۰۶:۲۰۰۴ Blinkert). در شهرهای مدرن امروزی، تمایل به ایجاد نظم به طور روزافزونی به دو دلیل در حال افزایش است: یکی افزایش تفاوت‌ها و به دنبال آن نیاز به استانداردهای و دیگری افزایش قوانین دست و پاگیر. به نظر می‌رسد، آنچه در حال حاضر زندگی کودکان ما را تهدید می‌کند، بیش از آنکه بی‌نظمی باشد، نظم و قوانین دست و پاگیر است. قوانینی نظیر نحوه و امنیت استفاده از وسایل بازی. اینکه در چه مکانی و چه زمانی بازی کنند. به گفته خود بچه‌ها، شهرهای امروزی جنگلی از قوانین هستند. به بیان دیگر، شهر مدرن با قوانین خشک، باعث از بین رفتن فضاهای خودساخته توسط کاربران، از جمله کودکان، می‌شود. زمین‌های قراردادی بازی با وسایلی نظیر تاب و سرسره، نوعی زمین بازی از پیش تعیین شده است که اگرچه کاملاً برای کودکان آشنا و شناخته شده، ولی فاقد ارزش‌های شناختی و بازی‌های اجتماعی متناسب با رشد کودکان می‌باشد و تنها قادر است که کودکان را به مدت ۱۴ دقیقه سرگرم نماید. صاحب‌نظران نوع جدیدی از زمین‌های بازی را پیشنهاد می‌کنند که با انعطاف‌پذیری در مقابل خواست کودکان، در رشد جسمی، اجتماعی و شناختی آنان از محیط تأثیرگذار باشد. از آنجایی که این زمین‌ها یک ایده آماده را

انتقال نمی‌دهند و کودکان را مجبور به کشف یا تولید فی‌البداهه می‌کند، لذا در رشد همه جانبه و پرورش خلاقیت آنها بسیار ارزشمند هستند. به عبارت دیگر، خاصیت این زمین‌ها جایگزینی قوانین با نوعی بی‌قانونی و بی‌نظمی است.

مشارکت کودکان و طراحی شهری

امروزه توجه بسیاری از کارشناسان و شهروندان به حضور موثر بخشی از جمعیت ساکن در مناطق شهری جلب شده است که در عمل در گذشته فراموش شده بوده‌اند. این گروه جمعیت ۸ تا ۱۸ ساله‌اند که عمدتاً در سن تحصیل به حساب می‌آیند و در نتیجه خارج از عرصه مشارکت اجتماعی فرض می‌شوند. با این استدلال که سرگرم تحصیل و کسب علم و دانش‌اند و فرصت پرداختن به فعالیت‌های فوق برنامه (مشارکت اجتماعی) را ندارند. در مواردی هم که بعنوان ساکنان مناطق شهری از آنان یاد می‌شود در قالب مقوله‌هایی همچون، مسئله اجتماعی و معضل است و درباره آنان سمینار آسیب‌شناسی رفتار جوانان برگزار می‌شود. سطح دیگری از مشارکت که موثر نیز هست، عبارت است از: حضور در سطح مشورت و حضور در فعالیت‌های داوطلبانه دست‌جمعی. سطح مناسب‌تر مشارکت که ضروری و پایدار خواهد بود سطح حضور در اجرا سهیم شدن در تصمیم‌سازی، این سطوح با همه ضرورتی که دارد هنوز چندان مورد پذیرش دستگاه‌های اجرایی و نهادهای تصمیم‌گیری قرار نگرفته است. شهرسازان باید روابط و دیدگاه‌های مختلف افراد را راجع به زمین و سایت پروژه بدانند. به عنوان مثال در طراحی یک سایت مربوط به کودکان ممکن است کودکانی که حالت رهگذری دارند ارزش محیط را در داشتن امکاناتی از قبیل فضای بازی، دوچرخه سواری و غیره بدانند درحالی‌که آنهایی که دلبستگی عاطفی به منطقه دارند ارزش محل را در خاطرات یا زمانی که در آنجا گذرانده‌اند می‌بینند. درعین حال دسته‌سومی نی وجود دارند که برای هر دو

مورد فوق ارزش قائلند. اگر شهرسازان، هر دو گروه و نیازهای آنها را درک کنند، می‌توانند با رعایت توازن و تعادل تصمیمات بهتری را اتخاذ نمایند. «کودکان معمولاً دوست دارند در مورد اینکه فضای زندگی آنان چگونه دیده می‌شود، بحث کنند. آنها اظهارات مهمی می‌نمایند و نظراتی درباره فضای باز مدرسه، رنگ اتاق و دیوارها و مبلمان مناسب خود را بیان می‌کنند و می‌خواهند در مورد آنها تصمیم‌پذیری شود. بدینگونه کودکان فرضیه طراحی را مقطعی خواهند کرد. این فرضیه اساس طراحی خواهد بود که تصور کودکانه، اشکال طراحی و شاخص مخصوص را برمی‌انگیزد» (مطلق زاده، ۱۳۷۹، ص ۶۷).

مشارکت کودکان در فرآیند طراحی شهری

در اسناد ارائه شده در پی نشست جهانی کودک در ۱۹۹۱ اهمیت و ضرورت ایجاد شهرهای مناسب کودکان و نوجوانان به گونه‌ای واقعی و دست‌یافتنی تصریح شده بود؛ بدین معنا که همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، سیاسی و شهری حقوق کودک منظور شود تا کودکان بتوانند براحتی از همه امکانات اینگونه شهرها برخوردار شوند، زیرا کودک، انسانی است دارای شخصیت و هویت با شرایط فردی و اجتماعی و شخصیت کودک در فضای خانه و فضاهای شهری و عمومی شکل می‌گیرد؛ شهر مناسب برای کودکان یعنی شهر سالم، شهر امن، شهر سبز و شهری که همه چیز آن در اعتدال باشد. علاقمندی‌های محلی ممکن است در سطح گسترده‌ای وجود داشته باشد، ولی به نظر می‌رسد که آنقدر پتانسیل ندارد که به عمل منجر شود. با انجام آموزشهای لازم می‌توان علاقه‌مندیهای ساکنین و افراد محله از حالت بالفعل به حالت بالقوه در آورد و اگر قرار است محیط تبدیل فضایی ملموس شود تنها از راه آموزش و بخصوص از سطح دبستان امکان پذیر است (مصباح، ۱۳۸۶).
الگوهای مشارکت کودکان در طراحی و برنامه‌ریزی شهری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

از ابتدای مطرح شدن پروژه‌های مشارکت کودکان در طرح‌های شهری الگوهای بسیاری مورد آزمایش قرار گرفته‌اند که حتی برخی از آنان به نظر می‌رسد تنها اسم مشارکت را با خوبه یدک می‌کشند و در عمل نظرات کودکان همچنان نادیده انگاشته می‌شود. در ادامه با برشماری انواع الگوهای مشارکت کودکان و توضیح هر یک سعی بر مطالعه نگرش‌های مختلف به این مبحث آورده خواهد شد. «لورنزو» (Ray Lorenzo-Mark. Francis-۲۰۰۲) الگوهای مشارکت کودکان در فرآیندهای طراحی شهری را با توجه به روند تکامل حرفه طراحی شهری و تغییرات نگرشی که به کاربران در آن بوجود آمده است در هفت الگو به شرح زیر بررسی می‌دارد:

با توجه به الگوهای یاد شده، باید به خصوصیات اجتماعی و اقتصادی و بویژه فرهنگی جامعه توجه داشت. توجه به فرهنگ غالب هر منطقه بویژه در ایران با توجه به تنوع فرهنگی و میزان تاثیر پذیری ساکنین شهرهای مختلف از محیط پیرامون، و همچنین توجه به لایه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی، نوع الگو با پایه و اساس مشترک اما منطبق با جامعه مورد مطالعه تغییر کند.

مزایای شهرهای مشارکت پذیر کودکان

در جامعه کنونی ما، مفاهیمی چون شهر، شهروند، فرهنگ شهرنشینی، مشارکت‌ها و حقوق شهروندی مفاهیم مدرنی هستند که هنوز شکل واقعی خود را پیدا نکرده‌اند. چرا که از پایه بر این اصل توجه نشده است و امروزه نوعی مدرنیزاسیون شهری به وجود آمده که وجه مادی آن تا حدی تأمین شده، اما بعد فرهنگی آن که برای ادامه حیات این آرگانیسم لازم است فراموش شده است و تا هنگامی که ارتقای سطح آگاهی و آموزش و توجه به مطالبات مردم در راس کار قرار نگیرد، دست یافتن به مشارکت‌های شهروندان در فضای شهری که هنوز بسترسازی فرهنگی و آموزشی صورت نگرفته است کاری بس دشوار است (رشیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸). پذیرش مشارکت جوانان در طرح‌های شهری

مستلزم شناخت ماهیت مشارکت و آگاهی از منافع باقوه آن برای تمامی افراد دخیل است. از منافع مشارکت برای جوانان و کودکان می‌توان نشاط آور بودن شرکت در فعالیت جدید، تجربه دموکراسی و تحمل عقاید سایرین و ایجاد ارتباط سالم و ایجاد شبکه‌ای از دوستان جدید، افزایش حس سرپرستی و مسئولیت پذیری و تقویت اعتماد به نفس در آنان را نام برد. علاوه بر کودکان، مشارکت کودکان برای سایر افراد جامعه نیز دارای منافع است از قبیل: ارتباط و همکاری متقابل کودکان و بزرگسالان و نزدیک شدن گروه‌های سنی مختلف به یکدیگر، شناخت راه‌های بهبود کیفیت توسط سایرین و تقویت احساس تعلق خاطر به محیط زندگی شان و تقویت توجه و صرف انرژی و زمان آینده جامعه. از فوائد مشارکت کودکان و نوجوانان برای برنامه ریزان و سیاست گذاران می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

۱. کمک به پیدا کردن شناخت نسبت به جامعه ای که به آن خدمت می‌کنند؛
۲. کمک به اتخاذ بهتر تصمیمان و عملی تر بودن برنامه ریزی‌ها؛
۳. ایجاد محیط‌های شهری کودک پسندتر و انسانی تر؛
۴. کمک به تحقق یابی روح معاهده سازمان ملل در زمینه حقوق کودکان؛
۵. سهیم سازی جوانان را در تلاش برای تحقق توسعه پایدار و تحقق دستورکار ۲۱ و دستورکار اسکان بشر (دریکسل، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

بررسی نمونه‌های موردی در ادامه به بررسی نمونه‌های موردی پرداخته می‌شود:

- «رومانی»: از سال ۱۹۹۲ در رومانی حدود ۴۵ شورای کودکان و نوجوانان تشکیل شده است که همه آنها از اساسنامه واحد که مشابه اساسنامه شورای اروپایی است پیروی می‌کنند. تمامی انجمن‌ها و شوراهای با محوریت مرکزی به نام

(M.F) Master Forum) به فعالیت می پردازند و در گردهمایی سراسری شرکت می کنند. یکی از فعالیت های M.F دعوت از شهرداران نوجوان، اعضای انجمن های مردمی و سازمان های دولتی دخیل در اداره شهرها در شانزدهم سپتامبر هر سال است تا در خصوص مسائل و نوآوریهای بدست آمده در طول سال گذشته به تبادل نظر پردازند. این

موضوع به مردم نشان می دهد که حضور جوانان و نوجوانان در عرصه مدیریت شهری تاچه حد مهم و درخور توجه است. به عنوان نمونه شورای محلی بچه ها در شهر «کراپوا» از بین ۹ هزار کودک و نوجوانی که در انتخابات شرکت کردند ۷۲ نفر را برای عضویت در شورا انتخاب کرد و شورا نیز یک نفر شهردار، دو معاون و یک بازرس را از بین

جدول ۳. الگوهای مشارکت کودکان؛ ماخذ: نگارندگان با استناد به Ray Lorenzo-Mark. Francis- ۲۰۰۲

نام الگو	شیوه برخورد	توضیحات	نمونه ها و مجریان
الگوی رومانتیک	کودکان به عنوان برنامه ریزان- آینده سازان	این دیدگاه را به این دلیل رومانتیک می نامند که، بسیاری معتقدند اگر فقط کودکان عهده دار وظیفه برنامه ریزی باشند محیط بسیار با کیفیت- تر خواهد بود. گرچه این شیوه مشارکت در عمل آنچنان به واقعیت نزدیک نبود، با این وجود باعث ارتقاء درک مفاهیم زیادی نسبت به کودک در فرآیندهای طراحی گردید.	این تفکر از کارهای طراحان خلاق مانند اسپواک (Spivak ۱۹۶۹) و نیکلسن (Nicholson ۱۹۷۱) در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی سرچشمه گرفت، آنها سعی در مشارکت کودکان در طراحی و برنامه ریزی پارکها، فضای سبز محله و مدارس داشتند. در این پروژه ها از بچه ها خواسته می شد که محیط مورد نظرشان برای آینده را طراحی نمایند. در این میان از بزرگسالان نیز خواسته می شد که اماکن مورد علاقه شان در کودکی را به یاد آورند و ترسیم نمایند که به حال بزرگسالان هنگام ترسیم این اماکن ناخودآگاه از سلاقی دوران بزرگسالیشان نیز استفاده می کردند.
الگو طراحی و کالتی	طراحی برای کودکان	شهروندان حق مشارکت در پروژه های شهری نداشته و طراحان به عنوان وکیل گروه های مختلف طرح های خود را ارائه می دهند. از نقاط منفی این رویکرد، جامع نبودن آن و عدم مشارکت مستقیم کودکان و نادیده انگاشتن راه و روش تصمیم گیری کل نگر در فرآیند تصمیم سازی بود.	پروژه های برنامه ریزی دهه ۶۰ میلادی

<p>از کسانی که از این دیدگاه بهره برده اند می توان از لینچ نام برد.</p>	<p>نیازهای فضایی کودکان را شناسایی می کند و ضرورت مشارکت کودکان در طراحی محیط پیرامون با استفاده از علوم روانشناسی محیطی، و به ارتقا دیدگاه عموم به لزوم مشارکت کودکان در طراحی محیط های مختص بچه ها می پردازد. بر اساس این الگو باید توجه داشت که کودکان احتیاجات دارند که باید در روند طراحی محیط پیرامونشان مدنظر قرار گیرد و این شامل توجه به طبیعت، گیاهان و منظر برای کودکان نیز هست. این مطالعات مشکلات و تفاوت های کودکان برای رشد در شهرها، اهمیت حضور آنان در واحد های همسایگی بزرگتر با امکانات بیشتر و ضرورت دسترسی به محیط های طبیعی را مشخص می کند. از نقاط ضعف این الگو، محدودیت بکارگیری صرفاً علوم اجتماعی بدون در نظر گیری نیازهای کودکان در تعامل با سایر علوم است.</p>	<p>علوم اجتماعی برای کودکان</p>	<p>الگوی نیازها</p>
<p>بسیاری از برنامه ریزان سعی در استفاده از این الگو در مشارکت کودکان نموده اند که از مهمترین آنها می توان به آدامز و مور اشاره کرد. نمونه ای از پروژه هایی که از این الگو استفاده کرده اند شامل قدردانی از معماری، آموزش محیط ساخته شده و یادگیری با استفاده از مناظر می باشد.</p>	<p>آموزش به کودکان از طریق مشارکت به اندازه ی تغییرات کالبدی اهمیت دارد. یادگیری حاصل پراهمیتی از برنامه ریزی و تجربه کودک در فرآیند مشارکت است. این روش اغلب منجر به آموزش و تغییرات اجتماعی، بدون اعمال تغییرات کالبدی می شود. کودکان اغلب مستقیماً در فرآیند تصمیم گیری شرکت داده نمی شوند و بیشتر از افراد حرفه ای و معلمان در طراحی و یا محتوی دوره، برای آموزش کودکان استفاده می شود.</p>	<p>کودکان به عنوان یادگیرندگان</p>	<p>الگوی یادگیری</p>

<p>از جمله پروژه‌هایی که از این الگو پیروی کردند می‌توان به شورای شهر بچه‌ها، شهرهای دوستدار کودک که هر دو توسط یونیسف حمایت می‌شوند، اشاره کرد. همچنین پروژه «رشد در شهرها» که توسط یونسکو اداره می‌شود. از نکات منفی این دیدگاه توجه صرف به کودکان و عدم توجه به نیازهای محیطی می‌باشد.</p>	<p>تاکید بر حقوق کودکان در شکل دهی به محیط، به عنوان گروهی از شهروندان است. این دیدگاه انقلابی در نحوه برخورد با موضوع کودکان به عنوان مشارکت کنندگانی که دارای حقوقی هستند محسوب می‌شود که اصول دموکراسی، حقوق و قدرتمند نمودن کودکان را بوجود آورد. از نکات منفی این دیدگاه توجه صرف به کودکان و عدم توجه به نیازهای محیطی می‌باشد.</p>	<p>کودکان به عنوان شهروندان</p>	<p>الگوی حقوق گرا</p>
<p>در حال حاضر بسیاری از پروژه‌های توسعه شهری در کشور های توسعه یافته از این الگو پیروی می‌کند. از سازمانهایی که بوسیله این الگو به اجرای برخی طرح های خود پرداخته اند می‌توان شورای شهر کودکان، یونیسف و سازمان های ملی در رابطه با کودکان را نام برد و شرکت کنندگان انجام این پروژه مقامات شهری و حامیان کودکان اند.</p>	<p>برنامه ریزی توسط کودکان، اما در درون مرزهای سازمانی و توسط بزرگسالان و مقامات. هدف: مشارکت هرچه بیشتر کودکان. از کودکان همانند بزرگسالان انتظار می رود رفتار کنند و در فرآیند برنامه ریزی قدرت داشته باشند.</p>	<p>کودکان به عنوان بزرگسالان</p>	<p>الگوی نهادینه سازی</p>
	<p>کودکان در طرحها مشارکت دارند اما بزرگسالان نقش اصلی را ایفا می کنند. این الگو بازتاب تفکر فعلی ماست و مشارکت را به عنوان عملی آموزنده، اجتماعی و ارتباط دهنده می شناسد. سعی در یافتن راه های احیای دوباره ایده های دوره کودکی در جهت خلق مکان های کودک محور و با کمک خود کودکان دارد. از نکات مثبت این رویکرد، افزایش میزان مشاهده، کنترل و نظارت بر روند طراحی است. نکته منفی این برخورد، غیر قابل اجرا بودن در تمام شرایط و نیاز به انجام آموزشهای لازم در این زمینه توسط طراحان است.</p>	<p>مشارکت با کمک چشم انداز سازی</p>	<p>الگوی پیش برنده</p>

اعضا خود برگزید. چنین حرکت ها و برنامه هایی کمک میکند تا موضوع آموزش شهروندی از سالهای کودکی بطور خودکار اتفاق بیفتد، و مدیران آینده شهری از این طریق به تدریج آموزش ببینند و زبده ترین آنها انتخاب شوند. گفتنی است که شهرداری ها نیز خود را موظف به حمایت از این گونه گروه های خودجوش می دانند، به گونه ای که امکانات لازم را از حیث تدارکات، برگزاری انتخابات و نظایر اینها در اختیار آنها قرار می دهند و آموزشهای لازم را در خصوص انتخابات شورا، شهردار و معاونانش در سطح مداررس به داوطلبان و رای دهندگان ارائه می کنند. این درحالی است که در این میان آموزش و پرورش موظف است به منظور ترویج پروژه یاد شده، در بین مدیران و دانش آموزان، امکانات لازم را فراهم سازد و رسانه ها نیز در تبلیغ آن کمک کنند (غمامی، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

۱. لندن: طرح راهبردی لندن به عنوان «شهر دوستدار کودک» در سال ۲۰۰۵ از سوی شهردار لندن ارائه شد که در بخش نظرسنجی آن بیش از هزار کودک و نوجوان لندنی در این طرح مشارکت داشتند. در نظرسنجی که از کودکان در مورد کیفیت شهر لندن به عنوان مکانی برای سکونت انجام گرفت، کودکان نظرات خود را به نقل از رستگار (رستگار، ۱۳۷۸) این گونه اعلام داشتند:

۱. مکان های بازی به اندازه کافی وجود ندارد؛ ۲. پارک ها و فضاهای عمومی نیاز به امنیت بیشتری دارند؛ ۳. امکانات فعالیت های ورزشی در سطح بیشتر مربوط به کودکان باشد؛ ۴. کودکان در سطح بیشتری قادر به پیاده روی و دوچرخه سواری ایمن باشند. همچنین اعلام کردند: ۱. به حمل و نقل عمومی ارزانتر و ایمن تر نیاز دارند؛ ۲. به ساخت و سازهای مناسبتر و واحدهای همسایگی که با توجه به نیازهای آنان شکل گیرد بیشتر نیاز دارند؛ ۳. آنان خواستار این بودند که بدانند، لندن چگونه در حال پیشرفت است و چگونه به آنها توجه می شود. اهداف کلان و راهبرد های این طرح عبارتند

از: ۱. از نحوه زندگی کودکان در لندن: اطمینان از این موضوع که افراد دخیل در سیاست هایی که کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار می صدای کودکان لندنی: همه کودکان و نوجوانان مورد توجه اند و می توانند در تصمیم گیری های مربوط به نواحی زندگی شان مشارکت داشته باشند؛ ۲. اطلاع دهد از شرایط رشد و زندگی آنان به لندن به خوبی آگاه اند؛ ۳. همه چیز را برای کودکان و نوجوانان بهتر بسازیم: همه کودکان باید از سلامت فیزیکی و روحی برخوردار باشند و از یک زندگی سالم بهره مند باشند؛ ۴. لذت بردن و دست یافتن: همه کودکان و نوجوانان باید قادر به رسیدن به آنچه در زندگی خارج از وجود دارد باشند و در این راه مهارت های شان برای زندگی آینده را گسترش دهند؛ ۵. امن بودن: همه کودکان باید از آسیب دیدن حفظ شوند و قادر به رشد در محیط امن باشند؛ ۶. ایجاد تغییر: تمام کودکان و نوجوانان در شهر دوستدار کودک لندن باید در تصمیم گیریها لحاظ شوند و برای مشارکت در تصمیم گیری ها تشویق شوند؛ ۷. داشتن شانس مساوی: تمام کودکان و افراد جوان در رسیدن به آنچه که استحقاق آنها دارند حمایت شوند (London, ۲۰۰۳).

۲. ایران- شهر دوستدار کودک در بم؛ زلزله بم باعث گسترش هرچه سریعتر ایده شهر دوستدار کودک در ایران از سوی وزارت آموزش و پرورش و مسکن شهرسازی در تعامل با یونیسف گردید. پس از زلزله، این شهر به عنوان شهر دوستدار کودک اعلام گردید و بودجه ای برای طراحی بخشی از شهر به عنوان شهر دوستدار کودک و ساخت برخی ملزومات توسط یونیسف فراهم شد که با همکاری شهرداری، این پروژه در ضلع غربی ارگ بم به اجرا درآمد. طرح شهر دوستدار کودک از طریق فرآیند برنامه ریزی شهری، در پی ایجاد محله حامی حقوق کودکان بود تا خدمات اجتماعی دوستدار کودک در دسترس همه کودکان قرار گیرد. در سال ۲۰۰۷ هر دو عرصه اصلی طرح، یعنی بسیج

شاخصها (مؤلفه‌های ابعاد کلیدی)	جوامع دوستدار کودک (ابعاد کلیدی)	سلامت کودکان (موضوعات کلیدی)
۱ الف) در دسترس بودن طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های دوستدار کودک. ۱ ب) دسترسی مستقل به طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های دوستدار کودک ۲ الف) توانایی مشارکت در فرایندهای مشارکتی جامعه	۱) فراهم کردن دسترسی مستقل کودکان به طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های اجتماعی مناسب کودکان در تمامی سنین، توانایی‌ها و پیشینه فرهنگی. ۲) ایجاد ظرفیتی برای کودکان جهت سالم بودن و دستیابی به مهارت از طریق مشارکت	فعالیت داشتن فعالیت با داشتن توان انجام مستقل کار منجر به کنترل و توانایی سالم بودن و انجام مستقل کار در زندگی روزمره می‌شود.
منابع اطلاعاتی موثق		اقدامات پیشنهادی
<ul style="list-style-type: none"> • طرح‌ها و نقشه‌های اصلی • مسیرهای اتوبوس • مسیرهای دوچرخه‌سواری • گزارشات کودکان و نوجوانان 		<ul style="list-style-type: none"> • محاسبه فاصله تا مقصد از مدرسه و خانه • محاسبه میانگین زمان تا مقصد از مدرسه و خانه • تعداد و روشهایی که کودکان میتوانند هریک از امکانات و خدمات دسترسی داشته باشند (مانند پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری یا حمل و نقل عمومی)
شاخصها (مؤلفه‌های ابعاد کلیدی)	جوامع دوستدار کودک (ابعاد کلیدی)	سلامت کودکان (موضوعات کلیدی)
۳ الف) حمایت‌های بدنی برای ایمنی کودکان ۳ ب) راهکارهایی برای حفظ کودکان از خطرات بدنی ۴ الف) وجود ویژگی‌هایی که احساس هویت اجتماعی را برانگیزد.	۳) امنتر کردن اماکن عمومی جامعه برای کودکان. ۴) افزایش توانایی کودکان در احساس امنیت و ارتباط با جامعه خود	ایمنی و امنیت داشتن احساس ایمنی و امنیت برای مشارکت کامل در زندگی و انجام چیزهایی که هر کسی باید انجام دهد.
منابع اطلاعاتی موثق		اقدامات پیشنهادی
<ul style="list-style-type: none"> • مدیریت محیط (بیشگیری جرم از طریق طراحی محیط) • رهنمونهای طراحی خیابان • آمار جرم و جنایات • مشورت با کودکان و نوجوانان 		<ul style="list-style-type: none"> • راهکارهای جامعه برای تضمین ایمنی کودکان و نوجوانان • تعداد و نوع کارکردها • قابلیت نظارت منغل بزرگسالان در اماکن عمومی • نصب حصار، میزان سایه • تهیه طرح برای ایمنی کودک در جامعه
شاخصها (مؤلفه‌های ابعاد کلیدی)	جوامع دوستدار کودک (ابعاد کلیدی)	سلامت کودکان (موضوعات کلیدی)
۵ الف) وجود امکاناتی که احساس خوشحالی و حمایت می‌دهند. ۵ ب) در دسترس بودن فضاهای بازی خلاق و فعال ۶ الف) در دسترس بودن فضاهای سبز و مناطق طبیعی ۶ ب) دسترسی به طیف وسیعی از فضاهای باز سبز و مناطق طبیعی	۵) ایجاد فضاهایی که در آنها کودکان می‌توانند شادی، نشاط و موفقیت را تجربه کنند. ۶) افزایش موفقیت‌هایی برای کودکان برای دسترسی به فضای باز و سبز	احساس مثبت از خود داشتن احساس مثبت از خود، احساس اینکه شما فرد خوبی هستید و توسط افراد اطراف خود شناخته شده هستید
منابع اطلاعاتی موثق		اقدامات پیشنهادی
<ul style="list-style-type: none"> • بازسازی و راهکارهای فضای باز و طرح مدیریت • اطلاعات حمل و نقل • طرح و نقشه 		<ul style="list-style-type: none"> • دسترسی به پیاده‌رو و دوچرخه‌سواری • نزدیک بودن به راه‌ها، خانه‌ها و توسعه شهری • دسترسی به حمل و نقل عمومی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۶۵

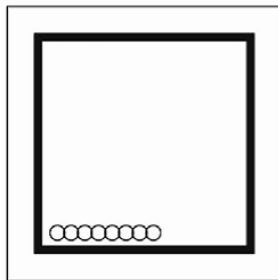
موانع تحقق پذیری مشارکت در شهرهای دوستدار کودک

هرچند سالهاست از توجه مسئولان شهری به مسائل اولیه و ابتدایی مشارکت شهروندان و بخصوص مشارکت کودکان در برنامه ریزی و طرح‌های شهری می‌گذرد اما این طرز تفکر برای کشور ما همچنان تفکر نوینی محسوب می‌شود و به جز در چند

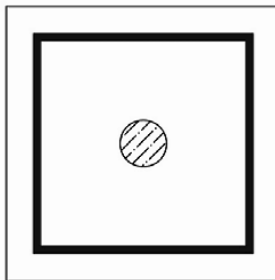
اجتماعی و فعالیت‌های زیر بنایی جهت احداث محیطی مناسب، شاهد پیشرفت‌های مطلوبی بودند. (یونیسف، ۲۰۰۷). هدف از اجرای این پروژه طراحی برای کودکان ۶ تا ۱۳ ساله در جهت دسترسی به محیط‌های با کیفیت و پایدار در قالب ایده‌های شهر دوستدار کودک بود.



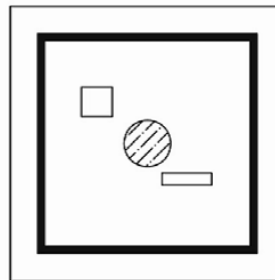
تصویر ۱. کودکان در حال طراحی شهر و محیط مطلوب خود در کانون پرورش فکری کودکان؛ و تصویر ۲. توجیه کودکان در مورد طراحی شهری که دوست دارند از طریق مشارکت آنها در فرایند برنامه ریزی و طراحی شهری؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.



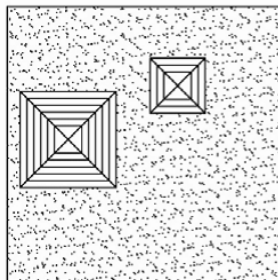
محدوده فضای سبز با درختان بلند و نرده و گیاهان مشخص شود



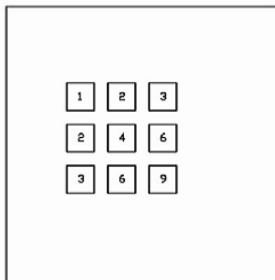
استخر و آب نماها در مرکز فضای سبز



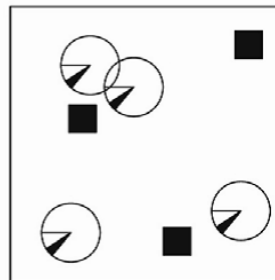
کنار استخر فضاهای خوردن و بازی کردن



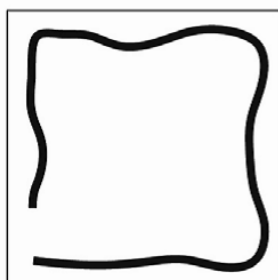
سرپناه های مستقل برای بچه ها و بزرگترها



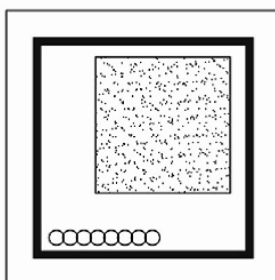
استفاده از عناصر فضایی برای یادگیری



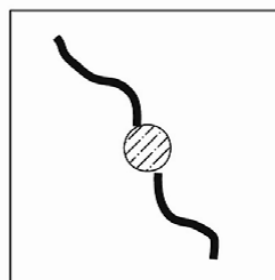
استفاده از مجسمه هایی در کنار درختان



مسیر دوچرخه در پیرامون مجموعه



استفاده حداکثر از چمن در پوشش کف



مسیرهای غیر مستقیمی که به استخر ختم می شوند

تصویر ۲. نمونه هایی از الگوهای مورد نظر در طراحی فضای سبز در یک نمونه موردی شهر دوستدار کودک از دیدگاه بچه ها؛ ماخذ: کامل نیا و حقیر، ۱۳۸۸، ص ۸۵.

جدول ۵. عوامل بازدارنده کودکان در حوزه سرمایه اجتماعی در شهرهای دوستدار کودک؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

سازه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی		
ابعاد	شاخص	تعریف عملیاتی
اعتماد اجتماعی	بین شخصی	اعتماد به آشنایان مانند اعضای خانواده، همسایگان، هم‌محله‌ای‌ها، خویشاوندان، دوستان
	تعمیم یافته	اعتماد به مردم جامعه (غریبه‌ها و افراد غیر آشنا)
	نهادی و صنفی	اعتماد به سازمانهای غیردولتی، گروهها، و صنفها
انسجام	دولتی	اعتماد به ارگانها، اداره‌ها و مراکز دولتی
	تعامل	پیوندهای عینی بین افراد مبتنی بر شدت تماس و ارتباط افراد با اعضای شبکه خود (خویشاوندان، دوستان و همسایگان)
	گرایش	شدت پذیرش و وجود احساس تعلق جمعی در میان افراد محل و آشنایان
احساس امنیت در محله		احساس امنیت در محله در روز احساس امنیت در محله در شب
عامل بازدارنده در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی		
نام عامل	تعریف	
احساس بی‌قدرتی	احساس تاثیرگذار بودن در فرایندهای موجود سطح محله و جامعه به لحاظ سیاسی و اجتماعی	

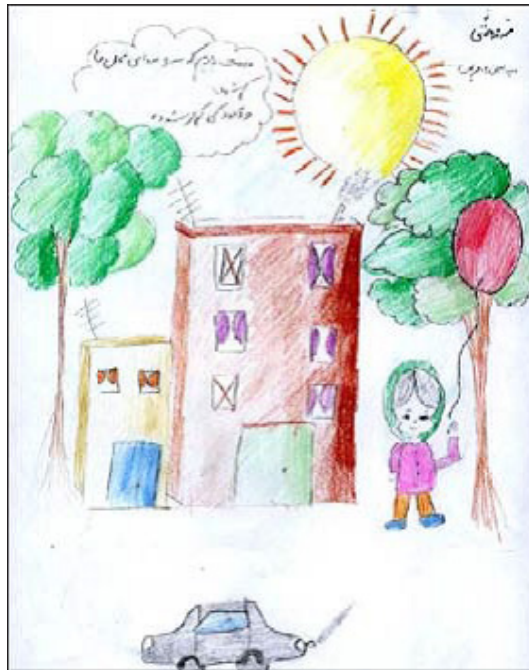
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۶۷

برخی از برنامه‌ها؛

۸. موانع ناشی از مفعول پنداشتن مشارکت کنندگان؛
 ۹. عدم شناخت جایگاه سازمانهای غیردولتی.
- شایان ذکر است که این موانع در خصوص مشارک فعال همه شهروندان در امور شهری مطرح است؛ حال آنکه برای رسیدن به مشارکت همه جانبه گروه‌های خاص (بخصوص کودکان) مشکلات دیگری نیز بر لیست فوق اضافه می‌شوند که علاوه بر موانع سازمانی بیشتر این مشکلات می‌تواند به مخاطبان طرح برگردد. مشکلاتی از قبیل:
- عدم اعتماد کافی مسئولان به گروه‌های سنی کودک و نوجوان و عدم حمایت مسئولان بالادست از برنامه‌های مشارکتی کودکان
 - مسئولان اغلب خود را مسلط بر خواسته‌ها و نیازهای کودکان می‌دانند و تصمیم‌گیری در خصوص کودکان را با اعمال نظر خود انجام می‌دهند و نه با نیازها و خواسته‌های کودکان امروز.
 - فقدان فرهنگ مشارکت در جامعه و نا شناخته
- پروژه به نظر می‌آید این شیوه نگرش به مشارکت، چه به دلیل مشکلات فرهنگی یا ساختاری مدیریت شهری در ایران غریب است. از موانع دستیابی به مشارکت فعال در طرح‌های شهری ایران می‌توان مشکلات زیر را برشمرد (ارجمند نیا، ۱۳۸۰، ص ۲۸):
۱. موانع یا محدودیت‌های ساختاری: فقدان ساختارهای محلی یا نبود سازماندهی و زیرساخت‌های ارتباطی و ساختارهای بوروکراتیک که مشارکت را در قالب ازپیش تعیین شده در نظر می‌گیرد.
 ۲. موانع فرهنگی یا محدودیت‌های فرهنگی-اجتماعی؛
 ۳. موانع و محدودیت‌های نهادی؛
 ۴. موانع و محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از آن؛
 ۵. موانع سیاسی مشارکت؛
 ۶. موانع ساختاری ناشی از نظام‌های برنامه‌ریزی؛
 ۷. موانع و مشکلات ناشی از محرمانه و سری بودن



تصویر ۳ و ۴. نقاشی کودکان از شهری که دوست دارند و در آن مشارکت می‌کنند؛ ماخذ: آرشبو نگارندگان. (* با بازخوانی این تصاویر می‌توان برداشتهای کودکان از فضاهای شهری مطلوب را از طریق یک رویه مشارکتی کودکانه در فرایند طراحی و برنامه ریزی شهری مورد استفاده و استناد قرار داد.

۲. «سلامت»: کودکان به مخاطرات محیطی بسیار بیشتر از بزرگسالان حساس هستند. هوای سالم برای کودکان بسیار حیاتی است. سم زدایی، دفع آب های سطحی و فاضلابها از مناظر کودکانه بسیار مهم است. از آنجاییکه کودکان خردسال معمولاً همه چیز را به دهان میبرند باید در طراحی برای آنان از گیاهان غیر رسمی استفاده کرد. استفاده از مصالح کاملاً بهداشتی به خصوص زمانی که کودکان نوپا و نوباوه از فضا استفاده میکنند، بسیار مهم است.

۳. «ایمنی»: ایمنی از عوامل تعیین کننده در طراحی برای کودکان است. محیط باید به گونه ای طراحی شده باشد که ضمن اینکه رفتارها و موقعیت های خطرناک را از بین می برد، میزان آسیب را در زمان وقوع حادثه، کم کند. موقعیت هایی که کودکان نتوانند خطر آنها را ارزیابی کند باید در منظر از بین بروند.

۴. «کودکسواری»: فضاهای رسمی، ورودیهای بزرگ و

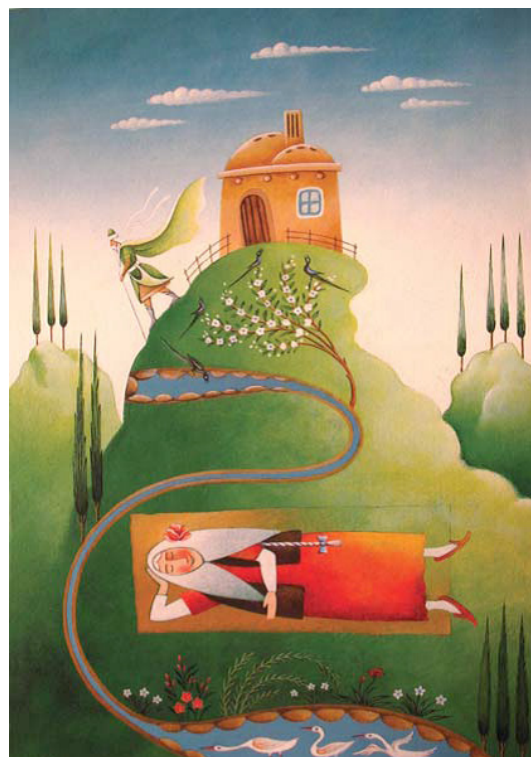
بودن ارزشهای مشارکت برای کودکان و خانواده های ایشان

• افزایش هزینه ها اقتصادی ناشی از برنامه های مختلف مانند آموزش کودکان، گردآوری اطلاعات از کودکان و غیره؛

اصول طراحی روانشناختی محیط کودکانه

اگر محیط بخواهد پاسخگوی نیازهای کودک باشد، باید در طراحی آن مولفه های روانشناختی زیر مدنظر قرار گیرند:

۱. «راحتی»: احساس راحتی در استفاده کودک از فضا و جستجوی او در محیط بسیار مهم است. در این میان باید امکان تحریک همه حواس کودک بصورت متعادل فراهم شود. رفتار در یک محدوده مشخص به لحاظ تحریک حسی به حد بهینه خود می رسد. تحریک بیش از حد حواس یا سرو صدای زیاد احساس ناراحتی در کودک ایجاد میکند و موجب بروز رفتارهای منفی و پرخاشگرانه از سوی او میشود.



تصویر ۵ و ۶. نمونه ای از تصویرهای برگزیده شهر مطلوب از دیدگاه کودکان؛ ماخذ: گردآوری نگارنده از نظرات کودکان به شهر دوست داشتنی؛ ۱۳۹۴.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۶۹

مکان های عمومی برای کودک ترسناک و دافعه آور هستند. کودکان در فضاهایی که مانند خانه به نظر می آیند و مقیاس خانه دارند احساس راحتی بیشتر می کنند. آنها فضاهای صمیمی را دوست دارند.

۵. «محصوریت»: کل محدوده فضای کودک باید توسط عناصری از فضاهای اطراف جدا شود. اما این احساس محصوریت نباید احساس محبوس بودن را در کودک به وجود آورد. بهترین شکل این تفکیک استفاده از خاکریز یا تپه ماهور است. این نوع تفکیک حس طبیعی بودن را در فضا ایجاد می کند. از گیاهان با عناصر طبیعی دیگر مانند باتلاق یا مسیل می توان برای جدا کردن محدوده بازی های مختلف استفاده کرد.

۶. «سلسله مراتب در انتقال فضائی»: عملکرد فضاهای انتقالی در طراحی برای کودک از اهمیت

بسیار زیادی برخوردار است. در بسیاری از موارد کودک هنگام انتقال از یک فضا به فضای دیگر احساس ناراحتی و ترس میکند. در صورتیکه فرایند

انتقال به صورت سلسله مراتبی صورت گیرد و کودک به یکباره از یک فضا وارد فضای دیگر نشود ، با ناراحتی بیشتری مرحله انتقال را پشت سر میگذارد.

۷. «قابل پیش بینی بودن و وضوح»: برای کودکان قابل پیش بینی بودن فضا بسیار مهم است. این امر به آنها کمک میکند تا بر محیط زندگی روزمره شان تسلط داشته باشند. در واقع باید بین یکنواختی و تضاد یا تغییر در فضا تعادل برقرار شود. این مسئله که تغییر در میان یکنواختی نامیده می شود، به بهترین شکل در طبیعت تبلور می یابد؛ با تغییرات ظریفی که بوسیله باد، نور، صدا یا تغییر فصول در آن به وجود می آید. اگر محیط به صورت متناوب و دائمی در حال تغییر باشد کودکان در آن احساس ناراحتی و اضطراب می کند.

۸. «رعایت حریم های در عرصه های خصوصی»: رابطه بین محدوده ها و فعالیتها می توان از آن به عنوان مجاورت و منطقه بندی تعبیر کرد، بر نوع

و کیفیت رفتار کودک موثر است. کودکان همانند بزرگترها و حتی شاید بیشتر از آنها نیازمند داشتن حریم هستند که فقط متعلق به خودشان باشد. در طراحی برای کودک، باید حریم خصوصی و ابعاد پنهان کودک را مدنظر قرار داد. از سوی دیگر باید توجه داشت ازدحام بیش از حد در فضا باعث ایجاد اضطراب در کودکان می شود (Legendre, ۲۰۰۳).

۹. «نفوذپذیری»: فضاهای طراحی شده برای کودک باید دعوت کننده باشد و مانع از نفوذ آسان کودکان نشود. سهولت دسترسی به فضاهای کودکان مسئله ای است که در طراحی برای کودک باید مورد توجه قرار گیرد. اگر کودک نتواند به فضای مورد علاقه خود وارد شود، احساس ناراحتی به او دست می دهد. تعریف عرصه ها با عناصر غیر صلب می تواند امکان این نفوذ را به وجود آورد. تفکیک راه ها و فضاهای عبوری، جداسازی و تعریف محدوده فعالیت های مختلف، تعریف محدوده عمومی و خصوصی بایستی بگونه ای باشد که مانع از این نفوذپذیری نشود.

۱۰. «ایجاد هویت، حس تعلق و حس مکان»: از آنجاییکه ایجاد سلامت روانی کودکان در گرو خلق مکان برای کودکان آنهاست و از آنجاییکه معنای مکان و مفهوم هویت در مفهوم ایجاد حس تعلق نهفته است، باید زمینه ای را ایجاد کرد که کودک به فضاها احساس تعلق کند و فضاها برایش به مکان تبدیل شوند. دست یابی به این هدف با تلفیق پایدار کالبد و فعالیت های کودک بر اساس تصورات و انتظارات او از محیط است.

۱۱. «اصالت و معنا»: ارزش های کودک در سال های اولیه زندگی (قبل از ۵ سالگی) شکل می گیرند. از این رو آموزش ارزش های فرهنگی به کودک باید از سال های اولیه زندگی آغاز شود. حضور استعاری عناصر فرهنگی در مناظر کودکان می تواند زمینه ساز آشنایی کودکان را با هویت فرهنگی جامعه خود فراهم کند اما با توجه به اینکه کودکان یاد گیرنده

های فعال هستند و بهترین نتیجه زمانی اتفاق می افتد که کودکان از تجربه، تعامل، بازی و اکتشاف بیاموزند تا اینکه دانش به آنها تزریق شود، باید این معانی فرهنگی را وارد حوزه ی فعالیت های کودک در منظر کرد. در واقع باید کودک بتواند با این عناصر تماس حسی ملموس برقرار کند. ترکیب عرصه های مربوط به فعالیت ها و مراسم فرهنگی و اجتماعی با مناظر کودکان نیز میتواند زمینه آشنایی کودک را با سنت های فرهنگی اجتماعی به وجود آورد.

۱۲. «خوانایی»: قرائت کودک از منظر به لحاظ نداشتن پس زمینه ذهنی با بزرگسالان متفاوت است. فضای شهری که خوب طراحی شده باشد توسط کودک رمز گشایی می شود. کودک میتواند در آن موقعیت خود را مشخص میکند، جهت یابی کند، رابطه فضایی که در آن است با فضاهای مجاور بشناسد و بفهمد که چگونه میتواند به فضایی که می خواهد برسد. از این مساله به عنوان مسیریابی تعبیر می شود. کوتاهی قد کودکان باعث می شود که محیط برای کودکان چالش بر انگیز باشد؛ مگر آنکه منظر برای ارتفاع چشم کودک طراحی شده باشد. کودکان خردسال نمی توانند نوشته های روی تابلوها و علائم راهنما را بخوانند. پس منظر باید بتواند با یک زبان غیر نوشتاری با کودک ارتباط برقرار کند و او را در یافتن مسیرش یاری نماید.

۱۳. «سازگاری بصری»: طراحی منظر آشنا برای کودک، موجب ایجاد احساس امنیت در کودک هنگام فعالیت در منظر می شوند. از سوی دیگر کودکان در حرکت در منظر، مدام به عقب رو بر می گردانند. در واقع منظر برای کودک به صورت متناوب به صورت جلو و رو به عقب تغییر می کند. ایجاد پیوستگی در این سکانس های متوالی، سبب می شود کودکان با اطمینان بیشتری در منظر حرکت کنند.

۱۴. «مکان برقراری روابط اجتماعی با سایر کودکان»: برقراری روابط اجتماعی در کودکان

مستلزم پدید آمدن شرایط مناسب برای پرداختن به علایق مشترک آنهاست. از این رو طراحی فضاهایی که کودکان بتوانند در آن به بازی های گروهی بپردازند، میتواند زمینه ساز اجتماعی در میان آنها باشد. از سوی دیگر باید توجه داشت که آشنایی کودکان با هم در میزان تعاملشان با یکدیگر موثر است.

۱۵. «امکان بازی مشارکتی کودکان با والدین»: بازی کودکان با والدین به رشد عواطف کودک کمک میکند. از سوی دیگر احساس امنیتی که در هنگام مشارکت والدین در بازی کودک به او دست می دهد، سبب می شود که او مدت زمان بیشتری را به بازی اختصاص دهد. اصول فعالیتهایی که با حضور والدین در کنار کودک صورت پذیرند، در ذهن او ماندگارتر هستند. از سوی دیگر، کودکان به تقلید از بزرگترها و استفاده از وسایل واقعی در بازی بسیار علاقمند هستند. مشارکت و والدین در بازی های نقش کودکان، میتواند ضمن ایجاد امکان تنوع بیشتر در این بازی ها، امکان یادگیری کودک از بازی را بیشتر کند.

۱۶. «مالکیت»: کودکان در سال های اولیه زندگانی دوست دارند که همه چیز را تحت تملک خود قرار دهند. این احساس مالکیت، فضاها را نیز در بر میگیرد. بنابراین باید توجه داشت که طراحی بگونه ای صورت پذیرد که کودکان برای تملک فضا و استفاده از تجهیزات با یکدیگر دعوا نکنند.

۱۷. «فردیت، تعلق به گروه و مکان»: برای کودک باید فضاها را به گونه ای طراحی کرد که در سطوح مختلف پاسخگوی نیازهای فضایی کودکان باشد. بطور مثال فضاهای کوچک برای خلوت گزینی مطلوب کودکان است و فردیت کودک را ارضا می کند. فضای کودک را میتوان به نحوی طراحی نمود که فضاهای دنج و آرام برای خلوت گزینی، فضاهای محصور برای دو تا سه کودک و فضاهای بزرگتر برای گروه های بیشتری از کودکان وجود داشته باشد.

۱۸. «مقیاس کودکانه»: مقیاس فضا رفتار کودک را تحت تاثیر قرار می دهد. هرچه مقیاس فضا کودک وارتر باشد، بازی کودک در آن از کیفیت و تنوع بالاتری برخوردار خواهد بود و کودک زمان بیشتر درگیر بازی خواهد شد. به بیان دیگر فضا با مقیاس کودکانه، علاقه کودک و تمرکز او را افزایش می دهد و رسیدن به احساس کسالت را در او به تعویق می اندازد. از سوی دیگر از آنجاییکه کودکان دوست دارند از تجهیزات فضا به تنهایی و بدون کمک بزرگترها استفاده کنند، رعایت مقیاس کودکانه در طراحی عزت نفس کودکان را افزایش می دهد و در آنان احساس استقلال به وجود می آورد.

۱۹. «انعطاف پذیری»: قدرت تسلط و تغییر شکل کودک در محیط برقرار میکند بسیار موثر است. کودکان دوست دارند تا به جستجو، ادا و تغییر در محیط بپردازند. محیط هایی که دارای قسمت های آزاد هستند، کودکان را به دستکاری در محیط و ساختن آن بر می انگیزند. اینگونه محیط ها برای کودکان خیلی بیشتر از محیط های ایستا جالب توجه هستند.

۲۰. «تنوع»: به لحاظ محدوده توجه و تمرکز، کودکان با بزرگسالان تفاوت زیادی دارند. چیزی در ابتدا کودک را به خود جلب کند، ممکن است تنها در عرض ۱۰ دقیقه برایش کسل کننده شود. برای مقابله با این مسئله محیط باید دامنه وسیعی از امکانات متنوع به کودک ارائه دهد. تنوع کم عناصر و مصالح بکار رفته در فضا، فرصت های بازی او را محدود می کند و میزان کسالت و پرخاشگری را در او افزایش می دهد. عامل دیگری که نیاز به تنوع در منظر کودکانه را ایجاد می کند، تئوری هوش چندگانه است. کودک به فعالیت هایی تمایل دارد که در زمینه ی آن از درجه بالاتری از هوش برخوردار است. از سوی دیگر علایق دختران و پسران با هم تفاوت آشکاری دارد، ازین رو تنوع فعالیت ها باید از گستره وسیعی برخوردار باشد تا

بتواند به همه انواع هوش در هر دو جنس پاسخ دهد. طراحی محیطی که گستره وسیعی از کودکان با علایق و توانایی های مختلف بتوانند از آن استفاده کنند بسیار مهم است.

۲۱. «چالش برانگیزی»: کودکان دوست دارند در محیط هایی بازی کنند که از درجه بالایی از چالش برانگیزی، تنوع، بداعت و پیچیدگی برخوردار باشند. شکل، کیفیت و تنوع بازی های کودکان به صورت مستقیم متاثر از شکل، کیفیت و تنوع محیط طراحی شده برای بازی آنان است. کودکان به فرآیند استفاده از محیط علاقه دارند نه به نتیجه آن. اما باید توجه داشت وقتی بین آنچه کودک توانایی انجامش را دارد و آنچه از او انتظار می رود تناسبی وجود نداشته باشد، کودک احساس کسالت می کند.

۲۲. «ایجاد مشارکت برای کودک»: برای طراحی یک فضای کودکانه مشارکت تمامی کسانی که قرار است از آن استفاده کنند یا به شکلی با نگهداری از آن درگیر هستند بسیار مهم است. درگیر کردن کودکان و مشارکت دادن آنها در طراحی منظر کودکانه موجب ایجاد احساس تعلق در کودکان نسبت به منظر احساس می شود. از سوی دیگر استفاده از خلاقیت بی نظیر کودک در طراحی می تواند زمینه ساز خلق فضائی بسیار متفاوت و جذاب شود که منحصر را برای کودک طراحی شده است.

۲۳. «طبیعت گرایی»: تجربه طبیعت در سال های اولیه زندگی قدرت تخیل و تفکر کودکان را رشد می دهد. این قدرت تفکر محرکی قوی برای یادگیری در تمام سال های زندگیست. در فضاهای بیرونی، حضور طبیعت در مقیاس وسیع و در یک زمینه آزاد، تمرکز کودکان را افزایش می دهد و استرس آنها را کم می کند. چیزی که کودکان از طبیعت به دست می آورند به لحاظ کیفیت با چیزی که از فضاهای داخلی به دست می آورند متفاوت است.

۲۴. «بداعت»: برای اینکه منظر بتواند کودک را به خود جلب کند باید از درجه مناسبی از بداعت

برخوردار باشد. نوظهوری، میل به جستجو در محیط را در کودک ایجاد می کند. اما میزان این بداعت باید به گونه ای باشد که در کودک ایجاد ترس نکند. تعداد و شدت محرک هایی که در منظر طراحی می شوند باید متناسب با ظرفیت های ادراکی کودک باشند.

۲۵. «پیچیدگی»: محدوده توجه و تمرکز کودکان یا بزرگسالان تفاوت عمده ای دارد. برای اینکه یک منظر برای مدت زمان طولانی کودک را با خود درگیر کند، باید امکانات بسیار متنوعی را به او عرضه کند و از درجه مناسبی از پیچیدگی برخوردار باشد. باید توجه داشت که در صورتی که فضا بیش از حد توانایی ادراکی کودک پیچیده باشد، کودک در فضا احساس ناراحتی می کند.

۲۶. «سرزندگی»: همانگونه که کودکان روحیه بسیار سرزنده و شادابی دارند، فضای شهری که برای آنان طراحی می شود نیز باید بسیار سرزنده باشد. حضور فعال کودکان در منظر خمود را به یک منظر شاداب تبدیل کنند.

۲۷. «هماهنگی»: در واقع طراحی محیط برای کودکان به عنوان یک هنر زمانی موفق است که مکالمه ای دو جانبه با ذهن به وجود آورد، چالش های ذهنی به وجود آورد و بازتاب هایی ایجاد کند. این رابطه معمولاً از تجزیه و تحلیل ناکامل نیروهای موثر، حاصل می شود. ترکیبی که کاملاً هماهنگ و وحدت یافته باشد، ترکیبی خسته کننده خواهد بود. هنرمند موفق کسی است که احساس نظم و وابستگی را القا کند و در همان حال چیزهای غیرمنتظره را در اثر خود وارد سازد (ماتلاک، ۱۳۷۹).

نتیجه گیری و جمع بندی

یک مکان دوستدار کودک محیطی است که کشف و تحقق یابی قابلیت مکان ها را برای انواع فعالیت و تعاملات اجتماعی کودک مقدور سازد، زمینه ساز ایجاد فرصت هایی برای یادگیری از محیط، شکل دادن به ویژگی های فیزیکی مکان به واسطه تقویت

مشارکت کودکان گردد، به کودک، امکان خلق و کنترل قلمروهایی دهد و اسرار و رازهای کودکان را در این مکان‌ها در خود حفظ کند. مکان دوستدار کودک باعث ایجاد حس مفید و مؤثر بودن چه از بعد روان‌شناختی و چه از بعد رفتاری در کودکان می‌گردد. این چنین مکان‌هایی با برخورداری از برخی قابلیت‌ها باعث می‌شوند که کودکان به راحتی قادر به کسب تجارب متنوع و معنا دار در فرایند بلوغ فردی و اجتماعی خود باشند. مکان دوستدار کودک زمینه‌ای فراهم می‌کند که کودکان در عین احساس امنیت، به چالش کشیده شوند، در عین محصور بودن در فضایی خصوصی، در بطن جامعه و اجتماع نیز حضور داشته باشند و در عین برآورده شدن نیازهای فعلی، در راستای تأمین نیازهای آتی آنها نیز باشد. با توجه به آنچه آورده شد و بر طبق آنچه از پروژه‌های شهری بر می‌آید اقدامات مشارکتی کودکان در سطح پروژه‌های شهری در حال گسترده تر شدن است. آنچه در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد اتخاذ سیاست‌ها و برنامه ریزی‌های محلی انطباق پذیر و پاسخگو به نیاز کودکان و نوجوانان است. چنین امری تنها با یکپارچگی دولت‌های محلی و تقویت حضور و مشارکت شهروندان، بخصوص گروه‌های خاص سنی محقق می‌گردد. بطور کلی بنابر آنچه آورده شد و با توجه به تعریف جامعه دوستدار کودک که در آن جامعه مداری، کودک مداری و رویکرد پایین به بالا در جامعه و التزام رعایت حقوق کودکان بخصوص حق مشارکت ایشان، از نتایج مثبت مشارکت مردمی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ارتقاء حس همبستگی و کمک به کودکان در شناخت سایر اعضا جامعه و کار گروهی با سایرین حتی با باورها و عقاید متفاوت.
- افزایش بازدهی و صرف هزینه‌های کمتر و ارتقاء احساس مسئولیت کودکان و سایر ساکنین در خصوص محیط پیرامون.

- ارتقاء همکاری اجتماعی و افزایش حس تعلق ساکنین و ایجاد و تقویت پایه‌های جامعه مدنی از طریق تقویت مشارکت کودکان.
- تقویت اعتماد به نفس در کودکان و تشویق آنان به کار در کنار بزرگترها و ایجاد بستری برای داشتن جامعه‌ای مشارکتی و پایدارتر.
- تقویت مسئولیت‌پذیری و آموزش کودکان در محیطی سالم با توجه و رسیدگی مسئولان و دست‌اندرکاران ساخت محیط‌های شهری.
- ارتقاء منابع مالی و انسانی از طریق جذب مشارکت مردمی و در نتیجه کاهش مشکلات مربوط به مدیریت شهری از طریق مشارکت.

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که برخی از فاکتورهای تاثیرگذار در تعیین میزان وابستگی و علاقه به مشارکت کودکان عبارتند از: جنسیت، سن، خاطرات کودکی، مذهب، سیاست، طبقه اجتماعی، ملیت، فرهنگ، تفاوت‌های شهری و غیرشهری، روحیات و ارزشها، تحصیلات و فعالیت‌ها. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که هر علاقه‌ای منجر به واکنش نمی‌شود و در واقع افراد راحتی خود را مهمتر از علاقه می‌دانند. علاقمندی‌های محلی ممکن است در سطح گسترده‌ای وجود داشته باشد، ولی به نظر می‌رسد که آنقدر پتانسیل ندارد که به عمل منجر شود. با انجام آموزشهای لازم می‌توان علاقه‌مندیهای ساکنین و افراد محله از حالت بالفعل به حالت بالقوه در آورد. و اگر قرار است محیط تبدیل فضایی ملموس شود تنها از راه آموزش و بخصوص از سطح دبستان امکان پذیر است. می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که نظارت مستمر مسئولان و در نظرگیری جایگاهی برای حضور مستمر کودکان و گروه‌های سنی مختلف در فرآیند برنامه ریزی و طراحی شهرها و توجه به نیاز ایشان و البته تغییر این خواست‌ها و نیازها در طول زمان از مهمترین عوامل تحقق‌پذیری مشارکت محسوب می‌شوند. از دیگر موارد قابل توجه در این خصوص می‌توان به آموزش کودکان در خصوص توجه به محیط

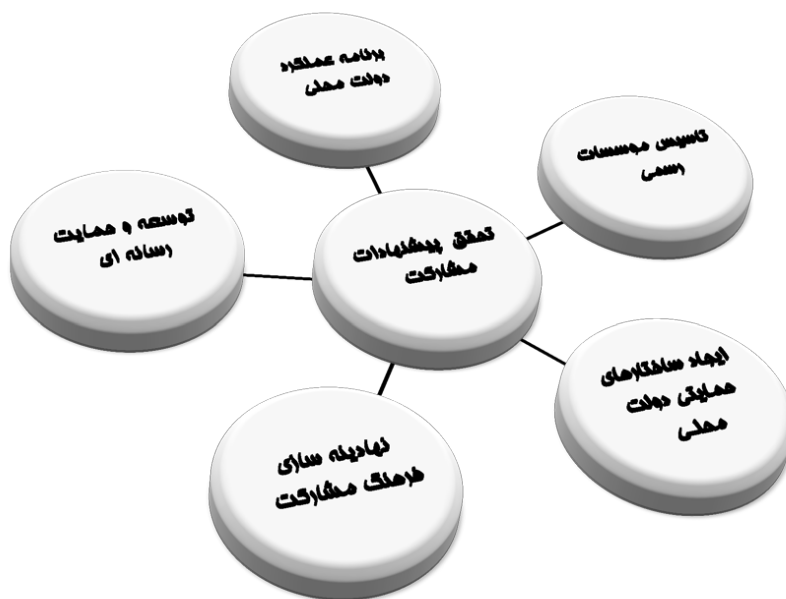
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

این است که کودکان با مکان‌هایی روابط عاطفی مطلوبی ایجاد می‌کنند که خواسته‌ها و نیازهای آنها را در فرایند رشدشان برآورده کند. مکان دوستی، پیوندی پرمحبت و تأثیرگذار میان مردم به ویژه کودکان و مکان‌ها است. مکان دوستی، بصورت‌های متفاوتی ابراز می‌شود که می‌تواند زیبایی شناختی، حسی یا عاطفی باشد و حس یک مکان، شامل واکنش عاطفی یا بیولوژیکی به محیط کالبدی و فرهنگی است. در این میان شایان ذکر است که مراحل زیر لازم بنظر می‌رسد:

۱. توجه به ویژگی‌های روان شناختی و فیزیولوژیکی کودکان در شهر؛
۲. فراهم سازی امکان حضور کودکان در شهر از طریق طراحی متناسب برای کودکان در حوزه ضوابط و استانداردهای طراحی؛
۳. طراحی اماکن و فضاهایی مختص کودکان در شهر؛
۴. توجه به نقش فضاهای طراحی شده یا برنامه ریزی و مدیریت شهر بر اساس نیازهای روانشناختی و زیست شناختی کودکان به عنوان اصلی ترین

پیرامون و ایجاد احساس مسئولیت در ایشان نسبت به فضاهای که مورد استفاده قرار می‌دهند، اشاره کرد. نکته حائز اهمیت در رشد ادراکی کودک این است که این رشد، تقابلی از کنش و ادراک محسوب می‌شود و به صورت چرخه‌ای همدیگر را پشتیبانی می‌کنند. با این دیدگاه، تعامل دیالکتیکی ارتباط کودک با مکان مورد تأیید است. مکان، دارای یک ارتباط واسط یا دوسویه با کودک در ارتباط با رفتار یا تکالیف وی است. کودک برای ارضای برخی خواسته‌ها و نیازهایش با مکان تعامل می‌کند. برای اینکه کودک، مکان خاصی را به لحاظ ارزشی به دیگر مکان‌ها ترجیح بدهد، این مکان می‌بایست خواسته‌ها و نیازهای او را ارضا کند و بین کنش و خصوصیات محیطی مربوطه تناسب ایجاد شود. در این حالت کودک برای ارضای نیازهای خود با محیط تعامل می‌کند. همچنین زمانی که زمینه اجتماعی - اکولوژیکی برای تحقق این قابلیت تقویت می‌شود، کودکان ممکن است نسبت به مکان احساسات عاطفی شدیدی نشان دهند. موضوع مهم برای مفهوم سازی دوستی با مکان در دوران کودکی



نمودار ۱. بستر سازی مشارکت کودکان در فرایند برنامه ریزی و طراحی شهرها؛

ماخذ: ترسیم نگارنده.

جدول ۶. شاخصهای شهر دوستدار کودک؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

شاخصها	دریسکل 1387	Satterthwaite (2004)	Horreli, (2007)	cityfriendly, (2011)	Howard (2006)	Woolcock&Steele. (2008)	Bartlett, (2005)	Chawela (2002)	Woolcock&Steele. (2008)	Driskell, (2002)
ایمنی و امنیت	•	•	•		•	•		•	•	•
انسجام اجتماعی										•
دسترسی به فضای سبز						•	•	•		•
هویت										•
مالکیت زمین										•
عزت نفس		•			•				•	
دسترسی به منابع اقتصادی			•						•	
محیط سالم	•	•						•	•	
دسترسی به خدمات	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
سرگرمی و تفریح	•	•					•		•	•
ارتباطات مناسب محیط	•	•			•				•	•
تعمیر و نگهداری محیط				•			•	•		
تعاملات کودکانه	•	•		•			•	•	•	•
مسرهای دوچرخه و پیاده مداری کودکانه		•					•	•		
دسترسی به کتابخانه					•					
فضاهای حلاق				•	•					
یادگیری		•			•					
مسکن و سکونت			•							
مشارکت و ارزش دهی به کودک	•	•	•					•	•	•
محیط زیست										
حس تعلق و تداوم										
محیط پایدار										
زندگی خانوادگی مناسب										
حقوق کودکانه				•						

گروه‌های آسیب پذیر اجتماعی.

ارائه راهکارها و پیشنهادات

برای بسترسازی حضور جوانان در مدیریت شهرها باید به موارد زیر توجه نمود: در حال حاضر ابتکارات زیادی برای درگیر نمودن کودکان و جوانان در اداره امور محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی

همراه با پارهای پیشنهادات کلیدی برای دولت‌ها در خصوص چگونگی مشارکت معنادار آنان وجود دارد. این رویکرد به ویژه برای تشخیص و ارزیابی اثربخشی برنامه‌ریزی انجام‌شده جهت حمایت از تغییر سیاست‌های دولتی و سازمانی به کار می‌رود. دولت‌ها برای مرتفع نمودن نیازهای اساسی شهر و تلقی

نمودن جوانان به عنوان شهروند و ثروت حیاتی جوامع خود، به توسعه و افزایش برنامه هایی که در آنها مشارکت بیشتری برای کودکان و جوانان تعریف شده باشد، نیاز دارند. به عبارت دیگر می توان راهکار های زیر را در تسهیل مشارکت کودکان موثر دانست:

۱. تدوین برنامه عملکرد کودکان و جوانان برای دولت محلی با توجه به ویژگی ها و ظرفیت های خاص آن؛
۲. نهادینه سازی فرهنگ مشارکت در اقشار مختلف جامعه و آموزش های مداوم به گروه های مختلف سنی؛
۳. با توجه به گسترش استفاده از رسانه ها و تاثیر پذیری جوامع از این رسانه ها، می توان با تشویق گروه های مختلف سنی و برنامه ریزی جهت ساخت برنامه های صوتی، تصویری، وب سایت ها و مجلات مختلف جهت معرفی نمونه های موفق مشارکت و اثرات آن همه ی افراد جامعه بویژه کودکان را هر چه بیشتر با فرهنگ مشارکت آشنا نمود؛
۴. تاسیس موسسات رسمی در راستای تحقق اهداف مشارکتی کودکان؛
۵. ایجاد ساختار حمایتی دولت محلی در تمامی سطوح بویژه دولت محلی و نظارت همه جانبه بر اجرا و حمایت از مشارکت فعال کودکان.

منابع و ماخذ

ارجمند نیا، علی اصغر (۱۳۸۰) راهبرد سازمان مشارکت یافته، مدیریت شهری، شماره ۵.
پیاز، ژان (۱۳۷۶) تربیت به کجا ره می سپارد، ترجمه دکتر منصور و دکتر دادستان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
دریکسل، دیوید (۱۳۸۶) ایجاد شهر های بهتر با کودکان و جوانان، ترجمه مهنوش توکلی، نشر دیبایه، تهران.
رستگار امیر (۱۳۸۷) راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک، نمونه موردی ارتقاء کیفیت بسترهای فضایی واحدهای همسایگی تا مدرسه برای

کودکان ۷ تا ۱۲ سال.
رشیدی، ناصر (۱۳۸۵) مشکلات شیوه های آموزش علوم انسانی در ایران، همایش بررسی مشکلات علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
غمامی، مجید (۱۳۸۰) جایگاه شوراهای برنامه ریزی شهری، شهرداریها، سال چهارم، شماره بیست و هفت.

قاسمی، فرشید و طاهره اقلیدوس (۱۳۸۵) بررسی تاثیر درس آموزش خلاقیت در کودکان بر افزایش خلاقیت دانش آموزان، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۳، سال چهارم.

قنبریان، منیر (۱۳۸۳) کودک و شهرنشینی، انتشارات سازمان شهرداریها، تهران.

کامل نیا، حامد (۱۳۸۸) دستور زبان طراحی محیط های یادگیری، نشر سبحان نور، تهران.

کامل نیا، حامد؛ حقیر، سعید (۱۳۸۸) الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک: نمونه موردی شهر دوستدار کودک بم، باغ نظر، شماره دوازده، سال ششم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

کرونر، والتر (۱۳۸۵) معماری برای کودکان، ترجمه دکتر احمد خوشنویس و المیرا میر رحیمی، نشر گنج هنر، تهران.

کامل نیا و حقیر (۱۳۸۸) الگوی طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک؛ باغ نظر، شماره ۱۲.

لافون، پی یرلویی رابرت (۱۳۶۹) آنچه باید درباره ریشه های روانی رفتار کودکان خود بدانید؛ ترجمه: محمد حسین سروری، تهران، انتشارات همگام.

لنگ، جان (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه: دکتر علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
مطلق زاده، رویا (۱۳۷۹) وسایل بازی کودکان، معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، سازمان زیبا سازی.

Davis, A. & Jones, L. (1996) 'Children in the urban environment: An issue for the new public health agenda', Health and Place, 2:2, pp 107-113.

Davis, A. & Jones, L. (2004) 'Environmental constraints on health: listening to children's views', Health Education Journal, 55:4, pp 363-374.

DeGregori, Alessandro, (2007), Learning environments: Redefining the discourse on school architecture, PHD dissertation in New Jersey Institute of technology, Retrieved March 12, 2007, from <http://proquest.umi.com>

Egretta Sutton, Sh. & Kemp, P. (2002). Children as a partner in neighborhood place making, Journal of Environmental Psychology, 22, 171-189. Lorenzo Ray - Francis Mark. Seven Realms of Children Participation", University of California, Davis, U.S.A. Milano, Italy 2002

Gils, J. Van - European Networks, Children Friendly Cities Chairman ENCFC 30/10/2006

Mayor of London-Children's and Young People Units- "Making London Better for All Children and Young People"- 2003 -available on: www.london.gov.uk

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۲۷۸ ■

تأثیرات متقابل رفتار سیاسی و اخلاق حرفه ای و تعهد سازمانی (مطالعه موردی شهرداری بوشهر)

ایوب شیخی - استادیار، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ریاضی و کامپیوتر، بخش آمار، تهران، ایران.

مهدی مصلحی* - دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، کرمان، ایران.

اعظم صالحی - دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، کرمان، ایران.

Mutual influences political behavior and professional ethics and organizational commitment (Case Study Bushehr Municipality)

Abstract

Means treating a person's political behavior visible when looking for your goals are. The political practices in the field of management as political strategies, tactics of penetration, political tactics and political maneuvers are also defined. Because few studies have been conducted in this area; the aim of this study was to investigate the role of political behavior in mediating role of organizational commitment and professional ethics. The population of this study municipal employees and managers Bushehr (1,600) that 310 persons were selected based on Morgan table. After gathering information through questionnaires were analyzed. Reliability using Cronbach's alpha coefficient and content validity it is enjoying the views of professors and experts in the field were confirmed. The AMOS structural equation model and research hypotheses with the help of software fitted surveys were analyzed. The results show that the political behavior of managers with professional ethics, organizational commitment has a positive effect. And at the end of the mediating role of professional ethics in the relationship between political behavior and organizational commitment was confirmed.

Key words: political behavior, managers, professional ethics, organizational commitment.

چکیده

رفتار سیاسی به معنی رفتار قابل مشاهده فرد هنگامیکه به دنبال اهداف خود است، می باشد. این رفتارهای سیاسی در حوزه مدیریت را به عنوان استراتژی های سیاسی، تاکتیک های نفوذ، تاکتیک های سیاسی، و مانور سیاسی نیز تعریف می کنند. از آنجا که تاکنون مطالعات کمی در این حوزه صورت گرفته، هدف ما در این مطالعه بررسی نقش رفتار سیاسی بر تعهد سازمانی کارکنان با در نظر گرفتن نقش میانجی اخلاق حرفه ای است. جامعه آماری این مطالعه کارکنان و مدیران شهرداری بوشهر (۱۶۰۰ نفر) بود که بر اساس جدول مورگان ۳۱۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب، و پس از جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه استاندارد مورد تحلیل قرار گرفتند. پایایی پرسشنامه به کمک ضریب آلفای کرونباخ و روایی صوری و محتوایی آن با بهره گیری از نظرات اساتید و صاحب نظران این حوزه تایید شدند. همچنین مدل و فرضیات پژوهش با کمک نرم افزار معادلات ساختاری AMOS مورد برازش سنجی و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان می دهد رفتار سیاسی مدیران با وجود اخلاق حرفه ای، بر تعهد سازمانی اثر مثبت دارد. و در پایان نقش میانجی اخلاق حرفه ای نیز در رابطه رفتار سیاسی و تعهد سازمانی کارکنان تایید شد.

واژگان کلیدی: رفتار سیاسی مدیران، اخلاق حرفه ای، تعهد سازمانی.

نظریه پردازان زیادی معتقدند که مهارت سیاسی، نقش مهمی در پیش بینی اثربخشی مدیران دارد. آنان ساختار مهارت سیاسی را مناسبترین و بطور بالقوه، مفیدترین پیش بینی کننده تأثیر مدیر در محل کاری که مسئولیت سیاسی را بعهده دارد می دانند. مهارت سیاسی به عنوان یک شایستگی و قابلیت مهم برای موفقیت شغلی در بسیاری از سازمان ها ضروری است؛ اگرچه سازمان ها به طور دقیق مهارت سیاسی را نشناخته و به این شیوه عنوان گذاری نکرده اند اما افراد را براساس این ویژگی انتخاب کرده و ارتقاء داده اند. برطبق نظر اسپنسر و اسپنسر، مدیران با مهارت سیاسی توسعه یافته تر مدیران موثرتری شناخته می شوند، مهارت سیاسی با چهار بعد سیاسی خود بعنوان کاتالیزور برای افزایش ارتباطات عمل می کند. مهارت سیاسی شامل ۴ بعد می باشد که شامل: خلوص نیت ظاهری، زیرکی اجتماعی، تأثیرات بین فردی، توانایی شبکه سازی (توانایی برقراری روابط با دیگران) می باشد. مهارت سیاسی برداشتهای مثبت و واکنش های رفتاری در دیگران ایجاد می کند که ممکن است قضاوتهای ذهنی افراد در موفقیت شغلی خود مانند رضایت شغلی و حرفه ای را افزایش دهد. مدیران به دنبال عوامل موثر بر نگرش کارکنان نسبت به کار می باشند، بنابراین یکی از مهم ترین عوامل موثر بر نگرش کارکنان متغیر حمایت سازمانی ادراک شده بعنوان یک منبع مهم در سودآوری سازمان ها می باشد طبق پژوهشهای انجام شده یکی از سه اقدام مهم سازمان که کارکنان احساس حمایت می کنند حمایت مافوق می باشد؛ بدین ترتیب اگر کارکنان سازمانی حمایت های دریافتهای از طرف سازمان خود را در سطحی مطلوب و مناسب احساس کنند برای ادای دین خود به سازمان رفتارهای مفیدی از خود نشان می دهند. ارزش این رابطه وقتی بیشتر می شود که بصورت اختیاری انجام شود نه به خاطر

الزامات قانونی یا فشار اتحادیه؛ بنابراین پایین بودن تعهد سازمانی، هم به زبان کارکنان و هم به زبان سازمان است. هر سازمانی برای انجام دادن امور سازمانی خود، علاوه بر معیارهای سازمانی و قانونی، به مجموعه ای از رهنمودهای اخلاقی و ارزشی نیاز دارند که آنان را در رفتارها و اعمال اداری یاری دهد و نوعی هماهنگی و وحدت روبه را در حرکت به سوی شیوه مطلوب جمعی و عمومی میسر سازد. یکی از عوامل مهم در شکل گیری ارتباطات درون سازمانی و شرایط کارکنان، اخلاق حرفه ای است که تأثیر قابل ملاحظه ای در بهره وری سازمانی دارد (السی و آلپاکان، ۲۰۰۹). سازمان ها به موضوع های اخلاقی در کار توجه می کنند، چون مردم از آن ها انتظار دارند سطوح بالایی از استانداردهای اخلاقی را نشان دهند. سطوح بالای استانداردهای اخلاقی از افرادی که در سازمان ها کار می کنند یا در شرایط پرخطر کار می کنند، حمایت می کند (اوپارا و واین، ۲۰۰۸). فهم ارتباط بین اخلاق حرفه ای و شرایط و رفتارهای کارکنان در هر سازمانی لازم به نظر می رسد. با وفاداری زیاد به اصول اخلاقی، عملکرد سازمانی از طریق تعهد کارکنان به سازمانشان بهبود خواهد یافت. کارکنانی که سازمان خود را اخلاقی درک کرده اند آن را برای خود مناسب دریافته اند و احتمالاً در افزایش تعهد آن ها تأثیرگذار است. به دلیل اهمیت موضوع، این پژوهش بر آن است تا به بررسی وجود رفتار سیاسی در سازمان ها و تأثیر آن بر تعهد سازمانی با توجه به نقش تعدیل کنندگی اخلاق حرفه ای بپردازد؛ چرا که به نظر می رسد در اغلب موارد رفتارهای سیاسی باعث کاهش پایبندی افراد به اخلاق حرفه ای می گردد (مشبکی، ۱۳۷۷).

چهارچوب نظری

رفتارهای سیاسی در سازمان

برای درک سازمانها، می توان آنها را سیستمهای سیاسی تصور کرد. این تشبیه کمک می کند تا روابط ناشی از قدرت را در مناسبات سازمانی بهتر

درک کنیم. اگر قبول داشته باشیم که در سازمان روابطی ناشی از قدرت ایجاد می‌شود، باید سیاست و رفتارهای سیاسی را عضو ضروری سازمان بدانیم (سایت باوا). حال به این سوال پاسخ دهیم که رفتارهای سیاسی چه رفتارهایی هستند (آشوری، ۱۳۵۷).

رفتارهای سیاسی

۱. فعالیتهایی هستند که انجام آنها به عنوان جزئی از نقش رسمی فرد در سازمان لازم نیستند، اما این فعالیتها بر توزیع مزایا یا محرومیتها در سازمان اعمال نفوذ می‌کنند یا می‌کوشند اعمال نفوذ کنند (رابینز، ۱۳۸۹)

۲. شامل فعالیتهایی می‌شود که در جهت کسب، تقویت و یا مورد استفاده قرار دادن قدرت و یا سایر منابع مورد استفاده قرار می‌گیرد (دفت، ۱۳۷۴).

۳. مجموع فعالیتهایی که به وسیله کارکنان برای به دست آوردن، افزایش و به کارگیری قدرت و دیگر منابع انجام می‌شود تا از آن طریق بتوانند در موقعیتهای عدم اطمینان و ناهماهنگی به هدفهای دلخواه خود برسند (کریمی، ۱۳۸۷).

همان طور که از تعریف‌های ارائه شده مشخص است، تعریف‌های رفتار سیاسی در سازمان حول محور قدرت و فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان می‌گردند. «ریچارد آل دفت» در ادامه تعریف رفتار سیاسی این نکته را متذکر می‌شود که رفتارهای سیاسی دو بعد دارند، یا در جهت رسیدن به اهداف شخصی‌اند یا در فرآیند طبیعی تصمیم‌گیری در سازمان ایجاد می‌شوند. در بعد اول معنی منفی واژه سیاست به ذهن متبادر می‌شود؛ چرا که فرد برای رسیدن به اهداف خودش این رفتارها را انجام می‌دهد و بعضاً در این راستا از فریب دیگران هم استفاده می‌کند. بعد دوم همان بعد مثبت این واژه را به ذهن می‌رساند. از این منظر رفتارهای سیاسی هرگونه رفتار و عملکردی که جهت حل اختلافات، تعارضات و تضادهای سازمانی انجام می‌شود، این رفتارها نظیر تشکیل ائتلاف یا گفتگو می‌باشند.

قلمرو فعالیت‌های سیاسی

در ۴ قلمرو معمولاً افراد سازمان از رفتارهای سیاسی استفاده می‌کنند.

۱. «تغییر ساختاری در سازمان»: تغییر ساختار سازمان با تخصیص مجدد اختیارات همراه است؛ لذا تغییر مسئولیتها و وظایف، بر پایگاه قدرت اثر می‌گذارد که نتیجه آن ایجاد تغییر در رفتارهای سیاسی برای دستیابی به پایگاههای جدید قدرت است؛

۲. «هماهنگی بین دوایر سازمانی»: رابطه بین دوایر اصلی سازمان به صورتی دقیق مشخص نیست. در زمانهایی که برای تصمیم‌گیری‌های مشترک بین آنها رابطه‌های نزدیکتر ایجاد می‌شود، این روابط معمولاً رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند؛

۳. «جایگزین کردن مدیر»: برای انجام این تغییر باید افراد را ارتقای مقام یا نقل و انتقال داد و مدیر جدیدی را استخدام کرد؛ لذا بین کارکنان سطوح بالا رفتارهای سیاسی شکل می‌گیرد؛

۴. «تخصیص منابع»: به لحاظ اهمیتی که منابعی چون حقوق، بودجه‌های عملیاتی و مزایا دارند، تخصیص آنها رفتارهای سیاسی به همراه دارند (دفت، ۱۳۷۴).

مفهوم اخلاق حرفه‌ای

در ابتدا مفهوم اخلاق حرفه‌ای به معنای اخلاق کار و اخلاق مشاغل به کار می‌رفت. امروزه نیز عده‌ای از نویسندگان اخلاق حرفه‌ای، از معنای نخستین این مفهوم برای تعریف آن استفاده می‌کنند. اصطلاحاتی مثل *work ethics* یا *professional ethics* معادل «اخلاق کاری» یا «اخلاق حرفه‌ای» در زبان فارسی است. تعریف‌های مختلفی «اخلاق حرفه‌ای» ارائه شده است:

الف) اخلاق کار، متعهد شدن انرژی ذهنی و روانی و فیزیکی فرد یا گروه به ایده جمعی است در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه به هر نحو؛

ب) اخلاق حرفه‌ای یکی از شعبه‌های جدید اخلاق



است که می‌کوشد به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ داده و برای آن اصولی خاص متصور است؛ و

ج) مقصود از اخلاق حرفه‌ای مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و براساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای رعایت کنند؛ بدون آن که الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف، به مجازات‌های قانونی دچار شوند.

تعهد سازمانی

تعهد سازمانی درجه همانندسازی روانشناختی و یا چسبیدگی به سازمان می‌باشد (مهرداد، ۱۳۸۷). آلن و می‌یر (۱۹۹۳) تعهد سازمانی را نوعی حالت روانی تعریف می‌کنند که بیانگر تمایل، نیاز و یا الزام جهت ادامه خدمت در یک سازمان می‌باشد. آنها یک مفهوم سه مؤلفه‌ای از تعهد ارائه نموده‌اند. این سه مؤلفه عبارتند از:

۱. «تعهد سازمانی عاطفی (میل به ماندن)»: تعهد عاطفی یعنی تعلق درونی و احساسی فرد به سازمان. فرد به این دلیل در سازمان می‌ماند که به ارزشها و اهداف سازمان نگرش مثبت دارد. این نوع از تعهد در شرایطی ایجاد می‌شود که به دلیل وجود وابستگی هیجانی، فرد میل است به کار خود در سازمان، ادامه دهد (کول کویت و دیگران، ۲۰۱۰).

۲. «تعهد سازمانی مستمر»: شخص به کار خود در سازمان ادامه می‌دهد؛ زیرا به حقوق و مزایای دریافتی از آن سازمان نیازمند است، فرد به این

دلیل در سازمان می‌ماند که براساس تحلیل هزینه - منفعت به این نتیجه می‌رسد که نیاز دارد در سازمان بماند (قلیپور، ۱۳۸۶).

۳. «تعهد سازمانی هنجاری»: این نوع از تعهد از ارزشهای فرد شاغل در یک سازمان، سرچشمه می‌گیرد؛ یعنی فرد معتقد می‌شود به سازمان محل کارش مدیون است (آلن و می‌یر، ۱۹۹۳). هیچ سازمانی نمی‌تواند موفق شود، مگر اینکه اعضاء و کارکنان سازمان نسبت به آن، نوعی تعهد داشته باشند و در جهت تحقق اهداف آن تلاش کنند (استونرو فری من، ۱۳۷۵).

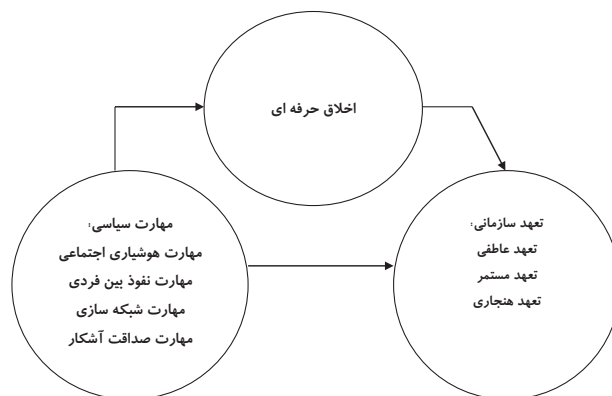
اخلاق حرفه‌ای و تعهد سازمانی

نادی و حاذقی (۲۰۱۱)، در پژوهش خود در بین کارکنان بیمارستانهای خصوصی شهر شیراز دریافتند که جو اخلاقی با تعهد سازمانی و رضایت شغلی رابطه مثبت و معنی‌دار با ترک خدمت رابطه منفی دارد. پژوهش سالم (۲۰۱۲)، در میان کارکنان بانک دولتی لیبی، رابطه مثبت و معنی‌دار میان مفهوم اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی تایید نمود. انصاری و اردکانی (۲۰۱۳)، نیز در پژوهش خود که در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام دادند، رابطه مثبت مستقیمی میان اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی کل و ابعاد سه‌گانه مشاهده نمودند. بنابر آنچه گفته شد، فرضیات و

مدل مفهومی زیر ارائه می‌شود:

فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

فرضیه ۱- رفتار سیاسی کارکنان بر اخلاق حرفه‌ای



آنها تاثیرگذار است.

فرضیه ۲- رفتار سیاسی کارکنان بر تعهد سازمانی آنها تاثیرگذار است.

فرضیه ۳- اخلاق حرفه‌ای کارکنان بر تعهد سازمانی آنها تاثیرگذار است.

فرضیه ۴- اخلاق حرفه‌ای کارکنان، ارتباط مثبت بین رفتار سیاسی و تعهد سازمانی کارمندان را افزایش می‌دهد.

روش شناسی تحقیق

جامعه این مطالعه، کارکنان و مدیران شهرداری بوشهر را با تعداد ۱۶۰۰ نفر در بر می‌گیرد. از که با توجه به جدول مورگان ۳۱۰ نفر نمونه انتخاب شدند با نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها ۸۰ درصد به سوالات پاسخ دادند. از پرسشنامه‌های برگشت داده شده ۱۰ عدد پاسخ نامه به علت پاسخ ناقص از تحلیل کنار گذاشته شد. تعداد شرکت کننده‌های معتبر ۲۴۰ نفر اعلام شد. ۵۲٪ پاسخ دهندگان را زن و مابقی را مرد تشکیل داده است. سن پاسخ دهندگان از ۲۶ سال تا ۵۲ سال را شامل شد. تحصیلات تمام نمونه از فوق دیپلم به بالاتر بود. درصد سابقه‌ی کار در محدوده‌ی ۲ تا ۱۸ سال می‌باشد.

ابزار سنجش و فنون آماری

از آنجا که در پژوهش حاضر، مدل سه بعدی آلن و مایر در ارتباط با تعهد سازمانی مدنظر بود، لذا به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها در این ارتباط، از

پرسشنامه ۲۴ گویه‌ای تعهد سازمانی آلن و مایر در هفت گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم، نسبتاً مخالفم، مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، نسبتاً موافقم، کاملاً موافقم)، شامل سه خرده مقیاس تعهد عاطفی، تعهد مستمر، تعهد هنجاری استفاده شد. و در ارتباط با اخلاق حرفه‌ای از پرسشنامه علی با ۴۵ گویه در «طیف هفت گزینه‌ای لیکرت» استفاده شد که این پرسشنامه به منظور بررسی اخلاق حرفه‌ای در جوامع اسلامی طراحی شده است. در رابطه با داده‌های مربوط به رفتار سیاسی از ترجمه پرسشنامه رفتار سیاسی دوبرین، که شامل ۱۹ سوال است، مورد سنجش قرار گرفت که با توجه به نظر خبرگان و متخصصان روایی هر سه پرسشنامه برای جامعه آماری مورد تایید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه‌ها از طریق محاسبه آلفای کرونباخ محاسبه شد؛ بطوریکه ضریب آلفای پرسشنامه تعهد سازمانی ۰,۸۵، اخلاق حرفه‌ای ۰,۸۷، رفتار سیاسی ۰,۸۲ درصد برآورد شد.

یافته‌های پژوهش

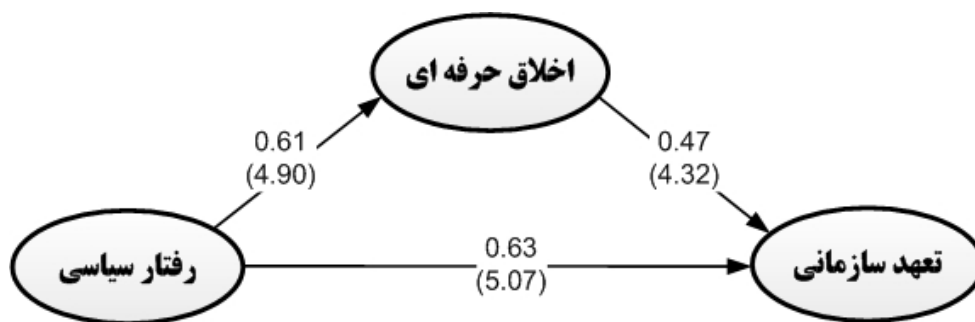
همانگونه که از جدول شماره ۱ پیداست با توجه به حد معناداری بدست آمده (۰/۰۰۲ و ۰,۰۲) و کمتر بودن این مقادیر از سطح معناداری (۰/۰۵ < ۰/۰۰۲)، وجود نوعی رابطه معنادار بین این عوامل تایید می‌شود. بین دو عامل تعهد سازمانی و اخلاق حرفه‌ای رابطه خطی مستقیم وجود دارد. و بین تعهد سازمانی با رفتار سیاسی و همچنین رابطه

جدول ۱. ضرایب همبستگی متغیرها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

تعهد سازمانی	رفتار سیاسی		
۰.۶۰	-۰.۵۶	مقدار همبستگی	اخلاق حرفه‌ای
۰.۰۰۰	۰.۰۰۲	عدد معناداری	
۱	-۰.۴۵	مقدار همبستگی	تعهد سازمانی
۰.۰۰۰	۰.۰۰۱	عدد معناداری	

جدول ۲. شاخص های برازش مدل؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

df	χ^2/df	RMSEA	p-value	GFI	AGFI	NFI
۴۸۵	۲.۲۸	۰.۰۷۴	۰.۱۰۷	۰.۹۱	۰.۹۳	۰.۹۵
بیشتر از صفر	کمتر از ۳	کمتر از ۰.۰۸	بیشتر از ۰.۰۵	بیشتر از ۰.۹	بیشتر از ۰.۹	بیشتر از ۰.۹



جدول ۳. بررسی رد یا تأیید شدن فرضیه تحقیق؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

تأیید / رد	معناداری اثر مستقیم	میزان تاثیر			فرضیات
		اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
تأیید	۵.۴۶	۰.۶۱	--	۰.۶۱	رفتار سیاسی کارکنان بر اخلاق حرفه ای آنها تأثیرگذار است.
تأیید	۳.۲۱	۰.۹۱۶	۰.۴۷*۰.۶۱	۰.۶۳	رفتار سیاسی کارکنان بر تعهد سازمانی آنها تأثیرگذار است.
تأیید	۳.۹۲	۰.۴۷	-	۰.۴۷	اخلاق حرفه ای کارکنان بر تعهد سازمانی آنها تأثیرگذار است.

AGFI و NFI بترتیب برابر با ۰.۹۱، ۰.۹۳، و ۰.۹۵ می باشند که نشان دهنده برازش کاملاً بالایی می باشند.

آزمون فرضیات

به منظور بررسی تمامی فرضیه های این پژوهش، ابتدا ضریب مسیر را محاسبه می کنیم، تحلیل مسیر گسترش روش های رگرسیون و در حقیقت، کاربرد رگرسیون چند متغیری در ارتباط با تدوین بارز مدلهای علی است. هدف آن به دست آوردن برآوردهای کمی از روابط علی بین مجموعه ای

بین رفتار سیاسی و اخلاق حرفه ای رابطه خطی معکوس وجود دارد. همانطور که جدول (۲) نشان می دهد، نتایج تخمین حاکی از مناسب بودن شاخص RMSEA دارد. مقدار RMSEA نیز برابر با ۰.۰۷۸ می باشد. حد مجاز RMSEA، ۰.۰۸ است. با توجه به خروجی لیزرل مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۱۰۵۸،۹۷ می باشد که نسبت به درجه آزادی ۴۸۵ کمتر از عدد ۳ می باشد و با توجه به معنادار نبودن P-Value حکایت از برازش مناسب آماره کای اسکور دارد. شاخص های GFI،

از سازه‌ها است (هومن، ۱۳۸۷). در تحلیل مسیر، روابط بین متغیرها در یک جهت جریان می‌یابند و مسیرها متمایز در نظر گرفته می‌شوند. نتایج تأیید یا رد فرضیات را در جدول ۳ می‌توان مشاهده نمود.

نتایج این آزمون نشان می‌دهد که متغیرهای رفتار سیاسی، اخلاق حرفه‌ای بر تعهد سازمانی کارکنان در سازمان تأثیر گذارند. از طرفی متغیرهای اخلاق حرفه‌ای رابطه مهارت سیاسی و تعهد سازمانی را تعدیل می‌کند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

ارسطو قرن‌ها پیش گفته است که انسان حیوانی سیاسی است و تعداد کمی این گفته وی را به چالش کشیده‌اند. این نشان دهنده ساده وحی ماست اگر تصور کنیم که رفتار سیاسی در سازمان حذف شدنی است؛ لذا می‌توان تدابیری اتخاذ کرد که این گونه رفتارهای سرزده از انسانها در محدوده‌ای منطقی و سازنده قرار گیرند. رفتار سیاسی در سازمان مانند یک شمشیر دولبه است. یک لبه آن ماکیاولیسم به معنای جدا انگاشتن سیاست از اخلاق و دست زدن به هر کاری برای رسیدن به هدف است. کارمندان نیز ممکن است در سازمانها با استفاده از وسایل غیر موجه برای به دست آوردن نتایجی که از طرف سازمان توجیه نشده است، یعنی تحقق هدفهای شخصی خود، با متوسل شدن به حربه‌های غیر اخلاقی ترغیب شوند. آنگاه از این لحاظ رفتار آنان سیاسی خوانده می‌شود. اما برخی دیگر از آن به عنوان لبه دوم شمشیر یاد می‌کنند، یعنی آن را هنری خلاق می‌دانند که منافع رقیب را با هم آشتی می‌دهد یعنی افراد باید با هم کنار بیایند و از مواجهه با یکدیگر بپرهیزند و با هم همزیستی داشته باشند و سازمان نیز جایی است که در آن افراد به هم ملحق می‌شوند و با هم کار می‌کنند، چون منافع شخصی آنان تامین می‌شود. یافته‌های حاصل از مطالعه میدانی نشان می‌دهد که رفتار سیاسی بر تعهد سازمانی (۰,۶۳)

تأثیرگذار است و از طرف دیگر اخلاق حرفه‌ای بر تعهد سازمانی (۰,۶۳) تأثیرگذار است اما این تأثیر با وجود اخلاق حرفه‌ای بیشتر می‌شود یعنی اثر غیر مستقیم متغیر رفتار سیاسی بر تعهد سازمانی (۰,۹۱) از اثر مستقیم آنها بیشتر است و نقش میانجی اخلاق حرفه‌ای در این رابطه تأثیر بسزایی دارد. در واقع اخلاق حرفه‌ای باعث می‌شود رفتار سیاسی به عنوان لبه دوم شمشیر (هنری خلاق) عمل کند و تعهد سازمانی کارکنان را افزایش می‌دهد. می‌توان چنین عنوان کرد که تأیید وجود رابطه مثبت بین تعهد سازمانی و اخلاق حرفه‌ای در این مطالعه با یافته‌های پژوهش رهگذر، دال بر وجود رابطه معنی‌دار و مثبت میان اخلاق حرفه‌ای و ابعاد مختلف تعهد سازمانی در بین اعضای شهرداری بوشهر بود. همانطور که از یافته‌های پژوهش حاصل شد با توجه به ضرایب همبستگی و همچنین الگوی تحلیل مسیر هرچه اخلاق حرفه‌ای در بین کارکنان سازمان بیشتر شود رفتارهای سیاسی مخرب کمتر از آنها سر می‌زند که منجر به افزایش تعهد سازمانی آنها می‌شود. تهد سازمانی در سازمانها منجر به این خواهد شد که کارکنان از لحاظ عاطفی با سازمان ارتباط برقرار کنند به نحوی که سازمان را معرف خود بدانند و از عضویت در آن مسرور باشند و نهایت تلاش خود را برای دستیابی سازمان به اهدافش انجام دهند. پیشنهادات؛ یکی از دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه‌هاست تا آنها با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسایل در جامعه و حرفه خود به کار پردازد و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود رعایت کنند. با توجه به اهمیت اخلاق حرفه‌ای و تأثیر آن بر ابعاد مختلف سازمان به خصوص تعهد سازمانی و رفتار سیاسی کارکنان، پیشنهاد می‌شود مدیران ارشد شهرداری بوشهر ابعاد عمومی و اختصاصی اخلاق حرفه‌ای را در حین کار مورد تأکید قرار داده و خود

organizational behavior research. *Journal of Management*, 28, 307-338

Blickle, G., Schneider, P. B., Liu, Y., & Ferris, G. R. (2011). A Predictive Investigation of Reputation as Mediator of the Political Skill/Career Success Relationship. *Journal of Applied Social Psychology*, 41(12), 3026-3048.

Blickle, G., Wendel, S. & Ferris, G. (2010). Political skill as moderator of personality-Job Performance relationships in socioanalytic theory: Test of getting ahead motive in automobile sales. *Journal of Vocational Behavior*, 76(2010):326-335

Brouer, R. L., Ferris, G. R., Hochwarter, W. A., Laird, M. D., & Gilmore, D. C. (2006). The strain-related reactions to perceptions of organizational politics as a workplace stressor: Political skill as a neutralizer. *Handbook of organizational politics*, 187, 206.

Brouer, R. L., Harris, K. J., & Kacmar, K. M. (2011). The moderating effects of political skill on the perceived politics-outcome relationships. *Journal of Organizational Behavior*, 32(6), 869-885

Coole, D. R. (2007). Expansion and Validation of the Political Skill Inventory (PSI): An Examination of the Link Between Charisma, Political Skill, and Performance. (PHD Dissertation), University of South Florida

Ferris, G. R., Treadway, D. C., Kolodinsky, R. W., Hochwarter, G. R., Davidson, S. L., & Perrewe, P. L. (2005). Political skill at work: Impact on work effectiveness. Davies-Black Publishing

Ferris, G. L., Perrewé, P. L., Anthony, W. P., & Gilmore, D. C. (2000). Political skill at work. *Organizational Dynamics*, 28(4):25-37

Ferris, G. L., Perrewé, P. L., Anthony, W. P., & Gilmore, D. C. (2003). Political skill at work. *Organizational Influence Processes* (Porter, L. W. et al. Eds.), New York, ME Sharpe, 395-406.

Ferris, G. R., Rogers, L. M., Blass, F. R., Hochwarter, W.

به عنوان الگوی سایرین، پیش قدم رعایت عملی اصول اخلاقی باشند. همچنین آموزشهای ضمن خدمت نیز می توانند جهت آشنایی کارکنان با اصول و مبانی اخلاقی در محیط کاری و گسترش اخلاق حرفه ای در سازمان مدنظر قرار داد.

منابع و مآخذ

استونر، جمیز، فری من، ادوارد (۱۳۷۵)، مدیریت، جلد سوم، ترجمه سید محمد اعرابی و علی پارساییان، چاپ اول، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران

آشوری، داریوش (۱۳۵۷) فرهنگ سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، نوبت یازدهم .

جان آر، شرمهون و دیگران (۱۳۷۹) مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه: مهدی، ایران نژادپاریزی و دیگران، تهران، انتشارات موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، نوبت دوم .

رابینز، استیفن (۱۳۷۴) مدیریت رفتار سازمانی، علی و سید محمد، پارسائیان و اعرابی، تهران، مرکز پژوهشهای بازرگانی، نوبت اول.

قلی پور، آرین (۱۳۸۶) مدیریت رفتار سازمانی (رفتار فردی)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت. مشبکی، اصغر (۱۳۷۷) مدیریت رفتار سازمانی، تهران، انتشارات ترمه، نوبت اول.

مهداد، علی (۱۳۸۷) رابطه استرس، فرسودگی هیجانی و رفتارهای انحرافی سازمانی در شرکت سهامی ذوب آهن «شواهدی برای مدل استرس- فرسودگی (عدم تعادل)- جبران»، روان شناسی اجتماعی (یافته های نو در روان شناسی)، تهران، دوره ۲، شماره ۸

Ali A. Scaling an Islamic work ethic. *Journal Psychol.* 1988; 128(5):575-83.

Ansari ME, Ardakani MS. [Islamic work ethics and organizational commitment among employees of Isfahan University of Medical Sciences.] *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine.* 2013;6(2):86-98. Persian

Ashkanasy, N. M., Hartel, C. E. J., & Daus, C. S. (2002) Diversity and emotion: the new frontiers in

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

- .A.(2009). Interaction of Job-Limiting Pain and Political Skill on Job Satisfaction and Organizational Citizenship behavior. *Journal of Managerial psychology*,24(7):584-608
- Ferris,G.R., Solga,J.,Noethen,D&Meurs,J.A.(2008). Political Skill Construct and Criterion Related Validation: A Two Study Investigation. *Journal of Managerial Psychology*,23(7):744-771
- Ferris,G.R.,&Treadway,D.C.(2012).Politics in organizations. Routledge.Taylor & Francis Group
- Ferris, G. R., Treadway, D. C., Kolodinsky, R. W., Hochwarter, W. A., Kacmar, C. J., Douglas, C., & Frink, D. D. (2005). Development and validation of the political skill inventory. *Journal of Management*, 31(1), 126-152.
- Ferris, G. R., Treadway, D. C., Perrewé, P. L., Brouer, R. L., Douglas, C., & Lux, S. (2007). Political skill in organizations. *Journal of Management*, 33(3), 290-320.
- Ferris.G.r.,Perrewe.P.,Anthony.W.P.,Gilmore.D.C.(2000).Political skill work, *Organizational Dynamics*, 28(4):25-37
- Golman, Daniel (2001) An EI – Based Theory of Performance,
- Kapoutsis, I., Papalexandris, A., Nikolopoulos, A., Hochwarter, W. A., & Ferris, G. R. (2011). Politics perceptions as moderator of the political skill–job performance relationship: A two-study, cross-national, constructive replication. *Journal of Vocational Behavior*, 78(1), 123-135.
- Kaylee Ford,D.(2011). An evaluation of moderating influences of employee proactive personality: empowerment and political skill.(PHD dissertation). Portland state university.
- Koh HC, El'fred H. Organisational ethics and employee satisfaction and commitment. *Management Decision*. 2004; 42(5):677-93.
- Nadi Ma, Hazeghy F. [Structural Equation Modeling of the Relationship between the Intention to Quit and Ethical Climate, Job Satisfaction, and Organizational Commitment among the Staff Of Shiraz Private Hospitals.]. *Health Information Management*. 2011; 8(5): 699-708. Persian
- Meyer J.P. Allen N.J. 1993. The Measurement and Antecedents of Affective Continence and Normative Commitment to the Organization. *Journal of Occupational Psychology*. 63.1: 538-552.
- Mayer, J. D. , & Salovey, P. (1999). What is emotional intelligence? In P. Salovey & D. Sluyter (Eds.) *Emotional Development and Emotional Intelligence: Implications for Educators*. NY: Basic Books.
- Liu,Y etal.(2007).Dispositional antecedents and outcomes of political skill in organizations: A four-study investigation with convergence, *Journal of Vocational Behavior*.71(2007):146-165
- Lock,j.(2000),’jobsatisfaction of quick service restaurant employees hospitality research journal’
- Perrewe,PL.,&Nelson,DI.(2004).Gender and Career Success: The Facilitative Role of Political Skill.*Organizational Dynamics*,33(4):366-378
- Rahgozar H, Samimi T, Molaei S. [Study of relation between professional ethics and organizational commitment.] *Spectrum: A Journal of Multidisciplinary Research*. 2014; 3(2): 231-9.
- Salem ZO, Agil SOS. The Effects of Islamic Individuals' Ethics on Organizational Commitment of Employees in Libyan Public Banks. *British Journal of Arts & Social Sciences*. 2012; 9(1): 64-78
- Yaghinloo M, Javaherdashti F, Khaliliaraghi M. [Professional ethics principles, from design to operation]. *Tadbir*, 2003; 135: 80-8. Persian

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۲۸۸ ■

مشارکت شهروندان در حفظ محیط زیست شهری با ارائه راهکارهایی در برنامه ریزی شهری؛ نمونه موردی: لواسان

حسین صداقت نوری* - گروه برنامه ریزی شهری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Citizen Participation in Urban Environmental Protection in Urban Planning Strategies; Case study: Lavasan

Abstract

Today, the urban environment due to the major problems of life and increasing amount of pollutants that cause major environmental problems in urban areas are major challenges. "Participation and the environment" in the last three decades, more and more approaches together in a new approach to environmental protection is taken into consideration; Therefore one of the indicators of the degree of development of a country, the participation and the role of citizens in the country. The projects and programs that the trustee devices such as environmental organizations and municipalities to protect these habitats and reduce degradation of the urban environment and implemented have not had much success. Seems to be the missing link these plans, people often overlooked the importance of their contribution and the absence of people nothing but failure did not result in environmental projects. Therefore, to investigate and suggest solutions to increase the role and participation of citizens in preserving natural areas and the urban environment, including the requirements of any plans for Lavasan city. In this paper survey and field study methods of realization of environmental partnerships citizenship is studied. In the end, a strategic and operational solution for improving the participation of environmental citizens is discussed.

Keywords: Participation, partnership, environmental, urban planning, policies and strategies.

چکیده

امروزه محیط زیست شهرها به دلیل مشکلات عمده زیستی و افزایش میزان آلاینده‌ها دچار مشکلات عمده زیست محیطی بوده که باعث چالش‌های عمده در سطح شهرها شده‌اند؛ چنانچه «مشارکت و محیط زیست» در سه دهه اخیر بیش از پیش در کنار هم و در قالب رهیافتی جدید در خصوص رویکردهای حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. از این رو یکی از شاخص‌های درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقشی است که شهروندان در آن کشور برخوردارند. از طرفی طرحها و برنامه‌هایی که از سوی دستگاه‌های متولی مانند سازمان محیط زیست و شهرداری جهت حفظ این زیستگاه‌ها و کاهش تخریب محیط زیست شهری ارائه و اجرا شده‌اند، غالباً موفقیت چندانی نداشته‌اند که به نظر می‌رسد حلقه گمشده این طرحها، مردم و اهمیت مشارکت آنان است که غالباً نادیده گرفته شده و غیبت مردم، نتیجه‌ای جز شکست این طرحهای زیست محیطی در پی نداشته است. لذا بررسی و ارائه راهکارهایی جهت افزایش نقش و مشارکت شهروندان در حفظ عرصه‌های طبیعی و محیط زیست شهری به روشهایی مانند آموزش، تغییر رویکرد مدیریت شهری از ضروریات هرگونه برنامه ریزی برای هر شهر از جمله برای شهر لواسان می‌باشد. در این مقاله با روش پیمایشی و مطالعه میدانی میزان تحقق‌پذیری مشارکتهای زیست محیطی شهروندی مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نیز راهکارهای راهبردی و اجرایی در زمینه ارتقاء میزان مشارکت زیست محیطی شهروندان مورد اشاره قرار گرفته است.

کلید واژه: مشارکت، مشارکت زیست محیطی، برنامه ریزی شهری، سیاستها و راهکارها، لواسان.

*نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۴۷۴۳۹۱، رایانامه: sedaghat@yahoo.com

مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد حسین صداقت نوری با عنوان «عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در حفظ محیط زیست شهری با ارائه راهکارهایی در برنامه ریزی شهری؛ نمونه موردی: لواسان» و به راهنمایی دکتر سید حسین بحرینی است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین به انجام رسیده است.

مقدمه

امروزه یکی از راهکارها و راهبردهای موثر و کارساز در مساله مدیریت که در قالب «مدیریت‌های استراتژیک، آینده‌نگر و مشارکتی» متجلی می‌شود، استفاده از استعدادها، پتانسیل‌ها و سرمایه‌های فکری، فیزیکی و مادی بخش خصوصی و مردمی است که از طریق ایجاد ارتباطات و تعامل‌های مفید کارساز و برنامه‌ریزی کارشناسانه قابل تحقق است و این‌گونه می‌توان مساله «کارایی، اثر بخشی و بهره‌وری»، که پیامد آن کاهش هزینه‌ها، افزایش درآمدها و بهینه‌سازی عملکردها می‌باشد، را در مدیریت و بخصوص مدیریت زیست محیطی شهری ارتقاء بخشید و زمینه‌های پایداری مدیریت شهری را فراهم کرد. علاوه بر این، «توسعه پایدار شهری» نیاز به ساختار تشکیلاتی غیرمتمرکز برای سازمان‌های ذی‌مدخل در امر مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه شهری به ویژه در سطح محلی دارد و این مهم جز با تجهیز منابع انسانی متخصص و آموزش دیده و تامین منابع مالی کافی و ایجاد ارتباطات صحیح با سایر نهادهای حاکمیتی بالادست از یک طرف، و مردم و سازمان‌های غیردولتی از طرف دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود. کاهش نقش دولت و واگذاری بخشی از وظایف و مسئولیت‌های آن به بخش خصوصی و سازمان‌های مردمی خاصه در امور زیست محیطی و کیفیت محیط زیست شهرها، نویدبخش راه‌حلی عملی برای کاهش هزینه‌های دولتی و کاستن از مداخله ناکارآمد دستگاه‌های متمرکز دولتی در مکانیسم‌های خودپوی عرضه تسهیلات می‌باشد و در عین حال راهی برای جبران خلاء و ناتوانی سازوکار بازار در تأمین نیازهای اساسی برای همه جمعیت در این مقولات محسوب می‌شود. از سویی دیگر، در کشورهای در حال توسعه با وجود اهمیت شهرداری‌ها در تأمین خدمات شهری، مسائلی چون کمبود یا فقدان منابع درآمدی پایدار و نظام اداری و فنی ناکارآمد، این نهادها را از ایفای مطلوب وظایف خود تا اندازه زیادی بازداشته و آنها را با مشکلات

زیادی مواجه ساخته‌است که این امر در امور زیست محیطی که ارتباط تنگاتنگی با توسعه پایدار زیستی و بهبود کیفیت محیط زیست شهری دارد، از اهمیتی دوچندان برخوردار می‌شود. با توجه به آن که مدیران در هر بخشی با مشکلات زیست محیطی روبرو هستند، می‌توانند جهت حل این مشکلات از روش مشارکت مردمی بهره‌مند شوند. همه معاهدات زیست محیطی از جمله اصل ۱۰ بیانیه کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه در ریودوژانیرو؛ دستورکار ۲۱ و بیانیه جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ؛ در اجرای مدیریت محیط زیست بر مشارکت‌های مردمی تأکید فراوان می‌کنند. بر این اساس است که حل مشکلات توسعه نیافتگی شهری در کشورهای در حال توسعه به تنهایی از عهده دولت ساخته نیست؛ ضرورت‌هایی مانند ناکارآمدی دستگاه‌های دولتی در بهبود زیست محیطی شهرها، کمبود منابع مالی در مدیریت زیست محیطی و افزایش خواست مردم برای مشارکت در امور کیفی محیط زیست و فشار سازمان‌های بین‌المللی در راستای ارتقاء محیط زیست، «سازمانهای غیردولتی و تشکلهای مردمی» را به عنوان یک راه حل مناسب در مدیریت محیط زیست شهرها خاصه مناطق کلانشهری مطرح ساخته است. اما فعالیت مطلوب این سازمان‌ها بستگی به وجود شرایط مناسبی در چهار عرصه: «دولت، شهرداری، سازمان غیردولتی و مردم محلی» دارد. به لحاظ نظری، دولتی که در ساختار، سیاست‌ها و برنامه‌ها ظرفیتی برای پذیرش مشارکت و همکاری بازیگرانی چون سازمان‌های غیردولتی خاصه در امور زیست محیطی ندارد، بدیهی است که عرصه چندان‌ی برای فعالیت این سازمان‌ها فراهم نمی‌کند. بعضی ویژگی‌های دولت که فعالیت سازمان‌های غیر دولتی را محدود می‌کنند، عبارتند از: «توسعه اقتصادی دولت محور؛ خدمات‌رسانی دولتی به شهروندان؛ خدمات اجتماعی و رفاهی دولت؛ انزوای سیاسی کشور در سالهای گذشته؛ و تمرکزگرایی نظام اداری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

و محدودیت و ضعف ساختارهای محلی در مقولات برنامه ریزی و مدیریت زیست محیطی.» همچنین در نظام کنونی اداره امور کشور که نهادهای محلی مانند شهرداری از نظر مسائل مالی و اداری، به دولت وابستگی شدید دارند، عرصه چندانی برای آنها به جهت داشتن ابتکارات مدیریتی و ظرفیت سازی و ایجاد انعطاف سازمانی برای همکاری با سازمان-های غیردولتی خاصه در برنامه ریزی زیست محیطی در دسترس نیست. اگرچه با تشکیل شوراهای اسلامی شهرها، امکان هایی برای فعالیت مبتنی بر مشارکت ایجاد شده اما ساختارهای اساسی و کلان نظام تمرکزگرا و دولت محور همچنان با اقتدار به کار مشغول است. در مورد سازمان های غیر دولتی تاثیرگذار در حوزه مدیریت زیست محیطی در کشور نیز مشکلات و گرفتاری هایی وجود دارد که ناشی از عدم بهره مندی از توان، تخصص و اختیار لازم برای ورود به عرصه های وسیع تر فعالیت در سطوح مشارکتی که منجر به بهبود زیستی و کیفی محیط زیست می باشد، وجود دارد. بعضی از مشکلات آنها عبارتند از: «شرایط نامساعد آیین نامه ها و ضوابط حقوقی؛ فرصت ناکافی برای شبکه سازی به منظور مبادله دانش و تجربیات؛ مشکلات مربوط به مدیریتهای داخلی در تشکلهای عدم مهارتهای تخصصی و فنی در تشکلهای دستگاه های کنترل کننده چندگانه و غیرهماهنگ در سیستم دولتی؛ داشتن اعتبار کم یا پایین در جوامع نسبت به فعالیت تشکلهای مردمی؛ شفافیت و پاسخگویی ناکافی در تشکلها.» عامل مهم و اساسی دیگر آمادگی و ظرفیت مردم محلی برای فعالیت در عرصه های زیست محیطی شهری است. اگر ظرفیت همکاری و مشارکت پذیری مردم یا آنچه که اکنون «سرمایه اجتماعی» نامیده می شود پایین باشد، به احتمال زیاد ممکن است فعالیت سازمانهای غیردولتی با مشکلات فراوان مواجه گردد. از میان تمام علل محدود کننده فعالیت سازمان های غیردولتی، مشارکت پذیری مردم و رغبت عمومی

برای شکلگیری و فعالیت سازمان های غیردولتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بنابراین بررسی میزان و حوزه مشارکت پذیری مردم در عرصه های زیست محیطی شهری می تواند تا حد زیادی به ریشه یابی فعالیت محدود سازمان های دولتی کمک کند.

در این مقاله به «مشارکت شهروندان در حفظ محیط زیست شهری با ارائه راهکارهایی در برنامه ریزی شهری؛ نمونه موردی: لواسان» پرداخته شده است که از منظر نگاه مدیریتی به محیط زیست شهری و سنجش میزان مشارکت پذیری شهروندی در برنامه های مورد نظر در فرایند برنامه ریزی شهری مرتبط با بهبود کیفی محیط زیست شهری حائز اهمیت است که در ادامه به آن اشاره می شود.

ادبیات تحقیق

مشارکت شهروندی و محیط زیست

«مشارکت» کلمه ای عربی و از باب «مفاعله» است؛ و معادل فارسی آن همیاری، همراهی و شریک شدن و همدست شدن در کارها و همکاری کردن است. به عبارت دیگر مشارکت به معنای شریک کردن متقابل در امری است (زیرکی، ۱۳۸۰، ص ۱۷). ریشه لاتین این کلمه از واژه participate به معنای با خود داشتن و از نفس خویش چیزی از غیر داشتن، سهمی در چیزی غیر از خود داشتن است. در دایرة المعارف علوم اجتماعی نیز مشارکت به معنای شرکت فعالانه انسانها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بطور کلی تمامی ابعاد حیات خود آمده است (ساروخانی، ۱۳۷۴). در ادامه به برخی از تعاریف در این رابطه اشاره می شود: «الف- مشارکت عبارت است از: متشکل کردن گروه های محروم از مزایای اجتماعی به منظور تامین برخی نیازهای ضروری آنها (که دولت آن را تامین نمی کند و یا خارج از توان مالی او باشد) از طریق خودیاری (بنار، ۱۳۸۴، ص ۲۳) و ب- مشارکت در حقیقت امری است که انسان های ناتوان را به سوی توانمندی هدایت کرده و توانایی های بالقوه آنان



را به بالفعل تبدیل می نماید و بر قدرتشان برای بهره گیری از زندگی می افزاید (مطیعی لنگرودی؛ ۱۳۸۲، ص ۸۱). سازمان ملل در سال ۱۹۸۱ فرآیند مشارکت را «ایجاد فرصت‌هایی که همه اعضای یک اجتماع محلی و جامعه ی بزرگتر را قادر به مشارکت فعال و موثر در فرآیند توسعه و بهره برداری از ثمرات و منافع توسعه نمایند تعریف نموده است» (UN, ۱۹۸۷). باید به مشارکت به عنوان ابزار توسعه نگاه کرد. اگر توسعه را یک اندیشه و تفکر تلقی کنیم، مشارکت به عنوان یک وسیله است. در واقع نتیجه توسعه، توانمندسازی مردم است و تواناسازی یعنی دانایی، کارایی و پایداری. همچنین باید اشاره داشت که؛ در متون مختلف از مشارکت تعاریف متعددی صورت گرفته است که هر کدام از این تعابیر و تعاریف با توجه به رویکرد نظری و تجارب شخصی از دیدگاه‌های متفاوتی سرچشمه گرفته است. مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (علوی تبار، ۱۳۷۹، ص ۱۵). در این تعریف سه جزء مهم وجود دارد: «درگیر شدن»، «یاری دادن و مسئولیت»، «درک عمیق». این تعریف مستلزم مرور اجمالی بر این سه جزء است:

«انگیزش برای یاری»: شخص در مشارکت این فرصت را می‌یابد که از این قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده نماید. از این‌رو مشارکت با موافقت فرق دارد. در موافقت، موافقت کننده، یاری ویژه‌ای نمی‌کند بلکه تنها آنچه را که پیش‌رویش می‌گذارند تصویب می‌کند.

«درگیری ذهنی و عاطفی»: در مرتبه نخست و شاید پیش از هر چیز دیگر، مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده، تنها به کوشش‌های بدنی محدود نمی‌شود. در مشارکت، خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و توانایی‌های وی و

یا امکانات فراهم شده توسط او درگیر نیست. این درگیری روانشناختی و نه جسمانی است. انسانی که مشارکت می‌کند، «خود-درگیر» است و نه «کار-درگیر».

«پذیرش مسئولیت در مشارکت»: مشارکت، اشخاص را برمی‌انگیزاند تا در کوشش‌های گروه، خود مسئولیت بپذیرد. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی و مسئولیت بدهد (علوی تبار، ۱۳۸۷، ص ۱۶-۱۵).

همچنین دلایل مشخص تری برای جلب مشارکت جامعه محلی در توسعه راهبردها و استراتژی‌های شهری وجود دارد: در نظر گرفتن نیازهای متنوع و اولویت‌های جامعه محلی؛ در نظر گرفتن نیازهای ویژه گروه‌های مختلف شهری در راستای همکاری آنها در اتخاذ تصمیمات استراتژیک؛ تعیین اولویت‌ها با مشارکت و توافق مردم؛ استفاده از نظرات مبتکرانه اقشار مختلف جامعه؛ و مشارکت منابع جامعه و بسط شبکه اجتماعی. «شهری ارنشتاین» در نموداری که از مشارکت شهروندان با عنوان «تردبان مشارکت شهروندی» در سال ۱۹۶۹ ارائه داد، به اهمیت مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی پرداخت و سطوح مختلف مشارکت را در سه سطح مشخص ساخت (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲):

به نظر ارنشتاین در پایین‌ترین سطح هیچ نیرویی یا قدرتی برای مشارکت وجود ندارد. به زعم وی، بعضی از دستگاه‌های دولتی و مؤسسات عمومی به صورت ساختگی، نوعی مشارکت ظاهری را تدارک می‌بینند که عمدتاً برای کارهایی است که نتیجه آن از قبل مشخص و معین است.

پلکان دوم که آگاهی از فرایند تصمیم‌گیری است عمدتاً غیرواقعی است و تنها آگاهی صوری از وضعیت مشارکت مورد نظر مطرح است.

در پلکان سوم بحث آگاهی و اطلاع‌رسانی قرار دارد که طی آن آگاه‌سازی شهروندان که از کل تصمیم‌های کلانی که قرار است به اجرا درآید،

صورت می‌گیرد.

پلکان چهارم که مشورت و مشاوره است. قبل از اجرا با نظرسنجی از نظرات شهروندان مطلع می‌شویم، این نظرسنجی نباید جنبه صوری داشته باشد بلکه باید به گونه‌ای باشد که شهروندان احساس کنند در اخذ تصمیم‌گیری به نوعی نظارت و مشارکت داشته و در به کارگیری نظرات آنان مدیران جامعه کوتاهی نکرده‌اند و لذا نوعی تسکین و آرامش در بین آنها به وجود خواهد آمد.

انواع مشارکت زیست محیطی

سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی با هدف جلب مشارکت مردمی و بالا بردن سطح آگاهی‌های زیست محیطی جامعه و دستیابی به پایداری محیط زیست به وجود آمده‌اند و از آنجا که برای رسیدن به توسعه پایدار، نقش مردم انکارناپذیر است، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد برای جلب مشارکت‌های مردمی، بسیار مهم است. از آنجایی که مشارکت‌های مردمی دارای سطوح متفاوتی است، مدیران در استفاده از مشارکت‌های مردمی باید به سطوح مختلف آن توجه خاصی داشته باشند. اگر بخواهیم یک تقسیم‌بندی کلی از مشارکت داشته باشیم، می‌توان آن را به سه نوع مشارکت مالی و اقتصادی، مشارکت فکری و فرهنگی و مشارکت سیاسی تقسیم کرد:

«مشارکت مالی»: در این نوع مشارکت افراد یک گروه یا جامعه به منظور پیشبرد سریع امور و مقاصد معین مشارکت مالی کرده و با پرداخت وجه عملاً در اجرای یک کار شرکت می‌کنند.

«مشارکت فکری و فرهنگی»: در این نوع مشارکت افراد برای ارتقاء و بالابردن توانایی و کیفیت عملی امور انجام می‌گیرد. اساس کار بر تحول ذهنی و اندیشه استوار است و منظور آن است که تا ارتقاء و تحول ذهنی صورت نگیرد مشارکت به مفهوم واقعی تحقق پیدا نمی‌کند.

«مشارکت سیاسی»: در این نوع، بیشتر به حضور افراد در تعیین سرنوشت سیاسی تاکید دارد.

علاوه بر این، انواع متفاوتی از مشارکت را می‌توان برشمرد:

«مشارکت سازمانی» (نهادی) همچون مشارکت شهروندان در فعالیت بنیادها، نهادها و سازمان‌ها. «مشارکت بعدی»،

«مشارکت اجتماعی» (غیر سازمانی) و

«همکاری خودجوش بین مردم»، بدون وجود نظام سازمانی یا برنامه‌ای خاص. این نوع مشارکت اگر در نواحی شهری نهادینه شود می‌تواند در توسعه پایدار نقش مفیدی داشته باشد.

از دیدگاهی دیگر می‌توان انواع مشارکت را به صورت زیر تقسیم بندی کرد:

مشارکت بین افراد که به آن مشارکت دوجانبه می‌گویند و خود به خود بوجود می‌آیند؛

مشارکت بین افراد خیر و افراد آسیب دیده که از طریق کمک به افراد آسیب دیده همچون دادن صدقه، کمک رسانی و دادن هدایا انجام می‌گیرد؛ مشارکت بین مردم و دولت یا مشارکت قراردادی که موثرترین شکل مشارکت در فرآیند توسعه است.

مشارکت در ایران

مشارکت در اداره امور شهری از دیرباز که گروه‌های انسانی بوجود آمدند، مورد توجه بوده و به عنوان یک پدیده نوین در مدیریت تلقی نمی‌گردد. در طول تاریخ از این اصل کمابیش پیروی شده و برخی مکاتب تاکید خاصی بر آن داشته‌اند. اما بررسی علمی این پدیده انسانی بعد از انقلاب صنعتی مورد توجه جدی قرار گرفت. بخش مردمی، گونه‌ای از بخش خصوصی است که قصد آن از مشارکت در اداره امور، انتفاع مالی نیست و انگیزه‌های اجتماعی مبنای همکاری آنان با یکدیگر می‌باشد. بر خلاف بخش خصوصی که با هدف تحصیل سود با نهادهای دولتی پیمان همکاری می‌بندد. هدف این بخش که اعضای آن در «سازمان‌های غیردولتی» (NGO) ها، «سازمان‌های داوطلبانه خصوصی» (P.V.O) و «سازمان‌های مبتنی بر جامعه محلی» (C.B.O) متشکل شده‌اند، همیاری و خود اتکایی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

است (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۳، ص ۳۳). تشکل‌های مردمی در ایران دارای سوابق تاریخی دیرینه‌ای هستند. در واقع از زمانی که زندگی اجتماعی انسان‌ها در روستاها و سپس در شهرها شکل گرفت نیاز به یاری‌گری و مشارکت مطرح شد و کمک توانمندان به ناتوانان در اشکال فردی و گروهی شکل گرفته و نهادینه شده است. به طور کلی می‌توان دو الگوی مشارکت و به تبع آن دو سازمان سنتی و مدنی را از همدیگر تفکیک کرد:

الگوی اول مشارکت، الگوی سنتی است که حول خود سازمان‌های سنتی را شکل داده است. منظور از مشارکت سنتی مشارکت بر اساس سنت، عرف، عادت و مذهب است و میان افراد جامعه به شکل نهادی و خودجوش وجود دارد. این مشارکت محصول گذشت سالیان دراز بوده است و از گذشته در میان مردم وجود داشته و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است و پاسخی به نیازهای تحولات تاریخی بوده‌اند. در این الگو، دولت هیچ نقشی در هدایت و سازماندهی نداشته و انجام کارها بر عهده مردم است (علوی تبار، ۱۳۸۷، ص ۵۱). این الگو علی‌رغم تحولات اجتماعی سده اخیر در جامعه ایرانی با اندکی تغییرات، هنوز هم با قدرت در بسیاری از شهرهای ایران به حیات خود ادامه می‌دهد. این الگوی مشارکت حول خود تشکل‌های مردمی از جمله کانونها و هیات‌های مذهبی، کانون‌های قرض‌الحسنه و غیره را شکل داده است و امروزه فعالیت در چارچوب این کانون‌ها انجام می‌گیرد.

الگوی دوم مشارکت، مشارکت جدید و یا مدنی است. در این الگو، مشارکت بر اساس محرکی است که افراد را به فعالیت وامی‌دارد. این محرک معمولاً از جانب سازمان‌های دولتی برای جلب و افزایش مشارکت مردم در امور مختلف در قالب برنامه‌های خاص وارد می‌شود. این الگو می‌تواند اجباری و یا داوطلبانه باشد (همان؛ ص ۵۱). این الگو حول خود سازمان‌های متعددی را شکل داده است که از جمله آنها می‌توان به شوراهای شورایی‌های محله‌ای،

سازمان‌های مردم‌نهاد و غیره اشاره کرد. تجربه و سابقه این الگوی مشارکتی در اداره شهرها را می‌توان به زمان مشروطیت و برپایی انجمن‌های بلدی نسبت داد (مهبادی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶).

تشکل‌های مردمی و سازمانهای مردم‌نهاد در ایران

مشارکت زنان و مردان، سنگ بنای حاکمیت خوب است. مشارکت می‌تواند مستقیم یا از طریق نهادها و نمایندگان میانجی قانونی باشد. سازمانهای غیردولتی را می‌توان از نظر جهت‌گیری، سطح عملیات، دامنه فعالیت، موضوع و نوع فعالیت و گروه‌های هدف طبقه‌بندی نمود:

سازمان‌های غیردولتی از نظر جهت‌گیری: «الف- جهت‌گیری خیرخواهانه»: این نوع سازمان‌ها اغلب در فعالیت‌های پدرسالارانه از بالا به پایین، درگیر می‌شوند و به هدایت فعالیت‌هایی از قبیل برآوردن نیازهای فقرا، توزیع خوراک، پوشاک یا دارو، تدارک مسکن، حمل و نقل، مدرسه می‌پردازند. چنین سازمان‌هایی ممکن است در جریان مصائب طبیعی و انسان‌ساخت نیز، فعالیت‌های امدادی به عهده بگیرند؛ «ب- جهت‌گیری خدماتی»: فعالیت این دسته از سازمانهای غیردولتی در حوزه بهداشت، برنامه‌ریزی خانواده و یا خدمات آموزشی تعریف می‌شود که در این فعالیتها سازمان مربوطه برنامه را طراحی می‌کند و انتظار می‌رود که مردم در اجرای آن و نیز دریافت خدمات مشارکت کنند؛ «پ- جهت‌گیری مشارکتی»: در این جهت‌گیری مردم محلی با کمک‌های نقدی، ابزارکار، زمین، مواد، نیروی انسانی و غیره در پروژه‌های خودیار درگیر می‌شوند. در پروژه‌های توسعه محلی، مشارکت با تعریف نیاز شروع می‌شود و در مراحل برنامه‌ریزی و اجرا ادامه می‌یابد. تعاونی‌ها اغلب جهت‌گیری مشارکتی دارند؛ «ت- جهت‌گیری توانمندسازی»: هدف ایندسته از سازمان‌ها، علاوه بر کمک به مردم فقیر برای درک شفاف‌تر عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تقویت آگاهی آنان از قدرت بالقوه‌شان

برای کنترل زندگی خود می باشد.

سازمان های غیردولتی از نظر سطح عملیات:

«الف- سازمان های معطوف به اجتماع محلی»: این نوع سازمان ها از ابتکارهای خود مردم نشأت می گیرند. باشگاه های ورزشی، سازمان های زنان، سازمان های همسایگی و سازمان های مذهبی یا آموزشی را شامل می شوند و از تنوع زیادی برخوردارند که تعدادی از آنها از سوی سازمان های غیر دولتی ملی یا بین المللی یا کارگزاری های دو جانبه حمایت می شوند و برخی دیگر از آن ها از کمک خارجی (دیگران) بی نیازند. تعدادی از آنها برای ارتقای آگاهی فقرای شهری یا کمک به آنان در فهم حقوق شان برای دستیابی به خدمات مورد نیاز فعالیت می کنند. سازمان های معطوف به اجتماع محلی، طبق سند ۲۰۰۰ UNDP، به سازمان هایی گفته می شود که معمولاً توسط داوطلبان تجهیز می شوند، بومی، یعنی متکی به سنت ها یا کارآفرینان اجتماعی درون اجتماع محلی هستند، کوچک، غیررسمی و متکی بر منابع خود می باشند. این سازمان ها با منافع دو جانبه، اغلب به منظور بهبود درآمد اعضای خود تاسیس شده و دربرگیرنده فقرا و افراد فاقد قدرت است (Ibid, P. ۸)؛ «ب- سازمان های شهر مقیاس»: سازمانهای غیردولتی را که در مقیاس یک شهر فعال هستند دربرمی گیرد. برخی از این سازمانها به خاطر اهداف دیگری شکل گرفته اند و به عنوان یکی از فعالیتهای خود در کمک به فقرا درگیر می شوند، در حالی که برخی دیگر از آنها صرفاً با هدف کمک به فقرا راه اندازی شده اند؛ «پ- سازمان های غیردولتی ملی»: این نوع سازمانها، در محدوده یک کشور فعالیت می کنند. سازمانهای غیر دولتی ملی از سطحی میانی حکایت دارند و به عنوان سازمانهای فرامحلی، تعدادی از سازمان های غیر دولتی محلی را که اهداف کم و بیش مشابهی دارند گرد هم می آورند. سازمان های غیر دولتی ملی، سازمانهایی از قبیل کمیته بین المللی صلیب سرخ و سازمانهای

حرفه ای و غیره را شامل می شوند. جمعیت هلال احمر و جبهه سبز ایران از این نوع سازمانها هستند؛ «ت- سازمان های بین المللی»: سازمان هایی هستند که حوزه خود را علاوه بر کشور مبدا در سایر نقاط دنیا نیز به عنوان کشورهای تحت پوشش تعریف می کند. این سازمانها در نوع خود اغلب کارگزاران قوی و موثری هستند. چنین سازمان هایی نوعاً در کشورهای توسعه یافته اداره و رهبری می شوند و عملیات خود را در بیش از یک کشور در حال توسعه انجام می دهند.

طبقه بندی سازمان های غیردولتی از

نظر دامنه فعالیت: مساجد، تکایا، هیات های مذهبی و قهوه خانه ها را نهادهای غیردولتی سنتی قدیمی می دانند و پس از آن صندوق های قرض الحسنه، خیریه ها، انجمن های اسلامی و حتی دوره های فارغ التحصیلی در دوران بعدتر و سپس اتحادیه ها، اصناف و نظام های صنفی و مهندسی و غیره، شکل های جدیدتر سازمان های غیردولتی یا مردم نهاد می باشند. بنابراین سازمان های غیردولتی را به لحاظ قدمت و نوع و دامنه فعالیت به دو گروه سنتی و مدرن طبقه بندی می کنند: «الف- تشکل های سنتی»: داشتن ارتباط مستحکم و مداوم با مردم؛ اتکا به کمکهای مردمی و خصوصی برای تأمین نیازهای مالی؛ تأکید بر نیازهای مبرم مردم؛ ارائه خدمات مشخص و ملموس؛ مقاومت و دوام در برابر فشارها و محدودیتهای دولتی و محیطی (با اتکا به نیروی ایمان مذهبی)؛ «ب- تشکل های نوین» (مدرن): از نظر تعداد رو به افزایش هستند؛ اکثراً اتکا و وابستگی زیادی به دولت دارند؛ بیشتر به روندهای بین المللی تکیه می کنند و کمتر به نیازهای مردم؛ برخی از آنها از ظرفیتهای بالای فنی برخوردار هستند؛ اکثر آنها با زبان و رفتار دولت و مؤسسه های بین المللی آشنا هستند. موضوع و نوع فعالیت سازمان های غیردولتی و گروه های هدف آن ها از تنوع بسیار زیادی برخوردار است: کارگزارپهای امدادی و رفاهی؛ سازمانهای نوآور فنی؛ پیمانکاران

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

خدمات عمومی؛ کارگزاریه‌های توسعه مردمی؛ سازمانهای خودجوش توسعه؛ گروهها و شبکه‌های مدافع.

نظریه‌های مشارکت زیست محیطی

به دنبال طرح مقوله مشارکت و محافظت از محیط زیست و رواج فرهنگ زیست محیطی نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی مطرح گردیده است. در ادامه به اختصار نظریات مهم و مرتبط شامل «نظریه‌های جامعه‌شناختی محیط‌زیست»، «نظریه جمعیت شناختی»، «نظریه‌های آموزشی»، «نظریه‌های فرهنگی» و «نظریه اکوفمنیست» بیان می‌شود: «نظریات جامعه‌شناختی»: با توجه به تحولاتی که در سال‌های اخیر صورت گرفته رابطه جامعه‌شناسی و محیط زیست شهری نزدیک‌تر شده و جامعه‌شناسان در نظرات خود به محیط زیست شهری و ارتباط آن با انسان و جامعه پرداخته‌اند. برای نمونه به نظر مارکوزه می‌توان اشاره داشت. مارکوزه معتقد است «تفکر و عمل باید تغییر یابد، تغییر دیدگاه کمی و مصرف‌مداری به زیبایی شناختی، اساس این دگرگونی می‌باشد. وی جنبش زیست محیطی را جنبش‌رهایی بخش سیاسی و روانشناختی می‌بیند». همچنین نظریات مختلفی وجود دارد که نشان‌دهنده ارتباط عوامل اجتماعی و فرهنگی با ارتقاء محیط زیست شهری می‌باشد. از آن جمله می‌توان به نظریه تقسیم کار امیل دورکیم اشاره کرد. دورکیم جوامع را به دو نوع تقسیم کرده و برای هر یک، همبستگی خاصی را مطرح کرده است. «فیش باج و آج‌زین» در دهه ۹۰ بر اساس تحقیقات خود اظهار داشتند که پایگاه اجتماعی، اقتصادی افراد در نگرش آنها نسبت به انرژی و مصرف آن مؤثر می‌باشد و همین امر یک رابطه غیرمستقیم را بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی فرد با مصرف انرژی و استفاده از طبیعت برقرار می‌کند. بر اساس این نظریه می‌توان نتیجه گرفت که پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد به نوع تفکر و رفتار وی تأثیر می‌گذارد و محیط و طبیعت، یکی از نقاط

دایره رفتاری شخص می‌باشد.

«نظریات آموزشی»: «هانشل» نشان داد که آموزش ضمن خدمت محیط زیست توأم با مطالب تکمیلی کلاس از نظر افزایش اطلاعات و اتخاذ گرایش‌های مثبت در قبال محیط زیست شهری و آگاهی از نقش انسان در برابر آن، دستاوردهای قابل توجهی را بدنبال داشته است. با استفاده از این یافته‌ها می‌توان گفت، معلمینی که دوره آموزشی ضمن خدمت را در آموزش محیط زیست شهری گذرانیده‌اند، گرایش بیشتری به توسعه افکار مثبت نسبت به موضوع محیط زیست شهری خواهند داشت.

«نظریات فرهنگی»: افراد بسیاری در مورد فرهنگ و تأثیر آن بر فرد و تأثیرپذیری آن، تحقیق و بررسی کرده‌اند. اما نقطه مشترک آنها تعامل بین انسان و فرهنگ بوده است. به منظور بررسی ارتباط فرهنگ با رفتار محیط زیست شهری و ارتقاء آن از دو نظریه استفاده شده، که در ادامه به توضیح آنها پرداخته می‌شود. بسیاری از رفتارهای آلوده کننده محیط زیست شهری ناشی از تأخر فرهنگی می‌باشد. اصلاح و بالا رفتن سطح فرهنگ زیست محیطی نه تنها موجب کاهش آلودگی می‌گردد بلکه گرایش مردم نسبت به کنترل و تحت فشار قرار دادن عوامل نهادی آلودگی نیز افزایش می‌یابد. عقب ماندگی جوامع جهان سوم، موجب می‌گردد تا برای پیشرفت، به اقدامات خشونت‌آمیز دست بزنند و همین اقدامات، تعادل نظم، طبیعت و فرهنگ را بر هم می‌زند. در نظریه دوم بر آداب و رسوم و عرف‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند.

«نظریات جمعیت شناختی»: طبق نظر «بوتکین» یکی از عوامل ایجاد بحران محیط زیست، جمعیت می‌باشد. از زمان آفرینش انسان، پیوند در جنس زن و مرد نیز همراه آدمی بوده و این پیوند، تولد انسانهای دیگری را بدنبال داشته است و دوباره پیوند و دوباره تولد و این چرخه همچنان ادامه داشت و هیچ کس به این موضوع فکر نمی‌کرد آیا زمین،

گنجایش افزایش ساکنینش را دارد؟ در سال ۱۷۹۸ هیچکس همانند «مالتوس» بطور جدی و رسمی، بحران جمعیت را مطرح نکرده بود «اصل نظریه او حول این محور می‌چرخد که علی‌رغم افزایش هندسی جمعیت، منابع غذایی به شکل حسابی، افزایش می‌یابد که نهایتاً در صورت افزایش جمعیت دنیا با کمبود غذا مواجه خواهد شد و این کمبود، سایر منابع را تهدید می‌کند و بقای انسان دچار اختلال می‌شود». با توجه به آنکه میزان جمعیت بر محیط زیست شهری آن منطقه مؤثر است، باید با اجرای برنامه‌ریزی‌های صحیح از افزایش جمعیت منطقه جلوگیری کرد.

«نظریات اکوفمنیست»: محیط و طبیعت جزء مواردی می‌باشد که متأثر از رفتارهای مستقیم و غیرمستقیم مردان و زنان است و تفکر، رفتار و بینش این دو جنس، بر چگونگی و کیفیت محیط زیست شهری، مؤثر خواهد بود. «مری فوتر» معتقد است که متصل کردن حرکت زیست بوم‌شناختی و جنبش فمینیستی، یکی از شروط پیروزی هر دو جنبش می‌باشد. محیط زیست شهری را نمی‌توان به دور از جنسیت مورد بررسی قرار داد. طرفداران جنبش فمینیستی و جنبش طرفداران محیط زیست شهری به منظور برتر نشان دادن نگرش زیست شهری زنان بر مردان، کلماتی مانند زمین بکو، مام زمین، تأکید کرده‌اند، چراکه اینگونه واژه‌ها یادآور جنس زن می‌باشند. نوع دیگری از این نظریه بنام «اکوفمنیسم مقاومتی» بر این عقیده پافشاری می‌کند که فکر زنان بیشتر از مردان در زمینه محیط زیست شهری، فعالیت دارد.

اولین سازمان غیردولتی زیست محیطی در ایران گروه روستاییان اشکذر یزد بود که در سال ۱۳۴۹ با هدف تثبیت شن‌های روان و بیابان‌زدایی فعالیت خود را آغاز نمود. بعد از اجلاس ریو و به تبعیت از جنبش جهانی محیط زیست، سایر سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در ایران از اوایل دهه ۷۰ شکل گرفته و به تدریج تاکنون در حال رشد و

گسترش هستند. این سازمان‌ها نقش مؤثری در تسریع به اهداف حفاظت از محیط زیست، کاهش آلودگی و ترمیم خسارات زیست محیطی دارند. جدول ۱ تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی موجود در استان‌های مختلف را در سال‌های ۱۳۸۳ بر اساس آمار وزارت کشور و در سال ۱۳۸۵ بر اساس آمار سازمان حفاظت محیط زیست نشان می‌دهد. این در حالی است که تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی در سال ۱۳۸۱ حدود ۳۷۱ مورد بوده است. با توجه به این آمار ملاحظه می‌شود، تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی در سال‌های اخیر، به علت ایجاد بستری مناسب در جامعه برای جلب مشارکت‌های مردمی و فعالیت جامعه مدنی و روند رو به رشد تخریب محیط زیست افزایش یافته است. اما باید توجه داشت با وجود افزایش تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی، رشد کیفی این سازمان‌ها قابل توجه نبوده است. از جمله چالش‌هایی که موجب گردیده سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی و به تبع آن مشارکت‌های مردمی در کشور با ضعف روبرو باشد، می‌توان به عدم و ضعف در تعامل و برقراری ارتباط با سایر سازمان‌های NGO تخصصی بودن‌های مردم‌نهاد، ضعف در مستندسازی و ارائه تجربیات موفق، محدود شدن سازمان‌های مردم‌نهاد تنها به انجام برنامه‌های نمادین، عدم اثرگذاری در تدوین برنامه‌های استانی و ضعف مدیریت مشارکتی درون سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره نمود.

مشارکت در مدیریت زیست محیطی

نحوه ارتباط با جوامع محلی و تشکل‌های خودجوش مردمی در هر کشور متفاوت است. در حال حاضر شناسایی تشکل‌های محلی زنان اولین گام برای ارتباط با آنان و دخیل نمودن آنان در امر مشارکت می‌باشد. این تشکل‌ها با هدفی که ایجاد شده باشند می‌توانند به کانونی جهت آموزش‌های مختلف زیست محیطی تبدیل شوند؛ بطورمثال شبکه تعاونی‌های روستایی زنان از جمله تشکل‌های

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

جدول ۱. تعداد سازمانهای مردم نهاد زیست محیطی به تفکیک استانها، ماخذ: سازمان

حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۹.

نام استان	تعداد تشکل های زیست محیطی		نام استان	تعداد تشکل های زیست محیطی	
	۱۳۸۳	۱۳۸۵		۱۳۸۳	۱۳۸۵
آذربایجان شرقی	۴۰	۳۱	فارس	۳۰	۴۰
آذربایجان غربی	۱۴	۱۹	قزوین	۵	۱۲
اردبیل	۲	۱۰	قم	۱	۱
اصفهان	۲۰	۱۷	کردستان	۱۰	۹
ایلام	۲۵	۱۹	کرمان	۷	۷
بوشهر	۹	۸	کرمانشاه	۶	۷
تهران	۳۶	۶۰	کهگیلویه و بویراحمد	۵	۶
چهارمحال و بختیاری	۱۳	۸	گیلان	۱۶	۳۴
خراسان رضوی	۱۱	۲۰	گلستان	۴۲	۳۶
خراسان جنوبی		۲	لرستان	۱۶	۱۱
خراسان شمالی		۶	مازندران	۳۰	۳۷
خوزستان	۱۲	۱۷	مرکزی	۵	۵
زنجان	۶	۱۲	هرمزگان	۵	۱۰
سمنان	۴	۱۱	همدان	۵	۵
سیستان و بلوچستان	۲۱	۱۵	یزد	۱۳	۹

موردبخت، مطلع می شوند. از عوامل ارزیابی میزان عملی شدن این سطح از مشارکت، استمرار در فعالیتهای مشترک، تسهیم هزینه ها، بازبودن و گشودگی محیط جلسات، (به نحوی که حق اظهارنظر و مبادله اطلاعات به هر دو طرف داده شود) و همکاری و تشریک مساعی است.

«سطح دوم: مشارکت از نوع هماهنگ سازی»: این سطح از همکاری و مشارکت با هدف هماهنگ سازی فعالیت ها انجام می گیرد. این همکاری باعث کارایی بیشتر سازمان ها در مواجهه با مسایل پیشرو می گردد. این نوع مشارکت معمولاً در بروز حوادث غیرمترقبه نظیر بلایای طبیعی و یا آتش سوزی انجام می گیرد. این سازمانها با ایجاد کمیته های مشترک می توانند در یاری رسانی به مردم نقش اساسی ایفا می نمایند.

«سطح سوم: مشارکت در کنار یکدیگر و تکمیلی»: در این سطح از مشارکت، دو طرف مشارکت- سازمان های دولتی و غیردولتی- با حفظ استقلال ایده ها و دیدگاه های خود، با تعریف

غیردولتی است که به تازگی پا به عرصه وجود نهاده و حاصل بیش از ده سال تلاش مستقل تعاونیهای زنان برای آگاه سازی و ارتقای توانایی-های زنان روستایی و درک اهمیت کارکرد آنان در توسعه پایدار مناطق روستایی است. طبق بررسی های انجام شده از تعداد ۵۵۰ تشکل غیردولتی زیست محیطی که به ثبت رسیده اند، حدود ۱۲۰ تشکل با مدیریت زنان فعالیت می کنند. در ادامه در رابطه با مشارکت زیست محیطی می توان گفت که:

«سطح اول: مشارکت از نوع مشاوره ای»: این همکاری و مشارکت با هدف مبادله اطلاعات بین سازمان های دولتی و غیردولتی انجام می گیرد. در این مشارکت؛ روابط و مناسبات سازمان های مردم نهاد با سایر سازمانها گسترش می یابد. برای عملی کردن این سطح از مشارکت، دو طرف با برگزاری سمینارها، کارگاه های آموزشی، گردهمایی های مشورتی و امثال آن افکار و ایده های خود را با یکدیگر مبادله می کنند. به این ترتیب، آنان از نقطه نظرات یکدیگر درباره مسائل مشترک

چارچوب و برنامه‌ای مشترک، تلاش‌های هدفمند خود را برای حمایت از یکدیگر مشخص و پیگیری می‌کنند. در این سطح هریک از دو طرف دارای علایق متفاوتی هستند ولی برای دست یابی به کنشی مشترک، این علایق را هدایت و برنامه‌ریزی می‌نمایند. تعریف و برنامه‌ریزی شیوه انجام و تحقق بخشیدن به اهداف مشترک، تدوین راهکارهای حمایتی، توسعه توان و ظرفیتهای دو طرف، از زمینه‌هایی اساسی می‌باشند که در این سطح از مشارکت لازم است.

«سطح چهارم: مشارکت از نوع عملگرایی»:

در این سطح از روابط، هر دو طرف نسبت به همکاری میان یکدیگر، تسهیم در یک دیدگاه مشترک، اتخاذ اهداف مشترک، اجرای طرح‌های عملی در سطوح یک برنامه و امثال آن با یکدیگر همکاری و اتفاق نظر دارند. روابط و مکانیزم‌های استفاده شده در این سطح از مشارکت در جهت تسهیل دست یابی به اهداف جمعی نهادینه شده‌اند. هدف این سطح از همکاری، برنامه‌ریزی بلندمدت پروژه‌های مشترک و پیگیری برنامه مصوب به طور همگام و مستمر با اتخاذ روش تصمیم‌گیری مشترک در پیشبرد آنها است.

«سطح پنجم: مشارکت از نوع نهایی»:

رابطه احتمالاً بالاترین شکل و سطح از همکاری میان سازمانهای غیردولتی و دولتی را شامل می‌شود که در آن هر دو طرف یکدیگر را به عنوان بخشهای لازم و ملزوم در فرایند توسعه و دستیابی به اهداف و دیدگاههای مشترک می‌بینند. در این سطح از همکاری هر دو سازمان با یکدیگر براساس نظم و ترتیبی پایدار و بلندمدت و استراتژیک و باتوجه به جنبه‌های مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کار می‌کنند. در این سطح از مشارکت، سازمانهای غیردولتی به منابع دولتی امکان دسترسی دارند و به این سازمانها، فرصت و امکان مشارکت کافی و مورد درخواست آنها در تنظیم و برنامه‌ریزی سیاستها و فرایند تصمیم

گیری محلی و ملی داده شده است. هدف از این نوع همکاری برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای امور به شیوه استراتژیک می‌باشد. مشخصه این شیوه مشارکت و همکاری، نهادینه شدن روابط کاری بین آنها در بلندمدت است که این روابط در بیشترین جنبه‌های زندگی جمعی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی قابل پیگیری و مشاهده می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که سازمان‌های دولتی و غیردولتی با توجه به اهداف و استراتژی‌های سازمانی خود می‌توانند همکاری خود را در سطوح مختلف تعریف نمایند.

مواد و روشها

ماهیت این تحقیق در مرحله اول بنیادی و در مرحله دوم کاربردی می‌باشد؛ لذا روشهای تحقیق نیز عبارتند از:

(*) روش توصیفی- تحلیلی: در این روش که در مرحله ادبیات نظری مورد استفاده قرار گرفته است، از روش توصیفی- تحلیلی برای گردآوری مبانی نظری و ادبیات تحقیق استفاده شده است.

(**) روش کیفی و روش پیمایشی: روش عبارتست از مجموعه شیوه‌ها و تدابیری است که برای شناخت حقیقت و بر کناری از خطا به کار می‌رود. روش خط مشی معقول و منظم برای دستیابی به هدفی معین است (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). روش علمی به راه انتخاب تکنیک‌ها در علم اطلاق می‌شود، به عبارت دیگر ارزیابی راهکار علمی مختلف است. اگر تحقیق را به جنگ تشبیه کنیم روش حکم استراتژی و تکنیک حکم اسلحه را دارد (همان، ص ۱۰۷).

(*) ابزار گردآوری داده: به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در این پژوهش از روشهای ذیل استفاده شده است:

مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی: در بخش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی از منابع و مدارک علمی از جمله کتابها، مقالات، پایان نامه‌ها و جزوات مرتبط با تحقیق استفاده شده است. در این بخش همچنین

می‌باشد که پس از نمونه‌گیری از افراد روستایی مورد نظر در بین آنها توزیع و توسط آنها تکمیل خواهد شد، برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه نیز از نرم افزار SPSS و آزمون آماری ویلکاکسون استفاده شده است.

(*) **جامعه و نمونه آماری:** جامعه آماری این پژوهش ساکنین لواسانات و حومه‌ی آن هستند. دلیل انتخاب این نمونه ضرورت انجام تحقیق در مناطق دارای قابلیت‌های زیست محیطی و تمایلات شخصی پژوهشگر به این منطقه و سکونت در آن و تغییر ساختار زیست محیطی منطقه بوده است. در واقع بسیاری از ساکنین لواسانات به دلیل‌های مختلف در تهران، ساکن لواسانات شده‌اند ولی محل اشتغال آنان در تهران است. تعداد نمونه‌ای که برای این پژوهش در نظر گرفته شده ۲۰۰ نفر است که به صورت تصادفی طبقه بندی و تصادفی ساده و روش گلوله برفی از بین افراد ساکن در لواسانات انتخاب شده‌اند و با رجوع به درب منازل آنان مصاحبه و در عین حال تکمیل پرسشنامه صورت گرفته است. (* حجم نمونه آماری: حجم نمونه آماری پژوهش از طریق فرمول خلاصه‌شده کوکران و با در نظر گرفتن حداکثر واریانس متغیر و احتساب p و q هر کدام برابر $0/5$ و قبول حداکثر خطای $0/05$ (e)، $198/6$ نفر بدست آمده است که در عمل ۲۰۰ نمونه انتخاب شدند (مولر، ۱۳۷۸، ص ۴۴۹):

$$n = \frac{3.84\hat{p}\hat{q}}{e^2}$$

(*) نمونه و نمونه‌گیری؛ روش تصادفی ساده و روش گلوله برفی: این روش که به آن روش شبکه‌ای یا زنجیره‌ای نیز گفته می‌شود، روش کارآمد، ارزان و مناسب به افرادی است که در غیر این صورت دسترسی به آنها مشکل است. در این روش محقق از اولین نمونه‌ها که معمولاً با روش ساده انتخاب شده‌اند می‌خواهد که افراد دیگری را که می‌شناسند که در زمینه موضوع مورد پژوهش دارای تجربیات و

آمار و ارقام و نقشه‌های مورد نیاز از بانک اطلاعات مرکز آمار تهیه شده است.

مطالعات میدانی: در این پژوهش روش میدانی مبتنی بر پرسشنامه می‌باشد. در روش پرسشنامه به منظور ارزیابی مشارکت‌های شهروندی در فرایند حفاظت محیط زیست در لواسانات با مراجعه به مسئولین و مردمان شهر پرسشنامه تکمیل گردیده است. همچنین در گردآوری مطالب مربوط به مباحث تئوریک و سابقه تاریخی موضوع نیز از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است و در بخش میدانی تحقیق از روش پیمایش اجتماعی به عنوان شیوه‌ای که به کشف و شناسایی ویژگیها و توزیع این ویژگیها، نیز چگونگی روابط بین متغیرها در یک جامعه نظر دارد و نیز پرسشنامه مطلوبترین و مرسوم ترین راه تهیه این ویژگیهاست؛ از این تکنیک رایج پیمایشی استفاده می‌شود. همچنین در کنار روش کمی از مشاهده مستقیم و مشارکتی به عنوان یکی از مهم ترین و پرکاربردترین شیوه‌ها و ابزار تحقیق جهت تقویت و واقعی کردن تحقیق استفاده گردید. (* **واحد تحلیل:** گردآوری داده‌ها و انتخاب تکنیک‌های مناسب تحقیق به ارائه تعریفی روشن از واحدهای مورد مطالعه وابسته است. بنابراین یکی از موارد مهمی که محقق بایستی به آن توجه نماید، تعیین و تعریف موردهای تحقیق می‌باشد. در علوم اجتماعی موردهای تحقیق معمولاً افراد جامعه می‌باشند اما مورد تحقیق منحصر به افراد نیست بلکه گروهها، برنامه‌ها، صفات افراد، آمار و ساخته‌های رفتار، محیط، وقایع و رویدادها را دربرمی‌گیرد (بیکر، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲).

(*) **روش تجزیه و تحلیل:** این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی می‌باشد، روش کار نیز، در گام نخست جهت تدوین مبانی نظری تحقیق و مطالعات صورت گرفته از مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی استفاده خواهد شد، سپس در ادامه کار جهت دستیابی به اهداف تحقیق مطالعه میدانی در پیش گرفته می‌شود. ابزار پژوهش نیز پرسشنامه

جدول ۲. محل تولد پاسخگویان و پرسش شوندهگان؛ ماخذ: یافته های پرسشنامه، ۱۳۹۴.

شرح	شهر لوسان	شهرهای دیگر	روستاها و دیگر	خارج ایران
تعداد	۱۲۳	۳۷	۳۶	۴
درصد	۶۱.۵	۱۸.۵ درصد	۱۸ درصد	۲ درصد

جدول ۳. توزیع جنسی پاسخگویان و پرسش شوندهگان؛ ماخذ: یافته های پرسشنامه، ۱۳۹۴.

شرح	مرد	زن	کل پاسخ داده ها
تعداد	۱۲۳	۷۷	۲۰۰
درصد	۶۱.۵	۳۸.۵	۱۰۰ درصد

جدول ۴. توزیع پاسخگویان از نظر گروه های سنی پاسخگویان و پرسش شوندهگان

شرح	گروه های سنی						
	۲۵-۱۸	۳۳-۲۶	۴۱-۳۴	۴۹-۴۲	۵۷-۵۰	۶۵-۵۸	۶۵+
تعداد	۳۶	۸۴	۳۱	۱۸	۱۷	۱۴	۰
درصد	۱۸	۴۲	۱۵.۵	۹	۸.۵	۷	۰

شهروندان و پرسش شوندهگان از نظر سن، جنس، میزان تحصیلات، شغل و محل سکونت دائم آنها بوده است. لذا حصول هر نوع مداخله مناسب مستلزم شناخت گروه های مورد سنجش برای تعیین روابط علی و معلولی موثر در گروه های سنی، جنسی و ویژگی های دیگر است که در این تحقیق نیز به این مهم پرداخته شده است:

(*) محل تولد و مدت اقامت پرسش شوندهگان: در زمینه محل تولد پرسش شوندهگان از آنها درباره محل تولدشان سوال شد. که بیش از ۶۰ درصد متولدین شهر بوده و نتایج آن به شرح جدول ۲ است.

همچنین از ایشان پرسیده شد که اگر متولد جای دیگر بوده اید، چند سال است که در این شهر اقامت داشته اید؟ که در پاسخ بطور میانگین ۸ سال و ۳ ماه میانگین اقامت افراد در لوسانات بوده است. همچنین در زمینه دلایل مهاجرت به لوسان به ترتیب بیشتر افراد دوری گزینی از شهر تهران به دلیل الودگی ها و مشکلات زندگی در مناطق کلانشهری، شرایط ایجاد شده کاری و حرفه ای و یا مجاب شدن بوسیله خانواده برای زندگی در این منطقه را دلایل اصلی ذکر کرده اند. عده ای هم

دیدگاه هایی هستند معرفی می گردند، این روش ضمن اینکه وقت کمی را می گیرد بواسطه آشنایی با فرد اولی افراد دگر به راحتی با محقق همکاری می کنند (ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۸۶، صص ۳۴-۳۳).

(*) **محدوده مورد مطالعه:** محدوده مورد مطالعه شهر لوسانات و محدوده های اطراف آن می باشد.

بیان یافته های تحقیق

به منظور آگاهی یافتن از نظریات شهروندان درباره محیط زیست شهر لوسان و تبیین عوامل ارتقاء میزان مشارکت آنها در نگهداشت و حفاظت محیط زیست شهری و ارائه راهکارهای مداخله مناسب در محدوده مورد مداخله فوق، شناخت خواسته ها و قضاوت های مردمی در مورد وضعیت فعلی زیست محیطی برای تدوین مولفه های مشارکت پذیری شهروندی مناسب برای توسعه زیست محیطی امری لازم و ضروری بنظر می رسد. بر این اساس در طراحی سوالات پرسشنامه دو دسته سوال در نظر گرفته شد که پس از بررسی نتایج پرسشنامه فوق، که مجموعه ای از سوالات مرتبط با فرضیه های آزمون بوده اند، نتایجی به شرح زیر حاصل شده است. هدف از طرح چنین پرسشهایی، شناخت

جدول ۵. توزیع پاسخگویان از نظر میزان تحصیلات پرسش شوندهگان

شرح	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	فوق دیپلم	فوق لیسانس	لیسانس و بالاتر	فوق لیسانس پاسخگویان	کل پاسخگویان
تعداد	۱۶	۱۸	۲۷	۴۳	۶۷	۲۹	۲۰۰	۱۰۰
درصد	۸	۹	۱۳.۵	۲۱.۵	۳۳.۵	۱۴.۵	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۶. توزیع پاسخگویان از نظر گروه های شغلی

شرح	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	فوق دیپلم	فوق لیسانس	لیسانس و بالاتر	فوق لیسانس پاسخگویان	کل پاسخگویان
تعداد	۱۶	۱۸	۲۷	۴۳	۶۷	۲۹	۲۰۰	۱۰۰
درصد	۸	۹	۱۳.۵	۲۱.۵	۳۳.۵	۱۴.۵	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۷. ارزیابی شهروندان از محیط زیست لواسان؛ ماخذ: یافته های پرسشنامه، ۱۳۹۴.

شرح	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	فوق دیپلم	فوق لیسانس	لیسانس و بالاتر	فوق لیسانس پاسخگویان	کل پاسخگویان
تعداد	۱۶	۱۸	۲۷	۴۳	۶۷	۲۹	۲۰۰	۱۰۰
درصد	۸	۹	۱۳.۵	۲۱.۵	۳۳.۵	۱۴.۵	۱۰۰	۱۰۰

تحصیلات اکثریت پاسخگویان دارای تحصیلات لیسانس (و یا دانشجوی لیسانس) بوده اند که پس از آن سطح فوق دیپلم (دانشجوی فوق دیپلم) با ۲۱.۵ درصد در سطح دوم قرار گرفته است. در مقابل دارندگان تحصیلات ابتدایی نیز با ۸ درصد در سطح انتهایی قرار گرفته اند. بر این اساس توزیع پاسخگویان از نظر میزان تحصیلات به شرح جدول زیر است:

(*) شغل پرسش شوندهگان: از نظر شغلی بیش از ۴۵ درصد پرسش شوندهگان دارای شغل آزاد بوده اند. نکته قابل توجه درصد بیکاران در میزان گردشگران محدوده مورد مداخله است که در قالب جدول ۶ مورد اشاره قرار گرفته است:

(*) بیان یافته های مطالعاتی

بیماری و نیاز به فرار گرفتن در محیط با شرایط زیست محیطی بهتر و برخورداری از آب و هوای سالمتر را دلیل اقامت در لواسان اعلام کرده اند. (*) جنس پرسش شوندهگان: از کل پاسخگویان پرسشنامه ها (معمولاً شهروندان و پرسش شوندهگان) ۶۱.۵ درصد مرد و ۳۸.۵ درصد زن بوده اند.

(*) سن پرسش شوندهگان: از نظر سنی بیشتر پاسخگویان در گروه های سنی ۱۸-۲۵ سال و ۲۶-۳۳ سال قرار داشتند که درصد تعداد گروه های سنی پاسخگویان و پرسش شوندهگان فوق، معادل با ۱۸ و ۴۲ درصد بوده است. پس از آنها گروه های سنی ۲۶-۳۳ سال و ۴۲ تا ۴۹ سال قرار داشته اند (جدول ۴).

(*) تحصیلات پرسش شوندهگان: از نظر سطح

جدول ۸. میزان تاثیر محیط زیست لواسان در انتخاب آنجا به عنوان محل سکونت؛
 ماخذ: یافته های تحقیق.

میزان	نقش زیاد	نقش کم	بدون نقش
تعداد	۱۴۳	۳۷	۲۰
	۰.۷۱۵	۰.۱۸۵	۰.۱
	۷۱.۵ درصد	۱۸.۵ درصد	۱۰ درصد

جدول ۹. عوامل موثر بر تخریب زیست محیطی لواسان؛ ماخذ: یافته های حاصل از پرسشنامه، ۱۳۹۴.

میزان	نقش زیاد	نقش کم	بدون نقش
تعداد	۱۴۳	۳۷	۲۰
	۰.۷۱۵	۰.۱۸۵	۰.۱
	۷۱.۵ درصد	۱۸.۵ درصد	۱۰ درصد

جدول ۱۰. نقش سازمانها در حفظ محیط زیست؛ ماخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۴.

میزان	نقش زیاد	نقش کم	بدون نقش
تعداد	۱۴۳	۳۷	۲۰
	۰.۷۱۵	۰.۱۸۵	۰.۱
	۷۱.۵ درصد	۱۸.۵ درصد	۱۰ درصد

اذهان آنها باقی مانده که لازم است تا نسبت به ارتقاء و بهبود آن اقدام لازم صورت گیرد. همچنین از شهروندان ساکن در شهر لواسانات پرسیده شد که «محیط زیست و شرایط آب و هوایی لواسان چقدر در انتخاب شما در سکونت در این شهر نقش داشته است؟». در پاسخ بالای ۷۰ درصد شهروندان نقش زیاد محیط زیست را در انتخاب لواسان به عنوان مکان زندگی بیان داشته اند. افراد باقیمانده نیز صرفاً جبر کاری و حرفه ای، و یا ملک پدری و سکونت نسلهای پیشین را دلیل سکونت در لواسانات دانسته اند. نتایج این گویه پرسشنامه به شرح جدول ۸ است.

در پاسخ به این پرسش که «به نظر شما کدامیک از عوامل زیر نقش زیادی در تهدید محیط زیست لواسان دارد؟»، به ترتیب: ۱. تخریب باغات و ۲. افزایش ساخت و سازها و ۳. آلودگی آبها در حریم

گویه های پرسشنامه بر محوریت میزان شناخت از محیط زیست، ارزیابی شهروندان از عملکرد مسئولان زیستی محیطی، میزان شناخت از انجمن های مردم نهاد زیست محیطی و در نهایت راهکارهای مورد نظر آنها در ارتقاء زیست محیطی و در واقع میزان مشارکت پذیری آن و زمینه سازی برای استقرار مشارکتهای زیست محیطی در شهر لواسان بوده است. در یک گویه از شهروندان پرسیده شد که «وضعیت محیط زیست شهر لواسان را چگونه ارزیابی می کنید؟» برای این سوال از طیف لیکرت ۵ گانه استفاده شده بود که نتایج آن به شرح جدول ۷ است.

تقریباً بر اساس آنچه که نتایج پرسشنامه نشان می دهد مردم از وضعیت لواسان و محیط زیست آن، رضایت دارند ولی گسترش تخریب باغات و ساخت و سازهای بی رویه به عنوان یک ذهنیت موجود در

جدول ۱۱. ارزیابی عملکرد مسئولان بر اساس نظر شهروندان در قبال محیط زیست؛ ماخذ: یافته‌های پرسشنامه، ۱۳۹۴.

میزان (نظرسنجی)	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف
تعداد	۱۳	۱۴	۱۰۱	۴۰	۲۶
	۰.۰۶۵	۰.۰۷	۰.۵۰۵	۰.۲۰	۰.۱۳
	۶.۵ درصد	۷ درصد	۵۰.۵ درصد	۲۰ درصد	۱۳ درصد

را مثبت ارزیابی کرده‌اند، ولی این میزان نیز تا حدودی متزلزل نشان می‌دهد که ضرورت نگاه ویژه مدیران و مسئولان زیست محیطی شهر را نسبت به محیط زیست و زیست بوم شهر لواسان را لازم الاجرا می‌کند.

در مجموع نمی‌توان ارزیابی دقیقی در این زمینه ارائه داد؛ چراکه بیشینه پرسش‌شوندگان به سازمانهای متولی مراجعه نکرده‌اند. ولی همین تعداد مراجعه محدود نیز عملکرد و پاسخگویی را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. همچنین از شهروندان پرسش شد: «اگر جواب شما خیر است، دلیل عدم مراجعه و تماس شما با مسئولین و نهادهای مربوطه در خصوص مشکلات زیست محیطی چه بوده است؟» دلایلی عمده شهروندان در تعداد معدودی که شاید به دلایلی پاسخ نداده‌اند یا از پاسخگویی طفره رفته‌اند؛ بدین شرح بوده است:

«مشغله زیاد کاری و درسی و حرفه‌ای؛ بی‌اعتمادی به مسئولان و افراد ذی نفوذ ذی ربط به حوزه محیط زیست؛ عدم ارتباط تخصص مسئولان به مدیریت شهری و محیط زیست و در نتیجه بی‌فایده فرض شدن مراجعه به ارگانهای ذی ربط؛ اعتقاد به بی‌ثمر بودن مراجعه به مسئولان برای بهبود محیط زیست یا اصلاح امور؛ عدم اطلاع رسانی در زمینه امکان مراجعه و یا ثمر بخشی مراجعات در این رابطه.»

علاوه بر موارد فوق الذکر، از شهروندان و ساکنان شهر پرسیده شد که «اگر شما یکی از مسئولین شهر بودید در خصوص مسایل و مشکلات زیست محیطی شهر چه اقدامی انجام می‌دادید؟». عمده مردم به این سوال به صورت محدود پاسخ داده‌اند که اهم نتایج این بخش پرسشنامه بدین شرح

رودخانه‌ها بیشترین نقش را به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل توجه این است که تقریباً بیشترین نقشها در تخریب محیط زیست در حوزه عمل شهرداری بوده و این موضوع نشانگر این است که از دید شهروندان نقش شهرداری در زمینه حفاظت محیط زیست از سایر ارگانها مهمتر بوده و باید شهرداری در زمینه ساخت و سازهای غیرمجاز که تخریب باغات و احتمالاً آلودگی منابع آبی را به همراه دارد، دقت عمل بیشتری داشته و بر این مهم همت گمارد.

در سوالی از پرسش‌شوندگان در زمینه نقش ارگانها در قبال حفاظتهای زیست محیطی پرسش شد. گویه پرسشنامه بدین شکل مطرح شده بود: «به نظر شما کدامیک از ارگانهای زیر می‌توانند نقش بیشتری در حفظ محیط زیست شهری لواسان داشته باشند؟» پاسخها بدین شرح جدول ۱۰ بود.

اکثر پرسش‌شوندگان معتقد بوده‌اند که همکاری همزمان همه سازمانهای متولی در زمینه حفاظت محیط زیست می‌تواند راهگشا باشد. ولی نکته قابل تامل تاکید آنها به بیشتر بودن نقش شهرداری در زمینه حفاظت محیط زیست بوده است که می‌تواند حاکی از این ضرورت باشد که مدیران شهری باید اتلافات ویژه‌ای به محیط زیست شهری داشته باشند. در زمینه ارزیابی عملکرد مسئولان در قبال محیط زیست، از شهروندان پرسیده شد: «عملکرد مسئولین شهر را در خصوص حفظ محیط زیست شهری چگونه ارزیابی می‌کنید؟» برای پاسخگویی از طیف لیکرت ۵ گانه استفاده شده بود که نتایج حاکی از آن است که تقریباً نیمی از پرسش‌شوندگان عملکرد مسئولان را متوسط ارزیابی کرده‌اند. هرچند که بیش از ۶۰ درصد شهروندان عملکرد مسئولان

جدول ۱۲. میزان آگاهی از فعالیتهای نهادهای مردمی زیست محیطی؛ ماخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۴.

میزان (نظرسنجی)		بله	خیر	بی پاسخ
تعداد		۳۹	۱۴۳	۱۸
		۰.۱۹۵	۰.۷۱۵	۰.۰۹
		۱۹.۵ درصد	۷۱.۵ درصد	۹ درصد

است:

ادامه رویه موجود و عدم فروش به افراد سودجوی زمین خوار؛ حفاظت از گونه های گیاهی و جانوری در منطقه»

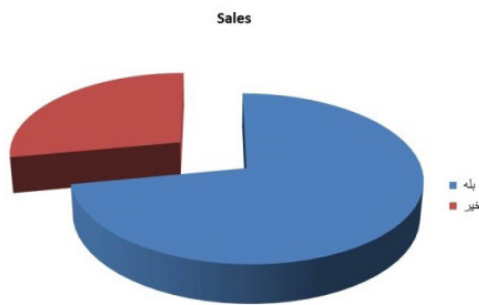
در ادامه از شهروندان پرسش شد: آیا در خصوص گروههای مردم نهاد زیست محیطی (NGO)ها اطلاعی دارید؟ یا عضو چنین گروههای هستید؟ در پاسخ بیش از ۸۰ درصد افراد گفته اند که آگاهی چندانی از فعالیتهای صورت گرفته به واسطه سمینا ندارند. افراد اعلام کرده اند که تنها و صرفاً اسم چنین تشکلهایی را شنیده اند و آگاهی چندانی از میزان و نوع فعالیتهای آنها ندارند. لذا لازم است در این رابطه اقدامات لازم در زمینه آشنایی ساکنان لواسان با سمینا و نهادهای خصوصی در حوزه مدیریت محیط زیست صورت گیرد. در راستای سوال فوق، از شهروندان و ساکنان شهر لواسان پرسیده شد: «آیا شما اطلاعی از برنامه های که تاکنون از سوی نهادهای مختلف یا گروههای مردم نهاد در خصوص حفظ محیط زیست به مناسبتهای مختلف انجام شده دارید؟» بالای ۷۰ درصد شهروندان از وجود سازمانهای مردم نهاد در شهر که در زمینه فعالیتهای زیست محیطی فعالیت می کنند، اظهار بی اطلاعی کرده اند. نتایج مربوطه به شرح جدول ۱۲ است:

نکته قابل تامل این است که ۹ درصد اصلاً اسم گروه های فعال در زمینه محیط زیست را نشنیده اند و یا به سوال مربوطه پاسخ نداده اند. در مجموع می توان گفت که امروز در دنیا سازمان های مردم نهاد و نهادهای خصوصی قسمت عمده مسئولیت های زیست محیطی را برعهده دارند، درحالی که این موضوع در ایران به طور عام

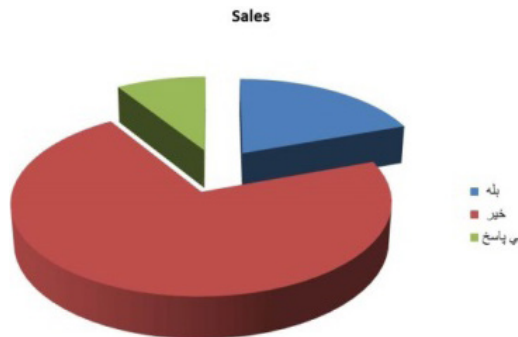
«جلوگیری از ساخت و ساز بی رویه در حریم شهر و رودخانه ها؛ تبلیغات در زمینه حفاظت محیط زیست و التزام نگهداشت و پاسداشت زیست بوم شهر لواسان؛ ایجاد و راه اندازی کارگروه محیط زیست در شهرداری و منطقه لواسانات بوسیله مسئولان و افراد ذی ربط؛ اعلام وضعیت هشدار زیست محیطی در برخی از بخشهای منطقه؛ بهره گیری از راهکارهای روز در حفاظت و مقابله با آلودگی؛ مبارزه با احداث و ایجاد بنا در خارج از محدوده قانونی شهر و در صورت اقدام التزام سازی به اخذ مجوزهای زیست محیطی از مجراهای نظارتی و زیست محیطی شهر لواسان؛ استفاده از مشارکت شهروندان در کارهای جمعی و مشارکتی؛ جلوگیری از کوه خواری و جنگل خواری در منطقه؛ گسترش فضاهای سبز در سطح شهر و بالاخص در مبادی ورودی شهر؛ جمع آوری پادگان لشکرک؛ استفاده از مجربین و اساتید دانشگاهی در طرح ها و برنامه های مدیریتی زیست محیطی با طراحی یک بدنه کارشناسی و ذی ربط با حوزه محیط زیست شهری؛ الگوبرداری از تجارب کشورهای موفق در زمینه برنامه ریزی محیط زیست و تطبیق آن با شرایط فعلی فرهنگی و اقتصادی کشور؛ گسترش زیرساختهای تاثیرگذار در بهداشت و محیط زیست منجمله سطل های زباله و موارد مشابه دیگر؛ جلوگیری از تخریب فضای سبز و از بین بردن باغات؛ زیباسازی شهری و ارتقاء گردشگری اکوتوریسم در منطقه لواسانات؛ پاکسازی سد لتیان از زباله ها و الودگیهای موجود؛ جلوگیری از چرای بی حد دامها و از بین بردن مراتع؛ ارائه تسهیلات و بسته های تشویقی حمایتی به کشاورزان برای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016



نمودار ۲. میزان مشارکتهای زیست محیطی در سمنها در صورت آگاهی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.



نمودار ۱. میزان آگاهی از فعالیت سازمانهای مردم نهاد زیست محیطی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

نداشتن وقت کافی را از دلایل اساسی در این زمینه دانسته اند. در مجموع می توان نتیجه گرفت که وضع موجود جامعه و مشکلات بیش از حد زندگی فعلی شهروندان مانع اصلی در زمینه مشارکت افراد و ساکنان شهر لواسان در عضویت یا همکاری با سازمانهای مردم نهاد بوده است. همچنین پرسش شد که به نظر شما شما کدامیک از عوامل زیر می تواند نقش موثری در جلب مشارکت شهروندان در حفظ محیط زیست داشته باشد؟ این سوال از شهروندان مورد پرسش قرار گرفت. در پاسخ بالای ۵۰ درصد شهروندان نقش آموزش شهروندی را در زمینه مشارکت شهروندان موثرتر دانسته اند. نتایج این بخش در قالب جدول ۱۴ ارائه شده است. در ادامه از شهروندان پرسیده شد که: «مردم معمولاً در پاکیزگی منزل و محل سکونت خود به خوبی می کوشند و معمولاً آن را پاکیزه و مرتب نگه میدارند اما گاهی در حفظ و پاکیزه نگهداشتن مکانهای عمومی چنین رفتاری ندارند. دلیل آن را چه می دانید؟» این سوال به صورت بازپاسخ مطرح شده بود که نظرات افرادی که به این سوال پاسخ تشریحی داده اند، بدین شرح بوده است:

«عدم باور به این موضوع که شهر خانه دوم ماست؛ بی تفاوتی و سهل انگاری در زمینه محیط زیست؛ کاهلی و تساهل در نگهداری محیط زیست به دلیل عدم آگاهی فردی؛ عدم مسئولیت پذیری در قابل شهر و پاکیزگی آن؛ مشکلات اقتصادی و فرهنگی

و لواسان به طور خاص، در وضعیت بسیار نامطلوبی ارزیابی می شود و نیازمند تسهیل فرایندهای اجرایی تشکیل این گروه ها و اخذ مجوزها و ترغیب مردم به تشکیل دهی و مشارکت در این سازمان های مردم نهاد می باشد. در پاسخ به این سوال که: «اگر از چنین برنامه های اطلاع داشتید، در آن شرکت می کردید؟» نتیجه حاصل به شرح جدول ۱۳ است. نکته قابل تامل این است که هرچند بیشینه مردم و پرسش شوندگان از ماهیت گروه های مردم نهاد در لواسان آگاهی نداشته اند، ولی ابراز تمایل کرده اند که در صورت آگاهی تمایل به مشارکت دارند. هرچند این موضوع نمی تواند نشانگر مشارکت واقعی شهروندان باشد و صرفاً جنبه کلامی و در حد حرف دارد، ولی در هر حال نشان می دهد که تمایل به مشارکت در زمینه محیط زیست شهری از نظر ایشان وجود داشته و در صورت سازماندهی مشارکتی و ایجاد بسته های تشویقی میتوان حداقل امکان مشارکت پذیری افراد را افزایش داد. در سوالی از افراد پرسیده شد که چرا در جلسات گروه های مردم نهاد محیط زیست در صورت آگاهی شرکت نکرده اند؟ اکثریت افراد بدلیل عدم آگاهی از سازمانهای مردم نهاد به این سوال پاسخ نداده اند. افرادی نیز که از ماهیت این گروه ها آگاهی داشته اند، دلایلی مانند مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی و مشغولیت های زندگی و

جدول ۱۳. میزان مشارکت در فعالیتهای زیست محیطی
سمنها در صورت آگاهی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

میزان (نظرسنجی)	بله	خیر
تعداد	۱۴۶	۵۴
	۰.۷۲	۰.۲۸
	۷۲ درصد	۲۸ درصد

جامعه در شرایط فعلی.»

در سوالی از شهروندان پرسیده شد که: «به نظر شما حساسیت مسئولین شهر در خصوص مسائل زیست محیطی چقدر میباشد؟». در پاسخ تنها ۲۷ نفر مسئولان را نسبت به محیط زیست حساس دانسته اند. نتایج مربوطه در جدول ۱۵ مورد اشاره قرار گرفته است.

نکته قابل تامل این است که ۵۲ درصد ارزیابی متوسط داشته اند. ۳۴،۵ درصد نیز حساسیت مسئولان را ضعیف ارزیابی کرده اند که در مجموع هرچند نسبتاً قابل قبول به نظر می رسد ولی لازم است تا راهکارهایی در جهت بهبود نظرات شهروندان به عملکرد مسئولان سنجیده شود.

در مورد میزان کیفیت عملکرد شورای اسلامی در خصوص مسائل زیست محیطی از شهروندان پرسیده شد: «عملکرد شورای اسلامی شهر را در خصوص مسائل زیست محیطی شهر چگونه ارزیابی می کنید؟». در پاسخ در قالب طیف لیکرت ۵ گانه به انجام رسیده بود، ۵۴ نفر عملکرد شورا مثبت ارزیابی کرده اند و بیشینه شهروندان آن را متوسط دانسته اند. نتایج تحلیلی در قالب جدول ۱۶ ارائه

شده است.

چنانچه از آمار فوق مشاهده میشود، تنها ۲۷ درصد عملکرد شورا را مطلوب ارزیابی کرده اند، ۵۱ درصد آن را در حد متوسط ارزیابی نموده اند و ۲۲ درصد نیز آن را نامطلوب دانسته اند. در رابطه با چرایی ارزیابی نامطلوب برخی از شهروندان دلایل عمده ایشان: مقولاتی مانند تاثیرگذاری بر فرایند تصمیم گیری شورا، عدم شفافیت در فرایندهای تصمیم گیری و برخی از مسائل در رابطه با فشارهای ذی نفوذان محلی در سازوکارهای مناسب تصمیم گیری عنوان شده است. در زمینه ارزیابی مردم از وضعیت زیست محیطی شهر لواسان در حال حاضر، از شهروندان پرسیده شده که «اگر حد اعلا یکی شهر را ۲۰ در نظر بگیریم به نظر شما شهر شما الان چه نمره ای می گیرد؟». در پاسخ به این سوال در مجموع ۱۷۸ نفر به این سوال نمره ای را به وضعیت زیست محیطی شهر اظهار داشته اند که میانگین آن ۱۴/۶ از ۲۰ منظور شده است که نشان از ۷۳ درصد وضعیت آرمانی مربوطه در این زمینه بوده است که در قالب داشبورد مدیریتی زیر مورد اشاره قرار گرفته است. به منظور ارزیابی میزان رضایتمندی شهروندی از نظام داشبورد تنظیم گردیده است. شایان ذکر است که تأکید بر استفاده از روش داشبورد به جهت ایجاد امکان مقایسه کیفی تر است.

نظر پاسخ دهندگان به هر سوال با استفاده از فرمول های میانگین، انحراف معیار و t تعیین می شود. فرضیه صفر و فرضیه یک به صورت زیر تعیین شده است:

جدول ۱۴. میزان نقش عوامل موثر در جلب مشارکتهای زیست محیطی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

میزان (نظرسنجی)	تبلیغات	آموزش شهروندی	تشکیل گروه های مردم نهاد	همه موارد
تعداد	۲۸	۷۴	۹	۸۹
	۰.۱۴	۰.۳۷	۰.۰۴۵	۰.۴۴۵
	۱۴ درصد	۳۷ درصد	۴.۵ درصد	۴۴.۵ درصد

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۰۷

جدول ۱۵. میزان حساسیت مسئولان به مسائل زیست محیطی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

میزان (نظرسنجی)	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف
تعداد	۱۳	۱۴	۱۰۴	۴۳	۲۶
	۰.۰۶۵	۰.۰۷	۰.۵۲	۰.۲۱۵	۰.۱۳
	۶.۵ درصد	۷ درصد	۵۲ درصد	۲۱.۵ درصد	۱۳ درصد

جدول ۱۶. ارزیابی عملکرد شورای اسلامی؛ ماخذ: یافته های پرسشنامه، ۱۳۹۴.

میزان (نظرسنجی)	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف
تعداد	۱۴	۴۰	۱۰۲	۱۸	۲۶
	۰.۰۷	۰.۲	۰.۵۱	۰.۰۹	۰.۱۳
	۷ درصد	۲۰ درصد	۵۱ درصد	۹ درصد	۱۳ درصد

نظرات پاسخ دهندگان از روی پرسشنامه شمارش گردیده که نتایج آن به شرح جدول زیر است: بر اساس رابطه فوق نتایج آزمون یکی از دو حالت زیر را در پی خواهد داشت:

حالت H_1

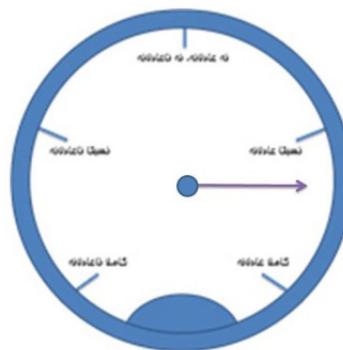
اقدامات لازم برای مشارکت سازی شهروندان در مقوله حفاظت زیست محیطی لواسان انجام نشده است و نشانگر تایید فرضیه خواهد بود.

حالت H_0

اقدامات لازم برای مشارکت سازی شهروندان در مقوله حفاظت زیست محیطی لواسان (با تاکید بر وضعیت کالبدی موجود) انجام شده است که دلالت بر رد فرضیه فوق خواهد داشت. با توجه به مقادیر بدست آمده در جدول زیر فرضیه H_0 پذیرفته می شود. بر اساس رابطه فوق نتایج آزمون یکی از دو حالت زیر را در پی خواهد داشت: با توجه به مقادیر بدست آمده در جدول فوق فرضیه H_0 پذیرفته می شود که نشانگر ضرورت ارتقاء سیاستها، راهکارها و راهبردهای کلان در حوزه نگهداشت و حفاظت زیست محیطی می باشد.

نتیجه گیری و جمع بندی

در زمینه پیشنهادات شهروندان در زمینه بهبود و ارتقاء کیفیت زیست محیطی، اهم نظرات حاصل به شرح زیر است: «تشویق مردم و ارائه تسهیلات به کشاورزان در جهت عدم تفکیک باغات به منظور



نمودار ۳. میزان رضایت شهروندان از زیستبوم و محیط زیست فعلی شهر لواسان؛ ماخذ: نگارنده.

فرضیه صفر بصورت زیر تعریف شده است. پس از تعیین t هر سوال اگر شرط برقرار بود، فرضیه H_1 که در واقع ادعای محقق می باشد، اثبات می گردد و در غیر اینصورت فرضیه رد می شود.

$$2.5 \leq H_0 : M_U$$

فرضیه ۱ نیز بصورت زیر در نظر گرفته شده است که در قالب جدول زیر مورد اشاره قرار می گیرد: فرضیه ۱ بصورت زیر تعریف شده است. پس از تعیین t هر سوال اگر شرط برقرار بود، فرضیه H_1 که در واقع ادعای محقق می باشد، اثبات می گردد و در غیر اینصورت فرضیه رد می شود.

$$2.5 H_0 : M_U \leq 2.5$$

جدول ۱۷. نتایج استخراج شده نهایی از پرسشنامه

شرح	تعداد
تعداد نمونه	۲۰۰ نفر
میانگین	۲.۱۰۶
انحراف معیار	۰.۵۱

جدول ۱۸. جمع بندی نتایج محاسبات آماری بر اساس نظرسنجی لواسانات

فرصیه	سوالات	تعداد	df	t استودنت	نتیجه
وضعیت مشارکت پذیری شهروندی در حفاظت زیست محیطی در راستای توسعه و حفاظت زیست محیطی لواسانات نبوده و نمی تواند به فرایندی کارآمد در حوزه بهبود و ارتقاء زیست محیطی تبدیل شود.	۵	۱۴۷	۱۴۶	-۱۱.۶۳	تایید
	۶	۱۳۸	۱۳۷	-۸.۸۳۵	*
	۷	۱۴۸	۱۴۷	-۱۱.۴۳	*
	۱۱	۷۱	۷۰	-۴.۲۲۱	*
	۱۲	۵۶	۵۵	-۳.۱۱۳	*
	۱۳	۶۶	۶۵	-۳.۴۲۳	*
	عدم تایید				

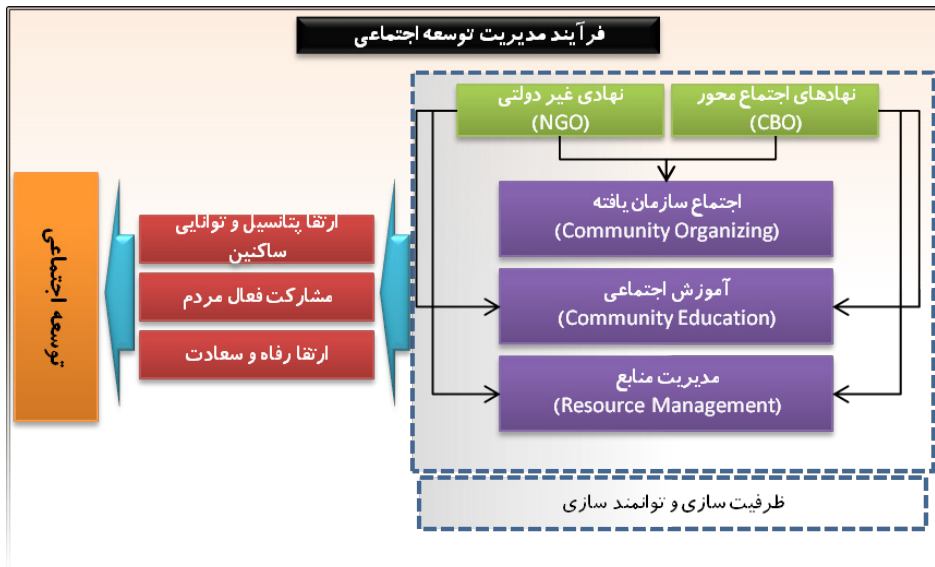
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۰۹

و سازمانهای متولی و دخیل در فرآیند برنامه ریزی محیط زیست شهر لواسان؛ اطلاع رسانی عمومی به مردم در زمینه التفات بیشتر به محیط زندگی و زیست بوم شهری؛ کنترل و کاهش فشارهای سیاسی کلان به مسئولین دخیل در برنامه ریزی زیست محیطی و مدیران شهری؛ حکم شدن ضوابط به جای روابط در اقدامات زیست محیطی و موارد تاثیرگذار دیگر بر محیط زیست و زیست بوم شهری؛ پلمپ واحدهای صنفی متخلف موثر در تخریب محیط زیست مخصوصاً رستورانهای موجود در حریم رودخانه؛ بکارگیری و مشاوره با افراد مجرب محیط زیستی در برنامه ها و اقدامات عملیاتی و اجرایی؛ حفظ باغات و جلوگیری از تخریب آنها در منطقه لواسانات؛ تشکیل گروه های کارشناسی برای حفظ محیط زیست با همکاری شهرداری و بخشرداری؛ کلاسهای آموزشی برای گردشگران برای استفاده درست از زیست بوم و محیط زیست شهر لواسان؛ کاهش میزان عدم هماهنگی ارگانها و مسئولان در قبال مخاطرات و موضوعات زیست محیطی در شهر؛

ساخت و ساز؛ برخورد قاطع با تخلفهای مسئولان در شهرداری و سایر ارگانها در قبال محیط زیست؛ نظارت به رویه ساخت و ساز و تدوین ضوابط در حوزه ساخت و سازهای درون شهری مشتمل بر: میزان طبقات و تراکم مسکونی و موارد مشابه دیگر؛ بهره گیری از زمین های رها شده دارای خاک حاصلخیز در منطقه برای کشاورزی و توسعه باغات و فضاهای سبز؛ تبیین و ارائه راهکارها و رویه های روشن در راستای مشارکت پذیری شهروندان در زمینه حفاظت و نگهداشت محیط زیست شهری؛ برگزاری همایشهای مربوط به حفاظت محیط زیست شهر و التزام آن برای آگاهی بخشی عمومی به شهروندان و بهره گیران از محیط زیست شهر لواسان؛ ایجاد تشکلهای و برگزاری برنامه های آموزشی برای آشنایی بیشتر با محیط زیست و ضرورت های نگهداری محیط زیست؛ ایجاد تشکلهای سازمان های مردم نهاد برای نگهداری و پاسداشت محیط زیست شهر لواسان؛ مداخله و مشارکت شهروندان در برنامه ریزی زیست محیطی شهر لواسان در حوزه تمام ارگانها



نمودار ۳. فرآیند مدیریت توسعه اجتماعی و نقش سازمانهای غیردولتی و مردم نهاد در توسعه مشارکت زیست محیطی؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

نگهداشت و حفاظت زیست بوم شهر و تفهیم آن به شهروندان و ساکنان شهر لواسان؛ اطلاع رسانی درست و مناسب از موضوعات و برنامه های زیست محیطی در شهر لواسان به عامه مردم و ساکنان؛ اجبار ادارات و سازمانهای دخیل و متولی در زمینه نگهداشت و حفاظت محیط زیست و رفع کم کاری، اهمال و تساهل و تسامح آنها در موضوعات زیست محیطی شهر لواسان؛ ارتقاء حس شهردوستی در میان ساکنان شهر لواسان؛ آگاه سازی مردم از عواقب و تبعات منفی تخریب محیط زیست برای تمام اقشار اجتماعی خاصه کودکان در سطوح مختلف خانواده، مدرسه، و شهر؛ ایجاد فضای سبز و طراحی و اجرای کمربند سبز در حاشیه رودخانه؛ فرهنگ سازی از طریق آموزشهای عمومی، تبلیغات شهری و رسانه ای؛ جلب مشارکت تمام ارگانها در ارتقاء زیست محیطی شهر لواسانات.

معیارهای مشخصی برای ارزیابی مشارکت شهروندان در مدیریت زیست محیطی باید وجود داشته باشد که شامل موارد زیر است:

«شیوه برخورد دولت با برنامه ریزی محیط زیست و سازوکارهای اجرایی»: در

بهره گیری از متخصصان و افراد مجرب در موضوعات مربوط به محیط زیست و فرایندهای تصمیم سازی مربوط به آن؛ مکان یابی بهینه و درست کاربری های شهری بالاخص قبرستان و آرامستان شهر لواسان؛ قرارگیری کاربری های ورزشی در مکانهای مناسب و التفات به موارد مشابه دیگر؛ بهره گیری از افراد دارای شناخت به جغرافیای طبیعی و زیست محیطی شهر لواسان در ارگانها و سایر اقدامات مربوطه زیست محیطی در شهر لواسان؛ استفاده از مسئولین دارای سابقه تحصیلی و حرفه ای در زمینه محیط زیست؛ توجه بیشتر شخصیت های ذی نفوذ ساکن در لواسانات به اقلیم و زیست بوم منطقه و کمک آنها به پیشرفت تکنولوژیک در زمینه نگهداشت و حفاظت زیست محیطی؛ بهره گیری از مدیریت یکپارچه زیست محیطی در زمینه های مرتبط با زیست بوم و جغرافیای طبیعی منطقه لواسانات؛ عدم توسعه بی رویه در حریم و جلوگیری از ساخت و سازهای بی رویه در حومه و باغات مربوطه؛ بهره گیری از گروه های مردم نهاد و مشارکت بهینه شهروندان در فرایندهای مدیریت زیست محیطی لواسانات؛ ارتقاء فرهنگ عمومی شهروندی در زمینه بایستگی

اساسی، داشتن حق اعتراض به پروژه‌های شهری دارای تبعات برای زیست بوم و محیط زندگی شهروندان به همراه ساز و کار اعمال این اعتراضات در پروژه‌ها به گونه‌ای که منافع عمومی زیست محیطی تامین شود، می‌باشد.

«ارجحیت منافع زیست محیطی مردم بر منافع اقتصادی دولتی یا گروه‌های خاص ذی نفوذ»: در برنامه ریزی سنتی ارجحیت منافع برنامه ریزان و دستگاه‌های اجرایی در نظر گرفته می‌شود، در برنامه ریزی بر اساس مشارکت شهروندان در محیط زیست، در جایی که بین منافع دولت و منافع مردم تعارضی وجود داشته باشد، منافع مردم ترجیح داده می‌شود.

«نظارت شهروندان بر برنامه ریزی، و طراحی و اجرای طرح‌های عمرانی شهری»: سازمانها و نهادهای دولتی، باید در مقابل عملکرد خود پاسخگو باشند و هر چه مردم نظارت بیشتر و جمع‌تری از جانب مردم وجود داشته باشد، به مشارکت واقعی در محیط زیست نزدیک‌تر می‌شویم.

«وجود مرجعی برای تصمیم‌گیری نهایی در موضوعات زیست محیطی»: در برنامه ریزی محیط زیست بر اساس مشارکت شهروندان، با وجود مرجعی برای تصمیم‌گیری مواجه هستیم. در کل در کشور ما اصولاً متولی نهایی تصمیم‌گیری در موضوعات زیست محیطی مشخص نیست که نیازمند بازنگری است.

سیاستهای پیشنهادی مشارکت‌سازی زیست محیطی در لواسان نیز عبارتند از:
اشاعه شیوه‌های پایدار در تولید و مصرف از طریق مبارزه با تخریب محیط زیست و تلاش در جهت اصلاح الگوهای ناپایدار تولید و مصرف و تصحیح زمینه‌سازی روش‌ها در سطح شهر لواسان؛
ایجاد انگیزه و تقویت روحیه مشارکت و مسئولیت‌پذیری در حل معضلات و حفاظت از محیط زیست در کلیه اقشار مختلف جامعه شهری لواسانات؛

برنامه‌ریزی شهری متمرکز بالاخص در مقولات زیست محیطی که جلوه کمتری داشته و یا کمتر زیر ذره بین منتقدان احتمالی قرار می‌گیرند، با عدم اعتقاد درونی برنامه‌ریزان با مشارکت شهروندان در حوزه محیط زیست و زیست بوم شهرها مواجه بودیم. در واقع علت اصلی توسل به مشارکت مدیران شهری، کسب مشروعیت برای پروژه و کاهش مقاومت مردم در مقابل آن و سهولت اجرای پروژه عمرانی حتی در صورت داشتن تبعات منفی زیست محیطی و افزایش آلودگی‌های زیستی و کیفیت زندگی است.

«انطباق با شرایط بومی و محلی محیط زیستی شهر»: در برنامه ریزی محیط زیست بر اساس مشارکت شهروندان، مردم بومی و محیط زیست آن‌ها باید محورهای اصلی مطالعه و برنامه ریزی به شمار می‌روند. جوامع شهری، با وجود همه ارتباطات جهانی، ملی و منطقه‌ای، در نهایت خصلت محلی و بومی دارند و باید به نیازهای محلی و هویت بومی پاسخ دهند. از این نظر هر کشور و هر شهر باید نظام مدیریت توسعه شهری خود را در انطباق با شرایط ملی و محلی انتخاب کند.

«مشارکت دوسویه نهادهای مدیریت محلی با نهادهای بالادست در امور زیستی شهر»: در برنامه ریزی بر اساس مشارکت شهروندان، به کاهش نقش دولت و سرمایه‌گذاری برای ورود موثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌های محیط زیست تاکید می‌شود.

«آموزش شهروندان در موضوعات محیط زیست و التزامات پاسداشت و نگهداشت محیط زیست شهری»: در برنامه ریزی بر اساس مشارکت شهروندان در محیط زیست، به اطلاع‌رسانی به مردم و آگاهی مردم از وظایف خویش در قبال محیط زیست تاکید می‌شود.

«حق اعتراض به طرحها در صورت مغایرت با استانداردهای زیست محیطی»: در برنامه ریزی محیط زیست بر اساس مشارکت شهروندان، تاکید

فراهم آوردن ساختار آگاهانه، خودجوش و نهادینه شده مشارکت مردم از طریق انتقال دانش مربوطه و برنامه های آموزش رسمی و غیر رسمی در سطح شهر لواسان؛

گسترش و ارتقاء بینش و فرهنگ مشارکت و ارتقاء روحیه جمعی در جهت نهادینه کردن امر مشارکت در سطح شهر لواسان؛

رفع موانع ساختاری مشارکت و بسترسازی در جهت سامانمایی مشارکت مردم در قالب شکل های مردمی در سطح شهر لواسان؛

در راستای توصیف سازمان های غیردولتی محیط زیستی به عنوان ابزار کارا در جهت حفاظت از محیط زیست در سطح شهر لواسان، عمده ترین کارکردهای سازمان های غیردولتی را می توان به شرح ذیل عنوان کرد:

ارتقای فرهنگ زیست محیطی، آموزش، آماده سازی افکار عمومی جهت پذیرش عملی راهکارهای حفاظت از محیط زیست

برعهده گرفتن انجام بسیاری از پروژه های مختلف محیط زیستی در سطح شهر لواسان؛

انجام تحقیقات علمی برای حفظ محیط زیست موجود و گسترش آن و استفاده از نتایج این تحقیقات و نهایتاً ساخت برنامه های تلویزیونی در آگاهی دادن به مردم در سطح شهر لواسان؛

ارائه راه حل و کمک های فکری به سازمان های دولتی و بین المللی؛

جذب سرمایه های پراکنده، برای سرمایه گذاری در زمینه حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی در سطح شهر لواسان؛

بسیج مردم و استفاده از پتانسیل های آنان برای سازندگی در راستای حفاظت و احیای منابع ملی در سطح شهر لواسان؛

تشکیل دوره های آموزشی برای شهروندان، سخنرانی در مدارس، مساجد و اماکن عمومی در زمینه منابع طبیعی و محیط انسانی، برگزاری همایش های علمی، انتشار مقاله، روزنامه، مجلات و بروشورهای

علمی برای آگاهی بیشتر مردم در زمینه محیط زیست در سطح شهر لواسان؛

در تحقیقاتی از اقصای مختلف جامعه در خصوص فعالیتهای سازمانهای مردم نهاد، به این نتیجه رسیده اند که اکثر پاسخگویان فعالیت هایی زیر را برای شکل های مردمی حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی مناسب می دانند که می توانند در سطح شهر لواسان نیز به انجام برسد:

عوامل تاثیرگذار بر مشارکت سازمان های مردم نهاد در حفاظت از طبیعت و محیط زیست در شهر لواسان نیز عبارتند از:

داشتن آگاهی قبلی از محیط زیست و اولویت بندی نیازهای محیط زیستی شهر لواسان؛

فراهم بودن زمینه برای فعالیت محیط زیستی و اجتماعی به همراه وجود رابطه متقابل بین ذینفعان و مسئولان شهری در سطح شهر؛

آشنایی با روش ها و فرآیندهای مشارکتی و آگاهی از ظرفیت های مشارکتی بصورت کلان و بصورت موردی در سطح شهر لواسان؛

سیاست اول: ارتقاء فرهنگ شهرنشینی در ارتباط با محیط زیست شهری

اهداف کلان این بخش عبارتند از: بهبود فرهنگ عمومی شهروندان در رابطه با التزام نگهداشت و حفاظت محیط زیست؛ التفات شهروندی به حقوق شهروندی خویش در زمینه میزان و حق مداخله در برنامه ها و اقدامات تاثیرگذار بر محیط زیست شهرها؛ کاهش تبعات منفی ناشی از آلودگیهای مناطق زیستی شهرها در تمامی ابعاد زیست محیطی؛

راهبردها و راهکارهای پیشنهادی در ارتقاء فرهنگ زیست محیطی عبارتند از:

برای اینکه فرهنگ زیست محیطی شهروندی در اذهان شهروندان نهادینه گردد، باید همراه با کاربرد منابع دینی و اخلاقی که پایه های قدرتمند فرهنگی در بین شهروندان دارد و بر نقش اساسی محیط زیست در حیات طیبه اسلامی بر پایه مبانی نظری زیست محیطی اسلام و تاکید بزرگان دین

در پاسداشت محیط زیست و زیست بوم تاکید دارد، زمینه های بهبود آن را استوار ساخت.

باید آموزه های فرهنگی و دینی در موضوعات مشارکت های مردمی در قبال محل زندگی و زیستن را برای شهروندان در سطح جامعه با نیازهای متفاوت زیستی هر گروه به صورت رویکردهای بلندمدت و کوتاه مدت برنامه ریزی کرد و در اختیار آنها قرار داد.

ضرورت بازآموزی تعالیم اخلاقی و فرهنگی زیست محیطی شهروندان در حوزه انسان شناسی و جامعه شناسی شهری از طریق برنامه ریزی های علمی و فرهنگی در طی سال به طور مستمر باید ایجاد شده و شهروندان را متوجه مسئولیت دینی خود در زندگی شهری در زمینه نگهداری و حفاظت های زیست محیطی و بهبود محیط زندگی کرد.

تلاش در جهت هدایت پژوهش های خردنگر در سطح محلی (محل) برای شناخت سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی و شناخت بیماری ها و آسیب های شهری ناشی از تخریب محیط زیست و تلاش برای یافتن راه حل های نزدیک و درونی برای از میان بردن این پیامدها و مشکلات در سطح شهر امری ضروری است.

مقابله با پیامد های منفی جماعت گرایی های جدید محله ای و منطقه ای در شهر در قبال موضوعات زیست محیطی به این معنا که تمام تلاش برنامه ریزان مدیریت شهری در جهت اولویت بخشیدن به منافع خاص یک گروه اجتماعی از شهروندان نسبت به سایر شهروندان نباشد، این مسئله از سه طریق روش فرهنگی قابل بررسی است: الف) نیازسنجی هویتی محلات؛ ب) فراهم آوردن بسترهای مناسب برای تداخل یافتن و ادغام جماعت های شهروندی و تلاش در جهت همگرایی این جماعتها؛ ج) جلوگیری از جماعتهای شهری منفی که تضاد با منافع جمعی شهروندان را دارند و انسجام ضروری جماعت های شهروندی حول منافع جمعی شهر و به حداقل رساندن تنش ها و مقابله

قدرتمندانه و فرایند استمرار مقاومت در برابر جماعت های منفی شهر.

تقویت ابعاد مختلف فرایند فرهنگی شدن شهروندی نه تنها در امور زیست محیطی صرف بلکه بر پایه امر سیاسی و حقوقی و حتی سایر امور زندگی شهروندان در این بعد باید به موازات هم تکامل بخشید.

با توجه به فرایند گذار از سنت به مدرنیته باید بر اساس مؤلفه های درونی فرهنگ شهروندی پایه های مشارکتهای زیست محیطی شهروندان را تقویت کرد و به تغییرات و تطورات فرهنگی دنیای جدید و نرم افزارها و سخت افزارهای قابل استفاده در این زمینه نیز متوسل شد.

با توجه به اینکه جامعه ایران از تنوع قومی و فرهنگی برخوردارست، رویکردهای ارزشی، بومی و محلی فرهنگ شهروندی نیبت به محیط زیست را باید تقویت کرد.

با توجه به تحولات تکنولوژی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، فرهنگ شهروندی را پدیده ای پویا و دگرگون مورد بازبینی و بازتولید فرهنگی قرار داد.

باید حقوق فرهنگی شهروندان که همان تأمین حق و نیازهای فرهنگی شهروندان است در شهرها مورد برنامه ریزی و توجه قرار گیرد.

باید عرصه فرهنگی شدن شهروندی را امری ضروری، اجباری و اجتناب ناپذیر در شهرها دانست که مورد اهتمام و توجه کامل مدیران شهری قرار گیرد.

بهره مندی از نظریات رسانه ای مبتنی بر بسط و گسترش اطلاعات، دموکراتیزه شدن رسانه ها، دانش محور شدن جوامع شهری، افزایش و انباشت و سرعت مبادله اطلاعات و امکان تمرکززدایی از تولید، توزیع و مصرف آنها در افزایش فرهنگ شهروندی به صور عدم تمرکزگرایی در قالب فرهنگ شهروندی منطقه ای و محلی سپس ملی.

نیاز به ایجاد رابطه مفهوم شهروندی فرهنگی با شهروندی جهانی در جهت همگرایی و انسجام

اجتماعی و انسانی.

نیاز به بسط مردم‌سالاری فرهنگی برای گسترش فرهنگ شهروندی در ارتباط با بهبود زیست محیطی و کیفیت زندگی و ضرورت شکلگیری شهرهای سالم و پرهیز از مشکلات شهروندی چون (فردی شدن شهروندی؛ بین‌الذهانی شدن چارچوب ارتباطات فراملی، ملی، و محلی شدن شهروندان؛ بازتولید و تغییر شهروندی در بسترهای مناسبات خرد سیاسی نه در چارچوب سیاسی کلان- رادیکال شدن شهروندی در بستر منطقه‌ای و جهانی شدن و...) سیاست دوم: ارتقاء سطح آموزش شهروندی در ارتباط با محیط زیست شهری

باید گفت که؛ اهداف اصلی این سیاست عبارتند از: آگاهی‌یابی عمومی از تبعات نابودی محیط زیست شهری و زیست‌بوم؛ اطلاع‌رسانی همگانی در زمینه موضوعات محیط زیستی و بهبود دهنده کیفیت زندگی شهری؛ آگاهی از رویه‌ها، فرایندها و فراشدهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیریت زیست محیطی شهرها؛ تلاش در راستای مشارکت‌سازی اجتماعی شهروندان در موضوعات زیست محیطی.

راهبردها و راهکارهای پیشنهادی در ارتقاء سطح آموزش شهروندی عبارتند از:

اجرای آموزشهای فرهنگی شهروندی به دو شیوه «آموزش نظام مند» و «آموزش فراگیر» در موضوعات زیست محیطی؛

لحاظ کردن اقتضات جنسی، سنی، مذهبی، دینی، محلی و منطقه‌ای در فرآیند آموزشهای محیط زیستی؛

توجه به حوزه‌های محیطی ارتباط شامل محل سکونت، محل کار و محل‌های ارتباطی و خدماتی- جهت ارائه بسته‌بندی‌های آموزشی زیست محیطی؛

مشارکت با نهادهای دولتی و غیردولتی در امر آموزش شهروندان؛

تاکید بر ارائه محصولات و تولیدات ماندگار در زمینه

آموزشهای کتبی و نشرپذیر؛

تشکیل کمیته‌های آموزش زیست محیطی شهروندی درون شهرها در حد کلان‌مدیران شهری به منظور هم‌افزایی و تعامل بین بخشی در سطوح عملکردی و نظارتی یا برنامه‌ریزی و عملیاتی؛ زمینه‌سازی پرورش عقلانیت زیست محیطی برای شهروندان از طریق آموزش‌ها فراگیر و مستمر به واسطه نهادهای و ارگانهای متولی؛

زمینه‌سازی برای ادراک محیط زیست شهری به عنوان مظهری از نعمت‌های زیستی و طبیعی الهی و عامل ایجادکننده آرامش و شور درونی؛ زمینه‌سازی استفاده عادلانه از محیط زیست شهری و منابع طبیعی و زیست‌بوم آنها در جهت رفع نیازها و سوئی مصرفهای شهری؛

زمینه‌سازی شکل‌گیری هویت زیستی شهروندان با توجه به مولفه‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگی محیط شهری در ارتباط با محیط زیست و زیست‌بوم شهرها؛

زمینه‌سازی میل به خیر و خوبی و ترک بدی‌ها در قبال تخریب محیط زیست به واسطه سودجویی برخی از شهروندان به خاطر منافع فردی در مقابل منافع جمعی؛

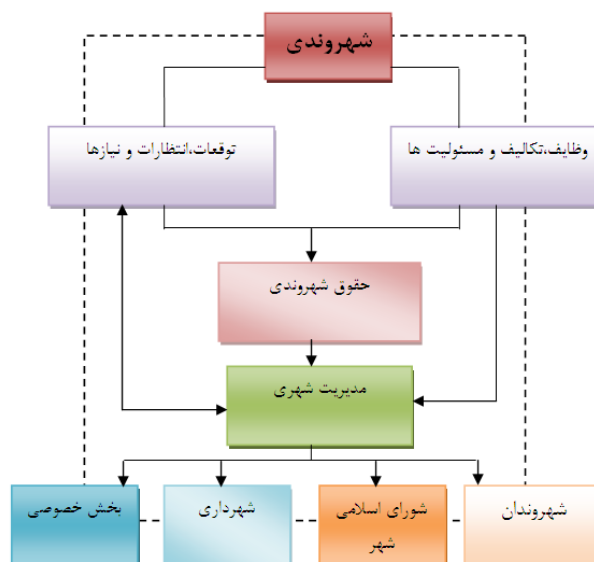
تامین نیازهای زیستی، اجتماعی و عاطفی شهروندی در قبال زیست‌بوم و محیط زیست زندگی شهری؛ حفظ کرامت شهروندان و تکریم حقوق زیست محیطی آنها بر پایه تعالیم عالیه دینی و انسانی؛ شفاف‌سازی حقوق متقابل و زمینه‌سازی رعایت آنها در موضوعات زیست محیطی؛

زمینه‌سازی برای گسترش حسن اخلاق زیست محیطی و اخلاق اجتماعی؛

زمینه‌سازی برای مشارکت اجتماعی شهروندان در موضوعات و مقولات زیست محیطی؛

رویکردهای آموزش شهروندی این راهبردها و اصول عبارتند از:

الف: مبتنی بودن آموزشهای زیست محیطی بر اسناد دینی و انطباق آنها با مبانی دینی هستی‌شناختی،



نمودار ۴. ارتباط میان مدیریت شهری و مشارکتهای زیست محیطی شهری؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس یافته های تحقیق، ۱۳۹۴.

در سطح شهر لواسان؛ برگزاری کارگاه مشورتی با گروه های هدف مختلف از جمله: روحانیون، دانش آموزان، جوامع محلی در سطح شهر لواسان؛ استفاده از توان تشکلهای محیط زیستی در آموزش جوامع محلی، اعضای تعاونی های محیط زیستی و رؤسا و اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا و غیره؛ برگزاری همایش های علمی جهت افزایش آگاهی مسئولین مراکز و نهادهای دولتی نسبت به ضرورت مشارکت سازمانهای مردم نهاد و تقویت سرمایه انسانی در سطح مسئولان شهری لواسان؛ استفاده از توان علمی تشکلهای محیط زیستی در برگزاری کارگاه ها و کلاس های آموزشی ویژه بانوان، خانواده ها و روستائیان و سایر اقشار مختلف جامعه با رویکرد اصلاح الگوی مصرف و غیره؛ برقراری تعامل مناسب با آموزش و پرورش به منظور استفاده از توان و پتانسیل تشکلهای محیط زیستی در آموزش دانش آموزان در مدارس شهر لواسان؛ تخصیص اعتبارات لازم در راستای بروز رسانی توان علمی تشکلهای حوزه محیط زیست در سطح شهر لواسان.

انسان شناختی، ارزش شناختی و معرفت شناختی هستمندان بشری؛ ب: ارتقاء هویت شهری شهروندان در قبال حس تعلق به مکان و شهر و درک این نکته که: «شهر ما، خانه ما»؛ ج: ارتقاء مشارکت اجتماعی شهروندان در زمینه های آموزش های مردم به خودشان در قالب سیستم های جدید «آموزش های مردم به مردم در موزعات زیست محیطی»؛ د: اولویت دادن به رسالت ویژه شهرداری در برنامه ریزی های آموزشی زیست محیطی به شهروندان؛ ه: تاکید بر گروه سنی کودک و نوجوان در برنامه ریزی های آموزشی زیست محیطی شهرها؛ در حوزه آموزش و انتشارات نیز اقدامات زیر پیشنهاد می شود: برقراری ارتباط با سایر دستگاه های مسوول در استان جهت تخصیص اعتبارات تعامل بیشتر بین سمن های فعال محیط زیستی و سمنهای دستگاههای مربوطه جهت استفاده از توان تشکلهای حفظ از محیط زیست در سطح شهر لواسان؛ توانمندسازی مدیران دستگاههای مرتبط با محیط زیست در جهت تعامل با تشکلهای محیط زیستی

در عرصه های پژوهشی و تحقیقاتی نیز اقدامات زیر پیشنهاد می شود:

برگزاری جلساتی در خصوص بررسی مسائل و مشکلات زیست محیطی استان، با حضور مسوولین استانی و نمایندگان مردمی؛ حمایت از اجرای طرح های پژوهشی محیط زیست توسط سمن ها در سطح شهر لواسان؛ واگذاری پروژه های زیست محیطی به تشکل های متخصص با هماهنگی دفتر آموزش و مشارکت مردمی سازمان مرکزی حفاظت محیط زیست در سطح شهر لواسان؛ واگذاری امور مربوط به ارزیابی خصوصاً تبلیغات اجتماعی به تشکل های مردمی در سطح شهر لواسان؛ واگذاری انجام طرحهای تحقیقاتی محیط زیست به سمن ها در سطح شهر لواسان؛

در عرصه های اطلاع رسانی و آگاه سازی شهروندی نیز اقدامات زیر پیشنهاد می شود:

برگزاری نشست های هم اندیشی سمن ها در سطح شهر لواسان؛ برگزاری همایشها و نمایشگاهها و جشنواره های محیط زیستی در سطح شهر لواسان؛ افزایش آگاهی عمومی مردم نسبت به حفاظت از محیط زیست در سطح شهر لواسان؛ اطلاع رسانی نسبت به مشکلات زیست محیطی در سطح شهر لواسان؛ توسعه انتخاب همیاران محیط زیست از بین مردم در سطح شهر لواسان؛ ایجاد امکاناتی در اداره کل استانها جهت استفاده از اینترنت یا ایجاد وبلاگ و طراحی سایت برای سمن های فعالی زیست محیطی شهر لواسان؛ تشویق تشکل های زیست محیطی به منظور ترویج اخلاق زیست محیطی و برانگیختن حس مسئولیت مردم نسبت به بحران های محیط زیستی در شهر؛ استفاده از توان بالقوه تشکل های محیط زیستی و جوامع محلی در جهت حفاظت از محیط زیست مناطق تحت مدیریت در جوار مناطق مسکونی در سطح شهر لواسان؛ حمایت و توانمند سازی تشکل ها به منظور ارتباط با جوامع محلی در خصوص حفظ گونه های حیات در سطح شهر لواسان؛ وحش و همچنین آموزش

جوامع محلی برای حفظ معیشت پایدار در سطح شهر لواسان؛

سیاست سوم: ساماندهی جایگاه مدیریت شهری در ارتباط با محیط زیست شهری

اهداف کلان این بخش عبارتند از: ارتقاء جایگاه مدیریت یکپارچه زیست محیطی در شهرها خاصه مناطق کلانشهری؛ بهبود فرایندی تصمیم سازی در موضوعات زیست محیطی در شهرداری و مدیریت شهری؛ بهسازی رویه اجرایی و عملیاتی طرحهای عمرانی شهرها با التزام به ارزیابی اثرات و تبعات زیست محیطی؛ تبیین راه های مشارکت پذیری شهروندان در تدبیر امور محلی خاصه در موضوعات زیست محیطی.

در پایان به برخی از پیشنهاداتی که نظام مدیریت مطلوب شهر یا حکمروایی شهری باید و شاید می تواند با بهره گیری از ارگانها و سازمان های مردم نهاد در بهبود کیفیت زندگی و حفاظت و نگذاشت محیط زیست مورد توجه قرار دهد، عبارتند از: شناخته ترین ابزار دستیابی به مشارکت عبارت است از نظام پیشنهادات یا طرح بسیج اندیشه ها که یکی از عوامل موثر در تغییر شرایط زندگی و ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت شهروندان بوده و در واقع تجلی گاه ابتکارات و خلاقیت های فردی و گروهی در بین شهروندان برای بوجود آوردن و گسترش روحیه مشارکت در میان آنان در جهت ایجاد پویایی و بهبود فرآیند و کیفیت مدیریتی شهر یا ارائه خدمات و بهره گیری از آن است:

از آنجایی که همواره مدیران شهری با تمامی تجربیات شان بر تمامی جوانب ریز و جزئی کارها خاصه در امور بینامتنی مانند تبعات زیست محیطی طرحها و اثرات آنها بر زندگی شهروندان و ذی نفعان پروژه ها و ساکنان مناطق مورد مداخله شهری، اشراف و تسلط کامل ندارند، از این رو شهروندان و روسای سازمانهای مردم نهاد محلی که در رابطه با اجرای فعالیتهای تاثیرگذار بر محیط زیست همکاری دارند، مطمئناً بهتر از مدیران شهری در رابطه با

رضایت و منافع زیست محیطی خود می-توانند پیشنهادهای مناسب داشته باشند.

با مشارکت شهروندان و سازمانهای مردم نهاد در مدیریت زیستی شهرها، احساس مالکیت در شهروندان محلی نسبت به طرحها و برنامه های مدیریتی شهر ایجاد می شود، پس آنها وادار به تفکر می شوند و از تفکر خود در جهت رشد و بهبود کیفیت زندگی شهر و محله خود استفاده می کنند و بدین وسیله میزان مشارکتهای زیست محیطی شهروندان افزایش پیدا می کند.

با اجرای نظام پیشنهادات به عنوان یک فرآیند، هم شهروندان در سرنوشت محیط زیست خود و زیست بوم شهرشان شریک می شوند و هم با طرح هدف های عالی و بلندمدت برای اداره و تدبیر امور محلی در مقولات محیط زیستی باعث تلاش بیشتر برای نیل به هدف های تعریف شده می شوند و پویایی حکروایی مطلوب شهر را در بلندمدت تحکیم و تضمین می کند.

شرایط عمده اجرای مشارکت های زیست محیطی و مقتضیات آن در حوزه پاسداشت و نگهداشت محیط زیست نیز عبارتند از:

«عوامل نهادی مشارکتهای زیست محیطی»: شرایط اجرای مشارکت برحسب ویژگیهای هر جامعه متنوعند، اما همه باید به سمت برنامه های واقعی اجتماعی که مستلزم سیاست گزینی اساسی است پیش روند. علاوه بر اراده سیاسی دولت، ابزارهای قانونی و نهادهای مناسب اجتماعی که مکمل فرآیندهای سنتی پارلمانی و اداری باشند، شرایط دیگری نیز درباره خود شرکت کنندگان باید وجود داشته باشند.

«عوامل فرآیندی مشارکتهای زیست محیطی»: در مجموع، مدیریت مشارکتی به سه اقتضا وابسته است: ساختار مشارکت زیست محیطی، جهت گیری و فراگرد مشارکت های زیست محیطی. بدین معنی که هرگاه بنگاهی یا انجمن مردم نهاد محلی برخی ویژگی های هوادار را در قالب ساختار سازمانی،

جهت گیری مدیران و شهروندان در قبال محیط زیست، فراگرد مشارکت واقعی زیست محیطی و فراگردهای تصمیم گیری باید به کار گرفته شوند، آشکار سازد، احتمال کامیابی فزونی خواهد یافت. الف- ساختار مشارکت زیست محیطی: آشکارترین متغیر ساختاری اندازه و بزرگی سازمان های مشارکتی زیست محیطی است. سازمانهای کوچکتر در به کار انداختن مدیریت مشارکتی کامیاب ترند. در واحدها کوچکتر تماسها چهره به چهره شدنی تر است، پیوندها خصوصی تر هستند، تصمیم گیری می تواند بی درنگ تر مسؤولانه شناخته شود، و هم آهنگی آسانتر می گردد. بر همین پایه، در واحدهای بزرگ مشارکت باید تحت ساختاری فشرده تر و دورتر از دسترس همگان باشد، گرچه زنجیره از گروه های کوچک به صورت «گیرنده های پیونده» در هر رده بالاتر سازمانی می تواند یک روش از میان بردن این دشواری باشد. با این همه، در بخش سازمانیهای بزرگ به ندرت می توانند چنین زنجیره ای از گیره های پیوند میان گروه های کوچک را فراهم آورند. بر این اساس پیشنهاد می شود سازمان محلی در محوریت مشارکت سازی شهرداری ها و حکومت های محلی قرار گیرند تا بتوانند در موضوعات زیست محیطی تعامل کافی را داشته و اثرات مطلوبی داشته باشند. فن شناسی و فراگرد کار نیز بر سرنوشت مشارکت اثر می گذارند. این اثرها را می توان به چهار دسته عمده از مقتضیات بخش کرد: ۱. مشارکت های زیست محیطی مطلوب خواهد بود و خواهان خواهد داشت هر گاه فراگرد کار شهروندان را در واحدهای کار به صورت چهره به چهره نزدیک کند و نه آنکه آنان را از هم جدا سازد؛ ۲. مشارکت های زیست محیطی آنگاه هوادار پیدا می کند که ساختار قدرت درونی شهر و مدیریت شهرها و تدبیر امور محلی به صورت خودکامه نباشد؛ ۳. مشارکت های زیست محیطی تا جایی هوادار خواهد داشت که جریان گردش کار زیر فشار بر مبنای ضوابطی که از سوی جبر شهرداری و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

سایر مدیران شهری معین شده است، قرار نگیرد؛ ۴. مشارکت های زیست محیطی خواهان خواهد داشت هر گاه که فراگرد کار را بتوان جدا و باز کرد، بی آنکه برای جمع وجود کردن آن به فراگرد پر زحمت هماهنگی نیاز باشد.

ب) جهت گیری مشارکتهای زیست محیطی: برای کامیابی مدیریت مشارکت های زیست محیطی ساختار مناسب و هوادار بسنده نیست. شهروندان نیز باید در جهت مساعد توجیه باشند؛ این نکته بدین حقیقت اشاره دارد که مشارکت تنها یک ابزار عقلانی نیست، بلکه یک فراگرد اجتماعی نیز هست. جهت گیریها و گرایشهای پیشین بسیار دیگری نشان داده شده اند که بر کامیابی مدیریت مشارکتی اثر می گذارند: ۱. پشتیبانی مدیریتی: مانند همه کوششهایی که برای دگرگونی سازمانی صورت می گیرد، مشارکت از نظر نوعی، نیاز به پشتیبانی مدیریت شهری بلند پایه دارد. ۲. سبک مدیری: سبک کار مدیران شهر باید مشارکت جو باشد. همه مدیران نمی توانند چنین سبکی را در پیش گیرند و برخی از مشارکت هراس دارند. ۳. مشارکت کنندگان نباید بسیار خودکامه باشند و نه در نیاز به استقلال عمل سست باشند.

ج) فراگرد مشارکتهای زیست محیطی: همانند ساختار، جهت گیریهای شهروندان نیز نمی توانند به تنهایی کامیابی مدیریت مشارکتی را استوار سازند. سومین دسته مقتضیات ضروری و بنیادی به خود فراگرد تصمیم گیری باز می گردد. گاهی نیازمندیهای آشکار فراگرد سازمانی، مانند سری بودن کار به طور کلی مشارکت در تصمیم گیری را از میان بر می دارد. با توجه به قانونهایی که درباره سری بودن کار به تصویب می رسد و حساسیت سازمانهای دولتی درباره آنها، این می تواند به خودی خود یک سد و مانع عمده به شمار آید. مشارکت زمانی دلخواه و مطلوب است که فراگرد کار به دشواریهای منطقی که از سوی کارشناسان شهری و برنامه ریزان امور محلی می توانند به خوبی گشوده

شوند تبدیل نگردند و ابهام نه چندان عظیم باشد. که از پدید آمدن همراهی پیشگیری کند و نه چندان اندک که نیاز به گفت و گو و بازکاوی را از میان بردارد، و سرانجام هنگامی که روشنی در راه - آماج پدیدار باشد. روشنی در راه - آماج بدین معنی است که مدیریت برای مشارکت شهروندان مشارکت پذیر و همکار در طرحهای شهری، پاداشهای ارجمندی در نظر می گیرد، و شهروندان احساس کنند که کارکرد به پاداش می انجامد، و کوشش و تلاش نیز به کارکرد منتهی می گردد.

عوامل گرایشی مشارکتهای زیست محیطی شهروندان نیز عبارتند از:

علاوه بر بستر نهادی مناسب برای انجام کنش مشارکتی، وجود برخی گرایشها نیز در افراد ضروری است. لذا، برنامه ریزی در جهت ایجاد عوامل گرایشی لازم برای تحقق مشارکت در مدیریت انکارناپذیر است. «پی آمد روانشناختی شهروندان» در مدیریت پشتیبان، ایجاد انگیزش و احساس «مشارکت» است که برای شهروندان فراهم می آید و آنان را به سمت مشارکت بیشتر سوق می دهد. بر این پایه می توان گفت که مشارکت یک درگیری ذهنی و عاطفی شهروندان در موقعیتهای گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در حیطه ی شناسایی عوامل گرایشی، صاحب نظران و محققان عوامل متعددی را بررسی کرده اند که نشان از تعدد این عوامل دارد، برخی متغیرهای مستقل موثر تشخیص داده شده در ایجاد حس مشارکت زیست محیطی شهروندان عبارتند از: درآمد، تحصیلات، نژاد، شغل، جنسیت، سن، وضعیت تاهل، کسب پاداش و رضایت، مذهب و ایدئولوژی، استفاده از رسانه ها، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات، سنت گرایی و سرنوشت گرایی، ویژگی های شخصیتی، انگیزه پیشرفت. در هر حال استفاده از پشتوانه های مذهبی، آگاه سازی عمومی، فرهنگ سازی، دخیل کردن شهروندان در فرآیند

برنامه ریزی زیست محیطی طرح های شهری خاصه در سطوح محلی، استفاده از تمامی نسلها در کنار هم خاصه جوانان و زنان، ظرفیت سازی مشارکتی در سطوح محلی و مناطق، بهره گیری از پایگاه های مذهبی مثل مساجد و سمن های محلی می تواند در زمینه بهبود امور مشارکتی تاثیرگذار باشد.

منابع و ماخذ

ادیب حاج باقری، محسن و دیگران (۱۳۸۶) تحقیقی کیفی بر مفهوم توانمندی حرفه ای در پرستاری، نشریه فیض، شماره ۱.

ازکیا، مصطفی و دربان آستانه (۱۳۸۲) توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، انتشارات نی.

بری، ج، (۱۳۸۰). محیط زیست و نظریه اجتماعی، حسن پویان و نیره توکلی، چاپ اول.

بنار، بیژن (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر ایرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

بیکر، ترز. ال (۱۳۷۷) نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایبی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش

پولادی، ا، (۱۳۸۹). طرح پژوهشی بررسی نقش اجتماعی فرهنگی زنان شهر مشهد در ارتقاء کیفی محیط زیست شهری، مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.

زیرکی، محمد (۱۳۸۰) بررسی مفهوم مشارکت مدنی و نقش آن در وفاق اجتماعی، فرهنگ عمومی وفاق اجتماعی، تهران.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۴) روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.

سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۳) عملیاتی کردن شهرسازی مشارکتی در شرایط ایران، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۸، شماره ۳۶، ص ۴۶.

سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۵) مصوبات و رویه های شهرسازی مشارکتی، مجله پیام مهندس، شماره ۳۶، صص ۴۱-۴۶.

علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹) بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.

علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۷) الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، یافته های تجربی و راهبردها، جلد دوم، سازمان شهرداریهای کل کشور، تهران.

کوزر، ل، (۱۳۷۹). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. محسن ثلاثی. چاپ هشتم، انتشارات علمی. مطیعی لنگرودی، حسین (۱۳۸۲) بررسی نقش سازمان های غیر دولتی در توسعه شهری، مجموعه مقالات مدیریت شهری پایدار، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، چاپ اول.

مهابادی، سید احمد (۱۳۸۰) برنامه ریزی توسعه محله ای با تاکید بر سرمایه های اجتماعی (مورد مطالعه: کوی طلاب شهر مشهد)، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس. هادی پور، م. و شکروی ر. ۱۳۸۳. بررسی میزان آگاهی و روش های بهینه آموزش زیست محیطی در زنان خانه دار. فصلنامه علمی سازمان حفاظت از محیط زیست، ص ۲۱.

UNDEP (1987) Participation in developing countries, Thames and Hudson, Amrica.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۳۲۰ ■

فرا تحلیل تبیین نظریه ها، الگوها، روشها و تکنیک های خلاقیت در معماری و طراحی شهرهای خلاق

پریا شفیع پوریورد شاهی - دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
حمید رضا طبری مسرور - دانشجوی دکتری رشته معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران.
مریم محفوظیان - مدرس گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.
شهرام شریفی* - کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.

Meta explain the theory, models, methods and techniques of creativity in architecture and design creative cities

Abstract

New Urbanism in literature, creative urban space as a place of formation of creativity, knowledge, creative industries and innovation economy in a hybrid approach is considered. If we accept that all the above the axis of creative human capital and Nvavrnd, urban spaces should be eligible so that they can attract and retain these funds Which shows the importance of creativity in design or creative teaching methods in architectural design universities and training centers to train architects and urban designers are creative. In art and architecture, thinking and thinking and is considered an essential part of the process of artistic creativity; as architecture throughout history, a vehicle for expressing ideas and desires of human nature that has tried to crystallize your intellectual and cultural themes drawing close to the physical incarnation. The creativity and innovation of the issues that have a special place in the art of architecture and urban planning, as today the concept of creative and innovative themes of creative urban architecture urban architecture. The analytical method to study the theoretical aspects of creative cities has been discussed and theories, models, methods and techniques of expression and creativity in this regard is summarized. Finally, methodology, models, theories, methods and techniques of creativity in creative cities and architecture and the system architecture planning will be discussed.

Key words: creativity, urban design, architecture, design and training, creative city, theories, models, methods and techniques.

چکیده

در ادبیات شهرسازی جدید، فضای شهری خلاق به عنوان محل شکل گیری خلاقیت، دانایی، صنایع خلاق و نوآور و اقتصادی در یک رویکرد ترکیبی در نظر گرفته شده است. اگر بپذیریم که محور تمام موارد فوق حضور سرمایه های انسانی خلاق و نوآورد، بنابراین فضاهای شهری باید از شرایطی برخوردار باشند که بتوانند این سرمایه ها را جذب و حفظ کنند که نشان از اهمیت پرداختن به خلاقیت در طراحی یا شیوه های آموزش خلاق در طراحی معماری دانشگاه ها و مراکز آموزشی برای تربیت معماران و طراحان شهری خلاق دارد. در هنر و معماری نیز، اندیشه و اندیشه ورزی بخشی اساسی از فرآیند آفرینشگری هنری بشمار رفته و می رود؛ چنانکه معماری در طول تاریخ، محملی برای بیان اندیشه و تمنیات ذاتی بشری بوده است که تلاش داشته تا تبلور درونمایه های فکری و فرهنگی خود را به ترسیم و تجسیم مادی قرین کند. بر این اساس خلاقیت و نوآوری از موضوعاتی است که در هنر معماری و شهرسازی جایگاهی خاص داشته است، چنانچه امروزه مفهوم شهر خلاق و معماری شهری خلاق از مضامین بدیع در دانش معماری شهری است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ابعاد نظری شهرهای خلاق پرداخته شده است و نظریه ها، الگوها، روشها و تکنیک های خلاقیت در این رابطه بیان و جمع بندی شده است. در پایان نیز روش شناختی، الگوها، نظریه ها، روشها و تکنیک های خلاقیت در شهرهای خلاق و معماری آن و حتی سیستم طراحی معماری پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: خلاقیت، طراحی شهری، طراحی و آموزش معماری، شهر خلاق، نظریه ها، الگوها، روشها و تکنیکها.

ویژه اقتصاد دانان شهری شده است؛ چنان که به حق باید گفت در اقتصاد دانش محور سده بیست و یکم، خلاقیت نقش حائز اهمیتی در افزایش توان رقابتی شهرها دارد (اشتری و مهدنژاد، ۱۳۹۱، ۱۰). در طول تاریخ توجه به تفکر اختصاص به مغرب زمین نداشته بلکه در اندیشه های شرقی نیز بسا بیش از غرب دیده می شود؛ برای مثال در جهان اسلام می توان به اندیشمندانی همچون «فارابی»، «بوعلی سینا»، «ابن مسویه»، «امام محمد غزالی» و «خواجه نصیر الدین طوسی» نام برد. برای نمونه، «فارابی» مشهور به «معلم ثانی»، فیلسوف مسلمان قرن سوم و چهارم هجری قمری می باشد. به نظر وی هستی دارای شش مرتبه است: ۱. وجود مبداء اول و ذات لایزال الهی، ۲. عقول، ۳. عقل فعال، ۴. نفس و روح انسان، ۵. صورت، ۶. ماده؛ بدین ترتیب انسان در مرتبه چهارم هستی قرار دارد و مَرَبی اصلی وی، «عقل فعال» است و علوم مختلف در ارتباط با این عقل حاصل می شود (کاردان و دیگران، ۱۳۷۲، ص ۲۶۴). از سویی دیگر، اصولاً تفکر و اندیشه سر آغاز هرگونه تولید و ساخت و سازی در عالم انسانی می باشد. شاید به همین دلیل است که در سیر اندیشه های فلسفی چه در مغرب زمین و چه مشرق، به این قابلیت انسانی و محصول مستقیم آن یعنی «دانایی»، این همه توجه نشان داده شده است. دانایی برای سُقراط به قدری اهمیت دارد که وی خود را، فیلسوف، یعنی «دوستدار دانایی» می داند^۳ (نقیب زاده، ۱۳۷۸، ص ۹). در هر حال،

مفهوم «شهر خلاق» و «طراحی شهرهای خلاق» از جدیدترین موضوعات در حوزه دانش طراحی شهری و معماری است که بازتابی عمده در جهان و ادبیات شهرسازی جدید دارد^۱. لذا با توجه به نقش و ارتقای وضعیت فضاهای عمومی از بدو پیدایش شهرها و به ویژه در طول بیش از یک سده گذشته همواره مورد توجه بوده است به طوری که امروزه فضاهای شهری، مکان هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا پیدا می کنند. این فضاها به نوبه خود می توانند بستری برای بروز خلاقیت های افراد باشند. بنابراین با توجه به اینکه افراد خلاق نیاز به فضایی برای زندگی، کار، الهام بخشی و نمایش کارهای خود دارند، فضاهای عمومی می توانند به کنونی جهت بروز خلاقیت در بین شهروندان تبدیل شوند^۲. تبدیل یک فضا به فضای شهری خلاق بدون فضاهای عمومی مطلوب امکانپذیر نیست در کل نتایج حاصله بیانگر این مطلب است که فضاهای شهری با داشتن مولفه هایی همچون سرزندگی، تنوع، هویت بخشی، جذابیت، ارزش اقتصادی و مشارکتی موجب بروز خلاقیت و شکل گیری یک فضای شهری خلاق می شود (رضائیان، قادری و میرعباسی، ۱۳۹۱، ۷۲). در این میان، ظهور «نظریه طبقه خلاق و شهر خلاق» موجب اهمیت یافتن روزافزون اقتصاد فرهنگی در پژوهش ها و تحقیقات علوم شهری و به

۱. نهادی در سازمان ملل (یونسکو) در سال ۲۰۰۴ میلادی با هدف ترویج همکاری با شهرهای مختلف جهان که خلاقیت را به عنوان یک عامل مهم و تاثیرگذار در دستیابی به توسعه پایدار شهری معرفی کرده اند، تاسیس شده است. تاکنون ۱۱۶ شهر عضو در ۷ بخش مختلف سازماندهی شده اند که این بخش ها عبارتند از: هنر و صنعت و هنر عامیانه، طراحی، فیلم، سلیقه در غذا، ادبیات، هنر رسانه ها و موسیقی. ۱۶ عضو موجود شهرهای خلاق طراحی جهان شامل شهرهای پکن، برلین، بیلباو، بوئنوس آیرس، کوریتیبیا، داندی، گراتس، هلسینکی، کوبه، مونترال، ناگویا، سنت اتین، سئول، شانگهای، شنزن و تورین بودند. در کنار این شهرها سنگاپور، باندونگ، بوداپست، دیترویت، کاتوناس، پوئبلا نیز به این جمع پیوسته اند.

۲. «شبکه جهانی شهرهای خلاق»، معتبرترین شبکه جهانی است که سال ۲۰۰۴ توسط یونسکو پایه گذاری شده است. این شبکه خلاقیت مردم را در کنار صنایع دستی، معماری و طراحی، رسانه، موسیقی و غذا به عنوان شاخصه های شهر خلاق بررسی می کند. در واقع شهر خلاق از نظر یونسکو جایی است که هنر و تنوع فرهنگی به دلیل اهمیت و توانایی خاص آن مورد تشویق...

بررسی سیر تحول تمدن و فرهنگ بشر در طول تاریخ نشان می‌دهد که انسانها از طریق تفکر و اندیشه بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و از این طریق با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. «فرگه» در این ارتباط می‌گوید: «وقتی اندیشه‌ای به چنگ آید، در آغاز فقط تغییری در جهان درونی کسی که آن اندیشه را به چنگ آورده ایجاد می‌کند، ولی از حیث ماهیت خودش همچنان دست نخورده باقی می‌ماند، زیرا تغییراتی که در آن ایجاد می‌شود فقط در اوصاف غیر ذاتی آن است» (فرگه، ۱۳۷۴، ص ۱۱۰). در ضمن باید گفت که خلاقیت مقوله بسیار پیچیده‌ای است و قرن‌هاست که بحث و گفتگو درباره آن جریان دارد؛ لیکن خوشبختانه، علی‌رغم این پیچیدگی، روشی وجود دارد که کارایی آن در زمینه خلاقیت در طول اعصار و قرون به اثبات رسیده است و آن قابلیت تقسیم یک مسأله غامض به چند یا چندین مسأله ساده‌تر و سپس بررسی هر جزء یا مسأله ساده‌تر به طور جداگانه می‌باشد. مسائل ساده‌تر پس از یافتن راه حل آنها می‌تواند دوباره ترکیب نمود و کل حاصل را به سهولت تجزیه و تحلیل کرد (فانژه، ۱۳۸۴، ص ۱۸). «مایر» (۱۹۸۳) و «وایزبرگ» (۱۹۸۶، ۱۹۹۵) تعریف ساده و روشنی از خلاقیت ارائه می‌دهند: «خلاقیت توانایی حل

مسائلی است که فرد قبلاً حل آنها را نیاموخته است.» «سیکزنتمی هالی» (۱۹۸۹) می‌گوید: «ما نمی‌توانیم به افراد و کارهای خلاق جدا از اجتماعی که در آن عمل می‌کنند بپردازیم، زیرا خلاقیت هرگز نتیجه عمل فرد به تنهایی نیست.» در ادامه به مفهوم روش شناختی، الگوها، نظریه‌ها، روشها و تکنیکهای خلاقیت در معماری پرداخته می‌شود.

تفکر در معماری و طراحی شهری

در هر حال، به حرکت میان معلوم و مجهول، «فکر» گفته می‌شود که دارای سه مرحله است: «۱. حرکت از مجهول به معلومات (یا حافظه)»؛ ۲. «حرکت میان معلومات»؛ ۳. «حرکت از معلومات به مطلوب (مجهول)» (صمدآقائی، ۱۳۸۵، ص ۱). «قوه مُفکِّره» از نظر «ابن عربی»، مرکز ابتلا و آزمایشی است که از جانب خدا به انسان داده شده و عقل نیز در اتکای به آن در معرض ضلالت و گمراهی قرار می‌گیرد. از این رو، صوفیان به این قوه که گاه گرفتار شبهه می‌شود، و راه معرفت را گم می‌کند، اعتماد ندارند؛ بلکه به اعتماد عقلشان است که از روح و قلب استمداد می‌جویند (حکمت، ۱۳۸۶، ص ۴۳). باید گفت که هرچند پرداختن به مفهوم امروزین آفرینشگری و خلاقیت، در میان عالمان دوره اسلامی کم‌رنگ جلوه کرده است؛ ولی نباید در نظر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۲۳

...قرار می‌گیرد و افراد می‌توانند در زندگی روزمره خود از فعالیت‌های خلاق بهره‌برند. براساس استانداردهای یونسکو، نوآوری و توانمندی‌های شهروندان در توسعه پایدار شهری از ویژگی‌های این شهر است.

۳. از لحاظ «اسطوره‌شناسی تاریخی»، بر اساس یک افسانه یونانی، «سیسی فوس» فردی است که محکوم به حمل سنگ بزرگی از پایین تپه به بالای آن می‌باشد. او باید این کار را تا آخر عمر انجام دهد و هر بار که سنگ را به بالای تپه می‌برد، آن را رها سازد و شاهد غلطیدن آن به پایین تپه باشد و سپس آن را به بالای تپه حمل کند و دوباره آن را رها سازد و همچنین تا آخر حیات خود آن را تکرار نماید. با تأمل در زندگی سیسی فوس به روشنی ملاحظه می‌شود که وی محکوم و مجبور است تا آخر عمر سنگ بزرگی را به بالای تپه حمل نماید که مستلزم خستگی و زحمت طاقت فرساست. آیا این امر دلیلی بر «بی‌معنایی زندگی او بر پایه نوعی مبنای اسطوره‌ای و اجبار دینی» است؟ در پاسخ «ریچارد تیلور» اشاره دارد که خصیصه‌ای که در عمل سیسی فوس وجود دارد و عمل او و در نهایت زندگی او را فاقد معنا می‌کند، عبارت است از «تکرار بی‌پایان و بدون انتها» زندگی عاری از خلاقیت و نوآوری. بر این اساس، باید گفت که از دیدگاه تیلور، خصیصه‌ای که برای معنادار بودن زندگی ضروری است، امری است که مقابل تکرار بی‌وقفه و بدون نتیجه قرار می‌گیرد و آن عبارت است از خلاقیت آفرینشگری به مثابه نوعی تفکر [مه‌دوی آزاد نبی، ۱۳۸۶، ص ۵۷ و ۵۸].



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۲۴

تصاویر ۱ الی ۴. نمونه هایی از کاربردهای خلاقیت در طراحی شهرها؛ ماخذ: آرشيو نگارندگان.

داشت که عالمان دوره اسلامی خلاقیتی نداشتند. آنها خلاقیت خود را اغلب در تصحیح، بسط، تحلیل و به کارگیری قالب موجود، به کار بردند، نه در پدید آوردن قالب نو. خوارزمی به خوبی ماهیت فعالیت علمی را بین داشته است:

«دانشور سه گونه است: یا برای اولین بار دانشی را ابداع یا کشف می کند، یا آثار پیشینیان را شرح و مطالب مبهم و پیچیده را روشن می کند و برای بیان مطلب راه ساده تری نشان می دهد و نتیجه گیری را آسان می کند؛ و یا در برخی کتابها به نادرستی بر می خورد، پس نادرستی ها را اصلاح می کند و از اینکه متوجه خطا و اشتباه دیگران شده به خویشتن نمی بالد» (منصوری، ۱۳۸۷، ص ۹۱). کوهن نیز در این رابطه تاکید دارد که «فقط معدودی از طرح های تحقیقاتی که بدست بزرگ ترین دانشمندان انجام می گیرد، هدف انقلابی دارد. تحقیقات متعارف حتی بهترین آنها، فعالیتی بسیار همگراست که به طور مستحکمی بر اجماع جا افتاده ای استوار است که از طریق آموزش علمی کسب و بعداً از طریق زندگی کردن در آن رشته علمی تقویت می شود» (کوهن، ۱۹۷۷، ص ۸۹). برخی از محققان تفکر را فرآیندی می دانند که تجربه های گذشته فرد را سازمان می دهد مانند «ویناک» که در کتاب «روانشناسی تفکر»، تفکر را چنین تعریف می کند: «تفکر سازمان دادن و تجدید سازمان در یادگیری گذشته جهت استفاده در موقعیت فعلی است». «ایسون»، تفکر را فرآیندی رمزی و درونی می داند که منجر به یک «حوزه شناختی» می گردد که نظام شناختی شخص را تغییر می دهد. نظریه دیگر متعلق به «جروم اس برونر» است، که تاکید اساسی بر «فرآیند تفکر» دارد. مانند نظریه «پیاژه»، در نظریه برونر نیز این مطلب که چگونه کودکان اطلاعات مربوط به جهان هستی را به رمز درمی آورند و آن را سازمان می دهند و در ذهن خود ذخیره می کنند مورد توجه است. مراحل رشد ذهنی در نظریه برونر، شامل: ۱. «مرحله حرکتی»

۲. «مرحله تصویری» و ۳. «مرحله نمادی» است. «سولشو» (۱۹۹۰)، این تعریفها را تکمیل کرده و معتقد است که تفکر فرآیندی است که از طریق آن یک بازنمایی ذهنی جدید به وسیله تبدیل اطلاعات و تعامل بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسأله ایجاد می گردد. تفکر، استدلال و حل مسأله همگی از پدیده هایی هستند که هوش در مراحل انجام آنها، نقش محوری بر عهده دارد. بر اساس این نظریه پنج اصل کمی شناختی که با هوش مرتبط اند و در آزمایش ها تعریف کننده هوش می باشند، عبارتند از: ۱. «مهار همزاد»، و ۲. «خستگی»، و ۳. «نیروی روحی»، و ۴. «توانایی های ابتدایی»، و ۵. «قدرت حفظ کردن و حافظه» (آیسنک، ۱۳۷۹، ص ۵۰۰).

بر اساس یکی از مشهورترین دسته بندی ها، انواع مختلف هوش عبارتند از: ۱. «هوش زبانی»، و ۲. «هوش منطقی - ریاضی»، و ۳. «هوش موسیقایی»، و ۴. «هوش فضایی»، و ۵. «هوش بدنی - حرکتی»، و ۶. «هوش برقراری ارتباط با دیگران»، و ۷. «هوش برقراری ارتباط با خود» (آیسنک، ۱۳۷۹، ص ۵۰۱). باید گفت که تفکر خلاق را می توان از پیچیده ترین و عالی ترین جلوه های اندیشه انسان دانست. استرنبرگ (۲۰۰۱) خلاقیت را توانایی آفرینش اندیشه های نو در سطح عالی می داند که آمیزه ای از توان نوآوری، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر باورهای موجود است و به فرد این توانایی را می دهد که همراه با اندیشه های منطقی و خردمندانه، به یافته های دیگری بیندیشد تا دستاوردهای سودمند برای او و دیگران داشته باشد (شریفی و داوری، ۱۳۸۸، ص ۵۸). «دوونو» نیز تحت عنوان «تفکر جانبی» و «تفکر عمودی» به این مقوله پرداخته است. او در کتاب «تفکر جانبی»، به طور مفصل به بررسی تفاوت های این دو نوع تفکر می پردازد. او معتقد است که «تفکر عمودی» موجب ایجاد «قالبهای ذهنی و توسعه آن» می شود، در حالی که «تفکر جانبی یا خلاق»، «ساختار» این قالبها را

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

تغییر داده و «قالبهای جدیدی» ایجاد می کند. وی به بررسی تفاوت «تفکر جانبی» و «تفکر عمودی» پرداخته است و می گوید: «تفکر عمودی باعث ایجاد حالت‌های ذهنی و توسعه آن می شود، در حالی که تفکر جانبی یا خلاق این قالبها را تغییر می دهد و قالبهای جدید ایجاد می کند» (قاسمی و اقلیدوس، ۱۳۸۵، ص ۵۱). مهمترین تفاوت‌های «تفکر منطقی» و «تفکر خلاق» از نظر «دوئونو» عبارت است از:

۱- «**وسعت عمل**»: در تفکر منطقی معمولاً سعی می کنیم با بررسی شقوق مختلف یک امر یا مسأله بهترین راه را برگزینیم و آن را ملاک عمل قرار دهیم. اما در تفکر خلاق، خود را به یک طریق محدود نکرده و در صدد آنیم، راههای هرچه بیشتری برای یک مسأله بیابیم و این امر حتی پس از یافتن راههای مناسب ادامه پیدا می کند.

۲- «**مسیر و جهت عمل**»: در تفکر منطقی جهت و مسیر مشخصی دنبال می گردد. در حالی که در تفکر خلاق نه تنها یک مسیر دنبال نمی گردد، بلکه راه و جهت‌های مختلفی نیز ایجاد می گردد. به عبارت دیگر برای فرد در تفکر منطقی روشن است که چه می خواهد و از چه راهی می تواند به مقصود برسد، در حالی که در تفکر خلاق، فرد جستجو می کند برای جستجو، تا بتواند تغییر و حرکتی ایجاد کند و تنها برای رسیدن به مقصود تلاش نمی کند.

۳- «**توالی در عمل**»: در تفکر منطقی هر مرحله باید به دنبال مرحله بعد بیاید و مراحل به یکدیگر وابسته است. در حالی که در تفکر خلاق نیازی به توالی مراحل نیست و می توان از مرحله‌ای به مرحله بالاتر پرید و سپس بار دیگر مراحل باقی مانده را طی کرد.

۴- «**چگونگی برخورد با اشتباهات و مسائل نامربوط**»: در تفکر منطقی تلاش می شود در هر قدم هیچ گونه اشتباهی رخ ندهد، در حالی که در تفکر خلاق امکان اشتباه نیز هست تا در نهایت به جواب درست دست یافت. همچنین در تفکر منطقی

مسائل نامربوط کنار گذاشته می شود و تنها به آنچه به مسأله ارتباط دارد پرداخته می شود، در حالی که در تفکر خلاق به هر چیز به ظاهر بی ارتباط نیز توجه می شود، چون قرار نیست در یک قالب ماند.

خلاقیت در معماری و طراحی شهری

برخی از محققان برای دو واژه تفکر همگرا و تفکر واگرا از اصطلاحات متفاوتی استفاده کرده اند؛ مثلاً، دوونو (بنقل از لفرانکو، ۱۹۹۱) دو اصطلاح تفکر عمودی و تفکر جانبی را به کار برد. به عقیده وی در تفکر عمودی در مقایسه با تفکر جانبی، وسعت عمل محدود و مسیر و جهت آن مشخص است. افزون بر این بین مراحل تفکر عمودی به نوعی وابستگی و توالی منطقی وجود دارد. «هاچینسون» (۱۹۴۹) نیز به دو نوع تفکر متفاوت اشاره کرده است. نوعی تفکر که در آن فرد، گام به گام بر اساس اطلاعات موجود و قواعد منطقی برای حل مسأله پیش می رود و نوعی دیگر از تفکر که مبتنی بر بینش است. بارتلت (۱۹۵۹) نوع اول را تفکر «در حلقه بسته» و نوع دوم را «تفکر تهور آمیز» نامیده است (حقیقی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۴۹).

در عین حال، «خلاقیت» را عبارت از ترکیب، تجمع و تلفیق عناصر و پدیده‌هایی از پیش شناخته شده در یک کلیت نو که حداقل به نظر بدیع باشد، می دانند (فانژه، ۱۳۶۴، ص ۲۶). «پورنون» (۱۹۸۹) نیز از همین چشم انداز به خلاقیت، می نگرد:

«خلاقیت توانایی شخص در ایجاد ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش‌ها یا اشیای جدید و نو و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌هاست که بوسیله متخصصان به عنوان پدیده‌ای ابتکاری و از لحاظ علمی، زیبایی شناسی، فن آوری و اجتماعی با ارزش قلمداد گردد.» «جورج. اف نلر» (۱۳۶۹، ص ۱) در رابطه با تعاریف «آفرینشگری» در کتاب «هنر و علم خلاقیت» آورده است: «نویسنده‌ای بر این باور است که آفرینشگری، فرآیند تغییر، توسعه و تکامل، در سازمانبندی حیات ذهنی است. دیگری معتقد است که بشر، در خلال کنش خلاق، اشیاء و یا نمادهای خارجی را تغییر

می دهد تا رویدادی نادر برای خود و یا محیط خود بوجود آورد. به گفته جان فلچر تفکر خلاق، سرکش، ذهنی و سیال است، در حالیکه تفکر بازتابی از نوع تفکر ساختاری غیر شخصی و رسمی است. «مارزانو» و همکاران (۱۹۸۹) هر چند ضمن بحث از ابعاد تفکر، «تفکر انتقادی» و «تفکر خلاق» را به عنوان یک بُعد مطرح می کنند؛ اما معتقدند این دو بُعد در عین ارتباط، دو طریق متفاوت از هم هستند. تفکر انتقادی شامل «گرایشها و استعدادهایی مانند تحلیل دقیق مسائل، توجه به نقطه نظرهای متفاوت و رسیدن به نتایج صحیح» است، در حالی که تفکر خلاق عبارتست از «تفکر ابتکاری و مناسب» علی رغم آن که اغلب متفکران و متخصصان بین تفکر و اگر و همگرا تفاوت قائلند، محققانی مانند وایزبرگ این نظریه را رد می کنند. «وایزبرگ»، مفاهیم تفکر و اگر و جانبی را فرزند «نُبوغ» می داند. در دیدگاه نُبوغ، کارهای بزرگ خلاق نتیجه به کارگیری تفکر غیر معمول افراد غیر معمول است. وایزبرگ (۱۹۹۳) معتقد است علی رغم آنکه دیدگاه نُبوغ برای هزاران سال وجود داشته است، اما افسانه ای بیش نیست. تفکر خلاق ریشه محکمی در تجربه های گذشته دارد و افکاری که هر روز از آن استفاده می کنیم، منبع آن است. شاید بتوان گفت ساده ترین و کوتاه ترین تعریف برای خلاقیت، «استعداد تولید ایده های نو» است (سلیمانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵). «استرنبرگ» از جمله محققانی است که مطالعات وسیعی درباره «تفکر» و «هوش» و «تفکر خلاق» داشته است. او «تفکر» را یک «جریان تعاملی» می داند و معتقد است امکان ندارد ما بتوانیم به تواناییهای فکری بشر بدون توجه به زمینه و شرایطی که در آن عمل می کند و در حال تعامل است، پردازیم. زمینه هایی مانند شناخت، شخصیت و انگیزه. وی ارتباط تفکر و هوش را با دنیای درونی، تجربه و با دنیای بیرونی مورد بحث قرار می دهد. در این زمینه مسأله فراشناخت مطرح می گردد که شامل سه مرحله اصلی است: ۱. برنامه ریزی، ۲. نظارت،

۳. ارزیابی عملکرد شناختی. در رابطه با تفاوت خلاقیت، نوآوری، ابتکار، ابداع، اختراع و تازگی تعاریف گوناگونی اشاره شده است که در ادامه برای تبیین مفهومی هر یک مورد بررسی قرار می گیرد: ۱. «ابتکار»: فرآیند ایجاد هر چیز جدیدی که قبلا وجود نداشته است. ۲. «خلاقیت»: فرآیند ایجاد هر چیز جدید با ارزش. ۳. «نوآوری»: فرآیند ایجاد هر چیز جدیدی که برای فرد، گروه، سازمان، صنعت یا یک اجتماع ارزش مهمی داشته باشد. ۴. «ابداع»: این واژه به معنی آفرینش یا پدید آوردن چیزی از نیستی یا پدید آوردن چیز از ناچیز است و بالطبع فقط برای خداوند سبحان قابل اجراست؛ چون تنها خداوند است که همه چیز را از عدم و نیستی می آفریند و در این خلاقیت از هیچ گونه الگویی استفاده نمی کند. ۵. «اختراع»: هرگاه ایده جدیدی در ذهن مخترع به وجود می آید و بر روی نقشه پیاده شود و یا نمونه ای از آن ساخته شود، آن ایده تبدیل به اختراع می گردد و تا زمانی که در ذهن فرد است و عینیت بیرونی نیافته است، اختراع محسوب نمی شود. ۸. «تازگی»: تازگی به معنی خلق یا پدید آوردن چیزی جدید نیست، بلکه بیشتر بُعد زمان در آن مستتر است، به عبارت دیگر هر چیز تازه ای خلاقیت نیست، اما هر خلاقیتی یک چیز تازه دارد (صمدآقایی، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

«فرهنگ توصیفی روانشناسی شناخت» در تعریف خلاقیت می نویسد: «خلاقیت به توانایی پیدا کردن راه حل های نامتعارف و با کیفیت بالا برای مسائل اطلاق می شود» (آیسنک، ۱۳۷۹، ص ۲۴۰). تفکر از جمله تفکر خلاق و تفکر انتقادی، منفک از این سه مرحله نیست. در هر مرحله می توان به سه فرا جزء اشاره داشت:

۱- «تشخیص وجود مسأله»: «حساسیت داشتن به مسائل» یک مرحله اساسی در تفکر، بخصوص در تفکر خلاق است. بسیاری از صاحب نظران معتقدند که افراد خلاق نه تنها «حل کنندگان خوب مسأله» هستند، بلکه «یابندگان مسأله» نیز هستند. آنها

مسائل را خوب می‌شناسند و در حقیقت قدرت تشخیص خوبی در مسائل دارند.

۲- «تعریف مسأله»: تعریف مسأله، مستلزم این است که مسأله را در ساختاری قرار دهیم که آن را معنی دار و قابل حل بسازد.

۳- «ساختار بندی یک راهبرد و عرضه ذهنی راه حل»: بعضی مسائل با ترکیب راه‌ها حل می‌شوند.

بر اساس تعریف «فرهنگ توصیفی روانشناسی شناخت»، تعریف شخص خلاق کسی است که نسبت به اطلاعات مستقیم و داده‌هایی که در اختیار همه ما قرار دارد، به شیوه‌ای جدید برخورد می‌کند (ادواردز، ۱۳۷۷، ص ۳۴). بر اساس آنچه به تفصیل در بالا گفته شد، درباره خلاقیت، ماهیت و تعریف آن تاکنون بین محققان و روانشناسان توافق نظری به عمل نیامده است. در مجموع تعریفها، خلاقیت را چنین تقسیم بندی می‌نمایند: بعضی از تعریفها، ویژگیهای شخصیتی افراد را محور قرار داده و بعضی دیگر بر اساس فرآیند خلاق و تعریفهای دیگر بر حسب «محصول خلاق» به خلاقیت نگریسته‌اند. در «فرهنگ روانشناسی وبر»، خلاقیت عبارت است از «ظرفیت دیدن روایت جدید و پدید آوردن اندیشه‌های غیر معمول و فاصله گرفتن از الگوی سنتی تفکر» (سلیمانی، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

«تورنس»، خلاقیت را ترکیب چهار عامل اصلی زیر می‌داند: «۱. سیالی: یعنی استعداد تولید ایده‌های فراوان، ۲. بسط: یعنی استعداد توجه به جزئیات، ۳. ابتکار: یعنی استعداد تولید ایده‌های نو و غیرمعمول و ۴. انعطاف پذیری: یعنی استعداد تولید ایده‌ها یا روش‌های بسیار گوناگون» (عابدی، ۱۳۷۲؛ بنقل از دائمی و بارفروش، ۱۳۸۳، ص ۲). «آیزنک، آرنولد و میلی» (به نقل از منصور، ۱۳۷۲) معتقدند خلاقیت، فرآیندی روانی است که منجر به حل مسأله، ایده‌سازی، مفهوم‌سازی، ساختن اشکال هنری، نظریه‌پردازی و تولیداتی می‌شود که بدیع و یکتا باشند (قاسمی و اقلیدس، ۱۳۸۴، ص

۶۰). «تورنس» (۱۹۶۲) «خلاقیت» را به عنوان نوعی «مسأله‌گشایی» مد نظر قرار داده‌است. به نظر وی تفکر خلاق، مختصراً عبارتست از فرآیند حس کردن مسائل یا کاستی‌های موجود در اطلاعات، فرضیه‌سازی درباره حل مسائل و رفع کاستی‌ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه‌ها، بازنگری و بازآزمایی آنها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران. جامع‌ترین نظریه در رابطه با خلاقیت، مربوط به «گیلفورد» دانشمند آمریکایی است که با تحقیقات فراوان سرانجام به این نتیجه رسید که توانایی‌های فکری انسان را نمی‌توان در یک بعد خلاصه کرد و آن را هوش یا چیزی شبیه آن نامید. وی با روش‌های پیشرفته آماری دریافت که قوای فکری انسان را می‌توان به ۱۵۰ عامل مجزا که هر یک به تنهایی قابل اندازه‌گیری است، تقسیم کرد. به نظر وی برخی از این خصیصه‌ها مستقیماً در «ظهور خلاقیت» مؤثرند. این خصیصه‌ها و ویژگی‌های آنها عبارتند از:

۱. «سیالیّت (روانی)»: تولید تعدادی اندیشه در یک زمان؛
 ۲. «انعطاف پذیری (نرمش)»: تولید اندیشه‌های متنوع و غیر معمول و راه حل مختلف برای یک مسئله؛
 ۳. «نازگی (بسط)»: تولید جزئیات و تعیین تلویحات و کاربردها؛
 ۴. «ترکیب»: کنار هم قراردادن اندیشه‌های ناهمخوان؛
 ۵. «تحلیل»: شکستن ساختارهای نمادین به عناصر تشکیل دهنده؛
 ۶. «سازمان دادن»: تغییر شکل دادن طرح‌ها، کارکردها و موارد استفاده؛
 ۷. «پیچیدگی»: توانایی برخورد کردن با تعدادی اندیشه مختلف و مرتبط با طور همزمان.
- «رنزولی و ریس» (۱۹۸۵)، در الگوی غنی‌سازی برنامه‌های دانش‌آموزان، بر گسترش و ترویج خلاقیت در مدرسه تأکید می‌کنند. در الگوی آنها، اهداف مدنظر قرار گرفته است:

۱. «برانگیختن و ارتقای خلاقیت در دانش آموزان با استعداد»؛ و
۲. «بهبود بخشیدن به کیفیت آموزش و گسترش دامنه طرح غنی سازی»؛ و
۳. «تدوین برنامه آموزشی منظم و ایجاد همکاری به جای رقابت بین معلمان و کارکنانی که در طرح شرکت دارند» (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۴).

فرآیند خلاقیت در هنر و معماری شهری

فانزه نیز در کتاب «هنر خلاقیت در صنعت و فن» به تکنیک‌هایی برای خلاقیت اشاره می‌کند که عبارتند از: ۱- تهیه فهرست تجربیات، ۲- تهیه لیستهای تطبیقی، ۳- تهیه جداول متقاطع ایده‌ها، ۴- تشریح مشکل و موضوع در برابر دیگری، ۵- تکنیک «گوردون»، ۶- تکنیک اندیشیدن و بحث آزاد، ۷- استفاده از خطوط فکری غیر مرتبط، ۸- تکنیک تلفیقی حاصل از ترکیب رویه «گوردون» و رویه اندیشه آزاد (فانزه، ۱۳۶۴، ص ۵۶-۷۲). «آسبورن» پیرامون «فرآیند تفکر خلاق»، دیدگاه جامع دیگری را مطرح می‌کند. وی اعتقاد داشت فرآیند تفکر خلاق، شامل «سه مرحله اصلی» و «شش مرحله فرعی» است. این مراحل عبارتند از:

۱. «حقیقت جویی»: مرحله حقیقت جویی به دو مرحله «حل مسأله دیوئی» یعنی «بیان مسأله» و «جمع آوری اطلاعات» مشابه است، با این تفاوت که تنها «حل خلاق مسأله» است نه صرفاً «حل مسأله». این مرحله شامل دو زیر مرحله است که عبارتند از: الف- «تعریف مسأله»: منظور از تعریف مسأله این است که بدانیم در جستجوی چه هستیم. تعریف مسأله ممکن است با یک مسأله کلی آغاز گردد و به مسائل فرعی ختم گردد. مسائل گاهی برای فرد ایجاد می‌شود و گاهی او مسائل را به وجود می‌آورد. ب- «آماده سازی»: در این مرحله از حقیقت جویی، فرد به جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد. ابتدا دانش و تجربه‌های قبلی درباره مسأله تمرکز می‌شود و سپس تجربه‌های

جدیدی در رابطه با مسأله جمع آوری می‌شود.
۲. «ایده جویی»: در این مرحله ایده‌های مختلف و متعددی طرح می‌گردد و در آن تداعی معانی نقش خاصی ایفا می‌کند. بدین ترتیب یک فکر منجر به فکر دیگری می‌گردد که این امر با اتصال قوه تصور با حافظه ممکن می‌شود. برای ایده‌یابی بهتر باید موانعی را که فکر را بسته نگه می‌دارد، کنار زد و عواملی که می‌تواند در یافتن ایده‌های بهتر موثر باشد، را تقویت نمود.

۳. «حل مسأله جویی»: این مرحله، مستلزم ارزیابی و آزمایش ایده‌های انتخاب شده در مرحله قبل و در نهایت انتخاب و گزینش راه حل نهایی است. قابل ذکر است که اغلب راه حل نهایی از ترکیب ایده‌های مختلف به دست می‌آید. این مرحله همچنین با دو مرحله نهایی از پنج مرحله روش حل مسأله یعنی آزمون فرضیه و نتیجه‌گیری هماهنگ است. پس می‌توان نتیجه گرفت «فرآیند خلاقیت»، از دیدگاه «آسبورن» همان «فرآیند حل مسأله» است که «دیوئی» مطرح می‌کند؛ با این تفاوت که در اینجا جهت حل مسأله برانگیختن خلاقیت هر چه بیشتر است (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۵۶). الگوی «آسبورن - پارنز» (۱۹۶۲) شامل پنج مرحله است که عبارتند از:

۱. «حقیقت یابی»: اطلاعات لازم درباره مشکل برای تعریف مسأله جمع آوری می‌شود.
۲. «مسأله یابی»: بیان مسأله آن گونه که اصل قضیه را به خوبی روشن نماید.
۳. «ایده یابی»: برای مسأله ایده‌های هر چه بیشتری جستجو می‌شود.
۴. «راه حل یابی»: از بین ایده‌ها، بهترین راه حلها انتخاب می‌شود.
۵. «پذیرش یابی»: راه حل‌های انتخاب شده برای اجرا آماده می‌شود (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۵۶). همچنین آسبورن به نقل از «فانزه» (فانزه، ۱۳۶۴، ص ۵۹) از «فهرستهای تطبیقی» یاد می‌کند که عبارت از همان مراحل بالا به صورت زیر است:

۱. «انطباق»: آیا پدیده‌ای شبیه به پدیده مورد نظر ما وجود دارد؟ آیا معضل مشابهی در گذشته وجود داشته است؟ چه چیزی را می‌توان تقلید کرد؟ از چه کسی می‌توان کمک خواست؟

۲. «تغییرات»: آیا می‌توان تغییراتی در شکل، اندازه، معنی، حرکت و یا مبداء داد؟

۳. «بزرگسازي»: چه مشخصه‌ای را می‌توان بر مقوله افزود؟ زمان؟ فرکانس؟ قدرت؟

۴. «ساده کردن»: کدام مشخصه را می‌توان حذف کرد؟

۵. «جانشین سازی»: آیا می‌توان مضمون جانشینی را در نظر گرفت؟

۶. «ترادف»: آیا می‌توان اجزاء را به ترکیب دیگری ردیف کرد؟ آیا می‌توان تسلسلی دیگر برای ترتیب عملکردها و یا ترکیبی دیگر برای آنها در نظر گرفت؟

۷. «ترکیب عکس»: تعویض جای مثبت و منفی؟ جهت عکس عمل کردن؟

۸. «ترکیب»: آیا می‌توان آلیاژ جدیدی بکار برد؟ آیا می‌توان ترکیب شیمیایی یا مخلوطی جدید و یا کارکردهای دیگری برای اجزای مختلف در نظر گرفت؟ (فانژه، ۱۳۶۴، ص ۵۹-۶۰).

«استین» (۱۹۷۴) «فرآیند خلاقیت» را شامل سه مرحله می‌داند:

۱. «فرضیه سازی»: این مرحله بر مبنای هدفی که فرد در جهت خلاقیت دنبال می‌کند، انجام می‌گیرد. «استین» اعتقاد دارد برای فرضیه سازی بهتر، افراد خلاق نیازمند شرایطی هستند که بهتر کار کنند. افراد خلاق اغلب آگاهند که در چه موقعیت‌هایی بیشتر خلاق هستند. استین در واقع همان «مرحله نهفتگی والاس» را طرح می‌کند و به اهمیت «الهام و شهود و احساس زیباشناختی» در «فرضیه سازی» تاکید می‌ورزد. وی همچنین «آمادگی» را جزء فرآیند خلاقیت نمی‌داند، چون قبل از ورود به مسأله است.

۲. «آزمودن فرضیات»: بررسی این که آیا فرضیه

یا عقیده مورد نظر می‌تواند منجر به نتیجه خلاقیتی گردد، تنها با آزمایش فرضیه ممکن است طبیعتاً نوع آزمایش بر حسب رشته مورد نظر فرق می‌کند. در این مرحله در واقع یک تجربه خصوصی به تجربه عمومی تبدیل می‌گردد و آنچه را ممکن است فرد خلاق با آن یکی شده بوده را بتواند از بیرون بنگرد.

۳. «انتقال نتایج»: در فرآیند خلاق، انتقال شخصی به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه باید به دست آمده یا محصول خلاق را به دیگران انتقال داد. وقتی فرد خلاق روی موضوعی کار می‌کند، می‌تواند فرآیند رسیدن به آن نوآوری را انگونه که خود درک نموده و آنچه را در ذهن داشته به دیگران منتقل کند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۵۷).

مراحل خلاقیت در هنر و معماری
مراحل تفکر خلاق عبارتند از:

۱- «آمادگی»: در مرحله اول افراد به امور پدیده‌های مختلف زندگی دقت و توجه بیشتری پیدا می‌کنند، به حدی که گاهی پدیده‌های زندگی مدت‌های طولانی ذهن شخص را به خود مشغول می‌کند.

۲- «مطالعه»: در مرحله مطالعه فرد با بررسی و مطالعه بیشتر روابط بین پدیده‌ها را بهتر درک می‌کند.

۳- «تغییر»: در مرحله سوم شخص به نوع روابط بین پدیده‌ها که ذهن او را به خود مشغول کرده اند پی می‌برد و با طرح سئوال‌های مختلف در ذهن به نقد و بررسی آن می‌پردازد.

۴- «پختگی»: در این مرحله شخص با گذار از مراحل قبلی به درک و شناخت عمیق تری از روابط بین پدیده‌ها می‌رسد و گویی پدیده‌ها، جزئی از وجودش شده است.

۵- «اشراق»: در مرحله اشراق شخص به پاسخ‌های ناگهانی دست پیدا می‌کند، معمولاً با کلماتی نظیر «هان» و «یافتم» متجلی می‌شود.

۶- «وارسی»: در این مرحله فرد به بررسی بهترین ایده‌ای که در مراحل قبلی به آن رسیده است می‌

پردازد و درستی آن را مشخص می کند.

۷- «اجرا»: در این مرحله فرد افکار یا ایده هایی که مورد تأیید واقع شده اند را به مرحله اجرا درمی آورد (شکرچی، ۱۳۸۸، ص ۷).

شهرهای خلاق

به طور کلی یک فضای شهری خلاق از به هم آمیختگی سه عنصر مکان، انسان و سرمایه گذاری حاصل می شود. ایده فضای شهری خلاق بر این باور است که باید با استفاده از سرمایه گذاری بر عنصر مکان، خارج از صنعت و به عنوان محیطی که کیفیت زندگی انسان را بالا می برد، تاکید کرد. این درهم آمیختگی سرمایه گذاری، مکان و انسان ها باید به پنج نوآوری برسد: نوآوری در حوزه مدیریت شهری، مسائل مدنی، مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی و مسائل فرهنگی و هنری (همان، ۱۳۹۱، ص ۷۴). اشهرهای خلاق از موضوعات نوین در حوزه شهرسازی است؛ چنانچه «ترسا آمابیل» شش گروه برنامه عملیاتی برای مدیریت خلافت ارائه نموده است که به شرح ذیل است: ۱- چالش؛ ۲- آزادی؛ ۳- منابع؛ ۴- فعالیت گروهی و اجتماعی؛ ۵- نظارت تشویقی؛ ۶- حمایت سازمانی یک فضای شهری خلاق محیط مساعدی برای تربیت خلافت انسانی است و زمینه پرورش خلافت ساکنین خود را فراهم می آورد. این شهرها فضای پویا و سالمی دارند و به صورت یک جامعه باز، از تازه واردها استقبال کرده و به سرعت خود را با ایده های جدید سازگار می کند. همچنین گروه های جدید مهاجر را به راحتی در خود جای داده و به همسازی و همزیستی خلافت آنها کمک می نماید (رضائیان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۲).

شهرها همواره مکانی برای ابداع نوآوری و خلافت هستند و در آنها روابط اولیه زیادی وجود دارد که منجر به نوآوری های اجتماعی و خلافت در زندگی شهری می شود. حال برای داشتن یک فضای شهری خلاق بستری نیاز است که از طریق آن شهروندان بتوانند شهر خلاق را شکل دهند. این بستر همان

فضاهای عمومی در شهر است که شهروندان از طریق حضور در آنها می توانند ظرفیت بالقوه خلافت خود را به ظرفیت های بالفعل تبدیل کنند. این فضاها به دلیل ماهیت خود حق ورود و حضور هر قشر، سن، نژاد و صنفی را بدون هیچگونه محدودیتی به عموم شهروندان می دهد و فضایی مناسب را برای گردهمایی و تجمع شهروندان با برقراری ارتباطات و تعاملات بین آنها، بحث و گفتگو و تبادل نظر در ارتباطات دو یا چندطرفه میان افراد از طریق ایجاد ارتباط با محیط طبیعی فراهم می کند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۱، ۷۴).

به هر حال با این رویکرد جدید، مسئله حکومت شهری و مدیریت شهری اهمیت پیدا می کند. با اهمیت پیدا کردن شهرها و افزایش جمعیت و رابطه شبکه ای شهرها، مسایل مدنی به نوعی دیگر مدنظر قرار می گیرد. به دنبال آن، نگاه به مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری نیز تغییر پیدا می کند. در حال حاضر برای اینکه فضای شهری به عنوان یک فضای شهری خلاق شناخته شود، باید در زمینه های فرهنگی و هنری سرمایه گذاری کرد. در فضای شهری خلاق علاوه بر مسائل صرف اقتصادی، تکنولوژی، علم و فرهنگ است که به توسعه ی فضاهای شهری در شهر کمک می کند (رضائیان و همکاران، ۱۳۹۱، ۷۴). شاخص های اصلی و ضروری در یک فضای شهری خلاق به عناصر مختلفی از قبیل: کیفیت محیط زیست، شرایط اجتماعی و فرهنگی، کاربرد تکنولوژی، وجود الگوهای اقتصادی و استقرار سیاست عمومی بستگی دارد (رضائیان و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۴).

خلافت در معماری و طراحی شهری در آموزش معماری مسایل مختلفی در حیطه فرهنگ و اجتماع، دین و اقتصاد مورد توجه اندیشمندان و اساتید معماری بوده است؛ چنانچه تاکید «هادی ندیمی» در مقاله «آیین جوانمردان و طریقت معماران» در رابطه با مهارتهای مورد نیاز در حرفه و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

صناعت معماری و در واقع بایسته های آموزشی آن، نیز به مقولات فرهنگی و دینی در آموزش و تزکیه معماران اشاره دارد؛ وی می نویسد:

«فراگیری مهارت هنری و راز و رمز آن محتاج تلاش و ریاضتی است که بعد از ممارستی توان فرسا و مجاهدتی بی دریغ و ریاضتی نورافزا صادر می گردیده است. به عبارت دیگر، انتقال مهارت راز و رمزها در گرو یافتن اهلیت بوده است. استاد پس از آزمون از خصوصیات شاگرد و موفقیت، شروع به کار با وی می نموده است. سالهای متمادی از عمر شاگرد در تقلید و نگاه به دستان استاد می گذشته است تا بتدریج مهارتی که نتیجه ممارست و تهذیب نفس بوده است، در جان وی جایگزین گردد و سپس در سالهایی که گرد پیری بر رخسار چهره وی نشسته بوده و وجود وی در حقیقت راستین این تفکر ذوب گردیده بود، خود به مقام استادی نایل می آمده و «دست در کار» پیدا می کرده است.» (ندیمی، ۱۳۷۵، ص ۶-۲۱).

«میس و ندرروه» [در انطباق با نگاه ندیمی]، در سال ۱۹۳۸ و پس از دعوت برای مدیریت بخش معماری انستیتو آرمور که بعدها به انستیتو تکنولوژی ایلینویز تغییر نام یافت، در خطابه افتتاحیه در رابطه با آموزش معماری گفت:

«هر آموزشی باید با جنبه های عملی زندگی آغاز شود. ولی آموزش واقعی باید فراتر رفته و به شخصیت شکل بخشد. اولین هدف، دریافتهای دانشجو برای شناخته ها و قابلیت های زندگی عملی است. هدف دوم، پرورش شخصیت او و دادن امکان استفاده از این شناختهها و قابلیتها است. آموزش واقعی تنها شامل اهداف عملی نیست، بلکه ارزشها را نیز در بر می گیرد. ما از طریق اهداف عملی به اسکلت خاص زمان خود پیوسته ایم، در حالی که، این ارزشها به ارزشهای معنوی انسان مربوط است. اهداف کاربردی فقط به پیشرفت مادی وابسته اند در حالی که ارزشهایی که ما از آن دفاع می کنیم، سطح فرهنگی ما را متجلی می کنند. اهداف عملی

و ارزشها در عین ارتباط نزدیک، متفاوتند... آموزش باید ما را از یک وضعیت غیرمسئولانه به قضاوت روشن و مسئولانه و از موفقیت «اتفاقی» و «دلخواه» به صراحت راسیونل و نظم روشنفکرانه هدایت کند. در نتیجه ما دانشجویان را در مسیر منظم، با شروع از مصالح و حل فنکسیون تا کار خلاقه، هدایت می کنیم» (بنه ولو، ۱۳۷۷، ص ۳۰۹).

در عین حال، باید اشاره داشت که از نظر بسیاری از صاحب نظران مشکل اساسی معماری امروز در مقوله آموزش است، چنان که «حسین شیخ زین الدین» در مقاله «گفت و گویی درباره زبان و تکنیک» می نویسد:

«...باید جایی این چرخه اهریمنی شکسته شود. این نقطه نظر من در آموزش است. در این زمینه لازم نیست بدیهیات را بارها و بارها امتحان کنیم. باید ببینیم در همه دنیا چه کرده اند، ما هم همانطور عمل کنیم. جامعه ای در آن بدیهیات هم نیازمند اثبات باشد، پیش نمی رود. سرافکندگی ایجاد می کند. برای کشور توسعه نیافته خطرناک است که این پارادایم های بدیهی را که لاقط در حال حاضر کارکردشان اثبات شده سات زیر سوال ببرد و خیال کند کشف خیلی بزرگی کرده است. شاید راه خروج از چرخه همین باشد که بداهت این پارادایم ها به طور موقت اما قاطع و قطعی پذیرفته شود. به خاطر شک فلسفی که نمی توان به همه سازوکارها و از جمله در مورد آموزش و نظام های فنی حمله کرد. نه از هیچ کس می آموزیم و نه با کسی مشورت می کنیم. فقط به اتکاء دانش قاصر خودمان نظامی را بازتولید می کنیم که محصول بدی دارد و عبرت هم نمی گیریم.» (شیخ زین الدین، ۱۳۸۱، ص ۳۱). در واقع معماری و آموزش آن باید تفکر ساز و تفکر آفرین باشد؛ چنان که «داراب دیبا» در رابطه بین نظر، جهان بینی و تفکر می آورد:

«...در شکل گیری معماری ایران، نظر، جهان بینی و تفکر ارتباط بسیار نزدیک با فضا داشته است. این امر ممکن است در مرحله اول جست و جوگر حل

مسائل جوی و اقلیمی بوده باشد ولی در مراحل تکمیلی، ذهنیتی مشهود است که در آن کلیه تحولات عقلانی و تخیلات معنوی نفوذ کرده اند.» (دبیا، ۱۳۷۸، ص ۹۷).

«مارسل پلو» مدیر اسبق دانشکده معماری لاکامبر بروکس، در رابطه با آموزش معماری بر این باور است که:

«این نوع آموزش، به نظر من دو هدف عمده دارد که گاه مخالف و گاه مکمل یکدیگرند. از یک سو، در سطح سازمان اجتماعی، که معماران در آن به کار مشغول اند، وظیفه ای مورد نظر است که باید مرغوب ترین کیفیت را برای مشتری تضمین کند. مفهوم این وظیفه، در طول تاریخ، در طیفی از ملاحظات صرف معماری تا مدیریت بهینه فضا و پول - همچنین انعکاس روحیات جامعه در نوسان بوده است. اما از سوی دیگر، تعالیمی است که حیثیت فرهنگی آن در آگاهی انسانی، همچنان پابرجاست. آموزش باید در عین حال که شاگردان را برای ساختن بنا و مدیریت طرح تربیت می کند، دانش دایما تکامل یابنده پیشه ای فرهنگی را نیز در اختیار آنها بگذارد» (پلو، ۱۳۷۵، ص ۳۲).

در رابطه با آموزش معماری سنتی ایران، «هادی ندیمی» در زمینه «آموزش توامان حکمت نظری و حکمت عملی بر مبنای رابطه استاد شاگردی»، می آورد:

«آنچه از آثار مکتوب در احوالات اهل سلوک از بنایان و معماران تاکنون شناخته شده، بسیار اندک است و آن نیز اکثرا در قالب فتوت نامه هایی است که از ارباب حرف و صنعت به جای مانده است. آنچه را که از سیر و سفر در بوستان این فتوت نامه ها در عرصه صنعت و هنر می توان به ارمغان آورد، عبارتند از: الف- صنعت و هنری را که نزد آنان بوده، امانتی الهی دانسته و آن را به مشایب قدسی حواله داده اند. ب- شرط ورود به صنعت و پیشه را آراستگی و ادب دانسته و اهلیت یافتن و تخلق به اخلاق جوانمردی و پا گردیدن از هرگونه رجس و

ناپاکی را شرط حضور دانسته اند. ج- حجاب منیت را دریده اند و خویشان را در آتش لقاء حق ذوب نموده و آماده اعطاء ربانی شده و به حقیقت «اذر میت مارمیت» واصل گردیده اند. د- ساختن را از باتدا تا انتها با ذکر ربانی و قلبی به نحوی تمثیلی با سازندگی ایجاد ممزوج نموده و هدف همه را قرب به حق دانسته اند. ه- اعطاء و اخذ یا به عبارت دیگر، تعلیم و تعلم را در انتقال مهارت و راز و رمزها که از استاد به شاگرد به انجام می رسد، نیز در گرو یافتن «اهلیت» بوده، شاگرد در اولین قدم ها می بایست در توقف در عادات بد، خودبینی، خودپسندی ها و غرور و دنیا طلبی پرهیز نموده و وجود خویش را آماده برای درک حقایق و رموز نماید. و- استادان ارشد و پیش کسوتان علم و عمل مقامی والا و اعتباری پابرجا در تمامی مراحل کار و پیشه داشته و حضور معنوی استاد و پیر همواره در کار ملحوظ بوده است (ندیمی، ۱۳۷۵، ص ۶-۲۱).

نظریه های خلاقیت معماری و طراحی شهری در زمینه شناخت خلاقیت مکتبهای و نظریه های زیادی وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می شود: خلاقیت معماری و نظریه های اجتماعی و زیست شناختی

«هارینگتون» (۱۹۹۰) بر مبنای شناخت «محیط زیست» (اکولوژی) در زیست شناسی، «نظریه اجتماعی» خویش را از «خلاقیت» پایه ریزی می کند. او معتقد است: «خلاقیت محصول فرد واحدی، در یک زمان واحد، در جای خاص نیست؛ بلکه عبارت از یک زیست بوم (اکوسیستم) است، همانگونه که در زیست بوم (اکوسیستم) در زیست شناسی موجودهای زنده با یکدیگر و با اکوسیستم شان مرتبط اند، در اکوسیستم خلاق نیز همه اعضاء و همه جنبه های محیطی در حال تعامل می باشند. البته بین «اکوسیستم در زیست شناسی» با «اکوسیستم در خلاقیت» تفاوتی وجود دارد؛ هرچند در مقولات سیستمی، نگاه به آنها مشابه ارزیابی شده است». سه مفهوم زیست شناختی در

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

این «استعاره قیاسی»، قابل توجه است:

۱. «بعضی خصوصیات ارگانیزم در یک جا نقش حیاتی دارد و در محیطی دیگر بی تاثیر و غیر مفید است». همچنین خصوصیات محیطی که برای یک ارگانیزم زیانبخش است برای دیگری عامل رشد و توسعه به حساب می رود. این مسأله در اکوسیستم خلّاقیت قابل تعمیم است. عوامل محیطی که در یک جا موثر است، در جای دیگر تاثیر منفی دارد. در تحقیقی که «آمابیل» داشته (۱۹۸۴)، دانشمندان فشار و اضطراب زمانی و رقابت را مانعی در خلّاقیت دانسته اند، در حالی که در تحقیق دیگر دانشمندان این عوامل را محرک خلّاقیت خویش دانسته اند. ویژگیهای شخصیتی در کار خلّاق با ویژگیهای اکوسیستم در ارتباط است.

۲. «موجودات زنده، شکل دهندگان و جستجوگران فعال محیط شان هستند». زیست شناسها توجه زیادی به فرآیند فعالیت موجود زنده دارند که طی آن چیزها را تغییر داده و جای طبیعی اشان را جستجو می کند. در اکوسیستم خلّاقیت نیز فرآیندی که افراد خلّاق به طور فعالی محیط شان را انتخاب کرده و شکل می دهند، توجه می شود. این عمل موجب تسهیل رشد خلّاقیت افراد و پیشرفت کارهایشان می گردد.

۳. «ارتباط غیرخطی و متصل عامل محیطی»: همانطور که در بیولوژی عوامل محیطی با یکدیگر ارتباط غیر خطی دارند، در اکوسیستم خلّاقیت نیز همه عناصر با یکدیگر ارتباط غیر خطی دارند؛ برای مثال در یک گلخانه نیاز به مقداری آب، نور خورشید است تا گیاه رشد کند، مقدار آبی که لازم است نیز وابسته به عوامل دیگری مانند میزانی که گیاه، نور خورشید را جذب کرده است، می باشد. خلّاقیت معماری و نظریه های تداعی گرای گیلفورد، خلّاقیت را شکل دادن به عناصر متداعی به صورت ترکیبات تازه می داند که با الزامات خاصی مطابقت داشته باشد یا به شکلی مفید باشد و هر چه عناصر ترکیب جدید ناهمگون تر باشند، فرآیند حل

کردن، خلّاق تر خواهد بود (صمدآقائی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). بر طبق نظریه تداعی گرای، ارتباط دو ایده است که منجر به تفکر می گردد؛ وقتی ایده ای در ذهن باشد، ایده مشابه آن نیز به دنبال آن خواهد آمد. بنابراین وقتی فرد با مسأله ای روبرو گردد، با تداعی اطلاعات قبلی که در ذهن دارد، به ایده تازه ای برای حل مسأله دست می یابد. پس می توان گفت خلّاقیت عبارت از هر چه فعال نمودن تداعیها و ارتباطات ذهنی است؛ چنانچه تداعی بیشتر منجر به خلّاقیت بیشتر می گردد. «مدنیک» (۱۹۶۲) معتقد است که تفکر خلّاق عبارت است از: «شکل دادن به تداعیها به صورت ترکیبات تازه و مفید که پاسخگوی الزامات خاصی باشد» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۳۷). «مدنیک» بر اساس نظریه تداعی، سه روش برای «حل خلّاق مسأله»، ارائه می دهد: ۱. «اتفاق و تضاد»: ترکیب جدید به طور تصادفی و اتفاقی به وجود آمده است. به عبارتی دیگر، ترکیب جدید به طور اتفاقی از عناصر مربوطه ترکیب شده است. ۲. «شباهت و تجانس»: در این حالت شباهت عناصر موجب ترکیب جدید می شود. ۳. «وساطت»: با وساطت عناصر مشترک، ترکیب جدید حاصل می شود.

خلّاقیت معماری و نظریه های رفتارگرایی

اساس نظریات «مکتب رفتارگرایی» نیز نشأت گرفته از «تداعی گرای» است. اسکینر و سایر رفتارگراها، از جمله «وودمن» (۱۹۸۱) «رفتار خلّاق» را عبارت از رفتاری می دانند که از طریق تقویتهای محیطی فراگرفته شده است. «رفتار گرایان» برای فرد در تولید خلّاق، حداقل نقش را قائلند. آنها بر این باورند که محصول خلّاق، معمولاً از راه «تغییرات تصادفی» به دست می آید که به خاطر پیامدهای مثبتشان انتخاب می گردند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۳۸). هرچند ممکن است گاهی تداعی منشأ ایده های تازه باشد، یا گاهی بتواند چیزی از مرحله ایده یابی باشد؛ اما نمی توان گفت تفکر خلّاق از تداعی نشأت می گیرد، چنان که بسیاری از مواقع تفکر خلّاق، بدون

هیچ گونه تداعی شکل می‌گیرد.

خلاقیت معماری و نظریه‌های گشتالت‌گرایی

بنیان تفکر خلاق از دیدگاه گشتالت، مبتنی بر «کل‌گرایی» است که پدیده‌ها را بر پایه ویژگی‌های کلی آن تبیین می‌کند. نظریات اساسی این مکتب پیرامون خلاقیت، توسط «ورتیمر» مطرح شده است، او معتقد است که تفکر پیرامون «حل مسأله» باید شکل کلی داشته باشد، یعنی موقعیت، به عنوان یک کل در نظر گرفته شود. مهم این است که وقتی اساس و ماده اصلی حل مسأله درک شود، می‌توان آن را به شرایط دیگری انتقال داد و این تنها راه «تفکر خلاق» است. «روشهای سنتی آموزش» که مبتنی بر حفظ و تکرار است، منجر به «رفتار مکانیکی» می‌گردد که هرگز مولد نخواهد بود. «مراحل تفکر خلاق» از دیدگاه «ورتیمر» عبارت است از:

۱. «گروه‌بندی، ساختار بندی و سازمان دهی مجدد» در عملیات تقسیم یک کل به کلهای کوچکتر دیده می‌شود که برغم آن هنوز این کل‌های کوچکتر در ارتباط با هم و با کل، مسأله ادراک می‌شوند.

۲. «فرآیند حل مسأله با تلاش برای رسیدن به ارتباطات درونی آن شروع می‌شود». فرد تلاش می‌کند، طبیعت وابستگی متقابل درونی آن را کشف کند.

۳. در تفکر خلاق روابط برجسته و مشخص در ساختار درونی موقعیت نقش مهمی به عهده دارد.

۴. در تفکر خلاق، ویژگی خاصی درباره معنای عملکردی بخشها وجود دارد که همانا قطعیت روابط برای حل مسأله و درک فهم فرمول است.

۵. کل فرآیند عبارتست از یک خط مستمر فکری و نه جمع عددی عملیات مجزا و خرد شده، هیچ گامی به طور مطلق با عملکرد خود فهمیده نمی‌شود، بلکه بر عکس، هر گام در ارتباط با کل موقعیت معنی پیدا می‌کند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

خلاقیت معماری و نظریه‌های شناخت‌گرایی

شناخت‌گرایان معتقدند آموزش خلاق، زمانی محقق می‌گردد که معلم به دانش‌آموز کمک کند تا در یادگیری مطلب تازه، تجربه‌هایی که قبلاً آموخته است را به موضوع جدید منتقل نماید. بنابراین علی‌رغم اشتراکات زیادی که «شناخت‌گرایی» با «نظریه گشتالت» دارد، در این زمینه، موضعی کاملاً متضاد دارند. تاکید شناخت‌گرایی بر «استفاده از تجربه‌های قبلی در یادگیری» است در حالی که نظریه گشتالت آن را کاملاً رد می‌کند. «مه‌پر» (۱۹۸۴) شناخت‌گرایی معروف، روی «روش‌های آموزش خلاقیت» تحقیقی انجام داد و این نکته را پیشنهاد نمود: ۱. «آموزش مطالب باید معنی دار باشد». ۲. «آموزش باید مبتنی بر دانش قبلی دانش‌آموزان باشد». ۳. «روشهای آموزش باید بر اساس فرآیندهای یادگیری فعال انجام گیرد». ۴. «ارزبابی نتایج باید خلاقیت دانش‌آموزان را اندازه بگیرد و آزمون‌ها مبتنی بر حل مسأله خلاق باشد» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۲).

خلاقیت معماری و نظریه‌های انسان‌گرایی

انسان‌گرایی از جمله مکاتبی است که به خلاقیت توجه خاصی داشته است. انسان‌گرایان، خلاقیت را تنها به امور خارق‌العاده نسبت نمی‌دهند و معتقدند همه افراد می‌توانند قوای خلاق خویش بهره‌گیرند. آن‌ها عقیده دارند که خلاقیت نه تنها دستاوردها بلکه فعالیتها، فرآیندها و نگرشها را هم در بر می‌گیرد، چنان‌که «راچرز» در تعریف «خلاقیت» می‌گوید: «ظهور یک فرآورده ارتباطی نو ظهور در علم که از یک سو از بی‌همتایی فرد سرچشمه می‌گیرد و از دیگر سو از مرادف رویدادها، مردم یا اوضاع و احوال زندگی.» بر مبنای نظریات انسان‌گرایان، شرایط درونی خلاقیت را نمی‌توان تحمیل کرد؛ همان‌گونه که نمی‌توان بذر کاشته شده را به زور رشد داد. انسان‌گرایان تاکید خاصی بر ارتباط خلاقیت با «سلامت روانی»، «خودشکوفایی» و «کمال انسان» دارند؛ چنانکه «مازلو» اعتقاد دارد که این رابطه به قدری عمیق است که می‌توان گفت

این واژه‌ها مفهوم واحدی دارند. وی برای تحقق خلاقیت سه شرط اصلی را دارای اهمیت می‌داند: ۱. «باز بودن به تجربه و انعطاف در برابر پندارها، باورها، ادراکها و فرضیه‌ها». ۲. «ارزیابی درونی، اساس ارزش‌یابی فرد خلاق در درون خودش هست، هر چند به نظریات دیگران نیز توجه دارد». ۳. «قدرت بازی با عناصر و مفاهیم، قرار دادن ماهرانه عناصر در کنار ناممکن‌ها، طراحی فرضیه‌های نامعقول، بیان مسائل خنده‌دار و انواع بازی‌ها که منجر به نوآوری گردد» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

خلاقیت معماری و نظریه‌های روان‌سنجی گرای

«مکتب روان‌سنجی»، به خلاقیت از «زاویه آزمونها» می‌نگرد و تلاش می‌کند با «مقیاس‌های کمی»، خلاقیت را در افراد اندازه‌گیری کند. بنابراین تعریف خلاقیت بر حسب چگونگی عملکرد روی مواد یک دست بیان می‌گردد. «گلیفورد» از پیشروان این مکتب، «خلاقیت» را عبارت از «تفکر واگرا» می‌داند. تفکر واگرا یک جستجوی ذهنی است که به دنبال تمام راه‌های ممکن برای یک مسأله است و در مقابل تفکر همگرایی قرار دارد که به دنبال یک جواب صحیح برای مسأله می‌گردد، قرار دارد. وی برای تفکر خلاق ویژگی‌هایی قائل است که عبارتند از:

۱- «سیالیّت (روانی)»: تولید تعدادی اندیشه در یک زمان.
۲- «انعطاف پذیری (نرمش)»: تولید اندیشه‌های متنوع و غیر معمول و راه حل مختلف برای یک مسئله.

۳- «تازگی (بسط)»: تولید جزئیات و تعیین تلویحات و کاربردها.

۴- «ترکیب»: کنار هم قراردادن اندیشه‌های ناهمخوان.

۵- «تحلیل»: شکستن ساختارهای نمادین به عناصر تشکیل دهنده.

۶- «سازمان دادن»: تغییر شکل دادن طرح‌ها، کارکردها و موارد استفاده.

۷- «پیچیدگی»: توانایی برخورد کردن با تعدادی اندیشه مختلف و مرتبط با طور همزمان.
خلاقیت معماری و نظریه‌های عصب‌شناختی «نظریه عصب‌شناختی» را شاید بتوان یکی از جدیدترین دیدگاه‌ها درباره خلاقیت دانست. در این دیدگاه رابطه خلاقیت با مغز و امواج مغزی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش‌های زیادی راجع به نقش «نیمکره‌های مغز» در زمینه‌های فکری انجام گرفته است تحقیقاتی که وظیفه مغز چپ و راست را جستجو می‌کنند، دو فرآیند فکری را مشخص کرده‌اند. نیمکره چپ با اطلاعات شفاهی سروکار داشته و تفکر انتقادی را تنظیم می‌کند و مسؤل رموز خواندن، زبان، ریاضی به شیوه منطقی، تحلیلی و متوالی است. نیمکره راست با اطلاعات تصویری، شنوایی سروکار داشته و مسائل و عقاید قدیمی را به شیوه جدید دوباره تنظیم می‌کند. مغز راست با استعاره، شکل، شهود و تحلیل عمل می‌کند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۹). افراد خلاق هر دو فرآیند فکری را با هم ترکیب می‌کنند، زیرا در خلاقیت به هر دو جنبه فکری نیاز است. هرچند بعضی از محققان معتقدند در تفکر خلاق نیمکره راست نقش اصلی را دارد و ادغام وظایف دو نیمکره لزومی ندارد و حتی می‌تواند اثر منفی داشته باشد، زیرا «تفکر خلاق» و «منطقی» بطور همزمان نمی‌توانند در بالاترین سطح عمل کنند؛ بنابراین خلاقیت با توجه و تقویت نیمکره راست مغز شکوفا می‌شود (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

الگوها و روش‌های خلاقیت در معماری و طراحی شهری

الگوی تعاملی آموزش آفرینشگری در معماری سابقه ورود تفکر خلاق در ادبیات روان‌شناسی را باید در اوایل قرن نوزدهم میلادی و با مروری بر سیر تحول مکاتب آن زمان همچون: ارتباط‌گرایی، مدرسه ووزبرگ، جنبش گشتالت، و روان‌شناسی رفتار‌گرایی جستجو نمود. در واقع ابتدا در اوج



نمودار ۱: سلسله مراتب روش شناسی طراحی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

دوران شکوفایی روان شناسی رفتار گرایی در دهه ۱۹۲۱ بود که چهار مرحله معروف به «آماده سازی»، «نهفتگی»، «روشن گری» و «اثبات» در حین یک مساله معرفی گردید. تحولات فکری بر اساس مراحل چهارگانه در حین حل مساله را می توان در ارتباط با یک پروژه طراحی به شرح زیر تقسیم نمود:

۱. «مرحله آماده سازی»: در این مرحله طراح باید برای ایجاد شناخت کافی از موضوع و آگاهی از ویژگی های موضوع، اقدام به جمع اوری اطلاعات نموده و سپس این اطلاعات خام را به اطلاعات کاربردی تبدیل می نماید تا در حین فرآیند طراحی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. «مرحله نهفتگی»: در این مرحله طراح با استفاده از فرآیندهای فکری (که بعضا در پروژه های متنوع، متغیر هستند)، اقدام به جستجو برای یافتن راه حل می نماید. از آنجه که راه حل مناسب و ایده های طراحی براحتی بدست نمی آیند، اغلب طراحان در این مرحله احساس می کنند که به بن بست برخوردند و شکل گیری ایده های طراحی، خوب پیش نمی رود. در صورتیکه این کندی در تصمیم گیری خود بخشی از فرآیند فکر کردن و تجزیه و تحلیل اطلاعات می باشد که نیاز به زمان و آرامش دارد.

۳. «مرحله روشن گری»: با بهره گیری از تکنیک های ایده پردازی (مثل سناریو نویسی)، در این مرحله می توان به ایده هایی دست پیدا نمود که این ایده ها برای شروع فرآیند فکر کردن بسیار مفید می باشند. در این مرحله، ایده هایی که در ذهن طراح شکل گرفته به او امکان بهره گیری از بینشی در طراحی را می دهد تا به حل مساله طراحی پردازد.

۴. «مرحله اثبات»: در این مرحله طراح به بررسی گزینه های طراحی می پردازد و قابلیت اجرایی ایده های خود را شناسایی می کند. سپس با استفاده از تکنیک های ارزیابی به مقایسه ایده ها پرداخته و نهایتا پاسخ نهایی را شناسایی می نماید (محمودی، ۱۳۸۳، ص ۳۰).

ویژگی های استراتژی های فکر کردن در طراحی را می توان در چهار گروه دسته بندی و معرفی کرد:

۱. «تفکر واگرا در مقابل تفکر همگرا»: تفکر واگرا در واقع نوعی کثرت گرایی را ایجاد می کند. این نوع تفکر با تعدد گزینه ها و ایده ها همراه است و آن را می توان بعنوان «تفکر افقی» معرفی نمود که در آن ایده های گوناگون در کنار یکدیگر دارای اولویتی نمی باشند و در مسیر تحلیل، تعدادی

از راهکارها حذف و یا با یکدیگر ادغام می گردند. در مقابل یان تفکر، تفکر همگرا مطرح است که بر اساس مراحل منطقی پیش می رود و در واقع دارای ساختار و فرآیندی است که به صورت روش های سیستماتیک تدوین می گردد. در تفکر واگرا یا عمودی، سلسله مراتب تصمیم ها و ایده ها بر اساس فرآیند سعی و خطا به پاسخ نهایی نزدیک می شود.

۲. «تفکر آنی در مقابل تفکر واکنشی»: تفکر آنی بر احساس درونی و حکمت تکیه دارد. در این نوع تفکر، به جزئیات کمتر توجه و تصمیمات معمولاً کلی و در مقیاس کلان اتخاذ می گردند. در مقابل آن، تفکر واکنشی مطرح است که تصمیمات بر اساس رویکردهای علمی و آزمایشی و با استفاده از اطلاعات جمع آوری شده و تجزیه و تحلیل آنها اتخاذ می گردد. در این رویکرد، با توجه به شرایط و ویژگی های مطرح، به یک یک مطالب اندیشیده شده و پاسخی متناسب که انعکاس دهنده نیازها باشد، ایجاد می گردد.

۳. «تفکر غیر وابسته به زمینه در مقابل تفکر وابسته به زمینه»: در تفکر غیر وابسته به زمینه، طراح با استفاده از رویکردی غیر وابسته به شرایط موجود به بستر، فعالیت ذهنی خود را متوجه ظرفیت عظیم تری از اطلاعات نموده و به نحوی با استفاده از روحیه گشتالت، به دنبال درک جهان فیزیکی اطراف خود می گردد و به جزئیاتی همچون مکان توجه نمی نماید. در مقابل این تفکر، تفکر وابسته به زمینه وجود دارد که توجه و تاکید آن بر شرایط مکان و بستر معرفی می گردد. در مقابل تفکر وابسته به زمینه، طراح با طی یک فرآیند منطقی به دنبال ایجاد پاسخی مناسب برای زمینه ای خاص که مساله در آن قرار دارد، به فعالیت طراحی می پردازد.

۴. «تفکر یکجا در مقابل تفکر مرحله ای»: در تفکر یکجا، فعالیت ذهنی طراح به مطالب و مسائل بصورت

یکجا و همزمان مشغول می گردد و تصمیم گیری او اغلب در ابعاد کلان انجام می گیرد. در مقابل آن، در تفکر مرحله ای، مراحل فکر کردن باعث می شود تا طراح بر اساس نوبت و برنامه زمانی و تکمیل فعالیتها، به تصمیم گیری نهایی دست پیدا نماید (همو، همان، ص ۳۱-۳۲).

در ادامه به این سه نوع تفکر اشاره شده است:

۱. «تفکر محتوایی»: این نوع تفکر در واقع بر اساس ذهنیت شکل گرفته در شخص و آگاهی پذیرفته شده، معرفی می شود. در این تفکر اطلاعاتی که از محیط و در طی دوران در ذهن فرد جمع آوری می شود، به او امکان بهره گیری از آرشینو اطلاعاتی موجود در ذهن را می دهد؛ برای مثال نقش ها و رنگهایی که برای یک طراح ارزشمند هستند، مطمئناً تحت تاثیر ارزش های قومی، نژادی، اجتماعی و فرهنگی او شکل گرفته و این فرد بطور ناخودآگاه از آنها در کار طراحی اش استفاده می کند.

۲. «تفکر نقادانه»: این نوع تفکر بیشتر با نوع تفکر منطقی و با تجزیه و تحلیل اطلاعات و بهره گیری از آگاهی پذیرفته شده، مطرح می باشد. برای مثال در فرآیند طراحی، کلیه فعالیتها مربوط به جمع آوری اطلاعات، و هدف گذاری ها تحت تاثیر این نوع تفکر شکل می گیرد.

۳. «تفکر خلاقانه»: این نوع تفکر با آگاهی تولید شده و ایجاد پاسخ خفیها بدیع برای حل مساله همراه می باشد. طراح از تفکر خلاقانه در فرآیند طراحی برای ایجاد ایده ها و دستیابی به کانسپت طرح، استفاده بعمل می آورد.

الگوی آموزش خلاق هادی ندیمی

«هادی ندیمی» در مقاله «مدخلی بر روش های آموزش معماری» در کتاب «کلک دوست» در رابطه با مقوله طراحی معماری و آموزش آن می آورد: «طراحی، از پیچیده ترین فرآیندهای ذهن خلاق است. ذهن خلاق طراح در معماری، با جولان خود، از موچک ترین مقیاس عناصر و جزئیات تا مفاهیم کلی را در یک لحظه سیر می کند. بدین جهت،

از آنها موقعیت های مناسب تری در جریان آموزش فردی ایجاد نماید.

۲. «آفرینشگری با محوریت فرآیند ذهنی»: در این رویکرد، فرآیند ذهنی شخص خلاق که منجر به آفرینشگری شده است، مورد توجه قرار می گیرد. معتقدان این رویه به پدیده با عنوان «کنش خلاق» معتقدند و می کوشند با آموزش این شیوه و نهادینه سازی این فرآیند در ذهن دانشجویان، ایشان را برای آفرینشگری خلاقانه و ارتباط میان یادگیری، تفکر و ادراک محوریت برنامه های آموزشی و پرورشی مربیان و اساتید را تشکیل می دهد.

۳. «آفرینشگری با محوریت محیط»: در این رویکرد، محیط، شرایط و فضای شکل گیری اثر هنری در کانون توجه قرار می گیرد. علاقمندان به این نگرش معتقدند که محیط مهم ترین عامل شکل گیری اندیشه های خلاقانه در فرد به شمار می آید و بدون یک محیط مناسب امکان شکل گیری عملی اندیشه های خلاق و ارتقاء آنها به آفرینشگری موثر وجود ندارد.

۴. «آفرینشگری با محوریت انجام عمل»: در این رویکرد انجام مداوم، مکرر و توأم با اصرار مسیر شکل گیری اثر برای دستیابی به خلاقیت مورد توجه قرار می گیرد. اندیشمندان این نحله معتقدند که زمانی که انسان عملی را برای چندین بار به انجام رساند، به ناگاه به روش هایی بهتر برای انجام آنها دست می یابد که در هر مرحله می تواند به شکل گیری نتیجه ای نوظهور بیانجامد.

تکنیکهای خلاقیت در معماری و طراحی شهری باید گفت که تاکنون روشهای زیادی برای پرورش خلاقیت معرفی شده است. از میان این روشها، سه روش شهرت و اعتبار بیشتری به دست آورده اند: «بارش فکری» (اسبورن، ۱۹۶۶)؛ «ارتباط اجباری» (وایتینگ، ۱۹۵۸)؛ و «سینکتیکس» (گوردون، ۱۹۶۱). در عین حال، روشها و تکنیک های خلاقیت به عنوان ابزاری برای رشد خلاقیت و افزایش توان حل خلاق مسئله، کمک شایانی به

پیدا کردن قالب و الگویی خاص برای این روند تفکر خلاقه طراح را می توان از زوایای گوناگونی نگاه کرده و دسته بندی های متفاوتی را اختیار نمود. به نظر نگارنده، سه مرحله ذیل، در روند شکل گیری ذهنی کار طراح قابل تشخیص است؛ با تاکید بر این نکته که همواره روابط رفت و برگشت و تاثیر متقابل بین این سه مرحله برقرار است: ۱. ساخت مفاهیم هاهنگ؛ ۲. ساخت طرح های متعدد تصویری؛ ۳. انتخاب طرح اصلی و گسترش آن. این سه مرحله را می توان به مراحل ریزتری نیز تقسیم کرد:

الف- منظور از ساخت مفاهیم هاهنگ، جمع اداراکاتی است که از داده ها و احکام برنامه برآمده با گزینشگری های درونی و شخصی طراح به صورت مجموعه ای معنی دار از مفاهیم که به تدریج در ذهن معمار تجسم مجمل و حجمی می یابد. ب- طرح های حجمی مجمل مرحله قبل، به صورت سه بعدی در طرح های متفاوتی با مقیاس بزرگ تر تجلی و گسترش می یابد. به این طرح ها، می توان نام طرح تصویری داد. ج- در این مرحله، طراح با گزینش یک طرح از میان طرح ها، به گسترش آن تا مرحله جزئیات می پردازد. در صورت قبول اجمالی سیر ذهنی همین مراحل می توانند در روند کار کارگاه ها مورد نظر قرار گیرند و برنامه ریزی نیز می تواند خود را با این نظر هماهنگ کند. بدین ترتیب، هر مرحله از کار می تواند یک دور کامل از طرح و حل مساله و آزمون و تصحیح را در خود داشته باشد (ندیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴-۱۵۵).

الگوی پرورش و آموزش آفرینشگری

تعاریف معتبری از خلاقیت و آفرینشگری ارایه شده است را می توان بر اساس نوع رویکرد و نتایج عملی آنها در چهار گروه اصلی تقسیم کرد:

۱. «آفرینشگری با محوریت شخص خلاق»: در این رویکرد خصوصیات فردی شخص خلاق در کانون توجه قرار می گیرد. در این رویکرد، گرایشها، مشخصات فردی، و مختصات ذهنی مورد توجه و برنامه ریزی است و مربیان می کوشند تا با استفاده

توان فرد در تمام مراحل «خلاقیت» و «فرآیند حل خلاق مسئله» می‌نماید. به عبارت دیگر هر یک از تکنیک‌های خلاقیت، مرحله یا مرحله‌ای از فرآیند خلاقیت را تقویت می‌کنند. این تکنیک‌ها فردی و گروهی می‌باشند که تکنیک‌های فردی شامل «توهم خلاق و DOIT و تکنیک‌های گروهی شامل طوفان فکری، دلفی، سینکتیکس» و تکنیک‌های مشترک شامل: «اسکمپر، در هم شکستن مفروضات، چرا، مورفولوژیک» است. محور اصلی تمام این روش‌ها و تکنیک‌ها، «شکستن قالب‌های ذهنی» است. در ادامه پیش از بحث در رابطه با روش‌های خلاقیت به مهارت‌هایی که در این روش‌ها باید مورد توجه جهت هدایت، کنترل و سازماندهی قرار گیرد، می‌شود. شایان ذکر است که این مهارت‌ها به عین، باید معماران خلاق دیده شده و لذا لازم است تا حد امکان آموزش داده شود. خلاقیت و فرآیند آفرینشگری شامل انواع مختلفی از مهارت‌ها می‌شود که در ادامه به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. «مهارت مربوط به موضوع»: این عنصر شامل شناخت موضوع و حقایق، اصول و نظریات نهفته در یک موضوع است. مهارت‌های مربوط به منزله مواد اولیه شامل استعداد، تجربه و آموزش است که فرد در یک زمینه خاص دارد. البته توانایی داشتن در یک زمینه نمی‌تواند به خلاقیت در سایر زمینه‌ها بینجامد، بنابراین یک شخص نمی‌تواند به طور مطلق خلاق باشد.

۲. «مهارت مربوط به تفکر (خلاق)»: با وجود اهمیت عنصر قبلی، اگر فردی از بالاترین حد استعداد و تجربه برخوردار باشد، اما از مهارت‌های مربوط به تفکر بی‌بهره باشد، هرگز نمی‌تواند کار خلاقانه انجام دهد. مهارت‌های خلاقیت با شکستن قالب‌ها، مهارت‌های موضوعی را در راهی جدید به کار می‌گیرند، یعنی از مهارت‌های موضوعی به شکل جدید استفاده می‌کنند. مهارت‌های خلاقیت با ارزش‌های فکری زیر توام است: «شکستن عادت‌ها» و «تاخیز ارزیابی در مورد ایده‌ها؛ و «توجه به مسائل

پیچیده» و «متفاوت دیدن چیزها»؛ و «تفکر وسیع (برقراری ارتباط میان ایده‌های متفاوت) (قاسمی و اقلیدس، ۱۳۸۴، ص ۶۳).

۳. «انگیزه»: اگر فردی دارای هر دو مهارت مربوط به موضوع و خلاقیت باشد، آیا می‌تواند موفق به انجام دادن کاری خلاق شود؟ اکثر شواهد نشان می‌دهد که پاسخ این پرسش منفی است. اگر انگیزه از درون بجوشد (انگیزه درونی) کار برای افراد جالب و لذتبخش است؛ در حالی که انگیزه بیرونی مثل بردن جایزه یا اجرای دستورات اغلب همراه با رضایتمندی درونی نیست.

روش‌های فردی برانگیختن خلاقیت در افراد عبارتند از:

«تکنیک توهم خلاق»: خیلی اوقات آنچه را که فکر می‌کنیم واقعیت است، واقعیت نیست. واقعیت‌ها با پنج حس انسان درک می‌شوند. چیزهایی که چشم می‌بیند و طوری که مغز آن را تفسیر می‌کند باعث این خطا می‌شود. چشم می‌بیند، اما وظیفه‌ی ذهن چیز دیگری است. کار ذهن مرتب کردن، دسته‌بندی و قابل فهم کردن جرقه‌هایی است که پس از دیدن، مغز آن را ایجاد می‌کند بنابراین تصاویری که در ذهن است، کپی مستقیم اشیاء نیست بلکه کدهای خلاصه‌ای است که از طریق شبکه‌ی عصبی مغز می‌رسد. منظور و هدف این تکنیک این است که شما بتوانید با قدرت توهم بعضی از اوقات با خطاهای عمدی طور دیگری به مسائل نگاه کرده تا بدین وسیله اصل و واقعیت موضوع را دریابید. این سعی باعث می‌شود مقداری اطلاعات از شکاف‌های موجود در بافت‌های عصبی، آزاد شده و به وسیله پیوند با اطلاعات قبلی، الگوی ذهنی جدیدی ساخته شود و یا موضوع از الگوی ذهنی قبلی به الگوی دیگری انتقال یابد.

تکنیک «چرا؟»: تکنیک «چرا» دقیقاً مثل چراهای مکرر کودکی است که کودکان برای گسترش فهم خود از دنیای اطرافشان از والدین می‌پرسند. اما با این تفاوت که در بزرگسالی باید یاد گرفته‌هایمان را

زیر سوال ببریم سادگی این تکنیک باعث شده است، بسیاری از مردم متوجه اهمیت و نقش آن نشوند و این تکنیک برای ایده یابی و ایده پردازی به کار می رود. به عنوان مثال برای شناسایی و تعریف درست و کامل مسئله می توان از این تکنیک استفاده کرد. بلکه استفاده از این تکنیک به ما کمک می کند تا موقعیت و وضعیت را بهتر و روشن تر مشخص کنیم و در فرآیند آن به ایده های جدیدی دست یابیم.

«تکنیک پی. ام. آی (P.M.I.): یکی از ارزش های این تکنیک آن است که انسان را مجبور می سازد تا دقایقی بر خلاف قالب های ذهنی اش تفکر کند و به مرور نسبت به قالب های ذهنی خود آگاه تر و مسلط تر شود، لذا آمادگی ذهنی بیشتری برای خلاقیت پیدا می کند. نام این تکنیک برگرفته از حروف اول سه کلمه به معنی افزودن، کاستن و جالب می باشد. روش کار چنین است که ابتدا فرد توجهش را به نکات مثبت موضوع یا پیشنهاد و سپس به نکات منفی و نهایتاً به نکات جالب و تازه ی آن که نه مثبت است و نه منفی، معطوف می کند و در پایان نسبت به تهیه لیست نکات مثبت یا مزایای موضوع، لیست موانع، محدودیت ها و نکات منفی موضوع و لیست نکات جالب و تازه ی موضوع اقدام می کند. یکی از مهم ترین کاربردهای این تکنیک زمانی است که نسبت به یک قضیه اطمینان داریم نه مواردی که نسبت به آن شک و ابهام داریم. به عبارت دیگر هر چه نسبت به موضوعی بیشتر بدبین یا خوش بین باشیم استفاده از این تکنیک کار گشایتر و اثر بخش تر خواهد بود. برای یافتن نکات جالب کافی است که جمله «چقدر جالب می شود اگر.....» را کامل کنیم.

«فهرست کردن ویژگی ها»: روش فردی دیگر «فهرست کردن ویژگی ها» نام دارد. در این شیوه، تصمیم گیرنده ابتدا ویژگی های اصلی مربوط به راه حل های مرسوم را می یابد و سپس هر یک از ویژگی های اصلی را جدا جدا بررسی می کند و آنگاه تا جایی که ممکن است نسبت به تغییر هر کدام از

آنها، همت می گمارد و در راستای همین تغییر هر طرحی را ولو آنکه خنده دار نیز باشد، بدون چشم پوشی فهرست می کند و وقتی که فهرست جامعی تهیه کرد و اشکالات را مشخص نمود گزینه های مؤثر و سودمند را انتخاب و بقیه را حذف می کند. «تکنیک DO IT»: نام این تکنیک از حروف اول چهار کلمه Define به معنی تعریف کردن Open به معنی باز کردن Identify به معنی شناسایی Transform به معنی تبدیل کردن، تشکیل شده است. منظور از انتخاب این واژگان این است که برای حل مشکل لازم است ابتدا موضوع و مسئله را دقیق تعریف و مشخص نمود. و سپس ذهن را برای راه حل های مختلف باز نگه داشته تا بهترین راه حل شناسایی و در نهایت آن را به عمل تبدیل کرد. «تکنیک شکوفه نیلوفر آبی»: این تکنیک توسط «یاسوآماتسومورا» طراحی و ارائه شده است. طرح این ایده برگرفته از شکوفه نیلوفر آبی می باشد بدین صورت که گلبرگ های شکوفه نیلوفر آبی به دور یک هسته مرکزی خوشه می زنند و از آن نقطه گسترش می یابند. با ایجاد پنجره هایی مشابه با پنجره های مورد استفاده در برنامه کامپیوتری، بخش هایی از یک تابلوی ایده را می توان به صورتی تقسیم بندی کرد که یک موضوع اصلی برای استخراج ایده در پنجره های جانبی، مورد استفاده قرار گیرد به نوبه خود مراکز مجموعه های جدید پنجره را تشکیل می دهد.

«تکنیک چه می شود اگر؟»: به طور کلی برای خلاقیت باید فکر، از قالب های ذهنی، شرایط موجود، پیش فرض ها، عادات و استانداردها آزاد شود تا بتواند موضوع را از زوایای مختلف رویت و ایده های جدیدی را تداعی کند. بر همین اساس این تکنیک کمک شایانی به آزاد سازی فکر برای جمع آوری ایده های جدید می کند. در این روش توصیه می شود برای یافتن ایده های جدید از سوالات «چه می شود اگر...؟» استفاده کنید و آن را به قدری تکرار و تمرین کنید که برایتان یک عادت شود. از این

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

تکنیک می توان برای یافتن افزایش قدرت خلاقیت بدون داشتن موضوع به خصوصی استفاده کرد، ضمن اینکه به عنوان یک تفریح یا شوخی و سرگرمی در همه ی اوقات قابل استفاده است.

«تکنیک اسکمپر SCAMPER»: این تکنیک کاربرد اصلی آن بر پایه ایده یابی فردی طراحی شده است که می تواند به نحو بسیار اثر بخشی برای گروه ها نیز مفید باشد. هدف اصلی این تکنیک قدرت تصور است تا آن را در جهات و بعد مختلف و ضروری به حرکت در آورد. این تحریک به وسیله یک سری سوالات تیپ و ایده بر انگیز صورت می گیرد که شخص در رابطه با مسئله مورد نظرش از خود سوال می کند و در نهایت با افزایش ایده ها، کیفیت ایده ها تضمین و ارتقاء می یابد. واژه SCAMPER از ابتدای حروف واژه های سوال برانگیز گرفته شده که در دستیابی ایده های نو بسیار موثر است: حرف S بر گرفته از کلمه Substitution به معنی جانشین سازی است؛ حرف C بر گرفته از کلمه Combine به معنی ترکیب کردن است؛ حرف A بر گرفته از کلمه Adapt به معنی رفاه، سازگاری و تعدیل کردن است؛ حرف M بر گرفته از کلمه Magnify به معنی بزرگ سازی است؛ حرف P بر گرفته از کلمه Put to other uses به معنی استفاده در سایر موارد است؛ حرف E بر گرفته از کلمه Eliminations به معنی حذف کردن است؛ حرف R بر گرفته از کلمه Reverse به معنی معکوس سازی است.

«تکنیک در هم شکستن مفروضات»: یکی از موانع مهم خلاقیت، مفروضات قبلی است که نا خودآگاه اجازه نمی دهد فکر در همه جهات به حرکت در آید بسیاری از مفروضات قبلی ممکن است در اصل همان زمانی که در ذهن ما ایجاد شده اند، غلط باشند، مثل خطر ناک بودن دوچرخه در ذهن کسی که خواب تصادف شدید با دوچرخه را دیده است. بسیاری از آنها به مرور زمان اعتبارشان را از دست داده اند یا بسیاری از آنها به دلیل تغییر شرایط بی اعتبار شده اند. اما مسئله این است که فرد متوجه

این تغییرات و اشتباهات نیست و هنوز با مفروضات قبلی به مسئله نگاه می کند. از آنجائی که مفروضات مربوط به قسمت درونی ذهن می شوند و به عبارت دیگر چون آنها امری درونی هستند نمی توانیم آنها را به تنهایی فسخ یا از فکر خود جدا سازیم. مثل آن چاقو که نمی تواند دسته اش را ببرد. شناسایی مفروضات خود و دیگران، اولین قدم برای تغییر مفروضات است.

«تکنیک تجزیه و تحلیل مورفولوژیک»: تکنیک تجزیه و تحلیل مورفولوژیک یا ریخت شناسانه که توسط فریتز زویکی ابداع شد، فنی است که بر اساس آن پدیده ی مورد نظر از جهت ساختار کلی و ابعاد مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. به این منظور ابتدا سطوح و ابعاد مختلف موضوع را شناسایی و فهرست می کنیم. برای مثال اگر بخواهیم در مورد بازاریابی یک کالا راه های جدید و بدیعی بیابیم ابتدا باید ابعاد مختلف کالا مثل شکل ظاهری، کاربردهای آن، خواص و فواید آن، وضعیت مشتریان و بازار کالا تبیین و تدوین نمائیم. در این مرحله بایستی سعی کرد ابعاد کالا را بیشتر مشخص کرد. برای اینکه بتوان ابعاد یک موضوع و اجزای متشکله (متغیرهای) آن را با یکدیگر مقایسه و مرتبط نمود، می توان ابعاد اصلی و اجزای آنها را بر روی دایره ای متحد المركز نوشته و با چرخاندن دایره های مختلف، ابعاد و اجزای آنها را با هم مقایسه و ارتباط آنها را حدس زد.

«روش های گروهی برای برانگیختن خلاقیت» عبارتند از:

بیشترین تلاش در زمینه پرورش خلاقیت را می توان در حوزه کارهای گروهی مشاهده کرد. برجسته ترین شیوه های گروهی برای پرورش خلاقیت عبارتند از: «روش طوفان فکری» (سیال سازی ذهن)، «روش گوردن» و «روش تلفیقی نامتجانس ها».

«روش طوفان فکری»: «بارش فکری» تکنیکی است برای پدید آوردن ایده هایی در ذهن اعضای گروه است که شامل یک مرحله ازادی مطلق برای

ابراز ایده‌ها و یک مرحله بعدی برای بحث، طبقه بندی و حذف گزینه‌ها و تصمیم به انجام یک گزینه آزمایشی است (کرسینی، ۱۹۹۹؛ بنقل از شریفی و داوری، ۱۳۸۸، ص ۵۸). «تفاوت‌های طوفان ذهنی فردی و گروهی»: طوفان ذهنی فردی با تولید طیف گسترده تری از ایده‌ها همراه است و کمتر منجر به ایده‌هایی کارا و عملی می‌شود. نکته‌ی جالب توجه این است که فرد به هنگام انزوا از گروه دیگر ترسی از انتقاد ندارد و بدون هیچ‌گونه محدودیتی از طرف اعضا برای تجزیه ایده‌ها آزاد می‌باشد. اما مزیت طوفان گروهی این است که مشکلات ایده‌ی فرد به وسیله تجربه و خلاقیت افراد دیگر حل می‌شود و از بین می‌رود. اگر بخواهیم نتیجه مطلوب تری از طوفان ذهنی داشته باشیم می‌توانیم این دو نوع طوفان ذهنی را ترکیب کنیم.

«تکنیک دلفی»: این تکنیک در سال ۱۹۶۴ توسط «داکلی» و «هلمر» معرفی شد. بسیار شبیه به تکنیک طوفان ذهنی است با این تفاوت که افراد هیچ‌گاه به صورت گروه در یک جلسه و دور یک میز جمع نمی‌شوند و در واقع رویارویی مستقیم رخ نمی‌دهد. اساس و فلسفه این تکنیک این است که افراد در تکنیک طوفان فکری به علت شرم و خجالت نمی‌توانستند بعضی از ایده‌هایشان را مطرح نمایند، لذا در این روش افراد به صورت کلامی و رو در رو درگیر بحث نمی‌شوند. بلکه رئیس گروه موضوع را به همه اعلام می‌کند و سپس هریک از افراد به طور جداگانه ایده‌هایشان را به صورت کتبی (حتی می‌تواند بدون ذکر نام باشد) برای رئیس گروه ارسال می‌کنند. سپس رئیس گروه تمام ایده‌های پیشنهادی را برای تک تک اعضا ارسال می‌کند و از آنها می‌خواهد که نسبت به ایده‌های پیشنهادی دیگران فکر کنند و اگر ایده‌ی جدیدی به نظرشان می‌رسد به آنها اضافه کنند. این عمل چندین بار تکرار می‌شود تا در نهایت اتفاق آرا به دست آید. فن دلفی شامل دعوت به مشورت و مقایسه‌ی قضاوت‌های بی‌نام چند نوبتی اعضا‌ی یک تیم در

باره تصمیم یا مسئله می‌شود.

«روش گوردن»: روش گوردن، بر خلاف روش طوفان فکری، فرصت‌های بیشتری را برای ارائه راه حل‌های واقعاً بدیع و تازه مهیا می‌کند. چون که فقط رئیس جلسه از ماهیت دقیق مشکل آگاه است، او به جای اینکه مشکل را به روشنی برای گروه بیان کند، فقط به طور غیرمستقیم بدان اشاره می‌کند. برای مثال رئیس جلسه در روش طوفان فکری ممکن است مشکل را بدین صورت بیان کند: «مدرسه ما سال آینده فضای آموزشی کافی برای ثبت نام کنندگان احتمالی ندارد.» اما رئیس جلسه در شیوه گوردن ممکن است فقط عبارت‌های «فضای آموزشی» یا «زیادی تعداد ثبت نام کنندگان» را بگوید. هر چند در روش گوردن، ائتلاف وقت، بسیار زیاد است و کمتر ناظر بر هدف است، ولی فرصتی را برای شرکت کنندگان فراهم می‌کند تا راه‌هایی را بدون دخالت فلج کننده راه حل‌های سنتی کشف کنند. «تکنیک استخوان ماهی (علت و معلول)»:

یکی از روش‌های بسیار سودمند برای شناسایی مسائل نمودار استخوان ماهی است. نمودار استخوان ماهی که گاهی به آن نمودار ایشیکاوا نیز می‌گویند توسط پرفسور «کائور ایشیکاوا» از دانشگاه توکیو طراحی شد. هدف اصلی این تکنیک، شناسایی و تهیه فهرستی از کلیه علل احتمالی مسئله مورد نظر است. این تکنیک در درجه اول یک تکنیک گروهی شناسایی مسئله است اما توسط افراد قابل استفاده است.

«روش تلفیق نامتجانس‌ها»: یکی از مفیدترین راه‌های رشد قوه خلاقیت، تلفیق نامتجانس‌هاست و آن شیوه‌ای است که سعی دارد عناصر متفاوت و بی‌ربط را با هم تلفیق کند تا از این رهگذر راه حل‌های تازه‌ای برای مشکل پیدا کند. بدیهی است که خیلی از مشکلاتی که حادث می‌شوند، تازگی ندارند. آنچه محل بحث است، این است که مشکل را باید به شیوه‌ای تازه نگریست. این دیدگاه در جای خود، ظرفیت و امکانی را برای

عرضه راه حل های اساساً نو فراهم می کند. برای یافتن نگرش های نو در مورد مشکلاتی که سابقه وقوع دارند، ضروری است که شیوه های آشنای نگاه کردن به مسائل را کنار بگذاریم. روش تلفیق نامتجانس ها به نحو گسترده ای از تمثیل، برای پیدا کردن شباهت ها و همانندی های موجود در کارکرد پدیده ها و روابط میان آنها استفاده می کند. برای نمونه، تمثیل مستقیم، می تواند با مقایسه وجوه شباهت در واقعیات، علم و فناوری، راه حل های تازه ای را کشف کند. «الکساندر گراهام بل» با فهمیدن سازوکار عناصر موجود در گوش و به کار بستن آنها در «جعبه سخنگوی» خود به پدیده ای شگفت انگیز دست یافت. او بعد از اینکه پی برد استخوان های برجسته ای در گوش با غشای نازکی کار می کنند، از خود پرسید چرا قطعه ای محکم و ضخیم از غشا نباید تکه ای از استیل را حرکت دهد. او از درون همین قیاس، تلفن را طراحی کرد.

«تکنیک بازگشت به مشتری»: می توان با روی برگرداندن از مسائل مربوط به تولید و روی آوردن به مسائل مربوط به بازاریابی، رابطه بین فعالیت های خود و مشتریان را به لحاظ محصول، قیمت، تبلیغ، توزیع و بازار مورد نظر، بررسی کرد.

«تکنیک گروه اسمی»: فن گروه اسمی جنبه های رای دادن بدون بحث های محدود ترکیب می کند که توافق به دست می آید و شما بتوانید به یک تصمیم گروهی برسید. چه موقع از فن تکنیک گروه اسمی استفاده می شود؟

۱. با موضوعی بحث انگیز، حساس، دارای موافق و مخالف یا بسیاری برجسته مواجه هستید و تصور می کنید عقیده های ضد و نقیض و ده ها دلیل جزئی و تفصیلی ممکن است بحث را فلج سازد.

۲. می خواهید مشارکت مساوی همه اعضا را تضمین کنید.

۳. علت اساسی و ریشه ای یک مسئله را شناخته، ولی شناخت نحوه ی اقدام و انتخاب یک گزینه از میان گزینه های بسیار مشکل است.

«تکنیک گشت و گذار»: «تکنیک گشت و گذار» یکی از روش های گروهی برای ایجاد خلاقیت در ایده پردازی است. این تکنیک هنگامی مفید است که بعد از استفاده از دیگر فرایندهای ایده پردازی مانند طوفان فکری یا داستان نویسی دیواری، نتوانسته باشیم به راه حلی دست پیدا کنیم. از این تکنیک می توان هم برای مسائل محدود و ساده و هم برای مسائل پیچیده استفاده کرد. در فرایند «گشت و گذار» چهار مرحله اصلی وجود دارد: «گشت و گذار تخیلی»، «مقایسه صورت مسئله و رویدادهای گشت و گذار»، و «تجزیه و تحلیل مقایسه ها برای رسیدن به راه حل های خلاق.» و «سهیم شدن در تجارب گروه.»

«روش رول پلاینگ»: این تکنیک بر اساس یکی از اصول مذهب ذن بودایی شکل گرفته است. اصلی که می گوید: «من» انسان هر چه بیشتر سعی کند در جایی نباشد، بیشتر در سعی خود حضور خواهد داشت. به عبارت دیگر در بند آنی که در پی آنی. در این تکنیک هنگام بازی، چه اینکه هویت بازیگر با هویت اصلی او کاملاً متفاوت باشد و چه اینکه با هویت واقعی او منطبق و سازگار باشد، کمک می کند تا قالب های ذهنی غلط بازیگر شکسته شود. هنرمند در ایفای نقش خود باید اجازه دهد تصورات، خیالات و اطلاعات قبلی اش فراتر از «من» طبیعی و محدودش حرکت کند. اجرای نقش های متنوع و متضاد باعث می شود پیش فرض ها و الگوهای ذهنی پنهان و غلط فرد، کم رنگ تر و نهایتاً شکسته گردد. یکی از بهترین تمرین های این تکنیک، تکنیک شش کلاه فکری است که در آن افراد شش نوع نقش را بازی می کنند. تمرین های بسیار متنوعی دیگری نیز در این رابطه طراحی شده است اما در این قسمت به یکی از آنها که به منظور بالابردن ظرفیت (تحمل اشتباه) مدیران طراحی شده است، اکتفا می کنیم. در این تمرین از بازی که در دوران کودکی انجام می دادیم استفاده شده است. بازی که جوینده برای یافتن شی مخفی شده، از

شدت و ضعف صدای ضربات شخص راهنما استفاده می‌کند. (هر وقت جوینده به شی مورد نظر نزدیک شود صدای ضربات قوی تر و هر وقت از آن دور شود صدای ضربات ضعیف تر می‌شود) در این تمرین مدیران سازمان در سالنی جمع شده و از یکی از آنها خواسته می‌شود (هر بار یک نفر از آنها) که به وضعیت قرار گرفتن اشیاء در سالن به دقت توجه کند سپس او را بیرون فرستاده و چیزی را در سالن تغییر می‌دهند. پس از ورود، شخص جوینده بایستی با راهنمایی سایر مدیران سازمان در سالنی جمع شده و از یکی از آنها خواسته می‌شود (هر بار یک نفر از آنها) به وضعیت قرار گرفتن اشیاء در سالن به دقت توجه کند سپس او را بیرون فرستاده و چیزی را در سالن تغییر می‌دهند. پس از ورود شخص جوینده بایستی با راهنمایی سایر مدیران به موضوع پی ببرد. اما راهنمایی دسته جمعی مدیران به این ترتیب است که هر وقت جوینده به موضوع نزدیک می‌شود باید همه بلند بگویند: «بله، بله» و هر وقت از موضوع دور می‌شود به آرامی بگویند: «بله، بله». در این تمرین مدیران باید اشتباهات جوینده را بدون هر گونه توضیحی تحمل کرده و فقط با گفتن بله او را هدایت نمایند. درست همان عکس‌العملی که باید در محیط‌های واقعی انجام دهد. در حقیقت در این بازی، هویت «من» نقش، کاملاً با هویت «من» واقعی مدیران متفاوت است. از طرف دیگر شخص جوینده که خود یک مدیر است به خوبی حس می‌کند که تحمل اشتباهات کارکنان چقدر باعث دلگرمی، پشتکار و افزایش اعتماد به نفس آنان می‌شود.

«روش سینکتیکس»: یک «رویکرد آموزشی» است که بر روش «مساله‌گشایی خلاق» و روش‌هایی که خلاقیت افراد را افزایش می‌دهند، تأکید دارد. واژه «سینکتیکس» از ریشه یونانی الاصل، به معنی فشار دادن دو چیز به یکدیگر و یا متصل کردن چند چیز مختلف گرفته شده است این واژه به این دلیل انتخاب شده است که خلاقیت نیز نوعی هماهنگ

کردن چیزهای مختلف در یک قالب یا ساختار جدید است و هر اندیشه خلاق از «تفکر سینکتیکس» بی‌بهره نمی‌باشد؛ این تکنیک روشی است برای برانگیختن «تفکر خلاق» در میان گروهی از افراد که گرد هم می‌آیند (گوردون، ۱۹۶۲؛ بنقل از شریفی و داوری، ۱۳۸۸، ص ۵۸).

روش حل مساله به روش ابداعی: «تریز» روشی نظام یافته برای پرورش «خلاقیت» است. این روش توسط «آلتشولر» که در اداره ثبت اختراعات روسیه کار می‌کرد، از مطالعه بیش از بیست هزار اختراع و دسته‌بندی نکات مشترک آنها به دست آمده است. با چک کردن اصول زیر در حل هر مساله‌ای، تا حدودی اطمینان حاصل می‌شود که تمام نکاتی که ممکن است باعث ایجاد خلاقیت در حل مساله شوند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

اهداف دیگری که در فضاهای شهری خلاق دنبال می‌شود، پروژه قدرت خلاقیت ساکنین شهرها است و اینکه چگونه می‌توان با کمک مردم مکانی بهتر برای زندگی، کار، بازی و یادگیری ایجاد کرد. در واقع خلاقیت زمانی شکل خواهد گرفت که مردم با عقیده‌های گوناگون توانایی این را داشته باشند که با یکدیگر در یک شرایط محیطی آرام تعامل داشته و گفتگو کنند و این تعامل و گفتگوی ایده‌های مختلف است که زمینه رشد خلاقیت بیشتر را فراهم می‌کند. خلاقیت پدیده‌ای است که برای توسعه در شهرها، ما به آن نیاز داریم. این توسعه، توسعه‌ای است که از ترکیب فعالیت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی به دست می‌آید. به همین دلیل فضایی که تامین‌کننده یک فضای عمومی و پتانسیل خلق مولفه‌های همچون سرزندگی، تنوع، هویت بخشی، جذابیت، ارزش اقتصادی و مشارکت اجتماعی شهروندان را دارد استفاده شده است. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق شهرها خواستگاه خلاقیت‌اند. آنها از گذشته‌های دور ابزاری برای تحرک، تمرکز و به عنوان مجرای انتقال انرژی خلاقیت انسان بوده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

اند. ارتباط بین عوامل موثر بر خلاقیت در یک شهر ارتباطی رفت و برگشتی است که از وجود انسان‌هایی متفکر نشأت می‌گیرد و بدین لحاظ شهر بدون عامل انسانی مفهوم ندارد. وقتی از شهر صحبت می‌کنیم صحبت از تعاملات انسانی است: تعاملات انسان با انسان، انسان با طبیعت و انسان با شهر. به همین دلیل عوامل تشکیل دهنده مادی و معنوی یک شهر، هویت انسان شهر نشین را شکل می‌دهد. یکی از عناصری که انسان با آن تعریف می‌شود قوه خلاقیت و نوآوری است. اگر شهری فاقد این دو خصیصه انسانی باشد، نمی‌توان هویت شخصی را برای آن متصور شد.

به طور کلی فرآیند به کارگیری روشهای خلاقیت در معماری و طراحی شهری عبارت است از: ۱. «شناسایی و تعریف مشکل و تجزیه و تحلیل آن به منظور رسیدن به ماهیت و جوهره آن (شناخت جوهره)». ۲. «ارتباط دادن جوهره به دست آمده با موضوع غیر مرتبط (ساختن وضعیت مشابه)»؛ و ۳. «کشف راه حل‌هایی برای موضوع مشابه (راه حل‌های مشابه)»؛ و ۴. «تلاش برای تبدیل راه حل‌های به دست آمده به راه حل‌های نهایی برای مشکل اصلی».

منابع و مآخذ

۱. ادواردز، بتی (۱۳۸۷) طراحی با سمت راست مغز (خلاقیت)، ترجمه عربعلی شروه، انتشارات مارلیک، تهران.
۲. آدورنو، تئودور (۱۳۸۲) نظریه زیباشناختی: گزیده نوشته‌هایی در باب زیباشناسی انتقادی، زیباشناسی و مدرنیسم، تهران، گام نو.
۳. آزیورن و چیلورز (۱۳۸۶) سبک‌ها و مکتب‌های هنری، ترجمه فرهاد گشایش، تهران، چاپ اول، انتشارات مارلیک.
۴. آسبورن، آلکس، اس (۱۳۷۱) پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، ترجمه دکتر حسن قاسم زاده، چاپ دوم، انتشارات نیلوفر.
۵. اف. نلر، جرج (۱۳۶۹) هنر و علم خلاقیت، ترجمه

سید علی اصغر مسدد، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.

۶. آقای فیضانی، تیمور (۱۳۷۷) خلاقیت و نوآوری در انسان‌ها و سازمان‌ها، چاپ اول، انتشارات ترمه.

۷. آمابایل، ترزا (۱۹۹۸) خلاقیت را چگونه از بین ببریم، ترجمه حسین حسینیان زرنقی، مجله تدبیر، شماره ۱۰۳، تیر ۱۳۷۹.

۸. انتونیداس، انوتنی سی (۱۳۸۱) بوطیقای معماری، ترجمه احمدرضا آی، تهران، انتشارات سروش.

۹. آیسنک، مایکل (۱۳۷۹) فرهنگ توصیفی روانشناسی شناخت، ترجمه علی نقی خرازی، ویراسته محمد کریمی زنجانی اصل، تهران، نشر نی.

۱۰. بنه ولو، لئوناردو (۱۳۷۷) تاریخ معماری مدرن، جنبش مدرن تا پایان جنگ جهانی دوم، ترجمه حسن نیر احمدی، تهران، نشر مهندسی مشاور نیرسان.

۱۱. پلو، مارسل (۱۳۷۵) معماری، هنر یا وظیفه؟، آبادی، سال ششم، شماره بیست و یکم.

۱۲. پنیام، ویلیام. ام و استیون پارشال (۱۳۸۴) مبانی برنامه ریزی معماری: تبیین روش مساله کاوی، ترجمه محمود احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.

۱۳. حجت، عیسی (۱۳۸۱) حرفی از جنس زمان: نگاهی نو به شیوه‌های آموزش معماری ایران، هنرهای زیبا، شماره ۱۲.

۱۴. حجت، عیسی (۱۳۸۲) آموزش معماری و بی ارزشی ارزشها، هنرهای زیبا، شماره ۱۴.

۱۵. حجت، عیسی (۱۳۸۳) آموزش خلاق - تجربه ۱۳۸۱، هنرهای زیبا، شماره ۱۸.

۱۶. حقیقی و دیگران (۱۳۸۲) مقایسه ترکیبهای نه گانه هوش و خلاقیت از لحاظ ویژگیهای شخصیتی در دانش آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی.

۱۷. دائمی، حمیدرضا و سیده فاطمه مقیمی بارفروش (۱۳۸۳) هنجاریابی آزمون خلاقیت، تازه‌های علوم شناختی، سال ۶، شماره ۳ و ۴.

۱۸. دیونو، ادوارد (۱۳۷۶) تفکر جانبی، ترجمه عباس بشارتیان، چاپ دوم، نشر مترجم.
۱۹. دهخدا (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم از دوره جدید.
۲۰. دوونو، ادوارد (۱۳۸۴) سلسله درسهای تفکر، ترجمه مرجان فرجی، تهران، نشر جوانه رشد.
۲۱. دیبا، داراب (۱۳۷۳) مسابقه معماری فرهنگستان ها، آبادی، سال چهارم، شماره ۱۳.
۲۲. دیبا، داراب (۱۳۷۸) الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، معماری و فرهنگ، سال اول، شماره اول.
۲۳. دیبا، داراب (۱۳۷۸) حصول زبانی برای معماری امروز ایران، معماری و شهرسازی، شماره ۵۰ و ۵۱.
۲۴. دیبا، داراب و مجتبی انصاری (۱۳۷۴) چگونگی شکل گیری ارتباط انسان با محیط مصنوع، اولین مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۵. روسی، پی یر (۱۳۵۸) تاریخ صنایع و اختراعات، ترجمه حسن صفاری، چاپ سوم، شرکت کتابهای جیبی با همکاری موسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۶. سلطان زاده، حسین (۱۳۷۹) آموزش معماران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۲۷. سلیمانی، افشین (۱۳۸۱) کلاس خلاقیت، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۲۸. سلیمانی، افشین (۱۳۸۵) سیب خلاقیت: شناخت و پرورش مهارتهای تفکر خلاق، تهران، انتشارات فراروان.
۲۹. شریفی، علی اکبر و رقیه داوری (۱۳۸۸) مقایسه تاثیر سه روش پرورش خلاقیت در افزایش خلاقیت دانش آموزان پایه دوم راهنمایی، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال ۱۵، شماره ۱.
۳۰. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۷۸) فرم در معماری، معماری و فرهنگ، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۸.
۳۱. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۸۱) گفت و گویی درباره زبان و تکنیک، معمار، شماره ۱۷.
۳۲. صمدآقایی، جلیل (۱۳۸۵) خلاقیت: جوهره کارآفرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. عابدی، جمال (۱۳۷۲) خلاقیت و شیوه ای نو در اندازه گیری آن، پژوهشهای روان شناختی، دوره ۲، شماره ۲.
۳۴. فانژه، اوژن وان (۱۳۶۴) هنر خلاقیت در صنعت و فن، ترجمه حسن نعمتی، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
۳۵. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۳) پابلو پیکاسو، تهران، موسسه علمی و فرهنگی فضا.
۳۶. فلامکی، منصور (۱۳۷۴) نوآوری های معمارانه صفوی، دگرگونی برای ماندگاری ارزش ها و مفهوم ها در معماری ایران، اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، ج ۲، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳۷. فلامکی، منصور (۱۳۸۱) ریشه ها و گرایش های نظری در معماری، نشر فضا، تهران.
۳۸. قادری، بهزاد (۱۳۸۶) رولان بارت: تقلید به عنوان گریز از اصل، مجموعه مقالات هم اندیشی بارت و دریدا، به کوشش امیر علی نجومیان، انتشارات فرهنگستان هنر.
۳۹. قاسم زاده، حسن (۱۳۷۶) برنامه ریزی درسی بر پایه یادگیری و تفکر خلاق، فصلنامه پژوهشی و مهندسی، شماره ۳ و ۴.
۴۰. قاسمی، فرشید و طاهره اقلیدس (۱۳۸۴) بررسی تاثیر آموزش درس پرورش خلاقیت در کودکان بر افزایش خلاقیت دانش آموزان دختر، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۳، سال چهارم.
۴۱. کاردان، محمد و دیگران (۱۳۷۲) فلسفه تعلیم و تربیت (ج ۱)، تهران، انتشارات سمت.
۴۲. کالینز، پیتر (۱۳۷۵) دگرگونی آرمانها در معماری مدرن، ترجمه حسن حسن پور، نشر قطره.
۴۳. کامرون، جولیا (۱۳۷۷) راه هنرمند: بازیابی خلاقیت، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، نشر پیکان.
۴۴. کوهن، لارنس (۱۳۸۱) از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ویرایش عبدالکریم رشیدیان، تهران، چاپ

- ۱، نشر نی.
۴۵. گروتز، یورگ (۱۳۸۳) زیبا شناختی در معماری، ترجمه جهانشاه پاکزاد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴۶. گلستان هاشمی، سید مهدی؛ ت (۱۳۸۰) نقش خلاقیت کاربردی و نظریه TRIZ در مدیریت کیفیت جامع، چهارمین همایش سالانه ممیزین و سر ممیزین مدیریت کیفیت، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
۴۷. گلستان هاشمی، سید مهدی؛ ت (۱۳۸۰) نقش خلاقیت شناسی و TRIZ در مدیریت کیفیت، نشریه مدیریت کیفیت، شماره ۱۸.
۴۸. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲.
۴۹. گلکار، کوروش (۱۳۷۹) طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹.
۵۰. محمودی، امیر سعید (۱۳۷۸) آموزش روند طراحی معماری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵.
۵۱. محمودی، امیر سعید (۱۳۸۱) چالش های آموزش طراحی معماری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
۵۲. محمودی، امیر سعید (۱۳۸۴) تفکر در طراحی؛ معرفی الگوی تفکر تعاملی در آموزش طراحی، هنرهای زیبا، شماره ۲۰.
۵۳. منصوری، محمد (۱۳۸۷) ملاحظاتی انتقادی در باب مواجهه با مساله علم، دین و توسعه، فصلنامه حوزه دانشگاه، سال ۴، شماره ۵۴.
۵۴. نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶) تخیل و خلاقیت هنری: گونه شناسی تخیل با توجه به موضوع خلاقیت، اولین همایش هم اندیشی تخیل هنری (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
۵۵. ندیمی، حمید (۱۳۷۸) جستاری در فرآیند طراحی، نشریه صفا، شماره ۲۹.
۵۶. ندیمی، هادی (۱۳۷۰) مدخلی بر روشهای آموزش معماری، صفا، سال اول، شماره ۲.
۵۷. ندیمی، هادی (۱۳۷۵) آیین جوانمردان و طریقت معماران، صفا، سال ششم، شماره های ۲۱ و ۲۲.
۵۸. ندیمی، هادی (۱۳۸۰) بهاء حقیقت: مدخلی بر زیبایی شناسی در معماری اسلامی، صفا، سال یازدهم، شماره ۲۴.
۵۹. ندیمی، هادی (۱۳۸۵) امید رهایی نیست، وقتی همه دیواریم، هفته نامه نقش نو، شماره ۱۸ و ۱۹.
۶۰. ندیمی، هادی (۱۳۸۶) کلک دوست: ده مقاله در هنر و معماری، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری تهران.
۶۱. نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۲) درآمدی بر فلسفه، تهران، هفتم، طهوری.
۶۲. نلر، جورج. اف (۱۳۶۹) هنر و علم خلاقیت، ترجمه سید علی اصغر مسدد، تهران، انتشارات دانشگاه شیراز.
۶۳. هاسپرز، جان و راجر اسکرانتن (۱۳۸۵) فلسفه هنر و زیبایی شناسی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، چاپ ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
64. Anderson, Harold (1959) Creativity and its Cultivation, New York: Harper & Row.
65. Anderson, Ray (1999) Mid-Course Correction: Toward a Sustainable Enterprise. White River Junction, Vt.: Chelsea Green.
66. Archer, L. Bruce (1963) Systematic Method for Designers, Design, No.172.
67. Ashworth, William, and Charles E. (2001) The Encyclopedia of Environmental Studies. New York: Facts on File.
68. Getzels, Jacob W. (1964) creative thinking, problem solving, and instruction, in theories of learning and instruction. Sixty third yearbok, national society for the study of education, chicago: university of chicago press.
69. Gatzels, Jacob W., and Philip W, Jackson (1962) creativity and intelligence, New York: Wiley.
70. Hershberger, Robert (1999) Architectural Pro-

gramming and Predesign Manager, New York: McGraw Hill.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۳۴۹ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۳۵۰ ■

ارزیابی پردیس های درون شهری بر اساس نیازهای بانوان شهروند، نمونه موردی: مناطق شهرداری کرمان

الهام سلیقه* - مربی گروه معماری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

از دیدگاه برنامه ریزی و طراحی شهری، گسترش فضای سبز مفهومی وسیع تر از توسعه پوشش گیاهی و بهبود شرایط محیط طبیعی شهر دارد و منظور از آن در واقع نوعی ساماندهی و نظم بخشی به فضاهای پراکنده و متنوع سبز است. در عین حال، برخورداری از عدالت فضایی در بهره مندی از فضاها و پارکهای درون شهری از موضوعاتی اساسی در برنامه ریزی و مدیریت شهرهای امروز است. بر این اساس، در این مقاله موضوع نیازهای بانوان از پارکها و فضاهای سبز شهری و ارزیابی آنها از میزان خدمات متناسب با نیازها مورد توجه بوده است. روش این پژوهش در مرحله نظری توصیفی- تحلیلی و در مرحله ارزیابی روش پیمایشی بوده است نتایج این تحقیق نشان می دهد که در بسیاری از موارد طراحی نامناسب، کمبود تجهیزات استاندارد و لازم جهت رفاه و آسایش استفاده کنندگان، و غیره موجبات تشدید عدم کارایی مناسب بسیاری از پارک های شهری را برای زنان شهر کرمان فراهم نموده و بر همین اساس تجهیز، ارتقای کیفی و بازنگری در اصول طراحی و خلق فضاهای سبز جدید در جهت همسو شدن با استانداردهای روز و اصول و ضوابط طراحی پایدار از الزامات اصلی شرایط فعلی شهر کرمان قلمداد می شوند. اولویت شاخص های مولفه اجتماعی با یکدیگر متفاوت است؛ به طوری که برای اثربخشی مطلوبتر خدمات حوزه های اجتماعی اولویت اقدامات به شرح زیر می باشد: ۱. نیاز به امنیت؛ ۲. نیاز به حمایت و مشاوره؛ ۳. نیاز به مشارکت و تعامل؛ ۴. نیاز به آگاهی و اطلاعات.»

واژگان کلیدی: پارکها و پردیس های درون شهری، نیازهای بانوان، شهر کرمان.

Evaluation of urban parks based on the needs of women citizens, Case Study: Municipality of Kerman

Abstract

From the perspective of planning and urban design, landscape spread wider context of the development of vegetation and improve the natural environment of the city and it's actually kind of organizing and regulating the diverse and scattered green spaces. At the same time, having a spatial equity in utilization of urban spaces and parks planning and management of vital matters in today's cities. Accordingly, in this paper, the issue of women needs for parks, green spaces and their assessment of the level of services fitting the needs have been considered. The research is descriptive-analytic and theoretical stage in the evaluation survey. The results shows that in many cases poor design, lack of equipment and for the welfare of consumers, and so exacerbate the performance of many urban parks has provided for women in Kerman. And accordingly equipped, quality improvement and review of design principles and the creation of new green spaces in line with the standards and principles and criteria for sustainable design of the main requirements are considered the current situation in Kerman. Preference social component are different; the area of social services so as to better effectiveness of priority measures is as follows: 1. The need for security; 2. the need for support and advice; 3. need for participation and interaction; 4. the need for knowledge and information.

Keywords: urban parks, the needs of women, Kerman.

در نوع نگرش به زندگی، علایق و سلیقه‌ها نمی‌توان نادیده گرفت. در هر جامعه‌ای از جمله ایران برای فعال‌سازی و توانمندسازی زنان در جامعه ضروری است تا به ایجاد دگرگونی در نگرش اجتماعی به زنان و تفکر حاکم بر نظام برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان پرداخته شود و تحقق چنین هدفی نیز نیازمند دسترسی به داشتن اطلاعات فراگیر و واقع‌گرایانه از نیازمندی‌های زنان ایرانی-اسلامی و تعیین اولویت‌های نیازهای آنان با توجه به طبقات مختلف جامعه، سطوح فرهنگی و میزان دسترسی به امکانات در جامعه می‌باشد (مارجوری، ۱۳۷۴، ص ۴).

از سویی دیگر، از دیدگاه برنامه‌ریزی و طراحی شهری، گسترش فضای سبز مفهومی وسیع‌تر از توسعه پوشش گیاهی و بهبود شرایط محیط طبیعی شهر دارد^۱. و منظور از آن در واقع نوعی ساماندهی و نظم بخشی به فضاهای پراکنده و متنوع سبز است. و از این نظر شبکه فضای سبز یکی از محورهای اصلی الگوی کاربری زمین را- در مقیاس شهر- تشکیل می‌دهد (مهدیزاده، ۱۳۷۹). در واقع این عملکردها تحت تاثیر عاملهای طبیعی، اقتصادی و اجتماعی هستند و برای اینکه فضای سبز بتواند نقشها و عملکردهای خود را به خوبی بازی کند، اولین و مهمترین گام تعیین مکان‌های مناسب برای فضای سبز و بررسی میزان استفاده گروه‌های مختلف اجتماعی خاصه اقشار آسیب‌پذیر از این فضاهاست (رضویان، ۱۳۸۱)؛ زیرا معماری فضای سبز فعالیتی هدفدار است و جهت رسیدن به اهداف خود نیازمند برنامه‌ریزی، مکانیابی

هدر تاریخ معماری و شهرسازی جهان می‌توان سرافراز نمونه‌های متعددی را گرفت که در آن‌ها فضاها به دلایل مختلفی بر مبنای حضور یک جنسیت عموماً مردان دسته‌بندی شده‌اند؛ فضاهایی که در آنها ورود و حضور جنسیت دیگر به طور کلی ممنوع یا با محدودیت و سلسله مراتب خاصی همراه بوده است (شاهرودی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۰). حضور مردم فارغ از سن، جنسیت، نژاد و طبقه اجتماعی در عرصه اجتماعی نشان‌دهنده مدنیت و کیفیت بالای زندگی شهری است. بااینکه نیمی از جمعیت شهرها را زنان تشکیل می‌دهند و به صورت طبیعی دارای حقوق شهروندی در استفاده از فضاها می‌باشند اما تحقیقات و تجربیات بشری نشان داده است که این گروه از شرایط نامساعد محیط‌های ساخته شده رنج می‌برند (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۵۰). بسیاری از کسانی که ابعاد رشد انسانی را بررسی کرده‌اند، با صراحت یا تلویح می‌گویند مردان و زنان متفاوت هستند (آقابابایی و فراهانی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷). روانشناسان این تفاوتها را در دو دسته «فیزیکی» و «روانی» طبقه‌بندی می‌کنند. برخی از این تفاوتها در نوع نگرش و ادراک زنان و مردان از زندگی و پیرامونشان تأثیر بسزایی دارد. بسیاری از تفاوت‌های بین زن و مرد، فیزیکی و بسیاری روحی و روانی هستند. روانشناسان محیطی تفاوت‌های فیزیکی و روانی را در طراحی فضاها توأمان دارای اهمیت می‌دانند. از یک-سو، فیزیولوژی بدن زن از جنبه‌های متعددی با بدن مرد متفاوت است (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶). و از سوی دیگر تفاوت‌های روانی این دو را

۱. نگاهی کوتاه به روند توسعه شهری در ایران در سده‌های اخیر، بویژه در طول برنامه صنعتی شدن کشور، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه پدیده‌هایی نظیر «توسعه نامتوازن صنعت و خدمات» می‌توانند با تغییرات جغرافیایی جمعیت، رواج فرهنگ شهرنشینی و مصرفی، بروز جریانهای اکولوژیکی انسانی، نظیر مهاجرت روستائیان به شهرها و تهاجم شهرنشینان به پایتخت و مراکز صنعتی، در مدتی کمتر از نیم قرن، باعث رشد بی‌رویه شهرها و بروز مشکلات مختلف اجتماعی و زیست محیطی در آن شود. از این رو، «توسعه فضای سبز در داخل و حاشیه شهرها» از جمله بهترین راهکارهای بهسازی محیط زیست شهری به شمار می‌رود که در صورت برنامه‌ریزی دراز مدت و منسجم می‌تواند نقش مهمی در رفع معضلات زیست محیطی و اجتماعی کلانشهرها داشته باشد.

و طراحی متناسب با اهداف مورد نظر می باشد. از این رو آنچه امروزه روز در مکانیابی های شهری به عنوان مکانیابی های اتفاقی رخ میدهد، اقدامی کاملاً غیرمنطقی محسوب می شود (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱). باتوجه به این محدودیتها برای حضور راحت و ایمن زنان در فضاهای شهری و افزایش سرزندگی زنان در برخی کشورها نظیر ایران فضاهای مختص استفاده زنان مانند پارکهای بانوان پیشنهاد گردیده است. هدف اصلی حامیان این گونه فضاها استفاده از همه ظرفیتهای جامعه برای حضور زنان عنوان گردیده است و نه جداسازی زنان از مردان؛ اما با این حال بسیاری از فعالان حقوق زنان به چنین طرح هایی خوشبین نیستند و تمایز این پارک ها را نوعی تبعیض می دانند؛ به عنوان مثال کاظمی (۱۳۸۳، ص ۲۳) احداث پارک بانوان را نمونه ای از رفتارهای سلیقه ای و اقدامی از ناحیه کارفرما- شهرداری ها- دانسته که با هدف ارائه راه حل برای مشکلات موجود در پارکها انجام گرفته است. این محدودیتها بر اساس مشخصه های مختلف نژادی- قومی، طبقه اجتماعی، وضعیت تأهل، سن، دین و توانایی فیزیکی به طور متفاوتی تجربه می شوند (رفعیان و سیفایی، ۱۳۸۴). برطرف کردن نیازهای اجتماعی و فرهنگی زنان شهر مانند نیاز به اماکن برای اوقات فراغت، نیاز به مکانها و برنامه های فرهنگی مخصوص به زنان، نیاز به برنامه ها و مکانهای مخصوص ورزش زنان، برگزاری دوره های مورد نیاز زندگی اجتماعی زنان، نیاز به مکانهای

مشاوره در زمینه های مخصوص زنان، و ارائه خدمات مشاوره ای مورد نیاز آنان همواره یکی از دغدغه های مدیران عالی شهرداری در برطرف کردن نیازهای اجتماعی و فرهنگی زنان شهر بوده است. اطلاع دقیق از مجموعه نیازها و همچنین بررسی وضع موجود خواهد توانست مدیران شهرداری را که نقشی مستقیم در جهت مرتفع سازی نیازهای شهروندان و بالاخص زنان دارند را با جنبه های مختلف نیاز و همچنین میزان رفع نیازها در راستای اقداماتشان هدایت و آشنا نمایند. بر این اساس در این مقاله به مقوله نیازهای بانوان شهروند و پارکها و پردیسهای درون شهری پرداخته شده و در این رابطه به مواردی چند اشاره می شود.

مواد و روشها

از آنجا که رویکرد این پژوهش در مرحله اول «تبیینی» و در مرحله دوم «اکتشافی» است، لذا در مرحله مبانی نظری از روش «توصیفی- تحلیلی» و در مرحله بعدی از روش «پیمایشی» بهره گرفته است. روش پیمایش توصیفی به منظور شناسایی نیازهای اجتماعی و فرهنگی زنان، روش پیمایش تحلیلی به منظور بدست آوردن رابطه میان متغیرهای عمومی تحقیق و نیازهای مختلف جامعه مورد بررسی و روش پیمایش مقطعی استفاده شده است (سرمد، و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۶). روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی و ابزار گردآوری داده ها منابع کتابخانه ای، اینترنتی و اسنادی، مشاهده میدانی، تهیه پرسشنامه و مصاحبه می-باشد. جهت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۵۳

۱. ضرورت توجه به فضای سبز شهری در طرح های توسعه شهری در سال های اخیر در کشور بیش از هر چیز در بخش مدیریت فضای سبز شهرداری ها مطرح بوده و تفکر حاکم در این زمینه بیشتر در راستای ایجاد فضاهای سبز جدید و توسعه آنها بوده است. در مطالعات بسیاری بر اهمیت پارک ها بعنوان فضاهای سبز شهری اشاره شده، و کارکردهای عمده ای نظیر کارکردهای محیط-زیستی (Flores and et al, ۱۹۹۸)، کارکردهای اجتماعی- فرهنگی (Germann-Chiari and Seeland, ۲۰۰۴; Balram and Dragi covic, ۲۰۰۵)؛ کارکردهای زیبایی شناختی (Chisura, ۲۰۰۴)؛ کارکردهای روانشناختی (Kaplan and Kaplan, ۱۹۸۹) و کارکردهای اقتصادی (Morancho, ۲۰۰۳) را برای این فضاها متصور بوده اند. از اینرو توسعه و تدارک فضاهای آزاد و سبز مناسب برای پاسخ گویی به نیازهای اجتماعی- روانی شهروندان خاصه زنان شهروند با نگرشی پایدار امری ضروری تلقی می شود.

تهیه اطلاعات مربوط به پیشینه تحقیق و مبانی نظری از روش مطالعه کتابخانه‌ای، فیش برداری و ترجمه متون مورد نیاز کمک گرفته می‌شود. جمع‌آوری داده‌های تکمیلی دسته اول بصورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه انجام می‌گیرد. پرسشنامه مورد نظر برای هر شاخص شامل چند گویه یا سوال بسته می‌باشد که به وسیله طیف لیکرت (رتبه‌ای) از پنج قسمت مساوی تشکیل شده تا پاسخگو گرایش خود را در سوالات مشخص نماید. جامعه آماری این تحقیق شامل زنان ساکن شهر کرمان بر اساس برآورد جمعیت سال ۱۳۹۰ می‌باشد که به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. تعداد نمونه از روش «نمونه‌گیری تصادفی ساده» استفاده شده است. با استفاده از روش «آلفای کرونباخ» پایداری پرسشنامه در بررسی مقدماتی مورد ارزیابی قرار گرفت که عدد آن برابر ۰/۸۷۶ بوده که نشان دهنده پایداری پرسشنامه می‌باشد.

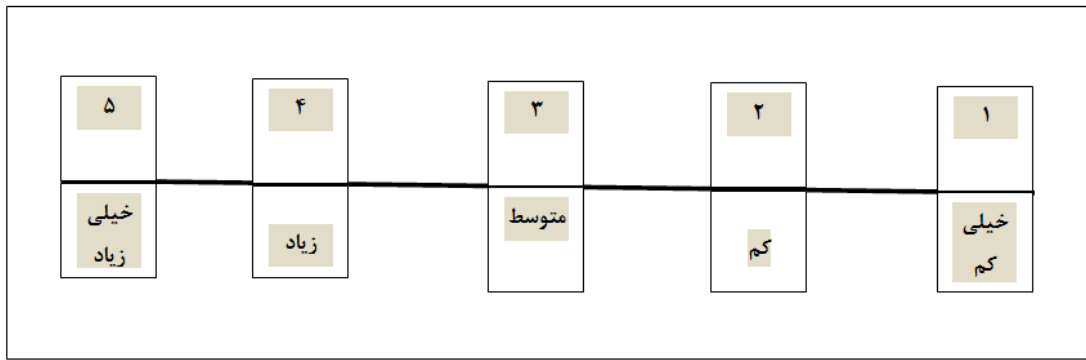
بعد از جمع‌آوری داده‌ها از طریق روش جمع‌آوری «اطلاعات پرسشنامه‌ای» از آنجا که هدف از تحقیق اولویت‌بندی نیازهای اجتماعی و فرهنگی زنان و شناسایی عوامل عمومی موثر بر نیازهای زنان می‌باشد، از روش تحلیل آماری توصیفی در قالب جدول و نمودارها برای بیان فاصله مطلوب تا فاصله موجود و از روش تحلیل همبستگی برای شناسایی اثر متغیرهای عمومی تحقیق بر روی میزان تحقق نیازها استفاده شده است. پرسشنامه دارای ۲۰ سوال می‌باشد که هر یک با استفاده از «روش تحلیل عاملی» به یکسری متغیرها دسته‌بندی شده‌اند. متغیرهای موجود در این پژوهش به سه دسته «متغیرهای وابسته» یا «متغیرهای هدف» «متغیرهای مستقل یا تاثیرگذار» و «متغیرهای کمکی یا واسطه‌ای» تقسیم می‌شوند. به منظور آزمون فرضیات تحقیق و پاسخگویی به سوالات تحقیق از یک پرسشنامه که توسط محقق ساخته و آزمون شده استفاده شده است که میان زنان ساکن

شهر کرمان در سطوح مختلف سنی، تحصیلات و غیره، توزیع و تکمیل شد. سوالات پرسشنامه در دو قالب وضع موجود و وضع مطلوب بیان شده‌اند. مقیاس مورد استفاده در پرسشنامه، از نوع ترتیبی و طیف لیکرت ۵ گانه می‌باشد.

در تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، از روشهای آماری با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است. چنانچه گفته شد، در این پژوهش از روش «نمونه‌گیری تصادفی ساده» با تخصیص متناسب با حجم هر یک از طبقات برای گرفتن نمونه استفاده شده است. سپس نمونه انتخاب شده با روش تخصیص نمونه به صورت ذیل تعمیم داده شده است (ادواردز، ۱۳۷۹، ص ۴۸):

مبانی نظری تحقیق

زنان تقریباً نیمی از افراد هر جامعه را تشکیل می‌دهند و سازندگان و پرورش دهندگان نسل‌های آینده محسوب می‌شوند. آنها منبع انسانی بالقوه مهمی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور هستند. بقا در شرایط توسعه یافتگی، ارتقای کیفیت زندگی، توانمندسازی انسانها و تحقق عدالت اجتماعی یکی از مهمترین لوازم پایداری توسعه و هدفی است که همه کشورها برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند؛ لذا یکی از مواردی که توسعه نیافتگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، وجود فرصت‌های برابر برای توسعه توانمندی زنان و مردان و متفاوت بودن عوامل موثر در میزان نیازهای آنان از فضاهای شهری خاصه پارکها و پردیسهای درون شهری است. «منابع انسانی اساسی ترین نقش را در توسعه جوامع ایفا می‌کند و نقش توسعه انسانی در شکل‌گیری توسعه پایدار بی‌بدیل بوده و قابل مقایسه با هیچ یک از مولفه‌های ایجاد توسعه پایدار نیست. انسان امروزه نه تنها محور توسعه محسوب می‌شود؛ بلکه مغز متفکر فرایند حرکت به سمت توسعه پایدار نیز تلقی می‌گردد. در این میان زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه ولی با ضرورت و اهمیت بیشتر به عنوان سازندگان و پرورش دهندگان نسل‌های آینده



نمودار ۱. تشریح قسمتهای طیف لیکرت و اساس امتیازبندی برای هر یک از آنها؛ ماخذ: نگارنده.

لدت از فضا	خوانایی و هویت	آسایش و راحتی	اجتماع پذیری	تعامل اجتماعی	امنیت و ایمنی	عدالت	مقیاس انسانی	تنوع فعالیت	منظر زیبا و مناسب	کالبد مناسب	دسترسی (فیزیکی و بصری)
------------	----------------	---------------	--------------	---------------	---------------	-------	--------------	-------------	-------------------	-------------	------------------------

ماخذ: (گل، ۱۳۸۷؛ وایت، ۱۳۹۲؛ تیبالدز، ۱۳۸۷؛ چرخچیان، ۱۳۸۹؛ حبیبی، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲؛ کارمونا، ۲۰۰۳؛ Cozens, 2011; Kurniawati, 2012; www.pps.org)

جدول ۱. شرایط فضاهای شهری مطلوب

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۵۵

کشور منبع انسانی مهمی در پیشرفت و توسعه همه جانبه می باشند» گزارش سالانه امور بانوان ریاست جمهوری، ۱۳۸۳، ص ۲۱).

پارکها و پردیس های درون شهری

امروزه گسترش شهرها و بویژه شهرهای بزرگ در جهان سوم، موجب تشدید عوارض منفی توسعه شهری است که تشدید آلودگی های محیط از مهمترین آنها به شمار می رود. توسعه بی رویه و ناپایدار شهری، باعث تخریب نواحی سبز شهری می گردد (بهمن پور و محرم نژاد، ۱۳۸۶). با توجه به مسائل و مشکلاتی که شهرها دارند، بایستی به ابعاد و اصول توسعه پایدار شهری و استفاده برابر همه اقشار اجتماعی خاصه زنان توجه نمود. هدف فرآیند توسعه پایدار شهری ایجاد یا تقویت ویژگیهای پایداری در زندگی اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی زیست محیطی شهر است. آثار منفی زیست محیطی شهر تا آن اندازه افزایش یافته که بزرگترین تهدید در مقابل این زیست بوم ها شمرده می شود. مصرف بی رویه منابع (بوم شناختی، اقتصادی و

اجتماعی) نگران-کننده است و یکی از تبعات آن مورد تهدید واقع شدن و عدم پایداری در کیفیت زندگی شهری است (جعفریان و عبدالحسین پور، ۱۳۸۵). راه رسیدن به جهان پایدار، همانا دستیابی به شهرهای پایدار است با وجود فرصت های نهفته در شهرها می توان راههایی را برای نیل به پایداری شهرها و در نتیجه پایداری جهان پیدا کرد (دهقان منشادی، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

امروزه به علت افزایش بیش از حد جمعیت، توسعه و گسترش شهرنشینی، و به تبع آن رشد کالبدی- فضایی شهرها، و بروز انواع آلودگیهای زیست محیطی در شهرها، توجه به مقوله فضای سبز در شهرها به موضوعی حیاتی و مبرم تبدیل شده است. کمک فضاهای سبز به بهبود آب و هوا، هیدرولوژی و کیفیت زندگی در شهرها کاملاً به اثبات رسیده است (Bernatzky, ۱۹۸۲; Rowntree, ۱۹۸۶). فضای سبز به عنوان یکی از کاربری های مهم شهری و یکی از شاخص های شهر پایدار می باشد که از نظر فرهنگی- اجتماعی و بیوفیزیکی نقش مهمی

کشور منبع انسانی مهمی در پیشرفت و توسعه همه جانبه می باشند» گزارش سالانه امور بانوان ریاست جمهوری، ۱۳۸۳، ص ۲۱).

پارکها و پردیس های درون شهری

امروزه گسترش شهرها و بویژه شهرهای بزرگ در جهان سوم، موجب تشدید عوارض منفی توسعه شهری است که تشدید آلودگی های محیط از مهمترین آنها به شمار می رود. توسعه بی رویه و ناپایدار شهری، باعث تخریب نواحی سبز شهری می گردد (بهمن پور و محرم نژاد، ۱۳۸۶). با توجه به مسائل و مشکلاتی که شهرها دارند، بایستی به ابعاد و اصول توسعه پایدار شهری و استفاده برابر همه اقشار اجتماعی خاصه زنان توجه نمود. هدف فرآیند توسعه پایدار شهری ایجاد یا تقویت ویژگیهای پایداری در زندگی اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی زیست محیطی شهر است. آثار منفی زیست محیطی شهر تا آن اندازه افزایش یافته که بزرگترین تهدید در مقابل این زیست بوم ها شمرده می شود. مصرف بی رویه منابع (بوم شناختی، اقتصادی و

در افزایش کیفیت زندگی و توانمندسازی شهرها به منظور طرح ریزی یک منظر جذاب و رقابت پذیر دارند (Givoni, ۱۹۹۸, Santamouris, ۲۰۰۱, G.L.; Andrade & Vieira, ۲۰۰۱, A).

منظور از فضاهای سبز شهری، نوعی از سطوح کاربری زمین شهری با پوشش های گیاهی انسان ساخت می باشد که هم واجد بازدهی اجتماعی و هم واجد بازدهی اکولوژیک هستند. در این میان باغهای میوه در شهر می توانند هم واجد «بازدهی اکولوژیک» باشند و هم واجد «بازدهی اقتصادی»، اما به علت عدم امکان بهره برداری عمومی، فضای خصوصی تلقی شده و نمی توانند واجد «بازدهی اجتماعی» باشند. منظور از «بازدهی اکولوژیک» عبارت است از: زیباسازی بخشهای شهری، کاهش دمای محیط، تولید اکسیژن، افزایش نفوذپذیری خاک در مقابل انواع بارش و مانند اینها و از دیدگاه حفاظت محیط زیست فضای سبز شهری بخش جاندار ساخت کالبدی شهر را تشکیل می دهد (سعیدنیا، ۱۳۷۹، ص ۲۹). در واقع وقتی صحبت از کاربری فضای سبز می شود منظور فضاهای سبز عمومی هستند. فضاهای سبز عمومی، فضاهای سبز شهری هستند که واجد بازدهی اجتماعی می باشند. این فضاها برای عموم مردم در گذران اوقات فراغت، تفریح و مصاحبت با دوستان و گردهمایی های اجتماعی و فرهنگی استفاده می گردد، فضاهای یادشده اساساً برای این منظور طراحی یا تجهیز شده اند. وجود نیمکت، روشنایی، آبخوری، دستشویی، کف سازی، معابر و دسترسی از مؤلفه های فضاهای سبز اجتماعی (عمومی) به شمار می روند. از این فضاهای سبز معمولاً با عنوان «پارک» نام برده می شود. درواقع فضاهای سبز اجتماعی شامل همه فضاهای سبز عمومی مجهز به خدمات و تسهیلات می شود.

انواع مبانی طبقه بندی نیازهای زنان

در باب سنجش نیازهای فرهنگی و اجتماعی زنان از تئوری های جامعه شناسانی چون «والتن» (تعریف وی از مفهوم نیاز و نیازسنجی)، «آبراهام مازلو»

(نظریه طبقه بندی نیازهای انسانی)، «الکساندر ماری» (نظریه نیازهای روانزا)، «پارسونز» (نظریه خرده نظامهای سیستم در نظام فرهنگی اجتماعی)، «مرتون» (ساختار فرهنگی - اجتماعی)، «نظریه های فمینیستی فرهنگ و زنان» استناد گردیده است. مفهوم نیاز از جمله مفاهیمی می باشد که به معانی مختلفی در علوم اجتماعی به کار رفته است. به لحاظ گونه شناسی، از منظر اجتماعی می توان برداشت ها و تعاریف ارائه شده را به چهار دسته طبقه بندی کرد (فتحی، ۱۳۷۵، صص ۷-۱۰).

نظریه های نیازسنجی زنان

در شاخه های مختلف علوم انسانی تعاریف متعددی از نیاز بخصوص در حوزه علوم رفتاری و جامعه شناسی مطرح شده است. در ذیل تعدادی از مهمترین نظریه های نیاز بیان شده است:

۱. «نیاز از منظر مازلو»: مازلو دیدگاه مثبت و خوش بینانه ای نسبت به ماهیت انسان دارد. او معتقد است، انسان استعداد فطری برای مهربانی، محبت، و گذشت دارد. با این حال این ویژگی ها باید توسط محیط و جامعه پرورش یابد. در یک جامعه با فرهنگ نادرست این گرایش ها می تواند تحت الشعاع قرار گرفته و محو شوند. یک محیط بیمارگونه، جلوی رشد مثبت این استعدادها را می گیرد و می تواند موجب پرخاشگری و خودشکنی زیاد شود (Postlethwaite, ۱۹۹۷: ۳۲۰).

۲. «مفهوم نیاز از منظر مرتن»: مرتن بیان می دارد، در هر سیستم اهداف تعریف شده ای وجود دارد (نیاز) که اولویت های افراد آن جامعه نامیده می شوند. بنابراین افراد برای رسیدن به این اولویتهای و اهداف یا سائقه ها نیازمند وسایل لازم می باشند. وسایل پذیرفته شده ای که از طرف فرهنگ و جامعه تعریف شده باشد تا با بهره جویی از آن وسایل به ارضای نیازهای خود برسند. اساس بحث مرتون این است که هر جامعه ای دارای یک ساختار فرهنگی - اجتماعی است؛ بطوری که این ساختار اجتماعی و فرهنگی یک سری از وسایل و اهداف را

جدول ۲. معنای نیاز از دیدگاه زنان شهروند؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

صاحب نظران	توضیحات	معنای نیاز
Stufflebeam, 1985 : 17 میلر، ۱۹۷۶، ص ۷۹ و توسلی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۲.	شاید یکی از متداولترین تعاریف ارائه شده از مفهوم نیاز تعریف آن به خواست و ترجیحات افراد است. به عبارت روشنتر خواسته‌های افراد در زمینه‌های گوناگون نیازهای آنان را تشکیل می‌دهد. از جمله مهم‌ترین کسانی که از این برداشت از نیاز حمایت می‌کنند، افرادی نظیر «استافیل بیم» و «پلاننت» است. اولین و مهمترین انتقاد وارده به این برداشت از نیاز به مسئله ذهنی بودن نیاز به عنوان خواست و ترجیح مربوط است و به عبارت روشن تر از آنجا که نیاز در این دیدگاه با خواست و نظرات افراد یکسان فرض می‌شود نظرات افراد از عینیت کافی برخوردار نیست و چه بسا بر حقیقت نیز نباشد.	هواسته ها و نظرات
Barrow, 1995 : 114	در این دیدگاه نیاز به عنوان برخی چیزها (وضعیتها) که ضروری یا مفید هستند تعریف می‌شود. البته ضرورت مفیدبودن در رابطه با اهداف قابل قبول و معقول مدنظر است. برخی از صاحب نظران استافیل بیم از این دیدگاه حمایت می‌کنند. به‌تصور آنان نیز نیاز یک واقعیت عینی و علمی نیست؛ بلکه حامل ارزشها و قضاوت‌های افراد و تعاملات موجود در یک زمینه خاص است. از این نقطه نظر نیاز چیزی نیست که بصورت یک حقیقت تجربی مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین نمی‌توان آنچه که یک فرد یا جامعه نیاز دارد را مورد مشاهده و بررسی قرار داد.	فقدان و با ضرورت چیزی
فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۷، صص ۷-۱۱ و (Suarez, 1991: 74)	متداولترین تعریف نیاز در مطالعات نیازسنجی عبارت است از تعریفی که متکی بر نوعی فاصله یا شکاف است. اگرچه در بسیاری از فنون از تعریف نیاز به مثابه نوعی فاصله یا شکاف استفاده می‌شود، اما برای اولین بار این برداشت از نیاز توسط راجر کافمن ارائه شده است. از نظر وی نیاز در قلمروی وجود دارد که در آن موقعیت واقعی با موقعیت مطلوب یا موردنظر فاصله دارد. بسیاری از صاحب نظران این حوزه از تعریف اخیر نیاز به عنوان یک تعریف عینی و قابل سنجش یاد می‌کنند.	فاصله یا شکاف
Kuafman, 1991 : 21	یکی دیگر از تعاریف ارائه شده برای مفهوم نیاز تعریف آن به عنوان نوعی نقص، مشکل یا مسئله می‌باشد. برخلاف تعریف قبلی این برداشت از نیاز فاقد حمایت‌های جدی و نیز دقت لازم می‌باشد. چنین وضعیتی نیز مسئله با نیازی دارای اولویت مترادف است	نقص یا مشکل

مدیریت شهری

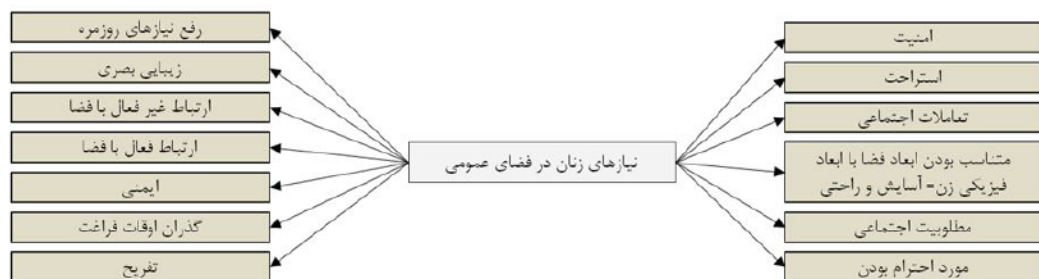
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۵۷

مشخص می‌کند. اگر بین وسایل و اهداف هماهنگی وجود داشته باشد، یعنی افراد با وسایلی که جامعه در اختیار آنها گذاشته به سوی اهداف حرکت کنند هماهنگی در جامعه پیش می‌آید، زمانی که گسیختگی بین وسیله و هدف بوجود آید وضعیت آنومیک یا نابسامانی اجتماعی شکل خواهد گرفت، لذا افراد سعی می‌کنند یا وسیله را دور بزنند یا اهداف را، به این ترتیب اهداف می‌بایست با وسایل تناسب پیدا کند (مرتن، به نقل از ملکی، ۱۳۸۰، ص ۶۶).

۳. «مفهوم نیاز از منظر فونکسیونالیستها»: از نظر فونکسیونالیستها کارکردی بودن فرهنگ به منزله آن است که فرهنگ در خدمت نیازها و اهداف است، نه اهداف نه در خدمت ابزار. پس باید مانع از تابو شدن عناصر فرهنگی شد. بلکه باید به طور مستمر در سنجش‌های اجتماعی نسبت به تاثیر عناصر فرهنگ در تأمین خواسته و نیازهای متنوع جامعه، ارزیابی و توجه نمود (نجات ثابت، ۱۳۷۴، ص ۴۴).

۴. «نظریه نیاز از نظر تیلمن»: تیلمن با توجه به



نمودار ۲. نیازهای زنان در فضای عمومی شهری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

را از یکدیگر متمایز می‌سازد. به زعم او، محور نیازهای اقتصادی «پول»، محور نیازهای فرهنگی و اجتماعی «نفوذ در تعاملات و اندیشه و پای بندی به ارزش‌ها» و محور نیازهای سیاسی «قدرت» می‌باشد. وی کسب پول و قدرت و نفوذ به ارزش‌ها را مهم‌ترین خواسته‌های مطلوب یک جامعه می‌داند (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵). پارسونز بر این باور است که بقای جامعه در برطرف کردن چهار نیاز اصلی است: الف- انطباق با محیط-نیازهای اقتصادی؛ ب- دستیابی به هدف-نیازهای سیاسی؛ ج- یکپارچگی- نیازهای اجتماعی؛ د- حفظ الگو- نیازهای فرهنگی.

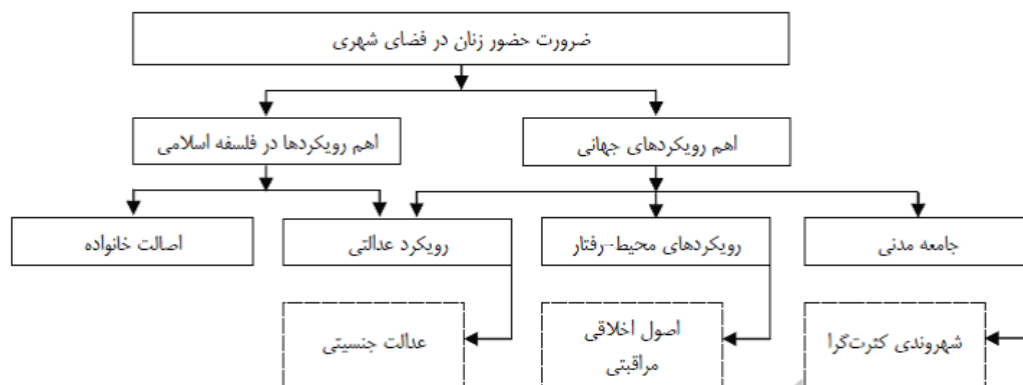
از سویی دیگر، فضای عمومی شهری به عنوان فضای متقابل با عرصه خصوصی نقش مهمی در شکل‌گیری زندگی روزمره مردم دارد. در این فضا عوامل متعددی مانند دسترسی برابر و همگانی به عرصه عمومی و عدم تمایز و جدایی و توجه به نیازهای گروه‌های مختلف اجتماعی همچون معلولان، کودکان و زنان اهمیت ویژه‌ای دارد. عرصه عمومی مطابق با نظریه‌های

هابرماس (۱۳۸۹) و ارنست (۱۹۵۸) با مفهوم دسترسی پذیری بی قید و شرط برای همگان تعریف می‌شود، در حالیکه برخی محیط‌ها به صورت عمدی و یا غیرعمدی دسترسی پذیری کمتری برای بخشی از جامعه دارند (فلاحی، ۱۳۹۴، ص ۲۱). «نظریه توانمندسازی زنان»: آمارتیاسن یکی از نظریه پردازان بحث توسعه زنان معتقد است «توانمند سازی زنان از طریق فراهم آوری فرصتهای شغلی،

تئوری مازلو و مقوله‌بندی انواع گوناگون نیازهای انسان، ده نیاز را که به اعتقاد او برای تعیین «نیازهای فراغت» مردم مهم‌اند شناسایی کرده که عبارتند از (Postlethwaite، ۱۹۹۷: ۱۱۶): ۱. نیاز به تجربه‌های نیاز به استراحت و تفریح؛ ۲. نیاز به فعالیت جسمی و سلامتی؛ ۳. نیاز به کسب هویت؛ ۴. شناخت چیستی و کیستی؛ ۵. نیاز به امنیت (ایمنی از تشنگی، گرسنگی)؛ ۶. نیاز به برتری (توان کنترل دیگران در محیط)؛ ۷. نیاز به تعامل و ارتباط با دیگران؛ ۸. نیاز به فعالیت ذهنی و خلاقیت؛ ۹. نیاز به خدمت به دیگران یعنی نیاز به مفیدبودن؛ ۱۰. نیازهای فراغت».

۵. «مفهوم نیاز از منظر موری»: موری نیازها را بر دو دسته تقسیم کرده است (Rossett، ۱۹۹۸، ۲۰): ۱. «نیازهای اولیه»: بر پایه نیازهای بیولوژیک هستند، مانند نیاز به اکسیژن، غذا و آب. و ۲. «نیازهای ثانویه»: نیازهای ثانویه عموماً روان‌شناسانه هستند، مانند نیاز به پرورش، استقلال و موفقیت. براساس نظریه موری، تمام انسان‌ها نیازهای روانزا را دارند؛ اما سطح هر نیاز در افراد مختلف متفاوت است: الف- نیازهای جاه‌طلبانه؛ ب- نیازهای مادی؛ ج- نیازهای قدرتی؛ د- نیازهای عاطفی؛ ه- نیازهای اطلاعاتی».

۶. «مفهوم نیاز از منظر پارسونز»: «تالکوت پارسونز» یکی از جامعه‌شناسان برجسته در تبیین نیازها می‌باشد. پارسونز، جامعه‌شناس کارکردگرای ساختی، انواع نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی



نمودار ۳. بررسی رویکردهای مرتبط با حضور زنان در فضاهای شهری؛ ماخذ: رضازاده و محمدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱.

جدول ۳. کارکرد فضاهای پارک و پردیس درون شهری؛ ماخذ: کشاورز، ۱۳۸۰.

تعریف	کارکرد
مراکز گذران اوقات فراغت	✓ کارکرد
بهبود مکان تفریح درون‌شهری در غیاب حیطه‌های خصوصی و کوچک شدن زیربنای منازل مسکونی؛	✓ تفریحی
نقش گسترده فضای سبز در تمدد اعصاب؛	✓ کارکرد
تأثیر مستقیم حضور در بوستان‌ها و فضای سبز بر روان انسان؛	✓ بهداشتی
بهره‌گیری از فضاهای مختلف فرهنگی، هنری و ورزشی بوستان‌ها و ارتباط آن‌ها با بهداشت جسمی و روانی؛	✓ کارکرد
جایگزین شدن محلات، چهارسوق‌ها و ... توسط بوستان‌ها به عنوان زمینه ساز آغاز، تحکیم و استمرار روابط دوستی بین افراد، روابط همسایگی در محل و ... ؛	✓ ارتباطی
مکان آشنایی و تعامل گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی؛	✓ کارکرد
بازدیدهای علمی از گونه‌های مختلف گیاهی بوستان‌های مستعد توسط دانش آموزان؛	✓ آموزشی
وجود فرهنگسراها، کتابخانه‌ها، سالن‌های مطالعه ؛	✓ کارکرد خرید و فروش
نقش مثبت وسایل بازی در آموزش کودکان و برخورداری بوستان‌ها از حداقل وسایل بازی ؛	✓
مستعد برای عرضه کالاهای مختلف به دلیل حضور گسترده مردم ؛	✓
وجود مراکز و اماکن رسمی برای فروش نیازهای غذایی، فروشندگان دوره‌گرد ؛	✓
برپایی نمایشگاه‌های عرضه کالاهای مختلف مانند صنایع دستی، کتاب و ... ؛	✓

را محور تعریف توسعه امور زنان دانسته و فرایند توسعه امور زنان را در پنج مرحله از برابری می‌داند. او تأکید می‌کند که توانمندسازی نه تنها ناشی از کسب برابری است، بلکه به همان میزان برای تعقیب اهداف برابری ضرورت دارد. مراحل برابری از نظر او عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت، کنترل. این مراحل نشان می‌دهند که مدارج بالای برابری خود به خود به عنوان مدارج بالای توسعه و توانمندسازی به شمار می‌آیند.

در رابطه با سازگاری زنان و فضاهای پارکها باید

حقوق مالکیت و از این قبیل اقدامات می‌تواند به زنان آزادی بیشتری برای تاثیرگذاری بر موضوعات گوناگونی از قبیل تقسیم درون خانوادگی، مراقبت بهداشتی، غذا و سایر کالاها، مناسبات کار و نیز باروری بدهد» (سن، ۱۳۸۱، ص ۳۹۲). البته از نظر سن استفاده از این آزادی‌ها نیز باید آزادانه صورت بگیرد، بنابراین توانمندسازی زنان، ایجاد قدرت تصمیم‌گیری از طریق نیل به فرصتهای ارزشمند است.

«سارا لانگه» (۱۳۷۲) مساوات بین زنان و مردان



نمودار ۵. فرایند مشارکت پذیری زنان در طرح های شهری؛ ماخذ: ماجدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۷.



نمودار ۴. مدل اصلاح شده مولفه های کیفیت پارک از دیدگاه بانوان؛ ماخذ: هاشمی، میرغلامی و رفیعیان، ۱۳۹۳، ص ۶۰.

ساکنین واحدهای همسایگی مناسب هستند، درحالی که پارک‌های نزدیک به مراکز تجاری، برای کارکنان و بازدیدکنندگان و کسانی که به مرکز شهر رفت آمد می‌کنند، جذاب می‌باشند (Oh and Jeong; ۲۰۰۷).

فراهم آوردن فضای عمومی اجتماعی همچون پارک‌ها بعلت افزایش تراکم جمعیت شهری و تغییر شتابان کاربری زمین به ساختار فیزیکی (ساخت و ساز) مشکل شده است (Caula et al, ۲۰۰۹)؛ با افزایش شهرنشینی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه (Thaiutsa et al, ۲۰۰۸) و افزایش جمعیت شهری و تمرکز جمعیت در نقاط شهری (Kong and Nakagoshi, ۲۰۰۶) اهمیت فضاهای سبز بویژه پارک‌ها دوچندان شده است.

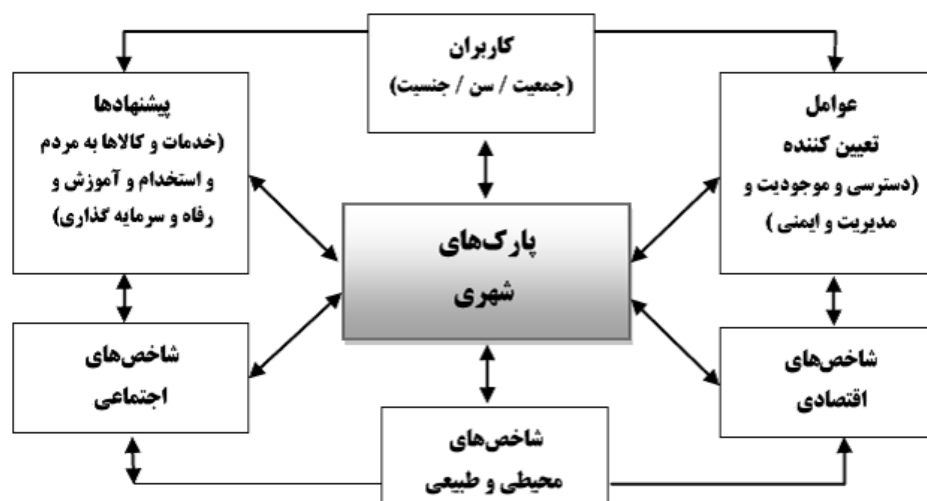
بیان یافته‌های تحقیق

کرمان (نام منطقه‌ای در پارسی باستان: کارمانیا) یکی از کلانشهرهای ایران و مرکز استان کرمان پهناورترین استان ایران در جنوب شرقی این کشور واقع است. جمعیت این شهر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۵۳۴۴۴۱ نفر بوده است. جمعیت کلان شهر کرمان به دلیل عدم رسمی شدن سکونت‌گاه‌های

گفت که؛ یک پارک مناسب که سازگاری بالایی با کاربری‌های اطرافش دارد می‌تواند در افزایش کیفیت زندگی و بهبود وضع اقتصادی شهرها اثرگذار بوده (Lotfi et al; ۲۰۱۱) و ضمن ایجاد خدمات و تسهیلات اکوسیستمی و فرآیندهای زیست محیطی (Tzoulas and James, ۲۰۰۹)، موجب تولید کالا و خدمات به واسطه سرمایه‌گذاری و اشتغال و آموزش می‌شود (Rabare et al; ۲۰۰۹). از طرفی دسترسی پارک با راه‌های ارتباطی از ضروریات یک پارک محله‌ای می‌باشد (Lotfi et al; ۲۰۱۱). از فضای سبز و پارک شهری به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی یاد می‌شود (Balram and Dragicevic, ۲۰۰۵; Mcpherson, ۱۹۹۴). همچنین، توزیع مکانی فضای سبز باید به‌گونه‌ای باشد که دست‌یابی به آن به آسانی صورت گیرد. برخی، دسترسی به پارک در شهرهای اروپایی از جمله گلاسکو، مادرید، پاریس و میلان برای مشاهده‌کنندگان را برابر ۱۵ دقیقه می‌دانند (Stanners and Bourdeau, ۱۹۹۵). پارک‌های شهری با اهداف مختلفی ساخته می‌شوند، از جمله پارک‌های شهری واقع در مناطق مسکونی، برای

جدول ۵. محدودیت‌های زنان در فضاهای پارکها، ماخذ: یافته‌های تحقیق.

منبع	محدودیت‌های حضور زنان
(Andrew, 2006, 1), (Rush, 2012), (Day, 2000), (Koskela, 1997), (مدنی پور, ۱۳۷۹), (علیخواه, ۱۳۸۸), (محمدی, ۱۳۸۷), (رضازاده, محمدی, ۱۳۸۸), (اباذری, ۱۳۸۷)	ترس و خطر
(Khosla, 2006, 1), (Khosla, 2004, 3), (Jagori, 2010), (Phadke, 2006), (محمدی, ۱۳۸۷), (قرایی, ۱۳۹۰), (اباذری, ۱۳۸۷)	نبود امنیت و ایمنی
(Rush, 2012, 9), (Krenichyn 2004), (محمدی, ۱۳۸۷)	خشونت جنسی
(Garcia-Ramon, 2004), (Phadke, 2006), (Day, 2000), (زیاری, ۱۳۸۸, ۷۹)	مسئولیت‌های بازدارنده (مراقبت از فرزندان, انجام کارهای خانه و ...)
(Day, 2000), (رضازاده, محمدی, ۱۳۸۸)	هنجارهای محدودکننده اجتماعی و تحمیل نقش وابستگی به زنان
(Day, 2000), (رضازاده, محمدی, ۱۳۸۸)	استرس و تنش
(Day, 2000), (Garcia-Ramon, 2004), (رضازاده, محمدی, 1388)	دسترسی نامناسب و محدود شده به فضاهای شهری
(Paul, 2011), (Rush, 2012), (Amir Ebrahimi, 2006)	توزیع ناعادلانه قدرت بین زنان و مردان



نمودار ۶. مدل مفهومی اهمیت پارک‌های شهری؛ ماخذ: Rabare et al; ۲۰۰۹

کشور است. حاشیه‌نشینی مهمترین مشکل کلانشهر کرمان است. کرمان در حال تبدیل شدن به شهری الکترونیکی است و این شهر به عنوان پایلوت دولت الکترونیک انتخاب شده است و در برنامه‌های توسعه کشور باید به شهری الکترونیکی تبدیل شود. شهر کرمان با ۱۷۵۶ متر ارتفاع از سطح دریا، سومین مرکز استان بلند و مرتفع ایران محسوب می‌شود. و همین امر باعث اعتدال نسبی هوای شهر کرمان در تابستان شده است. استان کرمان در جنوب شرقی فلات مرکزی و بین ۵۳ درجه و ۲۶ دقیقه

غیررسمی از سوی دولت و استفاده حاشیه نشین‌ها از امکانات شهری و عدم تناسب بودجه تخصیص یافته با جمعیت واقعی تا ۷۱۲۰۰۰ نفر هم می‌رسد. کرمان یکی از پنج شهر تاریخی ایران است. وسعت شهر کرمان حدود ۱۳۰۰۰ هکتار است و به دلیل وسعت شهری و جمعیت کرمان، این شهر جزو کلان شهرهای ایران طبقه‌بندی شده است. شهر کرمان، یک مرکز جمعیتی و بزرگترین شهر در منطقه جنوب شرق ایران است. کرمان به لحاظ صنعتی، سیاسی، فرهنگی و علمی مهمترین شهر جنوب شرق



نمودار ۷. الگوهای پیشنهادی در تقویت هویت محله‌ای زنان در ایران، ماخذ: سلطانی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۳۴.

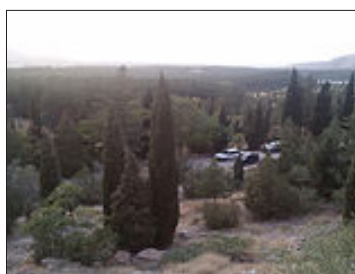
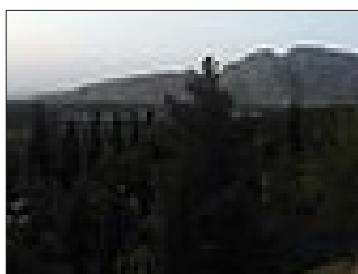
هجری شمسی، سرانه فضای سبز در شهر تهران با جمعیت ۲,۷ میلیون نفر حدود ۰,۷۳ متر مربع بوده است. عمده نیاز شهروندان به فضای سبز از طریق دسترسی به محیط‌های طبیعی، باغات و مزارع کشاورزی داخل و خارج از شهر تأمین می‌شده است. با گسترده شدن سطح شهر و متمرکز شدن فضای داخلی آن خلاء ضرورت دسترسی به محیط‌های طبیعی و سبز بیشتر نمایان می‌شود. بر این اساس توسعه کمی و کیفی فضای سبز طی نیم قرن گذشته به یکی از غدغه‌های مهم مصلحان شهری تبدیل شده است. در این پرسشنامه، گویه‌های عمومی که از پاسخ‌دهندگان خواسته شد نسبت به تکمیل آن اقدام نمایند، عبارت بوده‌اند از: ناحیه محل زندگی، رده سنی، تحصیلات، شاخصهای مدل تحقیق، مشتمل بر شاخصهای نیازهای آموزشی، شاخص نیازهای مذهبی، شاخص نیازهای هنری، شاخص نیازهای تفریحی، شاخص نیازهای ورزشی، شاخص نیاز به آگاهی و اطلاعات، شاخص نیاز به مشارکت و تعامل، شاخص نیاز به حمایت و مشاوره و شاخص نیاز به امنیت می‌باشد.

تا ۵۹ درجه و ۲۹ دقیقه طول شرقی و ۲۵ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۳۲ درجه عرض شمالی قرار دارد. این استان از شمال به استان‌های خراسان جنوبی و استان یزد، از شرق به استان سیستان و بلوچستان، از غرب به استان فارس و از جنوب به استان هرمزگان محدود می‌شود. مساحت استان کرمان در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۸۳۱۹۳ کیلومتر مربع بوده و از لحاظ وسعت بزرگ‌ترین و پهناورترین استان کشور به حساب می‌آید. این استان در تقسیمات کشوری سابق ایران استان شماره ۸ کشور بود. در شهر کرمان پارکها و مراکز تفریحی سبز زیر به عنوان محل تکمیل پرسشنامه لحاظ گردید: «آسیاب بادی کرمان؛ پردیسان جنگلی قائم؛ پیست اسکی سیرچ؛ پیست کارتینگ؛ پیست موتور کراس؛ پارک جنگلی شهید باهنر؛ شهربازی بزرگ کرمان؛ باغ وحش کرمان؛ بوستان شهید مطهری؛ بوستان شورا (پارامونت)؛ پارک مشاهیر کرمان؛ بوستان مادر؛ و بوستان ریاضیات.»

مقوله فضای سبز شهری، یک مقوله نسبتاً جدید در مدیریت شهری ایران است؛ بطوریکه در سال ۱۳۴۵

جدول ۴. عوامل محدود کننده مشارکت زنان در طرح های شهری؛ ماخذ: ماجدی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۹.

دیدگاهها و نظریات مرتبط	خلاصه یافته‌ها
دیدگاه فرصت برابر - بونیک	نابرابری فرصت‌های جنسیتی
دیدگاه حاشیه‌ای شدن - تیانو	محدود شدن زنان در ورود به قلمرو فعالیت‌های اجتماعی
دیدگاه بهره‌کشی - تیانو	سوء استفاده از نیروی کار ارزان زنانه
دیدگاه زنان در توسعه	عدم توجه به جایگاه زن در فرهنگ‌های گوناگون
دیدگاه جنسیت و توسعه	تفکیک جانبدارانه جنسیت‌ها
جمع‌بندی دیدگاه‌های مشارکت	استفاده ابزاری و اسمی از مشارکت زنان در سیاست‌ها و برنامه‌های مشارکتی



تصاویر ۱ الی ۳. پردیسان جنگلی کرمان، بزرگترین پارک جنگلی دست کاشت ایران و نمایی از جنگل قائم در شهر کرمان و نمایی از پارک مشاهیر کرمان؛ ماخذ: آرشبو نگارنده.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۶۳

نتیجه گیری و جمع‌بندی

امروزه بوستان‌ها بعنوان فضای سبز عمومی نقش مهمی در کاهش مشکلاتی همانند آلودگی هوا، آلودگی آب، مشکلات روحی و روانی دنیای مدرن دارند. وجود بوستان‌ها در شهرها به لطافت هوای شهر کمک می‌کند. در اغلب شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا وجود این فضاها کمک بزرگی به ساکنین نموده و با علم به اینکه میزان و مقدار نزولات آسمانی در این نقاط فراوان است، ولی بصورت کاملاً نظام مند به ایجاد فضای سبز در شهرها می‌پردازند. بنابراین ایجاد بوستان‌ها برای شهرهای عظیم کشور، امری کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. خشکی هوای داخل شهرها و عدم وجود پوشش گیاهی در روحیه مردم شهرنشین اثر می‌گذارد. در ساختن ساختمان‌های

همانطور که مشخص است، شهروندان، بیشترین رضایت را از خدمات تفریحی شهرداری داشته‌اند و این در حالی است که خدمات آموزشی شهرداری کمترین رضایت شهروندان را کسب نموده است. همانطور که مشخص است، شهروندان زن کرمان، بیشترین اهمیت را به خدمات امنیتی در بوستانها می‌دهند که با توجه به وضعیت امنیت در استان و ساختار سنتی زندگی در آن امری منطقی می‌باشد و در عین حال، شهروندان زن کرمانی کمترین اهمیت را به خدمات آموزشی شهرداری می‌دهند. همچنین بیشترین مقدار شاخص اثربخشی خدمات بوستانها و پارکها از نظر شهروندان زن کرمانی مربوط به خدمات تفریحی و کمترین مقدار آن مربوط به خدمات هنری است.

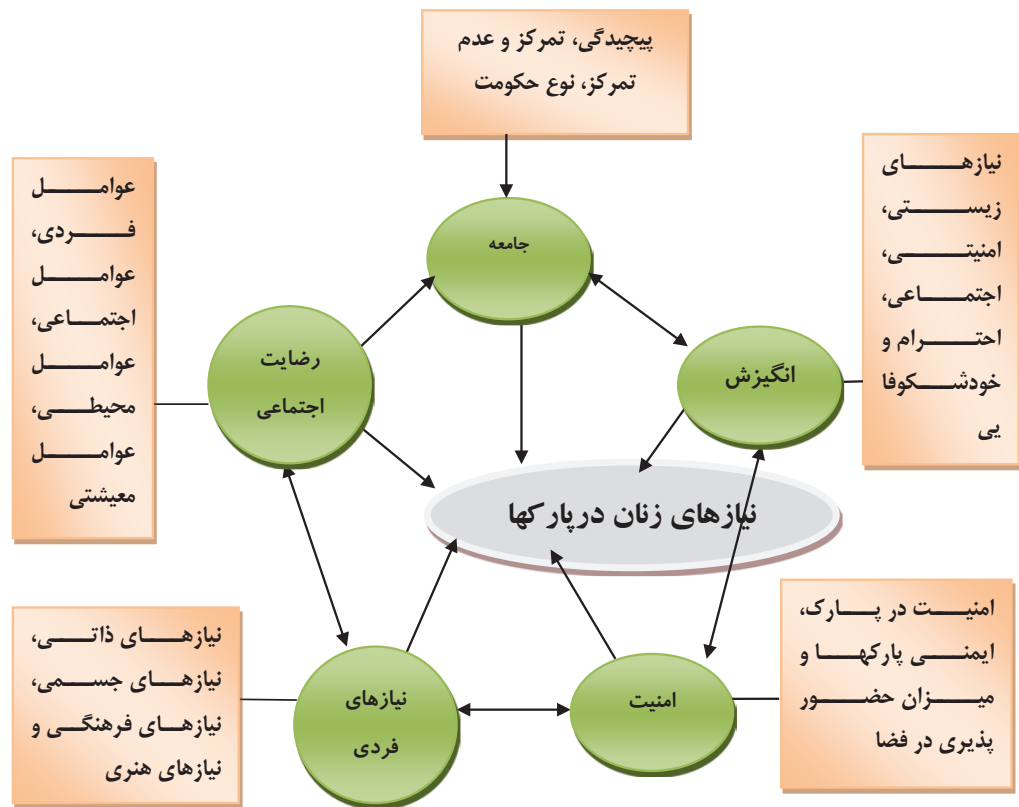
جدول ۵. متوسط وضع موجود (از ۱۰)، متوسط میزان اهمیت (از ۱۰) و شاخص اثربخشی هر یک از شاخصهای مورد بررسی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

شاخص	وضع موجود	میزان اهمیت	متوسط شاخص اثربخشی (درصد)
متوسط امتیاز شاخص امنیت	۶,۱۸	۷,۶۷	۸۰,۵۷
متوسط امتیاز شاخص نیازهای تفریحی	۶,۹۷	۷,۵۲	۹۲,۶۲
متوسط امتیاز شاخص آگاهی و اطلاعات	۵,۲۵	۷,۰۶	۷۴,۳۶
متوسط امتیاز شاخص حمایت و مشاوره	۵,۴۸	۷,۳۱	۷۴,۹۷
متوسط امتیاز شاخص مشارکت و تعامل	۵,۹۵	۷,۲۱	۸۲,۵۲
متوسط امتیاز شاخص نیازهای ورزشی	۵,۸۸	۷,۶۹	۷۶,۴۶
متوسط امتیاز شاخص نیازهای آموزشی	۵,۱۵	۷,۰۴	۷۳,۱۵
متوسط امتیاز شاخص نیازهای مذهبی	۵,۳۲	۷,۰۵	۷۵,۴۶
متوسط امتیاز شاخص نیازهای هنری	۵,۴۹	۷,۵۲	۷۳,۰۱

عبارتند از: «۱. نیازهای ورزشی؛ ۲. نیازهای تفریحی؛ ۳. نیازهای هنری؛ ۴. نیازهای مذهبی؛ ۵. نیازهای آموزشی.» به منظور توسعه و سامان‌دهی فضای سبز شهری کرمان، جهت بهبود وضعیت این نوع کاربری در سطح مناطق ۳ گانه شهرداری پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. توزیع عادلانه کاربری‌ها در سطح یک شهر، یکی از مباحث مطرح در علم برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌آید، به همین جهت پرداختن به مسئله عدالت اجتماعی در توزیع و مکان‌یابی کاربری‌های شهری خاصه برای زنان شهروند کرمانی از جمله فضای سبز مسئله‌ای ضروری به نظر می‌رسد.
۲. محله‌های متراکم از نظر جمعیت در سطح منطقه را می‌توان اولویت اول در احداث پارک‌های محله‌ای دانست.
۳. انجام مطالعات جهت تهیه طرح جامع فضای سبز

چند طبقه و آسمان خراش‌هایی که امروزه ساخته می‌شوند، باید عوامل متعددی را در نظر بگیرند و در اصول شهرسازی ایجاد فضای سبز شهری را در رأس امور قرار دهند. فضای سبز شهری همواره به عنوان عنصری برای نظم بخشی و هماهنگ نمودن کاربری‌های گوناگون در کالبد شهر و عاملی در زیبایی محیط و دلپذیرتر شدن فضای زندگی مطرح بوده و هست. بررسی نیازهای زنان شهر کرمان از فضاهای پارکها و پردیسه‌های درون شهری دارای نتایج بسیاری بوده که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. میان سطح انتظارات زنان شهر کرمان از خدمات شهرداری با وضعیت موجود فاصله و شکاف معنی داری وجود دارد؛ ۲. نیازهای مولفه‌های فرهنگی بر نیازهای مولفه‌های اجتماعی خدمات شهرداری از منظر زنان ارجحیت دارد. اولویت شاخص‌های مولفه فرهنگی با یکدیگر متفاوت است به طوری که از منظر زنان



نمودار ۹. مدل مفهومی تاثیرگذار بر حضورپذیری زنان در پارکها و پردیسهای درون شهری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

تجهیز، ارتقای کیفی و بازنگری در اصول طراحی و خلق فضاهای سبز جدید در جهت همسو شدن با استانداردهای روز و اصول و ضوابط طراحی پایدار از الزامات اصلی شرایط فعلی شهر کرمان قلمداد می شوند. اولویت شاخص های مولفه اجتماعی با یکدیگر متفاوت است؛ به طوری که برای اثربخشی مطلوبتر خدمات حوزه های اجتماعی اولویت اقدامات به شرح زیر می باشد: ۱. نیاز به امنیت؛ ۲. نیاز به حمایت و مشاوره؛ ۳. نیاز به مشارکت و تعامل؛ ۴. نیاز به آگاهی و اطلاعات.» بررسی اولویت های خدمات اجتماعی و فرهنگی شهرداری کرمان در دو مولفه اجتماعی و فرهنگی رویکرد نیاز به استفاده فردی از امکانات شهرداری کرمان را نشان می دهد به طوری که در مولفه خدمات فرهنگی خدماتی که بیشتر به صورت گروهی ارائه می شوند نظیر خدمات مذهبی و خدمات آموزشی و همچنین در مولفه خدمات اجتماعی خدمات مشارکت و تعامل و خدمات

شهر کرمان و برنامه ریزی یکپارچه این نوع کاربری، به طوری که هرگونه برنامه ریزی جهت ایجاد فضای سبز و بخصوص پارک های محله ای در سطح مناطق شهری و بخصوص منطقه ۲ کرمان، می بایستی در چارچوب مطالعات و پیشنهادات طرح فوق باشد.

۴. شهرداری می تواند با در اختیار گرفتن زمین های بایر و بافت های فرسوده اقدام به جانمایی پارک های محله ای به منظور ایجاد محیطی سرزنده در سطح محلات نماید تا امکان حداکثر استفاده از عملکردهای زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی حاصل گردد.

از دیدگاه شهروندان زن کرمانی می توان اشاره کرد که: در بسیاری از موارد طراحی نامناسب، کمبود تجهیزات استاندارد و لازم جهت رفاه و آسایش استفاده کنندگان، و غیره موجبات تشدید عدم کارایی مناسب بسیاری از پارک های شهری را برای زنان شهر کرمان فراهم نموده و بر همین اساس

اطلاع رسانی در رتبه های پائین اهمیت توسط زنان عنوان شده اند. حال، با توجه به یافته های تحقیق، پیشنهاد های این تحقیق را می توان در قالب «پیشنهاد های تعدیلی» و «پیشنهاد های عملی» بصورت زیر ارائه نمود:

۱. تأمین امنیت بوستان ها برای زنان شهروند کرمانی جهت استفاده مفید و مؤثر شهروندان و کاهش تخریب توسط بزهکاران.

۲. آموزش همگانی برای تمامی قشرها و سنین خاصه برای زنان شهروند کرمانی جهت بالا بردن آگاهی اجتماعی- فرهنگی و بالا بردن تعلق محله و منطقه ای توسط اداره مشارکت های اجتماعی شهرداری کرمان و معاونت اجتماعی و فرهنگی، اداره سلامت، مراکز مشاوره، و مدارس.

۳. پر بار نمودن ورزش های همگانی (مربی جهت آموزش استفاده درست از ست های ورزشی و تفکیک و یا حصار بندی مکان ورزش بانوان جهت استفاده مفید تمامی اقشار) و ایجاد و برگزاری سامانه های نشاط در بوستان ها برای زنان شهروند کرمانی.

۴. استقرار مراکز مشاوره و مددکاری و سلامت رایگان در سطح بوستان های ثابت و سیار خصوصاً در زمان های پرتردد به منظور آموزش خانواده ها خاصه برای زنان شهروند کرمانی و دختران نوجوان جهت آگاهی از مسائل و آسیب های اجتماعی جهت کاهش معضلات اجتماعی (اختلاف سنی بالای والدین با فرزندان و عدم درک و محبت که موجب گرایش به جنس مخالف جهت ارضای نیاز).

۵. برگزاری دیدار های مردمی مسئولین منطقه با شهروندان زن کرمانی محلات در بوستان ها و بررسی مشکلات و تقویت اعتماد اجتماعی.

منابع و ماخذ

آقابابایی، ناصر و فراهانی، حجت الله (۱۳۸۸) معنویت و جنسیت، مجموعه مقالات همایش جنسیت از منظر دین، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
بمانیان، م.ر. کشتکار قلاتی، ا. ر. ظرفشچی شیرازی، ف.

موزیسین، ی. (۱۳۸۸) بررسی شاخص های تعیین کننده مفاهیم فضایی و عملکردی پارک های درون شهری در مقیاس محلی با تاکید بر پارک شفق، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۴.

بهرام سلطانی، ک. (۱۳۷۱) مجموعه مباحث و روش های شهرسازی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی.

بهمن پور، هومن؛ ناصر محرم نژاد (۱۳۸۶) توسعه پایدار فضاهای سبز شهری در شهر تهران، مجموعه مقالات اولین همایش مناسب سازی محیط شهر.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۱)، نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.

جعفریان، مزدک؛ فرید عبدالحسین پور (۱۳۸۵) پایداری شهری با نگاهی به ویژگی های شهرهای ایران؛ اولین همایش بین المللی شهر برتر، سازمان

عمران شهرداری همدان؛ ۱۱ و ۱۲ مرداد سال ۱۳۸۵. جک ای. ادواردز، ماری دی. تامس، پل رزن فلد، استفانی بوث کیولی (۱۳۷۹)، تحقیق پیمایشی راهنمای عمل، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.

دهقان منشادی، مهدی (۱۳۸۵) توسعه پایدار در سایه روشن های شهر، انتشارات مفاخر، یزد.

رضازاده، راضیه و مریم محمدی (۱۳۹۱) بررسی حضور پذیری زنان در فضاهای شهری، هویت شهر، شماره ۱۲.

رضویان، م. (۱۳۸۱) برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، تهران، انتشارات منشی.

رفعیان، مجتبی؛ و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی، هنرهای زیبا، شماره ۳۲.

روشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه شناسی تالکوت پارسونز، تهران، انتشارات تبیان.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۳)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، موسسه انتشارات آگاه، چاپ دهم.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، توسعه به مثابه آزادی، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول.

شاهرودی، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۳) بررسی میزان انطباق معماری مساجد با نیازهای زنان، نشریه شهر ایرانی-اسلامی، شماره ۱۸.

شولتز، پی؛ الن شولتز، سیدنی (۱۳۷۴)، کریمی و همکاران، نظریه های شخصیت، تهران، انتشارات ویرایش.

صادقی، علی؛ پورکریمی، فاطمه (۱۳۸۷)، تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار SPSS، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۷۵)، نیازسنجی در برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران، انتشارات اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش.

کاظمی، مهروش (۱۳۸۸) رویکردی تحلیلی به مقوله جنسیت و تأثیر آن در کیفیت فضا، هویت شهر، شماره ۴.

کریمی، حمید (۱۳۸۸) تفاوت های زن و مرد از نگاه دین و علوم تجربی، مجموعه مقالات همایش جنسیت از منظر دین، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.

ماجدی، حمید و دیگران (۱۳۹۴) شناسایی شاخصهای موثر بر مشارکت زنان در طرحهای توسعه شهری، باغ نظر، شماره ۳۲.

مارجوری ال دوال (۱۳۷۴)، روش رهایی بخش: مطالعات زنان و تحقیق اجتماعی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران و موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

مازلو، آبراهام اچ (۱۳۶۹)، انگیزش و شخصیت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

نجات ثابت، زین العابدین (۱۳۷۴)، بررسی نیازهای آموزشی تحقیقگران تحقیقگاه علوم و فناوری، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی.

هاشمی، ملیحه و دیگران (۱۳۹۳) سنجش رضایتمندی بانوان از پارکهای بانوان، هویت شهر، شماره ۱۹.

----- (۱۳۸۳)، گزارش سالانه، امور بانوان ریاست جمهوری

----- (۱۳۸۸)، گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۸، معاونت سلامت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی.

Barrow, R. & Milburn, G. (1990). Critical Dictionary of Educational concepts; Harvester Publishing

Bodor, J. (2001). Employees need assessments in USA, American college of education Journal.

Burton and Merrill (1997). Need Assessment. Educational technology publication 1977

Campbell, Angus, Converse, Philip E., Rodgers, Willard L. (1976), The quality of American life: perceptions, evaluations, and satisfactions

Cochran, W. G. (1967), Sampling Techniques, Wiley, New York.

Kaplan, E. Ann (2000) Feminism and Film Oxford University Press.

Kaufman, R. (1991), Strategic Planning in Education, Technomic Publication.

Miler, D. (1976), Omford Clarndon Press.

Neuman, William Lawrence (1994), Social Research Methods, Boston: Allan and Bacon.

Packwood and Whitaker. (1988) Needs Assessment. London: The Fulmer Press.

Postlethwaite, T. N. (1997). Overview of issues in international achievement studies. Paper prepared for lecture at Oxford Department of Education.

Rossett, A. (1987) Training needs assessment. Englewood cliffs Educational technology

Scriven, M. (1982), Needs: Concept and Practice. New Direction for program Evaluation. The Falmer Press.

Smith, K.F. (1988), Designing and Model For Needs Assessment. Dissertation Abstracts.

Stufflebeam, D.L (1985), conducting Educational Needs Assessment, Boston, Massachusetts.

Suarez, T.M (1991). Needs Assessment Studies. In:

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

International Encyclopedia of Curriculum. Edited by A.Lewy. Pergamon Press.

Valerie, B. (1999), Feminist Debates, London: Macmillan

Walton, R. (1970), Need: A central Concept, Social Services Quartly.

Walton, R., and R. McKersie. (1966). Behavioral dilemmas in mixed-motive decision making. Behavioral Science.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۳۶۸ ■

تأثیر عامل جغرافیای اقلیم گرای شهری و طبیعی بر داستان کوتاه نویسندگان خوزستان (با تأکید بر داستان های بهرام حیدری)

منوچهر تشکری - استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

پروین گلی زاده - دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

پروانه حلوسی* - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

The impact of natural geography and climate, urban-oriented short story writers Khuzestan

Abstract

Climate south of Iran with cultural diversity and the specific nature inspired extraordinary atmosphere in the story. There are palm trees, river and sea, oil and industry, and even the heat coming from the south is the domestic context, have prompted the authors of the territory in which their works benefit from the blessings of God; And by doing this kind of individuation give lightness to his works; In fact, as the most important hub for literature Khuzestan climate of Iran, after the revolution and war and because of the migration of many blows suffered authors. Also, due to the acceleration of developments in social, economic, political and cultural change in recent decades as a result, investigation of these developments, especially in literature, can be felt more than ever. The aim of the present study, an analysis of short stories B. Heidari one of the authors of Khuzestan and the role of geography, climate and environment-oriented urban life in his works.

Keywords: Southern literature, the authors of Khuzestan, climate-oriented, short stories, B. Heidari.

Keywords: Social Entrepreneurship, Organizational Performance, Transformational Leadership, NGO

چکیده

اقلیم جنوب ایران با تنوع فرهنگی و طبیعت خاصی که دارد، منبع الهام فوق العاده‌ای برای فضا سازی در داستان است. وجود نخلستان، شط و دریا، نفت و صنعت، و حتی گرما که از زمینه‌های بومی جنوب است، نویسندگان این خطه را بر آن داشته است که در آثار خود از این نعمات خدادادی بهره ببرند و با این شیوه نوعی تشخیص سبکی به آثار خویش بدهند. در واقع خوزستان به عنوان مهم ترین قطب ادبیات اقلیمی ایران، بعد از انقلاب و جنگ و به دلیل مهاجرت نویسندگان ضربات بسیاری متحمل شد. همچنین با توجه به شتاب تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و به تبع آن تحولات فرهنگی در دهه های اخیر، ضرورت بررسی این تحولات، به خصوص در ادبیات، بیش از پیش حس می شود. هدف ما از پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل داستان های کوتاه بهرام حیدری یکی از نویسندگان اقلیم گرای خوزستان و بررسی نقش جغرافیا و محیط زندگی شهری در آثار اوست.

واژگان کلیدی: ادبیات جنوب، نویسندگان خوزستان، اقلیم گرایی، داستان کوتاه، بهرام حیدری.

مقدمه

هر نویسنده‌ای به سبب تعلق به منطقه جغرافیایی خاص به طور ناخودآگاه در آثار هنری خویش، کنشهای مشابهی با دیگر نویسندگان هم اقلیم خود بروز می‌دهد، به گونه‌ای که فراوانی این مشترکات می‌تواند سبک این اقلیم را از اقلیم دیگر متمایز کند.

نقش صنعت نفت در شکل‌گیری ادبیات جنوب

ورود نفت و صنایع وابسته به آن در ایران با تغییرات بسیاری همراه بوده است. نه تنها در مباحث مربوط به اقتصاد و پیشرفت‌های صنعتی نقش اساسی داشت بلکه در عرصه‌ی ادبیات و مدرنیته هم دستاوردهای بسیاری داشت. صنعت نفت از دیرباز کم و بیش پیشتاز در عرصه‌ی قلم و پیوسته کانون فعالیت بزرگان و مشاهیر ادبی بوده است؛ بیشتر افراد نویسنده و مشاهیری که از آن‌ها یاد می‌شود و آثار گرانبها و ارزشمندی در این راستا عرضه کرده‌اند، همگی به نسل گذشته‌ی این صنعت جهانی متعلق بوده‌اند که با رویارویی با این تغییرات جهانی، انقلابی در زمینه‌های مختلف فلسفه، حقوق، سیاست، تاریخ، عرفان، دین، ادبیات، شعر، موسیقی، داستان، رمان، علوم اجتماعی، و معماری به وجود آوردند (راسخی، ۱۳۹۱، ص ۱۶). علاوه بر این، ایران مهم‌ترین منبع نفتی برای انگلستان محسوب می‌شد و این وابستگی به نفت ایران بر توسعه‌ی صنعت نفت و به تبع آن بر تسریع روند مهاجرت، تحول جمعیت و اختلاط فرهنگ‌های مختلف در مناطق نفتی جنوب ایران تاثیر بسیاری گذاشت. سرانجام با کشف نفت در مناطق مختلف جنوب، اقداماتی نظیر تاسیس پالایشگاه‌های نفت و احداث شرکت-شهرهایی در بافت سنتی ایرانی آغاز شد و استخدام عشایر و روستاییان و افراد ورزیده در برنامه کار قرار گرفت (معتقدی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲). به طور کلی با کشف نفت در خوزستان، شرکت نفت انگلیس و ایران که از ماندگاری در منطقه و ادامه‌ی فعالیت پیرامون توسعه‌ی صنعت نفت اطمینان حاصل کرده

ادبیات اقلیمی زاینده شرایط اقلیمی و جغرافیایی است و در حقیقت مبین نوعی ادبیات است که شاخصه‌های جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ای معین را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که این شاخص‌ها نشانه ویژگی‌های این منطقه در مقایسه با سایر مناطق باشد. محیط جنوب غربی ایران، به ویژه بخش صنعتی آن، که تضادهای جهان معاصر را یکجا کنار هم دارد، بهترین آزمایشگاه برای آزمون سبک نویسندگان رئالیست آمریکایی در شکل بومی و ایرانی بوده است که برخی از نویسندگان معاصر فرصت یافتند تا مکتب خوزستان را به وجود بیاورند، می‌توان گفت جغرافیا سبک آفریده است (انوشه، ۱۳۷۵). سرآغاز شکل‌گیری ادبیات بومی یا اقلیمی در ایران به دهه سی باز می‌گردد. در این دهه به سبب تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، این نوع ادبی گسترش یافت و در دهه چهل به اوج خود رسید. مهم‌ترین دستاورد ادبیات اقلیمی، حاصل تلاش‌های نویسندگان جنوب کشور است که داستان‌های این نویسندگان در زمینه فرهنگ و طبیعت متنوع جنوب نوشته شده است. زبان مردم، لهجه‌ها، گویش‌ها، آداب و رسوم، باورها و خرافه‌ها، شاخصه‌های جغرافیایی و آب و هوایی، در جای‌جای ادبیات داستانی نویسندگان اقلیم جنوب، قابل بررسی و شناسایی است. هدف از نگارش این مقاله نیز بررسی و تحلیل شیوه‌های انعکاس این نمودهای جغرافیایی در آثار داستانی بهرام حیدری یکی از نویسندگان شاخص در حوزه اقلیم‌گرایی می‌باشد.

تعریف ادبیات اقلیمی

ادبیات اقلیمی در حقیقت مبین آثاری است که شاخصه‌های جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی منطقه‌ای معین را نشان می‌دهند، به گونه‌ای که این شاخصه‌ها نشانه‌ی ویژگی‌های متفاوت این منطقه با سایر مناطق باشد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۷۰

بود، برنامه ریزی برای ساخت شهرک شهری برای سکونت کارگران و کارکنان کارگاه‌های نفتی را در نزدیکی چاه‌ها و تاسیسات نفتی آغاز کرد. همین تغییرات، زمینه را برای تغییرات گسترده در زمینه‌ی ادبیات منطقه و پرورش نسل نویسندگان جنوب نیز مساعد کرد. نویسندگانی که ماهیت آثارشان، بیان کار و زحمت است. به طور کلی صنعت نفت یکی از موثرترین عوامل در شکل‌گیری ادبیات خوزستان و ارائه‌ی گسترده‌ی آثار قلمی این مرز و بوم می‌باشد.

صنعت نفت نقش بسیار پررنگی در مناطق جنوبی کشور به خصوص استان خوزستان داشته است؛ چراکه نفت منشا تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در این ناحیه بود. با پیدایش این صنعت و شروع مدرنیته، چه از لحاظ اجتماعی و چه اقتصادی، تمام ارکان زندگی این بخش از کشور تحت تاثیر قرار گرفت و تغییرات کلی در این منطقه شروع شد. بنابراین خوزستان یکی از مهم‌ترین بخش‌های سیاسی-اقتصادی کشور به شمار آمد. با پیدایش این نوع جدید از کار و صنعت ملی، بسیاری از فرصت‌های شغلی، کسب و کار و شیوه‌های جدید زندگی برای مردمان بومی این منطقه به وجود آمد که باعث وارد شدن زندگی مردم این خطه به مرحله‌ای جدید شد. این صنعت ملی بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مردم، اعم از شهرنشینان و روستاییان، تاثیر بسیار گذاشت و خواه ناخواه همراه با تمام پروژه‌های جدید نفتی، کارخانه‌ها، فرودگاه‌ها و بازارهای کسب و کار نیز رشد کردند؛ این تغییرات به حدی ناگهانی و با سرعت رخ داد که بر تمام وجوه زندگی، حتی نام شهرها هم تاثیر گذاشت. با ایجاد چاه‌های نفت در بخش‌های مختلف استان خوزستان و ایجاد مشاغل جدید و روند رو به تحول اقتصاد در آن، افرادی که نیازمند کار بودند همگی روانه‌ی این استان شدند. بنابراین سیاست‌های جدیدی برای ایجاد شرکت‌ها و حتی فرودگاه‌ها اتخاذ گردید. اساساً کشف نفت، نوع جدیدی از ساختار اقتصادی-

اجتماعی را ارائه کرد که تمام ساختارهای مدرن وابسته به اقتصاد، بر پایه‌ی نفت شروع به تحول کردند؛ در نتیجه ساخت‌های اجتماعی نیز از تاثیرپذیری از این حوزه بی‌بهره نماندند. در این دوران و در بحبوحه‌ی ملی شدن صنعت نفت و دست و پنجه نرم کردن مردم با این پدیده‌ی نوظهور، به خصوص مردمان مناطق بومی و شهرستان‌ها مثل خوزستان، نفت تبدیل به هویت اصلی ساخت ایرانی گردید. در واقع زندگی روزمره‌ی مردم به نوعی با نفت گره خورد و در پی آن تحولات عظیمی در تمامی حوزه‌ها به وقوع پیوست. در پی پذیرش این مهم که نفت شاخص اصلی اقتصادی کشور است و همچنین ساختار ایرانی در حال پیوند با این پدیده‌ی اقتصادی است، زندگی مردم در تکاپوی همسویی با این روند تغییراتی را از سر گذراند؛ البته همگامی با این تحول اساسی که پیش از این در زندگی ساده‌ی خوزستان سابقه‌ای نداشت بسیار سخت بود. در واقع جا ماندن از کاروان پیشرفت‌های عظیم صنعتی نوعی عقب ماندگی محسوب می‌شد. به بیانی دیگر باید همزمان با این تغییرات جلو می‌رفت و گام را از سنت‌ها فراتر می‌گذاشت و با دنیای مدرن هم‌سو می‌شد.

شاید این تغییرات از دید اقتصادی حائز اهمیت بود و در راس توجه قرار می‌گرفت، اما اینکه بومی‌نشینان منطقه نیز شرایط را درک می‌کردند و خود را با آن وفق می‌دادند یا خیر، مسئله‌ای بسیار اساسی و مهم بود که از مرکزیت توجه دور مانده بود. باید یادآوری کرد که همین تغییرات و وفق دادن یا همسو نشدن با این تحولات باعث ایجاد جنبه‌های نمادین و نوینی در ادبیات و داستان-نویسی گردید. تغییر ناگهانی سبک زندگی، گذر از سنت به مدرنیته، همگی بر اساس تحولات اقتصادی این منطقه، بر پایه‌ی نفت ایجاد گردید. ابزارهای قدرت اقتصادی بر مبنای نفت به قدری محکم و قوی بود که ایستادگی زندگی بومی در برابرش ناممکن بود. افراد باید زندگی خود را بر پایه‌ی مبانی مدرنیته

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

و اقتصاد منطقه ای تطبیق می دادند. دشواری های همگامی و همسویی با این قدرت اقتصادی عظیم به قدری بود که نمودها و بازتاب های آن را در ادبیات داستانی این منطقه شاهد هستیم.

تاریخچه ادبی استان خوزستان

خوزستان یکی از مناطق خاص ایران است که بسیاری از ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی ایران را در خود جمع کرده است؛ ویژگی هایی که در شکل دهی به ادبیات و پیشینه ادبی این سرزمین بی تاثیر نبوده است. یکی از دوره های پر تحول، متفاوت و تاثیرگذار در جامعه ی ایران، دهه ی ۱۳۴۰ می باشد که در این دوره بسیاری از مناسبات اجتماعی دستخوش تغییرات اساسی گردید؛ تغییراتی که بر پیکره ی زبان و ادبیات فارسی تاثیراتی شگرف گذاشت. در عرصه ی گسترده ی زبان و ادبیات فارسی، داستان نویسی از تغییرات و تحولات اقتصادی ناشی از نفت به شدت تاثیر گرفت و آثار بسزایی از این دست در این حوزه به رشته ی تحریر درآمدند. خوزستان در طی گذار از دنیای سنتی و ورود نفت به ساختارهای اجتماعی، سپس رسیدن به مدرنیته، یکی از بزرگترین بخش های ادبیات داستانی به نام ادبیات بومی خوزستان را شکل داد و عرصه ی هنرنمایی بسیاری از نویسندگان بومی این منطقه شد. در واقع داستان که یکی از انواع مهم ادبی به شمار می رود و در دست نویسندگان و اهل قلم خوزستان حال و هوایی متفاوت یافت و ادبیات خاص خود را شکل داد.

در حوزه ادبیات داستانی معاصر نیز فضای آکنده با تضادهای موجود در ساختار اجتماعی و اقتصادی خطه جنوب زمینه ساز شکل-گیری نوع خاصی از ادبیات داستانی شد. ادبیاتی که مختص خود مردمان این ناحیه می باشد و با ویژگی ها و خصیصه های منحصر به فرد خود تمایز بزرگی بین داستان نویسی این منطقه با سایر نواحی ایجاد کرده است. این ویژگی ها که ناشی از تغییرات منطقه ای و ورود مظاهر مدرنیته به خوزستان بود

به وضوح در آثار نویسندگان این منطقه مشهود است؛ کشمکش هایی که بین مدرنیته و تمام ویژگی های بومی رخ می داد همه در قالب مضامینی نو به کمک نویسندگان اقلیمی آمد. تمام دردها و مصائبی که ناشی از زندگی جاهلانه و به دور از دغدغه های شهری بود در سایه ی این مدرنیته پنهان شده بود و مرکزیت توجه تنها به روی مدرنیته و صنعتی شدن و به طور کلی ملی شدن صنعت نفت معطوف بود. به همین دلیل نویسندگان جنوب به خصوص خوزستان در تقابل با این صنعت گرایی به داستان سرایی هایی پرداختند که تمام عوامل سنتی و بومی و اقلیمی خاص خوزستان در آن به تصویر کشیده شده است. داستان هایی که درباره ی طبیعت و فرهنگ جنوب نوشته شده است بیشتر آثار نویسندگان برخاسته از طبقه ی متوسط شهری هستند. قصه های ناصر تقوایی، احمد محمود، مسعود میناوی، ناصر مؤذن، محمد ایوبی، پرویز زاهدی، پرویز مسجدی، عدنان غریفی، نسیم خاکسار و بهرام حیدری از این دسته اند که سبک داستان نویسی شان دنیای داستان های فاکتور، همینگوی و کالدول را پیش چشم ما می گذارد. در واقع نگارش داستان های اقلیمی جریانی بوده که بر اساس ضرورت های اجتماعی شکل گرفته است. آثار اقلیمی داستان های جنوب چهره ی مشخص و متمازی دارد. دلیل آن اهمیت منطقه ی جنوب و نقش آن در سیاست و اقتصاد جامعه است و حوادثی که در طول تاریخ بر آن رفته است. در بین مناطق جنوب استان خوزستان از اهمیت ویژه ای در این زمینه برخوردار است. عناصر رو ساختی، زبان و لهجه، پدیده های طبیعی، اسامی آدم ها و مکان ها، نوع لباس، غذاها، درخت هایی که خاص یک منطقه است و محصولات کشاورزی همه و همه در تقابل با مدرنیته پررنگ تر از قبل به خصوص در آثار نویسندگان، خودنمایی کرد. در خوزستان ذخایر و منابع نفتی بسیاری وجود دارد که سبب ایجاد تأسیسات مرتبط با آن و حضور کارشناسان خارجی

شده است. این امر در داستان‌های خوزستان به شکل‌های مختلف بازتاب یافته است؛ فقر مردم بومی در برابر رفاه خارجی‌ان، بازتاب بی‌بند و باری‌ها و ولنگاری‌های اخلاقی خارجی‌ها و عواقب آن در شهرهای خوزستان از جمله مواردی است که با ورود مدرنیته و مظاهر آن به این سرزمین برجسته‌تر گردید. مضمون و پیرنگ بسیاری از داستان‌های خوزستان مسائلی است که در بالا یادآوری شد. جنگ نیز از تم‌های غالب در آثار خوزستان است که نمونه‌های بسیاری در ادبیات داستانی از این نوع ادبی و ژانر خاص وجود دارد. برخی از عناصر و ویژگی‌های اقلیمی خاص که با ایجاد جو مدرنیته و مکانیزم‌های صنعتی وارد جریان داستان نویسی خوزستان شد عبارتند از:

- اسامی: اولین عاملی که در آثار جنوب به خصوص خوزستان شاهد هستیم اسامی می‌باشد؛ آوردن نام منطقه، اماکن تاریخی یا مذهبی مشهور و آدم‌های سرشناس خوزستان در آثار ادبیات داستانی شان به وضوح دیده می‌شود. البته در داستان‌های خوزستان اسامی و القاب عربی آدم‌های معمولی نیز معرف منطقه است. اسم‌هایی مثل جابر، جاسم، ام سلمه و القابی مثل شیخ و زایر در بسیاری از داستان‌ها نماینده بومی بودن اثر است. در بسیاری مواقع اسامی درختانی که در این منطقه نمو پیدا می‌کند کامل کننده تصویر بومی در داستان‌های خوزستان است. این درختان که در اغلب داستان‌های جنوب هست عبارتند از نخل، کنار، سپستان، گاروم زنگی، باسورک. در واقع می‌توان گفت نویسندگان با آوردن نام‌ها و اسامی سعی در زنده نگه داشتن فرهنگ اصیل خوزستانی در برابر ورود مدرنیته داشته‌اند.

- لهجه: عنصر زبان و لهجه نیز یکی از عناصر بومی در داستان‌های خوزستانی است. لهجه‌های خوزستانی و لهجه‌های عرب‌های خوزستان به فراوانی در آثار مشهود است.

- شغل: مشاغلی که در داستان‌های خوزستان

بیشتر به آن اشاره شده است در نقاط روستایی، چوپانی، دامداری و کشاورزی و در نقاط شهری، کارگری کشتی، ماهیگیری، کارگری یا کارمندی شرکت نفت است. توجه به این مشاغل در هنگام ورود صنایع مختلف به خوزستان، در ادبیات بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.

- پدیده‌های طبیعی: گرما، دریا، شط، شرحی بودن هوا، نخل و نخلستان و همه‌ی چیزهایی که به دریا مربوط می‌شود اعم از طبیعی و مصنوعی، مثل ماهی و مرجان و کشتی و ناخدا و جاشو همه در داستان‌ها سر برآوردند.

- نفت: این عنصر که جزء عناصر محتوایی و زیر ساختی می‌باشد منبعی داستان آفرین و جان مایه‌ی داستان‌های خوزستان محسوب می‌شود. حضور خارجی‌ها: حضور بیگانگان در داستان‌های جنوب نیز به وفور مشاهده می‌شود. در خوزستان کارشناسان به تبع مسأله‌ی نفت حضور دارند و این عوامل خارجی زمینه‌ساز بسیاری از ماجراهای درون متنی روایات و داستان‌ها در خوزستان شد.

- جنگ: این عنصر به شکل‌های گوناگون، درگیری و ارتباط مستقیم با خود جنگ یا عوارض و پیامدهای آن در داستان‌های این منطقه تجلی یافته است.

- مهاجرت: این مساله نیز به دو شکل مهاجرت کارگر از روستاها و شهرهای دیگر به شهرهای ساحلی و نفت خیز و دیگر مهاجرت کارگران از شهرهای جنوب به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس در داستان‌ها مطرح شده است. در داستان‌های خوزستان هم مهاجرت از عناصر رایج می‌باشد. مهاجرت برای یافتن کار مناسب در حیطه‌ی صنعت و یا فرار از آن به فراوانی یافت می‌شود.

- قاچاق: قاچاق نیز در داستان‌های خوزستان بسامد بالایی دارد و به دوشکل داخلی و خارجی دیده می‌شود و در هر دو صورت، قاچاق کالا است نه مواد مخدر. وارد کردن کالاها به شکل غیر قانونی از کشورهای همسایه و انتقال کالا باز هم به شکل غیر قانونی از شهرهای بندری به سایر شهرها از تصاویر

رایج و غالب این داستان هاست.

- سیاست: همه ی مواردی که ذکر شد را می توان گونه‌هایی از اشکال سیاست در داستان‌های جنوب دانست. علاوه بر آن مسأله ی اصلاحات ارضی، خلع سلاح و یک جا نشین کردن عشایر سیار که بسامد آن در داستان‌های روستایی و عشایری این منطقه دیده می شود همه در زیرمجموعه ی سیاست قرار می گیرند. به طور کلی داستان‌های جنوب به خصوص داستان‌های خوزستان بیشتر مضمون سیاسی دارند؛ نماد در آن‌ها کاربرد فراوانی دارد. هر چند نماد عنصری بومی نیست و در هر دوره‌ای که جو خفقان بر جامعه‌ای حاکم باشد، بسامد این عنصر در داستان بالا می‌رود، با این حال، می توان نماد را نیز یکی از شاخصه‌های غیر اختصاصی داستان‌های خوزستان به شمار آورد.

پرداختن به زندگی کارگران غربت‌زده و باربران اسکله، فقر و محرومیت آن‌ها در داستان‌های جنوبی نمود خاصی دارد؛ وجود تأسیسات نفتی، پالایشگاه‌ها و کارخانه‌ها، بسیاری را از شهرها و روستاهای اطراف راند و به سمت خود کشید، اما این کارگران سرگردان با بی‌مهری کارفرمایان خارجی و داخلی مواجه می‌شدند و سرانجام در غربتی جان‌کاه زندگی طاقت‌فرسای خود را در کافه‌ها و بارها سپری می‌کردند. بیشترین نمود این گرایش را در آثار نویسندگان مکتب داستان‌نویسی خوزستان می توانیم ببینیم. با توجه به دلایل تأثیر صنعت نفت و شرکت ملی نفت ایران بر ادبیات داستانی که پیش از این اشاره شد، باید بپذیریم که نویسندگانی که در ارتباط مستقیم با این صنایع بودند از این تأثیرات بی نصیب نبوده‌اند. نشریاتی که شرکت نفت برای کارمندانش منتشر می کرد عموماً ادبیات داستانی آمریکایا را به مخاطبان معرفی می نمود. مسلماً این نشریات منبع مهمی از الهامات اشخاصی بود که علاقه مند به ادبیات بودند و دستی در داستان نویسی داشته‌اند. نمونه ی این افراد که در شرکت نفت مناطق جنوبی بودند کسانی چون

ناصر تقوایی، اسماعیل فصیح، ابراهیم گلستان، صادق چوبک، نجف دریابندری، محمدعلی صفریان و... هستند. نویسندگان دیگری چون احمد محمود، ناصر مؤذن، ناصر تقوایی، بیشتر شخصیت‌هایشان را کارگران تشکیل می‌دهند که اغلب‌شان سرانجام به آوارگی و بی‌خانمانی و بی‌کاری تن می‌دهند.

تاریخچه ی اقلیم گرایی (ادبیات اقلیمی) در داستان‌های معاصر فارسی و چگونگی شکل‌گیری آن در ادبیات داستانی خوزستان

مراد از اقلیم منطقه و ناحیه‌ای خاص با آب و هوا و طبیعت بومی ویژه‌ای است که مشخص و متمایز از دیگر اقلیم‌هاست و دارای فرهنگ و آداب و رسوم خاصی می باشد. داستان اقلیمی در زبان لاتین به نام رمان محله‌ای یا ناحیه‌ای خوانده می‌شود. در همه ی فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف‌ها بر وجود عناصر مشترکی همچون فرهنگ و معتقدات مردمی، آداب و رسوم و ویژگی‌های محیط طبیعی و بومی تأکید شده است. اصطلاح دیگر در زبان انگلیسی برای داستان اقلیمی نوشته‌ی محلی است و در تعریف آن گفته‌اند داستانی است که در صحنه و زمینه ی آن آداب و رسوم و سنت‌ها، لهجه و گفتار محلی، پوشش‌ها، فولکلور و حتی شیوه‌های تفکر و احساس مردم یک منطقه نشان داده می‌شود؛ به گونه‌ای که این عناصر، متمایز و مشخص‌کننده ی یک اقلیم خاص‌اند (شهرپر، ۱۳۸۹، ص ۳۵).

داستان‌های اقلیمی بازتاب گسترده ی عناصر اقلیمی و محیطی- به دوشکل تزئینی و پویا- در طی حوادث و ماجراها، رنگی محلی و بومی دارد و متعلق به ناحیه‌ای خاص و متمایز از دیگر مناطق است و این عناصر بومی و محیطی عبارتند از: فرهنگ مردم، شامل معتقدات و آداب و رسوم، مشاغل و حرفه‌ها، شکل معماری منطقه، خوراک‌ها، پوشش‌ها و زبان محلی (لهجه و ساختار زبانی، واژگان و اصطلاحات محلی، ترانه‌ها و سرودها)، شیوه ی معیشتی، اقتصادی و تولیدی، مکان‌ها و مناطق بومی، محیط و طبیعت بومی، صور خیال اقلیمی، تحولات و

جنبش‌های سیاسی و اجتماعی منطقه. به‌طور کلی منطقه و ناحیه‌ی زیست‌گاهی و موقعیت جغرافیایی محل زندگی یکی از مهم‌ترین عناصر تاثیرگذار در داستان‌های نویسندگان می‌باشد. در واقع از عناصر سازنده‌ی فضای داستان است؛ به‌گونه‌ای که با حذف عنصر فضا و موقعیت جغرافیایی در داستان‌های رئالیستی درک ماهیت داستان ناممکن می‌شود. منظور از توجه به موقعیت جغرافیایی مدنظر قرار دادن صرف منطقه یا ناحیه زندگی و محدوده‌ی جغرافیایی خاص نیست؛ بلکه تمام ارکان آن یعنی فرهنگ، آداب و رسوم، مسائل اخلاقی، اجتماعی، موقعیت‌ها، اعتقادات و حتی زبان انتخابی آن‌ها و گویش حمل بر زبان آن‌ها را نیز شامل می‌شود. توجه به تمام ریزنکات زیرمجموعه‌ی اقلیم نویسنده، نقش بسیار اساسی در آفرینش یک اثر هنری خاص دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند ادبیات اقلیمی یک ناحیه را شکل دهد. در واقع ویژگی‌های اقلیمی هر منطقه (از جمله خوزستان که بحث ما روی آن متمرکز است) ادبیات آن را از سایر مناطق و اقلیم‌های دیگر متمایز می‌کند.

تأثیرات محیطی و آب و هوایی بی‌شک بر روحيات و خلیقات و ویژگی‌های اخلاقی افراد بومی یک سرزمین نقش مهمی دارد. در واقع باید بر این امر واقف باشیم که محیط و تجربه‌های زندگی در منطقه‌ای خاص در ذهن و زبان افراد و پرورش هنرمندان و افراد با استعداد بی‌تأثیر نیست. در ادبیات معاصر ایران به خصوص ادبیات داستانی می‌توانیم این تأثیرپذیری از محیط اقلیمی و بومی را شاهد باشیم. در واقع بهره‌گیری از عناصر محیطی و نشان دادن آن در بطن متون و داستان‌ها می‌تواند نوعی تشخیص سبکی ایجاد کند که ادبیات یک منطقه را از دیگر مناطق و نواحی جدا و متمایز کند. به‌طور کلی بومی‌گرایی مولود اوضاع رقت‌بار استعماری و فضای پر مشقت دوران استعمارزدایی پس از جنگ دوم جهانی است، این مکتب بیان‌گر واکنشی فرهنگی از سوی بسیاری از روشنفکران

جهان سوم، از آسیای جنوب شرقی گرفته تا منطقه‌ی کارائیب بود که مشتاق آن بودند بر سر استقلال تازه یافته‌ی خویش تأکید ورزند. هواداران بومی‌گرایی مصر بودند تا به بندگی فکری خویش پایان بخشند و حلقه‌های زنجیر حقارتی را که برای سالیان به گردن آنها بسته شده بود، بدرند (بروجردی، ۱۳۷۸، صص ۲۱۰-۲۰۳).

توجه به بومی‌گرایی در داستان‌های دهه‌ی ۱۳۲۰ جدی نیست. تأثیرات جریان روشنفکری ملی‌گرا که ریشه‌هایش را می‌توان از دوران مشروطه و بعد در حلقه‌ی برلین مشاهده کرد، آشفتگی‌های موجود به خصوص در سال‌های اولیه‌ی حکومت محمدرضا پهلوی، تأثیر فراوان حزب توده، دغدغه‌های روشنفکران برای گرفتن آزادی‌هایی که در دوره‌ی رضاخانی نبود، باعث شد که نویسندگان بیشتر به مسائل حزبی و داخلی توجه کنند. در واقع دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را باید دهه‌ی اوج توجه به بومی‌گرایی دانست. نویسندگان این دوره بیشتر متأثر از دو گفتمان غرب‌ستیزی آل احمد و بازگشت به خویشتن دکتر شریعتی هستند. البته شایان ذکر است که بومی‌گرایی مقوله‌ی گسترده‌تر از اقلیم‌گرایی می‌باشد و در واقع اقلیم‌گرایی را می‌توان در دایره‌ی بومی‌گرایی گنجانند. در بومی‌گرایی مولفه‌هایی مطرح می‌باشد که می‌توان آن را به اقلیم‌گرایی هم تعمیم داد؛ ستایش از وطن، توجه به فرهنگ و هویت ایرانی، بیگانه‌ستیزی، ادبیات اقلیمی گونه‌ای از ادبیات است که بر مبنای شرایط اقلیمی و جغرافیایی شکل می‌گیرد، در واقع مبین و معرف منطقه‌ای خاص از کشور است؛ تصویری از چهره‌ی منطقه‌ی مورد نظر، واژگان کاربردی و ویژگی‌های محلی. اصطلاح ادبیات اقلیمی را اولین بار حسن میرعابدینی به کار گرفت. در صورتی که قبل از او این ادبیات به اسم ادبیات محلی یا ناحیه‌ای شناخته شده بود. ادبیات ناحیه‌ای ادبیاتی موسوم به رمان ناحیه‌ای است. رمانی است که مختصات جغرافیایی، بومی و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

ناحیه‌ای خاص را مدنظر قرار می‌دهد و نویسنده‌ی آن قلمرو و محیط مردمانی که در زندگی می‌کنند را اساس کار خویش قرار می‌دهد. همچنین به آداب و رسوم و فرهنگ و اعتقادات این قلمرو که شامل شهرک یا روستا یا ایالتی است توجه می‌کند و فرهنگ این منطقه را به صورت خاص در اثر خویش نشان می‌دهد. به طور کلی ادبیات اقلیمی زیرمجموعه‌ی ادبیات بومی است و باید بدانیم که اقلیم نویسی شیوه‌ای مستقل و دارای هویت است. تغییر نگرش و توجه به روستا و مردم روستایی، در عرصه‌ی داستان نویسی جریان منظمی را در ادبیات به وجود آورد:

«به مرور ادبیاتی پدید آمد که مضامین جدیدی از توصیف زندگی‌های مردم در اقلیم‌ها و مکان‌های دیگر، که هیچ‌گاه توجه داستان نویسان را بر نمی‌انگیختند. این نویسندگان جلوه‌هایی از زندگی را در مکان‌های مختلف سرزمین ایران به تصویر می‌کشیدند. این توجه باعث تنوع مضامین در داستان‌هایشان شد» (میرعابدینی، ۱۳۷۷، ص ۵۰۸).

در پیدایش ادبیات اقلیمی عواملی دخیل بوده‌اند که برخی عوامل و شرایط سیاسی حاکم بر جامعه و همچنین اوضاع اجتماعی و ادبی آن دوران باعث به وجود آمدن ادبیات اقلیمی شد. دوره‌ی مصدق و وقایع پس از کودتا نقشی اساسی در به وجود آمدن ادبیات اقلیمی داشت. عواملی از قبیل آزادی به دست آمده برای فعالیت گروه‌های چپ و راست و شکل‌گیری تعدای از احزاب و گسترش محفل‌های ادبی و انتشار نشریات مختلف بود. یکی از محصولات این تفکر و تلاش‌ها، که به طور همه‌جانبه در فاصله‌ی سال‌های ۴۰-۶۰ در جامعه‌ی ایران مطرح شد موضوع بازگشت به خویشستن و تلاش برای فراهم آوردن زمینه‌های خودآیی و خودآگاهی در عامه‌ی مردم بود (قهرمان شیری، ۱۳۷۷، ص ۲۷). تاریخ واقعی پیدایش داستان اقلیمی و روستایی در داستان نویسی معاصر ایران، همان طور که ذکر شد

دهه‌ی سی شمسی و رشد و شکوفایی اش دهه‌ی چهل و پنجاه است که نویسندگان بسیاری به طور جدی به نگارش آن پرداختند. اولین و مهم‌ترین رمان اقلیمی روستایی در دهه‌ی سی «دختر رعیت» از محمد اعتمادزاده (م.ا. به آزین) است. یک سال پیش از او هم بزرگ علوی دست به نگارش داستان گیله مرد زده بود. در همین سال‌ها هم صادق چوبک در داستان کوتاه «چرا دریا طوفانی شده بود» پویایی طبیعت اقلیمی جنوب را در پیشبرد حوادث داستان به نمایش می‌گذارد. اما پیدایش رمان و داستان اقلیمی را باید با داستان «روز سیاه کارگر» نوشته‌ی احمد خدا داده‌ی کرد دینوری بدانیم.

یکی از عوامل مهم رویکرد نویسندگان داستانی به ادبیات روستایی، پاره‌ای از عملکردهای دولت در آن دوران بود. از جمله انقلاب سفید محمد رضا شاه که باعث شد نویسندگان بیشتری به زندگی مناطق روستایی توجه نشان دهند. بعضی از اصول انقلاب سفید عبارت بودند از: اصلاحات ارضی و الغای نظام ارباب و رعیتی، ایجاد سپاه دانش به منظور سوادآموزی و اشاعه فرهنگ در روستا، ایجاد سپاه ترویج و آبادانی به منظور عمران و آبادی روستاها و شهرها، ایجاد سپاه بهداشت، از مشمولان پزشک و دندان پزشک و پرستار به منظور تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی روستاها، نوسازی شهرها و روستاها با همکاری سپاه ترویج و آبادانی. رشد طبقه متوسط منجر به شکوفایی زندگی روشنفکرانه در شهرستان‌ها شد و همچنین جنگ‌های محلی ای به میان آمد. با انتشار همین جنگ‌ها «تهضت ادبیات ناحیه‌ای» تشکیل شد که در آنها نخستین بار سخن از نویسندگان جوان شهرستانی شد که استعداد نویسندگی خود را نشان بدهند. این جریان ادامه پیدا کرد تا در دهه‌ی ۱۳۴۰ به جریانی منظم و قوی تبدیل شد. به مرور ادبیاتی پدید آمد که با ادبیات مرسوم متفاوت بود. نویسندگان جوانی به ادبیات محلی پیوستند که طبیعت، عقاید و باور،

آداب و رسوم مردم مختلف میهن را مورد توجه قرار دادند و دور افتاده ترین منطقه ها و فرهنگ ها را وارد داستان هایشان کردند (میر عابدینی، ۱۳۷۷، ص ۵۰۸)

بحث درباره ی ادبیات اقلیمی و تقسیم بندی آن به سبک ها و مکاتب گوناگون پیشینه ی چندان دوری ندارد، نخستین بار محمد علی سپانلو از تاثیر اقلیم و جغرافیای محیطی بر داستان های جنوبی سخن به میان آورده است. وی در سال ۱۳۵۸ در مقاله ی «گزارشی از داستان نویسی یک ساله ی انقلاب» وقتی که به نام بهرام حیدری و نسیم خاکسار می رسد، اصطلاح «مکتب خوزستان» را پیشنهاد می کند و می نویسد:

«دو مجموعه ی لالی از بهرام حیدری و نان و گل از نسیم خاکسار، احتمالاً بهترین دستاوردهای قصه های کوتاه ما در یک ساله ی انقلابند. از لحاظ سبک هر دو مجموعه خصلتی یگانه دارند، اینان به مکتبی در داستان نویسی ایران متعلق هستند که کم کم می توان به آن اسمی داد؛ مکتب خوزستان» (سپانلو، ۱۳۵۹، ص ۲۳۸).

فرد دیگری که به بررسی اقلیم در داستان ها روی آورد، حسن میرعابدینی می باشد که در کتاب صد سال داستان نویسی ایران به مقوله ی ادبیات روستایی و اقلیمی می پردازد. و به طور مشخصی هم به جریان ادبیات اقلیمی جنوب اشاره و آن را بررسی می کند.

مناطق جنوبی ایران به دلیل تنوع فرهنگی و طبیعت متفاوت نسبت به جاهای دیگر، دارای جنبه ها و زمینه های متفاوتی برای داستان نویسی به خصوص از نظر فضا و جو داستان خواهد بود. از عناصر بومی تاثیر گذار در داستان ها، شط ها و دریاها، نفت و صنعتی شدن بسیاری از مشاغل و به طور کلی هم زیستی با صنعت نو و بدیع در این خطه، نخلستان ها و گرمای آمیخته با حس و حال های نوستالژیکی، همه و همه از عوامل فضا سازی در داستان های نویسندگان جنوبی کشور است. این

جو حاکم بر منطقه جنوبی کشور به حدی برای داستان نویسان جذاب و نو می نمود که حتی برخی از نویسندگان دیگر که هیچ سنخیت و هم ریشه گی با این ناحیه ندارند دست به فضا سازی هایی از این دست در نوشته هایشان می زنند که گویی در آنجا زیسته و یا اهل جنوب اند که این گونه در مکتب جنوب قد علم کرده اند؛ افرادی مثل «محمود دولت آبادی» و «غلامحسین ساعدی» از این دست هستند. در واقع مهم ترین عامل جذب نویسندگان به قلم فرسایی در فضای جنوب تقابل صنعت و مدرنیته با سنت است؛ چرا که این تضادهای جهانی معاصر را می توان به راحتی در این مناطق شاهد بود.

همین مهم، عاملی برای شکل گیری ادبیات اقلیمی در حوزه ی ادبیات داستانی جنوب کشور به خصوص بخش خوزستان شد. همین تغییرات زندگی بومی و هجوم شهرنشینی صنعتی در خوزستان و وفق دادن و همسو شدن با این تحولات جهانی تضادهایی را شکل می داد که حتی با ریشه و فرهنگ و تمدن و سنت ارتباط تنگاتنگ داشت، گذار از سنت و زندگی ساده و بی آرایش و بی-دغدغه بومی خوزستان و وارد شدن به حوزه گسترده و پیچیده ی جهانی صنعت (صنعت نفت) پدیده ی بزرگ و تامل برانگیز مکتب قصه نویسی خوزستان را شکل داد. در واقع می توان گفت که جغرافیا و موقعیت استراتژیک صنعتی خوزستان این مکتب را آفرید. در واقع تقابل و رویارویی صنعت و استعمار با طبیعت جنوب، فضایی را در داستان ها ایجاد کرده است که نوعی خشونت را به خواننده القا می کند؛ نوعی از درد و رنج اجباری که پذیرش آن برای بسیاری از افراد سطح پائین با زندگی عادی، بسیار سخت و نوعی جنگ محسوب می شود.

در بسیاری از آثار نویسندگان این مکتب شاهد خشونت و ستیزهای شخصیت های داستانی هستیم. شخصیت هایی که برای ایجاد تعادل در زندگی و فرار از همسویی با این پدیده ی بیگانه دست به

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

اقدامات خشونت باری می زدند که پیش از آن از آن شخصیت سر نزده بود، همان طور که در قبل ذکر شد صنعت نفت علاوه بر دستاوردهای مهم و پیشرفت های صنعتی و اقتصادی مشکلاتی هم در پی داشت که البته در کنار هیبت عظیم صنعت و استعمار به چشم نمی آمد. این دردها که ناشی از فقر و محرومیت بی-پناهی های تحقیرآمیز روستائیان و کارگران جنوبی بود، نمونه ی فراوانی در داستان ها دارد. به طور کلی گرایش به اقلیم نویسی در ادبیات جنوب و مکتب خوزستان بیشتر سمت و سویی روستایی و کارگری داشت؛ چرا که تمام این بدبختی ها در قشر پایین دست جامعه که از صنعت نفت بهره ی چندانی نمی بردند تحمیل می شد. رنگ و بوی محلی و بومی نشینی به طور کلی اقلیم گرایی و شناساندن آن محیط در فضای داستان در آثار تمامی نویسندگان این نوع ادبی به چشم می خورد. نمونه ای از آن را می توان در داستان گیاهک نسیم خاکسار (۱۳۵۷) دید و حال و هوای جنوبی فضا را حس کرد: «اتاقم همیشه بوی چوب خیس، بوی شط، بوی فلس، خرچنگ، بوی پوست ماهی صبور، بوی گل، بوی ریشه نخل، بوی چیزایی رو می داد که تا به حال حس نکرده بودم.»

اقلیم گرایی و جغرافیای شهری و طبیعی در ادبیات چنان که ذکر شد اقلیم گرایی در داستان های معاصر ایران از دهه ۱۳۳۰ شمسی شروع شد. منظور از داستان های اقلیمی داستان ها و متونی است که فرهنگ ها، سنت ها، یادها و آداب و رسوم یک قومیت خاص را بازنمایی می کند. اقلیم گرایی در داستان نویسی معاصر پنج رویکرد را به خود اختصاص داده است که ما شاخه ی اقلیمی جنوب (مکتب خوزستان) را بررسی خواهیم کرد. گفته شد که مهمترین رمان اقلیمی روستایی در دهه ی سی، رمان «دختر رعیت» نوشته ی محمود اعتمادزاده (م.ا.به آذین) می باشد. این کتاب جزء اولین گام های ادبیات اقلیمی و بومی در داستان نویسی معاصر ایران است. به طور کلی گرایش به شیوه ی داستان نویسی

اقلیمی به عنوان یک مشخصه ی ادبی را باید در سال های پس از ۱۳۴۰ جستجو کرد. حوزه ی داستان نویسی اقلیمی جنوب را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

(۱) اقلیم صنعتی و کارگری که نویسندگانی مثل ناصر تقوایی، احمد محمود، ناصر مؤذن، جلال هاشمی تنگستانی، حسن کرمی، حسین دولت آبادی، پرویز مسجدی و نجف دریابندی در این حوزه دستی داشته اند.

(۲) اقلیم دریایی که شامل نویسندگانی مثل نسیم خاکسار، صادق چوبک، عظیم خلیلی، عدنان غریفی و محمود دولت آبادی می باشد.

(۳) اقلیم روستایی هم در برگرفته ی نویسندگانی مثل بهرام حیدری، منوچهر شفیانی، پرویز زاهدی، حفیظ الله ممبینی، امین فقیری، صادق همایونی، غلامحسین ساعدی می باشد.

توجه به روستانشینی و جنبه های زندگی روستایی و به دور از هیاهوی شهر، تصویر دیگری است که در ادبیات داستانی خوزستان شاهد هستیم. چرا که جهل و فقر حاکم بر زندگی آنان به قدری تلخ و گزنده بود که می توانست دست مایه ی کار نویسندگان شود تا بتوانند مظلومیت ناشی از جهل و نادانی و درد، حتی دردهای حاصل از صنعت و استعمار را به گونه ای تلخ بازگو کنند. توجه به زندگی های ایلی و قومی و خان و خان باشی های سنتی در نوشته ها رنگ و بویی دیگر دارد؛ نمونه ای از این دست را می توان در نوشته ها و داستان های منوچهر شفیانی شاهد بود که ایل نشینان شخصیت های اصلی داستان های او هستند و در این بین جسته و گریخته فضاهای روستایی و جو زندگی ایل تباری را نشان می دهد. هر کدام از این ها به تنهایی توانستند در شکل گیری ادبیات مردم این سرزمین دخیل باشند. البته باید اذعان کرد که قبل از هجوم استعمار و صنعت نفت به خطه ی بومی خوزستان، نویسندگان همچنان به بازنمایی زندگی مردمان این سرزمین می پرداختند. زندگی

کارگران غربت زده و بی پناه، باربران اسکله که از راه قاچاق کالا نانی کسب می کردند، فقر و محرومیت همیشگی قشری خاص که در هر سرزمین می توان شاهد بود از جمله عوامل دخیل در داستان های جنوبی و خوزستانی هستند.

ورود کارخانه ها و تاسیسات نفتی به خوزستان به محرومیت کارگران بی پناه و ساده دامن زد و موضوعی دردناک برای نوشتن آثار ادبی و ادبیات داستانی شد. نمود این گرایش را می توانیم در مکتب داستان نویسی خوزستان در آثار نویسندگان بزرگی چون احمد محمود، ناصر مودن و ناصر تقوایی شاهد باشیم. شخصیت های داستان های این نویسندگان آینه ای تمام نما از مردمان درگیر فقر است که به تلخی به ما نشان داده می شوند. مکتب داستان نویسی خوزستان، مسائل ملموس زندگی را پیش چشم ما می گذارد. و لحظه های تلخ و شیرین زندگی در اقلیمی غریب را برای ما به تصویر می کشد. به طور کلی داستان های جنوبی را مسائل مربوط به منطقه ی خوزستان مثل تعداد زیاد کارگران و بیکاران، اعتصاب کارگران در مجامع صنعتی، کشتی ها و لنج ها، قاچاق کالا و مسافر، تعقیب و گریز های پیاپی، حضور خارجی ها در مراکز صنعتی و نفتی ایجاد شده در خوزستان، نخلستان ها و بیابان ها و غروب های دم کرده و ... شکل داده اند که همه و همه در پیدایش ادبیات داستان خوزستان نقش داشته اند.

داستان کوتاه در ایران

پژوهشگران مجموعه «یکی بود و یکی نبود» محمد علی جمالزاده (۱۲۷۱-۱۳۷۶) را سر آغاز پیدایش «داستان کوتاه» در ایران می دانند. «جمالزاده» برخی از ساختار های داستان کوتاه غربی را عملاً به عاریت گرفته، ولی به هیچ روی سنت کهن داستان سرایی در ایران را از دست نهاده است. بخشی از جذابیت ویژه «یکی بود و یکی نبود» در همین آمیزش پنهان نهفته است (بالایی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹) جمالزاده زبان عامیانه را وارد داستان کوتاه

ایرانی کرد. استفاده از زبان عامیانه ریشه در ادبیات کهن ما دارد. آن بخش از ادبیات کهن که مورد بی مهری های فراوان قرار گرفت و با وجود اینکه نثر فارسی را از یکسره افتادن در گرداب «نثر موضوع» بازداشت؛ هنوز هم جایگاهی در مراکز آموزش عالی ندارد. «تعدادی از پژوهشگران اعتقاد دارند که ارزش کار و اینکه جمالزاده آغاز گر فصلی نو در ادبیات داستانی بود بر خود او هم روشن و آشکار نبود» (میر صادقی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰).

درون مایه ادبیات اقلیمی

فقر و ظلم و ستم به رعیت (مولفه اقتصادی)

فقر، از مضامین عمده ی ادبیات اقلیمی است و این موضوع به ویژه در داستان های مرادی کرمانی دیده می شود. به علت وجود نظام ارباب رعیتی، کشاورزان همواره مورد ظلم و تحقیر ارباب خود قرار می گرفتند. فقر بر روستاییان آنچنان فشار می آورد که آنان برای تأمین مایحتاج خود مجبور به فروش فرزندان خود می شوند (هاشم پور و پویان، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹۲).

اصلاحات ارضی (مولفه سیاسی)

اصلاحات ارضی یکی از برنامه های انقلاب سفید بود و به منظور رفاه کشاورزان و بالا بردن سطح زندگی آنان پایه ریزی شد. ولی نتیجه آن به نفع مالکان و به ضرر کشاورزان تمام شد. اکثر روستائیان در پی اجرای طرح اصلاحات ارضی نه تنها شرایط زندگی آنان بهبود نیافت بلکه بر فقر آنان افزوده شد (عمید، ۱۳۸۱، ص ۲۰۶). درونمایه بسیاری از آثار داستان نویسان روستایی در رابطه با شرایط زندگی مردم روستایی پس از اصلاحات ارضی است. «آل احمد در نفرین زمین، بیش از آنکه به فکر آفرینش اثر ادبی باشد. به پدید آوردن بیان های افشاگرانه درباره اصلاحات ارضی و امحای کشاورزی سنتی ایران می اندیشد» (میرعابدینی، جلد دوم، ۱۳۷۷، ص ۵۲۱).

مبارزه با ماشینیسیم (مولفه اقتصادی- سیاسی)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

با اجرای اصلاحات ارضی، زمین‌داران بزرگ با امتحان کردن روش‌های جدید کشاورزی، هرچه بیشتر به سمت مکانیزه شدن پیش می‌رفتند. نتیجه آن باعث بیکاری بسیاری از روستائیان و مهاجرت آنان برای تأمین معاش، به شهرها بود (همان، ص ۵۲۳).

فولکور گرایی و فرهنگ عامه

ابتدایی‌ترین شکل داستان روستایی، پرداختن به فرهنگ روستا و فولکور منطقه است. در این گرایش که به مردم‌شناسی نزدیک تر است تا به ادبیات مسائل اساسی زندگی تحت الشعاع توجه به لغات، آداب و رسوم محلی قرار می‌گیرد و داستان تا سطح جمع‌آوری فولکور منطقه نزول می‌کند (همان، ص ۵۲۷).

انتقاد از اوضاع اجتماعی

درونی‌مایه بسیاری از آثار اقلیمی دهه چهل، انتقاد از اوضاع اجتماعی آن زمان است. از فقر و ظلم و ستم‌هایی که به مردم روستایی وارد بود. کمبود امکانات در روستاها و انعکاس زندگی آنان در قالب داستان، یکی از شیوه‌های انتقاد از اوضاع اجتماعی بود (هاشم پور و پویان، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹۲).

مهاجرت روستائیان به شهر

به دلیل اصلاحات ارضی و همچنین مکانیزه شدن کشاورزی بسیاری از روستائیان بیکار شدند. آنان برای گذراندن زندگی خود به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند و در آن شهرها برای تأمین مخارج خود به کار مشغول شدند. درونمایه بسیاری از داستان‌های نویسندگان اقلیمی بیان مهاجرت روستائیان به شهرها و مشکلات و سختی‌های زندگی آنان در شهر است (هاشم پور و پویان، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹۳).

ادبیات روستایی جنوب

بسیاری از داستان‌نویسان خوزستانی با توجه به اصالت روستایی خود یا علاقه به بیان مشکلات روستائیان در داستانهایشان ذیل این گروه قرار می‌گیرند. از جمله نویسندگانی که به این حوزه تعلق خاطر دارند بهرام حیدری ست.

بهرام حیدری

حیدری نویسنده‌ای بختیاری تبار است. او از نویسندگان نوگرایی دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ و از شکل‌دهندگان داستان‌نویسی جنوب است. بهرام حیدری را باید از جمله نویسندگان ادبیات روستایی-اقلیمی ایران به حساب آورد که به خاطر خاستگاه طبقاتی و ذهنیت خاص و بی‌پروایش - که صاحب قدرت‌ان آن دوره آن را بر نمی‌تافتند - نتوانست در اذهان و قلوب بسیاری از روشنفکران آن زمان، راه یابد. حتی زمانی که کتاب «لالی» او به همراه کتاب «نان و گل» نسیم خاکسار به عنوان بهترین مجموعه داستان‌های سال ۱۳۵۸ شناخته شدند، او هنوز گمنام بود و چه بسا این به خاطر نثر و فضاهای داستانی جامعه‌ی ادبی آن روزها باشد که نتوانست داستان‌های مردمی حیدری را تاب بیاورد و به خاطر بسپارد. آثار وی، حکایت روزمرگی، فقر و ستمی است که مردم ترحم برانگیز آن زمان، در ظلمانی‌ترین قسمت دنیا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. لالی، محصول فقر و درماندگی مردمی است که به مرگ و جنون می‌رسند. آدم‌هایی که خواسته‌ها و توقعاتشان از زندگی آنقدر ناچیز و پیش پا افتاده است که هیچ حسی را بر نمی‌انگیزند. اما وقتی خود را در به دست آوردن آنچه که می‌پندارند کوچکترین حق طبیعی آنهاست، ناتوان و محروم می‌بینند، زبان به کفرگویی باز می‌کنند. کفری که نشانگر بی‌ایمانی ذاتی آنها نیست بلکه نوعی اعتراض به مشکلات است که آنها را آرام می‌کند:

«گل محمد با صدای مهیب و خشم و نفرت گفت: های بابا زاهد! خاب! برو! تو، پیری؟ برو اون طرف اقلاً که گاو، که سه پایه، چشم خود تو در نیاره! برو... پیر! برو، خدا...» (حیدری، ۱۳۵۸، الف، ص ۱۵۲).

«بیست فوتی ها، سه ردیف خانه متروک شرکت نفت بود. هر ردیف، سه ردیف کوچک بود با کمی فاصله و هر ردیف کوچک، شش خانه و هر خانه یک اتاق دراز و باریک که با تیغه ای دو اتاق می‌شد؛ تیغه ای که راه دو اتاق را باز می‌گذاشت...»

(حیدری، ۱۳۵۸، ص ۵).

«لبخند بر لب‌های کلفت مادر پیدا شد. حالا که پول داشت و دو تومان شیرینی به همراه داشت و کفش لاستیکی برای ابراهیم خریده بود، پس چرا باید با آغوش باز نمی پذیرفتشان... صبح به مسجد سلیمان رفته بود اما انگار بچه‌ها را چند روز ندیده، نشست تا رسیدند، و خوچول را بغل گرفت و گفت: «پس چرا اینجور خاکی؟ داخل این گرما...» (همان، ص ۶).

«نوک براق کفش لاستیکی از داخل کیسه پیدا شد. ابراهیم به هوا پرید: «های بده، های بده شون، خوبن برا پام؟» (همان، ص ۷).

صحبت از شرکت نفت، آمد و رفت از روستا به مسجد سلیمان، گرما و... به خوبی نشان گر حاکمیت ادبیات اقلیمی در داستان است و شخصیت‌های داستان نیز با لهجه‌ی جنوبی مکالمه می‌کنند؛ همان گونه که در مثال‌های پیشین از نظر گذشت، مادر خطاب به خوچول می‌گوید: «پس چرا اینجور خاکی؟ داخل این گرما...» این اصطلاح (داخل این گرما)، مربوط به لهجه‌ی خوزستانی می‌باشد.

نویسنده، مشکلات روستائیان مسجد سلیمان را در داستان «حسین سلیمانی» در همین مجموعه (لالی)، در قالب انشاهای دانش‌آموزان مدرسه بیان می‌کند:

«اینطوری که پدرم برایم تعریف کرد، زندگی من این طور گذشت: من بچه بودم، از گرسنگی گل می‌خوردم، آنقدر گل خوردم که مریض شدم...» آنچه در کلاس مشخص شد، خنده‌ی مرادی بود که از فشرده‌گی و کش آمدن لب‌هایش معلوم بود خنده‌ی بی اختیار است. چشم‌ها به مرادی بود و چند نفر خندیدند و چند کلمه به گوش رسید: «این... گل می‌خورد! پس...». مرادی گفت: «جالبه! ساکت بچه‌ها بینم!»

سلیمانی که سر از دفتر برداشته بود و از ناچاری می‌خندید، سر به دفتر برد و با مکتب و با اخمی که نشان دهد انشاء برایش اهمیت دارد، خواند:

«پدرم با چند تن از اقوامان، من را به زحمت فراوان از ده به مسجد سلیمان برد. یک ماه در بیمارستان شیر و خورشیدی بودم و دکترها می‌دانستند که حال من خیلی خراب است ولی به پدرم نمی‌گفتند و بعد از چهل روز که در بیمارستان بودم، روزی به پدرم گفتند که پسر شما باید جراحی شود...» (همان، صص ۲۱-۲۲).

به جز داستان‌های مجموعه لالی، داستان‌های مجموعه «علف که نمی‌شکند» هم با این موضوع (بیان مشکلات روستائیان لالی) مطرح می‌شوند؛ با خواندن پاراگراف‌های اول داستان‌های «گفتگو، قند، علف که نمی‌شکند و مرافعه» از این مجموعه به وضوح می‌توان این گفته را اثبات کرد:

«آفتاب نزدیک غروب از نوک کوه‌های لالی دور نیست. باد نرم می‌آید و به رطوبت عرق پیشانی‌ها می‌خورد و دلشادی و لبخند می‌آورد» (حیدری، ۱۳۷۶، ص ۷).

«زمین بیدار شده و به دور از چشم خورشید، با سایه صبح که به سر و کول گرفته، خواب آلود و مهربان است. سیاه چادرها، زنده وار، مثل آنکه تازه از خاک برخاسته باشند، هر دو پا را گشاد نگه داشته‌اند و سر را کمی بلند گرفته‌اند و به حال انتظار نگاه می‌کنند» (همان، ص ۶۱).

«زیر زور گرما و آفتاب، در گذر ساعت‌های بعد از ظهر، سرها کمتر از سیاه چادرها در می‌آیند. سیاه چادرها، خمیده و پهن و نزدیک به زمین، هیئت‌های عذاب آلوده‌ای دارند. مرغ و خروس‌ها و سگ‌ها در سایه کنار سیاه چادرها و آغل‌له‌له می‌زنند...» (همان: ۸۷).

«شکرالله و بارانی دارند گله را از آغل بیرون می‌کنند. آفتاب بالای سر سیاه چادرها را گرفته و با وجود نزدیکی پائیز، داغ است و می‌سوزاند. علی کرم پا شد. ننه علی کرم گفت: «میری ننه؟ خدا! می‌سوزی حالا که...» (همان: ۱۲۱).

از آبادی‌های نزدیکتر - از «دوبلوطان»، «دورآب»، «چگارمان»، «چزی» و «قلعه خواجه» - ریش

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

سفید و کدخدا و بزرگ آمده بود که به بسته های رختخواب و بالش تکیه داشتند و کوچکترها، تکیه شان به دیوار بود یا رُک و راست و چهارزانو نشسته بودند یا کف دست را به فرش تکیه داده بودند» (حیدری، ۱۳۵۸: ب، ص ۷).

«ظهر تا عباسقلی از کوه برگشت، نقره گفت: «والا- بدبختی ما- خان پدرسگ یکی رو فرستاده بود دنبالت و گفته که عواسقلی باید امسال چارپاها منو نگهداری بکنه. گفته خودش و برادرش صب بیان ببینم شون» (همان: ۴۱).

نتیجه گیری و جمع بندی

حیدری بسیاری از سالهای عمرش را به عنوان سرباز سپاهی دانش و معلم در روستاهای فراموش شده جنوب کشور سپری کرد اما پس از انقلاب فرهنگی و پاکسازی در آموزش و پرورش، به عنوان نویسنده ای متعهد، برای شهادت دادن به امر واقعیت، از ایران گریخت. حضور او در عرصه ی ادبی بطور رسمی با چاپ کتاب «به خدا که می کشم هر کس که گشتم» در سال ۱۳۵۶ شکل گرفت. در سال ۱۳۵۸ کتاب «زنده پاهای و مرده پاهای» در همان سال مجموعه داستان های کوتاه «لالی» را به چاپ رساند. البته او، نزدیک به بیست سال، در نشریات ادبی آن زمان بسیاری از داستان هایش را چاپ کرده بود، اما نه به آن صورت که در یک کتاب چاپ شده باشند. به روایت بسیاری از نزدیکانش، او کتاب های دیگری به نام «شناسنامه های باطل شده» و «شام گفتار و چاشت پلنگ» نیز داشته که در حمله ی ساواک به خانه اش از بین رفتند. از آنجا که منوچهر شفیانی اولین کسی بود که از روستاهای جنوب و مخصوصاً مسجد سلیمان و لالی نوشت، حیدری جزو مقلدان او محسوب می شد اما خیلی زود نشرش را پیراست و کارش از تقلید گذشت و به خلق رسید. کتاب های لالی، به خدا که می کشم هر کس که گشتم و زنده پاهای و مرده پاهای گواه این مدعاست. مخصوصاً مجموعه داستان «لالی» که یکی از درخشان ترین مجموعه داستان های اقلیمی

این مرز و بوم است. آنچه که حیدری در آثارش به نمایش می گذارد، بیان زوال ایل بختیاری و تباهی آن در اثر نفوذ مدرنیسم و زندگی شبه مدرن است؛ که با بیانی فولکلوریک (داستان زنده پاهای، مرده پاهای) ماجرای آن را تصویر می کند. در آثار او حس نوستالژیک، نسبت به گذشته پر عظمت ایل بختیاری به چشم می خورد؛ روزگاری که خان ها در آن به نیکی عمل می کردند و ایل در اوج قدرت و آسودگی بود اما با آمدن دوران جدید به فقر و تباهی کشیده شده، زندگی سختی را می گذراند و مورد تمسخر شهری هاست. ماجرای داستان «ناهار فردا، کباب است» از مجموعه داستان لالی، که اوایل انقلاب در روستایی از مسجد سلیمان خوزستان اتفاق می افتد، در مورد مسائل و مشکلات خانواده های روستایی است که فقر با زندگی آنها عجین شده و مردم ساده آن با سادگی هر چه تمام تر به داشته های کم خود قانع و خوشحالند- همان گونه که دو تومان شیرینی و یک جفت کفش لاستیکی موجبات خوشحالی آنها را فراهم می کند- که این امر می تواند به رغم بیان مشکلات روستائیان آن دوره، بیانگر غبطه و تمایل این نویسنده ی خوزستانی به زندگی ساده روستایی باشد. این نویسنده مردمی در مجموعه داستان «زنده پاهای و مرده پاهای» نیز به بیان مشکلات و فقر روستائیان پرداخته است: «ناهار عروسی- برنج گرده و خورشی آبگوشت مانند- آنقدر به دهن «پیوندی» ها و غیره ها مزه کرده بود که از ته دل می خندیدند. خیلی ها بعد از سی چهل روز- یعنی آنهم بعد از عروسی ی ساتیار- بود که رنگ گوشت را می دیدند... چای مرکب مانند، پای آتش منقل ها، به مجلس آمده بود... در مثال هایی که گذشت اسامی بعضی از مناطق خوزستان و همچنین تیره و طایفه های بختیاری به چشم می خورد.

منابع و ماخذ

بالائی، کریستف؛ کویی پرس، میشل (۱۳۸۷) سرچشمه های استان کوتاه فارسی، تهران، معین. بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۸) روشنفکران ایرانی و غرب؛

ترجمه‌ی جمشید شیرازی؛ چاپ سوم؛ تهران؛ فرزانه؛
داستان نخل و خمره، هفتمین همایش پژوهش‌های
زبان و ادبیات فارسی، صص ۱۹۸۸-۲۰۰۰.

پاینده، حسین (۱۳۸۹) داستان‌های کوتاه در ایران،
تهران، انتشارات نیلوفر.

حیدری، بهرام، (۱۳۵۸)، لالی، تهران، انتشارات
امیرکبیر، چاپ اول، الف.

حیدری، بهرام، (۱۳۵۸)، زنده پاهای و مرده پاهای،
تهران، کتاب زمان، چاپ اول، ب.

حیدری، بهرام، (۱۳۷۶)، علف که نمی‌شکند، سوئد،
انتشارات افسانه- افسالا، چاپ اول.

راسخی لنگرودی، احمد (۱۳۹۱) نفت و قلم، نام
آوران عرصه‌ی قلم در صنعت نفت ایران؛ تهران؛
کویر.

سپانلو، محمد علی، (۱۳۵۸) «گزارشی از داستان
نویسی یکساله انقلاب»، اندیشه‌ی آزاد، دوره‌ی
جدید، سال اول، شماره یک، صص ۹-۷.

سپانلو، محمد علی (۱۳۵۹) نگاهی به ادبیات معاصر،
گزارشی از داستان نویسی یک ساله‌ی انقلاب، آینده،
سال ششم، شماره‌ی سه و چهار.

شیری، قهرمان، (۱۳۸۷)، مکتب‌های داستان نویسی
در ایران، تهران، نشر چشمه، چاپ سوم.

صادقی شهپر، رضا (۱۳۸۹) ادبیات اقلیمی در داستان
های معاصر ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی،
دانشگاه تربیت معلم، تبریز، دانشکده ادبیات و علوم
انسانی، پایان نامه دکترا.

عابدینی، حسن، (۱۳۷۰)، افسانه سرای جنوب پر
رمز و راز، مجله کلک، شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۳۳۴-
۳۳۹.

عمید، محمد جواد (۱۳۸۱) کشاورزی، فقر و
اصلاحات ارضی در ایران، تهران، نشر نی.

میرصادقی، جمال (۱۳۶۰) قصه، داستان کوتاه رمان،
تهران، انتشارات آگاه.

میرعابدینی، حسن، (۱۳۸۷)، صد سال داستان
نویسی ایران، چهار جلد، تهران، چشمه.

هاشم پور، معصومه؛ پویان، مجید (۱۳۹۲) بازتاب
عناصر اقلیمی در آثار مرادی کرمانی با تکیه بر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۸۴

ارزیابی فرهنگ محیط زیست در توسعه پایدار صنعت هسته‌ای کشور

پونه قائمی* - دانشجوی دکتری آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

سید محمد شبیری - دانشیار گروه علمی آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مریم لاریجانی - استادیار گروه علمی آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

بهروز زکرک - استادیار گروه پژوهشی ایمنی هسته‌ای و حفاظت پرتوی، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، تهران، ایران.

Evaluating of Environmental Culture in the Sustainable Development of the National Nuclear Industry

Abstract

The objective of the current study is to evaluate the environmental culture in nuclear industry in order to achieve sustainable development goals. The methodology of this study was descriptive of survey and the tool for survey consisted of a questionnaire. In this research, the components of environmental culture based on library study, review of documents, official reports, national and international sources as well as interviews with environmental experts was prepared; Statistical group involving 260 managers and experts of nuclear industry in field related to environmental issues. The validity of the questionnaire developed by the researcher was approved by the relevant academicians and its stability was calculated as equivalent to 0.88 using the Cronbach alpha formula. The results of the study showed that the total score of environmental culture in the nuclear industry has been positive and percent of employees with positive environment culture, equivalent to 71.7 and percent of employees with negative environment culture, equivalent to 28.3. This research also indicates that there was no significant difference between environmental culture and gender of employees, but the average environmental culture of employees increased with the increasing level of education, job rating and work experience. Besides, the results taking into account the effects of three parameters level of education, job rating and work experience simultaneously on environmental culture have shown that the impact of work experience and job rating is higher than the impact of level of education. This due to the national nuclear industry interaction with the international atomic energy agency and various training courses held by the international atomic energy agency for managers and experts with higher work experience.

Keywords: Environmental Culture, Evaluation, Sustainable Development, Safety, Nuclear Industry

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، ارزیابی فرهنگ محیط زیست در صنعت هسته‌ای به منظور دستیابی به اهداف توسعه پایدار می‌باشد. روش تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی و ابزار سنجش، پرسشنامه بوده است. در این تحقیق مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد و مدارک، گزارش‌های رسمی، منابع ملی و بین‌المللی و نیز مصاحبه با متخصصان محیط زیست تعیین شده است. ۲۶۰ نفر از مدیران و کارشناسان صنعت هسته‌ای که در حوزه‌های مرتبط با مباحث و موضوعات محیط زیستی فعالیت داشته‌اند، جامعه آماری تحقیق را تشکیل داده‌اند. روایی پرسشنامه محقق ساخته، توسط اساتید مربوطه اعتبارسنجی و پایایی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۸ محاسبه گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نمره کلی فرهنگ محیط زیستی در صنعت هسته‌ای مثبت ارزیابی شده و سهم افراد با فرهنگ محیط زیست مثبت، معادل ۷۱/۷ درصد و سهم افراد با فرهنگ محیط زیست منفی، معادل ۲۸/۳ درصد تعیین شده است. همچنین این تحقیق بیانگر آن است که بین فرهنگ محیط زیستی کارکنان با جنسیت تفاوت معنی داری وجود نداشته، ولیکن میانگین فرهنگ محیط زیستی کارکنان با افزایش سطح تحصیلات، مرتبه شغلی و سابقه کار افزایش می‌یابد. از طرفی دیگر، نتایج تحقیق با در نظر گرفتن هم‌زمان ۳ پارامتر سطح تحصیلات، مرتبه شغلی و سابقه کار بر فرهنگ محیط زیستی نشان داده است که تأثیر سابقه کار و مرتبه شغلی بالاتر از تأثیر سطح تحصیلات می‌باشد. این امر به دلیل تعاملات صنعت هسته‌ای کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای مدیران و کارکنانی با سابقه کاری بالاتر می‌باشد.

واژگان کلیدی: فرهنگ محیط زیست، ارزیابی، توسعه پایدار، ایمنی، صنعت هسته‌ای.

مقدمه

توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون از بین بردن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهایشان برطرف نماید (WCED, ۱۹۸۷). در روند حرکت جهانی به سوی توسعه پایدار، توجه به میزان انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای ناشی از بخش‌های مختلف انرژی از منظر اثرات محلی، منطقه‌ای و جهانی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اگر انرژی به نحوی تولید و مصرف شود که توسعه انسانی را در بلندمدت در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی تأمین نماید، مفهوم انرژی پایدار تحقق خواهد یافت (بریمانی و کعبی‌نژادیان، ۱۳۹۳). انرژی هسته‌ای از عمده‌ترین مباحث علوم و تکنولوژی است که با کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای نقش بسیار مهمی در گذار به سمت اقتصاد کم‌کربن و تحقق اهداف توسعه پایدار ایفاء می‌نماید (عبدلی و دریابیگی، ۱۳۸۵). از سویی در عصر جدید همراه با پیشرفت صنعت و فن‌آوری هسته‌ای، نگرانی‌های بسیاری در مورد پیامدهای سوء مرتبط با حوادث ناشی از آن زندگی بشر را تهدید می‌کند. یکی از پیامدهای بروز حوادث به خصوص در صنایع فرآیندی که با طیف وسیعی از مواد آلاینده و خطرناک سروکار دارند تخریب غیر قابل جبران محیط زیست می‌باشد (محمدفام و کیانفر، ۱۳۸۹). حادثه چرنوبیل (روسیه، ۱۹۸۶)، فوکوشیما (ژاپن، ۲۰۱۲) و نظایر آن‌ها که منجر به بروز فجایع انسانی و آلودگی‌های محیط زیستی و به‌طور کلی برهم‌زدن اکوسیستم گردیده‌اند، سبب تأمل عمیق‌تر بشر در پیامدهای عدم رعایت مسائل محیط زیستی در فعالیت‌های صنعتی بوده‌اند (رحمانی، ۱۳۹۳). هزینه‌های محیط زیستی، انسانی و اقتصادی وقوع ریسک‌های محیطی در صنعت هسته‌ای به دلیل استفاده از فن‌آوری‌های پیچیده، انعطاف‌ناپذیر و گران‌قیمت در بسیاری از اوقات غیرقابل جبران است. برای مثال هزینه حادثه چرنوبیل معادل ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد گردیده و همچنین زمان لازم برای رفع آلودگی از مناطق پرتوگرفته، ۲۰۰ سال تخمین زده شده است. بنابراین رعایت اصول ایمنی در نیروگاه‌های

هسته‌ای جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (Pidgeon and O'Leary, ۲۰۰۰).

آنالیز حوادث بزرگ جهان با پیامدهای بحرانی انسانی، اقتصادی و محیط زیستی در صنایع فرآیندی، نشانگر تأثیر عوامل مختلف منجمله خطاهای مدیریتی، فاکتورهای انسانی، طراحی نامناسب تبادل انسان و ماشین، ضعف‌های ایمنی و طراحی نامناسب سیستم بوده است و علیرغم بکارگیری کلیه فاکتورهای مهندسی و حفاظت‌های شدید، پتانسیل بروز ریسک‌های محیطی در این صنایع به علت خطای انسانی همچنان وجود دارد (Electrabel, ۲۰۱۴). نکته قابل توجه این است که این اشتباهات صرفاً بصورت خطای یک فرد رخ نمیدهد بلکه اغلب در قالب یک فرهنگ رفتاری ناقص شکل می‌گیرد (Aselage & Eisenberger, ۲۰۰۳). تجارب جهانی در تأسیسات هسته‌ای نشان می‌دهد که در کشورهای پیشرفته برای کنترل ریسک‌های محیط زیستی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، تمرکز بیشتر بر پیشگیری می‌باشد. روش‌های پیشگیری معمولاً نقش عمده‌ای در کاهش احتمال وقوع این‌گونه ریسک‌ها و نهایتاً کاهش خطرات احتمالی حاصل از آن را دارا می‌باشند و از آنجائی که استفاده از روش‌های سازهای به تنهایی برای پیشگیری و کنترل ریسک‌های محیطی کافی نمی‌باشند، استفاده از روش‌های غیرسازهای و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن نقش مهمی خواهد داشت. از عمده‌ترین روش‌های غیرسازهای در کنترل ریسک‌های محیط زیستی، افزایش آگاهی‌های محیط زیستی و ارتقاء فرهنگ موثر در این زمینه می‌باشد (Reason, ۱۹۹۸).

فرهنگ و آگاهی‌های محیط زیستی عبارت از بکارگیری تمامی قوانین و مقررات محیط زیست در محیط کار، اولویت قرار دادن ملاحظات محیط زیستی در فعالیت‌های کاری و بکارگیری روش‌های تقلیل آثار سوء محیط زیست در طرح‌ها و پروژه‌ها، اعمال کلیه ارزشهای لازم در زمینه ایمنی، نگرش‌های مؤثر و مفید در این زمینه، به‌کارگیری قوانین، سیستمها و روشهای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریتی و مشارکت در جهت ایجاد محیط‌زیستی سالم و پایدار میباشد (Gherardi & Nicolini, 2002). اصول و مبانی تکوین فرهنگ و آگاهی‌های محیط‌زیستی را میتوان در تشکیل و نمود چهار عامل مرتبط با هم تصور و آنها را در شکل یک هرم هندسی (با قاعده مثلثی) تجسم کرد. سطح قاعده این هرم، آموزش و سطوح جانبی آن ایجاد زمین‌های فیزیکی و روانی، تبلیغ و ترغیب جهت حفظ محیط‌زیست و حمایت و نظارت قانونی میباشد (محمدفام، ۱۳۸۷).

پیشینه تحقیق

از زمان حادثه چرنوبیل مطالعات محدودی در رابطه با خطای انسانی و فرهنگ ایمنی صنعت هسته‌ای صورت گرفته است. جیمز ریسون، در تحقیقی بیان کرده است که دوراه برای دستیابی به فرهنگ ایمنی هسته‌ای موثر وجود دارد ۱- فرهنگ فردی (اعتقادات، نگرش و ارزش‌های فرد در زمینه ایمنی)؛ و ۲- فرهنگ سازمانی (سازه، شیوه‌ها، کنترل‌ها و سیاست‌های طراحی شده به منظور افزایش ایمنی) که هر دو در این راستا ضروری می‌باشند. با این حال، دومی راحت‌تر بوده زیرا تغییر نگرش‌ها و اعتقادات فردی بسیار مشکل‌تر است (Reason, 1998).

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سندی فنی روش‌های بررسی فرهنگ ایمنی هسته‌ای را مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه عنوان نموده است. هر کدام از این روش‌ها دارای نقاط قوت و ضعف می‌باشند و برای درک درست فرهنگ ایمنی باید از ترکیب روش‌ها استفاده شود (IAEA-TECDOC, 2002). در تحقیق دیگری در سال ۲۰۰۳ به روش آنالیز تابعی برای ارزیابی فرهنگ ایمنی هسته‌ای پرداخته شده است. آنالیز تابعی، درک درستی از توابع هر واحد سازمانی است که شامل بررسی مدارک، بررسی رفتار سازمانی فرد که شامل هنجارهای فردی، رعایت اصول و قوانین ایمنی، تبادل اطلاعات (رسمی و غیررسمی و از بالا به پایین و از پایین به بالا)، هماهنگی در کار (برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های کار گروهی و فردی)، تعیین هدف/اولویت بندی (درک فرد نسبت به شرایط و هدف)، یادگیری سازمانی (استفاده

از تجارب گذشته برای بهبود عملکرد آینده)، ارزیابی عملکرد (بازخورد منظم با تأکید بر بهبود عملکرد آینده)، کیفیت عملکرد و تعهد به سازمان، شناسایی و حل مشکل (استفاده از دانش، تجربه، اطلاعات و جریان برای شناسایی و حل مشکلات)، نقش‌ها و مسئولیت‌ها (شرح دقیق از موقعیت شغلی پرسنل) و آموزش می‌باشد (S.H.A., 2003). «کریستر ویکتورسون» در تحقیقی نقش مدیریت منابع انسانی در ایمنی هسته‌ای را بررسی کرده است. این تحقیق نشان می‌دهد که سیستم مدیریت باید فرهنگ ایمنی قوی را از طریق یادگیری در تمامی سطوح سازمان ترویج و پشتیبانی نماید و لازم است که بهترین روش آموزشی انتخاب و ارزشیابی برنامه‌های آموزشی تدوین شده و آموزش مدرسان دائم و جامع باشد (Viktorsson, 2007). کمیته ایمنی تأسیسات هسته‌ای آژانس انرژی اتمی در سال ۲۰۱۲ در گزارشی به نقش مدیران ارشد، خود ارزیابی فرهنگ ایمنی، تجزیه و تحلیل ریشه حوادث، تشویق روحیه مشارکتی و آموزش در بهبود یادگیری و ارتقاء فرهنگ ایمنی هسته‌ای پرداخته و بر اهمیت آن‌ها تأکید نموده است (NEA/IAEA, 2012). در تحقیق دیگری «توماس اسمیت» ارتباط موثر، مشارکت فعال کارکنان، پرسش و بحث و گفتگو را روش‌های ارتقاء فرهنگ ایمنی هسته‌ای عنوان نموده است. ارتباط با دیگران می‌تواند سبب به اشتراک گذاشتن مسائل مرتبط با موضوعات ایمنی شود. با وجود اینکه استراتژی جامع مدیریت ایمنی امری عادی در بسیاری از سازمان‌ها می‌باشد، مدیریت باید این سیاست را به همه کارکنان ابلاغ کرده باشد. همچنین پرسش یک فرآیند دو طرفه است که می‌تواند به طرح سؤالاتی در زمینه ایمنی و یافتن پاسخ به سؤالات باشد (Smith, 2012).

در گزارشی که توسط هیأت بازرسی ایمنی هسته‌ای سوئیس در سال ۲۰۱۴ ارائه شده است، علت اصلی حوادث هسته‌ای را ناشی از خطای انسانی و کمبود فرهنگ ایمنی اعلام نموده است (ENSI, 2014). در تحقیق دیگری به آگاهی، فرهنگ ایمنی، امنیت و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

حفاظت محیط زیست در تأسیسات هسته‌ای پرداخته شده است و ابزار کنترل خطرات در تمام مراحل طراحی، ساخت، بهره‌برداری و ازکاراندازی را حذف کردن خطر، تعدیل و تصحیح ابزارآلات و ماشین‌ها، آموزش و آگاهی نسبت به خطرات، سرپرستی، نظارت و راهنمایی و رعایت اصول و قوانین عنوان نموده است (Electrabel, ۲۰۱۴). برخی از تحقیقات داخلی که به بررسی خطای انسانی و فرهنگ محیط زیست پرداخته‌اند، به شرح ذیل است:

در تحقیق محمدفام و نظام‌الدینی، تأثیر مداخلات فنی در ارتقاء فرهنگ ایمنی در یک صنعت فلزکاری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق رابطه مستقیم ضعف فرهنگ ایمنی با افزایش نرخ حوادث و خسارات انسانی، اقتصادی و محیط زیستی را نشان می‌دهد و همچنین آموزش‌های بیشتر و دانش بالاتر در خصوص مخاطرات محیط‌های کار، از دلایل بالا بودن نمره فرهنگ ایمنی در میان کارکنانی با سطح تحصیلات بالاتر برشمرده شده‌اند (محمدفام و نظام‌الدینی، ۱۳۸۹).

کاکایی و همکاران در تحقیقی رفتارهای نایمن در کارگران پالایشگاه نفت کرمانشاه را مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داده است که بیشترین نوع رفتار نایمن بی‌احتیاطی بوده لذا به منظور کاهش این گونه رفتارها، پایش مداوم کارگران، اجرای دوره‌های آموزشی بر اساس اصول ایمنی مبتنی بر رفتار، ایجاد فرهنگ ایمنی و جو ایمنی مناسب و استفاده از تجربیات علمی محققان دانشگاهی پیشنهاد گردید (کاکایی و همکاران، ۱۳۹۱).

حمیدیان در تحقیقی به بررسی فرهنگ محیط زیستی دانشجویان دانشگاه تهران پرداخته است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر توجه بیشتری به محیط زیست داشته و در گروه‌های حامی محیط زیست فعالیت بیشتری دارند و همچنین با افزایش مقطع تحصیلی توجه دانشجویان به محیط زیست افزایش می‌یابد (حمیدیان، ۱۳۹۰).

صالحی و پازوکی‌نژاد در تحقیقی به ارزیابی دانش

محیط زیستی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مازندران پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین طرز تلقی خانواده از محیط زیست، منابع اطلاعاتی (تلویزیون) و پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد و همچنین میزان دانش محیط زیستی دانشجویان بر حسب متغیرهای مختلف متفاوت است و برای آگاهی از میزان سواد محیط زیستی آنان، لازم است تا در هر منطقه و محدوده جغرافیایی تحقیق مستقلی صورت پذیرد (صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۲).

مواد و روشها

از آنجائی که تاکنون تحقیق مستندی در خصوص ارزیابی فرهنگ محیط زیست در صنعت هسته‌ای کشور صورت نپذیرفته است و بیشتر تحقیقات انجام شده در خصوص ارزیابی فرهنگ ایمنی و محیط زیست در صنایع و مراکز تحقیقاتی دیگری بوده است، هدف اصلی در این تحقیق، بررسی فرهنگ محیط زیستی در صنعت هسته‌ای به منظور دستیابی به اهداف توسعه پایدار می‌باشد که علاوه بر آن، اهداف جانبی زیر را نیز مورد توجه قرار می‌دهد: ۱. بررسی رابطه بین جنسیت کارکنان و فرهنگ محیط زیستی؛ ۲. بررسی رابطه بین مرتبه شغلی کارکنان و فرهنگ محیط زیستی؛ ۳. بررسی رابطه بین سطح تحصیلات کارکنان و فرهنگ محیط زیستی؛ ۴. بررسی رابطه بین سابقه‌کار کارکنان و فرهنگ محیط زیستی.

روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی و جامعه آماری شامل ۲۶۰ نفر از مدیران و کارشناسان صنعت هسته‌ای بوده که در حوزه‌های مرتبط با مباحث و موضوعات محیط زیستی فعالیت داشته‌اند. جمع‌آوری اطلاعات از طریق توزیع پرسشنامه انجام شده است. این پرسشنامه که شامل مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی می‌باشد، بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد و مدارک، منابع ملی و بین‌المللی، گزارش‌های رسمی و نیز مصاحبه از متخصصان محیط زیست تهیه شده است که شامل ۲۶ سؤال بوده و در مقیاس پنج درجه لیکرت تنظیم گردیده است. نحوه تکمیل پرسشنامه از نوع خود اجرایی نیمه‌نظارتی بوده است. در جدول ۱،

جدول ۱. مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی؛ ماخذ: نگارندگان.

ردیف	گویه‌ها
۱	اهمیت دادن به استقرار خط مشی محیط زیست
۲	وجود مدارک، مستندات و الزامات پایه و اساسی آموزش محیط زیست به شکل مشخص و شفاف
۳	آشنایی کارکنان به ضوابط و مقررات مربوط به محیط زیست در محیط کار
۴	علاقه کارکنان به اجرای ضوابط و مقررات مربوط به محیط زیست در محیط کار
۵	به کارگیری ضوابط و مقررات محیط زیست در محیط کار
۶	توجه مدیران و برنامه‌ریزان به موضوعات محیط زیستی
۷	مناسب بودن ساختارهای سازمانی مناسب در زمینه محیط زیست
۸	اطلاع کارکنان در ارتباط با شرح وظایف شغلی‌شان در زمینه محیط زیست
۹	پیگیری کارکنان در خصوص مسائل مربوط به محیط زیست
۱۰	سیستم‌های کنترلی برای سنجش و ارزیابی عملکرد محیط زیستی کارکنان و ارائه بازخورد به مدیریت
۱۱	بکارگیری و استفاده از نیروهای متخصص محیط زیست
۱۲	اولویت قرار دادن ملاحظات محیط زیستی در انتخاب طرح‌ها و پروژه‌ها
۱۳	به کارگیری روش‌های تقلیل آثار سوء محیط زیستی در طرح‌ها و پروژه‌ها
۱۴	اهمیت دادن کارکنان به رعایت مباحث محیط زیستی
۱۵	انجام مطالعه، تحقیق و فعالیت‌های پژوهشی در زمینه مباحث محیط زیستی
۱۶	تمایل کارکنان به استفاده درست از مفاهیم و مبانی حفظ محیط زیست
۱۷	جذابیت موضوعات محیط زیستی برای کارکنان
۱۸	توجه به ارزش‌های محیط زیستی در بین کارکنان به دلیل وجود بینش‌ها و ارزش‌ها
۱۹	علاقه کارکنان به شرکت در دوره‌های آموزش محیط زیست
۲۰	میزان برنامه‌های آموزش محیط زیست در سطوح مختلف کاری
۲۱	اختصاص اعتبارات مالی جهت برگزاری دوره‌های آموزش محیط زیست
۲۲	زمان بندی منظم جهت برنامه‌های آموزش محیط زیست
۲۳	ارائه آموزش‌های عمومی، نیمه تخصصی و تخصصی محیط زیست مربوط به شرح وظایف شغلی
۲۴	کاربردی بودن آموزش‌های محیط زیست ارائه شده
۲۵	در نظر گرفتن استانداردهای مناسب جهت آموزش محیط زیست
۲۶	به کارگیری روش‌های مناسب در زمینه افزایش اطلاعات و دانش محیط زیستی

مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی ارائه شده است. رویی شاخص‌های پرسشنامه محقق ساخته با استفاده از نظرات اساتید و متخصصان مربوطه اعتبارسنجی و پایایی شاخص‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماري SPSS و فرمول آلفای کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه گردیده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها از دو روش آماري استفاده شده است:

الف- آمار توصیفی: شامل جداول فراوانی؛ و ب- آمار استنباطی: ارزیابی فرهنگ محیط زیستی و بررسی رابطه بین جنسیت، مرتبه شغلی، سابقه کار و مدرک تحصیلی کارکنان با فرهنگ محیط زیستی.

ارزیابی فرهنگ محیط زیست با تعیین امتیاز حاصل از پرسشنامه فرهنگ محیط زیست، صورت پذیرفته است. از آنجائی که امتیاز کلی فرهنگ محیط زیست برای آزمودنی برابر مجموع امتیازهایی است که برای تمام سؤالات دریافت نموده و سؤالات پرسشنامه در مقیاس پنج درجه لیکرت تنظیم شده است، بنابراین مجموع امتیاز هر پرسشنامه باید با میانگین مقیاس مقایسه شود. میانگین امتیازات پرسشنامه در مقیاس لیکرت بر اساس فرمول ۱ محاسبه می‌شود (محمدفام، ۱۳۸۷).
k: تعداد سؤالات

با توجه به رابطه فوق و نظر به اینکه تعداد سؤالات پرسشنامه ۲۶ سؤال می‌باشد. بنابراین چنانچه نمره فرهنگ محیط زیست محاسبه شده بیشتر از ۷۸ باشد، فرهنگ محیط زیست مثبت و چنانچه کمتر از ۷۸ باشد فرهنگ محیط زیست منفی ارزیابی می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف- توصیف ویژگی‌های فردی و جمعیت‌شناسی

اطلاعات گروه نمونه با توجه به تعداد و درصد فراوانی در هریک از ویژگی‌های گروه مورد مطالعه بر حسب ویژگی‌های جنسیتی، میزان تحصیلات، مرتبه شغلی و سابقه کار در جدول ۲ نشان داده شده است. اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد که ۶۹/۶ درصد افراد پاسخ‌دهنده مرد و ۳۰/۴ درصد پاسخ‌دهنده زن می‌باشند. ۱۲/۳ درصد پاسخ‌دهندگان دارای مدرک لیسانس، ۷۴/۲ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و ۱۳/۵ درصد دارای مدرک دکتری می‌باشند. ۷۱/۲ درصد پاسخ‌دهندگان کارشناس و ۲۸/۸ درصد پاسخ‌دهندگان مدیر می‌باشند. ۳۰/۰ درصد پاسخ‌دهندگان دارای سابقه کار ۱۰ سال و کمتر، ۵۷/۳ درصد دارای سابقه کار ۱۱-۲۰ سال و ۱۲/۷ درصد دارای سابقه کار ۲۱-۳۰ سال می‌باشند.

جدول ۲. فراوانی و درصد ویژگی‌های فردی گروه نمونه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	متغیر فرعی	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۱۸۱	۶۹/۶
	زن	۷۹	۳۰/۴
سطح تحصیلات	لیسانس	۳۲	۱۲/۳
	فوق لیسانس	۱۹۳	۷۴/۲
	دکتری	۳۵	۱۳/۵
مرتبه شغلی	کارشناس	۱۸۵	۷۱/۲
	مدیر	۷۵	۲۸/۸
سابقه کار (به سال)	۰-۱۰	۷۸	۳۰/۰
	۱۱-۲۰	۱۴۹	۵۷/۳
	۲۱-۳۰	۳۳	۱۲/۷

جدول ۳. نتایج ارزیابی فرهنگ محیط زیستی در صنعت هسته‌ای؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پارامتر	حداقل	حداکثر	میلگین	انحراف معیار
نمره فرهنگ محیط زیستی	۶۲/۰۰	۱۱۰/۰۰	۸۶/۵	۱۳/۳۰

جدول ۴. نتیجه‌گیری آماری مربوط به جنسیت (** دارای تفاوت معنادار نمی‌باشد $(\alpha \geq 0.05)$)؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	جنسیت		مقدار خطا	نتیجه‌گیری آماری
	مردان- میانگین n=۱۸۱	زنان- میانگین n=۷۹		
فرهنگ محیط زیستی	۸۷/۳	۸۵/۷	۰/۰۵۲	≥ 0.05 **

جدول ۵. نتیجه‌گیری آماری مربوط به سطح تحصیلی کارکنان (** دارای تفاوت معنادار می‌باشد $(\alpha < 0.05)$)؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	سطح تحصیلات			مقدار خطا	نتیجه‌گیری آماری
	لیسانس (میانگین) n=۳۲	فوق لیسانس (میانگین) n=۱۹۳	دکتری (میانگین) n=۳۵		
فرهنگ محیط زیستی	۶۶/۴	۹۵/۸	۹۷/۳	۰/۰۴۴	< 0.05 **

ب- ارزیابی فرهنگ محیط زیستی

نتایج حاصل از پرسشنامه ارزیابی فرهنگ محیط زیستی صنعت هسته‌ای در جدول ۳ ارائه شده است. اطلاعات حاصل از جدول ۳ نشان می‌دهد نمره فرهنگ محیط زیست معادل ۸۶/۵ با انحراف معیار ۱۳/۳۰ می‌باشد. از آنجائی که نمره فرهنگ محیط زیست حاصل (۸۶/۵) بزرگتر از میانگین (۷۸) می‌باشد، بنابراین نتیجه ارزیابی فرهنگ محیط زیست در صنعت هسته‌ای مثبت است. با بررسی درصد تجمعی نمره فرهنگ محیط زیست، سهم افرادی با فرهنگ محیط زیست مثبت (نمرات بالای ۷۸)، معادل ۷۱/۷ درصد و

سهم افرادی با فرهنگ محیط زیست منفی (نمرات زیر ۷۸)، معادل ۲۸/۳ درصد تعیین شده است. **بررسی رابطه جنسیت کارکنان و فرهنگ محیط زیستی**
نتایج بررسی آماری از طریق آزمون T مستقل بین جنسیت کارکنان و فرهنگ محیط زیستی در جدول ۴، نشان می‌دهد که بین فرهنگ محیط زیستی کارکنان و جنسیت تفاوت معنی داری وجود ندارد $(\alpha \geq 0.05)$. **بررسی رابطه سطح تحصیلات کارکنان و فرهنگ محیط زیستی**

جدول ۶- نتیجه گیری آماری مربوط به مرتبه شغلی (** دارای تفاوت معنادار می باشد) ($\alpha < 0.05$)؛ ماخذ: یافته های

تحقیق

نتیجه گیری آماری	مقدار خطا	مرتبه شغلی		متغیر
		مدیر-میانگین	کارشناس-میانگین	
		n=75	n=185	
<0.05**	0.31	100/1	72/9	فرهنگ محیط زیستی

مشخص گردید نمره کلی فرهنگ محیط زیستی در صنعت هسته‌ای مثبت بوده و سهم قابل توجهی از افراد، دارای فرهنگ محیط زیستی مثبت می‌باشند که این خود منجر به احساس مسؤولیت‌پذیری و نگرش محیط مداری یا حمایت از منابع مختلف محیط زیستی می‌شود. در بررسی مرتبه شغلی می‌توان علت میانگین بالاتر فرهنگ محیط زیستی مدیران نسبت به کارشناسان را اشراف بیشتر آنان به مباحث و قوانین کشور، بالاخص قوانین محیط زیستی دانست، از طرفی مدیران ضمن دسترسی به قوانین و مقررات محیط زیستی، سعی می‌کنند تا این مباحث را بیشتر مورد توجه قرار دهند. علت میانگین بیشتر فرهنگ محیط زیستی با افزایش سابقه کار و سطح تحصیلات را می‌توان ناشی از آموزش‌های بیشتر و دانش در میان کارکنانی با تحصیلات و سابقه کار بالاتر برشمرد. از طرفی دیگر، نتایج تحقیق با در نظر گرفتن هم‌زمان ۳ پارامتر سابقه کار، مرتبه شغلی و سطح تحصیلات بر فرهنگ محیط زیستی نشان داده است که تأثیر سابقه کار و مرتبه شغلی بالاتر از تأثیر سطح تحصیلات می‌باشد. این امر به دلیل تعاملات صنعت هسته‌ای کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ویژه در زمینه مباحث محیط زیستی برای مدیران و کارکنانی با سابقه کاری بالاتر می‌باشد.

مقایسه یافته‌های پژوهش با تحقیقات قبلی نیز نشان می‌دهد تحقیقات خارجی انجام‌شده، عمدتاً فرهنگ ایمنی را به صورت عام بررسی نموده و بیشتر در

نتایج بررسی آماری از طریق آزمون T مستقل بین سطح تحصیلی کارکنان و فرهنگ محیط زیستی در جدول ۵، نشان می‌دهد که بین فرهنگ محیط زیستی کارکنان و سطح تحصیلات کارکنان تفاوت معنی داری وجود دارد ($\alpha < 0.05$). مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد کارکنانی که دارای مدرک فوق لیسانس و دکتری می‌باشند نسبت به کارکنانی با مدرک لیسانس، از فرهنگ محیط زیست بالاتری برخوردار می‌باشند.

بررسی رابطه مرتبه شغلی کارکنان و فرهنگ محیط زیستی

نتایج بررسی آماری از طریق آزمون T مستقل بین مرتبه شغلی کارکنان و فرهنگ محیط زیستی در جدول ۶، نشان می‌دهد که بین فرهنگ محیط زیستی کارکنان و مرتبه شغلی تفاوت معنی داری وجود دارد ($\alpha < 0.05$). مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که مدیران میانگین بالاتری نسبت به کارشناسان دارند.

بررسی رابطه سابقه کار کارکنان و فرهنگ محیط زیستی

نتایج بررسی آماری از طریق آزمون T مستقل بین سطح تحصیلی کارکنان و فرهنگ محیط زیستی در جدول ۷، نشان می‌دهد که بین فرهنگ محیط زیستی کارکنان و سابقه کار کارکنان تفاوت معنی داری وجود دارد ($\alpha < 0.05$). مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که افراد با سابقه کار بین ۲۱-۳۰ سال میانگین بالاتری نسبت به دو گروه دیگر دارند.

نتیجه گیری و جمع بندی

در ارزیابی فرهنگ محیط زیستی صنعت هسته‌ای

جدول ۷. نتیجه گیری آماری مربوط به سابقه کار کارکنان (** دارای تفاوت معنادار می باشد $(\alpha < 0,05)$)؛ ماخذ: یافته های

تحقیق

نتیجه گیری آماری	مقدار خطا	سابقه کار			متغیر
		۲۱-۳۰ (میانگین) $n=33$	۱۱-۲۰ (میانگین) $n=149$	۰-۱۰ (میانگین) $n=78$	
$< 0,05^{**}$	۰/۰۰۱	۱۰۵/۳	۸۷/۹	۶۶/۴	فرهنگ محیط زیستی

مسائل خاص به دلخواه عمل نماید. لذا دانش به منزله یک ضرورت برای انجام دادن موفقیت آمیز فعالیت ها قلمداد می شود و در سطوح بالاتر نیز مورد نیاز است. در نتیجه هر چه سطح دانش و اطلاعات بالاتر باشد در چگونگی حل مسائل محیط زیستی به کار خواهد آمد و کمبود یا فقدان آن در حکم سدی اساسی برای رفتارهای مثبت محیط زیستی است. از این رو برای رسیدن به درک و دانش بالای محیط زیستی و ارتقاء فرهنگ مؤثر در این زمینه، آموزش و توسعه برنامه های آموزش محیط زیست از عوامل مهم به شمار می آید.

منابع و ماخذ

۱. بریمانی، مهدی و کعبی نژادیان، عبدالرزاق (۱۳۹۳)، «انرژی های تجدیدپذیر و توسعه پایدار در ایران»، ص ۲۱-۲۶، شماره ۱، فصلنامه علمی - تخصصی انرژی های تجدیدپذیر و نو.
۲. حمیدیان، علی (۱۳۹۰)، «لزوم توجه به فرهنگ محیط زیستی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه تهران)»، موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، باغ گیاهشناسی ملی ایران، نخستین همایش باغ گیاهشناسی ملی ایران.
۳. رحمانی، مجید (۱۳۹۳)، «فن آوری هسته ای: مبانی، سیستم ها و کاربردها»، اصفهان: نشر کنکاش
۴. صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۲)، «محیط زیست در آموزش عالی: ارزیابی دانش زیست محیطی دانشجویان دانشگاه های دولتی مازندران»، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال دوم، شماره ۴، ۱۹۹-۲۲۰.

خصوص روش های ارزیابی و چگونگی ارتقاء فرهنگ ایمنی بوده است و نتایج حاکی از آن است که آموزش و ارزشیابی برنامه های آموزشی نقش مهمی را در ارتقاء فرهنگ ایمنی ایفاء می نمایند. در تحقیقات داخلی، محمدفام و نظام الدینی سطح تحصیلات بالاتر را از دلایل بالا بودن نمره فرهنگ ایمنی در میان کارکنان برشمرده شده اند که با تحقیق حاضر هم سو بوده است. از دیگر تحقیقات انجام شده داخلی، تحقیق حمیدیان در خصوص ارزیابی فرهنگ محیط زیستی دانشجویان دانشگاه تهران می باشد که نتایج تحقیقات انجام شده همانند تحقیق حاضر، نشان داده است که با افزایش تحصیلات، میانگین فرهنگ محیط زیست افزایش می یابد، از دیگر نتایج تحقیق انجام شده، آن است که دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر توجه بیشتری به محیط زیست داشته اند ولیکن در تحقیق حاضر، بین فرهنگ محیط زیستی کارکنان و جنسیت تفاوت معنی داری وجود ندارد. از این رو، می توان نتیجه گرفت که فرهنگ محیط زیستی می تواند با متغیرهای مختلفی رابطه برقرار کند و لذا، همبستگی احتمالی بر حسب متغیرهای مختلف متفاوت است. بنابراین، ادعای وجود همبستگی میان متغیرهای مختلف و فرهنگ محیط زیستی نیز نیازمند تحقیق تجربی است که با تحقیق صالحی و پازوکی نژاد هم سو می باشد. در یک جمع بندی کلی می توان اذعان نمود، افرادی می توانند از محیط زیست حمایت کنند که اطلاعات کافی از موضوعات محیطی داشته باشند، آگاهی محیط زیست یک پیش شرط لازم است تا فرد در زمینه

dissonance?" Journal of Management Studies, No. 39, pp.419- 436.

14. IAEA-TECDOC (International Atomic Energy Agency) (2002), "Self-assessment of safety culture in nuclear installations", VIENNA. IAEA-TEC-DOC-1321.

15. NEA/IAEA (Nuclear Energy Agency/International Atomic Energy Agency) (2012), "Oversight and influencing of licensee leadership and management for safety, including safety culture-regulatory approaches and methods", Nuclear Safety, Workshop Chester, United Kingdom, NEA/CSNI/R/13.

16. Pidgeon, N. and O'Leary, M. (2000), "Manmade disasters: why technology and organizations (sometimes) fail", Safety Science, No. 34, pp.15-30.

17. Reason, J. (1998), "Achieving a safe culture: theory and practice", Work & Stress, No.3, pp.293-306.

18. S.H.A. (Safety, and Health Associates) (2003), "Safety Culture Evaluation of the Davis- Esse Nuclear Power Station", Courtesy of Human Performance Analysis, Performance, Safety, and Health Associates, Inc.

19. Smith, T. j. (2012), "Promoting Safety Culture", University of Southampton, RWEN Power/Horizon Nuclear Power.

20. Viktorsson, C. (2007), "Human Resource Management in Nuclear Safety", International Atomic Energy Agency, Nuclear Installations Safety.

21. WCED (World Commission on Environment and Development) (1987), "Our Common Future", Oxford: Oxford University Press.

۵. عبدلی، محمدعلی و دریایی‌گی زند، علی (۱۳۸۵)، «ارزیابی تولید الکتریسیته هسته‌ای در ایران از نظر زیست محیطی»، ص ۱۳۹-۱۵۳، شماره ۵۷، پژوهش‌های جغرافیایی.

۶. کاکایی، حجت‌الله؛ هاشمی‌نژاد، ناصر؛ محمدفام، ایرج؛ شکوهی، مصطفی؛ احمدی، مهدی؛ کاکایی، حبیب‌الله؛ نصرالهی، عباس و بسطامی‌نژاد، صیاد (۱۳۹۱)، «ارزیابی علل حوادث شغلی رخ داده در پالایشگاه نفت کرمانشاه با استفاده از چک لیست تارانت طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۶۳»، ص ۴۴-۵۲، شماره ۲، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام.

۷. محمدفام، ایرج (۱۳۸۷)، «ارزیابی فرهنگ ایمنی، بهداشت و محیط زیست در یک نیروگاه»، ص ۴۰۹-۴۱۷، اولین کنفرانس نیروگاه‌های برق، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین.

۸. محمد فام، ایرج و کیانفر، علی (۱۳۸۹)، «کاربرد تکنیک مطالعه عملیات و خطر در ارزیابی خطرات ایمنی، بهداشتی و زیست محیطی»، ص ۳۹-۴۹، شماره ۱، علوم و تکنولوژی محیط زیست.

۹. محمدفام، ایرج و نظام‌الدینی، زینب‌السادات (۱۳۸۹)، «ارزیابی تأثیر مداخلات فنی در ارتقاء فرهنگ ایمنی»، ص ۶۶-۷۴، شماره ۳، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم بهداشتی.

10. Aselage, J. and Eisenberger, R. (2003), "Perceived organizational support and psychological contracts: A theoretical integration", Journal of Organizational Behavior, No.24, pp.491-509.

11. Electrabel (2014), "Awareness on safety culture, security, radiation protection and Environment", Safety Culture vol. 3-20140101

12. ENSI (Swiss Federal Nuclear Safety Inspectorate) (2014), "Oversight of Safety Culture in Nuclear Installations", ENSI Report on Oversight Practice, ENSI-AN-8980

13. Gherardi, S. and Nicolini, D. (2002), "Learning in a constellation of interconnected practices: canon or

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۳۹۴

بررسی تاثیر پیگمالیون در رفتار شهروندی و سلامت سازمانی در اداره کل فنی و حرفه ای استان اردبیل

داریوش محمدی* - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور واحد اردبیل، اردبیل، ایران.

Pygmalion effect on organizational citizenship behavior and health in the General Directorate of Technical and Vocational Ardabil

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of Pygmalion in organizational citizenship behavior and health in the General Directorate of Technical and Vocational Ardabil. The research was descriptive and correlational in terms of purpose and is conducted in this field. The study population included all employees of the General Department of Vocational province was considered that their number was 284 people. Cochran sampling formula was based on a sample size of 163 people. To collect the data, organizational citizenship behavior questionnaire Oregon and Kanvsky (OCB) (1989) and Organizational Health Inventory (OHI) Hui and colleagues (1996) and Pygmalion effect of self-made questionnaire containing 20 questions was used. To analyze the data, descriptive statistics (frequency tables mean and standard deviation) and inferential statistics (Pearson correlation coefficient and multiple regressions) are used in which the impact of the Pygmalion effect on organizational health and organizational citizenship behavior using SPSS19 software were analyzed. The results showed that the management of funds reasoning based on the Pygmalion effect there is a significant relationship between Ray and organizational citizenship behavior ($0.05 > P$). In the dimensions of organizational citizenship behavior after staff conscience highest correlation ($0.408r =$) is the Pygmalion effect; Also a significant relationship between organizational health and organizational Pygmalion effect there ($0.05 > P$). The dimensions of organizational health and citizenship behavior is explained by a factor of 77% and 82% could have a role in predicting the Pygmalion effect. Thus organizational citizenship behavior and organizational health in predicting the Pygmalion effect on the efficiency.

Keywords: Pygmalion effect, citizenship behavior, organizational health, technical and professional.

چکیده

هدف کلی این تحقیق بررسی تاثیر پیگمالیون در رفتار شهروندی و سلامت سازمانی در اداره کل فنی و حرفه ای استان اردبیل بود. روش تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی است به لحاظ هدف کاربردی بوده و به صورت میدانی انجام شده است. در این تحقیق جامعه آماری کلیه کارکنان اداره کل فنی و حرفه ای استان اردبیل در نظر گرفته شد که تعداد آن ها ۲۸۴ نفر بود. حجم نمونه بر اساس فرمول نمونه برداری کوکران ۱۶۳ نفر بود. برای جمع آوری داده ها از پرسش نامه پرسشنامه رفتار شهروندی سازمانی اورگان و کانوسکی (OCB) (۱۹۸۹) و پرسشنامه سلامت سازمانی (OHI) هوی و همکاران (۱۹۹۶) و پرسشنامه محقق ساخته تاثیر پیگمالیون که شامل ۲۰ گویه بود، استفاده شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی (جداول فراوانی میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) استفاده شده است که در آن تاثیر تاثیر پیگمالیون بر سلامت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی با استفاده از نرم افزار SPSS19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین مدیریت بر مبنای تعقل جوه تاثیر پیگمالیون ری و رفتار شهروندی سازمانی رابطه معنی داری وجود دارد ($P < 0.05$). در بین ابعاد رفتار شهروندی سازمانی بعد وجدان کارکنان دارای بیشترین میزان همبستگی ($0.408r =$) با اثر پیگمالیون دارد. همچنین بین سلامت سازمانی و تاثیر پیگمالیون سازمانی رابطه معنی داری وجود دارد ($P < 0.05$). در بین ابعاد سلامت سازمانی بعد روحیه کارکنان دارای بیشترین میزان همبستگی ($0.411r =$) با تاثیر پیگمالیون دارد ($P < 0.01$). ابعاد ملاحظه گری و تاکید علمی رابطه معنی داری با تاثیر پیگمالیون در اداره کل فنی و حرفه ای استان اردبیل نداشتند ($P > 0.05$). همچنین ابعاد سلامت سازمانی و رفتار شهروندی با ضریب تبیین به ترتیب ۷۷ و ۸۲ درصد توانستد در پیش بینی میزان تاثیر پیگمالیون نقش داشته باشند. بنابراین رفتار شهروندی سازمانی و سلامت سازمانی در پیش بینی تاثیر پیگمالیون در سازمان کارایی دارد.

واژگان کلیدی: اثر پیگمالیون، رفتار شهروندی، سلامت سازمانی، فنی و حرفه ای.

مقدمه

سازمان فنی و حرفه‌ای به عنوان اساس و زیربنای توسعه حرفه‌ای، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه است، امروزه در اغلب کشورها فنی و حرفه‌ای صنعت رشد قلمداد می‌شود و پس از امور دفاعی بیشترین بودجه دولتی را به خود اختصاص می‌دهد. از آنجایی که بخش قابل توجهی از آموزش فنی و حرفه‌ای در کارگاه‌های عملی صورت می‌گیرد، مراکز فنی حرفه‌ای به عنوان یک نظام آموزشی کاربردی حساس و مهم، از جایگاه خاصی برخوردارند. مراکز فنی حرفه‌ای در صورتی خواهند توانست وظیفه خطیری را که به دوش آنهاست به نحو احسن انجام دهند که سازمان‌های سالم و پویایی باشند. «کامیابی فراخود» (Self-fulfilling Prophecy) در کنار نظریه اسناد از کاربردهای مهم فرآیند ادراکی در سازمان و رفتار سازمانی است. این پدیده برای اولین بار توسط «رابرت مرتون» برای توضیح علت برشکستگی بانک‌های خوش نام آمریکا در سال‌های رکود اقتصادی مطرح شد. در آن زمان، باور غلط مرد باعث شد تا صاحبان سپرده‌های بانکی تلاش کنند پس اندازهای خود را از بانک بگیرند (P. Hersey and K.H. Blanchard, ۱۹۸۹). بعدها، «استرلینگ لیوینگستون»، پس از مشاهده نتیجه یک آزمایش، این پدیده را اثر پیگمالیون نامید. نتایجی که او مشاهده کرده بود، ناشی از یک علت مستقل نبود بلکه حاصل انتظاراتی بود که پژوهشگر ناخودآگاه به افراد القا کرده بود. با دانستن این که قرار است افراد به گونه‌ای خاص رفتار کنند، این پیش ذهن موجب شد آنان به گونه‌ای که انتظار می‌رفت رفتار کنند (P. Loftus, ۱۹۹۵). «اثر پیگمالیون» (Pygmalion effect) اشاره به یک پدیده روانشناسی دارد که بر اساس آن افراد نسبت به سطح انتظارات دیگران واکنش‌های مستقیم نشان می‌دهند. برای نمونه اگر معلمی براین باور باشد که بچه‌ای کند ذهن است، خود بچه هم باور می‌کند و واقعاً دیر یاد می‌گیرد در عین حال عکس این نیز صادق است و اگر از کسی انتظارات بالایی برود او تلاش خود را برای دست‌یافتن به چنین انتظاری

بالاتر می‌برد. اثر پیگمالیون ابزار مهمی در اداره سازمانها است. این نظریه مدیران را آگاه می‌کند که عامل موفقیت کارمندان، تنها به شرایط، کیفیت و صلاحیت شخص یا به محیط کار بستگی ندارد. مدیران همیشه باید کارمندانشان را باور داشته باشند و از آنان انتظار موفقیت با بهترین نتایج داشته باشند؛ زیرا در چنین وضعیتی، کارمندان همیشه این باور را احساس کرده و بهترین مهارت‌ها و توانایی‌هایشان را نشان خواهند داد (Murphy, D. And Campbell, c. and Garavan, ۱۹۹۹).

«جوهره کامیابی فراخود» یا «اثر پیگمالیون» این است که باورها و انتظارات افراد تعیین کننده رفتار و عملکرد آنهاست. عملکرد واقعی افراد تحقق انتظارات آنهاست. انسان بر مبنای ادراک خود از واقعیت (نه خود واقعیت) عمل می‌کند و تلاش می‌کند که ادراک از واقعیتش تحقق یابد، چیزی که اهمیت ندارد فاصله این ادراک از واقعیت است. تحقیقات نشان می‌دهد که اثر پیگمالیون موضوعی فراتر از یک تفکر مثبت است. پیگمالیون علاوه بر تفکر و باور قلبی به موفقیت، نیاز به انجام اقدامات عملی هم دارد. پیگمالیون تنها در مورد زن ایده‌آلش فکر نمی‌کرد. او به آفرینش گالیتی (مجسمه موردنظر) کمک کرد. پروفیسور هی جینز برای کمک به الیزا دولیتل برای ارتقا تا سطح انتظارش سعی کرد و سرانجام موفق شد (L. Loftus, ۱۹۹۵: ۸۳). به نظرمایلز سلامت سازمانی عبارت است از دوام و بقای سازمان در محیط خود و سازگاری با آن و ارتقا و گسترش توانایی خود برای سازگاری بیشتر. از نظر «لایدن و کلینگل» سلامت سازمانی یک مفهوم تقریباً تازه‌ای است و شامل توانایی سازمان برای انجام وظایف خود به طور موثر و رشد و بهبود سازمان می‌گردد. یک سازمان سالم جایی است که افراد می‌خواهند در آنجا بمانند و کار کنند و خود افرادی سودمند و موثر باشند (علاقه بند، ۱۳۷۸). سلامت سازمانی را «مایلز» در سال ۱۹۶۹ تعریف کرد و ضمن پیشنهاد طرحی برای سنجش سلامت سازمانها، خاطر نشان کرد که سازمان همیشه سالم نخواهد بود. به نظر او سلامت سازمانی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

اشاره می کند به دوام و بقای سازمان در محیط خود و سازگاری با آن و ارتقا و گسترش توانایی خود برای سازش بیشتر. «لایدن و کلینگل» در مورد سلامت سازمانی می نویسند؛ سلامت سازمانی مفهوم تقریباً تازه ای است و تنها شامل توانایی سازمان برای انجام وظایف به طور موثر نیست بلکه شامل توانایی سازمان برای رشد و بهبود نیز می گردد. ناظران در سازمانهای سالم کارکنانی متعهد و وظیفه شناس، روحیه بالا، کانال های ارتباطی باز و موفقیت بالا می یابند و یک سازمان سالم جایی است که افراد می خواهند در آنجا بمانند و کار کنند و به آن افتخار کنند و خود افرادی سودمند و موثر هستند (خشوعی، و نوری، ۱۳۹۲). از طرفی فلاسفه آراء خود را در خصوص بروز چنین رفتارهایی به پایبندی به فضیلت اخلاقی، معطوف ساخته اند. از دیدگاه آنان پایبندی به فضائل اخلاقی، نشاندهنده سلامت سازمان بوده و مانع از افراط و تفریط در اعمال و احساسات می شود. از دیدگاه آنان این تعادل، قلب فضیلت مندی است و به کارکنان اجازه میدهد عمل درست را به دلایل درست، در زمان درست، به شیوه های درست و به میزان متعادل انجام دهند (آرجون، ۲۰۰۰).

مفهوم رفتار شهروندی سازمانی اولین بار توسط «باتمن و ارگان» در اوایل ۱۹۸۰ به دنیای علم ارائه شد. ارگان (۱۹۸۸) معتقد است که رفتار شهروندی سازمانی، رفتار فردی و داوطلبانه است که مستقیماً بوسیله نظام های رسمی پاداش در سازمان طراحی نشده، اما با وجود این باعث ارتقاء اثربخشی و کارایی سازمان می شود (زارعی متین و همکاران، ۱۳۸۸). رفتار شهروندی در سه دهه اخیر موضوع بسیاری از تحقیقات بوده است. یک دسته از تحقیقات به عوام ایجاد کننده رفتار شهروندی سازمانی متمرکز بوده است. در این زمینه عواملی از قبیل هویت سازمانی، عدالت سازمانی و رابطه رهبر و پیرو بعنوان عوامل ایجاد کننده رفتار شهروندی سازمانی مطرح شده اند. دسته دیگر روی مفهوم رفتار شهروندی سازمانی متمرکز بوده و تلاش کرده اند تا ابعاد آن را شناسایی و مقیاس های استاندارد برای سنجش آن ایجاد کنند (بنیستوک و همکاران،

۲۰۰۳). دسته سوم نیز بر پیامدهای رفتار شهروندی سازمانی از قبیل عملکرد سازمانی، اثربخشی سازمانی، موفقیت سازمانی، رضایت مشتری، وفاداری مشتری و سرمایه اجتماعی متمرکز شده اند (ملی پور و پورعزت، ۱۳۸۷). محققان ضمن تأیید آثار مثبت رفتار شهروندی سازمانی اعتقاد داشتند که مشکل مدیران فراهم سازی زمینه بروز چنین رفتارهایی در سازمان است. چراکه این رفتارها داوطلبانه و قراردادهای کار و سیستم ارزیابی عملکرد رسمی سازمان قرار نمی گیرند. این رفتارها با وجود اینکه در ارزیابی های سنتی عملکرد شغلی بطور ناقص اندازه گیری می شدند و یا حتی گاهی اوقات مورد غفلت قرار می گرفتند، اما در بهبود اثربخشی سازمانی مؤثر بودند (آقای، ۱۳۸۶). رفتار شهروندی سازمانی برای هر سازمانی مطلوب است، چرا که با متغیرهایی سازمانی مهمی همچون رضایت شغلی، نگهداری سیستم و بهره وری سازمانی ارتباط دارد. نتایج مطالعات نشان می دهد که مدیران می توانند رفتار شهروندی سازمانی را با ایجاد یا بهبود محیطی کاری مثبت پرورش دهند. بجای آن که متوسل به زور و اجبار شوند، به فرایندهای انتخاب یا استخدام یا جامعه پذیری اتکا نمایند تا این رفتارها را ایجاد نمایند (اسلامی، ۱۳۸۷). بررسی رفتار فردی در محیط کار توجه محققان را در یک دهه گذشته به میزان زیادی به خود معطوف ساخته است. زمانی که این مفهوم مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد، انواع مختلفی از رفتار شامل نوع دوستی، وجدان، جوانمردی، رفتار مدنی، ادب و ملاحظه می گردد. هدف مشترک این مطالعات، تعریف نوع رفتار فردی است که براین باور است به موفقیت بلند مدت سازمان کمک می کند که پیش از این در ارزیابی عملکرد کارکنان و بهره وری آنان نادیده گرفته می شد (مایل افشار و همکاران، ۱۳۹۱). مطالعات «رابرت روزنتال» (Robert Rosenthal) و «لنور جاکوبسن» (Lenore Jacobson) در سال ۱۹۶۸ نشان دادند که انتظار بالای معلمان از دانش آموزان باعث افزایش سطح عملکرد بچه ها، می شود. آزمایش در مورد کامیابی فراخود از این قرار بود، در

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

یک مدرسه ابتدایی در کالیفرنیا، آزمون بهره هوشی (IQ: Intelligence Quotient) از دانش‌آموزان مدرسه صورت گرفت. پس از انجام این آزمون صوری و بی پایه، محققان به معلمان اطلاع دادند که بعضی از دانش‌آموزان از استعداد بسیار بالایی برخوردار هستند. در حالی که دانش‌آموزان به طور تصادفی به گروه آزمایش «استعدادهای درخشان» و گروه کنترل «استعداد متوسط» تقسیم شدند. پس از چند ماه، تحقیق نشان داد، دانش‌آموزانی که تصادفی به عنوان گروه استعداد درخشان تعیین شده بودند، نسبت به گروه کنترل نمرات بسیار بالایی از آزمون‌های واقعی کسب کردند. معلمان گروه استعداد درخشان (گروه آزمایش) نتایج بسیار بهتری گرفتند. دلیل این امر، این بود که این دانش‌آموزان با انتظارات بالا، بازخورد زیاد و تشویق برای موفقیت از جانب معلمان مواجه بودند و عملکرد بهتری را از خود نشان دادند. اما، گروه استعداد متوسط (گروه کنترل) عملکرد بالایی نداشت، چون معلمان نتایج چشمگیر و فوق‌العاده‌ای از آن‌ها انتظار نداشتند. بعدها، مطالعات نشان داد که انتظارات بالای مدیر به انتظارات بالا در خود کارمند منجر می‌شود. انتظارات بالای کارمند، تلاش زیادی را در وی برمی‌انگیزاند و این تلاش زیاد به عملکرد بالایی منجر می‌شود و انتظارات مدیر برآورده می‌شود و در نتیجه انتظار از خود کارمند نیز بهبود می‌یابد. تحقیقات مشابه در حوزه‌ها و فعالیت‌های دیگر نشان داد که انتظارات بالای مدیران به سطح موفقیت و بهره‌وری بیشتر منجر می‌شود. از آنجا که آزمودنی‌های این تحقیقات در حوزه‌های مختلف نظامی، مرد بودند تحقیقات دیگر نمونه‌های وسیع‌تری را مدنظر قرار دادند و هر دوی زنان و مردان را مورد مطالعه قرار دادند و ملاحظه کردند که اثر پیگمالیون در مورد زنان و مردان عمل می‌کند ولی مدیران زن نتوانستند اثر پیگمالیون معناداری را ایجاد کنند. نتیجه این مطالعه این بود که اثر پیگمالیون در زنان و مردان زمانی ایجاد می‌شود که مدیر مرد است ولی وقتی مدیر زن است چنین اثری ایجاد نمی‌شود.

انعکاس انتظارات مثبت از زیردستان، شاگردان باعث ارتقای سطح عملکرد کارکنان می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان داده که با انعکاس این انتظارات کارکنان، زیردستان و افراد تحت تعلیم، نه تنها دارای عملکرد و بازده بهتر و بالاتری هستند، بلکه برای یادگیری نیز به زمان کمتری نیاز دارند و سریع‌تر از بقیه، مطالب را فرا می‌گیرند. افراد با پتانسیل بالاتر در ارزیابی توسط همکاران شان نیز عملکرد بالاتری را نشان داده بودند و موجب بهبود رفتار سازمانی و سلامت سازمانس خواهد شد. بنابراین در خصوص تاثیر پیگمالیون بر رفتار سازمانی و سلامت سازمانی در اداره کل فنی و حرفه ای استان اردبیل تحقیقات میدانی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. تحقیق حاضر بر این است که نقش پیگمالیون در سلامت سازمان و رفتار سازمانی کارکنان اداره کل فنی و حرفه ای استان اردبیل را بررسی نماید. تا بتوان با توجه به نتایج آن سازمان‌ها بخصوص سازمان‌های فنی و حرفه ای را به اهمیت تاثیر پیگمالیون در سازمان خود واقف نمود.

مواد و روش‌ها

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کارکنان اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل (۲۸۴ نفر) که در مقطع زمانی اجرای پژوهش (۱۳۹۴) در لیست اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل به فعالیت مشغول بودند. در این پژوهش به دلیل بزرگ بودن حجم جامعه، تعداد ۱۶۳ نفر از جامعه بصورت تصادفی با استفاده از فرمول کوکران بعنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه تحقیق حاضر از دو بخش تشکیل یافته که سعی داشته تا برخی از ویژگی‌های فردی و شغلی کارکنان نظیر جنسیت، پست سازمانی، سابقه خدمت، میزان تحصیلات، وضعیت سنی وضعیت استخدامی را بسنجد. پرسشنامه رفتار شهروندی سازمانی اورگان و کانوسکی (OCB) (۱۹۸۹) شامل سوالات ۱ الی ۱۵ می‌باشد که شامل متغیرهایی چون نوع دوستی، وجدان، جوانمردی، رفتار مدنی، ادب و ملاحظه می‌باشد. پرسشنامه سلامت سازمانی: ویلسون (۲۰۰۱) سلامت سازمانی را با بهداشت روانی محیط کار مترادف گرفته

و سازمان سالم را سازمانی می‌داند که بتواند میزان افسردگی، ناامیدی، نارضایتی و غیره در کارکنان را به حداقل برساند. سلامت سازمانی عبارت است از توانایی سازمان در حفظ بقاء و سازش با محیط و بهبود این توانایی. پرسشنامه سلامت سازمانی (OHI) هوی و همکاران (۱۹۹۶) که این پرسشنامه هفت بعد سلامت سازمانی یعنی: ۱. یگانگی نهادی؛ ۲. نفوذ مدیر؛ ۳. ملاحظه‌گری؛ ۴. ساخت‌دهی؛ ۵. پشتیبانی منابع؛ ۶. روحیه؛ ۷. تاکید علمی را مورد سنجش قرار می‌دهد. پرسشنامه دارای ۴۴ گویه می‌باشد. پورتی (۲۰۰۱) برای این پرسشنامه ضریب اعتبار ۹۰٪ و روایی ۷۰٪ را گزارش نموده است. پرسشنامه اثر پیگماليون محقق ساخته و دارای ۲۰ گویه بود. روایی آن توسط اساتید گروه مدیریت و متخصصان مورد تایید قرار گرفت و بعد از بررسی پایایی با ۳۰ نمونه (۷۸ درصد پایا) از کارکنان مورد استفاده قرار گرفت. تحقیق حاضر تحقیقی توصیفی، پیمایشی، و همبستگی است؛ لذا در تحلیل داده‌ها سعی شده از آماره‌های توصیف، ضریب پایایی، آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۱۹ برای بررسی روابط بین متغیرها بهره گرفته شد.

یافته تحقیق

تعداد ۱۶۳ نفر از کارکنان اداره فنی و حرفه‌ای استان اردبیل مورد بررسی قرار گرفتند. میزان ۹,۴ درصد از کارکنان را زن و ۹۰,۶ درصد را مرد تشکیل می‌داد. همچنین در میان نوع شغل کارکنان ۴۰,۰ درصد (۶۵ نفر) دارای دارای عنوان کارشناس هستند که بیشترین تعداد و ۳,۵ درصد (۶ نفر) مدیر ارشد و دارای کمترین فراوانی بود. در توزیع سابقه خدمت کارکنان ۴۷,۱ درصد (۷۷ نفر) دارای سابقه ۶ تا ۱۰ سال دارای بیشترین فراوانی و ۴,۷ درصد (۸ نفر) دارای سابقه ۱۱ تا ۱۵ سال دارای کمترین فراوانی می‌باشند و ملاحظه می‌شود که ۰,۰ درصد (۰ نفر) از اعضای نمونه آماری دارای تحصیلات کمتر از دیپلم و همچنین تحصیلات دکتری داشتند و بدون فراوانی بودند، ولی ۳۰,۶ درصد (۵۰ نفر)

دارای تحصیلات لیسانس و دارای بالاتر فراوانی می‌باشند؛ لذا بیشتری تعداد پاسخگویان را افراد با مدرک لیسانس تشکیل می‌دهد. در شاخص سن ملاحظه می‌شود که ۲۳,۵ درصد (۳۸ نفر) از اعضای نمونه آماری دارای سن ۲۰ تا ۳۰ سال می‌باشند در حالی که ۳۶,۵ درصد افراد ۳۱ تا ۴۰ ساله و ۳۰,۶ درصد نیز افراد ۴۱ تا ۵۰ ساله می‌باشند، لذا بیشترین تعداد افراد نمونه آماری را افراد بین ۳۱-۴۰ سال تشکیل داده‌اند. میان کارکنان از نظر شاخص وضعیت استخدام ۸۷,۹ درصد (۱۴۳ نفر) دارای وضعیت استخدام رسمی و بیشترین فراوانی می‌باشند؛ همچنین ۱۲,۱ درصد (۲۰ نفر) دارای وضعیت استخدام شرکتی و کمترین فراوانی را دارند. تحلیل آماره‌های توصیفی هر یک از عوامل مرتبط با سلامت سازمان و رفتار شهروندی سازمان و اثر پیگماليون بر اساس میانگین طیف به دست آمده، سطح متوسطی را برای هر یک از ایت‌های مورد ارزیابی نشان می‌دهد. نتایج توصیفی در کنار وضعیت میانگین اختصاصی یافته برای هر یک از عوامل در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است. بیشترین میانگین مربوط به بعد ادب و ملاحظه در متغیر رفتار شهروندی سازمانی (۴,۴۲) با کمترین انحراف معیار و کمترین میزان مربوط به بعد نوع دوستی (۳,۱۴) بود. همچنین توزیع پراکندگی میزان بعد سلامت سازمان نشان داد که بعد نفوذ مدیر (۴,۲) دارای بیشترین میانگین و بعد تاکید علمی (۲,۹۸) کمترین میزان میانگین را داشت. همچنین نتایج توصیفی نشان داد که میزان اثر پیگماليون اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل در حدود ۱۸,۵۹ و متوسط به بالا بود.

برای ارزیابی پایایی ابزار اندازه‌گیری از روش الفای کرونباخ استفاده شده است که در آن ایده اصلی به این صورت است که مقدار آن بین صفر و یک در نوسان است که طبق این روش هر اندازه پایایی گویه‌ها به سمت یک میل کند و یا نزدیک شود ابزار اندازه‌گیری دارای پایایی بالا و لذا ابزار اندازه‌گیری برای ادامه تحقیق مناسبتر خواهد بود. در پایان تحقیق برای پرسشنامه‌ها پایایی گرفته شد. بررسی نشان داد که

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

جدول ۱. آماره مربوط به متغیرهای مورد بررسی

متغیر	ایتم‌ها	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی
رفتار شهروندی	نوع دوستی	۱۶۳	۳.۱۴	۰.۲۳۴	۰.۰۵۵	۰.۸۷
	وجدان	۱۶۳	۴.۲۴	۰.۳۶۲	۰.۱۳۰	۰.۶۳۵
	جوانمردی	۱۶۳	۳.۷۵	۰.۴۲۱	۰.۱۷۷	۰.۷۲۱
	رفتار مدنی	۱۶۳	۳.۶۱	۰.۶۲۱	۰.۳۸۵	-۱.۰۴
	ادب و ملاحظه	۱۶۳	۴.۴۲	۰.۲۴۱	۰.۰۵۸	۰.۳۸۷
سلامت سازمانی	یگانگی نهادی	۱۶۳	۳.۳۲	۰.۳۲۵	۰.۱۰۵	۰.۶۶۵
	نفوذ مدیر	۱۶۳	۴.۱۲	۰.۶۵۲	۰.۴۲۵	-۱.۰۵
	ملاحظه‌گری	۱۶۳	۳.۱۵	۰.۳۲۱	۰.۱۰۳	-۰.۳۶۲
	ساخت‌دهی	۱۶۳	۴.۲	۰.۴۷۸	۰.۲۲۸	-۱.۰۲
	پشتیبانی منابع	۱۶۳	۳.۰۸	۰.۳۶۲	۰.۱۳۱	۰.۶۲۱
	روحیه	۱۶۳	۳.۲۶	۰.۲۴۴	۰.۰۵۷	-۰.۳۱۱
	تاکید علمی	۱۶۳	۲.۹۸	۰.۳۲۵	۰.۱۰۵	-۰.۵۶۴
اثر پیگماليون	۱۶۳	۱۸.۵۸	۱.۴	۱.۹۶	۰.۱۲۴	

جدول ۲. نتایج تحلیل پایایی گویه‌های مربوط به پرسشنامه‌ها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پرسشنامه	تعداد ایت‌م	تعداد پرسشنامه	ضریب پایایی (الفای کرونباخ)
رفتار شهروندی	۱۵	۱۶۳	۰.۷۹۵
سلامت سازمانی	۴۸	۱۶۳	۰.۸۲۴
اثر پیگماليون	۲۰	۱۶۳	۰.۸۷۶

جدول ۳. آزمون نرمال بودن (Kolmogorow – Smirnow test) توزیع داده های مورد بررسی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره K-S	احتمال آماره K-S
رفتار شهروندی	۱۶۳	۳.۱۴	۰.۲۳۴	۱.۰۷	۰.۲۹۱
نوع دوستی	۱۶۳	۴.۲۴	۰.۳۶۲	۱.۰۲۱	۰.۲۵۶
وجدان	۱۶۳	۳.۷۵	۰.۴۲۱	۰.۸۲۰	۰.۶۵۳
جوانمردی	۱۶۳	۳.۶۱	۰.۶۲۱	۰.۵۶۲	۰.۶۵۸
رفتار مدنی	۱۶۳	۴.۴۲	۰.۲۴۱	۰.۸۵۴	۰.۳۵۹
ادب و ملاحظه	۱۶۳	۳.۱۴	۰.۲۳۴	۰.۷۸۱	۰.۴۲۵
سلامت سازمانی	۱۶۳	۴.۱۲	۰.۶۵۲	۰.۵۲۴	۰.۶۲۳
یگانگی نهادی	۱۶۳	۳.۳۲	۰.۳۲۵	۰.۶۵۸	۰.۴۲۱
نفوذ مدیر	۱۶۳	۴.۱۲	۰.۶۵۲	۰.۸۷۱	۰.۳۱۲
ملاحظه‌گری	۱۶۳	۳.۱۵	۰.۳۲۱	۰.۳۵۲	۰.۶۵۸
ساخت‌دهی	۱۶۳	۴.۲	۰.۴۷۸	۰.۶۲۲	۰.۴۶۲
پشتیبانی منابع	۱۶۳	۳.۰۸	۰.۳۶۲	۰.۳۹۸	۰.۵۰۴
روحیه	۱۶۳	۳.۲۶	۰.۲۴۴	۰.۹۱۱	۰.۲۱۱
تاکید علمی	۱۶۳	۲.۹۸	۰.۳۲۵	۰.۴۸۲	۰.۷۴۳
اثر پیگماليون	۱۶۳	۱۸.۵۸	۱.۴	۰.۶۱۸	۰.۳۶۲

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۴۰۱

پرسشنامه های رفتار شهروندی، سلامت سازمانی و اثر پیگماليون به ترتیب با پایایی ۷۹ و ۸۲ و ۸۷ درصد، پایا می باشند. نتایج آزمون نرمال بودن کلموگروف- اسمیرنوف در جدول نشان داده شده است. سطح معنی داری بالای ۰/۰۵ در احتمال آماره در متغیرها نشان دهنده نرمال بودن متغیرها و استفاده از آزمون پارامتریک برای آزمون فرض است. طبق نتایج بدست آمده در جدول شماره ۴ ضریب همبستگی بین اثر پیگماليون و رفتار شهروندی سازمانی نشان می دهد که همبستگی معنی دار ($P < 0/05$) ما بین متغیرها وجود دارد و همچنین مثبت بودن این ضریب نشانگر تغییرات در جهت افزایش یک متغیر با افزایش متغیر دیگر است. لذا با افزایش هر واحد از اثر

پیگماليون ابعاد متغیر رفتار شهروندی سازمانی افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر بین اثر پیگماليون و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل رابطه معنی-دار وجود دارد. همبستگی بالای اثر پیگماليون با بعد وجدان دارای بیشترین میزان همبستگی بین ابعاد رفتار شهروندی سازمانی می باشد و نشان از اهمیت وجدان کاری برای کارکنان اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل دارد. بنابراین مدیران اداره کل فنی و حرفه‌ای در کنار فرآیندهای اداری می توانند به گونه‌ای جدی و حساب شده سایر ابعاد کاری کارکنان را در سطوح مختلف شناسایی و موجبات تامین تمام ابعاد مختلف رفتار شهروندی سازمانی آنها را فراهم آورند. همچنین بعد رفتار مدنی از ابعاد رفتار شهروندی سازمانی کمترین میزان همبستگی را نسبت

جدول ۴. ارتباط بین اثر پیگمالیون و رفتار شهروندی سازمانی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

تعداد	سطح معنی داری	ضریب همبستگی پیرسون	
۱۶۳	۰/۰۱۷	۰/۳۳۲*	نوع دوستی
۱۶۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰۸**	وجدان
۱۶۳	۰/۰۰۰	۰/۳۱۵**	جوانمردی
۱۶۳	۰/۰۱۴	۰/۲۴۲*	رفتار مدنی
۱۶۳	۰/۰۴۲	۰/۲۰۴*	ادب و ملاحظه

انسجام و بخشش) بر پیش‌بینی میزان اثر پیگمالیون در فنی و حرفه‌ای تاثیر معنی داری دارد؛ لذا فرضیه‌های فرعی تحقیق رد نمی‌شود. با توجه به ضریب تعیین، مقدار ۰,۸۲۳ از تغییرات متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای توضیحی معنی دار شده در مدل توضیح داده شود.

در جدول شماره ۷ رگرسیون چندگانه نتایج حاصل از رگرسیون عوامل اثر پیگمالیون بر ابعاد سلامت سازمانی کارکنان اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل نشان داده شده است. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون فرضیه فرعی (به جز ملاحظه‌گری و تاکید علمی) بر پیش‌بینی میزان اثر پیگمالیون در فنی و حرفه‌ای تاثیر معنی داری دارد. لذا فرضیه‌های فرعی تحقیق رد نمی‌شود. با توجه به ضریب تعیین، مقدار ۰,۷۶۹ از تغییرات متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای توضیحی معنی دار شده در مدل توضیح داده شود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به نتایج بدست آمده در تحقیق حاضر بین ابعاد مختلف رفتار شهروندی سازمانی با اثر پیگمالیون رابطه معنی دار وجود دارد، به طوری که رابطه وجدان کارکنان با اثر پیگمالیون معنی دار مثبت شد؛ این میزان در مقایسه با سایر ابعاد مورد مطالعه بیشترین تاثیر را داشت. نتایج نشان داد که عامل روحیه بالاترین میزان ارتباط با اثر پیگمالیون را در بین ابعاد سلامت سازمانی سازمان داشت. در سازمان مورد بررسی و

به سایر ابعاد با متغیر اثر پیگمالیون داشت. و با افزایش سطح اثر پیگمالیون در سازمان خود سبب افزایش نوع دوستی، وجدان، جوانمردی و رفتار مدنی در کارکنان فنی و حرفه‌ای می‌گردد.

طبق نتایج بدست آمده در جدول شماره ۵ ضریب همبستگی بین اثر پیگمالیون و سلامت سازمانی نشان می‌دهد که همبستگی معنی دار ($P < 0/05$) ما بین متغیرها وجود دارد و همچنین مثبت بودن این ضریب نشانگر تغییرات در جهت افزایش یک متغیر با افزایش متغیر دیگر است. لذا با افزایش هر واحد از اثر پیگمالیون ابعاد متغیر سلامت سازمانی افزایش یافت. به عبارت دیگر بین اثر پیگمالیون و سلامت سازمانی در کارکنان اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل رابطه معنی دار وجود دارد. همبستگی بالای اثر پیگمالیون با بعد روحیه کارکنان دارای بیشترین میزان همبستگی بین ابعاد سلامت سازمانی می‌باشد و نشان از اهمیت روحیه برای کارکنان اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل دارد. ابعاد ملاحظه‌گری و تاکید علمی رابطه معنی داری با اثر پیگمالیون در اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل نداشتند ($P > 0/05$).

در جدول شماره ۶ رگرسیون چندگانه نتایج حاصل از رگرسیون اثر پیگمالیون بر ابعاد رفتار شهروندی سازمانی کارکنان اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اردبیل نشان داده شده است. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون فرضیه فرعی (خوشبینی، اعتماد، همدردی،

جدول ۵. ارتباط بین اثر پیگمالیون و سلامت سازمانی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

تعداد	سطح معنی داری	ضریب همبستگی پیرسون	
۱۶۳	۰/۰۰۲	۰/۳۰۴*	یگانگی نهادی
۱۶۳	۰/۰۰۰	۰/۳۲۷**	نفوذ مدیر
۱۶۳	۰/۰۹۸	۰/۱۲۱	ملاحظه‌گری
۱۶۳	۰/۰۲۴	۰/۲۴۲*	ساخت دهی
۱۶۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰۵*	پشتیبانی منابع
۱۶۳	۰/۰۰۰	۰/۴۱۱*	روحیه
۱۶۳	۰/۱۰۲	۰/۱۱۴	تاکید علمی

جدول ۶. نتایج رگرسیون متغیر اثر پیگمالیون بر ابعاد رفتار شهروندی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیرها	B	ضریب رگرسیون	t	sig	نتیجه فرض
مقدار ثابت	۰.۲۳۱	-	۱.۴۲۴	۰.۱۵۶	-
نوع دوستی	۰.۳۴۲	۰.۳۷۲	۸.۱۴۳	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
وجدان	۰.۲۸۵	۰.۳۰۹	۶.۹۷	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
جوانمردی	۰.۲۶۵	۰.۲۹۸	۵.۳۶۲	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
رفتار مدنی	۰.۳۰۸	۰.۳۲۴	۷.۷۴۱	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
ادب و ملاحظه	۰.۲۱۱	۰.۲۶۳	۴.۹۸۴	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
ضریب تبیین (R ²)		۰.۸۲۳			

سازمان پرداخته شده است. عواملی که از این راه می‌توانند باعث افزایش بهره‌وری افراد و سلامت سازمان شوند در تئوری چهار عاملی روزنتال تحت عوامل داده، ستاده، باز خور و جو مشخص شدند. مدیرانی که در ارتباطات روزمره خود از این عوامل به گونه خوبی استفاده می‌کنند، باعث افزایش اعتماد به نفس افراد، سطح عملکرد و کارایی کارکنان و در کل افزایش بهره‌وری سازمان خود می‌شوند که در نهایت موجبات رساندن سازمان به سمت تعالی خود را فراهم می‌کنند. برخی تحقیقات به اثرات پدیده پیگمالیون در برخی

پشتیبانی منابع و روحیه کارکنان سازمان تا حد زیادی به اثر پیگمالیون در سازمان بستگی دارد. بنابراین اگر کارکنان اثر پیگمالیون مناسبی از مدیران و مدیران میانی خود دریافت نمایند سازمانی سالمتر و با رفتار شهروندی مناسبتری خواهد داشت. همچنین طرز تفکر مدیران و رویه فکری سازمانی نیز بر رفتار شهروندی سازمانی تاثیر دارد. در این مبحث با استفاده از مثالها و الگوهای عینی به بررسی اثر پیگمالیون و چگونگی انتقال انتظارهای ذهنی یک فرد درباره چگونگی رفتار با دیگران و تأثیرات آن بر عملکرد سایرین و سلامت

جدول ۷. نتایج رگرسیون متغیر اثر پیگمالیون بر ابعاد سلامت سازمانی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیرها	B	ضریب رگرسیون	t	sig	نتیجه فرض
مقدار ثابت	۰.۲۶۵	-	۱.۳۲۵	۰.۲۹۸	-
یگانگی نهادی	۰.۳۰۱	۰.۳۴۲	۹.۱۴۳	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
نفوذ مدیر	۰.۳۶۲	۰.۳۹۴	۸.۹۷۱	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
ملاحظه‌گری	۰.۰۵۲	۰.۰۷۶	۱.۴۲۱	۰.۱۲۴	تایید نمی‌گردد
ساخت دهی	۰.۲۴۰	۰.۲۷۶	۴.۷۴۱	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
پشتیبانی منابع	۰.۴۰۵	۰.۴۱۱	۹.۳۶۲	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
روحیه	۰.۴۱۲	۰.۴۳۲	۹.۷۴۱	۰.۰۰۰	تایید می‌گردد
تاکید علمی	۰.۰۱۱	۰.۰۱۴	۱.۳۶۲	۰.۲۳۱	تایید نمی‌گردد
ضریب تبیین (R²) ۰.۷۶۹					

در راس امور قرار گیرد به خصوص در مدیریت‌های نوین. علایق کارمندان بسیار متفاوت است.

منابع و ماخذ

۱. اسلامی، ح. (۱۳۸۷) رفتار شهروندی سازمانی، تدبیر شماره ۱۸۷ آذر ماه ۱۳۸۶
۲. توره، ناصر (۱۳۸۵) شناخت عوامل رفتار شهروندی و بررسی ارتباط آن با عملکرد سازمانی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (پرديس قم).
۳. حسن زاده ثمرین، تورج و سفیدکار، سپیده (۱۳۹۳) بررسی رابطه بین فضیلت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، سال بیست و سوم شماره ۷۶، صفحات ۱۵۵-۱۴۱.
۴. خشوعی، مهدیه و نوری، ابوالقاسم (۱۳۹۲) ساختار عاملی فضیلت سازمانی و نقش رفتار شهروندی سازمانی در آن، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، پیاپی ۵۴-۲۶-صص ۳۴.

سازمانها اشاره کردند و شاهد تأثیرات گاهی غیرقابل جبران آن بر سازمان و جامعه بودند. از اینجا می‌توان به اهمیت توانایی افراد و به ویژه مدیران در استفاده از این پدیده پی برد که اگر مدیران از مهارت کافی در این امر برخوردار نباشند، می‌توانند آسیب‌های جدی به کارکنان، سازمان، جامعه و در کل کشور وارد کنند. اثر پیگمالیون را می‌توان در سطح سازمانی و حتی ملی نیز فراگیر کرد. تجربه شرکت میکروسافت نهادی کردن این اثر را در سازمان به صورت موفق نشان داده است. در این شرکت انتظارات در گروه و به تبع آن در سازمان مشخص می‌شود و افزایش بهره‌وری گروهی به افزایش بهره‌وری سازمانی می‌انجامد. این وضعیت علاوه بر بهره‌وری و موفقیت، جابجایی کارکنان را نیز کاهش داده است. محققان عقیده دارند که برای دستیابی به کارکنان خوب و عالی که بتوانند در طول مدت کار برای سازمان، از حداکثر تلاش و استعداد و تواناییهای خود برای نیل سازمان به اهداف عالی‌اش استفاده کنند، نیاز به توجه مدیران به علایق و استعدادهای کارکنان و کارمندان موضوع اصلی و مهم به شمار می‌آید که باید

Pages 91-104.

14. Lilius, J. M., Worline, M. C., Maitlis, S., Kanov, J., Dutton, J. E., Frost, P., (2008), "The contours and consequences of compassion at work", *Journal of Organizational Behavior*, 29(2), 193-218.

15. Livingston, J. S. (1969), "Pygmalion in management", *Harvard Business Review*, July – August.

16. Mark P. Zanna, Peter L. Sheras, Joel Cooper, Charles Shaw. (1975). Pygmalion and galatea: The interactive effect of teacher and student expectancies. *Journal of Experimental Social Psychology*, Volume 11, Issue 3, Pages 279-287.

17. Murphy, D. and Campbell, C. and Garavan, T.N. (1999), The Pygmalion effect reconsidered: its implications for education, training and workplace learning, *Journal of European Industrial Training*, Vol. 23, No. 4/5.

18. P. Hersey and K.H. Blanchard, (1989), *management of organizational behavior: utilizing human resources*, 5th Ed, Prentice Hall, Inc.

19. P. Loftus, (1995), The Pygmalion Effect, *industrial and commercial training*, Vol. 27, No. 4.

20. Rosenthal, R. (1999), Pygmalion in the classroom, *National Teaching & Learning Forum*, February, Vol. 8, No. 2.

21. Schermerhorn, Jr. John & Others; *Organizational Behavior*, John Wiley & Sons, Inc, 2002, Seventh Edition, p13

22. Susan S White, Edwin A Locke. (2000). Problems with the Pygmalion effect and some proposed solutions. *The Leadership Quarterly*, Volume 11, Issue 3, Pages 389-415.

۵. رامین مهر، حمید و هادی زاده مقدم، اکرم. (۱۳۹۱) بررسی رابطه بین ادراک از عدالت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی مورد مطالعه: شرکت ملی پخش فراورده های نفتی ستاد تهران. پژوهشنامه مدیریت تحول سال اول، شماره دوم، صص ۸۹-۶۵.

۶. رضایی کلید بری، ح. ر. باقر سلیمی، س. (۱۳۸۷) نقش عدالت سازمانی در تقویت رفتار شهروندی سازمانی.

۷. علاقه بند، علی (۱۳۷۸) سلامت سازمانی مدرسه، فصلنامه مدیریت در فنی و حرفه ای، شماره ۲۱، ص ۱۴.

۸. مایل افشار و همکاران (۱۳۹۱) بررسی ارتباط بین رفتار شهروندی سازمانی و بهره وری نیروی انسانی از دیدگاه کارکنان در بیمارستان های آموزشی شهر تهران. مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پیاورد سلامت)، دوره ۶، شماره ۲، خرداد و تیر ۱۳۹۱، صص ۱۵۷-۱۶۹.

۹. هویدا، رضا؛ نادری، ناهید (۱۳۸۸) بررسی سطح رفتار شهروندی سازمانی کارکنان، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، شماره ۱، پیاپی ۳۳، صص ۱۱۸-۱۰۳.

10. Alper, Erturk (2007). Increasing organizational citizenship behavior of Turkish academicians; mediating role of trust in supervisor on the relationship between organizational justice and citizenship behaviors, *Journal of Managerial Psychology*, Vol. 22, No. 3, pp: 257-270.

11. Cherrington, J. D. (1989), *organizational behavior: The management of individual and organizational performance*, Allyn and Bacon, Inc., Boston.

12. Dov Eden. (1992). Leadership and expectations: Pygmalion effects and other self-fulfilling prophecies in organizations. *The Leadership Quarterly*, Volume 3, Issue 4, Pages 271-305.

13. Jurjen J.A. Kamphorst, Otto H. Swank. (2013). When Galatea cares about her reputation: How having faith in your workers reduces their motivation to shine. *European Economic Review*, Volume 60,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۴۰۶ ■

تحلیل جایگاه محله گرایی در کنترل رفتارهای نابهنجار شهروندی با تاکید بر مفهوم هویت سازی محلات شهر

مهدی عامری* - هیات علمی دانشگاه پیام نور، ایران.

Analyzing the role of neighborhood control abnormal behavior with an emphasis on the concept of citizenship identity Neighborhoods

Abstract

Contemporary literature, sociology and urban geography are one of the major characteristics of the current metropolises reduced social ties and moral concern of citizens and city views abnormal behavior control. In fact, in addition to numerous criteria to determine the geographic, economic, administrative, technical, network, metropolitan community center - a place in which to fit the increasing population, development of technical work and also raise the expectations of its inhabitants, continuously exposed to various forms of reduced or rupture in the social and moral ties. Accordingly, the concept of neighborhood oriented and analysis of its role in controlling social behavior is an important topic in the field of theoretical is examined. The analytical method and the method of logical reasoning, and the data, including library and documentary studies have examined this issue is. In the end, a central neighborhood and neighborhood planning axis position control unhealthy and abnormal behaviors city will be analyzed.

Key words: community-oriented, abnormal behavior, citizenship, community identity, social control theories and solutions.

چکیده

ادبیات جامعه‌شناسی و جغرافیای شهری معاصر یکی از ویژگی‌های عمده کلان‌شهرهای کنونی را کاهش نگران‌کننده پیوندهای اجتماعی و اخلاقی شهروندان و کنترل رفتارهای نابهنجار شهری می‌داند. در واقع در کنار معیارهای متعدد تعیین‌کننده جغرافیایی، اقتصادی، اداری، فنی و شبکه‌ای، کلان‌شهر کانون اجتماعی-فضایی است که به تناسب افزایش جمعیت، توسعه نظام کار فنی و نیز بالا رفتن حجم انتظارات ساکنین آن، پیوسته در معرض اشکال مختلف از کاهش و با گسست در پیوندهای اجتماعی و اخلاقی قرار دارد. بر این اساس پرداختن به مفهوم محله محوری و تحلیل جایگاه آن در کنترل رفتارهای اجتماعی از موضوعات مهمی است که لازم است در حوزه نظری مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و روش استدلال منطقی و ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به این مقوله پرداخته می‌شود. در پایان نیز جایگاه محله محوری و برنامه ریزی محله محور در کنترل رفتارهای ناسالم و نابهنجار شهری مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: محله گرایی، رفتارهای نابهنجار شهروندی، هویت سازی محله‌ای، کنترل اجتماعی، نظریه‌ها و راهکارها.

مقدمه

محققان اجتماعی عوامل مختلفی را برای توجیه بالا رفتن میزان و نیز تنوع یافتن انحرافات اجتماعی در شهرها ذکر می‌کنند که پرداختن به هر یک از آنها در جای خود بسیار مغتنم است، اما آنچه امروزه اهمیت بسیار دارد و کمتر مورد توجه قرار گرفته، پرداختن به بستریهایی است که زمینه‌های بروز انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در شهرهای بزرگ را فراهم می‌آورد و آن کاهش همبستگی‌های اجتماعی و در پی آن، کاهش کنترل اجتماعی غیررسمی در این شهرهاست. از سویی دیگر، در گذشته نه چندان دور محله به عنوان بخشی از فضای شهری، با نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی اساسی که در زندگی اجتماعی شهری داشت بسیاری از این مشکلات را حل می‌کرد. از جمله ویژگی‌های قابل توجه در ساختار پیشین شهری حضور شبکه روابط محله‌ای و نقش هویت محله‌ای در پیشگیری از بسیاری آسیب‌ها و ناهنجاری‌های محیطی بوده است. بویژه محلات شهری به دلیل نزدیکی مکانی اعضاء و احساس عمیق تعلق مکانی آنها سبب می‌گردید تا گذشته از ایفای نقش‌های فراوان اجتماعی، فضای موجود بین ساکنین آنها توان تامین پاره‌ای از نیازهای عاطفی و روانی ساکنین را نیز داشته باشند. روابط اجتماعی پیوسته بین اهالی محل، خرده فرهنگ تعامل و همپاری، حفظ حریم و حرمت‌ها، احساس مسئولیت در قبال سلامت و بهداشت فرهنگی و اجتماعی محیط بر حسب سنن و ارزش‌های موجود و بسیاری از خصوصیات کارکردی دیگر، نشانه‌ای است از این باور که محلات شهری در حکم الگوهای موفق تعاملات انسانی در شهرهای بزرگ پیشین بوده‌اند. امروز با تضعیف محله در زندگی شهری بسیاری از این کارکردهای اجتماعی، نقش خود را در زندگی اجتماعی از دست داده است و باعث بر هم خوردن تناسب محیط فیزیکی و اجتماعی، بی‌هویتی شهری، رواج بی‌شخصیتی، کاهش دوستی‌ها و روابط متقابل صادقانه و عدم شناخت افراد نسبت به یکدیگر شده است. در این شرایط، سرزنش که نوعی کنترل غیررسمی است عملاً از بین رفته و زمینه برای

هنجارشکنی در شهر فراهم آمده است. در همین راستا می‌توان گفت، در برنامه‌ریزی شهری کشور، توجه به موضوع توسعه‌ی اجتماعی نوع محله‌ای - گذشته از هدف کارکردی کالبدی که همانا ساماندهی فیزیکی محلات شهری در بعد محدودتر و تخصیص یافته‌تر از لحاظ منابع مادی و تجهیزات است - دارای جهات و ملزومات اساسی فراوانی می‌باشد که همان فراهم کردن اصول سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی در شهر، در قالب زندگی محله‌ای سنتی می‌باشد. توسعه شهر در کشور ما در دهه‌های اخیر، با خود مسایل و مشکلات فراوانی را در ابعاد زیست محیطی و مخصوصاً فرهنگی به همراه داشته است. در واقع رشد فعالیت‌های عمومی از یک سو و فقدان سازوکار فرهنگی و اجتماعی مطلوب، به منظور سامان‌دهی شرایط جدید از سوی دیگر سبب گردیده است تا فضای مورد نیاز حیات و بالندگی در شهرها، پیوسته با تهدیدات پی‌درپی مواجه گردد. در این بین، کاهش همبستگی‌های اجتماعی و رشد و توسعه زندگی موزاییکی از مهمترین این تهدیدات به حساب می‌آید که با خود پیامدهای ناگواری را به شهرها و ساکنین آنها تحمیل کرده است. به استناد گزارش‌های آماری و غیر آماری، بروز رفتارهای ضد قانون و ضدارزش و در مجموع افزایش ناهنجاری‌ها از مهمترین پیامدهای ناشی از فرآیند گسست‌های اجتماعی در شهرهاست. مهمترین مصداق این ادعا، گزارش روزنامه‌ها و نیز آمار منتشر شده توسط سازمان‌ها و نهادهای قضایی و انتظامی است که در آن شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارهای جامعه در شهرهای بزرگ نسبت به شهرهای کوچک بیشتر به چشم می‌خورد. در شرایط بوجود آمده فشار گروهی و نظارت اجتماعی غیررسمی، که نقش بسزایی در کنترل ناهنجاری‌ها دارد کاسته شده و افراد به راحتی هنجارهای گروهی و اجتماعی را زیر پا می‌گذارند. به همین دلیل می‌بینیم که فراوانی، تنوع و شدت آسیب‌های اجتماعی در شهرها بالاخص در شهرهای بزرگ همواره رو به افزایش بوده است و تلاش‌های انجام شده برای کاهش انحرافات و بزهداری‌های اجتماعی نیز، کار چندانی را از پیش

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

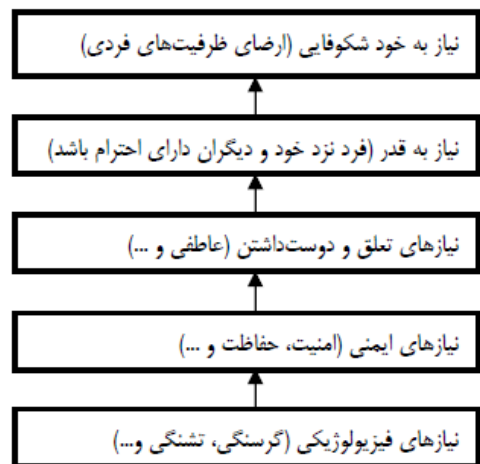
شهرنشینان در واحدهای اجتماعی فوق طی تجربه‌ی طولانی قادر بوده‌اند پاسخ‌گوی بسیاری از نیازها و ضرورت‌های روزمره‌ی خود باشند و از شکل‌گیری پاره‌ای عوارض که امروزه گریبانگیر بسیاری از ساکنین شهرها می‌باشد جلوگیری کنند (موسوی، ۱۳۸۲)؛ که در انطباق با نیازهای بنیادی بشر و هرم مازلو می‌باشد (نمودار شماره ۱).

از همین روی پرداختن به مساله انحرافات و آسیب‌های اجتماعی با رویکرد نظارت اجتماعی و یافتن بسترهای لازم برای تقویت آن در جوامع بزرگ شهری، از ضروریاتی است که همواره در جامعه شهری امروز دنبال می‌شود و به نظر می‌رسد با مطرح شدن سیاست‌های محله‌گرایی و تقویت هویت محله‌ای از سوی مدیران شهری، بتوان زمینه‌ای برای بکارگیری دیدگاه نظارت و کنترل اجتماعی و به تبع آن کنترل رفتارهای اجتماعی (نظارت همگانی) شهروندان و کاهش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی فراهم آورد. در این مقاله با بررسی جایگاه محلات و برنامه ریزی محله محور در کنترل رفتارهای نابهنجار شهروندی پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

امروزه توسعه شهری و مسائل مربوط به آن از جمله «محله‌گرایی»، بعنوان نقطه مشترک نظریه‌ها و روش‌های مطرح، فرآیندی چندجانبه و جامع است که در آن تلاقی دیدگاه‌ها و روش‌های مذکور بستر ساز نگرشی شده است که در حال حاضر لازمه مدیریت شهری پایدار تلقی می‌شود (موسوی، ۱۳۸۲). در رابطه با نکات الگو درباره محلات شهر و انطباق آنها با ساختار توسعه شهری پایدار نیز مجموعه اصولی لازم است رعایت شود تا یک محله پایدار در شهر خلق شود (جدول شماره ۱).

هویت و هویت محله‌ای



نمودار ۱. نیازهای مختلف در سطوح انسانی و نیاز به امنیت و ایمنی برای انسان؛ ماخذ: نگارنده بر اساس لنگ، ۱۳۸۶، ص ۹۶.

نبرده و آمار آسیب‌های اجتماعی در اینگونه شهرها همچنان از روند رو به رشدی برخوردار است. از همین روی جامعه‌شناسان، روانشناسان و حتی جرم‌شناسان سعی در ارائه نظریه‌های جدیدتر برای مواجهه با نابهنجاری‌ها داشته‌اند که اکنون شاهد بر جسته شدن دیدگاهی به نام نظارت و کنترل اجتماعی در راستای کاهش آسیب‌ها هستیم بطوریکه دیدگاه‌های مربوط به آن (کنترل اجتماعی)، امروز در صدر تمام برنامه‌های آسیب‌شناسی و پیشگیری قرار گرفته و جامعه‌شناسان کانون توجه خود را از مطالعه کجروی و کجروان به فرآیندهای کنترل اجتماعی و مباحث پیرامون آن معطوف ساخته‌اند» (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۵). در پی برجسته شدن رویکرد مذکور، محققین فراوانی در سال‌های اخیر، موضوع ساماندهی شهر در ابعاد کوچک‌تر و محدودتر را در سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی شهر مفید و مؤثر قلمداد کرده‌اند. به زعم اکثر آنها محله‌های شهری از جایگاه و کارکرد ویژه‌ای از لحاظ حفظ و توسعه‌ی تنظیمات اجتماعی به ویژه در کلان‌شهرها برخوردارند. چرا که در دهه‌های اخیر،

جدول ۱. نکات الگو در رابطه با سازگارمندی محله با طراحی شهری، ماخذ: حبیبی، ۱۳۸۱، ص ۳۸.

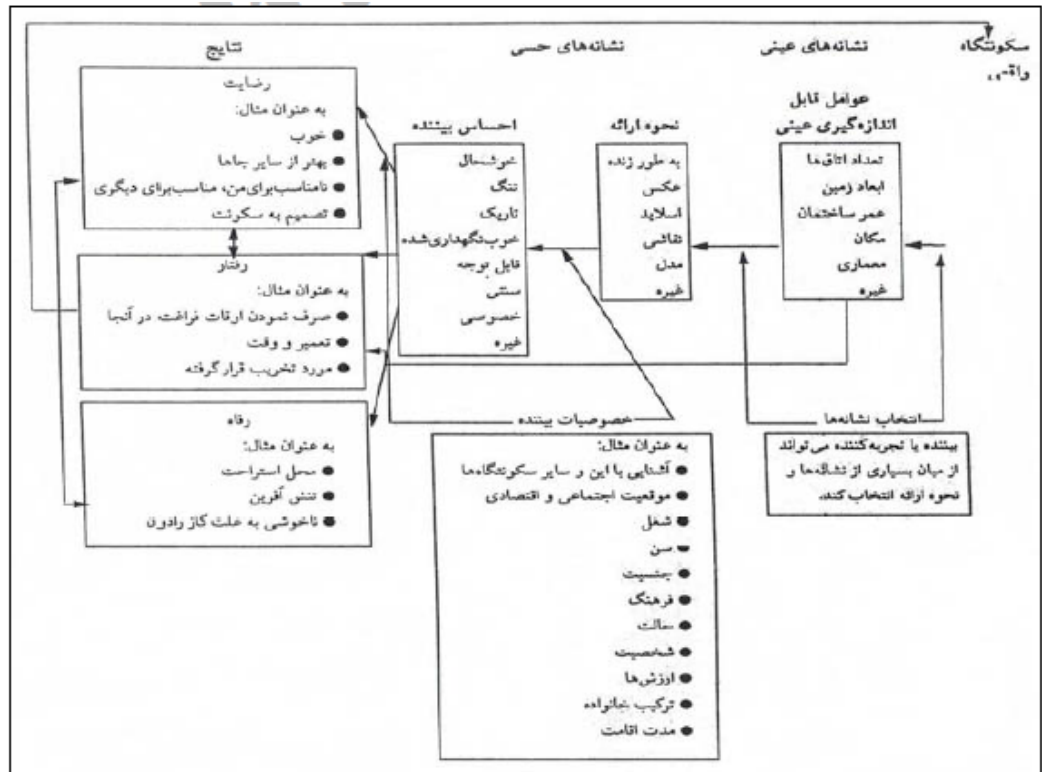
اصول بنیادی طراحی شهری	الگو	تمرکز	عدم تمرکز	سلسله مراتب	تباين	کثرت	وحدت	قلمرو	تداوم	اتصال	توازن و تناسب
نکات الگویی											
ایجاد تقویت و تداوم محوراها	*	***	**	***	*	*	***	***	***	***	**
ایجاد شبکه ای از مراکز	***	***	**	***	**	***	***	***	***	***	**
ایجاد وحدت بیامون بندی شده در شکل معماری	***	*	**	***	**	*	***	**	***	***	***
ایجاد نمادهای مرتبط با یکدیگر	**	**	*	*	**	**	***	**	***	***	*
ترکیب وحدت گرایانه ی عملکردها	*	***	***	**	*	**	***	**	*	*	**
خلق فضاهای تسهیل کننده ی روابط اجتماعی	*	***	*	*	***	***	***	**	*	*	*
نهادینه کردن سلسله مراتب فضایی	***	*	***	***	**	**	***	***	***	***	**
ایجاد گذر پیاده	***	*	*	***	***	*	**	***	***	***	**

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۴۱۰

* تا حدودی هماهنگ
** هماهنگ در حد مطلوب
*** کاملاً هماهنگ

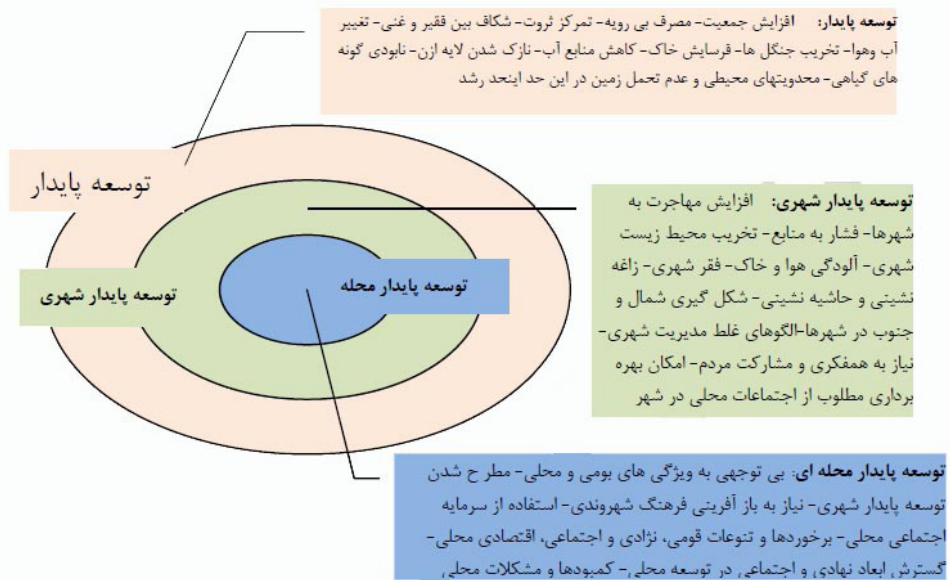


نمودار ۱. مراحل ادراک رضایت یا نارضایتی شخصی از محلات مسکونی؛ ماخذ: گیفورد، ۱۳۷۸، ص ۷۸.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۴۱۱



نمودار ۲. مولفه های شکل گیری توسعه پایدار محلی و محله محوری؛ ماخذ: نگارنده.

در لغتنامه دهخدا در بیان ریشه و اصل کلمه «هویت» لفظ «هو» آورده شده است و در کنار معانی مختلف به واژه‌ای به نام «تشخص» اشاره شده است که در واقع به آن به عنوان معادل فارسی هویت نگریسته می‌شود. تشخص، جدایی و ممتاز شدن، تعیین یافتن، انفراد، شخصیت و بزرگی و آنچه بدان چیزی از غیر خود ممتاز شود. چنانچه غیر، دیگر در آن چیز مشارک نباشد، تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۵۹۰۸). در فرهنگ فارسی معین نیز در کنار سه معنی عام با معانی چون: ۱- ذات باری تعالی، ۲- هستی، وجود؛ و ۳- آنچه موجب شناسایی شخص باشد (مثل ورقه هویت، شناسنامه)، به یک معنی خاص (فلسفی) اشاره شده است؛ در فلسفه، هویت به حقیقت جزئی تعریف شده است. یعنی هر گاه ماهیت با تشخص لحاظ و اعتبار شود، هویت گویند و گاه هویت به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است (معین، ۱۳۷۱، ص ۵۲۲۸). در فرهنگ آکسفورد (۱۹۸۹، ص ۶۲۰) نیز دو دسته معنی در تعریف واژه هویت آورده شده است؛

۱- الف) کیفیت یا شرایط (وضعیت) یکسان (همان) بودن در مواد، ترکیب، طبیعت، خصوصیات یا در کیفیات ویژه؛ (ب) یکسانی مطلق و اساسی؛ و (ج) یکی بودن، یگانگی؛

۲- الف) همانندی و تشابه شخص یا چیزی در همه زمان‌ها یا همه شرایط و اوضاع؛ (ب) وضعیت یا واقعیتی که یک شخص یا چیزی خودش باشد و نه

چیز دیگری؛ (ج) فردیت، شخصیت، وجود شخصی و فردی، خود همان چیز بودن (د) شرایط شناخته شدن در احساسات و علایق (بهزادفر، ۱۳۸۶).

از نظر آنتونی گیدنز «هویت مربوط به فهم افراد در مورد این که چه کسی هستند؟» و «چه چیزی برای آنها مهم است» تبیین می‌شود. این فهم هویتی، منتزع از منابع معنا ساز مهمی مثل دین، ملیت، نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی و تمایلات گروهی و قومی و حتی محل سکونت می‌باشد. به عقیده «گیدنز» هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را بطور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۷۸، ۸۳-۸۲). در روان‌شناسی نیز یکی از مشخصات شخصیت را احساس هویت می‌دانند و آن عبارت است از احساسی که انسان نسبت به استمرار حیات روانی خود دارد و یگانگی و وحدتی که در مقابل اوضاع و احوال متغیر در خارج همواره در حالت روانی خود احساس می‌کند (کلاین برگ، ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۱۱ به نقل از پاکنژاد).

در مقابل این دیدگاه که هویت شخص را بازتابی از خودآگاهی شخص به خود تعریف می‌کند. عده‌ای دیگر از جمله جامعه‌شناسان نظریه کنش متقابل نمادی، اعتقاد دارند که هویت قبل از آنکه پدیده‌ای فردی باشد امری اجتماعی است. هویت جمعی تلاشی است که

۱. از نظر استوارت هال (۱۹۹۱ الف: ۴۷)، با نگاه هگلی، هویت یک روند در حال شدن است و از طرفی یک شناسنامه و عامل شناخته‌شدن محسوب می‌شود، هویت همواره از طریق تقسیم شدن، معنا پیدا می‌کند، تقسیم بین اینکه من چه هستم و دیگری چه هست؟ (حقیقی، ۱۳۸۶). اساساً هویت مربوط به ذهنیت مشابهی است که فرد با دیگری دارد، به قول استوارت هال (۱۹۹۱ الف: ۴۹) هویت مربوط به افرادی است که مشابه هم حرف می‌زنند، مشابه هم فکر می‌کنند، از احساسات مشابه برخوردار هستند. لذا هویت همواره از جایگاه دیگری تعریف می‌شود. هویت همواره یک مفهوم ارتباطی بوده است (بارت، ۱۹۶۹)، به این معنا که ما بوسیله تشابه‌ها و تفاوت‌هایی که با دیگران داریم شناخته می‌شویم (میناگال و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۶۱). هویت به ریشه‌های زندگی، روش‌ها و منش‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم، گره خورده است. منظور از روش‌های زندگی، اموری است که خصیصه‌های خاص زندگی ما را منعکس می‌کند. اموری مثل آداب و رسوم اجتماعی، مذهب، نوع لباس پوشیدن، غذا خوردن، گذران اوقات فراغت و خلق و خوی‌های مربوط به روابط اجتماعی، نمونه‌هایی است که هویت یک جامعه را از جامعه دیگر و یا حتی هویت یک فرد را از فرد دیگر متمایز می‌کند (حقیقی، ۱۳۸۶).

جدول ۲. فضا و شاخصه های آمیختگی آن و تطبیق آن در دیدگاه های مختلف:

شاخصه های آمیخته با فضا	دیدگاه لفور	دیدگاه سوجا	دیدگاه پانتر	دیدگاه کانتر	اشتراک تعاریف
ظرف	فضای فیزیکی	فضای فیزیکی	کالبد	کالبد	ظرف فضایی
محتوا	فضای اجتماعی	فضای اجتماعی	فعالیت	فعالیت	رفتار و تعامل
تصور	فضای ذهنی	فضای ادراکی و بازنمایی	معنا	تصورات	هویت مفهومی

جدول ۳. شناخت مفهوم محله از دیدگاه نظریه پردازان مختلف؛ ماخذ: نگارنده بر اساس مطالعات نظری.

نظریه پرداز	ویژگی مشخص	دارا بودن مرکز محله	شکل ارتباطی سلسله مراتب شبکه ارتباطی	وابستگی اجتماعی حس تقاضا و	فعالیت ها ترکیب متوازن	مساحت تعریف شده (هکتار)	جمعیت متناسب (هزار نفر)	تراکم مسکونی (نفر در هکتار)
دوانی و پلاتر زیبرک	+	+	+	+	+	۵۰	-	-
هیلدبرندفری	+	-	-	+	-	۱۱۰-۱۲۰	۷	۶۰
لیپمن	+	+	-	-	+	-	-	۴۰-۶۰
لانکستر	+	+	+	+	+	-	+	-
مک لالین	+	+	+	-	+	۵۶-۶۴	-	۰/۴
شونبرگ	+	-	+	+	+	-	-	-
کتلر	+	+	-	+	-	۱۳۰-۱۵۵۴	۲/۵-۷/۵	-

جدول ۴. مفهوم محله از دیدگاه علوم مختلف و مطالعات میان رشته ای؛ ماخذ: نگارنده بر اساس مطالعات نظری.

حوزه های علمی	عناصر و مؤلفه های اصلی	مضامین مشترک
جامعه شناسی شهری	• دارا بودن همبستگی و روابط متقابل • محله به عنوان واحد اجتماعی	• دارا بودن محدوده مشخص در شهر
علوم اجتماعی	• حوزه مسکونی در مقیاس کوچک • روابط میان ساکنان	• حس همبستگی و روابط متقابل بین ساکنان
جغرافیای شهری و اجتماعی	• محدوده مشخص و معین در بافت شهر • تشریک مساعی برای مرتفع ساختن مسائل مشترک	• هویت جمعی و اشتراک اهداف بین ساکنان
برنامه ریزی شهری	• بخش یا محدوده قابل شناسایی در شهر • کالبدی و اجتماعی به صورت یکپارچه • وجود ارتباطات اجتماعی در ظرف مکانی	• یکپارچگی فضا و فعالیت در محدوده محله

جمعی از انسان ها به منظور تداوم و تمایز حیات مادی

و معنوی خود بروز می دهد و بر معیارهای گوناگونی از

قبیل خانواده، خویشاوندی و مقولات انتزاعی چون دین

مشترک، قومیت و دیدگاه های سیاسی استوار است.

تعریف شکل می گیرد (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۲۱).

سازوکار هویت سازی و مفهوم مکان و فضا

نخستین وجه تمایز «مکان و فضا» در جریان

هویت ملی- قومی و هویت دینی بر اساس همین

جدول ۵. نقاط اشتراک و انفصال مفهوم جامعه و اجتماع؛ ماخذ: نگارنده بر اساس مطالعات نظری.

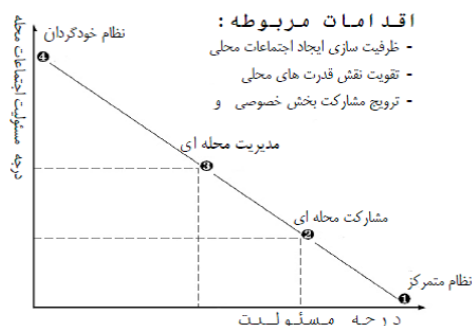
مفهوم	ویژگی	نقاط اشتراک	نقاط افتراق
اجتماع	<ul style="list-style-type: none"> محدوده و قلمرو جغرافیایی معین خویشاوندی، خودکفایی و آگاهی از هدف مشترک مکان کالبدی و حس هویت مشترک 	<ul style="list-style-type: none"> ساکنان محدوده و قلمرو 	<ul style="list-style-type: none"> پیوندهای عاطفی اراده آرگانیک روابط چهره به چهره
جامعه	<ul style="list-style-type: none"> قلمرو جغرافیایی و فضایی معین و فرهنگ مشترک کنش متقابل پیوند و همکاری در قالب سازمان معین دارا بودن هدف مشترک و روابط پیچیده اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> ساکنان قلمرو 	<ul style="list-style-type: none"> اراده اندیشیده روابط صوری و قراردادی

احساس متمایز بودن، ثبات داشتن و تعلق به گروه، امنیت و آرامش لازم برای زندگی را کسب کنند. این موضوع باعث تفاوت دیدگاه به مفهوم سرمایه های کالبدی و اجتماعی در ساختار محلات شهری می شود (نمودار شماره ۵).

«بر خلاف جوامع مدرن و متأثر از فرآیند جهانی شدن، در جوامع سنتی فضا کاملاً زیر سلطه و وابسته به مکان بود. از این رو فضای سنتی با قلمرو مکانی انطباق داشت و با علایم و نشانه های مکان پر می شد. اعمال و کردارهایی هم که این فضا را پر می کردند، جملگی مکان مند بودند. این فضا، فضایی محدود بود. البته برای زندگی کردن در چارچوب آن نه برای حرکت کردن در گستره آن. فرآیند جهانی شدن به واسطه پیشرفت شگفت آور فن آوری های ارتباطی، روند گسست مکان و فضا را شتاب می بخشد و رشته های پیوند زنده فضای اجتماعی با مکان و سرزمین معین را بیش از پیش پاره می کند. بدین ترتیب امر اجتماعی از دایره تنگ و محدود مکان رهایی می یابد و در فضایی بسیار فراخ گسترش پیدا می کند» (بهزادفر، ۱۳۸۶، ص ۳۰).

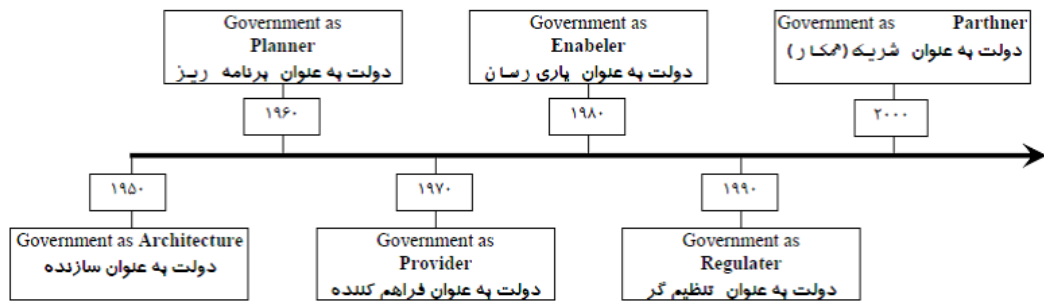
سازوکار هویت سازی و مفهوم زمان

زمان یکی دیگر از عوامل هویت ساز است. تقریباً بیشتر نظریه پردازان این نکته را می پذیرند که «زمان و فضا» شرط لازم هویت یابی هستند و بدون آنها ساخت و نگهداری هویت ناممکن است. به عبارتی چنان که استوارت هال بیان می کند، اگر هویت را نوعی نظام بازنمایی بدانیم، زمان و فضا مختصات اصلی این نظام



نمودار ۳. جابجایی مسئولیت بین دولت و حکومت های محلی در حوزه برنامه ریزی شهری؛ ماخذ: حاجی پور، ۱۳۸۵، ص ۴۳.

همسنگی این دو مفهوم وجه انتزاعی آنهاست. تقریباً هر انسان دارای عقل سلیمی مکان را آسان تر درک و تجربه می کند و در مقایسه با فضا، ضرورت مکان برای زندگی فردی و اجتماعی را به سادگی احساس می کند. انسان ها حتی فضا را هم به واسطه مکان درک می کنند و فضایی جدا از مکان را غیر قابل تصور می دانند. این تفاوت در درک مکان و فضا از آن رو ناشی می شود که فضا، در واقع انتزاعی تر از مکان است. بی گمان هویت داشتن در درجه نخست به معنای خاص و متمایز بودن ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن است، هر فرد هنگامی خود را دارای هویت می داند که از تمایز، پایداری و در جمع بودن خود اطمینان حاصل کند. مکان و فضا مهم ترین عواملی هستند که این نیازهای هویتی انسان را تأمین می کنند. به بیان روشن تر، مرزپذیری و قابل تحدید بودن مکان و به تبع آن فضا این امکان را برای آنها فراهم می کند که انسان ها با



نمودار ۴. دگرگونی در نقش دولتها در برنامه ریزی؛ ۱۳۸۵، ص ۴۲.

شکل گیری	زوال / فرسایش	سرمایه
آسان	سخت	سرمایه کالبدی
سخت	آسان	سرمایه اجتماعی

نمودار ۵. تفاوت سرمایه های کالبدی و هویت اجتماعی؛ ماخذ: نگارنده.

جدول ۶. شاخصهای پایداری محله از دید صاحب نظران، ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

شاخص پایداری محلی	سنجدها	صاحب نظران
هویت و سرزندگی	تخصیص فضای مناسب برای عابرین پیاده، ترافیک آرام، ایجاد زمینه های مناسب برای خرید مردم، وجود فضاهای تفریحی، مراکز فرهنگی و ...	چپ من، لینچ
پویایی و سازگاری	تداوم زندگی و فعالیت ساکنان، توزیع فضاهای باز و شبکه معابر، مصالح ساختمانی بومی، الگوهای مالکیت و ...	بارتون
تنوع	تغییر در ساختار جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی ساکنان	ویلر
دسترسی	دسترسی آسان به فعالیتها در محله و خارج از آن، راحتی دسترسی به تجهیزات محله ای، امنیت، کاهش آلودگی های زیست محیطی و تعادل میان انواع حرکت	چپمن و بارتون
ظرفیت قابل تحمل محله	ظرفیت توسعه، دسترسی و کفایت منابع محلی	بارتون
مشارکت و تعاملات اجتماعی	تمایل به مشارکت سازمان یافته در همه جوانب	روزلند، چویس و فلورین

به شمار می آیند، همه هویتها در فضا و زمان نمادین قرار می گیرند و به قول ادوارد سعید، جغرافی های خیالی خود را می طلبند. به بیان دیگر فرد هنگامی می تواند مدعی داشتن هویت باشد که از تداوم خود اطمینان حاصل کند. این تداوم چیزی مگر احساس ثبات شخصیت در طول زمان نیست. در جوامع سنتی گذشته، زمان به خوبی از عهده انجام این کار ویژه هویتی خود برمی آمد، چون مکان مند بود. به زعم گیدنز در چنین جوامعی محاسبه و گستره زمان بسیار محدود بود، زیرا زمان با مکان پیوند داشت. در چنین

شرایطی انسانها به راحتی می توانستند گذشته خود را بازشناسی کنند و با حال پیوند زنند تا به نوعی احساس تداوم و ثبات فردی و جمعی در طول زمان دست یابند. زمان مکان مند، زمانی بود خطی، که فرد همراه با دیگر اعضای جامعه، گذشت آن را آگاهانه و مشترک تجربه می کردند. بنابراین در جوامع سنتی به واسطه زمان مکان مند، اطمینان از تداوم و وجود گذشته ای مشترک چندان دشوار نبود و زمان کارویژه هویت سازی خود را به خوبی انجام می داد (بهزادفر، ۱۳۸۶).

سازوکار هویت‌سازی و مفهوم فرهنگ

فرهنگ را باید مهمترین و غنی‌ترین منبع هویت دانست. افراد و گروه‌ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون هویت می‌یابند، زیرا این اجزا و عناصر توانایی چشم‌گیری در تأمین نیاز انسان‌ها به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع دارند. به بیان دیگر فرهنگ هم تفاوت‌آفرین و هم انسجام‌بخش است. از این منظر فرهنگ مقوله‌ای تفاوت‌مدار است و شیوه زندگی خاصی را می‌سازد. این تفاوت و خاصیت نه تنها امکان هویت‌یابی را فراهم می‌کند، بلکه به زندگی انسان‌ها نیز معنا می‌بخشد. بنابراین هنگامی که از فرهنگ صحبت می‌کنیم به روش‌هایی اشاره داریم که انسان‌ها به صورت فردی و جمعی، از طریق ارتباط با دیگران زندگی خود را معنا دار می‌کنند. البته این ارتباط زمانی معنابخش می‌شود که در چارچوب مرزهای هویتی برقرار شود و در عین حال به تقویت و تحکیم چنین مرزهایی کمک کند. «در جوامع سنتی، استحکام و کارایی بالای مرزها، فضای انحصاری برای فرهنگ‌های خاص فراهم می‌کرد. بنابراین فرهنگ‌ها می‌توانستند با بهره‌گیری از مصونیت مبتنی بر چنان انحصاری، جایگاه مطلق پیدا کنند. از آنجا که فرهنگ‌های بدیل و رقیبی وجود نداشت و دگرگونی‌های فرهنگی بسیار ناچیز بود، نیاز هویتی انسان‌ها به مرجع‌های ثابت و مطلق به خوبی تأمین می‌شد. اما در حال حاضر فرآیند جهانی شدن با برهم ریختن فضای انحصاری و از بین بردن مصونیت فرهنگ‌ها، قابلیت و توانایی آنها را در زمینه هویت‌سازی سنتی بسیار کاهش داده است» (بهزادفر، ۱۳۸۶).

سازوکار هویت‌سازی و مفهوم هویت انسانی

تنها پدیده‌ای که دغدغه هویت دارد انسان است؛ به گفته سارتر، در مورد انسان وجود بر ماهیت تقدم دارد (قاسمی، ۱۳۸۰). انسان با حضور در جمع و رابطه با دیگران به هستی خود و انسان‌های دیگر و امور جزئی و کلی واقف می‌شود. انسان به عنوان یک موجود اجتماعی نمی‌تواند بدون کمک اطلاعات دیگران، خود را بیابد و به هویت خود دست یابد. فرد با حضور و

رشد یافتن در جمع علاوه بر آن که دارای هویت فردی یعنی نام و روابط مشخص با دیگران می‌گردد با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می‌شود هویت جمعی می‌یابد و با مجموعه این مسائل دارای تاریخ مشترک می‌شود. به این ترتیب ایجاد هویت فردی یک فرآیند اجتماعی است. انسان قابلیت آن را دارد که من خود را تبدیل به یک ذهنیت در کنار من مشخص شده و وجدان گروهی را به وجود می‌آورد (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲).

سازوکار هویت‌سازی و مفهوم هویت شهر

هویت شهری حامل تعامل میان عینیت (فرم، فضا و فعالیت) و ذهنیت (انسان) است. در واقع هویت شهری فرایندی پویاست که از تعامل میان انسان و محیط شهری شکل می‌گیرد. در شکل‌گیری این فرایند سه عنصر اساسی متن، محتوا و احساس تعلق و دلبستگی نقش دارند. زمانی که صحبت از هویت شهری می‌شود، انگاشتن شهر به مثابه متن مطرح می‌گردد که در این رویکرد هریک از عناصر شهری و کلیت شهر واجد معنای خاصی است. در این حالت شهر به مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌ها تقلیل می‌یابد که دائماً از سوی ساکنان آن خوانده می‌شود. ساکنان شهر پیوسته با این نشانه‌ها روبه‌رویند، آنها را می‌خوانند، معنا و تفسیر می‌کنند و در نهایت به ذهن می‌سپارند. معانی نیز احساس و هیجانات انسان را تحریک می‌کند. از این‌رو، ممکن است در انسان احساس رضایت‌مندی و یا ناخوشایندی حاصل شود. رضایت‌مندی موجب دلبستگی و وابستگی انسان به محیط می‌شود. بنابراین، تعلق خاطر در ساکنان را تقویت می‌کند (غراب، ۱۳۸۴).

هویت شهری در این معنا آنجا به وقوع می‌پیوندد که انسان بتواند از رهگذر ارتباط محیط متشکل از عناصر و فضاهای شهری به لحاظ وجودی حاضر، به لحاظ ذهنی خلاق و بالنده، به لحاظ روحی با نشاط و به لحاظ اجتماعی اخلاق‌گرا باشد. در چنین رویکردی، هویت شهری نقش بسیار حیاتی و ضروری در رشد معنوی و ذهنی فرد و جامعه دارد. به گونه‌ای در غیاب

آن فرد و جامعه از خود بیگانه می‌شوند؛ چرا که یکی از وجوه از خود بیگانگی، بیگانگی نسبت به محیط است. از خود بیگانگی نسبت به محیط به شکل‌های متفاوتی مانند ناتوانی در برابر محیط، بی‌معنایی نسبت به آن، بی‌مسئولیتی و غریبگی نسبت به آن و عناصر سازنده آن ظاهر می‌شود.

هویت شهری ارتباط نزدیکی با تجربه ذهنی و روانی هر فرد دارد. هویت شهری مجموعه‌ای از خاطرات و آمادگی‌های ذهنی در زیست جهان ساکنان شهری است. زیست جهان ساکنان شهری در رابطه دیالکتیکی میان فرد و محیط شهری شکل می‌گیرد. در این ارتباط بی‌هویتی به معنای عدم وجود رویدادهای خاطره‌انگیز است. رویدادی که موجب تمایز مکانی از مکان دیگر است. هویت شهری، نقطه تلاقی میان هویت فردی و هویت جمعی است که تعیین مادی یافته است. لنینج هر یک از این معیارها را با معیارهای ریزتری توضیح داده و سنجش می‌کند. به عنوان مثال معیار یا سنججه معنی شامل پنج زیر عنوان است: ساختار، هویت، شفافیت، سازگاری و خوانایی. در بین این معیارها یا سنججه‌ها، هویت و ساختار از اجزای شکلی و ریخت‌شناسانه معنی هستند. این دو جنبه، جنبه‌هایی از شکل را توضیح می‌دهند که به ما امکان می‌دهند فضا و زمان را شناخته و در قالب الگوهای خود معرفی کنیم (بهزادفر، ۱۳۸۶). معنی یعنی این که شهر تا چه اندازه می‌تواند به وضوح درک شده و از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد و ساکنانش، آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. یعنی انطباق محیط با توانایی‌های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی (لینج، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲).

طی یک مطالعه میدانی که در محلات محمودیه، زعفرانیه و شهرآرا در تهران از طریق پرسشنامه انجام گرفته، روشن شده است که یادآوری گذشته و مبانی شکل‌گیری محله اکثراً با حس دلتنگی فراوان همراه بوده است. به دلیل تغییرات سریع و وسیعی که در دو دهه گذشته در این محلات صورت گرفته، چهره

محلات دستخوش تغییر شده است. در محلات محمودیه و زعفرانیه یادآوری گذشته آرامش و آسایش فضا را به خاطر می‌آورد. جاذبه‌های اصلی محل در فضای سبز آن بیان شده است. حیاط‌های وسیع و خانه‌ها و باغ‌های بزرگ اجزای اصلی هویت بخش محله بوده‌اند. اهالی محله که سابقه زندگی بیشتر از ده سال در محل داشته‌اند، عقیده دارند که کیفیت محیطی در محله به شدت رو به زوال است. در محله شهرآرا، آرامش محله و کیفیت خوب هوا که به دلیل وجود پارک‌ها و فضای سبز وسیع و مستقر در محله حاصل شده است از عناصر هویت آن بخش شمرده می‌شدند. در این محله پارک به عنوان بهترین نشانه و نماد از سوی اهالی مطرح شده است (قرایی، ۱۳۸۴، ص ۳۵).

سازوکار هویت‌سازی و مفهوم محله

محله بزرگترین و در عین حال صمیمی‌ترین گروه اجتماعی در یک جامعه شهری است. اصطلاح محله چندین معنی دارد که در اینجا اشاره دارد به یک گروه از مردم در یک مکان مشترک مستقر. اغلب این اصطلاح، برای کیفیت روابط نیز بکار برده می‌شود و همچنین برای مواقعی که تعامل روزمره مردم با یکدیگر زیاد است؛ بنابراین اندازه محیط اجتماعی، اشتراک در محل اقامت و کیفیت روابط اجتماعی از عناصر مهم در تعریف محله محسوب می‌شوند (fisher ۱۹۷۶, ۱۰۲). از سوی سایر صاحب‌نظران، مفهوم محله شهری در برخورد نخست تداعی کننده حوزه جغرافیایی پیچیده در شبکه فضایی شهر می‌باشد که دارای کاربری در درجه نخست مسکونی و آنگاه انواع دیگر از کاربری‌های اداری، تجاری، خدماتی و مانند آن می‌باشد. این در حالی است که واقعیت جامعه‌شناختی محله به مراتب پیچیده‌تر است. به نظر جامعه‌شناسان، معرف‌های سنتی محله با واحد حیات جمعی و جامعه‌پذیری در ارتباط است (موسوی، ۱۳۸۲). در واقع مطالعه محلات شهری نتیجه تفکر بوم‌شناختی است که حاصل تلاش‌های مکتب شیکاگو به‌شمار می‌آید. حوزه اجتماعی در شهرها سابقاً به عنوان حوزه‌های طبیعی شناخته می‌شدند و از آن تعریفی



بدین سان ارائه می‌شد: «حوزه طبیعی در شهرها، یک حوزه جغرافیایی است که به وسیله مشخصات طبیعی محل و حیطه‌های فرهنگی مردم از سایر بخش‌های شهری کاملاً تمیز داده می‌شود» (شکوهی، ۱۳۷۲). در ساده‌ترین تعریف از محله می‌توان گفت: محله عبارت است از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص که ساکنان این خانه‌ها با هم روابط شخصی و تعامل رودررو دارند و میزانی از همبستگی اجتماعی در بین آنها وجود دارد. به عبارت دیگر، محله یک فضای اجتماعی-جغرافیایی است که محدود و مبتنی بر روابط اجتماعی گرم و تعاملات رودرروی همسایگان است. در محلات به افرادی که در خانه‌های مجاور هم زندگی می‌کنند، همسایه می‌گویند. ارتباط همسایگان در محلات شهری به هنگام نیاز و عمران بیشتر می‌شود و تعاون و همیاری آنها افزایش می‌یابد (قجری، ۱۳۸۵). در تبیین خصوصیات محله‌های شهری نظرات دیگری نیز مطرح می‌باشند که در آنها به برجسته بودن سهم پاره‌ای از عناصر اجتماعی بیش از عوامل دیگر تکیه شده است. مثلاً در برخی از محلات شهری بویژه در کلان‌شهرهای امریکایی، آنچه که یک محله را از محله‌ای دیگر متمایز می‌کند خصوصیات مذهبی-نژادی ساکنین آن است نه سیما و پیکره محله. در مجموع بافت محلات شهری در تمام کشورها از یک فرایند مشابه پیروی می‌کند. بنابر آنچه که گفته شد چنین استنباط می‌شود که یک محله:

۱. اولاً دارای یک فضای جغرافیایی است؛
۲. ثانیاً گروه‌های انسانی با خصیصه اجتماعی یا فرهنگی و... مشابه در آن ساکن می‌باشند و
۳. ثالثاً روابط اجتماعی میان گروه‌های انسانی ساکن در هر محله، یک رابطه صمیمی و دارای انسجام واحد است. تصویر جامعه شناختی از توسعه محله‌ای متفاوت از طرح محله در نظام برنامه‌ریزی اداری شهری است. بدین صورت که محله به لحاظ وسعت و جمعیت کوچکترین تقسیم‌بندی شهر از نظر ارائه خدمات و مدیریت شهر است، و وجود دبستان، مدرسه راهنمایی، دسترسی سهل به خدمات مورد نیاز روزمره مانند

مراکز دادوستد مایحتاج روزانه، فضای سبز محلی، مرکز مذهبی و تأسیساتی چون گرمابه، مرکز پست و زمین‌های بازی، محدوده جمعیتی، و سطح تحت پوشش یک محله را مشخص می‌سازد.

سازوکار هویت‌سازی و مفهوم اجتماع محله‌ای اجتماعات محله‌ای مجموعه‌هایی هستند مرکب از تک‌تک اعضا و بخش‌هایی که ضمن دارا بودن خصلت‌های متمایز، دارای روابط متقابل با یکدیگر می‌باشند، آنها می‌توانند به وسیله ویژگی‌های افراد ساکن در یک محل، مرزهای جغرافیایی، ارزش‌های مشترک، منافع، پیشینه و یا توان و نیروی پویایی (سازماندهی) تعریف شوند (CDC، ۱۹۹۸ به نقل از حاجی پور).

بنا به تعریف، یک اجتماع محله‌ای بایستی ایجاد تعاملات شبکه‌ای و بین فردی را در درون یک واحد مورد ملاحظه قرار دهد..

البته در یک اجتماع محله‌ای زندگی مردم در کنار هم لزوماً به معنی انجام تعاملات و ارتباطات دوسویه بین آنها نیست و این امکان هست که تعاملات اندکی میان همسایگان در یک محل وجود داشته باشد و این ماهیت ارتباطات «متقابل» میان افراد هست که منجر به شکل‌گیری «شبکه‌های اجتماعی» شده و اغلب به عنوان مهمترین جنبه یک اجتماع محله‌ای مدنظر است.

نگاهی به تعاریف نشان می‌دهد که در اکثر تعاریف، وجود روابط متقابل و شبکه‌های اجتماعی میان آنها، ارزش‌ها و منافع مشترک و واقع بودن در یک محله با مرزهای جغرافیایی مشخص به عنوان خصائل اصلی یک اجتماع محله‌ای می‌تواند تعریف شود. علاوه بر این در اکثر تعاریف مفهوم اجتماع محله‌ای دارای بار ذهنی و اجتماعی خاصی است که از آن احساس تعلق و عضویت در یک اجتماع (مجموعه به هم پیوسته) با یک محدوده مشخص جغرافیایی را به ذهن افراد متبادر می‌کند و در همین رابطه است که مفهوم واژه «شهروند» نیز می‌تواند معنا یابد؛ شهروندی که متعلق به این اجتماع تعریف شده و معین به لحاظ جغرافیایی

جدول ۷. ویژگی‌های مورد نظر محله بر اساس رویکردهای و معیارهای پایه متخلف؛ ماخذ: نگارنده بر اساس عبداله‌هی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۵.

ویژگی و مولفه‌های مورد تأکید	رویکرد و معیار پایه
اتکا بر داده‌های تاریخی و شناخت تحول سازمانی و نهادی محله در طول دوره زمانی معین	تاریخی
شاخص‌ها و معیارهای اقتصادی و اجتماعی	اقتصادی - اجتماعی
شناخت عوامل موثر بر پیدایش کلیتی منسجم به نام محله	ادراکی
تشخیص و آگاهی ساکنان در مکان کالبدی	ذهن‌گرایانه
شناخت خصوصیات همگن و متجانس	مادی‌گرایانه
دید و نگاه ساکنان و روابط چهره به چهره	اجتماع‌محور
فضای کار و فعالیت شهروندان	عملکردمحور
تمهیدات و پیوستگی اجتماعی و مکان‌گزینی عناصر فیزیکی و کالبدی محله	انسان‌گرایانه
محله به عنوان سیستم کارکردی برای برنامه‌ریزی	ابزاری
توجه به پویایی فعال و تأثیرگذار بر ساختار معماری و سازمانی و الزامات ارتباطی بین مردم و مکان	پدیدارشناسی
نقش مسلط مقیاس جغرافیایی از بعد مسافت، مساحت و جز اینها	مقیاس‌محور
توجه به طیف گسترده‌ای از نیازهای ساکنان	نیازمحور
ابعاد کمی و کیفی سکونت در فضای معین، به ویژه اقتصادی و اجتماعی و اکولوژیک	زیست‌پذیری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۴۱۹

در مجموع زندگی شهروندان و روابط آنها با در نظر گرفتن ابعاد جغرافیایی است (موسوی، ۱۳۸۲)؛ بنابراین در یک جمع بندی می‌توان گفت با توجه به پیوند نزدیک میان هویت مکان و هویت فرد مقوله هویت محیط مصنوع به موضوعاتی چون حس و معنی مکان در روانشناسی اجتماعی مربوط می‌شود به بیان دیگر می‌توان هویت مکانی را زیر ساخت هویت خود شخص تلفی کرد که از شناخت های ذهنی فرد از دنیای کالبدی که در آن زندگی می‌کند تشکیل می‌شود. این هویت (مکان) به عنوان یک نظام شناختی از مکانها و محیط های شهری به فرد کمک می‌کند رفتار و زندگی خود در محیط های شهری را سامان دهد و توصیف کند.

نظریه های مربوط به محله گرایی

در ادامه به بررسی نظریه ها و مدل های مربوط به محله گرایی پرداخته می‌شود.

نظریه های اجتماعی شهر

کاهش روزافزون همبستگی های شهری و شهروندی خود ممکن است در نهایت به ظهور اشکال گوناگون از ناهنجاری ها و بیماری های رفتاری و حتی در سطحی

است و دارای روابط متقابل و مشترک بوده و هویت خود را از آن می‌گیرد. در ایران به زعم برخی از صاحب نظران و به علت شرایط تاریخی این سرزمین، هویت افراد در این اجتماعات تعریف نشده بلکه از زاویه پیوندهای خویشاوندی و خانوادگی (سببی و نسبی)، مذهبی و... تعریف می‌گردد و اصولاً فرد (به معنای شهروند صاحب حقوق و متعلق به یک اجتماع) وجود نداشته و به همین علت است که در شرایط تصمیم گیری و عمل، قضاوت ها بر مبنای اولویت ها و منافعی است که بر هویت خویشاوندی، قومی و قبیله‌ای استوار می‌گردد و نه بر اساس احساس تعلق و عضویت در یک محدوده جغرافیایی به نام شهر، اجتماع محلی و... که پیامد این نوع عمل و نگرش، عدم اعتبار عرصه عمومی خواهد بود (پیران، ۱۳۸۴)؛ به همین دلیل در استفاده از واژه اجتماع محله‌ای برای محله‌های شهری در ایران بایستی با احتیاط عمل کرد.

سازو کار هویت سازی و مفهوم محله گرایی

محله گرایی بدور از احیاء کارکردهای سنتی آن، عبارت است از پرداختن به سازو کارهای نوین شهری به منظور سامان دهی فیزیکی و اجتماعی نیازها و امکانات و

داشته است. اگر چه مرفولوژی شهری تحت نفوذ شدید برآمدن نیازها و آرمان‌های جدید در صدد تحقق بخشیدن به آنها توسعه متنوع پذیرفته و تجسم‌های فیزیکی خیره‌کننده‌ای را به ارمغان آورده است، اما در مرحله بعد خود به متغیر اساسی در تعیین نیازها و ضرورت‌های زندگی اجتماعی از جمله در حوزه روابط انسانی تحول یافته است.

۲. از نظر محتواشناسی نیز فرآیند توسعه اجتماعی و اقتصادی و دگرگونی‌های فوق‌الگوی دیگری از اسکان اجتماعی را برای انسان کلانشهرنشین تولید کرده است. تحول در نظام فرهنگی و اقتصادی، تعمیم فلسفه اجتماعی جدید در تبیین و تشریح زندگی و نیز گسترش فرهنگ سوداگری سبب تشدید نیازهای جدید شده است. آنچه که مضمون زندگی در کلان‌شهرهای جدید تلقی می‌گردد عبارت از تمایل به فردیت‌طلبی منفعت‌جویانه و نیز رقابت‌های اجتماعی متراکم به منظور دستیابی به امکانات و خدمات بیشتر است. در این میان کیفیت روابط افراد شهرنشین تحت الشعاع سایر انگیزه‌ها و در نتیجه آمادگی برای آسیب‌پذیری را پیدا کرده است. بر همین اساس نظریه‌های اجتماعی نوین شهری، شکل‌گیری نظام اجتماعی کلان‌شهرها در دوران اخیر را بر مبنای روابط اجتماعی عقلانی و هدفمند و بعنوان بخش انکارناپذیر از پیکره درونی سازمان شهری مورد توجه قرار می‌دهند. اما عقلانیت مورد توصیف

فرائر، شکل‌گیری جرائم شهری منجر و اختلال در نظام روابط جمعی و کارکردهای آن را موجب گردد. افزایش آمار جرایم شهری، فزونی میزان ناهنجاری‌های رفتاری و روانی، تشدید خرده فرهنگ‌های گروه‌های اجتماعی ناهمگن، تغییر کارکرد روابط خانوادگی، کاهش احساس مسئولیت مشترک اجتماعی، رواج فرهنگ فردگرایانه منفی و موارد متعدد مشابه دیگر، موضوع خطر کاهش همبستگی‌های اجتماعی و اخلاقی را بعنوان یک نقطه تهدید کننده برای سلامت و توسعه پایدار در کلان‌شهرها تبدیل نموده است (موسوی، ۱۳۸۰)؛ چنانچه دیکنز جامعه‌شناس شهری معاصر معتقد است، برجسته‌ترین واقعیت جامعه نوین، رشد شهرهای بزرگ است.^۱ «در هیچ جای دیگر، دگرگونی‌های شگفت‌انگیزی که صنعت ماشینی در زندگی اجتماعی ما به وجود آورده، با این وضوح که در شهر دیده می‌شود، آشکار نشده است» (دیکنز، ۱۳۷۷، ص ۶۱). روند مذکور که ناشی از دگرگونی ساختار ساده گذشته به سازمان اجتماعی جدید می‌باشد در دو بعد محتوی (Content) و شکل (Form) قابل تحلیل است:

۱. از نظر ریخت‌شناسی بنیادهای فیزیکی، تاسیسات راه و جاده، مجتمع‌های بزرگ ساختمانی، معماری و طراحی کالبدی، نمای بیرونی شهرها را دستخوش تغییرات وسیع قرار داده است. بدیهی است دگرگونی‌های فوق با خود اشکال جدید از فضای ارتباطی را همراه

۱. از لحاظ تاریخچه‌ی توجه به واحدهای فضایی-اجتماعی در شهرها و کارکرد روبه تغییر آنها در دوران جدید، تونیس جامعه‌شناس قرن نوزدهم آلمان، برای نخستین بار با تفکیک انواع مختلف پیوندهای اجتماعی، متوجه زوال اشکال طبیعی پیوند اجتماعی و تغییر صورت و محتوای زندگی جمعی در شهرهای بزرگ صنعتی بوده است. به نظر تونیس، توسعه‌ی اجتماعی در گذشته فرایند طولانی و تدریجی را طی کرده است. شهرها در حکم مراکز اجتماعی بوده‌اند که علی‌رغم سادگی و محدودیت از لحاظ روابط و فعالیت‌ها، اجزاء و عناصر محله‌ای متعددی را با خود به همراه داشته‌اند. شهر از نظر تونیس محصول تراکم واحدهای متنوع اجتماعی است. ابداع اصطلاحات دوگانه و متمایز گزل‌شافت (Gesellschaft) و گماین‌شافت (Gemeinschaft) و یا اجتماع (Community) و جامعه (Society) برای مدت‌ها ابزار شناختی مهمی در تفکیک واحدهای اجتماعی ساده از نوع پیچیده و مدرن تلقی و از آن استفاده می‌شده است. تونیس در این تفکیک به ماهیت تغییر نظام اجتماعی در شکل کوچک و ساده زندگی گروهی در گذشته و توسعه نوع بزرگ و انبوه آن در دوران جدید توجه دارد. در واقع تونیس با ارائه الگوی دوگانه زندگی اجتماعی بصورت گزل‌شافت (اجتماع) و گماین‌شافت (جامعه)، برنامه‌ریزان شهری را متوجه آینده‌ای نمود که در آن هویت انسانی در شهر زیر چرخ‌دنده‌های صنعتگرایی نوین نابود و ارزش‌ها و منزلت‌های اخلاقی در پای توسعه غنی و اقتصادی به مسلخ آورده شده‌اند.

تاکنون قادر به ایجاد سامان اخلاقی در حوزه روابط و مناسبات اجتماعی نبوده است (موسوی، ۱۳۸۰).

فریدمن (۱۹۷۳) شهرنشینی را در دو شکل مختلف تعریف می‌کند:

۱. نخست به مکان اقتصادی‌ای مربوط می‌گردد که طی آن شهرنشینی به مرکزیت جغرافیایی جمعیت و فعالیت غیرکشاورزی در محیط‌های شهری در حد و اندازه متنوع اطلاق می‌گردد.

۲. در معنی دوم به توزیع جغرافیایی ارزش‌های اخلاقی، رفتار، سازمان و نهادها گفته می‌شود (Johnston, R., ۱۹۹۳). در چنین جامعه انبوه و متراکمی، بیشتر افراد بسیار کم‌همدیگر را می‌شناسند و رابطه چهره به چهره با یکدیگر ندارند و تنها با افراد اطراف خودشان ارتباط نزدیک و شخصی پیدا می‌کنند. این وضعیت زمینه‌ساز بی‌اعتمادی متقابل و نارضایتی کلی از زندگی شهری می‌شود (موسوی، ۱۳۸۰).

در پی طرح اهمیت نقش فضا در مطالعات شهری، صاحب‌نظران دیدگاه ساختاربنندی بویژه کسانی که متأثر از دیدگاه گیدنز بوده‌اند متوجه توانایی بالقوه این مفهوم در ارائه شناخت کامل از بازسازی اقتصادی و ترکیب اجتماعی شده‌اند. خود گیدنز بر این موضوع تأکید داشته است که "روند ساختاربنندی در چهارچوب فضا-مکان شناخته می‌شود. از نظر او بویژه مکان‌ها به مسأله استفاده از فضا به منظور تمهید جایگاه اجتماعی برای تعامل باز می‌گردد. در نهایت شناخت جایگاه تعامل در تعیین زمینه اجتماعی آن بسیار اساسی است" (Giddens ۱۹۸۴ p. ۱۱۸). در مجموع ورث استدلال می‌کند که نوع متمایزی از «شخصیت شهری» در شهر جدید به ظهور پیوسته است که وجه متمایزکننده آن رقابت، بزرگنمایی، استثمار متقابل و جدایی از طبیعت است. علاوه بر این، افراد بوسیله طیف گسترده نقش‌هایی که ایفا می‌کنند یا در دیگران تجربه می‌کنند، دچار بیماری روانی «انزوا» (اسکیزوتید) می‌شوند. در یک چنین فضایی «برای فرد هیچ‌گونه فرصتی وجود ندارد تا درک همه جنبه‌ای از جایگاه خود در محیط کلی به دست آورد و آنرا مورد

بررسی قرار دهد» (دیکنز، ۱۳۷۷، ص ۷۱). «تقریباً در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که آسیب‌ها در اشکال شدید، اصولاً از مکان شهرها بر می‌خیزند. در سال ۱۹۷۶ بالغ بر ۳/۵ جرم در ۷ استان فرانسه روی داده بود. این‌ها تماماً استان‌هایی بودند که بیش از سایر نقاط جمعیت شهرنشین داشتند. در داخل این استان‌های پرجمعیت، بخش اعظم مجرمین را شهرها بخود اختصاص می‌دهند. از آن جمله مارسی ۷۰ درصد و لیون بیش از ۸۰ درصد مناطق جرم‌خیز را دارا بودند. بدینسان همواره ملاحظه می‌شود با تراکم جمعیت در شهرها وضع مجرمیت نیز افزایش می‌یابد. از همین رو گفته می‌شود، به هر صورت شهرنشینی جرم‌زاست» (شیخاوندی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۷).

نظریه‌های فضایی-اجتماعی

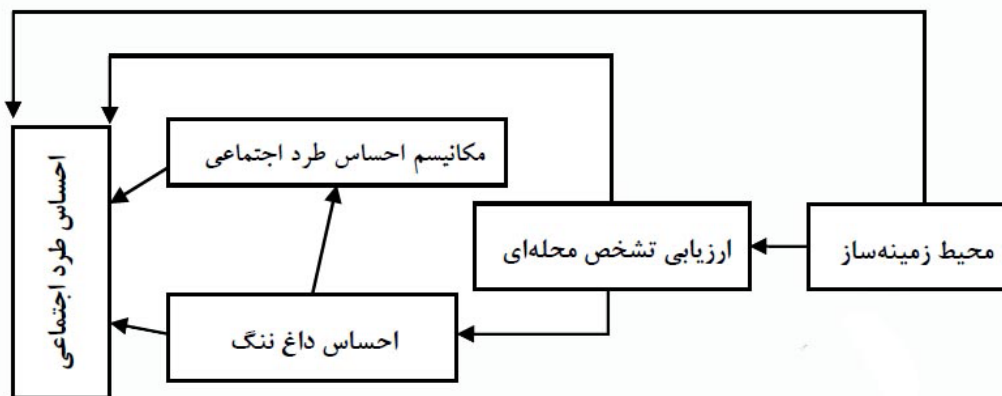
دیدگاه فضایی پیتر ساندرز

فضا همانند زمان مقوله‌ای با اهمیت است و نمی‌توان به دنبال علم اجتماعی نافیایی یا غیرتاریخی بود. به زعم وی، جامعه‌شناسی شهری مثل تمام شاخه‌های جامعه‌شناسی، اساساً به روابط و فرآیندهای اجتماعی خاص مربوط می‌شود. همانند هر شاخه دیگر جامعه‌شناسی باید به هنگام تحلیل این روابط و فرآیندها توجه به استقرار فضایی آنها داشته باشد. چون ترکیب‌های خاص حضور و غیاب افراد در مکان‌های خاص تأثیری روی چگونگی و رخداد این فرآیندها دارد. آنچه در مورد جامعه‌شناسی شهری، ویژه می‌باشد، توجه خاص به فضا نیست بلکه تمرکز خاص بر جنبه‌ای از سازمان اجتماعی است که محاط در فضا است.

دیدگاه فضایی جورج زیمل

استفاده از استعاره‌های هندسی و مقولات فضایی از جمله فاصله و تأثیرش بر روابط اجتماعی، زیمل را در قلمرو معدود جامعه‌شناسانی قرار داده است که در نظریه‌پردازی‌های خود به فضا توجه داشته‌اند. بطوریکه با جرأت می‌توان گفت زیمل در مقایسه با سایر پیشگامان جامعه‌شناسی بیشترین استفاده از مقولات فضایی را به خود اختصاص داده است. زیمل جامعه را





نمودار ۶. محله و احساس طرد اجتماعی از آن؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات نظری.

مشارکت‌کنندگان به لحاظ فضایی مجاور یکدیگر یا جدا از یکدیگر باشند، تغییر می‌کند» (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۳۲).

دیدگاه پدیدارشناختی از فضا

از سنت‌ها و مکاتب جامعه‌شناسی که با تأکید بر زمینه‌مند بودن کنش‌ها و اعمال، نقشی عمده در حوزه مورد مطالعه ایفا کرده است، سنت پدیدارشناختی به معنای عام است. سنت مزبور بر این نکته تأکید دارد که مردم، زندگی را در زمینه‌های انتزاعی «جامعه توده‌وار» تجربه نمی‌کنند. شناخت آنها در زمینه‌های اجتماعی‌ای به دست می‌آید که در آن معنا از طریق ارتباطات و تعامل با افرادی محدود به کنش‌ها و حوادث نسبت داده می‌شود.

دیدگاه فضایی دیوید هاروی

دیوید هاروی در اثر معروف خود، شهر و عدالت اجتماعی، فرآیندهای اجتماعی و اشکال فضایی را واقعیات لاینفک از یکدیگر می‌داند که تنها به لحاظ تحلیلی قابل تفکیک از یکدیگرند. به اعتقاد وی، اشکال فضایی به مثابه محیط و اشیای بی‌جانی نیستند که درون آن فرآیندهای اجتماعی رخ بدهند بلکه این اشکال، خود، سرشار از فرآیندهای اجتماعی‌اند همان گونه که فرآیندهای اجتماعی، به یک معنا، فضاییند. به عقیده وی، هرگونه نظریه عامی در مورد شهر باید بتواند فرآیندهای اجتماعی در شهر را به شکل فضایی شهر ارتباط دهد. باید بین بینش جامعه‌شناختی و بینش جغرافیایی پلی ایجاد کرد. به زعم هاروی، فهم

کنش متقابل بین افراد تعریف می‌کند و وظیفه علم جامعه را توصیف صورت‌هایی می‌داند که کنش‌های مختلف به خود می‌گیرند. زیمبل برای فضا و مقولات فضایی، جوهری مستقل قائل نیست و تصریح دارد: استقرار حوادث، فضایی است، اما حوادث معلول فضا نیستند. در اندیشه وی سه وجه اساسی ابعاد فضایی جهان فیزیکی که می‌تواند در نظریه‌پردازی‌های سطح خرد مؤثر باشد، عبارت است از:
 ۱. منحصر به فرد بودن فضای جغرافیایی؛
 ۲. تحرک یا بی‌تحرکی اشیاء و مصنوعات موجود در این فضا؛

۳. نزدیکی یا فاصله عاملان از یکدیگر و از اشیاء ساکن و بی‌تحرک.

به زعم زیمبل موقعیت تعریف شده فضایی اشیاء مادی بی‌تحرک نیز محور اجتماعی با اهمیتی برای تعاملات انسانی است. این موقعیت مشخص و تعریف شده می‌تواند یک ساختمان، یک روستا، یک محله و یا یک شهر خاص باشد. به تعبیر زیمبل، این نقاط ثابت از محتوایی نمادین نیز برخوردار است و می‌توانند همانند دین، نیروی خاصی اعمال کنند و احساس تعلق و آگاهی نسبت به آن را در افراد به وجود آورند. مقوله دیگر زیمبل، ریشه در مقوله مواضع منحصر به فرد اشیاء در جهان فیزیکی دارد. کانون توجه زیمبل، فاصله بین عاملان بویژه تغییراتی است که به دلیل فاصله جغرافیایی بین عاملان در روابط اجتماعی ایجاد می‌شود. «ماهیت روابط اجتماعی بر حسب آنکه

فضا با همه پیچیدگی‌هایش وابسته به درک فرآیندهای اجتماعی است. فهم فرآیندهای اجتماعی نیز وابسته به درکی از شکل فضایی است.

دیدگاه فضایی گیدنز

جایگاه فضا در اندیشه گیدنز عمدتاً در نظریه ساختیابی اوست. همان‌گونه که اکثر شارحان گیدنز از جمله ساندرز (۱۹۸۹)، گریگوری (۱۹۹۳)، دیکنز (۱۹۹۰) معتقدند، فهم طرح گیدنز از ادغام «زمان و مکان در مرکز نظریه اجتماعی» و آرای او درباره فضا، محلیت و بطور کلی نظرات جامعه‌شناسی فضایی و شهری، بدون فهم نظریه ساختیابی او امکان‌پذیر نیست. مفهوم ساختیابی، ناظر به دوگانگی موجود بین کنش و ساختار در نظریه اجتماعی است. در نظریه ساختیابی، عناصر ساختار یعنی قواعد و منابع مادی هر دو از شرایط کنش محسوب گردیده، آن را ایجاد یا محدود می‌سازند. به تعبیر گیدنز، ویژگی‌های ساختاری نظام‌های اجتماعی، هم محمل و هم بازده اعمال و رفتارهای اجتماعی است. مردم از محیط فضایی و اجتماعی خود، درکی دارند و به طور فعال این محیط را در ایجاد زندگی خود و نظام اجتماعی که جزیی از آن هستند، به کار می‌گیرند. گیدنز با طرح مفهوم محل و ناحیه‌بندی دنبال تدوین طرحی است که بتواند به مقوله‌بندی زمینه‌بندی که ماهیتاً حلقه اتصال نظام‌های اجتماعی با دامنه کوچک با دامنه بزرگ است، یاری رساند. گیدنز معتقد است که تجلی روابط زمانی-مکانی در نظام‌های اجتماعی باید در رابطه با ایجاد قدرت، درون ساختارهای سلطه و از طریق باز تولید آن مورد بررسی قرار گیرد. «گیدنز بر این باور است که اگر به دنبال ارائه فهمی رضایت بخش از روابط اجتماعی، فرآیندهای اجتماعی و روابطشان با مردم به مثابه انسان‌های فعال هستیم، نباید با فضا به مثابه یک زایده اختیاری برخورد کنیم. از دید گیدنز، مفهوم محل، «منطقه‌ای فیزیکی و زمینه‌ای برای تعامل است که برخوردار از مرزهای مشخص بوده و به گونه‌ای به تمرکز تعامل یاری می‌رساند»؛ بنابراین یک محل عمدتاً یک محیط فیزیکی است که درون آن تعامل انسانی رخ می‌دهد» (دیکنز، ۱۳۷۷، صص ۱۱-۱۰).

نظر ارنست کاسیرر را می‌توان به عنوان جمع‌بندی دیدگاه‌های فضایی-اجتماعی بکار برد. هر پدیده از پیوند و وقوع حوادث و اتفاقات در بستر مکان بوجود می‌آید و در بعد زمان رشد و تکامل می‌یابد و این دو به منزله چارچوبی هستند که پدیده‌ها در آن شکل می‌گیرند و هیچ پدیده‌ای را نمی‌توان یافت که مقید به شرایط زمانی و مکانی نباشد. بنا بر این اصل، شناخت پدیده‌های انسانی نیز بدون درک و فهم دو عامل زمان و مکان که مشخص‌کننده ظرف و مظهر پدیده‌ها هستند، بی‌شک شناختی کامل و دقیق نخواهد بود. نکته مهمی که تقریباً همه بر آن تأکید دارند این است که مکان و زمان از اجزاء تشکیل‌دهنده و ویژگی بسیار مهم پدیده‌ها و ماهیت‌ها هستند. بنابراین می‌توان این دو را بخشی مهم از هویت هر وجود عینی و ذهنی دانست.

نظریه‌های مربوط به توسعه محله‌ای

رها شدن افراد در مقیاس بزرگ جغرافیایی با عنوان شهر مشکلات فراوانی را با خود همراه داشته است. در چنین وضعیتی آنچه که مورد اتفاق نظر بسیاری از سیاست‌گذاران و مدیران شهری است، اعمال روش‌ها و دیدگاه‌هایی است که بتواند رشد کیفی و کمی شهر را تدارک و در کنار زیباسازی فضایی و کالبدی، رابطه پایدار اجتماعی، امنیت و رفاه عمومی را نیز تامین نماید. در این وضعیت محله‌های شهری، اساس توسعه روابط اجتماعی و بنیاد سازمان دهی نظام شهری تلقی می‌گردند. دیکنز در تعریف مفهوم محل و محلیت که عنصر محوری نظریه‌پردازی شهری وی محسوب می‌شود، می‌نویسد: نکته محوری در مورد محله‌های مختلف این است که آنها فراهم‌کننده زمینه‌ای هستند که در آنجا ترکیبات مختلف فرآیندهای اجتماعی محقق می‌شود و مردم در نتیجه این ترکیب‌ها عمل می‌کنند. با این تعریف به نظر می‌رسد وی در واقع به دنبال ارائه فهمی از نقش محل و محلیت در تغییرات اجتماع در سطوح مختلف تحلیل‌های فضایی است. «در دنیای غرب، مطالعه محله به عنوان یک واحد اجتماعی، ابتدا به وسیله رابرت پارک و رودویک مکنزی از



پیشگامان اکولوژی شهری مکتب شیکاگو در سال ۱۹۲۶ آغاز می‌شود. این محققین شاید برای اولین بار در یک محدوده فیزیکی (محل) در شناخت گروه‌های اجتماعی، روی کیفیت زندگی گروه‌ها، کیفیت رفتارها، انواع بزهکاری‌ها، پراکندگی مبتلایان به بحران‌های روانی تأکید می‌کنند. بعدها، در طرح اصول برنامه‌ریزی شهری، ارتباط اکولوژیکی در محلات مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو هر محله‌ای مشخصاتی جدا از سایر محلات شهری دارد. از طرفی هر یک از محلات دارای منطقه نفوذی است که در آن مغازه‌ها، داروخانه‌ها، مدارس، باشگاه‌ها، شعبه بانک و شعبه پست، تجهیزات عمومی و عبادتگاه‌ها قرار دارند که تنها مردم محله می‌توانند به آسانی در همه روزها از آنها بهره‌مند شوند» (شکوهی، ۱۳۷۲).

آنچه که مورد نظر این دسته از نظریه‌پردازان می‌باشد عبارت است از طرح این موضوع بعنوان یک نمونه از شکل زندگی جمعی در شهر که در آن ارتباط مهم بین ساختار و کارگزار و نیز رابطه بین مردم و محیط مدنظر می‌باشد. کوک در کتاب خود تحت عنوان «محل‌گرایی» (Localism) که در سال ۱۹۸۰ منتشر کرده است نمونه خود را از کشور انگلستان، شهرها و محله‌های شهری در این کشور انتخاب کرده است. محله‌ها را از این نظر که دارای بافت اجتماعی-اقتصادی و نیز کارکردی متفاوت می‌باشند مورد مطالعه قرار داده است. طبق نظر کوک ویژه‌گی‌های محیطی در سطح محله‌ها نقش اساسی در سازمان‌دهی رفتار مردم و نیز سازمان‌های اجتماعی دارد. کوک به این نتیجه می‌رسد که: «محل عبارت است از فضایی که در آن بخش مهمی از کار و مصرف شهروندان در آن وجود دارد. محل بنیاد مهمی برای شناخت وسیع افراد و تجهیز اجتماعی افراد برای فعال کردن، توسعه و یا دفاع از آندسته از حقوقی است که نه در حوزه سیاسی بلکه بیشتر از نوع ماده و انرژی در حوزه فرهنگ، اقتصاد و زندگی اجتماعی می‌باشند. از این روی، محل نهادی است که از طریق آن افراد و موضوعات می‌توانند توانایی برای فعالیت اولیه، بوسیله یک تعامل مؤثر فردی و جمعی را در درون آن و یا از

ورای آن به اجرا درآورند» (به نقل از موسوی (Cooke ۱۹۸۰) p:۱۲).

در کنار صاحب‌نظران توسعه محله‌ای، ممفورد بر این عقیده است که هیچ کوشش اساسی برای تعریف نظام محلّه انجام نگرفته است؛ چرا که تأکید به روی شهر در مجموع، پیوسته بعنوان واحد مستقل بوده است. با این وجود از نظر وی «نخستین تلاش‌های نوین برای شناخت محلات شهری در دو جهت تداوم یافته است: اول در بعد علمی، که از کارهای هورتن کولی سرچشمه می‌گیرد. کولی موضوع محلّه را تحت عنوان سازمان اجتماعی و روند اجتماعی شدن و اجتماع چهره به چهره بر اساس بنیاد خانواده مورد بررسی قرار داده است» (Mumford ۱۹۵۴ p. ۲۵۹). جهت دیگر عبارت بوده از: «هویت محلّه بعنوان واحد نظام یافته مهم در زندگی شهری که در بردارنده دو بخش اساسی در ارتباط با حرکت اجتماعی و یگانگی اجتماعی بوده است (Banerjee & Bare ۱۹۸۴ p: ۵).

«لینچ» معیارهای هفت‌گانه‌ای را جهت وضعیت مطلوب یک شهر ارائه داده و محلّه را چنین تعریف می‌کند: محلّه شهری، به ساده‌ترین صورت خود جایی است که در آن پاره‌ای خصوصیات مشابه موجود باشند. خصوصیات که سیما و پیکر محلّه را مشخص می‌کنند عوامل خاص آن محلّه هستند. که در اجزاء پنجگانه به گره، مسیر، نشانه، لبه و حوزه خلاصه می‌شوند. همچنین او هشت ویژگی یک محلّه را برشمرده که هشتمین ویژگی آن معنی می‌باشد. «معنای یک سکونتگاه، وضوح درک و شناخت آن و سهولت برقراری پیوند بین عناصر و اجزا آن با سایر رویدادها و مکان‌ها در یک تجلی منسجم و ذهنی از زمان و مکان و ارتباط این تجلی با مفاهیم غیرفضایی و ارزش‌هاست». همه عوامل مورد توصیف فوق می‌توانند در طراحی محله‌های شهری زمینه‌ساز حفظ هویت آنها باشند^۱ (موسوی، ۱۳۸۲).

بنابر نظریه تاجفل، هویت اجتماعی به عنوان آگاهی فرد از عضویت در و تعلق به یک گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد، مفهوم‌سازی شده است (Deschamps & Devos).

۱۹۹۸: ۵). در نتیجه سه مولفه را می‌توان به عنوان الگویی جامع و مانع برای هویت اجتماعی برشمرد: الف) باورهای درهم‌تنیده مشترک، ب) جذب به درون گروه، و ج) درک زمینه رقابت بین گروهی (دوران ۱۳۸۰، صص ۷۸-۸۳). مولفه نخست مشتمل است بر کلیه باورهای مشترک درباره گذشته، حال و آینده. در نتیجه به همان اندازه که پیشینه (خاطرات) مشترک جزو عناصر هویتی محسوب می‌شود که باورهای مشترک در حال (مثال بارز آن زبان مشترک و یا حدودی از نمادها و نشانه‌های مشترک)؛ و به همان اندازه که سرنوشت مشترک در آینده. بدین ترتیب یک بعد از تعلق به یک اجتماع، به معنی اشتراک در عقاید و ویژگی‌های مشترک است تا خود را در «ما» بازشناسیم (ما دانشگاهیان، ما ایرانیان، ما مردان، ما بچه‌های محله فلان). هویت‌یابی با این «ما»ست که امکان می‌دهد هویت خاص روانی و جمعی خود را تا حدی دریابیم (روشه، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱). این مجموعه هم‌فکری (نمادها و اطلاعات مشترک) و هم‌بختی (نفع و اقبال مشترک) را به اجتماع اعطا می‌کند که برای حفظ «ما»، لازمه هر نظم اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵، صص ۱۸-۲۱). اما برخی اساس هویت را بر مبنای عاطفه دانسته‌اند و چنانکه اشاره شد دومین مولفه هویت جذب به درون گروه محسوب می‌شود. منظور از جذب به درون گروه، احساس تعهد رابطه‌ای است. یعنی نوعی احساس تعلق و وظیفه به

دیگران (به ویژه دیگران مهم) و وفاداری به ارزش‌ها، اهداف، انتظارات و ظرفیت‌های آنان (حبیبی ۱۳۷۶، ص ۷۱؛ چلبی ۱۳۷۵، ص ۱۰۲). این وابستگی عاطفی و روابط گرم است که پایه اجتماع و هرگونه تعهد و احساس مسئولیت اجتماعی محسوب می‌شود (حبیبی ۱۳۷۶: ۱۲۹). به دیگر سخن، همدلی یا احساس تعلق مشترک، خمیرمایه اصلی «ما» و فقدان حداقلی از آن به معنی اضمحلال «ما» به «من»ها محسوب می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۰).

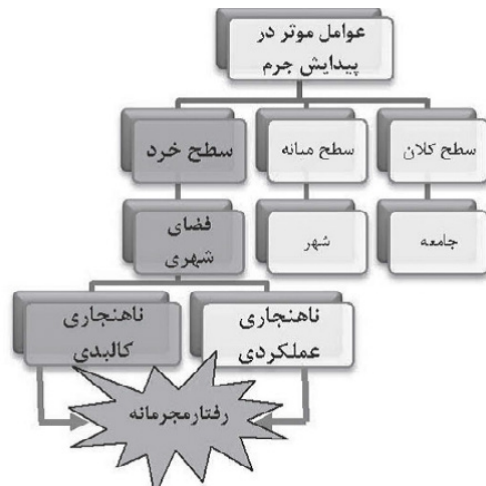
دیدگاه‌های کنش متقابل و محله‌گرایی

بر اساس تعریف گیدنز از مکان محلی می‌توان از زاویه‌های دیگر نیز به اهمیت فضا و مکان محلی پی برد. مکان محلی در نزد گیدنز یک منطقه فیزیکی به عنوان صحنه کنش متقابل که دارای مرزهای معینی است تعریف می‌شود، بطوریکه امکان تمرکز کنش متقابل را به هر شیوه یا شیوه دیگر میسر می‌سازد؛ بنابراین «مکان محلی از نظر گیدنز تا حدود زیاد یک مجموعه فیزیکی است که کنش متقابل انسانی درون آن رخ می‌دهد» (دیکنز، ۱۳۷۷، ص ۱۰). در کنش متقابل اجتماعی، فرد تلاش می‌کند تا به شخصیت خود از دیدگاه دیگران پی ببرد. یعنی خود را در مقابل چگونگی قضاوت دیگران می‌شناسد، چون برای هر کس این مسأله حائز کمال اهمیت است که نظر دیگران را راجع به چگونگی رفتار و کردار خود بدانند. «مید» یکی از

۱. بارتن هویت محله‌ای را در سه بعد مطرح می‌نماید: فیزیکی، سیاسی و اجتماعی. هویت اجتماعی یک محله به وجود شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های حمایتی اشاره دارد چرا که این شبکه‌ها در سلامت روانی انسان اهمیت بسزایی دارند. مطالعات نشان داده است که هر چه تمرکز گروه در سطح محله (هویت محله‌ای) افزایش یابد، میزان بیماری‌های روانی آن گروه کاهش می‌یابد. از طرفی ابعاد گوناگون هویت شهری را می‌توان چنین طبقه‌بندی کرد: طبیعی، جغرافیایی، کالبدی، بصری، علمی، تاریخی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. می‌توان این ابعاد را در یکدیگر ادغام نمود و در سطح محله به کار گرفت. هویت طبیعی-جغرافیایی یک محله به مناظر طبیعی و ویژگی‌های اقلیمی و آب و هوایی آن اشاره دارد. هر چه یک محله از صفات طبیعی جغرافیایی مطلوب‌تری برخوردار باشد، زندگی در آن محله با رضایت بیشتری همراه بوده و ساکنان احساس تعلق خاطر بیشتری نسبت بدان خواهند داشت. قدمت و سابقه تاریخی یک محله نیز در ایجاد حس غرور و افتخار آفرینی ساکنین مؤثر است. تأثیر خصوصیات کالبدی محله مسکونی در ایجاد ویژگی‌های خاص رفتاری و روانی ساکنان نیز امری اثبات شده محسوب می‌شود. این که یک مرکز علمی (دانشگاه)، اقتصادی (بازار) و یا سیاسی (ادارات حکومتی) در داخل و یا حتی در کنار یک محله‌ای استقرار یافته باشد، بطور حتم بر روابط محله تأثیر می‌گذارد و در تکوین هویت افراد مؤثر است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016



نمودار ۷. جایگاه ناهنجاریهای کالبدی در پیدایش جرم در

فضاهای شهری؛ ماخذ: صالحی، ۱۳۸۷.

بنیانگذاران مکتب کنش متقابل نمادی، درباره زندگی اجتماعی، بر اهمیت فهم و درک مردم و تفسیرهای آنان از خود و دیگران در دگرگونی اجتماعی و نظم اجتماعی تأکید دارد. شاید بر اساس چنین تعبیری بیشترین تأثیر را جورج هربرت مید بر مکتب شیکاگو گذاشته است. وی بطور ویژه بر اهمیت نظم نمایشی در فهم فرآیندهای اجتماعی و روابط اجتماعی تأکید می‌کند. او عمدتاً توجه خود را به شکل‌گیری «خود» در دنیای اجتماعی معطوف می‌سازد. در این کار وی به فرآیند دو مرحله‌ای که هویت افراد در آنها شکل می‌گیرد توجه می‌کند. در مرحله اول، «خود» در رابطه با تجربه کودک، بویژه رابطه‌اش با دیگر کودکان در بازی، شکل می‌گیرد، لیکن تحقق واقعی «خود» از طریق مشارکت در جامعه بزرگتر صورت می‌گیرد و مرحله دوم را مید «دیگری‌عام» می‌نامد. منظور مید از دیگری عام یک نوع گروه مرجع است که بوسیله آن افراد هنجارها و ارزش‌ها را در ارتباط با نیروهای مقتدر خارجی ارزیابی می‌کنند (دیکنز، ۱۳۷۷، ص ۵۵).

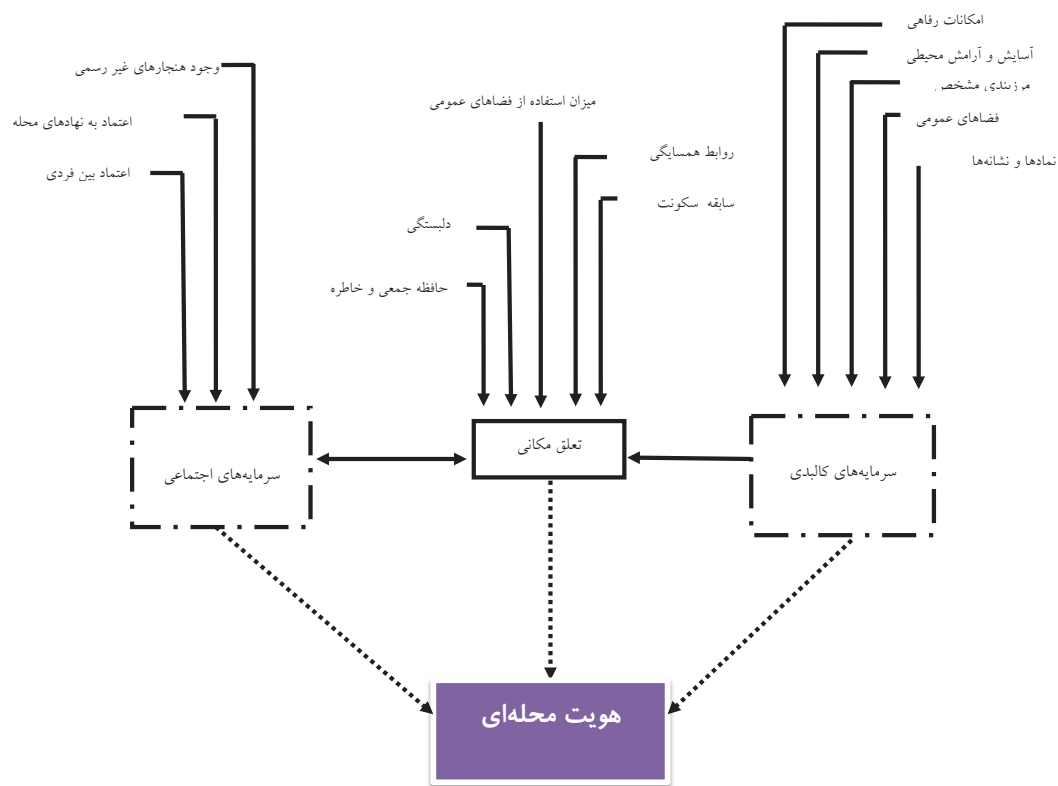
نظریه‌های کنترل اجتماعی

نظریه‌های کنترل، فرض را بر این قرار می‌دهند که رفتار افراد، رفتاری ضداجتماعی خواهد بود، مگر اینکه دیگران، آنها را در جهت ترک آن هدایت کنند. افزون بر این، در تبیین‌های کنترل، ادعا می‌شود که برخی

افراد، هیچ‌گاه دیگران مهم را، در خود درونی نمی‌کنند. بدین‌گونه به نظر می‌رسد که می‌توان پرسش اصلی را در این تبیین‌ها آن دانست که چرا اصلاً مردم هم‌نواپی می‌کنند؟ چنانچه ملاحظه می‌شود در این تبیین‌ها، برخلاف تبیین‌های دیگر، تمایلی به یافتن انگیزه‌ها و علل رفتار کجروانه وجود ندارد، و عمدتاً به موقعیتی توجه می‌شود که در آن، افراد برای انجام اینگونه رفتارها آزادی بیشتری بدست می‌آورند. به بیان دیگر، این نحوه تبیین، وقوع کجروی را بر حسب وجود ضعف در فرآیند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی تبیین می‌کند و مدعی است هنگامی که کنترل اجتماعی به اندازه کافی قوت داشته باشد، از وقوع کجروی جلوگیری می‌شود، اما وقتی کنترل‌های داخلی یا خارجی ضعیف بوده، یا از هم پاشیده باشد، رفتار کجروانه ظاهر می‌گردد (wardak, ۱۹۹۵). دور کیم بر این باور بود که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی-نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌زند- قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند؛ ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند. به بیان دیگر، افرادی که با اجتماع خود همبستگی دارند تمایل به تبعیت از مقررات آن دارند در حالی که کسانی که از اجتماع بریده‌اند، ممکن است تمایل به نقض آن مقررات داشته باشند (ستوده، ۱۳۸۳).

الگوی کنترل اجتماعی تراوس هرشی

در هر حال در میان روایت‌های متعدد این حوزه، می‌توان به تعبیر متفاوتی درباره ماهیت کجروی دست یافت؛ از جمله، الگوی کنترل اجتماعی تراوس هرشی که از سویی با پذیرش دیدگاه دور کیم، به نقش ضعیف بودن ابزارهای بیرونی و جمعی کنترل رفتار در شکل‌گیری کجروی اشاره می‌کند؛ و بر همین اساس همانند او ماهیت کجروی را نوعی غلبه خواسته‌های فردی در زمان ضعف اقتدار جمع می‌داند و از سوی دیگر با مطرح کردن نقش ابزارهای



نمودار ۸. مدل مفهومی عوامل موثر بر هویت محله‌ای

است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قومی وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند. برای مثال، او بر آن است که: هر چه همبستگی میان جوانان، والدین، بزرگسالان و همسالان بیشتر باشد، جوانان بیشتر علاقمند و درگیر مدرسه و دیگر فعالیت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند؛ و هر چه بیشتر اعتقادات و جهان‌بینی مرسوم و مطلوب محیط اجتماعی را قبول کنند و به آن معتقد باشند، کمتر ممکن است کجرو و مجرم شوند.

به عقیده هیرشی بزهکاری به عنوان یک مسأله اجتماعی باید در عرصه خانواده، محله، مدرسه، همسالان و سایر ارگان‌ها یا مؤسسات اجتماعی که افراد به نوعی در آنها عضویت دارد، بررسی گردد. هیرشی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند یا به طور کلی

درونی کنترل، بر عنصر جامعه‌پذیری و یادگیری تکیه می‌کند و بدین‌گونه کجروی را پیامد کاستی‌های این دو فرآیند، و ماهیت آن را از نوع آموخته‌های آنها می‌داند (رابرتسون، ۱۳۷۲). تراوس هیرشی در دو تحقیق خود نوعی الگوی کنترل اجتماعی را ارائه داده است: الگویی که گاه با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود؛ و پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد. در این الگو، هیرشی از یک سو خود را از این تحلیل دور‌کیم متأثر می‌بیند که مدعی است «کجروی یا خودکشی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است». اما از سوی دیگر، برخلاف دور‌کیم و همفکران او، انسان را به خودی خود، متکی و پایبند به اصول اخلاق و مانند آن نمی‌داند. پس فرض را بر قطعی بودن تحقق کجروی در جامعه می‌گذارد؛ و به ریشه‌یابی وقوع هم‌نواپی در جامعه می‌پردازد. نتیجه‌ای که هیرشی از تحلیل خویش می‌گیرد آن

از بین بروند. وی این قیود را تحت چهار مفهوم کلی خلاصه می‌کند:

۱. «وابستگی»: این عنصر بیانگر میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. به نظر هرشی، کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات آنان را در نظر می‌گیرند و با احساس مسئولیت نسبت به این افراد و حفظ ارتباط با آنها عمل می‌کنند. بر همین اساس یادآور می‌شود که افراد فاقد این دلبستگی، نگران آن نخواهند بود که روابط اجتماعی آنان به خطر افتد. بنابراین بیشتر احتمال دارد که به کجروی رو آورند.

۲. «تعهد»: بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه در خود احساس می‌کند. به تعبیر دیگر، هرشی بر آن است که هر قدر فرد در محیط‌هایی مانند محیط تحصیل، اشتغال، خانه، محله و مانند آن، نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کند، دلیل بیشتری خواهد داشت که برای حفاظت از دستاوردهای خود، با دیگران همنوا بماند و در مقابل، کسانی که نیاز کمتری به این سرمایه‌گذاری احساس می‌کنند، خطر و ضرر کمتری را در ارتکاب جرم می‌بینند و حتی ممکن است در پی به دست آوردن فرصتی برای سود بردن از آن برآیند (سلیمی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۲).

۳. «مشارکت»: این عنصر بیانگر میزان درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است، به نظر هرشی، همین مشارکت‌ها فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند. به همین نحو، آشکار است که کسانی که در فعالیت‌های مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری برای دست یازیدن به رفتارهای کجروانه می‌یابند.

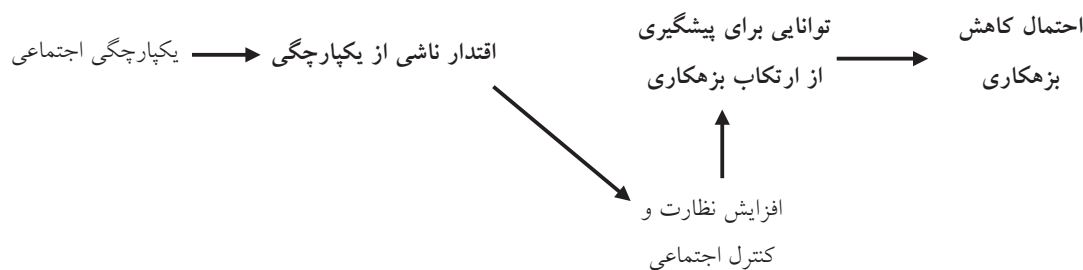
۴. «باورها»: عنصر باور، بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، باور او نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری وی نسبت به آنهاست. به نظر هرشی، اگر فردی جدا این باور

را داشته باشد که درگیر شدن در گونه‌هایی خاص از رفتارها کار درستی نیست، مشارکت در آن رفتارها برای او دور از تصور خواهد بود. در مقابل کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند ممکن است تماس بیشتری به نادیده گرفتن آنها داشته و بیشتر به کجروی مبادرت ورزند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳).

نظریه مهار والتز رکلس

روایتی دیگر از انواع نظریه‌های کنترل، نظریه مهار است که والتز رکلس آن را در کتاب خویش تحت عنوان مسأله جرم مطرح ساخته است. تبیینی که گاه از آن با نام‌هایی مانند نظریه موانع داخلی و خارجی و نظریه کف‌نفس یاد شده و از نظر زمانی مقدم بر نظریه کنترل هرشی است. در هر حال به نظر رکلس، همنوایی فرد با گروه و جامعه امری طبیعی و بر اساس تمایل درونی او نیست؛ و صرفاً از فشار و کنترل گروه سرچشمه می‌گیرد. به دیگر سخن، او همنوایی فرد با گروه را به معنای همنوایی وی و رفتار ناشی از درونی شدن هنجارها و ارزش‌های در او نمی‌داند و مدعی است که این رفتار نوعی پاسخ به نفوذ گروه، و همواره از نوع اجابت (متابعت) است؛ و هرگاه فشار گروه وجود نداشته باشد، یا کم باشد، فرد عصیان کرده و به کجروی روی خواهد آورد (سلیمی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۵). او کنترل اجتماعی را خط‌دفاعی دوگانه‌ای می‌داند که جامعه را علیه کژرفتاری حاد محافظت می‌کند.

مانع اول حفاظتی، جامعه‌پذیر شدن هر یک از اعضای جامعه است که شامل ویژگی‌های شخصی مانند: خودکنترلی (خویش‌داری)، خودپنداره و درونی کردن هنجارهای اجتماعی می‌شود. این مانع دفاعی را بازدارندگی درونی می‌گویند که شخص را برای مقاومت در برابر وسوسه‌های انحرافی توانایی می‌بخشد و موجب پیروی از هنجارها می‌شود. این توان بازدارندگی درونی هر شخص با شخص دیگر فرق دارد. خط دفاعی دیگر را گروه یا جامعه‌ای تدارک می‌بیند که فرد به آن تعلق دارد، اما این مانع کژرفتاری حاد، خارج از فرد قرار دارد و بازدارندگی بیرونی نامیده می‌شود. بازدارندگی



نمودار ۹. فرضیه‌های اساسی نظریه بازدارندگی اجتماعی

بیرونی شامل مجموعه چشمگیری از خواسته‌های قانونی و ممنوعیت‌هایی است که بسیاری از مردم را در پیوندهای رفتاری با جامعه‌شان قرار می‌دهد. توان قوانین رسمی که شامل بازدارندگی بیرونی کنترل رفتاری می‌شوند نیز از فردی به فرد دیگر متفاوت است. زمانی که این خط دفاعی دوگانه به اندازه کافی با هم، کارکردی برای کنترل فرد و حفاظت جامعه از کژرفتاری و یا رفتار ضداجتماعی داشته باشند، نظریه بازدارندگی نامیده می‌شوند (ستوده، ۱۳۸۳).

الگوی نظارت اجتماعی فرایندی و هیگ

فرایندی و هیگ که از دیگر نظریه‌پردازان تئوری کنترل و متاثر از آراء هرشی در باب نظارت اجتماعی می‌باشند، مدعی‌اند جرم‌ها، غیراخلاقی هستند، چرا که شکسته شدن جوامع و زوال اجتماعات را رقم می‌زنند. آنان معتقدند هرشی بر مهمترین الزامات میان جرم و نظم اجتماعی تأکید نموده است. بر اساس یافته‌ها و تأکیدات هرشی مبنی بر چهار عنصر معنادار که الزاماتی را بین نوجوانان منحرف و جامعه ایجاد می‌کنند (وابستگی و تعلق؛ تعهد؛ مشغولیت یا درگیری؛ عقیده یا باور)، فرایندی و هیگ سعی می‌کنند در راستای تکمیل تئوری هرشی قدم بردارند و در این راه به جزئیات عناصر مورد نظر هرشی می‌پردازند. به عنوان نمونه از نظر آنها صمیمیت بوسیله چهار عامل ساخته می‌شود: ۱- تعداد ارتباط ۲- فضا و محیط ۳- انتخاب ۴- اشتراکات و همپوشانی‌ها:

۱- «تعداد»: به تعداد تماس یک فرد با فرد دیگر اشاره می‌کند.

۲- «دوره و مدت»: مدت، مبین طول زمان ارتباط و روابط میان فرد با فرد دیگر است.

۳- «خودآشکاری»: به میزان و درجه صمیمیتی که در اثر کنش‌های متقابل میان افراد پدید می‌آید، اشاره می‌کند.

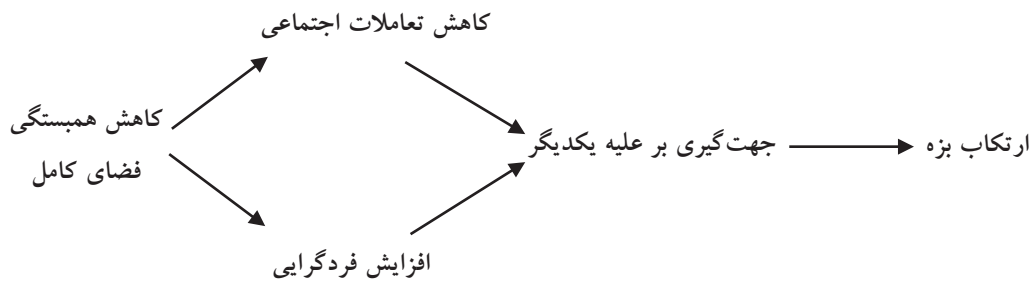
۴- «جاذبه و روابط عاطفی»: به تأثیرات نیروی پتانسیل که میان یک فرد و دیگران یا موضوع جهت جذب وجود دارد دلالت داشته و آن انرژی پتانسیل مطمئناً باید در ارزش‌های روحی روانی یا احساساتی میان کنشگران صرف شود.

۵- «هماندی و تجانس هنجارها»: به درجه‌ای از توزیع مالکیت روح هنجاری گویند که بر جریان کنش متقابل احاطه دارد. هنجارها بوسیله توقعات و انتظارات رفتاری تعریف می‌شوند و تأثیرات آن معمولاً بر مردم بسیار قوی است بطوریکه از ضمانت‌های رسمی، قویتر عمل می‌کند.

۶- «اشتراک و همپوشانی»: به درجه‌ای از کنش متقابل میان فضاهای متفاوت دلالت دارد. تعداد زیادی از مردم در حوزه وسیع اشتراک جای می‌گیرند. جایی که روابط متناظر بر همین اساس افزایش می‌یابد. مطمئناً هرچه حوزه اشتراک وسیعتر باشد روابط متناظر افزایش بیشتری یافته و بدیهی است، همگنی رفتارهای ناشی از حوزه اشتراکات راه را بر بروز جرم می‌بندد.

«فرایندی» شروط مذکور را سپس تحت سه گروه کلی‌تر طبقه‌بندی می‌کند:

۱- «شرایط مشارکت»: شرایط مشارکت ناظر به تعدد



نمودار ۱۰. الگوی کنترل و نظارت فرایندی و هیگ

فضایی در کنش‌های متقابل به شخصیت خود از نگاه دیگران بپردازند. یعنی همواره خود را در مقابل قضاوت دیگران ببینند تا همانطور که گافمن اشاره می‌کند از طریق این ارزیابی‌های اخلاقی به سلسله مراتب ارتقاء اخلاقی در جامعه کمک کنند. این روند از یک طرف افزایش مشارکت ساکنین شهرها و از سوی دیگر ارتقاء کنترل اجتماعی و کاهش ناهنجاری‌ها را مدنظر قرار می‌دهد و در نهایت سرمایه اجتماعی که زیر بنای هر گونه مشارکت جمعی و زندگی اجتماعی است را فراهم می‌سازد. در الگوی کنترل اجتماعی، کجروی را بیش از هر چیز، معلول ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد. و براساس آن «دلبستگی»، «تعهد»، «مشارکت» و «باور» را که هم از ابزارهای اقناع در کنترل اجتماعی‌اند- به عنوان چهار متغیر عمده کنترل رفتار معرفی می‌کند؛ و برای نمونه می‌گوید: «اگر فردی قویاً باور داشته باشد که برخی رفتارهای انحرافی درست نیست، مشارکت در آن رفتار برای او دور از تصور است» یا آنکه جامعه یا گروهی که اعضای آن وابستگی‌هایی متقابل و قوی با هم داشته باشند، کنترل اجتماعی را بهتر اعمال می‌کنند. در این مباحث، بُعدی در جامعه‌شناسی شهری یا فضایی وجود دارد که تاکنون بطور عمده مورد غفلت قرار گرفته است و آن عبارت است از «نظم نمایشی» یعنی این که چگونه مردم در جریان تماس چهره به چهره، جامعه و خودشان را درک می‌کنند و احساسات خود را به دیگران نشان می‌دهند. برای بهبود بخشیدن به این

مناسبات (تعداد) و دوره و مدت روابط است، از این طریق فرصت‌هایی برای افراد آماده می‌شود تا براساس مهارت خاص با دیگران درآمیزند.

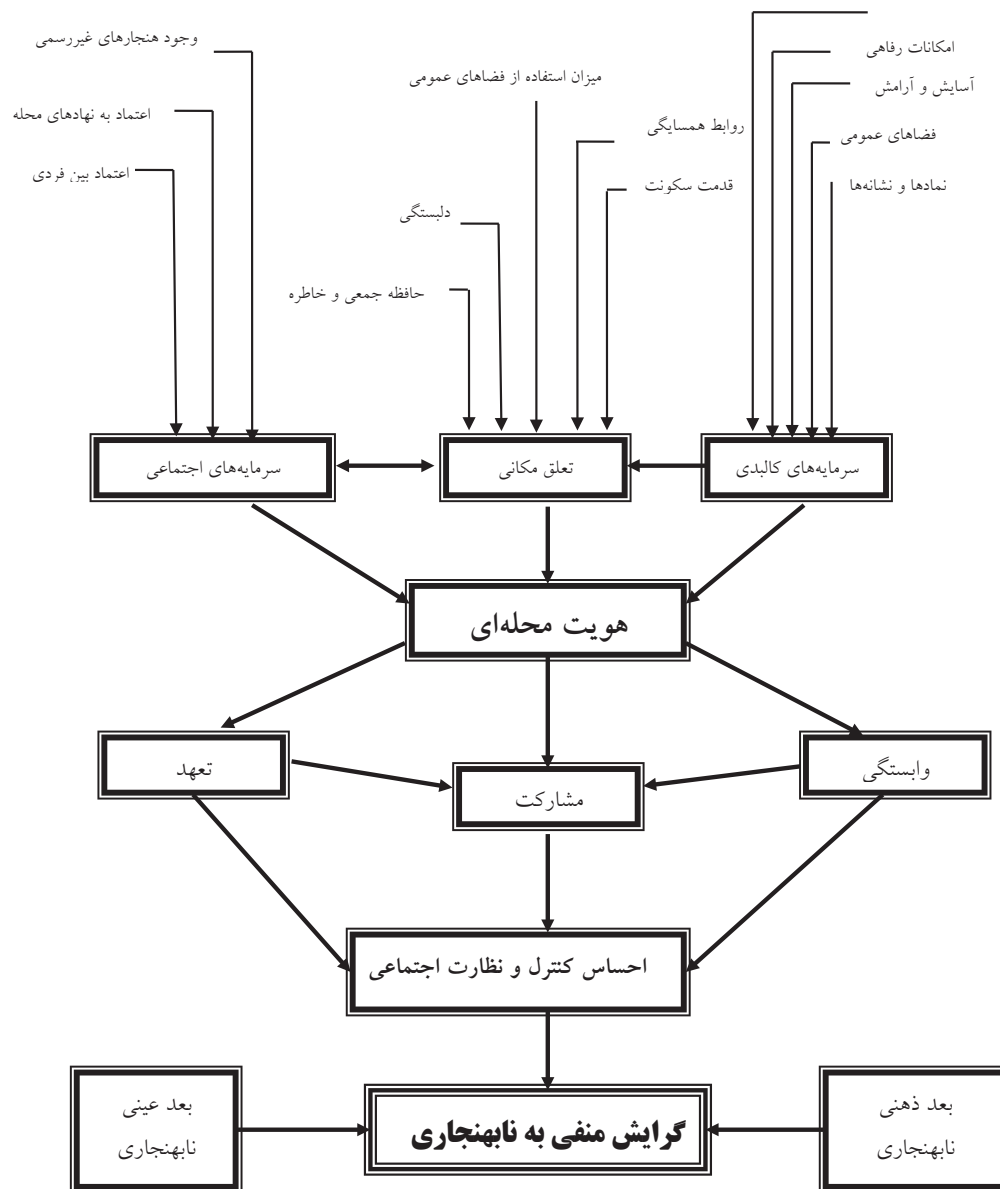
۲- «شرایط مبادله»: خودآشکارسازی و وضعیت عاطفی را شامل می‌شود و از عناصر مهم ایجاد ارتباط با دیگران تلقی می‌شود.

۳- «جریان کنترل و نظارت»: وابستگی، تشابه هنجاری و اشتراکات مجموعاً تشکیل دهنده جریان کنترل و نظارت میان افراد هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در یک جامعه باثبات، تمامی افراد به ارزش‌هایی معتقدند که آنان را از طریق انتظارات متقابل، قادر به همسازی رفتارها با یکدیگر می‌سازد. چنین اعتمادی (که ویژگی اجتماع‌های مبتنی بر اصول اخلاقی است) افراد را قادر می‌سازد تا به کردار و رفتارشان وسعت بخشند زیرا در این شرایط نیاز به رجوع مکرر به حکمرانان برای اتخاذ تصمیمات جزئی از بین می‌رود. بدین گونه، در اجتماع‌های اخلاقی، غالب مسایل اساسی مربوط به سازمان دادن حرکت‌ها و اعمال اجتماعی قبلاً حل و فصل می‌شود و این وضعیت، دست کم در کوتاه مدت، فرد را قادر می‌سازد تا در چارچوب الگوهای از پیش تعیین شده، به زندگی ادامه دهد.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت امروزه بحث از محله و محله‌گرایی به عنوان کوچکترین واحد فضایی شهری، با در نظر گرفتن فضا در تعاملات اجتماعی، مورد توجه قرار می‌گیرد تا زمینه‌ای برای کنش متقابل اجتماعی فراهم شود و مردم در یک رابطه منطقی با مقیاس

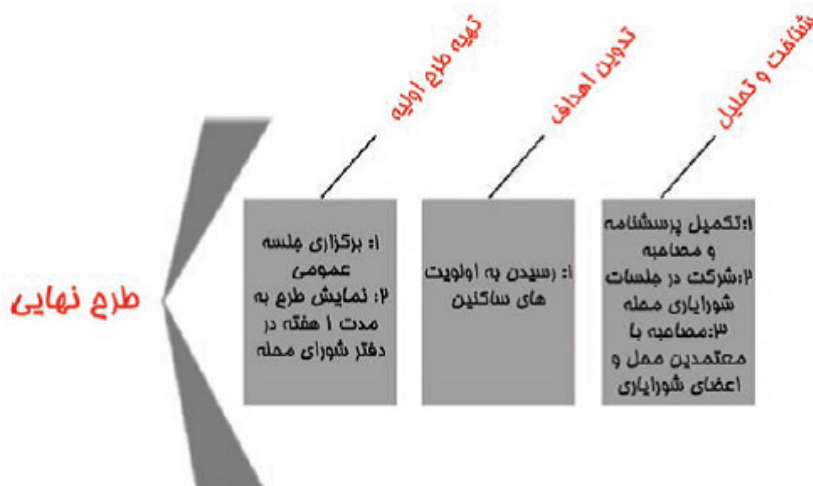


نمودار ۱۱. مدل مفهومی کنترل اجتماعی و محله‌گرایی

مبانی موردنظر در کنترل ناپهنجاری در محلات از طریق برنامه ریزی شهری در زمینه‌های زیر عنوان می‌شود:

۱. «آرامش محیطی»: ۱- دوری از سرو صدا؛ ۲- دور بودن محلات از فضای عمومی و پرتحرک مرکز شهر؛
- ۳- عبوری نبودن معابر محلی و وجود سلسله مراتب دسترسی؛ ۴- عدم حضور مشاغل تولیدکننده سرو صدا؛
- ۵- تسلط حرکت پیاده با توجه به نوع وسایل حمل و

وضعیت، تصور از «منطقه جلو صحنه» و «منطقه پشت صحنه» و اشاره به شیوه‌های تعریف شده اجتماعی که فعالیت‌ها و مکان‌ها بوسیله آنها ادراک می‌شوند مورد توجه واقع شده است. به نظر می‌رسد این وضعیت نیازمند بستری است و بافت فیزیکی و اجتماعی محله‌ها در گذشته نه چندان دور بستر مناسبی برای آن محسوب می‌شد.



نمودار ۱۲. بهره گیری از مشارکت محلی و محله محور در کنترل اجتماعی و طرحهای پیشگیری از جرم، ماخذ: یافته های تحقیق.

نقل در گذشته.

۲. «امنیت» ۱- جنبه نیمه عمومی داشتن فضاهای داخلی هر محله برای محله‌های دیگر؛ ۲- محسوس بودن و قابل کنترل بودن حضور غریبه‌ها در محل؛ ۳- وجود سلسله مراتب عملکردی و فضایی و حریم‌ها؛ ۴- مراقبت و هوشیاری مردم در حفظ امنیت محدوده فضای مشترک خود در بن‌بست‌ها و هشتی‌ها به لحاظ داشتن احساس تملک نسبت به این فضاها؛ ۵- استفاده از پیچ و خم معابر، کم‌بودن عرض معبر، پوشش بن‌بست‌ها و طاق‌ها، اختلاف سطح معابر در به دام انداختن مهاجمین؛ ۶- درون‌گرایی کل بافت و واحدهای مسکونی؛ ۷- یکدست بودن نمای بیرونی واحدهای مسکونی در معابر و در نتیجه قابل تشخیص نبودن وضع اقتصادی خانوارها از بیرون از خانه؛ ۸- بسته بودن بافت محلات؛ ۹- وجود آسایش.

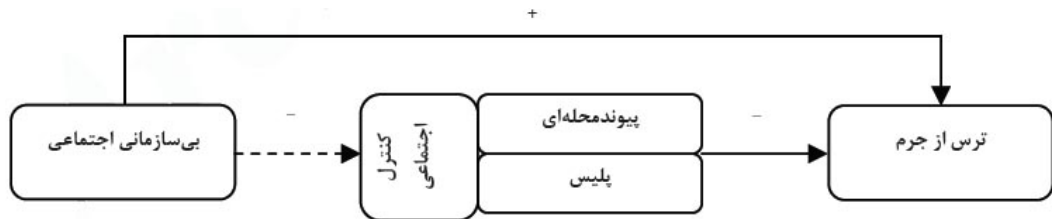
۳. «اقلیم» ۱- تأثیرپذیری مجموعه‌های کالبدی محلات از طبیعت و اقلیم؛ ۲- جهت‌گیری معابر با توجه به جهت بادهای مطلوب و نامطلوب و تابش خورشید؛ ۳- استفاده مناسب از نور خورشید در زمستان برای گرم کردن و روشن کردن فضاهای مسکونی و سایه در تابستان برای ایجاد فضاهای دلپذیر.

۴. «خودکفایی» ۱- وجود خدمات مورد نیاز اهالی در محله‌ها و در مرکز محله یا در مسیر گذر اصلی؛ ۲- وجود

حس مکان؛ ۳- شکل گرفتن ساختار محله بر اساس رفتارهای اجتماعی و رفتارهای غالب بر پایه سنت‌های معقول همبستگی اجتماعی و احساس تعلق به فضا و مشارکت مردمی؛ ۴- سرزندگی؛ ۵- وجود حرکت و جریان داشتن زندگی در فضاهای محله‌ای؛ ۶- صرف قسمتی از وقت مردم در معابر جهت برقراری ارتباط با هم و تبادل اطلاعات و اخبار؛ ۷- فرآیند اجتماعی شدن بچه‌ها با بازی کردن در بن‌بست‌ها و معابر فرعی.

۵. «همبستگی اجتماعی» ۱- وجود روابط اجتماعی بسیار قوی میان مردم و تأکید بر ارزش اجتماعی و همسایگی؛ ۲- تأثیر برگزاری مراسم مختلف در تکایا، حسینیه‌ها و فضاهای باز محله‌ای در تشدید پیوند اجتماعی؛ ۳- تأثیر مثبت همبستگی اجتماعی در کاهش تضاد میان اقشار ثروتمند و کم‌درآمد در سطح محله؛ ۴- همکاری و تعاون در اداره محله؛ ۴- جایگزین شدن اصل همکاری و تعاون توأم با مقررات برای اداره محله؛ ۵- برخوردار شدن اهالی از حمایت هم محله‌ای‌ها در برابر مشکلات؛ ۶- وجود تعاون و همیاری در انجام فعالیت‌های مشترک چون برگزاری مراسم‌های خاص، تأمین امنیت مالی و جانی اهالی؛ ۷- احساس تملک ساکنین بن‌بست‌ها و معابر فرعی نسبت به فضای معبر و در نتیجه همکاری با هم برای نگهداری آن.

۶. «مقیاس» ۱- توجه به انسان در طراحی فضاها به



نمودار ۱۳. رابطه ساختار محله‌ای، کنترل اجتماعی و ترس از جرم؛ ماخذ: نگارنده براساس یافته‌های تحقیق.

۱۳. «تداوم» تنها چیزی که در بافت‌های مسکونی تداوم دارد معابر شطرنجی و نوار فضای خالی حیاط‌خانه‌ها در موازات شبکه معابر می‌باشد. ۱۴. «انس»: ۱- مأنوس بودن اهالی محله با هم به لحاظ وجود پیوندهای خویشاوندی، قومی یا مذهبی میان آنها؛ ۲- ثبات حضور اهالی در محله و تأثیر مستقیم آن در انس گرفتن اهالی به محل و به یکدیگر؛ ۳- وجود احساس تعلق و تملک ضمنی نسبت به محله و فضاهای آن و تأثیر آن در مأنوس شدن و دلبستگی اهالی با محله.

۱۵. «تأثیر مذهب»: ۱- آئین‌های مذهبی و عبادات؛ ۲- وجود مسجد، حسینیه و تکیه برای انجام مراسم عبادی، مذهبی و برگزاری مراسم؛ ۳- در ارتباط قرار داشتن فضای باز حسینیه‌ها و تکیه‌ها با فضاهای باز و معابر؛ ۴- تسلط مکانی و شکلی مسجد در بافت و خط آسمان محله‌ها؛ ۵- گنبد و منار مسجد به عنوان نشانه مذهبی و اعتقادی و به عنوان راهنمای تشخیص مسیرها و جهت حرکت.

منابع و ماخذ

احسانی، بهمن (۱۳۸۰) دلایل کاهش همبستگی اجتماعی و دینی در شهر تهران، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی،
 احمدی، حسن (۱۳۸۰) نگرشی بر الگوهای برنامه‌ریزی شهری در جهان، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری تهران.
 اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۸۳) تقابل و تعامل توسعه درون‌زا و برون‌زا در مفاهیم محله و شهر، همایش علمی کاربردی توسعه محله‌ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر

عنوان مهمترین رکن فضا؛ ۲- به چشم آمدن حضور اهالی در فضاهای باز محله‌ای به لحاظ رعایت مقیاس انسانی؛ ۳- وجود امکان شناخته شدن اهالی در فضاهای باز توسط یکدیگر و برخورد آنها با هم به لحاظ عرض کم معابر فرعی و سلسله مراتب دسترسی.

۷. «درون‌گرایی»: ۱- میل به پوشش و محصوریت فضای خصوصی و نیمه خصوصی؛ ۲- وجود حریم‌های مرئی و نامرئی در محله‌ها؛ ۳- دید به درون و عدم اشراف.

۸. «حرمت قبله»: ۱. توجه به جهت قبله در جهت‌گیری کل بافت و واحدهای مسکونی (با توجه به مشخصه‌های اقلیمی)؛ ۲. دلچسب و خودمانی بودن فضاها (خودی بودن فضاها) پاسخگویی فضاها به عملکردهای مادی و تأمین آسایش و نیازهای روحی و روانی اهالی.

۹. «وحدت»: ۱. ترکیب و آمیختگی فضاهای محله‌ای با عملکردهای منطقی به صورتی مطلوب، هماهنگی کل و جزء کاربری‌ها و فعالیت‌ها، توده و فضا (فضاهای پر و خالی)، وجود نظم در محله‌ها علی‌رغم پیچیدگی کالبدی و وجود ارتباط مناسب میان عناصر واجزاء محله از طریق معابر.

۱۰. «تشخیص»: همجواری خانه‌ها، کوچه‌ها، وجود عناصری چون مسجد، آب انبار، مزار، تکیه، حسینیه، سقاخانه، درختان کهن، فرم مرکز محله به عنوان عوامل بوجود آورنده هویت و تشخیص برای محله‌ها.

۱۱. «تنوع»: در بافت‌های مسکونی عمومی به جای تنوع یا اغتشاش در شکل‌ها، مصالح، رنگ، احجام، بازشوها، جزئیات ساختمانی.

۱۲. «خوانایی»: به لحاظ شبکه شطرنجی، بافت روشن و واضح، ولی عواملی که سبب خوانایی و تشخیص بافت‌های مسکونی از هم بشود دیده نمی‌شود.

تهران،

اشرف، احمد، (۱۳۵۳) ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران - دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۴۹-۷.

افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس،

امانت، حمید (۱۳۷۳) بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس،

آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶) محله‌گرایی و روند توسعه شهر تهران، ارائه شده در همایش محلات تهران، چالش‌ها و راهبردها، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران

بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶) هویت شهر، موسسه نشر شهر،

بیات، بهرام (۱۳۸۰) بررسی علل افزایش جرایم و ناهنجاری‌های روانی و اجتماعی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران،

پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، مترجم، دلفروز، محمدتقی، تهران، انتشارات روزنامه سلام

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۷۵) هویت، این همانی با فضا، مجله صفه، سال ششم، ش ۲۲-۲۱،

پیران، پرویز (۱۳۸۴) هویت شهرها؛ غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده، مجله آبادی ش ۱۳ دوره جدید،

توسلی، محمود (۱۳۶۷) طراحی دسترسی (اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

چلبی، مسعود (۱۳۷۲) وفاق اجتماعی. مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۳ دانشگاه تهران. ص: ۱۷ چلبی، مسعود، (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم. انتشارات نی.

حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵) برنامه ریزی محله مینا- رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶

حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵) برنامه ریزی محله مینا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، هنرهای زیبا، شماره ۲۶.

حبیبی، محمد (۱۳۷۶) بررسی اخلاق کار در ایران، جلد اول، موسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات، [منتشر نشده]

حبیبی، سید محسن (۱۳۸۲) الگوپذیری و تجدید سازمان استخوانبندی محله، هنرهای زیبا، شماره ۱۳. حقیقی، عبدالحمید (۱۳۸۶) عوامل اجتماعی موثر بر

مدگرایی جوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی،

دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۷۹) بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان) پایان‌نامه دکتر، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا،

داودپور، زهره، (۱۳۸۴) «سرعت تحولات شهری و مسأله هویت»، مجله آبادی، ش ۱۳، دوره جدید،

دوران، بهزاد (۱۳۸۰) شهروندی و هویت محله‌ای، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی،

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲) لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران،

دیکنز، پیتر (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی شهری، ترجمه حسین بهروان، انتشارات به نشر،

رابرتسون، یان (۱۳۷۲) درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی

ربانی، رسول (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی شهری، انتشارات دانشگاه اصفهان

روشه، گی، (۱۳۷۰) کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی

زنوزی، فرخ (۱۳۸۴) مراکز ارزشمند تاریخی در کلان‌شهرهای ایران، چالش‌ها و راهکارها؛ فصلنامه جستارهای شهرسازی، ش ۱۲.

سلاج مایک، (۱۳۸۴) «جامعه‌شناسی شهری»، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، انتشارات سمت

ستوده، هدایت ا.، (۱۳۸۳) آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور

سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۶۸) بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، آستان قدس رضوی مشهد، سلیمی، علی (۱۳۸۵) جامعه شناسی کجروی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

شکوهی، حسین (۱۳۷۲) جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، جهاد دانشگاهی

شیخاوندی، داور (۱۳۷۹) جامعه شناسی انحرافات، انتشارات مردنیز،

شیخاوندی، داور (۱۳۸۰) فضاهای شهری و روابط اجتماعی، مرکز مطالعات فرهنگی شهرداری تهران، شیراوند، مهران (۱۳۸۰) بررسی تاثیر فضایی شهری در افزایش و کاهش جرایم، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.

صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷) ویژگیهای فضاهای شهری امن، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی. صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۱) «بررسی روابط همسایگی در بلندمرتبه‌نشینی‌های شهر تهران»، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۱) «بررسی روابط همسایگی در شهر تهران»، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

صدیق سروستانی، رحمت‌اله، (۱۳۷۲)، «بررسی روابط همسایگی در شهر تهران»، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

صرافی، مظفر، (۱۳۸۰) بنیادهای توسعه پایدار کلانشهر تهران، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی،

عبد الهی، مجید و دیگران (۱۳۸۹) بررسی مفهوم نظری محله و بازتعریف آن با تاکید بر شرایط محله های شهری ایران؛ پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۹.

غراب، ناصرالدین (۱۳۸۴) «برنامه‌ریزی فرهنگی و شهر»، پروژه تحقیقاتی مرکز پژوهش‌های شهری و روستایی

فکوهی، ناصر (۱۳۸۵) انسان شناسی شهری، تهران،

انتشارات نی

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن، مترجم توسلی، غلامعباس، جامعه ایرانیان، تهران

فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۰) وضعیت سرمایه اجتماعی در مناطق بیست و دوگانه شهر تهران، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.

قاسمی، مروارید، (۱۳۸۰) هویت بخشی به بافت های مسکونی، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۸) قائمی، علی (۱۳۶۶) آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، ریشه یابی، پیشگیری و درمان، انتشارات امیری، قجری، حسینعلی، (۱۳۸۵) دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی سازمان‌های محله‌ای برای نظم اجتماعی، فصلنامه شماره ۲، پژوهشکده فرهنگ و هنر

قرایی، فریبا (۱۳۸۴) «طبیعت، هویت و محلات شهری»، مجله آبادی، ش ۱۳. دوره جدید.

گومز بواندیا، هراندو (۱۳۸۰) جرایم شهری، گرایش‌ها و روش‌های مقابله با آن، ترجمه فاطمه گیوه چیان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

گیفورد (۱۳۷۸) روانشناسی محیط های مسکونی، ترجمه وحید قبادیان، تهران، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۲ و ۳.

لنگ، جان (۱۳۸۳) آفرینش نظریه های معماری، ترجمه: عینی فر، علیرضا؛ تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینسی، دانشگاه تهران.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) وندالیسم، تهران: انتشارات آن.

معین، محمد (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی، تهران، سرایش، موسوی، یعقوب (۱۳۸۲) مبانی شهری توسعه از نوع محله‌ای، مرکز مطالعات فرهنگی شهرداری تهران.

موسوی، سید یعقوب (۱۳۷۸) تبیین نظری جامعه شناختی جرائم شهری. اطلاعات سیاسی اقتصادی،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

an Urban and Regional studies.

- Johnston, R. J., 1979 Urban Residential Patterns: an introductory review. Bell, London
- Kerry, McCarthy, (2005), understanding social control; Deviance, crime and social order, probation Journal.
- Kathryn E. Asbury (1988). Social control in Local Community: The Role of the Apartment superintendent superintendent.
- Marianne Junger & in eke Hean Marshall (1997), "The interethnic Generalizability of social control theory" Journal of Research in Crime and delinquency.
- Ley, D. 1983 A Social Geography of the City. New York Harper & Row.
- Martin Bulmer (1973). Book Review: Community studies: an Introduction to the sociology of the Local; community, the politics of Expertise Sociology
- Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002). "A decline of Social Capital? The German Case", Published in Putnam, Robert D. (2002). Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society, New York: Oxford University Press.
- Oxford dictionary, 1989
- Paul Ierman, (1997), "Community treatment and social control", Chicago, university of Chicago press,
- R.A. Wild (1974), localities, social Relationship, and the Rural – urban continuum, Journal of sociology.
- Robert J. Kane (2003). Social Control in the & metropolis: A community-level examination of the Minority group-threat hypothesis. JUSTICE QUARTERLY, 20(2); June.
- Short and Nye (1957) "Scaling Delinquent Behavior", American Sociological Review, 22, 326-331.
- Thrift, N., 1983 Spatial Formations. Sage, London.
- Walmsley, D. 1987. Urban Living: The Individual in the City. U.S.: Longman, John Wiley.

شماره ۱۴۳-۱۴۴

موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۰) زمینه‌های کاهش همبستگی‌های اجتماعی در کلان‌شهر تهران، سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی،

- Banerjee, T. & Baer, W.C., 1984 Beyond The Neighbourhood Unit: residential environment and public policy. New York: Plenum Press.
- Bullen, P. & Onyx, J. (1999), "Social Capital", Family Support Services and Neighbourhood and Community Centres in New South Wales, in website <http://www.mapl.com.au>.
- Castells, M., 1977 The Urban Question: a Marxist approach. Edward Arnold, London
- Clark, D. 1982 Urban Geography. London: Cromm Helm.
- Deanna L. Wilkinson (2007), local social Ties and willingness to intervene: Textured views Among violent urban Youth of Neighborhood social control Dynamics and situations Academy of criminal Justice sciences.
- Deanna L. Wilkinson (2007). Local social Ties and willingness to intervene: Textured views among violent Urban Youth of Neighborhood social control dynamics and situations Justice QUARTERLY.
- Fisher, Claude, (1976), The Urban Experience, Columbia university
- Flanagan G. W. 1993. Contemporary Urban Sociology. Cambridge: Cambridge
- Giddens, A., 1984 The Constitution of Society, Policy, Oxford. -
- Haralambos, M. & Holborn, M. 1990. Sociology: themes and Perspective. London: Broadwick.
- Healy, P. 1997 Collaborative Planning: shaping places in fragmented societies. Macmillan, England
- Hubert Heinelt and Margit Marger (2003). Local Politics Research in Germany: Development and characteristics in Comparative perspective. Europe-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۴۳۶

- Wardak Ali ,(1995),Social control and deviance, ferante
- Webster,1988
- Willem de Haan and LAN loader (2002). On the emotions of crime, punishment and social control. Theoretical Criminology,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۴۳۸ ■

پدیدارشناخت یوهانی پالاسما در تفاوت جایگاه ادراکات حسی معماری بافت‌های شهری و روستایی

آیدین وسکاه* - گروه معماری، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، امارات متحده عربی.

چکیده

Johan Pallasmaa reading phenomenological analysis of the differences in the perceptions of architecture and urban and rural area

Abstract

Built spaces that are less qualified product training mechanisms relaxation, a sense of belonging to the place, the warmth and intimacy and feel Amnytand. If the space is constructed as a multi-faceted phenomenon and have implications, based on the lived experience of people know the truth of subjectivity and the different layers of human, social, cultural, economic and political, then it will be considered phenomenological approach, perhaps more than any other method in recognition of its scientific success is guaranteed. Having fun multi-sensory experience that every human relation with space ways to affect the quality and richness of creative space adds. But what is now being forgotten in contemporary cities is becoming the architecture of the human space to visual space, elegant and eye-catching. In this paper, the phenomenological aspects of architecture and urban spaces from the perspective of Johann Pallasmaa been studied and analyzed to recognize these two different positions in the field of theory.

Key words: perception, feeling, senses, architecture, Johan Pallasmaa.

فضاهای ساخته‌شده امروزی محصول سازوکارهایی هستند که کمتر واجد آرامش، احساس تعلق به مکان، گرمی و صمیمیت و احساس امنیت‌اند. اگر فضای ساخته‌شده را به‌مثابه پدیده‌ای چندوجهی و واجد معانی ضمنی، مبتنی بر ذهنیت‌ها و تجربه زیسته مردمان بدانیم که حقیقتی پنهان در لایه‌های مختلف انسانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارد، آنگاه پدیده‌شناسی آن رویکردی قلمداد خواهد شد که شاید بیش از هر روش علمی دیگری متضمن موفقیت در شناخت آن باشد. لذا داشتن تجربه‌ای چندحسی که همه راه‌های ارتباطی انسان با فضا را تحت تأثیر قرار دهد بر کیفیت و غنای فضای خلق‌شده می‌افزاید. اما آنچه امروزه در شهرهای معاصر در حال فراموشی است تبدیل معماری از فضای انسانی به فضای بینایی، زیبا و چشم‌نواز است. معماری که برای انسان و آرامش و تأمین نیازهای ادراکی و شناختی او ساخته می‌شد در حال تبدیل به معماری تبلیغاتی، لذت و مصرف‌گرایی برای مردم شده است. تنها آنچه به چشم زیبا بیاید مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مقاله به بررسی ابعاد پدیدارشناختی فضاهای معماری و شهری از دیدگاه یوهانی پالاسما پرداخته شده و به تفاوت جایگاه تحلیل شناختی این دو در حوزه نظری پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: ادراک، احساس، حواس پنج‌گانه، معماری، یوهانی پالاسما.

مقدمه

«از آنجاکه تنها راه ارتباطی انسان با جهان خارج، حواس پنج‌گانه اوست، پرسش از سازوکارهای حواس پنج‌گانه در ادراک محیط ساخته‌شده مهم تلقی می‌گردد. اهمیت موضوع آنجا دوچندان می‌شود که آدمی در آستانه ورود به دورانی است که واقعیت و مجاز در هم آمیخته و فریفتن حواس پنج‌گانه به دست فناوری دیجیتال امکان پذیر شده است. در این میان ساخت فضای مجازی یا واقعی، و مرتبه واقعیت هر یک محل محل مکث و پرسش است. با فروکاست شأن حواس پنج‌گانه و تمرکز افراطی بر حس بینایی در دنیای تصویری امروز، نقش سایر حواس در ادراک محیط انسان ساخت چه خواهد بود؟ معماری در این میان رو به کدام سمت خواهد گذاشت و با رو به کدام سمت باید بگذارد؟ «از آنجاکه تنها راه ارتباطی انسان با جهان خارج، حواس پنج‌گانه اوست، پرسش از سازوکارهای حواس پنج‌گانه در ادراک محیط ساخته‌شده مهم تلقی می‌گردد. درحقیقت، آمیختن ادراکات حسی ناشی از عوامل موجود در محیط با یکدیگر و به وجود آوردن مفهومی به نام فضاست. فضا باید دارای هویتی قابل ادراک و شناسایی، به یادماندنی و واضح باشد. حواس تقریباً هیچ‌گاه به تنهایی و در انزوا عمل نمی‌کنند؛ آنها به یکدیگر یاری می‌رسانند، با هم درمی‌آمیزند و گاه نیز یکدیگر را نفی می‌کنند. همه این اطلاعات به ما کمک می‌کنند تا فرآیندهای پیچیده‌تری چون ادراک و شناخت را داشته باشیم»^۱ (آیوازیان، ۱۳۹۲، ص ۳۰).

موضوع احساس و ادراک از طرفی شامل بحث و بررسی خصوصیات فیزیکی محرک و چگونگی پاسخ فیزیولوژیکی موجود زنده یا احساس است و از سوی دیگر خصوصیات روانی، یادگیری‌ها، تجربه‌ها و انگیزه‌های فرد در موقعیت‌های اجتماعی و برداشت او را شامل می‌شود. در روان‌شناسی احساس و ادراک در گام اول با چندین مفهوم که هر چند مقارن و همزمان یکدیگر محقق می‌شوند ولی با دقت متمایزند، روبه‌رو می‌شویم؛ این مفاهیم عبارتند از: «احساس»، «ادراک»، «حافظه»، «مفهوم‌سازی» و «شناخت». اگر احساس تابعی از محرک است، ادراک نیز تابعی از محرک‌های خاصی همچون یادگیری‌های قبلی، انتظارات، حالات انگیزشی، متغیر عاطفی یا شناختی و نهایتاً اتخاذ تصمیم و اراده فرد ادراک کننده است. پردازش حس‌های بصری و ادراک محیط اطراف، حاصل تعامل پیچیده چشم و مغز است. ویژگی‌های فردی انسان به گونه‌ای است که بیش از دو سوم بافت‌های عصبی ورودی به سامانه اعصاب مرکزی، از چشم‌ها می‌آیند و حس بصری بر مجموعه بقیه ادراکات غالبند. به همین دلیل در فرهنگ با غلبه حس بصری زندگی می‌کنیم و درک فضا از طریق احساس صدا، مزه و لمس به آسانی به فراموشی سپرده می‌شود. در واقع ادراک چیزی بیش از احساس صرف است. «ادراک، روندی فعال است که از طریق آن دنیای اطراف خود را می‌فهمیم. برای درک محیط به احساس اتکا می‌کنیم، ولی به طور معمول تجربه تمام حس‌ها را بدون تحلیل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۴۴۰

۱. حواس پنج‌گانه همواره فعال هستند؛ حتی زمانی که مستقیماً به حس خاصی توجه نمی‌کنیم، آن حس مشغول تأثیرپذیری و دریافت داده‌های مربوط به خود است. درحقیقت، آمیختن ادراکات حسی ناشی از عوامل موجود در محیط با یکدیگر و به وجود آوردن مفهومی به نام فضاست. برخی از فضاهایی که در زندگی امروزی با آنها سرو کار داریم علی‌رغم خوانایی فضایی، ناتوان از انتقال احساسی عمیق به مخاطب و کاربر فضا هستند. فضا باید دارای هویتی قابل ادراک و شناسایی، به یادماندنی و واضح باشد. حواس تقریباً هیچ‌گاه به تنهایی و در انزوا عمل نمی‌کنند؛ آنها به یکدیگر یاری می‌رسانند، با هم درمی‌آمیزند و گاه نیز یکدیگر را نفی می‌کنند. از سوی دیگر، فضاهای ساخته‌شده امروزی محصول سازوکارهایی هستند که کمتر واجد آرامش، احساس تعلق به مکان، گرمی و صمیمیت و احساس امنیت‌اند. اگر فضای ساخته‌شده را به مثابه پدیده‌ای چندوجهی و واجد معانی ضمنی، مبتنی بر ذهنیت‌ها و تجربه زیسته مردمان بدانیم که حقیقتی پنهان در لایه‌های مختلف انسانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارد، آنگاه پدیده‌شناسی آن رویکردی قلمداد خواهد شد که شاید بیش از هر روش علمی دیگری متضمن موفقیت در شناخت آن باشد.

خودآگاه، تلفیق می‌کنیم. تنها زمانی که چیزی، حالت غیر معمول داشته باشد یا از مکان اصلی خود خارج باشد، از احساسات متمایز و توجه ناهمسان به آنها و هر ناسازگاری دیگر، آگاهی می‌یابیم» (لاوسون، ۱۳۹۱، ص ۴۵). داشتن تجربه‌ای چندحسی که همه راه‌های ارتباطی انسان با فضا را تحت تأثیر قرار دهد بر کیفیت و غنای فضای خلق شده می‌افزاید. اما آنچه امروزه در شهرهای معاصر در حال فراموشی است تبدیل معماری از فضای انسانی به فضای بینایی، زیبا و چشم‌نواز است. معماری که برای انسان و آرامش و تأمین نیازهای ادراکی و شناختی او ساخته می‌شد در حال تبدیل به معماری تبلیغاتی، لذت و مصرف‌گرایی برای مردم شده است تنها آنچه به چشم زیبا بیاید مورد توجه قرار می‌گیرد (قبادیان، ۱۳۹۲). محصول این فرایند، فضاهای معماری و شهری خالی از روح خیال است و در نتیجه منجر به شکل‌گیری بستر خاطرات انسانی نشده است. «انسان با محیط بیگانه شده و به درون خود فرو رفته است. از این رو، با هدف نیل به بررسی جایگاه ادراکات و احساسات در معماری و پرداختن به فضایی که همه وجوه ادراکی انسان را درگیر خود نماید، ضرورت می‌یابد. به این نکته باید توجه داشت که اساس تمام ادراکات بشر اولاً از درک بی واسطه و حضوری خود و ثانیاً حاصل ارتباط این خود با دنیای خارج است. کما اینکه آنچه ما با عنوان معقولات در انسان می‌شناسیم، ریشه در حواس انسانی دارند» (ابراهیمیان، ۱۳۸۱، ص

۱۱). معماری ساده و روستایی در قالب سنتها ادراکی از جهان است که به وضوح دیده می‌شود. معماری روستایی و بومی دارای خطوط ارتباطی مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و با زندگی روزمره آنهاست. در این مقاله به بررسی تفاوت رویکرد پدیدارشناسی یوهانی پالاسما^۱ در خوانش معماری و بافت شهرها و روستاها پرداخته شده و نکاتی چند در این رابطه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

در فرایند ارتباط، گام نخست احساس است. در این مرحله، اطلاعات محیط از طریق حواس پنج‌گانه و بر اساس آستانه‌های ظرفیت حسی هر کدام از حس‌ها دریافت شده و به شکلی در می‌آید که قابل انتقال به مغز باشد. به عبارت دیگر، مرحله احساس از ابتدای دریافت اطلاعات تا انتقال آن به مغز را شامل می‌شود، بدون اینکه در بردارنده تحلیل و اعمال بعدی مغز روی این اطلاعات باشد (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ۶۱). به گفته مرلوپونتی، احساس در زبان عادی کلمه‌ای مأنوس و آشناست، و این مفهوم در نظر اول «بی‌واسطه و بدیهی» می‌نماید. با این حال، وقتی از جا کنده می‌شود و به حیطه نظریه روان‌شناسانه انتقال پیدا می‌کند، واقع هیچ چیز ممکن نیست مهم‌تر از آن باشد (کارمن، ۱۳۸۸، ص ۷۶). بشر در طول تاریخ اهمیت این موضوع را دریافته که حواس، ما را در مرکز دنیا قرار می‌دهد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۴۴۱

۱. روش پدیدارشناسی هم‌چنان که از نامش پیداست، پدیده را مدنظر دارد. پدیدارشناسی بدون هرگونه قضاوت و ارزش‌گذاری از جانب محقق است. از آنجا که هر چیزی که ظاهر می‌شود و قابل رؤیت است، پدیده است، می‌توان گفت که در عمل قلمرو پدیدارشناسی نامحدود است. به طور کلی اساس پدیدارشناسی شک‌دکارتی است و بر همین مبنا شناخت حقیقت را هدف اصلی خود قرار داده، اما در این میان برخی از مفاهیم را بعضاً به صورت التقاطی در نظر گرفته و به همین دلیل شناخت را با ابهام همراه نموده است، در موارد متعددی دو مفهوم «فهم» و «علم» توسط اصحاب مکتب پدیدارشناسی به یک معنا در نظر گرفته شده و ذات متفاوت آن دور از نظر دور نگه داشته است، حال آنکه علم اگرچه می‌تواند از عوارض فهم باشد، اما الزاماً نمی‌توان فهم را نتیجه علم دانست؛ همین التقاط معنایی پدیدارشناسی را گاهی از روش هرمنوتیک دور نموده و هدف و روش آن را دچار ابهام کرده است، با این وجود پدیدارشناسی هم‌چنان به عنوان یک روش صحیح هم به لحاظ فلسفی و هم به لحاظ علمی جهت شناخت حقیقت مطرح است و توسط بزرگان علم و فلسفه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

حواس به ما این امکان را می‌دهد که توصیفی از خود و آنچه پیرامون مان قرار دارد داشته باشیم. حواس انسانی از زمان یونان باستان مورد توجه فلاسفه بوده و حس بینایی به‌عنوان مهم‌ترین دریچه ادراک انسانی در بالاترین مرتبه قرار گرفته است. این اهمیت را می‌توان در نظرات اندیشمندان و معماری آن دوره مشاهده کرد. افلاطون ادراک بینایی را به‌عنوان بزرگ‌ترین هدیه اعطا شده به انسان معرفی کرد (Jay, 1994: 27) و بر این نکته تأکید داشت که جهان اخلاق باید در دسترس چشمان ذهن باشد. ارسطو بینایی را باشکوه‌ترین احساس می‌دانست زیرا این احساس، به سبب فضیلت معنوی حاصل از معرفتش بیشترین نزدیکی را با قوه ادراک دارد (پالاسما، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

پدیدارشناسی و جایگاه حواس در خوانش مکان

اصطلاح پدیدارشناسی با ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸) تبدیل به رویه‌ای توصیفی می‌گردد که بر این اساس، نظمواره‌ای است که در صدد توصیف چگونگی تکوین جهان و تجربه مندی آن از طریق آگاهی می‌باشد (ون مانن، ۲۰۰۰). پدیدار را نیز می‌توان چیزی دانست که به خودی خود ظاهر است، یعنی آن چه خود را نشان می‌دهد: نه از آن جهت که از چیز دیگری حکایت می‌کند یا مدلول چیز دیگری است (آندره دارتیک^۱، ۱۳۷۶).

Phenomenology از ریشه یونانی phainain گرفته شده که به معنای نمایش دادن و نشان دادن است و آن را «پدیدارشناسی» ترجمه کرده‌اند (لیوتار، ۱۳۷۵). پدیدارشناسی از نظر لغوی، عبارت است از مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آنان با در نظر گرفتن نحوه بروز تجلی آنها، قبل از هرگونه ارزش گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزش. این واژه در اصطلاح فلسفی در معانی

گونگونگی به کار می‌رود. از نظر هگل، پدیدارشناس اندیشه، پدیدارشناسی عبارت است از دانش ایده‌ها، از آغاز تکوین آنان در ادراک حسی تا وصول شان به خرد جهانی (ساک لوفسکی، ۱۳۸۴، ص ۵۶). پدیدارشناسی فضا، رابطه آدمی با مکان‌ها و از راه مکانها با فضاها و نحوه هست‌بودن اوست. رابطه انسان با فضا، چیزی جز باشیدن، به معنای گوهرین آن نیست (هایدگر، ۱۳۷۹، صص ۷۶-۷۷). پدیدارشناسی، گاه مانند تحقیقی ناظر به واقعیت درباره ذوات منطقی یا معانی به‌نظر می‌آید، به عنوان روش و مجموعه‌ی وسائل برای حصول شناختی است به نحو انضمامی از هست بودن بدان‌سان که آدمی آن را در خود احساس و ادراک می‌کند، و گاه نیز، چنان‌که سارتر و مرلو-پونتی آن را تعبیر می‌کنند، با اگزستانسیالیسم مشتبه می‌شود (ورنو-وال، ۱۳۷۲، ص ۱۳). بر این اساس از دیدگاه پدیدارشناسی، پدیداری جهان به میزان و چگونگی ادراک و التفات ذهن انسان و پدیدارشناسی به مراتب بازگشت به خود اشیاء برمی‌گردد و پدیدارشناس نظریه پرداز می‌کند (لیوتار، ۱۳۷۵)، بلکه بر ملاحظه دقیق پدیدارها و سپس توصیف می‌پردازد، آن گونه که در نظر عاری از پیش داوری حضور می‌یابند (Michael, Inwood, 1999). از دید هوسرل ابزار شناخت پدیدار شناسانه، شهود و بصیرت است که شهود حسی، به امور واقع و شهود مثالی، به ذوات می‌پردازد (ریخته‌گران، ۱۳۸۰). پدیدارشناسی بر طبیعت و واقعیت تمرکز دارد، نه به عنوان وجودی مطلق که صرفاً در خارج از ما قرار دارد، بلکه به عنوان وجودی مشروط به بررسی و بازرسی دقیق انسان، تعامل و مشارکت خلاق او با محیط می‌پردازد. به طور کلی در پدیدارشناسی محیط و مکان سه موضوع اصلی مورد آزمون و بررسی قرار می‌گیرد:

۱. پدیدارشناسی بر طبیعت و واقعیت تمرکز دارد، نه به عنوان وجودی مطلق که صرفاً در خارج از ما قرار دارد، بلکه به عنوان وجودی مشروط به بررسی و بازرسی دقیق انسان، تعامل و مشارکت خلاق او با محیط می‌پردازد. به طور کلی در پدیدارشناسی محیط و مکان سه موضوع اصلی مورد آزمون و بررسی قرار می‌گیرد: (۱) اول، خصوصیات اساسی و ارتباطات درونی تجربه محیطی؛ (۲) دوم، خصوصیات اصلی محیط، نظیر صدا، توپوگرافی، نور و کیفیات فضایی که موجب ارتقای کاراکتر خاص مکان و چشم‌انداز می‌شود؛ (۳) سوم، زمینه‌های ارتباط انسان با محیط و ارتقای بصیرت‌ها و دیدگاه‌ها در زمینه نوعی از طراحی و برنامه‌ریزی که بیشتر با روح مکان در تماس است (پرتوی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵).

۱. اول، خصوصیات اساسی و ارتباطات درونی تجربه محیطی؛

۲. دوم، خصوصیات اصلی محیط، نظیر صدا، توپوگرافی، نور و کیفیات فضایی که موجب ارتقای کاراگر خاص مکان و چشم انداز می شود؛

۳. سوم، زمینه های ارتباط انسان با محیط و ارتقای بصیرت ها و دیدگاه ها در زمینه نوعی از طراحی و برنامه ریزی که بیشتر با روح مکان در تماس است (پرتوی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵).

«مرلوپونتی» ادراک حسی را نقطه عزیمت خود برای دریافت لایه اصلی تجربه ما از عالم قرار می دهد، که بر هر تفسیر علمی تقدم دارد. در پدیدارشناسی ادراک حسی، عالم به منزله مدرک مورد التفات قرار می گیرد و فعل ادراک مدنظر نیست. مرلوپونتی فعل ادراک را با نقاشی مقایسه می کند؛ نقاشی، در نظر او، تمثیل یک تجربه حسی بنیادین است، تجربه ای آزاد که بر مفاهیم انتزاعی و علمی تقدم دارد. نقاش مواجهه خود را با جهان بیان می کند، و ترکیب رنگ ها در یک تابلو گویای نحوه مواجهه نقاش با جهان و چگونگی دیدار او با آن است. معماری نقاشی، در اصل، همان معماری ادراک حسی است؛ زیرا نقاشی و ادراک حسی هر دو تماسی تازه با جهانند و همان گونه که در نقاشی موقعیت بدن را نمی توان نادیده گرفت، در ادراک حسی نیز نقش اساسی بدن را نمی توان کم اهمیت تلقی کرد (مرلوپونتی، ۱۹۴۸). در روش پدیدارشناسی مرلوپونتی، به پیروی از هوسرل، احساس به وسیله علم فیزیولوژیکی یا فیزیک قابل تبیین نیست بلکه ادراک بما هو فعلی است که یکباره دریافت اشیا را برای ما مقدور می کند و در این واقعه گام اول همان مواجهه حواس با جهان است: اینکه هر حسی باید یک عالم کوچک درون عالم بزرگ بسازد، نه تنافی دربردارد و نه ناممکن است و به واسطه جزیی بودنش برای کل ضروری است و به کل گشوده می شود.

مهم ترین و برجسته ترین وجه پدیدارشناسی فضای ساخته شده ایده ی «معماری چند حسی» است که توسط معماران پدیدارشناسی همچون یوهانی پالاسما

و پیتر زومتور مطرح شده است. توجه غالب آنان به تفوق بینایی بر دیگر حواس در فلسفه و معماری غرب به واقع پرداختن به یکی از مسأله دارترین وجوه تاریخ دریافت و ادراک فضا است. به واقع طرح حضور و مشارکت حواسی که اغلب مورد غفلت قرار گرفته اند در فرایند دریافت، به فهم او از پدیده شناسی خصلتی ویژه می بخشد. به زعم پالاسما:

«تجربه معماری، موردی چند حسی است؛ کیفیات ماده، فضا و مقیاس به گونه ای برابر به وسیله چشم، گوش، دماغ، پوست، زبان، اسکلت و عضلات سنجیده می شوند. معماری تجربه ی وجودی و حس در جهان بودن فرد را تقویت می کند، و این در اصل به تجربه ای غنی از خود می انجامد» (پالاسما، ۱۳۹۳، صص ۱۱۱-۱۱۲). به گفته وی: «ما معماری را از طریق همه ی حواس تجربه می کنیم (همان، صص ۳۲-۳۶).

به گمان پالاسما معماری قویاً ریشه در «احساس های نخستین» دارد که شکل دهنده «واژگان مبنایی و اصیل» معماری اند. تنها معماری راستین قادر است تا شرایط و وضعیت های پایه، احساس ها و هیجانات، و وجوه وجودی انسان را تمام و کمال پوشش دهد؛ در غیر این صورت معماری به یک تندیس عظیم و غول آسا یا صحنه نگاری ای صرف تقلیل می یابد (پالاسما ۱۳۹۳، صص ۵۴-۵۵).

درک انسان معاصر از فضا به صورت عنصری خالی و تهی جایگزین ویژگی هایی چون سرزندگی، خاطره انگیزی، تصویرپذیری، تنوع و شگفتی مکان شده است. روش پدیدارشناسی این توان را دارد تا به ایجاد محیط های واجد معنا و فراخوانی حس مکان و روح مکان و معنای مکان بپردازد که مولفه های اساسی در هویت مکانی به شمار می روند. دکتر فلاحت در رساله خود حس مکان را اینگونه تعریف می کند:

حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار میدهد به طوری که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه میشود. این حس

مدیریت شهری

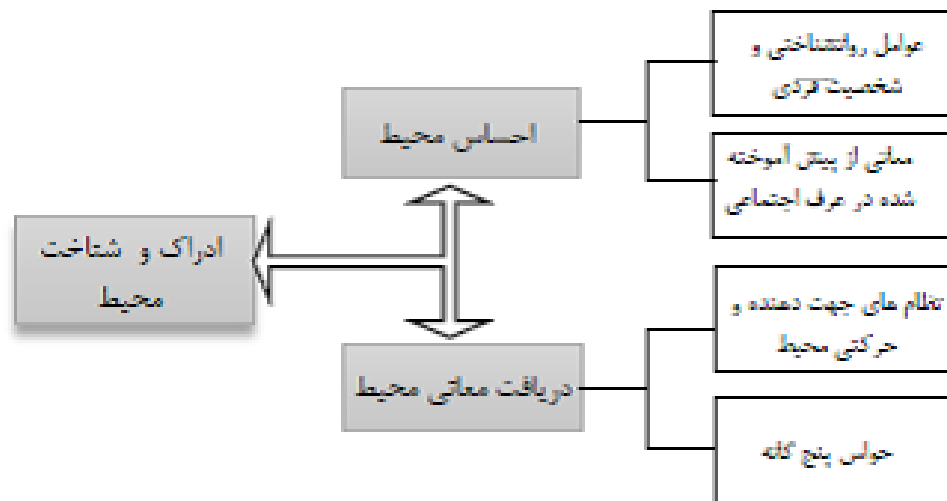
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص میشود. حس مکان علاوه بر اینکه باعث احساس راحتی از یک محیط میشود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد میشود (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۵۷)

ادراک و احساس

ادراک به انگلیسی Perception عبارت از فرایند پیچیده آگاهی یافتن از اطلاعات حسی و فهم آنها است. ادراک، فرایندی است که ما با استفاده از آن محرکهای محیطی را برای دستیابی به تجربه های معنی دار بر می‌گزینیم و آنها را سازماندهی و تفسیر می‌کنیم ادراک در لغت به معنی دریافتن اشیا غیر محسوس، فهم، تعقل، فهمیدن، بر رسیدن، درک کردن در رسیدن به، در رسیدن کسی را، بالغ گردیدن، دیدن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۸). ادراک، آگاهی از رخدادها، مردم، اشیاء و موقعیتهای را شامل می‌شود و مستلزم جستجو، به دست آوردن و پردازش اطلاعات است. واژه‌های اصلی در مفهوم ادراک عبارتند از: انتخاب، سازماندهی و تعبیر و تفسیر. ما محیط خود را از طریق فرایندی فعال تجربه می‌کنیم. محرک محیطی را از طریق حس‌های خود (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و بسلوایی) دریافت می‌کنیم، به جنبه‌های مختلف محیط خود به گونه‌ای گزینشی توجه کرده، آنچه را که می‌بینیم بر حسب تجربه‌های گذشته خود ارزیابی می‌کنیم. چون اغلب نیازها و تجربه‌های ما با نیازها و تجربه‌های دیگران متفاوت است، پی بردن به اینکه ادراکهای ما از محیط و از یکدیگر نیز با دیگران متفاوت است نباید مایه شگفتی ما شود (ایروانی، ۱۳۷۱). در توضیح واژه حس نیز در فرهنگ معین اشاره شده است که حس: دریافتن، ادراک کردن، قوتی که بدان محسوسات ادراک می‌گردد و عملیات فکری و عقلی به دنبال آن انجام می‌گیرد (فرهنگ لغت معین، ۱۸۱۲). به بیان دیگر پدیده ادراک، فرایندی ذهنی است که در

طی آن تجارب حسی معنی دار می‌شود و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیا را در می‌یابد (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱، ص). احساس یعنی گرفتن اثر محرک توسط گیرنده حسی و بردن آن به آن قسمت از دستگاه عصبی مرکزی که به این کار اختصاص دارد. به عنوان مثال نوری که از صورت یک فرد (محرک) وارد چشم (گیرنده حسی) و از آنجا وارد دستگاه عصبی مرکزی ما می‌شود (لوب پس سری و گیجگاهی). تا اینجا احساس است اما ادراکی اتفاق نیفتاده مگر اینکه اسم صاحب چهره را به خاطر آوریم. با توجه به آنکه در پدیده‌شناسی محیط ساخته‌شده، دریافت داده‌های حسی و تبدیل آنها در فرایندهای پردازش ذهنی و بازنمایی، و تداعی به معانی، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند، پرداختن به ادراک محیط و احساس آن اهمیت می‌یابد. ادراک، اطلاعات دستگاه‌های حسی را تفسیر کرده و به آنها معنا می‌بخشد. به همین دلیل ادراک، (فرآیند سازمان‌دهی و تفسیر اطلاعات حسی جهت معنادار کردن آنها) تعریف می‌شود. بین احساس و ادراک نمی‌توان فاصله‌ای تصور کرد. عمل ادراک به قدری سریع صورت می‌گیرد که همزمان با احساس به نظر می‌رسد. در فرایند ادراک، مغز ما اطلاعات بینایی، شنوایی، بویایی و حتی لامسه را با هم ترکیب می‌کند تا به دریافت یکپارچه‌ای که مد نظر فرایند ادراک است برسد. حاصل یکپارچه‌سازی اطلاعات محیطی در واقع همان چیزی است که «گوردون کالن» تحت عنوان منظر شهری مطرح می‌کند. گرچه منظر بصری در ادراک غالب است، اما منظر شهری ترکیبی است از منظر صوتی، بویایی، لامسه و غیره (پاکزاد، ۱۳۹۱، صص ۱۰۵-۱۰۹). بینایی و لامسه به عنوان ادراکات حسی برتر مطرح می‌شوند در حالی که سه حس دیگر به عنوان ادراکات منسوخی در نظر گرفته شده‌اند که کاربرد آنها کاملاً محدود بوده و معمولاً توسط فرهنگی سرکوب می‌شوند (پالاسما، ۱۳۹۱، صص ۲۶-۱۳).



نمودار ۲. مدل مفهومی ادراک و شناخت: ماخذ: نگارندگان.

روانشناسی ادراک و احساس

روان شناسی احساس و ادراک یکی از مباحث عمده روان شناسی امروز است. ادراک به طور اعم، به معنای علم و آگاهی انسان از جهان بیرون و دنیای درون اوست و از دیرباز به عنوان اساس شناخت و شناسایی انسان بوده است. ادراک انسان از جهان بیرون وحالات نفسانیش، از دیرباز مورد مطالعه و بحث فلاسفه بوده است (ایروانی، ۱۳۷۱). هدف هر علمی تشریح و بررسی چگونگی واقعیت ها و پدیده های عینی است. منظور از عینی این است که واقعیت های قابل تشریح از ذهن مشاهده کننده مستقل و برای هم قابل تجربه و مشاهده باشد. بدون شک انسان واقعیات محسوس را که علم با آنها سروکار دارد از راه ادراک حسی شناسایی می کنند اگرچه مشاهده آشکار در بعضی از رشته های علوم جدید غیرمستقیم است و یا با وسایل و ابزار خاصی صورت می گیرد. انسان یا حیوان به کمک گیرنده های حسی خود از وجود واقعیات دنیای خارج یا داخل مطلع می گردد. این احساس پس از

تفسیر و تعبیر به ادراک می انجامد و تکامل این ادراک به شناخت برخی پدیده های عالم هستی ختم می گردد. (ایروانی، پناهی ۱۳۷۱). از دیدگاه روان شناختی احساس را می توان به عنوان پدیده ای اصلی و اولیه تنها در ارتباط با یک راه عصبی مرکز رسان در نظر گرفت. بدین ترتیب به تعداد راه های عصبی، احساس های متفاوت وجود خواهد داشت. در روان شناسی احساس و ادراک در گام اول با چندین مفهوم که هر چند مقارن و همزمان یکدیگر محقق می شوند ولی با دقت متمایزند، روبه رو می شویم؛ این مفاهیم عبارتند از: «احساس»، «ادراک»، «حافظه»، «مفهوم سازی» و «شناخت». اگر احساس تابعی از محرک است، ادراک نیز تابعی از محرک های خاصی همچون یادگیری های قبلی، انتظارات، حالات انگیزشی، متغیر عاطفی یا شناختی و نهایتاً اتخاذ تصمیم و اراده فرد ادراک کننده است. پردازش حس های بصری و ادراک محیط اطراف، حاصل تعامل پیچیده چشم و مغز است. ویژگی های فردی انسان به گونه ای است

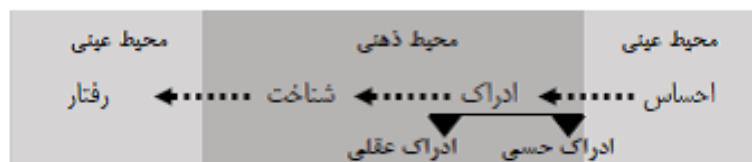
جدول ۱. ادراک از منظر روانشناسان محیط؛ ماخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	نوع و محتوا	نوع کارکرد	مراحل کارکرد	عوامل موثر
ایروانی (۱۳۸۳)	فعالانه و ذهنی	گزینش و سازماندهی اطلاعات حسی و نهایتاً معنی بخشی	همزمان با احساس به نظر می رسد	تجارب حسی، مفاهیم و تصورات ناشی از آن، انگیزه فرد و موقعیتی که در آن ادراک صورت می گیرد
بهفروز	آگاهانه	ضبط، ارزشیابی و تفسیر واجد نقش اساسی در شکل گیری تصاویر و نقشه های ذهنی	-	عوامل گروهی و فرهنگی و قومی اشخاص و خصوصیات ساختار فردی و عملکرد خصوصیات نقشی (وظیفه ای)
کرمونا (۱۳۹۰)	فرآیند، عدم شفافیت در مرزها	جمع آوری، سازماندهی و فهم اطلاعات محیطی	تمایز بین جمع آوری و تفسیر اطلاعات و محرکات محیطی	-
ایتلسون (۱۹۷۶)	همزمانی	بعد تأثیری-عاطفی بعد شناختی بعد تفسیری بعد ارزش گذاری	همزمان	-
نیسر (۱۹۷۷)	فرآیند فعال و هدفمند	کسب اطلاعات از محیط	-	نقطه رسیدن شناخت و واقعیت

سرچشمه دریافت های بیرونی و منبع اصلی آگاهی و شناخت انسان از دنیای اطراف است (کرمونا و تیزدل، ۱۳۹۰، الف، ص ۱۶۹) و فرایند بنیادین رفتار انسانی بر اساس گام های متوالی احساس، ادراک، شناخت و رفتار شکل می گیرد. در روانشناسی محیط بر مرتبط و درهم تنیده بودن ادراک، شناخت و شرایط محیطی تأکید میشود و این پیوستگی به ویژه هنگامی آشکار می شود که ادراک اشیاء را از ادراک محیط تفکیک کنیم (مرتضوی، ۱۳۸۰، ص ۷۶). به طور خلاصه می توان گفت که نظریه بوم شناختی ادراک، اطلاعات دریافتی از محیط توسط حواس پنجگانه و نیز ویژگیهای نظامهای جهت دهنده و حرکتی اصلی در محیط را مبنای اصلی نظام ادراکی انسان می داند. به بیانی دیگر رویکرد بوم شناختی ادراک فرض میکند که تمام استفاده های بالقوه معانی احتمالی یک شیء به

که بیش از دو سوم بافت های عصبی ورودی به سامانه اعصاب مرکزی، از چشم ها می آیند و حس بصری بر مجموعه بقیه ادراکات غالبند. به همین دلیل در فرهنگی با غلبه حس بصری زندگی می کنیم و درک فضا از طریق احساس صدا، مزه و لمس به آسانی به فراموشی سپرده می شود. در واقع ادراک چیزی بیش از احساس صرف است. ادراک، روندی فعال است که از طریق آن دنیای اطراف خود را می فهمیم. برای درک محیط به احساس اتکا می کنیم، ولی به طور معمول تجربه تمام حس ها را بدون تحلیل خودآگاه، تلفیق می کنیم. تنها زمانی که چیزی، حالت غیر معمول داشته باشد یا از مکان اصلی خود خارج باشد، از احساسات متمایز و توجه ناهمسان به آنها و هر ناسازگاری دیگر، آگاهی می یابیم (لاوسون، ۱۳۹۱، ص ۴۵).

در روانشناسی محیط، محیط پیرامون مهمترین



نمودار ۳. فرآیند کلی ادراک و شناخت، ماخذ: نگارندگان.

طورمستقیم در شعاع دیدگان و یا درساختار اطلاعات غیربصری و قابل دریافت توسط نظامهای دیگر ادراکی قابل درک هستند. فرد باید بداند و در بیشتر موارد می آموزد که به دنبال چه چیز باشد، ادراک معنا مبتنی بر طرح واره های ذهنی است (لنگ، ۱۹۸۷، ص

۱۰۸). از ادراک و احساس تا معنا

از دیدگاه «مارتین هایدگر» معنا از نظر وی چیزی نیست که کسی بر چیزی تحمیل کند، همچنین موضوع متمایز ادراک، یا حلقه واسطه میان ذهن و عین نیست. به عبارت دقیق تر، هایدگر می گوید آنچه درک و فهم می شود معنا نیست، بلکه موجود است. به نظر او ما موجودات را به عنوان موجودات و در شبکه ای مناسبات شان با دیگر موجودات، و نه به عنوان توده ای از کیفیت های ادراکی، درک می کنیم. از دیدگاه هوسرل گونه کلی ادراک در هوا، در هوای تخیل های مطلقاً خالص، معلق شده است. چنین ادراکی، فارغ از هر نسبتی با امر واقع، به «ایدوس» ماهیت ادراک تبدیل می شود، و گستره «مثالی» اش کلیه ادراکاتی را که به نحو مثالی ممکن اند به مثابه متخیلات محض در برمی گیرد. بنابراین تحلیل های ادراک «تحلیل های ماهیت» اند و هر آن چه درباره «سنتزها»، درباره «افق های امکان های بالقوه» و غیره مربوط به گونه ادراک گفتیم، همان طور که به آسانی پیداست، «ماهیتاً» برای هر چه که می تواند به کمک چنین تعدیل آزادانه ای ساخته شود، و بنابراین برای همه ادراکات قابل تخیل به طور کلی صادق است؛ به عبارت دیگر حقیقتی با «کلیتی ماهوی» و مطلق و ماهیتاً ضروری را برای هر مورد خاص و نتیجتاً برای هر ادراک واقعاً داده شده، تا جایی که هر امر واقع فقط مصداقی از امکانی محض لحاظ شود، تشکیل می دهد

(هوسرل، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰-۱۲۲).

از دیرباز حکما بر اهمیت حواس در شناخت حقیقت انگشت نهاده و آنها را مجاری علم دانسته اند. ادراک انسان از محیط از محوری ترین مقولات در روان شناسی محیطی است. ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق آن انسان داده های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود بر می گزیند. دکارت به ادراک های متفاوتی در انسان معتقد است؛ به نظر او برخی از این ادراکات معلول نفسند که با فعالیت ارادی و یا خیالی ذهن ما در ارتباط هستند. دسته دیگر یا معلول بدن هستند یا در اثر جریان مایع لطیفی که آن را «دم» یا «روح حیوانی» می نامد به وجود می آیند. برخی نیز به محرک های خارجی یا داخلی مربوطند؛ ادراکات دیگری از قبیل شادی و خشم و مانند آن به نفس و انفعالات واقعی آن مربوط می شوند (مولر، ۱۳۶۷، ص ۲۲۶). مکتب گشتالت - که رویکردی به ادراک فرم و رابطه شکل - زمینه در فرآیند ادراک دارد (گروتر، ۱۳۷۵، ص ۳۱)، بر این عقیده است که ادراک کلی در همان لحظه نخست، در مورد منظری خاص (مثلاً یک گل) در مغز شکل می گیرد. زیرا در عالم، اشکال اولیه ای وجود دارند که با اشکال موجود در عقل (ذهن) انسان متناسب هستند. لذا ادراک فرآیندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک کننده بستگی دارد. از این رو فرآیند ادراک همواره با شناخت انسان از محیط همراه است. افلاطون عالم ظاهر یعنی محسوسات را که تمام مردم آن را درک می کنند، مجازی و عالم معقول را حقیقی می داند و از آن به مثل تعبیر می کند؛ بدین معنی که هر امری در عالم چه مادی باشد مانند حیوان، نبات و جماد، چه معنوی مانند شجاعت، عدالت و نظیر آن، حقیقتی دارد که سرمشق و

ادراک	مکاتب	ابزار شناخت	یافته ها نظریات
ادراک حسی	مکتب گشتالت	عقل و ذهن	مکتب گشتالت - که رویکردی به ادراک فرم و رابطه شکل - زمینه در فرآیند ادراک دارد (گروتر، ۱۳۷۵، ص ۳۱)، بر این عقیده است که ادراک کلی در همان لحظه نخست، در مورد منظری خاص مثلاً یک گل در مغز شکل می‌گیرد.
از منظر مکاتب مختلف	چینی های باستان	حس + شهود و استقرا	احساس لازمه رسیدن به جلوه‌ای از حقیقت و چیزی جز ابزار به شمار نمی‌آیند، و راه‌ساز دریافت جلوه‌هایی حقیقت از طریق شهود می‌شود.
	متون هند باستان	حس + عقل + نفس	با پیروی از دستور یوگ (اتحاد) حواس در فکر فرو می‌رود و فکر در علم منحل می‌شود و علم به نفس اعظم می‌پیوندد و نفس اعظم در حضرت وجود مطلق فانی می‌شود

تجربه معماری چندحسی

مهم‌ترین و برجسته‌ترین وجه پدیده‌شناسی فضای ساخته‌شده ایده‌ی «معماری چندحسی» است که توسط معماران پدیده‌شناسی همچون یوهانی پالاسما و پیترو زومتور مطرح شده است. توجه غالب آنان به تفوق بینایی بر دیگر حواس در فلسفه و معماری غرب به واقع پرداختن به یکی از مسأله‌دارترین وجوه تاریخ دریافت و ادراک فضا است. به واقع طرح حضور و مشارکت حواسی که اغلب مورد غفلت قرار گرفته‌اند در فرآیند دریافت، به فهم او از پدیده‌شناسی خصلتی ویژه می‌بخشد. به زعم پالاسما: «تجربه معماری، موردی چندحسی است؛ کیفیات ماده، فضا و مقیاس به گونه‌ای برابر به وسیله چشم، گوش، دماغ، پوست، زبان، اسکلت و عضلات سنجیده می‌شوند. معماری تجربه‌ی وجودی و حس در جهان بودن فرد را تقویت می‌کند، و این در اصل به تجربه‌ای غنی از خود می‌انجامد» (پالاسما، ۱۳۹۳، صص ۱۱۱-۱۱۲). به گفته‌ی وی: «ما معماری را از طریق همه‌ی حواس تجربه می‌کنیم (همان، صص ۳۲-۳۶) به گمان پالاسما معماری قویاً ریشه در «احساس‌های نخستین» دارد که شکل‌دهنده «واژگان مبنایی و اصیل» معماری‌اند. تنها معماری راستین قادر است تا شرایط و وضعیت‌های پایه، احساس‌ها و هیجانات، و وجوه وجودی انسان را تمام و کمال پوشش دهد؛ در غیر این صورت معماری به یک تندیس عظیم و غول‌آسا یا صحنه‌نگاری‌ای صرف تقلیل می‌یابد (پالاسما، ۱۳۹۳؛ ۵۴-۵۵).

نمونه کامل اوست و از بدو تولد در وجود انسان موجود است و به حواس در نمی‌آید؛ بلکه به کمک عقل ادراک می‌شود و نمونه کامل آن را «مثال» یا «ایده» و جمع آن مثل گویند (فروغی، ۱۳۶۱، ص ۸۱). در حقیقت ادراک محیطی از تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان تجربه شده‌اند حادث می‌شوند. مروری بر نوشته‌ها و تحقیقات چند دهه اخیر و بعد از پست مدرنیسم نشان دهنده توجه دوباره به ادراکات و حواس انسان در فضای معماری می‌باشد و در این راستا کتاب یوهانی پالاسما با عنوان چشمان پوست معماری و ادراکات حسی (۱۹۹۶) برایان لوسون در زبان فضا (۱۳۹۱)، پالاسما با عنوان دست متفکر (۱۹۳۶)، اشاراتی به موضوع داشته‌اند. در این فرآیند نقش محیط به عنوان عاملی اساسی در رشد توسعه و در نهایت در یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد. ادراک نزد بیشتر فلاسفه دارای دو گونه اصلی ادراک حسی (حاصل دریافت از حواس ظاهری) و ادراک عقلی (حاصل دریافت‌های باطنی در تکمیل داده‌های حسی) می‌باشد (فاخوری، ۱۳۷۳، ص ۴۷۹). مرلوپونتی می‌کوشد با تحلیل ادراک حسی، شیوه مواجهه ما را با عالم روشن سازد؛ به عقیده او، ادراک پنجره‌ای به سوی اشیا، عالم و حقیقت می‌گشاید، چنان که در پدیدارشناسی ادراک می‌گوید: «ادراک دانش جهان نیست، حتی فعل نیز نیست یا اخذ دلخواه یک موضوع، بلکه زمینه‌ای است که همه افعال از آن پدید می‌آیند و پیش زمینه همه آنهاست» (مرلوپونتی، ۱۹۴۸).

جدول ۲. ادراک از منظر مکاتب مختلف؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

در این زمینه حواس ظاهری، مکانیسم حصول ادراکات حسی، را به طور عمیق و با استفاده از تمام علوم مربوط از قبیل هندسه، فیزیک، علم مناظر و مریا، طب و فیزیک بررسی می کند و بیش از همه، نفس را به عنوان رباط تمام قوا و ادراکات مورد تامل قرار داده است	حواس+عقل	ابن سینا	ادراک حسی از منظر اندیشمندان اسلامی
نظریه ملاصدرا درباره ادراک - شامل ادراک حسی، ادراک خیالی و ادراک عقلی - از همان اشیاء خارجی و اعیان موجودات آغاز و بر اساس آن بنا می شود.	حواس+شهود	ملاصدار	
ادراک و مفهوم آن در نزد ما یک امر بدیهی است و تعریفی که از ادراک ارائه می دهد یک تعریف وجودی است نه ماهوی. علامه در همان ابتدا به تقسیم ادراک به حضوری و حصولی می پردازد.	ادراک حضوری و حصولی	علامه طباطبایی	
حقیقت ادراک را «ثرپذیری قوای ذهنی» دانسته و باتنبین گونه ای از آگاهی که حاصل کشف و شهود باطنی است و به علم حضوری می انجامد «ادراک شهودی را تنها راه دریافت حقایق هستی می داند (سهروردی به نقل از فعالی، ۱۳۷۶).	شهود قلبی	سهروردی	
بینایی را با لامسه مرتبط می داند. او اظهار می دارد که اگر مالین دو رابه عنوان کانالهای ارتباطی در نظر بگیریم در این حالت اشیاء با استفاده از هردو حس، بصورت جدی مقطع برداری می شود و جریان تأثیرات حسی تقویت می شود.	حواس پنج گانه	جیمز گیسون	ادراک حسی از منظر روانشناسی
وی به نقد تفوق دید و بینایی بر حواس دیگر در عرصه فلسفه و معماری غرب پرداخته و معتقد است که در تاریخ غرب همواره بینایی در فرایند ادراک نقش اول را ایفا نموده است، تا آنجا که ادراک منطبق بر ادراک بصری انگاشته شده است.	حس بینایی و ادراک بصری	یوهانی پالاسما	
افلاطون ادراک بینایی را به عنوان بزرگترین هدیه اعطا شده به انسان معرفی کرد و بر این نکته تأکید داشت که جهان اخلاق باید در دسترس چشمان ذهن باشد.	وجود عالم مثل و درک آن با شهود	افلاطون	ادراک از منظر فلاسفه
ارسطو بینایی را باشکوهترین احساس می دانست زیرا این احساس، به سبب فضیلت معنوی حاصل از معرفتش بیشترین نزدیکی را با قوه ادراک دارد. ارسطو منشاریافت را انتزاع از موجودات جهان طبیعت میدانست و معتقد بود تشکیل مفهوم کلی مبتنی بر درک ما از امور عینی است.	حواس + (حس و استنتاج عقلی)	ارسطو	
تجربه حسی وسیله ارتباط با جهان است برای کشف حقیقت و در زندگی استفاده میشود. دکارت شناخت در دو مرحله متمایز صورت میگیرد. برداشت انسان نخست عینی و سپس بار ذهنی پیدا می کند و برعکس.	عقل (تحلیل معقولات فطری)	کانت - دکارت	

را تفسیر کرده و به آنها معنا می بخشد. به همین دلیل ادراک، (فرآیند سازمان دهی و تفسیر اطلاعات حسی جهت معنادار کردن آن ها) تعریف می شود. بین احساس و ادراک نمی توان فاصله ای تصور کرد. عمل ادراک به قدری سریع صورت می گیرد که همزمان با احساس به نظر می رسد. در فرایند ادراک، مغز ما اطلاعات بینایی، شنوایی، بویایی و حتی لامسه را با هم

معماری حواس در تجربه معماری با توجه به آنکه در پدیده شناسی محیط ساخته شده، دریافت داده های حسی و تبدیل آن ها در فرایندهای پردازش ذهنی و بازنمایی، و تداعی به معانی، مهم ترین نقش را ایفا می کند، پرداختن به ادراک محیط و احساس آن اهمیت می یابد. ادراک، اطلاعات دستگاه های حسی

جدول ۳. مقایسه تطبیقی حواس در روستا و شهر؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

حواس پنج گانه	مولفه ها	شهر	روستا
بینایی	حرکت	حرکت صرفاً با وسایل نقلیه و گاهاً پیاده روی صورت می گیرد	القای حس حرکت در تمامی ابعاد وجودی روستا تحقق می یابد که ای امر به درک خوانایی محیط موثر است
	افق دید	پراکندگی دید	متمرکز کردن دید و ایجاد توجه به مناظر خاص
	رنگ	متمايل شدن به رنگهای محدود و بدون تنوع	رنگ مصالح طبیعی و تنوع رنگ پوشش گیاهی در فصول مختلف
شنوایی	مناظر عمومی	وجود عناصر مصنوع، کیفیت های بصری ضعیف ناشی از آلودگی های زیست محیطی	وجود آب وهوای مناسب، فضای سبز نظیر درختان و پارک، وجود محیطی چشم انداز و اقلیم چشم انداز زیبا
	صداهای زمینه	اصوات ناشی از فعالیت های انسانی، اصوات ناشی از حرکت وسائل نقلیه	صدای ناشی از ابزار و وسایل روستاییان در کشاورزی
	صداهای سمبلیک	-	ایجاد مرز صوتی و تلطیف فضا با جریان آب، صدای حیوانات، صداهای موجود در جنگل
لامسه	بافت	عدم تنوع کف پوش ها، مصالح ماشینی امروز جام های بزرگ شیشه فلزات لعاب دار تمایل دارند سطوح غیر قابل انعطاف را بدون بیان جوهره و قدمت آنها برای چشم به نمایش بگذارند.	بافت زمین را از طریق کف پاهایمان حس می کنیم. مصالح طبیعی قدمت و تاریخچه خودشان و همچنین داستان و سرچشمه و تاریخچه استفاده انسان از آنها را بیان می کنند.
بوایی	پستی بلندی	اکثراً پیاده رو ها دارای سطحی صاف هستند و خطوط توپوگرافی به ندرت در سطح شهر دیده می شوند	همانگی شکل و اختلاف ارتفاع مرزها با خطوط توپوگرافی یا بوجود آوردن اختلاف ارتفاع لازم به دلایل عملکردی (جریان آب)
	حرکت	حرکت های سریع و نزدیکی که از کنار انسان عبور می کند و جابجایی سریع هوا را سبب می شود	حرکت هوا موجب ایجاد نسیم خنکی در برخورد با سطح پوست ما می شود.
	دما	میزان سرما و گرما در فصول مختلف متفاوت است	در روستا به دلیل استفاده از مصالح بومی با ظرفیت حرارتی مناسب با اقلیم روستایی گرما و سرما در فصول مختلف محسوس است
بوایی	کیفیت بو	هوای تازه و آب پاک با مشکل	احساس وجود فضای سبز، اتفاقاتی از

		مواجهه است. محیط با گردوغبار، دود، زباله و گازهای دی اکسید کارخانه‌ها آلوده شده است	جمله بارندگی و آب پاشی روی محیط) بوی رطوبت و مصالح مصرفی توسط حس بویایی ادراک می‌گردد.
	بازیابی خاطره با بو	تنوع در بو یاد اوری خاطره خاص تقریباً در فضای شهری غیر ممکن است	بوی نم و خاک و گل به بازیابی خاطره کمک می‌کند
چشایی	مزه	صنعتی شدن مواد خوراکی در نتیجه از بین رفتن خاصیت ارگانیک بودن آن‌ها	تازگی و خلوص مزه غذاها را به راحتی در روستا می‌توان حس کرد

ترکیب می‌کند تا به دریافت یکپارچه‌ای که مد نظر فرایند ادراک است برسد. حاصل یکپارچه‌سازی اطلاعات محیطی در واقع همان چیزی است که گوردون کالن تحت عنوان منظر شهری مطرح می‌کند. گرچه منظر بصری در ادراک غالب است، اما منظر شهری ترکیبی است از منظر صوتی، بویایی، لامسه و غیره (پاکزاد، ۱۳۹۱، صص ۱۰۵-۱۰۹).

معماری امروز به جای انعطاف وجودی و تجربه فضایی، خود را بر استراتژی روان‌شناختی تبلیغات و تحریک‌های لحظه‌ای منطبق کند. این موضوع معماران و فرآیند طراحی آنان را نیز از خود متأثر کرده است. گاهی به نظر می‌رسد معماری معاصر به هنر تصویرهای چاپی بدل گشته است که با چشمان شتاب‌زده دوربین عکاسی تثبیت شده‌اند، صرفاً برای آن که نوعی لذت بصری را به واسطه مجله، کتاب و نمایشگر کامپیوتر به ارمان ببرند به همین ترتیب هم هست که تصویر نمی‌تواند درک کاملی از کیفیت فضایی روستا را به بیننده انتقال دهد (پالاسما، ۱۹۹۴، ص ۴۲). اما آوای روستاها، رایحه آن، طعم آن و لمس آن است که تجربه بودن در آن را کامل می‌کند. بودن در روستا موجب ادراک فضای آن و تجربه حس مکان می‌شود. محیط روستا و معماری حواس آن است که ذهن آگاه باشنده در خود را هم محصور و هم محسوس خود می‌گرداند. تمامی حواس انسان را مملو از نشاط می‌کند. وقتی می‌گوییم «تمامی حواس انسان» صرفاً منظورمان پنج حس مشهور یا شش حس انسان و یا دوازده حس و

یا حتی تمامی هجده نوع حس انسان که (تاکنون) شناخته شده است، نیست بلکه گشتالتی از آن‌ها است با این که در طبیعت بکر و دست نخورده نیز حواس وی به کار گرفته می‌شود (گیبسون)، اما در روستا، این تحت تأثیر قرار دادن حواس بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی، براساس خواست انسان، به صورت هدفمند و با به‌کارگیری تکنیک‌های مشخص، به طرز متمایز و تشدید یافته‌ای نسبت به طبیعت بکر به کار گرفته می‌شود. به بیان دیگر این موضوع نه تنها اتفاقی و یا فقط برخاسته از ویژگی‌های طبیعت نیست، بلکه براساس آن‌چه در این نوشتار توضیح داده خواهد شد، در روستا، عناصر طبیعی و مصنوعی به طرز ویژه‌ای متناسب با حواس انسان طراحی و مستقر شده‌اند. در واقع حواس انسانی در روستا، پیکره‌مند است.

حالت ادراک در محیط

سوژه‌ای که ادراک می‌کند باید در جهان قرار داشته باشد، باید در مکان و زمانی خاص متقرّر باشد. تجارب مدرک از جهان، از چشم‌انداز یا منظری خاص است. در جهان بودن، ابژه بودن است و مانند همه اشیاء در جهان، عین مادی یا فیزیکی است. به لحاظ حسی می‌توان گفت همه انواع اعیان فیزیکی «درک» می‌شوند، با وجود این، تنها آنهایی که مجهز به انواع مختلف اندام‌های حسی هستند به طرّقی خاص به انواع محرک‌هایی خاص پاسخ می‌گویند- نور، صداها، و مانند اینها از اعیان اطراف آنها دریافت می‌شوند. (ماتیوس، ۱۳۸۹، ص ۷۵). ادراک منظر در محیط روستا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

از دیده شدن مناظر متعدد درون روستا و عناصر کالبدی سازنده این مناظر حاصل می‌گردد. این ادراک به دلیل وجود کریدورهای بصری مرتبط باهم در روستا، به طور همزمان دربرگیرنده همزمان اینجا و آنجا بوده و هر منظر شامل پیش زمینه، زمینه و پس زمینه می‌باشد که ناظر را پیوسته از یک منظر به منظر دیگر فرا می‌خواند و حواس او را کاملاً درگیر می‌سازد. عناصر کالبدی سازنده این مناظر، در ابتدا به لحاظ فرمی (شامل: رنگ، ابعاد و تناسبات) مورد توجه ناظر قرار گرفته و سپس با توجه به داشته‌های ذهنی وی، مورد دسته‌بندی و کشف الگوهای موجود در آنها واقع شده و مورد ارزشگذاری قرار می‌گیرد. نکته مهم و قابل توجه در ادراک این مناظر وجود نفوذپذیری کالبدی در کنار نفوذپذیری بصری است که موجبات دسترسی را فراهم نموده و پرسه زدن در محیط را ممکن سازد. به این دلیل، راه‌های و مسیرهای روستا در درجه اهمیت بالایی قرار می‌گیرند. چرا که ابتدایی‌ترین عنصر مورد درک بوده و هر راهی که راحت‌تر ادراک شود، موجبات نفوذپذیری و جهت حرکت میان مناظر را بهتر فراهم می‌نماید. نکته قابل توجه در مورد مسیرهای روستا آن است که یک مسیر روستایی بیش از آنی که خود عنصری مستقل از سایر عناصر باشد، به واسطه رسیدن مرزهای مالکیت به یکدیگر و بصورت حدفاصل و جداکننده مرزها بروز یافته است. این مرز نیز خود دارای انواع مختلفی است و سلسله مراتبی دارد. به همین دلیل شناختن مرزهای کالبدی روستا از جمله مهمترین موارد مورد بررسی در ادراک منظر محیط روستاست.

پدیدارشناسی معماری و ادراک چشم

حسی ما را به نظم درآورده و آشکارا از یکدیگر مجزا ساخته است. بینایی و لامسه به عنوان ادراکات حسی برتر مطرح می‌شوند در حالی که سه حس دیگر به عنوان ادراکات منسوخی در نظر گرفته شده‌اند که کاربرد آنها کاملاً محدود بوده و معمولاً توسط فرهنگی سرکوب می‌شوند (پالاسما، ۱۳۹۱، صص ۲۶-۱۳). تأثیر حس بینایی بر فلسفه به‌خوبی توسط

«پیتر اسلوتردیگ» جمع‌بندی شده است: «چشم‌ها اجزای اصلی فلسفه هستند. راز مبهم چشم‌ها در این است که نه تنها می‌توانند ببینند بلکه قادر به دیدن مشاهدات خودشان نیز هستند». این امر برتری چشم را نسب به سایر اندام‌های ادراکی بدن در دیدگاه او نشان می‌دهد. «در فرهنگ غرب به طور تاریخی به بینایی همواره به عنوان اصیل‌ترین ادراک حسی نگریسته شده و تفکر نیز همواره در ارتباط با بینایی شکل گرفته است. پیش از این نیز تفکر کلاسیک یونان بر مبنای بینایی شکل گرفته بود. افلاطون ادراک بینایی را به عنوان بزرگترین هدیه اعطا شده به انسان معرفی کرد و بر این نکته تأکید داشت که جهان اخلاق باید در دسترس چشمان ذهن باشد» (Jay، ۲۷: ۱۹۹۴). ارسطو نیز بینایی را باشکوه‌ترین احساس می‌دانست که به سبب فضیلت معنوی حاصل از معرفتش بیشترین نزدیکی را با قوه ادراک دارد (پالاسما، ۱۳۹۰، صص ۲۵). موضوع اصلی شکل دهنده به روستا دیدن و نظر کردن است.

پدیدارشناسی معماری و ادراک شنیدن

به نظر «لوسین فور» انسان در قرن ۱۱ با دیدن تجربه نمی‌کرد؛ بلکه او می‌شنید و استشمام می‌کرد- هوا را استشمام می‌کرد و صداها را میشنید. کمی بعد از آن بود که وی به طور جدی و فعال با هندسه درگیر شد و توجه اش را بر دنیای فرم‌های کپلر (۱۱۸۲-۱۱۷۱) و هندسه تصویری دوسرژو (۱۱۱۲-۱۱۱۸) متمرکز کرد (پالاسما، ۱۸۳۳، صص ۸۱). در شهرهای معاصر پژواک هاجذب و سانسور می‌شود موسیقی طنین انداز در مراکز خرید و فضاهای عمومی امکان فهم حجم صدا را از بین می‌برد. در واقع در شهرهای معاصر گوشه‌های ما کور شده‌اند. هر فضا یا ساختمانی صدای منحصر به خود را از نظر صمیمیت یا عظمت دعوت کنندگی یا واژنی و شفقت یا خصومت دارد. امروزه تجربه زندگی روزمره افراد، به شکل فزاینده‌ای از خلال صدهای ترکیبی و مکانیکی شکل می‌گیرد. بیدار شدن، کار کردن، راه رفتن و خوابیدن و بسیاری از فعالیت‌های انسان در زندگی روزمره توسط و یا با همراهی صداها

صورت می پذیرد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که این صداها (البته نه فقط صداها شهر که تمامی صداها اطراف انسان)، بخش عظیمی از شناخت انسان از محیط پیرامونش را تشکیل می دهند. در روستا صداها طبیعی (صدای وزش باد، صدای حیوانات و پرندگان، صدای برخورد آب با سنگ ها و...) که انسان در به وجود آوردن آن نقشی نداشته و صداها غیر طبیعی (صدای ابزار و ادوات کشاورزی، و...) امکان بودن در یک محیط طبیعی را به ما می دهد و این خود به درگیر کردن حس شنوایی با سایر حواس بدن کمک می کند تا انسان حس تعلق به فضا را بیشتر حس کند.

پدیدارشناسی معماری و ادراک لامسه

اما نظریه اشلی مونتگو بر مبنای مشاهدات پزشکی نیز در تأیید برتری حس لامسه است: «پوست دیرینه ترین و حساس ترین اندام بدن ما است. اولین واسطه برقراری ارتباط و موثرترین محافظ ما؛ حتی قرنیه شفاف چشم نیز از یک لایه تغییر یافته پوست تشکیل شده است. حس لامسه، احساسی متمایز از سایر ادراکات، و منشأ ادراک حواس بینایی، شنوایی، بویایی و چشایی است. نظر می رسد در ارزیابی گذشته از این حس به عنوان «مادر تمامی حس ها» مورد توجه بوده است». مجموع حس لامسه و حواس وضعی - عضلانی را حواس جسمی - احشایی یا تنی می نامند. گیبسون لامسه فعال (لمس کردن) و لامسه غیر فعال (لمس شدن) را متمایز می داند. او بیان می کند که لامسه فعال افراد را قادر می سازد تا اشیای انتزاعی و مطلق که قبلا دیده بودند، با ۹۵ درصد دقت دو مرتبه به خاطر آورده شوند در مورد لامسه غیرفعال این امکان تنها به ۴۵ درصد دقت می رسد (ادوارد توییچل، ۱۳۸۴)؛ بنابراین حس لامسه با درجات گوناگونی می تواند متناسب با چگونگی دریافت اطلاعات از محیط به ادراک محیط تاثیر گذارد. البته باید در نظر داشت که حس لامسه در حقیقت تشخیص رابطه میان ناظر و شی است و حس بینایی بر تشخیص چگونگی رابطه اشیا از یکدیگر در محیط و نیز نسبت به ناظر تاکید دارد (شاهچراغی، بندر

آباد، ۲۴۹۴، ص ۱۵۲). حس لامسه نقش مهمی را در تجربه معماری روستایی بازی می کند، وجود رودخانه ها با ایجاد رطوبت موجب خنکی هوا می شود، وجود درختان مختلف با ایجاد سایه وزش باد را جهت دار می کنند، ترکیب سایه و رطوبت با هم هوای خنک و مطلوبی به انسان می رساند و به حس لامسه او لذت می بخشد. در روستا کفسازی محورهای حرکتی که با خاک کوبیده شده است و رطوبت حاصل از باران بر روی آن، محور حرکتی نرم و مطلوبی برای انسان به وجود می آورد. ابنیه نیز با مصالح صیقلی و یا با بافت های متنوع ساخته شده است. بافت ویژگی ای از مصالح است که از لحاظ بصری نیز قابل دریافت و احساس می باشد. می توان نام آن را لامسه بصری گذاشت. در واقع بافت موقعی هم که به صورت بصری معرفی می شود، به طور عمده به وسیله حس لامسه احساس می گردد. و این بسته به خاطره های حاصل از حس لامسه در گذشته می باشد که ما را قادر به درک و ارزیابی بافت می کند (هال، ۱۳۹۰، ص ۸۳).

پدیدارشناسی معماری و ادراک رایحه

حرکت از یک حیطه بویایی به حیطه ای دیگر در طول بازار بسیار لذت بخش است یک بوی ویژه ندانسته باعث می شود دوباره وارد فضایی شویم که حافظه بصری به کل آن را فراموش کرده است. سوراخ های بینی تصاویر فراموش شده را بیدار کرده و ما را به خیال پردازی در گذشته و امیدار اتفاقاتی از جمله بارندگی و آب پاشی روی محیط (بوی رطوبت و مصالح مصرفی) توسط حس بویایی ادراک می گردد. میوه های خوش بو مانند نارنج و پرتغال و لیمو و... بوی مزارع برنج و شالیکاری، بوی مزارع چای، همه و همه نظام بویایی مطلوبی را در روستا به وجود می آورد.

پدیدارشناسی معماری و ادراک چشایی

تجربه حسی ما از جهان از احساس شکل گرفته در داخل دهان سرچشمه می گیرد و همچنین جهان تمایل دارد به سرچشمه های چشایی خود بازگردد. منشا و کهن ترین فضاها معماری فضای خالی داخل دهان است (پالاسما، ۱۳۸۸، ص ۷۸). حس چشایی و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

حس بویایی دو حس مرتبط و تکمیل کننده یکدیگر معرفی شده‌اند، زیرا محرک‌های بویایی بر حس چشایی انسان تاثیر می‌گذارند. بوی خوش میوه‌ها و مزارع برنج و چای نیز تاثیر مشابهی بر حس چشایی دارند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

یوهانی پالاسما معتقد است که ساخت‌وساز در فرهنگ‌های سنتی بیشتر تن-بنیاد بوده‌اند، مثل پرنده‌ای که لانه‌اش را حرکات تن‌اش می‌سازد. به واقع، «سازه‌های گلی و خاکی بومی به نظر می‌رسند که بیشتر به حواس بساویایی و عضلانی، و نه صرفاً حس بینایی ساخته می‌شوند.» اشاره پالاسما به معماری‌هایی است که در آن‌ها بیشتر هندسه‌ای توپولوژیک و موضع شناختی حاکم است، و چهره بناها صورتی انسان‌گونه‌انگارانه دارد. پالاسما شهر معاصر را شهری می‌انگارد که «هر چه بیشتر در حال تبدیل شدن به شهر چشم است، شهری که حرکت سریع ماشین‌ها آن را از تن جدا ساخته است». تصویری که پالاسما از شهر و معماری معاصر ارائه می‌دهد شرح سلطه تفکر بصرمحور بر شهر است؛ شهری که تن را واپس می‌زند و دریافت چندحسی را ناممکن می‌سازد. همه چیز تنها دیده می‌شود و امکان لمس کردن و بوییدن به حداقل می‌رسد. این جاست که تن انسانی ماشینی می‌شود همچون دیگر ماشین‌هایی که در شهر این سوو آن سو می‌روند. به اعتقاد او مواد سبب‌ی‌ای مثل سنگ، آجر و چوب به دید ما این امکان را می‌بخشند تا در سطوح آن‌ها نفوذ کرده و به ما از صداقت، قدمت و تاریخ‌شان بگویند. مصالح جدید، در پس خود چیزی نهفته ندارند، عمیق‌نسیتنند، تک بعدی‌اند، و جذب نمی‌کنند. به عبارت دیگر، آن‌ها گنگ و خاموش‌اند، و از مادیت و زمان هیچ نمی‌گویند. این پژوهش در پی اهمیت ادراکات حسی در خوانش معماری روستایی ایران است نتایج تحقیق بیان می‌کند که در روستا این معماری حواس است که زیبایی و کیفیت محیطی آفریده است اگر باور داشته باشیم که معماری قلمروی چندگانه از تجارب حسی

است که متقابلاً بر روی یکدیگر تاثیر می‌گذارند و درون هم آمیخته می‌شود. بر این اساس روستاهای مناطق شمال ایران عرصه‌ای غنی از این تجارب حسی است بنابراین ادراک ساکنان از کیفیات محیط و آشنایی درونی آنان با روش‌های ارضای نیازها و تطابق با محیط، مقوله‌ای کاملاً تدریجی بوده و مبتنی بر تجربیات سالیان آنهاست که نسل به نسل - هر چند به طور ناخودآگاه - به ایشان منتقل گردیده است. به گفته پالاسما تجربه، حافظه و تخیل، از لحاظ کیفی، در خودآگاه ما ارزش‌های کیفی برابر دارند. در مواجهه با فضای مصنوع و یا هر اثر هنری دیگر، هنر تصورات و عواطفی خلق می‌کند که همانند روایت‌های واقعی زندگی، حقیقی است. اساساً، در هر اثر هنری ما، به نحوی تشدیدشده، با خویش‌مان، با عواطف خودمان و با بودن‌مان - در - جهان مواجه‌ایم. هر تجربه هنری و معمارانه حقیقی اصولاً آگاهی شدید از خویش‌مان است. هر اثر هنری یا ساختمانی که هزاران سال پیش ساخته شده، یا در فرهنگی کاملاً ناشناخته تولید شده است، ما را لمس می‌کند چراکه نمودی جاودانه از بودن انسان، و در نتیجه، اکتشاف دوباره واقعیت بودن‌مان - در - جهان است. به این ترتیب، باید اذعان کرد روش‌های علمی شناخت، تحقیق و مطالعه پدیده‌ها که متکی بر داده‌های کمی و روش‌های اثبات‌گرا هستند آنجا که موضوع مورد پژوهش کیفیت‌های موجود در حوزه معنایی هندسی خاصی از فضا است که توسط آدمیان ساخته شده است، یعنی همان آثار معماری و شهرهای آنان، دیگر روش‌های متکی بر داده‌های عددی کافی نیست. در اینجا حضور آدمی در فضا، داده‌ها و دریافت‌های حسی او، تجربه او از فضا، خیال‌پردازی‌ها و تخیل او، پیش‌ذهنیت‌ها و پیش‌فرض‌های او و حتی افسانه‌ها و اسطوره‌های ذهنی‌اش مطرح است. از این رو، همه این عوامل می‌بایست در پژوهش‌های مرتبط مورد تعمق و تأمل قرار گیرد و وجود روش‌هایی که این مهم را ممکن سازند، ضرورت می‌یابد. در زیر جدولی از مقایسه تطبیقی حواس در روستا و شهر جمع‌آوری شده است.

در پایان باید گفت که این موضوع برای ما ایرانیان که به دنبال شناخت معماری گذشته خود هستیم و به قول شایگان (۱۳۹۲: ۱۰۹) خاطره سایه‌سار خنک فضایی در خود فرورفته، صمیمت لطیف منزل‌گاهی که در آن استکانی جای می‌نوشیدیم، رقص خیال‌انگیز رشته‌های نور که از ورای پنجره‌های مشبک به دورن می‌ریزد و حضور افسون‌کننده گنبد فیروزه‌ای که به ناگاه از پس و پشت دیوارهای کاهگلی سربرمی‌کشد، در ذهن و ضمیرمان رسوب کرده است و در فکر آنیم که ارزش‌های نهفته در آن را شناخته و بازآفرینی نماییم، گریزی از تغییر رویکردمان به پژوهش در فضای به ارث رسیده‌مان نیست و این مستلزم حضور در فضا آن گونه که بوده است، و تجربه آن به همان نحو اصلیش است، آن گونه که خلق شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

منابع و مآخذ

احمدی، علی؛ مهدوی، مسعود (۱۳۹۳) رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای در حال توسعه مطالعه موردی: شهرستان زرننده، پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۴، صفحه ۸۲۷-۸۴۸.

باقری، محمد؛ علی‌آبادی، مرتضی؛ تفکر، مینا (۱۳۹۳) خوانش معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی با رویکرد ادراکات حسی و روانشناسی محیطی، کنفرانس بین‌المللی معماری مهندسی عمران و توسعه پایدار شهری، تبریز.

بدری، سیدعلی؛ رضوانی، محمدرضا؛ قرنچیک، مجید (۱۳۹۲) سنجش شاخصهای ذهنی کیفیت زندگی در نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان جعفرابای جنوبی شهرستان ترکمن، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال بیست و چهارم، پیاپی ۵۰، شماره ۲، صفحات ۵۳-۷۴.

برقی، حمید؛ رحیمی، حمزه؛ بسحاق، محمد رضا؛ نوری، محمد (۱۳۹۳) ارزیابی کیفیت محیط زندگی در نواحی روستایی از دیدگاه ساکنان (مطالعه موردی: دهستان میانده شهرستان فسا)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال سوم، شماره ۸، صفحات ۱۳-۲۴.

بهبودی، ریحانه (۱۳۹۱) ادراک در معماری مطالعه موردی سنجش ادراک گردشگران اروپایی از معماری ایرانی-اسلامی شهر اصفهان، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۳، صفحات ۴۱-۴۸.

پاکزاد، جهانشاه و بزرگ، حمیده (۱۳۹۱) الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، تهران: انتشارات آرمانشهر.

پالاسما، یوهانی (۱۳۹۱) پدیدارشناسی من، در: معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما، نوشته محمدرضا شیرازی، تهران: نشر رخ داد نو.

پالاسما، یوهانی (۱۳۹۲) دست متفکر؛ حکمت وجود متجسد در معماری، ترجمه علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.

پالاسما، یوهانی (۱۳۹۳) چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، ترجمه رامین قدس، تصحیح: علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.

پالاسما، یوهانی (۱۳۹۳) چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، ترجمه رامین قدس، تصحیح: علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.

پرتوی، پروین (۱۳۹۲) پدیدارشناسی مکان، چاپ دوم، تهران: موسسه تألیف، تدوین و نشر آثار هنری متن. پور افکاری، شیرین؛ سلطان قزایی، صبا؛ سلطان قزایی، بهار (۱۳۹۲) بررسی اهمیت تاثیر ادراکات حسی نابینایان در تعریف فضایی مکان، کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران معماری و توسعه پایدار شهری.

تامس پریموزیک، دنیل (۱۳۸۸) مرلوپونتی فلسفه و معنا، ترجمه: محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: نشر مرکز. جلودار کریمی، الهه؛ سیدیان، سیدعلی (۱۳۹۲) ادراک انسانها در فضای معماری با توجه به تجلی مفهوم حرکت در معماری بازارهای ایران، همایش ملی معماری و شهرسازی انسان‌گرا، قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

خاکپور، براتعلی؛ پورعماد، مژگان؛ مسگرانی، نونا (۱۳۹۳) تحلیل لایه‌های ادراکی معماری شهری ایرانی اسلامی در پایتخت معنوی ایران (محدوده مورد مطالعه: بدنه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

بالا خیابان و پایین خیابان در شهر مشهد)، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری، ۲۱ و ۲۲ آبان

دانشگرمقدم، گلرخ؛ بحرینی، سید حسین؛ عینی فر، علیرضا (۱۳۹۰) تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت مطالعه موردی نمونه های مسکونی شهر همدان، نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، شماره ۴۵، صفحات ۲۵-۳۶.

رمضانی، مریم؛ لیوانی، معصومه (۱۳۹۳) شناسایی الگوهای زیبایی شناسی منظر بومی گیلان مبتنی بر تحلیل منظر روستایی (نمونه موردی: روستای پس چپر)، دو فصلنامه پژوهشهای منظر شهر، سال اول، شماره ۲، صفحات ۳۹-۵۲.

ساک لوفسکی، رابرت (۱۳۸۴) درآمدی بر پدیدارشناسی، ترجمه محمدرضا قربانی، تهران، نشر: گام نو. شاهچراغی، آزاده (۱۳۸۸) تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی براساس نظریه روانشناسی بوم شناختی، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۵، صفحات ۷۱-۸۴.

شیرازی، محمدرضا (۱۳۹۱) معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما، تهران: رخداندنو. شیرازی، محمدرضا (۱۳۹۱) معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما، تهران: رخداندنو. ضرابیان، فرناز؛ منعم، محمدرضا (۱۳۸۹) بررسی میزان و عوامل تاثیرگذار بر حس مکان، ماهنامه شهرداریها، سال نهم، شماره ۸۹.

غلامی، طاهره (۱۳۹۲) سزان و مرلوپونتی، فصلنامه کیمیاى هنر، سال اول، شماره ۶، صفحات ۵۱-۵۹. فیش، ویلیام (۱۳۸۸)، فلسفه ادراک حسی، ترجمه: یاسر پور اسماعیل، تهران: انتشارات حکمت. کارمن، تیلور (۱۳۹۰) مرلو-پونتی، ترجمه مسعود علیا، تهران: انتشارات ققنوس.

کهون، لارنس (۱۳۸۸) از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی. گلدشتاین، ای. بروس (۱۳۸۴) احساس و ادراک، ترجمه دکتر همایون معین، انتشارات دانشگاه تهران.

لاوسون، برایان (۱۳۹۱) فضا و ابعاد انسانی، ترجمه علیرضا عینی فر، فؤاد کریمیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۷۵) پدیدارشناسی، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی. ماتیوس، اریک (۱۳۸۹) درآمدی به اندیشه های مرلوپونتی، ترجمه: رمضان برخوردار، تهران: نشر: گام نو.

محمودی نژاد، هادی؛ پورجعفر، محمد رضا؛ بمانیان، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی؛ تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۷) پدیدارشناسی محیط شهری: تاملی در ارتقای فضا به مکان شهری، نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دهم، شماره ۴.

نقی زاده، محمد؛ استادی، مریم (۱۳۹۳) مقایسه تطبیقی مفهوم ادراک و فرآیند آن در فلسفه و روانشناسی محیط و کاربرد آن در طراحی شهری، پژوهشهای معماری اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی، سال اول، شماره سوم.

ورنو، روزبه (۱۳۷۲) نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه های هست بودن، ترجمه یحیی مهدوی، تهران: نشر خوارزمی.

هوسرل، ادوموند (۱۳۸۱) تأملات دکارتی مقدمه ای بر پدیده شناسی، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.

Faali, M.T.1997. Sensory perception from the view of Ibn Sina. Andishe publication. Iran E. library. (URL)

Iravani, M. Khodapanahi, M.K. 2011. Psychology of sensation and perception (edition 2), Tehran. SAMT. Fifth publication.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۴۵۸ ■

مبانی مسئولیت مدنی شهرداری ها در رابطه با کارکنان و مستخدمان

علی زارع* - استادیار حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.
محمدرضا حسین پور - پژوهشیار بنیاد ملی نخبگان و دانشجوی دکتری تخصصی حقوق گروه خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.
یحیی آقایی - کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، میمه، ایران.

چکیده

شهرداریها از جمله مهمترین نهادهای جامعه مدنی هستند که در قانون اساسی در چهارچوب حاکمیت قرار دارند و در عرصه های اجتماعی، محلی و شهری جزء ساختارهای مهم مشارکتی و توسعه محسوب می شوند. شهرداریها از جمله مهمترین ضرورت های نظام اجتماعی محسوب می شوند که الزاماً با ساختاری که تنها از طریق مداخله مردم امکان پذیر است نمایان می گردد و به دلیل وجود این روابط گسترده و نزدیک با جامعه و اشخاص، بستر مناسبی برای ورود خسارات و عدم رعایت توازن قدرتی از یکسو و اخلال در عملکرد شهرداریها از سوی دیگر فراهم می گردد. که باید با تعیین مبنایی حقوقی و متناسب با شرایط و اوضاع و احوال خاص این سازمان، حتی المقدور از ورود خسارات جلوگیری نمود یا تدابیری اندیشید تا در صورت ورود خسارت به بهترین نحو جبران شوند. لذا در این پژوهش با توسل به روش تحلیلی - توصیفی و نظریه پردازی سعی دارد که موضوع مبانی مسئولیت مدنی در موضوع خسارات وارده از سوی شهرداریها و همچنین موضوع مسئول جبران خسارات در روابط میان شهرداریها و کارکنان و مستخدمان را بیان کند.

واژگان کلیدی: مسوولیت مدنی، دولت، شهرداریها، مینا، تقصیر، خسارت، کارکنان.

Foundations of municipal civil liability in respect of the staff and employees

Abstract

Municipalities are among the most important institutions of civil society within the framework of the rule of the constitution and in the areas of social, local and municipal participation and development are important components of structures. Municipalities are among the most important needs of society. Not necessarily with a structure that is possible only through the intervention of people is shown. There is an extensive and close tie with the community and suitable persons for damages and failure to observe the balance of power on the one hand and disruption in the functioning of municipalities is provided. Must determine the legal basis and in accordance with the terms and conditions the organization as much as possible be prevented from entering damage. Or measures thought to be compensated for damages to the fullest; this study, analytical - descriptive attempts, The subject matter of the fundamental principles of civil liability in damages from the municipalities and the issue of relations between municipalities and employees' compensation.

Keywords: civil liability, government, municipalities, foundations, guilt, loss of employees.

«کارمندان دولت و شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشند، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانونی به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود».

با توجه به نواقص و ابهامات ماده ۱۱ ق.م.م، لایحه جدیدی از سوی دولت وقت ارائه گردید که هماهنگ با نظریه های جدید علمی و منطبق با نیازهای جامعه ایرانی است برآمد و با استفاده از مطالعات تطبیقی و با توجه به نیازهای اجتماعی بوسیله گروهی از محققان اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی نهاد ریاست جمهوری فراهم آمد که پس از بررسی و اصلاحات لازم به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. این لایحه مشتمل بر ۸ ماده و ۴ تبصره و دارای قواعد مهمی است که جای بحث و تحلیل و نقد علمی دارد. ماده ۱ لایحه مذکور، مقرر می دارد که:

«کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها و موسسات و شرکت های دولتی، موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، نیروهای مسلح و قوه قضاییه، کلیه دستگاه هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آن ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و در این قانون موسسات عمومی خوانده می شوند جبران خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه بی احتیاطی، بی مبالائی، عدم مهارت یا عدم رعایت غیر عمدی قوانین، مقررات یا نظامات مربوط در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی وارد می آورند».

لازم به ذکر است که در این پژوهش با توجه به اختلافات موجود در تعریف شهرداریها و دولتی بودن

ماصل حاکمیت و اقتدار دولتها نسبت به مردم جامعه و برتری نهادهای حکومتی در سطوح مختلف زندگی، منجر به خودداری دولتها از پذیرش مسوولیت و پاسخگویی در قبال مردم جامعه شده بود؛ به گونه ای که اصل مصونیت دولت، به طور ناعادلانه، مورد پذیرش مردم قرار گرفته بود. تا اینکه با درخواست های ضمنی و مستقیم مردم جامعه، از طریق اجتماعات، انقلابها و حرکتهای، مسوولیت دولتها بتدریج مورد پذیرش دولتمردان قرار گرفت. یکی از مهمترین موضوعات قابل بحث، موضوع مبنای مسوولیت مدنی دولتهاست. چراکه با توجه به برتری قوای حکومتی نسبت به مردم جامعه و امکان عدم جبران خسارات وارده از سوی آنها و حفظ حقوق اشخاص، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این موضوع در رابطه با شهرداریها به دلیل وجود ارتباطات گسترده میان این نهاد و اهالی مردم جامعه از اهمیت دو چندان برخوردار است و توسعه روابط میان اشخاص و شهرداریها در سطوح مختلف جامعه بستر مناسبی را برای ورود خسارات از جانب این نهاد دولتی و اجتماعی فراهم می سازد و امکان عدم اعمال توازن قدرتی را در ورود و جبران خسارات بالا می برد. شهرنشینی و توسعه شهری یکی از پدیده های مهم و قابل توجه در دوران معاصر است که در راس این پدیده شهرداریها قرار دارند و همانگونه که قرن گذشته را قرن انقلاب صنعتی نامیده اند، از قرن حاضر به عنوان قرن «انقلاب شهری» یاد می کنند و به همین دلیل مطالعات علمی- کاربردی در این زمینه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

موضوع مبنای مسوولیت مدنی شهرداریها در رابطه با کارکنان و مستخدمان علاوه بر تعیین مبنای مسوولیت مدنی در روابط میان شهرداریها و اشخاص جامعه به روابط میان این سازمان و کارکنان و مستخدمان خود نیز می پردازد چراکه در قانون مسوولیت مدنی سال ۱۳۳۹، موادی از جمله ماده ۱۱ این قانون، دولت و سازمانهای دولتی را به نحوی محدود و مشروط نموده است. ماده ۱۱ قانون مسوولیت مدنی سال ۱۳۳۹، مقرر

یا نبودن آنها، دولت را در معنای عام آن در نظر گرفته و شهرداریها و سازمانهای وابسته به آن را نیز شامل می شود. لذا در این پژوهش با توجه و بررسی قوانین مذکور سعی بر تبیین و تشریح روابط میان شهرداریها به عنوان یک شخصیت حقوقی با اشخاص جامعه و روابط میان شهرداریها با کارکنان و مستخدمان خود در ورود و جبران خسارات شده است. تا مشخص گردد که سازمان مذکور به عنوان یک شخصیت حقوقی دولتی و کارکنان این سازمان در شخصیت حقیقی و حقوقی خود دارای چه مسئولیتهای مستقل و مرتبط با یکدیگر می باشند.

به همین لحاظ به دلیل اختلاف نظرات بسیار در رابطه با موضوع مبانی مسئولیت مدنی در نظامهای حقوقی از جمله نظام حقوقی ایران، در ابتدا به بررسی مختصر و کلی مبانی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران می پردازیم و سپس به سراغ تعیین این مبنا در خصوص شهرداریها و سازمانهای وابسته خواهیم رفت. تا مشخص گردد که مبانی مسئولیت مدنی در هر دو حوزه یکسان است یا اینکه باید در رابطه با شهرداریها بر خلاف نظام کلی، قائل به مبانی دیگری بود. چراکه بر اساس «نظریه نسبی»، که از جمله ابداعات و نوآوریهای این پژوهش است مبانی مسئولیت مدنی را باید با توجه به شرایط و اوضاع و احوال موضوع، مورد بررسی قرار داد و به نسبت آن شرایط، مبنایی متناسب و حقوقی تعیین نمود.

۱- نظریه تقصیر

پیروان این نظریه، در باره ی مفهوم تقصیر یکسان نمی اندیشند. پاره ای از آنان، معنای اخلاقی و شخصی تقصیر را در نظر می گیرند و گروهی دیگر، جنبه اجتماعی و نوعی تقصیر را در نظر دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱). همچنین به نظر می رسد از لحاظ حقوقی، در رابطه با مبانی مسئولیت سازمانها و موسسات عمومی و دولتی و بررسی نظریه تقصیر، جنبه نوعی تقصیر، مورد نظر است (حسین پور، ۱۳۹۲، ص ۶۲).

نکته ای که در این بخش قابل بیان است، این است که آیا مبانی مسئولیت مدنی، به طور کلی در نظام حقوقی

ایران مبتنی بر نظریه ی تقصیر می باشد؟ و آیا مبانی مسئولیت مدنی شهرداریها نیز همسو با آن است یا اینکه به دلیل شرایط و اوضاع و احوال خاص شهرداری، بایستی مبانی دیگری برای مسئولیت مدنی شهرداری در در رابطه با کارکنان و مستخدمان در نظر گرفت؟ به همین دلیل برای پاسخ به سوالات فوق الذکر، در ابتدا بطور مختصر به بررسی مبانی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران و بررسی نظریه تقصیر می پردازیم:

۱-۱- نظریه تقصیر در نظام حقوقی ایران

در رابطه با مبانی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران، نظرات مختلفی بیان شده است که به بیان مهمترین آنها می پردازیم:

۱- با استناد به موادی از قانون مدنی، از جمله مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ و بویژه ماده ۳۳۵ قانون مدنی که بیان می دارد: «در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آن ها، مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد. و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند، هر دو مسئول خواهند بود»، به نظر می رسد که: در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است؛ چرا که در این ماده به صراحت بیان داشته که: اگر یکی از عوامل مقصر و دیگری غیرمقصر باشد، عامل مقصر مسئول است. و اگر هر دو عامل مقصر باشند، هر دو عامل مسئولند و سخنی درباره مسئولیت غیرمقصر نروده است.

در این مورد، اگر بگوییم که قانونگذار در مقام بیان بوده و عمداً مسئولیت غیرمقصر را مطرح نکرده است، به خوبی دانسته می شود که در نظام حقوقی ما، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و هدف قانونگذار هم، از عدم ذکر مسئولیت غیرمقصر همین بوده است. همچنین، با توجه به مواد ۸ و ۱۰ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، به نظر می رسد، هر چند که مواد مذکور، در رابطه با خسارات معنوی و لطمه وارد کردن به حیثیت و اعتبارات اشخاص در کنار خسارات مادی است، لیکن با صراحت به لزوم اثبات عنصر تقصیر اشاره کرده که دلیلی بر صحت نظریه تقصیر، به عنوان

مبنای مسئولیت مدنی است و در نهایت ماده ۱ از قانون مذکور که به عنوان پایه قاعده‌ی عام نظریه‌ی تقصیر را مبنای مسوولیت مدنی می‌داند.

۲- نظر دیگری هم، در این رابطه موجود است که برخلاف نظر مذکور بیان می‌دارد که:

هرچند که قانونگذار مسئولیت غیرمقصر را در ماده ۳۳۵ قانون مدنی، به سکوت برگزار کرده است، ولی به این معنا نیست که اگر هر دو عامل مقصر نبودند، هیچ یک از آن‌ها مسئول نیست. و نکته‌ای که در این جا باید مورد توجه قرار داد، این است که اگر یکی از عوامل، مقصر و دیگری غیر مقصر باشد، خوب قطعاً عامل مقصر مسئول است و بحث درجایی است که هر دو عامل غیر مقصر باشند. و می‌افزایند که: در نظام حقوقی ایران، تقصیر مبنای مسئولیت مدنی نمی‌باشد، چرا که در قوانین، مواردی را داریم که شخص غیرمقصر، مسئول خوانده شده است.

از جمله این مواد قانونی، ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی است که بیان می‌دارد:

«... در صورتی که تصادم و برخورد به هردو نسبت داده شود و هردو مقصر باشند، یا هیچ کدام مقصر نباشند، هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود...».

همچنین، در صورت قبول نظریه تقصیر، بار اثبات تقصیر عامل زیان، بر دوش زیان دیده می‌افتد و در نظام حقوقی ما که مبتنی بر حقوق اسلام می‌باشد، اصل بر حمایت از زیان دیده می‌باشد که نظریه تقصیر، مطابق با این اصل نیست و مشکلاتی را برای زیان دیده به وجود می‌آورد.

۳- قانونگذار با وضع ماده نخست قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹، و به تقلید از حقوق خارجی، تقصیر را مبنای مسئولیت قرار داد و بدین سان به اختلاف نظرهای شدید بین حقوقدانان و استادان دامن زد. چه حکم این ماده به ظاهر با مقررات اتلاف در قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ (ماده ۳۲۸ به بعد) و دیگر مسئولیت‌های بدون تقصیر نظیر ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مغایرت دارد و جمع حکم آن با این گونه مقررات از اهمیت ویژه

ای برخوردار است.

۴- با توجه به ماده ۱ از قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹، به عنوان یک قاعده کلی و عام، مبنای مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران، مبتنی بر نظریه تقصیر است. منتها این بیان و نظر، به عنوان یک قاعده کلی، مطرح و قابل قبول است و در موارد خاص و استثنایی، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال موضوع، می‌توان بطور استثنایی، مبنای دیگری را در نظر گرفت. و این نظریه را تحت عنوان «نظریه نسبی» در رابطه با مبنای مسئولیت مدنی نامیده ایم. بعد از بیان نظریات فوق الذکر باید به بررسی نظریه‌ی تقصیر در شهرداریها و در رابطه با کارکنان و مستخدمان شهرداریها بپردازیم:

۲-۱- نظریه تقصیر در شهرداریها

قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که تحول چشمگیری در حقوق مسئولیت مدنی ایران ایجاد کرده بطور کلی تقصیر را مبنای مسئولیت قرار داده است. ماده ۱ قانون مزبور مقرر می‌دارد:

«هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه‌ی بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارته‌ی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب خسارت مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارات ناشی از عمل خود می‌باشد».

این ماده با عبارت «عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی» به وضوح مبنای تقصیر را پذیرفته است و مواد دیگری از این قانون نیز به مبنای تقصیر اشارت دارد. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که مبنای تقصیر را پذیرفته یک قاعده عام است که بیشتر موارد مسئولیت مدنی را در برمی‌گیرد، ولی در مواردی، مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر در قوانین ما پذیرفته شده که استثنا بر قاعده عام مذکور و در واقع مخصص آن به شمار می‌آید. براساس این نظریه که آن را «نظریه نسبی» می‌نامیم، مبنای مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران، تقصیر است، منتها برای تعیین مبنای مسئولیت مدنی در موارد و عناوین خاص و استثنایی، باید قوانین مربوطه و اوضاع و احوال آن مورد، بطور جداگانه مورد بررسی

قرار گیرد و در صورت لزوم، بدنبال مبنای دیگری بود. از جمله این موارد، مسئولیت مدنی شهرداریها می باشد که به دلیل حساسیت این نهاد و نبود توازن قدرتی در ورود و تحمل خسارت در بین این نهاد و افراد جامعه بایستی به بررسی مواد قانونی موجود و اوضاع و احوال خاص آن ها پرداخت.

۱-۲-۲- ماده ی ۱۱ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹

از جمله مهمترین مواد قانونی مصوب و موجود در این رابطه ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ می باشد که مقرر می دارد:

«کارمندان دولت و شهرداری ها و موسسات وابسته به آن ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصا مسئول جبران خسارات وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشند در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانونی به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود». قانونگذار در ماده مزبور با بکار بردن عبارت «به مناسبت انجام» شخصیت حقوقی کارمندان دولت، شهرداری ها و موسسات را در نظر داشته است چرا که در موارد شخصی و اعمال شخصیت حقیقی باید به قاعده عام یا همان ماده ۹ از ق.م.م رجوع کرد و مبنای تقصیر دانست که از موضوع این ماده خارج است. در این ماده به دنبال مبنای مسئولیت مدنی ناشی از شخصیت حقوقی کارکنان شهرداری یا شخصیت حقوقی خود این سازمان می باشیم.

ماده ۱۱ قانون مذکور در بخش اول به ورود ضرر از سوی شخصیت حقوقی کارکنان پرداخته و به تبعیت از ماده ۹ قانون مزبور و با بکار بردن عبارت «عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی»، در رابطه با این بخش، صراحتاً تقصیر را مبنای مسئولیت مدنی کارکنان دولتی و

موسسات عمومی دانسته است. منتها در بخش دوم از ماده مزبور به ورود ضرر از سوی شخصیت حقوقی دولت و موسسات عمومی پرداخته و مقرر می دارد که: «ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است...»

در بخش دوم از این ماده، این سوال مطرح است که آیا نقص وسائل ادارات و موسسات عمومی و دولتی را می توان از مصادیق تقصیر شمرد؟ و پاسخ به این سوال نقش موثری در تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از شخصیت حقوقی خود شهرداریها دارد. در پاسخ به این سوال و استدلال بخش دوم از ماده ی مزبور، دو نظر مطرح است که به تبیین آنها می پردازیم:

۱- «قانونگذار در بخش دوم از ماده مزبور در مقام بیان مصادیقی از تقصیر نبوده و عبارت «نقص در وسائل» به منزله تقصیر از سوی شهرداریها محسوب نمی شود و این عبارت در بخش دوم از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، بصورت مطلق بکار رفته و قانونگذار هیچ قید و شرطی برای این عبارت بکار نبرده است، لذا در صورت وجود نقص در وسائل حتی بدون عنصر تقصیر، مسئولیت جبران خسارات، متوجه شهرداریها می باشد. پس بخش دوم از ماده ی مزبور در مقام بیان مسئولیت بدون تقصیر است.»

با توجه به نظر بیان شده، ماده مزبور شامل ۳ بخش متفاوت می باشد، که در بخش اول به مسئولیت مدنی شخصیت حقوقی کارکنان و کارمندان شهرداریها پرداخته و دو شرط وجود عنصر تقصیر و به مناسبت انجام وظیفه را برای تحقق این مسئولیت لازم دانسته است و در واقع مبنای مسئولیت مدنی این دسته را مبتنی بر نظریه تقصیر دانسته است. در بخش دوم به مسئولیت مدنی خود سازمان پرداخته و مسئولیت مطلق و بدون تقصیر را برای آن در نظر گرفته و مبنای مسئولیت مدنی را مبتنی بر نظریه خطر دانسته است که با توجه به نبود توازن قدرتی در تحمل و ورود

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

خسارات در میان آن سازمان و افراد جامعه و همچنین توان بیشتر شهرداریها در جبران خسارات نسبت به کارکنان خود، پذیرش مسئولیت بدون تقصیر سازمان و مسئولیت مبتنی بر تقصیر کارکنان، مورد توجه می باشد. این عدم توازن و برتری بخشی نسبت به بخش دیگر و مسئولیت های قراردادی و خارج از قرارداد و حمایت از طبقات خاص و ضعیف تر، اخیراً مورد حمایت است. چنانچه ردپایی از آن را می توان در حقوق قراردادهای انگلستان مشاهده نمود. در نظام حقوقی ایران نیز نمونه هایی از این حمایت را می توان مشاهده نمود که از آن جمله می توان به ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و حمایت از طبقه ی ضعیف کارگران اشاره نمود.

۲- ماده ۹۵۳ قانون مدنی ایران مقرر می دارد: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی». و ماده ی ۹۵۲ قانون مزبور نیز تفریط را اینگونه تعریف می کند: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر، لازم است.» بنابراین می توان گفت: تقصیر عبارت است از انجام دادن عملی که شخص نباید مرتکب شود (تعدی) با ترک عملی که شخص باید انجام دهد (تفریط).

با توجه به مواد قانونی و نظریات فوق الذکر بنظر می رسد که بتوان نقص وسائل ادارات و موسسات را در زمره مصادیقی از تقصیر شمرد و قانونگذار نیز در بخش دوم از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، در مقام بیان مصداق بارز تقصیر کارمندان دولت و شهرداری ها و موسسات وابسته به آن ها بوده است و این بیان در مقام انحصار نبوده است.

با توجه به این نظریه می توان گفت که ماده ۱۱ از قانون مزبور، چه در بخش اول و چه در بخش دوم، مبنای مسئولیت شهرداریها را مبتنی بر نظریه تقصیر می داند با این تفاوت که در قسم اول از ماده مزبور، تقصیر شخصیت حقوقی کارکنان و کارمندان (صفایی و رحیمی، پیشین، ص ۱۵۱) و در قسم دوم، تقصیر شخصیت حقوقی خود شهرداری مورد نظر بوده است.

۲-۲-۲- لایحه جدید دولت

از جمله مهمترین مواد این لایحه، ماده ۱ و ۲ است که در رابطه با موضوع مورد پژوهش از اهمیت بسزایی برخوردار است. و به ترتیب مورد بحث و تحلیل قرار می گیرد.

۱-۲-۲- ماده یکم از لایحه ی جدید دولت

مهمترین و اصلی ترین ماده لایحه مذکور همانند سایر قوانین، ماده ۱ است که سازمان ها و موسسات دولتی را در برابر خسارات ناشی از اعمال تقصیر آمیز کارکنان و بدون تفکیک بین اعمال حاکمیت و اعمال تصدی مسئول می داند. ماده ۱ از لایحه مزبور چنین بیان می دارد که:

«کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها و موسسات و شرکت های دولتی، موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نیروهای مسلح و قوه قضاییه، کلیه دستگاه هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آن ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و در این قانون موسسات عمومی خوانده می شوند جبران خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت غیرعمدی قوانین، مقررات یا نظامات مربوط در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی وارد می آورند».

چنانکه ملاحظه می شود با استناد به این ماده می توان اصل مسئولیت مدنی شهرداری را مبتنی بر نظریه تقصیر دانست و بدون تفکیک بین اعمال حاکمیت و اعمال تصدی پذیرفت، در حالی که از ماده ۱۱ ق.م.م. اصل عدم مسئولیت، قابل استنباط است و پذیرش مسئولیت در اعمال تصدی، جنبه استثنایی دارد. ماده یک لایحه از لحاظ قلمرو اجرا و مبنای مسئولیت قابل توجه است.

منتها در رابطه با پذیرش اصل مسئولیت مدنی شهرداریها بر مبنای نظریه تقصیر، بیان این نکته لازم و ضروری است که اصل مذکور یک اصل کلی است و شهرداری در این اصل در معنای عام بکار رفته است و اعم از شخصیت حقوقی کارکنان و خود سازمان است و همانطور که در مباحث قبلی بیان شد، تفکیک بین

در رابطه با مسئولیت مدنی شهرداریها و سازمانهای وابسته به آن، بخش اول از ماده ۱ لایحه، مقرر می‌دارد: «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها،... و در این قانون موسسات عمومی خوانده می‌شوند مسئول جبران خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آن‌ها در نتیجه بی احتیاطی، بی‌مبالاتی.....».

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این بخش از ماده مسئولیت جبران خسارات وارده از سوی کارکنان مقصر را بر دوش سازمان شهرداری قرار می‌دهد. لذا در تعیین مبنای این مسئولیت و بررسی نظریه تقصیر، نظرات متفاوتی قابل طرح است که به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۲-۲-۲-۲-۱- «نظریه ی حمایتی»

مسئولیت دولت و سازمانهای دولتی و وابسته از جمله شهرداریها در ماده ۱ لایحه جدید دولت، یک مسئولیت حمایتی و در راستای نظام حقوق اسلامی و اصل حمایت از زیان دیده می‌باشد و قانونگذار به منظور تسهیل جبران خسارات و اجرای اصل باقی‌نماندن خسارات جبران نشده، برای روبرو نشدن زیان دیده با افسار کارکنان دولتی و بدلیل عدم توازن قدرتی در تحمل و ورود خسارات در بین دولت و افراد جامعه این مسئولیت حمایتی را پایه نهاده است. لذا مسئولیت مذکور در بخش اول از ماده ۱ لایحه از زمره مسئولیت مدنی مورد بحث و الزامات خارج از قرارداد، خارج است و مبنای این مسئولیت حمایت از کارکنان می‌باشد. و این نظریه مبنایی را تحت عنوان «نظریه حمایتی» نامگذاری می‌نمایم.

چنانکه ملاحظه شد مبنای مسئولیت دولت در این بخش، مبتنی بر نظریه ی حمایتی است و نظریه تقصیر در این مورد جایگاهی ندارد. لذا براساس «نظریه حمایتی»، زیان دیده بایستی در ابتدا بر علیه کارکنان مقصر شهرداریها، اقامه دعوی جبران خسارت نماید و پس از اثبات عنصر تقصیر و رابطه سببیت و تحقق مسئولیت مدنی، جبران آن‌ها را از سازمان شهرداری مطالبه نماید. و سازمان مذکور بعد از جبران خسارات، حق رجوع به کارکنان یا مستخدمان مقصر خود را

شخصیت حقیقی کارکنان، شخصیت حقوقی آن‌ها و شخصیت حقوقی دولت و موسسات عمومی لازم و ضروری است. منتها تحلیل و بررسی خسارات ناشی از شخصیت حقوقی کارکنان و خود سازمان و تفکیک بین این دو شخصیت در تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هریک از آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است که تا حدودی مورد توجه قانونگذار نیز بوده است و در قسمت‌های مختلف ماده ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ اعمال شده است.

لذا بایستی مبنای مسئولیت مدنی شهرداریها را در هریک از موارد مذکور و با توجه به ماده ۱ از لایحه، بطور جداگانه مورد بررسی قرار داد.

۱-۲-۲-۲-۱- شخصیت حقوقی کارکنان

در رابطه با خسارات ناشی از کارکنان شهرداریها و تعیین مبنای مسئولیت مدنی برای این دسته، بخش دوم از ماده ۱ از لایحه مقرر می‌دارد: «...که مستخدمان و کارکنان آن‌ها در نتیجه بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت غیر عمدی قوانین، مقررات یا نظامات مربوط در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی وارد می‌آورند».

چنان‌که ملاحظه می‌شود، بخش دوم از ماده ی مزبور صرف نظر از ارتباط آن با بخش اول و موضوع مسئولیت مدنی دولت و موسسات، به تبعیت از قاعده ی عام ماده ۱ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، مبنای مسئولیت مدنی کارکنان را مبتنی بر نظریه ی تقصیر می‌داند و با آوردن عبارت «..... در نتیجه بی احتیاطی، بی‌مبالاتی و.....» صراحتاً به لزوم وجود عنصر تقصیر برای جبران خسارات وارده تاکید دارد. منتها نکته مهمی که در رابطه با ماده ۱ لایحه مسئولیت مدنی کارکنان وجود دارد این است که علی‌رغم صراحت ماده بر لزوم وجود عنصر تقصیر کارکنان، این مسئولیت را متوجه دولت و موسسات ساخته است و در رابطه بالزوم اثبات عنصر تقصیر برای مطالبه خسارات نیز سکوت نموده است که بایستی مورد بحث و تحلیل واقع شود.

۱-۲-۲-۲-۱-۲- شهرداریها و سازمانهای وابسته

یکی از معیارهای تفکیک بین تقصیر اداری و تقصیر شخصی، زمان، موقعیت و شرایط ارتکاب تقصیر است و از جمله شرایط تحقق تقصیر اداری، بمناسبت انجام وظیفه و یا در مقام انجام وظیفه بودن یا نبودن است. که متفاوت از عبارت «در حین انجام وظیفه»، می باشد؛ چراکه کارکنان و مستخدمان شهرداریها درحین انجام وظایف هم می توانند مرتکب تقصیر اداری شوند و هم مرتکب تقصیر شخصی و به عبارت دیگر این اشخاص درحین انجام وظیفه می توانند عمدا مرتکب تقصیری شوند که به مناسبت انجام وظیفه و در مقام آن نبوده و تحت عنوان «تقصیر شخصی»، بیان شود. لذا بکار بردن عبارت «در حین انجام وظیفه یا بمناسبت آن»، باید با توجه به نوع تقصیر بررسی شود. و چنان چه تقصیر موضوع ماده ۲ لایحه از نوع تقصیر شخصی و یا اعم از تقصیر شخصی و اداری باشد بکاربردن این عبارت صحیح بنظر می رسد و در غیر این صورت و شمول ماده به تقصیر اداری، باید یا عبارت «در حین انجام وظیفه»، حذف گردد یا اینکه بجای استفاده از لفظ ارتباطی «یا» از واژه ی ارتباطی «و»، استفاده گردد. چنان که ملاحظه می شود قانونگذار در تبصره ماده ۲ لایحه به این نکته توجه نموده و ورود خسارت عمدی که در مقام انجام وظیفه نباشد را از شمول ماده ۲ خارج نموده است و دیگر از عبارت «در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن»، استفاده نکرده است و تنها عبارت «در مقام انجام وظیفه» را آورده است که می تواند حاکی از شمول ماده ۲ به تقصیر اداری باشد که مورد ایراد است و در بخش بعدی پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-۲-۲-۲-۲-شهرداریها و سازمانهای وابسته

تقصیر بیان شده در ماده ۲ لایحه، یک تقصیر کاملا شخصی است؛ چرا که تقصیر عمومی هرچند که در حین انجام وظیفه یا بمناسبت آن صورت پذیرد یک تقصیر شخصی محسوب می شود که ناشی از شخصیت حقیقی کارکنان و مستخدمان شهرداری است و تقصیر شخصی نیز قائم به اشخاص می باشد و مطابق با ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ بررسی میشود. لذا در صورت پذیرش تقصیر شخصی کارکنان

جبران خسارات می داند. اثبات تقصیر عمدی کارکنان و مستخدمان شهرداری در مقایسه با ماده ۱ لایحه، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. چراکه در صورت ارتکاب تقصیر عمدی، مسئولیت متوجه خود آنان نیز خواهد بود. در صورتی که در ماده ۱ لایحه، مسئولیت به طور کلی متوجه دولت و موسسات عمومی و دولتی از جمله شهرداریها بود. لذا با توجه به مواد ۱ و ۲ لایحه، تعیین و تشخیص تقصیر عمدی از تقصیر غیرعمدی و اثبات آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. ماده ۲ لایحه جدید دولت در رابطه با مستخدمان و کارکنان دولتی از جمله شهرداریها دارای اقسام متفاوتی است که از جمله مهمترین آن ها شرایط زمانی و مکانی اعمال تقصیر و نوع تقصیر می باشد که بررسی هر یک از این مواد، بطور جداگانه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۱-۱-۲-۲-۲-شرایط اعمال تقصیر

از جمله مباحثی که در رابطه با ماده ۲ از لایحه قابل بررسی است، شرایط ارتکاب و اعمال عنصر تقصیر می باشد و قانونگذار برای اجرای مفاد این ماده در مورد مستخدمین و کارکنان شهرداریها و سایر سازمانهای دولتی، به دو شرط مهم اشاره نموده است که با توجه به بکاربردن لغت ارتباطی «یا»، از نظر لایحه وجود هر یک از آن ها به تنهایی برای مسئول دانستن کارکنان و مستخدمین شهرداریها براساس نظریه ی تقصیر کفایست و مورد بررسی قرار می گیرد:

از جمله مهمترین مباحث در رابطه با ماده ۱ و ۲ لایحه و مبنای مسئولیت مدنی کارکنان و مستخدمین شهرداریها تفکیک بین شخصیت حقوقی و حقیقی آنان است؛ چرا که ارتکاب تقصیر در هر یک از دو مورد دارای آثار متفاوتی می باشد. چنان که حوزه شمول مواد ۱ و ۲ لایحه مربوط به تقصیر ناشی از شخصیت حقوقی کارکنان و مستخدمان شهرداریها می باشد که تحت عنوان تقصیر اداری مطرح است و چنانچه کارکنان و مستخدمان مرتکب تقصیر شخصی بشوند که ناشی از شخصیت حقیقی آن ها بوده باشد مبنای مسئولیت مدنی براساس قاعده عام و یا همان ماده ۱ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ تعیین می گردد.

و مستخدمان شهرداریها در ماده ۲ لایحه، مسئولیت تضامنی شهرداریها در کنار کارکنان و مستخدمان آنها، دچار چالش و تردید می شود و بررسی و تعیین مبنای این مسئولیت، دارای اهمیت دوجندانی می گردد که به تبیین آن می پردازیم:

چنانکه ملاحظه شد تقصیر مذکور در ماده ۲ لایحه از نوع تقصیر شخصی است و رابطه ای که بین کارکنان و مستخدمان با دولت در ماده ی ۱۱ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و ماده ۱ لایحه وجود داشت در این ماده وجود ندارد. لذا برای تعیین مبنای مسئولیت تضامنی موضوع این ماده، نمی توان به سراغ نظریات مشهور در باب مبنای مسئولیت مدنی رفت. منتها این مسئولیت تضامنی را می توان با توجه به مصلحت و اصل حمایت از زیان دیده و مسئولیت و حمایت کلی دولت و سازمانهای وابسته از جمله شهرداریها نسبت به اشخاص جامعه توجیه نمود. این حمایت نیز می تواند به سبب منافی که شهرداریها از ملت و اشخاص جامعه دریافت می نمایند باشد. یا به عبارت دیگر «دولت به سبب منافی (از قبیل زکات، خمس، جزیه و...) که از ملت دریافت می نماید، ضامن اداره ی امور جامعه و رفع نیازهای ملت است»، و این معنا و مفهوم را می توان از ترجمه قاعده فقهی «الخراج بالضمن»، نیز استخراج نمود و هرچند که این قاعده یک قاعده فقهی عام است و از لحاظ سند و مدرک دچار ضعف است منتها می تواند موکدی بر این مطلب باشد. لذا مبنای مسئولیت تضامنی شهرداریها را می توان مبتنی بر نظریه ای دانست که آن را «نظریه حمایتی» می نامیم و تفاوت اعمال نظریه حمایتی در ماده ۲ لایحه با ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و ماده ۱ لایحه در این است که در ماده ۲، حمایت شهرداریها به صرف وجود یک رابطه سازمانی و از باب حمایت اشخاص جامعه می باشد. در صورتی که در مواد دیگر، مسئولیت سازمانهای دولتی و موسسات عمومی از جمله شهرداریها، بواسطه تقصیر اداری در ارتباط با آن مسئولیت (هرچند بصورت غیرمستقیم)، می باشد.

با توجه به استدلال فوق، تبصره ماده ۲ لایحه با ایراد

اساسی مواجه است چرا که ارتکاب ورود خسارت عمومی از سوی کارکنان و مستخدمان شهرداریها چه در مقام انجام وظیفه باشند و چه نباشند، یک تقصیر شخصی به حساب می آید و مشمول ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ می شود و مسئولیت تضامنی دولت نیز، مبتنی بر نظریه «حمایتی» می باشد. لذا دلیل و مبنایی برای تبصره مذکور وجود نخواهد داشت.

۲- نظریه خطر

نظریه خطر، در بعضی از کتابهای حقوقی با عنوان مسئولیت بدون تقصیر، بیان شده است. این به معنای آن است که وقتی شخصی، به خاطر منافع و مصلحت خود، محیطی را خطرناک می کند که سود ناشی از این خطر به جیب خود او برود، باید خسارات ناشی از این محیط را نیز جبران نماید. پیروان نظریه خطر در این امر اتفاق نظر دارند که تقصیر در زمره ارکان ایجاد مسئولیت نیست و به گفته آنان، همین که شخص زبانی به بار آورد، باید آن را جبران کند خواه کاری که سبب ایجاد ضرر شده است، صواب باشد یا خطا (کاتوزیان، پیشین، ص ۱۸۵). طبق نظریه خطر، زیان دیده کافی است ورود ضرر و رابطه علیت بین ضرر و فعل خواننده دعوی را ثابت نماید و نیازی به اثبات تقصیر عامل زیان نیست و چنانچه عامل زیان مدعی هرگونه تعدی و تفریط و یا ایجاد خسارات بر اثر قوای قاهره باشد، خودش باید اثبات نماید. نظریه ی ایجاد خطر تا حدود زیادی مطابق با اهداف نظام حقوق اسلامی و در راستای حمایت از زیان دیده می باشد و با توجه به برتری قوای حکومتی و دولت نسبت به مردم جامعه، می تواند مبنایی برای مسئولیت مدنی نهاد ها و سازمانهای دولتی باشد. در رابطه با اینکه مبنای مسئولیت مدنی شهرداریها را مبتنی بر نظریه خطر بدانیم، نظریات متفاوتی قابل طرح است که به تبیین و تشریح آن ها می پردازیم:

۱-۲- نظریه تفکیک کارکنان و مستخدمان از

شهرداری ها

در صورتی که در مورد شخصیت حقوقی کارکنان و مستخدمان شهرداریها با شخصیت حقوقی این سازمان

با کارکنان و مستخدمین، نظریات متفاوتی قابل طرح است که به تبیین و تشریح آن‌ها می‌پردازیم:

۱- یکی از نظریات قابل توجه و موثر در مبنای مسئولیت مدنی دولت و موسسات عمومی، نظریه خطر است و نظریه خطر تا حدود زیادی مطابق با اهداف نظام حقوق اسلامی و در راستای حمایت از زیان دیده می‌باشد و براساس این نظریه به صرف اثبات ورود ضرر و رابطه سببیت، عامل زیان مسئول جبران خسارات می‌باشد و دیگر نیازی به اثبات عنصر تقصیر نیست. با توجه به تفکیک شخصیت حقوقی شهرداریها از کارکنان و مستخدمان، می‌توان ردپایی از این مسئولیت بدون تقصیر را در مواد ۱ و ۲ لایحه جدید نیز مشاهده نمود؛ چرا که در مواد مذکور شهرداریها مسئول جبران خساراتی شده‌اند که از سوی کارکنان و مستخدمان خود وارد شده است و هر چند که مبنای مورد نظر برای کارکنان و مستخدمان نظریه تقصیر است، منتها در رابطه با مسئولیت شهرداریها نمی‌توان قائل به این نظر شد و از جمله دلایلی که این مسئولیت بدون تقصیر را قوت می‌بخشد، موضوع برتری شهرداریها نسبت به افراد جامعه است. که این برتری در رابطه با خود شهرداریها از میزان بیشتری برخوردار است تا جایی که قانونگذار در بخش پایانی از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ صراحتاً این برتری قدرتی و اعمال حاکمیت را مورد تایید قرار می‌دهد، که مورد ایراد اساسی است، چنان چه بخش پایانی از ماده مزبور مقرر می‌دارد:

«... ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود».

لذا با توجه به این برتری فاحش و نابرابری قدرتی در تحمل ورود خسارات، نمی‌توان بار اثبات عنصر تقصیر را هم بر دوش زیان دیده قرارداد، بنابراین مسئولیت بدون تقصیر شهرداریها قابل دفاع می‌باشد.

۲- هر چند که نظریه خطر، یکی از مهمترین و موثرترین نظریات قابل بررسی در رابطه با مبنای مسئولیت مدنی شهرداریهاست، منتها این نظریه در صورت عدم

قائل به تفکیک شویم و آثار مسئولیت مدنی را در هریک بطور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم، باید مبنای مسئولیت مدنی را نیز بطور جداگانه در هریک تعیین نمود. یا به عبارت دیگر در صورتی که مفهوم شخصیت حقوقی وجود داشته باشد تفکیک مسئولیت بین دستگاه اداری و کارمندان موضوعیت پیدا می‌کند و به همین لحاظ در ماده ی ۱۱ ق.م.م. مسئولیت مدنی مستخدم از مسئولیت مدنی دولت تفکیک شده است (امامی و استوارسنگی، پیشین). و به همین خاطر در ابتدا به بررسی نظریه خطر در رابطه با کارکنان و مستخدمان می‌پردازیم و در ادامه به سراغ سازمان شهرداری خواهیم رفت:

۱-۱-۲- کارکنان و مستخدمان

همان طور که در گذشته بیان شد، قانونگذار در رابطه با مبنای مسئولیت مدنی کارکنان و مستخدمین سازمان شهرداری-ها، از قاعده عام پیروی نموده و مبنای مسئولیت مدنی این دسته از اشخاص را در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و همچنین در مواد ۱ و ۲ از لایحه جدید دولت، مبتنی بر نظریه تقصیر دانسته است و مسئولیت بدون تقصیر آن‌ها را نپذیرفته است که در رابطه با این مبنا و عدم پذیرش نظریه خطر، ایراد مهم و اساسی عدم توازن قدرتی، مطرح است که به بیان آن می‌پردازیم:

کارکنان و مستخدمان دولتی به دلیل جایگاه خاص و ویژه‌ای که از باب دولتی بودن و حاکمیت به خود دارند از قدرت بیشتری برای ورود ضرر به افراد جامعه برخوردارند و حتی در صورت ورود خسارات با توجه به مواد قانونی مذکور، از حمایت دولت متبوع خود برخوردارند. با توجه به این برتری فاحش در ورود و تحمل خسارات، صحیح نیست که بار اثبات تقصیر کارکنان و مستخدمان دولتی را هم بر دوش زیان دیده قرار داد. اصل حمایت از زیان دیده در نظام حقوقی اسلام نیز، ایراد فوق الذکر را تقویت می‌نماید.

۲-۱-۲- شهرداریها و سازمانهای وابسته

در رابطه با مبنای مسئولیت مدنی شهرداریها در تفکیک

تفکیک بین شخصیت حقوقی این سازمان با کارکنان و مستخدمان می باشد. چرا که در روابط بین دولت و موسسات با کارکنان و مستخدمین موضوع مواد ۱ و ۲ از لایحه جدید دولت، مسئولیت دولت و موسسات در جبران خسارات، یک مسئولیت مصلحتی است و مسئولیت مدنی متوجه کارکنان و مستخدمین است و شخص زیان دیده باید براساس مواد ۱۱ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ یا مواد ۱ و ۲ از لایحه جدید دولت و مطابق با قاعده عام ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مزبور، بر مبنای نظریه تقصیر، مسئولیت مدنی کارکنان و مستخدمان را احراز و اثبات نماید و پس از احراز مسئولیت مذکور، با مراجعه به سازمان شهرداریها جبران خسارات را مطالبه نماید و به همین دلیل، شهرداریها می توانند بعد از جبران خسارات، به مسئول واقعی که در واقع همان مستخدمان یا کارکنان مقصر هستند رجوع کنند. لذا مسئولیت شهرداریها در این موارد، از شمول مباحث مسئولیت مدنی حقوقی خارج است و صرفاً یک مسئولیت مصلحتی و حمایتی می باشد و مبنای آن نیز مبتنی بر «نظریه حمایتی»، می باشد.

۲-۲- نظریه عدم تفکیک کارکنان و مستخدمان از شهرداریها

شخصیت حقوقی کارکنان و مستخدمین جدای از شخصیت حقوقی شهرداری نمی باشد و در واقع مجموعه از کارکنان و مستخدمین هستند که نهادی تحت عنوان شهرداری را تشکیل می دهند و در واقع براساس این نظر، دولت در معنای عام خود بکار می رود و براین اساس با توجه به مواد ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۱ و ۲ از لایحه جدید دولت، مسئولیت بدون تقصیر دولت منتفی می گردد و مبنای این مسئولیت همسو و مطابق با قاعده عام ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، مبتنی بر نظریه تقصیر می باشد. در حقیقت، قبول مسئولیت بدون تقصیر برای دولت و موسسات عمومی مستلزم پرداخت مبالغ هنگفت به عنوان خسارت است و بودجه سنگینی را بر موسسات عمومی تحمیل می کند که با منافع عمومی

سازگار نیست و از این رو در بیشتر کشورها مسئولیت دولت مبتنی بر تقصیر است. منتها ایرادی که به نظریه مذکور وارد است بدین بیان است که شاید بتوان در رابطه با ماده ۱۱ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، مسئولیت شهرداریها را از مسئولیت مستخدمان و کارکنان تفکیک نمود و به دلیل ورود خسارات در نتیجه عمدتاً یا بی احتیاطی یا نقص در وسایل، دولت و موسسه را مسئول دانست و مبنای این مسئولیت را هم مبتنی بر نظریه تقصیر دانست منتها در رابطه با مواد ۱ و ۲ از لایحه جدید دولت نمی توان این استدلال را پذیرفت چرا که مبنای مسئولیت شهرداریها در مواد مذکور مبتنی بر مصلحت و برای حمایت از زیان دیده و تسهیل جبران خسارات است و مبتنی بر نظریه حمایتی می باشد.

نتیجه گیری و جمع بندی

نتایج حاصل از این پژوهش را در چهار بند بیان می نمایم که عبارتند از:

۱. شخصیت حقوقی کارکنان و مستخدمین، متمایز از شخصیت حقوقی شهرداریها می باشد.
۲. مبنای مسئولیت مدنی کارکنان و مستخدمین با استناد به ماده ۱۱ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و مواد ۱ و ۲ از لایحه جدید دولت در این مورد و همسو با قاعده عام ماده ۱ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، مبتنی بر «نظریه تقصیر» می باشد.
۳. مبنای مسئولیت مدنی شهرداریها با استناد به ماده ۱۱ از قانون مسئولیت مدنی ۱۳۹۹ و با توجه به اینکه نقص وسایل ادارات نیز در زمره موارد تقصیر می باشد، مبتنی بر «نظریه تقصیر» است.
۴. مبنای مسئولیت مدنی شهرداریها براساس مواد ۱ و ۲ از لایحه جدید دولت، مبتنی بر «نظریه حمایتی» می باشد که از باب مصلحت و تامین منافع اجتماعی و به منظور حمایت از زیان دیده و تسهیل در جبران خسارات اعمال شده است و در واقع مسئول واقعی و حقوقی جبران خسارات، همان کارکنان و مستخدمان مقصر هستند.

منابع و مأخذ

۱. امامی و استوار سنگی، محمد و کورش (۱۳۸۶)، حقوق اداری، تهران: نشر میزان، جلد اول، چاپ اول.
۲. پروین، فرهاد (۱۳۸۲)، خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران: نشر ققنوس، چاپ دوم.
۳. حسین پور، محمدرضا (۱۳۹۲)، مسئولیت مطبوعاتی، قم: انتشارات مولف، چاپ اول.
۴. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۵. دالوند، فضل الله (۱۳۸۶)، تقسیم مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دادیار، چاپ اول.
۶. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه از مجید ادیب، تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
۷. نوری، محمدعلی (۱۳۸۰)، ترجمه‌ی عقود و تعهدات قراردادی به طور کلی و الزامات بدون قرارداد از قانون مدنی فرانسه، تهران: نشر گنج دانش، چاپ اول.
۸. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران: نشر گنج دانش، چاپ نهم.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، جلد اول.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ پانزدهم.
۱۱. صفایی و رحیمی، حسین و حبیب الله (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
۱۲. قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۷)، مبانی مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم.
۱۳. عمید، محمدرضا (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ اول.
۱۴. هاشمی، محمد (۱۳۷۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی، قم: نشر مجتمع آموزشی عالی قم، چاپ دوم.
۱۵. آل کاشف الغطاء، محمد الحسین (۱۳۶۱)، تحریر المجله، قم: نشر اسلامی، جلد سوم.
۱۶. دادمرزی، سید مهدی (۱۳۸۵)، ترجمه‌ی تحریر الروضه فی شرح اللمعه، قم: نشر کتاب طه، چاپ دهم.
۱۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۶)، قواعد فقه، قم:

مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هشتم.
۱۸. نجفی، شیخ محمدحسن (۱۳۶۸)، جواهرالکلام، قم: نشر دارالکتب الاسلامیه، جلد ۳۷.
19. Lunney, Mark, Tort Law, published by: oxford, 2000.
20. Hossein pour, Mohammad Reza, Review of legal rules of the tax based on the liability and the base of civil responsibility, International journal of current life sciences, VOL.4, Issue.9, 2014.
21. Ameri and hossein pour, Parviz and mohammad reza, The basic of the journalists civil liability, Borthalia Journal, 2014.
22. Gudarz, Eftekhhar Jahroui, Law Texts, Tehranm Tehran, Ganje Danesh Publicationsm, 2014.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۴۷۲ ■

بررسی تاثیرات گردشگری بر پایداری اقتصادی و رشد اقتصادی شهرها، نمونه موردی: شهر مشهد

آرش ناظمی* - پژوهشگر دکتری علوم اقتصادی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

گردشگری به عنوان یک فعالیت بازرگانی، نقش و اهمیت به‌سزایی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه دارد. عوامل متعددی نظیر امکانات، تسهیلات، وسایل ارتباط جمعی، حمل و نقل، جاذبه‌های تاریخی، زیارتی، اطلاعات فنی و مانند آنها بر فعالیت گردشگری تأثیرگذار است. این امر نشان می‌دهد که این بخش دارای ارتباط تنگاتنگی با دیگر بخشهای اقتصادی کشور بوده و به شدت از روابط خارجی و مناسبات بین‌المللی متأثر است. از سویی گسترش گردشگری بر درآمد ملی، ارزی، اشتغال و دیگر شاخصهای کلان اقتصادی کشور نیز تأثیرگذار است. در این مقاله با نگرش به اهمیت اقتصادی گردشگری، به بررسی جایگاه این فعالیت در اقتصاد کشور پرداخته می‌شود. ابتدا عملکرد بخش گردشگری از طریق بررسی تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی طی برنامه سوم توسعه را مورد بحث قرار می‌دهیم. در ادامه، نظری اجمالی به سیاستهای گردشگری در برنامه چهارم توسعه داشته و چگونگی تداوم روند توسعه این بخش در طول این برنامه بررسی می‌شود. در پایان با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، به جایگاه این بخش در روند توسعه اقتصادی کشور پرداخته خواهد شد. همچنین ارتباط بین گردشگری و پایداری اقتصادی شهرها بررسی شده و راهکارهایی در این رابطه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: گردشگری، رشد اقتصادی، پایداری اقتصادی.

Evaluate the impact of tourism on economic stability and economic growth of cities, case study: the city of Mashhad

Abstract

Tourism as a commercial activity, and the role of great importance in the economic development of countries, especially developing countries; Several factors such as amenities, facilities, communications, transportation, historical attractions, tours, technical information, and so on tourism activities involved; This indicates that this sector has a close relationship with the country's other economic sectors and intensity of foreign affairs and international relations is affected. On the one hand the development of tourism on national income, foreign exchange, employment and other macroeconomic indicators also impressive. In this paper, view of the economic importance of tourism, to review the status of these activities will be discussed in the national economy. The performance of the tourism sector through their effect on macroeconomic variables during the Third Development Plan will be discussed. Then, a glimpse into the policies of tourism in the Fourth Development Plan and the continuing development of the sector during the review program; At the end of the summary, the position of the sector in the country's economic development will be discussed. Also, the relationship between tourism and economic stability of cities studied and solutions will be mentioned in this connection.

Key words: tourism, economic growth, economic stability.

صنعت گردشگری شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی است که محصولات و خدمات مختلفی را برای گردشگران تولید و عرضه می‌کنند. بنگاه‌های گردشگری شامل شبکه حمل‌ونقل، تأمین اقامتگاه و عرضه جاذبه‌های گردشگری، مراکز اطلاعات گردشگری، دفاتر مسافرتی، تولیدکنندگان کالاهای سوغات و صنایع دستی، خرده‌فروشان و عمده‌فروشان است. همان‌طور که گفته شد گردشگری آثار اقتصادی بسیاری بر کشورها می‌گذارد که تعیین این اثرات بر سیستم اقتصادی این امکان را فراهم می‌سازد که به نقش بسیار مهم آن در پیشرفت وضع اقتصادی پی برد. از جمله مهمترین ابعاد اثرات اقتصادی گردشگری درآمدزایی، اشتغال‌زایی، ایجاد درآمد مالیاتی، اثرات بر تراز پرداخت‌ها و بهبود ساختار اقتصادی یک منطقه می‌باشد. توسعه گردشگری در مقیاس بزرگ آن و برپایه گردشگری انبوه، صرفه‌جویی‌های خارجی به همراه دارد و سبب رشد در زمینه‌هایی مانند خدمات بهداشتی، پلیس، بانکداری، تجارت و حتی ساخت‌وساز و تولید می‌شود:

۱. صنعت گردشگری منجر به اثرات تکاثری بالا و افزایش ارتباطات بین‌بخشی در اقتصاد می‌شود و از طریق این ارتباطات بین‌بخشی، در کنار بخش‌هایی که به‌طور مستقیم با گردشگری مرتبط هستند، تقریباً بر همه بخش‌های اقتصادی اثر می‌گذارد. توسعه جاذبه‌های بخش گردشگری مزایای نسبی بسیاری نسبت به سایر بخش‌ها برای اقتصاد کشورها فراهم می‌کند. اولین مزیت نسبی مستقیماً به جاذبه‌های طبیعی (مثل دریا، ساحل، کوهستان و...) و جاذبه‌های فرهنگی (مثل مساجد، قلعه‌ها، موزه‌ها و...) مربوط می‌گردد. بسیاری از منابعی که در این صنعت به کار گرفته می‌شوند، در واقع بدون هزینه به آن وارد شده‌اند و از جمله سرمایه‌های این صنعت به شمار می‌روند، بنابراین این ادعا که هزینه سرانه سرمایه‌گذاری در گردشگری از بسیاری فعالیت‌های دیگر کمتر است، چندان دور از انتظار نیست. این جاذبه‌ها مواد خامی

مدر بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، صنعت گردشگری به دلیل داشتن مزایای رقابتی به یکی از مهمترین بخش‌های حیاتی، محرک و موتور رشد و توسعه اقتصاد تبدیل شده است و در رقابتی تنگاتنگ با بزرگترین کسب و کارهای جهان مانند صنعت خودروسازی و نفت قرار دارد. صنعت گردشگری آثار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و امنیتی بسیاری دارد. این صنعت می‌تواند به عوامل محیطی منافع و مزایای مثبت برساند و از سوی دیگر در حفظ طبیعت و نیز منابع ساخت دست بشر مفید واقع شود، همچنین از نظر فرهنگی و اجتماعی فایده‌های زیادی دارد. این صنعت نه تنها به هدف تفریح و سرگرمی بلکه به ابزار شناخت جهان پیرامون، آشنایی با آداب و سنن ملل مختلف و تبادل فرهنگ‌ها تبدیل شده است. از جمله آثار اقتصادی آن نیز می‌توان به درآمدزایی، اشتغال‌زایی و ارزآوری اشاره نمود. علاوه بر این گردشگری سبب افزایش درآمد دولت و همچنین رشد بخش خصوصی می‌شود و با تنوع بخشیدن به منابع درآمدی کشور به رهایی از اقتصاد تک‌محصولی کمک می‌کند. این صنعت علاوه بر ایجاد یک سری فعالیت جدید، موجب افزایش فعالیت دیگر بخش‌های اقتصادی می‌شود و از طریق ایجاد شغل‌های مختلف بیکاری را کاهش داده و فقر در جوامع را از بین می‌برد.

مبانی نظری

تعاریف مختلفی از گردشگر ارائه شده است، طبق تعریف سازمان جهانی گردشگری، گردشگر شخصی است که به کشور یا شهری غیر از محیط زیست عادی خود برای مدتی که کمتر از ۲۴ ساعت و بیش‌تر از یک سال نباشد، سفر کند و قصد او از سفر، تفریح، استراحت، ورزش، دیدار اقوام و دوستان، مأموریت، شرکت در سمینار، کنفرانس یا اجلاس، معالجه، مطالعه و تحقیق یا فعالیت‌های مذهبی باشد و کسی که کشور محل دائمی اقامت خود را به قصد اشتغال، اقامت دائم، پناهندگی، تحصیل و مأموریت در نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور ترک نماید،

هستند که می‌توانند با هزینه محدود به جاذبه‌های سودآوری تبدیل شوند.

۲. دومین مزیت نسبی گردشگری میزان واردات آن می‌باشد، به طوری که گردشگری به طور متوسط میزان واردات کمتری نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی دارد، به این دلیل که گردشگران خدماتی را می‌خرند که کشور می‌تواند در حجم بالایی تولید نماید. در کشورهایی که صنعت گردشگری آنها وابستگی زیادی به واردات دارد «میزان نشت» بالا می‌باشد. نشت، اصطلاحی است که برای توصیف درصدی از قیمت‌های پرداختی که روزانه توسط گردشگران از یک مقصد خارج می‌شوند (از نظر واردات یا منافع خارج از کشور) و با هرگز به مقصد نمی‌رسند به کار می‌رود و به سه دسته نشت داخلی، نشت خارجی و نشت نامرئی طبقه‌بندی می‌شود. بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند از طریق برقراری ارتباطات قوی بین بخش گردشگری و سایر بخش‌ها در اقتصاد میزان این نشت مخارج از بخش گردشگری را کاهش دهند. در این زمینه آمار موجود و تحقیقات نشان می‌دهد که میزان واردات و اندازه ضرایب گردشگری با یکدیگر رابطه معکوس دارند، یعنی کشورهایی با نرخ نشت بالا در نهایت ضرایب گردشگری کوچک و نسبتاً ناچیزی دارند، به این دلیل که اقتصادهای کوچک ظرفیت تولید کالاها و خدماتی که برای تأمین تقاضای صنعت لازم هستند را ندارند و توان تولید داخلی آنها محدود است.

۳. سومین مزیت نسبی گردشگری ماهیت کاربر بودن آن است. از نقطه نظر آثار گردشگری بر اشتغال، صنعت گردشگری گسترده‌ترین صنعت خدماتی و مهم‌ترین صنعت اشتغال‌زا در دنیا محسوب می‌شود، به طوری که نرخ بیکاری در شهرها و کشورهای توریستی کمتر از سایر کشورها است. درآمد حاصل از گردشگری به اشتغال و درآمد اولیه محدود نمی‌گردد و بسته به اینکه درآمد اولیه چگونه کسب شده باشد (دستمزد و حقوق، اجاره و سود سرمایه و مالیات) می‌تواند از طریق اثر فزاینده، درآمد و اشتغال ثانویه ایجاد کند و منجر به افزایش اشتغال عوامل تولید از جمله کار،

سرمایه، زمین و مدیریت شود. گردشگری فرصت‌های شغلی بسیاری برای نیروی کار ساده بدون تخصص و کارگران نیمه‌ماهر و ماهر ایجاد می‌کند.

اهمیت گردشگری در اقتصاد ایران با توجه به وجود جاذبه‌های متنوع تاریخی، جغرافیایی، مذهبی و تلاش دولتمردان در راستای دستیابی به درآمد ارزی بیشتر و طراحی سیاست‌های اقتصادی با هدف اتکاء نکردن به اقتصاد تک‌محصولی روشن است. توسعه فعالیت گردشگری در ایران از سال ۱۳۷۰ با تجدید نظر در تشکیلات این فعالیت در دستور کار دولت قرار گرفت و در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به آن توجه شد. در این رابطه شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری به عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری با هدف سیاستگذاری و فراهم کردن زمینه توسعه گردشگری ایران تشکیل شد ولی توجه به جایگاه این فعالیت در اقتصاد کشور، از آغاز برنامه سوم توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار شد. بررسی آثار اولیه و ثانویه گردشگری بر اقتصاد اقتصاددانان، آثار اقتصادی گردشگری را به آثار مستقیم، غیرمستقیم و القایی تقسیم‌بندی می‌کنند:

«اثرات غیرمستقیم و القایی در مجموع اثرات ثانویه نامیده می‌شوند و آثار اقتصادی کل گردشگری حاصل جمع اثرات مستقیم، غیر مستقیم و القایی می‌باشد. هریک از این اثرات می‌توانند به عنوان ضرایب تولید ناخالص یا فروش، درآمد، اشتغال و یا ارزش افزوده اندازه‌گیری شوند.»

اثرات مستقیم شامل مخارجی است که توسط گردشگر برای کالاها و خدمات در هتل‌ها، رستوران‌ها، خرده‌فروشی‌ها و مراکز توریستی دیگر که صرفاً برای صادرات به گردشگر ایجاد شده است صورت می‌گیرد، اثرات مستقیم همچنین شامل تغییرات در درآمد، تولید، اشتغال و درآمد دولت توسط بنگاه‌هایی است که مستقیماً مخارج گردشگر را دریافت می‌کنند که از آن جمله می‌توان به بخش‌های اقامتی، خرده‌فروشی‌ها و بخش حمل‌ونقل اشاره نمود. دوره‌های متوالی مبادلات بین کسب‌وکارها که ناشی از مخارج مستقیم گردشگر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

است اثرات غیر مستقیم را ایجاد می‌نماید، مثل خرید هتل‌دارها از خرده‌فروشان محلی و خرید خرده‌فروشان از عمده‌فروشان. به عبارت دیگر، زمانی که گردشگران بین‌المللی پول خود را در بخش‌های مرتبط با بخش گردشگری خرج می‌کنند، تزریق پول، آثار مستقیم را در اقتصاد ایجاد می‌کند و به علت ارتباط بین بخشی گردشگری با بخش‌های دیگر اقتصاد آثار غیر مستقیم ایجاد می‌شود. در نهایت، اثرات القایی عبارت است از افزایش مخارج مصرفی خانوارها که ناشی از درآمد اضافی ایجاد شده به سبب اثرات مستقیم می‌باشد، برای مثال کارگران هتل دستمزد خود را برای خرید کالا و خدمات خرج می‌کنند. در نتیجه آثار القایی یا آثار القایی مصرف، زمانی ایجاد می‌شوند که دریافتی‌های کارکنان و یا کارآفرینان مؤسساتی که به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم با گردشگری مرتبط هستند مانند حقوق، دستمزد، اجاره، سود، سود سهام برای خرید در اقتصاد محلی خرج بشوند.

مبداء و منشاء پایداری و مفهوم آن پیدایش مفهوم پایداری در دهه ۱۹۷۰ را می‌توان نتیجه رشد منطقی آگاهی تازه‌ای نسبت به مسایل جهانی محیط زیست و توسعه دانست که به نوبه خود تحت تأثیر عواملی همچون نهضت‌های زیست‌محیطی دهه ۶۰، انتشار کتاب‌هایی نظیر محدودیت‌های رشد و اولین کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه که در سال ۱۹۷۲ استکهلم برگزار گردید قرار گرفته بود (بحرینی و مکنون، ۱۳۸۰، ص ۴۲). اولین استناد به واژه پایداری به طور خاص در کتاب محدودیت‌های رشد در سال ۱۹۷۲ صورت گرفته است. در این کتاب به پیش‌بینی مدل‌های کامپیوتری و فروپاشی سیستم‌های جهانی پرداخته است و به تبیین تغییر روند رشد و پایداری اقتصادی و اکولوژیکی در آینده‌ای دور پرداخته است. تعاریف مختلفی از توسعه پایدار شده است. به گفته وینتر در عمل بیش از ۲۰۰ تعریف وجود دارد (بارتون و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۶). رایج‌ترین تعریف از توسعه پایدار مربوط به کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) در سال

۱۹۸۷ معروف به کمیسیون برانت‌لند (Brundtland) می‌باشد که «توسعه پایدار را توسعه‌ای دانست که نیازهای زمان حال را بدون به مخاطره انداختن قابلیت‌ها و پتانسیل‌ها برای نسل‌های آینده برآورده سازد» (WCED, ۱۹۸۷, p.۴۳)، یا به عبارت دیگر عمل امروز ما در توالی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان اثر جدی دارد.

از نظر هاگتون و هانتز (Houghton and Hunter, ۱۹۹۴) این تعریف از توسعه پایدار مفاهیمی چون برابری درون نسلی و بین نسلی و به همان نسبت آگاهی زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد. همچنین دلالت بر آن دارد که وجود یک چارچوب جهانی ضروری بوده و تأثیرات فرامحدوده‌ای نیز باید در نظر گرفته شود (Houghton and Hunter, ۱۹۹۴). بانک جهانی، توسعه پایدار را چنین تعریف می‌کند: «توسعه‌ای که پایدار باشد». «لمن و کس» (Leman and Cox, ۱۹۹۱) نیز توسعه پایدار را چنین تعریف می‌کند: «توسعه پایدار روندی است که بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فن‌آوری به سوی عدالت اجتماعی باشد و در جهت آلودگی اکوسیستم و تخریب منابع طبیعی نباشد» (عزیزی، ۱۳۸۰، ص ۲۲). پایداری در مفهوم گسترده آن به معنی اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه، طبیعی، مالی و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب است که با به‌کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل امروز و آینده به طور مستمر و رضایت‌بخش امکان‌پذیر می‌شود (زیاری، ۱۳۸۰، ص ۳؛ بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۰؛ مکنون، ۱۳۷۴، ص ۵؛ بحرینی، ۱۳۷۶، ص ۲۸؛ صدوق، ۱۳۸۰، ص ۱۳). تعریف سازمان ملل متحد از پایداری چنین است (لقایی و محمدزاده، ۱۳۷۸، ص ۳۴). سیاست توسعه پایدار چنان سیاستی است که در نتیجه اعمال آن منافع مثبت حاصل از مصرف منابع طبیعی بتواند برای زمان‌های قابل پیش‌بینی در آینده ادامه و دوام داشته باشد. اندیشه جدید پایداری مبنی بر آن است که بر پایه تفکر سیستماتیک و نظام یافته همه‌چیز در پیوند با

یکدیگر در نظر گرفته شود (رحیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰).
از این رو لازم است هر پدیده توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی متأثر از هم مورد بررسی قرار گیرد. گرچه اجرای واقعی برنامه‌های پایداری امری مشکل به نظر می‌رسد، لیکن استمرار و گسترش این مفهوم طی بیش از سه دهه حاکی از آن است که پایداری مفهومی است که همواره بر اهمیت آن افزوده شده و ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از روش‌های «تاریخی، توصیفی، و تحلیلی» و «روش موردی-میدانی» یا «موردی-ژرفانگر» است که در زمینه مباحث نظری و نظریه‌های موجود و نیز پیشینه شهر از روش تاریخی و توصیفی مبتنی بر اطلاعات ارایه‌شده در اسناد و مدارک کتابخانه‌ای سازمان‌های مختلف انتخاب شده است. سپس، بر اساس تحقیقات نظری و تجربی با تجزیه و تحلیل اطلاعات جمعیتی، کاربری‌ها و ویژگی‌های کالبدی شهر و با توجه به مساله بعد مکانی-فضایی یعنی شهر مشهد از روش‌های موردی و زمین‌های استفاده شده است. تکنیک گردآوری آمار و اطلاعات با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی می‌باشد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌ها و تکنیک‌های آماری در برنامه‌ریزی شهری از جمله روش تحلیل عاملی، تحلیل همبستگی، و ضریب پراکندگی (Dispersion Coefficient) استفاده شده است. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش نرم‌افزارهای رایانه‌ای SPSS و Stat graphics می‌باشد. نوع تحقیق در این مقاله کاربردی - توسعه‌ای است که جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان و اساتید گردشگری شهر مشهد می‌باشد. فرضیه تحقیق عبارت است از:

۱. بین گردشگری و پایداری اقتصادی شهرها ارتباط معناداری وجود دارد.

۲. بین گردشگری و رشد اقتصادی شهرها ارتباط معناداری وجود دارد.

نمونه و روش نمونه‌گیری

اگر چه روش‌های متعددی برای انتخاب نمونه مطرح می‌باشد ولی عمده‌ترین مسأله در نمونه‌گیری، انتخاب نمونه‌ای است که اولاً واقعی و ثانیاً تصادفی باشد. اما در معنای متعارف و دستوری کلمه، در هر جامعه، به آن جزئی، نمونه گفته می‌شود که معرف جامعه باشد. منظور از شرط معرف بودن آن است که همه صفات جامعه، خاصه آن صفاتی که از لحاظ موضوع تحقیق دارای اهمیت است، به تناسب در نمونه وجود داشته باشد و بتوان نتایج حاصل از آن را به کل جامعه آماری تعمیم داد (ساروخانی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶). در این مطالعه به روش نمونه‌گیری احتمالی و به شیوه تصادفی ساده نمونه‌گیری به عمل آمد. جهت شناسایی نمونه‌ها از طریق اطلاعاتی که پژوهشگر داشته نمونه‌ها شناسایی و سپس با انتخاب آنان امر پرسشگری از آنان به عمل می‌آید.

تعیین حجم نمونه

تعمیم یافته‌های تحقیق از نمونه به جامعه همیشه رضایت بخش نیست، زیرا نمی‌توان در همه موارد اطمینان داشت که نمونه، معرف جامعه است. بلکه در خیلی موارد، بین نمونه و جامعه اختلاف وجود دارد. سؤالی که محقق، دیر یا زود باید به آن پاسخ می‌داد این بود که حجم نمونه چقدر باشد؟ پاسخ به این سؤال حائز اهمیت فراوانی است. زیرا اگر حجم نمونه خیلی بزرگ باشد، امکانات تلف می‌شود. از سوی دیگر اگر نمونه خیلی کوچک باشد، دقت نتایج کم است و ممکن است نتایج، بیانگر حقایق و واقعیت‌های جامعه نباشد. اما در صورتی که نمونه به صورت تصادفی انتخاب شود و اندازه آن نیز کافی باشد، اختلاف بین نمونه و جامعه کاهش خواهد یافت. به منظور انتخاب حجم نمونه مناسب با توجه به نوع و هدف تحقیق فرمول‌های متفاوتی از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است. حجم نمونه را می‌توان از روی محدود و نامحدود بودن جامعه آماری بدست آورد. با توجه به این که جامعه آماری این تحقیق کلیه خریداران از فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهروند در سطح شهر تهران می‌باشد، می‌توان تعداد نمونه را از فرمول محاسبه



تعداد نمونه آماری از جامعه نامحدود، بدست آورد. از آن جا که حجم جامعه آماری نامحدود می باشد، بنابراین این از فرمول زیر جهت تعیین حجم نمونه استفاده می شود:

$$n = \frac{Z^2 * p * q}{\sum^2} = \frac{(1.96)^2 (0.5 * 0.5)}{(0.08)^2} = 150$$

که در آن:

Z = مقدار متغیر استاندارد شده در واحد متناظر با سطح اطمینان

p = برآورد صفت مشهود متغیر در جامعه

q = مقدار اشتباه مجاز در اندازه گیری مشاهدات متغیر در جامعه

حداقل حجم نمونه به دست آمده با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۸ درصد، تعداد ۱۵۰ نفر می باشد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در آمار توصیفی، اطلاعات دموگرافیک و جمعیت شناختی و آمار مربوط به میانگین (Mean)، انحراف استاندارد (Std. Deviation)، میانگین خطای استاندارد (Std. Error Mean)، کشیدگی و چولگی و حداقل و حداکثر متغیرهای تحقیق استفاده خواهد شد. همچنین همان طور که بیان شد از آزمون نرمالیتی کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون تی-استیودنت و آزمون رتبه ای فریدمن و ضریب همبستگی پیرسون بمنظور تایید یا رد فرضیات و تبیین رابطه متغیرهای مستقل و وابسته استفاده خواهد شد.

مدل مفهومی پژوهش و پرسشنامه

در این پژوهش برای به دست آوردن داده های لازم برای آزمون فرضیات پژوهش از پرسش نامه ی محقق ساخته استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۳۱ سوال می باشد که سوالات ۱ الی ۱۵ مربوط به فرضیه اول و سوال ۱۵ الی ۳۱ مربوط به فرضیه دوم می باشد.

روایی پرسش نامه

ابزار سنجش می بایست از «پایایی» و «روایی» لازم برخوردار باشد تا محقق بتواند داده های متناسب با تحقیق را گردآوری نماید (حافظ نیا، ۱۳۷۷، ص ۱۳۷). منظور از روایی اینست که محتوای ابزار و یا سوالات مندرج در پرسش نامه، بطور دقیق متغیرها و موضوع مورد مطالعه را می سنجد یا نه؟ عبارت دیگر آیا آنچه را که فکر می کنیم اندازه می گیریم، واقعا اندازه می گیریم؟ (مومنی، ۱۳۸۶، ص ۲۸). بمنظور برآورد و تامین روایی ابزار تحقیق و پرسش نامه، از استعلام نظرات خبرگان و کارشناسان، استفاده خواهد شد.

پایایی پرسشنامه

منظور از اعتبار یا پایایی ابزار اندازه گیری نیز اینست که اگر سنجش، تحت شرایط مشابه مجددا تکرار شود، نتایج حاصل تا چه حد، مشابه و قابل اعتماد است؟ (حافظ نیا، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶). در این تحقیق. به منظور تعیین پایایی پرسش نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده خواهد شد. برای محاسبه آلفای کرونباخ، ابتدا می بایست واریانس نمرات هر زیر مجموعه سوالات پرسش نامه و واریانس کل را محاسبه نمود. سپس می توان با استفاده از فرمول زیر و نرم افزار SPSS مقدار ضریب آلفا را محاسبه کرد:

$$\alpha = \left(\frac{j}{j-1} \right) \left(1 - \frac{\sum S_j^2}{S^2} \right)$$

جدول ۱. مدل مفهومی پژوهش

متغیر وابسته	متغیر مستقل	شرح فرضیه
پایداری اقتصادی شهر	بین گردشگریها ارتباط معناداری وجود دارد.	فرضیه اصلی شماره (۱)
رشد اقتصادی شهر ها	بین گردشگریها ارتباط معناداری وجود دارد.	فرضیه اصلی شماره (۲)

جدول ۲. آزمون الفای کرنباخ پرسشنامه؛ ماخذ: یافته های تحقیق

تعداد متغیرها	الفای کرنباخ
۳۰	۰.۸۵۵

جدول ۳. آزمون کولموگروف - اسمینرف؛ ماخذ: یافته های تحقیق

متغیرها	تعداد
۱۵۰	آماره آزمون
۲.۹۰۸	سطح معناداری
۰.۰۰۰	

جدول ۴. ضرایب ANOVA

شفافیت	Sum of Squares	درجه آزادی df	Mean Square	اماره F	سطح معناداری Sig.
Between Groups	۲۶۰۴.۰۷۷	۴۷	۴۰۶.۵۵	۱۰.۱۶۱	۰.۰۰۰
Within Groups	۵۵۶.۱۶۳	۱۰۲	۵.۴۵۳		
Total	۳۱۶۰.۲۴۰	۱۴۹			

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۴۷۹

که در فرمول فوق، α برآورد اعتبار تست، ز تعداد سوالات تست، S^2 واریانس زیر مجموعه زام و S^2 نیز واریانس کل آزمون است (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۸۱).

آزمون نرمال بودن داده ها

در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگروف - اسمینرف استفاده شده است که با توجه به بالا بودن آماره های آزمون و پایین بودن مقدار سطح معناداری آزمون فرض نرمال بودن داده ها مورد تایید قرار گرفته است. بر اساس مقادیر ارائه شده، از آنجایی که مقادیر سطح معناداری، متغیرهای پژوهش کمتر از ۵٪ است ($P\text{-value} > 0.05$ یا $Sig > 0.05$). بنابراین فرض صفر یعنی نرمال بودن متغیرها رد نمی شود. لذا فرض نرمال بودن داده ها مورد تایید قرار می گیرد.

آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه اول: بین گردشگری و پایداری اقتصادی شهرها ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه H_0 : بین گردشگری و پایداری اقتصادی شهرها

ارتباط معناداری وجود ندارد. فرضیه H_1 : بین گردشگری و پایداری اقتصادی شهرها ارتباط معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از یک مدل رگرسیونی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه و مشخص شدن اختلاف معناداری میان متغیر مستقل و وابسته از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه ANOVA استفاده می گردد که آماره این آزمون آماره فیشرف (F) می باشد. این آماره نباید از آماره فیشرف محاسبه شده از طریق جدول کمتر باشد تا بتوان معنادار بودن مدل رگرسیونی را تایید کرد.

لذا با توجه به پایین بودن سطح معناداری آزمون فرضیه مورد نظر بیانگر تایید اختلاف معنادار میان متغیر مستقل و متغیر وابسته می باشد؛ یعنی ارتباط معناداری بین گردشگری و پایداری اقتصادی شهرها وجود دارد.

فرضیه دوم

بین گردشگری و رشد اقتصادی شهرها ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه H_0 : بین گردشگری و رشد اقتصادی شهرها ارتباط معناداری وجود ندارد.

جدول ۴. ضرایب ANOVA

شفافیت	Sum of Squares	درجه آزادی df	Mean Square	اماره F	سطح معناداری Sig.
Between Groups	۲۶۰۴۰۰۷۷	۴۷	۴۰۶.۵۵	۱۰.۱۶۱	۰.۰۰
Within Groups	۵۵۶.۱۶۳	۱۰۲	۵.۴۵۳		
Total	۳۱۶۰.۲۴۰	۱۴۹			

فرضیه H₁: بین گردشگری و رشد اقتصادی شهرها ارتباط معناداری وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه و مشخص شدن اختلاف معناداری میان متغیر مستقل و وابسته از آزمون ANOVA استفاده می‌گردد که آماره این آزمون آماره فیشر (F) می‌باشد. این آماره نباید از آماره فیشر محاسبه شده از طریق جدول کمتر باشد تا بتوان معنادار بودن مدل رگرسیونی را تایید کرد.

لذا با توجه به پایین بودن سطح معناداری آزمون فرضیه مورد نظر بیانگر تایید اختلاف معنادار میان متغیر مستقل و متغیر وابسته می‌باشد؛ یعنی ارتباط معناداری میان گردشگری و رشد اقتصادی شهرها وجود دارد.

ایران نتوانسته در اقتصاد ملی سهم قابل توجهی را به دست آورد و در رتبه میان کشورها ۴ پله صعود کند اما رقبای این کشور آنچنان عمل کرده‌اند که توانسته‌اند درآمد مناسبی از این راه به دست آورده و گردشگران زیادی را جذب کنند. به طور مسلم حضور گردشگران در شهر، سبب افزایش درآمد شهر و ایجاد اشتغال می‌شود، زیرا هزینه‌های گردشگران برای افراد جامعه به عنوان درآمد تلقی می‌شود. با تغییر درآمد حاصل از گردشگری، طبیعی است که درآمد سرانه حاصل از گردشگری هم تغییر می‌کند؛ سیاست‌گذاری‌هایی که در شکل‌دهی و حفظ فضاهای شهری موجود و جدید اعمال میشوند، می‌تواند موجب رونق یا کساد صنعت گردشگری شهرها شوند.

منابع و ماخذ

اپنه‌ایم، نوربرت (۱۳۷۹)، مدل‌های کاربری در تحلیل مسایل شهری و منطقه‌ای، ترجمه منوچهر طبیبیان، دانشگاه تهران، چاپ اول.

ارجمندنیبا، اصغر (۱۳۷۹)، بوم شهر، تبلور پایداری شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، سال اول.

بارتون، الیزابت، کیتی ویلیامز و مایک جنز (۱۳۷۹)، شهر متراکم و پایداری شهری، ترجمه فریده باروقی، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، شماره ۴.

بحرینی، سید حسین و رضا مکنون (۱۳۸۰)، توسعه شهری پایدار، از فکر تا عمل، مجله محیط‌شناسی، سال ۲۷، شماره ۲۷ (تابستان).

بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸)، تجدد، فراتجد و پس

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تلاش برای یافتن راهی جهت کاهش اتکای کشور به درآمدهای نفت و خروج از اقتصاد نفتی که گاه از آن به عنوان عامل بسیاری از مشکلات سیاسی و اقتصادی یاد می‌شود، آرزوی دیرین کارشناسان اقتصادی بوده و دغدغه حلالین معضل، همواره در سخنان مسوولان عیان و روشن است. اما آنچه که هم‌اکنون مشاهده می‌شود، چرخش در بر همان پاشنه است. امروزه صنعت گردشگری یکی از پر رونق‌ترین فعالیتهای انسانها در سده بیست و یکم به شمار می‌رود و همچنین بعنوان یکی از صنایع توسعه پایدار، فرصت‌های بزرگ اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی برای کلان‌شهرها و مادرشهرهای ایران ایجاد می‌کند. اگرچه گردشگری

Attention, in C.P. Cooper (Ed) Progress in Tourism, Recreation and Hospitality Management, London: Belhaven Press.

Butler, R. W, (2000): Ecotourism-Has it Achieved Maturity or Has the Bubble Burst, Keynote Adress, Pacific Rim Tourism, Rotorua, and Zealand.

Hall, c. M. and s. J. page (1999): The Geography of Tourism and Recreation. Environment, Place and Space, Routledge, London

Gunn, Clare A. and Turgut Var (2002), Tourism Planning, Basics, Concepts, Cases, Fourth Edition, Routledge, New York

Inskip, E (1991): Tourism planning. An Integrated and Sustainable Development Approach. Van Nostrand Reinhold, New York

از آن در شهرسازی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

بحرینی، سید حسین (۱۳۷۶)، شهرسازی و توسعه پایدار، مجله رهیافت، شماره ۱۷ (زمستان).

برنامه عمران سازمان ملل متحد (۱۳۷۷)، دستور کار ۲۱ (ترجمه)، چاپ اول، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری برنامه عمران سازمان ملل متحد.

بوچانی، محمد حسین (۱۳۸۳)، اسکان غیر رسمی ایلام، پاسخی به بی‌برنامگی مسکن، مجله شهرداری‌ها، سال ۶، شماره ۶۶ (آبان).

پاگ، سدریک (۱۳۸۳)، شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه (ترجمه)، چاپ اول، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران.

توفیق، فیروز (۱۳۷۲)، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای، مجله آبادی، سال ۳، شماره ۱۰ (پاییز).

حکمتی فرید، صمد (۱۳۸۲)، رتبه‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی از نظر توسعه، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی.

حکمت‌نیا، حسن (۱۳۸۳)، برنامه‌ریزی فضایی توسعه پایدار شهر یزد، پایان‌نامه دکتری دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

رحیمی، حسین (۱۳۸۰)، نقش فرهنگ در توسعه پایدار، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۷ - ۱۶۸، سال ۱۵.

رهنما، محمد رحیم (۱۳۷۳)، سطح‌بندی نظام شهری و توسعه منطقه‌ای نمونه: استان خراسان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۹، شماره ۳۲ (بهار).

زیاری، کرامت اله (۱۳۸۰)، توسعه پایدار و مسوولیت برنامه‌ریزان شهری در قرن بیست و یکم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۱۶۰ (زمستان).

صدوق، محمد باقر (۱۳۸۰)، توسعه و توسعه پایدار، فصلنامه محیط زیست، شماره ۳۶.

Ashworth, G. J. (1989) Urban Tourism: A balance in

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۴۸۲ ■

مقدمه

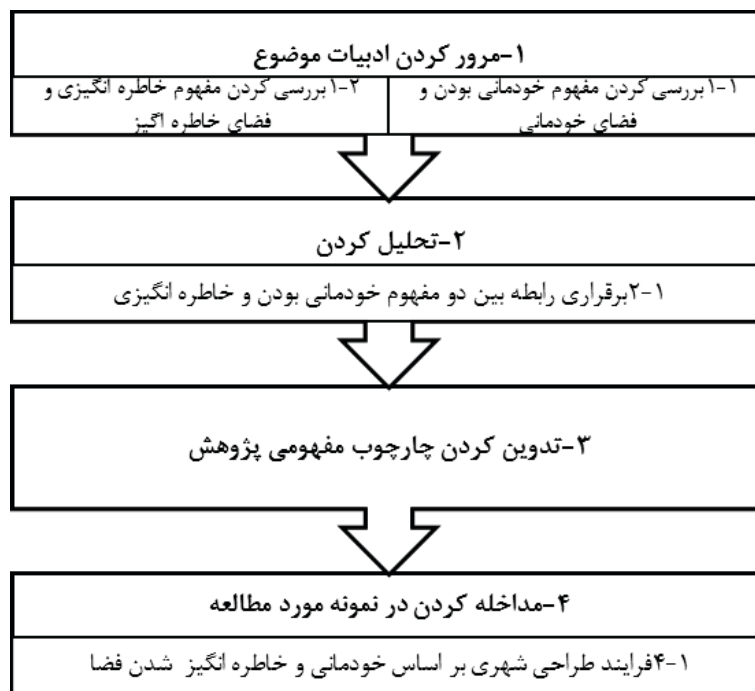
انسان پس از خروج از خانه خود را در فضای شهر می بیند. وقتی فضایی خودمانی است، فرد احساس می کند که مقهور آن نمی باشد و می تواند در تغییر و ساماندهی آن نقش داشته باشد و به عبارتی در آن دخل و تصرف نماید. در صورت نیاز به مبلمان آن را تغییر دهد یا متناسب با کارکردی که در شرایط خاص از آن انتظار دارد، فضا را آرایش نماید و حتی برای انجام مراسم خاص که میان تمام ساکنین یک محله مشترک است، تجهیز نماید. برای مثال در اعیاد آن را چراغانی کند یا در فصول مناسب، مراسم عزاداری مذهبی در آن برگزار کند. این تجهیز فضا می تواند بسیار محدودتر و موقتی تر هم باشد. برای مثال فرد می تواند برای مدت کوتاهی صندلی ای از خانه اش بیاورد و در کنار ورودی واحدش مستقر کند و دقایقی را در کنار همسایگانش بگذراند. همین امکان تغییر و تجهیز موقت و آسان احساس خودمانی بودن را در فضا تقویت می کند. چنانچه حس تعلق و مالکیت، امنیت و مشارکت، مقیاس انسانی، دسترسی مناسب و... در فضای شهری به خوبی لحاظ شده باشد، فرد استفاده کننده در صدد زدن مهر خویش بر فضا برآمده و فضا را خودمانی تلقی می کند (پاکزاد، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳). محیط، اعم از شرایط کالبدی، معنایی و معنوی، عامل مهمی در احراز هویتی خاص برای انسان است. محیط از آن جهت که تجلی کالبدی باورها و ارزش های فرهنگی جامعه است، می تواند در احساس هویت یا بی هویتی تأثیرگذار باشد (حبیب، ۱۳۸۷، ص ۱۴). محیط شهری برای ساکن آن نقش ظرف تمامی تجربیات فردی و جمعی را دارد و در این میان ارتباط تجمع خاطره های شهرنشینان و عامل زمان، موجب ایجاد خوانش های متفاوت و پژوهش های گسترده ای در زمینه ارتباط مداخلات و توسعه های جدید در متن شهر و تعامل نسل های متفاوت کالبد و محتوا در کنار یکدیگر است (سلطانی، ۱۳۹۲، ص ۸۸). از آن جایی که وجود فضاهایی برای دیدار و اجتماع مردم، همبستگی به آن ها امری اجتناب ناپذیر است، چنانچه انسان در

فضا احساس خودمانی بودن نداشته باشد خود را بیگانه به حساب می آورد و نه تنها نسبت به آن بی تفاوتی است بلکه تمایلی به حضور در فضا نداشته و سرزندگی فضا که تاثیر بسزایی در ایجاد خاطره و خاطره انگیزی دارد از بین خواهد رفت. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و انجام برداشت های میدانی و مصاحبه با اهالی ساکن و استفاده از ابزار عکاسی و فیلمبرداری، قلم و کاغذ به بررسی عوامل کالبدی، عملکردی، اجتماعی، معنایی و زیبایی شناختی موجود در گذر گلچینان پرداخته شده است. هدف از انجام این پژوهش بازگرداندن حس خاطره انگیزی و خودمانی بودن به این گذر می باشد. که با پاسخ به این سوال که چگونه می شود یک فضا را طراحی کرد که استفاده کنندگان در آن احساس خودمانی بودن داشته باشند و برایشان خاطره انگیز باشد، به هدف پژوهش نایل می شویم.

مواد و روشها

روش به کار برده شده در این پژوهش، «توصیفی و تحلیلی» بوده و پژوهش از نوع «کاربردی» می باشد. فرایند انجام کار شامل چهار مرحله اصلی می باشد که هر کدام از آن ها دارای ریزکارکردهایی می باشد. در مرحله اول با مطالعه و بررسی مبانی نظری مربوط به فضاهای خودمانی و خاطره انگیز و دستیابی به ویژگی ها و عوامل موثر بر چنین فضاهایی، زمینه لازم جهت برقراری رابطه بین این دو مفهوم و تحلیل آن ها فراهم شده است که در مرحله سوم چارچوب مفهومی پژوهش جهت مداخله در نمونه مورد مطالعه (تجهیز برای مداخله) تدوین گردیده است. در این راستا از مطالعات کتابخانه ای، بررسی پژوهش های مشابه و جستجو در منابع اینترنتی جامع، به عنوان تکنیک های گردآوری اطلاعات استفاده شده است. در مرحله چهارم و آخر، با استفاده از چارچوب مفهومی و نیز روش توصیفی و استفاده از تکنیکهای برداشت میدانی، مصاحبه با اهالی ساکن و پرکردن ۲۵۲ پرسشنامه، (جامعه آماری ساکنین محدوده بلافضل ۷۳۰ نفر که با استفاده از فرمول کوکران با درصد خطای ۵ درصد





نمودار ۱. مراحل انجام پژوهش، ماخذ: نگارندگان.

۲ مبانی نظری

فضای خودمانی و راهکارها

کلمه خودمانی در لغت نامه دهخدا به معنی «ص (نسبی) محرم، مقابل بیگانه، خودی»، در فرهنگ فارسی معین معادل «ص (نسب) خودی، خصوصی، بی تعارف و تکلف» و در فرهنگ لغت عمید به معنی «اعلمیانه» مانند خودی؛ بی تکلف، (قید) با حالتی به دور از تکلف» آورده شده است.

فضای خودمانی فضایی است که فرد ساکن محله در آن احساس تعلق می کند. فضا را از آن خود دانسته و خود را نیز جزئی از فضا می داند. در این فضاها فرد دنبال یافتن بهانه‌ای برای حضور در فضا نمی گردد زیرا فضای شهری جزئی بلاواسطه از مجموعه فضاهای زندگی اوست و حیاط دوم او محسوب می شود. برای القای این حس، فرد باید بتواند به سهولت به فضا دسترسی داشته باشد. اینکه فرد بتواند از راحت ترین مسیر و در کمترین زمان به فضا دسترسی یابد، این احساس که فضا دنباله ی فضای زندگی اوست را تشدید می کند. بعلاوه فضا باید جذاب باشد و ساکنان

حجم نمونه آماری ۲۵۲ محاسبه شده است)، معیارهای خودمانی بودن فضا و خاطره انگیزی آن مورد سوال قرار گرفت تا اولویت بندی آن‌ها از نظر استفاده-کنندگان مشخص شود. لازم به ذکر است جهت تایید روایی پرسشنامه، از آن پیش نویسی به صورت سوالات باز تهیه شده و با مشارکت اساتید شهرسازی و معماری به انجام رسیده است. سپس پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی همراه با مصاحبه تکمیلی، در ساعات مختلف شبانه روز در بین ساکنین محدوده طراحی توزیع شد و در نهایت داده های به دست آمده از آنها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ادامه نتایج داده ها آورده شده است.

با توجه به مطالعات صورت گرفته در منابع مختلف، ارتباط بین دو مفهوم خاطره انگیزی و خودمانی بودن را می توان از طریق نمودار شماره (۲) دنبال کرد. با قرار دادن سه بعد فعالیت، کالبدی و معنایی به عنوان زمینه های شکل گیری خاطره و خاطره انگیزی، سیر رسیدن آن‌ها به معیارهای مورد نظر فضاهای خودمانی در نمودار با رنگ متمایز نشان داده شده است.

را ترغیب به حضور در خود نماید و از آن مهم تر این حضور را به عبور توأم با مکت تبدیل کند. برای این منظور وجود محله‌هایی برای انجام فعالیت‌های غیرحرکتی مثل گردهم‌آیستادن، نشست و... همراه با مبلمان مناسب آن‌ها کمک موثری خواهد بود. این امکانات به گونه‌ای باید باشد تا فضا را در شب نیز قابل استفاده سازد. به این ترتیب با افزایش زمان امکان حضور در فضا، امکان توقف در آن نیز بالا می‌رود (پاکزاد، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳). علاوه بر این کالبد فضا نیز باید به گونه‌ای باشد که فضاهای مکت لازم برای انجام فعالیت‌های فوق فراهم باشد. از طرف دیگر فضا باید به گونه‌ای باشد که تمام ساکنان محله نسبت به آن احساس تعلق نمایند و در آن حضور یابند. پس همه گروه‌های اجتماعی اعم از سالخورده‌گان، کودکان، زنان، مردان و جوانان و... باید امکانات مورد نیاز برای فعالیت‌های خود و مشارکت در فعالیت‌های دیگران را در اختیار داشته باشند. برای مثال کنترل کودکان توسط والدین مقدور باشد و در عین حال کودکان احساس آزادی نمایند و بزرگسالان امکان برقراری ارتباط با هم داشته باشند. کالبد فضا باید همچنین به گونه‌ای باشد که امکان حضور سالخورده‌گان و معلولان فراهم باشد. نبود موانع حرکتی، تسهیل در رفت و آمد و امکان تسلط بر فضا، آن را تبدیل به مکانی مناسب برای این دسته از افراد می‌نماید. گروه دیگر که باید امکان حضور بی‌دغدغه داشته باشند زنان هستند. امکان گردهمایی زنان بدون دیده‌ها و عبور و مرورهای مزاحم و به خطر افتادن احساس امنیتشان، از عوامل موثر در استفاده راحت و خودمانی این قشر از فضا است. از طرفی فضای خودمانی باید پاسخگوی جوانان باشد به گونه‌ای که فعالیت‌های پرجنب و جوش آنان را در خود جای دهد و از آن عاملی برای مزاحمت همسایگان بوجود نیآورد.

از الزامات این فضا فراهم آوردن تجهیزات و مبلمان مناسب است. یک فضا زمانی خودمانی به نظر می‌رسد که بتوان به راحتی میان آن و عرصه‌های خصوصی رفت و آمد کرد و فرد خود را قطعاً و کاملاً مجزا از

عرصه خصوصی زندگی اش نداند و این دو عرصه را در امتداد هم حس کند تا همان احساس خودمانی بودن که در فضای خصوصی دارد در فضای عمومی نیز داشته باشد. یکی از بهترین راه‌ها برای ایجاد چنین احساسی این است که فرد بتواند در فضا دخل و تصرف کند و تسلیم محض ساماندهی موجود نباشد. برخورد عامدانه استفاده کننده از فضا، امکان برقراری ارتباط صمیمانه تری را میان او و میدان فراهم می‌آورد. برای مثال اگر ساکنین با مشارکت هم برای ایام خاصی فضا را تجهیز کنند احساس تعلق بیشتری به فضا خواهند داشت.

«از مهمترین عوامل کالبدی در تشدید خودمانی بودن فضا، مقیاس انسانی است. ابعاد یک فضای خودمانی باید با توانایی‌های حسی انسان در زمینه ادراک فضا هماهنگی داشته باشد. باید در نظر داشت در این فضا تعاملات اجتماعی در حد فرد با فرد هم وجود دارد. لذا ابعاد باید در حدی باشد که بازشناسی آشنایان ممکن گردد» (پاکزاد، ۱۳۹۰، ص ۲۲۴).

تعریف خاطره و خاطره جمعی

واژه خاطره در لغتنامه دهخدا بصورت زیر تعریف شده است: «اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد؛ گذشته آدمی؛ وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است؛ دیده‌های گذشته یا شنیده‌های گذشته» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۶۴). خاطره در لغتنامه لانگمن، «توانایی فرد در به خاطر آوردن اشیاء، اماکن، تجارب و...» (Longman, ۱۹۹۳: ۲۰۱۰). و در لغتنامه وبستر، «توانایی و یا روند یادآوری یا بازتولید آنچه آموخته شده و یا به خاطر سپرده شده، خصوصاً از طریق سازوکارهای تداعی معانی» (Webster, ۲۰۰۳: ۲۲۵). تعریف شده است. بر اساس تعاریف لغوی ارائه شده، خاطره، بیاد آوردن و رویدادهای گذشته بوسیله فرد از طریق بیاد آوردن افراد، اشیاء، اماکن و تجارب است. بررسی تعاریف گوناگون نشان می‌دهد که یکی از جنبه‌های کلیدی در تعریف خاطره، «رویداد» می‌باشد. رویدادهای موردنظر در این تعریف، نه رویدادهای صرفاً مکتوب

جدول ۱. عوامل موثر در طراحی فضاهای خودمانی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

عوامل موثر بر خودمانی شدن فضا	راهکارهای طراحانه
حس تعلق	- سهولت دسترسی به فضا - قابل استفاده نمودن فضا در شب - فضای عمومی در ادامه ی فضای خصوصی احساس شود.
جذابیت	- عبور توأم با مکت در فضا - وجود محل‌هایی برای انجام مردم و اهداف فعالیت‌های غیر حرکتی
همه شمولی و مشارکت	- مشارکت در فعالیت‌های دیگران - کنترل کودکان توسط والدین و در عین حال احساس آزادی در کودکان - نبود موانع حرکتی، تسهیل در رفت و آمد - امکان گردهمایی زنان بدون دیدها و عبور و مرورهای مزاحم و به خطر افتادن احساس امنیتشان - امکان فعالیت‌های پر جنب و جوش جوانان - امکان تسلط بر فضا
مقیاس انسانی	- هماهنگی داشتن ابعاد یک فضای خودمانی با توانایی‌های حسی انسان در زمینه ادراک فضا - ابعاد در حدی باشد که بازشناسی آشنایان ممکن شود.

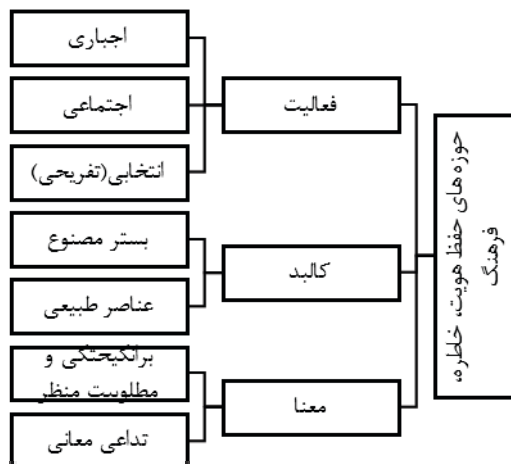


تاریخ به مثابه مطالعه ساختار شکل‌گیری مصنوعات شهر (Rossi, 1928:1982). در عرصه شهرسازی، خاطره جمعی از دهه ۱۹۷۰ به این سو و در نتیجه بکارگیری نابجای پیشنهادها منشور آتن و تبعات آن مورد توجه قرار گرفت. فرهنگ لغات شهرسازی، خاطره جمعی را به عنوان تصور معمار ایتالیایی، آلدو روسی از آنچه وی به عنوان عنصری می‌دید که اغلب در فرم شهر منعکس می‌شود و باید در توسعه جدید بازتاب یابد، معرفی می‌کند (Cowan, 1975:2005).

خاطره‌انگیزی و فضای شهری خاطره ماهیتی اجتماعی دارد؛ به همین منظور با فضاهای عمومی شهر در ارتباط بوده و شکل‌گیری خاطرات در قلمرو و سکونتگاه جمعی، یعنی شهر و محلات آن امکان‌پذیر است؛ در نتیجه اگر خاطرات جمعی ماهیت اجتماعی داشته، بستر شکل‌گیری آنها (شهر) نیز باید محل تعامل اجتماعی باشد. در اینصورت، سابقه سکونت در شهر خود عاملی است در جهت تقویت خاطرات جمعی (میرمقتدایی، ۱۳۸۷). شهر را می‌توان مکان خاطره‌های جمعی مردمانش دانست؛ فضاهای مختلف شهری با زنده نگاه داشتن خاطرات،

در کتب تاریخی، بلکه رویدادهایی است که فرد خود، آنها را تجربه کرده است. بنابراین در تعریفی دقیق‌تر از خاطره می‌توان گفت: خاطره بیادآوردن وقایع و رویدادهای تجربه‌شده بوسیله فرد از طریق بیادآوردن افراد، اشیاء، اماکن و تجارب و با استفاده از سازوکارهای تداعی معانی است.

عبارت «خاطره جمعی»، برای نخستین بار، توسط موریس هالبواکس جامعه‌شناس فرانسوی به ویژه در مقاله «چارچوب‌های اجتماعی خاطره» و کتاب مشهور «خاطره جمعی» به کار گرفته و معرفی شد. «هالبواکس» تحت تاثیر امیل دورکهایم جامعه‌شناس، به سنت روانشناسی جمعی و شاخه فکری جدیدتر و خوش بین تر این سنت تعلق دارد (Wilson, 2000). آلدو روسی معمار نو خردگرای ایتالیایی، نخستین کسی است که مفهوم خاطره جمعی هالبواکس را وارد ادبیات معماری و شهرسازی نمود. روسی در بخشی از کتاب مشهورش «معماری شهر»، از شهر به مثابه تاریخ یاد کرده و به دو روش تاریخی نگاه به شهر اشاره می‌کند. نخست شهر به مثابه یک عنصر مصنوع مادی که ردپای زمان بر روی آن به چشم می‌خورد و دیگر

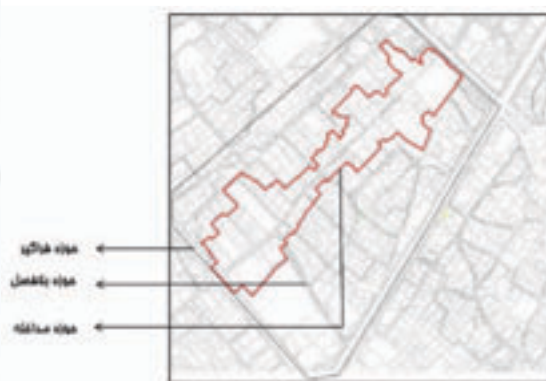


نمودار ۳. مدل استخراجی برای مطالعه حوزه‌های فرهنگی
گیری هویت، خاطره و فرهنگ، منبع: سلطانی، ۱۳۹۲، ص ۹۲

کند.



نقشه ۳. محورهای فعالیتی برزن، ماخذ: نگارندگان



نقشه ۴. معرفی محدوده‌های طراحی، ماخذ: نگارندگان

تأثیرگذار باشد (حبیب، ۱۳۸۷، ص ۱۴). محیط شهری برای ساکن آن نقش ظرف تمامی تجربیات فردی و جمعی را دارد و در این میان ارتباط تجمع خاطره‌های شهرنشینان و عامل زمان، موجب ایجاد خوانش‌های متفاوت و پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه ارتباط مداخلات و توسعه‌های جدید در متن شهر و تعامل نسل‌های متفاوت کالبد و محتوا در کنار یکدیگر است. این هم‌نشینی، گفته «ویلیام فالکنر» را به یاد می‌آورد که «گذشته هیچگاه نمرده است؛ در حقیقت حتی سپری نشده است». به دلیل همین ارتباطات است که گرایش‌ها به سمت برنامه‌ریزی در جهت افزایش

باعث زنده نگاه داشتن حوادث تاریخ می‌شوند؛ و در نتیجه وجه مهمی از خاطره جمعی یک ملت، قوم و یا فرهنگ سرزمینی را شکل می‌دهند. گذشت زمان کالبد شهر را واجد هویت می‌سازد و شهروندان به واسطه فضاهای شهری مملو از خاطره‌های جمعی با گذشته فرهنگی خود ارتباط یافته و کسب هویت اجتماعی می‌نمایند (حبیبی، ۱۳۷۸). محیط، اعم از شرایط کالبدی، معنایی و معنوی، عامل مهمی در احراز هویتی خاص برای انسان است. محیط از آن جهت که تجلی کالبدی باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه است، می‌تواند در احساس هویت یا بی‌هویتی

جدول ۲. اولویت بندی معیارهای خودمانی و خاطره انگیزی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

۱	خودمانی شدن فضا		خاطره انگیز شدن فضا	
	معیار	فراوانی عددی	درصد فراوانی	معیار
۲	حس تعلق	۲۳۰	۹۱.۲٪	سابقه سکونت
۳	مشارکت	۲۲۴	۸۸٪	هویت کالبدی
۴	مقیاس انسانی	۲۱۲	۸۴٪	حوادث تاریخی
۵	همه شمولی	۲۱۰	۸۳٪	ارزش های فرهنگی مشترک
۶	جذابیت	۱۹۶	۷۷٪	وجود مکان هایی برای تعامل اجتماعی
۷				سرزندگی



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۴۸۹

عنوان علت واقع شدن این فعالیت ها معرفی می شود که تغییر هر یک از اینها بر دیگر ابعاد مؤثر است و برنامه ها و طرح های توسعه بایستی هر سه جنبه را لحاظ نمایند (سلطانی، ۱۳۹۲ به نقل از ibid: ۱۵۵-۱۶۰). در اینجا با استفاده از پژوهش های مونتهگمری (۱۹۹۸ و ۲۰۰۳)، سایم (۱۹۹۵)، استرنبرگ (۲۰۰۰)، بالساس (۲۰۰۹)، گل (۱۹۸۷)، اودانل (۲۰۰۸)، سلطانی و نامداریان (۱۳۸۹)، خستو و سعیدی رضوانی (۱۳۸۹) و لطفی (۱۳۹۰) که به تبیین معیارهای هر سه یا برخی از این حوزه های اصلی پرداخته اند، به تبیین معیارها و زیرمعیارها پرداخته شده است.

شناخت عرصه مورد مطالعه

در این بخش به بررسی ابعاد کالبدی، فعالیتی و معنایی موجود در گذر گلچینان پرداخته شده است. به گونه ای که در تمام مراحل طراحی (موجود و مطلوب)، این ابعاد در راستای عوامل مؤثر بر خودمانی بودن فضا هدایت شوند. لازم به ذکر است این عوامل به عنوان فیلتر بر سر راه ابعاد کالبدی، فعالیتی و معنایی قرار داده شده اند بدین معنا که برای مثال در مرحله شناختن بعد فعالیتی، تمرکز محققان بر کاربری های محلی و فعالیت های جمعی صمیمانه و خودجوش اهالی می باشد و در این راستا شناسایی کاربری هایی که سبب ورود

سرزندگی محیط های شهری با نظر به هویت و میراث خاطرات شهروندان و توجه به ایجاد تداوم تجربیات شهری، با رویکردی مشارکتی است (سلطانی، ۱۳۹۲، ص ۸۸). پیوستگی و تداوم حیات شهری همواره در اندرکنشی با سرزندگی حیات هر روزه پدید می آید. چنانکه «هانری لفور» در کتاب تولید فضا (۱۹۹۱) غنا و پویایی محیط های شهری را وابسته به تجمع هویت و معنا در قالب زندگی هر روزه می داند و می توان گفت ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان در بستر محیط شهری، ناشی از تلفیق کیفیات گوناگون است که لاجرم به کلیه ابعاد حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی نظام شهری مرتبط می شود (گلکار، ۱۳۸۶، ص ۷۴).

تبیین مؤلفه های ارتقاء خاطره انگیزی

یکی از تأثیرگذارترین پژوهش ها در راستای تعیین مؤلفه های ارتباط شهروندان و محیط شهری، کتاب «روانشناسی مکان» کانتر (۱۹۷۷) است. کانتر با ارائه مدل مکان، سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنا (مفهوم) را ابعاد اصلی هرگونه پژوهش در زمینه ارتقاء کیفیت رابطه مردم و محیط شهری با رویکرد هویت و خاطره جمعی در طرح های توسعه معرفی می کند. وضعیت کالبدی بعنوان ظرف زندگی هرروزه با فعالیت به عنوان هرآنچه در این ظرف کالبدی تجربه می شود و معنا به

افراد غریبه به محله می شود در جهت جلوگیری از برهم زدن صمیمیت و خودمانی شدن فضا مدنظر قرار می گیرد. سپس با طی کردن سایر مراحل طراحی شامل: تحلیل کردن، ساختن چشم انداز، هدف گذاری کردن، گزینه دادن، انتخاب کردن گزینه برتر، ارزیابی و اجرا سعی در خودمانی و خاطره انگیز کردن این فضا شده است.

گذر گلچینان در محدوده بافت تاریخی شهر یزد واقع شده است (نقشه شماره ۱) و از جمله گذرهای اصلی برزن گودال مصلی می باشد. این گذر در مرز مشترک محلات گودال عباسی، هاشم خان و بخشی از محله پشت باغ و مرکز شهر قدیمی یزد قرار دارد. (نقشه شماره ۲) محورهای فعالیتی در برزن گودال مصلی دو محور کاروانسرای مشیری و گلچینان می باشند که می توان آن ها را به عنوان شاکله اصلی در نظر گرفت. گذر و بازار هاشم خان رابطی بین این دو محور می باشد. در طرح فرادست (طرح حفاظت جامع بافت تاریخی)، عرض این گذر از ابتدای گذر گلچینان (ورودی از سمت خیابان ایرانشهر) تا گاراژ ناجی، ۱۰ متر و از گاراژ تا مصلی ۶ متری پیشنهاد شده است و در محل گاراژ ناجی مرکز محله پیشنهاد شده است. (نقشه شماره ۳) با توجه به مبانی نظری ارائه شده، محقق برای تدقیق حوزه های طراحی با استفاده از برداشت میدانی و مصاحبه با اهالی ساکن در برزن گودال مصلی و معیارهایی مانند: مشارکت، آشنایی افراد باهم، تامین مایحتاج روزانه، مقیاس انسانی و... حوزه فراگیر، بلافصل و مداخله را مانند نقشه شماره ۴ مشخص کرده است. حوزه فراگیر: محدوده ای که هنوز در آن حس خودمانی بودن بین ساکنین وجود دارد (تا میانه گذر هاشم خان همدیگر را می شناسند). حوزه بلافصل: علی رغم اینکه گذر گلچینان مابین محله گودال عباسی و هاشم خان است اما بدلیل وجود بازارچه در گذر، محدوده ای که افراد به آن حس تعلق دارند و آن را خودمانی می دانند، تلفیقی از این محلات است. حوزه مداخله: محدوده ای که دخل و تصرف طراحانه، خودمانی بودن گذر را تشدید می کند.

یافته های تحقیق

برای تجزیه و تحلیل پرسشنامه ها به بررسی داده های مربوط به خودمانی شدن فضا و نیز داده های مربوط به خاطره انگیزی فضا می پردازیم. همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود برای فضای خودمانی پنج معیار در نظر گرفته شده است که از این بین حس تعلق به فضا با بیشترین درصد در اولویت استفاده کنندگان از فضا قرار دارد. معیارهای خاطره انگیزی شش معیار که از مهمترین ها هستند مورد سوال واقع شده که سابقه سکونت در اولویت اول قرار دارد. لازم به ذکر که استفاده کنندگان از فضا، در پاسخ به سوال باز پرسشنامه مبنی بر اینکه چه ویژگی هایی را در خودمانی و خاطره انگیزی فضا دخیل می دانند، به موارد مختلف و گاهاً مشابهی اشاره داشته اند که با نظر نگارندگان تمامی آن ها وابسته به معیارهای ذکر شده می باشند لذا از ذکر آن ها پرهیز شده است.

تحلیل بعد فعالیت

از آنجایی که کاربری های فرامحله ای باعث ورود افراد متفرقه غیر محلی به گذر می شود، شناسایی آن ها امری ضروری است تا در ملاحظات طراحی به گونه ای با آن ها برخورد شود که گذر خودمانی تر شود. همان گونه که در نقشه شماره ۵ ملاحظه می کنید، عموم کاربری های فرامحله ای در حاشیه خیابان های اصلی و گذر هاشم خان قرار دارند و برخی از آن ها مانند گاراژ ناجی در حال حاضر عملکرد خود را از داده اند. کاربری هایی از جمله: آموزش عالی در مقیاس فرا شهری و دبیرستان ایرانشهر، کارگاه فرش، مبیل فروشی و آموزشگاه در مقیاس منطقه ای و مسکونی ها، زورخانه، حسینیه ها و تجاری های محلی در مقیاس محلی فعالیت دارند. علاوه بر آن کاربری های موثر بر طرح در نقشه شماره ۶ معرفی شده اند. عرض گذر گلچینان در قسمت ابتدایی از سمت خیابان ایرانشهر ۸-۱۰ متر و در سایر قسمت ها ۴-۶ متر می باشد و محصوریت ۱ به ۲ و ۱ به ۱ می باشد، وجود پیچ و خم ها و محصوریت مناسب باعث ایجاد حس نزدیکی بین افراد و خودمانی شدن فضا شده است. وضعیت کفسازی آن به صورت



نقشه ۵. کاربری های فرامحله ای، ماخذ: نگارندگان

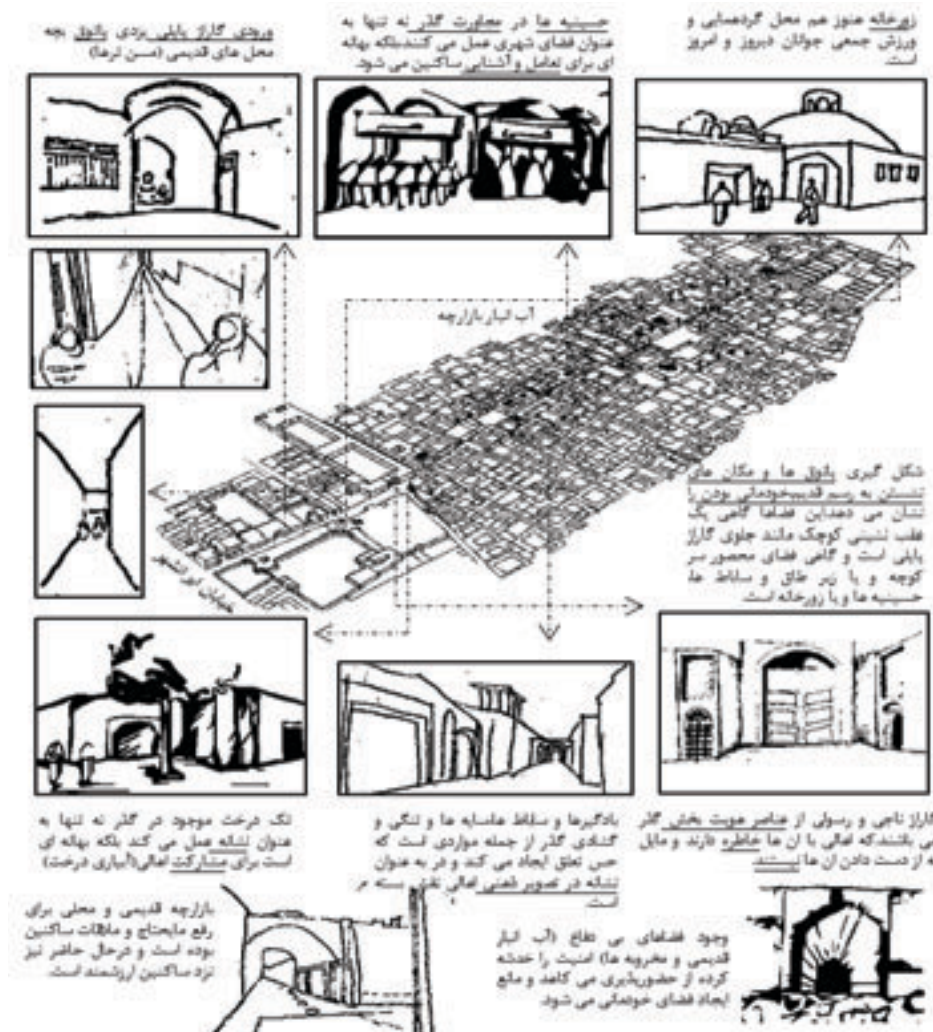


نقشه ۶. کاربری های موثر بر طرح، ماخذ: نگارندگان

تحلیل بعد کالبدی

از لحاظ فرم کالبدی معماری یزد به صورت درونگرا و حیاط مرکزی می باشد، لذا لازم است فضاهای بیرونی نیز این خصلت را داشته باشند تا افراد احساس راحتی بیشتری در فضا داشته باشند. نقشه شماره ۷ بیانگر توده و فضا (وضع موجود) در محدوده طراحی می باشد. بناها عموماً یک طبقه و با قدمت بالای ۵۰ سال می باشند. عموماً بناها از لحاظ کیفیت قابل نگهداری می باشند و با توجه به تاریخی بودن بافت، بناهای دارای ارزش میراثی مانند خانه مودت و مسجد تبریزی ها و... از لحاظ کالبدی و تاریخی حائز اهمیت می باشند. وجود زمین های بلااستفاده در محدوده پتانسیلی است

آسفالت و بدون پیاده رو می باشد که تا حدودی امنیت را کاهش داده است. ورودی این گذر از سمت خیابان قیام هیچ گونه دعوت کنندگی ندارد و تنها با سرپوشیده شدن قابل تمییز است. این غریب گز بودن حاکی از خودمانی بودن گذر می باشد. ورودی از سمت خیابان ایرانشهر نیز دعوت کنندگی ندارد اما شدت غریب گز بودنش کمتر می باشد. شناسایی عرض معبر، محصوریت آن، وضعیت کفسازی و مقطع عرضی در کیفیت های امنیت، محصوریت، سرزندگی تاثیر می گذارد و به تبع آن خودمانی بودن گذر را تحت الشعاع قرار می دهد.



تصویر ۱. بعد معنوی طراحی فضاهای خودمانی، ماخذ: نگارندگان

تصویر ۱. بعد معنوی طراحی فضاهای خودمانی، ماخذ: نگارندگان

پس از جمع بندی و تحلیل مرحله شناختن، محققان با توجه به رویکرد پژوهش، اهداف و سیاست ها را مبنی بر خودمانی شدن فضا جهت تحقق خاطره انگیزی در نظر گرفته اند که قسمت هایی از جداول مربوطه ارائه شده است.

از آنجایی که خاطره با زمان در ارتباط تنگاتنگی است و مداخله صورت گرفته در بافت تاریخی شهر یزد می باشد که روح زمان در آن نهفته است بررسی محیط تاریخی نیز حائز اهمیت می باشد. ضمن اینکه دو مبحث خاطره و خودمانی بودن با اجتماع سروکار دارند، بررسی محیط اجتماعی هم در این راستا متمرکز می باشد. و نیز اهمیت محیط اقتصادی به

جهت طراحی فضاهای باز جمعی و شکلگیری تعاملات در جهت افزایش مشارکت، آشنایی، حس تعلق و به تبع آن خودمانی تر شدن گذر.

تحلیل بعد معنایی

تصویر شماره ۱ به بررسی و شناخت محل های گردهمایی و پاتوق ها، بهانه های حضور و مشارکت اهالی، عناصر هویت بخش، عناصر شاخص کالبدی و نشانه ها و همین طور یافتن فضاهای گم شده و با امنیت کم در راستای ایجاد فضای خودمانی و خاطره انگیز بوده است، پرداخته است.

اهداف کلان و برنامه های مبتنی بر خودمانی و خاطره انگیز شدن فضا

جدول ۳. ویژگی های وضع موجود در حوزه های حفظ خاطره و اهداف کلان و برنامه های متناظر با آن،

حوزه خاطره	وضع موجود	اهداف کلان	برنامه ها
بعد فعلی	<p>(*) کاربری های موجود در گذر هم سطح عملکرد محلی و هم شهری و حتی گاهی فراشهری دارند. (*) کاربری های موجود در ابتدای گذر از خیابان قیام عموماً در مقیاس فرامحله ای کار می کنند. (*) گاراژ در حال حاضر به عنوان انبار مورد استفاده قرار می گیرد. (*) کارکردهای مسکونی به صورت قرار گرفته اند که پشت به گذر می باشند. (*) ساکنین گذر از بازارچه هاشم خانی در گذر پشتی برای رفع مایحتاج استفاده می کنند. (*) از این گذر انشعابات زیادی گرفته شده است. (*) عرض گذر در قسمت های مختلف متفاوت است. (*) گذر گلچینان خیابان قیام را به خیابان ایرانشهر متصل می کند. (*) در این گذر دو پارکینگ اصلی وجود دارد.</p>	<p>(*) پخشایش مناسب کاربری ها؛ (*) پیوستگی فعالیتی؛ (*) اختلاط کاربری ها و گوناگونی؛ (*) رفع نیازهای روزانه ساکنین؛ (*) تسهیل و ایمنی رفت و آمدها؛ (*) جلوگیری از عبوری شدن گذر</p>	<p>(*) رعایت مقیاس عملکرد کاربری ها؛ (*) ایجاد فضاهایی با کاربری های مختلط؛ (*) ایجاد تنوع فعالیتی؛ (*) ایجاد فضاهایی برای دست فروشان کاربری های انعطاف پذیر مانند برگزاری نمایشگاه موقت و مراسم آیینی و...؛ (*) برگزاری کلاس های خودگردان آموزشی و فنی در کارگاه های موجود؛ (*) ایجاد تمرکز کاربری ها مانند مرکز محله برای رفع مایحتاج روزانه و هفتگی ساکنین؛ (*) تبدیل دانه های مخروبه موجود در لایه پشتی گذر به پارکینگ؛ (*) برگزاری نمایشگاه های دانشجویی در فضاهای باز انعطاف پذیر جهت آشنایی هر چه بیشتر دانشجویان و اهالی و شکلگیری همکاری ها و اعتماد دوطرفه بین ساکنین و دانشجویان؛ (*) ارتقا سطح کیفی خانه های قدیمی؛ (*) تزریق کاربری های مناسب بافت قدیمی مانند مهدکودک، خانه سالمندان، خوابگاه دانشجویی؛ (*) ایجاد کاربری های اولیه و ثانویه؛ (*) تعریف سکانس های تجاری- فرهنگی، مذهبی- گردشگری در گذر؛ (*) ارتقا ایمنی؛ (*) تقویت حضور پیاده و دوچرخه در فضا؛ (*) اصلاح دسترسی ها؛ (*) تعریف ابتدا و انتهای گذر (ورودی ها)؛ (*) ایجاد پارکینگ در لایه دوم؛ (*) توجه به دسترسی سریع و آسان به خدمات؛ (*) جلوگیری از عبوری شدن گذر برای سواره ها؛ (*) تنوع بخشی به فرم، عرض و وضعیت کفسازی و سقف</p>



جدول ۳. ویژگی های وضع موجود در حوزه های حفظ خاطره و اهداف کلان و برنامه های متناظر با آن،

<p>بعد کالبدی</p>	<p>(*) عموم بناها یک طبقه بیش از ۵۰ سال و با کیفیت قابل نگهداری می باشند که نقشه های مربوطه قبلا ارائه شده است. (* بافت تنیده می باشد و نسبت توده بر فضا غلبه دارد. (* اقلیم شهر یزد گرم و خشک می باشد لذا گرما مسئله اصلی می باشد. (* نسبت ارتفاع جداره گذر در برخی جاها مناسب این اقلیم نیست. (* تک درخت موجود در گذر تنها عنصر اکولوژیک موجود می باشد.</p>	<p>(*) برقراری تعادل توده و فضا (* ارتقا معماری و شهرسازی بومی؛ (* پایداری زیست محیطی</p>	<p>(*) پیوستگی در عناصر کالبدی؛ (* پیوستگی فضایی؛ (* عدم غلبه فضا بر انسان؛ (* استفاده از فرم های بومی؛ (* حفظ کالبد شاخص برخی ابنیه؛ (* از بین بردن فضاهای گمشده؛ (* ایجاد عقب رفتگی و بیرون زدگی در خط بنا در گذر پیروی از اصل حریم و قلمرو؛ طراحی فضا متناسب با اقلیم گرم و خشک؛ (* پاکسازی زمین های بایر از زباله ها و...؛ (* افزایش سبزیگی و ارتقا شرایط به گونه ای که گرمای هوا مانع از رشد گیاهان نشود. (* استفاده از درختان همیشه سبز و ساماندهی گلجایها</p>
<p>بعد معنایی</p>	<p>(*) شکل گیری پاتوق ها و مکان های نشستن به رسم قدیم، خودمانی بودن را نشان می دهد. این فضاها گاهی یک عقب نشینی کوچک مانند جلوی گاراژ رسولی است و گاهی فضای محصور سر کوچه و یا زیر طاق و ساباط ها است. (* ورودی این گذر از سمت خیابان قیام هیچ گونه دعوت کنندگی ندارد و تنها با سرپوشیده شدن قابل تمییز است. این غریب گز بودن حاکی از خودمانی بودن گذر می باشد. (* ورودی از سمت خیابان ایرانشهر نیز دعوت کنندگی ندارد اما شدت غریب گز بودنش کمتر می باشد. (* غالب مصالح به کار برده شده خشت و گل می باشد. (* رنگ بافت اغلب اگر خشت و گل می باشد؛ (* در جداره گشودگی رو با فضای خیابان کمتر دیده می شود.</p>	<p>(*) ارتقا حس مکان و حس تعلق به محیط؛ بالا بردن میزان آرامش و امنیت در محله؛ (* ارتقا منظر عینی و ذهنی</p>	<p>(*) تعریض معبر برای سهولت حرکت سواره و پیاده؛ (* تفکیک حرکت سواره و پیاده با استفاده از طراحی مناسب و مبلمان شهری مناسب فضا؛ (* تامین روشنایی گذر؛ (* تامین روشنایی و دید ناظر بر پارکینگ ها؛ (* ایجاد جذابیت بصری در بدنه گذر و فضاهای مکث ایجاد شده؛ (* حفظ دید به عناصر طبیعی موجود؛ (* تقویت و ارتقا کیفی کریدورهای دید و ویستاها؛ (* استفاده از خط آسمان متعادل و متناسب با هویت کالبدی شهر یزد؛ (* توجه به منظر کف جداره و بام؛ (* توجه به جزئیات طبقه هم کف؛ (* توجه به نفوذ بصری</p>

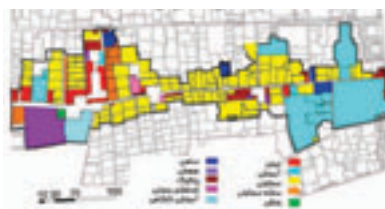
جدول ۴. بعد رویه ای موثر در خودمانی و خاطره انگیزی و اهداف کلان و عملیاتی متناظر با آن

وضع موجود	اهداف کلان	اهداف عملیاتی
محیط اجتماعی	<p>(*) افزایش بهانه های حضور ساکنین و تقویت حس مشارکت؛ (*) ارائه تمهیداتی جهت خودکفایی گذر به لحاظ نگهداری و تامین امنیت توسط خود ساکنین و با توجه و با بودجه آنها «مدیریت خصوصی»؛ (*) ایجاد ارتباط و آشنایی بین دانشجویان و اهالی محلی برای ارتقا دوستی و خودمانی دانستن آن ها نزد اهالی مانند ایجاد فضاهایی برای ارائه طرح های دانشجویی به ساکنین؛ (*) ارتقا کیفی حسینیه ها و مکان های گردهم آیی؛ (*) برگزاری جلسات مشاوره بین ساکنین و واعظین مورد اعتماد محل؛ (*) ارتقا دادن سطح فرهنگ و سواد افراد با برگزاری کلاس های خودگردان آموزشی و فنی؛ (*) ایجاد زمین های ورزشی و بازی کودکان؛ (*) جلب اعتماد افراد و حفظ حریم های خصوصی آن ها با ایجاد فضاهای جمعی دنج جهت برگزاری مراسم؛ (*) ایجاد فضاهای ورزشی مخصوص سالمندان؛ (*) ایجاد فضاهای باز جمعی برای گردهمایی های جوانان و کودکان و کمک به امنیت و پرهیز از بزهکاری در بن بست ها و فضاهای بی دفاع.</p>	<p>(*) قشر اجتماعی موجود را می توان دو دسته یزدیان قدیمی و افغانیان مقیم در نظر گرفت. این اقشار باهم روابط و فضاهای جمعی مشترک دارند. (*) تعداد فرزندان در این خانواده ها عموما بالا می باشد. (*) کودکان حاضر در سایت تعداد قابل ملاحظه ای دارند. (*) کودکان محل باهم هم بازی هستند و بچه محل از غریبه قابل تمیز است. (*) سالمندان نیز سهم نسبتا بالایی دارند. (*) بخشی از گذر محل عبور و مرور دانشجویان است. (*) افراد محلی فعالیت های گروهی نظیر روضه خوانی، مهمانی های دوره ای و... دارند.</p>
محیط تاریخی	<p>(*) حفاظت بناهای ارزشمند تاریخی؛ (*) حفظ و ارتقا روابط بین فضا و مسیر و رعایت اصل پیوستگی؛ (*) استفاده از الگوهای فضایی موجود جهت طراحی فضاهای خودمانی و رعایت اصل مقیاس و تناسب؛ (*) استفاده از هویت موجود در گذر و نام گذر ناجی برای توجه به این همانی در فضا؛ (*) ارتقا کیفی برخی ساختمان های تخریب شده و تزریق کاربری به آن ها؛ (*) بهبود وضعیت زیرساخت های موجود در بافت تاریخی و وضعیت آب های سطحی برای ایجاد فضاهای همه گیر و خودمانی تر؛ (*) معاصر سازی دانه های بزرگ و کوچک سایت؛ (*) طراحی مسیر گردشگری در حوزه بلا فصل ضمن حفظ خودمانی بودن گذر؛ (*) نگهداری و مرمت خانه های دارای ارزش معماری تاریخی و در جهت حفظ تاریخچه گذر تعریض معابر با احترام به بافت تاریخی و حفظ عناصر با ارزش و ایجاد تعریض از سمت بناهای فاقد ارزش.</p>	<p>(*) بافت حاضر جزو بافت تاریخی ارزشمند است. (*) گذر گلچینان از قدیم الایام جزو معابر با اهمیت بوده است و به نوعی مسیری بوده است در قلب شهر. (*) قدمت تاریخی سایت باعث ایجاد حس مالکیت و حس تعلق ساکنین شده است.</p>
محیط اقتصادی	<p>(*) ارتقا و رونق اقتصادی در محله؛ (*) احیای دوباره گاراژها و تغییر کاربری آن ها به تجاری و تفریحی؛ (*) استفاده از صنایع دستی و هنرهای سنتی جهت اشتغالزایی و درآمدزایی مخصوصا بانوان خانه دار؛ (*) جذب توریست و رونق وضعیت اقتصادی محله</p>	<p>(*) سطح درآمد عموما متوسط رو به پایین است. (*) اشتغال ساکنین عموما خدماتی و کارگری است. (*) کاربری های در سطح شهر قرار دارند که در اقتصاد شهر نیز موثر هستند. (*) وجود بازار هاشم خان و بقایایی از بازار قدیمی در گذر گلچینان.</p>





تصویر ۲. معرفی طرح پیشنهادی، ماخذ: نگارندگان

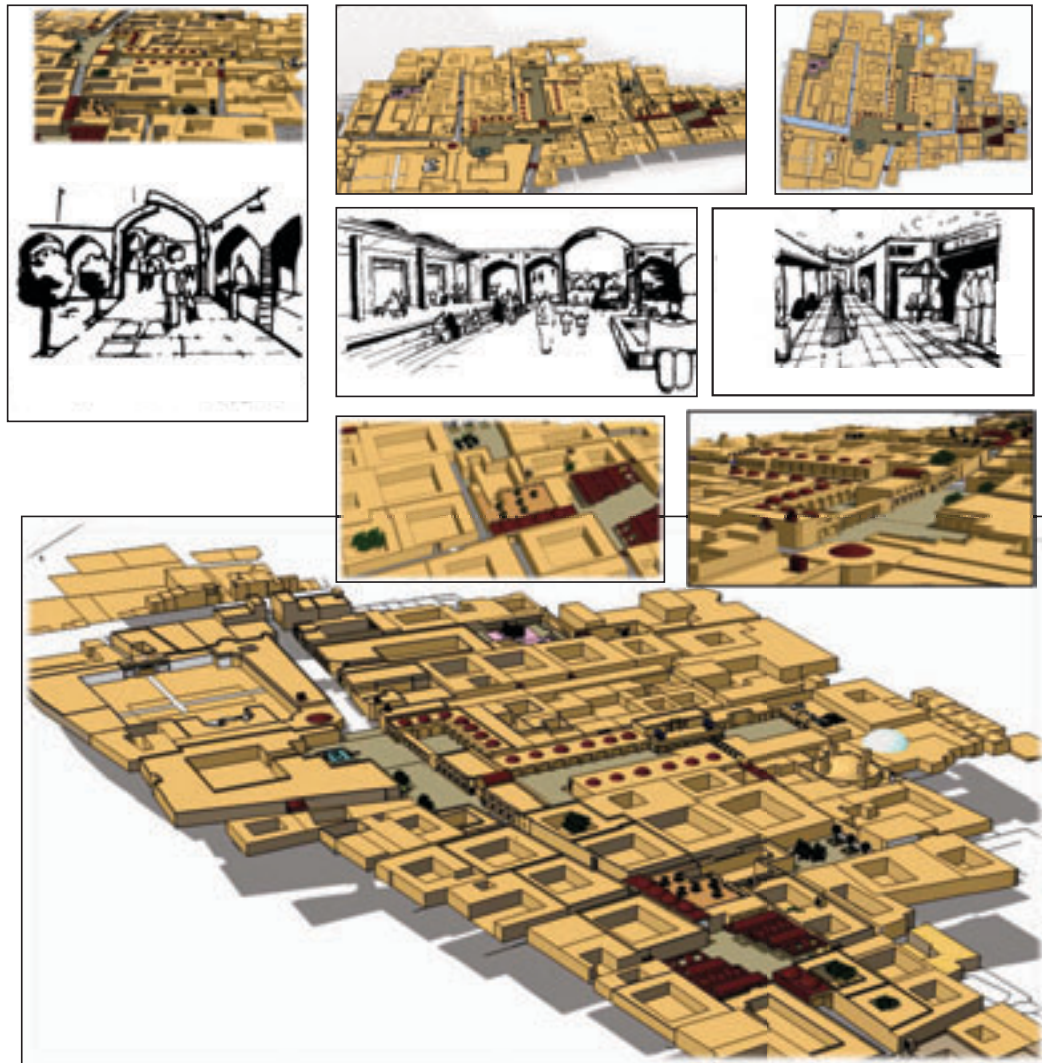


نقشه ۸. کاربری اراضی پیشنهادی، ماخذ: نگارندگان

عنوان چرخ زندگی شهروندان برکسی پوشیده نیست که در جدول شماره ۳ به آن‌ها پرداخته شده است. در ادامه فرایند طراحی از بین گزینه‌های پیشنهادی در حوزه فراگیر و حوزه مداخله با ارزیابی شکل گرفته با استفاده از تکنیک دلفی، گزینه برتر انتخاب شده که در ادامه به معرفی طرح پیشنهادی پرداخته شده است. لازم به ذکر است معیارهای ارزیابی در تکنیک دلفی شامل عوامل تاثیرگذار در خودمانی شدن فضا و نیز خاطره‌انگیزی آن می‌باشند. مانند: مشارکت پذیری طرح، ارتقا حس تعلق، حفظ هویت کالبدی-اجتماعی-تاریخی، طراحی ارگانیک و سادگی.

همانطور که در نقشه ۸ کاربری‌های پیشنهادی ملاحظه می‌شود، کارگاه فرش و مبیل فروشی به کاربری فرهنگی کانون جوانان، محلی برای گردهمایی آنان تبدیل شده است، کاربری‌های مکمل آموزشی مانند خوابگاه دانشجویی و دفاتر فنی و فروش لوازم

آموزشی جهت ارتباط و تعامل بیشتر دانشجویان با ساکنین بافت در نظر گرفته شده است، گشودگی فضایی در گذر با استفاده از کاربری‌های بایر موجود جهت بازی بچه‌ها و ارتقا نظارت والدین بر آن‌ها و افزایش امنیت خاطر و سرزندگی فضا لحاظ شده است، در محل گاراژ ناجی مرکز محله پیش بینی شده است، نه تنها بهانه‌های حضور را افزایش می‌دهد بلکه زمینه‌ی دیدوبازدیدها و صمیمیت و خودکفایی محله را ایجاد می‌کند که از معیارهای خودمانی و خاطره‌انگیزی می‌باشند. فضای باز جمعی درون محلی برای گفتگو و جمع شدن بانوان خانه‌دار جهت ارتقا روابط اجتماعی و فعالیت‌های جمعی در عین محرمانگی و محصوریت مناسب با درونگرایی و با رعایت اصل قلمرو و نیز فضای باز جمعی جهت برگزاری نمایشگاه کارهای دانشجویی و یا صنایع دستی و هنری اهالی ساکن ایجاد شده است. کاربری‌های هویت‌ساز محله از جمله گاراژها احیا شده و به تجاری، فرهنگی و آموزشی تبدیل شده‌اند. زورخانه



تصویر ۲. معرفی طرح پیشنهادی، ماخذ: نگارندگان

گذر سمت خیابان قیام به سمت انتهای گذر خیابان ایرانشهر) کلیه ارتفاع ها در جهت مسدود نشدن این دید لحاظ شده است.

نتیجه گیری و جمع بندی

مقاله حاضر به بررسی و طراحی فضاهای خودمانی و خاطره انگیز پرداخت. بدین منظور با انجام مطالعات گسترده در زمینه این دو مفهوم، با مدنظر قرار دادن سه مولفه معنا، کالبد و فعالیت که از عوامل اصلی ایجاد خاطره انگیزی و هویت در فضاهای شهری می باشند، در صدد برقراری رابطه بین عوامل موثر در خودمانی شدن فضا (حس تعلق، مشارکت، امنیت و ایمنی، مقیاس

موجود مرمت شده و فعالیت خود را از سر می گیرد. در طراحی جداره گذر از فرم ها و نماهای رایج و مرسوم بافت تاریخی یزد استفاده شده است. با توجه به وجود عناصر کالبدی شاخص و نشانه ای مانند بادگیرها و نیز گنبد اب انبار موجود و مسجد پشت گذر ناجی و همچنین زورخانه، عموم طبقات یک طبقه پیشنهاد شده است به جز چند مورد مانند سکانس اول طراحی، استفاده از زیرزمین توصیه می شود. با توجه به اقلیم گرم و خشک تابستانی و نیاز به سایه اندازی در گذر، کلیه ابنیه دارای جان پناه حداکثر تا ۱ متر می باشند. با توجه به وجود دید به سمت کوه ها (دید از ابتدا

انسانی و همه شمولی) و این سه مولفه برآمده است که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است. نگارندگان پس از تدوین چارچوب مفهومی، آن را در یک نمونه موردی یعنی گذر گلچینان واقع در بافت تاریخی یزد مورد بررسی قرار دادند. از آنجایی که دو مبحث خاطره و خودمانی بودن از جمله مباحث اجتماعی می باشند که در رابطه ی انسان با محیط موثر واقع می شوند، مصاحبه با اهالی برزن گودال مصلی کمک شایانی جهت یافتن اولویت های استفاده کنندگان از فضا در راستای خودمانی شدن و خاطره انگیزی بوده است. داده های آماری برآمده از پرسشنامه ها مبین این است که عواملی مانند: حس تعلق، مشارکت، امنیت وایمنی، مقیاس انسانی و همه شمولی، قطعا در خودمانی تر شدن فضا تاثیر بسزایی دارند. و در بین آن ها حس تعلق و مشارکت بیشترین سهم را در ایجاد فضای خودمانی دارند. به علاوه اینکه مصاحبه شوندگان سابقه سکونت، هویت کالبدی، حوادث تاریخی، ارزش های فرهنگی مشترک، وجود مکان هایی برای تعامل اجتماعی و سرزندگی را از عوامل خاطره انگیزی دانسته و بر لزوم حفظ آن ها تاکید داشته اند. قدمت تاریخی این فضا، زمینه های خاطره انگیزی را تا حدی فراهم کرده است. بدین معنا که وجود سه مولفه ی معنا، کالبد و فعالیت این امکان را ایجاد می کند تا با بهره گیری از آن ها، تغییر، تقویت و یا تزریق مجدد، فضا را برای استفاده کنندگان به فضایی امن، جذاب و متنوع مبدل سازد تا زمینه های مشارکت و دخل و تصرف آن ها فراهم گردد و در نهایت منجر به خودمانی شدن فضا گردد. وجود کاربری های قدیمی (زورخانه قدیمی، حسینیه ها، مساجد، گاراژها و...) هرچند کمتر از گذشته اما بهانه ای برای حضور و گرهمایی ساکنین می باشند. وجود عناصر شاخص کالبدی (بادگیرها، ساباط ها، گنبدها، رواق ها و...)، هویتمندی فضا را رقم می زند و به آشنا بودن فضا در جهت خودمانی شدنش کمک می کند. در کنار اینها فضاهای گمشده و پنهان، مخروبه و متروکه شدن بناهای ارزشمند تاریخی، خودمانی بودن فضا را خدشه دار می کند. نتایج این مقاله می تواند

مقدمه شروع تحقیقات و پژوهش های دیگر در زمینه شهرسازی و به خصوص طراحی شهری باشد. استفاده از نتایج آن، در زمینه های طراحی شهری مشارکتی، افزایش سرزندگی و سایر پروژه های شهری با محوریت استفاده کنندگان از فضا توصیه می شود.

منابع و مأخذ

- ابل، کریس، (۱۳۸۷)، معماری و هویت، ترجمه فرح حبیب، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۹۰)، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. چاپ پنجم. وزارت مسکن و شهر سازی، انتشارات شهیدی.
- حبیب، فرح و دیگران (۱۳۸۷)، پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت، نشریه هویت شهر، شماره حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸)، فضای شهر، حیات واقعه ای و خاطره جمعی، نشریه صفا، شماره ۲۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، لغت نامه، تهران.
- سلطانی، علی و احمدعلی نامداریان (۱۳۹۰)، تحلیل نقش فضاهای شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهرها، نشریه باغ نظر، شماره ۱۸
- سلطانی، علی و دیگران (۱۳۹۲)، شکل گیری، تقویت و مانایی خاطره در فضاهای شهری، نمونه موردی: محور شهید چمران شیراز - فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱
- عمید، حسن، (۱۳۸۳)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر
- گلکار، کورش (۱۳۸۶)، مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، نشریه صفا، شماره ۴۴
- گلکار، کورش، (۱۳۸۶)، طراحی شهری در عمل، تجربه رامشار: الگویی برای هدایت و کنترل چندسطحی در طراحی شهری - فصلنامه آبادی، شماره ۵۶
- معین، محمد (۱۳۵۰)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیر کبیر
- میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۷)، معیارهای سنجش امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷.
- Canter, D. (1977), Psychology Of Place, London, ar-

chitectural press.

Cowan, Robert (2005), Dictionary of Urbanism, Tisbury, Streetwise

Henri Lefebvre, The Critique of Everyday Life: The One-Volume Edition, verso books, ۲۰۱۴, ۸۴۸pp

Lewicka, Maria (2008), "Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past", Journal of Environmental Psychology, No 28: 209-231

Longman Advanced American Dictionary, 1978, Press, Wiltshire

Rossi, Aldo (1982), The Architecture of the city, Cambridge, the MIT press, Massachusetts.

Sternberg, R. J., Forsyth, G. B., Hedlund, J., Horvath, J. Snook, S., Williams, W. M., Wagner, R. k., & Grigorenko, E. L. (2000): Practical intelligence in everyday life. New yourk: Cambridge University Press.

Strenberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (2000): Teaching for successful intelligence. Arlington, IL: Skylight

Webster, merriam, (2003), Merriam webster's collegiate dictionary, Webster

Wilson, Robert(2005), Collective Memory, group minds and the extended mind thesis, <http://www.arts.ualberta.ca/~raw/collectmem.pdf>.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۵۰۰ ■

ارزیابی میزان ارتباط شفابخشی منظر باغ ایرانی با فضاهای باز شهری

رکسانا عبدالمهی - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

بهناز امین زاده* - دکتری شهرسازی، دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، تهران، ایران.
آزاده شاهچراغی - دکتری معماری، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

ایرج اعتصام - دکتری معماری، استاد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

منظر شفابخش به عنوان محیطی مطلوب جهت کاهش تنش و افزایش آرامش در فضاهای متراکم و آشفته شهری امروزی می تواند بر سطح سلامت افراد تأثیرگذار باشد. به طوری که این مناظر به لحاظ برخورداری از ویژگی هایی، قابلیت کاهش تنش و فشار عصبی، ایجاد آرامش و بازگردانی وضع سلامت را خواهند داشت. به همین سبب هدف این تحقیق شناخت چگونگی ارتباط میان مؤلفه های شفابخشی منظر باغ ایرانی و مؤلفه های کیفیت (مطلوبیت) و شفابخشی فضاهای باز شهری به منظور کاستن از تنش های محیطی ساکنین شهرها می باشد. روش تحقیق به دو صورت اکتشافی و همبستگی بوده و از فن مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه به جهت جمع آوری اطلاعات میدانی بهره گرفته شده است. جامعه آماری تحقیق استفاده کنندگان از پارک های شهری ساخته شده بر اساس اصول باغ ایرانی می باشند و نمونه های مورد مطالعه در این پژوهش استفاده کنندگان از بوستان باغ ایرانی ده ونک تهران و باغ ایرانی گوهردشت کرج می باشند. نمونه گیری به صورت هدفمند بوده و تعداد ۱۱۰ پرسشنامه در میان افراد توزیع شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مؤلفه رنگ با مقدار میانگین ۴,۳۷ بیشترین تأثیرگذاری را بر شفابخشی منظر در باغ ایرانی داشته و نیز مؤلفه رایحه با مقدار میانگین ۲,۷۶ دارای کمترین میزان تأثیر می باشد. نتایج دیگر تحقیق مبنی بر آن است که مؤلفه رایحه، آب، گیاه و نور با تمامی محرک های کیفی فضاهای باز شهری دارای ارتباط هستند. مؤلفه رنگ با تمامی محرک های کیفی به جز حس مشارکت ارتباط داشته؛ هم چنین مؤلفه موسیقی تنها با محرک کیفی تحریک حواس دارای ارتباط می باشد.

واژه های کلیدی: شفابخشی، منظر شفابخش، باغ ایرانی، فضاهای باز شهری

Evaluate the relationship between healing Persian garden landscapes with urban open spaces

Abstract

Landscape healing as a favorable environment to reduce stress and increasing relaxation and Turbulent dense urban areas today can have an impact on human health. So that these views regarding the features, functionality reduces tension and stress, help you relax and restore their health status. The purpose of this research to know how the Persian Garden and Landscape Healing the Relationship between quality components (utility) and healing urban open spaces to reduce environmental stresses are city dwellers. Both exploratory and correlational research methods and techniques, observation and questionnaires were used to collect field data. The study of users of the urban park built on the principles of garden Iran. And examples of study in these research ten users of the Persian garden Tehran's Vanak park and garden are Gohardasht Iran. Sampling was targeted and the numbers of 110 questionnaires were distributed among the people. The results indicate that the color component with the greatest influence on healing the perspective of the average value of 4.37 in the Iranian garden. As well as fragrance components with an average value of 2.76 is the lowest impact. Results of other studies that some components of fragrances, water, plants and light quality with all the drivers of urban open spaces are connected. All drivers except for color quality components connected to the sense of participation. The music component is associated only with the stimulant quality stimulate the senses.

Keywords: healing, healing perspective, Persian gardens, urban open spaces

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۰۳۰۹۹۴؛ رایانامه: bghohar@ut.ac.ir

۱. مقدمه

بروز بحران‌های محیطی و شیوه زندگی قرن بیست و یکم، انسان معاصر را در دام تنش، فشار و بحران عصبی گرفتار آورده است. برآیند معضلات ناشی از مجموعه عوامل منجر به ایجاد بحران‌های محیطی کیفیت شهری نامطلوبی از حیث‌های متفاوت رقم زده است. اثرات سوء ناشی از این عدم مطلوبیت در فضاهای شهری معاصر (از جمله فضاهای باز شهری)، بحران‌های عصبی و روانی را برای ساکنین شهرها به بار آورده و منجر به بیماری‌های جسمی، روانی و اجتماعی می‌گردند. یکی از رویکردهای مؤثر در زمینه نیل به راهکاری به‌منظور نزدیکی هرچه بیشتر فضاهای متراکم و آشفته شهری امروزی به سطح فضاهایی کاهنده تنش و افزایش آرامش، مناسب، مطلوب و در نتیجه مؤثر بر سطح سلامت افراد رویکرد «منظر شفابخش» است. علاوه بر این کشوری مانند ایران دارای میراث فرهنگی و طبیعی ارزشمندی به نام «باغ ایرانی» است. این اثر متضمن مفاهیم متعالی و سودمند، مزید بر ارزش‌های زیبایی‌شناختی‌اش دارای منظر با رویکرد شفابخشی است، به عبارتی شرایط سوق انسان‌ها به سمت آرامش و ارتقاء سطح سلامت را داراست. درائتای سطح شهرهای مذکور فضاهای باز شهری به‌عنوان بستر فعالیت‌های کارکردی و پیونددهنده جامعه و منشأ مهم در جهت حفظ سلامت ساکنین شهری می‌توانند متضمن عامل حیات‌بخش طبیعت گشته و در جهت کاهش تنش و شدت انواع بیماری‌ها و افزایش سطح آرامش و ارتقاء سطح تأمین نیازها حد وسیعی از کاستی‌های حیات امروزی را به‌صورت بهینه پوشش دهند. به همین سبب استفاده از ویژگی‌های منظر شفابخش باغ‌های ایرانی و لحاظ کردن آن در فضاهای باز شهری در جهت متناسب بودن آنها با نیازهای زندگی روزمره امروزی مردم به عنوان مساله‌ای است که مدنظر بوده و در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد.

هدف اصلی این تحقیق شناخت چگونگی ارتباط میان مؤلفه‌های شفابخشی منظر باغ ایرانی و مؤلفه‌های کیفیت (مطلوبیت) و شفابخشی فضاهای باز شهری

به‌منظور کاستن از تنش‌های محیطی ساکنین شهرها می‌باشد. در حدود سه دهه اخیر مطالعات مربوط به نحوه تاثیر گذاری کیفیات محیطی مختلف از مصنوع تا طبیعی بر وضعیت جسمی و روانی انسان به نتایج مشترکی رسیده‌اند (هادوی، ۱۳۸۳). مروری بر نظریات محققان در بخش تاثیر متقابل انسان و محیط، نشان می‌دهد که اغلب پژوهشگران و رفتارشناسان علاوه بر معرفی ویژگی‌های این نظریات همواره بر تاثیرات محیط بر سلامت (شفای) جسم و روان انسان تاکید کرده‌اند و معتقدند در روند شناخت رابطه تعاملی انسان - محیط نیازهای انسانی به عنوان عامل انگیزش رفتار در محیط می‌باشند (لنگ، ۱۳۸۱). آن‌ها بر این اصل اشاره کرده‌اند که هرچه در یک محیط به نیازهای انسانی بیشتر و بهتر پاسخ داده شود، آسایش جسمی و روانی بیشتری در فرد به وجود خواهد آمد (مرتضوی، ۱۳۸۰) و لذا نمی‌توان در وجود ارتباط میان محیط و سلامت (شفا) تردید نمود. اما تا کنون در مورد چگونگی چنین ارتباطی و چيستی مؤلفه‌های محیطی تاثیرگذار بر سلامت (شفا) سخنی مطرح نشده و نظر مشخصی در این زمینه ارائه نگردیده است. از سوی دیگر خلأ تحقیقاتی انجام شده در حیطه بررسی تاثیر محیط بر انسان به این شکل خود رانشان می‌دهد که این حوزه از مطالعات عمدتاً در زمینه روان‌شناسی محیط انجام شده و نتایج آن زبان اصول‌مند طراحی مناسب خود را در شهرسازی نیافته است و رویکرد شفابخشی منظر عمدتاً در رابطه با طراحی باغ و محوطه‌های بیمارستانی مطرح می‌باشد که بایستی در حوزه فضاها و مناظر شهری نیز بسط یابد (امین زاده، ۱۳۸۶). در این تحقیق تلاش شده برای نیل به هدف فوق از نظریه روان‌شناسی برانگیختگی محیط به طور روشمند استفاده گردد تا بتواند به معماران، شهرسازان و طراحان علاقمند، مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر سلامت (شفا) را جهت استفاده در محیط کالبدی شهرها و کلان‌شهرهای معاصر معرفی نماید. در این راستا نظام ارتباط فیزیولوژیک انسان از طریق حواس خود با محیط و محرک‌ها و شرایط محیطی بررسی گردیده است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۵۰۰

در این راستا سوالات ذیل طرح گردیده اند:

مؤلفه‌های محیطی شفابخشی چه هستند و چه تأثیراتی بر شفابخشی منظر باغ ایرانی دارند؟
مؤلفه‌های کیفی شفابخشی فضاهای باز شهری شامل چه عوامل و تأثیراتی هستند؟
چه ارتباطی بین مؤلفه‌های شفابخشی منظر در باغ ایرانی و مؤلفه‌های کیفی شفابخشی فضاهای باز شهری وجود دارد؟

۲. مواد و روش‌ها

نوع تحقیق در پژوهش حاضر کاربردی و روش تحقیق مورد استفاده اکتشافی و همبستگی می‌باشد. به منظور جمع‌آوری داده‌های حاصله، از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و فن پرسش‌نامه استفاده شده است. شیوه نمونه‌گیری از جمعیت آماری تحقیق، هدفمند بوده و موارد ذیل به‌عنوان عوامل مؤثر در انتخاب نمونه‌ها لحاظ گردیدند: ۱. افراد مدنظر مورد مطالعه از پارک به‌صورت دائمی استفاده نمایند. ۲. این افراد در صبحگاه از فضای پارک استفاده کنند. ۳. بازه سنی مدنظر برای نمونه مورد مطالعه بازه میان‌سال یعنی ۴۰ تا ۷۰ سال می‌باشند.^۱ تعداد پرسش‌نامه‌های توزیع شده در میان افراد استفاده‌کننده از پارک ۱۱۰ عدد بودند که هر سؤال بر یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شده است و بدین منظور با توجه به عدم دسترسی به میزان حجم جامعه در این دو پارک، از فرمول تعیین حجم نمونه زمانی که حجم جامعه نامعلوم است، استفاده گردید. نمونه‌های مورد مطالعه در این پژوهش بوستان باغ ایرانی ده ونک تهران و باغ ایرانی گوهردشت کرج می‌باشند که بر اساس اصول باغ ایرانی ساخته شده‌اند. محاسبات آماری در این تحقیق

با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

شفا، شفابخشی و منظر شفابخش

شفا اصطلاح گسترده‌ای است که به‌عنوان روندی کلی برای بهبود اطلاق می‌شود که جسم و روان را باهم در نظر می‌گیرد. بنا بر نظریه «کوپر مارکوس» و «مارنی بارنز» در سال ۱۹۹۵ میلادی، شفا، رهایی از علائم فیزیکی، بیماری و ضربه روحی است و عاملی برای کاهش فشار عصبی^۲ و افزایش میزان راحتی افراد قلمداد می‌شود (Cooper Marcus & Barnes ۱۹۹۵).

لازم به ذکر است که در بسیاری از متون، شفا مترادف کلمه سلامت به‌کاربرده می‌شود. در جدول یک به معانی شفا از دیدگاه‌های متفاوت قابل استناد، از نظر معنایی اشاره می‌گردد.

کاربرد عمومی مفهوم شفابخش به فرآیند مؤثری اطلاق می‌شود که سلامت همه‌جانبه را ارتقاء می‌بخشد. سه جنبه مختلف فرآیند شفابخشی عبارت‌اند از: ۱- رهایی نسبی از علائم فیزیکی بیماری مانند درد؛ ۲- کاهش تنش و افزایش آرامش؛ و ۳- بهبود احساس سلامت همه‌جانبه و حس امیدواری. بر مورد دوم به‌عنوان پیش‌نیاز سومین جنبه شفابخشی بیشتر تأکید می‌گردد (Cooper Marcus & Barnes ۱۹۹۹).

منظور از «منظر شفابخش»، «منظر درمانی» یا «منظر درمان‌گر» به‌طور کلی مناظری است که به لحاظ برخورداری از ویژگی‌هایی قابلیت رفع مشکلات جسمی و رهایی از تنش و فشار عصبی را دارند. این منظرها با تأکید بر ارتباط با طبیعت و نیز ویژگی‌های انسان-محوری خود به‌طور غیرمستقیم فعالیت‌ها و فرآیندهایی را که به بهبود وضع سلامت کمک



۱. بازه میان‌سال به این جهت مدنظر پژوهش قرار گرفت که در سن ۴۰ و ۵۰ سالگی افت سلامت عمومی، و ۶۰ تا ۷۰ سالگی افت سلامت فیزیکی و سلامت روان (نجاتی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۲۹) در میانسالان رواج داشته و منظر و باغ ایرانی در صورتی که خاصیت شفابخشی داشته و از مؤلفه‌های منتهی به چنین خاصیتی در آن‌ها استفاده گردد می‌تواند به بهبود وضعیت میانسالان کمک کند.

۲. استرس یا فشار روانی یک حالت درونی است که می‌تواند ناشی از خواسته‌های فیزیکی یا موقعیت‌های اجتماعی باشد، که بالقوه زبان‌بار، غیرقابل کنترل یا فراتر از استعداد سازگاری فرد می‌باشد (Ulrich ۱۹۹۱، ۲۰۳)

جدول ۱. معانی شفا از دیدگاه‌های مختلف؛ مأخذ: نگارندگان (با توجه به منابع)، ۱۳۹۵.

دیدگاه‌ها	معانی و مفاهیم واژه «شفا» (یابی)
طب سنتی	هماهنگی چهار مزاج آدمی: دمو، بلغمی، صفراوی و سوداوی (صدیقی، ۱۳۹۱، ص ۹)
لغت‌نامه وبستر	برطرف کردن کلیه امراض و بیماری‌ها، بهبود یافتن و ترمیم شدن، سلامتی و شفایابی به مفهوم عمل یا فرآیندی است که در آن همه‌چیز رو به سلامتی و بهبودی است (دلفان، دری و حاتمی ۱۳۹۰، ص ۲)
لغت‌نامه آکسفورد (انگلیسی)	۴ معنی از کلمه Heal برمی‌آید: (۱) ایجاد بهبودی در شرایط جسمی (۲) بهبود یافتن (یک بیماری) (۳) رها شدن از برخی شرایط ناگوار مثل بیماری‌های جسمی و روحی (۴) سالم و با طراوت شدن
سازمان جهانی بهداشت	آسایش جسمی، روحی، روانی و اجتماعی و نه فقط نداشتن بیماری و نقص عضو (نیکبخت ۱۳۸۳، ص ۷۹)
حکیم نظامی در کتاب پنج گنج	سلامتی-آسودگی (سلامت به اقلیم آسودگی است) (صدیقی ۱۳۹۱، ص ۹)
محققان	سلامتی و شفا (یابی) به مفهوم واکنش‌های مثبت روانی، روحی، جسمی و کاهش رفتارهای ناهنجار است و محیطی آرامش‌بخش را فراهم می‌کند تا احساس تسکین خاطر را به کاربران آن محیط القا کند. (Van den Berg et al. 2010,1204)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۵۰۲

مختلف، سرما و گرما و نیز محرک‌های پیچیده‌تر مانند ساختمان‌ها و مناظر طبیعی (مرتضوی، ۱۳۸۰، ص ۱۴).

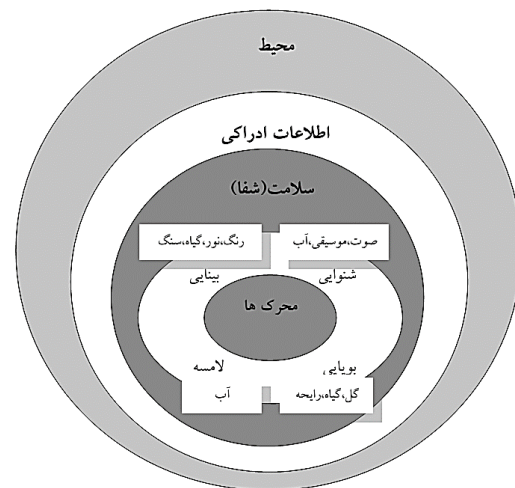
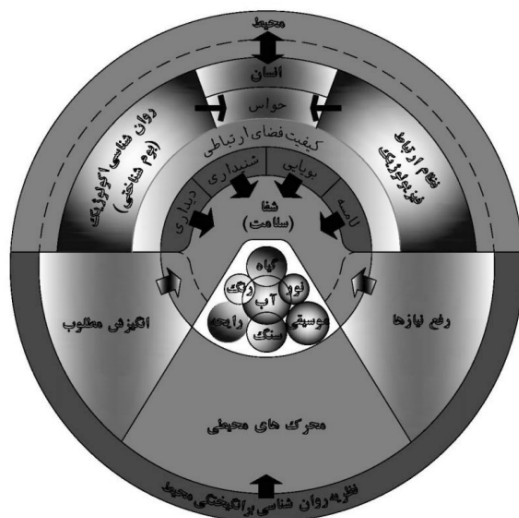
در راستای بیان تأثیر متقابل انسان و محیط تحت نظریه برانگیختگی روان‌شناسی محیط نظام ارتباط فیزیولوژیک انسان از طریق حواس خود با محیط و محرک‌ها و شرایط محیطی بررسی می‌گردد. انسان در وهله اول از طریق حواس خود با محیط و محرک‌ها و شرایط محیطی، ارتباط فیزیولوژیک برقرار می‌کند (Hall ۱۹۹۰). ارتباط انسان با محیط اطراف او، تابعی از مجموعه سیستم حواس چندگانه‌اش می‌باشد. بنابراین

می‌کنند، افزایش می‌دهند (هادوی ۱۳۸۳، ۳). تحلیل آنچه روی بازدیدکننده تأثیر می‌گذارد، از اهداف منظر شفابخش می‌باشد (Williams ۱۹۹۹).

شفابخشی، نظام ارتباط فیزیولوژیک^۱ انسان با محیط و نظریه روان‌شناسی برانگیختگی محیط
از بین نظریات عرصه علم روان‌شناسی محیطی در باب تأثیر متقابل انسان و محیط نظریه روان‌شناسی برانگیختگی محیط بر موضوع «مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر شفا» تمرکز دارد. طبق نظریه روان‌شناسی برانگیختگی، محیط دربرگیرنده اطلاعات ادراکی^۲ لازم برای حفظ سلامتی است؛ مانند رنگ‌ها و بوهای

۱. Physiologic: وابسته به علمی که درباره طرز کار اعضا و دستگاه‌های بدن جانداران و ارتباط آن‌ها با یکدیگر بحث می‌کند.

۲. مفهوم ادراک دارای ابعاد و معانی وسیعی است. در روان‌شناسی امروز ادراک، فرایندی ذهنی است که در طی آن گزینش و سازمان‌دهی اطلاعات حسی صورت گرفته، تجارب حسی معنی‌دار می‌شوند و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیاء را درمی‌یابد عناصر گردآوری‌شده به وسیله حواس با نظم و شکل خاصی به فعالیت ادراکی جهت می‌دهند. ماتلاک، ادراک محیط را فرایندی می‌داند که طی آن فرد به وسیله رمزگشایی از اشاره‌های محیط به کسب اطلاعات می‌پردازد (ماتلاک ۱۳۸۰). بر این اساس ادراک باید فرایند زیست‌شناختی و روان‌شناختی فعال و هدفمندی باشد. تناسبات، رنگ، نور نمونه‌هایی از عناصر طراحی محیط‌اند که همراه سایر عوامل فیزیکی (مادی) محیط که نمونه‌هایی از اطلاعات حسی محیط‌اند می‌توانند بر ادراک



تصویر ۲. مدل مؤلفه‌های محیطی تأثیرگذار بر شفافبخشی؛
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

تصویر ۱. مدل نظریه روان‌شناسی برانگیختگی محیط؛ مأخذ:
نگارندگان، ۱۳۹۵.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۵۰۳

تئوری‌های محیطی و طراحی در زمره روان‌شناسی بوم‌شناختی (اکولوژیک) قرار داد. این شاخه از علوم مرتبط با روان‌شناسی محیطی، محیط و بوم را پایه و اساس تمامی داده‌ها می‌داند و از این دیدگاه داده‌های محیطی به‌گونه‌ای مستقیم و بدون نیاز به پردازش مغز آدمی از طریق انوار محیطی و به‌وسیله حواس آدمی (به‌مثابه یک نظام (سیستم)) عمل می‌کند (مطلبی، ۱۳۸۰، ص ۵۶).

شفابخشی منظر باغ ایرانی بر اساس نظریه روان‌شناسی برانگیختگی محیط

با توجه به مرور پژوهش‌های انجام شده شفابخشی باغ ایرانی تأیید گردیده است و این مؤلفه‌ها در منابع متفاوت ذکر گردیده‌اند، اما در تحقیق حاضر بر اساس نظریه روان‌شناسی برانگیختگی محیط که بر تأثیر متقابل انسان و محیط تأکید می‌نماید این مؤلفه‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرند. باغ ایرانی باغی شفابخش و منظری چندمنظوره برای پاسخ به نیازهای انسانی، با فراهم کردن تجربه فضای درونی، تحریک حواس پنج‌گانه (نظام تمرکز حواس) از طریق نظام‌های کالبدی خود و مؤلفه‌های موسیقی، رنگ، نور، گیاه، آب و نیز پیوند میان این نظام و نظام معنایی باعث ایجاد

برای ایجاد فضایی مؤثر که ارتباطی مطلوب میان انسان و محیط برقرار کند، لازم است نحوه دریافت محیط از طریق این سیستم حواس مورد توجه قرار گیرد (هادوی، ۱۳۸۳، ص ۱۴). ادوارد تی هال بنیادهای زیستی درک فضا را حواس پنج‌گانه معرفی می‌کند و فضایی که به‌طور مؤثر توسط سیستم‌های حسی درک می‌شود را فضاهای حسی می‌نامد. بررسی و تعمق نشان می‌دهد از بین حواس آدمی هر یک از حواس شنوایی، بینایی، بویایی و لامسه کمک به درک فضایی می‌کنند، لذا در این تحقیق به‌زعم نگارنده متناظر هر یک از آن‌ها فضاهایی تحت عنوان فضای شنیداری، دیداری، بویایی و حس لامسه در نظر گرفته می‌شوند و به‌منظور بسط چگونگی تأثیر محیط بر شفا در مورد هر یک از فضاها نحوه تأثیر مؤلفه‌هایی از محیط مانند موسیقی (محرك فضای شنیداری)، رنگ، نور، سنگ (محرك های فضای دیداری)، گیاه (محرك فضای بینایی، بویایی و لامسه)، آب (محرك فضای شنیداری، دیداری و لامسه) و رایحه (محرك فضای بویایی) مورد تمرکز قرار می‌گیرد.

در اینجا لازم به ذکر است که این ارتباط انسان با محیط از طریق حواس را می‌توان در بین علوم و

آرامش، سلامت روان، تأثیر مستقیم بر بهداشت روان انسان و در نتیجه شفابخشی کاربر می‌شود؛ هم‌چنین باغ ایرانی علاوه بر نظام‌های کالبدی دارای نظام‌های کارکردی و معنایی است که با پیوند انسان به ساحت فرازمینی تأثیر مستقیم بر جسم و روان وی دارد (شاهچراغی، ۱۳۸۸). لذا چرایی شفابخشی باغ ایرانی به‌وسیله تحریک حواس (به‌عنوان پایه مؤلفه‌های حاصل شده از نظریه برانگیختگی محیط) و سپس هر یک از مؤلفه‌های موسیقی، رنگ، نور، گیاه، آب در نظر گرفته می‌شوند. اصول معماری و اصول زیبایی‌شناسی باغ ایرانی خصلت شفابخشی آن را موجب می‌گردند، اصول معماری در محیط باغ نظام تمرکز حواس را (شامل سه دسته کالبدی، کارکردی و معنایی) به وجود می‌آورد. از بین این سه دسته، نظام کالبدی باغ ایرانی شامل نظام آب، کاشت و ابنیه بر حواس پنج‌گانه انسان (شامل شنوایی، بینایی، بویایی، لامسه و چشایی) تأثیر مستقیم می‌گذارد و با تحریک حواس نام برده از طریق سه نظام مذکور و دارا بودن مؤلفه‌های مربوط به تحریک هر حس (مؤلفه‌های موسیقی و آب مربوط به تحریک حس شنوایی-رنگ، نور، گیاه، آب در مورد بینایی-رایحه و گیاه در ارتباط با بویایی، آب و گیاه مرتبط با لامسه) شفابخشی را نتیجه می‌دهد. علاوه بر این سه عامل تحریک جسمانی، سازمان‌دهی فضایی و وحدت نیز خصلت شفابخشی باغ ایرانی را محرز می‌نمایند. لازم به ذکر است در مورد مؤلفه سنگ درون فضای باغ ایرانی مشخصات ویژه و خاصی از کلیه لحاظ دیده نمی‌شود.

شفابخشی فضاهای (باز) شهری بر اساس نظریه روان‌شناسی برانگیختگی محیط

فضای باز شهری فضایی ست که شهروندان بدون نیاز به کنترل، حق ورود و حضور در آن را دارند (پاکزاد، ۱۳۸۵). فضای باز فاقد پوشش سقف بوده و جداره‌های آن در قالب ساختمان‌ها و کالبد موجود در شهر می‌باشند که در صورت وجود از تمامی جهات این فضا را مسدود نمی‌کنند. (رفیعیان و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۳۶). پس از مطالعه منابع موجود در زمینه شفابخشی فضاهای

شهری و تمرکز بر تحقیقات انجام شده در این حوزه به این نتیجه رسیده می‌شود که از بین مؤلفه‌های حاصل از مدل نظریه روان‌شناسی برانگیختگی محیط (تحریک حواس پنج‌گانه تحت تأثیر موسیقی، رنگ، نور، گیاه، آب، سنگ و رایحه) تنها اندکی بر روی عامل طبیعت تمرکز گردیده است، و در سایر موارد پژوهشگران برخی دیگر از مؤلفه‌ها را جهت معرفی اصولی به‌منظور «طراحی فضاهای عمومی شهری شفابخش» تنها نام برده‌اند، ولیکن آن‌ها را مورد بسط و تدقیق قرار نداده‌اند.

در مورد تاثیرات شفابخشی طبیعت در فضاهای باز شهری «فردریک لائو اولمستد» از معماران منظر قرن نوزدهم، حضور انسان‌ها در طبیعت بکر و دیدن مناظر طبیعی را برای کاهش فشارهای روانی زندگی روزمره شهروندان مؤثر دانست. وجود چشم‌اندازهای طبیعی و درختان در فضاهای شهری مانند گذرهای پیاده، بوستان‌ها و باغ‌های شفابخش می‌تواند اثرات مفیدی بر آرامش روانی و تمدید قوای ذهنی ساکنان شهری برجای نهد. دسترسی فیزیکی یا بصری به فضاهای باز و طبیعت همواره یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت محیط شهری شمرده شده است (باقری و عظمتی، ص ۹۱).

از طرفی حیات مطلوب یک شهر مستلزم وجود فضاهای مطلوب و با کیفیت است. فضاهای شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی موثر بر تجربه مردم از زندگی در شهر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند کیفیت زندگی افراد را ارتقا بخشند. حفظ کیفیت محیطی یا کالبدی از مهم‌ترین اصول برنامه ریزی شهری و خود عاملی ست برای شفابخشی فضاهای شهری. طراحی و ارتقای کیفیت فضاهای شهری می‌تواند به افزایش سطح سلامت عمومی شهروندان منجر شود. در این راستا استناد به نظریه سازمان بهداشت جهانی نیز صورت گرفته است، بر این اساس برای تأمین سلامت انسان علاوه بر ایمن‌سازی افراد در برابر بیماری‌ها، ارتقای کیفیت محیط زندگی نیز تعیین‌کننده دانسته شده است. با بررسی تحقیقات

مربوط به کیفیت و شفافبخشی فضاهای باز شهری و تناظر مؤلفه‌های هر دو عرصه و گزینش مؤلفه‌های مشترک به مؤلفه‌های شفافبخشی و کیفیت (مطلوبیت) فضاهای باز شهری دست یافته می‌شود.

به‌منظور بررسی ارتباط میان مؤلفه‌های شفافبخشی محیط و فضاهای باز شهری، پژوهشگر از میان یازده مؤلفه فوق‌الذکر مؤلفه‌هایی را که با حواس مرتبط‌تر به نظر می‌آمدند برگزید و در نتیجه مؤلفه‌های «تحریک حواس، حس مشارکت، حس تعلق» در این حوزه حاصل گشتند، چون «حس امنیت» حسی درونی و تابع دیدگاه و حالات درونی افراد است از زمره مؤلفه‌های مرتبط با حواس کنار گذاشته می‌شود، مؤلفه «تعاملات اجتماعی» به علت اینکه ویژگی رفتاری افراد استفاده‌کننده از یک فضای شهری را در مقایسه با مفاهیم سایر مؤلفه‌های باقی‌مانده نشان می‌دهد و امکان سنجش آن نسبت به دیگر مؤلفه‌ها به میزان بیشتری وجود دارد به‌عنوان مؤلفه چهارم برگزیده می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

از جمع ۱۱۰ نفر پاسخگو به سؤالات موجود در پرسش‌نامه‌های تحقیق، ۵۳/۶ درصد مرد و ۴۶/۴ درصد زن می‌باشند. لذا به میزان کمی، تعداد پاسخگویان مرد بیشتر از تعداد پاسخگویان زن می‌باشد.

سن پاسخگویان برحسب سال و بر اساس اطلاعات پرسشنامه‌ها به‌صورت میانگین و انحراف استاندارد محاسبه گردید. میانگین سنی پاسخگویان ۵۳/۷۷ سال با انحراف استاندارد ۶/۵۳۴ سال می‌باشد. همچنین حداقل سن در میان پاسخگویان ۴۵ سال و حداکثر سن ۶۶ سال می‌باشد.

جهت به دست آوردن نتایج بهتری در این تحقیق، سن پاسخگویان به رده‌های مختلف سنی تقسیم و فراوانی هر رده به تصویر کشیده شده است. بیشترین رده سنی در بین پاسخگویان، رده سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال و به تعداد ۴۶ نفر (۴۱/۸ درصد) است. همچنین رده سنی ۵۰ تا ۶۰ سال با ۴۱ نفر (۳۷/۲ درصد) رده دوم در میزان فراوانی را به خود اختصاص داده است. سایر

پاسخگویان به میزان ۲۰/۹ درصد نیز بین ۶۰ تا ۷۰ سال سن دارند.

هم‌چنین بیشترین سطح تحصیلات در بین پاسخگویان به میزان ۳۶/۴ درصد مربوط به سطح دیپلم؛ و کمترین میزان تحصیلات نیز به میزان ۲/۷ درصد مربوط به سطح دکترا می‌باشد. همچنین درصد مربوط به سایر مقاطع در نمودار فراوانی سطح تحصیلات نشان داده شده است. تنها ۴۳/۶ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند.

برای پاسخ‌گویی به سوال اول تحقیق یعنی بررسی تاثیر عوامل شفافبخشی منظر در باغ ایرانی، ۶ عامل به شرح جدول زیر مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته است. نتایج به دست آمده از تحقیق حاکی از آن است که میانگین رتبه محاسبه‌شده برای این عوامل به شرح جدول زیر می‌باشد.

از نتیجه آزمون فریدمن در جدول زیر، مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری ($p < 0.05$) کمتر از می‌باشد، همچنین مقدار آماره خی‌دو برابر با ۷۷/۷۹۷ برآورد شده است؛ لذا بنا به اطلاعات موجود فرضیه صفر مبنی بر برابری تأثیر عوامل مذکور بر شفافبخشی منظر در باغ ایرانی، رد می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت میزان تأثیر موسیقی، رنگ، نور، گیاه، آب و رایحه بر شفافبخشی منظر در باغ ایرانی، با یکدیگر متفاوت است.

اکنون به‌منظور مقایسه میانگین رتبه این شش عامل با هم، مشاهده می‌شود که از دیدگاه پاسخگویان رنگ بیشترین تأثیر را بر شفافبخشی منظر در باغ ایرانی دارد. پس از آن به ترتیب آب، نور، گیاه و موسیقی بر شفافبخشی منظر در باغ ایرانی تأثیر دارند. در نهایت، میزان رایحه با کمترین میزان در بین این عوامل بر شفافبخشی منظر در باغ ایرانی تأثیرگذار است؛ بنابراین رتبه‌بندی این شش مؤلفه به این صورت است که: ۱. رنگ؛ ۲. آب؛ ۳. نور؛ ۴. گیاه؛ ۵. موسیقی؛ ۶. رایحه.

به منظور یافتن پاسخ سوال دوم تحقیق یعنی بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت و شفافبخشی فضاهای باز شهری، چهار عامل به شرح تحریک حواس، حس تعلق، حس

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مشارکت و همچنین تعاملات اجتماعی مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته است. نتایج به دست آمده در جدول زیر، میانگین رتبه محاسبه شده برای هر یک از این عوامل را نشان می دهد.

همان طور که از جدول زیر مشاهده می شود، برای آماره خی دو مقداری برابر با ۲۹/۸۱۴ به دست آمده و سطح معناداری نیز برابر صفر برآورد شده است؛ لذا بنا به اطلاعات موجود فرضیه صفر رد می شود. بنابراین اثبات می شود میزان تأثیر عوامل «تحریک حواس»، «حس تعلق»، «حس مشارکت» و «تعاملات اجتماعی» بر کیفیت و شفاف بخشی فضاهای باز شهری، با یکدیگر متفاوت است.

حال که اثبات گردید میانگین رتبه این چهار عامل با هم متفاوت است، جهت تعیین ترتیب تأثیر هر کدام میانگین رتبه آن ها با هم مقایسه شد. همان طور که مشاهده می شود نتیجه این تحقیق حاکی از این است که تحریک حواس بیشترین تأثیر و حس تعلق کمترین

تأثیر را بر کیفیت و شفاف بخشی فضاهای باز شهری دارند. در ادامه رتبه بندی هر کدام از این عوامل با توجه به نتیجه آزمون فریدمن به این صورت مشخص می گردد: تحریک حواس؛ ۲. تعاملات اجتماعی؛ ۳. حس مشارکت؛ ۴. حس تعلق.

برای یافتن پاسخ سوال سوم تحقیق با توجه به این موضوع که هر یک از مؤلفه های مدنظر یک متغیر فاصله ای است، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

بین تمامی عوامل مؤثر بر شفاف بخشی منظر در باغ ایرانی با تحریک حواس رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین مؤلفه موسیقی با تحریک حواس برابر با ۰/۲۳۴ بوده و سطح معناداری لازم کمتر از ۰/۰۵ است. لذا افزایش کاربرد موسیقی در فضای پارک، بر روی افزایش تحریک حواس پاسخگویان مؤثر بوده است و بالعکس کاهش کاربرد موسیقی در پارک، باعث کاهش تحریک حواس پاسخگویان خواهد شد.

جدول ۲. چگونگی تحریک حواس کاربر منظر باغ ایرانی تحت تأثیر مولفه های محیطی شفاف بخشی؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

ادله و نتایج شفاف بخشی ناشی از مولفه ها	نظام کالبدی باغ ایرانی			حواس مربوطه تحت تأثیر مولفه های محیطی شفاف بخشی	مصادق های مربوطه محرک حواس
	نظام آبنیه	نظام کاشت	نظام آب		
زیبایی شناسی نمادین و فرمی صدای آب برای انسان در فرهنگ ایرانی و تصویری از تجربه مطلوب دارای تأثیر مستقیم بر روان انسان؛ نوازش گوش با نجوای عنصر آب، جدایی ناگهانی مخاطب از ذهنیت های روزمره و حالت خودآگاه و آلودگی های صوتی تنش زای محیط بیرون و تأثیر مستقیم بر کیفیت محیط درون	محرک های شنوایی در فضای داخل گوش	آوای پرندگان جلب شده	اصوات و آوای متنوع از آب در نقاط گوناگون باغ (آبریز، آبگذر، آبشار، فواره های کوتاه و بلند، سطح شیب دار، جویها با کف سازی قله سنگ ها و به خصوص	موسیقی طبیعی ایجاد شده بر اثر نظام آب و تحت تأثیر نظام های کاشت و آبنیه؛ ایجاد مکان هایی خاص برای اجرای موسیقی درون باغ های گذشته و همچنین	

برپایی جشن ها و
مراسم تشریفاتی
در فضاهای
مذکور

حرکت آب از
روی سینه
کبکی ها)

باغ؛ حس محصوریت و به
دنبال آن تقویت حس امنیت
در درون باغ به طرز مطلوبی
بر اثر موسیقی منتج از صوت
آب؛ همراهی با انسان از داخل
باغ تا داخل کوشک و پیوند
فضای درون ابنیه (مصنوع) و
باغ (طبیعت)

خارج نمودن باغ از حالت
یکنواختی

انعکاس صوتی
صدای
حرکت باد در
میان درختان

تغییرات رنگی
چهارفصل باغ؛
تنوعات رنگی
تزیینات مربوطه؛
تشابه رنگین
میان باغ و منظر
محیط (منظره دو
رنگ باغ به اضافه
آبی آسمان)

انعکاس سطح
آئینه مانند آب از
مناظر رنگی
موجود

ایجاد احساس لذت در انسان
به واسطه تجربه این نوع فضا
و نتیجه بخشی آرامش روح و
کاهش تنش؛ آبی یک رنگ
ایده آل برای مکان های
شفابخش و باعث ایجاد حس
تسکین و فراغت بال

تضاد رنگی
کوشک و
رنگ سبز
درختان

تنوع رنگی
گل ها و
بدنه
سبز دو سوی
محور اصلی

بازی نور در ابنیه؛
سایه روشن های
متنوع؛ تجمیع نور
و آب؛ حضور نور
در محور اصلی؛
کنترل کننده و
هدایت کننده های
نوری؛ شمع،
شمعدان و چراغ
ها؛ کاربرد نور به
علل مذهبی،
آیینی، قداست و
آذین بخشی
جشن های ملی و
مذهبی
درفضاسازی

انعکاس نور و
ایجاد روشنایی

بهره گیری از عنصر طبیعی
نوردر بین عناصر طبیعی باغ
ایرانی تا حد ممکن و ایفای
نقش قابل توجه آن در
عملکرد و تکمیل زیبایی باغ

گشودگی
درختان
سایه افکن دو
سوی کرت
یا آب نما
باغ به علت
مشرفیت
همه جانبه
به محیط؛
پیوستگی و
امتداد دید؛
نظم و تقارن
بصری؛
محل
استقرار
کوشک در
میانه تا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۵۰۷

معماری ایرانی باغ	انتهای محور اصلی باغ	
<p>چگونگی کاشت؛ نوع محصول؛ شکل و فرم؛ فواید جنبی؛ نوع و مکان کشت؛ محل هایی برای فعالیت های باغبانی و کاشت گیاهان دارویی؛ چندلایه بودن عمق منظر؛ طرح واره معماری گیاهی باغ ایرانی</p>	<p>مخروط دید؛ مسیرهای حرکتی همراه با نهرهای آب در جانب دیوارهای پیرامونی باغ به همراه درختان سایه افکن (بی بار یا باردار) ردیفی عمودی؛ بافت های ریز و درشت</p>	<p>کارایی، پویایی، مقابله با ناسازگاری های محیطی، زیبایی و چشم‌نوازی در فصول مختلف؛ گیاهان متعلق به باغ ایرانی به گونه‌ای نمادی از سلامت</p>
<p>گونه ها و صور متفاوت از نظر میزان دسترسی، خنکی، انعکاس و صوت (راکد، روان، فورانی)</p>	<p>پیدا و پنهانی آب؛ نمایش آب به صورت (خطی، سطحی و حجمی) و (راکد، روان، فورانی) به اشکال نهرهای اصلی، نهرهای فرعی، جوی ها، کانال‌ها، سینه کبکی، آبگردان، آبشارهای کوچک به شکل آب‌نماهای پله‌ای، جوشگاه، فواره، شتر گلو، استخر، انواع حوض؛ انعکاس اجزا</p>	<p>ترکیب آب جاری و پوشش درخت، ایجاد واحه‌ای در دل طبیعت خشک و تمثیلی از مناظر بهشتی؛ ایجاد زیبایی و هویت مکانی؛ خیره کننده چشم از دور و دلپذیری از نزدیک؛ تبدیل ملالت و بیهودگی به طراوت، نشاط، شادی و جریان زندگی؛ غنی ساختن مناظر شلوغ با فرم سبک و گستردگی خودغ نوازش دید کاربران به صورت برابری با ترکیبی بزرگ یا سازگاری با بی‌اهمیت‌ترین جزءها؛ ایجاد آرامش با قرارگیری در گستره آرام منظره‌ای ساده یا ایجاد شکوه و شادمانی برای ناظران با حضور در مسیری پرشتاب و پریپچ‌وخم</p>

**عطر برخی گل ها
و گیاهان از جمله
دارویی و عناصر
دارای نوعی
زیباشناسی
نمادین در نظر
ایرانیان**

ایجاد حالت تعادل در انسان و
نتیجه دادن نیروبخشی و
آرامش؛ پیشنهاد قدم زدن و
لذت بردن، رضایت و
هماهنگی نفسانی و پیام
معنوی به مسافران و کلیه
افراد در تماس با باغ به علت
وجود رایحه و عطرهای ناشی
از وجود گل‌ها و گیاهان؛ مکان
یابی فضا در محیط باغ

معطر ساختن
فضا با گل‌ها
و گیاهان و
میوه‌ها و
ایجاد
محسوریت و
جلب تمرکز
در بویایی

محرك
بویایی داخل
کوشک
ایجاد
محسوریت و
جلب تمرکز
در بویایی

سایه اندازی؛
لمس خاک و
لطافت و خنکی
آب؛ خاک آب
پاشی شده نرم
زودن گرد و
غبار
خورشید

محرك های
بساوايي
داخل
کوشک؛
بافت
مصالح؛
گرمای

دست زدن به یک شیء برای
کشف معنای آن یک عمل
ذاتی و طبیعت به عنوان یک
میدان تجربه

**تنوع پوست تنه و
بافت گل و برگ و
میوه**



ضریب همبستگی بین کاربرد آب در فضای پارک بر روی حس تعلق ۰/۵۷۸ و مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد رایحه در فضای پارک بر روی حس تعلق ۰/۴۴۰ و سطح معناداری لازم کمتر از ۰/۰۱ است. بدین معنا که با افزایش هر یک از عوامل رنگ، نور، گیاه، آب و رایحه در باغ ایرانی، میزان محرک کیفی حس تعلق افزایش و با کاهش هر یک از این عوامل تأثیرگذار، میزان محرک کیفی حس تعلق کاهش پیدا خواهد کرد. کاربرد موسیقی در فضای پارک نیز با توجه به این موضوع که سطح معناداری آن بیش از ۰/۰۵ گردیده، هیچ رابطه‌ای با محرک کیفی حس تعلق ندارد.

مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد نور در فضای پارک با حس مشارکت ۰/۲۰۰ و مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد رایحه در فضای پارک با حس مشارکت ۰/۲۱۷ بوده و سطح معناداری لازم کمتر از ۰/۰۵ است. همچنین مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد گیاه در فضای پارک با حس مشارکت ۰/۳۶۷ و مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد آب در فضای پارک با حس

مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد رنگ در فضای پارک بر روی تحریک حواس ۰/۴۷۶، مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد نور در فضای پارک بر روی تحریک حواس ۰/۴۶۸، مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد گیاه در فضای پارک بر روی تحریک حواس ۰/۳۴۶، مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد آب در فضای پارک بر روی تحریک حواس ۰/۵۰۲ و مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد رایحه در فضای پارک بر روی تحریک حواس ۰/۵۰۲ و سطح معناداری لازم کمتر از ۰/۰۱ است. بدین معنا که با افزایش هر یک از عوامل تأثیرگذار بر شفابخشی منظر در باغ ایرانی، میزان محرک کیفی تحریک حواس افزایش و با کاهش هر یک از این عوامل تأثیرگذار، میزان محرک کیفی تحریک حواس کاهش پیدا خواهد کرد.

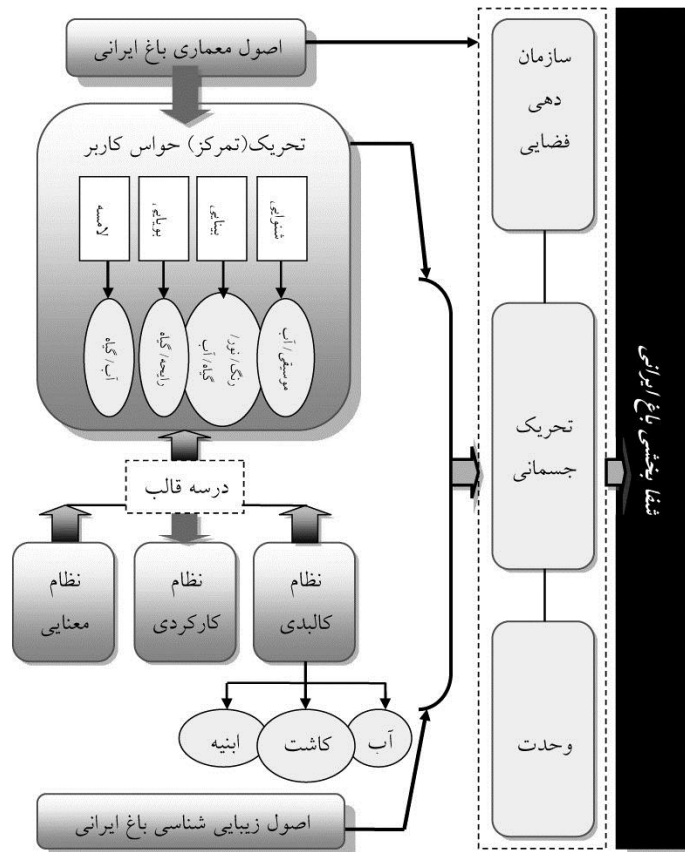
مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد رنگ در فضای پارک بر روی حس تعلق ۰/۳۲۲، مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد نور در فضای پارک بر روی حس تعلق ۰/۴۱۵، مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد گیاه در فضای پارک بر روی حس تعلق ۰/۳۴۱، مقدار

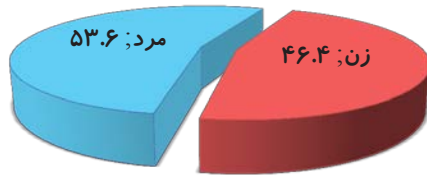
مشارکت ۰/۳۳۵ و سطح معناداری لازم کمتر از ۰/۰۱ است. بدین معنا که با افزایش هر یک از عوامل نور، گیاه، آب و رایحه در باغ ایرانی، میزان محرک کیفی حس مشارکت افزایش و با کاهش هر یک از این عوامل تأثیرگذار، میزان محرک کیفی حس مشارکت کاهش پیدا خواهد کرد. کاربرد مؤلفه‌های موسیقی و رنگ در فضای پارک نیز با توجه به این موضوع که سطح معناداری آن بیش از ۰/۰۵ گردیده، هیچ رابطه‌ای با محرک کیفی حس مشارکت ندارند. مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد رنگ در فضای پارک با تعاملات اجتماعی ۰/۲۹۲، مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد نور در فضای پارک با تعاملات اجتماعی ۰/۳۸۳، مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد گیاه در فضای پارک با تعاملات اجتماعی ۰/۴۲۹، مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد آب در فضای پارک با

تعاملات اجتماعی ۰/۵۲۴ و مقدار ضریب همبستگی بین کاربرد رایحه در فضای پارک با تعاملات اجتماعی ۰/۳۵۲ و سطح معناداری لازم کمتر از ۰/۰۱ است. بدین معنا که با افزایش هر یک از عوامل رنگ، نور، گیاه، آب و رایحه در باغ ایرانی، میزان محرک کیفی تعاملات اجتماعی افزایش و با کاهش هر یک از این عوامل تأثیرگذار، میزان محرک کیفی تعاملات اجتماعی کاهش پیدا خواهد کرد. کاربرد موسیقی در فضای پارک نیز با توجه به این موضوع که سطح معناداری آن بیش از ۰/۰۵ گردیده، هیچ رابطه‌ای با محرک کیفی تعاملات اجتماعی ندارد.

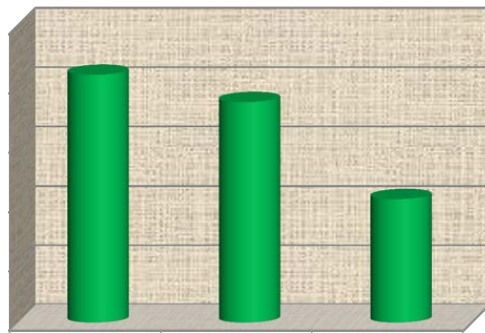
نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

براساس نظر ادوارد هال فضاهای حسی درک شده توسط سیستم‌های مؤثر حسی تحت عنوان فضاهای شنیداری، دیداری، بویایی و حس لامسه نامیده می‌شوند.

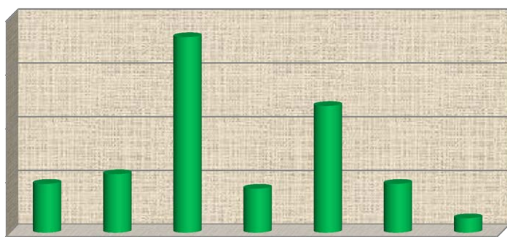




نمودار ۳. نمودار فراوانی جنسیت پاسخگویان؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.



نمودار ۴. نمودار فراوانی سن پاسخگویان؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.



نمودار ۵. نمودار فراوانی سطح تحصیلات پاسخگویان؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.

امنیت، حس تعلق، پایداری، اختلاط کاربری، سازگاری، تعاملات اجتماعی و انعطاف‌پذیری». با توجه به جداول آماری مربوطه تأثیر مؤلفه‌های شفاف‌بخشی منظر در باغ ایرانی با یکدیگر متفاوت بوده است. در میان این مؤلفه‌ها بیشترین رتبه مربوط به رنگ با مقدار میانگین ۴,۳۷ می‌باشد و در انتها نیز مؤلفه رایحه با مقدار میانگین ۲,۷۶ دارای کمترین میزان تأثیر می‌باشد. هم‌چنین پس از سنجش مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت و شفاف‌بخشی فضاهای باز شهری، نتایج تحقیق



نمودار ۲. مؤلفه‌های شفاف‌بخشی و کیفیت (مطلوبیت) فضاهای باز شهری؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

شوند و محرک‌های محیطی مؤثر در هریک از این فضاها که موجب شفاف‌بخشی در محیط هستند به ترتیب «موسیقی (صوت)، رنگ، نور، گیاه، آب، سنگ و رایحه» معرفی می‌شوند و به مدل‌هایی در حیطه این موضوعات دست یافته می‌شود. سپس نتیجه گرفته می‌شود کلیه مؤلفه‌های شش گانه شفاف‌بخشی محیط مبنی بر نظریه روان‌شناسی برانگیختگی محیط به غیر از مؤلفه سنگ دارای تأثیرات شفاف‌بخشی در منظر باغ ایرانی خواهند بود. پس از آن با مطالعه شفاف‌بخشی فضاهای باز شهری و با توجه به اینکه کیفیت فضاهای شهری خود عاملی ست برای شفاف‌بخشی آن‌ها، مؤلفه‌های مشترک در این دو حوزه تدوین می‌گردند که عبارت‌اند از «تحریک حواس، مشارکت، سازمان‌دهی فضایی، نفوذپذیری،

جدول ۳. میانگین رتبه عوامل مؤثر بر شفافبخشی منظر در باغ ایرانی؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.

میانگین رتبه	عوامل مؤثر بر شفافبخشی منظر در باغ ایرانی
۲.۸۱	موسیقی
۴.۳۷	رنگ
۳.۶۳	نور
۳.۲۳	گیاه
۴.۲۰	آب
۲.۷۶	رایحه

جدول ۴. نتایج آزمون فریدمن درباره وجود تفاوت بین عوامل مؤثر بر شفافبخشی منظر در باغ ایرانی؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.

۱۱۰	تعداد
۷۷.۷۹۷	مقدار آماره خی دو
۵	درجه آزادی
۰.۰۰۰	سطح معناداری

جدول ۵. میانگین رتبه عوامل مؤثر بر کیفیت و شفافبخشی فضاهای باز شهری؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.

میانگین رتبه	عوامل مؤثر بر فضاهای باز شهری
۲.۹۹	تحریک حواس
۲.۰۸	حس تعلق
۲.۴۰	حس مشارکت
۲.۵۳	تعاملات اجتماعی

حاکمی از آن است که مؤلفه تحریک حواس با مقدار میانگین ۲,۹۹ بیشترین تأثیر را داشته و در انتها نیز مؤلفه حس تعلق با مقدار میانگین ۲,۰۸ کمترین تأثیر را بر فضاهای باز شهری دارد. در مورد ارتباط بین مؤلفه‌های شفافبخشی «منظر باغ ایرانی و فضاهای باز شهری» بایستی مطرح نمود مؤلفه رنگ بیشترین همبستگی را با مؤلفه تحریک حواس دارد و پس از آن به ترتیب با حس تعلق و

جدول ۶. نتایج آزمون فریدمن درباره وجود تفاوت بین عوامل مؤثر بر کیفیت و شفابخشی فضاهای باز شهری؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.

تعداد	۱۱۰
مقدار آماره خی‌دو	۲۹.۸۱۴
درجه آزادی	۳
سطح معناداری	۰.۰۰۰

جدول ۷: ضریب همبستگی بین عوامل مؤثر بر شفابخشی منظر در باغ ایرانی با محرک‌های کیفی شفابخشی فضاهای باز شهری؛ ماخذ: یافته‌های پژوهش.

متغیرها	موسیقی	رنگ	نور	گیاه	آب	رایحه	تحریک حواس	حس تعلق	حس مشارکت	تعاملات اجتماعی
موسیقی	۱									
رنگ	**۰.۴۲۶	۱								
نور	**۰.۴۱۴	**۰.۶۲۶	۱							
گیاه	*۰.۱۸۸	**۰.۲۷۴	**۰.۴۰۹	۱						
آب	**۰.۴۱۹	**۰.۵۶۱	**۰.۶۳۲	**۰.۵۲۱	۱					
رایحه	*۰.۲۳۵	**۰.۳۴۶	**۰.۳۱۶	**۰.۳۷۱	**۰.۴۸۸	۱				
تحریک حواس	*۰.۲۳۴	**۰.۴۷۶	**۰.۴۶۸	**۰.۳۴۶	**۰.۵۰۲	**۰.۵۰۲	۱			
حس تعلق	۰.۱۴۹	**۰.۳۲۲	**۰.۴۱۵	**۰.۳۴۱	**۰.۵۷۸	**۰.۴۴۰	**۰.۵۵۱	۱		
حس مشارکت	۰.۱۷۱	۰.۱۲۰	*۰.۲۰۰	**۰.۳۶۷	**۰.۳۳۵	*۰.۲۱۷	*۰.۲۱۵	**۰.۳۹۸	۱	
تعاملات اجتماعی	۰.۱۵۹	**۰.۲۹۲	**۰.۳۸۳	**۰.۴۲۹	**۰.۵۲۴	**۰.۲۲۲	**۰.۴۰۲	**۰.۶۴۱	**۰.۴۹۸	۱

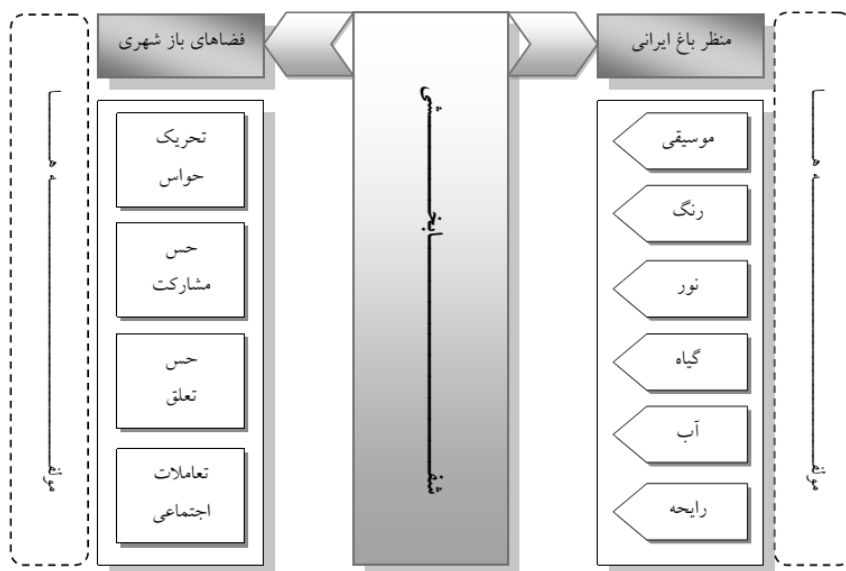
$P \leq 0.05^*$

$P \leq 0.01^{**}$

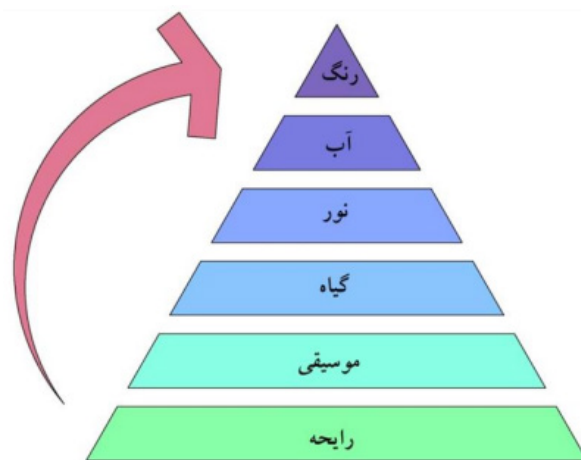
شفابخشی فضاهای باز شهری تعاملات اجتماعی، حس مشارکت، تحریک حواس و حس تعلق دارای همبستگی می‌باشد. مؤلفه موسیقی پس از گیاه، مؤلفه مطرح و حائز اهمیت در شفابخشی منظر باغ ایرانی است و فقط با مؤلفه تحریک حواس از مؤلفه‌های شفابخشی فضاهای باز شهری دارای همبستگی می‌باشد. رایحه به‌عنوان کم‌اهمیت‌ترین و آخرین مؤلفه مؤثر در میان سایر مؤلفه‌های شفابخشی منظر در باغ ایرانی مطرح بوده که به ترتیب با تمامی مؤلفه‌های شفابخشی فضاهای باز شهری تحریک حواس، حس تعلق، تعاملات اجتماعی، حس مشارکت دارای همبستگی می‌باشد.

منابع و ماخذ

تعاملات اجتماعی دارای همبستگی است، همچنین این مؤلفه با مؤلفه حس مشارکت هیچ همبستگی ای ندارد. مؤلفه آب به‌عنوان دومین مؤلفه شفابخشی منظر در باغ ایرانی مطرح بوده و به ترتیب با تمامی هر چهار مؤلفه شفابخشی فضاهای باز شهری حس تعلق، تعاملات اجتماعی، تحریک حواس و حس مشارکت دارای همبستگی می‌باشد. مؤلفه نور، سومین مؤلفه حائز اهمیت در شفابخشی منظر باغ ایرانی است و با تمامی هر چهار مؤلفه شفابخشی فضاهای باز شهری به ترتیب تحریک حواس، حس تعلق، تعاملات اجتماعی و حس مشارکت دارای همبستگی می‌باشد. مؤلفه گیاه، چهارمین مؤلفه مطرح در شفابخشی منظر باغ ایرانی بوده و این مؤلفه نیز به ترتیب با تمامی هر چهار مؤلفه



نمودار ۶. معرفی مؤلفه‌های تحقیق (مؤلفه‌های شفافبخشی منظر باغ ایرانی و فضاهای باز شهری)
؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.



تصویر ۳: ترتیب اولویت تأثیرگذاری مؤلفه‌های شفافبخشی
منظر باغ ایرانی؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

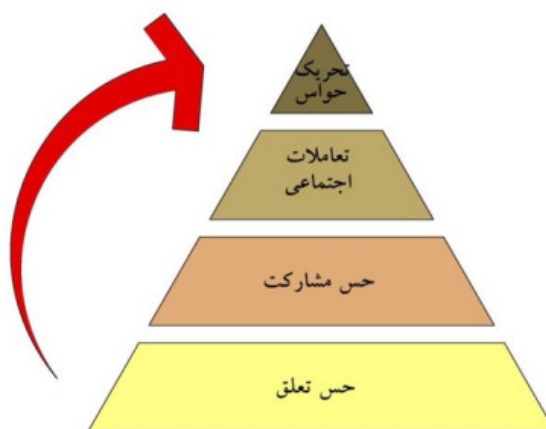
امین زاده، بهناز. (۱۳۸۶). مناظر شهری: شفافبخشی و منظر درمانی با طبیعت. شهرداری‌ها. سومین همایش ملی فضای سبز و منظر شهری. شماره ۲۲.

باقری، محمد. و حمیدرضا عظمتی. (۱۳۹۱). ارتقای سلامت جسمی - روانی شهروندان با طراحی محیط و منظر شهری. انسان و محیط زیست.

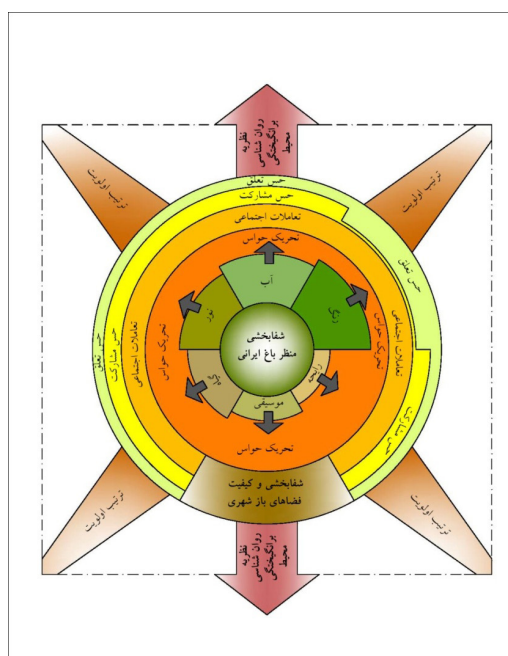
پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: شهیدی.

دلفان، خلیل. پریسا دری. و مهرناز حاتمی. ۱۳۹۰. طراحی و ایجاد باغ‌های شفافبخش با استفاده از گیاهان دارویی بومی ایران. تهران: همایش باغ گیاه‌شناسی ملی ایران.

رفیعیان، مجتبی. و [دیگران]. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای



تصویر ۴. ترتیب اولویت تاثیرگذاری مؤلفه‌های شفابخشی فضاهای باز شهری؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.



تصویر ۵. ترتیب نابیر و ارتباط مؤلفه‌های شفابخشی منظر باغ ایرانی و فضاهای باز شهری؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

عمومی شهری. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۴. شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۸). تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی بر اساس نظریه روان‌شناسی بوم‌شناختی. هویت شهر. سال سوم، شماره ۵. صدیقی، دانیال. (۱۳۹۱). باغ شفابخش ارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری. پردیس هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.

لنگ، جان. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.

مطلبی، قاسم. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیطی دانشی

نو در خدمت معماری و طراحی شهری. هنرهای زیبا. شماره ۱۰.

ماتلاک، جان. (۱۳۸۰). آشنایی با طراحی محیط و منظر. تهران: سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.

نیکبخت، علی. (۱۳۸۳). پزشکی در منظرسازی نوین باغ‌های شفابخش. باغ نظر. شماره ۲.

نجاتی، وحید. و [دیگران]. (۱۳۹۰). مقایسه ابعاد کیفیت زندگی در دهه‌های سنی مختلف: پیش‌بینی برای سالمندان. مجله دانشگاه علوم پزشکی فسا. سال اول، شماره ۴.

مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیط و کاربرد آن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

هادوی، سارا. (۱۳۸۳). توسعه ایده منظر شفابخش در فضای عمومی شهری (نمونه موردی: بوستان ابریشم). پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی طراحی محیط‌زیست. دانشکده محیط‌زیست. دانشگاه تهران.

Cooper Marcus, C. & Barnes, M. (1995). Gardens in Healthcare Facilities: Uses, Therapeutic Benefits, and Design. New York, NY: Wiley.

Cooper Marcus, C. & Barnes, M. (1999). Healing Gardens, Therapeutic Benefits and Design Recommendations. New York, NY: Wiley.

Hall, E. T. (1990). The Hidden Dimension. New York: Anchor Books.

Ulrich, R. S., et al. (1991). Stress recovery during exposure to natural and urban environments. Journal of Environmental Psychology, 11.

Van den Berg, A. et al. (2010). Green Space as a Buffer between Stressful Life Events and Health. Journal of Social Science & Medicine. (70).

Williams, A. (1999). Therapeutic Landscapes: The Dynamic Between Place and Wellness. Lanham, MD: University Press of America.

WHO. (1997). City Planning for health and sustainable development. European Sustainable Development and Health. Series 2.EUR/ICP/. POLC 06 03

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

نمایش تبادلات معماری و شهرسازی ایران و غرب در سفرنامه های ایرانیان به فرنگ در دوره قاجار

ایمان تازیکه لمسکی - گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
وحید قبادیان* - گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
حسین سلطان زاده - گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
بهنام قلیچ خانی - گروه معماری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

چکیده

رویارویی با تمدن غرب و تاثیرش بر شهرسازی و معماری از مهم ترین موضوعات برای طراحان در عرصه های ملی و بین المللی است. نخستین برخوردهای تاثیرگذار در فضاها و سیمای شهری و خیابان کشی ها در ایران به دوره قاجار باز می گردد. همزمانی تحولات در شهر قاجاری با تحولات صنعتی و تغییرات کالبدی شهرهای اروپایی و بازدید ایرانیان از آنجا موجب تغییر در آرمان ها و ذهنیت ایرانیان گردید. از میان مسیرهایی که محقق را در جریان این تبادل قرار می دهد سفرنامه های ایرانیان به فرنگ جایگاه ویژه ای دارند. این پژوهش به تحلیل سفرنامه ها از زاویه تحولات معماری و شهرسازی می پردازد. حدود سی گزارش سفر در بازه زمانی ابتدای قاجار تا جنبش مشروطه در محدوده مطالعاتی قرار گرفته است. سپس تاثیر این سفرنامه ها بر فرم و هندسه معماری و تحولات خیابان بندی تهران در دوره قاجار مشاهده گردیده و اطلاعات بدست آمده در سفرنامه ها را در آنها مورد ارزیابی قرار می دهد. روش این پژوهش از نوع روش محتوای تحقیق کیفی از متون تاریخی است. در نتایج پژوهشگر به تبیین نقش محوری سفرنامه ها و بالخصوص سفرهای سه گانه ناصرالدین شاه در تحولات شهری تهران قاجاری می پردازد.

واژگان کلیدی: مدرنیسم، شهرسازی، عصر قاجاریه، تهران، سفرنامه ها.

The appearance of architectural and Urbanism Interaction between Iran and the Western Urban Planning through the Iranian Travel literatures during the Qajar Period

Abstract

Confrontation with the West culture and its impact on urbanism and architecture are the most important issues for designers in national and international areas. The first viewpoints in spaces and urban landscapes and street systems in Iran dates back to Qajar era. Simultaneity of developments in Qajar city with industrial transformation and structural changes of the European cities and Iranian visit from there resulted in changing in the attitudes of Iranians. Among the routes that inform the researcher from this exchange, Iranian travel literatures to Europe have a special place. This study discusses on analyzing travel literatures from diverse perspectives. About thirty trip reports in early Qajar period have been studied within the confines of the constitutional movement. Then, the impact of these travels literatures on urban developments and Tehran's streets and the formation of palaces during the Qajar period; the research method is based on qualitative research methods from the content of historical texts. In the results, the researcher deals with explaining the central role of the travel literatures and in particular triple trips of Nasereddin shah in Tehran urban developments and architecture.

Keywords: Modernism, Urbanism, Architecture, QAJAR's Architecture, Iranian Travel Lituraters

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۸۸۹۲۷۷؛ رایانامه: ghabadian@iau.ae

این مقاله برگرفته از رساله ی دکتری معماری با عنوان «تاثیرات مدرنیسم و معماری غرب بر معماری کاخ های عصر قاجاریه در تهران (با تکیه بر سفرنامه های ایرانیان به فرنگ)» به راهنمایی دکتر وحید قبادیان و مشاوره دکتر حسین سلطان زاده و دکتر بهنام قلیچ خانی در دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی می باشد.

۱. مقدمه

ممتازی به لحاظ به تصویر کشیدن این رخداد در ذهن مخاطب ایرانی دارد. نیم نگاه به شهرهای آباد و چراغانی فرنگ پشتوانه های سنتی فکری مشاهده گران را به یکباره از بین برد. قرارگیری ذهنیت ایرانی از فضای توهم بر مسیر واقعیت سرآغاز آگاهی مدرن ایرانی شد. اگر آگاهی و اندیشه پیوسته با التفات از چیزی شروع می شود اندیشه جدید ما نیز با التفات به تمدنی جدید و مظاهرش که در سفرنامه های آن عصر بوده آغاز می شود. ما در سفرنامه های آن روزگار با غرب از منظری مواجه شدیم که اکنون شاید دستیابی به آن نگاه میسر نباشد. فاصله بعید تمدنی آن روزگار با غرب موجب شد که آنرا کوهی بلند و عظیم مشاهده کنیم. علت انتخاب سفرنامه های دوره قاجار در این پژوهش در محورهای ذیل خلاصه شده اند:

۱. ترسیم آرمانشهری روایی از فرنگ در ذهنیت نویسندگان سفرنامه ها پس از رجعت آنها به کشور موجب بوجود آمدن تحولاتی مهم در عرصه ساخت و ساز گردید؛

۲. سفرنامه ها مرجعی برای مخاطبین داخل کشور شدند که امکان سفر را به فرنگ نداشتند و آنرا انعکاس دقیق غرب و تجدد آن می پنداشتند؛

۳. توصیفی و مکتوب بودن سفرنامه ها از عوامل برتری آنها نسبت به مسیرهای های دیگربررسی چگونگی تبادلات ایران و غرب است؛

۴. سفرنامه ها بالخصوص روزنامه و خاطرات شخصی شاه قاجار اجازه ورود مردم عادی را به حریم خصوصی شخص اول مملکت می دهد و فاصله شاه و رعیت که در نظام سنتی شکل گرفته است، متزلزل می شود.

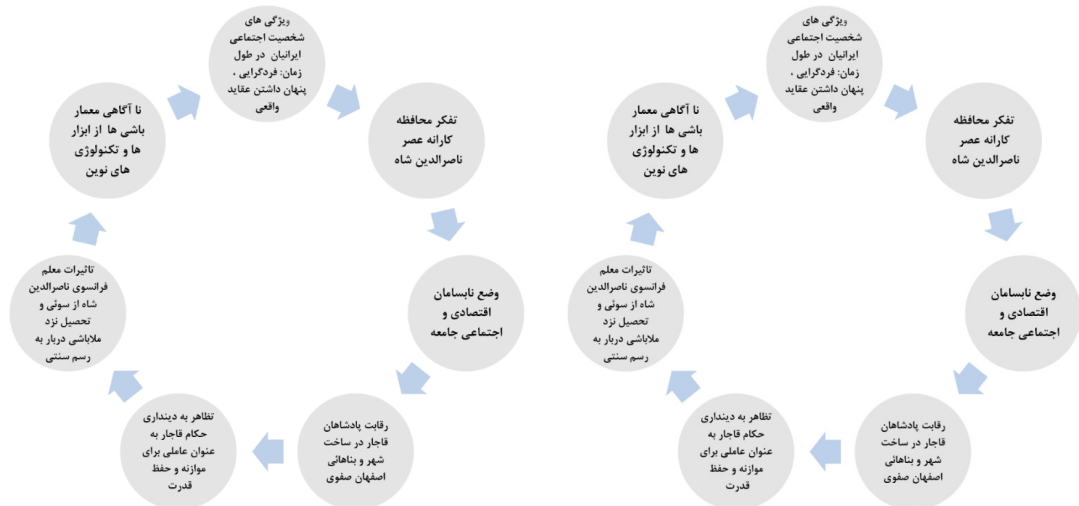
پیشینه تحقیق

علی اکبر صارمی، تغییر و تعویض آرمان بهشت گونه هنرمندان ایرانی در اثر بازدید و تعامل سفرکنندگان به کشورهای اروپائی با مصادیق زمینی ایده آل های ملکوتی یعنی شهر پاریس را دوره قاجار به خصوص دوران ناصرالدین شاه می داند. «... این مصادیق

مساله رویارویی با تمدن غرب و مدرنیسم و میزان و چگونگی تاثیر آن بر معماری و شهرسازی یکی از مهم ترین و چالش برانگیز ترین موضوعات روشنفکران هم در عرصه بین المللی و هم در عرصه داخلی است. با نگاه به تحولات معماری ایرانی و آرای متخصصان در این زمینه متوجه می شویم که مهم ترین تحولات عرصه معماری و شهرسازی متأثر از غرب از اواسط دوره قاجاریه شروع شده است، هر چند تبادلات فرهنگی و هنری ایرانیان با غرب از دوره های قبل از قاجار و به خصوص در دوره صفویه آغاز شده است لکن میزان تاثیر آن در تحولات عرصه معماری و ساخت به اندازه دوره قاجاریه نیست. تغییرات کالبدی شهرهای اروپایی همچون پاریس و وین و لندن و مسکو و سن پترزبورگ و غیره، بازدید مکرر و مستمر شاهان و فرستادگان ایرانی در این زمان به این سرزمین ها سرفصلی نوین از تغییر آرمان ها و اندیشه جدید برای ایرانیان گشود. حجم بالای تعداد مسافران و سفرنامه ها در دوره قاجار نسبت به دوره های قبل به همراه بسیاری تحولات شروع تحولات اقتصادی و سیاسی و ساختار حکومتی، رشد سریع حضور دیپلمات های خارجی و در زمینه شهرسازی تشکیل اکولوژی جدید شهری، احداث خیابان های جدید، تشکیل محلات نوین بر اساس نظام اجتماعی جدید و در عرصه معماری ایجاد فضاهای نو و برون گرا از این دسته تحولات اند. از سوی دگر از میان طرق و مسیرهای که ممکن است محقق را در جریان چگونگی فرایند این تبادل قرار دهد. می توان به روزنامه های داخلی و خارجی، نقاشی ها، عکسها، کارت پستال ها، فرستادگان به فرنگ، مدرسان و معلمان دارالفنون، فارغ التحصیلان دارالفنون، سفرا و مأموران و نمایندگان در کشورهای اروپائی و یا در حال توسعه، سفارت خانه های بنا شده در ایران مهندسان و معماران خارجی به خدمت گرفته شده اشاره کرد. «لاکن» از این میان سفرنامه ها آثاری مکتوب و مستندی هستند که جایگاه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016



نمودار ۱. مهم ترین عوامل تاثیر گذار بیرونی در دوره قاجار

نمودار ۲. مهم ترین عوامل تاثیر گذار داخلی در دوره قاجار، ماخذ: نگارندگان.

توسط کارفرمایان و صاحبان این بناها به معماران و سازندگان این گونه بناها تحمیل می شود و گرنه معماران و هنرمندان را امکان سفر به دیار فرنگ و مشاهده این بهشت زمینی و عروس شهرهای جهان نبوده است... مثلاً بنای شمس العماره تهران که تأثیراتی از معماری نئوگوتیک فرانسه دارد و در شهرسازی قاجار هم تأثیرات مستقیم خیابان های اروپائی مشاهده می شود مانند خیابان های باب همایون، لاله زار، ناصریه، چراغ گاز که متأثر از خیابان های قرن ۱۹ فرانسه است». او معماری دوره ناصرالدین شاه را انتخابی نمی داند و به خاطر فاصله عمیق فرهنگی و تکنولوژیکی با معماری غربی، شتابزده و ناگزیری می داند، در حالی که در دوره های بعدی انتخاب رخ می دهد» (صارمی، ۱۳۷۴، ص ۴۳).

محسن حبیبی، تحولات معماری قاجار تهران را حاصل دو دسته عوامل درونی و برونی می داند. او معتقد است که ارزش ها و معیارهای برونی زمانی به ایران راه یافتند که با جامعه ای کاملاً ایستا روبرو شدند. لذا او اعتقاد دارد که جامعه ایرانی از سوئی تحت تأثیر عوامل درونی اقدام به تغییر خویش نموده است. او معتقد است که اولین باری

که ایرانیان با وصف شهرهای اروپائی و نیمه اروپائی درصدد رسیدگی به شهر خود شدند دوره صفویه بود. توصیف از استامبول رقیب عثمانی شاهان صفوی را بر آن داشت تا پایتختی درخور سلطنت خود و ایران بنا کنند. حال دولت صفویه نیرومند بود و زمان کافی برای تحولات را نیز داشت حال آنکه این خودآگاهی در دوران قاجاریه و پهلوی کمتر به چشم می خورد. از عوامل برونی که در تحولات معماری و شهرسازی قاجار تهران برمی شمارند عبارتند از:

- ۱- شهری شبیه به آنچه پادشاهان در سفرنامه هایشان در غرب دیده اند.
- ۲- تکاپوی اقشار نوپای سرمایه داری تجاری برای ساختن شهری که آمادگی کالبدی برای پذیرش روابط جدید قدرت را داشته باشد.
- ۳- تلاش افراد تأثیرگذاری چون امیرکبیر که در صدد ایجاد سازمان دیوانی جدید و آموزش افرادی بودند که بتوانند این سازمان جدید را اداره کنند. او عوامل درونی تغییرات دوره قاجار چنین برمی شمرد:
- ۱- تمایل پادشاهان قاجار در ساخت شهر و بناهایی که با اصفهان صفوی رقابت کند.

۲- وضع نابسامان اقتصادی و اجتماعی جامعه که نیاز به اصلاح خود دارد، عنوان می‌کند (حبیبی، ۱۳۷۳، صص ۱۵۲ تا ۱۳۸).

جان دگرنی، نقش نمایشگاه‌های جهانی و عظمت ساختار شهرسازی و معماری شهرهای اروپائی را نقطه شروعی برای تحولات کشورهای شرقی می‌داند و دو شهر در حال توسعه استانبول و قاهره را مؤثر در تحولات دوره قاجاریه در تهران نام می‌برد، او دیدار شاه مملکت و سفیران کشور را از این شهرها عاملی مهم برای دگرگونی ذکر می‌کند. «شکوه پاریس الهام بخش دگرگونی‌های قاهره و استانبول شد و نمایشگاه جهانی راهی را برای دگرگونی، این هر دو تأثیری غیرمستقیم بر تهران داشتند. سفیر ایران در ترکیه به چشم خود اصلاحات و اصلاح شهرداری و برنامه ریزی را دیده بود و شاه را به دیدار از پاریس تشویق کرد» (افشار اصل، خسروی، ۱۳۷۷، صص ۱۲۵).

سید ابوالحسن ریاضی، در مقاله خود تحت عنوان تأثیر تجدد بر سازمان فضائی شهر تهران به فرضیه محوری تقدم اندیشه بر شکل‌گیری ساختار فضائی اشاره می‌کند و تحولات ساختاری فضای شهر تهران را از دوره قاجاریه به بعد از این قاعده مستثنی نمی‌داند. او تحول بنیادین غرب از دوره رنسانس یعنی نگرش انسان غربی به جهان هستی، انسان محوری را مطرح می‌کند و آنرا عامل مهم تحولات در تمامی شئون نظری، عملی، معیشتی و حیات اجتماعی انسان غربی می‌داند. عواملی چون تکامل روابط اقتصادی و حرکت به سوی سرمایه داری به شیوه غربی تغییر ساختار سلسله مراتب اجتماعی و پایه ریزی نهادهای اجتماعی هر چند موقتی و تغییرات در حاکمیت روابط پولی در این دوره را عواملی مؤثر در تحولات دوره قاجار عنوان می‌کند. او هم چنین شکست‌های مکرر نظامی ایرانیان، آشنایی سفرا و وزیران بزرگ ایرانی با اصلاحات کشورهای در حال توسعه و همسایه، رشد سریع تعداد دیپلمات‌های خارجی در ایران دوره ناصرالدین شاه، تحول فضای

آموزشی و ایجاد مدارس جدید و سفرهای متعدد پادشاه و درباریان را به فرنگ و تمایل به ساختن شهری شبیه آنچه در آن سفرها دیده بودند را عامل‌های مهمی در تحولات دوره قاجاریه می‌دانند. او تأثیر این عوامل در معماری تهران را افزایش جمعیت شهری، احداث قصرهای سلطنتی، احداث سفارتخانه‌ها و خیابان‌های نو، رشد محلات جدید، تاسیس مدرسه دارالفنون، جدایی‌گزینی اکولوژیکی شهر، ایجاد معماری اختلاطی، ایجاد فضاهای گشایش شهری، احداث باغ‌ها و پارک‌های اعیانی، ساختمان مجلس شورای ملی و پارلمان و ... می‌داند (ریاضی، ۱۳۸۹، صص ۱۲۹).

منصور فلامکی به شیوه تحولات شهرسازی در دوره قاجار این چنین اشاره می‌کند:

«از اواخر دوره فتحعلی شاه قاجار به اقتضای زمان سیستم اداری نو نیازمند فضاهای بیشتری شدند. ساختمان‌های برونی جدید و متناسب با مناصب دیوانی بر کیفیت و کمیت معماری دولت مردان مؤثر افتاد. از این تاریخ به بعد پنجره‌هایی از اتاق‌های کناره‌های بیرونی به کوچه‌ها باز شد و آرایش فضائی جدید به خیابان بخشید» (فلامکی، ۱۳۹۰، صص ۳۸).

بهروز پاکدامن، معرفی شیوه شهرسازی غربی را در توسعه اولیه شهر تهران قدیم عامل اساسی برای تحولات دیگر عرصه‌ها و بالخصوص معماری می‌داند. «عاملی که بیش از هر سبک و شیوه معماری در تحول معماری سنتی تهران مؤثر بوده است معرفی شیوه شهرسازی غربی بوده است. در این شکل نوین از توسعه شهری عناصر جدیدی نظیر خیابان و میدان که توسط ساختمان‌هایی محصور و تعریف می‌شود بکار گرفته شدند. طراحی این ساختمان‌ها متناسب با فضای شهری موجود و بناهای اطراف صورت گرفته و سیمای شهری و نمای خیابانی هماهنگ و متجانس را به سبک خیابان‌ها و میدان‌های غربی ایجاد نمودند...».

از دیگر پژوهش‌های مرتبط به تحقیق می‌توان

به مقاله و طرح پژوهشی دکتر سعیدرضا عاملی و تیم همکاران در زمینه «مطالعه بین رشته ای عناصر هویت بخش استان تهران در پرتو توجه به مدل های راهبردی شهرسازی و معماری مراکز دولتی و فضاهای عمومی استان تهران ...» اشاره نمود. در این تحقیق عناصر هویت بخش شهری استان تهران در سفرنامه ها مورد مطالعه قرار می گیرد و محوریت بر نمادهای شهرسازی و معماری گذاشته می شود. در این پژوهش ۲۴ سفرنامه که توسط سفرنامه نویسان داخلی و خارجی نگاشته شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام می شود. در این تحقیق نمادهای فرهنگی، رسانه های شهری و مبلمان شهری به عنوان مقولات محوری تعیین می شوند. یافته های این مطالعه به بازنمایی مقایسه استان تهران در سفرنامه ها و تقابل های شرق و غرب، تقسیم بندی اجتماعی محلات و تفاوت شهر تهران با شهرهای دیگر کشور و حتی جهان می پردازد (عاملی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰-۷۵)

حسین میرزائی، در پژوهشی که بر روی چهار سفرنامه ایرانیان به فرنگ در دوره قاجار صورت داده است به دنبال جایگاه تمدن غرب و نمایش چگونگی دیگری در آن است. او در مطالعه دیگری در این اسناد تاریخی بدنبال یافتن شناخت خوی و جامعه و فرهنگ ایرانی است. او از کوشش های استوارت هال و ادوارد سعید در این زمینه یاد می کند. به اعتقاد او نخستین نسل از ایرانیانی که به غرب سفر کرده اند اولین نفراتی اند که به نمایش دیگری در ایران پرداخته اند. به دنبال آن است که غرب چگونه در سفرنامه ها به تصویر کشیده شده است؟ او برای این منظور از نظریات و تئوری های واسازی دریدا، نظریه متن بارت، ینامتنیت کریستوا، زبان شناسی دوسوسور، گفتمان فوکو و بازنمایی استوارت هال استفاده می کند. او از ساز و کارهای تحلیلی و کلیشه سازی شامل: دو نیم سازی، طبیعی سازی، فتیش سازی، انکار و تقلیل تفاوت برای تحلیل سفرنامه ها مورد ارزیابی قرار می دهد و در

نهایت به فرضیه هایی بنیادین از آنها دست می یابد. «مطالعه تصویر غرب در ایران کمک می کند تا فهم بهتری نسبت به نوع هویت سازی و تمایزگرائی غرب بدست آید ...». این مطالعه بر ساخته شدن هویت مدرن جامعه ایرانی نیز کمک می کند. در این مقاله نگارنده راه های تماس با غرب را سه مقوله «سفر، ترجمه و موسسات آموزشی» توصیف می کند و از راه های فهم این تصویر بررسی نوع نمایش اروپائیان در آن دوران است. از نظر او سفرنامه ها از این جهت که به روایت ایرانیان از وقایع می پردازد منبع معتبرتری در ارزیابی نمایش خود و دیگری است، ولی باید دقت کرد که سفرنامه ها همواره با محدودیت هایی در فهم، شناخت و تفسیر هم همراه بودند و خیال پردازی و مبهم بودن زمانی و مکان و موقعیت از این موارد است (میرزائی، ۱۳۸۹، صص ۱۰۵-۷۷).

محسن حبیبی و زهرا اهری در مقاله دیگری به بررسی لاله زار به عنوان خیابانی که به سبک اروپائی در دوره ناصرالدین شاه شکل گرفته است یاد می کند. نگارندگان به گسترش روابط ایران و غرب در این دوران که زمینه را برای ورود افکار، الگوها و اشیاء فرهنگی باز نمود. آنها به گرتة برداری از الگوهای فرنگی در شهرسازی در طرح توسعه شهر تهران و تبدیل آن به دارالخلافه ناصری و ایجاد فضاهایی با حال و هوای فرنگی اشاره دارند. خیابان لاله زار که در بخشی از باغ لاله زار یعنی باغ تفرجگاهی سلطنتی برون شهری دوران فتحعلی شاه ایجاد گردید از جمله شاخص ترین این فضا است. نمودهای زندگی مدون شهری مانند پارک و باغ وحش، تجهیز آن به تأسیسات جدید شهری، آراستگی به سبک های جدید معماری، آنرا مبدل به ویتترین برای نمایش نوآوری نموده است (حبیبی، اهری، ۱۳۸۷، صص ۱۵-۵).

تحولات شهرسازی ایران در دوره قاجار از دیدگاه صاحب نظران عبارتند از:

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱- حضور مهندسان و شهرسازان خارجی مانند بوهلر و گاستیلر در دروه ناصری؛

۲- تشکیل محلات جدید شهری بر اساس نظام اجتماعی جدید (ریاض، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹) و (عاملی، ۱۳۹۲، صص ۱۰۰-۷۵)؛

۳- ایجاد فضاهای صنعتی در تهران و کارخانه های متعدد؛

۴- گشایش فضاهای شهری (ریاضی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹)؛

۵- تضعیف نقش بازار در شهر بخاطر احداث خیابان؛

۶- حضور میدین و خیابان جدید به سبک و سیاق نو (ریاضی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹) و (صارمی، ۱۳۷۴)؛

۷- توسعه بافت جدید شهری مناسب حمل و نقل شهری؛

۸- جدائی گزینی اکولوژیکی شهری (ریاضی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹)؛

۹- ورود کالسکه و لوکوموتیو به حمل و نقل شهری (افشاراصل، ۱۳۷۷، ص ۳۴).

روش تحقیق

جامعه آماری مورد مطالعه

بیش از ۳۰ سفرنامه و دفتر خاطرات و گزارش سفر که شامل تمامی منابع در دسترس از اسناد سفرنامه نویسان ایرانی دوره قاجار در بازه زمانی سال های (۱۷۹۵-۱۹۰۶) میلادی که به فرنگ سفر کرده (ابتدای دوره قاجار تا پیش از نهضت مشروطه) و سفرنامه نوشته اند در محدوده مطالعاتی این پژوهش است. روش اتخاذ شده در این پژوهش از نوع طرح تحقیق تاریخی از اسناد و محتوای سفرنامه ها است. این تحقیق به بررسی متون در دو بخش تحولات شهرسازی و خیابان کشی و فرم و هندسه معماری می پردازد.

۱- شهرسازی و خیابان کشی

۱-۱- توجه به نحوه ساخت خانه های قرینه و مستقیم الخط در فرنگ

«...شهری بغایت معمور و با صفا و خانه ها را قرینه

هم ساخته اند به حیثی که یکی بر دیگری اتصال ندارد. از هر دروازه که شخصی به شهر آید راست تا دروازه دیگر رود و ...» شهر ولندیس - (شوشتری، ۱۳۶۳، ص ۳۳۵). «خانه های فرنگ به خط مستقیم در مقابل هم و بر در هر خانه سکوئی با شکوه به جهت نشیمن...» (ابوطالب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۲). «جمع خانه ها ارتفاع دیوارش صد ذرع است از سنگ خاره و حجاری در کمال امتیاز مشتمل بر ۴ طبقه دریچه ها و منظرهای آینه به طوری آراسته و پرداخته بودند که عقل در آن متحیر می شد و تمام دریچه ها رو به کوچه در مقابل یکدیگر باز گشته سر موئی با یکدیگر اختلاف نداشتند. به در هر خانه اسم صاحب آن بیت را چاپ کرده و اسم خانه را معین نموده بودند. درها چوبی بودند، به در هر خانه لنتر (فانوس) آویخته بودند» شهر باث - (رضاقلی میرزا نایب الاپاله، ۱۳۶۱، ص ۳۳۸).

۱-۲- تاثیر روش طرح ریزی شهری و منظر سازی شهر پاریس همراه با ملاقات با افرادی چون آلفاند و هاسمان: ستایش نحوه خیابان آرائی پاریسی «باغ مسیودوال حاکم پاریس و مسیو الفاند مهندس شهر پاریس و غیره آنجا بودند. کوچه های پاریس که به این طور راست و وسیع و مسطح شده و خیابانها را باین نظم و سلیقه درخت کاشته اند، همه از روی دستور العمل و اهتمام مسیو هوسمان حاکم سابق پاریس که در عهد ناپلئون و این مهندس بوده است.» پاریس - سفر اول (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۱۴۹). «روی صندلیها نشسته مسیو آلفان که شرح احوال او را می نویسم پهلوی ما نشسته بود. پیرمردی است هشتاد ساله، مهندس است، ترتیب اکسپوزیسیون و هیپودروم این قبیل کارها به توسط او می شود، آدم با سلیقه ایست، همین آلفان نایب و همدست همان هاسیمان معروف بود که در عهد ناپلئون سیم پاریس را زینت داد و حالا هم زنده است، مسیو برژه هم مهندس قابلی است و با آلفان همدست است، پنجاه سال دارد» سفر سوم (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۱، ص

۲۱۶). «کوچه های پاریس که به این طور راست و وسیع و مسطح شده و خیابانها را به این نظم و سلیقه درخت کاشته اند همه از روی دستور العمل و اهتمام مسیو هوسمان حاکم سابق پاریس که در عهد ناپلئون بوده و این مهندس درست شده است» سفر اول (بقلم ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۱۴۹).

۱-۳- استفاده های ساعت های بزرگ در طراحی فضای شهری
خسرو میرزا از رواج ساعت و تعدد آن در سیمای شهرهای مسکو و پتر حکایت دارد (افشار، ۱۳۴۹، ص ۲۴۷).

۱-۴- تابلوهای راهنمای خیابان های لندن

«از باث الی لندن را به فاصله ۳۰ قدم در هر معموره و آبادی ستونی بلند کار گذاشته اند و بر ستونها چراغ های بلور نصب کرده اند. در هر سر میل به جهت علامت راه ستونی از سنگ برپا کرده و تا به هر معموره و شهرهای معتبر هر یک را مسافت مشخص کرده، بر آن ستون ها نوشته اند و در هر جا که راه و طرق مختلف می شود بر سر راه ستونی از سنگ برپا داشته و نوشته اند که هر راهی به کجا می رود» (رضاقلی میرزا نایب الاپاله، ۱۳۶۱، ص ۳۷۲).

۱-۵- نحوه اداره محلات شهری در لندن

«هر محله مشورتخانه دارد و اگر امری اتفاق افتد به پلیس باشی که گزیده باشی آن محله است رجوع می شود. او هم به وزیر داخله رجوع می کنند، پلیس این شهر هشت هزار نفر است. همه جوانهای خوب و با لباس معین اهالی شهر زیاد از پلیس حساب میبرند. هر کس به پلیسی بی احترامی کند قتلش واجب است» لندن- سفر اول (بقلم ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۱۷۵).

۱-۶- توجه به شهرسازی برون گرا و ایجاد ساختمان رو به معبر
رضاقلی میرزا در مورد خانه های لندن می نویسد:

«...و خانه هاشان تمام از بیرون مشرف بر کوچه و معبر آینه بود که عکس چراغ ها در آینه افتاده» (رضاقلی میرزا نایب الاپاله، ۱۳۶۱، ص ۳۵۵). «... این عمارت از خانه های خوب مسکو است و درهای آن رو به سکوی بلوار گشوده میشود، خیابان خوبی است» (عزالدوله، عبدالصمد میرزا سالور، ۱۳۷۴، ص ۳۰۰). «کوچه وسیعی که طرفین آن همه از درختهای کهن و گل سفید خوشه بسته و همه جا سنگ فرش و وسیع و اطراف همه خانه بود گذشتیم» برلن- سفر اول (بقلم ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۴۶). «گاهی در خیابان ناصریه که خندق را پر می کردند و خیابان می ساختند و مباشرتش با یحیی خان آجودان مخصوص بود و او ریاست عملجات خیابان را به امین همایون پسر شاهزاده تعزیه گردان زنانه که بعداً شرح حال او را با یحیی خان در موقع خودش به قلم خواهد آورد، سپرده بود» (خان شقاقی، میرزامهدی خان، ۱۳۵۳، ص ۲۲۴).

۱-۷- فرم های برون گرا

میرزا مهدی خان شقاقی در مورد نحوه طراحی بنای ساعد الدوله چنین می نویسد: «عمارتی ساخته متشکل از دوازده اطاق که سه از آنها به طرف باغ ساعد الدوله باز میشود، سه به طرف شمال، سه به طرف جنوب و سه به طرف خیابان لاله زار که در زمان خود از نظر استحکام و مهندسی و گچکاری و تزیینات داخلی بسیار خوش هیولا» (خان شقاقی، ۱۳۵۳، ص ۲۶۶).

۱-۸- شگفتی از تعداد طبقات و قرینه سازی

خانه ها در مقایسه با ایران

شوشتری از تعداد طبقات و قرینه سازی خانه ها در لندن یاد می کند. «...و آن شهر بیست معمور و آبادان که در آن یک مشمت خاشاک و یک کف دست خرابه یافت نشود. عمارات عالیه از سنگ رخام متصل به هم به الوان مختلفه و نقوض بدیعه قرینه هم به اسلوبی که باید ساخته اند» (شوشتری، ۱۳۶۳، ص ۲۶۱). «... عمارت را پنج طبقه روی هم ساخته اند و اطاق ها و میز های وسیع و تخت گذاشته اند.»

کاخ کرملین (عزالدوله، ۱۳۷۴، ص ۱۸۸).

۹-۱- ایجاد فضاهای تفریحی و پذیرایی

بازدید از خیابان های مستقیم و مملو از تکاپوی پارسی و وجود فضاهایی چون قهوه خانه، هتل، رستوران، کلوپ و مراکز تجاری انگاره های ذهنی برای شاه و درباریان بوجود آورد تا پس از بازگشت به تهران مشابه آنرا طرحریزی نمایند. «یک مهمانخانه یعنی قهوه خانه بسیار بسیار قشنگ دو مرتبه به طرز خیلی خوشگل لب آب ساخته بودند» پاریس- سفر دوم (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰).

۱۰-۱- جایگاه والا و نقش مهندسان فرنگی در ساخت و ساز شهری و عمارات دوره ناصری به بعد پیرسن صاحب مهندس که طراح و آرشیستک سفارت انگلیس- گاستگرخان مهندس اتریشی- بهلر صاحب مهندس فرانسوی که مستشار مهندسی نظام و از مدرسه دار الفنون پاریس) از مهم ترین مهندسان و معمارانی هستند که در دوره ناصری بکار گرفته شدند.

«برای نقشه ساختمان وزارتخانه ها از مهندسین فرنگی: یکی پیرسن صاحب مهندس که طراح و آرشیستک سفارت انگلیس و دومی گاستگرخان مهندس اتریشی که سالها داخل خدمت دولت ایران گشته و به لقب خانی سرافراز آمده بود و سومی بهلر صاحب مهندس فرانسوی که مستشار مهندسی نظام و از مدرسه دار الفنون پاریس بیرون آمده بود. همه این مهندسین به وزارت فوائد عامه دعوت گشتند و نقشه های بنده را با دقت کامل رسیدگی کرده بودند و نمیخواستند باور کنند که یک مهندس ایرانی آنها را کشیده است و تصدیق نمودند که این نقشه ها مثل طرح یکی از بناهای بسیار زیبا و عالی اروپا کشیده شده..» (خان شقاقی، ۱۳۵۳، ص ۱۵۶).

۱۱-۱- وضعیت روشنایی

در سفرنامه های شوشتری- رضا قلی میرزا، حاج محمد علی محلاتی، خانلرخان اعتصام الملک، حسام السلطنه همگی از وضعیت روشنایی معابر و میدان ها گزارش می دهند. «همه کوچه ها از چراغ گاز

روشن است علاوه بر آن از بامها و پنجره خانه ها روشنی الکتریسیته کوچک را مثل روز روشن کرده بود (بقلم ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۹۳). «مگر در همین کوچه فقط پاریس که از جلو همین مهمانخانه و گراناپرا الی پاله رویال که بازار معتبری است بقدر پنجاه شصت فانوس از این چراغ میسوزد و این کوچه را مثل روز روشن کرده است معلوم نیست که شب شده است مثل روشنی بین الطلوعین خیلی روشن است» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷).

۱۲-۱- جداسازی مسیرهای پیاده رو و سواره رو در معابر

توجه به شان و منزلت پیاده و تفکیک مسیر پیاده و سواره در خیابان های شهر؛ «خیابان وسیعی از سنگ فرش کرده که یکی به جهت ذهاب و دیگری به جهت ایاب مخصوص است» (رضاقلی میرزا نائب الاپاله، ۱۳۶۱، ص ۴۱۲).

۱۳-۱- مصالح و پوشش کف ها در معابر

شوشتری- داود خان ارمنی- حسام السلطنه- میرزا ابراهیم صحاف باشی از وضعیت سنگ فرش خیابان ها مکررا یاد کرده اند. «فرخ خان امین الدوله کاشانی تصویب نموده بود که تمام خیابانهای ارگ را از سنگهای مکعب مستطیل جلا گشته فرش کرده بودند که در حرکت پیادهها سرخورده میگذریدند» (خان شقاقی، ۱۳۵۳، ص ۴۵).

۱۴-۱- وسائل حمل و نقل شهری

حسام السلطنه و حاج محمد علی محلاتی از کالسکه اسبی و تراموا در اروپا یاد می کنند. «در وسط کالسکه و عراده و امنی بوس به قدری که زمین کوچه پیدا نیست و شخص تعجب می کند که چطور از یکدیگر می گذرند و محال است در این کوچه کالسکه بتواند تند برود، با وجود این اگر مهارت کالسکه چی ها و قدرت پلیس این شهر نباشد روزی هزار اتفاق می افتد» لندن- سفر سوم (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۱، ص ۵۲).

۱۵-۱- فن راه سازی و تاسیسات شهری

ارسال کارت پستال و عکس‌ها از سوی سفرنامه نویسان به عنوان هدیه و سوغات عاملی مهم در شکل‌گیری نوعی معماری تقلیدی تحت عنوان معماری کارت پستالی است. به نظر می‌رسد شباهت قصر فیروزه با تروکادرو از این دست موارد باشد: ۱. «یک کارت پستال در بادکوبه به منشی باشی نوشتم...» نقل از سفرنامه مسعود میرزا ظل السلطان (معمد دزفولی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵۴) و ۲. «خرید کارت پستال از ایفل بعنوان سوغات...» سفرنامه مسعود میرزا ظل السلطان (معمد دزفولی، فرامرز، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶۲).

۲-۲- تاثیر طرح‌های کاخ‌های انگلیسی

«مثل قلعه چهار برجی بنظر می‌آمد نزدیک رسیده پیاده شده سوار کالسکه اسبی شدیم جمع ملتزمین ما هم بودند» بوکینگهایم- سفر اول ناصرالدین شاه به فرنگ (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۸۹)؛ «به منزل عمارت ویندزور بسیار قدیم است شبیه با ابنیه قدیمه است که از سنگ ساخته‌اند و سنگهایش همه به قدر آجر است یک برج بزرگی دارد و چند برج کوچک و بلند و موزه اسلحه دارد» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۹۱).

۲-۳- احتمال تاثیر طراحی کاخ‌های سلطنتی فرانسوی در برخی کاخ‌های ایرانی دوره قاجار/توجه به سنت و طرز فکر فرانسوی در همه شئون فرهنگی و ادبی و هنری

در دوران انتهایی دوران قاجار استفاده از بام‌های مونسارت که در قرن ۱۷ میلادی به بعد بر روی کاخ‌های پاریسی توسط معمار فرانسوی فرانسویس مونسارت استفاده می‌شد. سنتوری شکسته (سبک مانریسم) پوشاندن نما با گچ برای شباهت با بناهای فرنگی همگی در بناهایی مانند عمارت ملیجک به وضوح یافت می‌شود. «عمارت توپلری که بهترین عمارات خوب دنیا بوده است حالا بالمره خراب شده است» سفر اول ناصرالدین شاه به فرنگ (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۱۳۴).

۲-۴- تمایل به سبک‌های التقاتی در نزد

رضا قلی میرزا از لوله‌های گاز و آب در کوچه و خیابان‌های لندن یاد می‌کند. «شوسه سنگی ساخته‌اند اما روی خاک سرخ چسبده سفت ریخته و کوبیده‌اند که ابدا گل نمی‌شود و رد اراده کالسکه به راه نمی‌نشیند مثل این است که کالسکه روی فرش راه می‌رود» کارلسروهه- سفر دوم (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴).

۱-۱۶- خیابان بمثابه مرکز خرید و فضای تفریحی- شکل‌گیری ایده تجمع مراکز تفریحی در مجاورت خیابان

«کوچه پل مل که محل جمیع کلوپ‌های مشهور لندن است. کوچه نارتمبرلند که محل مهمانخانه‌های بزرگ است» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۱، ص ۴۷). «کوچه پیکادلی آن هم کوچه بزرگی است مثل کوچه رنجیس اسطریط کوچه رنجیس اسطریط خیلی پاکیزه و وسیع است، در حقیقت بازار است دو طرف دکان‌ها هست، دکان‌های عالی، امتعه زیاد، همه دکان‌ها ممتاز است» لندن- سفر سوم (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۱، ص ۵۲). «چراغ‌های شانزه لیزه، چراغ‌های کافه‌شانتان‌ها و قهوه‌خانه‌های اطراف خیابان و این وضع و اینجا یک عالم غریب و حالت مخصوص و جلوه خاصی داشت» پاریس- سفر سوم (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۱، ص ۲۲۷).

۱-۱۷- شکل‌گیری ذهنیت طرز شهرسازی و معماری فرنگی برای شاه از سفر دوم به بعد
«عمارت حاکم جای خوبی است به طرز فرنگستان عمارت ساخته‌اند، باغی در جلو دارد» ایروان- سفر دوم ناصرالدین شاه به فرنگ (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، بکوشش فاطمه قاضیها، ص ۵۹). «حاکم ایروان عمارتی ساخته است به طرز فرنگی» ایروان- سفر دوم ناصرالدین شاه به فرنگ (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، بکوشش فاطمه قاضیها، ص ۶۳).

۲- آنچه از سبک و شیوه بنا و فرم معماری در سفرنامه‌ها منعکس شده است:

۲- (۱) اشاره به معماری کارت پستالی

توسط شاه و درباریان قاجار

«پله ها همه از مرمر است عمارت بطور فرنگی و ایرانی و عثمانی بسیار خوش طرح است» عمارت بیکلریگی استامبول- سفر اول ناصر الدین شاه به فرنگ (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۲۲۳).

۲-۵-گرته برداری معماران از طرح های تیبیک آن زمان

ممتحن الدوله از اولین معمار ایرانی تحصیل کرده در فرنگ درباره شیوه طرح و اجرای عمارات قاجاری به تقلید و گرته برداری اشاره دارد که خود مستتر در شیوه آموزش معماری در دوره نئوکلاسیک دارد. او در مورد طراحی و نقشه قصر فیروزه می نویسد: «چند اطاق به عرض و طول معین و حوضخانه فرمایش رفت و من یادداشت کرده از حضور کنار گرفته، در روی کاغذ کرکی نقشه و نما را طرح نمودم مختصر تصرفی خواستند در بنا بفرمایند با دلیل و برهان رد کردم» (خان شقاقی، ۱۳۵۳، صص ۱۵۳-۱۵۵).

۲-۶-توجه به سبک طراحی نئوکلاسیک

اشاره به ریتم تاق نماهای ستون های کلاسیک در نما و توصیف شکوه و عظمت سبکهای کلاسیک و ستونها و سر ستون های رومی: «در آنجا تماشاخانه سرباز کوچکی ساخته اند و داخل دریاچه جزیره کوچکی است ستونهایش به سبک رومن های قدیم است» ورشو- سفر دوم ناصر الدین شاه به فرنگ (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶).

۲-۷-طرح کلاه فرنگی؛ فضاهایی با اتاق های مدور

ابراز تمایل شاه برای ساخت این چنین بنایی در باغات سلطنتی با جلو عمارت مهتابی بلندی دیده می شود. «جلو عمارت مهتابی بلندی است در روی تپه باغچه های بسیار خوب و حوضهای کوچک دارد» سفر اول ناصر الدین شاه به فرنگ (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۴۹).

۲-۸-تعداد طبقات بناها

«... عمارت را پنج طبقه روی هم ساخته اند و اطاق ها و میزهای وسیع و تخت گذاشته اند...» کاخ

کرملین (عزالدوله، ۱۳۷۴، ص ۱۸۸).

۲-۹-برون گرایی

«عمارتی ساخته متشکل از دوازده اطاق که سه از آنها به طرف باغ ساعد الدوله باز میشود، سه به طرف شمال، سه به طرف جنوب و سه به طرف خیابان لاله زار که در زمان خود از نظر استحکام و مهندسی و گچکاری و تزیینات داخلی بسیار خوش هیولا» (خان شقاقی، ۱۳۵۳، ص ۲۶۶).

۲-۱۰-طرح ورودی نئو کلاسیک

حاج محمد علی محلاتی از نوعی ورودی نئو کلاسیک که در معماری کاخ ها و منازل مسکونی یاد می کند که در کاخ های تهرانی و دیگر عمارات به وفور استفاده می شود. «جمع درب های خانه های لندن را دو ستون یا چهار ستون سنگی مثل سایه بان درست می کنند که درب خانه که می ایستید از باران محفوظ باشند» (سیاح، ۱۳۸۳، ص ۱۹۸).

۲-۱۱-در و پنجره های هلالی شکل

«... در شهر پاریس سقف درگاه و درهای عمارات هلالی است و همه سقف درگاهها صاف و مسطح است مگر برخی طاقهای بزرگ و ایوانهای جلو بازارها که آنها را هلالی سقف زده اند» (سیاح، ۱۳۸۳، صص ۱۹۳-۱۹۴).

۲-۱۲-وجود فضاهای نیمه باز در اطراف بنا

میرزا عباسقلی خان میر پنج نوری (سیف الملک) از حضور بالکن در خانه های فرنگی یاد می کند (افشار قزوینی ۱۳۸۰، ص ۱۳۸)؛ «عمارت بسیار عالی بود، جلوخانی به شکل نیم دایره داشت» عمارت سلطنتی بادن باد- سفر سوم (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۱، ص ۲۷۸).

۲-۱۳-شکل گیری فضای نوین درونی با

تالار های تشریفاتی

گشایش و افزایش مقیاس های فضاهای درونی اعم از ارتفاع- وسعت و تعدد تالارها و توجه به تالارهای مرتفع ستون دار و توسعه و اصلاح برخی بناها و

جدول ۱. آنچه از شهرسازی و سیمای شهری در سفرنامه‌ها منعکس شده؛ ماخذ: نگارندگان.

شوشتری	ابوطالب اصفهانی	ابوالحسن ایلچی	آقا احمد بهبهانی	داود خان ارمنی	خسرو میرزا	رضاقلی میرزا
تقسیم شهرها به محلات؛ ساخت خانه های قرینه هم در اروپا؛ نوشتن اسامی محله در گذرها	تعریف پارک به عنوان فضایی نو و جدید؛ خانه های فرنگ به خط مستقیم در مقابل هم	نظم و آبادانی واژه بلوار	روشنایی شهر لندن	بلوار	استفاده های ساعت های بزرگ در طراحی فضای شهری و تعدد آن در مسکو و پتر	تابلوه‌های راهنمای خیابان های لندن؛ پست؛ رواج ساعت
حاج محمد علی محلاتی	عزالدوله	حسام السلطنه	حاجی پیرزاده	حاج میرزا محمد حسین فراهانی	میرزا ابراهیم صحاف باشی	مسعود میرزا ظل السلطان
گزارش وضعیت سیمای شهری پاریس-وجود راه آهن عمومی اسبی برای پاریس وجود صندوق پست در تمام کوچه های لندن	در برلن جمیع بام ها از آهن است؛ لندن همه کوچه ها وسیع و پاک	اراضی هندسی شهرسازی ردیفی خانه ها	مخزن و لوله کشی آب کوچه ها خانه های چند طبقه	استامبول همه عمارات شهر از دو تا پنج طبقه است؛ برجی بلند درست کرده اند که مشرف به همه شهر است	پرسه زنی ها و تفریحات در خیابان ها و پارکها	وین؛ پاکیزگی و نظافت شهرها

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۵۲۹

صندلی های زیاد

«تالار دیگری در جنب این دارد که سفره خانه مهمانخانه است، چهارصد نفر شام می خورند. میز و صندلی و اسباب دارد، چنگال و غیره در کمال نظافت و خوبی حاضر کرده بودند برای شام مردم، که این تالار و سفره لایق هر پادشاهی بود» پاریس (بقلم ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۵۷).

۱۶-۲ توسعه و تغییرات فضایی

بازدید از انواع موزه ها و گالری ها در سفرنامه های شاه و درباریان بعنوان تفریح همیشگی و روزمره است. قرارگیری موزه در درون فضای عمارت ها و کاخ ها- تبدیل کاخ به موزه تاریخ سلاطین روس: «پایین عمارت کرملین که جواهر آلات و تاجهای قدیم پادشاهان و غیره را چیده اند تماشا کردیم

کاخ ها مطابق آنچه بازدید شده است. «تالارهای متعدد از تالار سلام و اطاق سفره و منازل» عمارات دار الحکومه: حاجی طرخان سفر اول ناصر الدین شاه به فرنگ (بقلم ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۱۷).

۱۴-۲ توجه به فضاهای داخلی وسیع و مرتفع

«تالار رسوپه تالار وسیعی است چراغ زیادی روشن کرده بودند» (بقلم ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۳۵)؛ «این تالار هم بسیار بزرگ و طولانی و مرتفع است و تخت امپراطور را با پرده دیهیمی که ساخته در رصد تالار گذاشته اند...» کرملین- سفراول ناصر الدین شاه به فرنگ (بقلم ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۳۹).

۱۵-۲ سفره خانه های گسترده با میز و

عمارت عالی تودر توئیست که اسلحه-خانه محسوب می شود و هم جواهرخانه همه اسباب و آلات را به سلیقه پشت آئینه ها گذاشته اند از چینی های قدیم و طلا و نقره آلات و اسباب تحفه و غنایمی که از جنگها گرفته اند.» سفر اول (بقلم ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۴۳، ص ۲۴).

تحلیل و بیان یافته ها

تحولات سیمای شهری و خیابان بندی های شهر تهران در دوره قاجار

در شکل گیری معماری و شهرسازی دوره قاجار عوامل متعددی دخیل اند که آنها را به دو عامل داخلی و خارجی تقسیم می کنیم. عوامل داخلی منظور عواملی است که برگرفته از معماری سنتی ایران به خصوص دوران صفویه است. عمده ترین عوامل شکل دهنده معماری و شهرسازی دوره قاجار را عوامل بیرونی تشکیل می دهند، منظور عواملی است که از کشورهای بیگانه مخصوصا کشورهای غربی و روسیه گرفته شده است (کمالی، ۱۳۸۸، ص ۳۸):

الف: آمد و شد هیات حاکمه به اروپا با حضور کنسولگری های ایران در کشورهای اروپایی و کشورهای نظیر ترکیه و مصر و همچنین سفر های ناصرالدین شاه به فرنگ که باعث ترغیب و توسعه شهر بر اساس اقدامات شهرسازی اروپا شد؛
ب: تحصیل کردن معماران ایرانی در فرنگ و حضور معلمان معماری اروپایی در دارالفنون؛

ج: ورود کالسکه و اتومبیل در سیستم حمل و نقل شهری و بین شهری، در سال ۱۲۸۳ ه. ق مظفرالدین شاه اولین اتومبیل یا کالسکه بخار را وارد ایران کرد و ویژگی ارتباط دهندگی خیابانها را تسریع بخشید (رمضان جماعت، اکبری، ۱۳۹۲، ص ۲۳)؛

د: حضور معماران روسی و ارمنی در ساخت و ساز ساختمانها به سبک غربی (کمالی، ۱۳۸۸، ص ۴۰).

تغییر در ساختار خیابان کشی ها

خیابان های قبل از دوره قاجاریه عملکرد تفریحی داشتند که خصوصیات کالبدی آنها عبارت

است از: بدنه های مشجر، نهرهای آب در طرفین سنگفرش های پیاده رو و خیابان، تک بناها عقب نشسته و محصور در میان باغها و بستانها اطراف خود، ولی در زمان قاجار عملکرد آن تغییر کرد که بدنه هایی به ارتفاع ۲ تا ۳ طبقه و روکرده به خیابان بودند، ردیف مغازه ها در طبقه همکف و ساختمان های مسکونی در طبقات بالا (خسروی و افشار، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵).

تغییر مرکز شهر، دگرگونی مفهوم محله

از جمله ویژگی های بسیار مهم در این دوره تغییر مرکز شهر، دگرگونی مفهوم محله، شکل گیری خیابان و تحمیل این عنصر بر شبکه سنتی بازار و نقش ارتباطی بارز آن است. از این دوره خیابان مفهوم جدیدی می یابد، خیابان دیگر نه فقط به عنوان مسیر عبور و یا تفرجگاه، بلکه به منزله محل تجارت و بازرگانی نیز نقش بازی می کند. شروع هر خیابان میدان مرکزی (توپخانه) است و اتصال هر یک به میدان را دروازهایی تعریف می کند. بدین ترتیب دروازه، هم نقطه اتصال دو فضای متباین شهری (میدان و خیابان) است و هم نشانگر اهمیت آن و هم نقطه شروع را تعریف می کند (ریاضی، ۱۳۸۹، صص ۱۲۹-۱۴۸).

عناصر جدید آمد و شد وسایل نقلیه عمومی

در خیابانها نیز شاهد حضور عنصر جدیدی هستیم. «این عنصر جدید، آمد و شد وسایل نقلیه عمومی است. استفاده از این وسایل که تا پیش از این در شهرهای ایرانی نبودند، همچون در الگوی اصلی خویش، یعنی در شهرهای اروپایی نشانگر عملکرد صنعتی شهر نیست، بلکه نشانه یک عملکرد تفریحی است. واگن یا تراموای اسبی به خیابانهای تازه ساخت چهره ای بس متفاوت می بخشد (ریاضی، ۱۳۸۹، صص ۱۲۹-۱۴۸). ساختن عمارات و بناهای دولتی به سبک فرنگی چون عمارت تلگرافخانه، عمارت شمس العماره و عمارت تکیه دولت مثال های روشنی از تغییر مفاهیم در مورفولوژی شهری هستند که با قرار گرفتن در کنار خیابان، بر نقش جدید



شکل ۲. خیابان ناصریه: ناصر خسرو



شکل ۱. خیابان باب همایون



شکل ۴. خیابان لاله زار



شکل ۳. خیابان چراغ گاز (امیر کبیر)

۲ - خیابان ناصریه (ناصرخسرو)؛ ۳ - خیابان چراغ گاز (امیرکبیر)؛ ۴ - خیابان لاله‌زار؛ ۵ - خیابان علاء الدوله (فردوسی)؛ ۶ - خیابان باغشاه (سپه) (مهدیزاده، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

تحولات هندسه و فرم پلان بناها در طول زمان به موارد ذیل قابل دسته بندی است:

۱. تا اوایل دوره ناصرالدین شاه استفاده از الگوهای سنتی در طرح‌ریزی هندسی عمارت‌ها دیده می‌شود. این طرح‌ریزی‌ها شامل؛ الف- مربع یا مستطیل شکل با حیاط مرکزی (درالفنون)؛

ب- مستطیلی شکل با ایوان یا تالار مرکزی (وٹوق الدوله یا تخت مرمر)؛

ج- مستطیلی شکل بدون ایوان در یک یا دو طبقه (عمارت خروجی کاخ گلستان) قابل شناسائی اند.

۲. از اوایل دهه ۱۸۷۰ م و قبل از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و به نظر متأثر از سفرنامه‌های پیشین ایرانیان به فرنگ، الگوهای هندسی نوینی شامل برج

آن تأکید کرده و خود به عنوان عنصری نمادین مطرح می‌شوند یا در جایی دیگر درباره خیابان چراغ گاز نقل شده این خیابان به این جهت چراغ گاز شهرت یافت که برای اولین بار کارخانه چراغ گاز را میرزا محمد حسن خان سپهسالار با هزینه ای به ارزش ۳۰ هزار لیره از فرنگستان وارد ایران کرد و در خیابان شرقی میدان توپخانه تاسیس کرد.

شهر قدیمی تهران، در زمان ناصر الدین شاه، در نخستین هجوم امواج توسعه و نفوذ فرهنگ جدید شهرنشینی، حصار شاه طهماسبی را به دور افکند و با اشغال فضاهای جدید و ایجاد تأسیسات نوین شهری، بارویی وسیع‌تر به دور خود کشید (مهدیزاده، ۱۳۸۱، ص ۲۲). نخستین خیابان‌های تهران به سبک جدید پس از تغییر نقشه تهران، در اطراف ارگ دولتی و میدان توپخانه به وجود آمد که اساس شبکه‌بندی و جهت امتداد خیابان‌ها را در دوره‌های بعد بوجود آورد قدیمی‌ترین و مهم‌ترین این خیابان‌ها عبارت‌اند از: ۱ - خیابان باب همایون؛

های مستطیلی یا مربع شکل مرتفع ایجاد گردیدند که در عمارت های شمس العماره و سلطنت آباد قابل شناسائی هستند.

۳. بطور مشخص پس از سفر اول ناصری به فرنگ، استفاده از طرح هندسه مستطیلی کشیده با تراس های خطی یک طرفه و دو طرفه در همکف و طبقات در بناها دیده می شود (عمارت مسعودیه و انیس الدوله).

۴. از سالهای اواخر دهه ۱۸۸۰ م و مقارن با سفر دوم شاه به فرنگ استفاده از تیپولوژی عمارت کوشکی و کلاه فرنگی و عموماً در دو طبقه فراوانی زیادی دارد (قصر یاقوتف عمارت خوابگاه، کاخ ملیجک، عمارت اتابک و ...).

۵. در اواخر دوره ناصرالدین شاه و اوایل دوره مظفرالدین شاه استفاده از ترکیبات حجمی و چند ضلعی و منحنی در عمارت به صورت محدود دیده می شود که سر در باغ ملی و کاخ فرح آباد از آن جمله اند.

الف- شیوه های متفاوت فرم و هندسه پلان (عمودی)

۱-مربع و مستطیل با حیاط مرکزی؛ ۲- مستطیلی با ایوان مرکزی در دو طبقه؛ ۳- مستطیل کشیده بدون ایوان در یک یا دو طبقه؛ ۴- مستطیلی کشیده در میانه حیاط با تالار میانی؛ ۵- کوشکی عموماً در دو طبقه و بصورت کلاه فرنگی؛ ۶- برج مستطیل یا مربع؛ ۷- استوانه‌ای؛ ۸- مستطیلی دو طبقه با پیش آمدگی بالای ورودی؛ ۹- مستطیلی با تراس های خطی در طبقات؛ ۱۰- ترکیبات حجمی مکعب شکل و چند ضلعی؛ ۱۱- منحنی شکل و دوار.

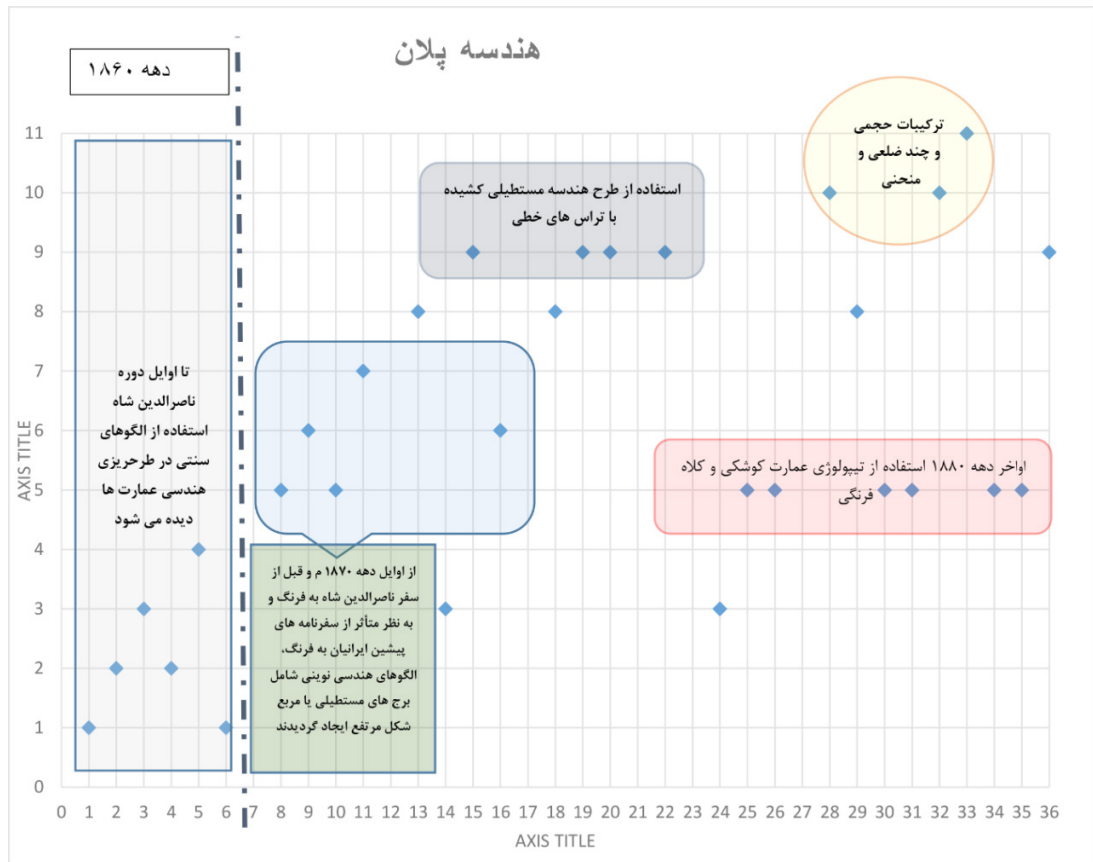
ب- جامعه آماری بناهای شاخص و کاخ ها (افقی)

۱-قصر قاجار؛ ۲- عمارت بادگیر (کاخ گلستان)؛ ۳- عمارت خروجی (کاخ گلستان)؛ ۴- تخت مرمر (کاخ گلستان) دیوان خانه؛ ۵-خانه وثوق الدوله؛ ۶- مدرسه دارالفنون؛ ۷- قورخانه مبارکه؛ ۸- عمارت و باغ فردوس؛ ۹- عمارت و باغ سلطنت آباد؛ ۱۰- شمس العماره؛ ۱۱- تکیه دولت؛ ۱۲- تالار سلام و برلیان

.. (کاخ گلستان)؛ ۱۳- تالار آئینه (کاخ گلستان)؛ ۱۴- تالار الماس (کاخ گلستان)؛ ۱۵- خانه انیس الدوله؛ ۱۶- کاخ عشرت آباد؛ ۱۷- عمارت دیوانخانه (مسعودیه)؛ ۱۸- عمارت سفره خانه (مسعودیه)؛ ۱۹- عمارت سید جوادی (مسعودیه)؛ ۲۰- عمارت مشیر الملکی (مسعودیه)؛ ۲۱- سردر عمارت (مسعودیه)؛ ۲۲- کاخ سپهسالار؛ ۲۳- سپهسالار سردر؛ ۲۴- کاخ صاحبقرانیه؛ ۲۵- قصر یاقوت؛ ۲۶- عمارت خوابگاه؛ ۲۷- عمارت امیریه؛ ۲۸- سردر میدان مشقی؛ ۲۹- کاخ ابیض؛ ۳۰- پارک و عمارت اتابک؛ ۳۱- عمارت ملیجک؛ ۳۲- عمارت قزاقخانه؛ ۳۳- کاخ فرح آباد؛ ۳۴- خانه عین الدوله.

نتیجه گیری و جمع بندی

توجه به نحوه ساخت خانه های قرینه و مستقیم الخط در فرنگ، تفاوت در مصالح و پوشش کفها، خیابان بندی به روش طرح ریزی و منظرسازی پاریس، توجه به شهرسازی برون گرا و ایجاد ساختمان رو به معبر در کنار بکارگیری مهندسان فرنگی در ساخت و ساز مهم ترین عواملی بودند که موجب ترسیم آرمانشهری روپائی از فرنگ در ذهنیت نویسندگان سفرنامه ها گردید که پس از بازگشت به ایران باعث ایجاد خیابان در دوره قاجار به مفهوم نواری وسیع، طولانی، عریض، مستقیم و یکنواخت شد که بدون توجه به محیط پیرامون و خصوصیات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، اقلیمی شهر و به صورت تقلیدی شکل گرفت. تغییر در ساختار خیابان کشی های تهران، تغییر در مرکز شهر، دگرگونی مفهوم محله و سپس حضور عناصر جدید آمد و شد وسایل نقلیه عمومی مهم ترین این تحولات متأثر از سفرنامه ها و اطلاعاتی که می دهند در همه عرصه ها به خصوص در عرصه شهرسازی و معماری دارد. از طرفی در تحلیل هندسی و فرم معماری در جامعه آماری بناها نیز سیر تحول بناها به سمت هندسه های غربی و جدید الظهور در معماری ایران مشاهده می شود. در پایان باید اذعان کرد سفرنامه ها اسنادی هستند که میزان توجه



نمودار ۳- تحلیل بررسی تحولات در هندسه و فرم بناها در کاخ های شهر تهران در دوره قاجار

به کوشش اسلام کاظمیه، انتشارات طوس، تهران، قطع وزیری.

بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸) معماری معاصر ایران تکاپوی بین سنت و مدرنیته، تهران، انتشارات هنر معماری قرن.

پاکدامن، بهروز (۱۳۷۳) نگاهی کوتاه به شیوه ها و گرایش های معماری در تهران، کتاب تهران، انتشارات روشنگران.

حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۳) نخستین پژواک مدرنیته در ایران، شماره ۳، صفحات ۱۵۲ تا ۱۳۸.

حبیبی، محسن (۱۳۸۷) از شار تا شهر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، صفحات ۱۴۸-۱۱۱.

حبیبی، سیدمحسن، اهری، زهرا (۱۳۸۷) لاله زار، عرصه تفرج از باغ تا خیابان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۴، صفحه ۱۵-۵.

حسام السلطنه، محمدنقی (۱۳۷۴) سفرنامه حج

به موضوعات مختلف در آنها نمایش دهنده اهمیت ذهنی آنها برای نویسندگان را مشخص می نماید؛ چنانچه پس از سفر دوم ناصرالدین شاه به فرنگ شاهد شکل گیری شیوه ای به عنوان طرز فرنگی در ذهنیت شاه و درباریان هستیم.

منابع و مآخذ

افشار اصل، مهدی و خسروی، محمدباقر (۱۳۷۷) معماری ایران در دوره قاجار، مجله هنر، شماره ۳۶. افشار، میرزا مصطفی، (۱۳۴۹) سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورگ، به کوشش محمد گلبن، تهران، مستوفی.

اعتصام الملک، میرزاخانلرخان (۱۳۵۱) سفرنامه میرزاخانلرخان اعتصام الملک، به کوشش منوچهر محمودی، ناشر منوچهر محمودی، چاپخانه فردوسی، چاپ اولف قطع وزیری.

امین الدوله، علی خان (۱۳۵۴) سفرنامه امین الدوله،

- حسام السلطنه، به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر شعر.
- خان شقاقی، میرزا محمدخان (۱۳۵۳) خاطرات ممتحن الدوله، بکوشش حسینقلی خان شقاقی، زندگی نامه میرزا مهدی خان، ممتحن الدوله، تهران، نشر امیرکبیر.
- خسروی، محمد باقر، افشار اصل، مهدی (۱۳۷۷) معماری ایران در دوره قاجار، مجله هنر، شماره ۳۶. دهباشی، علی (۱۳۵۶) مجموعه سفرنامه های میرزا صالح شیرازی، تصحیح از غلامحسین میرزا صالح آدمیت و امیرکبیر.
- رمضان جماعت، مینا و اکبری، زینب (۱۳۹۲) تحولات بافتی تهران در دوره قاجار تغییرات ایجاد شده در نحوه قرارگیری خانه ها نسبت به معابر شهری، مجله جامعه شناسی تاریخی، شماره ۹، ۱۷۵-۲۰۲ رضاقلی میرزا نائب الاپاله (۱۳۶۱) سفرنامه رضاقلی میرزا به کوشش اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران، انتشارات اساطیر.
- ریاضی، ابوالحسن (۱۳۸۹) تاثیر تجدد بر سازمان فضای شهر تهران، فصل نامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۳
- سلطان زاده، حسین (۱۳۹۰) مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، چاپ اول، نشر چهار طاق، صفحه ۱۶۸.
- شهری، جعفر (۱۳۶۹) تاریخ اجتماعی شهر تهران در قرن سیزده، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، چاپ دوم.
- شوشتری، عبداللطیف خان (۱۳۶۳) تحفه العالم، به کوشش صمد موحد، تهران، انتشارات طهوری.
- صارمی، علی اکبر (۱۳۷۴) مدرنیته و رهاوردهای آن در معماری و شهرسازی ایران، مجله گفتگو، شماره ۱۰.
- صفری، سهیلا (۱۳۸۸) آرشیو در سفرنامه های ایرانی دوره قاجار، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۷۳، صفحه ۹-۱۵.
- صحاف باشی تهران، ابراهیم (۱۳۵۷) سفرنامه صحاف باشی تهرانی، باهتمام محمد مشیری، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول.
- عاملی، سیدسعیدرضا (۱۳۹۲) بازنمایی عناصر هویت بخش شهری در سفرنامه ها، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، شماره ۴.
- عزالدوله، عبدالصمد میرزا سالور (۱۳۷۴) سفرنامه عبدالصمد میرزا سالور عزالدوله به اروپا، تنظیم و تصحیح از مسعود سالور، ناشر نامک، تهران، چاپ اول.
- علیزاده بیرجندی، زهرا، رجبلو، قنبرعلی (۱۳۸۹) نقد و بررسی سفرنامه های ناصرالدین شاه به فرنگ با رویکرد تحلیل گفتمان، مجله جستارهای ادبی، شماره ۱۶۸، صفحه ۱۳۵-۱۱۰
- فلامکی، منصور (۱۳۹۰) باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، فصل هشتم، چاپ نهم، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۳) دارالخلانه ناصری سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، مهندسی مشاور معماری سفید، چاپ اول، انتشارات دانشگاه.
- کمالی، محمد رضا (۱۳۸۸) بررسی معماری دوره قاجار، دو فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، شماره ۴
- معمد دزفولی، فرامرز (۱۳۹۱) تاریخ اندیشه جدید ایرانی، تهران، نشر شیراز.
- میرزا صالح شیرازی (۱۳۸۷) سفرنامه ها: میرزا صالح شیرازی، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول.
- میرزائی، حسین، پروین، امین (۱۳۸۹) نمایش دیگری، جایگاه غرب در سفرنامه های دوره ظهور مشروطیت، فصل نامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۹، صفحه ۷۷-۱۰۵
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۱) شهر و تاریخ: دوره تکوین و شکل گیری تهران قدیم، مجله هنر و معماری، شماره ۲.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۴۳) سفرنامه ناصرالدین

شاه قاجار، به کوشش عبدالله مستوفی، تهران، انتشارات اندیشه.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۱) روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرنگستان، بکوشش دکتر اسماعیل رضوانی، فاطمه قاضیها، تهران، ناشر مدیریت پژوهش و انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۹) روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان، فاطمه قاضیها، تهران، سازمان اسناد ملی ایران. پژوهشکده اسناد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۵۳۶ ■

خوشه بندی و رتبه بندی پیمانکاران با استفاده از مدل های خوشه بندی و ویکور (مطالعه موردی: مسکن مهر شهر جدید هشتگرد)

مهدی نصراللهی* - استادیار گروه مدیریت صنعتی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
محمد مهدی مظفری - استادیار گروه مدیریت صنعتی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

چکیده

مدیریت بر اجرای طرح های مسکن مهر که نیازمند سرعت عمل بسیار زیاد و در حجم گسترده است تنها با دریافت و پردازش صحیح و به موقع داده ها و اطلاعات قابل اعتماد محقق خواهد شد. برنامه ریزی های بلند مدت مدیران در تمامی سطوح پروژه های مسکن مهر که مسیر حرکت و نحوه ی عملکرد کلیه ی دست اندرکاران طرح مسکن مهر را تعیین می کند بر مبنای تحلیل داده های موجود انجام می شود. شرکت عمران شهر جدید هشتگرد به عنوان یکی از بزرگترین متولیان طرح مسکن مهر در سطح کشور است و بنابراین اعمال مدیریت صحیح بر اجرای پروژه ها در این شهر بسیار حیاتی می باشد. با توجه به اینکه بیش از ۸۰ پروژه ی مسکن مهر در شهر جدید هشتگرد در حال اجرا می باشد و با عنایت به اینکه عقد تفاهم نامه ها و شروع کار بیشتر مجریان پروژه ها در یک فرصت زمانی اندک صورت گرفته است بنابراین کسب اطلاعات صحیح در خصوص پیمانکاران و پروژه ها جهت اعمال سیاست های بلند مدت و اتخاذ رویه های یکپارچه بسیار حیاتی می باشد. در این تحقیق، ابتدا داده های مناسب در خصوص پیمانکاران جمع آوری گردید و سپس با استفاده از روش های تحلیل خوشه ای تلاش شد تا یک خوشه بندی مناسب از پیمانکاران انجام گیرد و با اعتبار سنجی از صحت نتایج بدست آمده اطمینان حاصل شد. در نهایت با بکارگیری روش ویکور رتبه بندی پیمانکاران انجام شد.

واژگان کلیدی: مسکن مهر، خوشه بندی، رتبه بندی، شهر جدید هشتگرد، ارزیابی پیمانکار.

Clustering and ranking contractors using data mining algorithm and VIKOR (Case study: Mehr housing Hashtgerd New Town)

Abstract

The construction management of Mehr Housing projects, which has an increasing volume and is required to high speed, can be appropriately possible just through receiving and processing the reliable data and information on the right time. Long-term programs, which have been made by managers and can determine the whole levels of Mehr Housing projects, their executive process and the people's operation who are involved in Mehr Housing project, are entirely on the basis of existing data mining. Hashtgerd New Town Development Corporation is one of the most fundamental administrators of Mehr Housing project throughout the country and therefore, an efficient construction management is essential to execute the projects in this town. Considering the fact that more than 80 projects of Mehr Housing project are being executed in Hashtgerd New Town and regarding that the memoranda of understanding have been contracted and operated in a short time, assembling the appropriate information in the field of contractors and projects is fundamental to apply the long-term policies and coherent methods. To cluster the contractors of Mehr Housing projects in this research, firstly the required data has been collected with regard to these contractors and then they have been clustered through cluster analysis method. Correctness of achieved findings has been certified through validation methods. Finally, contractors have been ranked in every cluster by VIKOR as a multiple criteria decision-making method.

Key Words: Mehr Housing, Clustering, Ranking, Hashtgerd New Town, Contractor Evaluation

بررسی سوابق و یا با معرفی توسط تعاونی های مسکن مهر انتخاب شده اند. با توجه به اینکه طرح مسکن مهر با سرعت زیاد آغاز شد و هیچ تجربه ای در خصوص اجرای چنین طرح عظیمی از ساخت مسکن وجود نداشت بنابراین تمام شیوه های اجرای کار ابتکاری بوده اند و مشکلات پیش بینی نشده ای بروز کرده اند. یکی از مهمترین مشکلات ایجاد شده، عدم توانمندی برخی پیمانکاران در انجام تعهدات و تحویل پروژه با رعایت کیفیت و زمان مناسب و در قیمت مصوب است.

برای ساخت این تعداد واحد مسکونی در بازه ی زمانی تقریباً یکساله در شهر جدید هشتگرد نیاز شدیدی به یک شیوه ی مطمئن و جامع جهت دسته بندی پیمانکاران وجود دارد. شیوه های فعلی گزینش پیمانکاران دارای چندین ضعف اساسی هستند: (۱) شیوه ای استاندارد برای ارزیابی و انتخاب پیمانکاران وجود ندارد؛ (۲) با وجود اینکه نقاط ضعف زیادی در اجرای پروژه ها توسط پیمانکاران انتخاب شده با معیار های اولیه مشاهده می شود اما همچنان اعتماد بلند مدت به آنها وجود دارد؛ (۳) پیشنهاد قیمت توسط پیمانکاران مهمترین عامل تصمیم گیری در هنگام انتخاب نهایی است؛ و (۴) در زمان انتخاب پیمانکاران بیش از حد بر تحلیل های ذهنی تکیه می شود (Holt et al, ۱۹۹۴/a).

از این رو یافتن شیوه ای صحیح و عادلانه جهت انتخاب و دسته بندی پیمانکاران در پروژه های عمرانی ضروری است. بدیهی است که واگذار کردن یک پروژه به یک پیمانکار یکی از مهمترین تصمیماتی است که هر کارفرما اخذ می کند (Holt et al, ۱۹۹۵). تاکید بر کاهش هزینه ها در هنگام انتخاب پیمانکار باید همراه با توجه جدی به توانمندی وی در تامین رضایت کارفرما باشد. رقابت آزادانه میان پیمانکاران می تواند مزایای زیادی را برای کارفرمایان به دنبال داشته باشد. طبیعی است که بهره برداری از این فضای رقابتی یکی از دلایل اصلی استفاده از روش های مختلف انتخاب پیمانکار

حجم ساخت و ساز مسکن از جمله شاخص های اساسی رشد و توسعه در هر کشور محسوب می شود و رکود در بخش مسکن می تواند به رکود اقتصادی کل کشور منجر شود. با تصویب اجرای طرح مسکن مهر توسط دولت نهم در سال ۱۳۸۵ با هدف تامین مسکن برای اقشار کم درآمد، سرعت ساخت و ساز در کشور افزایش چشمگیری پیدا کرد به نحوی که طبق اظهار نظر معاون وزیر مسکن و شهرسازی میزان ساخت مسکن مهر در کشور با کل مسکن ساخته شده در ۳۰ سال گذشته برابری می کند (Fars News, ۲۰۱۱). با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از هزینه های آماده سازی و ایجاد تاسیسات زیربنایی همچون ایجاد خیابان ها در مجموعه های مسکن مهر از طریق دولت و به صورت یارانه به متولیان این طرح پرداخت می گردد، لزوم برنامه ریزی دقیق برای جلوگیری از اتلاف این منابع محدود ضروری به نظر می رسد تا علاوه بر افزایش بهره وری در استفاده از منابع مالی، ارائه امکانات نیز همراه با توسعه ی مسکن صورت پذیرد. شهر جدید هشتگرد به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی و ظرفیت های بالقوه برای توسعه به عنوان یکی از مکان های اصلی برای اجرای طرح مسکن مهر در نظر گرفته شد. تعداد واحد های مسکونی مهر مصوب در شهر جدید هشتگرد در مرحله اول ۵۰,۰۰۰ واحد بود که تا افق طرح به ۵۵,۰۰۰ واحد افزایش پیدا می کند. وسعت زمین اختصاص یافته به مسکن مهر در شهر جدید هشتگرد ۷۰۰ هکتار و جمعیت پیش بینی شده در افق این طرح بیش از ۳۵۰,۰۰۰ نفر است. طبق اطلاعات گردآوری شده از مدیران شرکت عمران شهر جدید هشتگرد تا پایان بهار سال ۱۳۹۰ برای تعداد ۵۳,۱۴۷ واحد مسکن مهر قرارداد اجاره منعقد گردید و تعاونی ها و انبوه سازانی برای اجرا انتخاب شده اند. تا کنون اکثریت انبوه سازان فعال در طرح مسکن مهر از طریق ارائه ی درخواست مستقیم به شرکت عمران شهر جدید هشتگرد و

می باشد. به علاوه در صورت انتخاب یک پیمانکار نامناسب وضعیت مالی کارفرما نیز دچار مخاطره جدی خواهد شد. بسیاری از ضعف ها قبل از انتخاب پیمانکار وجود دارد و قابل مشاهده است و مشکلات اساسی و بزرگ نیز پس از انتخاب یک پیمانکار نامناسب ایجاد می شوند. در اثر انتخاب پیمانکاران نامناسب، انجام پروژه با اشکالات اساسی روبرو می شود به نحوی که بسیاری از پروژه ها از برنامه های زمانبندی اعلام شده عقب مانده اند و پیمانکاران به دلایل مختلف قادر به جبران عقب ماندگی نیستند (شرکت عمران شهر جدید هشتگرد، ۱۳۹۰). در مجموع به نظر می رسد روش انتخاب پیمانکاران در حالت کلی باید سه معیار مهم را در بر داشته باشد: زمان (تحویل پروژه در زودترین زمان ممکن)؛ هزینه (تحویل پروژه با کمترین هزینه ی ممکن)؛ و کیفیت (تحویل پروژه با بالاترین استانداردها).

در انتخاب پیمانکاران از شیوه های متعدد و متفاوتی استفاده می شود. بر طبق مشاهدات و مصاحبه های انجام گرفته هر یک از تعاونی ها بر اساس معیار های گوناگونی پیمانکار خود را برگزیده اند و حتی در استفاده از نسبت های مالی برای ارزیابی آنها یک روش واحد وجود ندارد. بنابراین تصمیمات نادرست و عدم توجه به روش های علمی و تکنیک های مناسب تصمیم گیری در انتخاب پیمانکاران، زیان های فراوانی را متوجه سازمان ها و جامعه می نماید (اصغری زاده و نصراللهی، ۱۳۸۷). از این رو اغلب پروژه های عمرانی با مشکلاتی مانند افزایش هزینه، تطویل زمان و یا کاهش کیفیت ناشی از عدم انتخاب پیمانکار مناسب و شایسته برای پروژه مورد نظر مواجه هستند. با توجه به این مطالب و در نظر گرفتن این نکته که مدیریت ارزیابی و انتخاب پیمانکار برای واگذاری پروژه ها، یک قسمت اساسی از فرآیند ساخت و ساز است، همچنین لزوم انجام پژوهش های کاربردی جهت رفع مشکلات مختلف پروژه های عمرانی از جمله مشکلات موجود در زمینه مدیریت پروژه، شناسائی ابعاد و عوامل اثر گذار بر

انتخاب و دسته بندی پیمانکاران و استفاده از شیوه های علمی برای مقایسه و خوشه بندی پیمانکاران و در نهایت جلوگیری از به هدر رفتن منابع ملی کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تحقیق حاضر برای خوشه بندی پیمانکاران در پروژه های مسکن مهر شهر جدید هشتگرد صورت گرفته و لکن می تواند الگویی جهت کلیه شهرهای جدید کشور، سایر متولیان مسکن مهر، شهرداری ها، وزارت نیرو و... باشد. در این مطالعه سه هدف عمده مورد نظر بوده است. این اهداف عبارتند از: مشخص نمودن فرایند و ساختاری جهت خوشه بندی پیمانکاران پروژه های مسکن مهر و سایر پروژه های عمرانی؛ خوشه بندی پیمانکاران مسکن مهر شهر جدید هشتگرد؛ و رتبه بندی پیمانکاران.

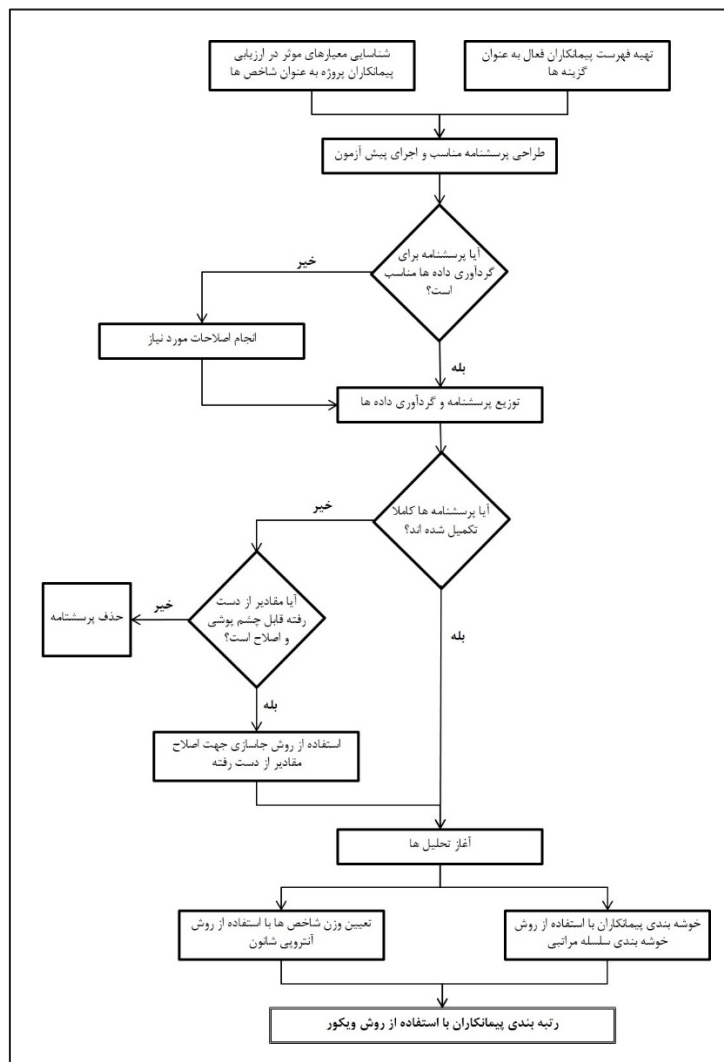
روش تحقیق

در انجام این تحقیق به دنبال پاسخگویی به سه پرسش اساسی برای دستیابی به اهداف تعیین شده بودیم: پیمانکاران پروژه های مسکن مهر شهر جدید هشتگرد در چند خوشه جای می گیرند؟ هر یک از این خوشه ها چند عضو دارند؟ و هر یک از پیمانکاران چه رتبه ای دارند؟ فرایند کلی خوشه بندی و رتبه بندی پروژه های مسکن مهر در شکل به طور خلاصه نمایش داده شده است. به دلیل اینکه شناسایی و تعیین شاخص های ارزیابی پیمانکاران اولین گام در اجرای خوشه بندی است، بنابراین برای شناسایی شاخص های موثر در انتخاب پیمانکاران پروژه های صنعت ساختمان گام های ذیل برداشته شد:

ابتدا با مراجعه به پیشینه مطالعات انجام شده در این زمینه تعدادی شاخص شناسایی شدند (Holt et al, ۱۹۹۴, a; Mahdi et al, ۲۰۰۲; Waara & Bröchner, ۲۰۰۶; Singh & Tieng, ۲۰۰۶; Dolo, ۲۰۰۹; Watt et al, ۲۰۱۰; Zavadskas, Diekmann, ۲۰۰۵; Holt et al, ۱۹۸۳; al, ۱۹۹۴). سپس بر مبنای داده های گردآوری شده، مهمترین شاخص هایی که در تمام مطالعات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016



نمودار ۱. مدل کلی خوشه بندی و رتبه بندی پیمانکاران مسکن مهر

پیشین به عنوان شاخص های موثر در ارزیابی از آنها یاد شده بود به عنوان شاخص های نهایی انتخاب شدند این شاخص ها شامل اندازه سازمان، سن، کنترل کیفیت، سیاست ایمنی و بهداشت، وضعیت حقوقی، نسبت ها و گردش های مالی، ارتباطات بانکی و تجاری، صلاحیت های کارکنان کلیدی سازمان، آموزش، تجربه، و توان تجهیزاتی هستند. پس از تعیین شاخص ها، پرسشنامه ای جهت ارزیابی پیمانکاران طراحی گردید و در مرحله اول تعداد محدودی پرسشنامه میان پیمانکاران توزیع گردید تا ضعف های آن شناسایی و برطرف گردند.

با انجام اصلاحات مورد نیاز، پرسشنامه ها میان ۸۰ انبوه ساز فعال در طرح مسکن مهر شهر جدید هشتگرد توزیع گردید و مقرر شد تا یکی از اعضای هیات مدیره مسئولیت پاسخگویی به پرسشنامه را به عهده بگیرد. ابزار گردآوری داده ها به نحوی طراحی شده بود تا علاوه بر سهولت و سرعت در پاسخگویی بتواند تمام ابعاد و شاخص های مورد نظر را مورد ارزیابی قرار دهد و تعدادی سوال تکراری نیز جهت راستی آزمایی و بررسی قابلیت اعتماد پاسخ ها مطرح شده بودند. از میان پرسشنامه های توزیع شده، تعداد ۵۸ پرسشنامه توسط پاسخگویان تکمیل

گردید که پس از بررسی ۳۵ پرسشنامه قابل استفاده تشخیص داده شد.

در میان پرسشنامه های تکمیل شده با تعدادی مقادیر از دست رفته مواجه بودیم. به این معنی که برخی افراد به تعدادی از سوالات پاسخ نداده بودند و یا در پاسخ به برخی سوالات جواب های نامعقول یا چند جواب وجود داشت. در مواردی که تعداد مقادیر از دست رفته در یک پرسشنامه زیاد بود، آن پرسشنامه را حذف نمودیم؛ اما برای برخورد با مقادیر از دست رفته در حالتی که تعداد آنها زیاد نبود از روش های جاسازی کردن استفاده شد (مومنی، ۱۳۹۰).

در صورتی که شاخص های با اهمیت یکسان، دارای دامنه مقادیر متفاوتی باشند در فرایند خوشه بندی تاثیر می گذارند و شاخصی که مقادیر بزرگتری دارد در محاسبات اهمیت بیشتری پیدا می کند و تاثیر سایر شاخص ها را کم می نماید. ضمناً چنانچه واحد اندازه گیری داده ها یکسان نباشد انجام اعمال ریاضی در مورد آنها صحیح نیست (مومنی، ۱۳۹۰). به دلایل ذکر شده قبل از انجام محاسبات بایستی داده ها را استاندارد نمود. در اینجا از روش نرمال سازی اقلیدسی جهت استاندارد کردن داده ها استفاده شده است. با داشتن ماتریس داده ها انجام تحلیل ها امکان پذیر می شود. همانطور که در نمودار ۱ دیده می شود، این داده ها در سه مرحله مورد استفاده قرار گرفتند. در مرحله اول خوشه بندی پیمانکاران انجام شد. در مرحله دوم وزن هر یک از شاخص ها تعیین گردید؛ و نهایتاً در مرحله سوم یک رتبه بندی با استفاده از مدل VIKOR انجام گرفت.

مساله خوشه بندی پیمانکاران مسکن مهر

داشتن داده های صحیح در مدیریت پروژه یکی از مهمترین دارایی ها است. با افزایش اندازه و سرعت پروژه ها، اهمیت داده نیز افزایش بیشتری پیدا می کند. بنابراین بهره برداری مناسب از داده ها می تواند اصلی ترین دغدغه ی مدیران پروژه و دولتی

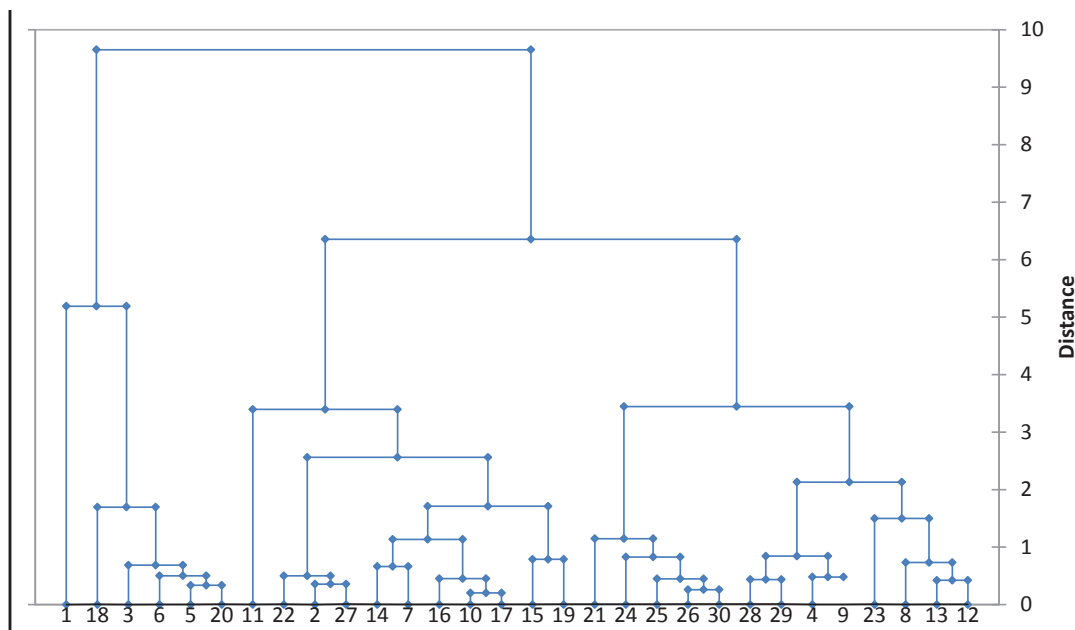
باشد. این موضوع لزوم استفاده از روش های جدید تحلیل و بکارگیری داده ها را نشان می دهد. روش های داده کاوی می توانند به مدیران کمک کنند تا اطلاعات زیادی را از داده ها استخراج نمایند. به کمک این روش ها می توان ساختار اصلی، الگوها، روندها، و ارتباطات میان حجم عظیمی از داده های ذخیره شده را کشف نمود (Liao et al., ۲۰۰۸). روش های زیادی برای داده کاوی وجود دارند که در میان آنها خوشه بندی یکی از پرکاربردترین روش ها می باشد.

خوشه بندی را می توان به عنوان مهمترین مسئله در یادگیری بدون نظارت در نظر گرفت. خوشه بندی با یافتن یک ساختار درون یک مجموعه از داده های بدون برچسب درگیر است. خوشه به مجموعه ای از داده ها گفته می شود که به هم شباهت داشته باشند (Gupta, ۱۹۹۱). در خوشه بندی سعی می شود تا داده ها به خوشه هایی تقسیم شوند که شباهت بین داده های درون هر خوشه حداکثر و شباهت بین داده های درون خوشه های متفاوت حداقل شود. روش پیوند متوسط جزء روش های خوشه بندی سلسله مراتبی و انحصاری محسوب می شود. از آنجا که هر دو روش پیوند تکی و پیوند کامل به شدت به نویز حساس هستند، استفاده از این روش پیشنهاد شده است. در این روش برای محاسبه شباهت بین دو خوشه A و B از معیار زیر استفاده می شود:

$$d_{AB} = \frac{\sum_{i \in A, j \in B} d_{ij}}{N_A N_B}$$

که i یک نمونه داده متعلق به خوشه A و j یک نمونه داده متعلق به خوشه B می باشد و NA تعداد اعضای خوشه A و NB تعداد اعضای خوشه B است. در واقع در این روش، شباهت بین دو خوشه میانگین فاصله بین تمام اعضای یکی با تمام اعضای دیگری است (Maimon, & Rokach, ۲۰۱۰).

در این روش ابتدا هر داده به عنوان یک خوشه در نظر گرفته می شود و یافتن نزدیکترین خوشه در



نمودار ۲. دندوگرام خوشه بندی

نمودار ۲. دندوگرام خوشه بندی

شده است. خوشه اول دارای ده عضو، خوشه دوم دارای پانزده خوشه سوم دارای شش عضو، و خوشه چهارم نیز دارای چهار عضو است. به منظور سنجش اعتبار خوشه بندی از ضریب همبستگی کوفنتیک که از شاخص های درونی ارزیابی اعتبار است استفاده نمودیم. هدف شاخص های درونی، ارزیابی ساختار خوشه بندی هایی است که به وسیله مجموعه داده های کمی تولید شده است (مومنی، ۱۳۹۰). به این منظور ابتدا ماتریسی به نام ماتریس کوفنتیک محاسبه شده و سپس ضریب همبستگی کوفنتیک به عنوان شاخصی برای تشابه بین ماتریس کوفنتیک و ماتریس مجاورت حساب شد. ضریب همبستگی محاسبه شده برای این خوشه بندی برابر $0/823$ گردید. هر چه ضریب همبستگی کوفنتیک به $+1$ نزدیکتر باشد نشان می دهد که مقادیر دو ماتریس هماهنگ تر هستند و در نتیجه اعتبار خوشه بندی بیشتر است و به طور کلی مقادیر بالای $0/8$ گویای اعتبار بالای خوشه بندی است (مومنی، ۱۳۹۰). بنابراین با توجه به مقدار بدست آمده می توان نتیجه گرفت که خوشه بندی انجام شده دارای

واقع یافتن کمترین فاصله بین داده ها خواهد بود. داده هایی کمترین فاصله را با یکدیگر دارند انتخاب شده و با هم ترکیب می کردند و خوشه جدیدی حاصل می شود که فاصله آن از سایر خوشه ها برابر است با میانگین فاصله اعضای خوشه از اعضای سایر خوشه ها.

در این مطالعه از روش خوشه بندی پیوند متوسط جهت خوشه بندی ۳۵ پیمانکار پروژه های مسکن مهر استفاده می شود. فرض کنید $X = \{P_1, P_2, \dots, P_{35}\}$ نشان دهنده مجموعه پیمانکارانی باشد که بایستی خوشه بندی شوند به طوری که P_i بیانگر پیمانکار i ام است. هر پیمانکار توسط یازده شاخص مورد ارزیابی قرار می گیرد. با انجام خوشه بندی توسط نرم افزار XLMiner به عنوان نرم افزار تخصصی داده کاوی (XLMiner, ۲۰۱۶)، سه خوشه از داده ها ایجاد شد. در ضمن آزمون خوشه بندی داده ها به وسیله نرم افزار IBM SPSS Statistics ۱۹ نیز نتیجه مشابهی را ایجاد نمود. در نمودار ۲ دندوگرام خوشه بندی سلسله مراتبی نشان داده شده است. در جدول ۱ اعضای هر یک از خوشه ها مشخص

جدول ۱. نتیجه خوشه بندی پیمانکاران پروژه های مسکن مهر

خوشه	تعداد خوشه اعضا	نام اعضا
۱	۱۷	۳۲-۲۷-۲۴-۲۳-۲۱-۲۰-۱۸-۱۶-۱۴-۱۲-۱۱-۷-۶-۵-۳-۲-۱
۲	۶	۲۸-۱۵-۱۳-۹-۸-۴
۳	۱۲	۳۵-۳۴-۳۳-۳۱-۳۰-۲۹-۲۶-۲۵-۲۲-۱۹-۱۷-۱۰

$$P_{ij} = \frac{f_j(a_i)}{\sum_{i=1}^n f_j(a_i)}; \quad j = 1, 2, \dots, n \quad \forall j$$

اعتبار مناسبی است.

مساله رتبه بندی پیمانکاران مسکن مهر

۴-۱. تعیین وزن شاخص ها

جهت وزن دهی به شاخص های تعیین شده با استفاده از داده های موجود از روش آنتروپی شانون استفاده شد. آنتروپی در نظریه اطلاعات یک معیار عدم اطمینان است که به وسیله توزیع احتمال مشخص بیان می شود. اندازه گیری این عدم اطمینان به وسیله شانون به صورت ذیل بیان شده است (Wu et al, ۲۰۱۱):

$$E_j = -M \sum_{i=1}^n P_{ij} \ln P_{ij}; \quad \forall j \quad (۴)$$

و M به عنوان مقدار ثابت به این ترتیب محاسبه می گردد:

$$M = \frac{1}{\ln n} \quad (۵)$$

$$E_i = S(P_1, P_2, \dots, P_n) = -M \sum_{i=1}^n P_i \ln P_i \quad i = 1, 2, \dots, n \quad (۲)$$

در این رابطه M یک مقدار ثابت است. از آنجا که رابطه فوق در محاسبات آماری مورد استفاده است، به نام آنتروپی توزیع احتمال نامیده می شود. واژه های آنتروپی و عدم اطمینان در یک مفهوم به کار می روند. زمانی که با یکدیگر مساوی باشند (برای تمام مقادیر i و j) در این صورت.

$$P_i = \frac{1}{n}$$

در یک ماتریس تصمیم گیری، می تواند برای ارزیابی گزینه های مختلف بکار رود. در ماتریس تصمیم گیری n گزینه و k شاخص وجود دارد که در جدول ۲ نشان داده شده است (Shemshadi et al, ۲۰۱۱). نتایج این ماتریس برای شاخص زام به شرح ذیل است:

جدول ۲. جدول ارزیابی چند شاخصه

	$f_1(\cdot)$	$f_2(\cdot)$...	$f_j(\cdot)$...	$f_k(\cdot)$
a_1	$f_1(a_1)$	$f_2(a_1)$...	$f_j(a_1)$...	$f_k(a_1)$
a_2	$f_1(a_2)$	$f_2(a_2)$...	$f_j(a_2)$...	$f_k(a_2)$
...
a_i	$f_1(a_i)$	$f_2(a_i)$...	$f_j(a_i)$...	$f_k(a_i)$
...
a_n	$f_1(a_n)$	$f_2(a_n)$...	$f_j(a_n)$...	$f_k(a_n)$

(۳)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

چندانی با یکدیگر ندارند. بنابراین نقش آن شاخص در تصمیم گیری باید به همان اندازه کاهش یابد. بنابراین:

$$d_j = 1 - E_j; \quad \forall j \in C_1$$

سپس مقدار وزن () محاسبه می گردد (Shemshadi et al., 2011):

$$W_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^k d_j}; \quad \forall j \quad (7)$$

با انجام محاسبات بالا، وزن شاخص ها با روش آنتروپی به ترتیب زیر حاصل شد (جدول ۳):

۲-۴. رتبه بندی پیمانکاران با روش VIKOR

در اینجا ابتدا به طور خلاصه چارچوب مدل VIKOR را شرح می دهیم و سپس نتیجه رتبه بندی پیمانکاران با این روش را عرضه می کنیم. روش ویکور در سال ۱۹۹۸ ارائه گردید و می تواند برای رتبه بندی و انتخاب گزینه ها در یک سیستم چند معیاره پیچیده مورد استفاده قرار گیرد. از ویژگی های دیگر روش VIKOR این است که گزینه ها با توجه به تمام معیارهای تعیین شده (ماتریس عملکرد) ارزیابی می شوند و تجزیه و تحلیل پایداری فواصل در آن نیز ثبات وزن را نشان می دهد (قاسمیه، جمالی و کریمی اصل، ۱۳۹۴). روش ویکور در مسایلی مانند انتخاب شریک،

کیفیت خدمات خطوط هوایی، بهبود ریسک امنیت اطلاعات، انتخاب مواد اولیه، برنامه ریزی انرژی های تجدید پذیر، و برنامه ریزی منابع آب کاربرد داشته است (Chithambarathan, Subramanian, Gunasekaran & Palaniappan, 2015). گام های پیاده سازی الگوریتم ویکور به شکل زیر است (جعفری اسکندری، علی احمدی و کامفیروزی، ۱۳۹۳):

گام اول: بی مقیاس سازی ماتریس تصمیم به کمک رابطه ۸:

$$f_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{j=1}^n x_{ij}^2}} \quad (8)$$

گام دوم: تعیین ایده آل مثبت و منفی توسط روابط ۹ و ۱۰:

$$I^+ = \{(I_1^+, I_2^+, \dots, I_n^+) | I_j^+ = \max_{1 \leq i \leq m} \{x_{ij}\}\}$$

گام سوم: محاسبه شکاف های S_i و R_i با روابط زیر:

$$I^- = \{(I_1^-, I_2^-, \dots, I_n^-) | I_j^- = \min_{1 \leq i \leq m} \{x_{ij}\}\}$$

گام چهارم: محاسبه شکاف Q_i با بکارگیری رابطه ۱۳:

جدول ۳. وزن شاخص ها

وزن	شاخص	وزن	شاخص	وزن	شاخص
0.08185	آموزش	0.070 78	وضعیت حقوقی	0.054 21	اندازه سازمان
0.12209	تجربه	0.045 68	وضعیت گردش و نسبت های مالی	0.174 06	سن
0.18403	توان تجهیزاتی	0.032 2	ارتباطات بانکی و تجاری	0.045 82	کنترل کیفیت
		0.122 72	صلاحیت های کارکنان کلیدی سازمان	0.066 56	سیاست ایمنی و بهداشت

$$S_i = \sum_{j=1}^n w_j \cdot \frac{I_j^+ - x_{ij}}{I_j^+ - I_j^-}$$

در رابطه فوق، $S^* = \text{Max}_i S_i$ و $S^- = \text{Min}_i S_i$ هستند. همچنین $R^* = \text{Min}_i R_i$ و $R^- = \text{Max}_i R_i$ است. در ضمن $v \in (0,1)$ بوده و ضریب خوش بینی نام دارد. البته معمولاً $v=0.5$ در نظر گرفته می شود. در این گام بر اساس مقادیر بدست آمده از Q_1 رتبه گزینه ها به دست می آید.

گام پنجم: در صورت برقرار بودن دو شرط زیر، رتبه بندی انجام شده در گام قبل پذیرفته می شود: شرط اول: در صورتی که \hat{a} گزینه نخست و \hat{a}^* گزینه بعد از آن باشد، داشته باشیم:

$$(14)$$

$$Q(a'') - Q(a') \geq DQ$$

که در عبارت فوق $DQ = 1/(J - 1)$ و J و J بیانگر تعداد گزینه ها است.

شرط دوم: گزینه ای که کمترین مقدار شاخص ویکور دارا است باید در S و یا R نیز کمترین مقدار را داشته باشد.

گام ششم: در صورت برقرار نبودن یکی از دو شرط فوق:

اگر فقط شرط دوم برقرار نبود گزینه اول و دوم به لحاظ رتبه بندی شاخص ویکور را به عنوان بهترین گزینه ها می شناسیم.

اگر شرط اول برقرار نبود، $a', a'', \dots, a^{(m)}$ را به عنوان بهترین گزینه ها می پذیریم. و m رتبه آخرین گزینه ای است که شرط زیر را تحقق بخشد:

$$(15)$$

$$Q(a^m) - Q(a') < DQ$$

با پیگیری گام های معرفی شده و استفاده از داده های موجود، میزان اولویت کلی هر گزینه نسبت به سایر گزینه ها محاسبه شد و رتبه هر گزینه مشخص گردید. جدول ۴ نتیجه رتبه بندی پیمانکاران را نشان می دهد.

نتیجه گیری و جمع بندی

در این مطالعه دو مساله خوشه بندی و رتبه بندی پیمانکاران پروژه های ساخت مسکن را با مطالعه یک مورد مشخص (پروژه های مسکن مهر شهر جدید هشتگرد) مورد بررسی قرار دادیم. به منظور دستیابی به اهداف مطالعه، یک مدل طراحی شد که پس از گردآوری داده ها و در مرحله تحلیل دارای سه گام اساسی بود. این گام ها شامل خوشه

جدول ۴. رتبه بندی پیمانکاران

رتبه	کد پیمانکار	رتبه	کد پیمانکار	رتبه	کد پیمانکار	رتبه	کد پیمانکار	رتبه	کد پیمانکار
۱	پیمانکار ۱۳	۸	پیمانکار ۴	۱۵	پیمانکار ۱۶	۲۲	پیمانکار ۳۲	۲۹	پیمانکار ۲۹
۲	پیمانکار ۱۵	۹	پیمانکار ۱	۱۶	پیمانکار ۱۴	۲۳	پیمانکار ۳۰	۳۰	پیمانکار ۲۲
۳	پیمانکار ۲۰	۱۰	پیمانکار ۸	۱۷	پیمانکار ۲	۲۴	پیمانکار ۱۷	۳۱	پیمانکار ۲۴
۴	پیمانکار ۲۱	۱۱	پیمانکار ۷	۱۸	پیمانکار ۲۳	۲۵	پیمانکار ۲۵	۳۲	پیمانکار ۳۳
۵	پیمانکار ۹	۱۲	پیمانکار ۶	۱۹	پیمانکار ۱۲	۲۶	پیمانکار ۱۹	۳۳	پیمانکار ۳۴
۶	پیمانکار ۱۱	۱۳	پیمانکار ۵	۲۰	پیمانکار ۱۸	۲۷	پیمانکار ۲۷	۳۴	پیمانکار ۳۱
۷	پیمانکار ۳	۱۴	پیمانکار ۲۸	۲۱	پیمانکار ۱۰	۲۸	پیمانکار ۲۶	۳۵	پیمانکار ۳۵

بندی پیمانکاران، تعیین وزن شاخص های ارزیابی، و در نهایت رتبه بندی پیمانکاران بود. خوشه بندی و رتبه بندی پیمانکاران پروژه های مسکن یک مساله مهم است زیرا تمامی سرمایه گذاران و مدیران دولتی و نیز خریداران علاقه مند هستند تا بهترین پیمانکاران را شناسایی نموده و در عین حال برای پیمانکاران ضعیف تر چاره ای بیاندیشند. این مساله در خصوص پروژه های مسکن مهر شدت بیشتری دارد به این دلیل که ساخت منازل مسکونی مهر در یک دوره زمانی بسیار کوتاه و با حجم بسیار عظیم آغاز شد و به همین دلیل بسیاری از ضعف ها و مشکلات احتمالی در ابتدای کار نادیده گرفته شدند. اکنون تمامی فعالان در این حوزه و به ویژه مدیران و مجریان طرح مسکن مهر نیازمند کسب شناخت بیشتری نسبت به این پروژه ها و پیمانکاران آنها هستند تا بتوانند منابع مالی و انسانی و نیز زمین های محدود باقیمانده را به درستی برای پیشبرد صحیح این طرح مصرف نمایند. خوشه بندی پیمانکاران به مدیران کمک می کند تا وجوه تشابه پیمانکاران پروژه های به ظاهر متفاوت را دریابند و برای هر یک از خوشه های ایجاد شده به تناسب نیازمندی ها و ویژگی ها تصمیمات مناسب اتخاذ نمایند. رتبه بندی پیمانکاران نیز موجب می شود تا در هر خوشه بهترین پیمانکاران پروژه ها شناسایی شوند و به این ترتیب الگویی مناسب برای پیمانکاران ضعیف تر ایجاد گردد. با توجه به اینکه پیمانکاران قرار گرفته در یک خوشه بیشترین نزدیکی با یکدیگر و در عین حال بیشترین فاصله و تفاوت را با پیمانکاران پروژه های سایر خوشه ها دارند بنابراین اعضای یک خوشه می توانند برترین پیمانکار خوشه خود را به عنوان مناسب ترین الگو جهت بهبود فرایند ها و وضعیت خود انتخاب نمایند. جهت بهبود مطالعه حاضر و توسعه آن پیشنهاد های زیر برای محققان ارائه می شود:

جمع آوری داده های مورد نیاز با استفاده از روش های متفاوت دیگر همانند بررسی اسناد و مدارک و

یا بازدید از پروژه ها؛ استفاده از شاخص های کمی و کیفی به طور همزمان؛ بکارگیری سایر مدل های خوشه بندی و یا استفاده از الگو های ابتکاری؛ تعیین وزن شاخص ها به شیوه ای متفاوت از آنچه در این مطالعه انجام شده است؛ رتبه بندی پیمانکاران با توجه به نتیجه خوشه بندی در هر یک از خوشه ها؛ و استفاده از سایر مدل های تصمیم گیری چند شاخصه جهت رتبه بندی.

نتایج حاصل از این مطالعه می تواند برای اتخاذ تصمیمات کاربردی تر و مناسب تر مورد استفاده مجریان طرح مسکن مهر قرار گیرد و نیز به عنوان الگویی در سطح وسیع تر اجرا شود. ضمناً مدل ارائه شده را می توان با ایجاد تغییراتی اندک در سایر حوزه های نیازمند داده کاوی مورد استفاده قرار داد.

منابع و ماخذ

- اصغری زاده، ع. و نصراللهی، م.، (۱۳۸۷). شناسایی و تعیین وزن شاخص های موثر در انتخاب پیمانکاران پروژه های عمرانی. پژوهشهای مدیریت، ۲، ۱۲۲-۱۰۵.
- جعفری اسکندری، م.، علی احمدی، ع.ر. و کامفیروزی، م.ح. (۱۳۹۳). تلفیق روش بولزای و ویکور برای تصمیم گیری چند معیاره با اعداد خاکستری سه پارامتره. نشریه بین المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید، ۴(۲۵)، ۴۳۲-۴۳۷.
- شرکت عمران شهر جدید هشتگرد، (۱۳۹۰). گزارش پیشرفت پروژه های مسکن مهر مرداد ۱۳۹۰. گزارش درون سازمانی.
- قاسمیه، ر.، جمالی، غ. و کریمی اصل، ا. (۱۳۹۴). تحلیل ابعاد رویکرد مدیریت زنجیره تأمین لاج در صنعت سیمان از طریق تلفیق تکنیک های تصمیم گیری چند معیاره. مدیریت صنعتی ۷(۴)، ۸۱۳-۸۳۶.
- مومنی، م.، (۱۳۹۰). خوشه بندی داده ها (تحلیل

خوشه ای)، ناشر مومنی، تهران.

12167.

Singh, D., and Tiong, R.L., (2006). Contractor Selection Criteria: Investigation of Opinions of Singapore Construction Practitioners; *Journal of Construction Engineering and Management*, 132(9), 998-1008.

Waara, F., and Bröchner, J., (2006). Price and Non-price Criteria for Contractor Selection; *Journal of Construction Engineering and Management*. 132(8), 797-804.

Watt, D.J., Kayis, B., Willey, K., (2010). The relative importance of tender evaluation and contractor selection criteria; *International Journal of Project Management*. 28, 51–60.

Wu, J., Sun, J., Liang, L., Yingchun, Z., (2011). Determination of weights for ultimate cross efficiency using Shannon entropy; *Expert Systems with Applications*. 38, 5162–5165.

Xlminer, (2016). <http://www.solver.com/xlminer/>
Zavadskas, E.K., Turskis, Z., and Vilutiene, T., (2005). Simulation of Multi criteria Selection of Buildings Management Contractor Using the Game Theory; *Computer Modelling and New Technologies*, 9(2), 7-16.

Chithambarathan, P., Subramanian, N., Gunasekaran, A. and Palaniappan, P.L.K. (2015). Service supply chain environmental performance evaluation using grey based hybrid MCDM approach; *International Journal of Production Economics*, 166, 163–176.

Diekmann, J.E., (1983). Cost-plus contractor selection: an analytical method; *Engineering Costs and Production Economics*. (7), 147-158.

Doloi, H., (2009). Analysis of pre-qualification criteria in contractor selection and their impacts on project success; *Construction Management and Economics*. 27, 1245–1263.

Gupta, T., (1991). Clustering algorithms for the design of a cellular manufacturing system—an analysis of their performance; *Computers & Industrial Engineering*, 20(4), 461-468

Holt, G.D., Olomolaiye, P.O., and Harris, F.C., (1994/a). Factors Influencing U.K. Construction Clients' Choice of Contractor; *Building and Environment*, 29(2), 241-248.

Holt, G.D., Olomolaiye, P.O., and Harris, F.C., (1994/b). Evaluating Prequalification Criteria In Contractor Selection; *Building and Environment*, 29(4), 437-448.

Holt, G.D., Olomolaiye, P.O., and Harris, F.C., (1995). A Review of Contractor Selection Practice in the U.K. Construction Industry; *Building and Environment*, 30(4), 553-561.

Liao, S.H., Chen, C.M., Wu C.H., (2008). Mining customer knowledge for product line and brand extension in retailing; *Expert Systems with Applications*, 34(3), 1763-1776.

Mahdi, I.M., Riley, M.J., Fereig, S.M., and Alex, A.P., (2002). A multi-criteria approach to contractor selection; *Engineering, Construction and Architectural Management*. 9, 29-37.

Maimon, O., Rokach, L., (2010). *Data Mining and Knowledge Discovery Handbook*; Springer.

Shemshadi, A., Shirazi, H., Toreihi, M., Tarokh, M.J., (2011). A fuzzy VIKOR method for supplier selection based on entropy measure for objective weighting; *Expert Systems with Applications*, 38, 12160–

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۵۴۷ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

■ ۵۴۸ ■

بررسی رابطه توانمندسازی روانشناختی کارکنان و بهبود سطح ارتقاء عملکرد آنها در شهرداری منطقه ۱۸

محمد رضا ربیعی مندجین - استادیار و عضو هیات علمی دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
سیده زهرا قدس آنچه کند* - کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف «بررسی رابطه توانمندسازی روانشناختی کارکنان و بهبود سطح ارتقاء عملکرد آنها در شهرداری منطقه ۱۸ تهران» با استفاده از روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی انجام شده است. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل کلیه کارکنان شهرداری منطقه ۱۸ تهران در سال ۱۳۹۵ بودند که بر اساس آخرین آمار و اطلاعات موجود ۸۳۰ نفر بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۳ نفر تعیین گردید. روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده استفاده شده است. به منظور سنجش متغیرهای مورد استفاده در پژوهش از دو پرسشنامه توانمندسازی و عملکرد کارکنان استفاده گردید. روایی محتوایی پرسش نامه ها مورد تأیید متخصصان قرار گرفته است. پایایی پرسش نامه ها بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، پرسشنامه توانمندسازی (۰/۸۱)؛ عملکرد کارکنان (۰/۸۳) برآورد گردید. برای تجزیه و تحلیل از روش های آماری توصیفی و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون) استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که بین توانمندسازی و تمامی ابعاد آن - احساس معناداری، احساس شایستگی، احساس خودمختاری، احساس موثر بودن، احساس اعتماد - با عملکرد کارکنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، عملکرد کارکنان، شهرداری منطقه ۱۸ تهران.

Investigate the relationship between psychological empowerment and improve performance in District 18

Abstract

This study aims to investigate the relationship between psychological empowerment and improve performance in District 18 of Tehran by using descriptive and correlational study was conducted. The population in this study was all employees of District 18 of Tehran in 1395 based on the latest available information and statistics 830 people. The sample size was determined using Cochran formula 263. Simple random sampling is used. To measure the variables used in this research were two questionnaires empowerment and employee performance. Validity of the questionnaire was confirmed by experts. The reliability of questionnaires by Cronbach's alpha coefficient, empowerment questionnaire (81/0), and the staff (83/0) were estimated. For the analysis of descriptive and inferential statistical methods (Pearson correlation) were used. The results showed that a significant feeling of empowerment and all its dimensions, sense of competence, a sense of autonomy, a sense of efficiency, a sense of confidence - there is a significant positive relationship with employee performance.

Key words: empowerment, employee performance, District 18 of Tehran.

مقدمه

یکی از دغدغه‌های اصلی مدیران سازمان‌های کوچک و بزرگ، عملکرد کارکنان است. سازمانها سالانه مبالغ عظیمی بر روی منابع انسانی خود سرمایه گذاری می کنند تا از این راه بتوانند کاهش هزینه‌ها، افزایش کیفیت، افزایش انعطاف پذیری، افزایش رضایت مشتری و بهبود کلی عملیات را بدست آورند. اما همواره نگرانی مجریان برنامه های توسعه در بخش خصوصی این است که آیا این سرمایه گذاری ها در عملکرد شرکت موثر است. در واقع می توان گفت که بقا و تداوم فعالیت سازمانها و مؤسسات به چگونگی کارایی و اثربخشی عملکرد کارکنان بستگی دارد. تحولات بنیادین در عرصه سازمان ها در دهه های اخیر چنان پرشتاب بوده است که مدیریت سازمانها را پیچیده تر از قبل کرده است. نیروی انسانی در هر کشوری بزرگترین سرمایه و منبع موجود سازمانهاست. نیروی انسانی در هر کشوری توان تغییر در ساختار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... را دارد (ناظم و حمودی، ۱۳۸۵، ص ۷۳). یکی از عواملی که بر عملکرد کارکنان تأثیر می گذارد، بکارگیری توانمندسازی روانشناختی کارکنان در در شهرداری منطقه ۱۸ تهران می باشد. یکی از مهم ترین چالش های مدیران عصر حاضر، عدم استفاده کافی از منابع فکری، توان ذهنی و ظرفیت های بالقوه منابع انسانی موجود است. در اغلب سازمان ها از توانایی های کارکنان استفاده بهینه نمی شود و مدیران قادر نیستند ظرفیت بالقوه آنان را به کار گیرند. به عبارت دیگر افراد، توان بروز خلاقیت، ابتکار و فعالیت بیشتری را دارند، اما در محیط سازمانی به دلایلی از این قابلیت ها به طور مطلوب بهره برداری نمی شود. اندیشمندان مدیریت تحول و بهسازی سازمان، توانمندسازی کارکنان را به عنوان یک راهبرد اثرگذار بر عملکرد و بهسازی نیروی انسانی معرفی نموده اند و معتقدند که توانمندسازی منابع انسانی یکی از نگرش های مهم جدید است که امروزه توسط سازمان ها به

کار گرفته می شود و در واقع پاسخ به نیاز حیاتی مدیریت معاصر در پاسخ گویی به نیاز تغییر و تحول است (گرچی، ۱۳۸۹، ص ۳۹).

در عصر حاضر توانمندسازی به عنوان ابزاری شناخته شده که مدیران به وسیله آن قادر خواهند بود تا سازمانهای امروزی را که دارای ویژگی های از قبیل، تنوع کانالهای نفوذ، رشد اتکا به ساختار افقی و شبکه ای، حداقل شدن فاصله کارکنان از مدیران و کاهش تعلق سازمانی می باشند، را بطور کارآمد اداره کنند (محمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۱). همچنین در این دوره این باور شکل گرفته است که ایجاد انگیزش و تواناسازی کارکنان می تواند در تولید و عملکرد آنها موثر باشد و در نتیجه بهره وری و کارایی سازمان را افزایش دهد (لیو و همکاران، ۲۰۰۷). توانا سازی ابتدا در دهه ۱۹۸۰ در آموزش ظاهر شد (ادواردز و همکاران، ۲۰۰۲) و هنوز هم بحث در مورد توانمندسازی به قوت خود باقی است (گریزلی و همکاران، ۲۰۰۸). کارکنان کنونی نیازمند آنند که توانمند باشند تا نقش خود را برآورده سازند و آن را به طور کامل اجرا کنند. همچنین سازمانها نیز باید ساختار منعطفی داشته باشند، و توانمندسازی و دادن آزادی عمل به کارکنان شان، یکی از راهبردهای اساسی افزایش عملکردشان باشد. از سازمانها، انتظار می رود ابتدا به ساکن خودشان دارای چنین ساختار و کارکنانی باشند تا بتوانند نیروهایی را که تربیت می کنند دارای چنین ویژگی هایی باشند (اللهیاری، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

شهرداری تهران، مؤسسه عمومی غیر دولتی است که در ۱۲ خرداد سال ۱۳۸۶ خورشیدی با نام بلدیة تهران، تاسیس شد و مدیریت شهری شهر تهران را به عهده دارد. مسئولیت مدیریت این سازمان با شهردار تهران است که پیش از این با حکم وزیر کشور ایران منصوب می گردید اما اکنون از طریق رای گیری در شورای شهر تهران انتخاب می شود. تهران تنها شهری است که شهردار آن برخلاف دیگر شهرهای ایران توسط شورای شهر و نه به نظر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

وزارت کشور تعیین می‌شود. شهرداری تهران، شامل ۲۲ منطقه است که مدیریت هر منطقه به عهده شهردار آن منطقه که توسط شهردار تهران انتخاب می‌شود و با نظارت معاون امور مناطق فعالیت می‌کند. هر منطقه شامل تعدادی ناحیه می‌باشد که در کل تهران دارای ۱۲۲ ناحیه می‌باشد. با توجه به مطالب مطرح شده، چنانچه شهرداری منطقه ۸ تهران در چنین شرایطی به دنبال بهبود عملکرد خود باشند، باید به توانمندسازی روانشناختی کارکنان خود توجه کند و زمینه‌ها و شرایط لازم برای بهبود آن‌ها فراهم کند و به آن توجه کند. لذا به توجه به اهمیت و ضرورت پژوهش، این تحقیق در پی پاسخگویی به این سوال است که آیا بین توانمندسازی روانشناختی کارکنان عملکرد آنها در شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری پژوهش

الف) توانمندسازی روانشناختی

علیرغم کاربرد گسترده اصطلاح توانمندسازی در علوم سازمانی، یکی از مشکلاتی که در مراحل اولیه بکارگیری این اصطلاح کمتر به آن توجه می‌شد عدم وجود یک تعریف عملیاتی از توانمندسازی بود. اغلب تعاریفی که به کار گرفته می‌شدند هم خانواده و دارای معانی بسیار مرتبط بهم بودند. به عنوان مثال، از این اصطلاح برای تشریح یک سری از روشهای خاص و بررسی تاثیر آنها بر کارکنان استفاده می‌شد (محمدی، ۱۳۸۰). فرهنگ لغت آکسفورد فعل توانمندسازی را به عنوان «توانا ساختن» تعریف می‌کند. توانا ساختن عبارتست از ایجاد شرایط لازم برای ارتقاء انگیزش افراد در انجام وظایف شان از طریق پرورش احساس کفایت نفس (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲). توانمندسازی به معنی آماده‌سازی نیروی کار با درجه بالایی از انعطاف‌پذیری و آزادی در تصمیم‌گیری‌های سازمانی است، چراکه معنی اصلی توانمندسازی به تفویض قدرت بر می‌گردد (گریزی و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۴۲).

توانمندسازی به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن مدیر به کارکنان کمک می‌کند تا توانایی لازم برای تصمیم‌گیری مستقل را بدست آورند. این فرایند نه تنها در عملکرد افراد بلکه در شخصیت آنان نیز مؤثر است. مهم‌ترین مفهوم توانمندسازی، تفویض اختیار به پایین‌ترین سطوح سازمان است. فرایند تصمیم‌گیری باید از درجه بالای عدم تمرکز برخوردار باد و افراد یا گروه‌های کاری نیز باید مسئول یک قسمت کامل از فرایندهای کاری باشند (ابطحی و عابسی، ۱۳۸۶، ص ۷). ادبیات توانمندسازی تاکنون دگرگونیهای زیادی به خود دیده است تا اینکه بالاخره «لی و کاه» (۲۰۰۱) توانمندسازی را زمینه‌ای برای افزایش دیالوگ‌ها، تفکر انتقادی، فعالیت در گروه‌های کوچک می‌دانند و اشاره می‌کند که اجازه دادن به فعالیتهایی جهت حرکت به فراسوی تسهیم، تقسیم و پالایش تجربیات، تفکر، دیدن و گفتگوها، از اجزای اصلی توانمندسازی هستند. بوان و لوار (۱۹۹۲) توانمندسازی را به عنوان ابزاری می‌دانند که افراد را برای تصمیم‌گیری قادر می‌سازد که این تعریف به این ارتباط دارد که چطور مدیریت، فرهنگ توانمندسازی را تسهیل و در نهایت به اجرا در می‌آورد (به نقل از ارستاد، ۱۹۹۷، ص ۳۲۷). در تعریفی دیگر کانتر (۱۹۹۳) بیان می‌کند که توانمندسازی، توانایی فرد است به طوری که بتواند بطور مستقل تصمیم‌گیری کند و از منابع در دسترس برای دستیابی اهداف ضروری استفاده کند (به نقل از واکاراکیات، ۲۰۰۸، ص ۱۲). توانمندسازی نیروی انسانی یعنی ایجاد مجموعه ظرفیتهای لازم در کارکنان برای قادر ساختن آنان به ایجاد ارزش افزوده در سازمان و ایفای نقش و مسئولیتی که در سازمان به عهده دارند، توأم با کارایی و اثربخشی (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۲). نظریه پردازان این رویکرد، «اسپریتزر، توماس و ولتهوس» هستند که معتقدند توانمندسازی موضوعی چندبعدی است و صرفاً یک بعد ندارد. به همین دلیل، توانمندسازی را به عنوان عنوان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مجموعه ای از حالت های روانشناختی تعریف می کنند که در مجموعه ای از ویژگی های شناختی زیر متجلی می گردد:

۱. «معنی دارسازی»: به تناسب بین الزامات شغل، باورها، ارزشها و رفتار های فرد بر می گردد. در حالت مطلوب کارکنان اهمیت شغلشان را برای سازمان و خودشان درک خواهند کرد و توجه بیشتری را به کارشان معطوف خواهند داشت. در نتیجه این احتمال وجود دارد که آنها بخوبی کار کنند و به موفقیتشان افتخار کنند (جراحی، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

۲. «شایستگی»: به اعتماد بنفس فرد در توانایی های عملکردی شغل برمی گردد؛ به عبارت دیگر یک کارمند توانایی ها و مهارت هایش را برای انجام شغل و ارتقا عملکردش را باور می کند، کارکنان همچنین باور می کنند که می توانند از منابع مهیا شده توسط سازمان برای انجام کارشان بهره ببرند (جراحی، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

۳. «خود تعینی»: به کنترل ادراک شده کارمند به کارش برمی گردد، در این حالت کارکنان احساس می کنند که آزادی و اختیار لازم را در تصمیم گیری برای عمل در موقعیت های مختلف، را دارند (جراحی، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

۴. «تاثیر»: نهایتا اسپریتز عامل تاثیر را به عنوان احساس فرد درباره توانایی هایش برای نفوذ بر نتایج و پیامد های مهم درون سازمانش، تعریف می کند. از طرف دیگر، افراد اگر تشخیص ندهند که چقدر در سازمانشان مهم تلقی می شوند، احساس عدم توانمندی خواهند کرد (جراحی، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

ب) عملکرد کارکنان

در رابطه با عملکرد صاحب نظران تعاریف مختلفی را ارائه کرده اند.

شعاری نژاد (۱۳۷۵، ص ۲۸۱) در تعریف عملکرد می نویسد: «رفتاری که بعنوان پاسخ به یک امر از موجود زنده سر می زند و به نتایجی منجر می شود؛ بویژه نتیجه ای که تا حدودی محیط را تعدیل می کند».

شعبانی (۱۳۸۲، ص ۱۲) می گوید: «مقداری از تغییرات حاصل از یادگیری، ممکن است به علت مساعد بودن شرایط به رفتار بالفعل تبدیل شود که در اصطلاح به آن عملکرد می گویند». در تعریف دیگر از عملکرد آمده است: «چهار متغیر معرف عملکرد می باشد که در ارزیابی موقعیت یک سازمان یا کارکنان مفید می باشد. این چهار متغیر عبارتند از اثربخشی، کارایی، توسعه، و رضایت خاطر مشارکت کننده» (جزنی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵).
واژه عملکرد بیشتر به فرایند و بازده یک سیستم اشاره می کند. عملکرد فعالیتی است که هم برای انجام کار صورت می گیرد و هم نتیجه ی آن فعالیت است (یمینی، ۱۳۷۱، ص ۳۲). عده ای معتقدند وقتی کارکنان یک سازمان احساس کنند تصمیم های سازمانی در زمینه نحوه عملکرد آنان غیر منطقی و ناعادلانه است، نه تنها میزان تعهد و انگیزه آنان برای ادامه فعالیت افزایش نمی یابد، بلکه به احتمال زیاد سطح بهره وری آنان نیز کاهش می یابد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۱). براماچ (۱۹۸۸)، به نقل از آمسترانگ، (۱۳۸۶، ص ۱۲) دیدگاه جامع تری از عملکرد ارائه می هد که دربرگیرنده رفتار و نتایج است. وی مطرح می کند که «عملکرد به معنی رفتارها و نتایج می باشد. رفتارها از عامل نشأت می گیرند و عملکرد را از فکر به عمل تبدیل می کند». رفتارها نه تنها ابزارهایی جهت رسیدن به نتایج نیستند، بلکه به نوبه خود پیامدهایی می باشند که از محصول فعالیت های ذهنی و فیزیکی گرفته شده اند و می توان آنها را جدا از نتایج دانست.

پیشینه پژوهش

عبدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه توانمندسازی روانشناختی و خودکارآمدی با رضایت شغلی کارکنان فرش غرب» به این نتایج دست یافت که نتایج نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین توانمندسازی روان شناختی و رضایت شغلی می باشد. همچنین ارتباط رضایت شغلی با سه بعد توانمندسازی روان شناختی، خود تعینی،

دوتینگ و همکاران (۲۰۰۳) طی تحقیقی با عنوان توانمندسازی روانشناختی در محیط کار، به بررسی ارتباط میان عوامل روانشناختی توانمندسازی و پاسخ‌های رفتاری و احساسی کارکنان پرداختند. آنها بیان کردند که عوامل روانشناختی توانمندسازی با رضایت شغلی و تعهد سازمانی ارتباط معنی‌داری دارد. همچنین، بین توانمندسازی روانشناختی و عملکرد کارکنان ارتباط معنی‌داری مشاهده شد ولی این ارتباط در بهترین حالت، خیلی ناچیز بود. بر اساس نتایج، ابعاد توانمندسازی بطور هم‌زمان، شش درصد از واریانس عملکرد را تبیین می‌کرد (به نقل از نوروزی، ۱۳۸۵).

بهاتی و کوارشی (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مشارکت با رضایت شغلی، تعهد سازمانی و بهره‌وری کارکنان در ۳۴ سازمان (نفت، گاز، بانک و بخش‌های ارتباطی) پرداختند، نتایج تحقیق نشان داد که ارتباط قوی بین متغیر مستقل (مشارکت کارکنان) با متغیر وابسته (رضایت شغلی، تعهد و بهره‌وری کارکنان) وجود دارد. هنگامی که کارکنان در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داده می‌شوند سبب می‌شود کارکنان رضایت بیشتری از کار خود داشته باشند و نیز سبب عملکرد بالاتر و افزایش بهره‌وری آنها می‌گردد.

نتیجه پژوهش واکاریات (۲۰۰۸) که با هدف بررسی رابطه توانمندسازی، رضایت شغلی و تعهد سازمانی در بین پرستاران فیلیپینی و آمریکایی صورت گرفته نشان می‌دهد که بین توانمندسازی روانشناختی، توانمندسازی ساختاری، رضایت شغلی و تعهد عاطفی و هنجاری رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، سطح بالای توانمندسازی در میان پرستاران آمریکایی و فیلیپینی رضایت شغلی و تعهد عاطفی و هنجاری بالاتری را به همراه دارد.

مواد و روشها
با توجه به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهشی و همچنین همچنان که در مدل مفهومی نشان داده شده است، این پژوهش به بررسی فرضیه‌های زیر

شایستگی و معناداری نیز معنادار بود. ارتباط معناداری بین رضایت شغلی و بعد مشارکت و موثر بودن دیده نشد. ارتباط معناداری بین خودکارآمدی و توانمندسازی یافت شد و اثر خودکارآمدی بر افزایش رضایت شغلی نیز در این رابطه معنادار بود. حیدری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر توانمندسازی روانشناختی و سازمانی بر عملکرد منابع انسانی (مطالعه موردی: بیمارستان بعثت نهاجا)» به این نتایج دست یافت که موثر بودن، شایستگی، معناداری، حق انتخاب و توانمندسازی تاثیر مثبت و معناداری بر رضایت شغلی دارد. همچنین نتایج آزمون فرضیات حاکی از تاثیر مثبت و معنی‌دار متغیرهای موثر بودن، شایستگی، معناداری و توانمندسازی بر رضایت شغلی است. در حالی که، متغیر حق انتخاب تاثیر معناداری بر تعهد شغلی ندارد. علاوه بر این در این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که، رضایت شغلی، تعهد سازمانی، توانمندسازی روانشناختی و توانمندسازی سازمانی تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد منابع انسانی دارد.

فتحی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی «بررسی نقش توانمندسازی روانشناختی بر عملکرد شغلی و پاسخگویی فردی کارکنان دانشگاه ارومیه در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۹۱» پرداخت و به این نتایج دست یافت که اثر مستقیم توانمندسازی روانشناختی بر عملکرد شغلی و پاسخگویی فردی کارکنان مثبت و معنادار بود و نتایج آزمونهای رگرسیون نیز رابطه خطی برای پیش‌بینی عملکرد شغلی و پاسخگویی فردی از روی مولفه‌های توانمندسازی روانشناختی را تایید کرد.

برزگر و محمدی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تعیین رابطه بین توانمندسازی با عملکرد شغلی» به این نتایج دست یافتند که بین مولفه‌های توانمندسازی با عملکرد شغلی رابطه معنی‌داری وجود دارد همچنین متغیرهای پیش‌بین (مولفه‌های توانمندسازی) می‌توانند متغیر ملاک (عملکرد شغلی) را پیش‌بینی می‌کند.

می پردازد:

۱. بین توانمندسازی کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد؛ ۲. بین احساس معنی داری کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد؛ ۳. بین احساس شایستگی کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد؛ ۴. بین احساس خودمختاری کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد؛ ۵. بین احساس مؤثر بودن کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد؛ ۶. بین احساس اعتماد کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد؛ ۷. هر یک از ابعاد توانمندسازی توانایی پیش بینی عملکرد کارکنان در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران را دارند.

جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق، کلیه کارکنان کارکنان شهرداری منطقه ۱۸ تهران می باشد که تعداد آن ۸۳۰ نفر می باشد. از جامعه آماری پژوهش نمونه ای به حجم ۲۶۳ نفر با به کارگیری فرمول نمونه گیری کوکران انتخاب شد. به منظور نمونه گیری نیز پس از برآورد حجم نمونه از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده گردید.

ابزارهای پژوهش نیز عبارتند از: الف) توانمندسازی روانشناختی: برای سنجش توانمندسازی روانشناختی در این پژوهش از پرسشنامه اسپریتزر (۱۹۹۵) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای پنج مولفه؛ احساس معناداری، احساس شایستگی، احساس خودمختاری، احساس اعتماد و احساس مؤثر بودن می باشد که هر یک از این مولفه ها بر اساس طیف لیکرت (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) نمره گذاری می شود. واکاراکیات (۲۰۰۸) ضریب پایایی این پرسشنامه را بر اساس الفای کرونباخ برای مولفه معناداری بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۵، برای مولفه شایستگی بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۱، برای مولفه خود مختاری ۰/۸۲، برای مولفه اعتماد، ۰/۸۴ و برای مولفه مؤثر بودن ۰/۸۸.

و همچنین پایایی کلی پرسشنامه را ۰/۹۰ گزارش می کند. و ب) پرسشنامه عملکرد کارکنان: دومین پرسشنامه استاندارد عملکرد کارکنان اچیو (هرسی و گلداسمیت، ۲۰۰۳) می باشد که هفت بعد انگیزش، اعتبار تصمیمات، شناخت شغل، سازگاری با محیط، حمایت سازمانی، بازخورد عملکرد و توانایی را مورد بررسی قرار می دهد. پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت (خیلی کم -۱ تا خیلی زیاد-۵) نمره گذاری شده است.

روش تجزیه تحلیل داده ها نیز عبارت است از: تجزیه و تحلیل داده های حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم افزار آماری SPSS در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. در بخش آمار توصیفی مشخصه های آماری مانند فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از آزمون های همبستگی پیرسون استفاده خواهد شد.

یافته های پژوهش

فرضیه اصلی: بین توانمندسازی کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد.

یافته ها نشان داد که توانمندسازی کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه کارکنان از توانمندسازی بیشتری برخوردار باشند، به همان نسبت عملکرد آن ها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران اثربخش تر خواهد بود. نتایج پژوهش با یافته های پیشین همخوانی و مطابقت دارد. در همین زمینه نتایج پژوهش با یافته های حیدری (۱۳۹۲) همخوانی و مطابقت دارد که در پژوهشی نشان دادند که توانمندسازی سازمانی با عملکرد کارکنان رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش همچنین با یافته های فتحی (۱۳۹۱) و برزگر و محمدی (۱۳۸۹) همخوانی و مطابقت دارد که در پژوهش های خود نشان دادند که توانمندسازی روانشناختی باعث بهبود عملکرد شغلی کارکنان می شود.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

جدول ۱. همبستگی بین توانمندسازی کارکنان و عملکرد کارکنان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

متغیرها	میزان همبستگی	مجذور R (R) ²	جهت همبستگی	سطح معنی داری
توانمندسازی	۰/۵۷۴	۰/۳۲	مثبت	۰/۰۰۰

جدول ۲. همبستگی بین احساس معنی داری کارکنان و عملکرد کارکنان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

متغیرها	میزان همبستگی	مجذور R (R) ²	جهت همبستگی	سطح معنی داری
احساس معنی داری	۰/۴۷۷	۰/۲۲	مثبت	۰/۰۰۰

کیفیت و توانمندی نیروی انسانی، مهمترین عامل بقاء و حیات سازمان است. نیروی انسانی توانمند، سازمان توانمند را به وجود می آورد. از نظر «دراکر» رشد اقتصادی مرهون توانمند کردن کارکنان فرهیخته است. سازمان توانمند محیطی است که کارکنان در گروه های مختلف، در انجام فعالیتها با یکدیگر همکاری می کنند. توانمندسازی کارکنان، محوری ترین تلاش مدیران در نوآفرینی، تمرکززدایی و حذف دیوان سالاری در سازمانها می باشد. توانمند کردن افراد موجب می شود تا مدیران و سازمان سریع تر و بدون اتلاف منابع به اهداف خود نائل شوند. توانمندسازی موجب می شود که کارکنان، سازمان و شغل را از آن خود بدانند و از کار کردن در آن به خود ببالند. بدون توانمندسازی، نه مدیران و نه سازمانها نمی توانند در درازمدت کامیاب باشند. در واقع می توان گفت که کارکنان زمانی می توانند عملکرد بهتری ارائه دهند که از توانایی لازم برای انجام کارهای خود برخوردار باشند. صلاحیت و توانایی لازم برای کار از خود نشان دهند. چراکه این امر به نوبه خود نیز باعث می شود که فرد کارها را به درستی و بهتر انجام دهد. و همچنین تسلط کافی در مورد انجام فعالیت های سازمان داشته باشد. در

نتیجه طبیعتاً عملکرد بهتری نیز ارائه خواهند داد. فرضیه فرعی (۱): بین احساس معنی داری کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد. یافته ها نشان داد که احساس معنی داری کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه کارکنان از احساس معنی داری بیشتری برخوردار باشند، به همان نسبت عملکرد آن ها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران اثربخش تر خواهد بود. نتایج پژوهش با یافته های پیشین همخوانی و مطابقت دارد. در همین زمینه نتایج پژوهش با یافته های حیدری (۱۳۹۲) همخوانی و مطابقت دارد که در پژوهشی نشان دادند که احساس معنی داری به عنوان یکی از ابعاد توانمندسازی سازمانی با عملکرد کارکنان رابطه معناداری دارد. افراد توانمند احساس معنی دار بودن می کنند. آنان برای مقاصد، اهداف یا فعالیتی که به آن اشتغال دارند، ارزش قائل اند، آرمان ها و استانداردهایش آن با آنچه در حال انجام دادن آن هستند، متجانس است، فعالیت نظام ارزشی شان مهم تلقی می شود، درباره آنچه تولید می کنند، دقت می کنند و بدان

اعتقاد دارند. آنان در آن فعالیت، از نیروی روحی یا روانی خود مایه می‌گذارند و در درگیری و اشتغال خویش، از نوعی احساس اهمیت شخصی برخوردارند و در نتیجه اشتغال در آن فعالیت، پیوند و همبستگی شخصی را تجربه می‌کنند، بنابر این مهم بودن به نگرشی ارزشی معطوف است. افراد در زمینه شغل‌هایی که احساس می‌کنند معنادار است، نیروی زیادتری متمرکز می‌کنند و در پیگیری اهداف مطلوب پشتکار بیشتری از خود نشان می‌دهند. به علت اینکه کار معنادار با احساس اهمیت شخصی و خودارزشی افراد همراه است، آنان در اشتغال بدان هیجان و شوق بیشتری دارند. همچنین افرادی که با احساس معنادار بودن شغل توانمند شده‌اند، نوآورتر، در رده‌های بالاتر، تأثیرگذارتر و شخصاً کاراتر از کسانی هستند که از لحاظ معنادار بودن شغل امتیازات پایین‌تری دارند. در واقع این افراد طبیعتاً عملکرد بهتری خواهند داشت (لالیان پور و همکاران، ۱۳۹۰).

فرضیه فرعی (۲): بین احساس شایستگی کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد.

یافته‌ها نشان داد که احساس شایستگی کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه کارکنان از احساس شایستگی بیشتری برخوردار باشند، به همان نسبت عملکرد آن‌ها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران اثربخش‌تر خواهد بود. نتایج پژوهش با یافته‌های پیشین همخوانی و مطابقت دارد.

در همین زمینه نتایج پژوهش با یافته‌های حیدری (۱۳۹۲) همخوانی و مطابقت دارد که در پژوهشی نشان دادند که احساس شایستگی به عنوان یکی از ابعاد توانمندسازی سازمانی با عملکرد کارکنان رابطه معناداری دارد. وقتی افراد توانمند می‌شوند، احساس خوداثربخشی می‌کنند و احساس می‌کنند قابلیت و تبحر لازم را برای انجام دادن موفقیت

آمیز یک کار دارند. افراد توانمند شده نه تنها احساس شایستگی، بلکه احساس اطمینان می‌کنند که می‌توانند کار را با شایستگی انجام دهند. آنان احساس برتری شخصی می‌کنند و معتقدند که می‌توانند برای رویارویی با چالش‌های تازه بیاموزند و رشد کنند. بعضی از این نویسندگان بر این باورند که این ویژگی، مهم‌ترین عنصر توانمندی است، زیرا داشتن احساس شایستگی تعیین می‌کند که آیا افراد برای انجام دادن کاری دشوار خواهند کوشید و پشتکار خواهند داشت یا خیر؟ و باعث می‌شود که افراد از عملکرد شغلی بالاتری برخوردار باشند (لالیان پور و همکاران، ۱۳۹۰).

فرضیه فرعی (۳): بین احساس خودمختاری کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد.

یافته‌ها نشان داد که احساس خودمختاری کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه کارکنان از احساس خودمختاری بیشتری برخوردار باشند، به همان نسبت عملکرد آن‌ها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران اثربخش‌تر خواهد بود. نتایج پژوهش با یافته‌های پیشین همخوانی و مطابقت دارد.

در همین زمینه نتایج پژوهش با یافته‌های حیدری (۱۳۹۲) همخوانی و مطابقت دارد که در پژوهشی نشان دادند که احساس خودمختاری با عملکرد کارکنان رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش همچنین با یافته‌های برزگر و محمدی (۱۳۸۹) همخوانی و مطابقت دارد که در پژوهش‌های خود نشان دادند که احساس خودمختاری باعث بهبود عملکرد شغلی کارکنان می‌شود. هنگامی که افراد به جای اینکه به جبار در کاری درگیر شوند یا دست از آن کار بکشند، خود داوطلبانه و آگاهانه در وظایف خویش درگیر می‌شوند، احساس می‌کنند، در کار حق انتخاب دارند. فعالیت‌های آنان در حقیقت پیامد آزادی و اقتدار شخصی است. اشخاص توانمند

جدول ۳. همبستگی بین احساس شایستگی کارکنان و عملکرد کارکنان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

متغیرها	میزان همبستگی	مجذور R (R) ²	جهت همبستگی	سطح معنی داری
احساس شایستگی	۰/۵۱۹	۰/۲۶	مثبت	۰/۰۰۰

جدول ۴. همبستگی بین احساس خودمختاری کارکنان و عملکرد کارکنان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

متغیرها	میزان همبستگی	مجذور R (R) ²	جهت همبستگی	سطح معنی داری
احساس خودمختاری	۰/۴۲۸	۰/۱۷	مثبت	۰/۰۰۰

جدول ۵. همبستگی بین احساس مؤثر بودن کارکنان و عملکرد کارکنان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

متغیرها	میزان همبستگی	مجذور R (R) ²	جهت همبستگی	سطح معنی داری
احساس مؤثر بودن	۰/۵۴۰	۰/۲۹	مثبت	۰/۰۰۰

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۵۵۷

با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه کارکنان از احساس مؤثر بودن بیشتری برخوردار باشند، به همان نسبت عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران اثربخش تر خواهد بود. نتایج پژوهش با یافته های پیشین همخوانی و مطابقت دارد.

در همین زمینه نتایج پژوهش با یافته های حیدری (۱۳۹۲) همخوانی و مطابقت دارد که در پژوهشی نشان دادند که احساس مؤثر بودن با عملکرد کارکنان رابطه معناداری دارد. افراد توانمند احساس کنترل شخصی بر نتایج دارند. آنان بر این باورند که می توانند با تحت تاثیر قرار دادن محیطی که در آن کار می کنند یا نتایجی که

در مورد فعالیت های خود احساس مسئولیت و نیز احساس مالکیت می کنند. خودمختاری، با احساس داشتن حق انتخاب درباره روش های مورد استفاده برای انجام دادن وظیفه، مقدار تلاشی که باید صورت گیرد، سرعت کار و چهارچوب زمانی که کار باید در آن انجام شود، پیوستگی بسیار مستقیمی دارد. افراد توانمند در مورد کارهایشان احساس یک مالکیت می کنند، زیرا آنان تعیین کنند که کارها چگونه باید انجام شوند و با چه سرعتی پایان یابند و کارها را به بهترین نحو ممکن انجام دهند.

فرضیه فرعی (۴): بین احساس مؤثر بودن کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد. یافته ها نشان داد که احساس مؤثر بودن کارکنان

جدول ۶. همبستگی بین احساس اعتماد و عملکرد کارکنان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

متغیرها	میزان همبستگی	مجذور R ²	جهت همبستگی	سطح معنی داری
احساس اعتماد	۰/۵۸۱	۰/۳۳	مثبت	۰/۰۰۰

می شود. افراد توانمند حسی به نام اعتماد دارند؛ مطمئن هستند که با آنان منصفانه و یکسان رفتار خواهد شد. این افراد اطمینان دارند که حتی در مقام زبردست نیز نتیجه نهایی کارهایشان نه آسیب و زیان که عدالت و صفا خواهد بود. معمولاً معنای این احساس آن است که آنان اطمینان دارند متصدیان مراکز قدرت یا صاحبان قدرت به آنان آسیب یا زیان نخواهند زد و اینکه با آنان بی طرفانه رفتار خواهد شد. باوجود این حتی در شرایطی که افراد قدرتمند درستی و انعطاف نشان نمی دهند، افراد توانمند باز هم به گونه ای احساس اعتماد شخصی را حفظ می کنند؛ به بیان دیگر، اعتماد به معنای داشتن احساس امنیت شخصی است. اعتماد همچنین به طور ضمنی دلالت بر این دارد که افراد خود را در یک موقعیت آسیب پذیری قرار می دهند، با این همه، افراد توانمند ایمان دارند که در نهایت هیچ آسیبی در نتیجه آن اعتماد متوجه آنها نخواهد شد و در نتیجه عملکرد بهتری خواهند داشت (لالیان پور و همکاران، ۱۳۹۰).

نتیجه گیری و جمع بندی

یکی از راه های افزایش احساس معنی داری در کارکنان ایجاد محیطی است که افراد در آن احساس توانمندی کنند. ایجاد چنین محیطی نیازمند آن است که افراد به یک فکر اصلی جامع و روشن هدایت شوند و بدانند سازمان به کجا می رود و آنان به عنوان افراد آن سازمان، چگونه می توانند در آن سهمیم باشند. بدین منظور، مدیران سازمان بایستی مجموعه ای از اهداف روشن و از پیش تعیین شده را

حاصل می شود، تغییر ایجاد کنند. برای این که کارکنان احساس توانمندی کنند که آنچه انجام می دهند اثری به دنبال دارد، باید خود احساس کنند که می توانند آن اثر را بوجود آورند؛ یعنی برای اینکه آن نتیجه با احساس توانمندی همراه باشد، آنان باید احساس کنند که کنترل نتیجه کارشان را در دست دارند. وقتی همچنین احساسی در آنها به وجود بیاید، طبیعتاً آنها مسئولیت کارهای خود را می پذیرند و سعی می کنند که کارها را به نحو احسن انجام دهند که این امر به نوبه خود باعث می شود که عملکرد شغلی آنها بالا رود.

فرضیه فرعی (۵): بین احساس اعتماد کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه وجود دارد.

یافته ها نشان داد که احساس اعتماد کارکنان با عملکرد آنها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه کارکنان از احساس اعتماد بیشتری برخوردار باشند، به همان نسبت عملکرد آن ها در سازمان شهرداری منطقه ۱۸ تهران اثربخش تر خواهد بود. نتایج پژوهش با یافته های پیشین همخوانی و مطابقت دارد.

در همین زمینه نتایج پژوهش با یافته های حیدری (۱۳۹۲) همخوانی و مطابقت دارد که در پژوهشی نشان دادند که احساس اعتماد با عملکرد کارکنان رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش همچنین با یافته های برزگر و محمدی (۱۳۸۹) همخوانی و مطابقت دارد که در پژوهش های خود نشان دادند که احساس اعتماد باعث بهبود عملکرد شغلی کارکنان

برای کارکنان در نظر گرفته و آنها را نسبت به این اهداف آگاه سازند. هر یک از کارکنان باید از آنچه که باید انجام دهند، زمان و چگونگی انجام آن شناخت خوبی داشته باشند و کار نیز مورد قبول آنها باشد. برای افزایش شناخت خوب کار، کارکنان نیاز دارند از اهداف بلند مدت و کوتاه مدت، اولویتها و چگونگی کسب هر یک از آنها آگاهی داشته باشند. در بیشتر موارد توافق شفاهی بر اهداف کوتاه مدت کافی نیست بنابراین مدیران باید از ثبت تمامی اهداف کوتاه مدت اطمینان حاصل کنند و شرح وظایف و مسئولیتهای هر شغل را بصورت مکتوب درآورده و کارکنان را برای شناخت بهتر تشویق کنند. احساس شایستگی در کارکنان با ایجاد احساس تسلط شخصی در آنان افزایش می یابد. تسلط شخصی می تواند با فراهم آوردن فرصت انجام موفقیت آمیز کارهای دشوارتر که سرانجام به تحقق هدف های مطلوب منتهی می شود، تشویق گردد. بدین منظور، بایستی کارها به صورت چالش درآیند که یکی از راه های آن چرخش شغلی است. بنابراین باید کارکنان تازه استخدام شده در سازمان را به ترتیب از کارهای ساده و تکراری به سمت کارهای مشکلتر و تخصصی رهنمون ساخت. لذا پیشنهاد می شود:

۱. مسئولان شهرداری منطقه ۱۸ تهران باید با ایجاد شرایط مطلوب برای کارکنان و ایجاد دوره های آموزشی مناسب احساس شایستگی در شغل را در کارکنان خود افزایش دهد.

۲. مدیریت باید فرصت قابل توجهی را برای آزادی و استقلال در نحوه انجام کارها را به فرد بدهد. بدین منظور مدیران باید به افراد این اجازه را بدهند که آنان نظرات خود را راجع به وظایف و نحوه انجام آنها را ارائه داده و از بین آنها بهترین و مناسب ترین ایده انتخاب شود.
۳. به مسئولان شهرداری منطقه ۱۸ تهران پیشنهاد می شود زمینه آزادی عمل و استقلال در کارها (تفویض اختیار) را به کارکنان شان بدهند تا آنها بتوانند روش انجام وظایف محوله و سرعت

انجام آنها را خودشان تعیین کنند و به افرادی کاملاً توانمند تبدیل شوند. با افزایش توانمندی در بین آنها، عملکرد آنها در شهرداری منطقه ۱۸ تهران نیز افزایش می یابد.

۴. پیشنهاد می گردد، به کمک راه هایی که می توان در کارکنان ایجاد انگیزه نمود همچون تفویض اختیار، تشویق کارکنان به یافتن راه حل برای مشکلات خود و سازمان احساس معنی داری را در فرد بالا برد تا بدین ترتیب در عین اینکه امید به بهبود راندمان کار و افزایش رضایت مندی بیشتر می شود، بهره وری نیز به تبع آن در سطح بالایی قرار خواهد گرفت.

۵. به عنوان یک راهکار، مدیران می توانند با تفویض اختیار به کارکنان به منظور حل به موقع و سریع مشکلات مشتریان، نه تنها رضایت مشتری را افزایش داده بلکه احساس توانمندی کارکنان را نیز افزایش دهند که این امر با استراتژی مشتری مداری نیز هماهنگی دارد.

۶. مدیران شهرداری منطقه ۱۸ تهران باید بتوانند فضایی را در شرکت شهرداری منطقه ۱۸ تهران به وجود بیاورد که در آن، تجربه، آزمون و خطا پذیرفته شود و کارکنان بتوانند عواقب رد یا پذیرش ایده هایشان را بدون نگرانی از توبیخ شدن بر عهده گیرند.

منابع و ماخذ

ابطحی، سید حسین؛ عابسی، سعید (۱۳۸۶). توانمندسازی کارکنان، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.

اللهیاری، رحمت الله (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین توانمندسازی مدیران و کارکنان و یادگیری سازمانی در حوزه ستادی دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تهران.

آرمسترانگ، مایکل (۱۳۸۶). مدیریت عملکرد،

راهبردهای اساسی و رهنمودهای عملی. ترجمه ناصر میرسپاسی و اسماعلی کاووسی. تهران: انتشارات ترمه.

برزگر، مرضیه و محمدی، نرجس (۱۳۸۹). بررسی تعیین رابطه بین توانمندسازی با عملکرد شغلی (مورد مطالعه: کارکنان آموزش و پرورش شهرستان مرودشت)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مرودشت.

جراحی، نازنین (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین توانمندسازی و بهره‌وری نیروی انسانی در شرکت سایپا، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران.

جزنی، نسرين. (۱۳۸۰). مدیریت منابع انسانی. تهران: نشر نی.

حیدری، علیرضا (۱۳۹۲). بررسی تاثیر توانمندسازی روانشناختی و سازمانی بر عملکرد منابع انسانی (مطالعه موردی: بیمارستان بعثت نهاجا)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه پیام نور، استان تهران.

سعیدی، نیما؛ کریمخانی، محمدجواد و زنده‌باده، سعید (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد کارکنان در سطح سازمان. فصلنامه صنعت لاستیک، ۱۶(۶۵): ۵۸-۶۶.

شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم رفتاری. تهران: انتشارات امیرکبیر.

شعبانی، حسن. (۱۳۸۲). مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس). تهران: سمت. عبدی، فرهاد (۱۳۹۲). بررسی رابطه توانمندسازی روانشناختی و خودکارآمدی با رضایت شغلی کارکنان فرش غرب، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، چالش‌ها و راهکارها، شیراز

فتحی، صابر (۱۳۹۱). بررسی نقش توانمندسازی روانشناختی بر عملکرد شغلی و پاسخگویی فردی کارکنان دانشگاه ارومیه در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه.

گرچی، محمدباقر (۱۳۸۹). ارزیابی تاثیر توانمندسازی بر عملکرد کارکنان، پژوهشگر (مدیریت)، ۷(۱۷): ۳۸-۴۸.

لالیان پور، نوشین؛ دوستی، ناهید؛ محمدزاده، آزاده (۱۳۹۰). مفهوم توانمندسازی و تعهد سازمانی کارکنان مورد مطالعه یک شرکت بیمه‌ای، ماهنامه تازه‌های جهان بیمه، ۱۶۳: ۲۴-۳۹.

محمدی، محمد (۱۳۸۰). ارزیابی راههای توانمندسازی کارکنان دانشگاه بیرجند. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. محمدی، محمد (۱۳۸۱). برنامه‌های توانمندسازی کارکنان. فصلنامه مطالعات مدیریت. ۳۵ و ۳۶: ۱۵۹-۱۸۶.

نوروزی، مجتبی. (۱۳۸۴). بررسی ارتباط میان عوامل روان‌شناختی توانمندسازی کارکنان با عملکرد سازمانی در شعب بانک ملت شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

نیازی، محسن و کارکنان نصرآبادی محمد (۱۳۸۸). توانمندسازی بر اساس راهبرد سرمایه اجتماعی. ماهنامه تدبیر. ۲۰۳: ۲۱-۲۶.

Bhatti, K.K & Qureshi, T.M (2007). Impact of employee participation on job satisfaction, employee commitment and employee productivity. International Review of Business Research Papers, Vol.3, No.2, Pp. 54 – 68.

Edwards, J.L., Green, K E., Lyons, C.A. (2002). Personal Empowerment, Efficacy, and Enviromental Characteristics, Journal of Educational Administration, 40(1):67-86.

Erstad, M (1997). Empowerment and organizational change, International Journal of Contemporary Hospitality Management, 9(7):325-333

Greasley, K., King, N., Bryman, A., Dainty, A., Price, A & Soetanto, R (2005). Employee perceptions of empowerment, Employee Relations.27(4):354-368.

Lee, M. & Koh, J. (2001). Is empowerment really a new concept? International Journal of Human Re-

source Management, 12(4):684-695.

Liu, M.M Anita., Chiu, W.M. & Fellows, R (2007). Enhancing commitment through work empowerment, Engineering, Construction and Architectural Management, 14(6):568-580.

Vacharakiat, M (2008). The Relationships of Empowerment, Job Satisfaction, and Organizational Commitment among Filipino and American Registered Nurses Working in the U.S.A. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy at George Mason University.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

National Nuclear Industry ■ 385-394 ■

21. Pygmalion effect on organizational citizenship behavior and health in the General Directorate of Technical and Vocational Ardabil ■ 395-406 ■
22. Analyzing the role of neighborhood control abnormal behavior with an emphasis on the concept of citizenship identity Neighborhoods ■ 407-438 ■
23. Johan Pallasmaa reading phenomenological analysis of the differences in the perceptions of architecture and urban and rural area ■ 439-458 ■
24. Foundations of municipal civil liability in respect of the staff and employees ■ 459-470 ■
25. Evaluate the impact of tourism on economic stability and economic growth of cities, case study: the city of Mashhad ■ 471-480 ■
26. Intimate urban space designed with an emphasis on memorable anthology of Yazd in History ■ 481-498 ■
27. Evaluate the relationship between healing Persian garden landscapes with urban open spaces ■ 499-516 ■
28. The appearance of architectural and Urbanism Interaction between Iran and the Western Urban Planning through the Iranian Travel literatures during the Qajar Period ■ 517-534 ■
29. Clustering and ranking contractors using data mining algorithm and VIKOR (Case study: Mehr housing Hashtgerd New Town) 535-546
30. Investigate the relationship between psychological empowerment and improve performance in District 18 547-559

Index

1. Detecting key success Factor (CSF) employment of decision making supportive systems (DDS) at urban management area (case study saveh mayoralty) ■ 7-18 ■
2. Explaining the Conceptual Model of Interactions among Ports and Their Hinterlands: A Study by Content Analysis Method ■ 19-40 ■
3. Assess the impact of a sense of citizenship of a sense of place by emphasizing its semantic components Case study: The new City Campus ■ 41-64 ■
4. Child-friendly urban design guideline ■ 65-90 ■
5. Qualitative Daylight Measurement in the Urban Religious spaces with the Emphasis on Enhancing Spirituality in Place; A case study: SHABESTANI Mosques of Qajar Era in Tabriz Bazar ■ 91-106 ■
6. Rethinking on the geometric proportions of the creation in the Islamic art and architecture works ■ 107-124 ■
7. Comparative Iranian markets and markets of Islamic Countries (Case Study: Yazd in Iran and Istanbul market in Turkey) ■ 125-138 ■
8. Architectural component of the religious monuments of philosophical and phenomenological perspective ■ 139-154 ■
9. Principles of endogenous approach in architecture education ■ 155-176 ■
10. Developing a Model Environmental Education to Strengthen Governance Sustainable in Water Resources Management ■ 177-194 ■
11. Design and validation tool to assess the two sides can in organizational management ■ 195-210 ■
12. The concept of continuity in the formation and development of architectural design concept Case study: Traditional Iranian Architecture ■ 211-230 ■
13. Examine the physical structure of the market as a vital element of the old urban fabric; Case Study: Kashan market ■ 231-252 ■
14. A Study of the Involvement of Children in design and urban planning; Challenges and Solutions ■ 253-278 ■
15. Mutual influences political behavior and professional ethics and organizational commitment (Case Study Bushehr Municipality) ■ 279-288 ■
16. Citizen Participation in Urban Environmental Protection in Urban Planning Strategies; Case study: Lavasan ■ 289-320 ■
17. Meta explain the theory, models, methods and techniques of creativity in architecture and design creative cities ■ 321-350 ■
18. Evaluation of urban parks based on the needs of women citizens, Case Study: Municipality of Kerman ■ 351-368 ■
19. The impact of natural geography and climate, urban-oriented short story writers Khuzestan ■ 369-384 ■
20. Evaluating of Environmental Culture in the Sustainable Development of the

Urban

Management

A Quarterly Journal of Urban
Management and Planning

Vol.15 No.44 Autumn 2016



The Urban and Rural
Research Center

Address: No. 17 , Shahid Naderi
St., Keshavarz Bivd , Vali-e-Asr sq.,
Tehran, iran

Tel:88976651-88986382-
88966239

Fax:88977918

Urban Research Center:

Address. As above, North Forth
Floor

Tel: 88977919

Ministry of Interior



Iran Organization Of Municipality
and Rural Managers The
Cultural, Informative and
Publications Institute

<http://www.imo.org.ir>

License Holder: The Iranian Municipalities Organization (I.M.O)

Managing Director: Hoshang khandandel

Editor-in-chief: Mohammadreza Bemanian

The Editorial Board:

Aminzade, Behnaz. Associate Prof, Environmental Studies
Department, Tehran University

Asgari, Ali. Associate Prof, Management Studies Department,
York University of Canada

Azizi, Mohammad Mahdi. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Behzadfar, Mostafa. Assistant Prof, Architecture and Urban
Planning Department, Elm-o-san'at University of Iran

Bemanian, Mohammadreza. Associate Prof, Art and
Architecture Department, Tarbiat Modares University

Diba, Darab. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran University

Etesam, Iraj. Prof, faculty of fine art, Tehran University

Farhangi, Ali Akbar. Prof, Management Department, Tehran
University

Ghafari, Ali. Prof, Architecture and Urban Planning Department,
Shahid Beheshti University

Golabchi, Mahmood. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Latifi, Gholamreza. Assistant Prof, Social Sciences Department,
Allameh Tabatabayee University

Mirsepasi, Nasser. Prof, Management and Economy
Department, Azad University of Tehran

Naghizade, Mohammad. Assistant Prof, Art and Architecture
Department, Azad University of Tehran

Pourjafar, Mohammadreza. Prof, Art and Architecture
Department, Tarbiat Modares University

Sedigh Sarvestani, Rahmatallah. Prof, Social Sciences
Department, Tehran University

Tavosi, Mahmood. Prof, Art and Architecture Department,
Tarbiat Modares University

Editorial manager: Mahmoudinedjad, Hadi, Phd, Tarbiat
Modares University

Editorial Administarator: M. Shahyari

Editorial Committee: O. Ahadion, E. Taherimehr,

English Editorial: M. Heidarollad

Layout & Design: Payeshpouyesh@gmail.com

Publisher: Asra Publishing Group

- Papers submitted for publication should describe original work not previously published.
- Papers presented at a scientific meeting should be accompanied by particulars of the Meeting.
- Manuscripts may be submitted in English, and should be written according to sound grammar and proper terminology, irrespective of the language, the paper should be accompanied by both English and Persian abstracts.
- Manuscripts should be typed on one side of the A4 paper, with double spacing and 3 cm margin at each side submitted in triplicate.
- The first page of the paper should only contain the title, name(s), degree(s) and address of the author(s), and the source(s) or financial support for the study, if applicable.
- The text should include: title, 3-5 keywords, abstract, introduction, materials and methods, results and discussion, acknowledgment if any, and reference.
- The English and Persian abstracts for each paper submitted on two separate pages and inclusive of all information requested under item 4, should not exceed 20 lines.
- Tables, in limited numbers, should be submitted on separate with the captions placed above.
- Figures and graphs (only in black and white) in limited numbers, are accepted only if they are of high quality art work and mounted on separate pages with the legends placed below.
- The same data should not be presented in both tables and figures, and their suggested place should be clearly marked on the margin of the text.
- References alphabetically arranged by the author's name, and in sequential numbers, as will be referred to in the text, should include the following information: name of the author(s), year of publication, title, name, of the journal (as abbreviated by index medicus), volume number and page number. With regards to books, the edition, name and address of the publisher should replace the name and volume number of journal.
- Short communication and case reports should, when possible, follow the same be ordered in advance.
- The sole responsibility for the views and statement expressed in the article remains only with the author(s).
- Editors of the journal reserve the journal reserve the right accept or reject any article, as necessary.

1. Detecting key success Factor (CSF) employment of decision making supportive systems (DDS) at urban management area (case study saveh mayoralty)
2. Explaining the Conceptual Model of Interactions among Ports and Their Hinterlands: A Study by Content Analysis Method
3. Assess the impact of a sense of citizenship of a sense of place by emphasizing its semantic components Case study: The new City Campus
4. Child-friendly urban design guideline
5. Qualitative Daylight Measurement in the Urban Religious spaces with the Emphasis on Enhancing Spirituality in Place: A case study: SHABES-TANI Mosques of Qajar Era in Tabriz Bazar
6. Rethinking on the geometric proportions of the creation in the Islamic art and architecture works
7. Comparative Iranian markets and markets of Islamic Countries (Case Study: Yazd in Iran and Istanbul market in Turkey)
8. Architectural component of the religious monuments of philosophical and phenomenological perspective
9. Principles of endogenous approach in architecture education
10. Developing a Model Environmental Education to Strengthen Governance Sustainable in Water Resources Management
11. Design and validation tool to assess the two sides can in organizational management
12. The concept of continuity in the formation and development of architectural design concept Case study: Traditional Iranian Architecture
13. Examine the physical structure of the market as a vital element of the old urban fabric: Case Study: Kashan market
14. A Study of the Involvement of Children in design and urban planning: Challenges and Solutions
15. Mutual influences political behavior and professional ethics and organizational commitment (Case Study Bushehr Municipality)
16. Citizen Participation in Urban Environmental Protection in Urban Planning Strategies: Case study: Lavasan
17. Meta explain the theory, models, methods and techniques of creativity in architecture and design creative cities
18. Evaluation of urban parks based on the needs of women citizens, Case Study: Municipality of Kerman
19. The impact of natural geography and climate, urban-oriented short story writers Khuzestan
20. Evaluating of Environmental Culture in the Sustainable Development of the National Nuclear Industry
21. Pygmalion effect on organizational citizenship behavior and health in the General Directorate of Technical and Vocational Ardabil
22. Analyzing the role of neighborhood control abnormal behavior with an emphasis on the concept of citizenship identity Neighborhoods
23. Johan Pallasmaa reading phenomenological analysis of the differences in the perceptions of architecture and urban and rural area
24. Foundations of municipal civil liability in respect of the staff and employees
25. Evaluate the impact of tourism on economic stability and economic growth of cities, case study: the city of Mashhad
26. Intimate urban space designed with an emphasis on memorable anthology of Yazd in History
27. Evaluate the relationship between healing Persian garden landscapes with urban open spaces
28. The appearance of architectural and Urbanism Interaction between Iran and the Western Urban Planning through the Iranian Travel literatures during the Qajar Period
29. Clustering and ranking contractors using data mining algorithm and VIKOR (Case study: Mehr housing Hashgerd New Town)
30. Investigate the relationship between psychological empowerment and improve performance in District 18